بسم الله الرحمن الرحیم

قال رسول الله ﷺ:

«إِنّی تارِکٌ فیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتابَ اللهِ وَعِتْرَتی أَهْلَ بَیْتی.»

اصول کافی، شیخ کلینی (متوفی ۳۲۹ق)، ۲۹۴/۱

مسند احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ق)، ۱۴/۳ ، ۳۶۷-۳۶۶/۴

منابع فقه شیعه

ترجمهٔ

جامع أحادیث الشیعة

حضرت آیة الله العظمی سیّد حسین بروجردی

جلد ۱۹

قرآن، ادعیه و اذکار

مترجمان

احمد اسماعیل‌تبار، سید احمدرضا حسینی و محمدحسین مهوری

شابک: دوره ۴ ـ ۴۵ ـ ۹۹۰۶ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸: ۳۵۰۰۰۰ ریال؛ ۱ ـ ۴۲ ـ ۶۳۵۱ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸:
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۲۳۱۲۸
عنوان و نام پدیدآور: منابع فقه شیعه ترجمه جامع احادیث الشیعه حضرت آیةالله‌العظمی سید حسین بروجردی رحمةالله جلد ۱۹ قرآن، ادعیه و اذکار
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۰۹۴ ص.
یادداشت: کتابنامه.
عنوان قراردادی: جامع احادیث‌الشیعه. برگزیده
موضوع: احادیث شیعه ـ ـ قرن ۱۴.
موضوع: Hadith (Shiites) -- Text -- 20th century
موضوع: اصول فقه شیعه ـ ـ قرن ۱۴.
موضوع: Islamic law, shiites – Interpretation and construction -- 20th century
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲۰۴۲۱۱ج۴ب/BP۱۳۶/۹/
سرشناسه: بروجردی، حسین، ۱۲۵۳ ـ ۱۳۴۰.
شناسه افزوده: اسماعیل‌تبار، احمد، ۱۳۴۳ ـ ، مترجم
شناسه افزوده: حسینی، سیداحمدرضا، ۱۳۴۲ ـ ، مترجم
شناسه افزوده: مهوری، محمدحسین، ۱۳۴۰ ـ ، مترجم
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

نام کتاب: منابع فقه شیعه
نام نویسنده: حضرت آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی
مترجمان: احمد اسماعیل‌تبار، سید احمدرضا حسینی و محمدحسین مهوری
صفحه‌آرا: علی قربانی
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
ناشر: انتشارات فرهنگ سبز
چاپ و صحافی: هنر سرزمین سبز
شابک دوره: ۴ ـ ۴۵ ـ ۹۹۰۶ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
شابک: ۱ ـ ۴۲ ـ ۶۳۵۱ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ و در اختیار انتشارات فرهنگ سبز می‌باشد.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهیدبهشتی، خیابان پاکستان، کوچه چهارم، پلاک ۱۳، واحد ۵، طبقه سوم ۸۸۵۲۱۳۳۳
۰۹۳۸۶۷۲۸۶۱۷
مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، کوچه نوروز، پلاک ۲۷، طبقه سوم، پخش ایده‌پرداز ۶۶۴۸۷۱۲۴
نشانی اینترنتی: WWW.farhangesabz.ir

سخن ناشر

نشر فرهنگ جهت باورسازی مردم در جوامع انسانی ضرورت انکارناپذیری دارد. سیّال بودن فهم انسان همواره در جریان تاریخ، همراه با تکمیل معارف قدیمی و فرا گرفتن مفاهیم جدید جاری است و هرگز معارف انسانی و دستاوردهای نوین آن در حوزهٔ علوم ریاضی، تجربی و علوم انسانی متوقف نیست. مهم‌ترین بخش معارف انسان‌ها به مفاهیم بایدها و نبایدها برمی‌گردد، مفاهیمی که اعتباری هستند و به اعتبارکنندهٔ این مفاهیم بستگی دارند. مسلمانان بایدها و نبایدها را به کلام خدای بزرگ و سخنان پیامبر ﷺ و جانشینان او مربوط می‌دانند و شیعیان، جانشینان پیامبر ﷺ را خاندان معصوم ﷺ آن فرستادهٔ الهی می‌دانند.

انتشارات فرهنگ سبز سعی دارد با ترجمهٔ کلام امامان شیعه که جانشینان معصوم آن رسول الهی هستند، قدمی در جهت نشر فرهنگ اسلام بر پایهٔ اندیشه‌های اهل بیت ﷺ بردارد. تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلام از طریق نشر آموزه‌های پیامبر اسلام ﷺ و جانشینان معصومش به منظور مواد اندیشه و تحلیل فکری مردم از وظایف انتشارات است. امید آن که نشر فرهنگ سبز در انجام این وظیفه موفق و مقبول باشد.

انتشارات فرهنگ سبز

اعداد و نشانه‌های اختصاری

کا .... الکافی

فقیه .... من لایحضره الفقیه

یب .... التهذیب

صا .... الاستبصار

ئل .... وسائل الشیعه

ک .... مستدرک الوسائل

الدعائم .... دعائم الاسلام

المعانی .... معانی الاخبار

البصائر .... بصائر الدرجات

م .... مترجم

خ .... نسخه (کتاب) خطی

ظ .... ظاهراً

مجمع .... مجمع البیان

آت .... مرآت العقول

خ‌ل .... نسخه بدل

ط .... طبع

ج .... جلد

ن .... نگاه کنید ـ علامتی است که بعد از حدیثی که نیاز به توضیح دارد گذاشته می‌شود.

معلق ـ الی هنا .... حذف آن قسمت از سند لاحق که با حدیث سابق مشترک است.

بهذا الاسناد .... عدم تکرار سند روایت لاحق در صورتی که با روایت سابق بطور کلی یا در صدر سند مشترک باشد

صحّ .... صحیح است

۱ .... شماره تعداد احادیث روایت شده از جلد اول

(۱) .... شماره مربوط به روایت هر باب

۱ .... شماره مربوط به تعداد روایات در این جلد

مقدمه مترجم

اسلام دین معرفت عقل و تربیت نفس است. ابتدایی‌ترین اقدام مسلمانان معرفت از طریق دانستن و فهمیدن است و قرآن منبع الهی بی‌اشتباه، بی‌استثناء و بی‌بدیل در معرفت است که حاوی گزاره‌های استی و بایدی در معرفت علمی، اعتباری و عقلی است که به انسان دانش جهان فیزیکی و متافیزیکی را در شناخت علمی و دانش اعتباری را برای چگونه زیستن فردی، خانوادگی و اجتماعی و دانش عقلی را برای تعقل و اندیشیدن بر معلومات اعتباری و علمی می‌آموزد.

هرگز کتاب، نقصان یا بطلان نیافته و نمی‌یابد و همواره اصلی‌ترین مبنای قانونمندی و اخلاق بوده و هست. قرآن کلمات نازل شده از نفس ربوبی حضرت حق تعالی برای تعلم و تفکر انسان است. خدای خالق عالمیان از طریق قرآن به انسان اخبار داده و با او سخن گفته و خواسته‌ها و مرادهای خویش را جهت قانونمندی انسان بیان کرده است و انسان نیز از طریق دعا با خدا سخن گفته و تقاضاها و التماس‌های خویش را بیان کرده است پس توجه به دو منبع معرفتی قرآن و دعا برای شخص مسلمان بسیار حائز اهمیت است.

قرائت قرآن

آموزش و فراگیری قرائت قرآن در روخوانی و روان‌خوانی و حفظ آیات و سوره‌های آن در منابع فقه شیعه بسیار تأکید شده است به طوری که توصیه شده هر روز پنجاه یا صد آیه قرآن تلاوت شود تا چنین رویه‌ای سلوک رفتاری و اخلاقی شخص مسلمان در محیط خانواده و جامعه شود. قرآن اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد بلکه اُنس با قرآن در

تمام عمر به شخص مسلمان سفارش شده است. جای بسی تأسف است که در نظام آموزشی کنونی کشورمان آموزش به محوریت قرآن، کلام خدا نیست و چه بسا دانش‌آموزان و دانشجویان و طلبه‌های علوم در روند آموزشی شان از قرآن و حتی قرائت آن فاصله می‌گیرند به طوری که قرآن در مطالعه مسلمانان مهجور واقع می‌شود پس اولین اقدام برای خارج کردن قرآن از مهجوریت، تلاوت و قرائت مستمر آن است.

تفکر در قرآن

خداوند در قرآن، مردم به ویژه مسلمین و مؤمنین را به تفکر دعوت می‌کند. گزاره‌های خبری قرآن که از اقوام و ادیان و انبیاء گذشته در طول هزاران سال از هبوط آدم به زمین تا زمان بعثت پیامبر اسلامﷺ خبر می‌دهد توجه همه را به تفکر درباره سرنوشت آنان جلب می‌کند که چگونه ملت‌ها و اقوام گذشته علیرغم همه قدرت‌ها و امکانات به خاطر سرپیچی از تعالیم انبیاء دچار سرنوشت شوم شدند و هیچ چیز نتوانست مانع از قضاء الهی علیه آنها شود و سنت و رویه الهی را درباره همه ملت‌ها تغییر دهد. خبر از مصداق‌های متعدد اقوام و جوامع بشری که به طور اجتماعی محکوم به حکم عذاب الهی شدند گواه بر این مدعا دارد که قرآن با توجه به تفکر مردم هر عصری آنها را به رویه الهی در برخورد با جوامع باخبر می‌سازد و خداوند به عنوان وجود زنده آگاه و حاضر و عالم به تمام جزئیات علاوه بر احکام شخصی درباره هر شخص، احکام جمعی و گروهی درباره جوامع بشری را صادر می‌کند که توسط فرشتگان الهی به طور کامل و دقیق اجرا می‌شود و چنین رویه و سنت الهی همواره در طول زمان در جوامع بشری مستمر و مستقر است. تفکر درباره گزاره‌های خبری قرآن از آفرینش آدم و اقوام متعدد و ماجراهای گوناگون، انسان را به معرفت تازه و جدیدی می‌رساند که از طریق تجربه یا استقرا قابل شناخت نیست.

قرآن منبع اصلی فقه

شناخت قرآن انسان را به شناخت منبع اصلی فقه می‌رساند که سایر منابع همانند سنت و اجماع و عقل در برداشت‌های غیرمستقل با آیات نورانی قرآن درباره احکام سنجیده

می‌شود چنانچه روایت یا اجماع یا برداشت غیرمستقل عقل مخالف با آیات احکام قرآن باشد در فقه استدلالی مورد استناد احکام فقهی قرار نمی‌گیرد و در تعارض با قرآن کنار گذاشته می‌شود بنابراین هیچ روایت یا عرفی نمی‌تواند با آیات محکم قرآن به تعارض و مخالفت بپردازد بلکه همه عرف‌ها و حدیث‌ها باید به نصوص قرآن سنجیده شود.

آیات قرآن به عنوان منبع اصلی قانونمندی انسان مسلمان به دو بخش مکی و مدنی تقسیم می‌شود: آیات مکی طی ۱۳ سال بعثت در شهر مکه بر وجود مقدس پیامبر ﷺ نازل شد و آیات مدنی طی ۱۰ سال بعد از هجرت پیامبر ﷺ از شهر مکه در شهر مدینه بر وجود نورانی پیامبر ﷺ نازل شده است. آیات احکام قرآن سه رابطه شهوت، ثروت و قدرت را بین اشخاص تنظیم می‌کند که منابع دیگر حقوق و تکالیف به محکمات قرآن سنجیده می‌شوند.

فضائل و آثار قرائت سوره‌ها

دانستن فضائل و آثار قرائت سوره‌ها تنها از طریق علوم عالمان آل محمد ﷺ ممکن است زیرا شخص دیگری آگاه به رموز آیات و سوره‌های قرآنی نیست و خداوند تنها در وجود پاک و نورانی آن ستارگان هدایت، الهام و تعلیم فرموده است.

جلد ۱۹ منابع فقه شیعه خوانندگان محترم را به فضائل شمار زیادی از سوره‌های قرآن و آثار آیات برگزیده از آن سوره‌ها آشنا می‌سازد که با توجه به ذکر منابع دست اول و سلسله راویان رسیدن به روایت صحیح از جهت سند و دلالت، دور از دسترس نیست و با آیات و سوره‌های قرآن بسیاری از مشکلات حل خواهد شد زیرا کسی از تأثیر متافیزیک آیات و سوره‌ها در دنیای فیزیک ما خبر ندارد مگر آنچه که از طریق اهل بیت پیامبر ﷺ وارده شده است.

هنر تلاوت قرآن

تلاوت قرآن با ترتیل و لحن و تواشیح پای هنر خواندن را به تلاوت قرآن باز می‌کند. هنر همواره وسیله‌ای موثر در جذب مخاطب است اما حسب تناسب و اختصاص و استخدام

آن در مجالس مومنین و محافل فاسدین به دو دسته هنر حلال و حرام تقسیم می‌شود. غناء و خوانندگی حرام که با الحان اهل فسوق و در مجالس شهوت‌رانان جنسی یا متملقان و مقامداران قدرتمند ظالم و ثروتمند فاسد اجرا می‌شود هرگز در قرائت و تلاوت قرآن جایز نیست و شخص قاری به خوبی می‌داند با چه لحنی و به چه جهتی صدای خوش را صرف می‌کند چنانچه قرائت قرآن با لحن اهل فسق و به جهت حرام باشد چنین هنری برای تلاوت قرآن جایز نیست.

عرف متشرعین، محافل اهل فسوق راکه بوی تکبر و تفاخر و تبرج جاهلی می‌دهد به خوبی می‌شناسد و مومنین هرگز حاضر نیستند که در آن مجالس و محافل حضور داشته باشند اما الحان خوش که نعمت الهی است همان طوری که خداوند به داود نبی مرحمت فرموده بود و با آن زبور را تلاوت می‌فرمود موجب زینت تلاوت قرآن می‌شود که با قرائت حزین عاشق دورافتاده از معشوق هر شنونده‌ای را به خود جذب خواهد کرد.

اذکار و ادعیه

بعد از آیات الهی، ذکرها و دعاها که از طرف پیامبراسلامﷺ و اوصیای معصوم ایشان انشاء و بیان شده است انسان را به معارف عمیق دینی در قالب گزاره‌های خبری و انشائی می‌رساند گرچه دعاهای مشهور و مأثور وارده شده از طرف اهل بیتؑ در این جلد به طور کامل جمع آوری نشده است اما اذکار و شماری از ادعیه و روش‌های استجابت دعاها و اوقات شریف آنها به خوبی بیان شده است.

انسان بدون توجه و توکل و توسل به منبع لایزال الهی نمی‌تواند زندگی کند گرچه در شناخت مصداق ذات ربوبی و مسائل الهی بین خالق و خلق اشتباه می‌کند اما نفس انسان گرایش به مبدأ اعلی قادر هستی الهی دارد که انسان آغاز و انجام خود را از او می‌داند.

گفتن اذکاری که از طرف پیامبرﷺ و اهل بیت ایشان به مسلمانان توصیه شده است و تشکیل مجالس دعا که از طرف معصومینؑ وارد شده است راه عرفان‌های کاذب و محافل دروغین را می‌بندد و صراط مستقیم در توجه و خشوع و ارادت و تقرب به خدای

بزرگ را ارائه می‌دهد زیرا شرایط دعای صحیح و نافذ و روش اجرای آنها در روایات معصومین ﷺ بیان شده است.

صلوات

مصداق عملی محبت و مودت به پیامبراسلام ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ ذکر صلوات بر آن وجودهای نورانی و استمرار و استدامه این کار است که موجب گشایش فراوان در رفع مشکلات و تحول در پیشرفت کارها می‌شود. توصیه و تأکید به صلوات بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ در منابع روایی فریقین شیعه و سنی متواتر است و جای هیچ‌گونه تردید و شبهه در آن نیست. یاد پیامبر ﷺ و ائمه اطهار یاد خداست زیرا رسول خدا ﷺ و اوصیای او توجه و تفکر انسان را به سوی مبدأ بی نهایت توحید جلب می‌کنند.

مداومت در فرستادن صلوات زیاد بر وجود نورانی پیامبر ﷺ و آل ایشان موجب ثواب‌ها و پاداش‌های الهی زیادی می‌شود که موارد آن در روایات مربوط به صلوات بیان شده است.

استغفار و اذکار

استغفار روح تواضع است که انسان نفس خود را همواره در برابر خداوند، خطاکار و عصیانگر می‌داند. خطاها و گناهان دانسته و ندانسته انسان در پرونده الهی او به طور دقیق و کامل ثبت و ضبط است زیرا هیچ ذره‌ای از خیر و شر رفتار و گفتار انسان بر خدای بزرگ مخفی نیست و این مهم اقتضاء دارد تا انسان همواره در محضر الهی استغفار کند چرا که استغفار بهترین دعا و عبادت انسان است و توبه همان بازگشت انسان به محضر الهی است که موجب بازگشت خداوند به انسان می‌شود پس استغفار و ذکر گفتن و توبه کردن بازگشت خاضعانه به خداست اما علاوه بر استغفار برای یاد خدا، انسان باید بداند برای تعظیم و تحمید خداوند در چه شرایطی و در چه وقتی چه ذکری را چند بار بگوید؟ و گفتن اذکار چه اثری در دنیا بر زندگی انسان و در آخرت بر سرنوشت جاودان او خواهد داشت؟

پاسخ به این پرسش‌ها تنها در منابع فقه شیعه که سنت رسول خدا ﷺ را بیان می‌کند

یافت می‌شود تا انسان با هدایت رسول خداﷺ و اهل بیت پیامبرﷺ محافل اذکار و ادعیه را تشکیل دهد و از مجالس منحرفین و راهزنان عشق و عرفان و عبادت بر حذر باشد.

منابع و اسانید روایات

فقه شیعه از آیات کلام خدا و روایات سنت رسول خداﷺ نشأت گرفته و تکامل یافته است بنابراین شناخت آیات احکام و منابع دست اول روایات برای دانستن و فهمیدن فقه ضروری است. مجموعه منابع فقه شیعه، از آیات و روایات مرتبط با مباحث فقهی تدوین شده است و روایات از منابع معتبر و دست اول قرن دوم هجری به بعد تدوین شده است به طوری که روایات بدون تقطیع بلکه به طور کامل همراه با اسانید راویان آنها نوشته شده است و ارجاع برای روایاتی که در چند مبحث فقهی کاربرد دارند بیان شده است. جامع احادیث الشیعه که قریب به دویست منبع از قرن دوم هجری تاکنون دارد جامع‌ترین منبع آیات الاحکام و روایات فقهی است که در تاریخ مجامع روایی شیعه تدوین شده است. اسانید این روایات به طور کامل بیان شده است و سلسله اسناد بیان شده از مقام معصومﷺ تا نویسنده کتاب حدیث زمینه مباحث تاریخی و رجالی را فراهم می‌آورد به طوری که تمام ناقلان حدیث و گزاره اعتباری معصومینﷺ مورد شناسایی قرار می‌گیرند و اعتبار سند روایات تأیید می‌شود.

اسامی تمام منابع مجلدهای سی و یک گانه جامع احادیث الشیعه طی قرون متوالی در پایان همین مجلد آورده شده است و منابع همین مجلد که از قرآن مجید آغاز می‌شود به شرح ذیل است:

قرن اول

۱ ـ *قرآن کریم*

قرن دوم

۲ ـ *توحید المفضل*. مفضل بن عمر جعفی. (؟ ـ ۱۶۰ق)

قرن سوم

۳ ـ *المحاسن*. احمد بن محمد بن خالد برقی. (؟ ـ ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)

۴ـ *الغارات*. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی. (؟ ـ ۲۸۳ق)

۵ـ *بصائرالدرجات*. محمد بن حسن بن فروخ صفار. (؟ ـ ۲۹۰ق)

۶ـ *کتاب الزهد*. حسین بن سعید اهوازی. (؟ ـ ؟)

۷ـ *المؤمن*. حسین بن سعید اهوازی. (؟ ـ ؟)

۸ـ *المناقب*. حسین بن سعید اهوازی. (؟ ـ ؟)

قرن چهارم

۹ـ *کتاب التفسیر*. محمد بن مسعود عیاشی. (؟ ـ حدود ۳۲۰ق)

۱۰ـ *تفسیرالقمی*. ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی. (؟ ـ ۳۲۹ق)

۱۱ـ *الکافی*. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی. (؟ ـ ۳۲۹ق)

۱۲ـ *رجال الکشی*. ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی. (؟ ـ حدود ۳۴۰ق)

۱۳ـ *اثبات الوصیة*. علی بن حسین مسعودی. (؟ ـ ۳۴۶ق)

۱۴ـ *دعائم‌الاسلام*. نعمان بن محمد تمیمی. (۲۵۹ ـ ۳۶۳ق)

۱۵ـ *الغیبة*. محمد بن ابراهیم نعمانی. (؟ ـ ۳۸۰ق)

۱۶ـ *من لایحضره الفقیه*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۱۷ـ *علل الشرائع*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۱۸ـ *معانی الاخبار*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۱۹ـ *الخصال*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۰ـ *المقنع*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۱ـ *عیون اخبارالرضا*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۲ـ *کمال‌الدین و تمام النعمة*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۳ـ *الامالی*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۴ـ *ثواب الاعمال*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۵ـ *فضائل الاشهر الثلاثة*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۶ـ *فضائل الشیعه*، *صفات الشیعه*. شیخ صدوق. (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۲۷ـ *العروس*. جعفر بن احمد بن علی قمی. (؟ ـ ؟)

۲۸ـ *التمحیص*. ابن شعبه. (؟ ـ ؟)

۲۹ـ *تحف العقول*. ابن شعبه. (؟ ـ ؟)

۳۰ـ *الجعفریات*. محمد بن محمد اشعث. (؟ ـ ؟)

۳۱ـ *قرب الاسناد*. عبدالله بن جعفر حمیری. (؟ ـ ؟)

۳۲ـ *تفسیر فرات*. فرات بن ابراهیم کوفی. (؟ ـ ؟)

۳۳ـ *المسلسلات*. جعفر بن احمد بن علی قمی. (؟ ـ ؟)

۳۴ـ *الغایات*. جعفر بن احمد بن علی قمی. (؟ ـ ؟)

۳۵ـ *طب الائمه (طب النبی)*. عبدالله و حسین پسران بسطام. (؟ ـ ؟)

قرن پنجم

۳۶ـ *نهج البلاغه*. سید رضی. (۳۵۹ ـ ۴۰۶ق)

۳۷ـ *المجازات النبویة*. سید رضی. (۳۵۹ ـ ۴۰۶ق)

۳۸ـ *المقنعة*. محمد بن محمد بن نعمان مفید. (۳۳۶ ـ ۴۱۳ق)

۳۹ـ *الامالی*. محمد بن محمد بن نعمان مفید. (۳۳۶ ـ ۴۱۳ق)

۴۰ـ *الارشاد*. محمد بن محمد بن نعمان مفید. (۳۳۶ ـ ۴۱۳ق)

۴۱ـ *الاختصاص*. محمد بن محمد بن نعمان مفید. (۳۳۶ ـ ۴۱۳ق)

۴۲ـ *رسالة المحکم و المتشابه*. سید مرتضی. (۳۵۵ ـ ۴۳۶ق)

۴۳ـ *رجال*. احمد بن علی نجاشی. (۳۷۲ ـ ۴۵۰ق)

۴۴ـ *الامالی*. شیخ طوسی. (۳۸۵ ـ ۴۶۰ق)

۴۵ـ *تهذیب الاحکام*. شیخ طوسی. (۳۸۵ ـ ۴۶۰ق)

۴۶ـ *کنز الفوائد*. ابو الفتح کراجکی. (؟ ـ ۴۹۹ق)

قرن ششم

۴۷ـ *روضة الواعظین*. محمد بن فتال نیشابوری. (؟ ـ ۵۰۸ق)

۴۸ـ *مجمع البیان*. فضل بن حسن طبرسی. (حدود ۴۶۹ ـ ۵۴۸ق)

۴۹ـ *مکارم الاخلاق*. حسن بن فضل طبرسی. (؟ ـ ۵۴۸ق)

۵۰ـ *الدعوات*. سید فضل الله راوندی. (؟ ـ ۵۷۰ق)

۵۱ـ *النوادر*. سید فضل الله راوندی. (؟ ـ ۵۷۰ق)

۵۲ـ *فضل الحولقة*. ابن عساکر. (۴۹۹ ـ ۵۷۱ق)

۵۳ـ *المناقب*. ابن شاذان قمی. (پس از ۵۰۹ ـ ۵۸۴ق)

۵۴ـ *مناقب آل ابیطالب* علیهم السلام. ابن شهرآشوب. (۴۸۹ ـ ۵۸۸ق)

۵۵ـ *السرائر*. محمد بن ادریس. (۵۴۳ ـ ۵۹۸ق)

۵۶ـ *جامع الاخبار*. تاج الدین شعیری. (؟ ـ؟)

۵۷ـ *الاحتجاج*. احمد بن علی طبرسی. (؟ ـ؟)

قرن هفتم

۵۸ـ *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*. ابوالفضل علی طبرسی. (اوایل قرن هفتم)

۵۹ـ *تنبیه الخواطر*. ورام بن ابی فراس. (؟ ـ ۶۰۵ق)

۶۰ـ *الاقبال*. سید علی بن طاووس. (۵۸۹ ـ ۶۴۴ق)

۶۱ـ *مصباح الزائر*. سید علی بن طاووس. (۵۸۹ ـ ۶۴۴ق)

۶۲ـ *فلاح السائل*. سید علی بن طاووس. (۵۸۹ ـ ۶۴۴ق)

۶۳ـ *کشف الغمّة*. علی بن عیسی اربلی. (؟ ـ ۶۹۳ق)

۶۴ـ *بشارة المصطفی لشیعة المرتضی*. عماد الدین طبری. (؟ ـ زنده در ۶۹۸ق)

قرن نهم

۶۵ـ *عدة الداعی ونجاح الساعی*. ابن فهد حلّی. (۷۵۷ ـ ۸۴۱ق)

۶۶ـ *ارشاد القلوب*. حسن بن ابی الحسن دیلمی. (؟ ـ ۸۴۱ق)

قرن دهم

۶۷ـ *عوالی اللئالی*. محمد بن علی بن ابراهیم احسائی. (حدود ۸۴۰ ـ زنده در ۹۰۲ق)

۶۸ـ *منیة المرید*. شهید ثانی. (۹۱۱ ـ ۹۶۶ق)

قرن دوازدهم

۶۹ـ *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. محمد بن حسن بن محمد حر عاملی. (۱۰۳۳ ـ ۱۱۰۴ق)

۷۰ـ *بحارالانوار*. محمدباقر مجلسی. (۱۰۳۷ ـ ۱۱۱۱ق)

قرن چهاردهم

۷۱ـ *مستدرک الوسائل*. میرزا حسین نوری طبرسی. (۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۰ق)

۷۲ـ *جامع احادیث الشیعه*. حاج سید حسین بروجردی. (۱۲۹۲ ـ ۱۳۸۰ق)

آشنایی با مؤلفان منابع جامع احادیث الشیعه جلد ۱۹

قرن دوم

۱ـ مفضل بن عمر جعفی (؟ـ ۱۶۰ق)

وی از فقهای بزرگ و موثق، از اصحاب خاص امام صادقؑ و متصدی برخی از امور از جانب ایشان بود. او همان است که امام صادقؑ توحید را برایش بیان داشت و او سخنان امام را در کتابش که به توحید مفضل معروف شده است، جمع کرده است. مفضل که بنا بر روایات از علوم ائمه آگاهی داشته و مورد توجه خاص امام صادقؑ بوده، به نمایندگی از آن حضرت به کارهای شیعیان رسیدگی می‌کرد و در منازعات مالی ایشان برای رفع اختلاف به وکالت از آن حضرت می‌پرداخت. وی همچنین مباشر کارهای مالی امام کاظمؑ بود و آن حضرت خود، شخصاً پرداخت‌های مالی شیعیان را نمی‌پذیرفت.

در مورد وی بین رجالی‌های شیعه اختلاف است. نجاشی در ارتباط با وی می‌گوید: «او در نقل روایت مضطرب است.» ابن غضائری گوید: «المفضل بن عمر الجعفی ابو عبدالله، ضعیف متهافت، مرتفع القول، خطابی، و قد زید علیه شئی کثیر و حمل الغلاة فی حدیثه حملاً عظیماً ولا یجوزان یکتب حدیثه، و روی عن ابی‌عبدالله وابی‌الحسنؑ».

اما آیت‌الله العظمی خویی در معجم رجال الحدیث، وی را جلیل و ثقه می‌داند.

مهمترین کتاب او توحید مفضل درباره خداشناسی است که برای آن اسامی دیگری نیز ذکر شده است. نجاشی آن را کتاب فکرّ، کتاب فی بدء الخلق والحث علی الاعتبار نامیده

است. نامگذاری به فکّر شاید به این دلیل باشد که در آن عبارت «فکّر یا مفضل» تکرار شده است. بعضی هم آن را کنزالحقایق و المعارف نامیده‌اند.

از تألیفات وی:

۱ ـ التوحید

۲ ـ یوم و لیلة

۲ ـ برقی (؟ ـ ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)

ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی. عالم و محدث شیعه، اصالتاً کوفی بود و نیاکانش در آن دیار زندگی می‌کردند و چون یوسف بن علی والی عراق محمد بن علی جد اعلای برقی را که از هواداران زید بن علی بن حسین ﷺ بود، دستگیر و به شهادت رساند، به ناچار عبدالرحمن و پسرش خالد به ایران گریختند و در برقه رود قم (ظاهرا رودخانه بیرقون) جایگیر شدند.

از زادروز وی اطلاعی در دست نیست اما احتمالا در قم زاده شده است. وی عصر چند تن از ائمهٔ اطهار ﷺ را درک کرده و از ایشان حدیث آورده است.

شیخ طوسی وی را در شمار یاران امام جواد و امام هادی ﷺ قرار داده بنابراین می‌توان گفت نخستین استادان وی، ایشان بودند.

چون از احادیث مرسل و ضعیف روایت می‌کرد، چندی مورد طعن فقها قرار گرفت که یکی از آنها شیخ، رئیس و فقیه قم احمد بن عیسی بود که وی را از قم راند و پس از مدتی پشیمان شد و پوزش خواست و وی را بازگرداند.

شاگردانی که در محضرش بودند: محمد بن حسن صفار، علی بن حسین سعدآبادی، محمد بن جعفر بن بطه، علی بن ابراهیم قمی، سعد بن عبدالله اشعری و...

وی تألیفات بسیاری داشته که بیشتر آنها را نیز به المحاسن نامگذاری می‌کرده و در حقیقت مجموعه‌ای از علوم قرآنی، حدیث و فقه بوده و گزاف نیست که آن را دایرةالمعارف بدانیم که تنها یک سوم آن باقی مانده است.

برقی در قم درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ـ المحاسن

۲ـ الرجال

۳ـ ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (؟ ـ ۲۸۳ ق)

ابو اسحاق ابراهیم ثقفی کوفی اصفهانی از شیعیان عالم و صاحب تالیف قرن سوم هجری است. ابوالفرج محمد بن اسحاق معروف به ابن ندیم در کتاب الفهرست او را از ثقات علماء و مصنفین معرفی کرده است.

شیخ طوسی در کتاب الفهرست، اصل او را کوفی دانسته و برای او مصنفات زیادی نقل کرده است. ابراهیم ثقفی از احفاد سعید بن مسعود، عموی مختار ثقفی است که امیر المؤمنین علیه‌السلام او را والی مداین کرده بود و در زمان امام حسن علیه‌السلام نیز والی بود. هنگامی که جراح بن سنان در مظلم ساباط مداین امام حسن علیه‌السلام را زخمی کرد امام علیه‌السلام بر سعید بن مسعود وارد شد و او طبیب آورد تا زخم امام علیه‌السلام را مداوا کند.

از تألیفات وی:

۱ـ المغازی

۲ـ الغارات

۳ـ المعرفة

۴ـ الجامع الکبیر فی الفقه

۴ـ محمد بن حسن بن فروخ صفار (؟ ـ ۲۹۰ ق)

از یاران باوفای امام حسن عسکری علیه‌السلام و چهره‌ای سرشناس و محدثی توانمند.

وی را می‌توان از بزرگان روایت شیعه در قرن سوم هجری دانست. در آن زمان که خفقان و ظلم بنی‌عباس همه‌جاگیر و امام حسن عسکری علیه‌السلام در منطقهٔ نظامی تحت نظارت و مراقبت بود، محمد بن حسن بن صفار از طریق نوشتن نامه‌های خصوصی و به شکل مخفیانه، خود را به حضرت امام علیه‌السلام نزدیک کرد و بدین ترتیب شیعیان را از نور وجود ایشان علیه‌السلام بهره‌مند ساخت.

وی در قم یکی از چهره‌های نامور شیعه بود که با حفظ و نقل روایت، خدمت بزرگی به جهان تشیع کرد و بزرگانی چون کلینی، شیخ طوسی، علامه حلّی و ... دربارهٔ او بسیار گفته و نگاشته‌اند. از جمله استادان وی می‌توان به ابراهیم بن اسحاق، احمد بن ابی‌عبدالله برقی، احمد بن حسن بن علی بن فضال و... اشاره کرد. راوی جمیع کتب و روایات وی، شاگردش محمد بن حسن بن ولید است. محمد بن حسن صفار در شهر قم به خاک سپرده شده است.

از تألیفات وی:

۱ـ کتاب الصلوة

۲ـ کتاب الوضوء

۳ـ کتاب الجنائز

۴ـ کتاب الصیام

۵ـ کتاب الحج

۶ـ کتاب النکاح

۷ـ کتاب الطلاق

۸ـ کتاب المزار

۹ـ کتاب الردّ علی الغلاة

۱۰ـ بصائر الدرجات

۱۱ـ المؤمن و...

۵ـ حسین بن سعید اهوازی (؟ـ؟)

ابومحمد حسین بن سعید بن حماد بن مهران اهوازی، فقیه و محدث شیعی ایرانی.

وی در کوفه زاده شد و اصالتاً ایرانی بود. برای تعالی و نشر تعالیم اسلام و معارف خاندان رسولﷺ همراه با برادر خود حسن بن سعید به اهواز رهسپار شد و برای اعتلای اسلام و شیعه بسیار کوشید. پس از درگذشت برادرش، از آنجا به قم رفت و در خانهٔ حسن بن ابان جای گرفت و دانشمندان و شخصیت‌های بسیاری از وی روایت شنیدند.

روایات وی، در بسیاری از نام‌آورترین کتب شیعه چون: کافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه، وسائل الشیعه و... نقل و به آن استناد شده است.

از جمله اساتید وی محمد بن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، صفوان بن یحیی و... و از شاگردان ایشان احمد بن ابی عبدالله برقی، علی بن مهزیار اهوازی، حسن بن محمود و... بودند. به گفتهٔ شیخ طوسی، وی و برادرش از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بودند.

وی در قم درگذشت.

تألیفات وی و برادرش بیش از ۳۰ جلد است که برخی آورده شد.

از تألیفات وی (و برادرش):

۱ ـ المناقب

۲ ـ کتاب الزیارات

۳ ـ کتاب التقیة

۴ ـ الرد علی الغلاه

۵ ـ المثالب

۶ ـ الزهد

۷ ـ المؤمن و...

قرن چهارم

۶ـ محمد بن مسعود عیاشی (؟ ـ حدود ۳۲۰ ق)

ابونصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی سلَمی سمرقندی کوفی معروف به عیاشی، از بزرگان فقهای شیعهٔ امامیه و نظریه‌پردازان اندیشور اسلامی. یگانهٔ روزگار خود در علوم گوناگون، فاضل، مفسر، محدث و ادیب بود.

وی در ۲۶۰ ق به عراق وارد شد و در آغاز از اهل سنت بود اما با مطالعهٔ دقیق بر فقه جعفری به تشیع روی آورد و از سرآمدان روزگار خود شد و تمام دارایی خود را صرف و وقف تشیع کرد.

۷ـ علی بن ابراهیم قمی (؟ ـ ۳۲۹ق)

شیخ ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی مشهور به شیخ اقدم از بزرگان و موثقین حدیث و فقه، از مفسران بزرگ شیعه در قرن سوم و چهارم هجری. او فرزند ابراهیم بن هاشم قمی از علما و مشایخ بزرگ شیعه است و زمان دو امام معصوم (امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام) رادرک کرده است. وی تا سال ۳۰۷ قمری زنده بود. محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم روایت کرده است. وی اولین کسی است که احادیث کوفیین را در قم رواج داد. او در اواسط عمر و یا به نقل بعضی‌ها در اواخر عمر نابینا شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ التفسیر

۲ ـ الناسخ و المنسوخ

۳ ـ قرب الاسناد

۴ ـ الشرائع

۵ ـ الحیض

۶ ـ التوحید و الشرک

۷ ـ المغازی

۸ ـ الانبیاء و...

۸ـ شیخ کلینی (؟ ـ ۳۲۹ ق)

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی. فقیه، محدث بزرگ شیعه، یکی از مؤلّفان کتب اربعه.

وی در دهی از کلین (فشافویه) در ۳۸ کیلومتری ری و در خانه‌ای روشن به نور محبت و معرفت اهل بیت علیهم السلام زاده شد. پدر وی یعقوب بن اسحاق، آموزش فرزند خود کلینی را از همان دوران کودکی برعهده گرفت و به علم و عمل آراست. آرامگاه پدر وی در روستای کلین ـ نزدیک حسن آباد شهرری ـ مدت‌هاست که زیارتگاه شیعیان است.

دایی وی علّان که خود محدث و دانشمند بزرگی بود، پس از پدر استادی کلینی را بر

عهده گرفت و در تربیت وی نقش بسزایی داشت. علّان در سفر حج و در راه زیارت خانهٔ خدا به شهادت رسید. پس از گذراندن نوجوانی، کلینی برای کسب دانش به ری رهسپار شد و آنجا با اندیشه‌ها و نظرات فرقه‌هایی چون اسماعیلیه و مذاهبی چون شافعی، حنفی و شیعی مستقیما آشنا شد. در آنجا بود که ضمن تحصیل پی برد حرکت‌هایی، تشیع را از مسیر خود منحرف کرده و درمان آن را بازگشت به فرموده‌های مبارک اهل بیت علیهم السلام دانست. این شروعی بود برای ثبت و ضبط احادیث حضرات معصومین علیهم السلام که در این راستا ابوالحسن محمد بن اسدی کوفی نخستین استاد او در فراگیری احادیث بود.

دورهٔ کلینی را باید «دورهٔ حدیث» نامید زیرا آغازگر جنبشی برای یافتن، شنیدن و نگاشتن احادیث و روایات شده بود.

وی برای گردآوری احادیث و روایات به قم رهسپار شد و در محضر استاد با فضل و دانش احمد بن محمد بن عیسی اشعری و پس از آن شاگرد امام حسن عسکری علیه السلام، احمد بن ادریس قمی معروف به «معلم» شاگردی کرد و استاد گرانقدر عبدالله بن جعفر حمیری صاحب قرب الاسناد را نیز درک کرد و بهره برد و از آنجا به کوفه رفت و آنجا نیز به کسب دانش پرداخت.

وی در امانت، عدالت، تقوا، فضیلت، حفظ و ضبط احادیث آنچنان سرآمد روزگار خود شد که شیعه و سنی در اخذ فتوا به وی مراجعه می‌کردند و به اندازه‌ای مورد وثوق هر دو مذهب بود که «ثقة الاسلام» و «شیخ المشایخ» لقب گرفت.

کلینی نخستین محدثی است که در میان امامیه به گردآوری و نظم و ترتیب احادیث شیعه پرداخت. پیش از اقدام وی، تنها اصول اربعمأة وجود داشت و شیعه بدان‌ها رجوع می‌کردند که با اثر خود، کافی (اصول، فروع و روضه) نقش و ردپای شیعه را زیباتر و استوارتر کرد.

شاگردانی که در نزد وی آموختند، ابن ابی رافع، احمد بن احمد کاتب کوفی، جعفر بن محمد قولویه قمی، محمد بن ابراهیم نعمانی معروف به ابن زینب و... بودند.

وی در سال «تناثر نجوم» سالی که ستارگان فرو ریخت، درگذشت. دانشمند نامی بغداد ابوقیراط بر جنازهٔ این محدث بزرگ شیعه نماز گزارد و در «باب کوفة» بغداد به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ کافی

۲ ـ کتاب رجال

۳ ـ رد بر قرامطه

۴ ـ رسائل ائمه علیهم السلام

۵ ـ تعبیر الرؤیا (تفسیر الرؤیا)

۹ ـ کشّی (؟ ـ حدود ۳۴۰ ق)

ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی، فقیه، رجالی و عالم بزرگ شیعه.

انتساب کشّی به منطقهٔ «کش» از نواحی سمرقند برمی‌گردد. نجاشی وی را ثقه و مورد اعتماد می‌داند و می‌گوید: «از ضعفا بسیار روایت کرده است.» وی از ملازمان عیاشی بود. در خانهٔ عیاشی که کشتزار اهل دانش بود، فارغ‌التحصیل شد. کشّی، آگاه به اخبار و رجال و بسیار گرانمایه و از دوستان صمیمی شیخ کلینی بود و تقریبا استادان و شاگردان آن دو بزرگوار یکی بودند.

اساتید وی محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، محمد بن قولویه قمی، ابواسحاق ابراهیم بن نصیر کشّی (برادرش) و... بودند.

شاگردانی که در نزد وی آموختند: جعفر بن محمد بن قولویه قمی صاحب کتاب کامل‌الزیارات، هارون بن موسی تلعکبری، ابواحمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی.

از خاکجای وی اطلاعی در دست نیست.

تألیف وی:

۱ ـ الرجال یا معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین

۱۰ ـ علی بن حسین مسعودی (؟ ـ ۳۴۶ ق)

علی بن حسین مسعودی تاریخ‌نویس، جغرافی‌دان، دانشمند و جهانگرد بغدادی. نام کامل وی ابوالحسن علی بن حسین مسعودی معتزلی شافعی است. نسب وی به عبدالله بن مسعود یکی از یاران برجسته پیامبر اسلام می‌رسد. وی در بغداد دیده به جهان گشود و تعالیم را در زادگاه خود فرا گرفت. در نوجوانی راه سفر و جهانگردی پیشه گرفت. در این جهانگردی دور و دراز و پر رنج در آن هنگام که سفر بر روی چهارپایان از قبیل اسب، الاغ، استر و شتر بود وی از بعضی از سرزمین‌های شناخته شده دوران خود دیدن می‌کند. سرانجام در سفری که به مصر داشته در شهر فسطاط مصر دار فانی را بدرود می‌گوید و در همانجا به خاک سپرده می‌شود. مسعودی تألیفات گوناگونی داشته است که متأسفانه بیشتر آنها گم و یا نابوده شده است. یکی از مهم‌ترین این تألیفات کتابی به نام اخبار الزمان ومن اباده الحدثان بوده است. این کتاب در ۳۰ مجلد بوده که متأسفانه در حال حاضر فقط یک جلد از آن باقی مانده است.

از تألیفات وی:

۱ ـ مروج الذهب

۲ ـ التنبیه والاشراف

۳ ـ ذخائر العلوم و ماکان فی سالف الدهور

۴ ـ الرسائل والاستذکار لما فی مر فی سالف الاعصار

۵ ـ التاریخ فی اخبار الامم من العرب و العجم

۶ ـ خزائن الملک وسر العالمین

۷ ـ القضایا والتجارب

۸ ـ المقالات فی اصول الدیانات

۹ ـ الاستبصار فی الائمة

۱۰ ـ السیاحة المدنیة فی السیاسة والاجتماع

۱۱ ـ اخبار الخوارج

۱۲ ـ البیان فی اسماء الائمة

۱۳ـ الابانة فی اصول الدیانة

۱۴ـ المسائل و العلل فی المذاهب والملل

۱۵ـ سر الحیاة

۱۶ـ کتاب الاوسط

۱۷ـ اخبار الزمان

۱۱ـ نعمان بن محمد تمیمی (۲۵۹ ـ ۳۶۳ ق)

ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون تمیمی مغربی. دانشمند بزرگ اسماعیلیه.

در مغرب زاده شد. در آغاز، پیرو مذهب مالکی بود ولی تغییر مذهب داد و شیعهٔ اسماعیلیه شد. او از بنیانگذاران مذهب اسماعیلیه و قانونگذار آن بود. به بسیاری از خلفای فاطمی خدمت کرد (المهدی بالله، القائم بامرالله، المنصور بالله) و در دوران فخرالدین خلیفهٔ چهارم به مقام قاضی‌القضات و داعی‌الدعات رسید. مؤلفان شیعه به او «ابوحنیفهٔ شیعی» می‌گویند.

از تألیفات وی:

۱ ـ دعائم الاسلام

۲ ـ شرح الاخبار

۳ ـ اساس التاویل

۴ ـ افتتاح الدعوه

۵ ـ مفاتیح النعمه

۶ ـ الایضاح

۷ ـ الینبوع

۸ ـ المجالس و المسائرات

۱۲ ـ محمدبن ابراهیم نعمانی (؟ ـ ۳۸۰ ق)

ابن ابی زینب، محدث عالی مقام از مفاخر دانشمندان دارای عظمت قدر، شرافت

منزلت، اعتقادی درست و احادیث بسیار است. در ایران و عراق از مشایخ بزرگ شیعه استماع حدیث نموده است. او بیشتر علم خود را از محضر مرحوم ثقة الاسلام کلینی اخذ کرده و به عنوان کاتب کلینی بوده است. وی برای کسب علم مسافرت‌های زیادی را به شهرهای مختلف از جمله شام، کوفه، مدینه، اردن و... انجام داده است. از جمله اساتید وی: کلینی، ابوالقاسم موسی بن محمد اشعری، ابن عقده کوفی، محمد بن همام و... بوده‌اند.

ایشان در ماه رمضان در مَیافا رقین (از شهرهای دیاربکر و شمال عراق) وفات یافتند. جنازه او را بنابه وصیتش به نجف اشرف حمل کردند و در جوار امام علی علیه السلام به خاک سپردند.

از تألیفات وی:

۱ ـ الغیبة

۲ ـ التفسیر النعمانی

۳ ـ الردّ علی الاسماعیلیه

۴ ـ الفرائض و...

۱۳ـ شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ ق)

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق. فقیه گرانقدر و محدث دانشور بزرگ شیعه و از دنباله‌روان شیخ کلینی.

وی در خانواده‌ای اهل تقوا و دانش در قم زاده شد. پدر وی، علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به ابن بابویه، از برجسته‌ترین علما و فقهای بزرگ زمان خود بود و شیخ صدوق نخست در دامان پر مهر پدر کسب فیض کرد. شیخ صدوق به خراسان و بغداد سفر کرد و پایان زندگانی خود را در ری گذراند. شیخ طوسی دربارهٔ وی می‌گوید: «وی دانشمندی جلیل‌القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال، کاملا آگاه و در سلسلهٔ احادیث، نقادی عالی مقام به شمار می‌آمد. بین بزرگان قم از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات مانند نداشت و در حدود سیصد اثر از خود به جای گذاشته است».

استادانی که شیخ صدوق در نزد آنها کسب فیض کرد، عبارتند از: پدرش ابن بابویه،

حمزة بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی ﷺ، ابومحمد قاسم بن محمد استرآبادی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید و...

شاگردان وی نیز برادرش حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی، شیخ مفید، ابن غضائری، شیخ ابوالبرکات، ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز و... بودند.

خاکجای شیخ صدوق ـ این عالم بزرگ شیعه ـ در ری، زیارتگاه عام و خاص است.

از تألیفات وی:

۱ ـ من لایحضره الفقیه (دومین کتاب از کتب اربعۀ حدیث شیعه)

۲ ـ مدینة العلم

۳ ـ کمال الدین و تمام النعمة

۴ ـ الخصال

۵ ـ التوحید

۶ ـ الامالی

۷ ـ المقنع فی الفقه و...

۱۴ ـ جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ ـ ؟)

ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی، مشهور به ابن رازی ایلاقی. محدث و فقیه شیعی در قرن چهارم هجری. از زاد روز وی اطلاعی در دست نیست. از آنجا که دیر زمانی در ری جایگیر شده به ابن رازی معروف است.

هم‌عصر شیخ صدوق و صاحب بن عباد بود و از هر دوی آن بزرگان روایت کرده و شیخ صدوق نیز از وی.

وی نویسندۀ پرکاری بود و نزدیک به ۲۲۰ کتاب نگاشته که متأسفانه تنها برخی از آنها امروز در دسترس است.

اکثر رجال‌نویسان وی را به فضل و دانش ستوده و ثقۀ تمام دانسته‌اند.

از زمان درگذشت و خاکجای وی اطلاعی در دست نیست.

از تألیفات وی:

۱ ـ الاعمال المانعه من دخول الجنه (مانعات)

۲ ـ ادب الامام و المأموم

۳ ـ المسلسلات الاخبار

۴ ـ الغایات

۵ ـ العروس

۶ ـ جامع الاحادیث النبویه

۱۵ ـ ابن شعبه (؟ ـ ؟)

ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، معروف به ابن شعبه، محدث، فقیه، رجالی و از شیوخ بزرگ علمای امامیه.

وی در حران ـ یکی از روستاهای اطراف شهر حلب در سوریه ـ زاده شد. در حلب که یکی از شهرهای بزرگ و مهم علمی شام بود، پرآوازه و از چهره‌های درخشان جهان اسلام به ویژه تشیع شد.

استاد وی ابوعلی محمد بن همام بغدادی و از مهم‌ترین شاگردان وی که از پرفروغ‌ترین ستاره‌های جهان تشیع گردید، شیخ مفید بود.

علامه مجلسی دربارهٔ وی می‌گوید: «کتاب ایشان ـ تحف العقول ـ بهترین شاهد بر فضل و دانش و عظمت شأن ایشان می‌باشد».

خاکجای وی آشکار نیست.

از تألیفات وی:

۱ ـ تحف العقول عن آل الرسول

۲ ـ التمحیص

۱۶ ـ محمد بن محمد اشعث (؟ ـ ؟)

ابوعلی محمد بن محمد اشعث کوفی، راوی ثقهٔ شیعه.

وی در کوفه شهر شیعیان، دوستداران خاندان حضرت علی علیه السلام و راویان بزرگ شیعه زاده شد. به مصر رفت و در محضر موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام شاگردی کرد

و در همانجا بود که به نگاشتن روایات از طریق موسی بن اسماعیل و نیاکـان پـاک آن بزرگواران پرداخت.

نجاشی در رجال می‌گوید: «وی کتابی در احکام حج دارد» که تاکنون یـافته نشـده است. مرحوم حاجی نوری در خاتمه مستدرک نقل می‌کند که تلعکبری می‌گوید: «پدرم از ابوعلی محمد بن محمد اشعث برای من در سال ۳۱۳ هجری اجازه گرفته بود.»

تألیف وی:

۱ ـ الجعفریات (الاشعثیات).

۱۷ ـ عبدالله و حسین پسران بسطام (؟ ـ ؟)

ابوعتاب عبدالله بن بسطام بن شاپور نیشابوری و برادرش حسین بن بسطام. دو راوی بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری.

آن دو فقیه ثقه، برای گسترش اندیشه‌های بزرگ عصمت و طهارت علیهم‌السلام به قزوین سفر کردند و از راویان بزرگ آن دیار شدند. به جز آموختن در نزد پدر خود بسطام بن شاپور و عموهای خود زکریا، زیاد و حفص، در نزد استادان بزرگی چون: محمد بن خلف، علی بن ابراهیم واسطی، اسحاق بن ابراهیم، تمیم بن احمد سیرافی و... شاگردی کردند.

تألیف آن دو:

۱ ـ طب الائمه

۱۸ ـ عبدالله بن جعفر حمیری (؟ ـ ؟)

ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری قمی، راوی و فـقیه برجستهٔ شیعه در قرن چهارم هجری.

نجاشی درباره ایشان معتقد است: «وی بزرگِ علمای قم و شخصیت برجسته آنها که در سال ۲۹۰ و اندی از قم به شهر کوفه رفتند. بزرگان علمای کوفه از حمیری اخـبار و روایات ائمه را زیاد شنیده‌اند و کتاب‌های زیادی تصنیف کردند.» شیخ طوسی در رجال، ایشان را از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام می‌داند.

وی با امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام نامه‌نگاری داشت و پس از ایشان از طریق

محمد بن عثمان عمری با امام عصر (عج) مرتبط بود.

درباره رحلت و محل دفن او اطلاع دقیقی در دست نیست اما به نظر می‌رسد وی در قم از دنیا رفته و در کنار بارگاه حضرت معصومه علیها السلام مدفون شده باشد.

از تألیفات وی:

۱ ـ قرب الاسناد

۲ ـ العظمة و التوحید

۳ ـ الامامة

۴ ـ الاستطاعة و المعرفة

۵ ـ الطب

۶ ـ فضل العرب

۷ ـ مسائل ابی محمد و توقیعات

۸ ـ کتاب الدلائل

۹ ـ الغیبة و الحیرة

۱۹ ـ فرات بن ابراهیم کوفی (؟ ـ ؟)

ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، فاضل، اندیشمند، کارشناس در علوم اجتماعی و فرهنگی از راویان حدیث و شخصیت‌های دوران غیبت صغری و همروزگار ثقةالاسلام شیخ کلینی. در کوفه زاده شد و شاید به همین دلیل نام او را «فرات» گذاشتند.

وی از شخصیت‌های زیدی مذهب یا دست کم علاقه‌مند به آنها بود.

برخی از مشایخ وی در روایت تفسیرش عبارتند از: حسین بن سعید اهوازی، جعفر بن محمد بن مالک فزاری و عبید بن کثیر عامری.

وی از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است و محدثانی چون محمد بن حسن حرّ عاملی، مجلسی و آیت الله خوئی وی و تفسیرش را معتمد دانسته‌اند.

تألیف وی:

۱ ـ تفسیر فرات

۲۰ـ جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ ـ؟)

ابومحمد جعفر بن احمد بن علی قمی، مشهور به ابن رازی ایلاقی. محدث، فقیه شیعی در قرن چهارم هجری. از زادروز وی اطلاعی در دست نیست. از آنجا که دیر زمانی در ری جایگیر شده، به ابن رازی معروف است.

هم‌عصر شیخ صدوق و صاحب بن عباد بود و از هر دوی آن بزرگان روایت کرده و شیخ صدوق نیز از وی.

وی نویسندهٔ پرکاری بود و آثاری نزدیک به ۲۲۰ کتاب نگاشته که متأسفانه تنها برخی از آنها امروز در دسترس است.

اکثر رجال‌نویسان، وی را به فضل و دانش ستوده و ثقهٔ تمام دانسته‌اند.

از زمان درگذشت و خاکجای وی اطلاعی در دست نیست.

از تألیفات وی:

۱ ـ الاعمال المانعه من دخول الجنه (مانعات)

۲ ـ ادب الامام و المأموم

۳ ـ المسلسلات الاخبار

۴ ـ الغایات

۵ ـ العروس

۶ ـ جامع الاحادیث النبویه

قرن پنجم

۲۱ ـ سید رضی (۳۵۹ـ ۴۰۶ ق)

ابوالحسن محمد بن حسین موسوی، معروف به سید رضی و شریف رضی، از بزرگان علمای شیعه، بلغا، شاعران نامدار و اشراف بغداد.

در بغداد زاده شد. نسب او از پدر به امام موسی کاظم علیه السلام و از طرف مادر به امام زین‌العابدین علیه السلام می‌رسد. در زمان پدر، خود ابواحمد، نقابت طالبیان بغداد، سرپرستی همهٔ آنان، قضاوت در مظالم و امیری حاجیان را در حالی که هفده سال بیش نداشت، بر عهده گرفت.

چندی بهاءالدوله بویه وی را به عنوان جانشین خود در بغداد برگزید و لقب «الشریف الجلیل» را به وی خلعت داد. چندی پس از آن، لقب «الرضی ذوالحسبین» و پس از آن «الشریف الاجل» را به وی پیشکش کرد.

روزگار سید رضی با فرمانروایی آل بویه و مقارن با دورهٔ سوم خلافت عباسیان است که به این دوره از لحاظ تاریخی ـ فرهنگی «عصر زرین» می‌گویند و از جهت تاریخ ادبیات عرب، عصر شاعران سه‌گانه: متنبی، سید رضی و ابوالعلاء معری است. به سید رضی لقب «اشعرالطالبیین» یعنی شاعرترین طالبیان نیز داده‌اند.

استادانی که وی در علوم گوناگون آن روزگار نزدشان شاگردی کرد و بهره‌ها برد، عبارتند از: ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری فقیه مالکی، ابوعلی فارسی نحوی، قاضی سیرافی، ابوالحسن قاضی عبدالجبار معتزلی، ابویحیی عبدالرحیم فارقی خطیب مصری مشهور به ابن نباته، شیخ مفید و...

وی بسیار بذل‌الجود و باتقوا بود. به سپاس دانش‌اندوزی‌اش جهت پرداخت زکات دانش خود، مدرسه‌ای نزدیک خانهٔ خود در کوی کرخ بغداد تأسیس کرد و آن را «دارالعلم» نامید که افزون بر تالارهای تدریس، سخنرانی و جلسات، اتاق‌هایی برای زندگی دانشجویان فراهم آمده بود و کتابخانهٔ بزرگی داشت که ارزشمندترین و بهترین منابع و مراجع عربی و اسلامی در آن نگهداری می‌شد و شخصاً خود مدیریت آن را بر عهده داشت.

شاگردان نام‌آوری که در نزد وی آموختند، از جمله: فقیه عالیقدر ابوزید کبایکی، ابوعبدالله شیخ محمد حلوانی، ابوعبدالله شیخ جعفر دوریستی، ابوالحسن بندار قاضی و ... بودند.

وی در محلهٔ کرخ بغداد در سن ۴۷ سالگی در سرای خود درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد. به قولی، برادر مهتر وی سید مرتضی چندی بعد وی را به کاظمین و در جوار نیای شریفش امام موسی کاظم ؑ به خاک سپرد.

از تألیفات وی:

۱ ـ نهج البلاغه

۲ ـ تلخیص البیان فی مجازات القرآن

۳ ـ مجازات الآثار النبوية

۴ ـ حقايق التاويل في متشابه التنزيل

۵ ـ خصائص الائمة

۶ ـ ديوان اشعار

۲۲ ـ شیخ مفید (۳۳۶ ـ ۴۱۳ ق)

محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید. عالم، فقیه، متکلم و محدث نامی شیعه. وی در حوالی بغداد زاده شد. پس از بلوغ و رشد فکری، رهسپار بغداد شد و در آنجا در محضر استادان بنام و دانشمندان بزرگ آن روزگار از جمله شیخ صدوق، ابوغالب زراری، ابن جنید اسکافی و... به آموختن دانش، کلام، فقه و اصول پرداخت. ابن ندیم در الفهرست از وی به عنوان «ابن المعلم» یاد می‌کند. سرآمد شاگردان وی سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی، ابوالفتح کراجکی و... بودند. شیخ طوسی درباره وی می‌گوید: «وی از متکلمان امامیه است. در روزگار خود، ریاست و مرجعیت شیعه به او ختم می‌گردد. حافظهٔ خوب و ذهنی دقیق داشت. در پاسخ به پرسش‌ها، حاضر جواب بود. بیش از ۲۰۰ جلد کتاب خرد و کلان دارد.»

ابن حجر عسقلانی نیز می‌گوید: «وی بسیار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت». عماد حنبلی (یکی از دانشمندان اهل سنت) می‌گوید: «بزرگی از بزرگان امامیه و رئیس بخش فقه، کلام و مباحثه بود. موقعیت شایان توجهی در تشکیلات دولت آل بویه داشت. وی صدقهٔ فراوان می‌داد.»

استادانی که وی در محضر آنها درس آموخت، عبارتند از: ابن قولویه قمی (ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی)، شیخ صدوق، ابن جنید اسکافی و...

شیخ مفید پس از ۷۵ سال عمر مفید، در بغداد و در حرم مطهر امام جواد ﷺ نزدیک قبر استادش ابن قولویه قمی به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ المقنعة

۲ ـ الفرائض الشرعية

۳ ـ الامالی

۴ ـ الارشاد و...

۲۳ ـ سید مرتضی (۳۵۵ـ ۴۳۶ ق)

ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی، مشهور به سید مرتضی علم الهدی. فقیه مبرز، عالم متکلم و ادیب متبحر، دارای القاب ذوالثمانین و ذوالمجدین.

وی در بغداد زاده شد و از سوی پدر و مادر، نسبی بسیار شریف داشت. برادر وی سید رضی بود. شیخ طوسی شاگرد عالیقدرش پس از ذکر نام و نسبش می‌نویسد: «کنیه‌اش ابوالقاسم و لقبش علم‌الهدی و الاجل المرتضی است. در علوم بسیاری یگانه روزگار بود.» پس از شیخ بزرگوار مفید، پیشوای فقهی شد. از جمله اساتید وی شیخ مفید، هارون بن موسی تلعکبری، ابن نباته، احمد بن سعید کوفی، حسین بن بابویه قمی (برادر علی بن محمد معروف به شیخ صدوق) و... بودند. علامه حلّی وی را معلم شیعهٔ امامیه خوانده است. در علوم معقول و منقول و تفسیر، سرآمد روزگار خود بود. وی در پنج روز مانده از ماه ربیع‌الاول در بغداد رحلت کرد، پسرش در خانه‌اش بر وی نماز خواند و در همان خانه‌اش مدفون شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ تنزيه الانبياء

۲ ـ الانتصار فی ما انفردت به الامامية من المسائل الفقهية

۳ ـ الذريعه فی اصول الشريعه

۴ ـ المحكم و المتشابه

۵ ـ المختصر

۶ ـ الامالی

۷ ـ درر الفوائد و...

۲۴ ـ احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ ـ ۴۵۰ ق)

ابوالحسین احمد بن علی بن عباس بن محمد بن عبدالله نجاشی. راوی ثقه، نسابهٔ توانا و عالم بسیار بزرگ امامیه.

وی در شهر کوفه زاده شد. پدرش (علی بن احمد) از محدثین و بزرگان شیعه بود. سفرهای دور و نزدیکی داشته که بیشتر به نیت زیارت عتبات عالیات بوده. چندی در بغداد و چندی در نجف اشرف و سامرا بوده است.

وی از اندک راویانی است که تنها از موثقین و افراد معتبر روایت نقل کرده و به همین دلیل هم کتاب رجال وی سرآمد کتب دیگر است.

استادانی که در محضر آنها شاگردی کرد، عبارتند از: پدرش (که از او یاد شد)، شیخ مفید، احمد بن عبدالواحد بزاز معروف به ابن حاشر و... شاگردان وی نیز شیخ الطائفه طوسی، شیخ ابوالحسن صهرشتی و سید عماد الدین بن معید حسنی مروزی بودند. نجاشی در ۷۸ سالگی در مطیرآباد از نواحی سامرا چشم از جهان فروبست.

از تألیفات وی:

۱ ـ رجال (فهرست اسماء مصنفی)

۲ ـ انساب بنی نصر بن قعین

۳ ـ کتاب الجمعه و ماورد فیه من الاعمال و...

۲۵ ـ شیخ طوسی (۳۸۵ ـ ۴۶۰ ق)

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ الطایفه»، فقیه، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و عالم الرجال بسیار درخشان و بزرگ جهان اسلام به ویژه تشیع. وی در خراسان زاده شد. خاندان شیخ تا چند نسل همه از علما و فقها بوده‌اند. در ۲۳ سالگی به بغداد کوچ کرد و تا پایان عمر در عراق ماند و پس از استادش سید مرتضی علم الهدی، ریاست علمی و فتوایی شیعه به او منتقل شد.

شیخ بزرگوار مدت پنج سال نزد استاد نحریر شیخ مفید شاگردی کرد و چند سالی هم در نزد سید مرتضی درس آموخت. به علت آشوب و هرج و مرج آن روزگار بغداد، وی از

آنجا کوچ و به نجف اشرف رهسپار شد و در آنجا جای گرفت و خود حسن اتفاقی شد تا در آنجا حوزهٔ علمیهٔ نجف را بنیان گذارد.

پس از درگذشت سید مرتضی علم‌الهدی، رهبری و پرچمداری شیعه به وی رسید و آن‌چنان آوازهٔ علم، ورع، زهد و تقوای وی در دور و نزدیک پیچیده شده بود که القائم بامرالله خلیفهٔ عباسی با همکاری آل بویه از وی برای تدریس کلام در مرکز خلافت دعوت کردند که با فروپاشی آل بویه، وی از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرد و تا پایان عمر خود در همانجا بود و در همان خاک پاک، دفن شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ الاستبصار

۲ ـ تهذیب الاحکام

۳ ـ النهایة

۴ ـ المبسوط

۵ ـ الخلاف

۶ ـ التبیان و...

۲۶ ـ ابوالفتح کراجکی (؟ ـ ۴۹۹ ق)

شیخ ابوالفتح محمد بن علی کراجکی طرابلسی. فقیه، اصولی، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب، مسلط به علوم حدیث، فلسفه، کلام، نحو، اخلاق، تاریخ، رجال، تفسیر و پزشکی.

وی در محضر استادان بزرگواری چون شیخ مفید، سید مرتضی علم‌الهدی، شیخ طوسی و... شاگردی کرد و از هر کدام توشه و بهره‌ای گرفت. سفرهای بسیاری به کشورهای مختلف از جمله فلسطین، سوریه، لبنان، مصر، بغداد و همچنین شهرهای دور و نزدیک خود داشت. با مباحثات و تألیفات خود که نزدیک به ۸۰ اثر می‌شود بررسی امامیه را بر همگان آشکار کرد. وی در لبنان و شهر صور درگذشت.

از تألیفات وی:

۱ ـ کنز الفوائد

۲ ـ روضة العابدین و نزهة الزاهدین

۳ ـ الرسالة الناصريه

۴ ـ معدن الجواهر و...

قرن ششم

۲۷ ـ محمد بن فتال نیشابوری (؟ ـ ۵۰۸ ق)

محمد بن حسن بن علی بن احمد فتال نیشابوری معروف به ابن‌فارسی. متکلم جلیل‌القدر، فقیه، عالم، زاهد و متقی. وی در نیشابور به دنیا آمده اما تاریخ ولادتش معلوم نیست. از لقب ابن فارسی معلوم می‌شود که وی از نژاد ایرانی است. فتال یکی از اسم‌های بلبل است و علت ملقب شدن او به فتال، به خاطر خوش‌صوتی و لطافت زبانی است که در منبر داشته و از نطق بالایی برخوردار بوده است. وی در محضر درس بزرگان شرکت می‌کرده و از تحصیلات عالیه برخوردار بوده است. از جمله استادان وی شیخ حسن بن علی بن احمد پدر وی و از جمله شاگردانش علی بن حسن بن عبدالله نیشابوری و محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی بوده است.

وی به دست ابوالمحاسن عبدالرزاق رئیس نیشابور ملقب به شهاب‌الاسلام و تنها به جرم تشیع به قتل رسیده و در قبرستان حیره نیشابور به خاک سپرده شده است.

از تألیفات وی:

۱ ـ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین

۲ ـ التنویر فی معانی التفسیر

۳ ـ مونس الحزین

۲۸ ـ فضل بن حسن طبرسی (حدود ۴۶۹ ـ ۵۴۸ ق)

سعید ابوالفضل بن حسن طبرسی. مفسر، فقیه، محدث، عالم به حساب، جبر، مقابله و نحو. ملقب به امین الدین یا امین‌الاسلام.

گویند وی در مشهد سناباد طوس متوطن بوده است. در ۵۲۳ ق در سبزوار جایگیر شد و به تعلیم و تصنیف پرداخت. از جمله شاگردان وی می‌توان به حسن بن فضل طبرسی (پسرش)، ابن شهرآشوب، شیخ منتجب الدین، قطب الدین راوندی، شاذان بن جبرئیل

قمی و ... اشاره کرد. وی از شیخ ابوعلی پسر شیخ طوسی و شیخ عبدالجبار، قاضی رازی که در ری فقیه امامیه بوده، روایت نموده و صحیفة الرضا﵇ از جمله مرویات اوست.

فرزند وی (حسن بن فضل طبرسی) و فرزند زادگانش همگی از اکابر روزگار و فقهای بزرگوار بودند. وی در سبزوار درگذشت و پیکر پاکش را به مشهد مقدس منتقل کردند و در جوار حرم حضرت ثامن الائمه﵇ به خاک سپردند.

از تألیفات وی:

۱ ـ مجمع البیان (تفسیر سترگ شیعی)

۲ ـ الوسیط (یا تفسیر جوامع الجامع)

۳ ـ الآداب الدینیة للخزانة المعینیة

۴ ـ تفسیر الکافی الشافی

۵ ـ نثر اللئالی

۶ ـ اسرار الامامه

۷ ـ اعلام الوری باعلام الهدی و...

۲۹ ـ حسن بن فضل طبرسی (؟ ـ ۵۴۸ ق)

ابونصر رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، عالم اخلاق و فقیه وارستهٔ شیعه در قرن ششم هجری. پدرش فضل بن حسن صاحب کتاب مستطاب تفسیر مجمع البیان و فرزندش علی بن حسن طبرسی صاحب متمم کتاب مشکاة الانوار فی غرر الاخبار است.

تألیف وی:

۱ ـ مکارم الاخلاق

۳۰ ـ سید فضل الله راوندی (؟ ـ ۵۷۰ ق)

سید ابوالرضا ضیاءالدین فضل الله بن علی بن عبیدالله حسینی راوندی. فاضل، عالم، رئیس مذهب، ادیب، شاعر و راوی ثقهٔ قرن ششم هجری.

در یکی از شهرهای اطراف کاشان به نام راوند و در خانواده‌ای دوستدار خاندان رسولﷺ زاده شد.

از وی پیوسته در کتاب‌های تراجم احوال و علم رجال به بزرگی یاد شده است؛ از جمله عماد کاتب می‌گوید: «سید فضل الله راوندی شخصیتی کم‌نظیر و دارای نسبی شریف و اخلاقی بزرگوار بود. واعظی بزرگ و دارای خطی خوش و تألیفات فراوان بوده...»

سید فضل الله راوندی از علمای بزرگی چون: شیخ رکن‌الدین علی بن عبدالصمد بن محمد تمیمی نیشابوری، احمد بن قافه کوفی، قاضی عمادالدین استرآبادی و... اجازهٔ روایت داشت. استادان وی، امام شهید عبدالواحد بن اسماعیل رویانی، سید ابوالبرکات مشهدی، شیخ بارع عبدالوهاب بغدادی و... بودند.

شاگردانی که در نزد وی درس گرفتند و آموختند، جملگی از بزرگ‌ترین علمای شیعه بودند: ابن شهر آشوب مازندرانی، شیخ منتجب‌الدین بن بابویه قمی، شیخ محمد بن حسن طوسی (پدر خواجه نصیر طوسی)، شیخ قوام‌الدین بحرانی و شیخ تاج‌الدین شعیری.

وی پس از عمری خدمت به اسلام و علوم و معارف معصومین علیهم السلام، در کاشان درگذشت.

از تألیفات وی:

۱ ـ النوادر

۲ ـ ضوء الشهاب فی شرح الشهاب

۳ ـ التفسیر و...

۳۱ـ ابن عساکر (۴۹۹ ـ ۵۷۱ق)

ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی دمشقی، برجسته‌ترین فرد از خاندان ابن عساکر که در دمشق زاده شد. وی به سبب حفظ و روایت احادیث بسیار، کثرت سفرهای علمی و استفاده از مشایخ بزرگ در شهرهای اسلامی در شمار یکی از بزرگ‌ترین حافظان حدیث و نویسندگان تاریخ در روزگار خویش درآمد. دوران زندگی ابن عساکر با انقراض سلاجقه شام و روزگار حکمرانی نورالدین زنگی و صلاح الدین ایوبی بر مناطق شام تقارن داشت. تحصیلات ابتدایی ابن عساکر از ۶سالگی در دمشق آغاز شد. پدرش، برادر بزرگش صائن و نیای مادری‌اش از جمله نخستین استادان او در حدیث و فقه بودند. اساتید دیگر وی: سُبیع بن قیراط، ابوالقاسم ابن نسیب، ابوطاهر حنائی و... وی پس از

درگذشت پدر برای ادامه تحصیل بار سفر بست و نخست به بغداد روی آورد و در مدرسه نظامیه، فقه و خلاف و نحو آموخت.

شمار مشایخ وی در حدیث بالغ بر ۱۳۰۰ مرد و بیش از ۸۰ زن نوشته‌اند که بسیاری از آنان از همان دوره خردسالی به او اجازه روایت داده بودند.

سرانجام او در موطن خود دمشق دار فانی را وداع گفت.

از تألیفات وی:

۱ ـ تاریخ دمشق

۲ ـ فضل الحولقة

۳ ـ الاربعون فی الجهاد

۴ ـ کشف المغطّا فی فضل الموطّا

۲ ـ اخبار لحفظ القرآن و...

۳۲ ـ ابن شاذان قمی (پس از ۵۰۹ ـ ۵۸۴ ق)

ابوالحسن محمد بن احمد بن علی قمی، معروف به ابن شاذان قمی. عالم بزرگوار و راوی ثقهٔ شیعه.

وی از بزرگانی است که از افراد بسیاری نقل روایت کرده و محضر بسیاری از علمای شیعه و سنی را درک نموده است. استادان وی پدرش احمد بن علی (از علما و مؤلفان شیعه)، دایی‌اش ابوالقاسم بن قولویه صاحب کتاب کامل الزیارات، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی و...

از جمله شاگردان و راویان احادیث ابن شاذان نیز می‌توان از: شیخ طوسی، نجاشی و کراجکی نام برد.

از تألیفات وی:

۱ ـ مأة منقبه

۲ ـ بستان الکرام

۳ ـ البیان فی ردّ الشمس لامیر المومنین علیه‌السلام

۴ ـ المناقب

۵ ـ ایضاح دفائن النواصب

۳۳ـ ابن شهر آشوب (۴۸۹ ـ ۵۸۸ ق)

رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، فقیه، مفسر و محدث بزرگ شیعه.

وی در خطهٔ زیبای مازندران زاده شد. او در دوره‌ای زندگی می‌کرد که در بلاد اسلامی علم، شکوفا و دانش، رونق چشمگیری گرفته بود.

صلاح الدین خلیل صفدی صاحب الوافی بالوفیات دربارهٔ وی چنین می‌گوید: «وی یکی از بزرگان شیعه است که بیشتر قرآن را در هشت سالگی حفظ کرد و در اصول شیعه به حد اعلای خود رسید به طوری که از شهرهای مختلف برای درک محضر او به بغداد هجرت می‌کردند... وی زیبارو، راستگفتار، خوش‌مشرب، با علم گسترده و بسیار اهل خشوع، عبادت و شب زنده دار بود و همیشه باطهارت و وضو به سر می‌برد.»

از جمله نام‌آورترین اساتیدی که وی در نزد آنها شاگردی کرده است، می‌توان: جارالله زمخشری، ابوعبدالله نطنزی مؤلف کتاب الخصائص العلویه، سید عبدالواحد آمدی، شیخ طبرسی صاحب احتجاج، قطب راوندی، فضل بن حسن طبرسی، شیخ ابوالفتوح رازی و... را نام برد.

وی در حالی که ۹۹ سال از زندگانی پربارش را سپری کرده بود، در شهر حلب سوریه به جانان پیوست و پیکرش را در کنار کوه جوشن به خاک سپردند.

از تألیفات وی:

۱ ـ مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام

۲ ـ مثالب النواصب

۳ ـ المخزون المکنون فی عیون الفنون

۴ ـ المائدة العائدة (الفائدة)

۵ ـ المثال فی الامثال و...

۳۴ـ محمد بن ادریس (۵۴۳ـ۵۹۸ ق)

ابوعبداللّه محمد بن احمد ادریس عجلی حلّی، از فحول علما و فقهای شیعه.

وی در شهر حلّه زاده شد. شیخ طوسی، نیای مادری وی به شمار می آید. وی به حریت فکر معروف است.

ابن داود در رجال خود می‌گوید: «ابن ادریس، پیشوای فقهای حلّه، متقن در علوم و دارای تصنیفات بسیار است».

شهید اول نیز او را با عبارات: شیخ، امام، علامه، شیخ العلماء و رییس مذهب ستوده است.

استادان وی که در محضرشان آموخت، عبارتند از: دایی وی (ابو علی طوسی)، شیخ عماد محمد بن ابی القاسم طبری، حسن بن رطبه سواری و...

شاگردانش، شیخ نجیب الدین بن نما حلّی، شمس‌الدین فخار بن سعد موسوی و ... بودند.

ابن ادریس ـ عالم بزرگوار جهان تشیع ـ در شهر حلّه جان به جان آفرین تسلیم کرد و در همانجا به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی

۲ ـ کتاب التعلیقات

۳ ـ خلاصة الاستدلال و...

۳۵ ـ تاج‌الدین شعیری (؟ ـ ؟)

تاج الدین محمد بن محمد بن حیدر شعیری، عالم و فقیه بزرگ شیعه در قرن ششم هجری.

وی در شهر بیهق برای آموختن و فراگرفتن دانش آن روزگار، به منزل حاکم، رییس و امام مجدالحکام ابومنصور علی بن عبدالله زیادی می‌رفت و بهره‌ها می‌برد و همچنین در محضر فضل الله بن علی راوندی درس می‌گرفت. از شاگردان ایشان می‌توان به شیخ منتجب الدین از علمای قرن ششم هجری و صاحب کتاب الفهرست اشاره کرد.

تألیف وی:

۱ ـ جامع الاخبار

۳۶ـ احمد بن علی طبرسی (؟ـ؟)

ابو منصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی، عالم، فاضل، فقیه، متکلم و نسابهٔ بزرگ شیعه در قرن ششم هجری.

منسوب به طبریش (معرب تفرش) منطقه‌ای نزدیک قم. استاد وی ابوجعفر مهدی بن ابی حرب حسینی و شاگردان وی شیخ منتجب الدین و ابن شهرآشوب مازندرانی بودند.

از تألیفات وی:

۱ ـ الاحتجاج علی اهل اللجاج

۲ ـ تاریخ الائمه علیهم‌السلام

۳ ـ فضائل الزهراء علیهاالسلام

۴ ـ مفاخر الطالبیة

۵ ـ الکافی فی الفقه

قرن هفتم

۳۷ـ ابوالفضل علی طبرسی (اوایل قرن هفتم)

علی بن حسن بن فضل، فقیه جلیل و محدث نبیل. علی بن حسن بن فضل بن حسن طبرسی نواده پسری فضل بن حسن صاحب مجمع البیان (متوفی ۵۴۸ق) از دانشمندان و فاضلان عصر خویش به شمار می‌رفته است. وی در ادامه و تکمیل اثر پدرش (حسن طبرسی متوفی ۵۴۸ق) متممی برکتاب مکارم الاخلاق نوشته و آن را «مشکاة الانوار فی غرر الاخبار» نام نهاده است. صاحب ریاض العلماء از وی با عنوان ثقة الاسلام یاد کرده است. وی از سید سعید جلال الدین ابی علی بن حمزه موسوی روایت می‌کند.

سال فوت او همانند پدرش حسن طبرسی معلوم نیست ولی به نظر می‌رسد او در پایان قرن ششم هجری یا نیمه اول قرن هفتم هجری چشم از جهان فروبسته باشد. بنابراین خانواده طبرسی از مفسران و محدثان شیعه از نیمه دوم قرن پنجم تا نیمه اول قرن هفتم هجری هستند که پدربزرگ، فضل بن حسن بن فضل طبرسی صاحب مجمع البیان و پدر، حسن بن فضل بن حسن بن فضل طبرسی صاحب مکارم الاخلاق و پسر، علی بن

حسن بن فضل بن حسن بن فضل طبرسی صاحب مشکاة الانوار فی غرر الاخبار است.

تألیف وی:

۱ ـ مشکاة الانوار فی غرر الاخبار

۳۸ـ ورام بن ابی فراس (؟ ـ ۶۰۵ ق)

عالم و فقیه بزرگ شیعه در قرن ششم و هفتم هجری.

در شهر حلّه زاده شد. وی نیای مادری سید رضی‌الدین بن طاووس و از نسل مالک اشتر نخعی است. خاندان ورام از فقهای جلیل‌القدر بودند. در آغاز مانند خاندان خود، شغل نظامی داشت اما از آن کناره گرفت و به زهد و تقوی پرداخت و در گروه فقیهان بنام قرار گرفت. وی در همان شهر حلّه، چشم از جهان فروبست.

از تألیفات وی:

۱ ـ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر

۲ ـ مسالة فی المواسعة والمضایقة

۳۹ـ سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

سید رضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس. فقیه نام‌آور، ادیب گرانقدر و شاعری چیره‌دست، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد علیهما السلام.

وی در شهر حلّه زاده شد و در همانجا هم تحصیلات ابتدایی خود راگذراند. موضوع تألیفات وی بیشتر در خصوص ادعیه و زیارات است. چندی نقابت علویان را پذیرفت تا بتواند به امور شیعیان بپردازد.

وی در ۷۵ سالگی درگذشت و در حرم امیرالمومنین علیه السلام به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ المهمات و التتمات (۱۰ جلد که هر کدام با عنوان مستقل چاپ شده است: فلاح السائل، زهره للربیع، جمال الاسبوع، اقبال الاعمال و...).

۲ ـ کشف المحجه لثمرة المهجه

۳ ـ مصباح الزائر و جناح المسافر

۴ ـ اللهوف علی قتلی الطفوف

۵ ـ مهج الدعوات و منهج العنایات

۶ ـ فرج المهموم

۷ ـ الاستخارات و...

۴۰ ـ علی بن عیسی اِربِلی (؟ ـ ۶۹۳ ق)

ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، سیره‌نویس، تاریخ‌نگار، شاعر، متکلم و عالم امامیهٔ قرن هفتم هجری.

وی در اِربِل یکی از شهرهای شمال عراق زاده شد. پدرش حاکم اربل بود. فرزندان و نوه‌های وی همه از علما و ادبای زمان خود بودند.

فضل بن روزبهان عالم متعصب اهل تسنن دربارهٔ وی می‌گوید: «امامیه متفق‌اند که علی بن عیسی اربلی از بزرگ‌ترین علمای آنهاست و آثارش هیچ‌گاه کهنه و پوسیده نمی‌شود. او قابل اعتماد و مورد وثوق در نقل است.»

وی در نزد اساتید بنامی چون: سید بن طاووس صاحب کتاب اقبال الاعمال، علی بن فخار، ابن ساعی بغدادی و... شاگردی کرد و آموخت و شاگردانی را چون: علامه حلّی، شیخ رضی الدین (برادر علامه حلّی) و... تربیت کرد.

عیسی اربلی در بغداد درگذشت و در خانهٔ مسکونی خود به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ کشف الغمة فی معرفة الائمة

۲ ـ المقامات

۳ ـ دیوان اشعار

۴ ـ کتاب الطیف

۴۱ ـ عمادالدین طبری (؟ ـ زنده در ۶۹۸ق)

ابوجعفر محمد بن علی بن محمد بن علی طبری آملی کجی، ملقب به عمادالدین، عالم، رجالی و محدث بنام شیعی قرن هفتم هجری.

استادش شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی بود و شاذان بن جبرئیل و قطب راوندی از وی روایت کردند.

بیش از این از زندگانی وی چیزی یافته نشد.

از تألیفات وی:

۱ ـ بشارة المصطفی لشیعة المرتضی

۲ ـ الزهد و التقوی

۳ ـ الفرج فی الاوقات والمخرج بالبینات

قرن نهم

۴۲ ـ ابن فهد حلّی (۷۵۷ ـ ۸۴۱ ق)

جمال الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد اسدی حلّی، فقیه و عالم امامیه، جامع کمالات ظاهری و باطنی.

وی در شهر حلّه زاده شد. در علوم گوناگون از جمله تاریخ، کلام، علوم غریبه و... دست داشت و تألیفاتی دارد.

آنچه این عالم امامیه را از دیگر علما و فقها متمایز می‌کند، مشرب عرفانی، سیر و سلوک و زهد و تقوای اوست و در میان جمیع علما و فقها نیز بدین خاطر مشهور است.

صاحب روضات الجنات دربارهٔ وی می‌نویسد: «عالم عارف پر از اسرار، کاشف اسرار فضائل ... بی‌نیاز از توصیف و تعریف می‌باشد. وی جامع معقول و منقول، فروع و اصول ظاهری و باطنی و علم و عمل است.»

وی در مناظره و بحث، تسلط و اشرافی به کمال داشت. در بحثی با حضور حاکم عراق دربارهٔ امامت و ولایت، علمای اهل سنت را مجاب و بر آنها چیره شد به نحوی که حاکم عراق مذهب تشیع را اختیار کرد و خطبه‌های خود را به نام امیرالمومنین علی و فرزندان پاک ایشان علیهم السلام می‌خواند.

استادانی که ابن فهد حلّی در نزد آنها شاگردی کرد و آموخت عبارتند از: شهید اول، فخرالمحققین، فاضل مقداد سیوری، شیخ علی بن خازن فقیه حائری و...

از جمله شاگردانی که در محضر وی درس آموختند: شیخ علی بن هلال جزائری، فقیه

نامی شیعه ابن العشره کروانی عاملی، محمد نور بخش و...

ابن فهد پس از عمری مجاهده و مطالعه، در ۸۴ سالگی در کربلای معلّا درگذشت و خاکجای وی کنار خیمه‌گاه قرار دارد.

از تألیفات وی:

۱ ـ آداب الداعی

۲ ـ استخراج الحوادث

۳ ـ اسرار الصلاة

۴ ـ التحصین فی صفات العارفین

۵ ـ عدة الداعی ونجاح الساعی و...

۴۳ ـ حسن بن ابی الحسن دیلمی (؟ ـ ۸۴۱ ق)

ابو محمد حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی فقیه، محدث، عالم به عرفان در قرن نهم هجری. علمای بزرگ و همچنین صاحبان بحارالانوار و وسائل‌الشیعه از وی به عنوان موثق و معتمد یاد می‌کنند و از کتاب‌هایش بهره می‌برند.

از تألیفات وی:

۱ ـ ارشاد القلوب الی الصواب

۲ ـ اعلام الدین فی صفات المومنین

۳ ـ غرر الاخبار و درر الآثار

۴ ـ الاربعون حدیثاً

قرن دهم

۴۴ ـ ابن ابی جمهور أحسائی (حدود ۸۴۰ ـ زنده در ۹۰۲ق)

ابوجعفر محمد بن زیدالدین ابی الحسن علی بن حسام‌الدین بن ابی جمهور، عالم، فقیه، محدث، متکلم و عارف بزرگ شیعه.

وی در احساء واقع در عربستان شرقی در کنار خلیج‌فارس زاده شد و در همانجا به تحصیل علوم شرعی و ادبی پرداخت. پدر و نیای بزرگ وی ابراهیم، از علمای بزرگ

احساء بودند و در چنین فضایی ابی جمهور پرورش یافت؛ پس می‌توان گفت نخستین استاد وی پدرش بود.

وی که گام‌های نخستین علوم را پشت سر گذاشته بود، برآن شد تا برای رسیدن به کمال سفر کند به همین خاطر به عراق رفت و در نجف جایگیر شد و در نزد بزرگی چون، شیخ عبدالکریم فتال نیشابوری شاگردی کرد و درس آموخت. پس از چندی به خانهٔ خدا رهسپار شد و حج گزارد و چندی در احساء ماند و سپس به کربلای معلّا رفت و از آنجا به نجف اشرف بازگشت. پس از چندی به قصد زیارت ثامن‌الائمه به مشهد مقدس روانه شد و پس از ورود، سید محسن رضوی که از فضلای بزرگوار مشهد بود به پیشواز وی رفت و در خانهٔ خود مهمانش کرد و این زمانی بود که سید محسن رضوی در نزد چنین استادی زانوی ادب بر زمین زد و شاگردی کرد.

ابن ابی جمهور به چیره‌دستی در مناظره معروف است و در یکی از همین مناظرات میان خود و یک عالم اهل سنت هراتی بود که طی سه جلسه سرانجام عالم هراتی شکست خورد و به درخواست شاگردان ابی جمهور، کتابی به نام مناظرة بین الغروی و الهروی که همه مربوط به همین مناظره بود، نگاشته شد.

ابن ابی جمهور پس از پانزده سال ماندن در مشهد مقدس، سفر دوم خود به خانهٔ خدا را آغاز کرد و پس از گزاردن حج به نجف اشرف رفت و دو سال در آنجا بود و سپس به مشهد مقدس بازگشت و تا پایان روزگار خود در آنجا ماند و زندگی کرد.

استادانی که وی در نزد آنها آموخت، پدر بزرگوارش شیخ زین‌الدین علی احسائی، سید شمس‌الدین محمد موسوی احسائی، شیخ حسن بن عبدالکریم فتال غروی و شیخ علی بن هلال جزائری بودند.

شاگردانش نیز سیدمحسن رضوی، شیخ ربیعه جزائری، سید شرف‌الدین طالقانی، شیخ علی کرکی معروف به محقّق ثانی و... بودند.

چون ابن ابی جمهور در محبت اهل بیت افراط کرد و می‌کوشید تا میان عرفان، فلسفه و کلام را آشتی دهد و هماهنگی ایجاد کند، در میان گروهی از علما و فقها جنجال‌برانگیز شده است! به هر روی در این که وی عالمی است عارف و شیعه، شک

نیست. از خاکجای وی اطلاعی در دست نیست.

از تألیفات وی:

۱ ـ عوالی اللئالی [= غوالی اللئالی]

۲ ـ الاقطاب الفقهیة والوظایف الدینیة علی مذهب الامامیة

۳ ـ درر اللئالی

۴ ـ زاد المسافرین فی اصول الدین

۵ ـ المجلی و...

۴۵ ـ شهید ثانی (۹۱۱ ـ ۹۶۶ ق)

شیخ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی، معروف به شهید ثانی، فقیه نـامدار و عالم بزرگوار شیعه.

وی در جبع از شهرهای جبل عامل و در خانواده‌ای از اهل علم و فقاهت زاده شد.

در آغاز، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود نورالدین علی بن احمد گذراند. سپس به شهر میس کوچ کرد و در محضر شیخ علی بن عبدالعالی میسی به تحصیلات خود ادامه داد و کتاب‌های شرایع‌الاسلام محقق حلّی و ارشاد و قواعـد علامه حلّی را در نزد او خواند. پس از آن به کرک نوح رهسپار شد و نحو و اصول را نزد سید جعفر کرکی فراگرفت و پس از سه سال اقامت در آنجا به دمشق سفر کرد و در محضر شیخ محمد بن مکی، پاره‌ای از کتب طب، حکمت و هیأت را آموخت. سپس به مصر رفت و در درس شانزده استاد برجسته به آموختن علوم عربی، اصول فقه، هندسه، معانی و بیان، عروض، منطق، تفسیر و... همت گماشت. وی سفرهای بسیاری در دوران زندگانی خود داشت که یکی از آنها و مؤثرترین آن، سفر به روم شرقی قسطنطنیه بود. در آنجا بود که پس از ارائه رساله‌ای به قاضی عسکر محمد بن محمد بن قاضی زادهٔ رومی که درباره ده علم بود، به اجازه و پـیشنهاد وی بـه تدریس در «مدرسهٔ نوریه» بعلبک مشغول شد و مدیریت آنجا به او واگذار گردید.

پس از جایگیر شدن در بعلبک، در سایهٔ آوازهٔ علمی خود مرجعیت یافت و دانشمندان از دور دست‌ترین نقاط برای استفاده علمی نزد وی می آمدند.

وی در این شهر، تدریس جامع (تدریس پنج‌گانۀ جعفری، حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) را آغاز کرد و در حقیقت فقه مقارن و عقاید تطبیقی را درس داد.

صاحب روضات الجنات می‌گوید: «تاکنون در جمع دانشمندان بزرگ و برجستۀ شیعه کسی را به یاد ندارم که از لحاظ شکوه شخصیت، سعۀ صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامۀ تحصیلی، کثرت اساتید، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی به پای شهید ثانی برسد... وی در ردۀ پس از معصومان ﷺ قرار دارد.» شهید ثانی در رؤیایی صادقه، شهادت خود را چنین دیده: «در عالم رؤیا سید مرتضی علم الهدی را دیدم که مجلس ضیافتی تشکیل داده و علمای امامیه و شیعه در آن شرکت داشتند. وقتی وارد مجلس شدم، سید مرتضی از جا برخاست و به من تهنیت گفت و دستور داد در کنار استاد شهید اول بنشینم.» شهید ثانی به فتوای قاضی صیدا مبنی بر رافضی و شیعی بودن، به دستور حاکم ترکان عثمانی سلطان سلیم تحت پیگرد قرار گرفت تا وی را زنده به دربار بیاورند اما وزیر وی رستم پاشا که مأمور دستگیر کردن شهید ثانی بود، وی را در قسطنطنیه به شهادت رساند که البته به همت سید عبدالرحیم عباسی، رستم پاشا قصاص شد و به هلاکت رسید و خون شهید ثانی به هدر نرفت. پیکر شریف وی را پس از سه روز به دریا افکندند. تألیفات وی بی‌شمار است به طوری که در امل الامل آمده که از شهید ثانی دو هزار مجلد کتاب به جای مانده که دویست جلد از آن به دست خط خود شهید ثانی بوده است.

از تألیفات وی:

۱ ـ منیة المرید فی ادب المفید و المستفید

۲ ـ روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان

۳ ـ حقائق الایمان

۴ ـ البدایة فی علم الدرایة

۵ ـ الفوائد العلمیة فی شرح النفلیة

۶ ـ مسالک الافهام

۷ ـ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة و...

قرن دوازدهم

۴۶ـ حرّ عاملی (۱۰۳۳ـ ۱۱۰۴ ق)

محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، معروف به شیخ حرّ عاملی و ملقب به شیخ‌الاسلام، فقیه، محدث، ادیب، شاعر، ثقه و عالم بزرگ شیعه.

وی در روستای مشغره در منطقهٔ جبل عامل لبنان چشم به جهان گشود. منطقهٔ جبل عامل به دست مبارک ابوذر غفاری شیعه شد و با جان و دل، محبت اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرا گشت.

حرّ عاملی از نوادگان حر بن یزید ریاحی یار جانباز حسین بن علی علیه‌السلام است و خانوادهٔ او همه از بزرگان علم و معرفت شیعه بودند. وی سفرهای متعددی به عتبات عالیات کرد و پس از آن به زیارت ثامن‌الائمه حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شد و چندی در آنجا جای گرفت و ماندگار شد.

از آنجا به خانهٔ خدا و عتبات عالیات رفت و سپس به اصفهان رهسپار شد و به دیدار علامه مجلسی رسید سپس علمای آن شهر ترتیب دیدار وی را با شاه سلیمان صفوی دادند و شاه با شیخ حر عاملی و نفوذ، جذبه و تأثیر وی در نزد علمای شیعه آشنا شد و چنین شد که وقتی به مشهد مقدس بازگشت، از سوی شاه ایران به قاضی القضاتی منصوب و پس از چندی از علمای بزرگ آن دیار گشت.

شیخ حر عاملی از اندک کسانی است که در سرودن شعر برای حضرات معصومین علیهم‌السلام با چیرگی و توانایی شگفت‌انگیز، از دیگران پیشی گرفته است و چکامه‌های (=قصاید) وی در ستایش آن بزرگواران بسیار است و بیست هزار بیت را شامل می‌شود.

استادانی که وی در نزدشان شاگردی کرد، عبارتند از: پدر بزرگوارش حسن بن علی، عمویش شیخ محمد بن علی، نیای مادری‌اش شیخ عبدالسلام بن محمد حر، دایی پدرش شیخ علی بن محمود عاملی که همه از روستای مشغر بودند، شیخ زین‌الدین صاحب معالم و فرزند شهید ثانی، شیخ حسین ظهیری در روستای جبع و در دیگر نقاط مانند: سید میرزا جزایری نجفی، آقا حسین خوانساری، سید هاشم توبلی بحرانی و... .

وی شاگردان بسیاری را نیز پرورش داد که برخی از آنها عبارتند از: شیخ مصطفی بن

عبدالواحد بن سیار حویز، شیخ محمدرضا و حسن فرزندان شیخ مصطفی، مولی محمدتقی دهخوارقانی قزوینی و...

شیخ حر عاملی در ۷۲ سالگی و در جوار حضرت امام رضا ؑ در کنار مدرسهٔ میرزا جعفر به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة

۲ ـ الفصول المهمة فی اصول الائمه

۳ ـ دیوان شعر

۴ ـ امل الامل و ...

۴۷ ـ محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ ـ ۱۱۱۱ ق)

محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود، معروف به مجلسی ثانی، فقیه، محدث، رجالی و عالم عقلی بزرگ شیعه.

خاندان وی همگی از بزرگان علم و فضل بودند. پدربزرگ وی، عالم نامدار ابونعیم اصفهانی صاحب حلیة الاولیاء و پدر وی، محمد تقی مجلسی معروف به مجلسی اول، صاحب اجتهاد و کرامات بودند و محمدباقر مجلسی در چنین فضایی پرورش یافت و آموزش دید.

علامه مجلسی در علوم مختلف اسلامی همچون تفسیر، اصول و درایت، علوم عقلی مانند فلسفه، منطق، ریاضیات، طب، نجوم، ادبیات و... سرآمد و چیره‌دست بود.

وی همپای مدارج علمی، به مدارج معنوی و کمالات روحی نیز پرداخت و آن را ملاک معرفت دانست. اساتید وی پدرش مجلسی اول و آقا حسین خوانساری و مشایخ نقل وی مولانا محمد صالح مازندرانی، فیض کاشانی، سید علی‌خان مدنی و شیخ حر عاملی بودند. شاگردانی هم که در نزد وی درس گرفتند و آموختند از جمله: سید نعمت‌الله جزائری، کمره‌ای اصفهانی، ماخوری بحرانی، محمد باقر بیابانکی و... بودند.

مجلسی لقب «علامه» را از بزرگانی چون وحید بهبهانی، علامه بحرالعلوم و شیخ اعظم

انصاری دریافت کرد و از سوی شاه سلیمان صفوی به «شیخ‌الاسلام» اصفهان منصوب شد که بالاترین منصب دینی و اجرایی در آن روزگار بود و وی شخصاً و مستقیماً اهتمام به ادارهٔ امور شرعی مسلمانان می‌کرد.

۱۶۶اثر از وی به یادگار مانده است که ۱۳ اثر به عربی و ۵۳ اثر آن به فارسی است. این عالم جلیل القدر در مسجد عتیق اصفهان پس از ۷۴ سال عمر پربار، به خاک سپرده شد.

از تألیفات وی:

۱ ـ بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام

۲ ـ مرآت العقول

۳ ـ حق الیقین

۴ ـ زاد المعاد

۵ ـ عین الحیاة و...

قرن چهاردهم

۴۸ ـ میرزا حسین نوری طبرسی (۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۰ ق)

میرزا حسین بن محمد تقی نوری طبرسی. محدث، رجالی بزرگ و فقیه شیعی.

وی در روستای یالو از روستاهای اطراف شهرستان نور زاده شد. هشت سال بیشتر نداشت که سایهٔ پدر بزرگوارش که از علمای آن سامان بود، از سرش برچیده شد. در همان کودکی به آموختن فقه نزد استاد جلیل القدر محمدعلی محلاتی می‌رفت. در دورهٔ جوانی به تهران رهسپار شد تا از علمای بزرگ آنجا مستفیض شود و این شد که در درس عالم نحریر، شیخ عبدالرحیم بروجردی حاضر شد و بهره‌ها برد و دختر همان استاد را نیز به ازدواج خود درآورد. در نوزده سالگی بود که به عراق سفر کرد و برای کسب دانش چهار سال در حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف ماند و آموخت و سپس به ایران بازگشت اما بیش از یک سال در آنجا نماند و دوباره به عراق برگشت و در کربلای معلّا نزد شیخ عبدالحسین تهرانی شاگردی کرد و به دنبال وی دو سال نیز در کاظمین ماند.

در بیست و هشت سالگی به سفر حج و زیارت مدینه مشرف شد و پس از آن به نجف اشرف برگشت و در درس دانشمند فرزانه شیخ مرتضی انصاری حاضر شد و دیری نپایید

که آن عالم به دیار باقی شتافت و وی نیز به مشهد مقدس رهسپار شد و دو سال بعد باز به عراق بازگشت و در همان موقع استاد بزرگ خود شیخ عبدالحسین تهرانی را نیز از دست داد؛ همان که به وی اجازهٔ روایت داده بود.

محدث نوری از سرشناس ترین چهره‌های علمی شیعی است که اخبار و روایات گوناگون را گردآورد و احادیث مختلف را هماهنگ ساخت و آثار پراکنده را سامان بخشید.

ایشان شاگرد برجسته‌ای (شیخ آقابزرگ طهرانی) را به جهان شیعه شناساند که آقا بزرگ طهرانی در الذریعهٔ خود، وی را «شیخنا» معرفی می‌کند.

از تألیفات وی:

۱ ـ مستدرک الوسائل

۲ ـ نفس الرحمان

۳ ـ دارالسلام

۴ ـ جنّة المأوی و ...

۴۹ ـ حاج سید حسین بروجردی (۱۲۹۲ ـ ۱۳۸۰ ق)

آیت الله حاج سید حسین طباطبایی بروجردی، از اعاظم علما و مراجع بزرگ شیعه.

وی در یکی از خاندان‌های با اصل و نسب شیعه در شهر بروجرد زاده شد. پدر و نیاکان وی همه از علمای بنام بروجرد بودند و برخی از آنان مقام والای مرجعیت و رهبری مذهبی را برعهده داشتند؛ از جمله: علامه سیدمهدی بحرالعلوم طباطبایی، علامه سید علی طباطبایی مؤلف ریاض المسائل و فرزند او سید محمد مجاهد، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی مؤلف العروة الوثقی و سید محسن طباطبایی حکیم.

بروجردی در فضایی از علم و تقوا پرورش یافت. هفت سالش بود که به مکتب فرستاده شد و قرائت قرآن، ادبیات و منطق را فرا گرفت. به هجده سالگی که رسید، برای کسب دانش به اصفهان که مرکز مهم علمی آن دوره بود، رهسپار شد و در حوزهٔ درسی استادان بزرگ آن سامان درس آموخت؛ از جمله : میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمد باقر درچه‌ای، میرزا محمد تقی مدرس، آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی.

در طی ده سال اقامت در اصفهان و شاگردی کردن و آموختن، سرانجام در ۲۸ سالگی از سوی سه استاد، اجازهٔ اجتهاد برایش صادر شد. از آن تاریخ بود که به تدریس فقه و اصول، همت گماشت و جمعی از فضلا در جلسات درس وی حاضر شدند.

پس از مدتی کوتاه، به نجف اشرف رفت و به درس اساطین علم آنجا همچون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ الشریعهٔ اصفهانی و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی حضور یافت و چیزی نگذشت که در حوزهٔ نجف اشرف و در میان استادان و طلاب، آوازه‌اش پیچید.

پس از هشت سال پربار در نجف اشرف به اصرار پدر بزرگوار خود حاج سید علی به شهر و دیار خود بروجرد برگشت و ماندنش سی و شش سال به درازا کشید و در این دوران خدمات بسیار ارزنده‌ای انجام داد که از جملهٔ آن: تشکیل کلاس‌های درس و جمع‌آوری طلاب فاضل، تنظیم حاشیه‌ای بر العروة الوثقی اثر مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، مبارزهٔ منطقی و جدی علیه فرقه ضالّهٔ بهایی و ریشه‌کن کردن آنها از آن خطه بود.

آیت الله بروجردی دیدی گسترده نسبت به جهان آن روز خود داشت و پیوسته برای گسترش اندیشه‌های ناب امامیه کوشش بی‌دریغ می‌کرد و موکداً طلاب را تشویق به آموختن زبان دیگر و ترجمهٔ آثار اندیشمندان خارجی می‌کرد و نمایندگان متبحر و مبرزی را برای تبلیغ شیعه به کشورهای مسلمان‌نشین غیر شیعی گسیل می‌داشت که از آن جمله اعزام شیخ محمدتقی قمی به مصر و شناساندن درست مذهب شیعه به علمای اهل سنت آن سامان بود و همین امر هم باعث شد تا شیخ محمد شلتوت رییس دانشگاه الازهر مصر، فتوایی مبنی بر صحت پیروی از مذهب شیعه صادر نماید و روی همین اصل، کتاب‌هایی از آثار بنام شیعه در مصر منتشر شد و تأثیر بسیاری بر علما و استادان آنجا گذاشت طوری که آنان روش معتدل‌تری را در پیش گرفتند. یکی از کارنامه‌های درخشان مرحوم بروجردی که ارزش بسیار والایی دارد، احیاء، تصحیح و پانوشت بر کتاب‌های علمای پیشین بود که با تلاشی بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر به سرانجامی نیک رسید که آن کتب به قرار زیر است:

الخلاف، تألیف شیخ الطائفه طوسی؛ جامع الرواة، تألیف شیخ محمد بن علی اردبیلی

حائری؛ قرب الاسناد، تألیف عبدالله بن جعفر حمیری؛ الجعفریات (الاشعثیات)، منسوب به اسماعیل فرزند امام موسی کاظم علیه السلام؛ چند جلد از مفتاح الکرامة، تألیف سید جواد عاملی؛ منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، تألیف شیخ حسن بن زین الدین عاملی.

وی پژوهنده‌ای سختکوش بود و در احوال راویان حدیث، شناخت طبقات و تعداد روات هر یک از آنان، تحقیقات شایان توجهی کرد که از آن جمله، مجردات اوست بر کتب ارزشمند تشیع: تجرید اسانید الکافی (این کتاب به همت حاج میرزا مهدی صادقی ـ یکی از شاگردان وی ـ در ۷۱۴ صفحه)، تجرید اسانید الفقیه، تجرید اسانید الامالی، تجرید اسانید الخصال، تجرید اسانید التهذیب، تجرید اسانید الفهرست، تجرید اسانید رجال النجاشی.

مرحوم بروجردی حواشی و تعلیقه‌هایی نیز بر آثار مهم در فقه و اصول نگاشت که عبارتند از: حاشیة علی العروة الوثقی، حاشیة علی خلاف الشیخ الطوسی، حاشیة الکفایة الاصول (استاد وی آخوند خراسانی).

مرحوم بروجردی به جز کسب دانش و تعلیم آن، خدمت به مردم را افضل کارهای خود می‌دانست به نحوی که پیش از رفتنش از این سرای خاکی، برای خود باقیات الصالحات به جای گذاشت:

تأسیس مسجد اعظم قم در کنار آستانهٔ حضرت معصومه علیها السلام، کتابخانهٔ مسجد اعظم، مدرسهٔ علمیهٔ نجف که یکی از نزدیک‌ترین مدارس به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است، حسینیه و حمام سامرا، مسجد هامبورگ آلمان، بازسازی و مرمت چندین مدرسه، مسجد و کتابخانه در شهرها و کشورهای مختلف، بیمارستان نکویی قم و ... . آیت الله بروجردی در سن ۸۸ سالگی در شهر قم، چشم از جهان فرو بست.

بزرگ‌ترین و ماندگارترین اثر مرحوم بروجردی کتاب مستطاب ۳۱ جلدی جامع احادیث الشیعه است که به ترتیب باب‌های فقه و در مجلدات جداگانه توسط شاگردان مستعد وی که هر کدام استادی تمام هستند، به پایان رسیده است.

تشکر و اعتذار

این بضاعت اندک بندهٔ کمترین است که خود را وام‌دار علوم اهل بیت علیهم السلام می‌دانم و در این جهاد علمی و مساعی جمیل، لازم می‌دانم از فضلا و سروران عزیزم حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سید احمد رضا حسینی که در امر ویراستاری و نظارت علمی بنده را یاری کردند و حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمدحسین مهوری که در ترجمهٔ این مجلد سعی بلیغ مبذول داشتند، نهایت سپاس و تشکر را کنم. همچنین از حجت‌الاسلام والمسلمین نظرعلی حسین‌آبادی که در پژوهش و ویراستاری ادبی همکار بودند و آقای علی قربانی که تایپ و صفحه‌آرایی و سرکار خانم گلناز غریب‌زاده که تدوین و تطبیق مطالب این مجلد را انجام دادند، بسیار سپاسگزارم. بر خود لازم می‌دانم از همهٔ محدثان و فقیهانی که در تدوین این اثر جاودان شیعی، حضرت آیة الله العظمی سیدحسین بروجردی را طی سال‌ها ممارست و مجاهدت علمی یاری کردند یاد و تقدیر نمایم، به ویژه مرحوم حضرت آیة الله حاج شیخ اسماعیل معزی ملایری که در ادامه و استمرار این حرکت فرهنگی مقاوم و نستوه به تعب نفس فراوان، کار را به اتمام رساندند. اجر و پاداش همهٔ عزیزان را به دعای حضرت بقیة اللّه الاعظم روحی له الفداء از آستان ربوبی حضرت عالمیان مسالت دارم و امید دارم آن خورشید پنهان ولایت و هدایت، تلاش همهٔ عزیزان را به دیدهٔ منت، قبول فرمایند.

در پایان، از استادان عالی‌مقام علوم اسلامی و فرزانگان حوزه‌های علمیه و فرهیختگان دانشگاه‌ها تقاضا دارم با دیدهٔ عفو و ارشاد، خطاها و نقص‌ها را تذکر دهند تا در چاپ‌های بعدی از تذکرهای عزیزان منتفع شویم و عذر این کمترین را در ضعف و قصور ارائه بهتر آثار جاودان اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پذیرا باشند؛ چراکه ان الهدیة علی قدر مهدیها.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

احمد اسماعیل تبار

تهران ـ به تاریخ ۱۳۹۴/۸/۳

برابر با ۱۴۳۷/۱/۱۱ قمری

منابع و مآخذ تحقیق

۱ . ***اختیار معرفة الرجال*** معروف به ***رجال الکشّی***. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، دانشگاه مشهد، ایران، ۱۳۴۸ ش.

۲ . ***اعیان الشیعه***. امین، علامه سید محسن، دارالتعارف المطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۳ . ***الغدیر***. امینی، احمد، مطبعة الحیدری، ۱۳۹۶ق.

۴ . ***تتمة المنتهی***. قمی، شیخ عباس، انتشارات مؤمنین، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰ ش.

۵ . ***تنقیح المقال فی علم الرجال***. مامقانی، عبدالله، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۲۴ق.

۶ . ***جامع الرواة***. اردبیلی غروی حائری، محمد بن علی، مکتبة آیة‌الله العظمی مرعشی نجفی، ایران، ۱۴۰۳ق.

۷ . ***خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال***. علّامه حلّی، نشر الفقاهة، ایران، ۱۴۱۷ ق.

۸ . ***دانشنامهٔ جهان اسلام***. زیر نظر حداد عادل. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۹ . ***دایرة المعارف بزرگ اسلامی***. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۱۰ . ***دایرة المعارف تشیع***. نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۱۱ . ***دایرة المعارف مصاحب***. مصاحب، غلامحسین، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۱۲ . ***الذریعه الی تصانیف الشیعه*** . طهرانی، آقا بزرگ، دار الاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۱۳ . ***رجال السیّد بحر العلوم*** معروف به ***الفوائد الرجالیّة***. بحرالعلوم طباطبائی،سید محمد مهدی، مکتبة الصادق، ایران، ۱۳۶۳ ش.

۱۴ . ***رجال النجاشی***. نجاشی، ابوالعبّاس احمد بن علی بن احمد بن عباس، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.

۱۵ . *ریاض العلماء وحیاض الفضلاء*. افندی اصبهانی، میرزا عبدالله، مطبعه خیّام، ایران، ۱۴۰۱ ق.

۱۶ . *ریاض المحدّثین*. محمّد علی بن حسین نائینی، مکتبة آیةالله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۱ش / ۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۳ م.

۱۷ . *ریحانة الادب*. مدرس تبریزی، محمدعلی، انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۷۴ ش.

۱۸ . *السیرة النبویة*. ابن هشام، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۹ . *الفتوح اعثم کوفی*. اعثم کوفی، احمد بن علی، مترجم مستوفی هروی، محمد بن احمد، مصحح طباطبایی مجد، غلامرضا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۲۰ . *فرهنگ‌نامهٔ دهخدا*. دهخدا، علی‌اکبر، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.

۲۱ . *فرهنگ‌نامهٔ معین*. معین، محمد، انتشارات امیرکبیر، چاپ هجدهم، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۲۲ . *فهرست کتب الشیعة واصولهم*. شیخ طوسی، مکتبة المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ ق.

۲۳ . *قاموس الرجال*. تستری، محمدتقی، مؤسسه نشر اسلامی، ایران، ۱۴۱۰ ق.

۲۴ . *مجمع الرجال*. علی القهپائی، مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان، ایران، بی‌تا.

۲۵ . *معجم المؤلفین*. کحاله، عمر رضا، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۲۶ . *معجم رجال الحدیث*. موسوی خویی، ابوالقاسم، نشر آثارالشیعه، قم، ۱۴۰۹ ق.

۲۷ . *معجم مؤلّفی الشیعة*. علی فاضل قائنی نجفی، وزارت ارشاد اسلامی، ایران، ۱۴۰۵ ق.

۲۸ . *موسوعة العظماء الشیعة*. حکیمی، محمد، موسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.

۲۹ . *نقد الرجال*. حسینی تفریشی، مصطفی، انتشارات آل المصطفی، ایران، بی‌تا.

بسم الله الرّحمٰن الرّحيم

الحمد للّه ربّ العالمين والصّلاة والسّلام علىٰ حبيبه وأشرف رسله محمّد صلوات اللّه عليه وعلى أطائب عـترتة وأولاده المعصومين واللّعن والعذاب على أعدائهم ومخالفيهم أجمعين

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

هر سپاس و ستایشی ویژهٔ خداوندی است که اداره کنندهٔ جهانیان است و درود پیاپی بر دوست و محترم‌ترین پیامبرانش حضرت محمّدﷺ که درودهای پیوستهٔ حضرت حق بر او و خاندان پاک و فرزندان مصون از گناه و خطای او باد. و نفرین و عذاب دامنگیر دشمنان و مخالفان آنان باد.

كتاب القرآن

والدّعاء والذّكر

کتاب قرآن

دعا و ذکر

أبواب فضائل القرآن
وتعلّمه وتعليمه وقرائته وما يتعلّق به

(١)

باب فضل القرآن وتعظيمه وتوقيره وتكريمه وتعلّمه وتعليمه وقرائته وافتتاحه وختمه واستماعه والعمل به وفضائل أهله وتحريم توهينه

قال الله عزّ وجلّ في سورة المزّمّل (٧٣): ٢٠: ﴿فَاقْرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى ٱلْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَـٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَاقْرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ الآية﴾

التّكوير (٨١): ١٩، ٢٠، ٢١، ٢٧ و ٢٨: ﴿إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ * مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَـٰلَمِينَ * لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ﴾.

النّجم (٥٣): ٤ و ٥: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلْقُوَىٰ﴾.

فضایل قرآن

باب ۱

اهمیّت یاد گرفتن و خواندن و پیروی از قرآن

خداوندﷻ فرموده است:

پس هر قدر برایتان میسّر است قرآن بخوانید. خداوند می‌داند که عـدّه‌ای از شـما بـه زودی بیمار خواهد شد و عدّه‌ای دیگر در پی طلب لطف و کرم الهی [رزق و روزی] به سفر خواهد رفت و عدّه‌ای به جنگ و جهاد در راه خدا مشغول خواهد شد پس [در تمام این موارد] آنچه که مقدور و میسور شما است از آن [قرآن] بخوانید.[۱]

[سوگند به...] که این [قرآن] سخن پیک [وحی، جبرئیل] بزرگوار است کـه در پـیشگاه صاحب عرش [خداوند]، توانا و دارای منزلت است. در آنجا [فرمانش برای فرشتگان] واجب الاطاعه [و] امانت‌دار است.[۲]

نیست این [قرآن] مگر وسیلهٔ آگاهی و یادآوری جهانیان. بـرای آن عـدّه از شـما کـه می‌خواهند درست و راست شوند [و انحراف و کجی‌های خود را برطرف نمایند].[۳]

نیست گفتار او [پیامبرﷺ] مگر وحی که [از سوی خداوند] بـه او وحـی مـی‌شود. [و فرشتهٔ] توانمندی به او تعلیم می‌دهد.[۴]

خیر [اینگونه نیست که این شخص پنداشته است] این [آیات قرآنی] برای تـذکّر دادن است. پس هر کس خواهان [هدایت و سعادت] است متذکّر و متنبّه شود. در صحیفه‌های

---

۱. مزمّل ۲۰/۷۳. ۲. تکویر ۸۱/ ۲۱ ـ ۱۹. ۳. تکویر ۲۷/۸۱ و ۲۸.

۴. نجم ۴/۵۳ و ۵.

عَبَسَ (۸۰): ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶: ﴿كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ * فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ * فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ * مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍۭ * بِأَيْدِى سَفَرَةٍ * كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ﴾.

القدر (۹۷): ۱: ﴿إِنَّآ أَنزَلْنَـٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ﴾.

البُرُوج (۸۵): ۲۱ و ۲۲: ﴿بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ * فِى لَوْحٍ مَّحْفُوظٍۭ﴾.

الطّارق (۸۶): ۱۳ و ۱۴: ﴿إِنَّهُۥ لَقَوْلٌ فَصْلٌ * وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾.

القمر (۵۴): ۱۷: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ﴾.

الأعراف (۷): ۲، ۳ و ۲۰۴: ﴿كِتَـٰبٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِى صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ * ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ﴾.

﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلْقُرْءَانُ فَاسْتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

الجِنّ (۷۲): ۱: ﴿قُلْ أُوحِىَ إِلَىَّ أَنَّهُ ٱسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا﴾.

يس (۳۶): ۱۱ و ۶۹: ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكْرَ وَخَشِىَ ٱلرَّحْمَـٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾.

﴿وَمَا عَلَّمْنَـٰهُ ٱلشِّعْرَ وَمَا يَنۢبَغِى لَهُۥٓ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ﴾.

الفرقان (۲۵): ۱ و ۶: ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ لِيَكُونَ لِلْعَـٰلَمِينَ نَذِيرًا﴾.

﴿قُلْ أَنزَلَهُ ٱلَّذِى يَعْلَمُ ٱلسِّرَّ فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.

گرانقدری [ثبت شده] است که بلندقدر و پاکیزه است. با دست‌های مأموران الهی [فرود] می‌آید [که آنها] بزرگوار و نیکوکارند.[۱]

ما این [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.[۲]

بلکه آن، قرآنی است دارای مجد و شرف که در لوحی نگهداری می‌شود.[۳]

[سوگند به...] که این [قرآن] سخن جدّی و نهائی است که [حق را از باطل] جدا می‌کند و این [قرآن] شوخی و گزاف نیست.[۴]

برای آگاه شدن [مردم] قرآن را آسان [و در دسترس همگان] قرار دادیم آیا کسی هست که با خواندن آن آگاهی پیدا کند.[۵]

[این] یک کتابی است که بر تو نازل شده است. پس نباید در سینه‌ات احساس گرفتگی و دل تنگی باشد تا بتوانی به وسیله آن [مردم را] هشدار دهی و بـرای مـؤمنان، وسـیلهٔ یادآوری باشد.[۶]

از آنچه که از سوی پروردگارتان برای شما نازل شده است، پیروی کنید و از سرپرستان و معبودان دیگر، غیر از خداوند پیروی نکنید. شما خیلی، کم پند می‌پذیرید.[۷]

چون قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دارید و به آن دل بیندازید [و سکوت کرده و با تمام وجود به آن توجّه کنید] باشد که مشمول رحمت و رأفت خداوند واقع شوید.[۸]

ای پیامبر! بگو: به من وحی شد که گروهی از جنّیان [به این قـرآن] گـوش فـرا دادنـد وانگهی گفتند: ما قرآن شگفت انگیزی شنیدیم.[۹]

تو تنها کسی را بترسانی و اندرز کنی که پیرو آیات قرآن شده و از (قـهر) خـدای مـهربان بـه خلوت و در پنهان می‌ترسد، اینان را به مغرفت خدا و پاداش با لطف و کرم او بشارت ده![۱۰]

و نه ما او را شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست. بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی وقرآن روشن بیان خدا نیست.[۱۱]

[ای پیامبر] بگو این قرآن را، آن ذات اقدسی نازل فرموده که اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند [و هر کاری هرچند در خفا و خلوت انجام گیرد و هر نیّت و خطوری که بر دل بگذرد، می‌داند و اگر بدکاران را عذاب نمی‌کند به خاطر این است که] او آمرزنده و مهربان است.[۱۲]

---

۱. عبس ۱۶/۸۰ ـ ۱۱. ۲. قدر ۱/۹۷. ۳. بروج ۲۱/۸۵ و ۲۲.
۴. طارق ۱۳/۸۶ و ۱۴. ۵. قمر ۱۷/۵۴. ۶. اعراف ۲/۷.
۷. اعراف ۳/۷. ۸. اعراف ۲۰۴/۷. ۹. جنّ ۱/۷۲.
۱۰. یس ۱۱/۳۶. ۱۱. یس ۶۹/۳۶. ۱۲. فرقان ۶/۲۵.

الفرقان (۲۵): ۳۰: ﴿وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَـٰرَبِّ إِنَّ قَوْمِى ٱتَّخَذُوا۟ هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ مَهْجُورًا﴾.

طه (۲۰): ۴ و ۱۳: ﴿تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ ٱلْأَرْضَ وَٱلسَّمَـٰوَٰتِ ٱلْعُلَى﴾.

﴿وَأَنَا ٱخْتَرْتُكَ فَٱسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰٓ﴾.

الواقعة (۵۶): ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰ و ۸۱: ﴿إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ۞ فِى كِتَـٰبٍ مَّكْنُونٍ ۞ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ ۞ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ ۞ أَفَبِهَـٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ﴾.

الشّعراء (۲۶): ۱۹۲ و ۱۹۳: ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ ۞ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلْأَمِينُ﴾.

النّمل (۲۷): ۶ و ۹۲: ﴿وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلْقُرْءَانَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾.

﴿وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ﴾.

الاسراء (۱۷): ۹، ۸۲ و ۸۸: ﴿إِنَّ هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ يَهْدِى لِلَّتِى هِىَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾.

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّـٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾.

﴿قُل لَّئِنِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأْتُوا۟ بِمِثْلِ هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِۦ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾

پیامبر گفت: ای پروردگار! قوم من قرآن را کنار گذاشتند [و قرآن را متروک و منزوی کردند].[۱]

[این قرآن] فرو فرستاده‌ای است از جانب آن کسی که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده است.[۲]

من تو را [ای موسی، به پیامبری] برگزیدم پس به آنچه بر تو وحی می‌شود خوب گوش فرا دار.[۳]

همانا این [کتاب] قرآن گرانقدر است. در لوح محفوظ است. جز پاکان کسی نتواند با آن تماس پیدا کند. از سوی پروردگار جهانیان فرود آمده است. آیا به [چنین] سخن [مقدّس که دارای این ویژگی‌های فوق العاده است] شما انکار و جدال روا می‌دارید.[۴]

و این قرآن یقیناً فروفرستاده پروردگار جهانیان است که توسّط جبرئیل امین فرود آمده است.[۵]

و تو در حقیقت قرآن را از پیشگاه خداوند حکیم دانا فرا می‌گیری [هر چند که جبرئیل واسطه باشد].[۶]

و [من مأموریت دارم] که قرآن را برای شما بخوانم پس آن کس که هدایت یافت، به سود خود هدایت یافته و آن کس که گمراهی برگزید [به زیان خود اوست] پس بگو من نیز یکی از [پیامبران] هشدار دهنده هستم.[۷]

همانا این قرآن [انسان را] به درست‌ترین و استوارترین دین و آئین راهنمایی می‌کند و مؤمنان نیک کردار را به پاداشی بزرگ، مژده می‌دهد.[۸]

ما از قرآن برای مؤمنان، شفا و رحمت فرو می‌فرستیم، [ولی] ستمگران را جز خُسران و زیان نباشد.[۹]

بگو اگر همهٔ انسان‌ها و جنّیان به این منظور گرد هم آیند که مانند این قرآن را پدید آورند، نمی‌توانند همانند آن را بیاورند. هر چند یکدیگر را در این امر یار و پشتیبان باشند.[۱۰]

---

۱. فرقان ۳۰/۲۵. ۲. طه ۴/۲۰. ۳. طه ۱۳/۲۰.
۴. واقعه ۷۷/۵۶ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱. ۵. شعراء ۱۹۲/۲۶ و ۱۹۳.
۶. نمل ۶/۲۷. ۷. نمل ۹۲/۲۷. ۸. اسراء ۹/۱۷.
۹. اسراء ۸۲/۱۷. ۱۰. اسراء ۸۸/۱۷.

الاسراء (۱۷): ۸۹: ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾.

یونس (۱۰): ۳۸، ۵۷ و ۶۷: ﴿قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِۦ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ﴾.

﴿يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾.

یوسف (۱۲): ۳: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْءَانَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِۦ لَمِنَ الْغَٰفِلِينَ﴾.

الحجر (۱۵): ۹، ۸۷، ۹۱ و ۹۲: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ﴾.

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ﴾.

﴿الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ * فَوَرَبِّكَ لَنَسْـَٔلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾.

به تحقیق ما در این قرآن [جهت بیان حقائق] برای مردم مَثَل‌های گوناگون زدیم امّا اکثر آن‌ها جز انکار حق و ناسپاسی کاری ندارند.[۱]

[کافران می‌گویند که این شخص پیامبر قرآن را خود ساخته و پرداخته و به خدا افتراء می‌زند، ای پیامبر] بگو شما هم یک سوره، نظیر یکی از سوره‌های آن بیاورید. [اگر واقعا اینگونه است که می‌گویید] و هر کس را که می‌توانید به جز خداوند برای همکاری دعوت کنید، اگر راست می‌گویید.[۲]

ای مردم! به تحقیق شما را پندی [بزرگ] از جانب پروردگارتان آمده است که شفای بیماری دل‌ها است و نیز برای آن‌هایی که به آن ایمان دارند و آن را باور دارند، هدایت و رحمت است.[۳]

اوست که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را پدید آورد تا در آن ببینید، حقیقتاً در این‌ها برای مردمی که گوش شنوا دارند عبرت‌ها و نشانه‌هایی است [بر وجود و قدرت و حکمت و رحمت خداوند].[۴]

[ای پیامبر]! ما به زیباترین صورت، برای تو [داستان پیشینیان را] حکایت می‌کنیم با اینکه پیش از آن، مطّلع نبودی.[۵]

ما خودمان این قرآن وسیلهٔ تذکر و تنبّه را فرو فرستادیم و خود ما هم نگهبان آن هستیم.[۶]

[این نعمت‌های بزرگ را به یاد داشته باش که:] ما به تو هفت آیه از آیات دو بار نازل شده [یعنی سوره حمد] را دادیم و نیز این قرآن بزرگ را.[۷]

[ما عذاب را فرستادیم بر] آنان که قرآن را بخش بخش کرده‌اند [بعضی از آن را پذیرفتند و بعضی را انکار کردند] پس به پروردگارت سوگند که ما قطعاً و حتماً همهٔ آن‌ها را مورد بازخواست قرار خواهیم داد.[۸]

---

۱. اسراء ۸۹/۱۷. ۲. یونس ۳۸/۱۰. ۳. یونس ۵۷/۱۰.

۴. یونس ۶۷/۱۰. با توجه به اینکه آیات مربوط به قرآن در اینجا ذکر می‌شود، به نظر می‌رسد که این آیه مناسبتی ندارد و مراد از «آیات» در این آیه، آیات قرآن نیست بلکه معنی لغوی آن منظور است یعنی نشانه‌های وجود حق سبحان. (مترجم). ۵. یوسف ۳/۱۲. ۶. حجر ۹/۱۵.

۷. حجر ۸۷/۱۵. ۸. حجر ۹۱/۱۵ و ۹۲.

الأنعام (۶): ۱۵۵: ﴿وَهَـٰذَا كِتَـٰبٌ أَنزَلْنَـٰهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

الزّمر (۳۹): ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۷ و ۲۸: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَـٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَـٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾.

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ الآية﴾.

﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَـٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾.

فصّلت (۴۱): ۳ و ۴۴: ﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾.

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَـٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾.

الشّورى (۴۲): ۱۷: ﴿اللَّهُ الَّذِي أَنزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ﴾.

الزّخرف (۴۳): ۴۴: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾.

الدخان (۴۴): ۳ و ۴: ﴿إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾.

الجاثية: (۴۵): ۸ و ۲۰: ﴿يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾.

﴿هَـٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾.

این [قرآن] کتاب پر برکت و پر فایده‌ای است که ما آن را نازل کرده‌ایم. پس، از آن پیروی کنید و پرهیزکار باشید، باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید.[۱]

ما برای مردم در این قرآن انواع و اقسام مَثَل‌ها را به‌کار گرفتیم شاید [بهتر درک کنند و] پند گیرند. همان قرآنی که به زبان عربی است [که زبان خود آنهاست] و هیچ کجی و انحرافی در آن وجود ندارد، باشد که پرهیزکاری پیشه کنند.[۲]

کتابی است که آیات آن مفصّل و جدا جدا قرار داده شده است [و] قرآنی است به زبان عربی [واضح و رسا] برای مردمی که علم و دانش دارند.[۳]

و اگر این کتاب را به زبان غیر عربی نازل کرده بودیم، قطعاً می‌گفتند: چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده است؟ آیا کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان؟ بگو [ای پیامبر] این [قرآن] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌هایشان سنگینی است [و قرآن برای‌شان نامفهوم است] و قرآن برای این دسته [که از شنیدن حق کرند] موجب کوری نیز هست. اینان از جای دوری صدا زده می‌شوند.[۴]

خداوند، همان کسی است که کتاب و ترازو [نشان قسط و عدل] را به حق فرود آورد و تو چه می‌دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد.[۵]

و این قرآن وسیلهٔ یادآوری تو و امّت تو است و به زودی [در رابطه با آن] مورد باز خواست قرار خواهید گرفت.[۶]

ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم چرا که ما می‌خواستیم هشدار بدهیم. در آن [شب] هر رخدادی [که در سال آینده اتفاق خواهد] افتاد جدا جدا بر اساس حکمت الهی رقم خواهد خورد.[۷]

[وای بر هر تهمت زنندهٔ گناه پیشه] که آیات خدا بر او خوانده می‌شود و او آنها را می‌شنود ولی آنقدر بر خودبزرگ‌بینی خویش سماجت می‌ورزد که گوئی این آیات را نشنیده است. پس او را به عذابی دردناک، بشارت ده.[۸]

این [قرآن] وسیله بصیرت و آگاهی مردم و راهنما و رحمت است برای آن دسته که به [حقّانیّت آن] یقین دارند.[۹]

---

۱. انعام ۶/۷. ۲. زمر ۲۷/۳۹ و ۲۸. ۳. فصّلت ۳/۴۱.
۴. فصّلت ۴۴/۴۱. ۵. شوری ۱۷/۴۲. ۶. زخرف ۴۴/۴۳.
۷. دخان ۳/۴۴ و ۴. ۸. جاثیه ۸/۴۵. ۹. جاثیه ۲۰/۴۵.

الکهف (۱۸): ۱ و ۲: ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ٱلْكِتَـٰبَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُۥ عِوَجَا ۝ قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾.

المُلك (۶۷): ۱۰: ﴿قَالُوا۟ بَلَىٰ قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَـٰلٍ كَبِيرٍ﴾.

النّحل (۱۶): ۱۰۲: ﴿قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾.

إبراهيم (۱۴): ۱: ﴿كِتَـٰبٌ أَنزَلْنَـٰهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَـٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ﴾.

الطّور (۵۲): ۳۳ و ۳۴: ﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَأْتُوا۟ بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا۟ صَـٰدِقِينَ﴾.

الأنبياء (۲۱): ۵۰: ﴿وَهَـٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَـٰهُ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ﴾.

الحاقّة (۶۹): ۴۰: ﴿إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾.

البقرة (۲): ۲، ۲۳، ۹۳: ﴿ذَٰلِكَ ٱلْكِتَـٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾.

﴿وَإِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِۦ وَٱدْعُوا۟ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ﴾.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَـٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَـٰكُم بِقُوَّةٍ

سپاس و ثنا خداوندی را که بر بندهٔ خود این کتاب را فرو فرستاد و هیچ کجی و انحراف در آن ننهاد.
کتابی استوار و غنیّ، تا کافران را از عذاب سخت الهی بترساند و مؤمنان نیکو کردار را به پاداش نیکو مژده دهد.[1]
[ای پیامبر] بگو: جبرئیل مقدّس آن آیه [و دیگر آیات را] از سوی پروردگارت به حق و درستی فرود آورده است، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند در ایمان‌شان ثابت بدارد و نیز راهنما و مژده‌دهنده‌ای باشد برای آنان که تسلیم [خدا و پیامبرﷺ] هستند.[2]
بلکه می‌گویند این [قرآن] را خود ساخته است بلکه آنها [نمی‌خواهند] ایمان آورند [و حق را بپذیرند] پس اگر راست می‌گویند [که قرآن ساخته و پرداختهٔ یک انسان است] آنها هم سخنی نظیر آن را عرضه کنند.[3]
[این] کتابی است که بر تو فرو فرستادیم تا مردم را به خواست پروردگارشان از تاریکی‌های [کفر و جهالت و شرک و شک] به سوی روشنایی [دین و حکمت] به در آوری [و راهنمایی کنی آن‌ها را] به راه خداوند شکست‌ناپذیر ستوده.[4]
و [جهنّمیان] می‌گویند: اگر ما [سخن خدا را] گوش داده بودیم یا عقل و خرد خود را بکار می‌گرفتیم، [اینک] در میان اهل دوزخ سوزان نبودیم.[5]
و این [قرآن] پند دهندهٔ سودمندی است که ما آن را فرو فرستادیم آیا شما آن را انکار می‌کنید؟[6]
این قرآن به طور قطع، سخن یک پیک بزرگواری [فرشتهٔ وحی، جبرئیل امین] است.[7]
این، کتاب کاملی است که [جای]هیچ شکّی در آن نیست.[8]
و اگر شما نسبت به آنچه که ما بر بندهٔ خودمان [محمدﷺ] فرو فرستادیم در شکّ و تردید هستید پس یک سوره از شخصی چون این [پیامبرﷺ مکتب نرفته و استاد ندیده و درس نخوانده] بیاورید و جز خداوند، دیگر هم فکران حاضر را فرا خوانید، اگر راستگو هستید.[9]
به یاد آرید زمانی را که با شما پیمان بستیم و کوه طور را بر فراز سرتان برافراشتیم [و به شما گفتیم که] آنچه را که برایتان فرستادیم [از کتاب آسمانی] با تمام توان محکم

۱. کهف ۱/۱۸ و ۲.
۲. نحل ۱۰۲/۱۶.
۳. طور ۳۳/۵۲ و ۳۴.
۴. ابراهیم ۱/۱۴.
۵. ملک ۱۰/۶۷.
۶. انبیاء ۵۰/۲۱.
۷. حاقه ۴۰/۶۹.
۸. بقره ۲/۲.
۹. بقره ۲۳/۲.

البقرة (۲): ۹۳: ... وَٱسْمَعُواْ قَالُواْ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا... ﴾.

البقرة (۲): ۹۷، ۱۲۹، ۱۵۱ و ۱۸۵: ﴿قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.

﴿رَبَّنَا وَٱبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾.

﴿كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُواْ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُواْ تَعْلَمُونَ﴾.

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ... ﴾.

الأنفال (۸): ۲۱: ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ قَالُواْ سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾.

آل عمران (۳): ۳ ـ ۴، ۵۸، ۷۹، ۱۱۳: ﴿نَزَّلَ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلْفُرْقَانَ﴾.

﴿ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ ٱلْءَايَٰتِ وَٱلذِّكْرِ ٱلْحَكِيمِ﴾.

﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادًا لِّى مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ ٱلْكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ﴾.

﴿لَيْسُواْ سَوَآءً مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾.

آل عمران (۳): ۱۳۸: ﴿هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾.

بگیرید و حرف‌شنو باشید [ولی] آن‌ها گفتند: شنیدیم ولی [در عمل] با آن مخالفت می‌کنیم.[۱]
بگو: هرکس با جبرئیل دشمن است او به فرمان خدا قرآن را بـه قـلب تـو رسـانید در حالی‌که تصدیق سایر کتب آسمانی می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و بشارت است.[۲]
حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه پایه‌های خانهٔ کعبه را ساخت، دست به دعـا بـرداشت: پروردگارا! از میان [فرزندان‌مان] پیامبری بر آن‌ها مبعوث گردان تا آیات تو را بر ایشان بخواند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد و آنها را پاک و پاکیزه سازد و تو بطور قطع و یقین، خداوند شکست‌ناپذیر رازدان هستی.[۳]
همچنان که پیامبری از خود شما را برایتان فرستادیم تا آیات ما را برایتان بخواند و شما را [از پلیدی کفر و شرک و رذائل اخلاقی] پاکیزه گرداند و به شما کتاب و حکمت آموزد و آنچه را که نمی‌دانستید به شما یاد دهد.[۴]
ماه رمضان، همان ماه است که قرآن که وسیلهٔ هدایت مردم و شاخص بین حق و باطل است در آن ماه نازل شده است.[۵]
و [ای مؤمنان] مانند کسانی نباشید که گفتند: [پـیام الهـی را] شـنیدیم، در حـالی کـه نمی‌شنیدند [و به گوش نمی‌گرفتند.][۶]
[همان خداوندی که] این کتاب را که مؤیّد کتاب‌های آسمانی پیشین است براساس حق و حکمت بر تو نازل فرمود و تورات و انجیل را پیش از آن فرو فرستاد تا مردم را [به راه راست] راهنمائی کند و همان خداوند، قرآن را که جداکنندهٔ حق از باطل است بر تو نازل کرد.[۷]
[ای پیامبر] اینها که بر تو می‌خوانیم از آیات و اندرزهای حکمت‌آمیز است.[۸]
هیچ بشری را نسزد که خداوند به او کتاب آسمانی و حکمت و حکم پیامبری عـنایت فرماید وانگهی به مردم بگوید: به جای خداوند مرا پرستش کنید [بلکه باید بگوید: ای عالمان دینی] خودتان نیز، همانطور که کتاب آسمانی را آموخته‌اید و تدریس کرده‌اید افرادی الهی و خداپرست باشید.[۹]
اهل کتاب، همه یکسان نیستند. گروهی به طاعت خدا ایستاده‌اند و آیات خدا را در دل شب تلاوت می‌کنند و سجده به جای می‌آورند.[۱۰]
این [قرآن] بیانیّه‌ای است برای عموم انسان‌ها و هدایت و اندرزی برای پرهیزکاران.[۱۱]

---

۱. بقره ۹۳/۲.
۲. بقره ۹۷/۲.
۳. بقره ۱۲۹/۲.
۴. بقره ۱۵۱/۲.
۵. بقره ۱۸۵/۲.
۶. انفال ۲۱/۸.
۷. آل عمران ۳/۳ ـ ۴.
۸. آل عمران ۵۸/۳.
۹. آل عمران ۷۹/۳.
۱۰. آل عمران ۱۱۳/۳.
۱۱. آل عمران ۱۳۸/۳.

آل عمران (۳): ۱۶۴: ﴿لَقَدْ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَـٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ﴾.

النساء (۴): ۱۱۳و ۱۴۰: ﴿وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ ٱلْكِتَـٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾.

﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلْكِتَـٰبِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلْمُنَـٰفِقِينَ وَٱلْكَـٰفِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾.

محمّد ﷺ (۴۷): ۲: ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾.

الرّعد (۱۳): ۱: ﴿وَٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾.

البيّنَة (۹۸): ۲ و۳: ﴿رَسُولٌ مِّنَ ٱللَّهِ يَتْلُواْ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ۝ فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ﴾.

الحشر (۵۹): ۲۱: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَـٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَـٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾.

الجُمُعة (۶۲): ۲: ﴿هُوَ ٱلَّذِى بَعَثَ فِى ٱلْأُمِّيِّـۧنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَـٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ﴾.

التّغابُن (۶۴): ۸: ﴿فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلْنَا وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾.

به تحقیق، خداوند بر مؤمنان منّت نهاد که پیامبری از خودشان مبعوث گردانید تا آیات الهی را بر آنان تلاوت کند و آن‌ها را پاک و مهذّب سازد و کتاب و حکمت به آنـان، تعلیم دهد. در حالی‌که این قوم پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.[۱]

و خداوند بر تو کتاب و حکمت نازل کرد و آنچه را که نمی‌دانستی به تو تعلیم فرمود و لطف و عنایت خداوند نسبت به تو [ای پیامبر] بسیار زیاد است.[۲]

خداوند در این کتاب حکمی به صراحت بر شما نازل فرموده است: هر گاه [در مجلسی باشید و] بشنوید افرادی، آیات خدا را مورد انکار و استهزاء قرار مـی‌دهند، بـا آن‌هـا ننشینید مگر این که به بحث دیگری بپردازند [و اگر بـنشینید در آن مـجلس] در ایـن صورت شما هم در شمار آنان خواهید بود. همانا خداوند کافران و منافقان همه را با هم، در دوزخ جمع خواهد کرد.[۳]

و آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و به آنچه که بر محمّدﷺ فرود آمده گرویده‌اند که آن خود حقی است از جانب پروردگارشان [خداوند نیز] بدی‌های‌شان را زدوده و حال [و روز] شان را بهبودی بخشید.[۴]

و آنچه از سوی پروردگارت بر تو فرود آمده است [این قرآن] عین حقیقت است ولی بسیاری از مردم به آن ایمان نمی‌آورند و باور نمی‌کنند.[۵]

پیامبر از سوی خداوند که صحیفه و نوشتارهای پاکی را [برای مردم] می‌خواند، در آن [صحیفه‌ها] نوشته‌های متقن و استوار است.[۶]

اگر ما این قرآن را بر کوهی فرود آورده بودیم، کوه را تسلیم شده و از ترس خداوند، متلاشی شده می‌دیدی و ما این تمثیلات را از آن جهت می‌آوریم که شاید اینان [مردم در آیات قرآن] بیندیشند.[۷]

او [خداوند]کسی است که از میان قومی درس نخوانده پیامبری برانگیخت تا پیام‌های الهی را برای آن‌ها بخواند و آن‌ها را از [آلودگی کفر و شرک و جهل] پاکیزه سازد و به آن‌ها کتاب الهی و اندرزهای حکیمانه بیاموزد. با اینکه پیش از این، در گمراهی آشکار بودند.[۸]

پس به خداوند و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم [یـعنی قـرآن] ایـمان بـیاورید و خداوند از همه کردار شما باخبر است.[۹]

---

۱. آل عمران ۱۶۴/۳.
۲. نساء ۱۱۳/۴.
۳. نساء ۱۴۰/۴.
۴. محمّدﷺ ۲/۴۷.
۵. رعد ۱/۱۳.
۶. بیّنه ۲/۹۸ و ۳.
۷. حشر ۲۱/۵۹.
۸. جمعه ۲/۶۲.
۹. تغابن ۸/۶۴.

المائدة (۵): ۸۳: ﴿وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّـٰهِدِينَ﴾.

وما تدلّ على ذلك من الآيات الكريمة أكثر ممّا ذكر.

۱ ۲۵۵٦۳ (۱) **كافي** ۲/ ٦۰۰: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمّد بن سنان عن **أبي الجارود** قال: قال أبو جعفرﷺ: قال رسول اللّهﷺ: أنا أوّل وافدٍ على العزيز الجبّار يوم القيامة وكتابه وأهل بيتي ثمّ أُمّتي ثمّ أسألهم ما فعلتم بكتاب اللّه وبأهل بيتي.

۲ ۲۵۵٦٤ (۲) **مستدرك** ۴/ ۲۳۷: السيّد عليّ بن طاووس في الطّرف عن كتاب الوصيّة لأبي الضّرير عيسى بن المستفاد من أصحاب الكاظمﷺ عنه عن أبيهﷺ في حديث إنّ رسول اللّهﷺ قال للأنصار أيّام وفاته فيما أوصى به إليهم: كتاب الله وأهل بيتي فانّ الكتاب هو القرآن وفيه الحجّة والنّور والبرهان كلام اللّه غضّ جديد طريّ شاهد وحكم عادل قائد بحلاله وحرامه وأحكامه بصيرٌ به قاض به مضموم فيه يقوم غداً فيحاجّ به أقواماً فتزلّ أقدامهم عن الصراط الخبر.

۳ ۲۵۵٦۵ (۳) **جامع الأخبار** ۱۲۵: عن **محمد** بن علي عن النبيّﷺ قال: القرآن أفضل من كلّ شيء دون اللّه فمن وقّر القرآن وقّر اللّه ومن لم يوقّر القرآن فقد استخفّ بحقّ اللّه، حرمة القرآن على اللّه كحرمة الوالد على ولده.

٤ ۲۵۵٦٦ (۴) **مستدرك** ۴/ ۲۳۴: الشيخ **أبوالفتوح** في **تفسيره** عن رسول اللّهﷺ قال: يقول اللّه عزّوجلّ: يا حملة القرآن تحبّبوا إلى اللّه تعالى بتوقير كتابه يزدكم حبّاً ويحبّبكم إلى خلقه.

و چون [کشیشان و راهبان مسیحی] آنچه را که بر پیامبر نازل شد، بشنوند و حقیقت را دریابند، چشمان‌شان پر از اشک می‌شود. می‌گویند: ای پروردگار ما! ما ایمان آوردیم تو نیز ما را در زُمره شهادت دهندگان بنویس.[1]

و آیات دیگری که بر [فضیلت و حقانیّت و عظمت] این کتاب آسمانی دلالت می‌کند [به مراتب] بیشتر از آن است که ذکر شد.

(۱) ابی جارود از امام محمّد باقرؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرموده است: من و اهل بیتم نخستین کسانی هستیم که در روز قیامت بر خداوند شکست‌ناپذیر با جبروت و عظمت و بر فرشتگان و نویسندگان اعمال وارد می‌شویم. پس از من امّتم وارد خواهند شد. پس آنگاه از امّتم می‌پرسم که با کتاب خدا و اهل بیت من چه کردید؟» ۱

(۲) عیسی پسر مستفاد که از اصحاب امام کاظمؑ است روایت می‌کند که امام کاظمؑ از پدر بزرگوارش [امام صادقؑ] نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: «پیامبر خدا در روزهای آخر عمرش، سفارش‌هایی به انصار فرمودند که از آن جمله است: ملازم کتاب خدا و خاندان من باشید [و از آن دو جدا نشوید] کتاب خدا، قرآن است که دلیل و نور و برهان [خداوند] در آن است. به راستی گفتار خداوند، شاداب، نو، تازه، گواه و حاکم دادگری است که حلال و حرام و دستورات الهی را بیان می‌کند و بصیرت و بینایی آورد و براساس آن باید قضاوت شود و بر [محور] آن باید گِرد هم آمد. فردای قیامت [قرآن] به پا می‌خیزد و با ملّت‌ها به محاجّه و مباحثه می‌پردازد. در نتیجه، گام‌های آن‌هایی که قرآن را ضایع کردند و به آن عمل نکردند بر صراط لغزیده خواهد بود.» ۲

قابل ذکر است که این‌ها بخشی از سفارشات پیامبرﷺ می‌باشد.

(۳) محمد بن علی از پیامبرﷺ نقل کرده است که حضرت فرمودند: «قرآن از هر چیز به جز خداوند، برتر است. پس هر کس به قرآن احترام بگذارد، یقیناً به خداوند احترام گذاشته است و هر کس حرمت قرآن را بشکند، حقّ خداوند را سبک شمرده است. لزوم احترام و تکریم قرآن پیش خداوند به آن سان است که احترام پدر بر فرزندش.» ۳

(۴) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش نقل کرده است که پیامبر خداﷺ فرموده است: «خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: **«ای حاملان و حافظان قرآن! با بزرگداشت و تکریم کتاب خداوند، خود را پیش او عزیز و دوست داشتنی نمایید تا محبتش را به شما افزون گرداند و شما را در میان خَلق، محبوب نماید.»** ۴

---

۱. مائده ۸۳/۵.

۵ ۲۵۵۶۷ (۵) **مجمع البيان** ۱۵/۱: **أنس بن مالك** عن النّبيّ ﷺ انّه قال: القرآن غنيّ لا غنى دونه ولا فقر بعده.

۶ ۲۵۵۶۸ (۶) **كافي** ۶۰۷/۲: عليّ بن إبراهيم عن أبيه عن أحمد بن محمد عن **سليم الفرّاء** عن رجل عن أبي عبداللّه ﷺ قال: ينبغي للمؤمن أن لا يموت حتّى يتعلّم القرآن أو يكون في تعليمه.

۷ ۲۵۵۶۹ (۷) **أمالي ابن الطوسي** ۳۵۷: أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد الطوسي قراءة عليه قال: أخبرنا والدي ﵀ قال: أخبرنا الحفّار قال: حدّثنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن عبداللّه الورّاق المعروف بابن السمّاك قال: حدّثنا أبو قلابة عبدالملك بن محمد بن محمد بن عبداللّه بن عبداللّه الرقاشي قال: حدّثني أبي ومعلّى بن أسد[1]، قالا: حدّثنا عبدالواحد بن زياد عن عبدالرّحمن بن إسحاق عن **النعمان** بن سعد[2] عن عليّ ﷺ أنّ النبيّ ﷺ قال: خياركم من تعلّم القرآن وعلّمه ـ وبالإسناد عن أبي قلابة الرقاشي قال: حدّثنا مسلم بن إبراهيم قال: حدّثنا الحارث بن نبهان[3] عن عاصم بن بهدلة عن مصعب بن سعد عن سعد عن النبيّ ﷺ (مثله).

۸ ۲۵۵۷۰ (۸) **مستدرك** ۲۳۵/۴: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن عبدالرّحمن السلمي قال قال رسول اللّه ﷺ خيركم من تعلّم القرآن وعلّمه.

۹ ۲۵۵۷۱ (۹) **نهج البلاغة** ۳۳۰/۱: (فى خطبة له) وتعلّموا القرآن فانّه أحسن الحديث وتفقّهوا فيه فانّه ربيع القلوب واستشفوا بنوره فإنّه شفاء الصدور واحسنوا تلاوته فانّه انفع القصص فانّ العالم العامل بغير علمه كالجاهل الحائر الّذى لا يستفيق من جهله بل الحجّة عليه أعظم والحسرة له الزم وهو عنداللّه الوم.

۱۰ ۲۵۵۷۲ (۱۰) **مجمع البيان** ۱۶/۱: عن عبداللّه بن مسعود عنه ﷺ قال إنّ هذا القرآن مأدبة اللّه فتعلّموا من مأدبته ما استطعتم إنّ هذا القرآن حبل اللّه وهو النّور المبين والشفاء النافع عصمة لمن تمسّك به ونجاة لمن تبعه لا يعوّج فيقوم ولا يزيغ فيستعتب ولا تنقضي عجائبه ولا يخلق عن كثرة الردّ فاتلوه فانّ اللّه يوجركم علىٰ تلاوته بكلّ حرف عشر حسنات اَما أنّي لا أقول الم عشر ولكن ألف عشر ولام عشر وميم عشر الحديث.

---

۱. بن راشد ـ خ. ۲. سعيد ـ خ. ۳. تيهان.

(۵) انس بن مالک از پیامبرﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: «قرآن، بی‌نیاز است. ۵
بدون قرآن مستغنی نتوان شد و با قرآن، نیازی [به چیز دیگر] پیدا نخواهد شد.»

(۶) سلیم فرّاء با یک واسطه از امام صادقؑ نقل کرده است که آن [بزرگوار] فرمود: «سزاوار ۶
نیست مؤمن بمیرد مگر اینکه یا در حال آموختن قرآن باشد یا در حال آموزش دادنِ آن به دیگران باشد.»

(۷) نعمان پسر سعد از علیؑ روایت کرده است که حضرت فرمودند: «پیامبر خداﷺ فرمود: ۷
«بهترین شما کسانی هستند که قرآن را [نخست] خود فرا می‌گیرند و [سپس] به دیگران می‌آموزند.»

همین سخن با اسناد دیگری از پیامبر خداﷺ نیز نقل شده است.

(۸) عبد الرحمن سلمی از پیامبر خداﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «بهترین شما ۸
کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد دهد.»

(۹) در نهج البلاغه آمده است که علیؑ در یک سخنرانی فرموده است: «قرآن را یاد بگیرید که ۹
زیباترین سخن است و خوب آن را بفهمید که بهار دل‌هاست و از نورش بهبودی بخواهید که شفابخش قلب‌هاست و به خوبی آن را بخوانید که سودمندترین حکایت‌هاست و [بدانید که] عالمی که به غیر علم خود رفتار کند، همانند نادان سرگردانی است که از نادانی خود به هوش نیاید بلکه حجّت بر چنین عالمی، تمام‌تر و تأسّف، او را گریبانگیرتر و در پیشگاه خداوند به سرزنش سزاوارتر خواهد بود.»

(۱۰) عبد الله بن مسعود از پیامبرﷺ روایت کرده است که فرمود: «قرآن سفرهٔ گستردهٔ پر از طعام ۱۰
خداوند است. پس، از این سفره تا می‌توانید بهره‌مند شوید. این قرآن ریسمان خداوند است [که برای نجات انسان‌ها آویخته شده است.] و نورِ روشنایی بخش است و شفابخش سودمند است، نگهدار آن کس باشد که به او چنگ زند و نجات دهندهٔ کسی است که از آن پیروی کند. [از صراط مستقیم] کج نمی‌شود تا نیازی به راست کردن داشته باشد، لغزش در کارش نباشد تا نیازش به عذرخواهی افتد. زیبایی‌های شگفت انگیزش پایان‌ناپذیر است. و هر چند زیاد خوانده شود و تکرار شود، کهنگی به آن راه نیابد. پس آن را بخوانید که خداوند در قبال هر حرفی که می‌خوانید، ده حسنه می‌دهد. متوجّه باشید که من نمی‌گویم: «الم» ده حسنه دارد بلکه «الف» ده حسنه، «لام» ده حسنه و «میم» ده حسنه دارد... تا پایان روایت.»

١١ ٢٥٥٧٣ (١١) **جامع الأخبار** ١١۴: قال رسول اللّهﷺ القرآن مأدبة اللّه وذكر نحوه إلى قوله النافع قال فاقرؤه فان اللّه عزّ وجلّ يأجركم على تلاوته بكل حرف عشر حسنات أما أنّي لا أقول الم حرف واحد ولكن ألف ولام وميم ثلثون حسنة ورواه أبوالفتوح في تفسيره عن أنس عنهﷺ مثله.

١٢ ٢٥٥٧٤ (١٢) **مستدرك** ٢٣۵/۴: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **أنس بن مالك** قال: قال رسول اللّهﷺ: من علّم آية في كتاب اللّه تعالى كان له أجرها ما تُلِيَت.

١٣ ٢٥٥٧٥ (١٣) **مستدرك** ٢٣٢/۴: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **عبداللّه** بن عبّاس عن رسول اللّهﷺ أنّه قال: ما من مؤمن ذكر أو أُنثى حرّ أو مملوك إلّا وللّه عليه حقّ واجب أن يتعلّم من القرآن ويتفقّه فيه ثمّ قرأ هذه الآية ﴿**وَلَـٰكِن كُونُواْ رَبَّـٰنِيِّينَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ ٱلْكِتَـٰبَ** ...﴾.

١٤ ٢٥٥٧٦ (١۴) **مستدرك** ٢٣٢/۴ وعن **معاذ** بن جبل قال: كنّا مع رسول اللّهﷺ في سفر فقلت: يا رسول اللّه حدّثنا بما لنا فيه نفع، فقال: إن أردتم عيش السعداء وموت الشّهداء والنّجاة يوم الحشر[1] والظِلّ يوم الحرور والهدىٰ يوم الضّلالة فادرسوا القرآن فانّه كلام الرّحمٰن وحرز من الشّيطان ورجحان في الميزان ورواه في جامع الأخبار ١١۵: عنهﷺ مثله.

١۵ ٢٥٥٧٧ (١۵) **مستدرك** ٢٣۵/۴: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **ابن عبّاس** قال: قال رسول اللّهﷺ: معلّم القرآن ومتعلّمه يستغفر له كلّ شيء حتّىٰ الحوت في البحر.

١٦ ٢٥٥٧٨ (١۶) **مجمع البيان** ١٨/١: روى عن **ابن عبّاس** عن النّبيّﷺ انّه قال: إذا قال المعلّم للصّبيّ قل بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فقال الصّبيّ بسم اللّه الرحمٰن الرحيم كتب اللّه براءة للصبيّ وبرائة لأبويه وبراءة للمعلّم **جامع الأخبار** ١١٩: عن النبيّ ﷺ مثله.

---

١. الحسرة ـ جامع الأخبار.

۱۱ (۱۱) در کتاب جامع الاخبار از پیامبرﷺ روایتی ذکر شده است که آن حضرت فرمود: «قرآن سفرهٔ گستردهٔ پر طعام خداوند است و ادامهٔ حدیث مانند حدیث پیشین نقل شده است تا اینجا که حضرت فرموده‌اند: «قرآن دارای منافعی است. [سپس در دنبالهٔ سخن، حضرت] فرموده است: پس [قرآن] را بخوانید زیرا خداوندﷻ برای هر حرفی از آن را که می‌خوانید، ده حسنه می‌دهد، آگاه باشید که من نمی‌گویم: «الم» یک حرف است بلکه [می‌گویم:] الف و لام و میم سی حسنه دارد.»

ابو الفتوح رازی نیز در تفسیرش همانند این سخن را از انس از پیامبرﷺ روایت کرده است.

۱۲ (۱۲) انس بن مالک گفته است که رسول خداﷺ فرمود: «هر کس یک آیه از کتاب خداوند بلندمرتبه را به دیگری یاد دهد تا وقتی که این آیه تلاوت می‌شود، برای او پاداش نوشته خواهد شد.»

۱۳ (۱۳) عبد الله بن عبّاس از پیامبر خداﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «هیچ مؤمنی، زن یا مرد، آزاد یا بنده‌ای نیست مگر اینکه خداوند را بر او حقّ لازم و مسلّمی است. [و آن حق این است] که قرآن خواندن را یاد بگیرد و [معنای] آن را خوب بفهمد.» سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «**ولکن شما عالمانی خدایی باشید، چون این شما بودید که [مردم را] با قرآن آشنا می‌کردید.»**

۱۴ (۱۴) معاذ بن جبل گوید: «در یک سفری ما همراه پیامبر خداﷺ بودیم. به حضرت عرض کردم: ای پیامبر خدا! سخنی بفرمای تا از آن استفاده کنیم. حضرت فرمود: اگر می‌خواهید یک زندگی سعادتمندانه و مرگ شهادت گونه‌ای داشته باشید و روز رستاخیز [از عذاب] رهایی یابید و در روز گرم در سایه باشید و در روز گمراهی، هدایت یابید، قرآن را درس بگیرید و آن را بیاموزید چرا که او سخن خداوند مهربان است او سنگری است [که مؤمن را] از شیطان حفظ می‌کند و در ترازوی عمل، سنگین است.»

۱۵ (۱۵) ابن عباس از رسول خداﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «تمام موجودات حتّی ماهی در دریا، برای آموزگار قرآن و قرآن‌آموز، آمرزش می‌طلبند.»

۱۶ (۱۶) ابن عباس روایت کرده است که پیامبرﷺ فرمود: «وقتی که معلّم به کودک می‌گوید: بگو: بسم الله الرحمن الرحیم و کودک می‌گوید: بسم الله الرحمن الرحیم، خداوند یک آزادی از [آتش دوزخ] برای کودک می‌نویسد و یک آزادی برای پدر و مادرش و یک آزادی برای خود معلّم.»

در کتاب جامع الاخبار نیز حدیث فوق از پیامبرﷺ نقل شده است.

۱۷ ۲۵۵۷۹ (۱۷) **المناقب ۶۶/۴**: قيل انّ **عبدالرّحمن** السلمي علّم ولد الحسين ﷺ الحمد فلمّا قرئها علىٰ أبيه أعطاه ألف دينار وألف حلّة وحشا فاه درّاً. فقيل له في ذلك! قال: وأين يقع هذا من عطائه يعني تعليمه.

۱۸ ۲۵۵۸۰ (۱۸) **مستدرك ۲۵۴/۴**: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **أبي موسى** قال: قال رسول اللّه ﷺ تعلّموا القرآن واقرؤه واعلموا أنّه كائن لكم ذكراً وذخراً وكائن عليكم وزراً فاتّبعوا القرآن ولا يتّبعنّكم فانّه من تبع القرآن تهجم به على رياض الجنّة ومن تبعه القرآن زجّ في قفاه حتّى يقذفه في جهنّم.

۱۹ ۲۵۵۸۱ (۱۹) **كافي ۶۰۳/۲**: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وسهل بن زياد جميعاً عن ابن محبوب عن جميل بن صالح عن **الفضيل** بن يسار عن أبي عبداللّه ﷺ قال: قال رسول اللّه ﷺ تعلّموا القرآن فانّه يأتي يوم القيامة صاحبه في صورة شابّ جميل شاحب اللّون فيقول له القرآن[۱] أنا الذي كنت أسهرتَ ليلك وأظمأت هو اجرك وأجففت ريقك واسلت دمعتك أؤول معك حيثما ألت وكلّ تاجر من وراء تجارته وأنا اليوم لك من وراء تجارة كلّ تاجر وسيأتيك كرامة [من] اللّه عزّ وجلّ فابشر فيؤتى بتاج فيوضع على رأسه ويعطى الأمان بيمينه والخلد في الجنان بيساره ويكسى حلّتين ثمّ يقال له اقرأ وارقه فكلّما قرأ آية صعد درجة ويكسى أبواه حلّتين إن كانا مؤمنين ثمّ يقال لهما هذا لما علّمتماه القرآن.

۲۰ ۲۵۵۸۲ (۲۰) **كافي ۵۹۶/۲**: عليّ بن محمّد بن عليّ بن العبّاس عن الحسين بن عبدالرحمن عن سفيان الحريري عن أبيه عن **سعد** الخفّاف عن أبي جعفر ﷺ قال: يا سعد تعلّموا القرآن فانّ القرآن يأتي يوم القيامة في أحسن صورة نظر إليها الخلق والنّاس صفوف عشرون ومأة ألف صفّ ثمانون ألف صفّ أُمّة محمّد ﷺ وأربعون ألف صفّ من سائر الأُمم.

---

۱. فيقول له أنا القرآن ـ خ.

۱۷ (۱۷) عبد الرحمن سلمی به فرزند امام حسین ؏ سوره حمد را آموخت. وقتی که فرزند، این سوره را برای پدر خواند، ایشان [امام حسین ؏] هزار دینار همراه با هزار لباس به او [معلّم] داد و دهانش را پر از درّ و جواهر کرد. به حضرتش در این باب چیزی گفته شد [که چه خبر است، این همه بخشش در قبال چنین کار مختصری.] حضرت فرمود: «بخشش من کجا می‌تواند بخشش او را تلافی کند یعنی تعلیم او [خیلی با ارزش‌تر است].»

۱۸ (۱۸) ابو موسی از پیامبر خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود: «قرآن را یاد بگیرید و آن را بخوانید و بدانید که این قرآن برای شما وسیلهٔ تنبّه و یادآوری و اندوخته‌ای [برای آخرت] می‌باشد و ممکن است مایهٔ وزر و وبال شما گردد. پس شما خود را پیرو قرآن قرار دهید و قرآن را پیرو خود قرار ندهید. چون هر کس از قرآن پیروی کرد، قرآن او را به باغ‌های بهشت می‌برد و کسی که قرآن را به پشت سر انداخت، قرآن او را از پشت سر با نیزه می‌راند تا او را به دوزخ بیفکند.»

۱۹ (۱۹) فضیل بن یسار از امام صادق ؏ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا فرموده است: قرآن را یاد بگیرید چون مصاحب و همنشین قرآن در روز قیامت به شکل یک جوان زیبا ولی رنگ پریده [بر اثر بیداری شب و روزهٔ در روز] می‌آید. قرآن به او می‌گوید: این من بودم که در شب خواب از چشمانت می‌ربودم و در روزهای گرم تو را تشنه نگاه می‌داشتم و دهانت را [بر اثر کثرت تلاوت] خشک می‌کردم و اشکت را جاری می‌نمودم. اینک [هنگام پاداش است] هر کجا بروی من با تو هستم و هر بازرگانی در پی [سود] بازرگانی خویش است و من هم امروز [سود] تجارت تو هستم که با تجارت هر بازرگان دیگری فرق دارم.

و مژده باد تو را که به زودی از طرف خداوند بزرگ مورد تکریم قرار خواهی گرفت. آنگاه تاجی آورند و بر سر او نهند و حکم نجات از عذاب به دست راستش و حکم جاودانگی در بهشت به دست چپش داده می‌شود و دو دست لباس فاخر بر او بپوشانند. سپس به او گفته می‌شود: بخوان و بالا رو. پس هر آیه که می‌خواند یک مرتبه بالاتر می‌رود. به پدر و مادرش نیز اگر اهل ایمان باشند، دو لباس گرانبها بپوشانند و به آن‌ها می‌گویند که این [عطاها] به پاس آن کار شماست که او [فرزندتان] را قرآن یاد دادید.»

۲۰ (۲۰) سعد خفّاف از امام باقر ؏ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «ای سعد! قرآن را یاد بگیرید چرا که قرآن در روز قیامت به زیباترین شکل، خواهد آمد. تمام نظرها متوجّه او می‌شود. مردم، یکصد و بیست هزار صَفّ هستند. هشتاد هزار صف آن، امّت حضرت محمّد ﷺ و چهل هزار صف از امت‌های دیگر هستند.

فيأتي علىٰ صفّ المسلمين في صورة رجل فيسلّم فينظرون إليه ثمّ يقولون لا إله إلّا اللّه الحليم الكريم انّ هذا الرّجل من المسلمين نعرفه بنعته وصفته غير انّه كان أشدّ اجتهاداً منّا في القرآن فمن هناك أعطِيَ من البهاء والجمال والنّور ما لم نعطه ثمّ يجاوز حتّى يأتي على صفّ الشهداء فينظرون إليه [الشهداء].

ثمّ يقولون لا إله إلّا اللّه الرّبّ الرّحيم انّ هذا الرّجل من الشهداء نعرفه بسمته وصفته غير انّه من شهداء البحر فمن هناك أعطى من البهاء والفضل ما لم نعطه.

قال فيتجاوز حتّى يأتي [علىٰ] صفّ شهداء البحر في صورة شهيد فينظر إليه شهداء البحر فيكثر تعجّبهم ويقولون انّ هذا من شهداء البحر نعرفه بسمته وصفته غير انّ الجزيرة الّتي أُصيب فيها كانت أعظم هَولاً من الجزيرة الّتي أصبنا فيها فمن هناك أعطى من البهاء والجمال والنّور ما لم نعطه.

ثمّ يجاوز حتّى يأتي صفّ النبيّين والمرسلين في صورة نبيّ مرسل فينظر النبيّون والمرسلون إليه فيشتدّ لذلك تعجّبهم ويقولون لا إله إلّا اللّه الحليم الكريم انّ هذا النبيّ مرسل نعرفه بسمته وصفته غير انّه أعطى فضلاً كثيراً.

قال فيجتمعون فيأتون رسول اللّه ﷺ فيسألونه ويقولون: يا محمّد من هذا؟

فيقول لهم: أوَما تعرفونه فيقولون: ما نعرفه هذا ممّن لم يغضب اللّه عليه.

فيقول رسول اللّه ﷺ: هذا حجّة اللّه على خلقه فيسلّم ثمّ يجاوز حتّى يأتى على صفّ الملائكة في سورة ملك مقرّب.

قرآن بر صف مسلمانان در هیئت و شکل مردی می‌گذرد و سلام می‌کند. همگی به او می‌نگرند و می‌گویند: نیست معبودی جز خداوندِ دیر خشمِ بزرگوار. این مرد به طور یقین یکی از مسلمانان است. ما او و اوصاف و خصوصیّاتش را می‌شناسیم، جز این که تلاش او در رابطه با قرآن از ما بیشتر بوده است و به همین جهت به او رونق و زیبایی و نور [فوق العاده‌ای] داده شده است که به ما داده نشده است. وانگهی از آن صف می‌گذرد تا اینکه می‌رسد به صف شهیدان. شهیدان به او نگاه می‌کنند، سپس می‌گویند: نیست معبودی جز خداوند یکتا پروردگار مهربان است. ما او را با همین قیافه و صفت به خوبی می‌شناسیم [که او نیز از ما شهیدان است.] جز این که او از شهیدان میانِ دریا است [و در دریا به شهادت رسیده است.] به همین جهت از ارزش و فضیلتی برخوردار است که ما نیستیم. حضرت ادامه داد و فرمود: قرآن از آن صف هم می‌گذرد تا می‌رسد به صف شهیدان دریا، در حالی که خودش هم در شکل و شمائل شهید است. نگاه‌های شهیدان دریایی هم متوجّه او می‌شود و از [جمال و نورانیّت او] مبهوت و شگفت زده می‌شوند و می‌گویند: یقیناً این هم یکی از شهیدان دریا است. او را با همین قیافه و صفت می‌شناسیم. جز اینکه، جزیره‌ای که او در آن به فیض شهادت نائل شده است، وحشتناک‌تر از جزیره‌ای بوده است که ما در آن به شهادت رسیده‌ایم. از این روی، او را رونق و زیبایی و درخشندگی نصیب شده است که نصیب ما نگشته است.

سپس [قرآن] می‌گذرد تا به صف پیامبران و فرستادگان الهی می‌رسد در حالی که خود به شکل یک پیامبر مرسل است. نظر تمامی پیامبران متوجه او می‌شود و به شدّت شگفت زده می‌شوند و می‌گویند: نیست معبودی جز خداوند دیر خشم بزرگوار، این، یک پیامبر مرسل است. ما او را با همین شکل و قیافه و خصوصیّات می‌شناسیم، جز این که فضیلت بیشتری به او مرحمت شده است.

امام باقر (ع) در ادامهٔ فرمایش خود فرمودند: پس همهٔ آن‌ها جمع می‌شوند و شرفیاب محضر رسول الله [حضرت محمد (ص)] می‌شوند. از آن حضرت می‌پرسند: ای محمّد! این کیست؟ حضرت می‌فرماید: آیا او را نمی‌شناسید؟ می‌گویند: خیر، او را نمی‌شناسیم. ما فقط این قدر می‌دانیم که او از کسانی است که خداوند بر او خشم نکرده است.

رسول الله (ص) می‌گوید: این، حجّت و دلیل خداوند بر آفریدگانش می‌باشد. قرآن [به رسول الله (ص)] سلام می‌کند و در می‌گذرد. تا اینکه به شکل فرشتهٔ مقرّبی بر صف فرشتگان عبور می‌کند.

فتنظر إليه الملائكة فيشتدّ تعجّبهم ويكبر ذلك عليهم، لِما رؤوا من فضله ويقولون تعالى ربّنا وتقدّس انّ هذا العبد من الملائكة نعرفه بسمته وصفته غير انّه كان أقرب الملائكة إلى اللّه عزّ وجلّ مقاماً فمن هناك ألبس من النور والجمال ما لم نلبس.

ثمّ يجاوز حتّى ينتهي إلى ربّ العزّة تبارك وتعالى فيخرّ تحت العرش فيناديه تبارك وتعالى يا حجّتي في الأرض وكلامي الصادق الناطق ارفع رأسك وسَلْ تُعْطَ واشفع تشفّع فيرفع رأسه.

فيقول اللّه تبارك وتعالى كيف رأيت عبادي فيقول: يا ربّ منهم من صانني و حافظ عليّ ولم يضيّع شيئاً ومنهم من ضيّعني واستخفّ بحقّي وكذّب بي وأنا حجّتك على جميع خلقك.

فيقول اللّه تبارك وتعالىٰ وعزّتي وجلالي وارتفاع مكاني لأثيبنّ عليك اليوم أحسن الثواب ولأُعاقِبَنّ عليك اليوم أليم العقاب قال فيرجع القرآن رأسه في صورة أُخرى.

قال فقلت له: يا أبا جعفر في أيّ صورة يرجع قال في صورة رجل شاحب متغيّر يبصره أهل الجمع فيأتي الرجل من شيعتنا الذي كان يعرفه ويجادل به أهل الخلاف فيقوم بين يديه.

فيقول ما تعرفني فينظر إليه الرجل فيقول ما أعرفك يا عبداللّه قال: فيرجع في صورته الّتي كانت في الخلق الأوّل.

ويقول ما تعرفني فيقول: نعم، فيقول القرآن: أنا الذي أسهرت ليلك وأنصبت عيشك سمعت الأذى ورجمت بالقول فيّ ألا وانّ كلّ تاجر قد استوفى تجارته وأنا وراءك اليوم.

فرشتگان به او می‌نگرند و به شدّت شگفت زده می‌شوند و مشاهدهٔ این همه فضیلت و عظمت در او، بر آنها گران می‌آید و می‌گویند: بلند مرتبه و پاک است پروردگار ما، این بنده، از فرشتگان است. او با همین چهره و صفت به نظرمان آشنا می‌آید، جز اینکه مقام و مرتبه‌اش بـه خداونـد از هـمهٔ فرشتگان نزدیکتر است، به همین جهت او را نور و جمالی بخشیده‌اند که به ما نبخشیده‌اند.

سپس [قرآن] می‌گذرد تا اینکه به پروردگار عزّت، همان خداوند پر خیر و بـرکت و بـلند مـرتبه منتهی می‌شود. در زیر عرش [به سجده] می‌افتد. حضرت پروردگار خطاب به او می‌گوید: ای حجّت من در روی زمین و ای سخن درست و سخنگوی راسـتگوی مـن! سـرت را بـالا کـن و [هـر چـه می‌خواهی از من] بخواه که به تو داده خواهد شد و وساطت کن که وساطت تو پذیرفته می‌شود. پس [قرآن] سرش را بالا می‌آورد. خداوند تبارک و تعالی می‌گوید: بندگان مرا چگونه دیدی؟

قرآن در پاسخ می‌گوید: ای پروردگار! بعضی از آن‌ها مرا صیانت می‌کردند و بـر مـن مـحافظت می‌ورزیدند و هیچ مرا ضایع نکردند و عدّه‌ای از آن‌ها مرا ضایع کردند و حقّ مرا سبک می‌شمردند و مرا دروغ می‌پنداشتند، با وجود اینکه من حجّت تو بر همهٔ آفریدگانت بودم.

پس خداوند متعال می‌فرماید: به عزّت و شکوهم و بلندی جایگاهم سوگند کـه امـروز بـهترین پاداش‌ها را به خاطر تو خواهم داد و به سخت‌ترین عذاب به خاطر تو [آنان را که تو ضایع کـردند] کیفر خواهم کرد.

امام باقر ﷺ فرمود: «آنگاه قرآن به شکل و قیافهٔ دیگری در می‌آید.

[راوی گوید:] به حضرت عرضه داشتم: ای ابوجعفر! به چه قیافه‌ای درمی‌آید؟ حضرت فرمود: به شکل یک مرد ژولیدهٔ رنگ‌پریده که همهٔ اهل محشر او را می‌بینند. پس به سراغ مردی از شیعیان ما می‌آید که قرآن را به خوبی می‌شناخته است و با آن، با مخالفان ما به جدال مـی‌پرداخـته است. پس [قـرآن] در جلوی آن شیعه می‌ایستد و می‌گوید: آیا مرا نمی‌شناسی؟ این مرد می‌گوید: ای بندهٔ خدا! تو را نمی‌شناسم.

حضرت فرمود: آنگاه قرآن به شکل و قیافه‌ای که نخست به آن شکل آفریده شده بود، برمی‌گردد و می‌پرسد که اینک مرا نمی‌شناسی؟ آن مرد پاسخ می‌دهد: آری. پس قرآن می‌گوید: من بودم کـه نمی‌گذاشتم شب‌ها بخوابی [و به تلاوت من می‌پرداختی.] و تو را در زندگی به زحمت انداختم. تو به خاطر من، آزارها تحمّل کردی و تهمت‌ها شنیدی. اینک، بدان که هر تاجری امروز، سود تجارت خود را به طور کامل دریافت می‌کند و من امروز پشت سر تو هستم [و تو را رها نمی‌کنم تا سود تجارت قرآنی تو را به تو برسانم.]

قال فينطلق به إلى ربّ العزّة تبارک وتعالى. فيقول يا ربّ عبدك وأنت أعلم به قد كان نصباً بی[1] مواظباً عليّ يعادي بسببي ويحبّ فيّ ويبغض.

فيقول اللّه عزّوجلّ ادخلوا عبدي جنّتي واكسوه حلّة من حُلَل الجنّة وتوّجوه بتاج فإذا فعل به ذلك عرض على القرآن فيقال له هل رضيت بما صنع بوليّك.

فيقول ياربّ انّي استقلّ هذا له فزده مزيد الخير كلّه فيقول و عزّتي وجلالي وعُلُويّ وارتفاع مكاني لأنحلنّ له اليوم خمسة أشياء مع المزيد له ولمن كان بمنزلته إلّا أنّهم شباب لايهرمون وأصحّاء لا يسقمون وأغنياء لا يفتقرون وفرحون لا يحزنون وأحياء لايموتون.

ثمّ تلا هذه الآية ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ إِلَّا ٱلْمَوْتَةَ ٱلْأُولَىٰ﴾ قال: قلت جعلت فداك يا أبا جعفر وهل يتكلّم القرآن فتبسّم.

ثمّ قال: رحم اللّه الضعفاء من شيعتنا انّهم أهل تسليم ثمّ قال: نعم يا سعد والصلاة تتكلّم ولها صورة وخلق تأمر وتنهى قال سعد فتغيّر لذلك لوني وقلت هذا شيء لا أستطيع [أنا] أتكلّم به في الناس فقال أبوجعفر وهل الناس إلّا شيعتنا فمن لم يعرف الصلاة فقد أنكر حقّنا.

ثمّ قال: يا سعد أُسمعك كلام القرآن؟ قال سعد: فقلت بلى صلّى اللّه عليك فقال: انّ الصلاة تنهىٰ عَنِ الفَحْشاءِ والمُنْكر وَلَذِكْرُ اللّه أكبَرُ.

---

۱. في ـ خ.

حضرت فرمود: قرآن این شخص را در پیش پروردگار عزیز می‌برد و می‌گوید: ای پروردگار! این بندهٔ تو است و تو به او داناتری. او از جهت خاطر من در زحمت بود و بر من مواظبت می‌کرد. دشمنی و دوستی و عداوتش همه به خاطر من بود.

خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: بندهٔ مرا به بهشت ببرید و لباسی از لباس‌های فاخر بهشتی بر او بپوشانید و تاجی بر سر او نهید. چون با او چنین کردند، او را به قرآن نشان می‌دهند و به او می‌گویند: آیا با این کارها که برای ولیّ و دوست تو انجام گرفته، راضی شدی؟ قرآن می‌گوید: من این‌ها را برای او کم می‌دانم. از تمام نعمت‌های خوب، فراوان او را عطا کن.

پس خداوند می‌گوید: به عزّت و جلالم و بلندی مرتبه‌ام و بالایی جایگاهم سوگند که امروز، پنج نعمت بلکه زیادتر به او و کسانی که در [ایمان و عمل] با او همانند و هم مسلک بودند، خواهم داد که [عبارت است از اینکه:] آنها همیشه جوان باقی می‌مانند و پیری به سراغ آن‌ها نخواهد آمد و همیشه سالم و تندرست خواهند بود و به بیماری دچار نخواهند شد و همیشه بی‌نیاز و ثروتمند هستند و گرفتار فقر و نیازمندی نخواهند گردید و همیشه شاد و خوشحال هستند و غم و اندوه به آن‌ها راه نخواهد یافت و بالاخره برای همیشه زنده هستند و مرگی برای آن‌ها نخواهد بود.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «**[مؤمنان] در بهشت، جز همان مرگ نخستین، مزهٔ مرگ را نخواهند چشید.**»

[راوی] گوید: به امام عرض کردم: ای ابا جعفر، فدایت شوم! مگر قرآن هم حرف می‌زند؟ حضرت لبخندی زد و گفت: خداوند ضعیفان شیعیان ما را رحمت کند که اهل تسلیم هستند [و آنچه ما می‌گوییم می‌پذیرند.]

سپس فرمود: آری ای سعد! و نماز هم حرف می‌زند و دارای شکل و قیافه است و آفرینش مخصوصی دارد، فرمان می‌دهد [به خوبی‌ها] و بازمی‌دارد [از بدی‌ها].

سعد گوید: از این [سخنان شگفت‌انگیز حضرت] رنگم دگرگون شد و گفتم: این‌ها مطالبی است که من نمی‌توانم با مردم در میان بگذارم [چرا که فهم و درک آن دشوار است.]

حضرت ابو جعفر [باقر العلوم]ﷺ فرمود: آیا مردم به جز شیعیان ما هستند؟ کسی حق ما را انکار می‌کند که نمی‌داند نماز چیست.

سپس حضرت فرمود: ای سعد! آیا سخن خدا را به گوش تو برسانم؟ سعد گوید: گفتم: آری، درود خدا بر تو باد. پس فرمود: نماز از زشتی و بدی باز می‌دارد و ذکر خداوند، بزرگترین است.

فالنهي كلام والفحشاء والمنكر رجال ونحن ذكر اللّه ونحن أكبر.

۲۱ ۲۵۵۸۳ (۲۱) **كافي** ۶۰۱/۲: أبو عليّ الأشعري عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر عن عمرو بن شمر عن **جابر** عن أبي جعفر عليه السلام قال: يجيء القرآن يوم القيامة في أحسن منظور إليه صورة فيمرّ بالمسلمين فيقولون هذا الرجل منّا فيجاوزهم إلى النبيّين فيقولون هو منّا فيجاوزهم إلى الملائكة المقرّبين فيقولون هو منّا حتّىٰ ينتهي إلى ربّ العزّة عزّ وجلّ.

فيقول: يا ربّ فلان بن فلان أظمأت هواجره وأسهرت ليله في دار الدّنيا وفلان بن فلان لم أظمأ هواجره[1] ولم أسهر ليله.

فيقول تبارك وتعالى ادخلهم الجنة على منازلهم فيقوم فيتّبعونه فيقول للمؤمن اقرأ وارقه[2] قال: فيقرأ ويرقىٰ حتّى يبلغ كلّ رجل منهم منزلته الّتي هي له فينزلها.

۲۲ ۲۵۵۸۴ (۲۲) **أمالي ابن الطوسي** ۳۵۷: بالإسناد المتقدّم في الباب عن أبي قلابة الرقاشي قال: حدّثنا وهب بن جرير قال: حدّثنا موسى بن على بن رباح قال: سمعت أبي يحدّث عن **عقبة** بن عامر أنّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال: أيّكم يحبّ أن يغدو إلى العقيق أو إلى بطحاء مكّة فيؤتى بناقتين كوماوين[3] حسنتين فيدعى بهما إلى أهله من غير مأثم ولا قطيعة رحم قالوا: كلّنا نحبّ ذلك يا رسول اللّه.

قال: لأن يأتي أحدكم المسجد فيتعلّم آية خير له من ناقة وآيتين خير له من ناقتين وثلاث خير له من ثلاث.

---

۱. جمع هاجرة أي شدّة الحرّ. ۲. الهاء للوقف. ۳. الناقة الكوماء: العظيمة السّنام.

باز داشتن قرآن به وسیلهٔ سخن است. [پس قرآن حرف می‌زند که نهی از منکر می‌کند.] و مقصود از فحشاء و منکر مردانی هستند [که علی‌ﷺ و فرزندان معصومش را که از طرف خدا و پیامبرﷺ به جانشینی رسول اللهﷺ تعیین شده بودند، کنار زدند و غاصبانه به جای آن‌ها نشستند و به اهل بیت پیامبرﷺ هر گونه ستمی را روا داشتند.] و ذکر خدا، ما [اهل بیت پیامبرﷺ] هستیم که بزرگترین و [افضل بنی آدم] هستیم.»

۲۱ (۲۱) جابر از امام باقرﷺ نقل کرده است که حضرت فرمودند: «قرآن در روز قیامت به زیباترین شکلی که چشم‌ها دیده‌اند، خواهد آمد و بر مسلمانان می‌گذرد. آن‌ها می‌گویند: این مرد از ما است. آنگاه از آن‌ها می‌گذرد و به پیامبران گذر می‌کند. آن‌ها نیز می‌گویند: این از ما است. از آن‌ها نیز می‌گذرد و به فرشتگان مقرّب می‌رسد. آن‌ها نیز می‌گویند: این از ما است. تا این که در نهایت به حضور پروردگار عزّت، بار می‌یابد. پس می‌گوید: ای پروردگار! فلانی پسر فلانی را [در دار دنیا] در روزهای گرم [بر اثر روزه گرفتن] به تشنگی وا داشتم و شب‌ها او را [با عبادت و تلاوت قرآن] به بیداری و شب زنده داری وا داشتم و [دیگری] فلانی پسر فلانی، نه در روز تشنگی کشید و نه در شب بیداری کشید.

پس خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آن‌ها [دسته اوّل] را به خانه‌هایشان در بهشت هدایت کنید. پس قرآن به پا می‌خیزد و آن‌ها هم در پی او می‌روند. به مؤمن می‌گوید: بخوان و بر آن [درجات بهشت] بالا رو.

حضرت فرمود: پس مؤمن [قرآن] می‌خواند و بالا می‌رود تا این که هر یک از آن‌ها به جایگاهی می‌رسد که از آنِ اوست، پس در آن فرود می‌آید.»

۲۲ (۲۲) عقبة بن عامر گوید: «پیامبر خداﷺ فرمود: کدام یک از شما دوست دارد که سحرگاهی به [سرزمین] عقیق یا بطحاء مکّه برود و از آنجا دو شتر خوبِ بزرگ کوهان با خود بیاورد و بدون این که گناهی مرتکب شود یا قطع رحمی کند، آن دو شتر را به نزد خانواده‌اش بیاورد؟ گفتند: ما همه آن را دوست داریم.

حضرت فرمود: چون یکی از شما به مسجد درآید تا آیه‌ای [از قرآن] فرا گیرد، برایش از یک شتر [کذایی] بهتر باشد و چون دو آیه فرا گیرد، از دو شتر برتر باشد و [به همین میزان] فرا گرفتن سه آیه از سه شتر بهتر باشد.»

۲۳ (۲۳) **كافي ۲ / ۶۰۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه وعِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وسهل بن زياد جميعاً عن ابن محبوب عن مالك بن عطيّة عن **يونس** بن عمّار قال: قال أبوعبداللّه عليه السلام انّ الدواوين يوم القيامة ثلاثة: ديوان فيه النعم وديوان فيه الحسنات وديوان فيه السيّئات فيقابل بين ديوان النعم وديوان الحسنات فتستغرق النعم عامّة الحسنات ويبقى ديوان السيّئات فيدعى بابن آدم المؤمن للحساب فيتقدّم القرآن أمامه في أحسن صورة فيقول يا ربّ أنا القرآن وهذا عبدك المؤمن قد كان يتعب نفسه بتلاوتي ويطيل ليله بترتيلي وتفيض عيناه إذا تَهَجّد فأرضه كما أرضاني، قال فيقول العزيز الجبّار عبدي اُبسط يمينك فيملأها من رضوان اللّه العزيز الجبّار ويملأ شماله من رحمة اللّه ثمّ يقال هذه الجنّة مباحة لك فاقرأ واصعد فإذا قرأ آية صعد درجة.
۲۵۵۸۵

۲٤ (۲٤) **كافي ۲ / ۶۰۲** علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن إبراهيم بن عبدالحميد عن **إسحاق** بن غالب قال: قال أبو عبداللّه عليه السلام: إذا جمع اللّه عزّ وجلّ الأوّلين والآخرين إذا هم بشخص قد أقبل لم يُرقطّ أحسن صورة منه فإذا نظر إليه المؤمنون وهو القرآن قالوا هذا منّا هذا أحسن شيء رأينا فإذا انتهى إليهم جازهم ثمّ ينظر إليه الشهداء حتّى إذا انتهى إلى آخرهم جازهم.
۲۵۵۸۶

فيقولون هذا القرآن فيجوزهم كلّهم حتّى إذا انتهى إلى المرسلين فيقولون هذا القرآن فيجوزهم حتّى ينتهي إلى الملائكة فيقولون هذا القرآن فيجوزهم [ثمّ ينتهي] حتّى يقف عن يمين العرش فيقول الجبّار وعزّتي وجلالي وارتفاع مكاني لأُكْرِمَنَّ اليوم من أكرمك ولأُهيننّ من أهانك.

۲۳ (۲۳) یونس بن عمّار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «در روز قیامت سه نوع پرونده وجود دارد: یک پرونده حاوی نعمت‌ها است [که پروردگار به شخص حامل پرونده داده است.] و در یک پرونده، اعمال صالح و در پروندهٔ دیگر، گناهان [ثبت شده] است.

آنگاه پرونده نعمت‌ها با پرونده اعمال صالح برابر می‌شود و نعمت‌ها، همه اعمال صالح را غرق می‌کند [که اعمال صالح نمی‌تواند جوابگوی سپاس و شکر نعمت‌های دنیایی خداوند باشد.] در نتیجه آنچه باقی می‌ماند پرونده گناهان است.

آنگاه آدمی زاده مؤمن را به پای حساب فرا می‌خوانند [در حالی که هیچ عمل صالحی برایش نمانده است.] پس قرآن با زیباترین سیما، پیشاپیش او حرکت می‌کند و می‌گوید: ای پروردگارا! من قرآن هستم و این هم بنده مؤمن تو است. او در [دار دنیا] با تلاوت کردن من خود را به خستگی می‌انداخت و شب‌های دراز را با خواندن من سپری می‌کرد. چون به عبادت می‌پرداخت از دیدگانش اشک سرازیر می‌شد. پس او را خشنود فرما، همان گونه که مرا خشنود کرد.

حضرت فرمود: آنگاه خداوند شکست‌ناپذیر با جبروت می‌گوید: ای بندهٔ من! دست راستت را بگشا، پس آن را از بهشت رضوان خداوند شکست‌ناپذیر بزرگ، پُر می‌کند و دست چپش را از رحمت الهی لبریز می‌نماید. سپس به او گفته می‌شود: [استفاده کردن از] این بهشت برای تو حلال است. پس بخوان و بالا رو. پس هر آیه که می‌خواند، یک درجه بالا می‌رود.»

۲۴ (۲۴) اسحاق بن غالب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «آنگاه که خداوند عزیز جلیل، اوّلین و آخرین انسان‌ها را [در قیامت] گرد هم آورد، ناگهان [اهل محشر] شخصی را می‌بینند که به سوی آن‌ها می‌آید که خوش سیماتر از او دیده نشده است.

پس چون مؤمنان به او می‌نگرند [می‌فهمند که] او قرآن است. می‌گویند: این از ما است. این، زیباترین کسی است که ما تاکنون دیده‌ایم. پس چون به آن‌ها می‌رسد از آن‌ها می‌گذرد. سپس نظر شهیدان به او جلب می‌شود تا این که به آخرین شهید می‌رسد از آن‌ها عبور می‌کند. شهیدان نیز می‌گویند: این قرآن است. تا به پیامبران مرسل می‌رسد آن‌ها هم [می‌شناسند و می‌گویند:] این قرآن است. از آن‌ها نیز می‌گذرد تا به فرشتگان می‌رسد، پس آن‌ها هم می‌گویند: این قرآن است. قرآن از آن‌ها نیز می‌گذرد تا در نهایت در طرف راست عرش می‌ایستد. خداوند بزرگ می‌گوید: به عزّت و شکوه و بلندی جایگاهم سوگند، امروز گرامی خواهم داشت کسی را که تو را گرامی داشته است و خوار خواهم کرد کسی را که تو را خوار کرده است.»

۲۵ ۲۵۵۸۷ (۲۵) **كافي ۶۰۶/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن القاسم بن محمّد عن سليمان بن داود المنقري عن **حفص** قال: سمعت موسى بن جعفر عليه السلام يقول لرجل أتحبّ البقاء في الدنيا فقال: نعم فقال: ولِمَ؟ قال لقراءة قل هو اللّه أحد فسكت عنه فقال له بعد ساعة يا حفص من مات من أوليائنا وشيعتنا ولم يحسن القرآن عُلِّمَ في قبره ليرفع اللّه به من درجته فانّ درجات الجنّة على قدر آيات القرآن يقال له اقرأ وَارْقَ فيقرأ ثمّ يرقىٰ قال حفص فما رأيت أحداً أشدّ خوفاً على نفسه من موسى بن جعفر عليه السلام ولا ارجأ الناس منه وكانت قرائته حزناً فإذا قرأ فكأنّه يخاطب إنساناً.

۲۶ ۲۵۵۸۸ (۲۶) **أمالي ابن الطوسي ۳۵۷**: بالإسناد المتقدّم في الباب عن أبي قلابة عبدالملك بن محمد قال: حدّثني أبي قال: حدّثنا محمّد بن مروان عن المعارك بن عباد عن سعيد بن أبي سعيد عن أبيه عن **أبي هريرة** عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال: تعلّموا القرآن وتعلّموا غرائبه وغرائبه فرائضه وحدوده فانّ القرآن نزل على خمسة وجوه حلال وحرام ومحكم ومتشابه وأمثال فاعملوا بالحلال ودعوا الحرام واعملوا بالمحكم ودعوا المتشابه واعتبروا بالأمثال.

۲۷ ۲۵۵۸۹ (۲۷) **مجمع البيان ۱۶/۱**: **عبداللّه** بن عمر عن عليّ عليه السلام قال: يقال لصاحب القرآن اقرأ وارقَ ورتّل كما كنت ترتّل في الدنيا فانّ منزلك عند آخر آية تقرأها.

۲۸ ۲۵۵۹۰ (۲۸) **تفسير علي بن إبراهيم ۲۵۹/۲**: حدّثني أبي عن القاسم بن محمّد عن **سليمان** بن داود رفعه قال: جاء رجل إلى علي بن الحسين عليه السلام فسأله عن مسائل ثمّ عاد ليسأل عن مثلها فقال علي بن الحسين عليه السلام: مكتوب في الإنجيل لاتطلبوا علم ما لا تعلمون[1] ولمّا عملتم بما علمتم فانّ العالم إذا لم يعمل به لم يزده من اللّه إلّا بُعداً ثمّ قال: عليك بالقرآن فانّ اللّه خلق الجنّة بيده لِبنَة من ذهب ولبنة من فضّة وجعل ملاطها المسك وترابها الزعفران وحصاها اللؤلؤ وجعل درجاتها على قدر آيات القرآن فمن قرأ قال له اقرأ وارق.

---

۱. لا يبعد ان يكون صحيحة ما لا تعملون.

۲۵ (۲۵) حفص گوید: «از امام موسی بن جعفرؑ شنیدم که به مردی می‌گفت: آیا دوست داری در دنیا بمانی؟ او گفت: آری. حضرت فرمود: چرا؟ گفت: به خاطر خواندن سوره «قل هو الله احد». حضرت لحظه‌ای سکوت کردند و آنگاه فرمودند: ای حفص! هر کس از دوستان و شیعیان ما بمیرد در حالی که قرآن را به خوبی یاد نگرفته باشد، در قبر به او تعلیم داده می‌شود تا به این وسیله خداوند، درجه‌اش را بالا ببرد. چرا که درجات بهشت، به مقدار آیات قرآن است. به او [شیعه] گفته می‌شود: بخوان و بالا رو پس او می‌خواند و در پی آن بالا می‌رود.

حفص گفت: ندیدم کسی را که بیشتر از موسی بن جعفرؑ بر خود بترسد و امیدوارتر از او هم ندیدم. قرآن خواندنش، اندوهگین بود. وقتی قرآن می‌خواند، گویی انسانی را مورد خطاب قرار داده است [و او را می‌بیند و با او حرف می‌زند.]»

۲۶ (۲۶) ابو هریره از پیامبرﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «قرآن را یاد بگیرید و معانی و مفاهیم ژرف آن را فرا گیرید و [بدانید که] مفاهیم آن همان دستورات الزامی و حدّ و مرزهایی است که بیان می‌کند. چرا که قرآن که نازل شده است پنج قسم آیات را بیان می‌کند: آیاتی که حلال را بیان می‌کند، آیاتی که حرام را بیان می‌کند آیاتی که در بیان مفاهیم، محکم و صریح هستند، آیاتی که در بیان مفاهیم متشابه و چند پهلو هستند و آیاتی که مقال‌ها و سرگذشت‌ها را بیان می‌کنند و شما به حلال عمل کنید و حرام را رها کنید و آیات محکم و صریح را بگیرید و آیات متشابه و چند پهلو را [به اهلش] وانهید و از نمونه‌ها [ی تاریخی که می‌آورد] درس عبرت بگیرید.»

۲۷ (۲۷) عبدالله بن عمر از علیؑ نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: «به قاری و حافظ قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا رو و شمرده شمرده قرآن بخوان همان گونه که در دار دنیا می‌خواندی زیرا جایگاه تو پیش آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی.»

۲۸ (۲۸) سلیمان بن داود با واسطه، روایتی را چنین نقل کرده است: «مردی به محضر علی بن حسینؑ شرفیاب شد. از حضرتش سؤالاتی کرد. [حضرت پاسخ داد.] دوباره برگشت تا سؤالاتی از آن دست کند، حضرت امام سجّادؑ فرمود: در «انجیل» نوشته شده است: تا به علمی که دارید عمل نکرده‌اید به دنبال علمی که نمی‌دانید نروید زیرا عالِم هر گاه به آنچه که می‌داند عمل نکند، دانش او جز دوری از خداوند چیزی بر او نیفزاید. سپس فرمود: همیشه ملازم قرآن باش چراکه خداوند با دست خودش بهشت را از خشتی طلا و خشتی نقره ساخته است. ملاط آن را از مُشک و خاکش را از زعفران و شن‌ها و ریگ‌هایش را از مروارید قرار داده است و درجات و طبقات بهشت را به اندازهٔ تعداد آیه‌های قرآن قرار داده است. پس خداوند به هر کس که اهل قرائت و تلاوت قرآن باشد می‌گوید: بخوان و بالا رو.

ومن دخل منهم الجنّة لم يكن أحد فى الجنّة أعلى درجة منه ما خلا النبيّين والصّديقين فقال له الرجل فما الزهد؟ قال: الزّهد عشرة أجزاء فأعلى درجات الزّهد أدنـى درجـات الرضى ألا وانّ الزّهد في آية من كتاب اللّه ﴿لِّكَيْلَا تَأْسَوْاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُواْ بِمَآ ءَاتَـٰكُمْ﴾ فقال الرجل: لا إله إلّا اللّه فقال علي بن الحسين عليهما السلام وأنا أقول لا إله إلّا اللّه فإذا قال أحدكم لا إله إلّا اللّه فليقل الحمد للّه ربّ العالمين فانّ اللّه يقول هو الحيّ لا إله إلّا هو فادعوه مخصلين له الدّين الحمد للّه ربّ العالمين.

٢٩ ٢٥٥٩١ (٢٩) **جامع الأحاديث** ١٠٠: عن سهل بن أحمد عن محمد بن محمد بن الأشعث عن **موسى** بن إسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: عدد درج الجنّة عدد آي القرآن فإذا دخل صاحب القرآن الجنّة قيل له اقرء وارق لكل آية درجة فلا تكون فوق حافظ القرآن درجة.

٣٠ ٢٥٥٩٢ (٣٠) **مجمع البيان** ١٥: عن **النبيّ** أنّه قال صلى الله عليه وآله: أفضل العبادة قراءة القرآن.

٣١ ٢٥٥٩٣ (٣١) **كافي** ٦٠٥/٢: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن محمد بن عيسى **ثواب الأعمال** ١٢٨: حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال: حدّثني علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد بن أبي عبداللّه عن محمد بن عيسى بن عبيد عن سليمان بن رشيد (راشد ـ ثواب) عن أبيه عن **معاوية** بن عمّار قال: قال (لي ـ الكافي) أبوعبداللّه عليه السلام: من قرأ القرآن فهو غنيّ ولا فقر بعده وإلّا ما به غنى.

٣٢ ٢٥٥٩٤ (٣٢)**مجمع البيان** ١٦/١: عن **عليّ** عليه السلام انّه قال: قال صلى الله عليه وآله من قرأ القرآن فرأى انّ أحداً أُعطي أفضل ممّا اعطى فقد حقّر ما عظّمه اللّه وعظّم ماحقّره اللّه.

٣٣ ٢٥٥٩٥ (٣٣) **صفات الشيعة** ٥٢: حدّثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه الله قال: حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد البرقي عن محمد بن الحسن بن شمّون عن **عبداللّه** بن عمرو ابن [أبي المقدام] عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام انّه قال: يا أبا المقدام انّما شيعة عليّ صلوات اللّه عليه الشاحبون[١] الناحلون[٢] الذابلون[٣] ذابلة شفاههم من القيام[٤] خميصة بطونهم

---

١. الشاحب: المهزول والمتغيّر. ٢. الناحل: الرقيق. ٣. الذابل: الجافّ ـ الدقيق المهزول.
٤. الصيام ـ خ.

در میان کسانی که به بهشت می‌آیند جز پیامبران و صدّیقان، کسی بالاتر از او [قاری قرآن] نیست. پس آنگاه آن مرد از حضرت پرسید: زهد چیست؟ حضرت سجّادعليه السلام فرمود: زهد دارای ده جزء است، پس بالاترین درجه زهد، پایین‌ترین درجه رضا است بدان که زُهد در آیه‌ای از کتاب خداوند بیان شده است: «**تا شما بر آنچه که از دست می‌دهید افسوس نخورید و به خاطر آنچه که به دست شما می‌آید شادی نکنید.**»

پس آن مرد [با تعجّب از زیبایی کلام و دریای دانش حضرت از روی تعجّب] گفت: «لا اله الاّ الله» جز خداوند معبودی نیست. امام سجّادعليه السلام فرمود: من هم می‌گویم: «لا اله الّا الله» معبودی جز خداوند نیست ولی هر گاه یکی از شما می‌گوید: «لا اله الّا الله» بعد از آن بلافاصله بگوید: «الحمد لله ربّ العالمین»، سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که اداره کنندهٔ جهانیان است. چون خداوند خود [در قرآن] فرموده است: اوست زنده‌ای که کسی شایستهٔ پرستش جز او نیست. پس او را بخوانید و دینتان را برای او خالص کنید، سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است.»

۲۹ (۲۹) موسی، نوادهٔ امام موسی بن جعفرعليه السلام از پدرش اسماعیل و او از پدرش موسی بن جعفرعليه السلام و او از پدران بزرگوارش نقل کرده است که فرموده‌اند: «پیامبر خداﷺ فرمود: تعداد درجه‌های بهشت به تعداد آیه‌های قرآن است. وقتی که قاری قرآن به بهشت وارد می‌شود به او گفته می‌شود: بخوان و بالا برو. به هر آیه‌ای از آیات قرآن درجه‌ای اختصاص یافته است. پس درجه‌ای بالاتر از درجه حافظ قرآن نیست.»

۳۰ (۳۰) در تفسیر مجمع البیان آمده است که پیامبرﷺ فرمود: «بهترین عبادت، خواندن قرآن است.»

۳۱ (۳۱) محمد بن عیسی و معاویة بن عمّار هر دو از امام صادقعليه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «هر کس می‌تواند قرآن بخواند و قرآن می‌خواند، دیگر بی‌نیاز است و نیاز به چیز دیگری ندارد وگرنه هرگز او را بی‌نیازی حاصل نگردد.»

۳۲ (۳۲) در تفسیر مجمع البیان آمده است که علیعليه السلام فرمود: «پیامبرﷺ فرمود: هر کس قرآن می‌خواند و باز هم تصوّر می‌کند که احدی را بهتر از آنچه به او داده شده است، داده‌اند، یقیناً حقیر شمرده است چیزی را که خداونداو را بزرگ قرار داده است و بزرگ شمرده است.»

۳۳ (۳۳) ابو المقدام از امام باقرعليه السلام نقل کرده است که حضرت خطاب به او فرمود: «ای ابو المقدام! شیعهٔ علیعليه السلام کسانی هستند که رنگ از رخسارشان پریده، لاغر و خشک هستند، لب‌های‌شان از شب‌زنده‌داری و عبادت خشکیده است، شکم‌هایشان به پشت‌شان چسبیده است، رنگ‌شان زرد و چهره‌های‌شان دگرگون شده است.

مصفرّة ألوانهم متغيّرة وجوههم إذا جهنّم اللّيل اتّخذوا الأرض فراشاً واستقبلوها بجباههم باكية عيونهم كثيرة دموعهم صلاتهم كثيرة ودعائهم كثير تلاوتهم كتاب اللّه[1] يفرحون الناس وهم يحزنون.

۳٤ ۲۵۰۹٦ (۳۴) **الخصال** ۷۶: أخبرني الخليل بن أحمد قال: أخبرنا أبوجعفر محمد بن إبراهيم الدّيبلي، قال: حدّثنا أبوعبداللّه قال: حدّثنا سفيان عن الزهري عن **سالم** عن أبيه قال: قال رسول اللّهﷺ: لا حسد إلّا في اثنين رجل آتاه اللّه مالاً فهو ينفق منه آناء اللّيل وآناء النهار ورجل آتاه اللّه القرآن فهو يقوم به آناء اللّيل وآناء النهار **العوالي** ۱۴۳: قالﷺ وذكر مثله إلّا أنّ فيه ينفقه في الحقّ.

۳٥ ۲۵۰۹۷ (۳۵) **مجمع البيان** ۱/۱۶: عن عليّ ؑ انّه قال: من قرأ القرآن فكأنّما ادرجت النبوّة بين جنبيه إلّا انّه لا يوحى إليه.

۳٦ ۲۵۰۹۸ (۳۶) **مستدرك** ۴/۲۶۲: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن [أبي أمامة] عن رسول اللّهﷺ انّه قال: من قرأ ثُلث القرآن فكأنّما أُوتي ثلث النبوّة ومن قرأ ثلثي القرآن فكأنّما أُوتي ثلثي النبوّة ومن قرأ القرآن كلّه فكأنّما أُوتي تمام النبوّة ثمّ يقال له اقرأ وارق بكلّ آية درجة فيرقى في الجنّة بكلّ آية درجة حتّى يبلغ مامعه من القرآن ثمّ يقال له اقبض فيقبض ثمّ يقال له اقبض فيقبض ثمّ يقال له: هل علمت مافي يدك فيقول لافاذاً في يده اليمنى الخلد وفي الأُخرى النعيم.

۳۷ ۲۵۰۹۹ (۳۷) **أمالي ابن الطوسي** ۲/۱۸: الشيخ الأجلّ الإمام المفيد أبو علي الحسن بن محمد الطوسي ؒ قال: حدّثني والدي ؒ قال: أخبرنا ابن حمويه قال: حدّثنا أبو الحسين قال: حدّثنا أبو خليفة قال: حدّثنا أبو هلال قال: حدّثنا **بكر** بن عبداللّه انّ عمر بن الخطّاب دخل على النّبيّﷺ وهو موقوذ[2] أو قال محموم فقال له عمر: يارسول اللّه ما أشدّ وعكك أو حماك فقال ما منعني ذلك أَنْ قرأت اللّيلة ثلاثين سورة فيهنّ السبع الطوال، فقال عمر يا رسول اللّه غفر اللّه لك ما تقدّم من ذنبك وما تأخّر وأنت تجهد هذا الاجتهاد فقال: يا عمر أفلا أكون عبداً شكوراً.

---

۱. كثيرة تلاوتهم للقرآن ـ الوسائل. ۲. أي شديد المرض.

چون تاریکی شب آن‌ها را فرا می‌گیرد، زمین را فرش خود می‌کنند و چهره بر خاک می‌گذارند. دیدگان‌شان گریان، اشک‌های‌شان فراوان، نمازشان بسیار، دعای‌شان زیاد است و خیلی قرآن می‌خوانند. آنگاه که مردم سرمست شادی هستند، آن‌ها اندوهگین هستند.»

۳۴ (۳۴) پدر سالم از پیامبرﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «حسد ورزیدن روا نباشد مگر نسبت به دو شخص: یکی مردی که خداوند او را مال و ثروت داده است، او هم، شب و روز و لحظه به لحظه از آن [در راه خدا] انفاق می‌کند و مردی که خداوند به او قرآن داده است و او نیز شب و روز در همهٔ اوقات به تلاوت آن مشغول می‌باشد.»

در کتاب عوالی همانند همین سخن فوق از پیامبرﷺ نقل شده است با این مطلب اضافی که: مالش را در راه حق خرج می‌کند.

۳۵ (۳۵) در تفسیر مجمع البیان آمده است: «از علیؑ نقل شده که حضرت فرمود: کسی که قرآن می‌خواند آنچنان است که نبوّت در قلبش تعبیه شده است با این تفاوت که به او وحی نمی‌شود.»

۳۶ (۳۶) ابو أمامه از پیامبر خداﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک سوّم قرآن را بخواند، گویی یک سوّم پیامبری به او داده شده است و کسی که دو سوّم قرآن را بخواند گویی دو سوّم پیامبری به او عطا شده است و کسی که همهٔ قرآن را می‌خواند، گویی تمام پیامبری به او داده شده است. سپس به او گفته می‌شود: بخوان و بالا برو که به هر آیه برای تو یک درجه است. پس با هر آیه که می‌خواند یک رتبه در بهشت بالا می‌رود تا می‌رسد به پایانِ آن مقدار آیاتی که با خود همراه دارد. آنگاه به او گفته می‌شود که با دستت بگیر. او [نامه‌ای را] می‌گیرد. سپس به او گفته می‌شود: آیا می‌دانی در دستت چیست؟ می‌گوید: نه. ناگهان متوجه می‌شود که در دست راستش حکم جاودانگی در بهشت است و در دست دیگر حکم نعمت‌های بهشتی است.»

۳۷ (۳۷) بکر بن عبدالله خبر داد که: «عمر بن خطاب بر پیامبرﷺ وارد شد در حالی که حضرتش به شدّت بیمار بود یا این که گفت: تبِ شدیدی داشت. عمر گفت: ای پیامبر خدا! چقدر بیماری یا تب شما زیاد است؟ حضرت فرمود: این بیماری نتوانست مانع شود از اینکه من امشب سی سوره بخوانم که هفت تای آن سوره‌های طولانی و بزرگ بود. عمر گفت: ای پیامبر! خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ تو را بخشیده است و تو اینقدر تلاش می‌کنی [و خود را به زحمت می‌اندازی.] حضرت فرمود: ای عمر! آیا بندهٔ سپاسگزاری نباشم.»

۳۸ ۲۵٦۰۰ (۳۸) **جامع الأخبار** ۱۳: قال رسول اللّهﷺ: يا سلمان عليك بقراءة القرآن فانّ قرائته كفّارة للذنوب وسترة من النار وأمان من العذاب ويكتب لمن يقرأ بكلّ آية ثواب مأة شهيد ويعطىٰ بكلّ سورة ثواب نبيّ (مرسل ـ خ) وتنزل على صاحبه الرّحمة وتستغفر له الملائكة واشتاقت إليه الجنّة ورضى عنه المولى وانّ المؤمن إذا قرأ القرآن نظر اللّه إليه بالرّحمة وأعطاه بكلّ آية ألف حور وأعطاه بكلّ حرف نوراً على الصراط فإذا ختم القرآن أعطاه اللّه ثواب ثلاثمأة وثلاثة عشر نبيّاً بلّغوا رسالات ربّهم وكأنّما قرأ كلّ كتاب أنزل اللّه على أنبيائه وحرّم اللّه جسده على النّار ولايقوم من مقامه حتّى يغفر اللّه له ولأبويه وأعطاه اللّه بكلّ سورة في القرآن مدينة في جنّة الفردوس كلّ مدينة من درّة خضراء في جوف كلّ مدينة ألف دار فى كلّ دار مأة ألف حجرة في كلّ حجرة مأة ألف بيت من نور على كلّ بيت مأة ألف باب من الرّحمة على كلّ باب مأة ألف بوّاب بيد كلّ بوّاب هديّة من لون آخر وعلى رأس كلّ بوّاب منديل من استبرق خير من الدنيا وما فيها وفي كلّ بيت مأة ألف دكّان من العنبر سعة كلّ دكان ما بين المشرق والمغرب وفوق كلّ دكّان مأة ألف سرير وعلى كل سرير مأة ألف فراش من فراش إلى فراش ألف ذراع وفوق كلّ فراش حوراء عيناء استدارة عجيزتها ألف ذراع وعليها مأة ألف حلّة يرىٰ مخ ساقيها من وراء تلك الحلل وعلى رأسها تاج من العنبر مكلّل بالدّر والياقوت وعلى رأسها ستّون ألف ذوابة من المسك والغالية وفيّ اذنيها قرطان وشنفان وفي عنقها ألف قلادة من الجوهر بين كلّ قلادة ألف ذراع وبين يدى كلّ حور ألف خادم بيد كلّ خادم كأس من ذهب في كلّ كأس مأة ألف لون من الشّراب لايشبه بعضه بعضاً.

(۳۸) در کتاب جامع الاخبار آمده است که: «پیامبر خداﷺ فرمود: ای سلمان! بر تو باد، خواندن قرآن. چرا که خواندن قرآن کفّارهٔ گناهان و محافظی از آتش و امنیّت از عذاب است. ۳۸

و کسی که قرآن می‌خواند با هر آیه‌ای که تلاوت می‌کند، پاداش صد شهید برایش نوشته می‌شود و برای هر سوره‌ای که می‌خواند پاداش یک پیامبر (مرسل) به او داده می‌شود و رحمت بر صاحبش [قاری قرآن] فرود می‌آید و فرشتگان برای او از خداوند طلب آمرزش می‌کنند و بهشت، اشتیاق دیدار او را دارد و خداوند از او خشنود می‌شود و چون مؤمن به خواندن قرآن مشغول می‌شود، خداوند به دیدهٔ رحمت در او می‌نگرد و با هر آیه‌ای که می‌خواند، هزار حوریّه به او می‌بخشد و با هر حرفی، به او بر سر پُل صراط، نوری می‌دهد.

و چون قرآن را ختم کند و به پایان رساند، پروردگار او را پاداش سیصد و سیزده پیامبر می‌دهد که همگی رسالت‌ها و پیام‌های الهی را رسانده‌اند و گویی همهٔ کتاب‌هایی را که خداوند بر پیامبرانش نازل کرده است، خوانده باشد و خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌کند و از جایش برنخیزد مگر اینکه خداوند، او و پدر و مادرش را بیامرزد و خداوند در مقابل هر سوره‌ای که در قرآن است، شهری در بهشت به او می‌دهد که از مروارید سبز ساخته شده است، در درون هر شهر هزار خانه است و در هر خانه، صدهزار اطاق است و در هر اطاق صدهزار غرفه از نور است و هر غرفه صدهزار در از رحمت دارد و بر هر دری صدهزار نگهبان است که در دست هر کدام از آن‌ها هدیهٔ خاصّی است [که مغایر با هدیه‌ای است که در دست نگهبان دیگر است] و بر سر هر نگهبان دستاری است از جنس دیبا که از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است و در هر غرفه، صدهزار دکّان از مشک است که وسعت هر دکّانی به اندازهٔ میان مشرق و مغرب است و بالای هر دکّانی، صدهزار تخت است و بر هر تختی صدهزار بستر است و فاصلهٔ این بستر تا بستر دیگر هزار ذرع است. بالای هر بستری یک حور العین [زن سفید اندام فراخ چشم] است که گِردی پشتش هزار ذرع است و هزار لباس پوشیده ولی مغز استخوان پایش از پشت این همه لباس، دیده می‌شود. بر روی سرش تاجی است از مُشک که با مروارید و یاقوت، جواهرنشان شده است و در سرش شصت هزار زلف است که چون نافهٔ آهو، مشکین و چون غالیه (نام عطری است) خوشبو است و در گوش‌هایش دو گوشواره است و در گردنش هزار گردنبند از گوهر است و هر گردنبند هزار ذرع طول دارد. در جلوی هر حور العینی هزار پیش خدمت است که در دست هر یک از آن‌ها جامی از طلا است که در هر جام هزار نوع نوشیدنی است که این انواع با یکدیگر مشابه نیستند.

وفي كلّ بيت ألف مائدة وفي كلّ مائدة ألف قصعة وفي كلّ قصعة مأة ألف لون من الطعام لا يشبه بعضه بعضاً يجد وليّ اللّه من كلّ لون مأة ألف لذّة، ياسلمان المؤمن إذا قرأ القرآن فتح اللّه عليه أبواب الرّحمة وخلق اللّه بكلّ حرف يخرج من فمه ملكاً يسبّح له إلى يوم القيامة. فانّه ليس شيءٌ بعد تعلّم العلم أحبّ إلى اللّه من قراءة القرآن وانّ أكرم العباد عند اللّه تعالى بعد الأنبياء العلماء ثمّ حملة القرآن يخرجون من الدنيا كما يخرج الأنبياء ويثابون ثواب الأنبياء فطوبى لطالب العلم وحامل القرآن ممّا لهم عند اللّه من الكرامة والشرف.

۳۹ ۲۵۶۰۱ (۳۹) **الجعفريات** ۳۱: بإسناده عن **عليّ**ؑ قال: قال رسول اللّهﷺ من كان القرآن دِرْبَتَه والمسجد بيته بنى اللّه تعالى له بيتاً في الجنّة ودرجة دون الدرجة الوسطى.

۴۰ ۲۵۶۰۲ (۴۰) **الخصال ۵۲۵: المعاني ۳۳۴**: بالإسناد المتقدّم في باب (۳۶) استحباب صلاة تحيّة المسجد عن [**أبي ذرّ**ؓ] قال: دخلت على رسول اللّهﷺ وهو في المسجد (إلى أن قال) قلت يا رسول اللّه أوصني قال: أوصيك بتقوى اللّه فانّه رأس الأمر كلّه قلت: زدني قال: عليك بتلاوة القرآن وذكر اللّه عزّ وجلّ كثيراً فانّه ذكر لك في السماء ونور لك في الأرض **أمالي الطوسي** ۵۴۱: بإسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن **أبي ذرّ** (في حديث وصيّة النبيّﷺ) نحوه.

۴۱ ۲۵۶۰۳ (۴۱) **مستدرك** ۲۶۰/۴: **القطب** الراونديّ في دعواته قال قال [الحسن بن عليّؑ] من قرأ القرآن كانت له دعوة مجابة امّا معجّلة وإمّا مؤجّلة.

۴۲ ۲۵۶۰۴ (۴۲) **الجعفريات** ۲۴۱: باسناده عن **علي** بن أبي طالبؑ قال: ثلاث يذهبن بالبلغم قراءة القرآن واللّبان والعسل.

۴۳ ۲۵۶۰۵ (۴۳) **التهذيب** ۱۳۸/۲: محمد بن أحمد بن يحيى عن معاوية بن حكيم عن **معمّر** بن خلاّد عن الرضاؑ قال: سمعته يقول ينبغي للرجل إذا أصبح أن يقرء بعد التّعقيب خمسين آية.

در هر غرفه هزار سفره است و در هر سفره هزار سینی و در هر سینی صدهزار نوع غذا وجود دارد که هر نوع با نوع دیگر متفاوت است.

ولیّ (دوست) خداوند از هر نوع غذا صدهزار گونه لذّت می‌برد. ای سلمان! مؤمن چون مشغول خواندن قرآن شود، خداوند درهای رحمت را به روی او می‌گشاید و با هر حرفی که از دهان او بیرون می‌آید خداوند فرشته‌ای می‌آفریند که تا قیامت تسبیح می‌گوید و ثوابش برای آن مؤمن است. هیچ چیز پس از فراگیری علم، نزد خداوند دوست داشتنی‌تر از خواندن قرآن نیست و گرامی‌ترین بندگان نزد خداوند بلند مرتبه، پس از پیامبران، علماء و پس از علماء، حاملان قرآن هستند. همان گونه که پیامبران [راحت و آسان] از این دنیا می‌روند [و می‌میرند] این‌ها نیز به همان صورت از دنیا می‌روند و چون در قیامت از قبرها خارج شوند با پیامبران محشور می‌باشند و همراه با پیامبران از پُل صراط می‌گذرند و پاداش پیامبران به آن‌ها داده می‌شود پس خوشا به حال جویندهٔ علم و حافظ قرآن که این‌قدر نزد خداوندت احترام و عزّت دارند.»

(۳۹) در کتاب الجعفریّات از علیؑ نقل شده است که آن حضرت فرمود: «کسی که شغلش ۳۹
خواندن قرآن باشد و مسجد، خانه‌اش باشد، خداوند متعال برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت و غیر از طبقهٔ میانی، طبقه‌ای دیگر و درجه‌ای دیگر به او می‌دهد.»

(۴۰) ابوذرؓ گوید: «پیامبر خداﷺ در مسجد بود که من بر او وارد شدم (ماجرا را نقل می‌کند تا ۴۰
می‌رسد به اینجا که) گفتم: ای پیامبر خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: تو را به پرهیزگاری الهی سفارش می‌کنم چرا که سر هر کار است [پرهیزگاری در هر کار حکم سر در بدن را دارد.] گفتم: مرا بیشتر پند ده. فرمود: بر تو باد خواندن قرآن و ذکر بسیار خداوند عزیز و جلیل که آن‌ها، آسمانیان را به یاد تو می‌اندازد و به تو در روی زمین نورانیّت می‌بخشد.

این حدیث را شیخ طوسیؒ در کتاب امالی خود در باب فضیلت نماز از ابوذر، نقل کرده است.

(۴۱) قُطب راوندی در کتاب الدعوات گفته است: «حسن بن علیؑ فرموده است: هر کس که ۴۱
قرآن می‌خواند یک دعایش مستجاب خواهد داشت یا فوری و یا با تأخیر.»

(۴۲) در کتاب الجعفریّات به طور مستند از علیؑ نقل شده است که فرمود: «سه چیز بلغم را از ۴۲
بین می‌برد: خواندن قرآن، کُندر و عسل.»

(۴۳) معمّر بن خلّاد گوید: «از امام رضاؑ شنیدم که می‌فرمود: سزاوار است که انسان در هر صبح ۴۳
پس از تعقیبات، پنجاه آیه بخواند.»

٤٤ ٢٥٦٠٦ (۴۴) **المعاني ۱۴۷**: حدّثنا محمد بن علي ماجيلويه‌ﷺ عن عمّه محمد ابن أبي القاسم عن محمد بن عيسى عن الحسن بن علي عن إسحاق بن عمّار عن أبي عبداللّه ﷺ قال: من قرأ مأة آية يصلّي بها في ليلة كتب اللّه له بها قنوت ليلة ومن قرأ مأتى آية في ليلة في غير صلاة الليل كتب اللّه له في اللوح المحفوظ قنطاراً من حسنات والقنطار ألف ومأتا أوقية والأوقية أعظم من جبل أحد.

٤٥ ٢٥٦٠٧ (۴۵) **وفيه ۴۱۰**: حدّثنا أبو الحسن (عليّ بن عبداللّه) قال: حدّثنا علي بن أحمد الطبري قال: حدّثنا أبو سعيد قال: حدّثنا خراش قال: حدّثنا مولاي [**أنس**] قال: قال رسول اللّهﷺ من قرأ مأة آية لم يكتب من الغافلين ومن قرأ مأتي آية كتب من القانتين ومن قرأ ثلاث مأة آية لم يحاجّه القرآن يعني من حفظ قدر ذلك من القرآن يقال قد قرأ الغلام القرآن إذا حفظه.

٤٦ ٢٥٦٠٨ (۴۶) **مستدرك ۲۶۳/۴**: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن [**أنس**] بن مالك قال: سمعت رسول اللّهﷺ يقول: من قرأ خمسين آية في يومه أو ليلته لم يكتب من الغافلين ومن قرأ مأة آية كتب من القانتين ومن قرأ مأتي آية لم يحاجّه القرآن يوم القيامة ومن قرأ خمسمأة آية كتب له قنطار.

٤٧ ٢٥٦٠٩ (۴۷) **عدّة الداعي ۲۶۸**: روى عن **النّبيّ**ﷺ أنّه قال: قال اللّه تبارك وتعالىٰ من شغله قراءة القرآن عن دعائي ومسألتي أعطيته أفضل ثواب الشّاكرين.

٤٨ ٢٥٦١٠ (۴۸) **كافي ۲۱۴/۸**: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن محمد بن الحسن بن شمّون عن عبداللّه بن عبدالرّحمن عن عبداللّه بن القاسم عن **عمرو** بن أبي المقدام عن أبي عبداللّه ﷺ (في حديث) ألا وانّ لكلّ شيء جوهراً وجوهر ولد آدم محمّدﷺ ونحن وشيعتنا بعدنا حبّذا شيعتنا ما أقربهم من عرش اللّه عزّ وجلّ وأحسن صنع اللّه إليهم يوم القيامة واللّه لولا أن يتعاظم الناس ذلك أو يدخلهم زهو[1] لسلّمت عليهم الملائكة قُبُلاً[2] واللّه ما من عبد من شيعتنا يتلو القرآن في صلاته قائماً إلّا وله بكل حرف خمسون حسنة ولا في غير صلاة إلّا وله بكلّ حرف عشر حسنات.

---

۱. الزهو: الكبر والفخر. ۲. قُبُلاً: أي عيانا ومقابلة.

۴۴ (۴۴) اسحاق بن عمار از امام صادقعليه السلام روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود: «کسی که در نماز شب، صد آیه بخواند، عبادت تمام شب برایش نوشته می‌شود و کسی که یک شب دویست آیه در غیر نماز بخواند برای او در لوح محفوظ یک قنطار ثواب می‌نویسند و هر قنطار، هزار و دویست اُوقیه است و اُوقیه بزرگتر از کوه اُحد است.»

۴۵ (۴۵) أنس گوید: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که [در هر روز] یکصد آیه بخواند از بی خبران شمرده نخواهد شد و کسی که دویست آیه بخواند از عابدان به حساب آید و کسی که سیصد آیه تلاوت کند، قرآن با او محاجّه (گفتگوی عقاب‌آمیز و خصمانه) نمی‌کند.»

مقصود از خواندن، حفظ کردن است چنانچه در [لغت عربی] گفته می‌شود: این پسر قرآن خواند. مقصود این است که ان را حفظ کرد.[1]

۴۶ (۴۶) أنس بن مالک گوید: «از پیامبر خداﷺ شنیدم که می‌گفت: هر کس در یک شبانه روز پنجاه آیه بخواند از غافلان نوشته نشود و کسی که صد آیه بخواند، از عابدان بـه شـمار آیـد و کسـی کـه دویست آیه بخواند قرآن در روز قیامت با او بگو مگو نکند [که چرا مرا ضایع کردی و حـق مـرا ادا نکردی] و کسی که [در هر شب و روز] پانصد آیه بخواند یک قنطار [ثواب] برایش نوشته می‌شود.»

۴۷ (۴۷) [ابن فهد حلّی﵀] در کتاب عدّة الداعی از پیامبرﷺ روایت کرده است که حضرت فرمودند: «خداوند متعالی فرموده است: هر کس که خواندن قرآن او را از دعا کردن و درخواست کردن از من، باز دارد، او را پاداشی برتر از پاداش بندگان سپاسگزار خواهم داد.»

۴۸ (۴۸) عمرو بن ابی المقدام از امام صادقعليه السلام نقل کرده است که آن حضرت در ضمن سخنی فرمود: «آگاه باشید که هر چـیزی را ذات و گـوهری است و گـوهر فـرزندان آدم، حـضرت مـحمّدﷺ و مـا می‌باشیم و بعد از ما، شیعیان ما هستند. چقدر شیعیان ما خوب هستند؟ چقدر به عرش الهی نزدیک می‌باشند؟ و چقدر رفتار خداوند با آن‌ها در روز قیامت خوب خواهد بود به خدا سوگند که اگر مردم، این مقام را بزرگ نمی‌شمردند یا این که تکبّر آن‌ها را نمی‌گرفت، فرشتگان بر آن‌هـا (شـیعیان)، روبـرو سلام می‌کردند. به خدا قسم، بنده‌ای از شیعیان ما در نمازش ایستاده، قرآن نمی‌خواند مگر اینکه به تعداد هر حرف، پنجاه حسنه به او می‌دهند و در غیر نماز، برای هر حرف ده حسنه می‌دهند.

---

۱. به نظر می‌رسد که این توضیح درست نباشد و مقصود از خواندن قرآن، خواندن آن است نـه حـفظ کـردن آن چنانچه در قرآن آمده است: فاقرأوا ما تیسّر من القرآن.(مترجم).

وانّ للصامت من شيعتنا لأجر من قرأ القرآن ممّن خالفه أنتم واللّه على فرشكم نيام لكم أجر المجاهدين وأنتم واللّه في صلاتكم لكم أجر الصافّين في سبيله أنتم واللّه الذين قال اللّه عزّ وجلّ ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾ انّما شيعتنا أصحاب الأربعة الأعين عينان في الرأس وعينان في القلب ألا والخلايق كلّهم كذلك ألا انّ اللّه عزّ وجلّ فتح أبصاركم وأعمى أبصارهم.

۴۹ ۲۵۶۱۱ (۴۹) **جامع الأخبار** ۱۱۵: روى عن **عليّ**ؑ قال: قال رسول اللّهؐ قراءة القرآن في الصلاة افضل من قراءة القرآن في غير الصلاة وقراءة القرآن في غير الصلاة أفضل من ذكر اللّه وذكر اللّه تعالى أفضل من الصّدقة والصّدقة أفضل من الصيام والصيام جنّة من النار.

۵۰ ۲۵۶۱۲ (۵۰) وفيه ۱۱۶ قالؐ: من استمع آية من القرآن خيرٌ له من ثبير ذهب[۱]، والثبير اسم جبل عظيم باليمن (۵۱) وفيه ۱۱۶ قال عليّؑ: ليكن كلّ كلامكم ذكر اللّه وقراءة القرآن فانّ رسول اللّهؐ سُئِلَ أيّ الأعمال أفضل عند اللّه؟ قال: قراءة القرآن وأنت تموت ولسانك رطب من ذكر اللّه تعالى.

۵۱ ۲۵۶۱۳ (۵۱) **كافي** ۶۱۳/۲: (أبو علي الأشعريّ عن محمد بن عبدالجبّار ومحمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعاً عن علي بن حديد معلّق) عن **منصور** عن أبي عبداللّهؑ قال: سمعت أبيؑ يقول: قال رسول اللّهؐ ختم القرآن إلى (ربى خ) حيث تعلم[۲].

۵۲ ۲۵۶۱۴ (۵۲) **كافي** ۶۰۵/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه وعليّ بن محمد القاساني جميعاً عن القاسم بن محمد، **المعاني** ۱۹۰: أبيؒ قال: حدّثنا سعد بن عبداللّه عن القاسم بن محمد (الاصبهاني ـ المعاني) عن سليمان بن داود (المنقري ـ معاني) عن سفيان بن عيينة عن **الزّهري** قال: قلت لعلي بن الحسينؑ أيّ الأعمال أفضل قال: الحالّ المرتحل، قلت: وما الحالّ المرتحل؟ قال: فتح القرآن وختمه كلّما جاء[۳] بأوّله ارتحل في آخره و(قال ـ الكافي) قال رسول اللّهؐ: من أعطاه اللّه القرآن فرأى أنّ رجلاً[۴] (شيئاً ـ معاني) أفضل ممّا أعطى فقد صغّر عظيماً وعظّم صغيراً.

---

۱. ثبير ـ كامير جبل بمكة (مجمع) ذهبا ـ خ.

۲. أي ختمه في حقك ان تقرء كلّ ما تعلم منه.

۳. حل في أوّله ـ معاني.

۴. أحداً ـ معاني.

و شیعهٔ ما اگر ساکت باشد [و قرآن نخواند] پاداش کسی را دارد که قرآن می‌خواند و مذهبش مخالف مذهب او است. به خدا قسم شما بر روی بسترتان خواب باشید پاداش مجاهدان را خواهید داشت و به خدا سوگند شما چون به نماز می‌ایستید پاداش کسانی را دارید که در راه [جهاد] فی سبیل الله صف کشیده‌اند و شما به خداوند قسم، همان کسانی هستید که خداوند بزرگ [در حق آنان] فرموده است: «**هر چه کینه در دل‌شان بود، کَندیم و آن‌ها به صورت برادر، روبروی یکدیگر بر روی تخت‌ها نشسته‌اند.**» آری فقط شیعیان ما هستند که دارای چهار چشم هستند: دو چشم در سر و دو چشم در دل، بله همهٔ مردم این چنین هستند جز این که خداوند چشم سرشان را باز کرده است ولی چشم بصیرت‌شان را کور نموده است.»

۴۹ (۴۹) در کتاب جامع الاخبار از علیؑ روایت شده است که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرموده است: خواندن قرآن در نماز بهتر است از خواندن آن در غیر نماز و خواندن قرآن در غیر نماز بهتر است از ذکر خدا گفتن و ذکر خدا گفتن بهتر است از صدقه دادن و صدقه دادن بهتر است از روزه گرفتن و روزه گرفتن سپری است از آتش [دوزخ].»

۵۰ (۵۰) در همان کتاب [جامع الاخبار] آمده است: «[علیؑ] فرموده است: کسی که یک آیه از قرآن را گوش بدهد، برایش بهتر است از «ثبیر» که از طلا باشد و «ثبیر» نام کوه بزرگی است در یمن.» و در همان کتاب آمده است که علیؑ فرموده است: باید همهٔ حرف و حدیث‌های شما، ذکر خدا و خواندن قرآن باشد. از پیامبر خدا پرسیدند: کدام عمل پیش خداوند از همهٔ اعمال بهتر است؟ حضرت فرمود: خواندن قرآن و اینکه وقتی می‌میری زبانت با ذکر خدا، تر باشد.»

۵۱ (۵۱) منصور از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «شنیدم پدرم را که می‌گفت: پیامبر خداﷺ فرموده است: یک ختم قرآن تا همان جایی است که یاد داری [و می‌توانی بخوانی. پس هر مقدار از قرآن را که یادگرفته‌ای بخوانی، مثل این است که یک ختم قرآن کرده‌ای.]»

۵۲ (۵۲) زُهری نقل کرده است که به علی بن حسینؑ گفتم: «چه عملی از همهٔ اعمال بهتر است؟ فرمود: فرود آیندهٔ کوچ کننده. راوی گوید: از حضرت پرسیدم: فرود آیندهٔ کوچ کننده چیست؟ فرمود: شروع کردن به خواندن قرآن و به پایان رساندن آن. هر گاه از ابتدای قرآن شروع به خواندن می‌کند [و در آغاز قرآن فرود می‌آید] به سمت آخر قرآن کوچ می‌کند. پیامبر خداﷺ فرموده است: به کسی که خداوند قرآن داده است در عین حال می‌پندارد که به انسانی بهتر از آنچه که به او داده‌اند، داده شده است، به یقین، بزرگی را کوچک دانسته و کوچکی را بزرگ شمرده است.»

٥٣ (۵۳) **مستدرك** ۲۶۳/۴: ابن أبي جمهور في درر اللئالي عن **[زرارة]** بن أوفى قال انّ رجلاً
٢٥٦١٥
قام إلى النّبيّ ﷺ فقال: يا رسول اللّه أيّ العمل أحبّ إلى اللّه؟ فقال: الحالّ المرتحل فقال: يارسول اللّه وما الحالّ المرتحل؟ قال: صاحب القرآن يضرب من أوّله إلى آخره ومن آخره إلى أوّله كلّما حلّ ارتحل.

٥٤ (۵۴) **الثواب** ۱۲۷: أبي ﷺ قال: حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن أبي عبداللّه
٢٥٦١٦
البرقي قال: حدّثني الحسين بن يزيد النوفلي عن **[السكوني]** عن أبي عبداللّه ﷺ قال: قيل يا رسول اللّه أيّ الرجال خير؟ قال: الحالّ المرتحل قيل يا رسول اللّه وما الحالّ المرتحل؟ قال: الفاتح الخاتم الذي يفتح القرآن ويختمه فله عند اللّه دعوة مستجابة **وسائل** ۱۸۹/۶: ورواه **الرضي** في (المجازات النبوية) مثله إلى قوله الفاتح الخاتم **مستدرك** ۲۶۰/۴: الشيخ **[جعفر** بن أحمد] القمي في كتاب الغايات سئل رسول اللّه ﷺ أيّ الناس خير (وذكر نحوه).

٥٥ (۵۵) **العوالي** ۱۴۷/۱: قال ﷺ انّما مثل القرآن مثل صاحب الابل المعقلة ان عاهدها
٢٥٦١٧
أمسكها (ان عقلها صاحبها حبسها خ) وان اطلقها ذهبت.

٥٦ (۵۶) **الجعفريات** ۳۱: بإسناده عن **عليّ** ﷺ قال: قال رسول اللّه ﷺ: قارئ القرآن والمستمع
٢٥٦١٨
في الاجر سواء.

٥٧ (۵۷) **مستدرك** ۲۶۱/۴: تفسير العسكري ﷺ عن **أمير المؤمنين** ﷺ في خبر يأتي في فضل
٢٥٦١٩
فاتحة الكتاب إلى أن قال: ومن استمع قارياً يقرئها كان له قدر ثلث ما للقارئ فليستكثر أحدكم من هذا الخير المعرض لكم فانّه غنيمة فلا تذهبنّ أوانه فتبقى في قلوبكم الحسرة.

٥٨ (۵۸) **مستدرك** ۲۶۲/۴: الشيخ **أبوالفتوح** [الرازي] في تفسيره عن رسول اللّه ﷺ انّه قال
٢٥٦٢٠
في حديث يدفع عن مستمع القرآن شرّ الدنيا ويدفع عن تالي القرآن بلوى الآخرة ولمستمع آية من كتاب اللّه خير من ثبير ذهباً ولتالي آية من كتاب اللّه خيرٌ ممّا تحت العرش إلى تخوم الأرض السفلى.

(۵۳) زرارة بن اوفی گفته است: «مردی به پا خاست و از پیامبرﷺ پرسید: ای پیامبر خدا! کدام عمل است که خداوند آن را بیشتر از هر عمل دیگری دوست دارد. حضرت فرمود: فرود آیندهٔ کوچ کننده. ۵۳

آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! فرود آیندهٔ کوچ کننده چیست؟

فرمود: قاری قرآن که از اوّل قرآن وارد می‌شود از آخر آن خارج می‌شود و از آخر آن کوچ می‌کند و به اوّل قرآن فرود می‌آید [آری پیوسته] هرگاه فرود می‌آید، کوچ می‌کند [یعنی همیشه قرآن را دوره می‌کند.]»

(۵۴) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «سؤال شد: ای پیامبر خدا! بهترین مرد کیست؟ حضرت فرمود: فرود آیندهٔ کوچ کننده. گفته شد: ای پیامبر خدا! فرود آیندهٔ کوچ کننده کیست؟ فرمود: آغاز کنندهٔ به پایان رساننده، قرآن را شروع می‌کند و آن را تا آخر می‌خواند. پس او یک دعای مستجاب در نزد خداوند خواهد داشت.» ۵۴

این حدیث شریف در کتاب «المجازات النبویة» و «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» و کتاب «الغایات» شیخ جعفر بن احمد قمی نیز ذکر شده است.

(۵۵) در کتاب عوالی آمده است: «پیامبر خداﷺ فرمود: قاری قرآن مثل صاحب شتری است که شترش را عقال می‌کند و زانوبند بر زانویش می‌زند. اگر زانوبند بر آن زند، آن را نگاه می‌دارد و اگر آن را رها کند شتر، خواهد رفت.» ۵۵

[کنایه از این است که قرآن کریم برای خواننده‌اش به مثابه زانوبند شتر است که او را از طغیان و فرار از بندگی نگاه می‌دارد و او را کنترل می‌کند.]

(۵۶) در کتاب الجعفریات به صورت مستند از علیؑ ذکر شده است که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که قرآن می‌خواند با کسی که گوش می‌دهد در پاداش، یکسان است.» ۵۶

(۵۷) در تفسیر امام حسن عسکریؑ از امیر المؤمنینؑ نقل شده است که آن حضرت در یک حدیثی در باب فضیلت سوره حمد که خواهد آمد فرموده است: «هر کس به قاری «سورهٔ حمد» گوش فرا دهد، یک سوّم قاری، پاداش داد خواهد داشت. ۵۷

پس باید از این خیر که در دسترس شما قرار گرفته است، زیاد استفاده کنید چرا که این یک فرصتی است، باید آن را مغتنم شمرد و مبادا، زمان آن بگذرد و حسرت و افسوس آن در دل‌هایتان باقی بماند.»

(۵۸) شیخ ابو الفتوح رازی در تفسیرش از رسول خداﷺ نقل کرده است که آن حضرت در حدیثی فرموده است: «از کسی که قرآن گوش می‌دهد، بدیِ دنیا، دور می‌شود و از کسی که قرآن می‌خواند، گرفتاری آخرت دفع می‌شود و برای گوش دهنده به یک آیه از کتاب خداوند پاداشی است بهتر از [کوه] «ثبیر» که از طلا باشد و خواندن یک آیه از کتاب خداوند بهتر است از آنچه که در میان عرش و پست‌ترین نقطهٔ زمین واقع شده است.» ۵۸

۵۹ ۲۵۶۲۱ (۵۹) فقيه ۲۸۵/۴: **مجمع البيان** ۱۶/۱: روى [**عبدالله** بن عبّاس] عن رسول اللّهﷺ انّه قال: اشراف أُمّتى حملة القرآن وأصحاب اللّيل ـ المعاني ۱۷۸ ـ الخصال ۷ ـ حدّثنا أبوالحسن محمد بن أحمد (بن علي ـ خصال) بن أسد الأسدي قال: حدّثنا (عثمان بن ـ معاني) عمر بن أبي غيلان الثقفي وعيسى بن سليمان بن عبدالملك القرشي قالا: حدّثنا أبو إبراهيم الترجماني قال: حدّثنا سعد بن سعيد الجرجاني قال: حدّثنا نهشل[۱] بن سعيد عن الضّحاك عن **ابن عبّاس** مثله.

۶۰ ۲۵۶۲۲ (۶۰) **كافي** ۶۰۶/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن [**السكوني**] عن أبي عبداللّهﷺ قال: قال رسول اللّهﷺ: حملة القرآن عرفاء أهل الجنّة والمجتهدون قوّاد أهل الجنّة والرسل سادة أهل الجنّة.

۶۱ ۲۵۶۲۳ (۶۱) **الخصال** ۲۸، **المعاني** ۳۲۳: أبو الحسن محمد بن أحمد بن علي (بن أسد ـ الخصال ۲۸) الأسدي قال: حدّثنا أبي وعلي بن العبّاس البجليّ والحسن بن علي بن النصر الطوسي قالوا: حدّثنا محمد بن عبدالرحمن بن غزوان قال: حدّثنا أبوسنان العابدي قال: حدّثنا صفوان بن سليم عن عطاء بن يسار (بشّار ـ معاني) مجمع البيان ۱۶/۱: عطاء عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول اللّهﷺ: حملة القرآن عرفاء أهل الجنّة (يوم القيامة ـ مجمع البيان) **مستدرك** ۲۴۳/۴: السيّد فضل اللّه [الراوندي] في نوادره باسناده عن موسى بن جعفر عن آبائهﷺ عن رسول اللّهﷺ مثله.

۶۲ ۲۵۶۲۴ (۶۲) **مستدرك** ۲۴۴/۴: الشيخ **أبوالفتوح** في تفسيره عن رسول اللّهﷺ أنّه قال: حملة القرآن هم المحفوفون برحمة اللّه الملبّسون نور اللّه المعلّمون كلام اللّه من عاداهم فقد عادى اللّه ومن والاهم فقد والى اللّه الخبر.

۶۳ ۲۵۶۲۵ (۶۳) وفيه ۲۴۵: عن **أبي سعيد** الخدري قال: قال رسول اللّهﷺ: يوضع يوم القيامة منابر من نور و عند كلّ منبر نجيب من نجب الجنّة ثمّ ينادي مناد مِن قبل ربّ العزّة أين حملة كتاب اللّه اجلسوا على هذه المنابر فلا خوف عليكم ولا أنتم تحزنون حتّى يفرغ اللّه تعالى من حساب الخلايق ثمّ اركبوا على هذه النجب واذهبوا إلى الجنّة.

---

۱. سهل بن سعيد ـ بعض نسخ معاني.

(۵۹) عبدالله بن عبّاس از پیامبر خداﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «شریف‌ترین‌های امّت ۵۹
من، حافظان قرآن و شب زنده داران هستند.»

در کتاب المعانی و الخصال نیز این حدیث با سندهای دیگر ذکر شده است.

(۶۰) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمودند: «پیامبر خداﷺ فرموده است: ۶۰
حافظان قرآن، عارفان اهل بهشت هستند و تلاش کنندگان [در راه خدا]، رهبران اهل بهشت هستند و پیامبران، سروران اهل بهشت می‌باشند.»

(۶۱) در کتاب الخصال و تفسیر مجمع البیان و مستدرک و نوادر راوندی نقل شده است که ۶۱
پیامبرﷺ فرمود: «حاملان و حافظان قرآن، عارفان اهل بهشت هستند.»

(۶۲) شیخ ابو الفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خداﷺ نقل کرده است که آن [بزرگوار] فرموده ۶۲
است: «رحمت الهی، همهٔ وجود حاملان قرآن را فرا گرفته است و لباس نور خداوند بر آن‌ها پوشانیده شده است. هر کس با آن‌ها دشمنی کند، به یقین با خداوند دشمنی کرده است و هر کس آن‌ها را دوست داشته باشد، در حقیقت خدا را دوست داشته است.»

(۶۳) ابو سعید خدری از پیامبرﷺ روایت کرده است که حضرت فرمودند: «روز قیامت منبرهایی از ۶۳
نور گذاشته می‌شود و در کنار هر منبر، اسبی از اسب‌های نیکوی بهشتی قرار دارد. آنگاه هاتفی از طرف پروردگار عزّت صدا می‌زند: حاملان و حافظان کتاب خداوند کجا هستند؟ بر این منبرها بنشینید.

پس شما را نه ترسی [بعد از این] خواهد بود و نه اندوهی به شما راه خواهد یافت. [همین جا بنشینید] تا خداوند بلند مرتبه از حساب همهٔ مردم، فارغ شود. سپس شما بر این اسب‌های نیکو، سوار شوید و به بهشت بروید.»

٦٤ ٢٥٦٢٦ (۶۴) **أمالي الطوسي** ٥٣٥ (بالاسناد المتقدّم في باب (١) فضل الصلاة عن [**أبي ذر**] في حديث وصيّة النبيّ ﷺ له) يا أبا ذرّ انّ من اجلال اللّه اكرام العلم والعلماء وذي الشيبة المسلم واكرام حملة القرآن وأهله واكرام السلطان المقسط.

٦٥ ٢٥٦٢٧ (۶۵) **تفسير الحسن العسكري** عليه السلام ١٣: عن **النبيّ** ﷺ قال: حملة القرآن المخصوصون برحمة اللّه الملبّسون نور اللّه المعلّمون كلام اللّه المقرّبون عنداللّه من والاهم فقد والى اللّه ومن عاداهم فقد عادى اللّه ويدفع اللّه عن مستمع القرآن بلوى الدنيا وعن قارئه بلوى الآخرة والذي نفس محمد بيده لسامع آية من كتاب اللّه وهو معتقد أنّ المورد له عن اللّه تعالى محمّد الصادق فى كلّ أقواله الحكيم في كل أفعاله المودع ما أودعه اللّه تعالىٰ من علومه أمير المؤمنين عليّاً عليه السلام المعتقد للانقياد له في ما يأمر ويرسم (إلى أن قال) أعظم أجراً من ثبير ذهب يتصدّق به من لا يعتقد هذه الأمور بل [تكون] صدقته وبالاً عليه ولقارئ آية من كتاب اللّه معتقداً لهذه الأمور أفضل ممّا دون العرش إلى أسفل التخوم.

٦٦ ٢٥٦٢٨ (۶۶) **كافي** ٦٠٣/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن الحسن بن أبي الحسين الفارسي **الثواب** ١٢٥: أبي رحمه الله قال: حدّثني أحمد بن إدريس قال: حدّثني محمد بن أحمد قال: حدّثني أبو إسحاق إبراهيم بن هاشم عن الحسن بن أبي الحسن الفارسي عن سليمان بن جعفر الجعفري عن **السكوني**[١] عن أبي عبداللّه[٢] (عن أبيه ـ ثواب) عليه السلام قال: قال رسول اللّه ﷺ: انّ أهل القرآن في أعلى درجة من الآدميّين ما خلا النبيّين والمرسلين فلا تستضعفوا أهل القرآن (و ـ ثواب) حقوقهم فانّ لهم من اللّه (العزيز الجبّار ـ الكافي) لمكاناً (عليّاً ـ الكافي).

٦٧ ٢٥٦٢٩ (۶۷) **مجمع البيان** ١٥/١: **أنس** بن مالك عن النبيّ ﷺ قال: أهل القرآن هم أهل اللّه وخاصّته.

٦٨ ٢٥٦٣٠ (۶۸) **مستدرك** ٢٤٦/۴: **ابن أبي جمهور** فى درر اللئالي عن النبيّ ﷺ قال: تعلّموا القرآن فانّ مَثَلَ حامل القرآن كَمَثَلِ رجل حمل جراباً مملوّاً مسكاً إن فتحه فتح طيباً وإن أوعاه أوعاه طيباً.

---

١. إسماعيل بن أبي زياد ـ ثواب. ٢. جعفر بن محمد ـ ثواب.

۶۴ (۶۴) ابوذر در ضمن سفارش‌هایی که پیامبرﷺ به او کرد، نقل کرده است: «ای ابوذر! یکی از [نشانه‌های] جلالت و شکوه خداوند این است که علم و صاحبان علم را و مسلمان ریش‌سفید را گرامی داشته است و [همچنین] برای حاملان قرآن و اهل قرآن و پادشاه دادگر، احترام خاصّی گذاشته است.

۶۵ (۶۵) در تفسیر امام حسن عسکریؑ از پیامبر خداﷺ نقل شده است که حضرت فرمود: «حاملان قرآن [را پاداش‌های ویژه‌ای است] رحمت الهی به نحو مخصوص آن‌ها را شامل می‌شود، در کسوت نور خداوند در می‌آیند، کلام خدا به آن‌ها تعلیم می‌شود، مقرّب درگاه الهی خواهند بود، هر کس آن‌ها را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هر کس با آن‌ها دشمنی کند با خداوند دشمنی کرده است و خداوند از گوش دهنده به قرآن، بلای دنیا و از خوانندهٔ آن، بلای آخرت را دور خواهد کرد. سوگند به کسی که جان محمّدﷺ در دست او است. کسی که گوش دهد به یک آیه از کتاب خداوند، با اعتقاد به این که آورندهٔ آن از جانب خدای متعالی [یعنی] حضرت محمّدﷺ در همهٔ سخنانش راستگو است و در همهٔ کارهایش حکیم است [و کار لغو و باطلی انجام نمی‌دهد] و آن علومی را که خداوند متعال به او داده است، همه را به امیر المؤمنین علیؑ منتقل کرده است و معتقد باشد که باید منقاد و مطیع علیؑ باشد در هر چه آن حضرت امر می‌کند و ترسیم می‌کند (تا آنجا که حضرت فرمود) [این شخص] پاداشش بیشتر است از کسی که به این امور معتقد نباشد و به اندازهٔ کوه «ثبیر» طلا در راه خدا صدقه بدهد بلکه صدقهٔ این شخص مایهٔ وزر و وبال او خواهد بود و کسی که یک آیه از کتاب خدا را با همین اعتقادات مذکور بخواند، از آنچه که در فاصلهٔ بین عرش تا پایین زمین وجود دارد، بهتر است»

۶۶ (۶۶) ابو الحسین فارسی و سکونی هر دو از امام صادقؑ روایت کرده‌اند که آن حضرت (از پدر بزرگوارش ـ ثواب الاعمال) نقل کرده است که فرمود: پیامبر خداﷺ فرموده است: درجه اهل قرآن، [کسانی که قرآن می‌خوانند و به آن عمل می‌کنند و فکر و ذکرشان قرآن است] در میان آدمیان به غیر از پیامبران و رسولان از همه بالاتر است. پس حقوق اهل قرآن را کوچک نشمارید چرا که آن‌ها را در پیشگاه خداوند با عزّت و جبروت، مقام و مرتبهٔ بلندی است.»

۶۷ (۶۷) انس بن مالک از پیامبرﷺ روایت کرده است که فرمود: «اهل قرآن، اهل خدا و خاصّان درگاه او هستند.»

۶۸ (۶۸) ابن ابی جمهور در کتاب درر اللئالی از پیامبرﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرموده است: «قرآن را یاد بگیرید که مَثَل حامل قرآن، مَثَل مردی است که کیسه‌ای پر از مُشک بر دوش می‌کشد. اگر آن را بگشاید، بوی خوشی را گشوده است و اگر آن را در درون ظرف نگهداری کند، خوشبویی را نگهداری کرده است.»

٦٩ ٢٥٦٣١ (٦٩) **مستدرك** ۲۳۶/۴: السيّد **مرتضى** في الغرر والدرر عن القاسم بن سلام عن النبيّ ﷺ انّه قال: لاينبغي لحامل القرآن أن يظنّ انّ أحداً أعطى أفضل ممّا اعطى لأنّه لو ملك الدنيا بأسرها لكان القرآن أفضل ممّا ملكه.

٧٠ ٢٥٦٣٢ (٧٠) **مستدرك** ۲۳۳/۴: جامع الأخبار ۱۳۰: عن **مكحول** قال: جاء أبو ذرّ إلى النبيّ ﷺ فقال: يا رسول اللّه انّي اخاف أن أتعلّم القرآن ولا أعمل به فقال رسول اللّه ﷺ: لا يعذب اللّه قلباً أسكنه القرآن.

٧١ ٢٥٦٣٣ (٧١) وعن **عقبة** بن عامر الجهني انّ النبيّ ﷺ قال: لوكان القرآن في اهاب ما مسّته النّار.

٧٢ ٢٥٦٣٤ (٧٢) **مستدرك** ۲۳۷/۴: الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن **شهربن** حوشب قال: قال رسول اللّه ﷺ فضل القرآن على ساير الكلام كفضل اللّه علىٰ خلقه.

٧٣ ٢٥٦٣٥ (٧٣) **الجعفريّات** ۱۷۳: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالب ﷺ قال: قال رسول اللّه ﷺ العبد المملوك إذا أحسن القرآن فعلى سيّده أن يرفق به ويحسن صحبته.

٧٤ ٢٥٦٣٦ (٧٤) **منية المريد** ۱۹۰: عن [**أبي عبدالرّحمن**] السلمي قال: حدّثنا من كان يقرئنا من الصحابة أنّهم كانوا يأخذون من رسول اللّه ﷺ عشر آيات فلا يأخذون في الشعر الأُخرى حتّى يعلموا ما في هذه من العلم والعمل.

٧٥ ٢٥٦٣٧ (٧٥) **مستدرك** ۲۳۶/۴: كتاب عاصم بن حميد الحنّاط عن أبي بصير قال: حدّثني عمرو بن سعيد بن هلال قال: حدّثنا [عبدالملك] بن أبي ذرّ قال: لقيني أمير المؤمنين ﷺ يوم مزّق عثمان المصاحف فقال: ادع لي أباك فجاء إليه مسرعاً فقال: يا أبا ذرّ أتى اليوم في الإسلام أمر عظيم مزّق كتاب اللّه ووضع فيه الحديد وحقّ على اللّه أن يسلّط الحديد على من مزّق كتاب اللّه بالحديد الخبر.

وتقدّم في باب (۲) حجّيّة ظواهر الكتاب من أبواب المقدّمات (ج ۱) ما يناسب ذلك فراجع.

۶۹ (۶۹) قاسم بن سلام از پیامبرﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود: «شایستهٔ حامل قرآن نیست که خیال کند به احدی چیزی داده شده است که بهتر است از آنچه که به او داده شده است چرا که او اگر مالک همهٔ دنیا شود، باز هم قطعاً قرآن از آنچه که او به ملکیّت خود درآورده، برتر است.»

۷۰ (۷۰) مکحول نقل کرده است که: «ابوذر﵁ به خدمت پیامبرﷺ شرفیاب شد و گفت: ای پیامبر خدا! من می‌ترسم قرآن را یاد بگیرم مبادا نتوانم به آن عمل کنم. حضرت رسولﷺ فرمود: خداوند دلی را که مسکن قرآن کرده است، عذاب نمی‌کند.»

۷۱ (۷۱) عقبة بن عامر جهنی از پیامبرﷺ روایت کرده است که فرمود: «اگر قرآن در یک پوستی باشد، آتش (دوزخ) به آن نمی‌رسد.»

۷۲ (۷۲) شهر بن حوشب گوید: «پیامبر خداﷺ فرمود: برتری قرآن بر دیگر سخنان مثل برتری خداوند است بر آفریدگانش.»

۷۳ (۷۳) در کتاب الجعفریات به صورت مستند از علی بن ابی طالب﵇ نقل شده است که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: «برده‌ای که مِلک دیگری است اگر با خواندن قرآن به خوبی آشناست، بر مالک او لازم است که با او سازگار باشد و به نیکی با او معاشرت نماید.»

۷۴ (۷۴) ابی عبد الرحمن سلمی [آنگونه که شهید ثانی در منیة المرید آورده است] گفت: «اصحاب پیامبرﷺ که برای ما قرآن قرائت می‌کردند [تا ما یاد بگیریم] می‌گفتند: آن‌ها قرآن را ده آیه ده آیه از پیامبر خداﷺ فرا می‌گرفتند و تا مفهوم و محتوای علمی و عملی ده آیهٔ اوّل را خوب نـمی‌فهمیدند برای فرا گرفتن ده آیهٔ دیگر اقدام نمی‌کردند.»

۷۵ (۷۵) عبد الملک بن أبی ذر گوید: «روزی که عثمان، قرآن‌ها را پاره کرد، امیر المؤمنین علی﵇ مرا دید و فرمود: به پدرت بگو پیش من بیاید پس [ابوذر] به سرعت پیش آن حضرت آمد: حضرت فرمود: ای ابوذر! امروز [مصیبت] بزرگی بر اسلام وارد شد، کتاب خدا پاره پاره شد و [سلاح] آهنین در آن فرود آمد [و با چاقو و خنجر قرآن‌هایی که بر پوست‌ها نوشته شده بود پاره پاره کردند] و این حقّ خداوند است که مسلّط کند سلاح آهنین را بر کسی که قرآن را با سلاح آهنی پاره پاره کرد.»

ارجاعات

گذشت:

در جلد یک باب حجیّت ظواهر کتاب، روایتی ذکر شد که مشابه این روایت است پس مراجعه کن.

وفي رواية معاوية (۲۹) من باب (۱۰) عدد الركعات من أبواب فـضل الصـلاة (ج ۴) قوله ﷺ لعليّ ؑ: وعليك بتلاوة القرآن علىٰ كلّ حال.

وفي رواية جابر (۲۳) من باب (۲) استحباب الاختلاف إلى المسـاجد مـن أبـوابـها قوله ﷺ: يجيء يوم القيامة ثلاثة يشكون، المصحف والمسجد والعترة يقول المصحف ياربّ حرّفوني ومزّقوني.

وفي رواية الأزدي (۷) من باب (۱۰) فضل بناء المسجد قوله ألا أدلّك على ما هو خير من الجهاد تبني مسجداً فتعلّم فيه القرآن والفقه والدّين.

وفي رواية ابن سنان (۸) من باب (۱) وجوب استقبال القبلة في صلاة قوله ﷺ: انّ للّه عزّ وجلّ حرمات ثلاثاً ليس مثلهنّ شيء كتابه وهو حكمته ونوره.

وفي رواية ابن أبي جمهور (۲۷) من باب (۲) فضل الاذان من أبوابه قوله ﷺ: ثلاثة على كثبان المسك يوم القيامة رجل قرء كتاب اللّه وامّ للّه قوماً وهم به راضون.

وفـي رواية عبداللّه (۳۴) قوله ﷺ ثلاثة لا يبالون بالحساب ولا يخافون القيمة والفزع الأكبر رجل تعلّم القرآن وحفظه وعمل به فانّه يأتي اللّه سيّداً شريفاً.

وفي أحاديث باب (۱۶) استحباب قراءة القرآن في الصلاة من أبواب القراءة مـا يـدلّ على فضل قراءة القرآن في الصلاة وغيرها.

وفي أحاديث باب (۹) ساير ما يستحبّ أن يقال في دبر كلّ صلاة من أبواب التعقيب ما يدلّ على استحباب قراءة القرآن بعد كلّ صلاة.

وفي رواية معمّر بن خلاّد (۱) من باب (۱۵) انّه يستحبّ للمصلّي إذا أصبح أن يقرء بعد التعقيب خمسين آية. قوله ؑ: ينبغي للرّجل إذا أصبح أن يقرء بعد التعقيب خمسين آية.

وفي رواية فقيه (۵۹) من باب (۱) فضل الجماعة من أبوابها قوله: فإذا نظر إلى الشيب ناقلي أقدامهم إلى الصلوات والولدان يتعلّمون القرآن رحمهم اللّه تـعالى فأخّـر ذلك (أي العذاب) عنهم.

و در روایت بیست و نهم از باب دهم فرموده پیامبرﷺ خطاب به علیؑ که: «بر تو باد خواندن قرآن در هر حال.»

و در روایت بیست و سوم از باب دوم فرموده پیامبرﷺ که: «در روز قیامت سه کس شکایت می‌کنند: قرآن، مسجد و ذریّهٔ پیامبرﷺ. قرآن می‌گوید: ای پروردگار! مرا تحریف کردند و پاره پاره کردند.»

و در روایت هفتم از باب دهم این گفته که: «آیا تو را به کاری راهنمایی نکنم که از جهاد، بهتر است؟ [آن کار این است که] مسجدی بسازی که مرکز آموزش قرآن و یاد گرفتن تکالیف شرعی و دین‌شناسی باشد.»

و در روایت هشتم از باب یکم فرموده امام معصومؑ که: «خداوند برای سه چیز چنان حرمت و احترامی قائل شده است که برای هیچ چیز دیگر همانند آن‌ها احترام نگذاشته است: یکی کتابش که حکمت و نور اوست.»

و در روایت بیست و هفتم از باب دوم فرموده پیامبرﷺ موجود که: «سه شخص در روز قیامت بر روی تپه‌ای از مُشک خواهند بود: یکی، مردی که قرآن می‌خواند و پیش نماز عدّه‌ای از مردم شده است که آن‌ها او را قبول دارند. [و با طیب خاطر و اطمینان به عدالت او، اقتدا می‌کنند.]»

و در روایت سی و چهارم فرموده رسول اللهﷺ که: «سه شخص از حساب (روز قیامت) باکی ندارند و از قیامت و هول و هراس آن که بزرگترین هول و هراس است، نترسند: یکی شخصی که قرآن را یاد بگیرد و آن را در خاطر بسپارد و به آن عمل کند. این چنین شخصی در قیامت به صورت سرور محترمی خواهد آمد.»

و در ضمن روایات باب شانزدهم از باب‌های قرائت، راجع به قرائت قرآن در نماز، روایاتی بود که دلالت داشتند بر این نکته که خواندن قرآن چه در نماز و چه در غیر نماز فضیلت و ثواب فراوانی دارد.

و در روایات باب نهم از باب‌های تعقیب آنچه که دلالت می‌کند بر اینکه مستحب است بعد از هر نماز، قرآن خوانده شود.

و در روایت یکم از باب پانزدهم فرموده امام معصومؑ که: «شایسته است مؤمن در هر سحرگاه بعد از تعقیبات نماز، پنجاه آیه بخواند.»

و در روایت پنجاه و نهم از باب یکم این گفته که: «وقتی خداوند نگاه می‌کند به پیرمردانی که برای رفتن به نمازها[ی جماعت، به سوی مسجد] گام بر می‌دارند و نگاه می‌کند به فرزندان [و کودکان] که قرآن یاد می‌گیرند، رحمت خویش بر آن‌ها بگستراند و عذاب را از آن‌ها به تأخیر اندازد.»

وفي أحاديث باب (۴۲) عدم جواز القراءة خلف من يقتدى ما يدلّ على الانصات عند قراءة القرآن.

وفي كثير من أحاديث أبواب النوافل والصلوات المندوبات في الأيّام والليالي ما يدلّ على استحباب إكثار قراءة القرآن.

وفي رواية الجعفريات (۳) من باب (۲) ماورد من النهي عن قول رمضان من أبواب فضل شهر رمضان قوله ﷺ: ولا يسمّى المصحف مصيحف.

وفي رواية الطريحي (۲۴) من باب (۸۳) البكاء لما أصاب أهل البيت من أبواب زيارة المعصومين ﷺ قوله تعالى فضّلتهم (أي أُمّة محمّد ﷺ) لعشر خصال (إلى أن قال تعالى) والقرآن والعلم.

وفي رواية الجعفريات (۳۸) من باب (۱) فضل الجهاد قوله ﷺ: حملة القرآن عرفاء أهل الجنّة.

وفي رواية حمران (۳۳) من باب (۱۲) جملة من الخصال المحرّمة من أبواب جهاد النفس قوله ﷺ: ورأيت القرآن قد ثقل على الناس استماعه وخفّ على الناس استماع الباطل الخ.

وفي رواية جعفر (۶) من باب (۱۴) أوصاف شرار الناس قوله ﷺ: شراركم الّذين لايقرؤون القرآن إلّا هجراً.

وفي رواية الجعفريات (۲۳) من باب (۴۳) الحثّ على الجود قوله ﷺ: من أعظم اجلال اللّه تعالى اكرام حامل القرآن غير العادل فيه ولا الجافي عنه.

وفي رواية سالم (۴۸) قوله ﷺ: لا حسد إلّا في اثنتين رجل آتاه اللّه القرآن فهو يقوم به آناء اللّيل وآناء النهار.

وفي رواية الراوندي (۶۴) من باب (۴۷) كراهة الحرص على الدّنيا قوله ﷺ: أُولئك قوم اتّخذوا مساجد اللّه بساطاً وترابها فراشاً ومائها طهوراً والقرآن شعاراً.

و در روایات باب چهل و دوم آنچه دلالت می‌کند بر اینکه وقتی قرآن خوانده می‌شود باید سکوت کرد و به آن با دقّت گوش داد.

و در بسیاری از روایات مربوط به نمازهای نافله و نمازهای مستحبّ در روزها و شب‌ها [در هر ماه] روایاتی است که دلالت دارد بر این که: «مستحبّ است که [مؤمن] زیاد قرآن بخواند.»

و در روایت سوم از باب دوم از فضیلت ماه رمضان فرموده امام معصومؑ که: «نباید به قرآن گفته شود: قرآنک [با این قصد که او را حقیر کوچک شمارد].»

و در روایت بیست و چهارم از باب هشتاد و سوم از باب‌های زیارت معصومین معصومؑ این گفته که: «خداوند فرموده است: من امّت محمّدﷺ را [بر دیگر اُمَم] برتری داده‌ام به خاطر دارا بودن ده خصلت (و خصلت‌ها را بر می‌شمرد تا می‌رسد به اینجا) و چون که آن‌ها دارندهٔ قرآن و علم و دانش هستند.»

و در روایت سی و هشتم از باب یکم فرموده امام معصومؑ که: «حاملان قرآن، عارفان اهل بهشت هستند.»

و در روایت سی و سوم از باب دوازدهم از باب‌های جهاد با نفس فرموده امام معصومؑ که: «می‌بینم که گوش دادن به قرآن بر مردم سنگین و دشوار می‌آید و گوش دادن به باطل [و لهو و لعب] برایشان آسان [بلکه لذّت بخش] است.»

و در روایت ششم از باب چهاردهم فرموده پیامبرﷺ که: «بدترین‌های شما کسانی هستند که قرآن نمی‌خوانند مگر از روی بی میلی و بی رغبتی.»

و در روایت بیست و سوم از باب چهل و سوم فرموده امام معصومؑ که: «یکی از بزرگترین تجلیل‌های الهی این است که حامل قرآن را گرامی داشته است [مشروط به اینکه] چیزی را عِدلْ و برابر قرآن نداند و از آن کناره‌گیری نکند.»

و در روایت چهل و هشتم فرموده پیامبرﷺ که: «حسادت روا نباشد مگر نسبت به دو شخص: یکی از آن کس که خدایش [توفیق شناخت] قرآن داده است و او در همهٔ ساعات شب و روز به خواندن آن می‌پردازد.»

و در روایت شصت و چهارم از باب چهل و هفتم فرموده پیامبرﷺ که: «آنان [مؤمنان راستین] کسانی هستند که مسجد را خانه و زمینش را فرش و آبش را وسیلهٔ تطهیر خود قرار داده‌اند و قرآن را شعار خود ساخته‌اند.»

وفي رواية فقيه (۷) من باب (۵۷) مافرض على الجوارح قوله ﷺ: وعليك بقراءة القرآن العمل بما فيه ولزوم فرايضه وشرايعه وحلاله وحرامه وأمره ونهيه والتهجّد به وتلاوته في ليلك ونهارك فانّه عهد من اللّه تبارك وتعالى إلى خلقه فهو واجب على كلّ مسلم أن ينظر كلّ يوم في عهده ولو خمسين آية واعلم انّ درجات الجنّة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرء وارقَ فلايكون في الجنّة بعد النبيّين والصّدّيقين أرفع درجة منه.

وفي رواية المفضّل (۹) من باب (۶۴) مكارم الأخلاق قوله ﷺ: وعليكم بتلاوة القرآن فانّ درجات الجنّة على عدد آيات القرآن فإذاكان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرء وارقَ فكلّما قرء آية رقى درجة.

وفي رواية جامع الأخبار (۴۵) قوله ﷺ ويعرف المؤمن حرمة القرآن ويناجي الرّبّ (إلى أن قال) والقرآن حديثه.

وفي رواية الجعفريات (۵۶) قوله ﷺ ألا أخبركم بالفقيه كلّ الفقيه (إلى أن قال ﷺ) ومن لم يدَع القرآن رغبة إلىٰ غيره (إلى أن قال) ولا قراءة لا تدبّر فيها.

وفي رواية الشهيد (۸۳) قوله ﷺ: وطلبت الانس فوجدته في قراءة القرآن.

وفي أحاديث الباب التّالي ومايتلوه والأبواب الآتية ما تدلّ على ذلك فراجع.

و در روایت هفتم از باب پنجاه و هفتم فرموده معصوم‌ﷺ که: «بر تو باد خواندن قرآن و عمل کردن به محتوای آن و رعایت کردنَ حتمیِ واجبات و دستورات و حلال و حرام و امر و نهی آن و شب‌زنده‌داری کردن با قرآن و تلاوت آن در شب و روزت. چون قرآن پیمانی است از طرف خداوند متعال برای بندگانش و بر هر مسلمانی واجب است که [حدّاقل] روزی پنجاه آیه از آن را بخواند.

و بدان که مراتب و درجات بهشت به اندازهٔ آیات قرآن است، چون قیامت بر پا شود به قاری قرآن می‌گویند: بخوان و بالا برو و پس از پیامبران و صدّیقان کسی درجه‌اش بالاتر از درجهٔ او نخواهد بود.»

و در روایت نهم از باب شصت و چهارم فرموده امام معصوم‌ﷺ که: «بر شما باد خواندن قرآن [تا می‌توانید قرآن بخوانید] چون که درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است و چون روز قیامت فرا رسد به قاری قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا برو. پس هر گاه یک آیه می‌خواند، یک درجه بالا می‌رود.

و در روایت چهل و پنجم فرموده امام‌ﷺ که: «مؤمن است که احترام و عظمت قرآن را می‌شناسد و با پروردگار خود راز و نیاز می‌کند (تا اینجا که می‌فرماید) و قرآن، سخن او است [و از هدر دادن عمر به حرف‌های بی فایده پرهیز می‌کند و همیشه قرآن می‌خواند.]»

و در روایت پنجاه و ششم فرموده پیامبرﷺ که: «آیا خبر ندهم شما را به آن کس که یک فقیه کامل است (در ادامهٔ معرّفی فقیه کامل فرمود:) و کسی که قرآن را به خاطر تمایل و علاقه به چیز دیگر [خواه مال دنیا باشد یا علم دیگری باشد]، رها نمی‌کند (تا اینکه فرمود) کسی که در قرآن تدبّر نمی‌کند و نمی‌اندیشد [و فقط به صورت لقلقهٔ زبان می‌خواند] مثل این است که اصلاً قرآن نخوانده است.»

و در روایت هشتاد و سوم فرموده امام معصوم‌ﷺ که: «در جستجوی انس گرفتن [با انیس و مونسی] بودم، آن را در قرآن یافتم [و با او انس گرفتم.]»

و در روایات باب بعدی و باب‌های دیگر این کتاب، روایاتی است که بر همین [منظور] دلالت می‌کند. پس مراجعه کن.

وفي رواية السكوني (۲) من باب (۱۵) ماورد من الحثّ على اتّباع القرآن من أبـواب فضائل القرآن قوله ﷺ: فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن فـانّه شافع مشّفع وماحل مصدّق ومن جعله امامه قاده إلى الجنّة ومن جعله خلفه ساقه إلى النار الخ، ولاحظ سائر أحاديث الباب فانّها تدلّ على عظمة القرآن وفوائده.

وفي رواية عدّة الداعي (۳) من باب (۱۸) استحباب قراءة القرآن مع الطّهارة قوله لقارئ القرآن بكلّ حرف يقرء في الصلاة قائماً مأة حسنة وقاعداً خمسون حسنة ومتطهّراً في غير الصلاة خمس وعشرون حسنة وغير متطهّر عشر حسنات إلخ.

وفي أحاديث باب (۲۰) ماورد من الأدعية حين الشروع في قراءة القرآن ما يدلّ على عظمة القرآن ولزوم اتّباعه والتمسّك به.

وفي أحاديث باب (۲۲) فضائل سور القرآن ما يدلّ على ذلك فراجع.

وفي رواية أبي عمرو (۲۲۰) من هذا الباب قوله ﷺ: لاتدع من القرآن قصيره وطـويله ويجزيك من قراءة انّا أنزلناه يومك وليلك مأة مرّة.

وفي رواية عمرو (۱) من باب (۲۶) انّ حامل القرآن أحقّ الناس بالعمل به قوله ﷺ: من ختم القرآن فكأنّما أدرجت النبوّة بين جنبيه، وقوله ﷺ: من اُوتي القرآن فظنّ انّ أحداً مـن الناس اوتي أفضل ممّا اُوتي فقد عظّم ماحقّره اللّه وحقّر ما عظّمه اللّه.

وفي رواية يعقوب (۲) قوله: فتأتيه يوم القيامة في أحسن صورة وتسلّم عليه فيقول من أنت فتقول أنا سورة كذا وكذا فلو انّك تمسّكت بي وأخذت بي لأنزلتك هذه الدرجة فعليكم بالقرآن.

و در روایت دوم از باب پانزدهم از باب‌های فضائل قرآن فرموده امام معصومؑ که: «هر گاه فتنه‌های شبهه‌انگیز و به اشتباه اندازنده چون پاره‌های سیاه شب ظلمانی به شما روی آورد [و هرج و مرج اعتقادی و دینی و علمی شد] شما ملازم قرآن شوید [و از قرآن جدا نشوید] چون که قرآن، واسطه‌ای است [در درگاه الهی] که وساطتش مورد پذیرش قرار می‌گیرد و شاکی است که هر چه بر علیه کسی بگوید تصدیق می‌شود و هر کس او را پیش روی خود قرار دهد [و خود به دنبال آن و تابع آن باشد] قرآن او را به بهشت خواهد برد و هر کس او را به پشت سر افکند، قرآن او را به سوی آتش می‌راند. (تا پایان روایت) [همچنین] باقی احادیثی که در این باب است ملاحظه کن [تا به خوبی بفهمی] عظمت و آثار سودمند قرآن را.

و در روایت سوم از باب هجدهم این گفته که: در مقابل هر حرف که در نماز در حال ایستاده می‌خواند، صد حسنه می‌برد و در حال نشسته پنجاه حسنه و در غیر نماز، با وضو باشد بیست و پنج حسنه و بی وضو باشد دَه حسنه خواهد داشت (تا پایان حدیث).»

و در روایات باب بیستم آنچه دلالت می‌کند که: قرآن، بس عظیم است و باید از آن پیروی کرد و به او چنگ زد [تا هدایت و سعادت یافت.]

و در روایات باب بیست و دوم مطالبی است که بر همین منظور دلالت دارد مراجعه کن.

و در روایت دویست و بیستم از همین باب فرموده معصومؑ که: «مبادا قرآن را ترک کنی نه سوره‌های کوتاهش را و نه سوره‌های بلندش را و اگر در شبانه روز، صد بار سوره انّا انزلناه را بخوانی، تو را کافی است.»

و در روایت یکم از باب بیست و ششم فرموده معصومؑ که: «هر کس قرآن را ختم کند و از اوّل تا آخر آن را بخواند، گویی پیامبری در میان دو پهلویش، وارد شده است.»

و این سخن حضرت که: «به هر کس قرآن داده شود و [در عین حال] تصوّر کند که به احدی چیزی داده شده است که بهتر است از آنچه که به او داده شده است، به یقین آنچه را که خداوند، حقیر و کوچک دانسته است، او بزرگ شمرده است و آنچه را که خداوند، عظیم دانسته است او کوچک شمرده است.»

و در روایت دوم این گفته که: «قرآن در روز قیامت با زیباترین شکل و رخسار به پیش قاری قرآن می‌آید و به او سلام می‌کند [قاری] می‌پرسد: تو کیستی؟ [قرآن] می‌گوید: من فلان سوره و فلان سوره هستم، اگر به من چنگ می‌زدی و به من عمل می‌کردی تو را در این مرتبه [از بهشت] ساکن می‌کردم. پس ملازم قرآن باشید.»

وفي رواية عبيس (٣) قوله ﷺ فباولئك (أي قارئ القرآن) يـدفع اللّـه العـزيز الجـبّار البلايا وبأولئك يديل اللّه عزّ وجلّ من الأعداء وبأولئك ينزّل اللّه عزّ وجـلّ الغـيث مـن السماء الخ.

وفي رواية ابن المغيرة (١) من بـاب (٢٩) مـاورد فـي انّ مـن خـتم القـرآن وجـعله للمعصومين ﷺ قوله انّ أبي سأل جدّك ممّن ختم القرآن في كلّ ليلة (إلى أن قال) فكان أبي يختمه أربعين ختمة في شهر رمضان الخ.

وفي رواية الراوندي (٧) من باب (١) حرمة الاستكبار عن الدعاء من أبوابه قـوله ﷺ: أفضل عبادة اُمّتي بعد قراءة القرآن الدعاء.

وفي رواية عمرو (١٤) من باب (٧٢) المشاورة وحدودها من أبواب العشرة قوله ﷺ: ومن قرء القرآن من هذه الاُمّة ثمّ دخل النار فهو ممّن كان يتّخذ آيات اللّه هزواً.

وفي رواية ابن عباس (٢١) من باب (٩٧) ماورد في نصيحة المسلمين قوله ﷺ: ثلاثة على كثيب المسك الأذفر يوم القيامة لا يهولهم فزع ولاينالهم حساب رجل قـرء القـرآن ابتغاء وجه اللّه.

وفي رواية إسحاق (٨) من باب (١٠٦) اجلال ذي الشيبة المؤمن قوله ﷺ: ثلاثة لايجهل حقّهم إلّا منافق معروف بالنفاق ـ حامل القرآن.

وفي رواية حمّاد (١) من باب (٣٧) ماورد في وصيّة الإمام الباقر ﷺ لبعض شيعته من أبواب السفر قوله ﷺ: وعليك بقراءة كتاب اللّه عزّ وجلّ ما دمت راكباً.

وفي رواية فقيه (١) من باب (٣٦) خصال الفتوّة قوله ﷺ: فامّا (المروّة) الّتي في الحضر فتلاوة القرآن.

وفي رواية الهيثم (١٩) قوله ﷺ: فامّا مروة الحضر فتلاوة القرآن (ولا يخفى أن ما تدلّ على ذلك أكثر من هذا).

و در روایت سوم فرموده امامعليه السلام که: «به واسطهٔ اینان (قاریان قرآن) خداوند بزرگ، بلاها را دور می‌کند و به خاطر آنان، خداوند عزیز و جلیل دولت و قدرت را از دشمنان منتقل می‌کند و به سبب آنان، خداوند عزیز و جلیل از آسمان، باران فرو می‌فرستد.»

و در روایت یکم از باب بیست و نهم این گفته که: «پدرم از جدّ شما [امام باقرعليه السلام] دربارهٔ کسی که هر شبانه روز یک ختم قرآن می‌کند، پرسید. حضرت [پاسخ داد تا می‌رسد به اینجا که]: پدر من [امام سجّادعليه السلام] در ماه رمضان چهل ختم قرآن می‌کرد.»

و در روایت هفتم از باب یکم از باب‌های دعا فرموده پیامبرﷺ که: «بهترین کار امّت من بعد از خواندن قرآن، دعا کردن است.»

و در روایت چهاردهم از باب هفتاد و دوم از باب‌های فرموده معصومعليه السلام که: «هر کس از این امّت [حضرت محمّدﷺ] که قرآن خوانده است و با وجود آن به آتش دوزخ افکنده شود، به یقین از کسانی بوده است که آیات الهی را به مسخره گرفته است.»

و در روایت بیست و یکم از باب نوده و هفتم فرموده امام معصومعليه السلام که: «سه کس در روز قیامت بر روی تپه‌ای از مُشک خوشبو هستند، وحشت [قیامت] آن‌ها را هراسان نمی‌کند و مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند: یکی مردی که به خاطر به دست آوردن خشنودی خداوند، قرآن خوانده است.»

و در روایت هشتم از باب صد و ششم فرموده امامعليه السلام که: «سه شخص باشند که حق آن‌ها بر کسی پوشیده نیست مگر بر منافقی که نفاقش شهرهٔ [عام و خاصّ] باشد: [اوّل] حامل قرآن [آن کس که قرآن خوان و قرآن فهم است.]»

و در روایت یکم از باب سی و هفتم از باب‌های سفر فرموده امامعليه السلام که: «تا وقتی سوار [بر مرکبی] هستی مرتّب قرآن بخوان.»

و در روایت یکم از باب سی و ششم فرموده امام معصومعليه السلام که: «امّا جوانمردی این است که: در وقتی که در وطن و سرای خود هستی، همانا قرآن بخوانی.»

و در روایت نوزدهم فرموده امامعليه السلام که: «امّا جوانمردی در خانه و غیر سفر، خواندن قرآن است. (و بر تو پنهان نیست که روایات و احادیثی که بر [اهمیّت و فضیلت خواندن قرآن و فهمیدن آن و به کار بستن دستورات آن و انس گرفتن با آن و حفظ کردن آن] دلالت دارد خیلی بیشتر از اینهاست [که ذکر شد].

(۲)

باب ماورد في تعلّم القرآن بالعربيّة و قرائته كما اُنزل وعدم الاحتياج في قرائته إلى سهك النحويّين والإنهماك في طلب النحو وجواز القراءة بما اختلف القرّاء وباللحن مع عدم الإمكان

قال اللّه تعالى فى سورة الشعراء (۲۶): ۱۹۳، ۱۹۴ و ۱۹۵: ﴿نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلْأَمِينُ ۞ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ ۞ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ﴾.

فصّلت (۴۱): ۴۴: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُواْ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ ءَاۡعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدًى وَشِفَآءٌ﴾.

النّحل (۱۶): ۱۰۳: ﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٌ لِّسَانُ ٱلَّذِى يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِىٌّ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِىٌّ مُّبِينٌ﴾.

النّساء (۴): ۴۶: ﴿مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَٱسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَٰعِنَا لَيًّۢا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى ٱلدِّينِ الآية﴾.

(۱) **المعاني** ۳۴۴: حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد ﷺ قال: حدّثنا محمد بن ٧٦ ٢٥٦٣٨
الحسن الصفّار قال: حدّثنا أحمد بن أبي عبداللّه عن أبيه عن [**عمرو** بن جميع] عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ: تعلّموا القرآن بعربيّته وإيّاكم والنّبر فيه يعني الهمز. وقال الصادق ﷺ: الهمز زيادة في القرآن إلّا الهمز الأصليّ مثل قوله عزّ وجلّ ﴿أَلَّا يَسْجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِى يُخْرِجُ ٱلْخَبْءَ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ﴾.

باب ۲

آموزش قرآن به صورت عربی و نیاز نبودن به ریزه‌کاری‌های نحویان و جواز قرائت قرآن مطابق با نظر هر یک از قُرّاء و جواز اشتباه خواندن اگر درست خواندن برایش امکان ندارد

خداوند متعال فرموده است:

این قرآن را جبرئیل بر دل تو فرو فرستاده است تا تو از هشدار دهندگان باشی.[۱]

اگر ما این قرآن را به زبان غیر عربی نازل کرده بودیم، قطعاً این‌ها [کافران] می‌گفتند: آیا [ممکن است، قرآن] عجمی باشد [با این که پیامبر] عرب است [ولی اکنون دیگر نمی‌توانند چنین بهانه‌ای بیاورند ای پیامبر به این‌ها] بگو که: این قرآن برای کسانی که ایمان می‌آورند، راهنما و شفابخش است.[۲]

و نیک می‌دانیم که آنان [کافران] می‌گویند: جز این نیست که بشری به او می‌آموزد. [نه هرگز چنین نیست زیرا] زبان کسی که این نسبت دروغ را به او می‌دهند غیر عربی است و این قرآن به زبان عربی روشن است.[۳]

عدّه‌ای از یهودیان، کلمات را از جاهای خود جابجا می‌کنند و با پیچاندن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبری به عربی] می‌گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو که [کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی استهزاء می‌گویند:] راعنا [که در عربی یعنی: به ما التفات کن ولی در عِبری یعنی: خبیث ما].[۴]

(۱) عمرو بن جمیع از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت از پدرش و او از پدرانش ۷۶
نقل کرده است که فرموده‌اند: «پیامبر خداﷺ فرمود: قرآن را به همین صورت که به زبان عربی است، یاد بگیرید و از اینکه یک همزهٔ اضافی روی حرفی بگذارید، بپرهیزید و امام صادقؑ فرمود: جز همزهٔ اصلی که خود حرفی مستقل است همزه گذاشتن بر بالای حرف دیگر، اضافی و زیادی است و همزهٔ اصلی همانند این فرموده خداوندﷻ: «**چرا سجده نمی‌کنند برای خداوندی که هر پنهانی را که در آسمان‌ها و زمین است از پنهانی در می‌آورد.**»[۵] [مقصود همزهٔ «خبء» است که حرف اصلی است و اصطلاحاً «لام الفعل» است.]

---

۱. شعراء ۱۹۵/۲۶ ـ ۱۹۳. ۲. فصّلت ۴۴/۴۱. ۳. نحل ۱۰۳/۱۶.
۴. نساء ۴۶/۴. ۵. نمل ۲۵/۲۷.

ومثل قوله عزّ وجلّ ﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَءْتُمْ﴾.

۷۷ ۲٥٦۳۹ (۲) **الخصال** ۲٥۸: حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبداللّه قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطيّ عن رجل من خزاعة عن **أسلمي** عن أبيه عن أبي عبداللّه عليه السلام قال: تعلّموا العربيّة فانّها كلام اللّه الذي تكلّم به خلقه ونظّفوا الماضغين وبلّغوا بالخواتيم قال محمد بن علي بن الحسين مصنّف هذا الكتاب رضي الله عنه قد روى هذا الحديث أبو سعيد الآدمي وقال في آخره بلّغوا[1] بالخواتيم أي اجعلوا الخواتيم في آخر الأصابع ولا تجعلوها في أطرافها فانّه يروىٰ انّه من عمل قوم لوط.

۷۸ ۲٥٦٤۰ (۳) **عدّة الداعي** ۱۸: قد ورد عن أبي جعفر الجواد عليه السلام انّه قال ما استوى رجلان في حسب ودين قطّ إلّا كان أفضلهما عند اللّه عزّ وجلّ آدبهما قال: قلت جعلت فداك قد علمت فضله عند الناس في النادي والمجالس فما فضله عنداللّه عزّ وجلّ؟ قال عليه: بقراءة القرآن كما انزل ودعائه اللّه عزّ وجلّ من حيث لا يلحن وذلك انّ الدعاء الملحون لا يصعد إلى اللّه عزّ وجلّ. مجمع البيان ۱۳/۱: وقال الشيخ السعيد أبو جعفر الطوسي قدّس اللّه روحه هذا الوجه أملح لما روى عنهم عليهم السلام من جواز القراءة بما اختلف القرّاء فيه.

۷۹ ۲٥٦٤۱ (٤) **الخصال** ۳٥۸: حدّثنا محمد بن عليّ ما جيلويه رضي الله عنه قال: حدّثنا محمّد بن يحيى العطّار عن محمّد بن أحمد عن أحمد بن هلال عن **عيسى** بن عبداللّه الهاشمي عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: أتاني آت من اللّه.

فقال انّ اللّه عزّ وجلّ يأمرك أن تقرأ القرآن علىٰ حرف واحد.

فقلت يا ربّ وسّع علىٰ اُمّتي.

فقال: إنّ اللّه عزّ وجلّ يأمرك ان تقرء القرآن علىٰ حرف واحد.

فقلت يا ربّ وسّع أمّتي.

---

۱. بلعوا ـ بالمهملة ـ خ.

و مانند فرموده خداوندﷻ : «و به یاد بیاورید زمانی را که شما یک انسانی را کشتید و سپس هر یک از شما، از خود، دفع اتهام می‌کرد.»[۱] (مقصود همزهٔ «فَـادّارءتُـم» است کـه حـرف اصلی کلمه است.)

۷۷ (۲) أسلمی از پدرش و او از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «عربی را یاد بگیرید چرا که زبانی است که خداوند با آن زبان با بندگانش حرف زده است و [دندان‌های بالا و پائین را که با آن‌ها] غذا می‌جوید، خوب تمیز کنید و انگشترهایتان را به آخر انگشت برسانید.»

محمد بن علی [معروف به شیخ صدوقؒ] مؤلّف کتاب خصال می‌گوید: «این حدیث را ابو سعید آدمی روایت کرده است و در آخر آن توضیح داده است که مقصود این است که انگشترها را در آخر انگشت‌ها قرار دهید نه در قسمت سر انگشت که گفته شده، کار قوم لوط بوده است.»

۷۸ (۳) [ابن فهد حلّی] در کتاب عدّة الداعی نقل کرده است که: «این سخن از امـام جـوادؑ وارد شده است که: دو نفر که از نظر دین و حسب و نسب هر دو یکسان هستند، هر کدام از آن‌ها کـه ادیب‌تر باشد، نزد خداوند برتر خواهد بود.

راوی حدیث می‌گوید: به حضرت عرض کردم: فـدایت شـوم! مـن بـرتری او را در جـامعه و در مجالس و محافل می‌دانستم [ولی شما بفرمایید که:] چه برتری نزد خداوندﷻ دارد؟ حضرت فرمود: چون او قرآن را به درستی می‌خواند همان گونه که نازل شده است و بدون اشتباه دعا می‌خواند زیرا دعای غلط و دارای اشتباه به سوی خداوندﷻ بالا نمی‌رود.»

در تفسیر مجمع البیان نقل شده است که: «شیخ طوسی که خدایش بیامرزد گفته است: این دلیل [برای برتری ادیب نزد خداوند،] دل چسب‌تر است چون از امامان معصومؑ روایت شده است که: جایز است قرائت قرآن، طبق هر یک از قرائت قُرّاء هر چند که متفاوت، قرائت کرده باشند.» [و کسی که ادبیات عرب می‌داند، قرائت صحیح و بهتر را خواهد شناخت.]

۷۹ (۴) عیسی بن عبد الله هاشمی از پدرش و او از پدرانش نقل کرده است که: «پیامبر خداﷺ فرمود: «قاصدی از طرف خداوند، پیش من آمد و گفت: خداوندﷻ به تو فرمان می‌دهد که قرآن را بر یک حرف بخوانی. پس من گفتم: پروردگارا! امتم را در گشایش قرار بده. [آن قاصد دوباره] گفت: خدایت دستور می‌دهد که قرآن را بر یک حرف بخوانی، پس من گفتم: پروردگارا! امتم را در گشایش قرار بده.

۱. بقره ۷۲/۲، لفظ صحیح آن، چنانچه در قرآن معروف آمده است: واذا قتلتم می‌باشد نه «اذا».

فقال انّ اللّه عزّ وجلّ يأمرك [أن تقرأ القرآن على حرف واحد فقلت يا ربّ وسّع على أُمّتي فقال انّ اللّه يأمرك] أن تقرأ القرآن على سبعة أحرف.

۸۰ ۲۵٦٤۲ (۵) **مستدرك ۲۷۸/۴**: العلاّمة [**الكراجكي**] في معدن الجواهر قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام العلوم أربعة الفقه للأديان والطّبّ للأبدان والنّحو للّسان والنجوم لمعرفة الأزمان.

۸۱ ۲۵٦٤۳ (۶) **رجال النجاشي ۸**: أخبرنا أبوالحسين التميمي قال حدّثنا أحمد بن محمد بن سعيد[1] عن محمد بن يوسف الراضي المقري بالقادسيّة قال: حدّثني أبونعيم بن عبداللّه بن العبّاس بن معمّر الأزدي الطالقاني قال حدّثنا محمد بن موسى بن أبي مريم صاحب اللؤلؤ قال سمعت أبان بن تغلب وما رأيت أحداً اقرأ منه قطّ يقول انّما الهمز رياضة.

۸۲ ۲۵٦٤٤ (۷) **مستدرك ۴/ ۲۸۰**: أحمد بن محمد السيّاري في التنزيل والتّحريف عن ابن أبي عمير عن [**هشام** بن سالم] قال كان أبو عبداللّه عليه السلام يكره الهمزة.

۸۳ ۲۵٦٤۵ (۸) عدّة الداعي ۲۱: عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّ سين بلال عنداللّه شين.

۸٤ ۲۵٦٤٦ (۹) وفيه ۲۱: جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: يا أمير المؤمنين انّ بلالاً كان يناظر اليوم فلاناً فجعل يلحن في كلامه وفلاناً يعرب ويضحك من بلال فقال أمير المؤمنين عليه السلام: يا عبداللّه انّما يراد اعراب الكلام وتقويمه لتقويم الأعمال وتهذيبها ما ينفع فلاناً اعرابه وتقويمه لكلامه إذاكانت أفعاله ملحونة أقبح لحن وماذا يضرّ بلالاً لحنه في كلامه إذا كانت أفعاله مقوّمة أحسن تقويم ومهذّبة أحسن تهذيب.

۸۵ ۲۵٦٤۷ (۱۰) **مستدرك ۲۷۹/۴**: أحمد بن محمد [السيّاري] في التنزيل والتحريف بعض أصحابنا عن ربعي عن **حويزة** بن أسماء قال: قلت لأبي عبداللّه عليه السلام انّك رجل لك فضل لو نظرت في هذه العربيّة فقال: لاحاجة لي في سهككم[2] هذا وروى عنه عليه السلام انّه قال: من أنهمك في طلب النحو سلب الخشوع.

---

۱. بن عقده ـ خ.

۲. السّهَك: ريح كريهة من الانسان إذا عرق ـ قبح رائحة اللحم إذا خُبِزَ ـ والسّهَك بالتحريك: ريح السمك وصَدَأ الحديد ـ سهكت الريح: مرّت مروراً شديداً ـ سهك الشيء: كَسَرَهُ ـ سحقه السّهاك: البليغ يمرّ في الكلام مرّ الريح.

[قاصد برای بار سوّم] گفت: خداوند ﷻ تو را دستور می‌دهد که قرآن را بر یک حرف بخوانی. پس من گفتم: پروردگارا! امّتم را در توسعه قرار بده [بر آن‌ها سخت نگیر و دست‌شان باز بگذار] پس [قاصد] گفت: خدایت تو را دستور می‌دهد که قرآن را بر هفت حرف بخوانی.»[1]

۸۰ (۵) علامه کراجکی در کتاب معدن الجواهر گفته است: «امیر المؤمنین ؑ فرموده است: دانش‌ها چهارند: شناخت دین [اعتقادات و اخلاق و احکام آن]، طبابت بدن و راه‌های درمان آن، دستور زبان برای اصلاح زبان و گفتار و ستاره‌شناسی به خاطر وقت‌شناسی و تقویم دانی.»

۸۱ (۶) محمد بن موسی صاحب کتاب لؤلؤ گفته است: «شنیدم از أبان بن تغلب، (و من هرگز احدی را ندیدم که بیشتر از او قرآن بخواند) که می‌گفت: تلفّظ صحیح همزه نیاز به تمرین دارد.»

۸۲ (۷) هشام بن سالم گوید: «امام صادق ؑ از همزه خوشش نمی‌آمد.»[2]

۸۳ (۸) [ابن فهد حلّی] در کتاب عدّة الداعی از پیامبر ﷺ نقل کرده است که حضرت فرموده است: «سین بلال [در أشهد ان لا اله الّا الله] در نزد خداوند، شین است.»

۸۴ (۹) و در همان کتاب [عدة الداعی] است که: «مردی به خدمت امیر المؤمنین ؑ شرفیاب شد و گفت: ای امیر مؤمنان! امروز بلال با فلانی گفتگو می‌کرد و در آدا کردن بعضی از حروف [بر اثر اشکالی که در زبانش بود] اشتباه داشت و فلانی کلمات را به خوبی آدا می‌کرد و به بلال می‌خندید. امیر المؤمنین ؑ فرمود: ای بندهٔ خدا! واضح آدا کردن کلام و درست بودن گفتار، مقدّمهٔ درست کردن کردار و پاک کردن رفتار است و فلانی را از درست و واضح حرف زدنش چه سود، وقتی که اعمالش نادرست است و بلال را چه زیان، اگر در حرف زدنش خطایی باشد، وقتی که رفتار و کردارش به طور کامل درست و راست و بی عیب است.»

۸۵ (۱۰) حویزة بن أسماء گوید: «به امام صادق ؑ عرض کردم: شما مردی دانشمند و با فضل و کمال هستی، کاش به این زبان عربی عنایت ویژه‌ای داشتی. حضرت فرمود: مرا به این عرق بدبوی شما نیازی نیست.»

و از همان حضرت روایت شده است که فرمود: «کسی که در تحصیل «علم نحو» فرو رود [و زیاده‌روی کند و همهٔ دانشش در آن خلاصه شود] خضوع و خشوع از او گرفته می‌شود.»

---

۱. شاید مقصود از یک حرف، یک قرائت باشد و هفت حرف، قرائت‌های هفتگانه قُرّاء سبعه باشد. چنانچه در توضیح حدیث قبل، مرحوم شیخ طوسی به آن اشاره کرد. (مترجم).

۲. محتمل است «هُمَزه» به ضمّ هاء و فتح میم باشد به معنی شخصی که بسیار به دیگران طعنه می‌زند آن هم به چیزی که عیب نیست. (مترجم).

۸۶ ۲۵٦٤۸ (۱۱) وفيه عن حمّاد عن ربعي عن [محمد بن مسلم] قال قرأ أبو عبداللّه عليه السلام ولقد نادينا نوحاً[1] قلت: نوح ثمّ قلت جعلت فداك لو نظرت في هذا أعني العربيّة فقال: دعني من سهككم.

۸۷ ۲۵٦٤۹ (۱۲) وعن الحجال عن قطبة بن ميمون عن [عبدالأعلى] قال: قال أبو عبداللّه عليه السلام أصحاب العربية يحرّفون الكلم عن مواضعه.

وتقدّم في رواية مسعدة (۲) من باب (۲۵) ان تلبية الأخرس وتشهّده وقرائته تحريك لسانه من أبواب القراءة قوله عليه السلام: فهذا بمنزلة العجم المحرم لا يراد منه ما يراد من العاقل المتكلّم الفصيح الخ.

وفي رواية ابن سنان (۱) من باب (۲٦) حكم من لا يحسن أن يقرء القرآن قوله عليه السلام: لو ان رجلاً دخل في الإسلام لا يحسن أن يقرء القرآن أجزئه أن يكبّر ويسبّح ويصلّي وفي رواية السكوني قوله صلى الله عليه وآله: ان الرجل الأعجمي من اُمّتي ليقرء القرآن بعجميّته فترفعه الملائكة على عربيّته.

(۳)
باب فضل حفظ القرآن وتحمّل المشقّة لحفظه وتعلّمه

۸۸ ۲۵٦۵۰ (۱) أمالي ابن الشيخ ۵: أملى أبو عبداللّه محمد بن محمد بن النعمال قال: حدّثنا أبو الطيب قال حدّثنا محمد بن القاسم الانباري قال حدّثنا أبوبكر محمّد بن عليّ بن عمر قال حدّثنا داود بن رشيد قال حدّثنا الوليد بن مسلم عن عبداللّه بن لهيعة عن المِشرح[2] بن هامان عن عقبة بن عامر قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: لا يعذّب اللّه قلباً وعى القرآن.

۸۹ ۲۵٦۵۱ (۲) **جامع الأخبار** ۱۱۵: قال عليّ عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله: اقرؤا القرآن واستظهروه فإنّ اللّه تعالىٰ لايعذّب قلباً وعاء القرآن[3].

---

۱. لو صدر عن الامام عليه السلام قوله (نادينا نوحاً) اراد به عدم لزوم رعاية الاعراب إذا فهم المعنى وكان المقصود معلوماً ولايحتاج في القرائة إلى سهك النحويين بحيث يسلب الخشوع انّما المهمّ التوجه إلى المعنى والعمل بمضمون الآيات ورعاية التقوىٰ. ۲. مسرح ـ خ. ۳. وعي القرآن ـ خ.

۸۶ (۱۱) محمد بن مسلم گوید: «امام صادقعليه السلام آیهٔ «**و لقد نادینا نوح**» را «**و لقد نادینا نوحا**» به نصب نوح قرائت فرمود: گفتم: نوحُ (به صورت مرفوع) است. سپس به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! کاش به عربیّت و [قواعد دستوری آن] بذل توجّه بیشتری می‌فرمودی. حضرت فرمود: بگذار مرا که از بوی این گوشت گندیده برکنار باشم.»

۸۷ (۱۲) عبد الاعلی از امام صادقعليه السلام روایت کرده است که فرمود: «کسانی که در عربی غور کرده‌اند کلمات را از جای خود، به جای دیگر انتقال می‌دهند.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوم از باب بیست و پنجم از باب‌های قرائت فرموده امامعليه السلام که: «این [کس که عربی نمی‌داند] مثل لالی است که احرام بسته است و آنچه از یک عاقلِ گویای فصیح و بلیغ خواسته شده است از او خواسته نشده است.»

و در روایت یکم از باب بیست و ششم فرموده امامعليه السلام که: «اگر کسی به دین اسلام درآید در حالی که نمی‌تواند قرآن را صحیح بخواند، [برای نماز خواندن] همین مقدار کافی است که الله اکبر و سبحان الله بگوید و نماز بخواند [یعنی به جای حمد و سوره و ذکر رکوع و سجود فقط همین الله اکبر و سبحان الله را که یاد دارد، تکرار کند.]»

و در روایت سکونی فرموده پیامبرﷺ که: «شخص عجمی از امّت من قرآن را با لهجهٔ عجمی می‌خواند ولی فرشتگان او را به لهجهٔ عربی [صحیح] بالا می‌برند.»

باب ۳

فضیلت حفظ کردن قرآن و تحمّل سختی آن

۸۸ (۱) عقبة بن عامر از رسول خداﷺ روایت کرده است که فرمود: «خداوند دلی را که قرآن در آن جای گرفته باشد، عذاب نمی‌کند.»

۸۹ (۲) در کتاب جامع الاخبار از علیعليه السلام روایت شده است که آن حضرت از پیامبرﷺ نقل فرموده است که فرمود: «قرآن بخوانید و آن را تکرار کنید آن قدر که برای شما روان شود. چون خداوند متعال، قلبی را که ظرف قرآن شده است، به عذاب نیازارد.»

۹۰ ۲۵٦٥۲ (۳) **كافي** ۲/ ٦۰۳: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وسهل بن زياد جميعاً عن ابن محبوب ـ الثواب ۱۲۷: أمالي الصدوق ۵۷: حدّثنا (ثني ـ ثواب) الحسين بن أحمد عن أبيه[1] عن أحمد بن محمد (بن عيسى ـ امالي) عن الحسن بن محبوب عن جميل بن صالح عن الفضيل بن يسار عن أبي عبداللّه قال: الحافظ للقرآن (و ـ ثواب) العامل به مع السّفرة الكرام البررة.

۹۱ ۲۵٦٥۳ (٤) **مستدرك** جامع الأخبار ۱۱٦ قال عليّ عن النبي: مَنِ استظهر القرآن وحفظه وأحلّ حلاله وحرّم حرامه أدخله اللّه تعالى به الجنّة وشفّعه في عشرة من أهل بيته كلّهم قد وجبت له النار مجمع البيان ۱/ ۱٦: **عاصم** بن ضمرة عن عليّ قال: قال رسول اللّه: من قرء القرآن حتّى يستظهره ويحفظه أدخله اللّه الجنّة وذكر مثله.

۹۲ ۲۵٦٥٤ (۵) **كافي** ۲/ ٦۰٦: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وسهل بن زياد جميعاً عن ابن محبوب الثواب ۱۲۷: حدّثني علي بن الحسين المكتّب قال: حدّثني محمد بن عبداللّه عن أبيه عبداللّه بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد عن (الحسن ـ ثواب) بن محبوب عن جميل بن صالح عن [**الفضيل**] بن يسار عن أبي عبداللّه[2] قال سمعته يقول: انّ الذي يعالج القرآن و يحفظه[3] بمشقّة منه وقلّة حفظ له أجران (ثواب الأعمال ـ وقال ما يمنع التاجر منكم المشغول في سوقه إذا رجع إلى منزله أن لا ينام حتّى يقرأ سورة من القرآن فتكتب له مكان كلّ آية يقرؤها عشر حسنات ويمحى عنه عشر سيّئات).

۹۳ ۲۵٦٥٥ (٦) **كافي** ٦۰٦: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير ثواب الأعمال ۱۲۵: حدّثني أحمد بن محمد قال: حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن الحسين عن الحسين بن سعيد عن محمد بن أبي عمير عن منصور بن يونس عن **الصباح** بن سيّابة قال: سمعت أبا عبداللّه يقول: من شدّد عليه (في ـ كا) القرآن كان له أجران ومن يسّر عليه كان مع الأوّلين[4].

و**تقدّم** في رواية الرّاوندي (٤٦) من باب (۲) فضل الاذان من أبوابه قوله وروى لا تبلىٰ عشرة حامل القرآن والشهيد...

---

۱. قال حدّثنا أبي ـ أمالي.
۲. قال سمعت أبا عبداللّه يقول ـ ثواب.
۳. ليحفظه ـ ثواب.
٤. لعلّ المراد من قوله مع الاوّلين (السابقون الاوّلون).

۹۰ (۳) فضیل بن یسار از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «آن کس کـه قـرآن را حفظ کرده است و به آن عمل نموده است با سفیران بزرگوار و نیکوکار [الهی] محشور خواهد شد.»

۹۱ (۴) در کتاب مستدرک نقل شده است که علیؑ از پیامبرﷺ نقل فرموده است: «کسی که قرآن را روان بخواند و آن را حفظ کند و حلالش را حلال بداند و حرامش را حرام بداند خداوند متعال به این سبب او را به بهشت ببرد و او را شفیع ده نفر از اعضاء خانواده‌اش قرار دهد که همهٔ آن‌ها به طـور حتم، جهنّمی بودند.»

عاصم بن ضمره از علیؑ روایت کرده است که فرمود: «پیامبر خداﷺ فـرمود: کسـی کـه قـرآن بخواند تا اینکه برایش روان و آسان شود و آن را حفظ کند، خداوند او را به بهشت آورد.» و [در ادامه] مانند حدیث پیشین را ذکر کرد.

۹۲ (۵) فضیل بن یسار گوید: «از امام صادقؑ شنیدم که آن حضرت فرمود: کسی که [کند ذهن است و] برای یاد گرفتن قرآن خیلی تلاش می‌کند و آن را با زحمت و کمی حافظه، حفظ می‌کند، پاداشش دو برابر خواهد بود. (و در کتاب ثواب الاعمال، روایت این گونه ادامه یافته: و حضرت فرمود: چه مانعی وجود دارد برای تاجری که در بازار مشغول [تجارت] است، وقتی به خانه‌اش بر مـی‌گردد، پـیش از خوابیدن [حداقل] یک سوره از قرآن بخواند تا به جای هر آیه‌ای که می‌خواند ده حسنه برایش نوشته شود و ده گناه از او [و نامهٔ عملش] پاک گردد.)»

۹۳ (۶) صباح بن سیّابه گوید: «شنیدم از امام صادقؑ که می‌فرمود: کسی که [یادگیری] قرآن برایش خیلی سخت باشد، دو پاداش دارد و کسی که برایش آسان باشد در پاداش اوّلی بـا [دسـتهٔ پـیش] شریک خواهد بود.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت چهل و ششم از باب دوم این گفته که: «روایت شده است که ده شخص به بلا گرفتار نشوند: یکی حامل قرآن و دیگری شهید.»

وفي رواية أنس (۴۴) من باب (۱) ماورد في فضل القرآن قوله ﷺ: ومن قرء ثلثمأة آية لم يحاجّه القرآن يعني من حفظ قدر ذلك من القرآن يقال قد قرأ الغلام القرآن إذا حفظه.

وفي رواية ابن أبي جمهور (۶۷) قوله ﷺ: تعلّموا القرآن فانّ مَثَلَ حامل القرآن كمثل رجل حمل جراباً مملوّاً مسكاً إن فتحه فتح طيباً وإن وعاه أوعاه طيباً. ولاحظ ساير أحاديث هذا الباب فانّها تدلّ على ذلك.

ويأتي في أحاديث الباب التّالي ومايتلوه ما يناسب ذلك.

وفي رواية منهال (۱) من باب (۶) ثواب من قرء القرآن وهو شابّ قوله ﷺ: ومن قرأه كثيراً وتعاهده بمشقّة من شدّة حفظه أعطاه اللّه عزّ وجلّ أجر هذا مرّتين.

وفي رواية سليل (۳) من باب (۱۷) ثواب من قرء القرآن في المصحف نظراً قوله ﷺ: ومن قرأ القرآن عن حفظه ثُمّ ظنّ انّ اللّه تعالى لايغفره فهو ممّن استهزء بآيات اللّه.

(۴)
باب الدّعاء والصّلاة لحفظ القرآن وعدم نسيانه

۹٤ ٢٥٦٥٦ (۱) كافي ۵۷۶/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عمّن ذكره عن عبداللّه بن سنان عن ابان بن تغلب عن أبي عبداللّه ﷺ قال: تقول اللّهمّ انّي أسألك ولم يسأل العباد مثلك أسألك بحقّ محمّد نبيّك ورسولك وإبراهيم خليلك وصفيّك وموسىٰ كليمك ونجيّك وعيسى كلمتك وروحك وأسألك بصحف إبراهيم وتوراة موسى وزبور داود وانجيل عيسى وقرآن محمّد ﷺ.

و در روایت چهل و چهارم از باب یکم فرموده امامﷺ که: «کسی که سیصد آیه از قرآن بخواند قرآن با او مخاصمه نمی‌کند و به او عتاب نخواهد کرد.» [مقصود از خواندن این مقدار از قرآن، حفظ کردن آن است چرا که در زبان عربی گاهی قرائت قرآن به معنی حفظ کردن آن می‌آید.]

و در روایت شصت و هفتم فرموده پیامبرﷺ که: «قرآن را یاد بگیرید چون حامل قرآن به مردی ماند که کیسه‌ای پر از مُشک با خود دارد که اگر آن را باز کند، بوی خوشی را [در فضا] منتشر کرده است و اگر آن در ظرف نگاه دارد باز هم بوی خوشی را در ظرف نگهداری کرده است.»

و دیگر روایات موجود در این باب (فضیلت قرآن) را ملاحظه بفرما [خواهی دید] که آن‌ها نیز بر این مقصود [حفظ قرآن و فضیلت آن] دلالت دارد.

می‌آید:

در باب بعدی و باب‌های پس از آن نیز احادیثی خواهد آمد که با این موضوع، مناسبت دارد.

و در روایت یکم از باب ششم فرموده معصومﷺ که: «کسی که زیاد قرآن می‌خواند [و چون ذهنش کُند است و دیر حفظ می‌کند] با زحمت آن را حفظ می‌کند خداوند با عِزّ و جلال پاداش این شخص را دو برابر خواهد داد.»

و در روایت سوم از باب هفدهم فرموده امام معصومﷺ که: «کسی که قرآن را از بر می‌خواند [یعنی قرآن را حفظ کرده است] در عین حال چنین پنداری داشته باشد که خدای متعال او را نمی‌آمرزد، او جزء کسانی است که آیات الهی را به مسخره گرفته‌اند [و آن‌ها را بی‌ارزش و بی‌اثر دانسته‌اند.]»

باب ۴

دعا و نماز برای سهولت در حفظ کردن قرآن و فراموش نکردن آن

۹۴ (۱) ابان بن تغلب از امام صادقﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «می‌گویی [در هنگام حفظ کردن قرآن] « خداوندا! من از تو درخواست می‌کنم و [می‌دانم] که بندگان همانند تویی را پیدا نمی‌کنند تا از او درخواست کنند. از تو درخواست می‌کنم به حق محمّد پیامبر و رسولت و ابراهیم دوست خالص و پاکت و موسی هم سخن و هم نجوایت و عیسی کلمه و روحت و از تو می‌خواهم به [حرمت] کتاب آسمانی ابراهیم، «صُحُف» و کتاب آسمانی موسی، «تورات» و کتاب آسمانی داود، «زبور» و کتاب نازل شده بر عیسی، «انجیل» و کتاب فرو فرستاده شده بر محمّد، «قرآن».

وبكلّ وحي أوحيته وقضاء أمضيته وحقّ قضيته وغنيّ أغنيته وضالّ هديته وسائل أعطيته.

وأسألك باسمك الذي وضعته على اللّيل فاظلم وباسمك الذي وضعته على النّهار فاستنار وباسمك الذي وضعته على الأرض فاستقرّت ودعمت[1] به السماوات فاستقلّت ووضعته على الجبال فرست[2] وباسمك الّذي بثثت به الأرزاق.

وأسألك باسمك الذي تُحيي به الموتى وأسألك بمعاقد العزّ من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك أسألك أن تصلّي على محمّد وآل محمد وأن ترزقني حفظ القرآن وأصناف العلم وان تثبّتها في قلبي وسمعي وبصري وان تخالط بها لحمي ودمي وعظامي ومخّي وتستعمل بها ليلي ونهاري برحمتك وقدرتك فإنّه لاحولَ ولاقوة إلّا بك يا حيّ يا قيّوم قال.

(۲) وفي حديث آخر زيادة وأسألك باسمك الذي دعاك به عبادك الّذين استجبت لهم وأنبياؤك فغفرت لهم ورحمتهم وأسألك بكلّ اسم أنزلته في كتبك وباسمك الّذي استقرّ به عرشك وباسمك الواحد الأحد الفرد الوتر المتعال الّذي ملأ الأركان كلّها الطّاهر الطّهر المبارك المقدّس الحيّ القيّوم نور السماوات والأرض الرّحمن الرّحيم الكبير المتعال وكتابك المنزل بالحقّ وكلماتك التّامّات ونورك التامع وبعظمتك وأركانك.

(۳) وقال في حديث آخر قال رسول اللّهﷺ من أراد أن يوعيه اللّه عزّ وجلّ القرآن والعلم فليكتب هذا الدعاء في اناء نظيف بعسل ماذي[3] ثمّ يغسله بماء المطر قبل أن يمسّ الأرض ويشربه ثلاثة أيّام على الريق فانّه يحفظ ذلك إن شاء اللّه.

---

۱. دعمت: أي أقمت. ۲. ثبتت. ۳. أي الأبيض.

و به [حرمت و شرافت] هر وحیی که تو وحی کرده‌ای آن را و هر حکم قطعی که عمل کرده‌ای آن را و هر حقّی که أدا کرده‌ای و به حق هر بی‌نیازی که تو او را بی‌نیاز کرده‌ای و گمراهی که تو او را راهنمایی کرده‌ای و سؤال کننده‌ای که بخشیدی به او [حاجت او را].

و از تو درخواست می‌کنم به [عظمت] همان نامت که چون آن را بر شب نهادی، تاریک شد و به آن نامت‌که چون او را بر روز نهادی، روشن شد و به آن نامت که چون آن را بر زمین نهادی آرام گرفت و آسمان‌ها را با آن استوار و برپا داشتی پس برپا ایستاد و آن را بر کوه‌ها نهادی پس استوار شدند.

و [از تو درخواست می‌کنم] به آن نامت که روزی‌ها را با آن فراخ گردانیدی و از تو می‌خواهم به آن نامت که مردگان را با آن زنده می‌کنی و از تو می‌خواهم به منبع‌های عزّت و کرامتت در عرش و بالاترین درجهٔ رحمتت که در کتاب و [لوح محفوظ] تو است، از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی و حفظ کردن قرآن و انواع علم و دانش‌ها را روزی من فرمایی و قرآن و علوم را در دل و گوش و چشم من ثابت نگاه داری و گوشت، خون، استخوان‌هایم و مغزم را با آن‌ها عجین نمایی و شب و روز، مرا در انجام آن‌ها و فراگیری آن‌ها به کار گیری [همهٔ این‌ها را] از مهربانی و توانایی تو می‌خواهم [نه به استحقاق و صلاحیّت خودم] چرا که هیچ نیرو و توانی یافت نشود مگر این که متّکی به توست ای خداوند زنده‌ای که همه چیز به هستی تو هستی اش دوام یافته است.»

(۲) و در حدیث دیگری [این دعا هنوز ادامه دارد که ادامه آن این است]: «و از تو می‌خواهم به [حرمت] آن نامت که بندگانت تو را با آن نام خواندند و تو دعای آن‌ها را مستجاب کردی و پیامبران، تو را با آن نام خواندند و تو آن‌ها را آمرزیدی و آن‌ها را مورد رحمت خود قرار دادی و از تو می‌خواهم به حق هر نامی که در کتاب‌های آسمانیت فرو فرستادی و به آن نامت که عرشت با آن استقرار یافته است و به آن نام یکتایِ یگانهٔ تنهای مخصوص منحصر به فردی که تمام پایه‌های هستی [عالم خلقت] را پر کرده است همان نام پاکِ پاکیزهٔ پر برکتِ با قداستِ، زنده که پایه و اساس همهٔ هستی‌هاست، روشنایی آسمان‌ها و زمین است، مملوّ از رحمت و مهربانی است، بزرگ و بلند است و به [حقِ] کتاب آسمانیت که به حق، نازل شده است و به حقّ آفریدگان کاملت و نور بی‌نقصانت و به بزرگیت و پایه‌هایت».

(۳) و حضرت (صادق﴿ع﴾) در حدیث دیگری فرموده است: «پیامبر خدا﴿ص﴾ فرمود: هر کس می‌خواهد خداوند عزیز قرآن و دانش را در دل او نگاه دارد، باید این دعا را با عسل سفید در ظرف پاکی بنویسد، سپس آن را با آب بارانی که با زمین تماس پیدا نکرده است بشوید و سه روز ناشتا آن را میل کند دیگر ان شاء الله فراموش نخواهد کرد.»

۹۵ ۲۵٦۵۷ (۲) **كافي** ۵۷۷/۲: (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن **حمّاد** بن عيسى رفعه إلى أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: اعلّمك دعاء لاتـنـسى القرآن.

اللهمّ ارحمني بترك معاصيك أبداً ما أبقيتني وارحمني مِنْ تكلّف ما لا يعنيني وارزقني حسن المنظر فيما يرضيك عنّي والزم قلبي حفظ كتابك كما علّمتني وارزقني أن أتلوه على النحو الذي يرضيك عنّي.

اللّهمّ نوّر بكتابك بصري واشرح به صدري وفرّح به قلبي واطلق به لساني واستعمل به بدني وقوّني علىٰ ذلك وأعنّي عليه إنّه لا معين عليه إلّا أنت لا إله إلّا أنت. قال ورواه بعض أصحابنا عن وليد بن صبيح عن حفص الأعور عن أبي عبداللّه عليه السلام.

۹٦ ۲۵٦۵۸ (۳) **الدعائم** ۱۳۷/۲: عن **علي** عليه السلام انّه قال: شكوت إلى رسول اللّه صلى الله عليه وآله تفلّت القرآن مـنّي فقال: يا علي سأُعلّمك كلمات يثبتن القرآن في قلبك قل.

اللهمّ ارحمني بترك معاصيك أبداً ما أبقيتني فارحمني بترك ما لايعنيني وارزقني حسن النّظر فيما يرضيك عنّي والزم قلبي حفظ كتابك كما علّمتني وان أتلوه عـلى النّـحو الذي يرضيك منّي.

اللّهمّ نوّر بكتابك بصري واطلق به لساني واشرح به صدرى واستعمل به بدني وأعنّي عليه انّه لا يعين عليه إلّا أنت فدعوت بهنّ فأثبت اللّه عزّوجلّ القرآن في صدري.

۹۷ ۲۵٦۵۹ (۴) **مستدرك** ۳۸۴/۴: السيّد عـليّ بن طاوس في جمال الاسـبوع فـي سـياق أعـمال ليلة الجمعة صلاة أُخرىٰ لهذه الليلة وهي صلاة حفظ القرآن رواهـا ابـن عـبّاس رضي الله عنه عـن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: ألا اعلّمك كلمات ينفعك اللّـه عـزّ وجـلّ بـهنّ

(۲) حمّاد بن عیسی با واسطه از امیر مؤمنان علیعليه السلام روایت کرده است کـه آن حـضرت فـرمود:
۹۵ «پیامبر خداﷺ فرمود: به تو دعایی می‌آموزم که دیگر قرآن را فراموش نخواهی کرد. [آن دعـا ایـن است:] خداوندا! با توفیق ترک معصیتِ همیشگی و تا وقتی که مرا زنده نگاه داشته‌ای، به من رحم کن و به مهربانیت مرا از پرداختن به آن چه که مرا سودی ندارد و ارتباطی با من ندارد، مرا باز دار و توفیق درست اندیشیدن در آنچه که تو را از من خشنود می‌کند، روزی فرما و حفظ کتابت را همان گونه که به من آموختی همیشه در دلم نگهدار و توفیق ده که بتوانم آن سان قرآن بخوانم که مایهٔ خشنودی تو از من گردد.

خداوندا! دیده‌ام را با کتابت روشنایی بخش و سینه‌ام را با آن، فراخ گردان و دلم را بـا آن، شـاد گردان و زبانم را به آن، گویا بدار و بدن و نیروی بدنی‌ام را با آن به کار گیر.

و بر این همه، مرا یاری فرما که جز تو کس نتواند بر این‌ها مرا یاری کند جز تو کسی شـایستهٔ پرستش نیست.»

این روایت را حفص اعور از امام صادقعليه السلام نیز نقل کرده است.

۹۶ (۳) در کتاب دعائم الاسلام از علیعليه السلام روایت شده است که فرمود: «من پیش پـیامبر از پـریدن قرآن از ذهنم، شکایت کردم. حضرت فرمود: ای علی! کلمه‌هایی به تو یاد می‌دهم که قرآن را در دلت ثابت نگاه دارد. بگو: خداوندا! با ترک همیشگی معصیت‌هایت تا وقتی که مـرا [در ایـن دنـیا] نگـاه داشته‌ای، به من رحم کن و با رها کردن آنچه که ارتباطی به من ندارد مرا مورد مرحمت خود قرار بده و این توفیق را روزی من فرما تا به خوبی بیندیشم در آنچه که تو را از من خشنود می‌کند و حـفظ کتابت را همان گونه که به من یاد دادی (و من حفظ کردم) ملازم قلبم قرار بده و [توفیق ده تا اینکه] قرآن را به آن سان بخوانم که تو را از من راضی گرداند.

بار خدایا! دیدگانم را با کتابت نور بخش و زبانم را به آن گویا کن [که همیشه قرآن بـخوانـم] و سینه‌ام را با آن فراخ گردان و بدنم را بر آن به کار گیر [تا به دستورات آن عمل کنم] و مرا به [انجام] این‌ها یاری فرما چون کسی جز تو نتواند بر این امور یاری کند. [علیعليه السلام] می‌فرماید: من هم با این کلمات دعا کردم، در نتیجه خداوند با عزّت و جلالت قرآن را در سینهٔ من ثابت نگاه داشت.»

۹۷ (۴) سیّد علی بن طاوس در جمال الاسبوع در ضمن اعمال شب جمعه یک نماز دیگری برای این شب ذکر کرده است و آن، نماز برای حفظ کردن قرآن است که آن نماز را ابن عباس از امیر المؤمنین علیعليه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «پیامبر خـداﷺ فـرمود: آیـا نـیاموزم تـو را، کـلماتی کـه

وينتفع بهنّ من علّمتهنّ ويثبت ما علّمته في صدرك؟ قلت: بلى يا رسول اللّه قال إذا كان ليلة الجمعة فقم في الثّلث الثّالث من اللّيل فان لم تستطع فقبل ذلك فصلّ أربع ركعات تقرأ في الركعة الأُولى منهنّ فاتحة الكتاب وسورة يس وفي الثانية فاتحة الكتاب وتنزيل السجدة وفي الثالثة فاتحة الكتاب وحمٓ الدّخان وفي الرابعة فاتحة الكتاب وتبارك الذي بيده الملك.

فإذا فرغت من التشهّد وسلّمت فاحمد اللّه عزّ وجلّ واثن عليه وصلّ عليّ بأحسن الصلاة ثمّ استغفر للمؤمنين ثمّ قل: اللهمّ ارحمني بترك المعاصي أبداً ما أبقيتني وارحمني ان اتكلّف طلب ما لا يعنيني وارزقني حسن الظنّ فيما يرضيك عنّي.

اللهمّ بديع السماوات والأرض ذا الجلال والاكرام والعزّة التي لا ترام أسألك يا اللّه يارحمٰن بجلالك ونور وجهك أن تلزم قلبي حفظ كتابك كما علّمتنيه وارزقني أن أتلوه على النحو الذي يرضيك عنّي اللهمّ بديع السماوات والأرض ذا الجلال والإكرام والعزّ الّذي لايرام.

أسألك ياللّه يا رحمن بجلالك ونور وجهك أن تنوّر بكتابك بصري وان تشرح به صدري وأن تطلق به لساني وأن تفرّج به عن قلبي وأن تستعمل به بدني فإنّه لا يعينني على الخير غيرك ولا يؤتيه إلّا أنت ولاحول ولا قوّة إلّا باللّه العليّ العظيم. وزاد البحار ۳۲۰/۸۹ قوله (افعل ذلك يا أبا الحسن ثلاث جمع أو خمساً أو سبعاً).

۹۸ ۲٥٦٦۰ (٥) **المكارم** ۳۴۱: صلاة لحفظ القرآن ـ صلّ ليلة الجمعة أو يومها أربع ركعات [تقرأ في] الأُولىٰ فاتحة الكتاب ويس والثانية حمٓ الدخان والثالثة حمٓ السجدة والرابعة تبارك الملك فإذا سلّمت فاحمد اللّه واثن عليه وصلّ على النبيّ وآله صلّى اللّه عليهم واستغفر للمؤمنين مأة مرّة ثمّ قل: اللّهمّ ازجرني بترك معاصيك أبداً ما أبقيتني وارحمني من أن أتكلّف طلب

خداوندﷻ به واسطهٔ این کلمات، به تو نفع رساند و به هر کس که این کلمات را بیاموزی نیز منتفع گردد و آنچه را که یاد گرفته‌ای در سینه‌ات ثابت نگاه دارد [و فراموش نکنی] گفتم: بله ای پیامبر خدا. فرمود: آنگاه که شب جمعه فرا رسید در یک سوّم آخر شب به پا خیز و اگر برایت میسّر نبود [در این وقت بیدار شوی،] زودتر از این [بیدار شو] وانگهی چهار رکعت نماز بخوان [به این نحو که] در رکعت اوّل سوره حمد و سوره یٰس می‌خوانی و در رکعت دوّم سوره حمد و تنزیل سجده [سورهٔ ۳۲] و در رکعت سوّم سوره حمد و حٰم دخان و در رکعت چهارم سوره حمد و سوره «تبارک الذی بیده المُلک» [سورهٔ ۶۷].

پس چون از تشهّد فارغ شدی و سلام دادی، حمد و ثنای الهی به جای آر و بر من به بهترین وجه، صلوات بفرست سپس برای مؤمنین آمرزش بخواه و آنگاه بگو: خداوندا! با توفیق ترک گناهان برای همیشه و تا وقتی که مرا [در این دنیا] زنده نگاه داشته‌ای، به من رحم کن و رحم کن به من که مبادا در جستجو و در پی چیزی باشم که فایده‌ای برای من ندارد و [ذکاوتی] مرحمت فرما که بتوانم کارهایی را که موجب رضایت توست حدس بزنم.

خداوندا! ای پدید آورندهٔ آسمان‌ها و زمین ای آنکه از هر عیب و نقصی پاکی و به هر جمال و کمالی آراسته‌ای و ای عزّتمندی که دست کس به عزّتش نرسد. خداوندا! ای بخشنده! به حق جلالت و نور رویت از تو می‌خواهم که دیده‌ام را با کتابت نور بخشی و سینه‌ام را با آن فراخ گردانی و زبانم را با آن گویا و باز کنی و [همّ و غم را] از دلم بزدایی و بدن را [در خدمت به آن و عمل کردن به آن] به کار گیری. چون کسی جز تو نتواند که مرا به انجام کار نیک یاری کند و جز تو کس نتواند که خیری آورد و نیست توان و نیرویی مگر اینکه به خداوند بلند مرتبهٔ بزرگ تکیه دارد.»

[مرحوم علامه مجلسی] در کتاب بحار بر این گفته افزوده است که: «ای ابوالحسن! این کار را در سه جمعه یا پنج جمعه یا هفت جمعه به جای آر.»

۹۸ (۵) در کتاب مکارم الاخلاق نمازی برای حفظ قرآن، نقل شده است: «شب جمعه یا روز جمعه چهار رکعت نماز بخوان [به این صورت که] در رکعت اوّل «سورهٔ حمد و یٰس» می‌خوانی و در رکعت دوّم «حٰم دخان» و در رکعت سوّم «حٰم سجده» و در چهارم «تبارک » می‌خوانی وقتی سلام دادی، حمد کن خدا را و ثنایش بگو و بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرست که صلوات خدا بر آن‌ها باد و صد بار برای مؤمنین طلب آمرزش کن. سپس بگوی: خداوندا! با ترک گناهان برای همیشه تا وقتی که مرا زنده نگاه داشته‌ای، جلوی مرا بگیر و به رحمتت مرا باز دار از اینکه در طلب چیزی که برایم ربط و

ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عنّي.

اللهمّ بديع السموات والأرض يا ذاالجلال والاكرام والعزّة الّتي لا ترام يا اللّه يا رحمن [يارحيم] اسألك بجلالك وبنور وجهك أن تلزم قلبي حفظ كتابك المنزل علىٰ رسولك وترزقني أن أتلوه على النحور الذي يرضيك عنّي.

اللهم بديع السماوات والأرض ذا الجلال والإكرام والعزّ الذي لا يرام يااللّه يا رحمٰن اسألك بجلالك وبنور وجهك أن تنوّر بكتابك بصري وتطلق به لساني وتفرح به قلبي وتشرح به صدري وتستعمل به بدني وتقوّيني علىٰ ذلك وتعينني عليه فانّه لا يعين على الخير غيرك ولا يوفّق له إلّا أنت لا حول ولا قوّة إلّا باللّه العليّ العظيم.

وقد أوردها في مصباح المتهجّد ص ۲۳۲ بتفاوت وزيادة فراجع.

(۵)
باب ماورد فيمن نسى القرآن أو تركه

قال اللّه تعالى في سورة الفرقان (۲۵): ۱۸: ﴿قَالُواْ سُبْحَـٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَآءَ وَلَـٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكْرَ وَكَانُواْ قَوْمَاۢ بُورًا﴾.

۹۹ ۲۵٦٦۱ (۱) **كافي** ۶۰۹/۲: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن خالد والحسين بن سعيد جميعاً عن النّضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن عبداللّه بن مسكان عن **يعقوب** الأحمر قال: قلت لأبي عبداللّهﷺ: جعلت فداك انّه أصابتني هموم وأشياء لم يبق شيء من الخير إلّا وقد تفلّت منّي منه طائفة حتّى القرآن لقد تفلّت منّي طائفة منه.

فایده‌ای ندارد خود را به زحمت اندازم و توفیق ده تا به خوبی فکر کنم [و بفهمم] آنچه را که موجب رضایت تو از من می‌شود. خداوندا! ای پدید آورندهٔ آسمان‌ها و زمین! ای صاحب صفات جلال و جمال و ای صاحب عزّتی که دست کس به آن نرسد، ای خداوند! ای بخشنده! ای مهربان! از تو می‌خواهم به جلالت و به نور رخسارت که [آیات] کتابِ فرو فرستاده شده بر پیامبرت را ملازم دلم قرار ده و چنان توفیقی روزیم فرما که آن را چنان بخوانم که مایهٔ خشنودی تو از من شود. خداوندا! ای پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین! ای صاحب صفات جلال و کمال و ای صاحب عزّتی که کس نتواند به آن چشم طمع بدوزد!

ای خداوندا! ای بخشنده! از تو می‌خواهم به حق جلالت و به حق نور چهره‌ات که دیده‌ام را با کتاب [قرآن] نور ببخش و زبانم را به آن گویا کن و دلم را با آن شاد بدار و سینه‌ام را فراخ گردان و بدنم را به آن به کار گیر و خودت مرا بر این امور توان ده و یاریم کن چون کسی بر خیر و نیکی، جز تو یاری نمی‌کند و جز تو کس نتواند که توفیق دهد، هیچ نیرو و توانی نیست مگر اینکه به خداوند بلند مرتبهٔ بزرگ، اعتماد دارد.»

همین روایت در کتاب مصباح المتهجّد با مختصر تفاوتی همراه با زیادی ذکر شده است. پس مراجعه کن.

باب ۵

کسی که با ترک خواندن قرآن، آن را فراموش کند

خداوند متعال می‌فرماید:

[معبودهای مشرکین] می‌گویند: تو [ای پروردگار] پاک و منزّه هستی [از شریک و انباز] سزاوار نبود که ما جز تو را ولیّ و معبود خود بگیریم ولی تو آن‌ها و پدران آنها را [از نعمت‌های دنیوی] بهره‌مند کردی تا [سرمست نعمت‌ها و لذّت‌ها شدند و] و ذکر [قرآن] را فراموش کردند و خود را به ورطهٔ هلاکت و نابودی انداختند.[1]

۹۹ (۱) یعقوب احمر گوید: «به امام صادق؈ عرض کردم: فدایت شوم! گرفتاری‌های غمباری برای من پیش آمد به گونه‌ای که هر [فضل و کمال] خوبی داشتم، بخشی از آن از دستم رفت حتی قرآن [که حفظ کرده بودم] مقداری از آن از یادم رفته است.

۱. فرقان ۲۵/۱۸.

قال ففزع عند ذلك حين ذكرت القرآن ثمّ قال انّ الرجل لينسى السورة من القرآن فتأتيه يوم القيامة حتّىٰ تشرف عليه من درجة من بعض الدرجات فتقول السلام عليك فيقول وعليك السلام من أنت فتقول أنا سورة كذا وكذا ضيّعتني وتركتني اما لو تمسّكت بي بلغت بك هذه الدرجة. ثمّ أشار باصبعه ثمّ قال: عليكم بالقرآن فتعلّموه فانّ من الناس من يتعلّم القرآن ليقال فلان قارئ ومنهم من يتعلّمه فيطلب به الصوت فيقال فلان حسن الصوت وليس في ذلك خير ومنهم من يتعلّمه فيقوم به في ليله ونهاره لايبالي من علم ذلك ومن لم يعلمه.

۱۰۰ ۲۵٦٦۲ (۲) **كافي** ۶۰۸/۲: (علي بن إبراهيم عن أبيه ـ معلّق) عن ابن أبي عمير عن إبراهيم بن عبدالحميد عن [يعقوب] الأحمر قال: قلت لأبي عبداللّه عليه السلام انّ عليّ ديناً كثيراً وقد دخلني ماكان القرآن يتفلّت منّي فقال أبو عبداللّه عليه السلام: القرآن القرآن انّ الآية من القرآن والسورة لتجيء يوم القيامة حتّى تصعد ألف درجة ـ يعني في الجنّة ـ فتقول لو حفظتني لبلّغت بك هاهنا.

۱۰۱ ۲۵٦٦۳ (۳) **كافي** ۶۰۷/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبي المغرا عن **أبي بصير** قال: قال أبو عبداللّه عليه السلام: من نسي سورة من القرآن مثّلت له في صورة حسنة ودرجة رفيعة في الجنّة فإذا رآها قال ما[۱] أنت ما أحسنك ليتك لي فتقول اما تعرفني أنا سورة كذا وكذا (و ـ كا) لو لم تنسني رفعتك[۲] إلى هذا (المكان ـ محاسن ثواب) المحاسن ۹۶: البرقي عن محمد بن علي عن ابن فضّال **الثواب** ۲۸۳: أبي رحمه الله قال: حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد عن ابن فضّال عن أبي المغرا عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله.

۱۰۲ ۲۵٦٦٤ (۴) **كافي** ۶۰۸/۲: حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة وعدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد جميعاً عن محسن بن أحمد عن ابان بن عثمان عن ابن **أبي يعفور** قال: سمعت أبا عبداللّه عليه السلام يقول ان الرجل إذا كان يعلم السورة ثمّ نسيها أو تركها ودخل الجنّة أشرفت عليه من فوق في أحسن صورة فتقول تعرفني فيقول لا، فتقول أنا سورة كذا وكذا لم تعمل بي وتركتني اما واللّه لو عملت بي لبلّغت بك هذه الدرجة وأشارت بيدها إلى فوقها.

---

۱. من أنت ـ محاسن ـ ثواب. ۲. لرفعتك ـ محاسن ـ ثواب.

راوی گوید: حضرت چون اسم قرآن شنید، بی‌تاب شد و گفت: انسان یک سوره از قرآن [را که حفظ داشته است و] فراموش می‌کند پس چون قیامت سر پا شود این سوره مـی‌آید از یک درجـهٔ بالایی به او نگاه می‌کند و می‌گوید: [به مؤمن] سلام علیک، مؤمن پاسخ می‌دهد: وعلیک السلام، تو کیستی؟ او می‌گوید: من فلان سوره و فلان‌هستم. مرا ضایع کردی و رها ساختی. اگر دست از دامن من بر نمی‌داشتی اینک تو را به این مرتبهٔ [بالا] می‌رسانیدم.

آنگاه حضرت با انگشتش اشاره کرد و [انگشتان دو دست در یکدیگر فرو برد] و گفت: همیشه ملازم قرآن باشید، آن را [برای خشنودی خداوند و هدایت خودتان] یاد بگیرید.

چرا که بعضی از مردم، قرآن یاد می‌گیرند تا [مردم] بگویند: فلانی قاری قرآن است و بعضی از آن‌ها قرآن یاد می‌گیرند تا آن را با صدای خوش بخوانند و [مردم] بگویند: فلانی خوش صدا است و [بدانید که] خیری در این [گونه قرآن آموزی و قرآن خوانی] نیست و عدّه‌ای هم هستند که قرآن را یاد می‌گیرند آنگاه در شب و روز [به قرائت آن و تدبّر در آن و عمل کردن به آن] بـر مـی‌خیزند و برایشان هیچ اهمیّتی ندارد که کسی [از این کارهای او] خبردار شده است یا خبردار نشده است.»

۱۰۰ (۲) یعقوب احمر گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من قرض زیادی دارم و آن قـدر فکـرم مشغول شده است که قرآن را از یاد برده‌ام. امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن، قرآن [قرآن را داشته باش] که روز قیامت، یک آیه یا یک سوره از قرآن می‌آید و تا هزار درجه [در بهشت] بالا می‌رود و می‌گوید: اگر مرا حفظ کرده بودی تو را به اینجا می‌رسانیدم.»

۱۰۱ (۳) ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «کسی که سوره‌ای از قرآن را فراموش کند، این سوره [در روز قیامت] با چهرهٔ زیبایی و در مقام بلندی در بهشت برای او نمایان می‌شود. وقتی که این [مؤمن] او را می‌بیند، می‌گوید: تو کیستی؟ چقدر زیبا هستی؟ کاش تو از آنِ من بودی. او [سورهٔ قرآن] می‌گوید: آیا مرا نمی‌شناسی؟ من فلان سوره هستم. اگر مرا فراموش نکرده بودی، تو را به این درجه و مقام، بالا برده بودم.»

این حدیث با سند دیگری هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

۱۰۲ (۴) ابن ابی یعفور گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: انسان وقتی سوره‌ای را بداند، بعد آن را فراموش کند یا رها نماید و به بهشت وارد شود، آن سوره از مقام و جایگاه بالایی در شکل و قیافهٔ زیبایی به او نگاه می‌کند و می‌گوید: مرا می‌شناسی؟ مؤمن می‌گوید: نه پس [سورهٔ قرآن] می‌گوید: من فلان سوره و فلان سوره هستم که تو به من عمل نکردی و مرا رها کردی. بدان، به خدا قسم که اگر به من عمل کرده بودی، تو را به این درجه و مقام می‌رساندم و با دست به بالای سرش اشاره می‌کند.»

۱۰۳ ۲۵٦٦٥ (۵) **كافي** ۶۳۳/۲: على بن إبراهيم عن أبيه عن صفوان عن **سعيد** بن عبداللّٰه الأعرج قال: سألت أبا عبداللّٰه عليه السلام عن الرجل يقرأ القرآن ثمّ ينساه ثمّ يقرأه ثم ينساه أعليه فيه حرج؟ فقال: لا.

۱۰٤ ۲۵٦٦٦ (۶) **كافي** ۶۰۸/۲: أبو علي الأشعري عن الحسن بن علي بن عبداللّٰه عن العبّاس بن عامر عن الحجّاج الخشّاب عن أبي كهمس **الهيثم** بن عبيد قال: سألت أبا عبداللّٰه عليه السلام عن رجل قرأ القرآن ثمّ نسيه (فرددت عليه ثلاثاً) أعليه فيه حرج؟ قال: لا.

۱۰۵ ۲۵٦٦۷ (۷) **مستدرك** ۲۶۳/۴: السيّد **المرتضى** في الغرر والدرر روى عن النّبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال: من تعلّم القرآن ثمّ نسيه لقى اللّٰه تعالى وهو أجذم.

۱۰٦ ۲۵٦٦۸ (۸) **فقيه** ۶/۴: أمالي الصدوق ۳۴۸: بالاسناد المتقدّم في باب (۴۵) كراهة الصلاة عند طلوع الشمس عن [**الحسين**] بن زيد عن الصادق عن آبائه عليهم السلام (في حديث مناهي النبيّ صلى الله عليه وآله) قال: قال (رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله) ألا ومن تعلّم القرآن ثمّ نسيه (متعمّداً ــ أمالى) لقى اللّٰه يوم القيامة مغلولاً يسلّط اللّٰه عزّ وجلّ عليه بكلّ آية منه[1] حيّة تكون قرينته[2] إلى النار إلّا أن يغفر (اللّٰه ــ أمالى) له.

۱۰۷ ۲۵٦٦۹ (۹) **الثواب** ۳۳۲: بالاسناد المتقدّم في باب (۶) تأكّد استحباب عيادة المريض عن أبي هريرة و**عبداللّٰه** بن عباس قال: خطبنا رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله (إلى أن قال صلى الله عليه وآله) ومن تعلّم القرآن ثمّ نسيه متعمّداً لقى اللّٰه يوم القيامة مجذوماً مغلولاً ويسلّط اللّٰه عليه بكلّ آية حيّة موكلة به.

ويأتي في رواية الحلبي (۱۲) من باب (۱۵) الحثّ على اتّباع القرآن قوله عليه السلام ألا أخبركم بالفقيه حقّ الفقيه من لم يقنّط الناس من رحمة اللّٰه (إلى أن قال) ولم يترك القرآن رغبة عنه إلى غيره.

---

۱. منها ــ أمالي. ۲. قرينه ــ أمالي.

۱۰۳ (۵) سعید بن عبدالله اعرج گوید: «از امام صادقؑ پرسیدم: انسانی قرآن می‌خواند [و آن را حفظ می‌کند] سپس فراموش می‌کند. وانگهی [برای بار دوّم] قرآن می‌خواند [تا دوباره آن را حفظ می‌کند] ولی باز هم فراموش می‌کند. آیا بر او گناهی هست؟ حضرت فرمود: خیر.»

۱۰۴ (۶) ابو کهمس میثم بن عبید گوید: «از امام صادقؑ دربارهٔ مردی که قرآن می‌خواند [و حفظ می‌کند] سپس آن را فراموش می‌کند پرسیدم (سه بار این را تکرار کردم) آیا بر این شخص در این رابطه، گناهی هست؟ حضرت فرمود: نه.»

۱۰۵ (۷) سید مرتضیؒ در کتاب غرر و دُرَر از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «کسی که قرآن خواندن را یاد بگیرد سپس [بر اثر بی اعتنایی و رها کردن آن] آن را فراموش کند، در حالی که به جُذام گرفتار شده، خدا را ملاقات خواهد کرد.»

۱۰۶ (۸) حسین بن زید از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت از پدران بزرگوارش (در حدیث مناهی پیامبرﷺ) نقل کرده‌اند که رسول خداﷺ فرموده است: «آگاه باشید، کسی که قرآن خواندن را به یاد داشته باشد، سپس (عمداً بر اثر پشت کردن به قرآن و روی آوردن به دنیا) آن را فراموش کند، روز قیامت با دست‌های بسته به زنجیر، خدا را ملاقات خواهد کرد و به عدد هر آیه‌ای، خداوند ماری را بر او مسلّط خواهد کرد که همراه او خواهد بود تا [ورود به] آتش [دوزخ] مگر اینکه خداوند او را بیامرزد و از گناه او در گذرد.»

۱۰۷ (۹) عبد الله بن عباس گوید: «پیامبر خداﷺ [روزی] برای ما سخنرانی فرمود: (تا اینکه حضرت به اینجا رسید که فرمود:) کسی که قرآن را یاد بگیرد، سپس عمداً [بدون هیچ عذری] آن را فراموش کند، روز قیامت به صورت جذامی و دست بسته، خداوند را ملاقات خواهد کرد و به عدد هر آیه‌ای که فراموش کرده، ماری را بر او مسلّط خواهد کرد.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت دوازدهم از باب پانزدهم فرموده امامؑ که: «آیا خبر بدهم به شما و معرّفی کنم که فقیه کامل کیست؟ کسی است که مردم را از رحمت خداوند ناامید نکند (تا اینکه فرمود:) بـه خـاطر تمایل به چیزی غیر قرآن، قرآن را رها نکند.»

(۶)

باب انّ مَنْ قرء القرآن وهو شابّ مؤمن اختلط القرآن بلحمه ودمه

۱۰۸ ۲۵۶۷۰ (۱) **كافي** ۶۰۳/۲: (عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وسهل بن زياد جميعاً معلّق) عن ابن محبوب ثواب الأعمال ۱۲۶: حدّثني محمد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال حدّثنا عبداللّه بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن (الحسن ـ ثواب) ابن محبوب عن مالك بن عطيّة عن منهال القصّاب عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ القرآن وهو شابّ مؤمن اختلط القرآن بلحمه ودمه وجعله اللّه عزّ وجلّ مع السفرة الكرام البررة وكان القرآن حجيزاً عنه يوم القيامة (و ـ ثواب) يقول يا ربّ انّ كلّ عامل قد أصاب أجر عمله غير عاملي فبلّغ به أكرم[1] عطا ياك (قال ـ كا) فيكسوه اللّه العزيز الجبّار حلّتين من حُلل الجنّة ويوضع على رأسه تاج الكرامة ثمّ يقال (له ـ كا) هل أرضيناك فيه فيقول القرآن يا ربّ قد كنت أرغب له فيما هو أفضل من هذا (قال ـ ثواب) فيعطى الأمن بيمينه والخلد بيساره ثمّ يدخل الجنّة فيقال له اقرأ (آية ـ ثواب) واصعد درجة ثمّ يقال له (هل ـ كا) بلغنا به وأرضيناك (فيه ـ ثواب) فيقول (اللهم ـ ثواب) نعم قال ومن قرأ كثيراً وتعاهده بمشقّة من شدّة حفظه أعطاه اللّه عزّ وجلّ أجر هذا مرّتين.

(۷)

باب ماورد فيمن أُوتي القرآن والايمان ومَن لَم يُؤتَهُما

۱۰۹ ۲۵۶۷۱ (۱) **كافي** ۶۰۴/۲: أبوعلي الأشعريّ عن الحسن بن علي بن عبداللّه عن عبيس بن هشام قال حدّثنا صالح القمّاط عن ابان بن تغلب عن أبي عبداللّه عليه السلام قال الناس أربعة فقلت جعلت فداك وما هم فقال رجل أُوتي الايمان ولم يُؤتَ القرآن ورجل أُوتي القرآن ولم يؤت الايمان قال قلت جعلت فداك فسّر لي حالهم فقال امّا الذي أُوتي الايمان ولم يُؤتَ القرآن فَمَثَلُه كَمَثَلِ التمرة طعمها حلو ولا ريح لها.

---

۱. كريم ـ ثواب.

باب ۶

سفارش جوانان به خواندن قرآن

(۱) منهال قصّاب از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «جوان مؤمنی که در جوانی به خواندن قرآن می‌پردازد، قرآن با گوشت و خون او آمیخته شود و خداوندﷻ او را با سفیران بزرگوارِ نیکوکار همنشین نماید و در روز قیامت قرآن، مدافع او خواهد بود. ۱۰۸

[قرآن] می‌گوید: ای پروردگار! هر کارکننده‌ای پاداش کار خود را دریافت کرد، جز کسی که در کار من بوده است. بهترین عطاهای خود را به او برسان. پس خداوند عزیز با عظمت دو لباس از لباس‌های فاخر بهشتی به او می‌پوشاند و بر سر او تاج کرامت، نهاده می‌شود.

سپس به قرآن گفته می‌شود: آیا توانستیم رضایت تو را در حقّ این شخص به دست آوریم؟ پس قرآن می‌گوید: ای پروردگار! من برای او بهتر از این توقّع داشتم. پس آمان [از دوزخ] را به دست راستش و جاودانگیِ [در بهشت] را به دست چپش می‌دهند. وانگهی به بهشت درآید و به او می‌گویند: بخوان و بالا برو. سپس به قرآن گفته می‌شود: آیا او را [به جایی که شایستهٔ آن بود] رساندیم و رضایت تو را به دست آوردیم؟ قرآن می‌گوید: آری.

و کسی که زیاد قرآن بخواند و به خاطر کُند ذهن بودنش برای حفظ کردن قرآن، زحمت بیشتری بکشد، خداوند با عِزّ و جلال دو برابر به او پاداش مرحمت فرماید.»

باب ۷

فرق واجد ایمان و قرآن با فاقد آن

(۱) ابان بن تغلب از امام صادقؑ نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «مردم، چهار قسمند ۱۰۹
عرض کردم: فدایت شوم! آن چهار قسم کدام است؟

حضرت فرمود: [۱ـ] مردی که ایمان به او داده شده ولی قرآن به او داده نشده است [۲ـ] مردی که قرآن به او داده شده ولی ایمان داده نشده است [۳ـ] مردی که هم قرآن و هم ایمان هر دو به او داده شده است [۴ـ] مردی که نه قرآن به او داده شده است و نه ایمان.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! حالات آن‌ها را برایم شرح بده. پس حضرت فرمود: امّا آن کس که ایمان دارد ولی از قرآن محروم شده است، در مَثَل به خرما ماند که مزه‌اش شیرین است ولی بویی ندارد.

وامّا الّذى اُوتي القرآن ولم يؤت الايمان فمثله كمثل الآس ريحها طيّب وطعمها مرّ وامّا من اُوتي القرآن فَمَثَلُه كَمَثَلِ الاُترجة ريحها طيّب وطعمها طيّب وامّا الذي لم يؤت الايمان ولا القرآن فَمَثَلُه كَمَثَل الحنظلة طعمها مرّ ولا ريح لها.

الجعفريات ۲۳۰: باسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: القلوب أربعة فقلب فيه ايمان وليس فيه قرآن.

وذكر نحوه إلّا أن فيه وامّا القلب الذي فيه قرآن وايمان كجراب المسك ان فتح فتح طيّباً وان وعى وعى طيّباً.

(۸)
باب ثواب من علّم ولده القرآن

قال تعالى في سورة البقرة (۲): ۹۷: ﴿قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.

۱۱۰ ۲۵٦۷۲ (۱) **تفسير العسكري** عليه السلام ۴۵۰: في قوله تعالى: وَبُشْرىٰ لِلْمُؤْمِنينَ وذلك انّ القرآن يأتي يوم القيامة بالرجل الشاحب[1] يقول لربّه عزّ وجلّ يا ربّ هذا أظمأتُ نهاره وأسهرت ليله وقوّيت في رحمتك طمعه وفسحت في مغفرتك أمله فكن عند ظنّي فيك وظنّه يقول اللّه تعالى اعطوه الملك بيمينه والخلد بشماله واقرنوه بأزواجه من الحور العين واكسوا والديه حلّة لايقوم لها الدّنيا بما فيها.

---

۱. الشابّ خ ل.

و امّا کسی که [به عکس اوّلی] قرآن به او داده شده است ولی ایمان به او داده نشده است مَثَلش چون گل ماند که بویش خوش ولی مزه‌اش تلخ است.

و امّا کسی که هم قرآن و هم ایمان به او روزی شده است در مَثَل به مانند میوهٔ ترنج می‌باشد که هم خوشمزه است و هم خوشبو است و امّا آن کس که به او نه ایمان و نه قرآن هیچ کدام داده نشده است به مانند میوهٔ حنظل است که هم مزه‌اش تلخ باشد و هم بدبو است.»

در کتاب جعفریّات از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دل‌ها چهار گونه است: یکی دلی که در آن ایمان است ولی در آن قرآن نیست (و دنبالهٔ حدیث را حدیث فوق ذکر کرده است) با این تفاوت که در این کتاب آمده است: امّا آن دلی که هم در آن قرآن است و هم ایمان مانند انبانی پر از مُشک است که اگر آن رابگشاید، عطر خوشبویی را گشوده است و اگر در ظرف آن را بِدارد، عطر خوشبویی را در ظرف نگاه داشته است.»

باب ۸
پاداش آموزش قرآن به فرزند

خداوند تعالی فرموده است:

[ای پیامبر] بگو: هر کس دشمن جبرئیل است [بداند که] همین [جبرئیل] بود که قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو فرود آورد که کتاب‌های آسمانی پیش از خود را تأیید می‌کند و راهنما و مژده دهندهٔ مؤمنان است.[1]

(۱) در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام در ذیل این فرموده خداوند عزّ و جلّ: «**و قرآن به مؤمنان مژده می‌دهد**» حضرت فرموده: «ماجرای مژده دادن قرآن از این قرار است که قرآن در روز قیامت به صورت ۱۱۰
جوانی می‌آید. به پروردگار عزّ و جلّ عرض می‌کند: ای پروردگار! من این شخص را در روز [بر اثر روزه گرفتن] تشنه نگاه داشتم و در شب او را به شب‌زنده‌داری وا داشتم. امید به رحمت تو را در وجودش مستحکم ساختم و آرزویی را که به آمرزش تو داشت بیشتر کردم، پس چنان باش که من و او به تو گمان و امید داشتیم.

خداوند بلندمرتبه [در پاسخ قرآن] می‌فرماید: پادشاهی را به دست راست و جاودانگی [در بهشت] را به دست چپش بدهید و او را به نزد همسران حورالعین و بهشتی‌اش ببرید و به پدر و مادرش لباس فاخری که از دنیا و آنچه در آن است، گرانبهاتر است بپوشانید.

---

۱. بقره ۹۷/۲.

فينظر إليهما الخلايق فيعظّمونهما وينظران إلى أنفسهما فيعجبان منها فيقولان ياربّنا أنّىٰ لنا هذه ولم تبلغها أعمالنا.

فيقول اللّه عزّ وجلّ ومع هذا تاج الكرامة لم ير مثله الرائون ولم يسمع بمثله السامعون ولايتفكّر في مثله المتفكّرون.

فيقال هذا بتعليمكما ولدكما القرآن وتبصيركما إيّاه بدين الإسلام ورياضتكما إيّاه على حبّ محمّد رسول اللّه وعليّ وليّ اللّه صلوات اللّه عليهما وتفقيهكما إيّاه بفقههما لأنّهما اللّذان لا يقبل اللّه لأحد إلّا بولايتهما ومعاداة أعدائهما عملاً وان كان ملّ بين الثرى إلى العرش ذهباً تصدق به في سبيل اللّه الخبر.

۱۱۱ ۲۵٦۷۳ (۲) وفيه ۶۱ عن **رسول اللّه**ﷺ انّه قال وانّ والدَي القارئ ليتوّجان بتاج الكرامة يضيء نوره من مسيرة عشرة آلاف سنة ويكسيان حلّة لايقوم لأقلّ سِلْكٍ منها مأة ألف ضعف ما في الدنيا بما يشتمل عليه من خيراتها ثمّ يعطى هذا القارئ الملك بيمينه في كتاب والخلد بشماله في كتاب يقرء من كتابه بيمينه قد جعلت من أفاضل ملوك الجنان ومن رفقاء محمّد سيّد الأنبياء وعليّ خير الأوصياء والأئمّة من بعدهما سادة الأتقياء.

ويقرء من كتابه بشماله قد أمنت الزوال والانتقال عن هذا الملك أعذت من الموت والأسقام وكفيت الأمراض والأعلال وجنّبت حسد الحاسدين وكيد الكائدين ثمّ يقال له اقرأ وارق ومنزلك عند آخر آية تقرئها. فإذا نظر والداه إلى حلّتيهما وتاجيهما قالا ربّنا أنّىٰ لنا هذا الشرف ولم تبلغه أعمالنافيقول لهماكرام ملائكة اللّه عن اللّه عزّ وجلّ هذا لكما بتعليمكما[1] ولدكما القرآن.

---

۱. لتعليمكما ـ خ.

در این وقت، نگاه‌های اهل محشر متوجّه آن دو [پدر و مادر قاری قرآن] می‌شود و در آن‌ها عظمت و بزرگی فراوانی مشاهده می‌کنند. خود پدر و مادرش نیز به خود می‌نگرند و از زیبایی این لباس شگفت‌زده می‌شوند و می‌گویند: ای پروردگار! از کجا [و به پاداش چه عملی] این لباس فاخر به ما داده شد؟ با اینکه کردار ما در خور این شایستگی نبود.

خداوند بزرگ [در پاسخ آن‌ها] می‌فرماید: علاوه بر این، تاج کرامتی بر سر شما می‌گذارم که هیچ بیننده‌ای همانند آن را ندیده باشد و هیچ شنونده‌ای آوازهٔ مشابه آن را نشنیده باشد و نظیر آن بر اندیشهٔ هیچ اندیشمندی خطور نکرده باشد.

وانگهی اعلام می‌شود که این‌ها همه به پاس تلاش شما برای آموختن قرآن و اسلام به فرزندتان می‌باشد. شما او را بر دوستی و محبّت پیامبر خدا، محمّدﷺ و ولیّ خدا! علی‌ؑ تربیت کردید و او را با فقه و دانش آن‌ها آشنا کردید زیرا این دو [محمّد و علی‌ؑ] کسانی هستند که خداوند هیچ عملی را از احدی نپذیرد مگر با ولایت و دوستی آن‌ها و دشمنی عملی با دشمنان آنها، اگر چه آن عمل این باشد که از زمین تا عرش پر از طلا باشد و آن را در راه خدا انفاق کند.»

(۲) در تفسیر امام حسن عسکری‌ؑ از پیامبر خداﷺ نقل شده است که فرمود: «بر سر پدر و ۱۱۱
مادر قاری قرآن تاج کرامتی می‌نهند که نور آن از فاصلهٔ ده سال راه دیده می‌شود و لباس فاخری بر آن‌ها می‌پوشانند که اگر دنیا و خوبی‌هایش صد هزار برابر شود به اندازهٔ یک نخ آن ارزش ندارد. آنگاه حکم پادشاهی به صورت نوشته‌ای به دست راستش و حکم جاودانگی در بهشت در نوشتهٔ دیگری به دست چپش داده می‌شود. در نوشتهٔ دست راستی چنین می‌خواند: تو جزو برترین پادشاهان بهشتی و با محمّدﷺ آقای پیامبران و علی بهترین جانشین او و دیگر امامان پس از او که سرور پرهیزگارانند همنشین می‌باشی.

و در نوشتهٔ دست چپ خود می‌خواند: تو برای همیشه از نابودی و زوال این پادشاهی در امان خواهی بود و از مرگ و میر و بیماری‌ها در پناه ما مصون خواهی بود و از هر گونه مرض و کسالتی نگاه داشته خواهی شد و از حسد حسودان و نیرنگ نیرنگبازان دور خواهی ماند.

سپس به [قاری قرآن] گفته شود: بخوان و بالا رو و خانه‌ات پیش آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی.

پس چون نگاه پدر و مادر او به لباس فاخر و تاج‌شان می‌افتد می‌گویند: ای پروردگار! این همه شرافت از کجا؟ کردار ما که به این اندازه ارزش و پاداش نداشت؟ پس فرشتگان با کرامت الهی از طرف خداوندﷻ به آن‌ها پاسخ می‌دهند که: این پاداش‌ها به پاس اینکه به فرزندتان قرآن آموختید، تعلّق گرفت.»

۱۱۲ ۲۵٦٧٤ (۳) **جامع الأخبار** ۱۳۲: قال **رسول اللّه**ﷺ من علّم ولده القرآن فكأنّما حجّ البيت عشرة آلاف حجّة واعتمر عشرة آلاف عمرة وأعتق عشرة آلاف رقبة من ولد إسماعيل وغزا عشرة آلاف غزوة وأطعم عشرة آلاف مسكين مسلم جائع وكأنّما كسا عشرة آلاف عار مسلم ويكتب له بكلّ حرف عشر حسنات ويمحىٰ عنه عشر سيّئات.

ويكون معه في قبره حتّى يبعث ويثقل ميزانه ويجاوز به على الصراط كالبرق الخاطف ولم يفارقه القرآن حتّى ينزل به من الكرامة أفضل ما يتمنّى.

۱۱۳ ۲۵٦٧٥ (٤) **مجمع البيان** ۱/۹: عن **رجاء** بن حياة قال كنّا يوماً أنا وأبي عند معاذ بن جبل فقال من هذا يا حياة؟ فقال: هذا ابني رجاء.

فقال معاذ هل علّمته القرآن؟ قال: لا، قال فعلّمه القرآن فانّي سمعت رسول اللّهﷺ يقول ما من رجل علّم ولده القرآن إلّا توّج أبواه يوم القيامة بتاج الملك وكسيا حلّتين لم ير الناس مثلهما ثمّ ضرب بيده علىٰ كتفي فقال: يا بنيّ إذا استطعت أن تكسو أبويك يوم القيامة حلّتين فافعل.

وتقدّم في رواية مجمع البيان (۱٦) من باب (۱) فضل القرآن قولهﷺ إذا قال المعلّم للصّبيّ قل بسم اللّه الرّحمن فقال كتب اللّه براءة للصبيّ وبراءة لأبويه وبراءة للمعلّم.

ويأتي في رواية الصدوق (۱) من الباب التالي قولهﷺ وعلّموهنّ سورة النّور.

وفى رواية أبيّ بن كعب (۷۳) من باب (۲۲) فضائل السور قولهﷺ فانّه ايّما مسلم تلاها (أي سورة يوسف) وعلّمها أهله وماملكت يمينه هوّن اللّه تعالى عليه سكرات الموت.

۱۱۲ (۳) در کتاب جامع الاخبار از پیامبرﷺ نقل شده است که حضرت فرمود: «کسی که به فرزندش قرآن یاد بدهد، گویی ده هزار بار به حجّ رفته است و ده هزار بار حجّ عمره انجام داده است و ده هزار برده از فرزندان اسماعیل، آزاد کرده است و ده هزار بار به جنگ رفته است و ده هزار مسلمان فقیر گرسنه را غذا داده است و گویا ده هزار نفر مسلمان برهنه را پوشاک داده است و به عدد هر حرف [از حروف قرآن] ده ثواب برایش نوشته می‌شود و ده گناه از او پاک می‌شود.

و [قرآن] در قبر با او خواهد بود تا روزی که برانگیخته شود و ترازوی [عمل] او را سنگین می‌کند و او را مثل برق تندرو بر پُل صراط عبور دهد و قرآن از او جدا نشود تا اینکه او را به کرامتی برساند که فوق تصوّر و توقّع او باشد.»

۱۱۳ (۴) رجاء بن حیاة گوید: «روزی من و پدرم پیش معاذ بن جبل بودیم. [معاذ] گفت: ای حیات! این [نوجوان] کیست؟ پدرم گفت: این پسرم رجاء است.

پس معاذ گفت: آیا به او قرآن آموخته‌ای؟ [پدرم] گفت: نه. گفت: به او قرآن بیاموز، چون من از پیامبر خداﷺ شنیدم که فرمود: هیچ مردی به فرزندش قرآن نمی‌آموزد مگر اینکه روز قیامت بر سر پدر و مادرش تاج پادشاهی می‌گذارند و دو لباس فاخر بر آن‌ها می‌پوشانند که مردم بـه خـوبیِ آن ندیده‌اند. سپس [معاذ] دستش را به شانهٔ من زد و گفت: ای پسر خوبم! اگر می‌توانی که روز قیامت، دو لباس زیبا بر تن پدر و مادرت بپوشانی، حتماً این کار را بکن.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت شانزدهم از باب یکم فرموده معصومﷺ که: «هر گاه معلّم و آموزگارِ قرآن، به کـودک بگوید: بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم» و او بگوید، خداوند یک نـجات نـامه [از آتش دوزخ] بـرای کودک و یک برای پدر و مادرش و یکی برای معلم می‌نویسد.»

می‌آید:

در روایت یکم از باب بعدی فرموده امامﷺ که: «به زن‌ها سوره نور بیاموزید.»

و در روایت هفتاد و سوم از باب بیست و دوم فرموده پیامبرﷺ که: «هر مسلمانی این سوره را (یعنی سوره یوسف را) بخواند و به اعضاء خانواده‌اش نیز یاد دهد همچنین به برده‌هایی که مـالک آن‌هاست بیاموزد، خداوند سختی‌های جان کندن را در وقت مرگ، بر او آسان می‌گرداند.»

وفي رواية الخثعمي (۱۱۴) قوله ﷺ علّموا أولادكم يٰسٓ فانّها ريحانة القرآن.

(۹)

باب كراهة تعليم النساء وتعلّمهنّ الكتابة وسورة يوسف ﷺ واستحباب تعليمهنّ وتعلّمهن المغزل وسورة النّور

١١٤ ٢٥٦٧٦ (١) **فقيه** ١/٢٤٥: قال أبو عبدالله ﷺ لاتنزلوا النساء الغرف ولا تعلّموهنّ الكتابة ولا تعلّموهنّ سورة يوسف وعلّموهنّ المغزل وسورة النّور فاذا سبّحت المرأة عقدت على الأنامل لأنّهنّ مسؤولات يوم القيامة.

١١٥ ٢٥٦٧٧ (٢) **الخصال** ٥٨٦: باسناده المتقدّم في باب (۴) استحباب الأذان والإقامة للنّساء عن **جابر** بن يزيد الجعفي قال سمعت أبا جعفر محمد بن عليّ الباقر ﷺ يقول ولايجوز لهنّ نزول الغرف ولا تعلّم الكتابة ويستحبّ لهنّ تعلّم المغزل وسورة النور ويكره لهنّ تعلّم سورة يوسف.

ويأتي في رواية أُبي بن كعب (۷۴) من باب (۲۲) فضائل السُّورَ قوله ﷺ أيّما مسلم تلا سورة وعلّمها أهله وما ملكت يمينه هوّن الله تعالى عليه سكرات الموت.

وفي رواية ابن مسكان (۹۶) قوله ﷺ حصّنوا أموالكم وفروجكم بتلاوة سورة النّور وحصّنوا بها نسائكم فان من أدمن قرائتها في كلّ يوم أو في كلّ ليلة لم يزن أحد من أهل بيته أبداً حتّى يموت الخ.

ولاحظ باب ۴۷ حكم انزال النساء في الغرف من أبواب مباشرة النساء في كتاب النكاح.

(۱۰)

باب أنّ القرآن عَهْدُ الله تعالى إلىٰ خلقه فينبغي للمسلم أن ينظر في عهده ويقرء منه كلّ يوم خمسين آية أو أكثر

١١٦ ٢٥٦٧٨ (١) **كافي** ٢/٦٠٩: عليّ عن أبيه عن حمّاد عن **حريز** عن أبي عبدالله ﷺ قال القرآن عهد الله إلى خلقه فقد ينبغي للمرء المسلم أن ينظر في عهده وان يقرأ منه في كلّ يوم خمسين آية.

و در روایت صد و چهاردهم فرموده پیامبرﷺ که: «به فرزندان‌تان «سورهٔ یٰس» یاد دهید که آن سوره، گُل قرآن است.»

باب ۹

کراهت تعلیم سوره «یوسف» به زنان و استحباب تعلیم سوره «نور»

۱۱۴ (۱) از امام جعفر صادقؑ روایت شده است که فرمود: «زنان را در اتاق‌های فوقانی، ساکن نکنید و سوره یوسف را به آن‌ها یاد ندهید و هر گاه زن می‌خواهد تسبیح بگوید با سر انگشتان خود [تعداد سبحان الله را] بشمارد چون حتّی سر انگشتان هم در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرند.»

۱۱۵ (۲) جابر بن یزید جعفی گوید: «از امام باقرؑ شنیدم که فرمود: روا نیست برای آن‌ها (زنان) ساکن شدن در اتاق‌های فوقانی و یاد گرفتن نویسندگی و پسندیده است که آن‌ها (زنان) ریسندگی و سورهٔ نور یاد بگیرند و آموزش سوره یوسف برای آن‌ها کراهت دارد.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت هفتاد و چهارم از باب بیست و دوم فرموده امامؑ که: «هر مسلمانی که سوره یوسف را تلاوت کند و به اعضاء خانواده و برده‌هایی که مالک آن‌هاست بیاموزد، خداوند متعال سختی‌های جان کندن را بر او آسان کند.»

و در روایت نود و ششم فرموده امامؑ که: «اموال و نوامیس خود را با خواندن سوره نور، در حصار محکمی قرار دهید و با مداومت ورزیدن بر خواندن آن، زنان خود را در سنگر [پاکدامنی] قرار دهید چرا که هر کس بر خواندن سوره مبارکهٔ نور مداومت ورزد و در هر شبانه روز یک بار بخواند، تا زنده است هیچ یک از اعضاء خانواده‌اش هرگز زنا نخواهد کرد.»

و باب چهل و هفتم در کتاب نکاح حکم ساکن کردن زنان در طبقات فوقانی، بیان می‌شود پس بنگر.

باب ۱۰

خواندن پنجاه یا صد آیه در هر روز

۱۱۶ (۱) حریز از امام صادقؑ روایت کرده است که فرمود: «قرآن، عهدنامهٔ [فرمان نامه] خداوند است برای آفریدگانش، پس سزاوار است که مسلمان به پیمان نامهٔ [فرمان نامه] خداوند توجّه داشته باشد و هر روز [حدّاقل] پنجاه آیه از آن را بخواند.»

۱۱۷ ۲۵۶۷۹ (۲) **التهذيب** ۱۳۸/۲: محمّد بن أحمد بن يحيى عن معاوية بن حكيم عن معمّر بن خلاّد عن الرّضاؑ قال: سمعت يقول ينبغي للرجل إذا أصبح أن يقرأ بعد التعقيب خمسين آية.

۱۱۸ ۲۵۶۸۰ (۳) **جامع الأخبار** ۱۱۶: قال **عليّ**ؑ[1] من قرأ كل يوم مأة آية في المصحف بترتيل وخشوع وسكون كتب اللّه له من الثواب بمقدار ما يعمله جميع أهل الأرض ومن قرأ مأتي آية كتب اللّه له من الثواب بمقدار ما يعمله أهل السماء وأهل الأرض.

وفي مرسلة فقيه (۷) من باب (۵۷) مافرض على الجوارح من أبواب جهاد النفس ج ۱۷: قولهؑ وعليك بقراءة القرآن والعمل بما فيه (إلى أن قال) فانّه عهد من اللّه تبارك وتعالى إلى خلقه فهو واجب علىٰ كلّ مسلم ان ينظر كلّ يوم في عهده ولو خمسين آية الخ. فلاحظ.

(۱۱)

باب استحباب قراءة سورة أو آيات من القرآن في كلّ ليلة

قال اللّه تعالى في سورة المزّمّل (۷۳): ۲۰: ﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْءَانِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾.

۱۱۹ ۲۵۶۸۱ (۱) **كافي** ۶۱۱/۲: (عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وسهل بن زياد وعلي بن إبراهيم عن أبيه جميعاً ـ معلّق) عن ابن محبوب عن جميل بن صالح عن **الفضيل** بن يسار عن أبي عبداللّهؑ قال ما يمنع التّاجر منكم المشغول في سوقه إذا رجع إلى منزله أن لا ينام حتّى يقرأ سورة من القرآن فتكتب له مكان كل آية يقرؤها عشر حسنات ويمحىٰ عنه عشر سيّئات.

وتقدّم مثله في رواية الفضيل (۵) من باب (۳) فضل حفظ القرآن.

---

۱. قال النبيّ ﷺ ـ ك.

۱۱۷ (۲) معمّر بن خلّاد گوید: «از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: سزاوار است انسان در سحرگاهان پس از تعقیبات [نماز صبح] پنجاه آیه بخواند.»

۱۱۸ (۳) در کتاب جامع الاخبار چنین روایت شده است که: «علی علیه السلام فرمود: کسی که هر روز صد آیه از روی قرآن با درستی و توجّهِ قلبی و آرامش [دل] بخواند، خداوند به اندازهٔ اعمال صالح همه مردم روی زمین برایش ثواب می‌نویسد.

و کسی که دویست آیه بخواند، خداوند به اندازهٔ اعمال اهل آسمان و اهل زمین برایش ثواب می‌نویسد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت هفتم از باب پنجاه و هفتم از باب‌های جهاد با نفس فرموده امام علیه السلام که: «بر تو باد خواندن قرآن و عمل کردن به دستورات آن (تا اینکه فرمود:) قرآن، پیمان خداوند تبارک و تعالی است که برای بندگانش فرستاده است. پس بر هر مسلمانی واجب است که هر روز به پیمان الهی نگاه کند [و آن را بخواند] اگر چه پنجاه آیه باشد» تا پایان روایت پس ملاحظه کن.»

باب ۱۱

استحباب خواندن سوره‌ای یا چند آیه از قرآن در هر شب

خداوند متعال می‌فرماید:

پس آنچه میسّر است قرآن بخوانید، خداوند می‌داند که عدّه‌ای از شما به زودی بیمار می‌شوند [و دیگر قادر به خواندن قرآن نیستند] و عدّه‌ای دیگر در طلب روزی به سفر می‌روند و عدّه‌ای دیگر در راه خدا به جنگ می‌روند. پس [هم اکنون که هیچ یک از این موانع پیش نیامده، فرصت را غنیمت شمارید] و آنچه از دست‌تان بر می‌آید قرآن بخوانید. [۱]

۱۱۹ (۱) فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «تاجری که مشغول کسب و کار است در بازار چه چیز مانع او می‌شود که چون به خانه بر می‌گردد، نخوابد مگر اینکه سوره‌ای از قرآن بخواند تا به هر آیه‌ای که می‌خواند، ده حسنه برایش نوشته شود و ده گناه از او محو شود.»

همانند همین روایت، پیش از این در روایت پنجم از باب سوم هست.

---

۱. مزّمّل ۷۳/۲۰.

۱۲۰ ۲۵۶۸۲ (۲) **كافي** ۲/۶۱۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن خالد والحسين بن سعيد جميعاً المعاني ۱۴۷: الثواب ۱۲۹: حدّثنا محمدبن الحسن (بن أحمد بن الوليد ـ المعاني) ﷺ قال حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد أمالي الصدوق ۵۸: حدّثنا محمد بن الحسن ﷺ قال حدّثنا الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد عن النّضر بن سويد عن يحيى الحلبيّ عن محمد بن مروان عن **سعد** بن طريف (ظريف ـ أمالي) عن أبي جعفر (الباقر عن أبيه عن جدّه ـ امالي) ﷺ قال: قال رسول اللّه ﷺ من قرأ عشر آيات في ليلة لم يكتب من الغافلين ومن قرأ خمسين آية كتب من الذاكرين ومن قرأ مأة آية كتب من القانتين ومن قرأ مأتي آية كتب من الخاشعين ومن قرأ ثلاث مأة آية كتب من الفائزين و من قرأ خمسمأة آية كتب من المجتهدين ومن قرأ ألف آية كتب له قنطار (من تِبْرٍ ـ كا) القنطار خمسة عشر ألف مثقال من ذهب[۱] والمثقال أربعة وعشرون قيراطاً أصغرها مثل جبل اُحد وأكبرها مابين السماء والأرض.

۱۲۱ ۲۵۶۸۳ (۳) **العيون** ۲/۱۸۲: بالاسناد المتقدم في باب (۱۰) عدد الركعات من أبواب فضل الصلاة عن **رجاء** بن أبي ضحاك يقول بعثني مأمون في اشخاص علي بن موسى الرضاﷺ (إلى أن قال) وكانﷺ يكثر باللّيل في فراشه من تلاوة القرآن فاذا مرّ بآية فيها ذكر جنّة أو نار بكى وسئل اللّه الجنّة وتعوّذ به من النار.

وتقدّم في رواية بكر (۳۶) من باب (۱) فضل القرآن قولهﷺ مامنعني ذلك ان قرأت اللّيلة ثلاثين سورة فيهنّ السبع الطوال وفي رواية إسحاق (۴۲) قوله ومن قرء مأتي آية في ليلة في غير صلاة الليل كتب اللّه له في اللوح المحفوظ قنطاراً من الحسنات.

ويأتي في رواية نوف من باب (۲۱) تحريم استعمال الملاهي من أبواب مايكتسب به قوله ويخرج عليّ ﷺ ساعة بعد ساعة (في الليل) فينظر إلى السمآء ويتلو القرآن.

---

۱. والقنطار خمسة آلاف مثقال ذهب ـ معاني ـ والقنطار خمسمأة ألف مثقال ذهباً ـ ثواب ـ والقنطار خمسون ألف مثقال ذهب ـ أمالي.

(۲) سعد بن طریف از امام باقر(ع) و آن حضرت از پدرش و او از جدّش روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرمود: «کسی که در یک شب، ده آیه بخواند از غافلان به شمار نیاید و کسی که پنجاه آیه بخواند از ذکر کنندگان به حساب آید و کسی که سیصد آیه بخواند جزو رستگاران خواهد بود و کسی که پانصد آیه بخواند از تلاش کنندگان به حساب آید و کسی که هزار آیه بخواند برای او یک قنطار نوشته می‌شود و یک قنطار، پانزده هزار مثقال طلا می‌باشد و یک مثقال عبارت است از بیست و چهار قیراط که کوچکترین قیراط به اندازهٔ کوه اُحد و بزرگترین آن به اندازهٔ زمین تا آسمان است.» ۱۲۰

(۳) رجاء بن ابی ضحّاک گوید: «مأمون مرا برای جلب و احضار علی بن موسی الرضا(ع) فرستاد (تا آنجا که گوید:) حضرت، شب‌ها در میان بسترش زیاد قرآن تلاوت می‌کرد و هر گاه به آیه‌ای می‌رسید که سخن از بهشت و یا آتش [دوزخ] به میان آورده بود، گریه می‌کرد و از خداوند بهشت را درخواست می‌کرد و از آتش به او پناه می‌برد.» ۱۲۱

ارجاعات

گذشت:

در روایت سی و ششم از باب یکم فرموده پیامبراکرم(ص) که: «بیماری مانع نشد که من امشب سی سوره قرآن بخوانم که هفت سوره آن از سوره‌های بلند بود.»

و در روایت چهل و دوم این گفته که: «کسی که در یک شب، دویست آیه در غیر نماز شب بخواند خداوند در لوح محفوظ یک قنطار [پانزده هزار] حسنه برایش می‌نویسد.»

می‌آید:

در روایت بیست و یکم از باب‌های یکتسب به این گفته که: «علی(ع) ساعت به ساعت (در آن شب) بیرون می‌آمد و به آسمان نگاه می‌کرد و قرآن می‌خواند.»

(۱۲)

باب استحباب ختم القرآن بمكّة المكرّمة والاكثار من تلاوته في شهر رمضان

۱۲۲ ۲۵٦۸٤ (۱) **مستدرك** ۲۶۷/۴: بعض نسخ الفقه الرضوي عليه السلام في سياق مناسك الحجّ فان قدرت أن لاتخرج من مكّة حتّى تختم القرآن فافعل فانّه يستحبّ ذلك.

وتقدّم في أحاديث باب (۱) فضل شهر رمضان وتأكّد استحباب قراءة القرآن فيه من أبواب فضل شهر رمضان وباب (۳) تعيين ليلة القدر وباب (۴) ماورد من الدعاء عند رؤية هلال شهر رمضان وباب (۳۶) لستحباب قراءة سورة انّا أنزلناه عند الفطور من أبواب ما يجب الإمساك عنه وباب (۹) مايحرم على المعتكف من أبواب الاعتكاف ما يدلُّ علىٰ ذيل الباب.

وفي رواية أبي حمزة (۱۳) من باب (۳) فضل مكّة من أبواب بدء المشاعر قوله عليه السلام من ختم القرآن بمكّة من جمعة إلى جمعة أو أقلّ من ذلك أو أكثر وختمه في يوم جمعة كتب له من الأجر والحسنات من أوّل جمعة كانت في الدنيا إلى آخر جمعة تكون فيها وان ختمه في سائر الأيّام فكذلك.

(۱۳)

باب ماورد في انّ القرآن في كم يختم وكيف يقرء وانّ حقّ تلاوته أن يقرء بالترتيل والحزن والرقّة والبكاء والوجل وخفض الصوت والوقوف عند آيات الوعد والوعيد وسؤال الجنّة والتعوّذ من النّار

قال اللّه تعالى فى سورة المزّمّل (۷۳): ۴: ﴿أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلاً﴾.

الفرقان (۲۵): ۳۲: ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَٰحِدَةً كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَـٰهُ تَرْتِيلاً﴾.

الإسراء (۱۷): ۱۰۶: ﴿وَقُرْءَانًا فَرَقْنَـٰهُ لِتَقْرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَـٰهُ تَنزِيلاً﴾.

باب ۱۲

زیاد خواندن قرآن در مکّه و در ماه مبارک رمضان

(۱) در کتاب مستدرک ذکر شده است که: «در بعضی از نسخه‌های فقه رضوی [فقه منسوب به امام رضا (ع) بنام فقه الرضا (ع)] در ضمن بیان احکام حج چنین آمده است: «اگر می‌توانی از مکّه خارج نشوی مگر اینکه قرآن را ختم کنی، پس حتماً این کار را بکن چون کار بسیار پسندیده‌ای است.» ۱۲۲

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب یکم از باب‌های فضیلت ماه رمضان و باب سوم، چهارم و باب سی و ششم از باب‌های آنچه در مسواک واجب است و باب نهم از باب‌های اعتکاف آنچه بر ذیل باب دلالت می‌کند.

و در روایت سیزدهم از باب سوم فرموده امام (ع) که: «هر کس در شهر مکّه از این جمعه تا آن جمعه یا کمتر از این مدّت یا بیشتر، یک ختم قرآن کند و در روز جمعه، آن را به پایان رساند برایش به اندازهٔ حسنات و ثواب‌های اوّلین جمعه‌ای که در دنیا بوده است تا آخرین جمعه‌ای که خواهد بود، حسنه نوشته می‌شود و اگر در روزهای دیگر [هفته] هم قرآن را به پایان رساند، همین ثواب را خواهد داشت.»

باب ۱۳

خواندن قرآن با ترتیل و توجّه

خداوند تعالی می‌فرماید:

یا بر آن [نیمی از شب] بیفزا [و بیشتر از نصف شب را بیدار بمان] و شمرده شمرده قرآن بخوان.[۱]

و کسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیلهٔ آن استوار گردانیم و آن را شمرده شمرده [بر تو] خواندیم.[۲]

قرآن را بخش بخش کردیم تا آن را به آرامی و درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج فرو فرستادیم.[۳]

---

۱. مزّمّل، آیهٔ (۴). ۲. فرقان، آیهٔ (۳۲). ۳. أسری، آیهٔ (۱۰۶).

۱۲۳ ۲۵٦۸۵ (۱) **كافي** ۲/٦۱۷: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد عن الحسين بن المختار عن محمد بن عبداللّه قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام اقرأ القرآن في ليلة قال لا يعجبني أن تقرأه في أقلّ من شهر.

۱۲٤ ۲۵٦۸٦ (۲) **وسائل** ٦/۲۱۸: علي بن موسى بن طاووس في (كتاب الاقبال) عن جعفر بن قولويه باسناده إلى أبي عبداللّه عليه السلام قال: لايعجبني أن يُقرأ القرآن في أقل من شهر.

۱۲۵ ۲۵٦۸۷ (۳) **كافي** ۲/٦۱۸: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن علي ابن أبي حمزة قال سأل أبو بصير أبا عبداللّه عليه السلام اقرأ القرآن في ليلة فقال لا فقال لا فقال في ليلتين فقال لا حتّىٰ بلغ ستّ ليال فأشار بيده فقالها ثمّ قال أبو عبداللّه عليه السلام يا أبا محمد انّ من كان قبلكم من أصحاب محمّد صلى الله عليه وآله كان يقرأ القرآن في شهر وأقلّ انّ القرآن لايقرأ هذرمة[1] ولكن يرتّل ترتيلاً إذا مررت بآية فيها ذكر النار وقفت عندها وتعوّذت باللّه من النّار فقال أبو بصير اقرأ القرآن في رمضان في ليلة فقال لا، فقال في ليلتين فقال لا فقال في ثلاث فقالها وأومأ بيده نعم شهر رمضان لايشبهه شيء من الشّهور له حقّ وحرمة أكثر من الصلاة ما استطعت.

۱۲٦ ۲۵٦۸۸ (۴) **كافي** ۲/٦۱۷: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن بعض أصحابه عن **علي** ابن أبي حمزة قال دخلت على ابي عبداللّه عليه السلام فقال له أبو بصير جعلت فداك اقرأ القرآن في شهر رمضان في ليلة فقال لا قال ففي ليلتين قال لاقال ففي ثلاث قالها وأشار بيده ثمّ قال يا أبا محمد انّ لرمضان حقّاً وحرمة لا يشبهه شيء من الشهور وكان أصحاب محمد صلى الله عليه وآله يقرأ أحدهم القرآن فى شهر أو أقلّ انّ القرآن لا يقرأ هذرمة ولكن يرتّل ترتيلاً فاذا مررت بآية فيها ذكر الجنّة فقِف عندها وسلِ اللّه عزّ وجلّ الجنّة وإذا مررت بآية فيها ذكر النّار فقِف عندها وتعوّذ باللّه من النار.

۱۲۷ ۲۵٦۸۹ (۵) **كافي** ۲/٦۱۷: محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن علي بن النعمان عن يعقوب بن شعيب عن **حسين** بن خالد عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له في كم اقرأ القرآن؟ فقال اقرأه اخماساً اقرأه أسباعاً أما انّ عندي مصحفاً مجزّئ أربعة عشر جزءاً.

---

۱. اي سريعاً

۱۲۳ (۱) محمد بن عبدالله گوید: «به امام صادقؑ عرض کردم: من در یک شب، تمام قرآن را ختم می‌کنم. حضرت فرمود: من نمی‌پسندم که تو در کمتر از یک ماه قرآن را ختم کنی.»

۱۲۴ (۲) جعفر بن قولویه به صورت مستند از امام صادقؑ نقل کرده است که حضرت فرمود: «من خوشم نمی‌آید از اینکه قرآن در مدّتی کمتر از یک ماه، دوره شود.»

۱۲۵ (۳) علی بن حمزه نقل کرده است که: «ابو بصیر از امام صادقؑ پرسید: آیا در یک شب، تمام قرآن را بخوانم؟ حضرت فرمود: نه. گفت: در دو شب؟ حضرت فرمود: نه. تا اینکه به شش شب رسید، حضرت با دست خویش اشاره فرمود و گفت: آری. سپس امام صادقؑ فرمود: ای ابا محمّد! اصحاب محمّدﷺ که پیش از شما بودند، قرآن را در یک ماه یا کمتر از اوّل تا آخر، یک بار می‌خواندند.

به راستی قرآن نباید، تند تند خوانده شود بلکه باید شمرده شمرده خوانده شود. هر گاه به آیه‌ای رسیدی که سخن از آتش دوزخ به میان آورده است، آنجا توقّف کن و به خداوند از آتش پناه ببر. ابوبصیر گوید: من در هر شب از ماه رمضان یک بار همهٔ قرآن را بخوانم؟ حضرت فرمود: نه. گفت: در دو شب؟ حضرت فرمود: نه. گفت: در هر سه شب؟ حضرت با دست اشاره کرد و گفت: آری، ماه رمضان ماهی است که هیچ ماه دیگری شریک او نیست. آن را حقّی و احترامی است، هر آنچه می‌توانی در این ماه، نماز بخوان.»

۱۲۶ (۴) علی بن ابی حمزه گوید: «در خدمت امام صادقؑ بودم. ابوبصیر به حضرت گفت: فدایت شوم! من در ماه رمضان در هر شب یک دور قرآن بخوانم؟ حضرت فرمود: نه. گفت: در دو شب؟ حضرت فرمود: نه. گفت: در هر سه شب [یکبار]؟ حضرت با دست مبارک اشاره فرمود و گفت: آری. سپس فرمود: ای ابا محمّد! [ماه] رمضان را حقّ و حرمتی است که هیچ ماه دیگر آن چنان نیست و یاران محمدﷺ در هر یک ماه یا کمتر [یک بار] قرآن را دوره می‌کردند. نباید قرآن، تند تند خوانده شود بلکه باید شمرده شمرده خوانده شود و چون به آیه‌ای رسیدی که در آن، سخن از بهشت به میان آمده همانجا بایست و از خداوندﷻ بهشت بخواه و چون به آیه‌ای رسیدی که در آن از آتش سخن گفته است آنجا نیز توقّف کن و به خداوند از آتش پناه ببر.»

۱۲۷ (۵) حسین بن خالد گوید: «به امام صادقؑ عرض کردم: در چند مدّت [یک بار] قرآن را بخوانم؟ حضرت فرمود: یک پنجم، یک پنجم بخوان [یا] یک هفتم بخوان و من خودم یک قرآنی دارم که به چهارده جزء تقسیم شده است.»

۱۲۸ ۲۵٦۹۰ (۶) **وسائل ۲۱۷/۶**: علي بن موسى بن طاووس في (كتاب الاقبال) عن **وهب** بن حفص عن أبي عبدالله عليه السلام قال سألته الرجل في كم يقرأ القرآن؟ قال: في ستّ فصاعداً قلت في شهر رمضان قال في ثلاث فصاعداً.

۱۲۹ ۲٥٦۹۱ (۷) **كافي ۶۱۴/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن معبد عن واصل بن سليمان عن **عبدالله** بن سليمان قال سألت أبا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ وَرَتِّلِ الْقُرآنَ تَرتيلاً قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه بيّنه (تبيّنه ـ خ) تبياناً ولا تهذّه هذّ الشعر[1] ولا تنثره نثر الرمل ولكن افزعوا[2] قلوبكم[3] القاسية ولا يكن هَمُّ أحدكم آخر السورة، تفسير علي بن ابراهيم ۳۹۲/۲: وَرَتِّلِ القُرآنَ ترتيلاً قال بيّنه تبياناً (وذكر مثله إلى قوله القاسية).

۱۳۰ ۲٥٦۹۲ (۸) **الدعائم ۱۶۱/۱**: عن عليّ أميرالمؤمنين عليه السلام انّه سئل عن قول الله عزّ وجلّ وَرَتِّلِ القُرآنَ تَرْتيلاً ـ قال ـ بيّنه تبييناً لاتنثره نثر الدقل ولاتهذّه هذا الشعر قفوا عند عجائبه وحرّكوا به القلوب ولا يكوننّ هَمُّ أحدكم آخر السورة **الجعفريات** باسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام انّ رسول الله صلى الله عليه وآله سُئِل عن قول الله تعالى **وَرَتِّلِ القُرآنَ ترتيلاً** فقال صلى الله عليه وآله تثبّته[4] تثبيتاً لاتنثره نثر الرمل (وذكر نحوه) **مستدرك ۲۴۲/۴**: ورواه السيّد فضل الله في نوادره باسناده عن موسى بن جعفر عن آبائه عنه صلوات الله عليهم نحوه.

۱۳۱ ۲٥٦۹۳ (۹) **كافي ۶۱۵/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **سليم الفرّاء** عمّن أخبره عن أبي عبدالله عليه السلام قال اعرب القرآن فانّه عربيّ.

۱۳۲ ۲٥٦۹٤ (۱۰) **مجمع البيان ۳۷۸/۱۰**: روى عن **أُمّ سلمة** انّها قالت كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقطع قرائته آية آية.

۱۳۳ ۲٥٦۹٥ (۱۱) ۳۷۸ وفيه **أبوبصير** عن أبي عبدالله عليه السلام في قوله تعالى: وَرَتِّلِ القُرآنَ تَرْتيلاً قال هو أن تتمكّث فيه وتحسن به صوتك.

۱۳٤ ۲٥٦۹٦ (۱۲) **كافي ۶۱۴/۲**: علي بن إبراهيم عن **ابن أبي عمير** عمّن ذكره عن أبي عبدالله عليه السلام قال انّ القرآن نزل بالحزن فاقرأوه بالحزن.

---

۱. ولا تهزّه هزّ الشعر ـ تفسير. ۲. افرغوا ـ خ. ۳. افزعوا به القلوب القاسية ـ تفسير.
۴. تبيّنه ـ ك.

۱۲۸ (۶) وهب بن حفص گوید: «از امام صادق﵇ پرسیدم: انسان در چند مدّت یک بار قرآن را ختم کند؟ حضرت فرمود: در هر شش روز یا بیشتر. گفتم: در ماه رمضان [چطور]؟ حضرت فرمود: در هر سه روز یا بیشتر.»

۱۲۹ (۷) عبدالله بن سلیمان گوید: «از امام صادق﵇ پرسیدم که مراد از فرموده خداوند﷿: «و رتّل القرآن ترتیلاً» چیست؟ حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علی﵇ فرموده‌اند: قرآن را خوب، واضح و آشکار بخوان و آن را چون شعر با شتاب مخوان و همچون ماسه و شن آن را مپاش و دل‌های سخت خود را با آن به ناله در آورید و همهٔ همّ‌تان این نباشد که سوره را به آخر برسانید.»

در تفسیر علی بن ابراهیم[1] همین حدیث تا «دل‌های سخت» ذکر شده است.

۱۳۰ (۸) در کتاب دعائم نقل شده است که: «از علی﵇ پرسیده شد که مراد از فرمودهٔ خداوند﷿: «و رتّل القرآن ترتیلاً» چیست؟ حضرت فرمود: قرآن را واضح و آشکار بخوان [کلماتش را به درستی ادا کن] و چون خرمای خشک دور ریختنی آن را مپاش و چون شعرخوانی آن را به شتاب مخوان، در کنار مطالب شگفت‌انگیز آن توقف کنید و با آن، دل‌ها[ی در خوابِ غفلت فرو رفتهٔ خود] را به حرکت در آورید و همهٔ هدف شما در تمام کردن سوره، خلاصه نشود.»

در کتاب الجعفریات نیز همین حدیث شریف نقل شده است و همچنین در کتاب مستدرک[2] حدیث فوق از امام موسی بن جعفر﵇ نقل شده است که آن حضرت از پدران [بزرگوارش] و آن‌ها از علی﵇ نقل کرده‌اند.

۱۳۱ (۹) سلیم فراء با یک واسطه از امام صادق﵇ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «قرآن را به عربی و آشکار و روشن بخوانید چون که به زبان عربیِ [روشن، نازل شده] است.»

۱۳۲ (۱۰) در تفسیر مجمع البیان از امّ سلمه نقل شده که آن بانوی گرامی فرمود: «پیامبر خدا﵌ در پایان هر آیه، خواندنش را قطع می‌کرد. [یعنی شمرده شمرده می‌خواند.]»

۱۳۳ (۱۱) ابوبصیر از امام صادق﵇ در [تفسیر] کلام خداوند: «و رتّل القرآن ترتیلاً» روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «ترتیل آن است که در آن درنگ کنی و با صدای خوش آن را بخوانی.»

۱۳۴ (۱۲) ابن ابی عُمیر با یک واسطه از امام صادق﵇ روایت کرده است که فرمود: «قرآن با اندوه نازل شده است، پس آن را با اندوه بخوانید.»

---

۱. ج (۲) صفحهٔ ۳۹۲. ۲. ج (۴) ص ۲۴۲.

۱۳۵ ۲۵۶۹۷ (۱۳) **جامع الاخبار** ۱۳۱: عن **عبدالرحمن** بن سايب قال: قَدِمَ علينا سعد بن أبي وقّاص فأتيته مسلّماً عليه فقال مرحباً يابن أخي بلغني أنّك حسن الصوت بالقرآن؟ قلت نعم والحمد للّه قال فانّي سمعت رسول اللّه ﷺ يقول انّ القرآن نزل بالحزن فاذا قرأتموه فابكوا فان لم تبكوا فتباكوا وتغنّوا به فمن لم يتغنّ بالقرآن فليس منّا.

۱۳۶ ۲۵۶۹۸ (۱۴) **مستدرك** ۴/ ۲۷۱: ورواه السيّد المرتضى في الغرر والدّرر عن **عبدالرّحمن** بن سائب قال أتيت سعداً وقد كفّ بصره فسلّمت عليه فقال من أنت؟ فأخبرته فقال مرحباً بابن أخي بلغني انّك حَسَنُ الصوت سمعت رسول اللّه ﷺ (وذكر مثله).

۱۳۷ ۲۵۶۹۹ (۱۵) **كافي** ۲/ ۶۱۵: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن معبد عن عبداللّه بن القاسم عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ؑ قال: انّ اللّه عزّ وجلّ أوحى إلىٰ موسى بن عمران ؑ إذا وقفت بين يديّ فَقِفْ موقف الذليل الفقير وإذا قرأت التوراة فأسمعنيها بصوت حزين.

۱۳۸ ۲۵۷۰۰ (۱۶) **مستدرك** ۲۷۰: القطب الراوندي في دعواته قال الصادق ؑ (مثله وزاد) وكان موسى (أي الكاظم) ؑ إذا قرأ كانت قرائته حزناً وكانّما يخاطب إنساناً.

۱۳۹ ۲۵۷۰۱ (۱۷) **كافي** ۸/ ۱۳۵: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن إسباط عنهم ؑ قال فيما وعظ اللّه عزّ وجلّ به عيسى ؑ يا عيسى أنا ربّك وربّ آبائك (إلى أن قال) يا عيسى شمّر فكلّ ما هو آت قريب واقرأ كتابي وأنت طاهر واسمعني منك صوتاً حزيناً، **أمالي الصدوق** ۴۱۸: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي قال حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل قال حدّثنا عبداللّه بن جعفر الحميري عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطّاب عن علي بن اسباط عن علي ابن أبي حمزة عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه الصادق جعفر بن محمّد ؑ (مثله).

۱۴۰ ۲۵۷۰۲ (۱۸) **كافي** ۲/ ۶۱۶: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن يعقوب بن إسحاق الضبيّ عن أبي عمران الأرمني **أمالي الصدوق** ۲۱۱: حدّثنا الحسين بن أحمد بن إدريس ؓ قال حدّثنا أبي عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعريّ عن محمد ابن أبي الصّهبان عن أبي عمران الأرمني عن عبداللّه بن الحكم عن **جابر** عن أبي جعفر (الباقر ـ أمالي) ؑ قال قلت (له ـ أمالي) أنّ قوماً إذا ذكروا شيئاً[۱] من القرآن أو حدّثوا به صعق أحدهم حتّى يرى انّ أحدهم[۲] لو قطعت

---

۱. بشيء ـ أمالي. ۲. أنّه ـ امالي.

(۱۳) عبدالرحمن بن سایب گوید: «سعد بن ابی وقّاص به خانهٔ ما آمد، من پیش او رفتم و سلام
۱۳۵ کردم. او گفت: آفرین بر تو ای برادر زاده، به من خبر رسیده که تو با صدای زیبا قرآن مـی‌خوانـی؟
گفت: بله، شکر خدا. گفت: من از پیامبر خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: قرآن با اندوه نازل شده است. هر
گاه قرآن می‌خوانید، گریه کنید و اگر به گریه نمی‌افتید حالت گریه به خود بگیرید و با قرآن زمزمه کنید
و کسی که با قرآن زمزمه نکند از ما نیست.»

۱۳۶ (۱۴) سید مرتضی‌؛ در کتاب غرر از عبدالرحمن بن سائب نقل کرده است که من پیش «سـعد»
رفتم در حالی که نابینا شده بود. به او سلام کردم. گفت: تو کیستی؟ خودم را معرّفی کـردم، پس او
گفت: آفرین بر پسر برادرم، به من خبر رسیده که تو خوش صدا هستی، از پیامبر خداﷺ شنیدم: (و
دنبالهٔ روایت را همانند روایت فوق ذکر کرده است.)

۱۳۷ (۱۵) عبدالله بن سنان از امام صادق‌ؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «خداوند با فرّ و
شکوه به موسی بن عمرانؑ وحی کرد: هر گاه در پیشگاه من می‌ایستی، همانند گدای ذلیل بایست
و هر گاه تورات می‌خوانی، با صدای اندوهناکی آن را به سمع من برسان.»

۱۳۸ (۱۶) قطب راوندی در کتاب دعوات نقل کرده است که: «امام صادقؑ فـرموده است: (سـپس
روایت فوق را ذکر کرده و افزوده است که:) امام موسی کاظمؑ وقتی قرآن می‌خواند با صدای حزین
می‌خواند و گویی انسانی را مورد خطاب قرار داده.»

۱۳۹ (۱۷) علی بن اسباط از ائمهٔ اطهارؑ نقل کرده است که فرموده‌اند: «از جمله اندرزهای خداوند با فرّ
و شکوه به حضرت عیسیؑ این بود که: ای عیسی! من پروردگار تو و پروردگار پدران تو هستم (تا
آنجا که می‌فرماید:) ای عیسی! دامن همّت به کمر زن چرا که آنچه قرار است بیاید [قیامت] نزدیک
است و با طهارت، کتاب مرا بخوان و صدای اندوهناک خودت را به من بشنوان.»

در کتاب امالی صدوق آمده است: «ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده است که: (پس همان
روایت فوق ذکر شده است).»

۱۴۰ (۱۸) جابر گوید: «به امام باقرؑ عرض کردم عدّه‌ای هستند که وقتی آیاتی چند از قرآن برایشان
خوانده شود یا حرف آن‌ها زده شود، بی‌هوش می‌شوند به گونه‌ای که اگر دستان یا پاهای آن‌ها بریده

يداه أو [1] رجلاه لم يشعر بذلك فقال سبحان اللّه ذاك من الشيطان مابهذا نعتوا [2] انّما هو اللّين والرّقة الدمعة والوجل (كا ـ أبو علي الأشعريّ عن محمد بن حسان عن أبي عمران الأرمني عن عبداللّه بن الحكم عن **جابر** عن أبي جعفر ؑ مثله).

۱۴۱ ۲۵۷۰۳ (۱۹) **مجمع البيان** ۳۷۸/۵: عن أبي عبداللّه ؑ قال إذا مررت بآية فيها ذكر الجنّة فاسأل اللّه الجنّة وإذا مررت بآية فيها ذكر النّار فتعوّذ باللّه من النّار.

۱۴۲ ۲۵۷۰۴ (۲۰) وفيه ۱۹۸/۱: في قوله تعالى ﴿الَّذينَ آتَيْناهُمُ الكِتابَ يَتْلُونَهُ حقَّ تَلاوَتِهِ﴾ روى عن أبي عبداللّه ؑ انّ حقّ تلاوته هوالوقوف عند ذكر الجنّة والنّار يسأل في الأُولىٰ ويستعيذ من الأُخرىٰ.

۱۴۳ ۲۵۷۰۵ (۲۱) **كافي** ۳۰۱/۳: محمد بن يحيى عن **تهذيب** ۲۸۶/۲: أحمد بن محمد عن عثمان بن عيسى عن سماعة قال قال أبو عبداللّه ؑ ينبغي لمن قرء القرآن إذا مرّ بآية من القرآن فيها مسألة أو تخويف ان يسئل (اللّه ـ كا) عند (عن ـ خ يب) ذلك خير ما يرجو ويسأله (يسأل خ يب) العافية من النّار ومن العذاب.

الخصال ۶۲۹: حدّثنا أبي ؓ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه قال حدّثني محمد بن عيسى بن عبد اليقطيني عن القاسم بن يحيى عن جدّه الحسن بن راشد عن أبي بصير **ومحمّد** بن مسلم عن أبي عبداللّه ؑ قال حدّثني أبي عن جدّي عن آبائه ؑ قال أمير المؤمنين ؑ إذا قرأتم من المسبّحات الأخيرة ـ فقولوا سبحان اللّه الأعلى ـ وإذا قرأتم (انّ اللّه وملائكته يصلّون على النبيّ) فصلّوا عليه في الصّلاة كنتم أو في غيرها (إلى أن قال) إذا قرأتم (والتّين) فقولوا في آخرها «ونحن على ذلك من الشاهدين» إذا قرأتم «قُولُوا آمنّا باللّه» فقولوا آمنّا باللّه حتّى تبلغوا إلى قوله مسلمون.

---

۱. ورجلاه ـ أمالي. ۲. امروا ـ أمالي.

شود، احساس نمی‌کنند. حضرت فرمود: پاک است خداوند، این [کار] از شیطان است به این‌گونه اوصاف، امر نشده‌اند، آنچه که [محمود و وصف پسندیده است] او، لطافت روح و نازک‌دلی و اشک و ترس است.»

همین روایت با سند دیگری از امام باقر ﷺ نیز نقل شده است.

۱۴۱ (۱۹) در تفسیر مجمع البیان از امام صادق ﷺ روایت شده است که حضرت فرمود: «هر گاه به آیه‌ای می‌رسی که دربارهٔ بهشت سخن گفته است، پس از خداوند بهشت را درخواست کن و چون به آیه‌ای می‌رسی که از آتش [دوزخ] سخن می‌گوید، از آتش [دوزخ] به خداوند پناه ببر.»

۱۴۲ (۲۰) در همان تفسیر مجمع البیان در ذیل فرموده خداوند متعال: «**کسانی که ما این کتاب [قرآن] را به آن‌ها داده‌ایم، آنگونه که شایستهٔ قرآن است آن را می‌خوانند.**»[1] از امام صادق ﷺ روایتی نقل می‌شود که حضرت فرموده است: «خواندن قرآن به گونه‌ای که شایستهٔ آن است عبارت است از: در هنگامی که سخن از بهشت و آتش [جهنّم] به میان آمده است، درنگ کند و اوّلی را از خداوند، درخواست کند و از دیگری [به خداوند] پناه ببرد.»

۱۴۳ (۲۱) سماعه گوید: «امام صادق ﷺ فرمود: سزاوار است کسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ای از قرآن می‌رسد که در آن [نعمت] خواستنی یا تهدید [به عذابی] شده است، از خداوند بهترین چیزی که امید [رسیدن به آن را] دارد، درخواست نماید و از خداوند بخواهد که او را از آتش و عذاب معاف کند.»

محمد بن مسلم از امام صادق ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود: «پدرم از جدّم و او از پدرانش نقل کرده است که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: هر گاه از سوره‌های مسبّحات[2] [سوره‌هایی که با «سبّح» یا «یسبّح» یا «سَبِّح» آغاز می‌شود] آخرینش را خواندید [یعنی **سبّح اسم ربّک الاعلی**] پس بگویید: «سبحان الله الأعلیٰ» [یعنی: پاک است خداوند والاترین] و هر گاه آیهٔ «**انّ الله و ملائکته یُصلّون علی النبی**» [یعنی **خداوند و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند**] را خواندید پس بر پیامبر، صلوات بفرستید، خواه در نماز باشید یا غیر نماز (تا آنجا که فرمود:) هر گاه سوره «و التین» را خواندید در آخرش بگویید: «ونحن علی ذلک من الشاهدین» [یعنی: ما بر «احکم الحاکمین» بودن تو گواهیم] و هر گاه آیهٔ «**قولوا آمنّا بالله**» [یعنی: **بگویید: ما به خداوند ایمان آوردیم**] را خواندید پس بگویید: «آمنّا بالله» [یعنی به خداوند ایمان آوردیم] و تا آخر این آیه شریفه [یعنی] «**مسلمون**[3]» را تکرار کنید.»

---

۱. بقره ۱۲۱/۲.

۲. سُور مسبّحات عبارت است از: «حشر، حدید، تغابن، جمعه، صف» و از این روایت فهمیده می‌شود که «أعلیٰ» نیز از مسبّحات است.

۳. بقره ۱۳۶/۲.

ثواب الأعمال ١٥٥: أبي ﷺ قال حدّثني محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن علي بن شجرة عن بعض أصحاب أبي عبداللّه ﷺ عنه ﷺ قال إذا قرأتم «تبّت يدا أبي لهب وتبّ» فادعوا على أبي لهب فانّه كان من المكذّبين الّذين يكذّبون بالنبيّ ﷺ وماجاء به من عنداللّه عزّ وجلّ.

وتقدّم في حديث وصيّة النبي ﷺ (٧) من باب (١٨) استحباب الدعاء عند رؤية الجنازة من أبواب الدّفن قوله ﷺ اخفض صوتك عند قراءة القرآن.

وفي أحاديث باب (٢٣) استحباب ترتيل القرائة من أبواب القرائة في الصلاة مايدلّ على ذلك فراجع.

وفي رواية حفص (٢٥) من باب (١) فضل القرآن قوله كانت قرائة موسى بن جعفر ﷺ حزناً فاذا قرء فكأنّه يخاطب إنساناً. وفي رواية رجاء (٣) من باب (١١) استحباب قراءة سورةٍ في الليل قوله ﷺ فإذا مرّ ﷺ بآية فيها ذكر جنّة أو نار بكى وسأل الجنّة وتعوّذ به من النّار.

ويأتي في أحاديث الباب التالي وما يتلوه ما يدلّ على ذلك خصوصاً رواية ابن كثير (٦) ونوف (٧) وجعفريّات (١٤).

وفي غير واحد من أحاديث باب (٢٦) انّ حامل القرآن أحقّ الناس بالتخشّع والتواضع مايناسب الباب.

وفي رواية علي بن المغيرة (١) من باب (٢٩) انّ من ختم القرآن وجعله للمعصومين ﷺ كان معهم قوله انّ أبي سأل جدّك عن ختم القرآن في كلّ ليلة الخ فلاحظ.

وفي رواية أبي بصير (٢٤) من باب (١٢) ماورد في أنّ من قال قبل تسمية الحاجة يااللّه استجيب له من أبواب الدعاء قوله ﷺ انّ الرّجل منكم ليقف عند ذكر الجنّة والنّار ثمّ يقول أي ربّ.

علی بن شجره از بعضی از اصحاب امام صادقعليه‌السلام نقل کرده است که از امام صادقعليه‌السلام روایت شده است که حضرت فرمود: «هر گاه آیهٔ «تبّت یدا أبی لَهَب و تبّ[۱]» را می‌خوانید، ابولهب را نفرین کنید چرا که او از تکذیب‌کنندگانی است که پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله و آنچه را که پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله از طرف خداوند آورده، دروغ پنداشتند.»

ارجاعات

گذشت:

در حدیث وصیت پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله روایت هفتم از باب هجدهم از باب‌های دفن فرموده پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله که: «در هنگام خواندن قرآن، صدایت را پایین بیاور».

و در روایات باب بیست و سوم از باب‌های قرائت در نماز آنچه بر آن دلالت می‌کند پس مراجعه کن.

و در روایت بیست و پنجم از باب یکم این گفته که: «حضرت قرآن را حزین می‌خواند و به گونه‌ای قرآن، تلاوت می‌فرمود که گویی انسانی را مورد خطاب و گفتگو قرار داده است.»

و در روایت سوم از باب یازدهم فرموده امامعليه‌السلام که: «حضرت هر گاه به آیه‌ای می‌رسید که از بهشت و آتش [جهنّم] سخن گفته بود، می‌گریست و از خداوند درخواست بهشت می‌کرد و به او از آتش پناه می‌برد.»

می‌آید:

در باب بعدی نیز روایاتی خواهد آمد که بر این منظور دلالت دارد.

و در بسیاری از روایات مناسب با آن باب هست و در روایت یکم از باب بیست و نهم نیز مطالبی متناسب با این مقام، ذکر شده است.

و در روایت بیست و چهارم از باب دوازدهم از باب‌های دعا فرموده امامعليه‌السلام که: «باید هر یک از شما [در هنگام خواندن قرآن] چون به ذکر بهشت و آتش [دوزخ] می‌رسد، توقف کند و بگوید: ای پروردگار... تا آخر.»

---

۱. یعنی: بریده باد، دو دست ابولهب و مرگ بر او باد.

(۱۴)

باب تحريم القراءة بألحان أهل الفسق والكبائر

واستحباب القراءة بألحان العرب والصّوت الحَسَن والقراءة بين القرائتين

١٤٤ ٢٥٧٠٦ (۱) **كافي** ۶۱۶/۲: علي بن محمد عن إبراهيم الأحمر عن عبداللّه بن حمّاد عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ اقرأوا القرآن بألحان العرب وأصواتها وإيّاكم ولحون أهل الفسق[1] وأهل الكبائر فانّه سيجيء من بعدي أقوام يرجّعون القرآن ترجيع الغناء والنوح والرهبانيّة لايجوز تراقيهم قلوبهم مقلوبة وقلوب من يعجبه شأنهم **وسائل** ۲۱۱/۶: ورواه الشيخ بهاء الدين في (الكشكول) مرسلاً ـ القطب **الراوندي** في دعواته (۲۴) عن الحسن بن علي ﷺ قال قال رسول اللّه اقرؤ القرآن (وذكر نحوه) **جامع الأخبار** ۱۳۱ مجمع البيان ۱۶/۱: عن **حذيفة** اليمان قال قال رسول اللّه ﷺ اقرؤا القرآن (وذكر نحوه إلّا أن فيه وأهل الكتابين بدل أهل الكبائر).

١٤٥ ٢٥٧٠٧ (۲) **العيون** ۶۹/۲: حدّثنا أبوبكر محمد بن أحمد بن الحسين بن يوسف بن زريق البغدادي قال حدثني علي بن محمد بن عيينة[2] مولى الرشيد قال حدثني **دارم** بن قبيصة بن نهشل بن مجمع النهشلي الصغاني[3] قال حدثنا علي بن موسى الرضا ﷺ عن أبيه عن جدّه عن محمد بن علي عن أبيه عن جدّه عن علي ﷺ ـ قال ـ قال رسول اللّه ﷺ حسّنوا القرآن بأصواتكم فانّ الصوت الحسن يزيد القرآن حسناً [وقرء] واللّه يزيد في الخلق ما يشاء **وسائل** ۲۱۲/۶: محمد بن علي بن الحسين في (عيون الأخبار) عن محمد بن عمر الجعابي عن الحسن بن **عبداللّه** التميمي عن أبيه عن الرضا ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ حسّنوا (وذكر مثله) إلى قوله حسناً.

١٤٦ ٢٥٧٠٨ (۳) **جامع الأخبار** ۱۳۱: روى عن **البراء** بن عازب قال قال رسول اللّه ﷺ زيّنوا القرآن بأصواتكم فانّ الصوت الحسن يزيد القرآن حسناً.

١٤٧ ٢٥٧٠٩ (۴) وفيه ۱۳۱ عن **علقمة** بن قيس قال كنت حسن الصوت بالقرآن وكان عبداللّه بن مسعود يرسل إليّ فاقرأ عليه فاذا فرغت من قرائتي قال زدنا من هذا فداك أبي وأُمّي فانّي سمعت رسول اللّه ﷺ يقول: انّ حُسْنَ الصوت زينة القرآن.

---

۱. الفسوق ـ خ. ۲. عنبسة خ ل. ۳. الصنعاني خ.

باب ۱۴

ممنوعیت خواندن قرآن با آهنگ‌های مبتذل

۱۴۴ (۱) عبدالله بن سنان از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرموده‌اند: قرآن را با آهنگ و لهجهٔ عربی بخوانید و از آهنگ‌های فاجران و گنه‌پیشگان پرهیز نمایید، به راستی پس از من، مردمی خواهند آمد که قرآن را مثل خواندن ترانه یا خواندن نوحه و یا به شیوهٔ راهبان مسیحی می‌خوانند حال آنکه از چنبرهٔ گردن‌شان تجاوز نمی‌کند [و بر دل‌شان اثری نمی‌گذارد] این‌ها و کسانی که از خواندن این‌ها لذّت می‌برند دلی واژگونه دارند.»

همین روایت را حذیفهٔ یمانی از پیامبرﷺ نقل کرده است با این تفاوت که به عوض «گنه پیشگان» «اهل تورات و انجیل» ذکر شده است [یعنی قرآن را با آهنگی که مسیحیان، انجیل می‌خوانند و یهودیان، تورات می‌خوانند، نخوانید].»

۱۴۵ (۲) دارم نهشلی از امام رضاؑ روایت کرده است که حضرت از پدرش و او از جدّش امام صادقؑ و او از محمد بن علیؑ و او از پدرش امام سجّادؑ و او از جدّش علیؑ نقل کرده است که: «پیامبر خداﷺ فرمود: قرآن را با صدای زیبا بخوانید زیرا صدای زیبا بر زیبایی قرآن می‌افزاید (و آنگاه این آیه را تلاوت فرمود:) «**خداوند آن مقدار که بخواهد بر آفرینش [و زیبایی آن] می‌افزاید.**»

همین روایت با سند دیگری از امام رضاؑ در کتاب وسائل ذکر شده است.

۱۴۶ (۳) براء بن عازب از پیامبر خداﷺ روایت کرده است که فرمود: «با صداهای خود به قرآن زینت دهید چرا که صدای زیبا بر زیبایی قرآن می‌افزاید.»

۱۴۷ (۴) علقمة بن قیس گفته است: «من خوش صدا بودم و قرآن را با صدای زیبا می‌خواندم [به همین جهت] عبدالله بن مسعود [صحابی پیامبرﷺ] همیشه کسی در پی من می‌فرستاد تا بروم و برایش قرآن بخوانم و هر گاه از خواندن دست می‌کشیدم، می‌گفت: پدر و مادرم فدایت شوند! برای ما بیشتر قرآن بخوان، چون من از پیامبر خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: زیبایی صدا، زیور قرآن است.»

۱۴۸ ۲۵۷۱۰ (۵) **كافي** ۶۱۵/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن معبد عن عبداللّه بن القاسم عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال النّبيّ صلى الله عليه وآله: لكلّ شيء حِلية وحلية القرآن الصوت الحسن **جامع الأخبار** عن **أنس** بن مالك عن النبيّ صلى الله عليه وآله مثله.

۱۴۹ ۲۵۷۱۱ (۶) **كافي** ۶۱۵/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن محمد بن حسن بن شمّون قال حدّثني **عليّ** بن محمد النوفلي عن أبي الحسن عليه السلام قال ذكرت الصوت عنده فقال انّ علي بن الحسين عليهما السلام كان يقرأ فربّما مرّ به المارّ فصعق من حسن صوته وانّ الامام لو أظهر من ذلك شيئاً لما احتمله الناس من حسنه قلت ولم يكن رسول اللّه صلى الله عليه وآله يصلّي بالناس ويرفع صوته بالقرآن فقال انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله كان يحمل الناس من خلفه ما يطيقون.

الاحتجاج ۱۷۰/۲: روى انّ موسى بن جعفر عليه السلام كان حسن الصوت وحسن القرائة وقال يوماً من الأيّام انّ علي بن الحسين عليهما السلام كان يقرأ (وذكر نحوه).

۱۵۰ ۲۵۷۱۲ (۷) **كافي** ۶۱۶/۲: (عدّة من أصحابنا معلّق) عن سهل بن زياد عن الحجّال عن **عليّ** بن عقبة عن رجل عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان علي بن الحسين صلوات اللّه عليه أحسن الناس صوتاً بالقرآن وكان السقّاءون يمرّون فيقفون ببابه يسمعون قرائته وكان أبو جعفر عليه السلام أحسن الناس صوتاً.

۱۵۱ ۲۵۷۱۳ (۸) **جامع الاخبار** ۱۳۲: عن **البراء** بن عازب أنّ النّبيّ صلى الله عليه وآله سمع قرائة أبي موسى فقال كان هذا الصوت من أصوات آل داود.

۱۵۲ ۲۵۷۱۴ (۹) **مستدرك** ۲۷۴/۴: السيّد المرتضىٰ في الغرر والدرر روى عن **النبي** صلى الله عليه وآله انّه قال لايأذن اللّه لشيء من أهل الأرض إلّا لأصوات المؤذّنين وللصوت الحسن بالقرآن.

۱۵۳ ۲۵۷۱۵ (۱۰) **العيون** ۴۲/۲: بأسانيده المتقدّمة في باب (۲۲) حرمة الزكاة على من انتسب إلى هاشم بأبيه عن الطائي والهروي **والفرّاء** عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول انّي أخاف عليكم استخفافاً بالدّين وبيع الحكم وقطيعة الرحم وان تتّخذوا القرآن مزامير وتقدّمون أحدكم وليس بأفضلكم في الدّين.

۱۴۸ (۵) عبدالله بن سنان از امام صادقؑ روایت کرده است که فرمود: «پیامبرﷺ فرموده است: هر چیزی را زیوری است و زیور قرآن، صدای زیبا است.»

انس بن مالک نیز این حدیث شریف را از پیامبرﷺ نقل کرده است.

۱۴۹ (۶) علی بن محمد نوفلی گوید: «در خدمت امام کاظمؑ سخن از «صدا» به میان آوردم، حضرت فرمود: امام سجّادؑ قرآن می‌خواند و گاهی شخصی از آن کنار می‌گذشت [صدای حضرت را می‌شنید] از کثرت زیبایی صدای حضرت، بیهوش می‌شد آری اگر امام بخواهد زیبایی صدای خود را آشکار کند، مردم تاب تحمّل آن را ندارند از بس که صدایش زیبا است.

[راوی گوید:] به حضرت عرض کردم: مگر پیامبر خداﷺ با مردم نماز نمی‌خواند و صدایش را به خواندن قرآن بلند نمی‌کرد؟ حضرت فرمود: پیامبرﷺ به مقداری که مردم پشت سر حضرت، تاب و توان [شنیدن آن را] داشتند، زیبایی صدای خود را اظهار می‌کرد.»

و در کتاب احتجاج دربارهٔ امام موسی بن جعفرؑ روایتی آورده شده است که: «حضرت خودش، خوش‌صدا بود و قرآن را زیبا قرائت می‌کرد و روزی از روزها فرمود: علی بن حسینؑ قرآن می‌خواند (و دنبالهٔ سخن را همانند روایت پیشین نقل کرده است.)»

۱۵۰ (۷) علی بن عقبه با یک واسطه از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «علیّ بن حسینؑ از همهٔ مردم قرآن را زیباتر می‌خواند و سقّاها بر کنار خانهٔ حضرت عبور می‌کردند و در دم دَرِ خانه می‌ایستادند تا به قرآن خواندن آن [بزرگوار] گوش دهند و امام باقرؑ نیز صدایش از همهٔ مردم زیباتر بود.»

۱۵۱ (۸) براء بن عازب گوید: «پیامبر صدای ابوموسی را در حال خواندن قرآن شنید، فرمود: این صدا از نوع صدای آل داود است.»

۱۵۲ (۹) سید مرتضی روایتی از پیامبرﷺ نقل کرده است که حضرت فرموده است: «خداوند اجازه نمی‌دهد که اهل زمین [آواز] بخوانند مگر برای مؤذّنان و قاریان قرآن [که با صدای زیبا أذان بگویند و قرآن بخوانند].»

۱۵۳ (۱۰) هروی و فرّاء [هر دو] از امام رضاؑ روایت کرده‌اند که حضرت از قول پدران بزرگوارش نقل کرده است که [علیؑ] فرمود: «شنیدم از پیامبر خداﷺ که می‌فرمود: در حقیقت من از [پنج چیز] بر شما می‌ترسم: [۱ـ] سبک شمردن دین [۲ـ] قضاوت فروشی [رشوه گرفتن قاضی که به ناحق حکم کند و در حقیقت حکم خدا را می‌فروشد.] [۳ـ] قطع ارتباط با خویشاوندان [۴ـ] اینکه قرآن را با آلات موسیقی بخوانید [۵ـ] کسی را که افضل شما در دین نیست، جلو بیندازید.»

۱۵۴ ۲۵۷۱۶ (۱۱) **كافي** ۶۱۶/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن محبوب عن علي بن أبي حمزة عن **أبى بصير** قال قلت لأبي جعفر عليه السلام إذا قرأت القرآن فرفعت به صوتي جائني الشيطان فقال انّما ترائى بهذا أهلك والناس قال يا أبا محمد اقرأ قراءة ما بين القراءتين تسمع أهلك ورجّع بالقرآن صوتك فانّ اللّه عزّ وجلّ يحبّ الصوت الحسن يرجّع فيه ترجيعاً.

۱۵۵ ۲۵۷۱۷ (۱۲) **المعاني** ۲۷۹: بالاسناد المتقدّم في باب (۵) انّه لا قرائة في الركوع من أبوابه عن **القاسم** بن سلام بأسانيد متّصلة إلى النبي صلى الله عليه وآله في أخبار متفرّقة انّه قال ليس منّا من لم يتغنّ بالقرآن ومعناه ليس منّا من لم يستغن به ولا يذهب به إلى الصوت وقد روى انّ من قرأ القرآن فهو غنيّ لا فقر بعده.

وروى انّ من أعطى القرآن فظنّ انّ أحداً أعطى أكثر ممّا اعطىٰ فقد عظّم صغيراً وصغّر كبيراً فلاينبغي لحامل القرآن أن يرى انّ أحداً من أهل الأرض أغنى منه ولو ملك الدنيا برحبها **مستدرك** ۲۷۳/۴: السيّد المرتضى في الغرر والدّرر عن علي عليه السلام مثله (إلى قوله ولايذهب به إلى الصّوت).

۱۵۶ ۲۵۷۱۸ (۱۳) وفيه عنه يرفعه عن **عبداللّه** بن نهيك انّه دخل على سعد في بيته فاذا مثال رثّ[۱] ومتاع رث فقال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ليس منّا من لم يتغنّ بالقرآن.

(۱۴) **تفسير القمي** ۲۰/۲: في قوله تعالىٰ: ﴿وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾ قال كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا تهجّد بالقرآن تسمع له قريش بحسن صوته وكان إذا قرأ بسم اللّه الرّحمن الرحيم فرّوا عنه.

---

۱. أي الفراش الرديّ.

۱۵۴ (۱۱) ابوبصیر گوید: «به امام باقرﷺ عرض کردم: وقتی قرآن می‌خوانم و صدایم را بلند می‌کنم، شیطان به سراغ من می‌آید و به من می‌گوید: تو داری برای زن و بچّه‌ات و مردم ریا می‌کنی. حضرت فرمود: ای ابا محمّد! قرآن را ملایم بخوان نه خیلی بلند و نه خیلی آهسته که خانواده‌ات بشنود و صدایت را در هنگام قرآن خواندن بلرزان [به گونه‌ای که صدایت زیبا شود] چرا که خداوند عزیز بزرگ صدای زیبایی را که مقداری لرزش دارد، دوست دارد.»

۱۵۵ (۱۲) قاسم بن سلام با سند متّصل از پیامبرﷺ مطالب گوناگونی را نقل کرده است، از آن جمله است که حضرت فرمود: «از ما نیست کسی که با قرآن تغنّی نکند» مقصود حضرت از این سخن این است که: از ما نیست کسی که با قرآن خود را بی‌نیاز و غنی نکند و گمان نبری که مقصود حضرت از «تغنّی» موسیقی و آواز خواندن [و ترانه خواندن] است.

[و مؤیّد این معنی] روایتی است به این مضمون که: «هر کس قرآن می‌خواند، او بی نیاز است آنچنان که پس از آن فقر به او راه نیابد.»

و روایت شده است که: «به هر کس قرآن داده شود [و توان خواندن و فهمیدن قرآن پیدا کند] و در عین حال احتمال دهد که به کسی بیشتر از آنچه که به او داده شده است، داده شده، به یقین او کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک دانسته است. پس شایسته نیست برای قاری قرآن که احدی از مردم روی زمین را از خود بی‌نیازتر ببیند گرچه آن شخص، مالک دنیا با این همه وسعتش شده باشد.»

۱۵۶ (۱۳) عبدالله بن نهیک گوید: «به خانهٔ سعد رفتم، ناگهان با فرشی کهنه و مختصر لوازم خانگی کهنه مواجه شدم. آنگاه [سعد] گفت: پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس با قرآن خود را [از دنیا و مافی‌ها] بی‌نیاز نکند، از ما نیست.»

(۱۴) در تفسیر قمی در ذیل آیهٔ شریفهٔ: «**و هر گاه تو [ای پیامبر] پروردگار خود را، آن یگانه را یاد می‌کنی، [کافران] از روی نفرت پشت می‌کنند**» راوی گفته است: «هر گاه پیامبر خداﷺ در عبادت‌های شبانه‌اش قرآن می‌خواند، قریش صدای زیبای او را می‌شنیدند و هر گاه پیامبرﷺ «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرائت می‌فرمود، آن‌ها فرار می‌کردند.»

وتقدّم في رواية ابن عبّاس (۱۲) من باب (۱۲) جملة من الخصال المحرّمة من أبواب جهاد النفس قوله ﷺ فعندها (أي عند اشتراط الساعة) يتعلّمون القرآن لغير اللّه ويتّخذونه مزامير ويتغنّون بالقرآن.

وفي رواية جامع الأخبار (۱۸) قوله ﷺ ولا يعرفون القرآن إلّا بصوت حسن.

وفي رواية معاوية (۳۷) قوله (أي ذريب) واتخذوا القرآن ألحاناً ومزامير في أصواتهم.

وفي رواية سعد (۱۳) من الباب المتقدّم قوله ﷺ فمن لم يتغنّ بالقرآن فليس منّا.

ويأتي في رواية معاوية (۱) من باب (۱۶) جواز القرائة سرّاً وجهراً قوله انّ علي بن الحسين كان أحسن الناس صوتاً بالقرآن فكان يرفع صوته حتّى يسمعه أهل الدار وانّ أبا جعفر عليه السلام كان أحسن الناس صوتاً بالقرآن وكان إذا قام من اللّيل وقرء رفع به صوته فيمرّ به مارّ الطريق من السقّائين وغيرهم فيقومون فيستمعون إلى قرائته.

وفي أحاديث باب (۱۹) تحريم الغناء من أبواب مايكتسب به مايدلّ على ذلك.

وفي رواية فقيه (۱۴) من باب (۲۰) تحريم كسب المغنيّة من أبواب ما يكتسب به قوله عليه السلام ما عليك لو اشتريتها فذكرتك الجنّة يعني بقرائة القرآن والزّهد والفضائل الّتي ليست بغناء فأمّا الغناء فمحظور.

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوازدهم از باب دوازدهم از باب‌های جهاد با نفس فرموده پیامبرﷺ که: «از علائم نزدیک شدن آن (قیامت) این است که [مسلمانان] قرآن را برای غیر خدا یاد می‌گیرند و آن را همراه با نواختن آلات موسیقی می‌خوانند و با آن آوازه خوانی می‌کنند. [به گونه‌ای که مناسب با مجالس لهو و لعب است.]»

و در روایت هجدهم فرموده پیامبرﷺ که: «با قرآن آشنایی ندارند مگر با همان صدای زیبایش. [کاری به مفاهیم و معانی ندارند فقط در این فکرند که کدام قاری صدایش قشنگ‌تر است.]

و در روایت سی و هفتم این گفته که: «[مردم] از آیات قرآن، آهنگ‌های [موسیقی] ساختند و آن را با دف و نی خواندند [چنانچه در بعضی از ترانه‌های امروز عرب‌ها موجود است].»

و در روایت سیزدهم از باب پیشین فرموده پیامبرﷺ که: «پس هر کس که با قرآن خود را بی‌نیاز نکند، از ما نیست.»

می‌آید:

در روایت روایت یکم از باب شانزدهم این گفته که: «امام سجّادؑ از همهٔ مردم قرآن را زیباتر می‌خواند و صدایش را آن مقدار بلند می‌کرد که اهل خانه می‌شنیدند و امام باقرؑ [نیز] از همهٔ مردم صدایش در خواندن قرآن زیباتر بود و وقتی که شب [برای عبادت] به پا می‌خواست و قرآن می‌خواند، صدایش را بلند می‌کرد و سقّاها و دیگران که از آنجا گذر می‌کردند، می‌ایستادند و به قرآن خواندن امامؑ گوش فرا می‌دادند.»

و در روایات باب نوزدهم از باب‌های مایکتسب به نیز روایاتی هست که بر همین منظور دلالت دارد.

و در روایت چهاردهم از باب بیستم از باب‌های مایکتسب به فرموده امامؑ که: «چه اشکال دارد که آن [کنیز خوش‌صدا] را بخری تا بهشت را به یاد تو آورد؟» یعنی با خواندن قرآن و [اشعار مربوط به] زُهد به بی‌رغبتی به دنیا و تحصیل خصال حمیده ترغیب کند که این‌ها ترانه خواندن حساب نمی‌شود ولی [بدان] آنچه که ممنوع است ترانه خواندن است.

(۱۵)

باب ماورد من الحثّ على اتّباع القرآن والتمسّك به

والتدبّر والتفكّر فيه والاعتبار والاتّعاظ بقصصه وامثاله ومواعظه

قال اللّه تعالى في سورة ص (۳۸): ۲۹: ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾.

أعراف (۷): ۳: ﴿ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۗ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾.

لقمان (۳۱): ۲۱: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ﴾.

سبأ (۳۴): ۴۶: ﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثۡنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ لَّكُم بَيۡنَ يَدَيۡ عَذَابٖ شَدِيدٖ﴾.

الزمر (۳۹): ۵۵: ﴿وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحۡسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ بَغۡتَةٗ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ﴾.

الزخرف (۴۳): ۴۳: ﴿فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾.

المؤمنون (۲۳): ۶۸: ﴿أَفَلَمۡ يَدَّبَّرُواْ ٱلۡقَوۡلَ أَمۡ جَآءَهُم مَّا لَمۡ يَأۡتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾.

البقره (۲): ۱۷۰: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَآ أَلۡفَيۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَهۡتَدُونَ﴾.

باب ۱۵

اندیشیدن در قرآن و پیروی عملی از آن

خداوند متعال فرموده است:

[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند.[۱]

آنچه را که از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید و از معبودان [دیگر] پیروی نکنید.[۲]

و چون به آنان گفته شود: آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه] بلکه آنچه که پدران‌مان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم آیا گرچه شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا می‌خواند؟[۳]

بگو: من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو به دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید، سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد. او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشدار دهنده‌ای [پیش] نیست.[۴]

و پیش از آن که به طور ناگهانی و در حالی که غافل و بی خبر هستید، شما را عذاب در رسد، نیکوترین چیزی [آیاتی] که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل شده است، پیروی کنید.[۵]

پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ درزن، کـه تـو بـر راهـی راست قـرار داری.[۶]

آیا در این کلام [قرآن] نیندیشیده‌اند بلکه چیزی [قرآنی] برای آن‌ها [از طرف خداوند] آمده است که پدران پیشین آن‌ها را نیامده است.[۷]

و چون به آن‌ها [کافران] گفته می‌شود: از آنچه که خداوند نازل فـرموده است پـیروی کنید، می‌گویند [نه] بلکه بر چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا گرچه پدران‌شان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟[۸]

---

۱. ص ۲۹/۳۸.
۲. اعراف ۳/۷.
۳. لقمان ۲۱/۳۱.
۴. سبأ ۴۶/۳۴.
۵. زُمر ۵۵/۳۹.
۶. زخرف ۴۳/۴۳.
۷. مؤمنون ۶۸/۲۳.
۸. بقره ۱۷۰/۲.

البقره (۲): ۲۱۹ و۲۶۶: ﴿يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَـٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْأَيَـٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾.

﴿أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَٱحْتَرَقَتْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْأَيَـٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾.

النساء (۴): ۸۲: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُوا۟ فِيهِ ٱخْتِلَـٰفًا كَثِيرًا﴾.

محمد (۴۷): ۲۴: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَآ﴾.

الحشر (۵۹): ۲: ﴿هُوَ ٱلَّذِىٓ أَخْرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَـٰبِ مِن دِيَـٰرِهِمْ لِأَوَّلِ ٱلْحَشْرِ مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا۟ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَـٰهُمُ ٱللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا۟ وَقَذَفَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِى ٱلْمُؤْمِنِينَ فَٱعْتَبِرُوا۟ يَـٰٓأُو۟لِى ٱلْأَبْصَـٰرِ﴾.

۱۵۷ ۲۵۷۱۹ (۱)**كافي ۲/ ۶۰۰**: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن محمد بن أحمد بن يحيى عن **طلحة** بن زيد عن أبي عبدالله ﷺ قال انّ هذا القرآن فيه منار الهدى ومصابيح الدّجى فليجل جال بصره ويفتح للضياء نظره فانّ التفكّر حياة قلب البصير كما يمشي المستنير في الظّلمات بالنّور.

دربارهٔ شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و[لی] گناهشان از سودشان بزرگتر است و از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: مازاد [بر نیازمندی خود] را. این‌گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می‌گرداند، باشد که [در آن‌ها] بیندیشید.[۱]

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آن‌ها نهرها روان است و برای او در آن [باغ] از هر گونه میوه‌ای [فراهم] باشد و در حالی که او را پیری فرا رسیده و فرزندانی خردسال دارد، [ناگهان] گردبادی آتشین بر آن [باغ] زند و [باغ یکسر] بسوزد؟ این گونه، خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌گرداند، باشد که شما [در آن‌ها] بیندیشید.[۲]

آیا در [آیات] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.[۳]

آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ بلکه بر دل‌های‌شان قفل‌هایی [مخصوص به دل] نهاده شده است.[۴]

اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهای‌شان در برابر خدا مانع آن‌ها خواهد بود و[لی] خدا از آنجایی که به خیال‌شان نمی‌گنجید، بر آنان در آمد و در دل‌های‌شان بیم افکند [تا آنجا که] خود به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند پس ای صاحبان بصیرت و آگاهی، عبرت بگیرید.[۵]

۱۵۷ (۱) طلحة بن زید از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «به راستی در این قرآن مشعل هدایت و چراغ‌های [نور دهنده] در تاریکی است پس باید هر بیننده‌ای دیدهٔ خود را با آن جَلا و نور بخشد و چشمش را به [سمت] نور بگشاید چرا که اندیشیدن به دل انسان با بصیرت، زندگی می‌بخشد همان گونه که شخص چراغ به دست در تاریکی‌ها در پرتو نور راه را می‌بیند و راه می‌رود. [پس باید چراغ قرآن را به دست گرفت و با دیدهٔ خِرَد نگاه کرد و با پای عمل به سمت خداوند متعال سلوک نمود.]»

---

۱. بقره ۲/۲۱۹. ۲. بقره ۲/۲۶۶. ۳. نساء ۴/۸۲.
۴. محمّد صلی الله علیه و آله ۴۷/۲۴. ۵. حشر ۵۹/۲.

۱۵۸ ۲۵۷۲۰ (۲) **كافي ۵۹۸/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفليّ عن **السكونيّ** عن أبي عبداللّه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ايُّها النّاس انّكم في دار هدنة وأنتم على ظهر سفر والسير بكم سريع وقد رأيتم الليل والنهار والشمس والقمر يبليان كلّ جديد ويقرّبان كلّ بعيد ويأتيان بكلّ موعود فأعدّوا الجهاز لبعد المجاز قال فقام المقداد بن الاسود فقال يا رسول اللّه ومادار الهُدنة قال دار بلاغ وانقطاع فإذا التبست عليكم الفتن كقطع اللّيل المظلم فعليكم بالقرآن فانّه شافع مشفّع وماحل مصدّق ومن جعله امامه قاده إلى الجنّة ومن جعله خلفه ساقه إلى النّار وهو الدّليل يدلّ على خير سبيل وهو كتاب فيه تفصيل وبيان وتحصيل وهو الفصل ليس بالهزل وله ظهر وبطن فظاهره حكم وباطنه علم ظاهره أنيق وباطنه عميق له نجوم[۱] وعلى نجومه نجوم لاتحصىٰ عجائبه ولا تبلىٰ غرائبه فيه مصابيح الهدى ومنار الحكمة ودليل على المعرفة لمن عرف الصّفة فليجل جال بصره وليبلغ الصفة نظره ينج من عطب ويتخلّص من نشب[۲] فانّ التفكّر حياة قلب البصير كمايمشي المستنير في الظلمات بالنور فعليكم بحسن التخلّص وقلّة التربّص.

۱۵۹ ۲۵۷۲۱ (۳) **نهج البلاغة ۵۵۷**: واعلموا انّ هذا القرآن هو الناصح الذي لايغشّ والهادي الذي لايضلّ والمحدّث الذي لايكذب وما جالس هذا القرآن أحد إلّا قام عنه بزيادة أو نقصان زيادة في هدىً ونقصان من عمىً.

---

۱. تخوم وعلى تخومه تخوم ـ خ. ۲. النشب في الشيء إذا وقع فيما لامخلص له من

(۲) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است ۱۵۸
که: «پیامبر خداﷺ فرمود: ای مردم! [هم اکنون] شما در سرای موقّتی هستید و در حال مسافرت می‌باشید و به سرعت شما را حرکت می‌دهند و می‌برند و در حقیقت خود شما شاهد هستید که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه‌ای را کهنه و هر دوری را نزدیک می‌کنند و زمان تحقّق هر وعده‌ای را فرا می‌رسانند پس شما زاد و توشه فراهم آورید که راهی که باید پیموده، بس دراز است. روایت کنندهٔ [این سخن] گفت: مقداد بن اسود به پا خاست و گفت: ای پیامبر خدا! [مقصودتان از] سرای موقّت چیست؟ حضرت فرمود: خانه‌ای که به محض رسیدن باید از آن کوچ کرد. پس هر گاه فتنه‌ها و آشوب‌ها همانند پاره‌های شب به شما روی آورد پس شما ملازم قرآن شوید چرا که قرآن وساطت کننده‌ای مورد قبول و گزارش‌گری است که بدی‌های هر کس را گزارش کند، تصدیق خواهد شد و هر کس آن را پیش روی خود نهد [و خود در پی آن راه رود] او را به بهشت کشاند و آن کس که آن را به پشت سر افکند او را به آتش [دوزخ] راند. قرآن راهنماست، به بهترین راه راهنمایی می‌کند و این یک کتابی است که با بیان [حقایق] میان حق و باطل جدایی انداخته است و [مقصد نهایی انسان] به دست می‌آید. قرآن به طور جدّی فارق حق و باطل است و شوخی و سرسری نیست و او را ظاهری است و باطنی. ظاهرش دستورات [شرعی] است و باطنش علم و دانش است. ظاهرش زیبا و اندرونش ژرف است آن را ستارگان متراکم و فراوانی است. شگفتی‌هایش قابل شماره نیست و مطالب نو و بی نظیرش کهنه شدنی نباشد، چراغ‌های راهنما و مشعل فروزان حکمت، در این قرآن است و نشان دهندهٔ عرفان است برای کسی که جویندهٔ حقیقت صفت عرفان است. پس باید آن قدر دیده بر آن چرخاند [و آن را مطالعه کرد] و باید که اندیشه، رنگ و صفت قرآنی به خود بگیرد تا از هلاکت نجات یابد و از چنگال [نفس و شیطان] رها شود. به راستی اندیشیدن، حیات دل بینا است، آن سان که راه رونده در تاریکی از نور مدد می‌گیرد. پس همیشه در این اندیشه باشید که خود را به بهترین وجه، [از دست شیاطین] رها کنید و زیاد معطّل نکنید [و این دست و آن دست نکنید و هدایت خویش را به تأخیر نیندازید].»

(۳) [سیّد رضی در] نهج البلاغه از علیؑ نقل کرده که فرمود: «و بدانید که این قرآن خیرخواهی ۱۵۹
است که فریب نمی‌دهد و راهنمایی است که گمراه نمی‌کند و سخنگویی است که دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که چون به پا خاست، قرآن بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست.

واعلموا انّه ليس على أحد بعد القرآن من فاقة ولا لأحدٍ قبل القرآن من غنىً فاستشفوه من أدوائكم واستعينوا به على لأوائكم فانّ فيه شفاء من أكبر الداء وهو الكفر والنفاق والغيّ والضلال فاسئلوا اللّه به وتوجّهوا إليه بحبّه ولا تسألوا به خلقه انّه ما توجّه العباد إلى اللّه بمثله واعلموا انّه شافع ومشفّع وقائل ومصدّق وانّه من شفع له القرآن يوم القيامة شفّع فيه ومن مَحَلَ به [1] القرآن يوم القيامة صُدّقَ عليه فانّه ينادي مناد يوم القيامة ألا انّ كلّ حارث مبتلى في حرثه وعاقبة عمله غير حرثة القرآن فكونوا من حرثته وأتباعه واستدلّوه على ربّكم واستنصحوه على أنفسكم واتّهموا عليه آرائكم واستغِشُّوا فيه أهوائكم.

۱۶۰ ۲۵۷۲۲ (۴) **مستدرك ۲۳۹/۴**: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **الحارث** الأعور عن أمير المؤمنين عليه السلام قال ذكر رسول اللّه صلى الله عليه وآله الفتنة يوماً فقلنا يا رسول اللّه كيف الخلاص منها فقال بكتاب اللّه فيه نبأ من كان قبلكم ونبأ من كان بعدكم وحكم ماكان بينكم وهو الفصل وليس بالهزل ما تركه جبّار إلّا قصم اللّه ظهره ومن طلب الهداية بغير القرآن ضلّ وهو الحبل المتين والذّكر الحكيم والصراط المستقيم وهو الذي لاتلبس على الألسن ولا يخلق من كثرة القراءة ولا تشبع منه العلماء ولا تنقضي عجائبه وهو الذى لمّا سمعه الجنّ قالوا انّا سمعنا قرآناً عجباً وهو الذي ان قال صدق وان حكم عدل ومن تمسّك به هداه إلى الصراط المستقيم يا أعور خذ هذا الحديث يا أعور.

۱۶۱ ۲۵۷۲۳ (۵) **كافي ۶۰۹/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه وعلي بن محمد جميعاً عن القاسم بن محمد بن سليمان بن داود عن **عدّة الداعي ۲۶۷**: حفص بن غياث عن **الزهري** قال سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول آيات القرآن خزائن (العلم ـ عُدّة) فكلّما فتحت خزانة ينبغي [2] لك أن تنظر ما فيها.

---

۱. مَحَلَ به إلى الأمير: أي سعى به إليه وكاده.

۲. فينبغي ـ عدّة الداعي.

و بدانید کسی با داشتن قرآن نیازی برایش نماند و بدون قرآن کسی بی‌نیاز نخواهد شد. پس درمان دردهای‌تان را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و گمراهی است. پس به وسیلهٔ قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید و به وسیلهٔ قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید زیرا وسیله‌ای برای توجّه بندگان به خدا بهتر از قرآن نیست و بدانید که قرآن میانجی‌گری است که میانجی‌گری‌اش پذیرفته می‌شود و گوینده‌ای است که گفته‌اش تصدیق می‌شود. به راستی آن کس که در قیامت، قرآن شفاعتش کند شفاعت مورد قبول [و بخشوده خواهد شد] و کسی که قرآن در روز قیامت از او شکایت کند، محکوم خواهد شد. در روز قیامت ندا دهنده‌ای بانگ می‌زند که: آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بذری است که کاشته و عملی است که انجام داده جز زارعان قرآن، پس از زارعان و کشاورزان قرآن و پیروان آن باشید و با قرآن خدا را بشناسید و از قرآن برای خود، اندرز بجویید و رأی و نظر خود را در برابر قرآن متّهم کنید و نادرستی خواسته‌های خود را با عرضه کردن به قرآن بشناسید.[۱]»

۱۶۰ (۴) حارث اعور از امیرالمؤمنین علی‌ؑ روایت کرده است که فرمود: «روزی پیامبر خداﷺ نام «فتنه» را به میان آورد، ما گفتیم: ای پیامبر خدا! چگونه باید از آن رهایی یافت؟ حضرت فرمود: با کتاب خدا، در اوست خبر پیشینیان و خبر آن‌ها که پس از شما خواهند آمد و وظایفی که هم اکنون شما بر عهده دارید. قرآن سخن جدّی و جدا کنندهٔ [حق از باطل] است و شوخی و گزاف نیست. هیچ ستمگری قرآن را رها نمی‌کند مگر اینکه خداوند کمر او را می‌شکند و کسی که از غیر قرآن هدایت بخواهد، گمراه خواهد شد. اوست طناب محکم و کلام استوار حکیمانه و راه راست و اوست که زبان‌ها را به اشتباه نمی‌اندازد و از زیاد خوانده شدن کهنه نمی‌شود و عالمان از آن سیر نمی‌شوند و شگفتی‌هایش پایان‌پذیر نیست و همان قرآن بود که چون اجنّه آن را شنیدند، گفتند: ما قرآن عجیبی، شنیده‌ایم و اوست که اگر بگوید، راست می‌گوید و اگر قضاوت کند به عدالت حکم می‌کند و هر کس به او چنگ زند، او را به راه راست راه نماید، ای اعور! این حدیث را بگیر، ای اعور.»

۱۶۱ (۵) زهری گوید: «از امام سجّادؑ شنیدم که فرمود: «آیات قرآن گنجینه‌های دانش است پس سزاوار است که هر گنجینه‌ای را که می‌گشایی، ببینی در درون آن چیست.»

---

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۷۶.

۱۶۲ ۲۵۷۲٤ (۶) امالي الصدوق ۴۵۸: حدّثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار قال حدّثنا علي بن حسان الواسطي عن عمّه **عبدالرحمن** بن كثير الهاشمي عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام قال قام رجل من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام يقال له همّام وكان عابداً فقال له يا أمير المؤمنين صف لي المتّقين حتّى كأنّي أنظر إليهم فتثاقل أمير المؤمنين عليه السلام عن جوابه ثمّ قال له ويحك يا همّام (إلى أن قال) امّا الليل فصافّون (أي المتّقون) أقدامهم تالين لأجزاء القرآن يرتّلونه ترتيلاً يحزّنون به أنفسهم ويستثيرون به دواء دائهم ويستترون (يستنيرون ـ خ) به ويهيّج أحزانهم بكاء على ذنوبهم ووجع على كلوم جراحهم وإذا مرّوا بآية فيها تخويف اصغوا إليها مسامع قلوبهم وأبصارهم فاقشعرّت منها جلودهم ووجلت منها قلوبهم فظنّوا انّ صهيل جهنّم وزفيرها وشهيقها في أُصول آذانهم وإذا مرّوا بآية فيها تشويق ركنوا إليها طمعاً وتطلّعت أنفسهم إليها شوقاً وظنّوا انّها نصب أعينهم الخبر.

۱۶۳ ۲۵۷۲۵ (۷) **كنز الفوائد** ۳۰: وأخبرني أيضاً أبو الرجا محمد بن علي بن طالب الرازي قال أخبرنا أبو المفضّل محمد بن عبداللّه بن محمد بن المطّلب الشيباني قال حدّثني أبو عبداللّه جعفر بن محمد بن جعفر العلوي الحسيني قال حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى الوابشي قال حدّثي عاصم بن حميد الخيّاط[1] قال أبو المفضّل الشيباني وحدّثنا محمد بن علي بن أحمد بن عامر البندار بالكوفة من أصل كتابه وهذا الحديث بلفظه وهو أتمّ سياقة قال حدّثنا الحسن بن علي بن بزيع قال حدّثنا مالك بن إبراهيم عن عاصم بن حميد عن أبي حمزة الثمالي عن رجل من (عن ـ خ) قومه يعني يحيى بن أُمّ الطّويل انّه أخبره عن **نوف** البكالي قال عرضت لي إلى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام حاجة فاستتبعت إليه جندب بن زهير والربيع بن خيثم وابن أُخته همّام بن عبادة بن خيثم (إلى أن قال) فقال همّام بن عبادة وكان عابداً مجتهداً أسألك بالذي أكرمكم أهل البيت وخصّكم وحباكم وفضّلكم تفضيلاً الّا أنبأتنا بصفة شيعتكم فقال: لا تقسم فسأُنبّئكم جميعاً وأخذ بيد همّام فدخل المسجد فسبّح ركعتين وأوجزهما وأكملهما ثمّ جلس وأقبل علينا وحفّ القوم به فحمد اللّه وأثنىٰ عليه وصلّى على النبيّ (إلى أن قال عليه السلام) امّا اللّيل فصافّون أقدامهم تالون لأجزاء القرآن يرتّلونه ترتيلاً يعظون أنفسهم بأمثاله ويستشفون لدائهم بدوائه الخبر.

---

۱. الحنّاط ـ ك.

۱۶۲ (۶) عبدالرحمن بن کثیر هاشمی از امام جعفر صادق‌ﷺ و او از پدر [گرامی اش امام باقرﷺ] روایت کرده است که فرمود: «مردی از اصحاب امیرالمؤمنین علی‌ﷺ که نامش همّام بود و اهل عبادت بود، به پا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان! برای من پرهیزگاران را توصیف کن به گونه‌ای که [برایم مجسّم شوند] گویی به آن‌ها نگاه می‌کنم. امیرالمؤمنین علی‌ﷺ از پاسخ او سر، باز می‌زد و به او گفت: ای همّام! وای بر تو...(تا اینکه سخن حضرت در بیان اوصاف پرهیزگاران به اینجا رسید که فرمود:) و امّا چون شب فرا می‌رسد، بر پا ایستاده [مشغول نمازند] جزء جزء قرآن را می‌خوانند و آن را شمرده شمرده و با زمزمه می‌خوانند جان‌های خود را با قرآن اندوهگین می‌کنند و داروی درد خود را از آن می‌گیرند و از قرآن، روشنایی کسب می‌کنند و اندوه، آنان را چنان به هیجان می‌آورد که بر گناهان‌شان گریه می‌کنند و بر زخم‌هایی که [با گناه بر پیکر ایمان خود وارد ساخته‌اند مرهم می‌نهند] و هر گاه به آیه‌ای می‌رسند که در آن هشدار [به عذاب] است، با جان و دل به آن گوش می‌دهند و آن گاه از شدّت ترس اندام‌شان می‌لرزد و دل‌های‌شان هراسان می‌شود و چنان پندارند که هم اکنون صدای [به هم خوردن شعله‌های] جهنّم و ناله‌ها و فریادهای آن در گوش‌شان طنین انداز است و چون به آیه‌ای می‌رسند که خداوند مؤمنان صالح را تشویق کرده است امیدوارانه به آن تمایل پیدا می‌کنند و جان‌هایشان بر اثر اشتیاق به [بهشت و نعمت‌های آن] سرک می‌کشند و پندارند که آن‌ها چون تابلویی در جلوی دیدگان‌شان نصب شده است.»

۱۶۳ (۷) نوف بکالی گوید: «امیرالمؤمنین علی‌ﷺ برای کاری مرا به خدمت فرا خواند، من هم جندب و ربیع و خواهرزاده‌اش همّام با عبادة بن خیثم را به همراه خود بردم (تا اینکه گفت:) همّام که خود مردی عابد و تلاش کننده در راه خدا بود گفت: [یا امیرالمؤمنین] به حق آن خداوندی که شما خاندان پیامبر را کرامت و امتیاز و عطاها بخشیده است و شما را بر همهٔ [خلق] برتری داده است، قسم می‌دهم که صفات شیعیان خودتان را برای ما شرح بده. حضرت فرمود: قسم نده، به زودی برای شما شرح خواهم داد. آنگاه دست همّام را گرفت و به مسجد درآمد و دو رکعت نماز به اختصار خواند و پس از اتمام نماز نشست و مردم دور حضرت حلقه زدند. حضرت رو به ما کرد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و بر پیامبر درود فرستاد (تا آنجا که فرمود:) چون شب فرا رسد گام‌ها استوار کنند [و به نماز ایستند] و تمام بخش‌های قرآن را به خوبی و شمرده شمرده بخوانند با تمثیلات قرآنی به خود پند دهند و برای درد خود از قرآن شفا بجویند.» تا آخر حدیث.

۱٦٤ ۲٥۷۲٦ (۸) **تفسير العيّاشي** ۱/۵۷: عن منصور عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه في قول اللّه ـ يتلونه حقّ تلاوته ـ فقال الوقوف عند ذكر الجنّة والنّار.

۱٦٥ ۲٥۷۲۷ (۹) **كافي** ۲/٦۳۲: الحسين بن محمّد عن معلّى بن محمّد عن الوشّاء عن ابان عن **ميمون** القدّاح قال قال لي أبو جعفر اقرأ قلت من أيّ شيء اقرأ؟ قال من السورة التّاسعة قال فجعلت التمسها فقال اقرأ من سورة يونس قال فقرأ للذينَ أحسَنُوا الحُسنى وزيادة ولا يَرْهقُ وُجوهَهُمْ قَتَرٌ وَلا ذِلّةٌ قال حسبك قال قال رسول اللّه انّي لأعجب كيف لا اُشيب إذا قرأت القرآن. **تفسير العياشي** ۲/۱۱۹: عن **ابان** بن عثمان عن محمد قال قال أبو جعفر اقرأ قلت من أيّ شيء أقرأ قال [اقرأ] من السورة السابعة قال فجعلت (وذكر نحوه).

۱٦٦ ۲٥۷۲۸ (۱۰) **الخصال** ۱۹۹: أمالي الصدوق ۱۹٤: حدّثنا (أبو الحسن ـ خصال) محمّد بن أحمد (بن علي بن أسد ـ الخصال) الأسدي قال حدّثنا عبداللّه بن زيدان وعلي بن العبّاس البَجَليّان قالا حدّثنا أبو كريب قال حدّثنا معاوية بن هشام قال حدّثنا شيبان (عن أبي إسحاق ـ الخصال) عن عكرمة عن **ابن عبّاس** قال قال أبوبكر[۱] يا رسول اللّه اسرع إليك الشيب قال شيّبتني هود والواقعة والمرسلات (عرفاً ـ أمالي) وعمّ يتساءلون **مجمع البيان** ٥/٤٤۱: روى [أبوبكر] قال قلت لرسول اللّه ـ يارسول اللّه أسرع إليك (وذكر مثله وزاد) وَإذا الشَّمسُ كُوِّرَتْ.

۱٦۷ ۲٥۷۲۹ (۱۱) **مستدرك** ٤/۲۳۸: الشهيد الثاني في أسرار الصلاة قال قال رسول اللّه لابن مسعود اقرأ عليّ قال ففتحت سورة النساء فلمّا بلغت فَكَيْفَ إذا جِئْنا إذا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بَشَهيدٍ وَجِئْنا بِكَ عَلى هؤلاءِ شهيداً رأيت عيناه تذرفان من الدمع فقال لي حسبك الآن وقال اقرءوا القرآن ما ائتلفت عليه قلوبكم ولانت عليه جلودكم فاذا اختلفتم فلستم تقرؤنه.

۱٦۸ ۲٥۷۳۰ (۱۲) **كافي** ۱/۳٦: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد البرقي عن إسماعيل بن مهران عن أبي سعيد القمّاط عن **الحلبي** عن أبي عبداللّه قال قال أمير المؤمنين ألا أخبركم بالفقيه حقّ الفقيه من لم يقنّط الناس من رحمة اللّه ولم يؤمنهم من عذاب اللّه ولم يرخّص لهم في معاصي اللّه ولم يترك القرآن رغبة عنه إلىٰ غيره ألا لا خير في علم لا تفهّم فيه ألا لا خير في قرائة ليس فيها تدبّر ألا لا خير في عبادة ليس فيها تفكّر (وتقدّم نحو هذا عن الجعفريات في باب مكارم الأخلاق).

---

۱. رجل ـ أمالي.

۱۶۴ (۸) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت در ذیل آیهٔ شریفهٔ: «**یتلونه حقّ تلاوته ـ مؤمنان آن گونه که شایستهٔ قرآن است آن را می‌خوانند**» فرمود: «وقتی یادی از بهشت و آتش دوزخ [در قرآن] به میان می‌آید توقف می‌کنند [و سرسری از آن نمی‌گذرند.]»

۱۶۵ (۹) میمون قدّاح گوید: «امام باقرؑ به من گفت: [قرآن] بخوان. گفتم از کجای قرآن بخوانم؟ حضرت فرمود: از سوره نهم.

راوی گفت: من داشتم می‌گشتم تا سوره نهم را پیدا کنم. حضرت فرمود: از سوره یونس بخوان و [قدّاح] شروع کرد به خواندن این آیه: «**برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند، نیکویی و زیاده بر آن است. چهره‌های‌شان را غبار ذلّت و خواری نمی‌پوشاند.**»[1] حضرت فرمود: بس است. پیامبر خداﷺ فرمود: من در شگفتم چرا وقتی قرآن می‌خوانم [از غم و غصّه] پیر نمی‌شوم.»

در تفسیر عیّاشی نیز روایت فوق ذکر شده است.

۱۶۶ (۱۰) ابن عبّاس گوید: «ابوبکر به پیامبرﷺ گفت: ای پیامبر خدا! چقدر تو زود پیر شدی؟ حضرت فرمود: مرا سوره هود، واقعه، مرسلات و عمّ یتسائلون پیر کرد.»

در تفسیر مجمع البیان همین روایت ذکر شده است به اضافهٔ: «و سوره اذا الشمس کوّرت»

۱۶۷ (۱۱) شهید ثانی در اسرار الصلاة نقل کرده است: «پیامبر خداﷺ به ابن مسعود گفت: برایم قرآن بخوان. ابن مسعود گوید: من قرآن را باز کردم، سوره نساء آمد. وقتی رسیدم به این آیه: «**پس چگونه است [حال‌شان] آنگاه که از هر امّتی گواهی گیریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟**»[2]

دیدم چشمان حضرت غرق در اشک شد و به من گفت: الآن دیگر بس است و حضرت فرمود: تا وقتی قرآن بخوانید که دل‌تان با آن همراهی می‌کند و اندام‌تان در مقابل آن خاشع است، پس هر گاه دیدید دل با زبان همراه نیست آن را نخوانید.»

۱۶۸ (۱۲) حلبی از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «امیرالمؤمنینؑ فرموده است: آیا فقیه واقعی را به شما معرّفی کنم؟ فقیه واقعی کسی است که مردم را از رحمت الهی ناامید نکند و از عذاب الهی آن‌ها را ایمن و خاطر جمع نگرداند واجازهٔ معصیت الهی به آن‌ها ندهد و بر اثر تمایل و علاقه به غیر قرآن، قرآن را رها نکند. آگاه باشید عبادت بدون تفکّر و خردورزی، سودی ندارد.»

---

۱. یونس ۲۶/۱۰. ۲. نساء ۴۱/۴.

كافي ـ وفي رواية أُخرى ألا لا خير في علم ليس فيه التفهّم ألا لا خير في قرائة ليس فيها تدبّر ألا لا خير في عبادة لافقه فيها ألا لا خير في نسك لا ورع فيه، **المعاني** ۲۲۶: أبي‌ﷺ قال حدّثنامحمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفى عن محمد بن خالد عن بعض رجاله عن داود الرّقيّ عن **أبي حمزة** الثماليّ عن أبي جعفرﷺ قال قال أمير المؤمنينﷺ ألا أخبركم بالفقيه حقّاً؟ قالوا بلى يا أمير المؤمنين قال من لم يقنّط الناس (وذكر مثله).

۱۶۹ ۲۵۷۳۱ (۱۳) **الجعفريات** ۱۷۳: باسناده عن علي بن أبي طالبﷺ قال قال رسول اللّهﷺ إذا قرء القرآن المنافق لا يخطئ ألفاً ولا واواً ولا ميماً يلقف القرآن بلسانه كما يلقف البقرة الكلأ بلسانها.

۱۷۰ ۲۵۷۳۲ (۱۴) **العيون** ۲/ ۱۸۰: حدّثنا الحاكم أبو علي الحسين بن أحمد البيهقي قال حدّثنا محمد بن يحيى الصولي قال حدّثنا **أبوذكوان** قال سمعت إبراهيم بن العبّاس يقول ما رأيت الرّضاﷺ يسئل عن شيء قطّ إلّا علم ولا رأيت أعلم منه بما كان في الزّمان الأوّل إلى وقته وعصره وكان المأمون يمتحنه بالسّؤال عن كلّ شيء فيجيب فيه وكان كلامه كلّه وجوابه وتمثّله انتزاعات من القرآن وكان يختمه في كلّ ثلاثة ويقول لو أردت أن أختمه في أقرب من ثلاثة تختّمت ولكنّي ما مررت بآية قطّ إلّا فكّرت فيها وفي أيّ شيء أنزلت وفي أيّ وقت فلذلك صرت أختم في كلّ ثلاثة أيّام.

وتقدّم في رواية ابن مسعود (۳۶) من باب (۱۲) جملة من الخصال المحرّمة من أبواب جهاد النفس قولهﷺ يا ابن مسعود إذا تلوت كتاب اللّه تعالىٰ فأتيت على آية فيها أمر ونهي فردّدها نظراً واعتباراً فيها ولا تسه عن ذلك الخ.

و در روایت دیگری این چنین آمده است: «آگاه باشید که دانشی که با فهم و عقل توأم نباشد بی‌فایده است، آگاه باشید قرآن خواندنی که با اندیشیدن همراه نباشد بی‌فایده است. آگاه باشید پرستشی که از فهم و درک خالی باشد، بی‌فایده است. آگاه باشید عبادتی که پرهیز از گناه با آن نباشد بی‌فایده است [و اثری در نزدیک کردن بنده به خدا ندارد].»

و همین روایت فوق را ابو حمزه ثمالی نیز از امام باقرعليه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنینعليه السلام نقل فرموده است.

۱۶۹ (۱۳) در کتاب الجعفریات به طور مستند از علی بن ابی طالبعليه السلام روایت شده است که حضرت فرموده است: «پیامبر خداﷺ فرمود: منافق در هنگام خواندن قرآن یک «الف» و یا یک «واو» و یا یک «میم» هم اشتباه نمی‌کند. او قرآن را در زبانش می‌چرخاند آن سان که گاو علف را با زبانش برای جویدن می‌چرخاند.»[1]

۱۷۰ (۱۴) ابو ذکوان گوید: «از ابراهیم بن عباس شنیدم که می‌گفت: من ندیدم که از امام رضاعليه السلام سؤالی شود مگر اینکه حضرت [پاسخ آن را] می‌دانست و من در گذشته و حال عالم‌تر از او هرگز ندیده‌ام و مأمون بارها او را با سؤالات مختلف امتحان می‌کرد و حضرت پاسخ می‌فرمود و همهٔ سخنان و پاسخ‌ها و تمثیلات حضرت برگرفته از قرآن بود و هر سه روز یک بار قرآن را ختم می‌کرد [و از اوّل تا آخرش می‌خواند] و می‌فرمود: اگر بخواهم می‌توانم در کمتر از سه روز هم قرآن را ختم کنم ولی من وقتی آیه‌ای را می‌خوانم از آن [سرسری] نمی‌گذرم و فکر می‌کنم که این آیه چه وقت نازل شده است و دربارهٔ چه موضوعی نازل گشته است به همین جهت [وقت بیشتری می‌برد] و در هر سه روز یک بار ختم می‌کنم.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت سی و ششم از باب دوازدهم از باب‌های جهاد با نفس فرموده پیامبر اکرمﷺ که: «ای ابن مسعود! هر گاه قرآن این کتاب الهی را می‌خوانی چون به آیه‌ای رسیدی که در آن امری یا نهیی است آن را با توجّه و اندیشه برای عبرت گرفتن، تکرار کن و با غفلت از آن نگذر.»

---

۱. یعنی همان گونه که گاو از جویدن علف جز لذّت ظاهری چیز دیگری نمی‌فهمد که این علف چه فوایدی دارد و چه کسی آن را رویانیده است، منافق هم از قرآن جز الفاظ و صوت و لحن، نصیبی ندارد.

عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز حرفی — که از خورشید جز گرما نصیبش نیست نابینا

(سنائی) (مترجم)

(۱۶)
باب جواز القرائة سرّاً وجهراً

۱۷۱ ۲۵۷۳۳ (۱) **آخر السرائر** ۴۸۴: (من كتاب نوادر المصنّفين تصنيف محمّد بن علي بن محبوب الأشعري الجوهري القميّ) العبّاس عن حمّاد بن عيسىٰ عن **معاوية بن عمّار** قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام الرجل لايرى انّه صنع شيئاً في الدعاء وفي القرائة حتّى يرفع صوته فقال لا بأس انّ علي بن الحسين عليهما السلام كان أحسن الناس صوتاً بالقرآن فكان يرفع صوته حتّى يسمعه أهل الدار وانّ أبا جعفر عليه السلام كان أحسن الناس صوتاً بالقرآن وكان إذا قام من اللّيل وقرأ رفع به صوته فيمرّ به مارّ الطريق من السقّائين وغيرهم فيقومون فيستمعون إلى قرائته.

۱۷۲ ۲۵۷۳٤ (۲) **أمالي الشيخ** ۵۳۳: بإسناده المتقدّم فى باب (۱) فضل الصلاة عن **أبي ذرّ** (فى حديث وصيّة النبيّ صلى الله عليه وآله له) يا أبا ذر أخفض صوتك عند الجنائز وعند القتال وعند القرآن.

وتقدّم في أحاديث باب (۴) أنّه يجب على الرجل أن يجهر بالقرائة من أبواب القرائة **وباب** (۵) حكم الجهر والإخفات في النّوافل **وباب** (۶) حدّ الجهر والإخفات ما يمكن أن يناسب ذلك.

وفي رواية عبدالعظيم (۸) من باب (۱۲) ماورد في دعاء النّاس إلى الإسلام من أبواب الأمر بالمعروف ج ۱۸ قول موسىٰ عليه السلام إلهي فما جزاء من تلاحكمتك سرّاً وجهراً قال: يا موسى يمرّ على الصراط كالبرق.

ويأتي في رواية سيف (۲۱۷) من باب (۲۲) فضائل السور قوله عليه السلام من قرء انّا أنزلناه فى ليلة القدر يجهر بها صوته كان كالشّاهر سيفه في سبيل اللّه عزّ وجلّ ومن قرأها سرّاً كان كالمتشحّط بدمه في سبيل اللّه.

باب ۱۶

خواندن قرآن، آهسته و با صدا

۱۷۱ (۱) معاویة بن عمار گوید: «به امام صادق‌ؑ عرض کردم: بعضی‌ها خیال می‌کنند تا در دعا و خواندن قرآن صدای‌شان را بلند نکنند، کاری انجام نداده‌اند [و ثوابی به دست نمی‌آورند]. حضرت فرمود: اشکال ندارد. امام سجّادؑ از همه زیباتر قرآن می‌خواند و صدایش را بلند می‌کرد به‌گونه‌ای که همهٔ اعضاء خانواده‌اش می‌شنیدند و [همچنین] امام باقرؑ نیز از همهٔ مردم در خواندن قرآن خوش صداتر بود و وقتی که برای عبادت در شب به پا می‌خاست و قرآن می‌خواند، صدایش را بلند می‌کرد به گونه‌ای که کسانی که [از کنار خانهٔ حضرت] می‌گذشتند همچون سَقّاها و غیر سقّاها [در کنار خانهٔ حضرت] توقف می‌کردند تا به قرآن خواندن حضرت گوش دهند.»

۱۷۲ (۲) ابوذر (در حدیث وصیّت پیامبرﷺ به او نقل کرده است که پیامبرﷺ فرمود:) «ای اباذر! در هنگام تشییع جنازه و در [گرماگرم] جنگ و در پیشگاه قرآن صدایت را پایین بیاور.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب چهارم از باب‌های قرائت و باب پنجم و ششم مناسب با آن هست.

و در روایت هشتم از باب دوازدهم از باب‌های امر به معروف سخن حضرت موسیؑ که: «معبود من! چیست پاداش کسی که کلام حکیمانهٔ تو را آهسته و با صدای بلند بخواند؟ خداوند فرمود: ای موسی! مثل برق بر پُل صراط گذر خواهد کرد.»

می‌آید:

در روایت دویست و هفدهم از باب بیست و دوم فرموده امامؑ که: «کسی که با صدای بلند سورهٔ «انا انزلناه فی لیلة القدر» را بخواند مثل کسی است که شمشیر از غلاف درآورده و در راه خداوندﷻ [می‌جنگد] و کسی که آن را آهسته بخواند مثل کسی است که در راه خدا به خون خودش غلتیده است [و به شهادت رسیده است].»

(۱۷)

باب انّ من قرء القرآن في المُصحف نظراً تخفّف العذاب عن والديه وانّه ليس شيء أشدّ على الشّيطان من القرائة في المصحف وانّ النظر في المصحف عبادة وشفاء ومن قرء القرآن عن حفظة يغفره اللّه تعالىٰ

۱۷۳ ۲۵۷۳۵ (۱) **كافي** ۶۱۳/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن **يعقوب** بن يزيد رفعه إلى أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ القرآن في المصحف (نظراً ـ ثواب) متّع ببصره وخفّف عن والديه وإن كانا كافرين **الثواب** ۱۲۸: حدّثني محمد بن الحسن رحمه الله قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن أبي عبداللّه عن يعقوب بن يزيد عن رجل من العوام رفعه إلى أبي عبداللّه عليه السلام وذكر مثله.

۱۷۴ ۲۵۷۳۶ (۲) **كافي** ۶۱۳/۲: علي بن محمد عن ابن جمهور عن محمد بن عمر بن مسعدة عن **الحسن** ابن راشد عن جدّه عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قرائة القرآن في المصحف تخفّف العذاب عن الوالدين ولو كانا كافرين.

۱۷۵ ۲۵۷۳۷ (۳) **مستدرك** ۲۶۹/۴: الشيخ أبو الفتوح الرازي في تفسيره عن **سليل** عن رسول صلى الله عليه وآله قال سمعته يقول من قرأ القرآن في المصحف خفّف اللّه تعالى العذاب عن والديه وإن كانا مشركين ومن قرأ القرآن عن حفظه ثمّ ظنّ انّ اللّه تعالى لايغفره فهو ممّن استهزء بآيات اللّه.

۱۷۶ ۲۵۷۳۸ (۴) **الثواب** ۱۲۹: بالاسناد المتقدّم في الباب رفعه إلى النبيّ صلى الله عليه وآله قال ليس شيء أشدّ على الشيطان من القرائة في المصحف نظراً.

۱۷۷ ۲۵۷۳۹ (۵) **مستدرك** ۲۶۷/۴: الشيخ **جعفر** بن أحمد القمي في كتاب الغايات عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال أفضل العبادة القرائة في المصحف.

۱۷۸ ۲۵۷۴۰ (۶) **مستدرك** ۲۶۸/۴: جامع الأخبار ۱۱۶: وقال عليه السلام القرائة في المصحف أفضل من القرائة ظاهراً.

۱۷۹ ۲۵۷۴۱ (۷) **كافي** ۴۴۸/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن يحيى بن المبارك عن عبداللّه بن جبلة عن **معاوية** بن وهب عن **إسحاق** بن عمّار عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له جعلت فداك انّي أحفظ القرآن على ظهر قلبي فاقرأه على ظهر قلبي أفضل أو أنظر في المصحف قال فقال لي بل اقرأه وانظر في المصحف فهو أفضل أما علمت أنّ النظر في المصحف عبادة.

باب ۱۷

تخفیف عذاب پدر و مادر بر اثر قرآن خواندن فرزند

۱۷۳ (۱) یعقوب بن یزید از امام صادقؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «کسی که از روی مُصحَف شریف، قرآن را بخواند، دیده‌اش را بهره‌مند کرده و عذاب پدر و مادر خود را سبک کرده، گرچه آن دو کافر باشد.»

همین روایت به سند دیگری از امام صادقؑ نقل شده است.

۱۷۴ (۲) حسن بن راشد از پدر بزرگوارش و او از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «از روی قرآن مکتوب، قرآن خواندن موجب تخفیف عذاب پدر و مادر می‌شود اگر چه کافر باشند.»

۱۷۵ (۳) سلیل گوید: «از پیامبر خداﷺ شنیدم که فرمود: کسی که قرآن را از رو بخواند خداوند عذاب پدر و مادرش را کم می‌کند اگر چه آن‌ها مشرک باشند و کسی که از حفظ قرآن بخواند و در عین حال، خیال کند که خداوند او را نمی‌آموزد به یقین او از کسانی است که آیات الهی را به مسخره گرفته‌اند.»

۱۷۶ (۴) و با سند روایت پیشین از پیامبرﷺ روایت شده است که حضرت فرمود: «چیزی به اندازهٔ قرآن خواندن از روی قرآن بر شیطان، گران نمی‌آید.»

۱۷۷ (۵) شیخ جعفر بن احمد قمی از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده است که حضرت فرمود: «قرآن خواندن از روی مُصحف و خود قرآن بهترین عبادت است.»

۱۷۸ (۶) در کتاب جامع الاخبار آمده است که امام معصومؑ فرمود: «فضیلت از رو خواندن قرآن، نسبت به از حفظ خواندن آن بیشتر است.»

۱۷۹ (۷) اسحاق بن عمار گوید: «به امام صادقؑ عرض کردم: فدایت شوم! من قرآن را حفظ کرده‌ام و از حفظ می‌خوانم. آیا این بهتر است یا اینکه از روی قرآن بخوانم؟ حضرت فرمود: «[نه] بلکه با نگاه کردن به قرآن، قرآن بخوان که فضیلت آن بیشتر است، آیا نمی‌دانی که نگاه کردن به قرآن، خود، عبادت است.»

۱۸۰ ۲۵۷٤۲ (۸) الشيخ **جعفر** بن أحمد القميّ في كتاب المسلسلات ۲۵۲[1] حدثنا علي بن محمد بن حمشاذ[2] قال حدّثني أحمد بن حبيب بن الحسن البغدادي قال حدثني أبي قال حدثني أبو عبدالله محمد بن إبرايم الصفدي[3] رجل من أهل اليمن ورد بغداد قال حدثنا أبوهاشم ابن أخي الوادي عن **علي بن خلف** قال شكا رجل إلى محمد بن حميد الرازي الرّمد فقال له أدم النظر إلى المصحف فانّه كان بي رمد فشكوت ذلك إلى حريز بن عبدالحميد فقال لي أدم النظر في المصحف فانّه كان بي رمد فشكوت ذلك إلى الأعمش فقال لي أدم النظر في المصحف فانّه كان بي رمد فشكوت ذلك إلى عبدالله بن مسعود فقال لي أدم النظر في المصحف فإنّه كان بي رمد فشكوت ذلك إلى رسول اللهﷺ فقال لي أدِم النظر في المصحف فانّه كان بى رمد فشكوت ذلك إلى جبرئيل فقال أدم النظر فى المصحف.

وتقدّم في مرسلة فقيه (۱۹) من باب (۱۳) فضل الكعبة من أبواب بدؤ المشاعر قولهﷺ النظر إلى المصحف من (في ـ خ) غير قرائة عبادة.

وفي أحاديث باب (۳) فضل حفظ القرآن ما يناسب ذلك. **وفي** رواية حريز (۱) من باب (۱۰) انّه ينبغي للمسلم أن يقرء في كلّ يوم خمسين آية قولهﷺ ينبغي للمرء المسلم أن ينظر في عهده وان يقرء منه في كلّ يوم خمسين آية.

ويأتي في أحاديث باب (۱۰۵) انّ النظر إلى وجه العالم عبادة من أبواب العشرة ما يدلّ على انّ النظر في المصحف عبادة.

(۱۸)

باب استحباب قرائة القرآن مع الطّهارة وجواز قرائته للجنب والحائض والنفساء ماعدا العزايم واستحباب تنظيف الفم بالسواك عند قرائة القرآن

۱۸۱ ۲۵۷٤۳ (۱) **قرب الاسناد** ۳۹۵: محمد بن عبدالحميد قال قال **محمد بن الفضيل** فسألت الرضاﷺ فقلت اقرأ المصحف ثمّ يأخذني البول فأقوم فأبول وأستنجى وأغسل يدي ثمّ أعود إلى المصحف فأقرأ فيه قال لاحتّىٰ تتوضّأ للصلاة.

---

۱. المسلسلات الّتي طبعت منضمّاً مع جامع الأحاديث القميّ.
۲. حمشار ـ ك.
۳. المستدرك والظاهر انّ صحيحة الصعدي بقرينة كون الرجل من أهل اليمن فان الصعدة من بلاد اليمن.

۱۸۰ (۸) علی بن خلف حکایت کرد که: «مردی پیش محمد بن حمید رازی از درد چشم اظهار ناراحتی کرد، او گفت: خیلی به قرآن نگاه کن چون من هم درد چشم داشتم به حریز بن عبد الحمید گفتم او به من گفت: زیاد به کتابت قرآن نگاه کن، چون خود من هم [یک زمانی] درد چشم داشتم، به عبدالله بن مسعود گفتم، او گفت: زیاد به نوشتهٔ قرآن نگاه کن چون خود من نیز درد چشم گرفتم به پیامبر خداﷺ گفتم، حضرت به من فرمود: به خط قرآن زیاد نگاه کن، چون من چشم دردی داشتم به جبرئیل گفتم، جبرئیل گفت: در نگاه کردن به نوشتار قرآن مداومت ورز.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت نوزدهم از باب سیزدهم فرموده امامؑ که: «نگاه کردن به قرآن حتی بدون قرائت کردن آن عبادت است.»

و در روایات باب سوم مناسب با آن هست.

و در روایت یکم از باب دهم فرموده امامؑ که: «سزاوار است انسان مسلمان به عهد الهی [قرآن] نگاه کند و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.»

می‌آید:

در روایات باب صد و پنجم از باب‌های معاشرت آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۱۸

وضو و مسواک پیش از خواندن قرآن

۱۸۱ (۱) محمد بن فضیل گوید: «از امام رضاؑ پرسیدم که: من مشغول خواندن قرآن هستم [گاهی در این حال] نیاز به رفتن به توالت پیدا می‌شود، پس به پا می‌خیزم و [می‌روم] ادرار می‌کنم و خود را تطهیر می‌نمایم وانگهی دستم را می‌شویم و به سوی قرآن باز می‌گردم و شروع به خواندن قرآن می‌کنم. [آیا این مقدار طهارت کافی است؟] حضرت فرمود: خیر مگر اینکه وضو بگیری آنچنان که برای نماز وضو می‌گیری.»

۱۸۲ ۲۵۷٤٤ (۲) **الخصال** ٦۲۷: بالاسناد المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن علي ﷺ (في حديث الأربعمأة) لايقرأ العبد القرآن إذا كان على غير طهور حتّى يتطهّر.

۱۸۳ ۲۵۷٤٥ (۳) **عدّة الداعي** ۲٦۹: قال (الصادق) ﷺ لقارئ القرآن بكلّ حرف يقرأ في الصلاة قائماً مأة حسنة وقاعداً خمسون حسنة ومتطهّراً في غير الصلاة خمس وعشرون حسنة وغير متطهّر عشر حسنات أما انّي لا أقول ألم حرف بل له بالألف عشر وباللاّم عشر وبالميم عشر وبالراء عشر.

وتقدّم في أحاديث باب (۹) جواز قراءة القرآن للجنب من أبواب الجنابة وباب (۱٦) جواز تعليق التعويذ على الحائض من أبواب الحيض ما يدلّ على ذيل الباب.

وفي رواية السكوني (۳) من باب (٥) انّه لا قراءة في ركوع ولا سجود من أبواب الركوع قوله ﷺ سبعة لا يقرءون القرآن الجنب والنفساء والحائض الخ.

ويأتي في أحاديث باب (۳) تنظيف الأفواه وتطييبها بالسّواك لقراءة القرآن من أبواب السواك ما يدلّ على ذلك.

(۱۹)

باب استحباب الاستعاذة عند قراءة القرآن وكيفيّتها

قال اللّه تعالى في سورة النّحل (۱٦): ۹۸: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ ٱلْقُرْءَانَ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾.

۱۸٤ ۲۵۷٤٦ (۱) الحسن بن عليّ العسكري ﷺ في تفسيره (۱٦) قال امّا قوله الذي ندبك اللّه إليه وأمرك به عند قراءة القرآن أعوذ باللّه السميع العليم من الشيطان الرّجيم فانّ أمير المؤمنين ﷺ قال [و] انّ قوله أعوذ باللّه أي أمتنع باللّه.

۱۸۲ (۲) در حدیث چهارصدگانه از امام علی؛ روایت شده که حضرت فرمود: «بنده نباید بدون طهارت [و غسل و وضو] قرآن بخواند مگر اینکه طهارت بگیرد [اگر نیاز به غسل دارد باید غسل کند و اگر بدون وضو است وضو بگیرد].»

۱۸۳ (۳) در کتاب عدّة الداعی از امام صادق؛ نقل شده است که حضرت فرمود: «قاری قرآن برای هر حرفی که از قرآن در حال نماز می‌خواند اگر در نماز، ایستاده است، صد ثواب می‌برد و اگر در نماز نشسته می‌خواند، پنجاه ثواب می‌برد و اگر با وضو باشد و در غیر نماز قرآن بخواند برای هر حرفی بیست و پنج حسنه می‌برد و اگر بدون وضو باشد ده حسنه می‌برد. باید متوجّه باشید که من نمی‌گویم: «الم» یک حرف است بلکه [می‌گویم] برای «الف» ده حسنه، برای «لام» ده حسنه و برای «میم» ده حسنه و برای «راء»[1] ده حسنه خواهد داشت.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب نهم از باب‌های جنابت و باب شانزدهم از باب‌های حیض آنچه بر ذیل باب دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب پنجم از باب‌های رکوع فرموده امام؛ که: «هفت نفر نباید قرآن بخوانند: شخص در حال جنابت، زن در حال نفاس و در حال حیض تا آخر حدیث.»

می‌آید:

در روایات باب سوم از باب‌های مسواک آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۱۹

چگونگی پناه بردن به خداوند پیش از خواندن قرآن

خداوند متعال فرموده است:

پس هر گاه می‌خواهی قرآن بخوانی از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر.[2]

۱۸۴ (۱) امام حسن عسکری؛ در تفسیرش فرموده است: «امّا آن کلامی که خداوند تو را به گفتن آن فرا خوانده است و دستور داده تو را که در هنگام خواندن قرآن، بگویی، جمله: «أعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم[3]» می‌باشد چرا که امیرالمؤمنین علی؛ فرموده: وقتی می‌گوید: «اعوذ بالله» یعنی از خدا می‌خواهم که جلوی شیطان را بگیرد و او را منع کند.

---

۱. از آخر روایت این گونه فهمیده می‌شود که حضرت در وسط روایت فرموده‌اند: «من نمی‌گویم: «المر». یعنی «راء» هم در آخرش می‌باشد چنانچه در اوّل سوره «رعد» می‌باشد. (مترجم).

۲. نَحل ۹۸/۱۶.

۳. یعنی: از شرّ شیطان رانده شده به خداوند شنوای دانا پناه می‌برم.

(إلى أن قال) ولاستعاذة هي ما قد أمر اللّه به عباده عند قراءتهم القرآن فقال فاذا قَرَأْتَ القُرآنَ فَاستَعِذْ باللّهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرجيم ومن تأدّب بأدب اللّه عزّ وجلّ اداّه إلى الفلاح الدّائم ثمّ ذكر حديثاً طويلاً عن رسول اللّهﷺ يقول فيه ان أردت أن لايصيبك شرّهم ولايبدءوك مكروههم فقل إذا أصبحت أعوذ باللّه من الشيطان الرجيم فان اللّه يعيذك من شرّهم.

۱۸۵ ۲۵۷٤۷ (۲) **تفسير العيّاشي** ۲/ ۲۷۰: عن **سماعة** عن أبي عبداللّه؈ في قول اللّه عزّ وجلّ ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ ٱلْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾ قلت كيف أقول؟ قال تقول استعيذ باللّه السميع العليم من الشيطان الرجيم وقال انّ الرجيم أخبث الشياطين قال قلت له لِمَ سُمّي الرجيم قال لأنّه يرجم قلت فانفلت[1] منها بشيء قال لاقلت فكيف سمّي رجيم ولم يرجم بعد قال يكون في العلم انّه رجيم.

۱۸٦ ۲۵۷٤۸ (۳) **تفسير العياشيّ** ۲/ ۲۷۰: عن [الحلبي] عن أبي عبداللّه؈ قال سألته عن التعوّذ من الشيطان عند كلّ سورة نفتحها قال نعم فتعوّذ باللّه من الشّيطان الرجيم أخبث الشياطين فقلت لِمَ سمّي الرجيم قال لأنّه يرجم فقلنا هل ينفلت شيئاً إذا رجم قال لا ولكن يكون في العلم انّه رجيم.

۱۸۷ ۲۵۷٤۹ (۴) **العيون** ۸۴: حدثنا أبو أحمد هاني بن محمد بن محمود العبدي قال حدثنا **محمد بن محمود** باسناده رفعه إلى موسى بن جعفر؈ أنّه قال لمّا دخلت على الرشيد سلّمت عليه فردّ عليَّ السلام ثمّ قال يا موسى بن جعفر خليفتين يجبى إليهما الخراج؟

---

۱. انفلت: نجیٰ وخلص.

(تا آنجا که فرموده:) و پناه بردن به خدا همان چیزی است که خداوند به آن دستور داده است که پیش از خواندن قرآن، انجام دهند و [خداوند] فرموده: پس هر گاه می‌خواهی قرآن بخوانی [از شرّ] شیطان به خداوند پناه ببر و هر کس آن گونه که خدای بزرگ خواسته است ادب ورزد، همان ادب او را به رستگاری ابدی می‌رساند. سپس حدیث مفصّلی از پیامبر خداﷺ ذکر کرده که پیامبرﷺ در ضمن آن حدیث فرموده است: اگر می‌خواهی که شرّ شیاطین به تو نرسد و پلیدی آن‌ها در ابتدا به سراغ تو نیاید پس هر گاه که داخل صبح شدی بگو: «اعوذُ بالله من الشّیطان الرّجیم» پس خداوند در پناه خودش تو را از شرّ آن‌ها در امان نگه می‌دارد.»

۱۸۵ (۲) سماعه از امام صادق‌ع در ذیل فرموده خداوندﷻ: «**و اذا قرأت القرآن فاستعِذ بالله من الشیطان الرجیم**» روایت کرده که: به حضرت عرض کردم: چه بگوییم؟ حضرت فرمود: می‌گویی: «استعید بالله السمیع العلیم من الشیطان الرّجیم» [یعنی پناه می‌برم به خداوند شنوای دانا از [شرّ] شیطان رانده شده].

و حضرت فرمود: رجیم، پلیدترین شیطان است. راوی گفت: به حضرت عرض کردم: چرا نامِ «رجیم» بر او نهاده‌اند؟ حضرت فرمود: چون که او رَجْم می‌شود یعنی سنگسار خواهد شد. به حضرت گفتم: آیا به یک طریقی از سنگسار توانسته رهایی پیدا کند؟ حضرت فرمود: نه. گفتم: [پس رجیم یعنی سنگسار شده] چگونه او را رجیم نامیدند با وجودی که هنوز سنگسار نشده است؟ حضرت فرمود: خداوند می‌دانست که او سنگسار خواهد شد.»

۱۸۶ (۳) حلبی گوید: «از امام صادق‌ع پرسیدم: هر سوره‌ای را که می‌خواهیم شروع کنیم باید استعاذه بگوییم؟ حضرت فرمود: آری، از شیطان رجیم که پلیدترین شیطان است به خدا پناه ببر. به حضرت گفتم: چرا رجیم نام گرفته است؟ فرمود: چون رَجْم [سنگسار] خواهد شد.

گفتیم: اگر سنگسار شود باز چیزی از آن نجات پیدا می‌کند [که هم اکنون زنده است؟] حضرت فرمود: نه، در علم خدا بوده است که او سنگسار خواهد شد [از این روی نام «رجیم = سنگسار شده» بر او گذاشتند].»

۱۸۷ (۴) محمد بن محمود با چند واسطه از امام موسی بن جعفرع روایت کرده که حضرت فرمود: «چون بر هارون الرشید وارد شدم، به او سلام کردم، او سلام مرا پاسخ داد، سپس گفت: ای موسی بن جعفر! [آیا ممکن است که] به سوی دو خلیفه مالیات آورده شود؟

(إلى أن قال) واحتججتم بقوله عزّ وجلّ ﴿ما فَرَّطْنا فِي الكِتابِ مِنْ شَيءٍ﴾ وقد استغنيتم عن رأي العلماء وقياسهم فقلت تأذن لي في الجواب؟

قال هات، قلت أعوذ باللّه من الشيطان الرجيم بسم اللّه الرحمن الرحيم ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ داوُد وَسُلَيْمانَ وَأَيُّوب وَيُوسُفَ وَمُوسىٰ وَهارُونَ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي المُحْسِنِينَ وَزَكَرِيّا وَيَحْيىٰ وَعيسىٰ وَإلياس﴾، من أبوعيسى الخبر **الاختصاص ۵۶**: محمد بن الحسن بن أحمد عن أحمد بن إدريس عن محمد بن أحمد بن محمد بن إسماعيل العلويّ قال حدثني **محمد بن الزبرقاني** الدّامغاني الشيخ (عن أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام في حديث طويل نحوه).

۱۸۸ ۲۵۷۵۰ (۵) **مستدرك ۲۶۴/۴**: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **عبداللّه** بن عبّاس قال أوّل آية نزلت أو أوّل ما قاله جبرئيل لرسول اللّه صلى الله عليه وآله في أمر القرآن ان قال له يا محمّد قل استعيذ بالسميع العليم من الشيطان الرجيم ثمّ قال قل ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِى خَلَقَ﴾.

۱۸۹ ۲۵۷۵۱ (۶) **العوالي ۴۷/۲**: روى عبداللّه [بن مسعود] قال قرأت على رسول اللّه صلى الله عليه وآله فقلت أعوذ باللّه السميع العليم فقال لي يابن أُمّ عبد قل أعوذ باللّه من الشّيطان الرّجيم هكذا اقرأنيه جبرئيل.

وتقدّم في أحاديث باب (۷) استحباب الاستعاذة في أوّل الصّلاة قبل القرائة من أبواب القرائة ما يمكن أن يستفاد منه ذلك.

[حضرت از این اتّهام پاسخ داد که در کتاب عیون موجود است] تا می‌رسد به اینجا که [هارون می‌گوید: شما فرزندان علیؑ چگونه ادّعا می‌کنید که فرزندان پیامبرﷺ هستید با وجودی که و در پیامبرﷺ پسر نداشت و فرزندان دختر انسان فرزند او حساب نمی‌شوند چیزی] عین حال همیشه از کلام خدا دلیل می‌آورید که خداوند اینک ازﷻ فرموده است: «ما در این کتاب [قرآن] را فروگذار نکرده‌ایم.» و با قرآن خودتان را از آراء علماء و قیاسات آن‌ها بی نیاز می‌دانید حضرت [قرآن پاسخ بده که چگونه شما ذریّه و فرزندان پیامبرﷺ می‌باشید با اینکه ذریّهٔ دختر پیامبرﷺ هستید؟ گفتم:] می‌فرماید: به او گفتم: آیا اجازه می‌دهی پاسخ دهم؟» گفت: بیاور الشیطان [دلیلت را] اعوذ بالله من الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم «**ومن ذرّیته داود وسلیمان وایوب ویوسف وموسی وهارون وکذلک نجزی المحسنین وزکریّا ویحیی وعیسی والیاس**»[1]

اینک [ای هارون الرشید به من بگو که] پدر حضرت عیسیؑ که بوده؟ [پاسخ داد: پدر نداشته و ما از طریق مادرش مریم او را به پیامبران ملحق می‌کنیم. حضرت فرمود: ما هم از طریق مادرمان فاطمهؑ به پیامبرﷺ ملحق شده‌ایم.»]

۱۸۸ (۵) عبدالله بن عبّاس گفته است: «نخستین آیه‌ای که نازل شد یا [به تعبیر درست‌تر] نخستین سخنی که جبرئیل به پیامبر خداﷺ در رابطه با قرآن گفت، این بود که گفت: «ای محمّد! بگو پناه می‌برم به [خداوند] شنوای بینا از شیطان رانده شده سپس گفت: بگو: **بسم الله الرحمن الرحیم اِقرأ باسم ربّک الذی خَلَق.**»[2]

۱۸۹ (۶) عبدالله بن مسعود گوید: «پیش پیامبر خداﷺ قرآن خواندم و گفتم: «**اعوذ بالله السمیع العلیم**» پس حضرت به من فرمود: ای پسر ام عبد بگو: أعوذ بالله من الشیطان الرّجیم، این چنین جبرئیل برای من قرائت کرد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب هفتم از باب‌های قرائت آنچه ممکن است از آن استفاده شود.

---

۱. انعام ۸۴/۶ و ۸۵ یعنی: این پیامبران که نام‌شان در آیه آمده است از فرزندان حضرت نوحؑ هستند و غرض از ذکر این روایت این است که حضرت چگونه اوّل استعاذه کرد و بعد بسم الله وانگهی آیه را تلاوت فرمود.

۲. علق ۱/۹۶ یعنی: بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

(۲۰)

باب ماورد من الأدعية حين الشروع في قراءة القرآن وبعد الفراغ منها وعند ختمه

۱۹۰ ۲۵۷۵۲ (۱) **كافي** ۵۷۳/۲: قال كان [۱] أبو عبداللّه عليه السلام يدعو عند قراءة كتاب اللّه عزّ وجلّ اللّـهمّ ربّنا لَكَ الحَمدُ أنت المتوحّد بالقدرة والسلطان المتين ولك الحمد أنت المتعالي بالعزّ والكبرياء وفوق السماوات والعرش العظيم ربّنا ولك الحمد أنت المكتفي بعلمك والمحتاج إليك كل ذي علم ربّنا ولك الحمد يا منزّل الآيات والذكر العظيم ربّنا فلك الحمد بما علّمتنا من الحكمة والقرآن العظيم المبين.

اللّهمّ أنت علّمتناه قبل رغبتنا في تعلّمه واختصصتنا به قبل رغبتنا بنفعه.

اللهمّ فاذا كان ذلك منّاً منك وفضلاً وجوداً ولطفاً بنا ورحمة لنا وامتناناً علينا من غير حولنا ولا حيلتنا ولا قوّتنا.

اللهمّ فحبّب إلينا حسن تلاوته وحفظ آياته وايماناً بمتشابهه وعملاً بمحكمه وسبباً في تأويله وهدى في تدبيره وبصيرة بنوره.

اللّهمّ وكما أنزلته شفاء لأولياءك وشقاء علىٰ أعدائك وعِمىً على أهل لمعصيتك ونوراً [۲] لأهل طاعتك.

اللّهمّ فاجعله لنا حِصناً من عذابك وحِرزاً من غضبك وحاجزاً عن معصيتك وعصمة من سخطك ودليلاً علىٰ طاعتك ونوراً يوم نلقاك [۳] نستضييء به في خلقك ونجوز بـه [علـى] صراطك ونهتدي به إلى جنّتك.

اللّهمّ انّا نعوذ بك من الشقوة في حمله والعمى عن عمله [۴] والجور عن حكمه والعلوّ [۵] عن قصده والتقصير دون حقّه.

---

۱. في الكافي هكذا (باب الدعاء عند قراءة القرآن) قال كان الخ.
۲. سبيلاً ـ خ.
۳. القيامة ـ خ.
۴. علمه ـ خ.
۵. والغلوّ ـ خ.

باب ۲۰

دعای قرائت قرآن

(۱) در کتاب کافی آمده است که امام صادق علیه السلام در وقت خواندن قرآن این دعا را می‌خواند: ۱۹۰
«خداوندا! ای پروردگار ما! تو را سپاس، قدرت و سلطنت استوار تنها تو راست، تو را سپاس، تنها تویی که با عزّت و بزرگی برتر [از تصوّر ما] هستی و فراز آسمان‌ها و عرش بزرگ هستی، ای پروردگار ما! هر جمال و کمالی از آن تو است، فقط تو هستی که علمت کامل و کافی است و هر صاحب علمی به علم تو نیازمند است، ای پروردگار ما! و تو را سپاس ای فرو فرستندهٔ آیات و قرآن بزرگ، ای پروردگار ما! پس سپاس و ستایش تو را سزاست که به ما حکمت و قرآن بزرگ روشنگر را یاد دادی خداوندا! پیش از اینکه ما به قرآن علاقه‌مند شویم تو آن را به ما آموختی و پیش از اینکه ما به فایدهٔ آن پی ببریم و به آن تمایل پیدا کنیم تو این [نعمت بزرگ] را به ما اختصاص دادی.

خداوندا! حال که این‌ها همه از روی امتنان و تفضّل و کرم و لطف از طرف تو به ما بوده است بدون اینکه ما توان جلب این نعمت‌ها را داشته باشیم یا بتوانیم چاره‌ای [برای تحصیل آن] بیندیشیم یا با قدرت [آن را به دست] آوریم، پس خداوندا تو خوب خواندن آن [قرآن] را و حفظ کردن آیاتش را و ایمان داشتن به متشابه و عمل کردن به محکمش را و راهیابی به باطنش را و هدایت یافتن بر اثر اندیشیدن در آن را و بصیرت یافتن به نور آن را مورد محبّت و علاقهٔ ما قرار بده.

خداوندا! تو که این قرآن را شفابخش دوستانت و مایه بدبختی دشمنانت و کوری گناهکارانت و روشنایی فرمانبردارانت قرار داده‌ای، پس آن [قرآن] را برای ما سنگری قرار ده که از عذابت ما را نگهدارد و ما را از خشم تو در امان دارد و ما را از سرپیچی فرمان تو مانع شود و از دامن زدن به کاری که سخط و خشم تو را به دنبال دارد، مصون بدارد و ما را به اطاعت تو فرا خواند و در آن روز [قیامت] که ما تو را ملاقات می‌کنیم، نوری باشد که در میان اهل محشر از آن، روشنایی کسب کنیم و با آن نور از پُل صراطت بگذریم و [در نهایت] به بهشتت درآییم. خداوندا! اکیداً به تو پناه می‌آوریم از اینکه در حمل و حفظ قرآن کوتاهی کنیم و مایهٔ بدبختی ما شود و از عمل کردن به قرآن منحرف گردیم و از قضاوت و حکم قرآنی به جور و ستم گراییم و از اعتدال قرآنی به افراط گراییم و [یا] در حق آن تفریط روا داریم.

اللّهمّ احمل عنّا ثقله وأوجب لنا أجره واوزعنا شكره واجعلنا نراعيه ونـحفظه اللّـهمّ اجعلنا نتّبع حلاله ونجتنب حرامه ونقيم حدوده ونؤدّي فرائضه.

اللّهم ارزقنا حلاوة في تلاوته ونشاطاً في قيامه ووجلاً في ترتيله وقوّة في استعماله في آناء الليل و[أطراف] النّهار.

اللّهمّ واشفنا[1] من النوم باليسير وايقظنا في ساعة اللّيل من رقاد الراقدين ونـبّهنا عـند الاحايين[2] الّتي يستجاب فيها الدعاء من سنة الوسنانين[3].

اللّهمّ اجعل لقلوبنا ذكاء عند عجائبه الّتي لاتنقضي ولذاذة عند تـرديده وعـبرة عـند ترجيعه ونفعاً بيّناً عند استفهامه.

اللّهمّ انّا نعوذ بك من تخلّفه في قلوبنا وتوسّده عند رقادنا ونبذه وراء ظهورنا ونعوذ بك من قساوة قلوبنا لما به وعظتنا.

اللهمّ انفعنا بما صرّفت فيه من الآيات وذكّرنا بما ضربت فيه من المثلات[4] وكـفّر عـنّا بتأويله السيّئات وضاعف لنا به جزاء في الحسنات وارفعنا به ثواباً في الدّرجات ولقّنا به البشرى بعد الممات.

اللّهمّ اجعله لنا زاداً تقوّينا به في الموقف [وفي الوقوف] بين يديك وطريقاً واضحاً نسلك به إليك وعلماً نافعاً نشكر به نعمائك وتخشّعاً صادقاً نسبّح به أسمائك فانّك اتخذت به علينا حجّة قطعت به عذرنا واصطنعت به عندنا نعمة قصر عنها شكرنا.

---

١. اسقنا ـ خ.

٢. الاحايين جمع الأحيان جمع الحين وهو وقت مبهم يصلح لجميع الأزمان طال أو قصر.

٣. وفي النهاية الوسنان الذي ليس بمستغرق في نومه والوسن أوّل النّوم.

۴. الأمثال ـ خ.

خداوندا! تو خود سنگینی قرآن را از دوش ما بردار و پاداش آن را برای ما ثبت کن و شکر این [نعمت] را به ما الهام کن و به ما توفیق ده تا [دستورات] آن را رعایت کرده و در حفظ آن بکوشیم.

خداوندا! توفیق ده تا از حلالش پیروی کنیم و از حرامش پرهیز نماییم و حدودش [و احکام شرعی و قضایی‌اش] را [در جامعه] به پا داریم و واجباتش را انجام دهیم.

خداوندا! شیرینی تلاوت قرآن را به ما بچشان و در قیام به آن نشاط و شادابی بخش و در هنگام خواندنش در [دل] ما خوف و خشیت انداز و توانی ده که در همهٔ اوقات شب و روز آن را [در عمل] به کار گیریم.

خداوندا! توفیق ده که به خواب اندکی بسنده کنیم و شبانگاهان آن زمان که همه غرق در خوابند، ما بیدار شویم و در اوقاتی که دعا مستجاب می‌شود و همه چُرت می‌زنند و به خواب سبکی اندر شدند ما را بیدار و آگاه فرما.

خداوندا! دل‌های ما را برای فهم شگفتی‌های تمام نشدنی قرآن هوشی و در وقت تکرار آن لذّتی و در هنگام زمزمه کردن آن، اشک ریزانی و در وقت فهمیدن آن فایدهٔ محسوسی عطا فرما.

خداوندا! ما به تو پناه می‌آوریم از اینکه قرآن دلپذیر ما نباشد و آن را در وقت خواب بالش زیر سر کرده و [در بیداری] به پشت سر اندازیم و به تو پناه می‌آوریم از اینکه دل‌های ما در مقابل آنچه که به ما اندرز داده‌ای قسیّ و سخت باشد [و اندرز و موعظه در آن اثر نکند.]

خداوندا! با آیات گوناگون قرآن ما را سود بخش و با نمونه‌های عبرت آمیزش ما را آگاه کن و گناهان ما را با راه یافتن به باطن قرآن از ما بزدای و پاداش خوبی‌های ما را با آن دو چندان گردان و مقام و مرتبهٔ ما را با قرآن بالا ببر و پس از مرگ با قرآن ما را [به بهشت] مژده بده.

خداوندا! آنگاه که [در صحرای محشر] در پیشگاه تو می‌ایستیم قرآن را زاد و توشهٔ ما قرار ده که به ما توان بخشد و آن را راه آشکاری قرار ده که از این راه به سوی تو آییم و آن را دانش سودمندی قرار ده که سپاسگزاری از نعمت‌های تو را موجب شود و قرآن را زمینه‌ساز خشوع صادقانهٔ ما قرار ده که با آن، نام‌های تو را تقدیس کنیم.

چرا که با این قرآن، تو برای ما هر عذر و بهانه‌ای را قطع کردی و نعمتی برای ما ساخته و پرداخته کردی که از عهدهٔ شکر آن برنیاییم.

اللّهمّ اجعله لنا وليّاً يثبتنا من الزّلل ودليلاً يهدينا لصالح العمل وعوناً هادياً يقوّمنا من الميل وعوناً يقوّينا من الملل حتّىٰ يبلغ بنا أفضل الأمل.

اللّهمّ اجعله لنا شافعاً يوم اللقاء وسلاحاً يوم الارتقاء وحجيجاً يوم القضاء ونوراً يوم الظلماء يوم لاأرض ولاسماء يوم يجزى كلّ ساع بما سعى.

اللهمّ اجعله لنا ريّاً يوم الظّمآء وفوزاً يوم الجزاء من نار حامية قليلة البقيا على من بها اصطلي وبحرها تلظّى.

اللهمّ اجعله لنا برهاناً على رؤس الملأ يوم يجمع فيه أهل الأرض وأهل السماء.

اللهمّ ارزقنا منازل الشّهداء وعيش السّعداء ومرافقة الأنبياء انّك سميع الدعاء.

۱۹۱ ۲۵۷۵۳ (۲)**الاختصاص** ۱۴۱: **روى** عن أبي عبداللّه عليه السلام انّه إذا قرء القرآن قال اللهمّ اني قد قرأت ما قضيت لي من كتابك الذي أنزلته على نبيّك الصادق فلك الحمد ربّنا اللهمّ اجعلني ممّن أحلّ حلاله وحرّم حرامه وآمن[۱] بمحكمه ومتشابهه واجعله لي أُنساً في قبري وأُنساً في حشري (وأُنساً في نشري ـ اختصاص) واجعلني ممّن ترقّيه بكلّ آية قرأتها[۲] لي درجة في أعلىٰ عليّين آمين ربّ العالمين وصلّى اللّه على محمّد وآله وسلّم.

بسم اللّه اللهمّ انّي أشهد أنّ هذا كتابك المنزّل من عندك علىٰ رسولك محمّد بن عبداللّه صلواتك عليه وآله وكلامك[۳] الناطق علىٰ لسان رسولك[۴] (فيه حكمك وشرايع دينك أنزلته على نبيّك ـ اختصاص) وجعلته عهداً[۵] منك إلى خلقك وحبلاً متّصلاً فيما بينك وبين عبادك.

---

۱. ويؤمن ـ بحار. ۲. قرأها ـ بحار. ۳. كتابك ـ ك.
۴. نبيّك ـ بحار. ۵. هادياً ـ بحار.

خداوندا! قرآن را برای ما سرپرستی قرار ده که در هنگام لغزش دست ما را بگیرد و یک یار راهنما که در هنگام انحراف و کج شدن ما را به راه راست در آورد و کمکی باشد که در هنگام پژمردگی و بی‌حالی به ما قوّت و نشاط بخشد تا اینکه ما را به بهترین آرزوهای‌مان برساند.

خداوندا! در روز دیدارت قرآن را شفیع ما قرار ده و وسیله‌ای برای بالا رفتن و مدافعی در روز قضاوت [تو میان بندگان] و نوری در هنگام تاریکی قرار ده، در آن روزی که نه زمین است و نه آسمانی [یعنی] همان روز که هر تلاش کننده سزای تلاش خود را دریافت می‌کند.

خداوندا! قرآن را در روز تشنگی وسیلهٔ سیراب شدن ما قرار ده و در روز دریافت پاداش و کیفر، قرآن را سبب نجات یافتن ما از آتش قرار ده، همان آتشی که نسبت به کسانی که در آن وارد می‌شوند و با داغی آن می‌سوزند، بی رحم است.

خداوندا! در آن روزی که همهٔ اهل زمین [مردم] و اهل آسمان [فرشتگان] گرد آیند، تو قرآن را حجّت و برهان ما قرار ده.

خداوندا! جایگاه شهیدان و زندگی سعادتمندان و هم نشینی با پیامبرانﷺ را به ما مرحمت فرما زیرا این تو هستی که دعا را می‌شنوی و آن را به اجابت می‌رسانی.»

۱۹۱ (۲) شیخ مفید در کتاب الاختصاص روایت کرده است که: «امام صادقؑ هر گاه قرآن می‌خواند، می‌گفت: خداوندا! به مقدار توفیقی که تو برایم مقدّر کرده‌ای از کتابی که بر پیامبر راستگویتﷺ فرو فرستاده‌ای، خواندم، پس ای پروردگار تو را سپاس می‌گویم. خداوندا! مرا از آنان قرار ده که حلال قرآن را حلال و حرام آن را حرام می‌دانند و به آیات محکم (استوار و روشن) و آیات متشابه (باطن دار و نیازمند به تأویل) آن ایمان دارند و آن را در قبر و روز محشور شدن [در قیامت] مایهٔ انس من قرار ده و مرا از کسانی قرار ده که با هر آیه‌ای که خوانده او را درجه‌ای در بالاترین مقامات عالی، ترقّی داده‌ای. ای پروردگار جهانیان! [دعای مرا] اجابت فرما و درود و سلام خدا بر محمّد و خاندانش باد.

بنام خدا، خداوندا! من گواهی می‌دهم که این، کتاب تو است که از پیشگاه خود بر پیامبرت محمّد بن عبداللهﷺ به تدریج نازل کرده‌ای و کلام توست که بر زبان پیامبرت جاری شده است (احکام و دستورات دینت که به پیامبرت نازل کرده‌ای همه در این قرآن است) و آن را پیمان‌نامه‌ای از جانب خود برای آفریده‌هایت قرار دادی و آن را طنابی پیوسته میان خود و بندگان ساختی.

اللهمّ انّي نشرت عهدك وكتابك اللهمّ فاجعل نظري فيه (عبادة ـ اختصاص ـ بحار) وقراءتي (فيه ـ اختصاص بحار) فكراً[1] وفكري (فيه ـ بحار) اعتباراً واجعلني ممّن اتّعظ ببيان مواعظك فيه واجتنب معاصيك ولا تطبع عند قراءتي (كتابك على قلبي ولا اختصاص) على سمعي ولا تجعل على بصري غشاوة ولا تجعل قراءتي قراءة لا تدبّر فيها بل اجعلني أتدبّر آياته وأحكامه آخذاً بشرايع دينك ولاتجعل نظري فيه غفلة ولا قراءتي (منه ـ اختصاص) هذراً[2] انّك أنت الرّؤف الرّحيم. روى هذا الخبر عن أبي عبداللّه عليه السلام أنّه كان إذا أخذ المصحف ونشره قال هذا كمل الخبر ص ١٤٢: ورواه في **البحار** ٢٠٧/٩٢: (نقلاً عن مصباح الأنوار) نحوه.

مستدرك ٣٧٢/٤: السيّد علي بن طاووس في كتاب عمل شهر رمضان باسناده إلى يونس بن عبدالرّحمن عن علي بن ميمون الصايغ أبي الأكراد عن أبي عبداللّه عليه السلام انّه كان من دعائه إذا أخذ مصحف القرآن والجامع قبل ان يقرأ القرآن وقبل أن ينشره يقول حين يأخذه بيمينه بسم اللّه اللهمّ اني أشهد ان هذا كتابك المنزل (وذكر مثله إلى قوله الرؤوف الرّحيم).

(٣) **مستدرك** ٣٧٣: منية المريد وبالاسناد عنه صلى الله عليه وآله فيقول عند الفراغ من قرائة بعض ١٩٢ ٢٥٧٥٤
القرآن العظيم اللهمّ اني قرأت بعض ما قضيت لي من كتابك الذي أنزلته على نبيّك محمّد صلواتك عليه ورحمتك فلك الحمد ربّنا ولك الشكر والمنّة على ما قدّرت ووفّقت اللهمّ اجعلني ممّن يحلّ حلالك ويحرّم حرامك ويجتنب معاصيك ويؤمن بمحكمه ومتشابهه وناسخه ومنسوخه واجعله لي شفاء ورحمة وحرزاً وذخراً اللهمّ اجعله لي انساً في قبري وأُنساً في حشري وأُنساً في نشري واجعل لي بركة بكلّ آية قرأتها وارفع لي بكلّ حرف درسته درجة في أعلى علّيّين آمين يا ربّ العالمين.

---

١. تفكّراً ـ ك.   ٢. هذرمة ـ ك.

خداوندا! من پیمان‌نامه و کتاب تو را گشودم. خداوندا! پس تو خود نگاه من به قرآن را عبادت و خواندنم را توأم با اندیشه و اندیشه‌ام را وسیلهٔ عبرت گرفتن قرار ده و مرا جزء آنان قرار ده که از پندهایت اندرز می‌گیرند و از گناهانت دوری می‌کنند و در هنگام خواندن، گوشم را مُهر و موم نکن و بر دیده‌ام پرده نیاویز و چنان کن که خواندنم خواندنی نباشد که در آن تعقّل و تفکّر نیست بلکه به من توفیقی عطا کن که در آیاتش و دستوراتش بیندیشم و دستورات دینت را از آن بگیرم و نگاه مرا با غفلت و خواندنم را با بی توجّهی و هدر رفتن، همراه نکن چرا که به راستی تو خدای مهربان و بنده‌نوازی هستی.»

سید بن طاووس نیز روایت فوق را از امام صادقعلیه السلام نقل کرده است به اینگونه که: «امام صادقعلیه السلام هر گاه می‌خواست قرآن بخواند، قرآن را به دست راست می‌گرفت و پیش از این که آن را باز کند می‌فرمود: به نام خدا، خداوندا! گواهی می‌دهم که این، کتاب توست که بر پیامبرت فرو فرستاده‌ای (و تا پایان روایت همان گونه که ذکر شد نقل کرده است)»

۱۹۲ (۳) شهید ثانی با سند معتبر از پیامبرﷺ نقل کرده است که حضرت چون از خواندن مقداری از قرآن، فارغ می‌شدند می‌فرمود: «خداوندا! آنچه که مقدّر کرده بودی، من از کتابی که بر پیامبرت محمّد که درودها و رحمتت بر او باد نازل کرده بودی خواندم.»

پس ای پروردگار! تو را ستایش و سپاس می‌گویم و تو هستی که بر ما منّت نهادی و این چنین برای ما مقدّر کردی و توفیق دادی [که قرآن بخوانیم].

خداوندا! مرا از کسانی قرار ده که حلال تو را حلال و حرامت را حرام می‌دانند و از گناهانت پرهیز می‌کنند و به محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ آن ایمان دارند و آن را درمان و رحمت و حریم امن و پس انداز برای من قرار ده.

خداوندا! قرآن را در قبر و زمان زنده شدن [مردگان] و باز شدن [نامه‌های اعمال] مایهٔ اُنس و آرامش من قرار ده و با هر آیه‌ای که خواندم به من برکتی ده و با هر حرفی که قرائت کردم درجه‌ای بر درجات من در اعلی علّیّین بیفزا. ای پروردگار همهٔ جهان و جهانیان! تو خود [دعای مرا] اجابت بفرما.

اللهمّ صلّ على محمّد نبيّك وصفيّك ونجيّك ودليلك والداعي إلى سبيلك وعلى أمير المؤمنين وليّك وخليفتك من بعد رسولك وعلى أوصيائهما المستحفظين دينك المستودعين حقّك المسترعين خلقك وعليهم أجمعين السلام ورحمة اللّه وبركاته.

۱۹۳ ۲۵۷۵۵ (۴) **البحار** ۲۰۶/۹۲: مصباح الأنوار عن الحسين بن أحمد عن الحسين بن محمد بن عبدالوهّاب عن الحسن بن أحمد المقري عن علي بن أحمد المقري الحمامي عن زيد بن عليّ بن أبي هلال عن محمد بن محمد بن عقبة عن جعفر بن محمد العنبري عن زكريّا بن أبي صمصامة عن حسين الجعفي عن زائدة عن عاصم عن **زرّ بن حبيش** قال قرأت القرآن من أوّله إلى آخره في المسجد الجامع بالكوفة على أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فلمّا بلغت الحواميم قال لي أمير المؤمنين عليه السلام قد بلغت عرائس القرآن فلمّا بلغت رأس العشرين من حمٓ عسق ﴿**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ**﴾ بكى أمير المؤمنين حتّى ارتفع نحيبه ثمّ رفع رأسه إلى السماء وقال يا زرّ أمّن على دعائي ثمّ قال اللهمّ انّي أسألك اخبات المخبتين إلى آخر الدعاء ثمّ قال يازرّ إذا ختمت فادع بهذه فانّ حبيبي رسول اللّه صلى الله عليه وآله أمرني أن أدعو بهنّ عند ختم القرآن. **المكارم** ۳۴۲: عن أميرالمؤمنين عليه السلام قال قال حبيبي رسول اللّه صلى الله عليه وآله أمرني أن أدعو بهنّ عند ختم القرآن اللهمّ انّي أسألك اخبات المخبتين واخلاص الموقنين ومرافقة الأبرار واستحقاق حقائق الايمان والغنيمة من كلّ برّ والسلامة من كلّ اثم ووجوب رحمتك وعزائم مغفرتك والفوز بالجنّة والنّجاة من النار.

۱۹۴ ۲۵۷۵۶ (۵) **المصباح** ۲۸۶: قال كان أميرالمؤمنين عليه السلام إذا ختم القرآن قال اللهمّ اشرح بالقرآن صدري واستعمل بالقرآن بدني ونوّر بالقرآن بصري واطلق بالقرآن لساني وأعنّي عليه ما أبقيتني فانّه لاحول ولاقوّة إلّا بك.

خداوندا! درود فرست بر پیامبرت، برگزیده‌ات، هم‌سخنت، راهنمایت و دعوت کننده به راهت، حضرت محمّدﷺ و بر امیرمؤمنان، دوستت و جانشینت پس از پیامبرت، علیؑ و بر جانشینانش که دین تو را نگهداری می‌کنند و اسرار و حقایق تو در نزد آن‌ها به ودیعت نهاده شده است و بندگانت را آن‌ها با تدبیر و سیاست اداره می‌کنند، بر همگی آن‌ها سلام و رحمت و برکات خداوند باد.»

۱۹۳ (۴) زرّ بن حبیش گوید: «در مسجد جامع کوفه من از اوّل قرآن تا آخر آن را نزد امیر مؤمنان علی بن ابی طالبؑ قرائت کردم، وقتی به «حم[1]»ها رسیدم حضرت امیرالمؤمنینؑ به من فرمود: به عروس‌های قرآن رسیدی. پس چون به سر آیهٔ بیست از سوره «شوریٰ» رسیدم «**و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغ‌های بهشتند آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت این است آن رستگاریِ بزرگ.**»[2]

[چون به اینجا رسیدم] امیر مؤمنان به گریه افتاد آن سان که صدای زار زدن گریه‌اش بلند شد، سپس سرش را به سمت آسمان بالا برد و فرمود: ای زرّ! دعای مرا «آمین» بگو سپس فرمود: خداوندا! از تو درخواست می‌کنم خضوع خاضعان را... تا آخر دعا [که در بحار الانوار ذکر شده است] آنگاه حضرت فرمود: ای زر! هر گاه قرآن را ختم کردی همین دعا را بخوان زیرا دوستم پیامبر خداﷺ به من دستور داد که در هنگام ختم قرآن این دعا را بخوانم.»

در کتاب مکارم از امیر مؤمنان علیؑ نقل شده است که حضرت فرمود: «دوستم پیامبر خداﷺ مرا دستور داد تا در هنگام ختم قرآن این دعا را بخوانم: «خداوندا! از تو درخواست می‌کنم خضوع خاشعان، اخلاص یقین دارندگان، هم‌نشینی و رفاقت با نیکان، شایستگی دریافت حقیقت‌های ایمان، برخوردار شدن از هر خوبی، سالم ماندن از هر گناهی، حتمی شدن رحمتت، آمرزش قطعی‌ات، رسیدن به بهشت و نجات یافتن از آتش [دوزخ] را.»

۱۹۴ (۵) در کتاب مصباح نقل شده است که: «هر گاه امیرالمؤمنین علیؑ قرآن را به پایان می‌رساند، می‌فرمود: خداوندا! سینه‌ام را با قرآن فراخ گردان و [اعضاء و جوارح] بدنم را به [متابعت] قرآن به کار گیر و با قرآن به دیده‌ام روشنایی ده و زبانم را با قرآن باز بدار و تا وقتی زنده‌ام مرا به [خواندن و تدبّر و عمل به] قرآن یاری فرما زیرا نیرو و توانی جز از ناحیهٔ تو، یافت نگردد.»

---

۱. یعنی سوره‌هایی که با «حم» آغاز می‌شود که از سوره «غافر» شروع می‌شود و بعد از آن «فصّلت» و سپس «شوریٰ» و «زخرف» و «دخان» و «جاثیه» و «أحقاف» می‌باشد.

۲. شوری ۲۲/۴۲ مطابق قرآن موجود و در دسترس همگان.

۱۹۵ (۶) **البحار** ۳۶۹/۹۲: أقول وجدت بخطّ الشيخ الجليل محمّد بن علي الجبعيّ الدعاء
۲۵۷۵۷
لختم القرآن نقل من خط الشيخ شمس الدين **محمد بن مكّيّ** وقال انّه نقله من مصحف بالمشهد المقدّس الكاظمي الجوادي صلوات اللّه عليهما وسلامه بسم اللّه الرحمن الرحيم صدق اللّه أعْلَى الصادقين ومُنطق جميع الناطقين وبلّغت الرسل الكرام سادات الأنام.

اللّهمّ انفعنا بالقرآن العظيم واهدنا بالآيات والذّكر الحكيم وتقبّل منّا قراءته انّك أنت السميع العليم ولا تضرب به وجوهنا ياإله العالمين.

اللّهمّ فكما جعلتنا من أهله وشرّفتنا بفضله واصطفيتنا لحمله وهديتنا به وبلّغتنا به نهاية المراد وجعلتنا به شهداء على الأُمم يوم المعاد فاجعلنا ممّن ينتفع بأوامره ويرتدع بزواجره ويقتنع بحلاله ويؤمن بما تشابه من آياته حتّىٰ تغفر لنا ذنوبنا ببركاته وتوفّر ثوابنا لقرائته وتشكف به عنّا نوازل دهرنا وآفاته برحمتك يا أرحم الرّاحمين.

اللّهمّ وكما رزقتنا المعونة علىٰ حفظه وليّنت ألسنتنا لتلاوة لفظه فارزقنا التدبّر لمعانيه ووفّقنا للعمل بما فيه واجعلنا ممتثلين لأوامره ونواهيه واشرح صدورنا بأنوار مثانيه وأعذنا به من ظلم الشرك واتّباع داعيه وأعطنا لتلاوته في أيّام دهرنا ولياليه ثواباً تعمّ لجماعة سامعيه وتاليه برحمتك يا أرحم الراحمين.

اللّهمّ انفعنا بما فصّلت في كتابك من الآيات واجمعنا به على طاعتك في سائر الأوقات وأعذنا به من جميع الشدائد والآفات واغفر لنا به سالف مااقترفناه من السيّئات واكشف به عنّا نوازل الكُربات ولقّنا به البشرى عند معاينة الممات برحمتك يا أرحم الراحمين.

(۶) شیخ شمس الدین محمد بن مکّی ﷺ برای ختم قرآن دعایی نوشته است و گفته: این دعا بـر ۱۹۵
قرآنی که در حرم امام کاظم ﷺ بود نوشته شده بود [دعا این است:] بنام خداوند بخشندهٔ مـهربان، راست فرموده است خـداونـدی کـه بـالاتر از هـمهٔ راسـتگویان است و بـه سـخن در آورنـدهٔ هـمهٔ سخنگویان است و پیامبران بزرگواری که سروران مردم هستند رسالت خود را انجام دادند. خداوندا! با این قرآن بزرگ به ما سود بخش و ما را با آیات و سخنان حکیمانه و استوار [قرآن] راهنمایی کن و خواندن آن را از ما قبول فرما، به راستی که تو خداوند شنوای دانا هستی و آن را به صورت‌های ما مزن، ای معبود همهٔ جهانیان.

خداوندا! همان گونه که ما را اهل قرآن قرار دادی و با این فضیلت ما را مفتخر کردی و برای حمل آن ما را انتخاب کردی و با آن ما را هدایت کردی و به وسیلهٔ آن ما را به نهایت آرزوی‌مان رساندی و با آن ما را گواهان دیگر امّت‌ها در روز قیامت قرار دادی، پس ما را از کسانی قرار ده که از دستورات قرآن سود بردند و از نواهی و محرّمات آن کناره‌گیری کردند و به حلالش قناعت کردند و به آیـات متشابهش ایمان آوردند تا اینکه به برکت قرآن گناهان ما را بیامرزی و پاداش قرآن خوانـدن مـا را افزون نمایی و بلاها و آفات پیدا شونده در روزگارمان را به حرمت قرآن از ما برطرف نمایی، [این‌ها را که از تو می‌خواهیم نه به شایستگی خود ما است بلکه] به مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! همان طور که کمک کردی تا توانستیم آن را حفظ کنیم و زبان‌مان را بر أدای کلماتش نرم کردی پس اندیشیدن در معانی و مفاهیم آن را روزیِ ما و توفیق عمل به آن را عنایت فرما و ما را فرمانبردار اوامر و نواهی آن قرار ده و سینهٔ ما را با نور این قرآن دو بار نازل شدهٔ [بر پـیامبر ﷺ] فراخ گردان و ما را از ستم شرک ورزی و پیروی از انگیزهٔ آن پناه ده و برای خواندن قرآن در همهٔ شب‌ها و روزهای عُمرمان پاداشی که همهٔ شنوندگان و خوانندگان قرآن را فرا گیرد [نه به استحقاق ما بلکه] به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا! به واسطهٔ این آیاتی که جدا جدا در کـتابت آورده‌ای، منفعت بخش و در دیگر اوقات همهٔ ما را بر فرمان‌برداری از خودت گرد هم آر و به [برکت] این قرآن ما را از همهٔ سختی‌ها و گرفتاری‌ها در پناه خودت نگاه دار و به [حرمت] قرآن گناهانی را که در گذشته مرتکب شدیم ببخش و حوادث غمبار را به حق قرآن از ما برطرف فرما و در هنگام دیدن مرگ به واسطهٔ این قرآن ما را [به بهشت] مژده بده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

اللّهمّ انّا نسألك أن تطهّر به قلوبنا من دنس العصيان وتكفّر به ذنوبنا الواردة إلى منازل الهوان وتعصمنا به من الفتن في الأديان والأبدان وتونس به وحشتنا عند الانفراد في أضيق مكان وتلقنّنا به الحجج البالغة إذا سألنا الملكان برحمتك يا أرحم الراحمين.

اللّهمّ اجعلنا ممّن يعتقد تصديقه ويقصد طريقه ويرعى حقوقه ويتّبع مفترض أوامره ويرتدع منهيّ زواجره ويستضيء بنور بصائره ويقتني بأجر ذخائره برحمتك يا أرحم الراحمين.

اللّهمّ اجعله مسلّياً لأحزاننا وماحياً لآثامنا وكفّارة لما سلف من ذنوبنا وعصمة لما بقي من أعمارنا.

اللّهمّ اسعدنا به ولا تشقنا وأعزّنا به ولا تذلّنا وارفعنا به ولا تضعنا وأغننا به ولا تحوجنا.

اللّهمّ اجعله لأعمالنا غارساً ولنا برحمتك عن جميع الذنوب والمحارم حابساً وفي ظُلَمِ الّليالي موقظاً وموانساً.

اللّهمّ اغفر لنا به كبائر الذنوب واستر به علينا قبائح العيوب وبلّغنا به إلى كلّ محبوب وفرّج.

اللّهمّ به عنّا وعن كلّ مكروب برحمتك يا أرحم الرّاحمين.

اللّهمّ اجعلنا ممّن يحسن صحبته في كلّ الأوقات ويجلّ حرمته عن مواقف التّهمات وينزّه قدره من الوثوب على ما نهيت عنه في الخلوات حتّى تعصمنا به من جميع السيّئات وتنجينا به من جميع الهلكات وتسلّمنا به من اقتحام البدع والشبهات وتكفينا به جميع الآفات.

خداوندا! از تو می‌خواهیم که دل‌های ما از چرک گناه با قرآن، شستشو دهی و گناهانی که ما را به سرمنزل ذلّت و خواری نشانده است به حرمت قرآن فرو پوشی و با [هدایت] قرآن ما را از فتنه‌های [زبان‌زننده] به دین و بدن، ما را نگهداری و آنگاه که در تنگ‌ترین جا (قبر) تنها قرار می‌گیریم با قرآن وحشت‌مان را به اُنس مبدّل گردانی و آنگاه که آن دو فرشته [نکیر و منکر] از ما می‌پرسند، به وسیلهٔ قرآن دلیل هایِ کارسازی را به زبان ما قرار دهی به مهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! ما را از آنان قرار ده که به راستی و درستی قرآن اعتقاد دارند و هدف آن‌ها پیمودن راه قرآن است و حقوق قرآن را مراعات می‌کنند و از دستورات الزامی آن پیروی می‌کنند و از محرّمات نهی شده پرهیز می‌کنند و از نور آیاتِ بینایی بخش آن کسب نور می‌کنند و از گنجینه‌های آن، توشه بر می‌گیرند، به مهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! قرآن را آرام بخشِ غم و غصه‌هایِ ما و پاک کنندهٔ گناهان ما و کفّارهٔ معاصی گذشته و مایهٔ پاکی در باقی ماندهٔ عمرمان قرار ده.

خداوندا! ما را با قرآن سعادتمند و خوشبخت فرما و بدبخت نکن ما با قرآن به ما عزّت بخش و ما را خوار و ذلیل مفرما و ما را با قرآن بالا ببر و پست مفرما و ما را با آن بی نیاز فرما و محتاج نکن.

خداوندا! قرآن را باغبان اعمال ما قرار ده [که اعمال ما را اصلاح کند و رشد کرده، به ثمر برسد] و با لطف و کرمت قرآن را مانع و جلوگیری کننده ما از همهٔ گناهان و کارهای حرام قرار ده و در تاریکی‌های شب (نیمه‌های شب) آن را بیدار کننده و انیس ما قرار ده.

خداوندا! به واسطهٔ قرآن گناهان کبیرهٔ ما را ببخش و به خاطر قرآن عیب و نقص‌های زشت ما را بپوشان و ما را به هر چه دوست داریم برسان و گرفتاری‌ها را به حرمت قرآن از ما و هر گرفتار دیگری برطرف بفرما.

خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که در همه وقت با قرآن به خوبی مصاحبت می‌کنند و شأن آن را اجلّ از این می‌دانند که در موضع اتّهام قرار گیرد و قداست و نزاهت قرآن را حفظ می‌کنند و در خلوت به گناه نمی‌پردازند تا اینکه به وسیلهٔ این قرآن ما را از همهٔ گناهان، پاک نگاه داری و از همهٔ اسباب هلاکت باز داری و با [هدایتِ] قرآن ما را از ورود به بدعت‌ها و امور شبهه‌ناک سالم بداری.

اللّهمّ طهّرنا بكتابك من دنس الذنوب والخطايا وامنُن علينا بالاستعداد لنزول المنايا وهب لنا الصبر الجميل عند حلول الرزايا حتّى يجتمع لنا بختمنا هذه خير الدنيا وخير الآخرة فأنّك أهل التقوى وأهل المغفرة.

اللّهمّ اجعل ختمتنا هذه أبرك الختمات وساعتنا هذه أشرف السّاعات اغفر لنا بها مامضى من ذنوبنا وما هو آت حيّنا بها بأطيب التّحيّات ارفع لنا أعلمانا في الباقيات الصّالحات.

اللّهمّ اجعل ختمتنا هذه ختمة مباركة تحطّ عنّا بها أوزارنا وتدرّ بها أرزاقنا وتديم بها سلامتنا وعافيتنا وتجمع بها شملنا وتغني بها فقرنا وتكتب بها سلامتنا وتغفر بها ذنوبنا وتستر بها عيوبنا برحمتك يا أرحم الراحمين.

اللهمّ لاتدع لنا بالقرآن ذنباً إلّا غفرته ولا همّاً إلّا فرّجته ولا دَيْناً إلّا قضيته ولا عيباً إلّا سترته ولا مريضاً إلّا شفيته ولا ميّتاً إلّا رحمته ولا فاسداً إلّا أصلحته ولا ضالاً إلّا هديته ولا عدوّاً إلّا أهلكته ولا سعراً إلّا أرخصته ولا شراباً إلّا أعذبته ولا كبيراً إلّا وفّقته ولا صغيراً إلّا أكبرته ولا حاجة من حوائج الدنيا إلّا أعَنْتنا على قضائها برحمتك يا أرحم الرّاحمين.

اللّهمّ انصر جيوش الإسلام وفرسانه وحُماةَ الدين وشجعانه وأنصار الدّين وأعوانه ليزيدوا دينك عزّاً ويثبّتوا أركانه ويدكدكوا الكفر وينكسوا صلبانه ويقلعوا سرير ملكه وسلطانه.

واجعل **اللّهمّ** لأُسراء المسلمين منك فرجاً وسبّب لهم إلى دار الإسلام مخرجاً برحمتك يا أرحم الراحمين.

خداوندا! با کتاب خودت [قرآن] ما را از چرک گناهان و اشتباهات شستشو ده و بر ما به این نعمت منّت نه که برای آمدن مرگ آماده شویم و در هنگام آمدن مصیبت‌ها به ما صبر جمیل مرحمت فرما تا با ختم قرآن همهٔ خوبی‌های دنیا و آخرت به ما داده شود، چون تنها تویی که شایسته‌ای برایت تقوٰی پیشه کنیم و تویی که اهل آمرزشی.

خداوندا! این ختم ما را با برکت‌ترین ختم‌ها و این ساعت را بهترین ساعات قرار ده و به برکت این ختم از گناهان گذشته و آیندهٔ ما درگذر و با این ختم ما را شایستهٔ بهترین درودهایت قرار ده و کردار ما را جزو اعمال صالح ماندگار قرار ده.

خداوندا! به این ختم قرآن ما برکتی ده که با آن همهٔ گناهان را از ما [چون برگ خزان] فرو ریزی و روزی ما را افزون نمایی و به تندرستی و راحتی ما دوام بخشی و پراکندگی ما را به تجمّع مبدّل سازی و فقر را از ما برطرف کنی و سلامتی را برای ما مقدّر کنی و گناهان‌مان را ببخشی و بدی‌های ما را درپوشانی، به مهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! فرو نگذار برای ما گناهی مگر آن را بخشیده باشی و نه غصّه‌ای مگر اینکه برطرف کنی و نه قرضی مگر اینکه آن را ادا کنی و نه عیبی مگر اینکه بپوشانی و نه بیماری مگر اینکه او را شفا دهی و نه مرده‌ای مگر اینکه او را مشمول رحمت خود نمایی و نه تبهکاری مگر اینکه آن را صالح و نیک کردار نمایی و نه گمراهی مگر اینکه او را راهنمایی کنی و دشمنی را برای ما فرو نگذار مگر اینکه او را نابود کنی و نه نرخی را مگر اینکه ارزان کنی آن را و نه نوشیدنی مگر اینکه گوارا گردانی و نه بزرگی مگر اینکه توفیق [علم و عمل] دهی او را و نه کوچکی را مگر اینکه به بزرگی رسانی او را و نه هیچ حاجتی مگر اینکه ما را بر انجام و تحصیل آن کمک نمایی به مهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! لشگریان اسلام و سواره نظام‌ها و حامیان دین و دلاور مردان یاری کننده و کمک کنندهٔ دین را یاری کن تا بر عزّت دینت بیفزایند و پایه‌های دین را محکم نمایند و [اهل] کفر را متلاشی کنند و صلیب‌های آنان را واژگون نمایند و تخت پادشاهی و سلطنت آن‌ها را برکَنند.

و ای خداوند برای اسیران مسلمان، تو خود راه نجاتی میسّر فرما و سببی برای بازگشت آن‌ها به دیار اسلام مقدّر فرما، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

اللّهمّ أعداؤنا إن سلكوا برّاً فاخسف بهم وإن سلكوا بَحْراً فغرّقهم وارمهم بحجرك الدّامغ وسيفك القاطع برحمتك يا أرحم الراحمين.

اللهمّ من أرادنا بسوء فأرده ومن كادنا فكده ومن بغى علينا فأهلكه يا كثير الخير يا دائم المعروف يا من لم يزل كريماً ولا يزال رحيماً.

اللهمّ أنت العالم بحوائجنا فاقضِها وأنت العالم بسرائرنا فأصلحها وأنت العالم بذنوبنا فاغفرها برحمتك يا ارحم الرّاحمين.

اللّهمّ اغفرلنا ولآبائنا ولاُمّهاتنا واخواننا وأخواتنا ولاُستادينا (لاساتيدناظ) ولمعلّمينا الخير ولجميع المسلمين برحمتك يا أرحم الرّاحمين ربّنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب القبر وعذاب النار برحمتك يا أرحم الراحمين وآخر دعوانا ان الحمد للّه ربّ العالمين.

(۲۱)

باب استحباب قرائة القرآن في البيت وأمر الأولاد بقرائته وكراهة تعطيله عن الصلاة والقرائة والذّكر

۱۹۶ ۲۵۷۵۸ (۱) **كافي ۲/ ۶۱۰**: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن خالد والحسين بن سعيد جميعاً عن النضر بن سويد عن يحيى بن عمران الحلبي عن **عبدالأعلى** مولى آل سام عن أبي عبداللّه ﷺ قال انّ البيت إذاكان فيه المرء المسلم يتلو القرآن يتراء آه أهل السماء كما يتراءىٰ أهل الدنيا الكوكب الدرّيّ في السماء.

۱۹۷ ۲۵۷۵۹ (۲) **رجال الكشيّ** ۲۲۱: **شيخ** من أصحاب أبي جعفر ﷺ حدثني جعفر بن محمد قال حدثني عليّ بن الحسن بن علي بن فضّال قال حدثني عبدالرّحمن ابن أبي نجران قال حدثني **أبوهارون** قال كنت ساكناً دار الحسن بن الحسين فلمّا علم انقطاعي إلى أبي جعفر وأبي عبداللّه ﷺ أخرجني من داره قال فمرّ بي أبو عبداللّه ﷺ فقال لي يا أبا هارون بلغني انّ هذا أخرجك من داره قال قلت نعم جعلت فداك قال بلغني أنّك كنت تكثر فيها تلاوة كتاب اللّه والدّار إذا تُلِيَ فيها كتاب اللّه كان لها نور ساطع في السماء وتعرف من بين الدور.

خداوندا! اگر دشمنان ما راه‌شان از خشکی است آن‌ها را در زمین فرو بَر و اگر در دریا است آن‌ها را غرق کن و آن‌ها را هدف سنگ خُرد کننده و شمشیر بـرّندهٔ خـود قـرار ده، بـه مـهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! هر کس نیت و ارادهٔ سوئی نسبت به ما دارد تو خود او را اراده کن [و نیّت بدش را بـه خودش برگردان] و هر کس سَرِ مکر با ما دارد تو خود مکرش را به خودش برگردان و هر کس به ما ستم کرد نابودش کن ای خداوندی که احسانت فراوان و نیکی ات دائم است، ای کسی که پیوسته با لطف و کرم بودی و پیوسته مهربان هستی.

خداوندا! تو خواسته‌های ما را می‌دانی پس آن‌ها را بر آورده فرما و تو از باطن‌های ما خبر داری پس آن‌ها را اصلاح بفرما و تـو از گـناهان اطّلاع داری پس از آن‌هـا درگـذر، بـه مـهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوندا! ما را، پدران و مادران ما، برادران و خواهران ما، اساتید و آموزگاران ما و همهٔ مسلمانان را بیامرز به مهربانی ات ای مهربانترین مهربانان. پروردگارا! در دنیا به ما خوبی ده و در آخرت خوبی ده و با رحمتت ما را از عذاب قبر و عذاب آتش [دوزخ] نگهدار به مهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان و پایان کلام و دعای ما این است که: سپاس خداوندی را که اداره کنندهٔ جهانیان است.»

باب ۲۱

استحباب قرائت قرآن در خانه

۱۹۶ (۱) عبدالاعلی از امام صادق؈ روایت کرده است که حضرت فرمود: «وقتی مسلمان در خانه‌اش قرآن می‌خواند، این خانه برای فرشتگان آسمانی آنچنان می‌درخشد و نـمایان مـی‌شود کـه سـتارهٔ درخشان آسمان برای ساکنان زمین، نمایان می‌شود.»

۱۹۷ (۲) ابوهارون گوید: «من در خانهٔ حسن بن حسین سکونت می‌کردم و مسـتأجر او بـودم وقـتی فهمید که من با کسی رفت و آمد ندارم و فقط به خدمت امام باقر و امام صادق؈ می‌رسم، مرا از خانه‌اش بیرون کرد.

امام صادق؈ در راه مرا دید و به من فرمود: ای ابوهارون! به من خبر رسیده که این شخص تو را از خانه‌اش بیرون کرده. گفتم: آری فدایت شوم. فرمود: شنیدم کـه تـو در آن خـانه خـیلی قـرآن می‌خواندی و وقتی در خانه قرآن خوانده شود از آن، نوری به آسمان کشیده می‌شود و در میان همهٔ خانه‌ها آن یک خانه شناخته می‌شود.»

۱۹۸ ۲۵۷٦۰ (۳) **كافي** ۲ / ٦۱۰: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن عليّ بن الحكم عن الفضيل بن عثمان عن ليث ابن أبي سليم رفعه قال قال النبيّ ﷺ نوّروا بيوتكم بتلاوة القرآن ولا تتّخذوها قبوراً كما فعلت اليهود والنصارى صلّوا في الكنايس والبيع وعطّلوا بيوتهم فانّ البيت إذا كثر فيه تلاوة القرآن كثر خيره واتّسع أهله وأضاء لأهل السماء كما تضيء نجوم السّماء لأهل الدنيا (لأهل الأرض ـ خ).

۱۹۹ ۲۵۷٦۱ (۴) **عُدّة الداعي** ۲٦۹: عن الرّضا ﷺ رفعه إلى النّبيّ ﷺ اجعلوا لبيوتكم نصيباً من القرآن فانّ البيت إذا قرأ فيه تيسّر [يسّر خ] على أهله وكثر خيره وكان سكّانه في زيادة وإذا لم يقرأ فيه القرآن ضيق على أهله وقلّ خيره وكان سكّانه في نقصان.

۲۰۰ ۲۵۷٦۲ (۵) **مستدرك** ۴ / ۲٦٦: ابن أبي جمهور في درر اللئالي عن **عبدالله** [بن عباس] عن رسول اللّه ﷺ انّه قال في حديث وانّ الشيطان لايدخل بيتاً يقرأ فيه سورد البقرة وانّ أصفرَ[۱] البيوت الذي ليس فيه من كتاب اللّه شيء.

وتقدّم في رواية فضيل (۵۴) من باب (۱) فضل النوافل من أبوابها قوله ﷺ انّ البيوت الّتي تصلّى فيها بالليل بتلاوة القرآن تضيىء لأهل السماء كما تضيىء نجوم السماء لأهل الأرض.

وفي رواية ابن القدّاح (۴۳) من باب (۱) الأمر بذكر اللّه من أبواب الذّكر قوله ﷺ وكان ﷺ يجمعنا فيأمرنا بالذكر حتّىٰ تطلع الشمس ويأمر بالقرائة من كان يقرء منّا ومن كان لا يقرء منّا أمره بالذكر والبيت الذي يقرء فيه القرآن ويذكر اللّه عزّ وجلّ فيه تكثر بركته وتحضره الملائكة وتهجره الشياطين ويضيىء لأهل السماء كما يضيىء الكواكب الدّرّيّ لأهل الأرض والبيت الّذي لا يقرء فيه القرآن ولا يذكر اللّه عزّ وجلّ فيه تقلّ بركته وتهجره الملائكة وتحضره الشياطين.

---

۱. صفر الاناء من الطعام: أي خلا ـ اللسان ج ۴ ص ۴٦۱.

۱۹۸ (۳) لیث ابن ابی سلیم با واسطه از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید و خانه را چون قبر سوت و کور قرار ندهید آن سان که یهود و نصاریٰ کرده‌اند فقط در کلیساها و صومعه‌ها نماز می‌خوانند و خانه‌هایشان را عاطل و باطل زیاد گذاشتند و خانه‌ای که در آن تلاوت قرآن زیاد باشد و خیر آن زیاد خواهد بود و ساکنانش در وسعت روزی و رفاه خواهند بود و برای اهل آسمان آن‌چنان نور می‌دهند که ستارگان آسمان برای اهل دنیا (و ساکنان زمین) نور می‌دهند.»

۱۹۹ (۴) در کتاب عدّة الداعی از امام رضاؑ روایت شده که حضرت با واسطه از رسول گرامی اسلامﷺ نقل کرده است که فرمود: «برای خانه‌های خود سهمی از قرآن اختصاص دهید چون خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود [کارها] بر اهل خانه آسان و خیر و برکتش فراوان می‌شود و ساکنانش پیوسته [در خیر و کمال] رو به فزونی هستند.

و اگر در خانه‌ای قرآن خوانده نشود [با ناراحتی‌هایی که به وجود می‌آید] بر اهلش تنگ می‌شود و خیرش کم و ساکنانش رو به کاستی هستند.»

۲۰۰ (۵) عبدالله بن عبّاس از پیامبر خداﷺ روایت کرده است که حضرت در ضمن گفتاری فرمود: «خانه‌ای که در آن سوره «بقره» خوانده شود، شیطان نمی‌آید و در حقیقت تهی‌ترین خانه، خانه‌ای است که از کتاب خدا حتّی از بخشی از آن هم تُهی باشد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت پنجاه و چهارم از باب یکم از باب‌های فضیلت نافله‌ها فرموده امامؑ که: «خانه‌هایی که در نماز شب در آن خانه‌ها قرآن خوانده می‌شود برای اهل آسمان نور می‌دهند، آن سان که ستارگان برای اهل زمین نور می‌دهند.»

و در روایت چهل و سوم از باب یکم از باب‌های ذکر فرموده امامؑ که: «امام معصومؑ ما را [مقصود اعضاء خانوادۀ حضرت است] جمع می‌کرد و ما را به ذکر خدا امر می‌کرد تا وقتی که خورشید طلوع کند و هر کس از ما را که می‌توانست قرآن بخواند، امر به قرآن خواندن می‌فرمود و کسی که نمی‌توانست قرآن بخواند، امر به ذکر می‌کرد [و می‌فرمود:] خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدایﷻ در آن شود، پر برکت خواهد بود و فرشتگان به آن خانه می‌آیند و شیاطین آن را ترک می‌کنند و برای اهل آسمان چنان نور می‌دهند که ستارگان درخشنده برای اهل زمین، نور می‌دهند و خانه‌ای که در آن، قرآن خوانده نمی‌شود و ذکر خدایﷻ در آن گفته نمی‌شود، برکتش اندک و فرشتگان آنجا را ترک گفته و شیاطین در آن خانه حضور می‌یابند.»

(۲۲)

باب ماورد في فضائل سُور القرآن وآياته وفوائدها وخواصّها وتعليمها وتعلّمها وجزاء من قرئها وكراهة ترك قرائة التّوحيد

۲۰۱ ۲۵۷۶۳ (۱) **كافي** ۶۲۳/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه عليه السلام قال لو قرأت الحمد على ميّت سبعين مرّة ثمّ ردّت فيه الروح ماكان ذلك عجباً.

۲۰۲ ۲۵۷۶۴ (۲) **المكارم** ۳۶۳: روى عن النّبي صلى الله عليه وآله انّه قال في (الحمد للّه) سبع مرّات شفاء من كلّ داء فان عوذ بها صاحبها مأة مرّة وكان الروح قد خرج من الجسد ردّ اللّه عليه الرّوح.

۲۰۳ ۲۵۷۶۵ (۳) **كافي** ۶۲۳/۲: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن إسماعيل بن بزيع عن عبداللّه بن الفضل **النوفلي** رفعه قال ما قرأت الحمد على وجع سبعين مرّة إلّا سكن.

۲۰۴ ۲۵۷۶۶ (۴) **طبّ الأئمّة** ۵۳: الخضر بن محمد قال حدّثنا الحواريني قال حدثنا محمد بن العبّاس عن **عبداللّه** بن الفضل النوفلي عن أحدهم عليهم السلام (مثله وزاد) باذن اللّه وان شئتم فجرّبوا ولا تشكّوا.

۲۰۵ ۲۵۷۶۷ (۵) **أمالي ابن الشيخ** ۲۸۴: أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الطوسي قال حدثني شيخي قال أخبرني أبو محمد الفحّام قال حدثني **المنصوري** قال حدثني عمّ أبي قال حدثني الإمام علي بن محمد قال حدثني الامام أبي محمد ابن علي قال حدثني أبي عليّ بن موسى قال حدثني أبي موسى بن جعفر قال قال الصادق عليه السلام من نالته علّة فليقرأ في جيبه الحمد سبع مرات فان ذهبت العلّة وإلّا فليقرأ سبعين مرّة وأنا الضّامن له العافية.

۲۰۶ ۲۵۷۶۸ (۶) **فقه الرضا** عليه السلام ۳۴۲: اروي عن العالم عليه السلام من نالته علّة فليقرء في جنبيه أُمّ الكتاب سبع مرّات فان سكنت وإلّا فليقرأ سبعين مرّة فانّها تسكن. **مكارم الأخلاق** ۳۶۳: روى عن العالم عليه السلام انّه قال من نالته علّة فليقرء عليها أُمّ الكتاب وذكر مثله.

باب ۲۲

فضیلت سوره‌ها و آیات

۲۰۱ (۱) معاویة بن عمّار از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «اگر سوره حمد را هفتاد بار بر مرده‌ای خواندی و روح به کالبدش برگشت و زنده شد جای شگفتی نیست.»

۲۰۲ (۲) در کتاب مکارم الاخلاق حدیثی از پیامبرﷺ روایت شده که فرمود: «هفت بار«الحمدلله» [یعنی فاتحة الکتاب] را خواندن شفای هر دردی است و اگر کسی صدبار آن را بر شخصی بخواند که مرده است، خداوند جان او را به کالبدش بازگرداند.»

۲۰۳ (۳) عبدالله بن فضل نوفلی با واسطه روایت کرده است که: «من سوره حمد را بر هیچ دردی هفتاد بار نخواندم مگر اینکه آرام گرفت.»

۲۰۴ (۴) همین روایت در کتاب طبّ الائمه از یکی از معصومینؑ نقل شده و اضافه کرده: «به اذن خداوند و اگر می‌خواهید، تجربه کنید پس مبادا شک کنید.»

۲۰۵ (۵) منصوری گوید: «عموی پدرم برایم از امام علی بن محمّد (امام هادیؑ) روایت کرد که: حضرت از پدرش امام محمد جوادؑ نقل کرده و او از پدرش علی بن موسی الرضاؑ و او از پدرش موسی بن جعفرؑ و او از پدرش امام صادقؑ روایت کرده که امام صادقؑ فرمودند: اگر کسی را مَرَضی عارض شود در گریبان [روی سینه]اش هفت مرتبه سوره «حمد» بخواند پس اگر مرضش برطرف شد، [خدا را شکر گوید] وگرنه هفتاد بار بخواند و من سلامتی را برای او ضمانت می‌کنم.»

۲۰۶ (۶) در فقه الرضا آمده است: از عالمؑ روایت می‌کنم که: «اگر کسی را مَرَضی عارض شود به دو طرفش هفت مرتبه سوره «حمد» بخواند پس اگر مرضش برطرف شد [خداراشکر گوید] وگرنه هفتاد بار بخواند او آرامش پیدا می‌کند.»

۲۰۷ ۲۵۷٦۹ (۷) **مستدرك** ۴/ ۳۰۰: **القطب الراوندي** في لبّ الّلباب قال قال أمير المؤمنين عليه السلام اعتلّ الحسين عليه السلام فاحتملته فاطمة عليها السلام فأتت النبيّ صلى الله عليه وآله فقالت يا رسول اللّه ادع اللّه لابنك أن يشفيه انّ اللّه هو الّذي وهبه لك وهو قادر على أن يشفيه فهبط جبرئيل فقال يا محمد انّ اللّه تعالىٰ جدّه لم ينزل عليك سورة من القرآن إلّا فيها فاء وكل فاء من آفة ماخلا الحمد فانّه ليس فيها فاء فادع بقدح من ماء فاقرأ عليه الحمد أربعين مرّة ثمّ صبّ عليه فانّ اللّه يشفيه ففعل ذلك فعوفي باذن اللّه.

۲۰۸ ۲۵۷۷۰ (۸) طبّ الأئمّة عليهم السلام ۵۲: عن محمد بن جعفر البرسى قال حدثنا محمد بن يحيى الأرمني قال حدثنا محمد بن سنان أبو عبداللّه السنان[1] قال حدثنا يونس بن ظبيان عن [المفضّل] بن عمر عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام انّه دخل عليه رجل من مواليه وقد وعك فقال مالي أراك متغيّر اللون فقال جعلت فداك وعكت وعكاً شديداً منذ شهر لم تنقطع الحمّى عنّي وقد عالجت نفسي بكلّ ما وصفه لي المترفّعون فلم انتفع بشيء من ذلك فقال له الصادق عليه السلام حلّ ازرار قميصك وادخل رأسك في قميصك وأذّنْ وأقِم واقرأ سورة الحمد سبع مرّات قال ففعلت ذلك فكانّما نشطت من عقال.

۲۰۹ ۲۵۷۷۱ (۹) **مستدرك** ۴/ ۳۰۰: ابن أبي جمهور في درر الّلئالي عن عبدالملك بن أبي عمير قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله فاتحة الكتاب فيها شفاء من كلّ داء.

۲۱۰ ۲۵۷۷۲ (۱۰) **مستدرك** ۴/ ۳۰۱: الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن **أبي سليمان** قال كنّا مع رسول اللّه صلى الله عليه وآله في غزاة فصرع رجل فقرأ بعض الصحابة فاتحة الكتاب في اذنه فقام وعوفي من صرعه فقلنا ذلك لرسول اللّه صلى الله عليه وآله فقال صلى الله عليه وآله هي اُمّ القرآن وهى شفاء من كلّ داء.

۲۱۱ ۲۵۷۷۳ (۱۱) وعن **أبي سعيد**الخدرى قال قال فاتحة الكتاب شفاء من كلّ سمّ (همّ ـ خ).

۲۱۲ ۲۵۷۷۴ (۱۲) **تفسير العياشي** ۲۰: عن **إسماعيل** بن ابان يرفعه إلى النبيّ صلى الله عليه وآله قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لجابر بن عبداللّه يا جابر ألا اُعلّمك أفضل سورة أنزلها اللّه في كتابه؟ قال فقال جابر بلىٰ بأبي أنت واُمّي يا رسول اللّه علّمنيها قال فعلّمه الحمدللّه اُمّ الكتاب قال ثمّ قال له يا جابر ألا أخبرك عنها؟ قال بلىٰ بأبي أنت واُمّي فأخبرني قال هي شفاء من كلّ داء إلّا السّام يعني ـ الموت ـ.

---

۱. عن أبي عبداللّه السناني ـ ك.

۲۰۷ (۷) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب روایت کرده که امیرالمؤمنین علیعليه السلام فرموده است: «حسینعليه السلام بیمار شد، حضرت فاطمهعليها السلام او را برداشت و به خدمت پیامبرﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! برای پسرت دعا کن تا خداوند او را شفا دهد. به راستی همین خداوند است که او را به تو داده و او هم بر شفا دادنش توانا است. پس جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمّد! خداوند عالی عظیم الشأن، سوره‌ای از قرآن را بر تو نازل نکرده است مگر اینکه در آن [حرف] «فاء» است و «فاء» از آفت است، جز سوره حمد که «فاء» ندارد پس کاسه‌ای پر از آب طلب کن و چهل بار سوره حمد را بر آن بخوان، سپس آن آب را بر روی او [امام حسینعليه السلام] بریز پس خداوند او را شفا خواهد داد. پس پیامبرﷺ همین کار را انجام داد و به اذن خداوند، امام حسینعليه السلام عافیت یافت.»

۲۰۸ (۸) مفضّل بن عمر از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده است که: «یکی از دوستان حضرت پیش حضرت آمد در حالی که سخت بیمار بود حضرت فرمود: چرا رنگت پریده؟ گفت: فدایت شوم! سخت مریضم و یک ماه است که تبم قطع نشده و هر معالجه‌ای که افراد پیشنهاد دادند، انجام دادم ولی فایده نبخشید. پس حضرت صادقعليه السلام به او فرمود: یقه‌ات را باز کن و سرت را به درون پیراهن فرو بر و اذان بگو و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان.

آن شخص مریض گفت: من همین کار را کردم مثل اینکه از تله رها شدم.»

۲۰۹ (۹) عبدالملک بن أبی عمیر گوید: «پیامبر خداﷺ فرمود: شفای هر دردی در «فاتحة الکتاب» [سورهٔ حمد] است.»

۲۱۰ (۱۰) ابوسلیمان گفته است: «در جنگی ما همراه پیامبر خداﷺ بودیم پس مردی به بیماری صَرَع [غش کردن] مبتلا شد بعضی از اصحاب پیامبرﷺ سوره «فاتحة الکتاب» در گوشش خواندند و او خوب شد و سر پا ایستاد. ما این حادثه را به پیامبر خداﷺ گفتیم، حضرت فرمود: آن [سورهٔ حمد] مادر و اصل قرآن است و شفای هر دردی است.»

۲۱۱ (۱۱) ابوسعید خدری روایتی نقل کرده است که: «فاتحة الکتاب، شفای هر زهر و هر غمّ و غصّه‌ای است.»

۲۱۲ (۱۲) اسماعیل بن ابان با واسطه از پیامبرﷺ روایت کرده که به جابر بن عبدالله فرمود: «ای جابر! آیا با فضیلت‌ترین سوره قرآن را که خداوند نازل فرموده است به تو معرّفی نکنم؟ جابر گفت: بله پدر و مادرم فدای تو باد ای پیامبر خدا! به من معرّفی فرما. پس حضرت سوره «الحمدلله» را که اصل قرآن است معرّفی فرمود. سپس حضرت فرمود: ای جابر! آیا تو را از فضیلت این سوره باخبر کنم؟ جابر گفت: بله، پدر و مادرم به فدایت! خبر دارم نما. حضرت فرمود: سوره حمد شفا دهندهٔ هر مرضی است غیر از مرگ.»

۲۱۳ (۱۳) **مستدرك** ۴/ ۳۰۰: القطب **الراوندي في** لبّ اللّباب قال قال الصادقﷺ قرائه الحمد
۲۵۷۷۵ شفاء من كلّ داء الّا السّام.

۲۱٤ (۱۴)**كافي** ۲/ ۶۲۶: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن محمد بن سنان عن **سلمة** بن
۲۵۷۷٦ محرز قال سمعت أبا جعفرﷺ يقول من لم يُبرأه الحمد لم يُبرأه شيء.

۲۱٥ (۱۵) **تفسير العياشي** ۲۰: عن سلمة بن محرز قال سمعت أبا عبداللّهﷺ يقول (وذكر مثله).
۲۵۷۷۷

۲۱٦ (۱۶) **وسائل** ۶/ ۲۳۱: الحسين بن بسطام في (طبّ الأئمّة) عن محمد بن جعفر النرسي
۲۵۷۷۸ عن محمد بن يحيى الأرمني عن محمد بن سنان عن **سلمة** بن محرز عن الباقرﷺ قال كلّ من لم تبرأه سورة الحمد وقل هو اللّه أحد لم يبرأه شيء وكلّ علّة تبرأ بهاتين السورتين.

۲۱۷ (۱۷) وعن أحمد بن زياد عن فضالة عن **السكوني** عن أبي عبداللّهﷺ قال كان رسولﷺ
۲۵۷۷۹ إذا كسل أو أصابته عين أو صداع بسط يديه فقرأ فاتحة الكتاب والمعوّذتين ثمّ يمسح بهما وجهه فيذهب عنه ما كان يجده.

۲۱۸ (۱۸) **المناقب** ۲/ ۳۳۶: وأُبين[1] إحدى يديّ هشام بن عديّ الهمداني في حرب صفّين
۲۵۷۸۰ فأخذ عليّ ﷺ يده وقرأ شيئاً وألصقها فقال يا أمير المؤمنين ما قرأت قال فاتحة الكتاب كأنّه استقلّها فانفصلت يده بنصفين فتركه عليّ ومضىٰ.

۲۱۹ (۱۹) **مجمع البيان** ۱۸: روى عن أمير المؤمنينﷺ قال قال رسول اللّهﷺ انّ اللّه تعالىٰ قال
۲۵۷۸۱ لي يا محمد ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم فأفرد الإمتنان عليّ بفاتحة الكتاب وجعلها بازاء القرآن وانّ فاتحة الكتاب أشرف ما في كنوز العرش.

وانّ اللّه خصّ محمداًﷺ وشرّفه بها ولم يشرك فيها أحداً من أنبيائه ما خلا سليمان ﷺ فانّه أعطاه منها بسم اللّه الرّحمن الرّحيم ألا تراه يحكي عن بلقيس حين قالت انّي اُلقي إليّ كتاب كريم انّه من سليمان وانّه بسم اللّه الرّحمن الرحيم.

---

۱. أي قُطِعَ.

۲۱۳ (۱۳) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب نقل کرده است که امام صادقؑ فرمود: «خواندن حمد هر دردی را شفا می‌دهد، غیر از مرگ.»

۲۱۴ (۱۴) سلمة بن محرز گوید: «شنیدم از امام باقرؑ که می‌فرمود: اگر سوره حمد کسی را بهبودی نبخشید هیچ چیز دیگری او را بهبودی نبخشد.»

۲۱۵ (۱۵) در تفسیر عیاشی همین روایت از قول سلمة بن محرز نقل شده با این تفاوت که گفت: «از امام صادقؑ شنیدم که چنین فرمود و روایت فوق را نقل کرده است.»

۲۱۶ (۱۶) سلمة بن محرز از امام باقرؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس را که سوره حمد و سوره قل هو الله احد بهبودی نداد هیچ چیز دیگر او را بهبودی ندهد و هر بیماری با این دو سوره خوب می‌شود.»

۲۱۷ (۱۷) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر گاه وجود مبارک رسول اللهﷺ را کسالتی می‌گرفت یا چشم درد و یا سردرد او را می‌گرفت، دستان خود می‌گشود و سوره «فاتحة الکتاب» و «قل اعوذ بربّ الناس» و «قل اعوذ بربّ الفلق» می‌خواند سپس دو دستش را به صورتش می‌کشید، در نتیجه دردی که در خود احساس می‌کرد از او می‌رفت.»

۲۱۸ (۱۸) در کتاب مناقب نقل شده است که: «هشام بن عدیّ همدانی یکی از دو دستش در جنگ صفّین قطع شد، علیؑ دست او را برداشت و چیزی خواند و آن را چسباند [و دست او مثل اوّل به بدن چسبید] هشام پرسید: ای امیر مؤمنان! چه چیز خواندی؟ حضرت فرمود: سوره «فاتحة الکتاب» گویا هشام آن سوره را کم و کوچک می‌شمرد پس دستش از نصف جدا شد. علیؑ او را ترک کرد و رفت.»

۲۱۹ (۱۹) در تفسیر مجمع البیان از امیرالمؤمنین علیؑ روایت شده است که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: خداوند متعال به من فرمود: ای محمّد «**و به راستی ما به تو هفت آیه‌ای که دو بار نازل شد[1] و قرآن بزرگ را دادیم[2]**» پس خداوند [با اینکه سوره حمد هم جزء قرآن است] نعمت سوره حمد را جداگانه ذکر کرد و آن را در کنار قرآن به صورت مستقلّ آورد و [بدان که] سوره «فاتحة الکتاب» شریف‌ترین [گوهری] است که در گنجینه‌های عرش است.

و به راستی که خداوند حضرت محمّدﷺ را به این شرافت اختصاص داده و هیچ پیامبری را در این شرافت با او سهیم نکرده است غیر از حضرت سلیمانؑ که از تمام سوره حمد فقط «بسم الله الرّحمن الرّحیم» را به او داده است آیا نمی‌بینی خداوند از زبان بلقیس ملکهٔ سبا بازگو می‌فرماید که بلقیس گفت: [ای سران کشور] نامه‌ای ارجمند برای من آمده است که از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است: **به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.**»[3]

---

۱. مقصود سوره حمد است که هفت آیه دارد. ۲. حجر ۸۷/۱۵.
۳. نمل ۲۹/۲۷ و ۳۰.

الا فمن قرأها معتقداً لموالاة محمّد وآله منقاداً لامرها[1] مؤمناً بظاهرها وباطنها أعطاه اللّه بكلّ حرف منها حسنة كلّ واحدة منها أفضل له من الدنيا بما فيها من أصناف أموالها وخيراتها ومن استمع إلى قارئ يقرؤها كان له قدر ثلث ما للقارئ فليستكثر أحدكم من هذا الخير المعرّض له فانّه غنيمة لايذهبنّ أوانه فتبقى في قلوبكم الحسرة. **أمالي الصدوق** ۱۴۸: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمّيّ قال. **العيون** ۳۰۱: حدثنا محمد بن قاسم (المفسّر المعروف بأبي الحسن الجرجاني رض ـ عيون) قال حدثنا[2] يوسف بن محمد بن زياد وعلي بن محمد بن سيّار عن أبويهما عن الحسن بن عليّ عن أبيه عليّ بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه الرضا عليّ بن موسى عن أبيه موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين عن أبيه الحسين بن علي عن أخيه الحسن بن علي عليهما السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام انّ بسم اللّه الرّحمن الرحيم آية من فاتحة الكتاب وهي سبع آيات تمامها ببسم اللّه الرّحمن الرّحيم سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول انّ اللّه عزّ وجلّ قال لي يا محمّد وذكر نحوه.

(۲۰) **أمالي الصدوق** ۱۶۳: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن ۲۲۰ ۲۵۷۸۲
موسى بن بابويه القمّي قال الخصال ۳۵۵: حدثنا محمد بن عليّ ماجيلويه عن عمّه محمد ابن أبي القاسم عن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي عن أبي الحسن علي بن الحسين البرقي[3] عن عبداللّه بن جبلّة (عن معاوية بن عمّار ـ أمالي) عن الحسن بن عبداللّه عن أبيه[4] عن جدّه الحسن بن علي بن أبي طالب عليه السلام (في حديث طويل ـ خصال) قال جاء نفر من اليهود إلى رسول اللّه صلى الله عليه وآله (إلى أن قال) قال اليهودي صدقت يا محمّد فما جزاء من قرأ فاتحة الكتاب قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قرأ فاتحة الكتاب أعطاه اللّه عزّ وجلّ بعدد كلّ آية أُنزلت[5] من السماء (فيجزي بها ـ أمالي) ثوابها[6] الخبر **الاختصاص** ۳۹: قال حدّثنا عبدالرحمن بن إبراهيم قال حدثنا الحسين بن مهران قال حدثني **الحسين بن عبداللّه**[7] عن أبيه عن جدّه عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه الحسين بن علي بن أبي طالب عليهما السلام قال جاء رجل من اليهود وذكر نحوه إلّا أنّ فيه بعدد كلّ كتب انزل من السماء قرأها وثوابها.

---

۱. لأمرهما مؤمناً بظاهرهما وباطنهما ـ أمالي. ۲. حدثني ـ أمالي.
۳. قد أورد في الخصال في ص ۳۴۶ رواية أخرىٰ بهذا السند وفيه عليّ بن الحسين الرّقّي.
۴. عن آبائه ـ خصال. ۵. نزلت ـ خصال. ۶. ثواب تلاوتها ـ خصال.
۷. [الحسن بن عبداللّه] خ ل بعض النسخ.

[سپس پیامبرﷺ فرمود:] آگاه باشید، هر ایمان دارنده به ولایت محمّد و آل محمّد و مطیع فرمان آن‌ها و ایمان دارنده به آشکار آن‌ها [یازده امامﷺ] و پنهان آن‌ها [حضرت حجّتﷺ که غایب است]، سوره «حمد» را بخواند، خداوند به ازاء هر حرف از آن یک حسنه به او خواهد داد که هر حسنه‌ای، از دنیا و آنچه در آن است یعنی انواع مال و ثروت‌ها و دیگر خوبی‌های دنیا، برتر باشد وکسی که گوش فرا دهد به قرائت کننده‌ای که سوره «حمد» را می‌خواند به اندازهٔ یک سوّم قاری ثواب می‌برد. پس باید هر یک از شما از این خیری که در دسترس او می‌باشد کمال بهره‌برداری‌را بنمایید چرا که این، یک فرصت مغتنمی است که نباید از دست برود و حسرتش در دل شما باقی بماند.»

امام حسن عسکریﷺ از پدر بزرگوارش و او از پدرش همینطور به ترتیب نقل فرموده‌اند تا به علیﷺ رسیده که آن حضرت فرموده است: «بسم الله الرّحمن الرّحیم یک آیه از سوره «فاتحة الکتاب» است و این سوره هفت آیه دارد و تمامیّت این سوره به «بسم الله الرحمن الرّحیم» است و من شنیدم از پیامبر خداﷺ که فرمود: خداوندﷻ به من فرمود: ای محمد...(ادامهٔ حدیث همانند حدیث پیشین است).»

۲۲۰ (۲۰) حسن بن عبدالله از پدرش و او از جدّش امام حسن مجتبیﷺ روایت کرده که حضرت در ضمن سخنی بلند فرمود: «گروهی از یهودیان به خدمت پیامبرﷺ آمدند (تا اینکه فرمود:) یهودی گفت: ای محمّد! راست گفتی [اینک بگو:] چیست پاداش کسی که سوره حمد را بخواند؟ حضرت فرمود: هر کس سوره «حمد» را بخواند، خداوندﷻ به اندازهٔ خواندن همهٔ آیاتی که از آسمان نازل شده است، به او ثواب می‌دهد.»

شیخ مفیدﷺ در کتاب اختصاص نقل کرده است که علی بن أبی طالبﷺ فرمود: «مردی یهودی [پیش پیامبرﷺ] آمد... و دنبالهٔ روایت را همان گونه که ذکر شد، نقل کرده است جز اینکه در این نقل به این صورت است که: «به اندازهٔ خواندن همهٔ کتاب‌های آسمانی خداوند به او پاداش می‌دهد.»

۲۲۱ ۲۵۷۸۳ (۲۱) **أمالي الصدوق** ۱۴۷: العيون: ۳۰۰ بالاسناد المتقدّم في الباب عن الحسن بن علي عن آبائه عن علي أمير المؤمنين ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ قال اللّه تبارك وتعالى قسّمت فاتحة الكتاب بيني وبين عبدي فنصفها لي ونصفها لعبدي ولعبدي ما سأل إذ[1] قال العبد بسم اللّه الرحمن الرحيم قال اللّه جلّ جلاله بدأ عبدي باسمي وحقّ عليّ أن أُتمّم له أُموره وأُبارك له في أحواله فاذا قال الحمد اللّه ربّ العالمين.

قال اللّه جلّ جلاله حمدني عبدي وعلم انّ النعم الّتي له من عندي وانّ البلايا الّتي (ان ـ امالي) دفعت عنه فبتطوّلي[2] اشهدكم انّي أُضيف له إلى نعم الدنيا نعم الآخرة وأدفع[3] عنه بلايا الآخرة كما دفعت عنه بلايا الدنيا فاذا قال الرّحمن الرّحيم قال اللّه جلّ جلاله شهد لي (عبدي ـ عيون) بانّي[4] الرّحمن الرّحيم أُشهدكم لأُوفّرن من رحمتي حظّه ولأجزلنّ من عطائي نصيبه فاذا قال مالك يوم الدّين.

قال اللّه عزّ وجلّ أشهدكم كما اعترف انّي أنا مالك يوم الدّين لأسهّلنّ يوم الحساب حسابه (ولأتقبّلنّ حسناته ـ أمالي) ولأتجاوزنّ[5] عن سيّئاته فاذا قال إيّاك نعبد قال اللّه عزّ وجلّ صدق عبدي إيّاي يعبد اشهدكم لأثيبنّه على عبادته ثواباً يغبطه كلّ من خالفه في عبادته لي فاذا قال وإيّاك نستعين قال اللّه عزّ وجلّ بي استعان (عبدي ـ عيون) والتجأ (إليّ ـ عيون) اشهدكم لأعيننّه على أمره ولأغيثنّه في شدائده ولآخذنّ بيده يوم نوائبه.

فاذا قال اهدنا الصّراط المستقيم إلى آخر السورة قال اللّه جل جلاله هذا لعبدي ولعبدي ما سأل قد[6] استجبت لعبدي وأعطيته ما أمل وآمنته ممّا منه وجل (قال ـ عيون).

---

۱. إذا ـ عيون. ۲. فبطولي خ عيون. ۳. وأرفع ـ عيون ـ ك.
۴. انّي ـ عيون. ۵. ولاجاوزن ـ خ عيون. ۶. فقد ـ عيون.

(۲۱) شیخ صدوق با سند روایت قبلی روایتی نقل کرده که: «حسن بن علی (امام حسن ۲۲۱
عسکری علیه السلام) از پدرانش از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده که خداوند تبارک و تعالی فرمود: من سوره «حمد» را میان خودم و بنده‌ام تقسیم کردم، پس نیمی از آن مال من است و نیمی از بنده‌ام و آنچه بنده‌ام درخواست کند به او خواهم داد، وقتی بنده می‌گوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» خداوند بزرگ مرتبه می‌گوید: بنده‌ام به نام من آغاز کرد و من بر خود لازم می‌دانم که کارهای او را به اتمام برسانم و همهٔ حالات او [و کار او] را با برکت قرار دهم و چون بگوید: «الحمد لله ربّ العالمین» (**سپاس خداوندی را که اداره کنندهٔ جهانیان است**) خداوند جلالت مرتبت می‌فرماید: بندهٔ من مرا سپاس گفت و ستایش کرد و دانسته است که همهٔ نعمت‌هایی که در اختیار اوست از طرف من به او داده شده است و بلاهایی که از او دفع گشته به تفضّل و عنایت من است. من، شما [فرشتگان را] گواه می‌گیرم که نعمت‌های اُخروی را هم به نعمت‌های دنیوی‌اش و بلاهای آخرت را از او دور کنم آنچنان‌که بلاهای دنیا را از او دور ساختم و چون بنده می‌گوید: «الرّحمن الرّحیم» خداوند با جلالت و شکوه می‌فرماید: بندهٔ من گواهی داد که من بخشنده و مهربانم [ای فرشتگان] شاهد می‌گیرم شما را [بر این وعده‌ای که می‌دهم] من بی‌گمان سهم او از رحمتم را فراوان خواهم کرد و بهرهٔ فراوانی از بخششم را به او اختصاص خواهم داد و چون بگوید: «مالک یوم الدین» (**اختیار دار روز جزا است**) خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: [ای فرشتگان من] شاهد باشید همان سان که او اقرار کرد که من پادشاه و صاحب اختیار روز جزا هستم، من در روز حساب، حساب را بر او آسان می‌نمایم و نیکی‌هایش را قطعاً بپذیرم و از گناهانش درگذرم و چون بنده می‌گوید: «ایّاک نعبد» (**تنها تو را می‌پرستیم**) خداوند عزّت منش و جلالت روشن می‌گوید: بندهٔ من راست می‌گوید، او تنها مرا می‌پرستد، شما شاهد باشید که عبادت و پرستش او را چنان پاداشی دهم که همهٔ کسانی که در عبادت چون او یکتاپرست نبوده‌اند به حالش رشک برند.

و چون بگوید: «ایّاک نستعین» (**تنها از تو یاری می‌خواهیم.**) خداوند بزرگ مرتبت می‌فرماید: بنده‌ام از من یاری خواست و به من پناهنده شد [ای فرشتگان] گواه باشید که من به یقین او را در انجام کارهایش یاری خواهم کرد و در سختی‌ها به فریاد او خواهم رسید و در حوادث تلخ دست او را خواهم گرفت. و چون بنده بگوید: «اهدنا الصراط المستقیم» (**ما را به راه راست راهنمایی کن**) و تا آخر سوره قرائت کند، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: این [هدایت] را به بنده‌ام خواهم داد و آنچه بنده‌ام درخواست کند به او ببخشم. من [دعای] بنده‌ام را مستجاب گردانم و آنچه آرزو دارد به او عطا کنم و از آنچه ترسان است او را ایمنی بخشم.

وقيل لأمير المؤمنين عليه السلام يا أمير المؤمنين أخبرنا عن بسم اللّه الرّحمن الرّحيم أهي من فاتحة الكتاب؟ فقال نعم كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقرأها ويعدّها آية منها ويقول فاتحة الكتاب هي السّبع المثاني **تفسير العسكرى** عليه السلام ۵۸: قال أمير المؤمنين عليه السلام فاتحة الكتاب أعطاها اللّه تعالى محمّداً صلى الله عليه وآله وأُمّته بدء فيها بالحمد والثناء عليه ثمّ ثنّى بالدعاء للّه عزّ وجلّ ولقد سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول قال اللّه عزّ وجلّ قسّمت الحمد بيني وبين عبدي وذكر نحوه.

٢٢٢ ٢٥٧٨٤ (۲۲) **مستدرك** ۴/ ۳۳۰: القطب **الراوندي** فى لبّ اللباب عن جعفر بن محمد عليه السلام انّه قال من قرئها يعني سورة الفاتحة فتح اللّه عليه خير الدنيا والآخرة وقال انّ اسم اللّه الأعظم مقطّع فى هذه السورة **الثواب** ۱۳۰: أبي رحمه الله قال حدّثني محمد بن يحيى العطار عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران قال حدثني **الحسن** بن علي بن أبي حمزة البطائني عن أبيه قال قال أبو عبداللّه عليه السلام اسم اللّه الأعظم مقطّع في أمّ الكتاب.

٢٢٣ ٢٥٧٨٥ (۲۳) **مستدرك** ۳۳۱: ابن أبي جمهور في درر اللئالي عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله فاتحة الكتاب تعدل ثلث القرآن.

٢٢٤ ٢٥٧٨٦ (۲۴) **مستدرك** ۴/ ۳۳۰: القطب **الراونديّ** في لبّ اللباب عن النبي صلى الله عليه وآله فضل سورة الحمد كفضل حملة العرش من قرأها أعطاه ثواب حملة العرش.

٢٢٥ ٢٥٧٨٧ (۲۵) **جامع الأخبار** ۱۲۱: ذكر الشيخ أبو الحسن[1] الخبّازي المقري فى كتابه في القرائة أخبرنا الامام أبوبكر بن أحمد بن إبراهيم وأبو الشيخ عبداللّه بن محمد قالا حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن شريك قال حدثنا أحمد بن يونس اليربوعي قال حدثنا سلام بن سليمان المدائني قال حدثنا هارون بن كثير عن زيد بن أسلم عن أبيه عن أبي امامة عن **أُبيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ايّما مسلم قرأ فاتحة الكتاب أعطى من الأجر كأنّما قرأ ثلثي القرآن وأعطى من الأجر كأنّما تصدّق على كلّ مؤمن ومؤمنة. وروى من طريق آخر هذا الخبر بعينه إلّا أنّه قال كما قرء القرآن.

---

۱. أبو الحسين.

از امیر مؤمنان علی علیه السلام سؤال شد: ای امیر مؤمنان! به ما بگو: آیا «بسم الله الرّحمن الرّحیم» جزو سورهٔ حمد است؟

حضرت فرمود: آری پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می‌خواند و آن را یک آیه از این سوره می‌شمرد و می‌فرمود: سورهٔ حمد همان «سبع مثانی» یعنی هفت آیه‌ای است که دو بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.»

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده که: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند بلند مرتبه این سوره را به حضرت محمّد صلی الله علیه و آله داد و امّت او در این سوره با سپاس و ستایش بر خداوند، آغاز می‌کنند سپس در پی آن دعا می‌کنند و از خداوند جلیل درخواست [هدایت] می‌کنند و من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: خداوند عزّ و جلّ فرموده است: من سوره «حمد» را میان خودم و بنده‌ام تقسیم کرده‌ام... و دنبالهٔ حدیث را مانند حدیث پیشین ذکر کرده است.»

۲۲۲ (۲۲) قطب راوندی در لُبّ اللّباب از امام صادق علیه السلام روایتی نقل کرده است که حضرت فرمود: «کسی که سوره «فاتحة الکتاب» را بخواند خداوند [دَرِ] خیر دنیا و آخرت را بر روی او بگشاید و فرمود: اسم اعظم خداوند در همین «سورهٔ حمد» به صورت حرف حرف، گنجانده شده است.»

ابو حمزهٔ بطائنی نیز از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «اسم اعظم خداوند [به صورت حروف الفبا] و جدا جدا در این سوره وجود دارد.»

۲۲۳ (۲۳) ابن عبّاس از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «سورهٔ حمد معادل یک سوّم قرآن است.»

۲۲۴ (۲۴) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت فرمود: «سورهٔ حمد به اندازهٔ حاملان عرش، فضیلت و عظمت دارد، هر کس آن را بخواند خداوند، پاداش حاملان عرش را به او خواهد داد.»

۲۲۵ (۲۵) اُبیّ بن کعب از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر مسلمانی که سوره «فاتحة الکتاب» را بخواند به اندازه خواندن دو سوّم قرآن پاداش داده می‌شود و به آن اندازه به او پاداش داده می‌شود که گویی به هر مرد و زن مسلمان صدقه داده است.»

همین حدیث بدون هیچ تفاوتی با سند دیگری نیز نقل شده است به جز اینکه در این روایت چنین آمده که: «[هر کس سوره حمد را بخواند] آنچنان است که همهٔ قرآن را خوانده است.»

۲۲۶ ۲۵۷۸۸ (۲۶) وروى غيره عن **ابيّ بن كعب** أنّه قال قرأت على رسول اللّهﷺ فاتحة الكتاب فقال والّذى نفسي بيده ما أنزل اللّه في التوراة والانجيل ولا في الزبور ولا في الفرقان مثلها وهي أمّ الكتاب وأمّ القرآن وهي السبع المثاني وهي مقسومة بين اللّه وبين عبده ولعبده ما سأل.

۲۲۷ ۲۵۷۸۹ (۲۷) **مستدرك ۴/ ۳۳۰: ابن أبي جمهور في** درر اللئالي عن رسول اللّهﷺ انّه قال لو انّ فاتحة الكتاب وضعت في كفّة الميزان ووضع القرآن في كفّة لرجّحت فاتحة الكتاب سبع مرّات.

۲۲۸ ۲۵۷۹۰ (۲۸) **مستدرك ۴/ ۳۳۲:** القطب **الراوندي في** دعواته عن أبي الحسن موسى بن جعفرﷺ قال سمع بعض آبائي رجلاً يقرأ أُمّ القرآن فقال شكر وأجر الخبر.

۲۲۹ ۲۵۷۹۱ (۲۹) **مستدرك ۴/ ۳۳۰:** القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النبيﷺ انّ ملكاً نزل عليه فقال انّ اللّه يبشّرك بسورتين لم يعطهما نبيّاً قبلك فاتحة الكتاب وخواتيم سورة البقرة.

۲۳۰ ۲۵۷۹۲ (۳۰) **الثواب ۱۳۰:** حدثني محمد بن الحسنﷺ قال حدثني أحمد بن إدريس عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن أبيه عن الحسين بن أبي العلا **تفسير العياشي ۲۵:** عن **أبى بصير** عن أبي عبداللّهﷺ قال من قرأ البقرة وآل عمران جاء تا يوم القيامة تظلاّنه علىٰ رأسه مثل الغمامتين أو مثل الغبابتين (العبايتين ـ بعض نسخ ـ ثواب).

۲۳۱ ۲۵۷۹۳ (۳۱) **مستدرك ۴/ ۳۳۳:** الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن أبي امامة عن **ابيّ** بن كعب قال قال رسول اللّهﷺ انّ لكلّ **شيء** سناماً وسنام القرآن سورة البقرة.

۲۳۲ ۲۵۷۹۴ (۳۲) وعن **سهل** بن سعد عنهﷺ قال من قرأ هذه السورة في داره فان قرأها في اليوم لا يحوم حومه الشياطين ثلاثة أيّام وإن قرأها في الليل لا يحومون حوله ثلاث ليال.

(۲۶) اُبیّ بن کعب گوید: «من سوره «حمد» را در خدمت پیامبر خداﷺ قرائت کردم، پس حضرت ۲۲۶
فرمود: سوگند به آن کسی که جان من در دست او است، خداوند سوره‌ای همپایه با سوره «حمد» نه در تورات نازل کرده است و نه در انجیل و نه در زبور و نه در فرقان. سوره حمد مادر و مبدأ کتاب آسمانی و مادر قرآن است و این، همان هفت آیه‌ای است که دو بار نازل شده است و این سوره میان خداوند و میان بنده‌اش تقسیم شده است و آنچه بنده از خداوند [در این سوره] خواسته است، به او خواهد داد.»

(۲۷) ابن أبی جمهور در درر اللئالی از پیامبر خداﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: ۲۲۷
«اگر«فاتحة الکتاب» در یک کفّهٔ ترازو قرار گیرد و قرآن در کفّهٔ دیگر، سوره «فاتحة الکتاب» هفت برابر قرآن خواهد بود.»

(۲۸) قطب راوندی در کتاب دعوات از امام موسی بن جعفرؑ روایت کرده که حضرت فرمود: ۲۲۸
«مردی سوره «حمد» می‌خواند یکی از اجدادم صدایش را شنید، فرمود: هم شکر [خداوند] است و هم دارای پاداش است.»

(۲۹) قطب راوندی در لبّ اللّباب از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده است که حضرت فرمود: «فرشته‌ای ۲۲۹
پیش من آمد و گفت: خداوند تو را به دو سوره مژده می‌دهد که به هیچ پیامبری پیش از تو نداده است: یکی سوره «فاتحة الکتاب» و دیگری آیات آخر سوره بقره.»

فضیلت سوره «بقره»

(۳۰) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «بقره» و «آل ۲۳۰
عمران» را بخواند، روز قیامت این دو سوره می‌آیند و مانند دو ابر بر سر او سایه می‌افکنند.»

(۳۱) ابیّ بن کعب از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر چیزی کوهانی [یعنی قلّه و اوج ۲۳۱
بلندی] دارد و اوج بلندی قرآن سوره «بقره» است.»

(۳۲) سهل بن سعد از رسول گرامی اسلام روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «کسی که سوره بقره را ۲۳۲
در خانه‌اش بخواند اگر در روز بخواند تا سه روز شیاطین گِرد خانهٔ او نچرخند و اگر در شب بخواند تا سه شب به سراغ خانهٔ او نیایند.»

۲۳۳ (۳۳) وعن بريدة عنهﷺ قال تعلّموا سورة البقرة فان أخذها بركة وتركها حسرة ولا سبيل
۲۵۷۹۵
للسّحرة عليها.

۲۳٤ (۳۴) **تفسير العسكري**ؑ ۶۰: قال رسول اللّهﷺ انّ هذا القرآن مأدبة اللّه تعالى فتعلّموا
۲۵۷۹٦
من مأدبة اللّه عزّ وجلّ ما استطعتم فانّه النور المبين والشفاء النافع فتعلّموه فانّ اللّه تعالىٰ يشرّفكم بتعلّمه.

تعلّموا سورة البقرة وآل عمران فانّ أخذهما بركة وتركهما حسرة ولا تستطيعهما البطلة يعني السحرة وانّهما ليجيئان يوم القيامة كأنّهما غمامتان أو عقابتان[1] أو فرقان من طير صوافّان[2] يحاجّان عن صاحبهما ويحاجّهما ربّ العالمين ربّ العزّة.

يقولان ياربّ الأرباب انّ عبدك هذا قرئنا وأظمأنا نهاره وأسهرنا ليله وأنصبنا بدنه يقول اللّه تعالى يا أيّها القرآن فكيف كان تسليمه لما أنزلته فيك من تفضيل على بن أبي طالبؑ أخي محمّد رسول اللّهﷺ.

يقولان ياربّ الأرباب وإله الآلهة والاه ووالى أوليائه وعادىٰ أعدائه إذا قدر جهر وإذا عجز اتّقى واستتر[3].

يقول اللّه عزّوجلّ فقد عمل بكما إذاكما أمرته وعظّم من حقّكما ما عظّمته يا عليّ أما تسمع شهادة القرآن لوليّك هذا فيقول عليّ ؑ بلىٰ يا ربّ فيقول اللّه عزّ وجلّ فاقترح له ما تريد فيقترح له ما يريد على امانيّ هذا القارئ بالأضعاف[4] المضاعفة بما لا يعلمه إلّا اللّه عزّ وجلّ فيقول اللّه عزّ وجلّ قد أعطيته ما اقترحت يا عليّ الخبر.

---

۱. غيابتان. ۲. صوافّ ـ خ. ۳. واسر ـ خ ل.
۴. من الأضعاف ـ خ.

۲۳۳ (۳۳) بُرَیده از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «سورهٔ «بقره» را یاد بگیرید چرا که یاد گرفتن آن موجب بقای نعمت‌هاست و رها کردن آن مایه افسوس خوردن است و جادوگران را به این سوره [و تلاوت کنندهٔ آن] راهی نیست.»

۲۳۴ (۳۴) در تفسیر امام حسن عسکری؛ از پیامبر خداﷺ نقل شده است که فرمود: «به راستی که این قرآن سفرهٔ پر از طعام الهی است، پس تا می‌توانید با یاد گرفتن قرآن از این خان گسترده بهره‌مند شوید چرا که قرآن نور آشکار کنندهٔ [حق از باطل و راه از چاه] است و شفایی است [که برای بهبودی بیماری‌های روحی و جسمی] مفید است پس آن را یاد بگیرید زیرا با یاد گرفتن آن خداوند شما را بزرگی و شرف می‌بخشد.

سورهٔ «بقره» و «آل عمران» را یاد بگیرید زیرا فرا گرفتن این دو سوره مایهٔ برکت و رها ساختن آن دو، مایهٔ ندامت است و [بدانید که:] جادوگران بطالت پیشه نمی‌توانند از طلسم این دو سوره بگذرند [پس خواندن این دو سوره، حرزی است برای دفع سِحر ساحران] و این دو سوره در روز قیامت [که بسیار داغ و سوزان است] می‌آیند و به مثابه دو ابر یا دو بال عقاب یا دو بال چتر مانند پرندهٔ دیگر [بر سر او سایه می‌افکنند و] این دو سوره از تلاوت کنندهٔ خود دفاع می‌کنند و با پروردگار عالمیان، خداوند عزّت، به نفع او سخن می‌گویند.

می‌گویند: ای خداوند بزرگ! این بنده ات ما را می‌خواند و در روز [بر اثر روزه گرفتن] تشنه و در شب [برای عبادت] بیدار بود و بدن خود را بر اثر عمل کردن به ما به زحمت می‌انداخت.

خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: ای قرآن! آیا در مقابل حکمی که من نازل کردم که علی بن ابی طالب؛، برادر رسول اللهﷺ از [همهٔ امّت] برتر است، تسلیم شد؟

[این دو سوره] می‌گویند: ای خداوندِ خداوندان و ای معبودِ معبودان [آری] او را و دوستان او را دوست داشت و با دشمنانش دشمن بود. هر گاه زمینه بود این دوستی را ابراز می‌کرد و اگر نبود تقیّه می‌کرد و مخفی نگاه می‌داشت.

خداوند؟ می‌فرماید: پس در این صورت همانگونه که او را امر کرده‌ام عمل کرده است و حقّ عظیم شما را همان‌گونه که من پاس داشته‌ام، پاس داشته است، ای علیّ! آیا گواهی دادن قرآن را برای این دوستت نمی‌شنوی؟ پس علی؛ می‌گوید: آری ای پروردگار. آنگاه خداوند؟ می‌فرماید: برایش آنچه می‌خواهی پیشنهاد بده. آنگاه [علی؛] چندین برابر خواسته‌ها و آرزوهای این قاری قرآن که جز خداوند اندازهٔ آن را نمی‌داند، پیشنهاد می‌دهد و خداوند؟ می‌گوید: ای علی! آنچه که پیشنهاد دادی به او دادم.»

٢٣٥ ٢٥٧٩٧ (٣٥) **مستدرك** ٣٣٣/٤: الشيخ أبوالفتوح في تفسيره عن **اُبيّ** بن كعب عنه ﷺ قال من قرأ سورة البقرة كانت صلوات اللّه ورحمته عليه وأعطى من الثواب ما يعطى المرابط في سبيل اللّه الذي لايسكن روعته.

٢٣٦ ٢٥٧٩٨ (٣٦) وفي خبر آخر قال ﷺ انّ أصفر البيوت بيت لا يقرأ فيه سورة البقرة سورة البقرة فسطاط القرآن.

٢٣٧ ٢٥٧٩٩ (٣٧) **الثواب** ١٣١: حدّثني محمد بن علي ماجيلويه ﷺ قال حدثني محمد بن يحيى العطّار عن محمد بن أحمد عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي عن رجل عن معاذ عن **عمرو** بن جميع رفعه إلى علي بن الحسين عليه السلام قال قال رسول اللّه ﷺ من قرأ أربع آيات من أوّل البقرة وآية الكرسي وآيتين بعدها وثلاث آيات من آخرها لم يرفي نفسه وماله شيئاً يكرهه ولا يقربه شيطان ولاينسى القرآن.

٢٣٨ ٢٥٨٠٠ (٣٨) **مستدرك** ٣٣٤/٤: القطب الراوندي في لبّ اللّباب قال قال النبيّ ﷺ من قرأ من سورة البقرة عشر آيات لم يرفى ماله وولده شيئاً يسوءه حتّىٰ يصبح.

٢٣٩ ٢٥٨٠١ (٣٩) وروى **سلمان** عن النّبيّ ﷺ من قرأ آية الكرسيّ يهوّن اللّه عليه سكرات الموت وما مرّت الملائكة في السماء بآية الكرسيّ إلّا صعقوا وما مرّوا بقل هو اللّه أحد إلّا خرّوا سجّداً وما مرّوا بآخر الحشر إلّا جثوا علىٰ ركبهم.

٢٤٠ ٢٥٨٠٢ (٤٠) **مجمع البيان** ٣٦٠: ذكر ابن انجويه الفسوي في كتاب الترغيب باسناد متّصل عن **اُبى بن كعب** قال قال رسول اللّه ﷺ يا أبا المنذر أيّ آية فى كتاب اللّه أعظم؟ قلت اللّه لا إله إلّا هو الحيّ القيوم قال فضرب في صدري ثمّ قال ليهنّئك العلم والّذى نفس محمّد بيده انّ لهذه الآية للساناً وشفتين تقدّس الملك عند ساق العرش **مستدرك** ٣٣٧: ورواه قبله الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عنه ﷺ مثله.

٢٤١ ٢٥٨٠٣ (٤١) **مستدرك** ٣٣٤: **جعفر بن أحمد** القمّي في كتاب الغايات عن النبيّ ﷺ قال لرجل أيّة آية أعظم؟ قال اللّه ورسوله أعلم قال فأعاد القول فقلت اللّه ورسوله أعلم فأعاد فقلت اللّه ورسوله أعلم فقال رسول اللّه ﷺ أعظم آية آية الكرسى.

۲۳۵ (۳۵) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره بقره را بخواند درود و رحمت خداوند شامل او شود و همان پاداشی که مرزبانی که در راه خدا مرزبانی می‌کند [و در جای پرخطری قرار دارد به گونه‌ای که] ترس و هراسش به آرامش خاطر مبدّل نگردد، داده می‌شود به این تلاوت کننده نیز داده خواهد شد.»

۲۳۶ (۳۶) در روایت دیگری پیامبرﷺ فرمود: «بی گمان تهی‌ترین خانه، خانه‌ای است که در آن بقره خوانده نشود، سوره بقره خیمهٔ قرآن است.»

۲۳۷ (۳۷) عمرو بن جمیع با واسطه از امام علی بن حسینؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود هر کس چهار آیهٔ اوّل سوره بقره و آیة الکرسی و دو آیهٔ بعد از آیة الکرسی و سه آیهٔ آخر سوره بقره را بخواند هیچ امر ناخوشایندی در خودش و مالش نخواهد دید و شیطان به او نزدیک نشود و قرآن را فراموش نکند.»

۲۳۸ (۳۸) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «کسی که ده آیه از سوره بقره بخواند، در مال و فرزندش پدیدهٔ ناگواری تا صبح نبیند.»

۲۳۹ (۳۹) حضرت سلمانؓ از پیامبرﷺ روایت کرده است که فرمود: «کسی که «آیهٔ الکرسی» را بخواند خداوند تلخی جان کندن را بر او آسان می‌گرداند و فرشتگان آسمانی به آیة الکرسی برخورد نمی‌کنند مگر اینکه [از عظمت آن] از هوش بروند و بر «قُل هو الله» گذر نمی‌کنند مگر اینکه به سجده افتند و به آیات آخر سوره «حشر» گذر نمی‌کنند مگر اینکه به زانو درآیند.»

۲۴۰ (۴۰) ابیّ بن کعب گفته که پیامبر خداﷺ فرمود: «ای ابامنذر! عظیم‌ترین آیه در قرآن، کدام است؟ گفتم: «**اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم**» پس حضرت به سینهٔ من زد و فرمود: علم، تو را گوارا باد، سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست این آیه دارای زبان و دو لب است [و] در ساق عرش، پادشاه مطلق [یعنی خداوند] را تقدیس می‌کند.»

۲۴۱ (۴۱) جعفر بن احمد قمّی در کتاب الغایات از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت به مردی فرمود: «کدام آیه بزرگترین و مهمترین آیه است؟ آن مرد گفت: من گفتم خدا و پیامبرش داناتر است. حضرت دوباره سخنش را تکرار فرمود، باز من گفتم: خدا و پیامبرش داناتر است [و برای بار سوّم] حضرت سؤال‌شان را تکرار کرد و من گفتم: خدا و پیامبرش داناتر است آنگاه پیامبر خداﷺ فرمود: بزرگترین آیه، آیة الکرسی است.»

۲٤۲ ۲٥٨٠٤ (۴۲) **مستدرك** ۳۳۵/۴: القطب **الراونديّ** في لبّ اللباب سئلﷺ القرآن أفضل أم التّوراة؟ فقال انّ في القرآن آية هي أفضل من جميع كتب اللّه وهي آية الكرسيّ وقالﷺ ما قرأت هذه الآية في بيت إلّا هجره إبليس ثلاثين يوماً ولايدخله ساحر ولاساحرة أربعين يوماً.

۲٤۳ ۲٥٨٠٥ (۴۳) وفي الخبر انّه لمّا نزلت هذه الآية فزع إبليس فأتى يثرب فسأل رجلاً هل حدث الليلة شيء؟ قال بلىٰ نزلت هذه الآية وقال جعفر الصادقؑ من قرأها بنى عليه حائط من حديد.

۲٤٤ ۲٥٨٠٦ (۴۴) وقالﷺ من قرأ آية الكرسي مرّة محى اسمه من ديوان الأشقياء ومن قرأها ثلاث مرّات استغفرت له الملائكة ومن قرأها أربع مرّات شفع له الأنبياء ومن قرأها خمس مرّات كتب اللّه اسمه في ديوان الأبرار واستغفرت له الحيتان في البحار ووقى شرّ الشيطان ومن قرأها سبع مرّات اغلقت عنه أبواب النيران ومن قرأها ثماني مرّات فتحت له أبواب الجنان ومن قرأها تسع مرّات كفى همّ الدنيا والآخرة ومن قرأها عشر مرّات نظر اللّه إليه بالرحمة ومن نظر اللّه إليه بالرحمة فلا يعذّبه...

۲٤٥ ۲٥٨٠٧ (۴۵) **كتاب المسلسلات** ۲۶۶: للشيخ جعفر بن أحمد القمّي قال حدثنا أبو المفضّل عن عبيداللّه بن أبي سفيان الشعرانيّ عن إبراهيم بن عمر بن بكر الشكشكيّ عن محمّد بن شعيب بن سابور عن عثمان ابن أبي عاتكة عن عليّ بن يزيد أنّه أخبره أنّ أبا عبدالرحمان بن القاسم بن عبدالرّحمان أخبره عن جدّه **أبي اُمامة** الباهلي أنّه سمع عليّاًؑ يقول ما أرى رجلاً أدرك عقله الاسلام وولد في الاسلام يبيت ليلة سوادها قلت ما سوادها يا أبا اُمامة قال جميعها حتّى يقرء هذه الآية **﴿اللّه لا إله إلّا هو الحيّ القيوم﴾** إلى قوله **﴿وهو العليّ العظيم﴾**.

ثمّ قال فلو تعلمون ما هي أو قال ما فيها لما تركتموها على حال انّ رسول اللّهﷺ أخبرني قال أُعطيت آية الكرسيّ من كنز تحت العرش ولم يؤتها نبيّ كان قبلي.

۲۴۲ (۴۲) قطب راوندی در لبّ اللباب نقل کرده است که: «از پیامبرﷺ پرسیده شد که آیا قرآن برتر است یا تورات؟ حضرت فرمود: در قرآن آیه‌ای هست که بر همهٔ کتاب‌های آسمانی ترجیح دارد و آن، آیة الکرسی است و فرمود: این آیه در خانه‌ای خوانده نشود مگر اینکه سی روز شیطان آن جا را ترک گوید و تا چهل روز مرد و زن جادوگری به آن سرا نیاید.»

۲۴۳ (۴۳) در خبر آمده است که: «چون این آیه [آیة الکرسی] نازل شد شیطان بی تاب و هراسان شد پس به شهر یثرب درآمد و پرسید: آیا امشب حادثه‌ای رخ داده است؟ شخصی گفت: بله این آیه [آیة الکرسی] نازل شده است.»

و امام صادقؑ فرمود: «هر کس آن [آیة الکرسی] را بخواند دیواری آهنین برای [حفظ] خودش ساخته است.»

۲۴۴ (۴۴) پیامبر خداﷺ فرمود: «کسی که یک بار آیة الکرسی را بخواند، نامش از دفتر شقاوت پیشه‌گان پاک می‌شود و کسی که سه بار آن را بخواند، فرشتگان برایش آمرزش طلب کنند و کسی که چهار بار بخواند پیامبرانﷺ شفاعتش کنند و کسی که پنج بار بخواند خداوند نام او را در لیست نیکان بنویسد و ماهیان دریا برایش استغفار کنند و از شرّ شیطان مصون بماند و کسی که هفت بار آن را بخواند درهای هشتگانهٔ بهشت به رویش گشوده گردد و کسی که نُه بار آن را بخواند از غم و غصهٔ دنیا و آخرت نگاه داشته شود و کسی که ده بار بخواند، خداوند به دیدهٔ رحمت به او بنگرد و کسی که خداوند به دیدهٔ رحمت به او نگریست او را عذاب نکند.»

۲۴۵ (۴۵) ابوالمفضّل از عبیدالله بن ابی سفیان شعرانی و او از ابراهیم بن عمر بن شکشکی و او از محمد بن شعیب بن سابور و او از عثمان ابن ابی عاتکه و او از علی بن یزید و او از ابو عبدالرحمن بن قاسم و او از جدّش ابی أمامه باهلی و او از علیؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «گمان نمی‌کنم در اسلام متولّد شده باشد و عقلش اسلام را درک کرده باشد، کسی که در سیاهی شب یعنی تمام شب [را بخوابد یا به بطالت گذراند و] آیة الکرسی یعنی از «**الله لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم**» تا «**وهو العلیّ العظیم**» را نخواند مگر اینکه آن را بخواند.»

سپس فرمود: اگر می‌دانستید که «آیة الکرسی» چیست؟ (یا فرمود: چه فضیلت‌هایی در آن است) هرگز در هیچ شرایطی آن را ترک نمی‌کردید. پیامبر خداﷺ به من خبر داد و فرمود: «آیة الکرسی» از گنجی در زیر عرش به من داده شد و به هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است.

قال عليّ عليه السلام فما بتُّ ليلة قطّ منذ سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله حتّى أقرأها.

ثمّ قال يا أبا اُمامة انّي أقرأها ثلاث مرّات في ثلاثة أحايين كلّ ليلة.

قلت وكيف تصنع في قراءتك يا ابن عمّ محمّد؟

قال أقرأها قبل الركعتين بعد صلاة العشاء الآخرة وأقرأها حيث أخذت بمضجعي للنوم (النوم ـ خ) وأقرأها عند وتري من السّحر.

قال علي عليه السلام فو اللّه ما تركتها منذ سمعت هذا الخبر من نبيّكم صلى الله عليه وآله حتّى أخبرتك به قال أبو اُمامة فو اللّه ما تركتها منذ سمعت هذا الخبر من عليّ بن أبي طالب عليه السلام حتّى حدّثتك به.

قال القاسم وأنا ما تركت قراءتها كلّ ليلة منذ حدّثني أبو امامة بفضلها حتّى الآن.

قال علي بن يزيد وأُخبرك أنّي ماتركت قراءتها في كلّ ليلة منذ حدّثني القاسم في فضلها.

قال ابن أبي عاتكة وأنا فما تركت قراءتها كلّ يوم منذ بلغني في فضل قراءتها ما بلغني.

قال ابن سابور وأنا ماتركت قراءتها كلّ ليلة منذ بلغني عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله في فضلها.

قال إبراهيم بن عمر، وأنا ما تركت قراءتها منذ بلغني عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله هذا الحديث من فضل قراءتها قال أبو المفضّل وأنا بنعمة ربّي ماتركت منذ سمعت هذا الحديث من عبيداللّه بن أبي سفيان عن النّبي صلى الله عليه وآله في فضل قراءتها إلى أن حدّثتكم به.

٢٤٦ (۴۶) **مجمع البيان** ۱: ۳۶۱: روى عن **أبي جعفر** الباقر قال من قرأ آية الكرسي مرّة صرف اللّه ٢٥٨٠٨
عنه ألف مكروه من مكاره الدنيا وألف مكروه من مكاره الآخرة أيسر مكروه الدنيا الفقر وأيسر مكروه الآخرة عذاب القبر.

٢٤٧ (۴۷) **تفسير العيّاشي** ۱: ۱۳۶: عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال [إنّ الشياطين ٢٥٨٠٩
يقولون] لكلّ شيء ذروة وذروة القرآن آية الكرسي من قرأ آية الكرسي مرّة (وذكر مثله وزاد) وانّي لأستعين بها على صعود الدرجة.

آنگاه علی﵇ فرمود: از آن وقتی که این سخن را از پیامبر خداﷺ شنیدم هیچ شبی نخوابیدم مگر اینکه «آیة الکرسی» را خواندم.

سپس فرمود: ای ابو أمامه! من در هر شب سه بار آن را در سه وقت می‌خوانم.

پرسیدم: ای پسر عموی محمّد! در چه وقت‌هایی می‌خوانی؟ فرمود: یک بار پس از نماز عشاء و پیش از دو رکعت و یک بار هنگامی که برای خوابیدن به بسترم درآیم و بار سوّم سحرگاهان هنگام خواندن نماز «وتر».

علی﵇ فرمود: به خدا سوگند از وقتی که این خبر را از پیامبر شماﷺ شنیدم هرگز [خواندن آیة الکرسی را] ترک نکرده‌ام.

ابو أمامه گفت: به خدا قسم که من هم از وقتی این سخن را از علی﵇ شنیدم ترک نکردم تا الآن که به تو خبر می‌دهم.

قاسم گفت: و من نیز از وقتی که ابو امامه این حدیث را برای من در فضیلت آیة الکرسی نقل کرده هیچ شبی تا الآن خواندن آن را ترک نکرده‌ام.

علی بن یزید گفت: من هم به اطّلاع تو برسانم که از وقتی که قاسم این حدیث را برایم نقل کرد، من نیز ترک نکرده‌ام.

ابن ابی عاتکه و ابن سابور و ابراهیم بن عمر و ابوالمفضّل یعنی تمام کسانی که در سلسلهٔ سند این حدیث بودند، در هنگام نقل حدیث گفته‌اند: از زمانی که این حدیث را از رسول اللهﷺ شنیده‌ایم خواندن آن را در هیچ شبی ترک نکرده‌ایم.»

۲۴۶ (۴۶) از امام باقر﵇ روایت شده که فرمود: «کسی که یک بار «آیة الکرسی» را بخواند، خداوند هزار حادثه تلخ از حوادث تلخ دنیا و هزار پدیدهٔ ناخوشایند از ناخوشایندی‌های آخرت را از او برگرداند که کوچکترین آن در دنیا، فقر و نداری و در آخرت عذاب قبر است.»

۲۴۷ (۴۷) عبدالله بن سنان از امام صادق﵇ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر چیزی را قُلّه‌ای است و قلّهٔ قرآن «آیة الکرسی» است، هر کس یک بار آن را بخواند...(دنباله روایت همانند روایت قبلی است و در این روایت افزوده است که: من برای بالا رفتن درجه‌ام [در بهشت و در نزد خداونـد] از «آیـة الکرسی» کمک می‌گیرم.»

۲۴۸ (۴۸) وفيه ـ عن **عبدالحميد** بن فرقد عن جعفر بن محمّد عليه السلام قال قالت الجنّ انّ لكلّ شيء
۲۵۸۱۰
ذروة وذروة القرآن آية الكرسي **مجمع البيان** ۳۶۱: عن أبي عبدالله عليه السلام قال انّ لكلّ شيء (وذكر مثله).

۲۴۹ (۴۹) **مستدرك** ۳۳۵/۴: الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن **جعفر** بن محمد الصادق عليه السلام عن
۲۵۸۱۱
أبيه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لما نزلت آية الكرسي نزلت آية من كنز العرش ما من وثن في المشرق والمغرب إلّا وسقط على وجهه فخاف إبليس وقال لقومه حدثت في هذه الليلة حادثة عظيمة فالزموا مكانكم حتّى أجوب المشارق والمغارب فاعرف الحادثة فجاب حتّى أتى المدينة فرأى رجلاً فقال هل حدث البارحة حادثة؟

قال قال لنا رسول اللّه صلى الله عليه وآله نزلت عليّ آية من كنوز العرش سقطت لها أصنام العالم لوجهها فرجع ابليس إلى أصحابه وأخبرهم بذلك.

فقال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لا يقرأ هذه الآية في بيت إلّا ولا يحوم الشيطان حوله ثلاثة أيّام إلى أن ذكر ثلاثين يوماً ولا يعمل فيه السحر أربعين يوماً يا عليّ تعلّم هذه الآية وعلّمها أولادك وجيرانك فانّه لم ينزل عليّ آية أعظم من هذا.

۲۵۰ (۵۰) وعن جماعة من الصحابة أنّهم كانوا جالسين في مسجد النبيّ صلى الله عليه وآله ويذكرون فضائل
۲۵۸۱۲
القرآن انّ أيّ آية أفضل فيهاقال بعضهم آخر برائة وقال بعضهم آخر بني اسرائيل.

۲۴۸ (۴۸) عبدالحمید بن فرقد از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که فرمود: «أجنّه گفته‌اند: هر چیزی را قلّه‌ای است و قلّهٔ قرآن «آیة الکرسی» است.

در تفسیر مجمع البیان نیز این روایت از امام صادقؑ نقل شده است.

۲۴۹ (۴۹) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت از پدر بزرگوارش و او از امام امیرالمؤمنینؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: وقتی که «آیة الکرسی» فرود آمد، نشانه‌ای از گنج عرش الهی [به زمین] فرود آمد [و آن نشانه این بود که] هیچ بُتی در خاور و باختر عالم نبود مگر اینکه واژگون شد. پس شیطان هراسان شد و به اصحاب خود گفت: امشب حادثهٔ بزرگی رخ داده است، از جاهای خود تکان نخورید تا من مشرق و مغرب عالَم را بگردم و ببینم که چه خبر است؟ پس چرخید تا اینکه به «مدینه» آمد، مردی را دید از او پرسید؟ آیا دیشب حادثه‌ای به وجود آمده است؟ آن مرد گفت: پیامبر خداﷺ به ما فرمود: بر من از گنجینهٔ عرش الهی، آیه‌ای نازل شد که به خاطر آن تمام بت‌های عالم واژگون شدند.

شیطان به میان اصحاب خود برگشت و قضیّه را به اطّلاع آن‌ها رساند.

علیؑ فرمود: رسول اللهﷺ فرمود: این آیه در خانه‌ای خوانده نمی‌شود مگر اینکه تا سه روز شیطان به گِرد آن خانه نمی‌چرخد تا آنجا که فرمود: بلکه تا سی روز و تا چهل روز سحر و جادو در آن خانه تأثیر نکند. ای علیّ! این آیه را خود یاد بگیر و به فرزندان و همسایگانت بیاموز چون، آیه‌ای عظیم‌تر و با فضیلت‌تر از آن بر من نازل نشده است.»

۲۵۰ (۵۰) گروهی از اصحاب پیامبرﷺ نقل کرده‌اند که: «آن‌ها در مسجد النبیّﷺ نشسته بودند و دربارهٔ فضایل قرآن گفتگو می‌کردند و سخن در بهترین آیهٔ قرآن بود.

عدّه‌ای از آن‌ها گفتند: آخرین آیهٔ «برائت»[1] و عدّه‌ای گفتند: آخرین آیهٔ «بنی اسرائیل»[2].

---

۱. آیهٔ ۱۲۹ از سوره توبه یعنی: «فأن تولّوا فقُل حسبی الله لا اله الاّ هو علیه توکّلتُ وهو ربّ العرش العظیم» یعنی: «اگر روی برتافتند بگو: خدا مرا بس است هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.»

۲. مقصود آخرین آیهٔ سوره «اسراء» است که قبلاً به نام «بنی اسرائیل» بوده است و آن آیه عبارت است از: «وقُل الحمد لله الذی لم یتخذ وَلداً ولم یکن له شریکٌ فی المُلک ولم یکن له ولیٌّ من الذّل و کبّره تکبیراً» یعنی: «و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.»

وقال بعضهم كهيعص وقال بعضهم طه قال أمير المؤمنين عليه السلام أين أنتم عن آية الكرسيّ فانّي سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول يا عليّ آدم سيّد البشر وأنا سيّد العرب ولا فخر وسلمان سيّد فارس وصهيب سيّد روم وبلال سيّد حبشة وطور سيناء سيّد الجبال والسدرة سيّد الأشجار وأشهر الحرم سيّد الشهور والجمعة سيّد الأيّام والقرآن سيّد الكلام وسورة البقرة سيّد القرآن وآية الكرسى سيّد سورة البقرة فيها خمسون كلمة في كلّ كلمة بركة.

البحار ۳۸/۸۶: البلد الأمين في كتاب الفرج بعد الشدّة لابن أبي الدّنيا عن النّبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال من قرء أوّل البقرة إلى المفلحون والهكم إلهٌ واحد الآية وآية الكرسي إلىٰ خالدون وانّ ربّكم اللّه في الأعراف إلى المحسنين وأوّل الصّافات إلى لازب ويا معشر الجنّ والإنس في الرحمن إلى تنتصران وآخر سورة الحشر وقل أوحى إلىٰ قوله شططاً كفى اللّه تعالى عنه شرّ كلّ شيطان مارد وسلطان عات.

۲۵۱ ۲۵۸۱۳ (۵۱) **مستدرك** ۳۳۸/۴: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ شهد اللّه مرّة واحدة حرّم اللّه ثلث جسده على النار ومن قرأها مرّتين حرّم اللّه ثلثي جسده من النار ومن قرأها ثلاث مرّات حرّم اللّه جميع جسده على النّار.

ورأى صلى الله عليه وآله ليلة اُسْرِيَ به باب الجنّة مغلقاً على عبد ثمّ رآه مفتوحاً فسأل عن ذلك فقيل لأنّه قرء شهد اللّه أنّه لا إله إلّا هو.

و بعضی از آن‌ها گفتند: «کهیعص»[۱] و بعضی از آن‌ها گفتند: «طه»[۲]، امیرالمومنین علی‌ﷺ فرمود: کجایید شما؟ [چرا غافل شدید] از «آیة الکرسی»؟ زیرا من خودم از پیامبر خداﷺ شنیدم که فرمود: ای علی! آدم سرور بشر است و من سرور عرب هستم و این برای من فخری نیست و سلمان سرور فارسی زبانان [ایرانی] است و صُهَیب سرور رومیان است و بلال سرور [اهل] حبشه است و طور سیناء سرور کوه‌هاست و سِدر سرور درختان است و ماه‌های حرام سرور ماه‌هاست و جمعه سرور روزها[ی هفته] است و قرآن سرور همهٔ سخن‌هاست و سوره بقره، سرور قرآن است و آیة الکرسی سروربقره است، در آن [آیة الکرسی] پنجاه کلمه است که هر کلمه‌ای از آن برکت مخصوصی دارد.»

در کتاب الفرج بعد الشدّة تألیف ابن ابی الدنیا از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده است که حضرت فرمود: «کسی که از اوّل سوره بقره تا «[أولئک هم] المفلحون» [یعنی تا آیهٔ (۵)] بخواند و در الهکم اله واحد تا آخر آیه» و در سوره اعراف آیهٔ «وانّ ربّکم الله تا المحسنین» و از اوّل سوره «صافّات تا لازب» و در سوره «الرّحمن از اوّل تا تنتصران» و «آخر سوره حشر» و آیهٔ «قُل اُوحی تا شططاً» را بخواند خداوند متعال او را از شرّ هر شیطان سرکش و پادشاه طغیان گر حفظ کند.»

فضیلت آیهٔ «شهد الله»

۲۵۱ (۵۱) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «کسی که آیهٔ «شهد الله»[۳] را یک بار بخواند خداوند یک سوّم بدنش را بر آتش حرام گرداند و کسی که دوبار بخواند خداوند دو سوّم بدنش را بر آتش حرام گرداند و کسی که سه بار آن را بخواند، خداوند تمام بدنش را بر آتش حرام گرداند.

و شبی که پیامبرﷺ به معراج رفت، دید دَرِ بهشت به روی بنده‌ای بسته است ولی پس از مدّتی باز شد، از علّت آن پرسید، پاسخ شنید: چون او آیهٔ «شهد الله أنّه لا اله الّا هو [تا آخر آیه] را خواند.»

---

۱. حروف مقطّعه‌ای است که در اوّل سوره «مریم» قرار گرفته است و شاید تمام سوره «مریم» مقصود باشد که داستان تولّد حضرت یحییﷺ و حضرت عیسیﷺ با فصاحت و بلاغتی وصف‌ناپذیر حکایت شده است.

۲. محتمل است مراد تمام سوره «طٰه» باشد.

۳. آل عمران ۱۸/۳: تمام آیه عبارت است از «**شهد الله انّه لا اله الّا هو والملائکة و أولو العلم قائماً بالقسط لا إله الّا هو العزیز الحکیم**» یعنی: خداوند گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز بر این حقیقت گواهی می‌دهند، در حالی که خداوند نسبت به همگان به عدالت رفتار می‌کند و او شکست‌ناپذیر رازدان است.

۲۵۲ (۵۲) **مجمع البيان** ۲ / ۱: **اُبيّ بن كعب** عن النّبيّ ﷺ قال من قرئها (أي سورة النساء) فكأنّما
۲۵۸۱٤ تصدّق علىٰ كلّ مؤمن (ومؤمنة ـ ك) ورث ميراثاً وأعطى من الأجر كمن اشترىٰ محرّراً وبرىء من الشرك وكان في مشيئة اللّه من الذين يتجاوز عنهم.

۲۵۳ (۵۳) **الثواب** ۱۳۱: أبي ﷺ قال حدّثني محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد عن محمد بن
۲۵۸۱٥ حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن أبي مسعود المدائني تفسير العيّاشي ۲۸۸: عن **أبي الجارود** عن أبي جعفر (محمد بن علي ـ عيّاشي) ﷺ قال من قرأ سورة المائدة في كلّ يوم خميس لم يلبس ايمانه بظلم ولم يشرك (به ـ ثواب) أبداً ورواه في المجمع ۲ / ۱۵۰: عن العيّاشي.

۲۵٤ (۵٤) **كافي** ۲ / ۶۲۲: أبو علي الأشعريّ عن محمّد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن
۲۵۸۱٦ **الحسن** بن علي ابن أبي حمزة رفعه قال قال أبو عبداللّه ﷺ انّ سورة الأنعام نزلت جملة شيّعها سبعون ألف ملك حتّى انزلت على محمّد ﷺ فعظّموها وبجّلوها فانّ اسم اللّه عزّ وجلّ فيها في سبعين موضعاً ولو يعلم الناس ما في قرائتها[1] (من الفضل ـ عيّاشي) ما تركوها الثواب ۱۳۲ تفسير العياشي ۳۵۴: قال أبو عبداللّه ﷺ نزلت سورة الأنعام جملة واحدة (وذكر مثله).

۲۵۵ (۵۵) **تفسير العيّاشي** ۳۵۳: عن **أبي بصير** قال سمعت أبا عبداللّه ﷺ يقول انّ سورة الأنعام
۲۵۸۱۷ نزلت جملة واحدة (وذكر نحوه وزاد) ثمّ قال أبو عبداللّه ﷺ من كان له إلى اللّه حاجة يريد قضائها فليصلّ أربع ركعات بفاتحة الكتاب والأنعام فليقل في صلاته إذا فرغ من القرائة ياكريم ياكريم يا عظيم يا عظيم يا عظيم يا أعظم من كلّ عظيم يا سميع الدعاء يا من لا تغيّره الأيّام واللّيالي صلّ على محمّد وآل محمد وارحم ضعفي وفقري وفاقتي ومسكنتي فانّك أعلم بها منّي وأنت أعلم بحاجتي يا من رحم الشيخ يعقوب حين ردّ عليه يوسف قرّة عينه يا من رحم أيّوب بعد حلول بلائه يا من رحم محمّداً ﷺ ومن اليتم آواه

---

۱. ولو علم الناس ما فيها ـ ثواب.

فضیلت سوره «نساء»

۲۵۲ (۵۲) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «نساء» را بخواند همانند این است که به هر مرد و زن مؤمن کمک مالی کرده است و پاداش آزاد کردن برده به او داده می‌شود و از آلودگی شرک پاک گردد و در ارادهٔ الهی جزو کسانی قرار می‌گیرد که خداوند از [گناهان] آن‌ها در می‌گذرد.»

فضیلت سوره «مائده»

۲۵۳ (۵۳) ابوالجارود از امام محمّد باقرؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «هر کس در هر پنجشنبه سوره «مائده» را بخواند ایمانش با ستم آمیخته نگردد و هرگز به وادی شرک نیفتد.»

فضیلت سوره «أنعام»

۲۵۴ (۵۴) حسن بن علی ابن ابی حمزه با واسطه از امام جعفر صادقؑ روایت کرده است که حضرت فرمود: «سورهٔ «أنعام» تمامش یکجا نازل شد در حالی که هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه می‌کردند تا اینکه بر حضرت محمّدﷺ فرود آمد و [بدین وسیله فرشتگان] این سوره را تعظیم و تکریم کردند، چرا که اسم اعظم خداوندﷻ در هفتاد جای این سوره آمده است و اگر مردم می‌دانستند که خواندن سورهٔ «أنعام» چقدر ثواب و خواصّ دارد هیچ گاه آن را ترک نمی‌کردند.»

۲۵۵ (۵۵) ابوبصیر گوید: «از امام صادقؑ شنیدم که فرمود: سوره «أنعام» یکجا همه‌اش نازل شد (و ادامهٔ روایت را همانند روایت پیشین ذکر کرده و افزوده که:) حضرت صادقؑ فرمود: کسی که حاجتی دارد و می‌خواهد که خداوند حاجتش را برآورده کند، چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سورهٔ «حمد» و سوره «أنعام» را بخواند و چون از نماز فارغ گشت این دعا را بخواند: ای خداوند دارای جود و کرم! ای دارندهٔ کرم! ای صاحب کرم! ای خداوند بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگتر از هربزرگی! ای شنونده و مستجاب کنندهٔ دعا! ای کسی که روز و شب‌ها در او اثر نگذارند! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر ناتوانی و نداری و نیازمندی و بیچارگی‌ام رحم کن که به حال من، تو از خودم واقف‌تری و تو حاجت مرا بهتر می‌دانی، ای خداوندی که بر یعقوب پیرمرد ترحّم کردی و یوسف را که نور چشم او بود به او برگرداندی. ای کسی که ایّوب به بند بلا افتاده را با ترحّمت نجات دادی، ای کسی که به حضرت محمّدﷺ رحم کردی و از دوران یتیمی او را در پناه خود گرفتی تا

ونصره على جبابرة قريش وطواغيتها وأمكنه منهم يامغيث يامغيث يا مغيث يقوله مراراً فوالّذي نفسي بيده لو دعوت اللّه بها بعدما تصلّي هذه الصلاة في دبر هذه السورة ثمّ سألت جميع حوائجك ما بخل عليك ولأعطاك ذلك إن شاء اللّه.

۲۵٦ ۲۵۸۱۸ (۵۶) **تفسير علي بن إبراهيم** ۱۹۳/۱: حدثني أبي عن **الحسين بن خالد** عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال نزلت الأنعام جملة واحدة ويشيّعها سبعون ألف ملك لهم زجل[1] بالتسبيح والتهليل والتكبير فمن قرئها سبّحوا له إلى يوم القيامة.

۲۵۷ ۲۵۸۱۹ (۵۷) **مستدرك** ۲۹۸/۴: الشيخ أبو الفتوح الرازي في تفسيره عن عبداللّه بن عبّاس عن **أُبيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله سورة الأنعام نزلت عَلَيّ جملة واحدة ونزلت سبعون ألف ملك من السّماء إلى الأرض لمشايعتها فمن قرئها صلّى عليه سبعون ألف ملك بعدد كلّ آية في هذه السورة في الليل والنهار.

۲۵۸ ۲۵۸۲۰ (۵۸) **مستدرك** ۲۹۷/۴: القطب **الراوندي** في لبّ اللباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّ من قرأ هذه السورة كان له بوزن جميع الانعام التي خلقها اللّه في دار الدّنيا درّاً بعدد كلّ درّ مأة ألف حسنة ومأة ألف درجة وانّ هذه السّورة نزلت جملة ومعها من كلّ سماء سبعون ألف ملك لهم زجل بالتسبيح والتهليل فمن قرئها يستغفر له تلك الملائكة.

۲۵۹ ۲۵۸۲۱ (۵۹) **الثواب** ۱۳۱: أبي رحمه الله قال حدثني محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن الحسين بن محمد بن فرقد عن الحكم بن ظهير عن تفسير العيّاشي ۱۳۲: أبي صالح عن **ابن عباس** قال من قرأ سورة الأنعام في كلّ ليلة كان من الآمنين يوم القيامة ولم ير النّار بعينه أبداً.

۲٦۰ ۲۵۸۲۲ (٦۰) **مستدرك** ۲۹۸/۴: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **جابر** بن عبداللّه الأنصاري قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قرأ من الانعام ثلاث آيات من أوّله إلى قوله ما يَكسِبُونَ وكّل اللّه عليه أربعين ألف ملك يكتبون له مثل ثواب عبادتهم إلىٰ يوم القيامة

---

۱. زجل: طرّب وتغنّىٰ ـ رفع صوته.

اینکه او را بر ستمگران سرکش قریش پیروز کردی و او را بر آن‌ها مسلّط و حاکم کردی، ای فریادرس! ای فریادرس! ای فریادرس (و این کلمه را تکرار کند) [در پایان امام صادقؑ فرمود:] سوگند به کسی که جان من در قبضهٔ اوست اگر این نماز را با همین سوره‌ها بخوانی و این دعا را بعد از آن بخوانی سپس هر حاجتی داری از خدا بخواهی، خداوند بر تو بخل نورزد و انشاء الله آن را به تو خواهد داد.»

۲۵۶ (۵۶) حسین بن خالد از امام رضاؑ روایت کرده که فرمود: «سورهٔ «أنعام» همه‌اش یکجا نازل شد و هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه می‌کردند در حالی که همگی به گفتن «سبحان الله» و «لا اله الّا الله» و «الله اکبر» زمزمه می‌کردند، پس هر کس این سوره را بخواند تا روز قیامت این فرشتگان برای او تسبیح می‌گویند.»

۲۵۷ (۵۷) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده است که فرمود: «تمام سوره «أنعام» یکجا بر من نازل شد و هفتاد هزار فرشته برای بدرقهٔ آن به زمین فرود آمدند، پس هر کس آن سوره را بخواند این هفتاد هزار فرشته شبانه روزی به تعداد آیاتی که در این سوره است بر او صلوات و درود می‌فرستند و برایش طلب آمرزش و رفعت درجه می‌کنند.»

۲۵۸ (۵۸) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرموده است: «هر کس این سوره [أنعام] را بخواند هم وزن همهٔ أنعام (چهارپایانی) که خداوند در دنیا آفریده است، برایش گوهر خواهد بود که به ازاء هر گوهر، صدهزار حسنه و صدهزار درجه خواهد داشت و این سوره، یکجا نازل شده و از هر آسمان هفتادهزار فرشته همراه آن بوده‌اند که همگی به تسبیح و تهلیل زمزمه می‌کردند، پس هر کس آن را بخواند، این فرشتگان برایش استغفار کنند.»

۲۵۹ (۵۹) ابن عبّاس گفته است: «هر کس سوره «أنعام» را هر شب بخواند در روز قیامت در امان خواهد بود و هرگز آتش [دوزخ] را به چشم خود نخواهد دید.»

۲۶۰ (۶۰) جابر بن عبدالله انصاری از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس سه آیه از اوّل سوره «أنعام» تا «ما تکسبون» را بخواند، خداوند چهل هزار فرشته را موکّل می‌کند که به اندازهٔ عبادت خودشان تا روز قیامت، برای او ثواب بنویسند.

وينزّل عليه من السماء السابعة ملكاً معه عمود من حديد يكون موكّلاً عليه حتّى إذا أراد الشيطان أن يوسوسه أو يلقي في قلبه شيئاً يَضْرِبُهُ بهذا العمود ضربة تطرده عنه حتّى يكون بينه وبين الشيطان سبعون حجاباً ويقول اللّه تعالى له يوم القيامة عبدي اذهب إلىٰ ظلّي وكُلْ من جنّتي واشرب من الكوثر واغتسل من السلسبيل فانّك عبدي وأنا ربّك.

۲٦۱ ۲٥۸۲۳ (۶۱) **مجمع البيان** ۳۹۳/۲: **أبيّ بن كعب** عن النّبيّ ﷺ قال من قرأ سورة الأعراف جعل اللّه بينه وبين ابليس ستراً وكان آدم شفيعاً له يوم القيامة **مستدرك** ۳۳۹/۴: ورواه الشيخ أبو الفتوح عن أبي امامة عن **أُبيّ** عنه ﷺ مثله.

۲٦۲ ۲٥۸۲٤ (۶۲) **مجمع البيان** ۳۹۳/۲: روى العيّاشي باسناده عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ من قرء سورة الأعراف في كلّ شهر كان يوم القيامة من الّذين لاخوف عليهم ولاهم يحزنون فإن قرئها في كلّ يوم جمعة كان ممّن لايحاسب يوم القيامة قال أبو عبداللّه ﷺ انّ فيها آياً محكمة فلا تَدَعُوا قرائتها وتلاوتها والقيام بها فانّها تشهد يوم القيامة لمن قرائها عند ربّه.

۲٦۳ ۲٥۸۲٥ (۶۳) **مستدرك** ۳۳۹/۴: **القطب** الراوندي في لبّ اللباب في الخبر من قرأ سورة الأعراف جعل اللّه بينه وبين ابليس ستراً يحترس منه ويكون ممّن يزوره في الجنّة آدم ﷺ ويكون له بعدد كلّ يهوديّ ونصرانيّ درجة في الجنّة.

۲٦٤ ۲٥۸۲٦ (۶۴) وقال الجعفر الصادق ﷺ انّ من قرأ هذه السّورة في كلّ شهر كان يوم القيامة من الآمنين ومن قرئها في كلّ جمعة لايحاسب يوم القيامة.

و از آسمان هفتم فرشته‌ای که گُرزی از آهن در دست دارد به پیش او می‌فرستد تا هر گاه شیطان خواست او را وسوسه کند یا در دل او خطوری افکند چنان با همین گُرز آهنین بر سر شیطان بکوبد که طردش نماید تا جایی که میان او و شیطان هفتاد حجاب، مانع باشد و خداوند متعال روز قیامت به او می‌فرماید: بندهٔ من! در سایهٔ من درآی و از بهشتم بخور و از حوض کوثر بنوش و با آب چشمهٔ سلسبیل غسل کن، به راستی که تو بندهٔ من هستی و من پروردگار تو هستم.»

فضیلت سوره «أعراف»

۲۶۱ (۶۱) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «آعراف» را بخواند خداوند میان او و شیطان پرده‌ای بیاویزد و حضرت آدم، روز قیامت شفیع او باشد.»[۱]

۲۶۲ (۶۲) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده است که هر کس سوره «أعراف» را در هر ماه بخواند، روز قیامت جزو کسانی خواهد بود که نه ترسی دارند و نه اندوه به آن‌ها راه یابد[۲] و اگر کسی در هر روز جمعه بخواند از کسانی خواهد شد که روز قیامت مورد محاسبه و بازخواست قرار نمی‌گیرند. امام صادقؑ فرمود: در این سوره آیات محکم و استوار و روشنگری وجود دارد پس خواندن آن و عمل کردن به آن را ترک نکنید زیرا این سوره، روز قیامت در پیشگاه الهی برای کسی که آن را خوانده است، گواهی می‌دهد.»

۲۶۳ (۶۳) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب نقل کرده که در روایتی آمده است: «هر کس سوره اعراف را بخواند، خداوند میان او و شیطان پرده‌ای بیاویزد که او را حراست و حفاظت کند[۳] و در بهشت [حضرت] آدمؑ به دیدن او آید و به تعدادی که یهودی و مسیحی [در عالم] وجود دارد، برای او در بهشت درجه خواهد بود.»[۴]

۲۶۴ (۶۴) و امام جعفر صادقؑ فرموده است: «کسی که این سوره [اعراف] را در هر ماه بخواند در روز قیامت جزو ایمن شوندگان [از عذاب الهی] خواهد بود و کسی که در هر جمعه بخواند، از حساب روز قیامت معاف خواهد شد.»

---

۱. در سوره «أعراف» از آفرینش حضرت آدمؑ و ماجرای او به تفصیل، سخن به میان آمده است و وجه تناسب شفاعت حضرت آدم با خواندن این سوره، شاید همین نکته باشد.

۲. اشاره است به آیهٔ ۳۵ و ۴۰ همین سوره.

۳. اشاره به مضمون آیهٔ ۴۶ همین سوره است که: «و بینهما حجابٌ» می‌باشد.(مترجم).

۴. چون یهودیان، پیروان حضرت موسیؑ هستند و در این سوره از آیهٔ ۱۰۳ ـ ۱۷۰ پیرامون داستان حضرت موسیؑ است که به تفصیل آن را بیان فرموده است. (مترجم).

٢٦٥ ٢٥٨٢٧ (۶۵) **الثواب** ۱۳۲: أبي‌ﷺ قال حدثني محمد ابن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن أبيه **تفسير العيّاشي** ۴۶/۲: عن **أبي بصير** عن أبي عبدالله‌ﷺ قال (سمعته يقول ـ عيّاشي) من قرأ سورة الأنفال و(سورة ـ الثواب) براءة في كلّ شهر لم يدخله نفاق أبداً وكان من شيعة أمير المؤمنين‌ﷺ (عيّاشي ـ حقاً وأكَلَ يوم القيامة من موائد الجنّة مع شيعته حتّى يفرغ الناس من الحساب) ورواه في المجمع ۵۱۶/۴ عن العيّاشي.

٢٦٦ ٢٥٨٢٨ (۶۶) **مجمع البيان** ۵۱۶/۴: **اُبيّ بن كعب** عن النبيّ‌ﷺ انّه قال من قرأ سورة الأنفال وبراءة فأنا شفيع له وشاهد يوم القيامة أنّه بريءٌ من النّفاق وأعطى من الأجر بعدد كلّ منافق ومنافقة في دار الدّنيا عشر حسنات ومحا عنه عشر سيّئات ورفع له عشر درجات وكان العرش وحملته يصلّون عليه أيّام حياته في الدنيا **مستدرك** ۳۳۹/۴: ورواه الشيخ أبو الفتوح عن أبي امامة عن **اُبيّ** عنه‌ﷺ مثله وكذا كلّ ما يأتي ممّا رواه في المجمع عن **اُبيّ** في ثواب قرائة السور بالسند المذكور.

٢٦٧ ٢٥٨٢٩ (۶۷) **مستدرك** ۳۴۰/۴: لبّ اللّباب عنه‌ﷺ من قرأ سورتي الأنفال وبراءة فانّي أشهد له يوم القيامة بالبراءة من الشرك والنفاق وأعطى بعدد كلّ منافق ومنافقة منازل في الجنّة ويكتب له مثل تسبيح العرش وحملته إلى يوم القيامة.

٢٦٨ ٢٥٨٣٠ (۶۸) وفيه عن جعفر الصادق‌ﷺ ان من قرأهاتين السّورتين في كل شهر لم ينافق أبداً ويشفع في أهل الكبائر.

٢٦٩ ٢٥٨٣١ (۶۹) **الثواب** ۱۳۲: أبي‌ﷺ قال حدّثني محمد ابن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن الحسين بن محمد بن فرقد عن تفسير العيّاشي ۱۱۹/۲: **فضيل الرّسّان** عن أبي عبدالله‌ﷺ قال من قرأ سورة يونس في كلّ شهرين أو ثلاثة لم يخف (عليه ـ الثواب) أن يكون من الجاهلين وكان يوم القيامة من المقرّبين.

٢٧٠ ٢٥٨٣٢ (۷۰) **مجمع البيان** ۸۷/۵: **اُبيّ بن كعب** عن النبيّ‌ﷺ قال من قرأ سورة يونس اعطى من الأجر عشر حسنات بعدد من صدّق بيونس وكذب به وبعدد من غرق مع فرعون **مستدرك** ۳۴۲: ورواه السيّد علي بن طاووس في دروع الواقية عنه‌ﷺ (مثله).

فضیلت سوره «أنفال» و «برائت [توبه]

۲۶۵ (۶۵) ابوبصیر گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس سوره أنفال و سوره «برائت» [یعنی: «توبه»] را در هر ماه بخواند نفاق به دل او راه نیابد و از شیعیان حقیقی علی علیه السلام خواهد بود و در روز قیامت همراه دیگر شیعیان به خوردن غذاهای بهشتی مشغول خواهد بود تا وقتی که مردم از حساب و کتاب فارغ شوند.»

۲۶۶ (۶۶) أبیّ بن کعب از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «أنفال» و «برائت» را بخواند، من در روز قیامت او را شفاعت کنم و برای او گواهی دهم که او از نفاق پاک است و خداوند به تعداد هر زن و مرد منافقی که در دنیا است، ده حسنه به او می‌دهد و ده گناه از او پاک می‌کند و ده درجه به او می‌دهد و تا در دنیا زنده است عرش و حاملان عرش بر او صلوات می‌فرستند [و طلب رحمت و مغفرت می‌کنند].

۲۶۷ (۶۷) در کتاب لبّ اللباب حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس این دو «أنفال» و «برائت» را بخواند من برایش در روز قیامت گواهی می‌دهم که او از شرک و نفاق پاک است و به تعدادی که زن و مرد منافق وجود دارد به او رتبهٔ بهشتی داده و به اندازهٔ تسبیح عرش و عرشیان تا روز قیامت برای او ثواب نوشته می‌شود.»

۲۶۸ (۶۸) و در همان کتاب [لبّ اللباب] است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «بی گمان هر کس این دو سوره [انفال و توبه] را در هر ماه بخواند هیچ گاه به نفاق آلوده نگردد و می‌تواند برای صاحبان گناهان کبیره، شفاعت کند.»

فضیلت سوره «یونس»

۲۶۹ (۶۹) فضیل رسّان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس در هر دو ماه یا سه ماه [یکبار] سوره «یونس» را بخواند خوف جزو جاهلین شدن از او برداشته شود و در روز قیامت از مقرّبان [درگاه الهی] خواهد بود.»

۲۷۰ (۷۰) ابیّ بن کعب از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره یونس را بخواند به تعداد هر نفری که به یونس ایمان آورده و یا او را تکذیب کرده، ده حسنه به او پاداش داده می‌شود و [همچنین] به تعداد هر فردی از کسانی که با فرعون غرق شدند [نیز ده حسنه خواهد داشت].»

۲۷۱ (۷۱) **مجمع البيان** ۱۴۰/۳: **أبي بن كعب** عن النّبيّ ﷺ قال من قرأ سورة هود أعطى من ۲۵۸۳۳
الأجر عشر حسنات بعدد من صدّق بنوح وكذب به وهود وصالح وشعيب ولوط وإبراهيم وموسى وكان يوم القيامة من السّعداء.

۲۷۲ (۷۲) **الثواب** ۱۳۳: بالإسناد عن الحسن بن عليّ عن أبيه عن **أبي بصير** عن أبي ۲۵۸۳۴
عبداللّه ؏ قال من قرأ سورة يوسف في كلّ يوم أو في كلّ ليلة بعثه اللّه تعالىٰ يوم القيامة وجماله مثل جمال يوسف ؏ ولايصيبه فزع يوم القيامة وكان من خيار عباداللّه الصّالحين وقال انّها كانت في التوراة مكتوبة.

۲۷۳ (۷۳) **تفسير العيّاشي** ۱۶۶/۲: عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ؏ قال سمعته يقول من قرأ ۲۵۸۳۵
سورة يوسف ؏ [في كلّ يوم أو] في كلّ ليلة بعثه اللّه يوم القيامة وجماله على جمال يوسف ؏ ولايصيبه يوم القيامة ما يصيب الناس من الفزع وكان جيرانه من عباد اللّه الصالحين ثمّ قال انّ يوسف كان من عباد اللّه الصالحين وأو من في الدنيا أن يكون زانياً أو فحّاشاً.

۲۷۴ (۷۴) **مجمع البيان** ۲۰۶/۳: **أبيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال علّموا أرقّائكم سورة يوسف ۲۵۸۳۶
فانّه ايّما مسلم تلاها وعلّمها أهله وما ملكت يمينه هوّن اللّه تعالى عليه سكرات الموت وأعطاه القوّة أن لا يحسد مسلماً.

۲۷۵ (۷۵) **الثواب** ۱۳۳: بالإسناد عن الحسن (بن عليّ) عن **الحسين** بن أبي العلاء عن ۲۵۸۳۷
أبي عبداللّه ؏ انّه قال من أكثر قراءة سورة الرّعد لم يصبه اللّه بصاعقة أبداً ولو كان ناصباً واذا كان مؤمناً أدخله الجنّة بلاحساب ويشفّع في جميع من يعرف من أهل بيته واخوانه.

فضیلت سوره «هود»

۲۷۱ (۷۱) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود: «هر کس سوره «هُود» را بخواند به تعداد تک تک افرادی که حضرت نوح را تصدیق کردند و یا تکذیب کردند و همچنین به تعداد افرادی که به حضرت هود، صالح، شعیب، لوط، ابراهیم و موسی ایمان آوردند و افرادی که آن‌ها را تکذیب کردند [به تعداد هر یک نفر از آن‌ها] ده حسنه به او داده می‌شود و روز قیامت از سعادتمندان خواهند بود [که در بهشت جاویدان جای می‌گیرند].»

فضیلت سوره «یوسف»

۲۷۲ (۷۲) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده است که فرمود: «هر کس سوره یوسفؑ را در هر روز یا در هر شب بخواند، خداوند در روز قیامت او را با زیبایی حضرت یوسفؑ برانگیزاند و ترس و هراس روز قیامت او را فرا نگیرد و جزو بهترین بندگان شایسته باشد. حضرت فرمود: [داستان حضرت یوسفؑ] در کتاب آسمانی تورات نیز نوشته شده است.»

۲۷۳ (۷۳) ابوبصیر گوید: «شنیدم از امام صادقؑ که فرمود: هر کس سوره یوسف را در هر روز یا در هر شب بخواند خداوند او را در قیامت برانگیزاند [و زنده کند] در حالی که چون یوسفؑ زیبا باشد و آن وحشت و دلهره‌ای که دیگران را فرا می‌گیرد به او نرسد و با بندگان صالح خداوند همسایه شود. سپس حضرت فرمود: به راستی یوسف از بندگان صالح خداوند بود و از اینکه دامنش به زنا یا رسوایی آلوده شود، در امان ماند.»

۲۷۴ (۷۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «به بردگان و نوکران خود، یوسف بیاموزید زیرا هر مسلمانی که سوره یوسف را خودش بخواند و به اعضای خانواده و برده‌هایی که مالک آن هاست بیاموزد، خداوند متعال تلخی‌های جان کندن را بر او آسان کند و چنان نیرویی به روحش دهد که بر هیچ مسلمانی حسد نورزد [آنگونه که برادران یوسف بر او حسد ورزیدند].»

فضیلت سوره «رعد»

۲۷۵ (۷۵) حسین بن ابی العلاء از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «کسی که سوره «رعد» را زیاد بخواند، هرگز صاعقهٔ [آسمانی] و آذرخش او را نگیرد، گرچه ناصبی باشد و اگر مؤمن [به ولایت علیؑ و اولادش باشد] خداوند بدون حساب او را به بهشت ببرد و او را شفیع اعضای خانواده و برادران و همهٔ آشنایانش قرار دهد.»

تفسير العيّاشي ٢ / ٢٠٢ : عن عثمان بن عيسى عن **الحسين** ابن أبي العلاء عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من أكثر قرائة سورة الرعد لم تصبه صاعقة أبداً وإن كان ناصبيّاً [فانّه لايكون] أشرّ من الناصب وان كان مؤمناً أدخله اللّه الجنّة (وذكر مثله وزاد، من المؤمنين).

٢٧٦ ٢٥٨٣٨ (٧٦) **مجمع البيان** ٣/٢٧٣: **أُبيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة الرّعد أعطى من الأجر عشر حسنات بعدد كلّ سحاب مضىٰ وكلّ سحاب يكون إلىٰ يوم القيامة وكان يوم القيامة من الموفين بعهد اللّه تعالى.

وتقدّم في رواية عنبسة (٦) من باب (۴۴) ما يستحب أن يقرء من القرآن ليلة الجمعة قوله عليه السلام من قرء سورة إبراهيم والحجر في ركعتين جميعاً في كلّ جمعة لم يصبه فقر أبداً ولا جنون ولا بلوىٰ.

٢٧٧ ٢٥٨٣٩ (٧٧) **الثواب** ١٣٣: بالإسناد المتقدّم عن الحسن (بن علي) عن عاصم الحنّاط عن محمد بن مسلم عن أبي **جعفر** عليه السلام قال من قرأ سورة النحل في كلّ شهر كفى المغرم في الدنيا وسبعين نوعاً من أنواع البلا[يا] أهونه الجنون والجذام والبرص وكان مسكنه في جنّة عدن و(قال أبوعبداللّه عليه السلام وجنّة عدن ـ عياشي) هي وسط الجنان **تفسير العيّاشي** ٢/٢٥۴: عن **محمد** بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال من قرأ سورة النحل في كلّ شهر دفع اللّه عنه المعرّة[1] في الدنيا وسبعين نوعاً (وذكر مثله) ورواه في **المجمع** ٣/٣۴٧: مثل ما في ثواب **فقه الرضا** عليه السلام ٣۴٢: ونروي انّه من قرأ النحل في كل شهر كفى المقدر[2] في الدنيا (وذكر مثله) إلى قوله والبرص.

٢٧٨ ٢٥٨٤٠ (٧٨) **مجمع البيان** ٦/٣۴٧: **أبي بن كعب** عن النّبيّ صلى الله عليه وآله من قرء سورة النحل لم يحاسبه اللّه تعالى بالنعم التي أنعمها عليه في دار الدنيا وأعطى من الأجر كالذي مات وأحسن الوصيّة وإن مات في يوم تلاها أو ليلة كان له من الأجر كالذي مات فأحسن الوصيّة.

---

١. المعرّة ـ المسائة والاثم والأذى.

٢. هكذا في المصدر ولكن الظاهر الصحيح المعزم كما في الثواب أو المعرّة كما في تفسير العيّاشي.

در تفسیر عیّاشی همین روایت به گونه‌ای دیگر نقل شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سورهٔ «رعد» را زیاد بخواند هرگز صاعقهٔ [آسمانی] او را نگیرد گرچه ناصبی [دشمن اهل بیت علیهم السلام] باشد با وجودی که انسانی از ناصبی بدتر نیست و البتّه اگر مؤمن باشد خداوند او را به بهشت برد (و دنبالهٔ روایت را مثل روایت پیشین ذکر کرده است).»

۲۷۶ (۷۶) اُبی بن کعب از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «رعد» را بخواند به تعداد هر ابری از ابرهایی که آمده و رفته است و هر ابری از ابرهایی که تا روز قیامت خواهد آمد برای او ده حسنه، پاداش داده می‌شود و روز قیامت جزو کسانی خواهد بود که به پیمان خداوند متعال وفا کرده‌اند.»

و در روایت ششم از باب چهل و چهارم فرموده امام علیه السلام که: «هر کس سوره «ابراهیم» و «حجر» را با هم در هر روز جمعه در دو رکعت نماز بخواند [در یک رکعت بعد از حمد سوره «ابراهیم» و در رکعت دیگر سوره «حجر» را بخواند] هیچ فقر و دیوانگی و گرفتاری به سراغ او نیاید.»

فضیلت سوره «نحل»

۲۷۷ (۷۷) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «نَحْل» را در هر ماه بخواند از دادن تاوان در دنیا مصون بماند و همچنین از هفتاد بلا که آسان‌ترین آن، دیوانگی و جذام و پیسی است در امان بماند و در بهشت عَدْن مسکن گزیند.»

در تفسیر عیّاشی نقل شده است که محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «کسی که هر ماه سوره نحل را بخواند خداوند گرفتاری را در دنیا از او بگرداند و هفتاد نوع... (و دنبالهٔ آن را مثل روایت قبلی آورده است).»

و در فقه الرضا علیه السلام آمده است که: «روایت می‌کنیم که: به راستی هر کس در هر ماه سوره «نَحْل» را بخواند از تنگدستی در دنیا نگاه داشته شود... و ادامهٔ آن همانند روایت فوق الذکر است.»

۲۷۸ (۷۸) اُبیّ بن کعب از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «نَحْل» را بخواند خداوند نسبت به نعمت‌هایی که در دنیا به او ارزانی داشته از او حساب نکشد و به عدد کسانی که پیش از مرگ وصیّت شان را به درستی و خوبی انجام دادند و سپس مرده‌اند، خداوند به او پاداش دهد و اگر در همان روز و یا شبی که این سوره را خوانده، بمیرد برای او به اندازهٔ کسانی که با وصیّت شرعیِ نیکو مرده‌اند، پاداش خواهد بود.»

۲۷۹ ۲۵۸٤۱ (۷۹) **تهذيب** ۱۷۵/۲: روى عن النبيّ ﷺ انّه قال من قرأ هذه الآية عند منامه ﴿قُلْ إِنَّمَآ أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَـٰهُكُمْ إِلَـٰهٌ وَٰحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَـٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًا﴾ سطع له نور إلى المسجد الحرام حشو ذلك النور ملائكة يستغفرون له حتّى يصبح **فقيه** ۲۹۷/۱: قال النبيّ ﷺ من قرأ هذه الآية عند منامه (وذكر مثله). **فلاح السائل** ۲۸۲: عن أبي محمد هارون بن موسى عن جعفر بن محمد بن نعيم عن العيّاشي عن محمد بن نصر عن محمد بن عيسى عن أبي الحسين علي بن يحيى عن **الحسين** بن علوان رفعه عن النبيّ ﷺ انّه قال من قرأ عند منامه ﴿قُلْ إِنَّمَآ أَنَا بَشَرٌ﴾ (وذكر مثله).

۲۸۰ ۲۵۸٤۲ (۸۰) **الثواب** ۱۳۴: حدّثني أحمد بن محمد ﷺ قال حدثني أبي عن أحمد بن هلال عن عيسىٰ بن عبداللّه عن أبيه عن جدّه عن أمير المؤمنين ﷺ يقول ما من عبد يقرأ ﴿قُلْ إِنَّمَآ أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ إلى آخر السورة إلّا كان له نور من مضجعه إلى بيت اللّه الحرام فان كان من أهل بيت اللّه الحرام كان له نور إلى بيت المقدس.

۲۸۱ ۲۵۸٤۳ (۸۱) **كافي** ۶۳۲/۲: أحمد بن محمد بن أحمد عن محمد بن أحمد النهدي عن محمد بن الوليد عن ابان عن تهذيب ۱۷۵/۲، فقيه ۲۹۸: عامر بن عبداللّه بن جذاعة عن أبي عبداللّه ﷺ قال ما من عبد يقرأ آخر الكهف (حين ينام ـ يب فقيه [1]) إلّا تيقّظ [2] (من منامه ـ فقيه) في السّاعة الّتي يريد ـ **فلاح السائل** ۲۸۷: حدّث أبو المفضّل محمد بن عبداللّه قال حدّثنا محمد بن عبداللّه بن جعفر الحميري قال حدّثنا أبي عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن محمد بن الوليد (مثل كا في سنداً ومتناً).

۲۸۲ ۲۵۸٤٤ (۸۲) **مستدرك** ۳۴۴/۴: القطب الرّاوندي في لبّ اللّباب عن النبيّ ﷺ من قرأ هذه السورة أيْ سورة مريم أُعطيْ بعدد من صدّق كلّ نبيّ ورسول ذكر في هذه السورة وبعدد من كذّبهم منها حسنات ودرجات كلّ درجة كما بين السّماء والأرض الف الف مرّة ويزوّج بعددها في الفردوس وحشر يوم القيامة مع المتّقين في اوّل زمرة السابقين.

۲۸۳ ۲۵۸٤٥ (۸۳) **مجمع البيان** ۵۰۰/۳: **أبيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة مريم أُعطي من الأجر بعدد من صدق بزكريّا وكذب به ويحيىٰ ومريم وعيسىٰ وموسىٰ وهارون وإبراهيم وإسحاق ويعقوب وإسماعيل عشر حسنات وبعدد من دعا للّه ولداً وبعدد من لم يدع له ولداً.

---

۱. عند النوم ـ فلاح السائل. ۲. استيقظ ـ يب فقيه.

فضیلت آیهٔ «قُل انما انا بشر»

۲۷۹ (۷۹) در کتاب تهذیب از پیامبرﷺ روایت شده که فرمود: «هر کس این آیه را پیش از خواب بخواند: «قُل انّما أنا بشرٌ...» یعنی: ([ای پیامبر]! من هم مثل شما بشری هستم و[لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.) نوری از او به سمت مسجد الحرام بدرخشد که در درون این نور فرشتگانی هستند که تا صبح برای او استغفار کنند.

این حدیث شریف با سندهای دیگری نیز نقل شده است.

۲۸۰ (۸۰) عیسی بن عبدالله از پدرش و او از جدّش و او از امیرالمؤمنینؑ روایت کرده که فرمود: «هیچ بنده‌ای آیهٔ «قُل انّما انا بشر مثلکم تا آخر آیه» را نمی‌خواند مگر اینکه نوری از بسترش به سمت بیت الله الحرام بدرخشد و اگر از ساکنین بیت الله الحرام [مکّهٔ مکرّمه] باشد، نوری از او به سمت بیت‌المقدس بدرخشد.»

۲۸۱ (۸۱) عامر بن عبدالله از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هیچ بنده‌ای نیست که آخرین آیهٔ سوره کهف [قل انّما أنا بشر تا آخر آیه] را در هنگام خوابیدن بخواند مگر این که در هر ساعتی که تصمیم گرفته بیدار شود بیدار خواهد شد.»

فضیلت سوره مریم

۲۸۲ (۸۲) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب از پیامبرﷺ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «کسی که این سوره یعنی سوره مریم را بخواند به تعداد همهٔ کسانی که پیامبران مذکور در این سوره را تصدیق یا تکذیب کردند، به او حسنه‌ها و درجه‌ها داده شود که هر درجه‌ای یک میلیون برابرِ بلندای زمین تا آسمان باشد و به همین مقدار به او در بهشت، همسر داده شود و روز قیامت با پرهیزگاران دراوّلین گروه سابقان و مقرّبان، محشور خواهد شد.»

۲۸۳ (۸۳) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود: «هر کس سوره «مریم» را بخواند به عدد هر یک نفر از کسانی که زکریّا، یحیی، مریم، عیسی، موسی، هارون، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و اسماعیل را تصدیق کردند یا تکذیب کردند، ده حسنه پاداش داده خواهد شد و همچنین به تعداد کسانی که برای خدا، قائل به فرزند شدند [مانند مسیحیان که می‌گویند: عیسی پسر خدا است]. و به تعداد کسانی که خدا را از داشتن فرزند منزّه می‌دانند، حسنه خواهد داشت.»

۲۸٤ ۲٥۸٤٦ (۸۴) **الثواب ۱۳۴**: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّل قال حدّثنا محمد بن يحييٰ قال حدّثني محمد أحمد عن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن (بن علي) عن عمر عن **إبان** عن أبي عبدالله قال من أدمن قراءة سورة مريم لم يمت حتّىٰ يصيب ما يغنيه في نفسه وماله وولده وكان في الآخرة من أصحاب عيسىٰ بن مريم وأُعطي في الآخرة مثل ملك سليمان بن داود في الدّنيا مجمع البيان ۳/ ۵۰۰: قال الصادق من أدمن وذكر نحوه.

۲۸٥ ۲٥۸٤٧ (۸۵) **ثواب الاعمال ۱۳۴**: بهذا الاسناد عن الحسن عن صبّاح الحذّاء عن **اسحاق** بن عمّار عن أبي عبدالله قال لا تدعو قرائة سورة طٰهٰ فانّ اللّه يحبّها ويحبّ من قرأها ومن ادمن قرائتها اعطاه اللّه يوم القيامة كتابه بيمينه ولم يحاسبه بما عمل في الاسلام وأُعطي في الآخرة من الأجر حتّىٰ يرضىٰ.

۲۸٦ ۲٥۸٤۸ (۸۶) **مجمع البيان ۴/ ۱**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ قال من قرأسورة طٰهٰ أُعطي يوم القيامة ثواب المهاجرين والأنصار.

۲۸۷ ۲٥۸٤۹ (۸۷) **وفيه** أبوهريرة عن النبيّ انّه قال انّ اللّه تعالىٰ قرأ طٰهٰ ويٰسٓ قبل ان يخلق آدم بالفي عام فلمّا سمعت الملائكة القرآن قالوا طوبىٰ لأُمّة نزل هذا عليها وطوبىٰ لاجواف تحمل هذا وطوبىٰ لالسن تتكلّم بهذا.

۲۸۸ ۲٥۸٥۰ (۸۸) **وفيه** عن الحسن قال قال النبيّ لايقرأ أهل الجنّة من القرآن إلّا يٰسٓ وطٰهٰ.

۲۸۹ ۲٥۸٥۱ (۸۹) **مستدرك ۴/ ۳۴۵**: لبّ اللّباب روي أنّ اكثر ما يتلو أهل الجنّة هذه السورة (هكذا في المستدرك اوردها بعد رواية مجمع البيان عن الحسن والظاهر مراده سورة يٰسٓ أو طٰهٰ).

۲۹۰ ۲٥۸٥۲ (۹۰) **مجمع البيان ۴/ ۳۸**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ قال من قرأسورة الأنبياء حاسبه اللّه حساباً يسيراً وصافحه وسلّم عليه كلّ نبيّ ذكر اسمه في القرآن مستدرك ۴/ ۳۴۵ القطب الرّاوندي عنه قال من قرأ (وذكر مثله).

۲۹۱ ۲٥۸٥۳ (۹۱) **الثواب ۱۳۵**: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّل قال حدّثني محمد بن يحييٰ قال حدّثني محمد بن أحمد عن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن يحيىٰ بن مساور عن **فضيل** الرّسّان عن أبي عبدالله قال من قرأ سورة الأنبياء حبّاً لها كان كمن رافق النبيّين أجمعين في جنّات النعيم وكان مهيباً في أعين الناس حياة الدّنيا.

(۸۴) ابان از امام صادق‌ؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس بر خواندن سوره «مریم» مداومت ۲۸۴
ورزد، نمیرد مگر اینکه برسد به نعمت‌هایی که او را از نظر نیازهای جسمانی و مالی و خانوادگی، بی‌نیاز گرداند و در آخرت جزو اصحاب حضرت عیسی بن مریم‌ؑ خواهد بود و به اندازهٔ پادشاهی حضرت سلیمان بن داود‌ؑ در دنیا، در آخرت به او داده می‌شود.»

فضیلت سوره «طٰهٰ» و «یٰس»

(۸۵) اسحاق بن عمار از امام صادق‌ؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «خواندن سوره «طٰهٰ» را ۲۸۵
ترک نکنید زیرا خداوند این سوره را دوست دارد و کسی را که این سوره را می‌خواند دوست دارد و کسی که بر خواندن آن مداومت ورزد خداوند در روز قیامت نامهٔ عمل او را به دست راستش خواهد داد و نسبت به اعمالی که پس از اسلام آوردن انجام داده او را مورد محاسبه و بازخواست قرار نخواهد داد و آنقدر در آخرت به او پاداش دهد تا اینکه راضی شود.»

(۸۶) ابی بن کعب از پیامبر‌ﷺ روایت کرده است که فرمود: «هر کس سوره «طٰه» را بخواند خداوند ۲۸۶
در روز قیامت به اندازهٔ پاداش مهاجرین و انصار به او پاداش خواهد داد.»

(۸۷) ابوهریره از پیامبر‌ﷺ روایت کرده است که فرمود: «خداوند متعال دو هزار سال پیش از خلقت ۲۸۷
آدم‌ؑ سوره «طٰهٰ» و «یٰس» را خواند، وقتی فرشتگان آیات قرآن را شنیدند، گفتند: خوشا به حال آن امّتی که این قرآن برای آن‌ها نازل می‌شود و خوشا به آن جان‌هایی که حامل آن هستند و خوشا به آن زبان‌هایی که به آن تلفّظ می‌کنند.»

(۸۸) حسن گوید: «پیامبر‌ﷺ فرمود: اهل بهشت از قرآن نمی‌خوانند مگر سوره «یٰس» و «طٰهٰ» را.» ۲۸۸

(۸۹) در کتاب مستدرک الوسائل روایتی نقل شده است که: «بیشترین چیزی که اهل بهشت، ۲۸۹
تلاوت می‌کنند، همین سوره [یعنی سوره «یٰس» یا «طٰهٰ»] می‌باشد.»

فضیلت سوره «أنبیاء»

(۹۰) ابی بن کعب از پیامبر‌ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «أنبیاء» را بخواند ۲۹۰
خداوند آسان از او حساب بکشد و از او درگذرد و هر پیامبری که نامش در قرآن آمده است بر او سلام کند.»

(۹۱) فضیل رسّان از امام صادق‌ؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس از روی علاقه و ۲۹۱
محبّت،«انبیاء» را بخواند مثل کسی است که با همهٔ پیامبران در باغ‌های پرنعمت بهشتی هم‌نشینی کرده است و در تمام عمر دنیایی‌اش در چشم مردم با هیبت جلوه خواهد کرد.»

۲۹۲ ۲۵۸۵٤ (۹۲) **وفيه** بهذا الإسناد عن الحسن بن علي عن **سورة** عن أبيه عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ سورة الحجّ في كلّ ثلاثة ايّام لم تخرج سنته حتىٰ يخرج إلى بيت اللّه الحرام وان مات في سفره [أ] دخل الجنّة قلت فأن كان مخالفاً قال يخفّف عنه بعض ماهو فيه.

۲۹۳ ۲۵۸۵٥ (۹۳) **مجمع البيان ۶۸/۴: ابيّ بن كعب** قال قال النبيّ صلى الله عليه وآله من قرأ سورة الحجّ أُعطي من الاجر كحجّة حجّها وعمرة اعتمرها بعدد من حجّ واعتمر فيما مضىٰ وفيما بقي مستدرك ۳۴۵/۴: القطب الرّاونديّ عنه صلى الله عليه وآله من قرأ سورة الحجّ (وذكر مثله).

۲۹٤ ۲۵۸۵٦ (۹۴) **مجمع البيان ۶۸/۴:** قال أبو عبداللّه عليه السلام من قرأ سورة الحجّ في كلّ ثلاثة ايّام لم يخرج من سنة حتّىٰ يخرج إلى بيت اللّه الحرام وان مات في سفره دخل الجنّة.

۲۹٥ ۲۵۸۵۷ (۹۵) **مجمع البيان ۱۲۲/۴: ابيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة النّور أُعطي من الأجر عشر حسنات بعدد كلّ مؤمن ومؤمنة فيما مضىٰ وفيما بقي مستدرك ۳۴۵/۴ القطب **الراوندي** عنه صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة النّور (وذكر مثله).

۲۹٦ ۲۵۸۵۸ (۹۶) **الثواب ۱۳۵**: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّل رحمه الله قال حدّثني محمد بن يحيىٰ قال حدّثني محمد بن أحمد عن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن أبي عبداللّه المؤمن عن **ابن مسكان** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال حصّنوا اموالكم وفروجكم بتلاوة سورة النّور وحصّنوا بها نسائكم فانّ من أدمن قرائتها في كلّ يوم اوفي كلّ ليلة لم يزن أحد من أهل بيته ابداً حتّىٰ يموت فاذا هو مات شيّعه إلى قبره سبعون الف ملك كلّهم يدعون ويستغفرون اللّه له حتّىٰ يدخل في قبره.

۲۹۷ ۲۵۸۵۹ (۹۷) **وفيه ۱۳۵**: وبهذا الإسناد عن الحسن عن سيف بن عميرة عن مجمع البيان ۱۵۹/۴: **إسحاق** بن عمّار عن أبي الحسن عليه السلام قال يا ابن عمّار لاتدع قرائة (سورة ـ ثواب) تبارك الّذي نزّل الفرقان علىٰ عبده فانّ من قرأها في كلّ ليلة لم يعذّبه اللّه أبداً ولم يحاسبه وكان منزله في الفردوس الأعلىٰ.

فضیلت سوره «حجّ»

۲۹۲ (۹۲) سوره از پدرش و او از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس در هر سه روز یک بار سورهٔ «حجّ» را بخواند، همان سال به پایان نرسد مگر اینکه عازم بیت الله الحرام شود [و توفیق انجام حج پیدا کند] و اگر در سفر حجّ از دنیا رفت یکسره به بهشت خواهد رفت. به حضرت گفتم: گرچه شیعه نباشد؟ حضرت فرمود: از عذابش کاسته می‌شود.»

۲۹۳ (۹۳) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «حجّ» را بخواند به اندازهٔ حجّ و عمرهٔ همهٔ کسانی که در گذشته و آینده حجّ و عمره انجام داده‌اند، پاداش داده خواهد شد.»

۲۹۴ (۹۴) در تفسیر مجمع البیان از امام صادقعليه السلام نقل شده است که فرمود: «هر کس هر سه روز یک بار سوره «حجّ» را بخواند از همان سال خارج نگردد مگر اینکه به سفر زیارت خانهٔ خدا خارج شود و اگر در آن سفر بمیرد به بهشت رود.»

فضیلت سوره «نور»

۲۹۵ (۹۵) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «نور» را بخواند به تعداد هر مرد و زن مؤمن که در گذشته بوده‌اند و در آینده خواهند آمد برای او ده حسنه است.»

۲۹۶ (۹۶) ابن مسکان از امام صادقعليه السلام روایت کرده است که فرمود: «با خواندن سوره نور، مال و ثروت و نوامیس خود را در سنگر محکمی قرار دهید و زنان خود را با خواندن این سوره در حفاظ قرار دهید زیرا کسی که به طور مداوم در هر روز یا هر شب آن را بخواند تا وقتی زنده است هیچ یک از اعضاء خانواده‌اش به زنا آلوده نگردد و چون از دنیا رود هفتاد هزار فرشته تا قبر او را تشییع کنند در حالی که همهٔ آن‌ها برای او دعا می‌کنند و از خداوند برای او آمرزش می‌طلبند تا وقتی که وارد قبرش شود.»

فضیلت سوره «فرقان»

۲۹۷ (۹۷) اسحاق بن عمّار از امام موسی کاظمعليه السلام روایت کرده که فرمود: «ای پسر عمّار! خواندن «تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده[۱]» را ترک نکن زیرا کسی که هر شب آن را بخواند هیچ‌گاه خداوند او را عذاب نکند و او را مورد محاسبه و بازخواست قرار ندهد و سرایش در بهشت بلند بالاتر خواهد بود.»

---

۱. فرقان ۱/۲۵.

۲۹۸ ۲۵۸۶۰ (۹۸) **مجمع البيان** ۱۵۹/۷: **ابيّ ابن كعب** قال رسول اللّهﷺ من قرأ سورة الفرقان بعث يوم القيامة وهو يؤمن انّ الساعة آتية لاريب فيها وانّ اللّه يبعث من في القبور ودخل الجنّة بغير حساب.

۲۹۹ ۲۵۸۶۱ (۹۹) **مستدرك** ۳۴۵/۴: لبّ اللّباب عنهﷺ من قرأ سورة الفرقان يبعث يوم القيامة آمناً من هولها ويدخل الجنّة بغير نصب.

۳۰۰ ۲۵۸۶۲ (۱۰۰) **مجمع البيان** ۳۱۲/۴: **ابيّ بن كعب** عن النبيّﷺ قال من قرأ سورة لقمان كان لقمان له رفيقاً يوم القيامة وأُعطي من الحسنات عشراً بعدد من عمل بالمعروف وعمل بالمنكر.

۳۰۱ ۲۵۸۶۳ (۱۰۱) **وفيه** ۳۱۲: روى محمد بن جبير **العـزرمي** عن أبيه عن أبي جعفرﷺ قال من قرأ سورة لقمان في كلّ ليلة وَكّل اللّه به في ليلته ثلاثين ملكاً يحفظونه من ابليس وجنوده حتّىٰ يصبح فان قرئها بالنهار لم يزالوا يحفظونه من ابليس وجنوده حتّىٰ يمسي.

۳۰۲ ۲۵۸۶٤ (۱۰۲) **الثواب** ۱۳۶: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّلﷺ قال حدّثني محمد بن يحيىٰ قال حدّثني محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن عمرو بن جبير **العزرمي** عن أبيه عن أبي جعفرﷺ نحوه **فقه الرضا**ﷺ ۳۴۲ من قرأ سورة لقمان (وذكر نحوه).

۳۰۳ ۲۵۸۶٥ (۱۰۳) **الثواب** ۱۳۷: بهذا الاسناد عن الحسن عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّهﷺ قال من كان كثير القرائة لسورة الاحزاب كان يوم القيامة في جوار محمدﷺ وازواجه الحديث مجمع البيان ۳۳۴ روى **عبداللّه** بن سنان (وذكر مثله).

۳۰٤ ۲۵۸۶۶ (۱۰۴) **مجمع البيان** ۳۳۴/۴: **ابيّ بن كعب** عن النبيّﷺ قال من قرأ سورة الاحزاب وعلّمها أهله وما ملكت يمينه أُعطي الأمان من عذاب القبر.

۳۰٥ ۲۵۸۶۷ (۱۰۵) **الثواب** ۱۳۷: بالاسناد عن الحسن عن أحمد بن عائذ عن **ابـن اذيـنة** عـن أبـي عبداللّهﷺ قال للحمدين جميعاً حمد سبأ وحمد فاطر من قرأهما في ليله لم يزل في ليلته في حفظ اللّه وكلاءَته فان قرئهما في نهاره لم يصبه في نهاره مكروه وأُعطي من خير الدنيا وخير الآخرة مالم يخطر علىٰ قلبه ولم يبلغ مناه.

۲۹۸ (۹۸) ابیّ بن کعب از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «فرقان» را بخواند در روز قیامت با ایمان به اینکه قیامت خواهد آمد و جای شکّی در آن نیست و خداوند مردگان در قبرها را زنده می‌کند از قبر برانگیخته شود و بدون حساب به بهشت وارد می‌گردد.»

۲۹۹ (۹۹) در کتاب لُبّ اللّباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «فرقان» را بخواند روز قیامت در حالی که از هول و هراس آن، ایمن است، زنده گردد و بدون رنج و زحمت به بهشت درآید.»

فضیلت سوره «لقمان»

۳۰۰ (۱۰۰) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «لقمان» را بخوانـد، روز قیامت لقمان رفیق او خواهد بود و به تعداد هر یک از کسانی که کار خوب انجام داده‌اند یا کار بد، ده حسنه به او داده خواهد شد.»

۳۰۱ (۱۰۱) محمد بن جبیر عزرمی از پدرش و او از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «کسی که در شب سوره «لقمان» را بخواند، خداوند در همان شب سی فرشته را بر او خواهد گماشت تا او را از شیطان و لشکریانش تا صبح حفظ کنند و اگر در روز آن را بخواند پیوسته آن فرشتگان او را تا شب از شیطان و لشکریانش نگاه دارند.»

۳۰۲ (۱۰۲) در کتاب فقه الرضاؑ نیز روایت فوق الذکر آمده است.

فضیلت سوره «احزاب»

۳۰۳ (۱۰۳) عبدالله بن سنان از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «کسی که سوره احزاب را زیاد بخواند روز قیامت در همسایگی حضرت محمّدﷺ و خانواده‌های آن حضرت خواهد بود.»

۳۰۴ (۱۰۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «احزاب» را بخواند و بـه اعضاء خانواده‌اش و بردگانی که مالک آن‌هاست یاد بدهد، امان نامه از عذاب قبر به او داده خواهد شد.»

فضیلت سوره «سبأ» و «فاطر»

۳۰۵ (۱۰۵) ابن اُذینه از امام صادقؑ روایت کرده است که حضرت نسبت به هر دو حمد، «حمد سبأ» و هم «حمد فاطر» فرمودند: «هر کس این دو سوره را در شب بخواند پیوسته در آن شب در پناه و حفاظت الهی خواهد بود و اگر در روز آن‌ها را بخواند در آن روز هیچ بدی به او نرسد و خیر دنیا و آخرت به او داده شود آن هم از نوعی که به دلش خطور نکرده است و از حدّ و اندازهٔ آرزوهای او برتر باشد.»

۳۰۶ ۲۵۸۶۸ (۱۰۶) **مجمع البيان** ۳۷۵/۴: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرء سورة سبأ لم يبق نبيّ ولا رسول إلّا كان له يوم القيامة رفيقاً ومصافحاً.

۳۰۷ ۲۵۸۶۹ (۱۰۷) **الثواب** ۱۳۸: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّل ﷺ قال حدّثني محمد بن يحيىٰ قال حدّثني محمد بن أحمد عن محمدبن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن (بن علي) عن الحسين ابن أبي العلاء عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ قال انّ لكلّ شيء قلباً وانّ قلب القرآن يٰس من قرأها قبل ان ينام او في نهاره قبل ان يمسي كان في نهاره من المحفوظين والمرزوقين حتّىٰ يمسي ومن قرئها في ليله قبل ان ينام وكلّ اللّه به الف ملك يحفظونه من شرّ كلّ شيطان رجيم ومن كلّ آفة وان مات في يومه ادخله اللّه به الجنّة وحضر غسله ثلاثون الف ملك كلّهم يستغفرون له ويشيّعونه إلى قبره بالاستغفار له فإذا دخل في لحده كانوا في جوف قبره يعبدون اللّه وثواب عبادتهم له وفسح له في قبره مدّ بصره وأومن من ضغطة القبر ولم يزل له في قبره نور ساطع إلى أعنان السّماء إلى ان يخرجه اللّه من قبره فإذا اخرجه لم يزل ملائكة اللّه معه يشيّعونه ويحدّثونه ويضحكون في وجهه ويبشّرونه بكلّ خير حتّىٰ يجوزوا به الصراط والميزان ويوقفوه من اللّه موقفاً لا يكون عند اللّه خلقاً أقرب منه إلّا ملائكة اللّه المقرّبين وانبياؤه المرسلون وهو مع النبيّين واقف بين يدي اللّه لايحزن مع من يحزن ولا يهمّ مع من يهمّ ولا يجزع مع من يجزع.

ثمّ يقول له الربّ تبارك وتعالىٰ اشفع عبدي أشفّعك في جميع ما تشفع وسلني عبدي اعطك جميع ما تسأل فيسأل فيعطىٰ ويشفع فيشفّع ولا يحاسب فيمن يحاسب ولا يوقف مع من يوقف ولا يذلّ مع من يذلّ ولا ينكب بخطيئة ولا بشيء من سوء عمله ويعطىٰ كتابه منشوراً حتّىٰ يهبط من عند اللّه فيقول النّاس باجمعهم سبحان اللّه ماكان لهذا العبد من خطيئة واحدة ويكون من رفقاء محمد ﷺ.

۳۰۶ (۱۰۶) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «سبأ» را بخواند هیچ پیامبر و رسولی در روز قیامت نیست مگر اینکه رفیق او شود و با او مصافحه کند.»

فضیلت سوره «یٰس»

۳۰۷ (۱۰۷) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «یٰس قلب قرآن است و به راستی هر کس آن را پیش از خواب بخواند یا در روز پیش از غروب بخواند در آن روز خداوند او را حفظ کند و روزی دهد تا وقتی که به شب وارد شود و هر کس در شب، پیش از خوابیدن بخواند خداوند هزار فرشته بر او گمارد که او را از شرّ هر شیطان مطرود و هر آفت دیگری حفظ کنند و اگر در همان روز بمیرد خداوند او را به بهشت بَرَد و سی هزار فرشته در هنگام غسل دادنش حاضر شوند که همگی برای او از خداوند متعال آمرزش بخواهند و تا قبر با استغفار او را تشییع کنند و چون داخل قبر شود این فرشتگان در درون قبر او می‌مانند و عبادت خدا می‌کنند و ثواب عبادت‌شان برای این شخص است و تا چشم کار می‌کند قبرش فراخ گردد و از فشار قبر در امان باشد و پیوسته از قبرش نوری به اوج آسمان ساطع باشد تا وقتی که خداوند او را از قبرش خارج کند و چون او را از قبر به در آورد پیوسته این فرشتگان در معیّت او خواهند بود و با او حرف می‌زنند و با تبسّم به چهرهٔ او می‌نگرند و او را به تمام نعمت‌های خوب مژده می‌دهند تا اینکه او را از پل صراط و پای ترازوی حساب رد می‌کنند و او را در بارگاه الهی در جایی متوقف می‌کنند که آفریده‌ای جز فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل از او به خدا نزدیک‌تر نخواهد بود و او همدوش پیامبران در پیشگاه الهی می‌ایستد و دیگر نه چون اندوهبازان اندوهی دارد و نه چون غصّه‌داران غمی دارد و نه چون بی تابان بی تابی می‌کند.

آنگاه پروردگار بلند مرتبه به او می‌گوید: بندهٔ من شفاعت کن که من شفاعت تو را در حقّ همهٔ کسانی که شفاعت‌شان می‌کنی می‌پذیرم و ای بندهٔ من از من بخواه تا آنچه که بخواهی به تو بدهم در نتیجه آن مؤمن از خداوند می‌خواهد و خدا هم به او می‌دهد و شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و مثل دیگران مورد حساب و بازخواست قرار نمی‌گیرد و چون توقیف شوندگان، بازداشت نمی‌شود و چون ذلیلان خوار نگردد و به خاطر معصیت یا کار بدی که انجام داده محکوم نمی‌گردد و نامهٔ عملش به صورت سرگشاده به او داده شود تا اینکه از پیشگاه الهی فرود می‌آید و همگان با شگفتی می‌گویند: پاک است خداوند، این بنده حتّی یک گناه هم ندارد و در نهایت، از رفیقان و همنشینان حضرت محمّدﷺ خواهد بود.»

۳۰۸ (۱۰۸) **مجمع البيان** ۴۱۳/۴: روي **أبو بصير** عن أبي عبدالله﵇ قال انّ لكلّ شيء قلب
۲۵۸۷۰
وقلب القرآن يٰسٓ فمن قرأ يٰسٓ في نهاره قبل ان يمسي كان في نهاره من المحفوظين والمرزوقين حتّىٰ يمسي ومن قرأها في ليله قبل ان ينام وكلّ به الف ملك يحفظونه من كلّ شيطان رجيم ومن كلّ آفة وان مات في نومه أدخله اللّه الجنّة (وذكر نحوه إلّا فيه ولا يبكت بخطيئة واسقط قوله «ولا يوقف مع من يوقف» ثم قال وروي جملة من هذه الاخبار الشيخ أبو الفتوح في تفسيره فقه الرضا﵇ ۳۴۲: ومن قرأ سورة يٰسٓ قبل أن ينام او في نهاره ذكر نحوه إلى قوله إلى قبره.

۳۰۹ (۱۰۹) **البحار** ۲۳۹/۸۱: دعوات **الراوندي** قال الصادق﵇ من قرأ يٰسٓ ومات في يومه
۲۵۸۷۱
أدخله اللّه الجنّة وحضر غسله ثلاثون الف ملك يستغفرون له ويشيّعونه إلى قبره بالاستغفار له فإذا أدخل إلى اللّحد كانوا في جوف قبره يعبدون اللّه وثواب عبادتهم له وفسح له في قبره مدّ بصره وأو من ضغطة القبر.

۳۱۰ (۱۱۰) **مجمع البيان** ۴۱۳/۴: عن **أنس** بن مالك عن النبيّﷺ قال انّ لكلّ شيء قلباً وقلب
۲۵۸۷۲
القرآن يٰسٓ.

۳۱۱ (۱۱۱) **وفيه ـ أُبيّ بن كعب** قال من قرأ سورة يسٓ يريدبها وجه اللّه عزّ وجلّ غفر اللّه له
۲۵۸۷۳
وأُعطي من الأجر كأنّما قرأ القرآن اثني عشر مرّة وأيّما مريض قرئت عنده سورة يٰسٓ نزل عليه بعدد كلّ حرف منها عشرة أملاك يقومون بين يديه صفوفاً ويستغفرون له ويشهدون قبضه ويتبعون جنازته ويصلّون عليه ويشهدون دفنه وأيّما مريض قرأها وهو في سكرات الموت او قرئت عنده جاءه رضوان خازن الجنّة بشربة من شراب الجنّة فسقاه إيّاها وهو علىٰ فراشه فيشرب فيموت ريّان ويبعث ريّان ولايحتاج إلى حوض من حياض الانبياء حتّىٰ يدخل الجنّة وهو ريّان.

۳۱۲ (۱۱۲) **مستدرك** ۳۲۵/۴: ابن أبي جمهور الإحسائي في درر اللّئالي عن **عبدالله** بن الزبير
۲۵۸۷۴
عن رسول اللّهﷺ قال من قرأ يٰسٓ امام حاجته قضيت له.

۳۰۸ (۱۰۸) ابو بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر چیزی را قلبی است و «یٰس» قلب قرآن است هر کس آن را در روز بخواند تا شب [از بلاها] حفظ شود و [از سوی خدا] رزق و روزی‌اش تأمین گردد و اگر در شب پیش از خواب بخواند هزار فرشته مأموریت پیدا می‌کند که او را از هر شیطان مطرود و هر آفتی محافظت نمایند و اگر در خواب بمیرد خداوند او را به بهشت بَرَد... و ادامهٔ روایت تقریباً مثل روایت قبلی ذکر شده است.»

۳۰۹ (۱۰۹) راوندی در کتاب دعوات از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس «یٰس» را بخواند و در همان روز از دنیا برود خداوند او را داخل بهشت کند و سی هزار فرشته در هنگام غسل دادن آن، حاضر شوند که همگی برایش از خداوند طلب آمرزش کنند و استغفارکنان او را تا قبرش تشییع نمایند و چون به قبر گذاشته شود آن‌ها در درون قبر می‌مانند و به عبادت خداوند مشغول می‌شوند و ثواب عبادت آن‌ها برای او خواهد بود و تا جایی که چشم کار می‌کند قبرش فراخ گردد و از فشار قبر در امان بماند.»

۳۱۰ (۱۱۰) انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «برای هر چیزی قلبی است و قلب قرآن سورهٔ «یٰس» است.»

۳۱۱ (۱۱۱) ابیّ بن کعب گفته است: «هر کس سوره «یٰس» را برای کسب رضا و خشنودی خداوند عزیز و جلیل بخواند خدایش بیامرزد و پاداش دوازده ختم قرآن او را دهد و پیش هر بیماری، سوره «یٰس» او خوانده شود، به تعداد هر حرفی که در این سوره هست، ده فرشته بر او فرود آیند و در جلو او به صف بایستند و برای او طلب آمرزش کنند [و در صورت فوت بیمار] این فرشته‌ها شاهد قبض روح او باشند و جنازه‌اش را تشییع کنند و بر او نماز بخوانند و در هنگام دفنش نیز حاضر شوند.

و هر بیماری که در حال جان کندن است این سوره را بخواند یا دیگری پیش او بخواند، «رضوان» که فرشتهٔ موکّل بر بهشت است با جامی از شراب بهشتی بیاید و آن را به او بنوشاند در حالی که هنوز او روی بسترش می‌باشد و چون نوشید، سیراب از دنیا می‌رود و سیراب [در قیامت] برانگیخته می‌شود و به حوض پیامبران احتیاجی پیدا نمی‌کند تا آنجا که سیراب به بهشت وارد شود.»

۳۱۲ (۱۱۲) عبدالله بن زبیر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس پیش از درخواست حاجتش [از خداوند] سوره «یٰس» را بخواند، حاجتش برآورده شود.»

۳۱۳ ۲۵۸۷۵ (۱۱۳) جامع الاخبار ۱۲۵: عن **محمد بن علي** عن النبيّ ﷺ قال القرآن افضل من كل شيء دون اللّه إلى ان قال ص ۱۲۶ وانّ في كتاب اللّه سورة تسمّىٰ العزيزة يدعىٰ صاحبها الشريف عنداللّه يشفع لصاحبها[1] يوم القيامة مثل ربيعة ومضرّ ثمّ قال النبيّ ﷺ الا وهي سورة يٰسٓ.

۳۱۴ ۲۵۸۷۶ (۱۱۴) وقال **النبيّ** ﷺ يا علي اقرأ يسٓ فانّ في يٰسٓ عشرة بركات فما قرئها جائع إلّا شبع ولا ظمآن إلّا روي ولا عار إلّا كسي ولا عزب إلّا تزوّج خائف إلّا اَمِنَ ولا مريض إلّا بَرِئَ ولا محبوس إلّا خرج ولا مسافر إلّا اعين علىٰ سفره ولا تقرء (يقرء خ ل) عند ميّت إلّا خفّف اللّه عنه ولا قرئها رجل له ضالّة إلّا وجد طريقها **القطب** الراوندي في دعواته ۲۱۵ عن **النبي** ﷺ انّهٗ قال يا عليّ اقرأ يٰسٓ وذكر نحوه وزاد ـ ولا مسجون إلّا اخرج ولا مدين إلّا ادّىٰ دينه.

۳۱۵ ۲۵۸۷۷ (۱۱۵) **المكارم** ۳۶۴: وفي **رواية** تقرأ (اي يسٓ) للدنيا والآخرة وللحفظ من كل آفة وبليّة في النفس والاهل والمال.

۳۱۶ ۲۵۸۷۸ (۱۱۶) **الثواب** ۱۳۹: حدّثني محمد بن الحسن ﷺ قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطّاب عن علي بن اسباط عن **يعقوب** بن سالم عن أبي الحسن العبدي عن **جابر** الجعفي عن أبي جعفر ﷺ قال من قرأ يٰسٓ في عمره مرّة واحدة كتب اللّه له بكلّ خلق في الدنيا وبكلّ خلق في الآخرة وفي السّماء بكلّ واحد الفي الف حسنة ومحا عنه مثل ذلك ولم يصبه فقر ولا غرم ولا هدم ولا نصب ولا جنون ولا جذام ولا وسواس و لا داء يضرّه وخفّف اللّه عنه سكرات الموت واهواله ووليَ قبض روحه وكان ممّن يضمن اللّه له السعة في معيشته والفرح عند لقائه والرضا بالثواب في آخرته وقال اللّه تعالى لملائكته أجمعين من في السماوات ومن في الأرض قد رضيت عن فلان فاستغفروا له.

---

۱. صاحبها ـ خ.

۳۱۳ (۱۱۳) محمد بن علی از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «پس از خداوند، قرآن از هر چیز دیگر برتر است (تا آنجا که حضرت فرمود:) در کتاب خداوند سوره‌ای است بسیار عزیز و گرامی که «عزیزه» نام گرفته، حافظ این سوره در نزد خداوند، شرافتمند است و این سوره، حافظ خود را روز قیامت شفاعت می‌کند و به اندازهٔ افراد قبیلهٔ «ربیعه» و قبیلهٔ «مضرّ» [از وابستگان او را] شفاعت می‌کند. آنگاه پیامبرﷺ فرمود: آگاه باشید، آن سوره، «یٰس» است.»

۳۱۴ (۱۱۴) پیامبرﷺ فرمود: «ای علی! سوره «یٰس» را بخوان زیرا در سوره «یٰس» ده برکت است، هیچ گرسنه‌ای نمی‌خواند آن را مگر اینکه سیر می‌شود و نه تشنه‌ای مگر اینکه سیراب می‌شود و نه برهنه‌ای مگر اینکه پوشیده شود و نه مجرّدی [مرد بی زن یا زن بی شوهری] مگر اینکه همسر بگیرد و نه ترسانی مگر اینکه در امن قرار گیرد و نه بیماری مگر اینکه سالم شود و نه زندانی مگر اینکه آزاد شود و نه مسافری مگر اینکه در سفر، یاری شود و این سوره بالای سر مرده خوانده نشود مگر اینکه خداوند [عذاب] او را تخفیف دهد و گم کرده راهی این سوره را نمی‌خواند مگر این که راه خویش بیابد.»

در نقل دیگری، همین حدیث مذکور بیان شده و اضافه کرده که: «و نه مقروضی مگر اینکه قرضش ادا شود.»

۳۱۵ (۱۱۵) در کتاب مکارم الاخلاق روایتی ذکر شده که: «این سوره را برای [حوائج] دنیا و آخرت می‌توان خواند و نیز برای محافظت خود و خانواده و مال از هر آفت و بلایی خوانده می‌شود.»

۳۱۶ (۱۱۶) جابر جعفی از امام باقرؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس در تمام عمرش یک بار «یٰس» را بخواند خداوند به تعداد آفریده‌های خود در دنیا و آفریده‌هایش در آخرت و آفریده‌هایش در آسمان، به تعداد هر یک از آن‌ها دو میلیون حسنه به او می‌دهد و به همین مقدار از گناهانش پاک می‌کند و نیازمندی، فقر، تاوان، خرابی، انهدام [خانه]، زحمت، دیوانگی، جذام، وسواس و درد زیانبار به او نرسد و خداوند تلخی‌های جان کندن و هول و هراس آن را برایش کم کند و خود خداوند عهده‌دار قبض روحش شود و از کسانی خواهد شد که خداوند وسعت روزی او را در زندگی، ضمانت کرده است و در هنگام لقاء خداوند شادان و به پاداشی که در آخرت دریافت می‌کند خرسند است و خداوند متعال به همهٔ فرشتگانش که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌فرماید: من از فلانی راضی هستم پس برایش استغفار کنید.»

۳۱۷ ۲۵۸۷۹ (۱۱۷) **أمالي الطوسي** ۶۷۷: حدّثنا الشيخ أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي رحمه الله قال أخبرنا أبو عبدالله أحمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر قال أخبرنا أبوالحسن علي بن محمد بن الزبير القرشي قال أخبرنا علي بن الحسين بن فضّال عن العبّاس (بن عامر) عن أبي جعفر الخثعمي قريب **إسماعيل** بن جابر قال قال أبو عبدالله عليه السلام علّموا اولادكم يسٓ فانّها ريحانة القرآن.

۳۱۸ ۲۵۸۸۰ (۱۱۸) **مجمع البيان** ۳۹۹/۴: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة الملائكة دعته يوم القيامة ثلاثة أبواب من الجنّة ان ادخل من أيّ الابواب شئت.

۳۱۹ ۲۵۸۸۱ (۱۱۹) **مستدرك** ۳۴۷/۴: لبّ اللّباب عنه صلى الله عليه وآله قال من قرأ هذه السورة (اي الملائكة ـ ظ) دعته ثماني أبواب الجنة إلى نفسها ويقول كلّ باب ادخل منّي.

۳۲۰ ۲۵۸۸۲ (۱۲۰) **مجمع البيان** ۴۸۷/۴: ابيّ بن كعب عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة الزُّمَر لم يقطع اللّه رجاه (يوم القيامة لبّ اللّباب) واعطاه ثواب الخائفين الذين خافوا اللّه تعالىٰ ك ۳۴۷ لبّ اللّباب عنه صلى الله عليه وآله مثله.

۳۲۱ ۲۵۸۸۳ (۱۲۱) **فقه الرضا** عليه السلام ۳۴۳: ومن قرأ الزمر اعطاه اللّه شرف الدنيا والآخرة واعزّه بلامال ولا عشيرة **المكارم** ۳۶۴: عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأن سورة الزمر في يوم او ليلته (وذكر مثله).

۳۲۲ ۲۵۸۸۴ (۱۲۲) **الثواب** ۱۴۰: أبي رحمه الله قال حدّثني أحمد بن ادريس قال حدّثني محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن مندل عن **هارون** بن خارجة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ سورة الزُّمَر استخفّها من لسانه اعطاه اللّـه من شرف الدنيا والآخرة واعزّه بلا مال ولا عشيرة حتىٰ يهابه من يراه وحرّم جسده علىٰ النّار ويبني له في الجنّة الف مدينة وفي كلّ مدينة ألف قصر في كلّ قصر مأة حوراء وله مع هذا عينان تجريان وعينان نضّاختان وعينان مُدّهامّتان وحُورٌ مَقْصُوراتٌ فِي الخِيام وذَواتا اَفْنان ومِن كلّ فاكِهَةٍ زَوجان **مجمع البيان** ۴۸۷/۴: روي **هارون** بن خارجة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ سورة الزّمر اعطاه اللّه شرف الدنيا والآخرة (وذكر نحوه) إلى قوله في الخيام.

۳۱۷ (۱۱۷) اسماعیل بن جابر از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «به فرزندان خود سوره «یس» بیاموزید چرا که این سوره، گُل قرآن است.»

فضیلت سوره «فاطر»

۳۱۸ (۱۱۸) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «ملائکه»[۱] را بخواند، روز قیامت سه در از درهای بهشت او را صدا می‌زنند [و به او می‌گویند:] از هریک از درها که می‌خواهی وارد شو.»

۳۱۹ (۱۱۹) در کتاب لُبّ اللّباب از پیامبرﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس این سوره را (یعنی سورهٔ ملائکه را) بخواند، هر یک از درهای هشتگانهٔ بهشت او را به خود فرا می‌خواند و هر یک از درها به او می‌گوید: از من وارد شو [و به بهشت درآی.]»

فضیلت سوره «زُمَر»

۳۲۰ (۱۲۰) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «زُمَر» را بخواند خداوند در روز قیامت، امیدش را ناامید نکند و پاداش خدا ترسایان را به او دهد همان‌ها که از خداوند بلند مرتبه می‌ترسیدند.»

۳۲۱ (۱۲۱) در کتاب فقه الرضاؑ آمده است: «هر کس سوره «زُمَر» را بخواند خداوند شرافت و کرامت دنیا و آخرت را به او دهد و او را بدون مال و ثروت و بدون عشیره و قبیله عزّت بخشد.»

۳۲۲ (۱۲۲) هارون بن خارجه از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «زمر» را بخواند و آن را بر زبان خود آسان و سبک بداند [نه اینکه آن را چون یک بار سنگینی احساس کند و از خواندنش ملول و افسرده باشد] خداوند شرافت دنیا و آخرت را به او دهد و بدون مال و قبیله او را عزیز گرداند تا جائی که هیبت او هر بیننده‌ای را بگیرد و خداوند بدن او را بر آتش حرام گرداند و در بهشت برایش هزار شهر بنا کند که در هر شهری هزار کاخ است و در هر کاخی صد حورالعین است و علاوه بر این‌ها او را دو چشمه خواهد بود که جاری هستند و دو چشمهٔ جوشندهٔ دیگر و دو باغی که از شدّت سبزی سیه‌گون می‌نماید و زنان درشت چشمی که در خیمه‌ها پرده نشینند و دو باغی که دارای شاخسارانند و در هر یک از این دو باغ از هر میوه‌ای دو نوع از آن میوه خواهد بود.»

---

۱. مقصود سوره مبارکهٔ «فاطر» است چنانچه در تفسیر «مجمع البیان» به همین نام ذکر شده است. (مترجم).

۳۲۳ (۱۲۳) **الثواب ۱۴۰**: بهذا الاسناد عن الحسن عن الحسين [۱] ابن أبي العلاء عن **أبي الصّباح**
۲۵۸۸۵ عن أبي جعفر عليه السلام قال من قرأ حمٓ المؤمن في كلّ ليلة غفر اللّه له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر والزمه كلمة التّقوىٰ وجعل الآخرة خيراً له من الدنيا.

۳۲٤ (۱۲۴) **مجمع البيان ۵۱۲/۴**: **أُبيّ بن كعب** عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة حمٓ المؤمن لم
۲۵۸۸٦ يبق روح نبيّ ولا صدّيق ولا مؤمن إلّا صلّوا عليه واستغفروا له ورواه المستدرك ۳۴۷/۴: عن الراوندي عن النبيّ صلى الله عليه وآله (مثله).

۳۲۵ (۱۲۵) **مجمع البيان ۳/۵**: **أُبيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ حمٓ السجدة أُعطي [من
۲۵۸۸۷ الأجر] بعدد كلّ حرف منها عشر حسنات.

۳۲٦ (۱۲۶) **الثواب ۱۴۰**: بالاسناد عن الحسن عن أبي المغرا عن **ذريح** المحاربي قال قال أبو
۲۵۸۸۸ عبداللّه عليه السلام من قرأ حمٓ السجدة كانت له نوراً يوم القيامة مدّ بصره وسروراً وعاش في هذه الدّنيا محموداً مغبوطاً.

۳۲۷ (۱۲۷) **وفيه ۱۴۰**: بهذا الاسناد عن الحسن عن **سيف** بن عميرة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من
۲۵۸۸۹ أدمن قراءة حمٓ عٓسٓقٓ بعثه اللّه يوم القيامة ووجهه كالثلج او كالشمس حتّىٰ يقف بين يدي اللّه عزّ وجلّ فيقول عبدي ادمت قراءة حمٓ عٓسٓقٓ ولم تدر ما ثوابها امّا لو دريت ما هي وما ثوابها لَما مَلَلْتَ من قراءتها ولكن سأخبرك جزاك أدخلوه الجنّة وله فيها قصر من ياقوتة حمراء أبوابها وشرفها ودرجها منها يرىٰ ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها وله فيه [جوار اتراب من الحور العين] الف جارية والف غلام من الولدان المخلّدين الذين وصفهم اللّه عزّ وجلّ.

---

۱. جويرية ابن أبي العلا ـ بعض النسخ.

فضیلت سوره «حٰم»

(۱۲۳) ابوصباح از حضرت باقر؈ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «حٰم مؤمن»[۱] را هر شب ۳۲۳
بخواند خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را ببخشد و او را ملازم تقوی و پرهیزگاری نماید و آخرت او را بهتر از دنیایش قرار دهد.»

(۱۲۴) ابیّ بن کعب از پیامبر؈ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «حٰم مؤمن» را بخواند روح ۳۲۴
همهٔ پیامبران و صدّیقان و مؤمنان بر او درود فرستند و برایش [از خداوند] طلب آمرزش کنند.»

فضیلت سوره «فُصِّلت»

(۱۲۵) ابیّ بن کعب از پیامبر؈ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «حٰم سجده فصّلت» را ۳۲۵
بخواند به تعداد هر حرفی که در این سوره است، ده حسنه پاداش به او داده می‌شود.»

(۱۲۶) ذریح محاربی از حضرت صادق؈ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «حٰم سجده ۳۲۶
=فصّلت» را بخواند در روز قیامت او را نوری است که شعاعش تا آنجایی است که چشم کار می‌کند و او شادمان خواهد بود و در این دنیا، پسندیده زندگی کند به گونه‌ای که دیگران به حال او رشک برند.»

فضیلت سوره «شوریٰ»

(۱۲۷) سیف بن عمیره از امام صادق؈ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس بر خواندن«حٰم ۳۲۷
عسق = شوریٰ» مداومت ورزد روز قیامت او را روسفید چون برف و نورانی چون خورشید زنده گرداند تا اینکه در پیشگاه خداوند با فرّ و شکوه می‌ایستد. خداوند به او می‌فرماید: بندهٔ من تو بر خواندن سورهٔ «حٰم عَسٓقٓ» مداومت ورزیدی با اینکه نمی‌دانستی چقدر ثواب دارد و لیکن اگر می‌دانستی که این سوره چیست و چقدر خواندنش ثواب دارد، البتّه از خواندن آن خسته نمی‌شدی ولی من هم اکنون تو را از پاداشت خبردار خواهم کرد. او را به بهشت برید و برای او در بهشت کاخی از یاقوت قرمز است که همهٔ درهایش و بهارخوابش و پلّه‌هایش از جنس همان یاقوت قرمز است از بیرون آن کاخ داخلش دیده می‌شود و از درونش بیرونش دیده می‌شود و برای آن مؤمن در آن کاخ کنیزکان هم سنّ و سال از زنان بهشتی هست، هزار کنیز و هزار پسر از فرزندان جاویدان بهشتی که خداوند بزرگ اوصاف آن‌ها را [در قرآن] بیان کرده است.»

---

۱. مقصود سوره «غافر» است چنانچه در تفسیر مجمع البیان به نام «المؤمن» ذکر شده است. (مترجم).

٣٢٨ (١٢٨) **مجمع البيان ٥/ ٢٠**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرء حمٓ عٓسٓقٓ كان ممّن يصلّي
٢٥٨٩٠
عليه الملائكة ويستغفرون له ويسترحمون.

٣٢٩ (١٢٩) **وفيه ٥/ ٣٨**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرء سورة الزخرف كان ممّن
٢٥٨٩١
يقال له يوم القيامة يا عباد لا خوف عليكم اليوم ولا أنتم تحزنون ادخلوا الجنّة بغير حساب.

٣٣٠ (١٣٠) **الثواب ١٤١**: بالإسناد المتقدّم في الباب عن الحسن عن أبي المغرا عن **أبي بصير**
٢٥٨٩٢
قال قال أبو جعفر ﷺ من ادمن قراءة حمٓ الزخرف آمنه اللّه في قبره من هوامّ الأرض وضغطة (وضمّة ـ خ) القبر حتّىٰ يقف بين يدي اللّه عزّ وجلّ ثمّ جاءت حتىٰ [تكون هي التّي] تدخله الجنّة بأمر اللّه تبارك وتعالىٰ.

٣٣١ (١٣١) **وفيه ١٤١**: بالاسناد عن الحسن بن عاصم عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ قال من
٢٥٨٩٣
قرأ سورة الجاثية كان ثوابها ان لا يرىٰ النّار ابداً ولا يسمع زفير جهنّم ولا شهيقها وهو مع محمّد ﷺ.

٣٣٢ (١٣٢) **مجمع البيان ٥/ ٧٠**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأحم الجاثية ستر اللّه
٢٥٨٩٤
عورته وسكن روعته عند الحساب.

٣٣٣ (١٣٣) **وفيه ٥/ ٨١**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة الاحقاف أُعطي من الاجر
٢٥٨٩٥
بعدد كلّ رمل في الدنيا عشر حسنات ومحى عنه عشر سيّئات ورفع له عشر درجات.

٣٣٤ (١٣٤) **وفيه ٥/ ٩٥**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرأ سورة محمّد كان حقّاً علىٰ اللّه ان
٢٥٨٩٦
يسقيه من انهار الجنّة مستدرك ٣٤٨: ورواه الراوندي مثله.

۳۲۸ (۱۲۸) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «کسی که سوره «حٰم عسق» را بخواند از کسانی خواهد شد که فرشتگان بر آن‌ها درود می‌فرستند و برایشان [از خداوند] آمرزش می‌طلبند و طلب رحمت می‌کنند.»

فضیلت سوره «زُخرُف»

۳۲۹ (۱۲۹) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «زخرف» را بخواند جزو کسانی خواهد شد که خداوند در روز قیامت به آن‌ها می‌گوید: ای بندگان من! امروز شما را نه ترسی است و نه غم و اندوهی، بدون حساب به بهشت وارد شوید.»

۳۳۰ (۱۳۰) ابوبصیر از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که فرمود: «کسی که بر خواندن سوره «حٰم زخرف» مداومت ورزد خداوند او را در قبرش از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند تا وقتی که در پیشگاه الهی بایستد آنگاه همین سوره می‌آید و او را به دستور خداوند متعال داخل بهشت می‌کند.»

فضیلت سوره «جاثیه»

۳۳۱ (۱۳۱) ابوبصیر از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «کسی که سوره «جاثیه» را بخواند پاداشش این است که آتش جهنّم را هیچ گاه نمی‌بیند و صدای زبانه‌ها و ناله‌های آن را نمی‌شنوند و با حضرت محمّدﷺ همراه و همنشین باشد.»

۳۳۲ (۱۳۲) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرد که فرمود: «هر کس سوره «حٰم جاثیه» را بخواند خداوند عورت او را بپوشاند و روز حساب [قیامت] وحشت و اضطرابش را آرام کند.»

فضیلت سوره «احقاف»

۳۳۳ (۱۳۳) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «احقاف» را بخواند به تعداد هر ذرّه از ماسه‌های دنیا، ده حسنه پاداش دارد و ده گناه از او پاک می‌شود و ده درجه بر درجاتش افزوده می‌شود.»

فضیلت سوره «محمّدﷺ»

۳۳۴ (۱۳۴) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره محمّدﷺ را بخواند، این حق را بر خداوند پیدا خواهد کرد که او را از نهرهای بهشت، سیراب کند.»

۳۳۵ ۲۵۸۹۷ (۱۳۵) **الثواب ۱۴۲**: بالإسناد عن الحسن عن أبي المغراعن **أبي بصير** عن أبي عبدالله ﷺ قال من قرأ سورة الَّذينَ كَفَرُوا الم يريب[۱] ابداً ولم يدخله شكّ في دينه ابداً ولم يبتله اللّه بفقر ابداً ولا خوف من سلطان ابداً ولم يزل محفوظاً من الشكّ والكفر ابداً حتّىٰ يموت فاذا مات وكّل اللّه به في قبره الف ملك يصلّون في قبره ويكون ثواب صلاتهم له يشيّعونه حتّىٰ يوقفوه موقف الآمنين عند اللّه عزّ وجلّ ويكون في أمان اللّه وأمان محمد ﷺ.

۳۳۶ ۲۵۸۹۸ (۱۳۶) **وفيه ۱۴۲**: بالإسناد عن الحسن عن **عبدالله** بن بكير عن أبيه عن أبي عبدالله ﷺ قال حصّنوا اموالكم ونسائكم وما ملكت ايمانكم من التّلف بقراءة انّا فتحنا فانّه إذا كان ممّن يدمن قراءتها نادىٰ مناد يوم القيامة حتّىٰ تسمع الخلائق انت من عبادي المخلصين الحقوه بالصالحين من عبادي وادخلوه جنّات النعيم واسقوه من الرحيق المختوم بمزاج الكافور.

۳۳۷ ۲۵۸۹۹ (۱۳۷) **مجمع البيان ۱۰۸/۵**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة الفتح فكأنّما شهد مع محمّد ﷺ فتح مكّة وفي رواية أُخرىٰ فكأنما كان مع مَنْ بايع محمداً ﷺ تحت الشّجرة.

۳۳۸ ۲۵۹۰۰ (۱۳۸) **وفيه ۱۲۸/۵**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة الحجرات أُعطي من الأجر عشر حسنات بعدد من اطاع اللّه ومن عصاه المستدرك ۳۴۹/۴: الراوندي عنه ﷺ (مثله).

۳۳۹ ۲۵۹۰۱ (۱۳۹) **الثواب ۱۴۲**: بالاسناد عن الحسن عن **الحسين** بن أبي العلاء عن أبي عبدالله ﷺ قال من قرأ سورة الحجرات في كلّ ليلة او في كلّ يوم كان من زوّار محمد ﷺ.

۳۴۰ ۲۵۹۰۲ (۱۴۰) **مجمع البيان ۱۴۰/۵**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة ق هَوَّن اللّه عليه تارات[۲] الموت وسكراته.

۳۴۱ ۲۵۹۰۳ (۱۴۱) **مجمع البيان ۱۵۱/۹**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرأ سورة الذّاريات (في يومه وليلته خ) أُعطي من الاجر عشر حسنات بعدد كلّ ريح هبّت وجرت في الدّنيا.

---

۱. لم يذنب ـ ئل ـ بحار ـ والظاهر انّه لم يرب.

۲. تارات جمع تارة: الحين والمرّة.

(۱۳۵) ابوبصیر از امام صادقﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «کسی که سوره «الذین کفروا = ۳۳۵
سورهٔ محمّد» را بخواند هیچ گاه در عقیده‌اش به شک نیفتد و هرگز در حقّانیّت دین خود شک نکند و هیچ‌گاه خداوند او را به فقر و نداری و ترس از پادشاه، مبتلا نکند و پیوسته او را از شک کردن در دین و کفر ورزیدن نگه دارد تا وقتی که بمیرد و چون مُرد خداوند به هزار فرشته مأموریّت می‌دهد که به درون قبر او روند و نماز بخوانند و پاداش نماز آن‌ها برای آن مؤمن است و با او هستند تا وقتی که او را در زُمرهٔ در امان بودگان در پیشگاه الهی قرار دهند و او در پناه خدا و پناه حضرت محمّدﷺ خواهد بود.»

فضیلت سوره «فتح»

(۱۳۶) عبدالله بن بکیر از پدرش و او از امام صادقﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «با خواندن ۳۳۶
سورهٔ «فتح» مال، ناموس و بردگان خود را از نابود شدن حفظ کنید زیرا هر کس بر خواندن این مداومت ورزد، در روز قیامت فرشته‌ای با صدای بلند به گونه‌ای که همهٔ اهل محشر بشنوند، می‌گوید: تو از بندگان خالص من هستی، او را به بندگان صالح من ملحق کنید و به باغ‌های پر نعمت بهشتی او را جای دهید و او را از بادهٔ مُهر شده [و دست نخورده] که با کافور [خوشبو] مخلوط شده بنوشانید.»

(۱۳۷) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «فتح» را بخواند پس گویی ۳۳۷
چنان است که در فتح مکّه همراه با حضرت محمّدﷺ حاضر بوده است.» و در روایت دیگری این چنین است: «گویی باکسانی که در زیر درخت با حضرت محمّدﷺ بیعت کردند، همراه بوده است.»

فضیلت سوره «حجرات»

(۱۳۸) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «حجرات» را بخواند ۳۳۸
به تعداد هر نفر از کسانی که اطاعت از خدا کرده‌اند یا معصیت خدا کرده‌اند ده حسنه پاداش داده شود.»

(۱۳۹) حسین بن ابی العلاء از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس در هر شب یا در ۳۳۹
هر روز، سوره «حجرات» را بخواند از زیارت کنندگان حضرت محمّدﷺ به حساب خواهد آمد.»

فضیلت سوره «ق»

(۱۴۰) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «ق» را بخواند خداوند گرفتن ۳۴۰
و رها کردن‌های مرگ و سختی‌های آن را بر او آسان گرداند.»

فضیلت سوره «ذاریات»

(۱۴۱) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «ذاریات» را در روز یا شب ۳۴۱
بخواند، به تعداد هر بادی که در دنیا وزیده، ده حسنه به او پاداش داده می‌شود.»

۳٤۲ ۲٥۹۰٤ (۱۴۲)**الثواب** ۱۴۳: بالاسناد عن الحسن عن مندل[1] عن **داود** بن فرقد عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ سورة والذّاريات في يومه او في ليلته اصلح اللّه له معيشته وأتاه برزق واسع ونوّر له قبره بسراج يزهر إلى يوم القيامة مجمع البيان ۱۵۱: وروي داوُد بن فرقد عن أبي عبداللّه عليه السلام نحوه.

۳٤۳ ۲٥۹۰٥ (۱۴۳)**الثواب** ۱۴۳: بالإسناد عن الحسن عن أبي ايّوب الخزّاز عن **محمد** بن مسلم عن أبي عبداللّه وأبي جعفر عليهما السلام قالا من قرأ سورة والطور جمع اللّه له خير الدّنيا والآخرة **فقه الرضا** عليه السلام ۳۴۳: ومن قرأ الطور (وذكر مثله) مجمع البيان ۱۶۲: وروي **محمد** بن هشام عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

۳٤٤ ۲٥۹۰٦ (۱۴۴) **مجمع البيان** ۵/۱۶۲: **ابي بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال ومن قرأ سورة والطور كان حقّاً علىٰ اللّه ان يؤمنه من عذابه وان ينعمه في جنّته.

۳٤٥ ۲٥۹۰۷ (۱۴۵) **مجمع البيان** ۵/ ۱۷۰: **ابيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قرأ سورة النجم أُعطي من الأجر عشر حسنات بعدد من صدق بمحمّد صلى الله عليه وآله ومن جحد به.

۳٤٦ ۲٥۹۰۸ (۱۴۶) **ثواب الاعمال** ۱۴۳: بالإسناد عن الحسن عن مندل (صندل ـ خ) عن يزيد بن خليفة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من كان يدمن قراءة والنجم في كلّ يوم او في كلّ ليلة عاش محموداً بين النّاس وكان مغفوراً له وكان محبوباً بين الناس مجمع البيان ۱۷۰: **يزيد** بن خليفة عن أبي عبداللّه عليه السلام نحوه.

۳٤۷ ۲٥۹۰۹ (۱۴۷) **الثواب** ۱۴۳: وبهذا الإسناد عن **أبي عبداللّه** عليه السلام قال من قرأ سورة اقتربت السّاعة اخرجه اللّه من قبره علىٰ ناقة من نوق الجنّة مجمع البيان ۱۸۴: وروي **يزيد** بن خليفة عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله.

۳٤۸ ۲٥۹۱۰ (۱۴۸) **مجمع البيان** ۵/۱۸۴: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة اقتربت السّاعة في كلّ غبّ بعث يوم القيامة ووجهه علىٰ صورة القمر ليلة البدر ومن قرأها كلّ ليلة كان افضل وجاء يوم القيامة ووجهه مسفرّ علىٰ وجوه الخلائق.

---

۱. صندل ـ خ.

۳۴۲ (۱۴۲) داود بن فرقد از امام صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «والذاریات» را در روز یا در شب بخواند، خداوند زندگی‌اش را اصلاح کند و روزی‌اش را گسترده و فراخ گرداند و در قبرش چراغی روشن بگذارد که تا روز قیامت قبرش را روشن کند.»

فضیلت سوره «طور»

۳۴۳ (۱۴۳) محمد بن مسلم از امام صادق و امام باقر ﷺ روایت کرده که آن‌ها فرمودند: «هر کس «والطور» را بخواند خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع گرداند.»

۳۴۴ (۱۴۴) ابیّ بن کعب از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «والطور» را بخواند این حق را بر خداوند پیدا می‌کند که او را از عذابش ایمن گرداند و او را به بهشت پرنعمتش ببَرَد.»

فضیلت سوره «النجم»

۳۴۵ (۱۴۵) ابیّ بن کعب از رسول الله ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «والنجم» را بخواند به عدد هر شخصی که حضرت محمّد ﷺ را تصدیق کرده یا انکار کرده، ده حسنه پاداش داده شود.»

۳۴۶ (۱۴۶) یزید بن خلیفه از امام صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس بر خواندن سوره «والنّجم» در هر روز یا در هر شب مداومت ورزد در میان مردم خوشنام و پسندیده زندگی کند و [گناهانش] آمرزیده شود و مردم به او محبّت پیدا کنند.»

فضیلت سوره «قمر»

۳۴۷ (۱۴۷) و با سند روایت قبلی از امام صادق ﷺ روایت شده که حضرت فرمود: «هر کس «اقتربت الساعة = القمر» را بخواند خداوند او را در حالی که بر شتری از شتران بهشتی سوار است، از قبرش خارج نماید.»

۳۴۸ (۱۴۸) ابیّ بن کعب از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «واقتربت الساعة» را یک روز در میان بخواند خداوند روز قیامت او را در حالی که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد، زنده نماید و اگر کسی این سوره را هر شب بخواند بهتر خواهد بود و روز قیامت [به صحرای محشر] خواهد آمد در حالی که نور صورتش، چهره‌های اهل محشر را روشن کرده است.»[۱]

---

۱. اشاره است به آیهٔ ۳۸ سوره عبس: «وجوهٌ یومئذٍ مُسفرة» یعنی در آن روز چهره‌هایی درخشانند. (مترجم).

٣٤٩ ٢٥٩١١ (١٤٩) **وفيه ١٩٥/٥**: **ابيّ بن كعب** قال قال رسول اللّهﷺ من قرأ سورة الرّحمن رحم اللّه ضعفه وادّىٰ شكر من انعم اللّه عليه مستدرك ٣٥٩/٤: ورواه الراوندي مثله.

٣٥٠ ٢٥٩١٢ (١٥٠) **مجمع البيان ١٩٥/٥**: روي عن موسىٰ بن جعفر عن آبائه ﷺ عن النبيّﷺ قال لكلّ شيء عروس وعروس القرآن سورد الرّحمن جلّ ذكره.

٣٥١ ٢٥٩١٣ (١٥١) **وفيه ٢١٢/٥**: **ابي بن كعب** قال قال رسول اللّهﷺ من قرأ سورة الواقعة كتب ليس من الغافلين وعن مسروق قال من اراد ان يعلم نبأ الاوّلين (والآخرين ـ خ) ونبأ أهل الجنّة ونبأ أهل النّار ونبأ الدّنيا ونبأ الآخرة فليقرأ سورة الواقعة.

٣٥٢ ٢٥٩١٤ (١٥٢) **الثواب ١٤٤**: أبيﷺ قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير عن **هشام** او بعض أصحابنا عمّن حدّثه عن أبي عبداللّه ﷺ قال من قرأ سورة الرّحمن فقال عند كلّ «فبأيّ آلاءِ ربّكُما تُكَذّبان» لا بشيء من آلائك ربّ أُكذِّب فان قرأها ليلاً ثمّ مات مات شهيداً وان قرأها نهاراً فمات مات شهيداً.

٣٥٣ ٢٥٩١٥ (١٥٣) **وفيه ٢٢٩/٥**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّﷺ قال من قرأ سورة الحديد كتب من الذين آمنوا باللّه ورسله.

٣٥٤ ٢٥٩١٦ (١٥٤) **الثواب ١٤٦**: أبيﷺ قال حدّثني أحمد بن ادريس عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسّان كا ٦٢٠/٢: أبو علي الاشعري عن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي (بن أبي حمزة ـ كا) عن محمدبن مسكين عن عمرو بن شمر عن **جابر** قال سمعت ابا جعفر ﷺ يقول من قرأ المسبّحات كلّها قبل ان ينام لم يمت حتىٰ يدرك القائم وان مات كان في جوار (محمد ـ كا) النبيّ مجمع البيان ٢٢٩: روي عمرو بن شمر عن **جابر الجعفي** عن أبي جعفر ﷺ نحوه.

فضیلت سوره «الرحمن»

۳۴۹ (۱۴۹) ابیّ بن کعب از رسول الله ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «الرّحمن» را بخواند، خداوند بر ناتوانی او ترحّم کند و با خواندن این سوره این شخص شکر نعمت‌هایی که خداوند به او داده، ادا کرده است.»

۳۵۰ (۱۵۰) در تفسیر مجمع البیان از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که او از پدرانش علیهم السلام و آن‌ها از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که حضرت فرمود: «هر چیزی عروسی دارد و عروس قرآن سوره «الرحمٰن» است که یاد خداوند رحمن جلالت را داراست.»

فضیلت سوره «واقعة»

۳۵۱ (۱۵۱) ابیّ بن کعب از پیامبر خدا ﷺ روایت کرده است که فرمود: «هر کس سوره «واقعه» را بخواند از غافلان محسوب نشود.» و از مسروق روایت شده که گفت: «هر کس می‌خواهد اخبار انسان‌ها را از اوّل [عالم] تا آخر بداند و از بهشتیان و دوزخیان باخبر شود [که کیانند] و از [حقیقت حال] دنیا و آخرت باخبر شود پس سوره «واقعه» را بخواند.»

۳۵۲ (۱۵۲) هشام با یک واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس «الرحمن» را بخواند و هر گاه آیهٔ «فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان»[1] را بخواند بگوید: «لا بشيءٍ من آلائک ربّ أکذّب»[2] اگر شب خواند و مرگش در آن شب اتفاق افتد، شهید از دنیا رفته است و اگر در روز بخواند و در همان روز مرگش فرا رسد، شهید از دنیا رفته است.»

فضیلت سوره «حدید»

۳۵۳ (۱۵۳) ابیّ بن کعب از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «حدید» را بخواند جزو کسانی حساب شود که به خداوند و پیامبرانش ایمان آورده‌اند.»

فضیلت سُوَر «مسبّحات»

۳۵۴ (۱۵۴) جابر گوید: «از امام محمّد باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «هر کس سوره‌های مسبّحات یعنی: «حدید»، «حشر»، «صف»، «جمعه» و «تغابن» را پیش از خواب بخواند، نمیرد مگر اینکه حضرت قائم علیه السلام را ببیند و چون مُرد در همسایگی حضرت محمّد ﷺ خواهد بود.»

---

۱. یعنی: [ای جنّ و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌دانید.

۲. یعنی: ای پروردگار! هیچ یک از نعمت‌هایت را دروغ نپندارم.

۳۵۵ ۲۵۹۱۷ (۱۵۵) **مجمع البيان ۲۲۹/۵: العرباض** بن سارية قال انّ النبيّ ﷺ كان يقرأ المسبّحات ـ قبل ان يرقد ويقول انّ فيهنّ آية افضل من ألف آية.

۳۵٦ ۲۵۹۱۸ (۱۵٦) **مستدرك ۲۸۹/۴**: ورواه الشيخ أبوالفتوح في تفسيره عنه ﷺ مثله وفي لفظه كان لا يرقد حتّىٰ يقرأ المسبّحات ويقول في هذه السّور آية هي افضل من ألف آية قالوا وما المسبّحات قال سورة الحديد والحشر والصفّ والجمعة والتغابن.

۳۵۷ ۲۵۹۱۹ (۱۵۷) **مجمع البيان ۲۴۵/۵: ابي بن كعب** قال قال رسول اللّه ﷺ من قرأ سورة المجادلة كتب من حزب اللّه يوم القيامة مستدرك ۳۵۱/۴: ورواه الراوندي عنه ﷺ مثله.

۳۵۸ ۲۵۹۲۰ (۱۵۸) **الثواب ۱۴۵**: بالإسناد عن الحسن عن علي بن أبي القاسم الكندي عن محمد بن عبدالواحد عن أبي الحلبا[1] يرفع الحديث عن علي بن يزيد بن جذعان عن زرّ بن حبيش عن **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة الحشر لم يبقَ جنّة ولا نار ولا عرش ولا كرسيّ ولا الحجب والسّماوات السبع والارضون السبع والهواء والريح والطير والشجر والجبال والشّمس والقمر والملائكة إلّا صلّوا عليه واستغفروا له وان مات في يومه او ليلته مات شهيداً **مجمع البيان ۲۵۵/۵: ابيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه ﷺ ومن قرأ(وذكر نحوه) إلّا انّ فيه والهوامّ بدل الهواء ـ والدّوابّ بدل الجبال.

۳۵۹ ۲۵۹۲۱ (۱۵۹) **مجمع البيان ۲٦۷/۵: ابيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه ﷺ ومن قرأ سورة الممتحنة كان المؤمنون والمؤمنات له شفعاء يوم القيامة.

۳٦۰ ۲۵۹۲۲ (۱٦۰) **وفيه ۲۷۷/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة عيسىٰ ﵇ (وهي سورة الصفّ)* كان عيسىٰ مصليّاً (عليه ـ خ) مستغفراً له مادام في الدّنيا وهو يوم القيامة رفيقه.

---

۱. أبي الجليل ـ بعض نسخ.

۳۵۵ (۱۵۵) عرباض بن ساریه نقل کرده است که: «پیامبرﷺ [هر شب] پیش از اینکه بخوابد سُوَر «مسبّحات» را می‌خواند و می‌فرمود: در این سوره‌ها، آیه‌ای است که فضیلتش از هزار آیه بیشتر است.»

۳۵۶ (۱۵۶) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبرﷺ روایت قبلی را ذکر کرده است با این تفاوت که با این الفاظ بیان شده که: «پیامبرﷺ نمی‌خوابید مگر اینکه «مسبّحات» را می‌خواند و می‌فرمود: در این سوره‌ها آیه است که از هزار آیه‌ای بهتر است. پرسیدند: «مسبّحات» چه سوره‌هایی است؟ حضرت پاسخ داد: سوره‌های «حدید»، «حشر»، «صف»، «جمعه» و «تغابن».»

فضیلت سوره «مجادله»

۳۵۷ (۱۵۷) ابیّ بن کعب از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «مجادله» را بخواند، روز قیامت جزو حزب خداوند باشد.»

فضیلت سوره «حشر»

۳۵۸ (۱۵۸) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «حشر» را بخواند، بهشت و جهنّم، عرش و کرسی، حجاب‌ها، آسمان‌های هفتگانه، زمین‌های هفتگانه و هوا و باد، پرندگان، درختان، کوه‌ها، خورشید، ماه و فرشتگان همه و همه بر او صلوات فرستند و [از خداوند] برایش طلب آمرزش کنند و اگر در آن روز یا شبش بمیرد، شهید از دنیا رفته است.»

در تفسیر مجمع البیان همین حدیث شریف ذکر شده با این تفاوت که عوض هوا، جانوران و عوض کوه‌ها، جنبندگان ذکر شده است.

فضیلت سوره «ممتحنه»

۳۵۹ (۱۵۹) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «ممتحنه» را بخواند، مردان و زنان با ایمان در روز قیامت شفیع او باشند.»

فضیلت سوره «صفّ»

۳۶۰ (۱۶۰) ابی بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرد که فرمود: «هر کس سوره «عیسیؑ» را (که همان سورهٔ «صف» باشد) بخواند، حضرت عیسیؑ بر او درود فرستد و تا وقتی در دنیا است حضرت عیسیؑ برایش طلب مغفرت کند و در روز قیامت رفیق او باشد.»[1]

---

۱. تناسب این سوره با حضرت عیسیؑ این است که در آخرین آیه‌اش کلامی از حضرت عیسیؑ حکایت شده که گفت: [ای بنی اسرائیل] یاران من در راه خدا کیانند؟ تا آخر آیه (مترجم).

۳٦۱ ۲٥۹۲۳ (۱٦۱) **وفيه ٥/۲۸۳: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة الجمعة أُعطى عشر حسنات بعدد من اتىٰ الجمعة وبعدد من لم يأتها في أمصار المسلمين.

۳٦۲ ۲٥۹۲٤ (۱٦۲) **وفيه ٥/۲۹۰: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة المنافقين برأ من النّفاق.

۳٦۳ ۲٥۹۲٥ (۱٦۳) **مجمع البيان ٥/۲۹٦: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة التغابن دفع عنه موت الفجأة ابن أبي العلاء عن أبي عبداللّه ﷺ قال من قرء سورة التغابن في فريضته كانت شفيعة له يوم القيامة وشاهد عدل عند من يجيز شهادتها ثمّ لا تفارقه حتىٰ يدخل الجنّة.

۳٦٤ ۲٥۹۲٦ (۱٦٤) **وفيه ٥/۳۰۲: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ سورة الطلاق مات علىٰ سنّة رسول اللّه ﷺ مستدرك ۳٥۲/٤: ورواه الراوندي عنه ﷺ مثله.

۳٦٥ ۲٥۹۲۷ (۱٦٥) **مجمع البيان ٥/۳۱۱: أبيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة يا أيُّها النبي لِمَ تُحَرِّمُ ما أحَلَّ اللّهُ لَكَ اعطاه اللّه توبة نصوحاً.

۳٦٦ ۲٥۹۲۸ (۱٦٦) **وفيه ٥/۳۲۰: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ تبارك فكأنّما احيا ليلة القدر.

۳٦۷ ۲٥۹۲۹ (۱٦۷) **وفيه ۳۲۰: عن أبي هريرة** انّ رسول اللّه ﷺ قال انّ سورة من كتاب اللّه ما هي الّا ثلاثون آية شفعت لرجل فأخرجته يوم القيامة من النّار وأدخلته الجنّة وهي سورة تبارك.

فضیلت سوره «جمعه»

۳۶۱ (۱۶۱) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «جمعه» را بخواند به تعداد هر نفری که در نماز جمعه شرکت کرده و یا شرکت نکرده در شهرهای مسلمانان، ده حسنه پاداش داده خواهد شد.»

فضیلت سوره «منافقین»

۳۶۲ (۱۶۲) ابیّ بن کعب از پیامبر گرامی اسلامﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «منافقین» را بخواند از نفاق پاک گردد.»

فضیلت سوره «تغابُن»

۳۶۳ (۱۶۳) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «تغابُن» را بخواند مرگ ناگهانی به سراغش نیاید.»

ابن ابی العلاء از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «تغابن» را در نماز واجبش بخواند همین سوره روز قیامت شفیع او شود و گواه عادلی باشد در نزد خداوندی که گواهی او را قبول می‌کند، آنگاه این سوره از او جدا نشود تا اینکه این مؤمن به بهشت وارد شود.»

فضیلت سوره «طلاق»

۳۶۴ (۱۶۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «طلاق» را بخواند بر سنّت پیامبر خداﷺ از دنیا خواهد رفت.»

فضیلت سوره «تحریم»

۳۶۵ (۱۶۵) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «یا ایّها النبي لم تحرّم ما احلّ الله لک اعطاه الله» [یعنی سوره = «تحریم»] را بخواند خداوند [توفیق] توبهٔ نَصوح [یعنی خالص و بی‌بازگشت به گناه] را به او خواهد داد.»

فضیلت سوره «مُلک»

۳۶۶ (۱۶۶) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «تبارک» [یعنی: «مُلک»] را بخواند گویی شب قدر را به عبادت گذرانده است.»

۳۶۷ (۱۶۷) ابوهریره از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «سوره‌ای در کتاب خداوند است که فقط سی آیه است روز قیامت برای کسی [که او را خوانده] شفاعت می‌کند و او را از دوزخ در آورد و به بهشت داخل کند و آن، سوره «تبارک» [یعنی: «مُلک»] است.»

۳٦۸ ۲۵۹۳۰ (۱٦۸) **كافي ۲/ ٦۳۳:** عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد ومحمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ جميعاً عن ابن محبوب عن جميل عن **سدير** عن **أبي جعفر**؈ قال سورة الملك هي المانعة تمنع من عذاب القبر وهي مكتوبة في التوراة سورة الملك ومن قرأها في ليلته فقد اكثر واطاب ولم يكتب بها من الغافلين وانّي لاركع بها بعد عشاء الآخرة وأنا جالس وانّ والدي؈ كان يقرؤها في يومه وليلته ومن قرأها إذا دخل عليه في قبره ناكر ونكير من قبل رجليه قالت رجلاه لهما ليس لكما إلى ما قبلي سبيل قد كان هذا العبد يقوم عليّ فيقرأ سورة الملك في كلّ يوم وليلة وإذا اتياه من قبل جوفه قال لهما ليس لكما إلى ما قِبَلي سبيل قد كان هذا العبد اوعاني سورة الملك وإذا اتياه من قِبَل لسانه قال لهما ليس لكما إلى ماقِبَلي سبيل قد كان هذا العبد يقرأ بي في كل وليلة سورة الملك.

۳٦۹ ۲۵۹۳۱ (۱٦۹) **مستدرك ۴/ ۳۰٦:** ابن أبي جمهور في درر اللّئالى عن **ابن مسعود** قال قال رسول اللّه؈ سورة تبارك هي المانعة من عذاب القبر قال وتوفّي رجل فأتىٰ من قِبَل رجليه فقالت رِجله انّه ليس لكم سبيل عليَّ انّه كان يقرأ سورة الملك فأتىٰ من قِبَل بطنه فقال بطنه لاسبيل لكم عليَّ انّه كان وعاء لسورة الملك فأتى من قِبَل رأسه فقال لسانه لا سبيل لكم عليَّ انّه كان يقرأ سورة الملك فمنعه باذن اللّه من عذاب القبر وهي مكتوبة في التوراة سورة الملك من قرأها في ليلة فقد اكثر وطاب.

۳۷۰ ۲۵۹۳۲ (۱۷۰) **مجمع البيان ۵/ ۳۲۰:** عن **ابن مسعود** قال إذا وضع الميّت في قبره يؤتىٰ من قِبَلِ رجليه فيقال له ليس لكم عليه سبيل لانّه قد كان يقوم بسورة الملك ثمّ يؤتىٰ من قِبَلِ رأسه فيقول لسانه ليس لكم عليه سبيل لانّه كان يقرأ بي سورة الملك ثمّ قال هي المانعة (الممانعة ـ خ) من عذاب القبر وهي في التوراة سورة الملك من قرأها في ليلة فقد اكثر واطيب.

۳۶۸ (۱۶۸) سدیر از امام باقرعليه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «سورهٔ «مُلک» را می‌توان «مانعه» نامید زیرا جلوی عذاب قبر را می‌گیرد و در تورات به نام سوره «مُلک» از آن نام برده شده و هر کس آن را در شبی بخواند در آن شب عبادت بسیار کرده باشد و کار نیکو انجام داده باشد و در آن شب از بی خبران به حساب نیاید و من بعد از نماز عشاء، نشسته این سوره را می‌خوانم و به رکوع می‌روم و پدرمعليه السلام هر روز و هر شب آن را تلاوت می‌فرمود. و هر کس این سوره را بخواند زمانی که نکیر و منکر بخواهند به قبرش از طرف پاهایش وارد شوند، پاهای این مؤمن به آن دو می‌گوید: راه شما از طرف من مسدود است زیرا این بنده بر من می‌ایستاد و هر روز و هر شب سوره «مُلک» را می‌خواند و چون بخواهند از درون او وارد شوند، به آن‌ها می‌گوید: از طرف من هم شما را به سوی این بنده راهی نیست چون او سوره «مُلک» را در درون من حفظ کرده بود و زمانی که [نکیر و منکر] بخواهند از راه زبان وارد شوند زبان به آن‌ها می‌گوید: از طرف من نیز برای شما راهی نیست چرا که این بنده هر روز و هر شب توسّط من سوره «مُلک» را می‌خواند.»

۳۶۹ (۱۶۹) ابن مسعود از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «سورهٔ «تبارک» [یعنی: سوره «مُلک»] جلوی عذاب قبر را می‌گیرد.»

حضرت [کیفیّت آن را بیان] فرمود که: «انسان چون می‌میرد آنگاه عذاب از طرف پاهایش وارد می‌شود، پای این مرد می‌گوید: شما به من راه ندارید چون او سوره «مُلک» می‌خواند. پس عذاب از ناحیهٔ شکم وارد می‌شود، شکم نیز می‌گوید: تو را به سوی من راهی نیست چون او سوره «مُلک» می‌خواند پس عذاب از ناحیهٔ سر وارد می‌شود پس زبانش می‌گوید: برو که تو را از طرف من هم راهی نیست چون او سوره «مُلک» می‌خواند پس به خواست خداوند این سوره او را از عذاب قبر برهاند و این سوره در [کتاب آسمانی] تورات به نام سوره «مُلک» نامیده شده است، هر کس آن را در شبی بخواند پس در حقیقت در آن شب عبادت بسیار و نیکویی انجام داده باشد.»

۳۷۰ (۱۷۰) در تفسیر مجمع البیان نقل شده که ابن مسعود گفته است: «آن گاه که مرده در قبر گذاشته می‌شود [عذاب قبر] می‌خواهد که از طرف پاهایش وارد شود، پا می‌گوید راهت از این طرف بسته است چون او [به نماز] می‌ایستاد و سوره «مُلک» را می‌خواند. پس عذاب از جانب دهانش می‌آید که زبانش به زبان می‌آید و می‌گوید تو را از این سمت هم به سوی او راهی نیست چون او پیوسته با من سورهٔ «مُلک» را می‌خواند. سپس ابن مسعود گفت: پس این سوره مانع از عذاب قبر می‌شود و این سوره در تورات به نام سوره «مُلک» خوانده شده. هر کس آن را در شبی بخواند در آن شب عبادت و کار نیکوی بسیار انجام داده باشد.»

(۱۷۱) **دعوات الراوندی ۲۷۹**: قال قال **ابن عـبّاس**ﷺ انّ رجلاً ضرب خبائه علىٰ قـبر ولم يعلم انّه قبر فقرأ تبارك الذى بيده الملك فسمع صايحاً يقول هي المـنجية فـذكر ذلك لرسول اللّهﷺ فقال هي المنجية من عذاب القبر. ۳۷۱ ٢٥٩٣٣

(۱۷۲) **الثواب ۱۴۶**: أبي﵀ قال حدّثني أحمد بن ادريس عن مـحمد بـن أحـمد عـن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن (بن علي) عن أبيه عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه﵇ قال من قرأ تبارك الذي بيده الملك في المكتوبة قبل ان ينام لم يزل في أمان اللّه حتّىٰ يصبح وفي امانه يوم القيامة حتّىٰ يدخل الجنّة. ۳۷۲ ٢٥٩٣٤

(۱۷۳) **مستدرك ۳۰۶/۴**: ابن أبي جمهور في درر اللّئالى عن **جابر** قال كان النبيّﷺ لاينام حتّى يقرأ تبارك و ألم التّنزيل. ۳۷۳ ٢٥٩٣٥

(۱۷۴) **وفيه عن طاووس** قال قال رسول اللّهﷺ من قرأ في ليلة ألم تنزيل السجدة وتبارك الذي بيده الملك كان له من الاجر مثل ليلة القدر. ۳۷۴ ٢٥٩٣٦

(۱۷۵) **مجمع البيان ۳۲۰/۵**: عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّهﷺ وددت أنّ تبارك الملك في قلب كلّ مؤمن. ۳۷۵ ٢٥٩٣٧

(۱۷۶) **مجمع البيان ۳۳۰/۵**: **أبيّ ابن كعب** قال قال النبيّﷺ ومن قرأ سورة ن والقلم اعطاه (اللّه خ) ثواب الذين حسن اخلاقهم. ۳۷۶ ٢٥٩٣٨

(۱۷۷) **وفيه ۳۴۲/۵**: عنه عن النبيّﷺ قال ومن قرء سورة الحاقّة حاسبه اللّه حساباً يسيراً. ۳۷۷ ٢٥٩٣٩

(۱۷۸) **وفيه ۳۵۰/۵**: عنه عن النبيّﷺ قال قال رسول اللّهﷺ ومن قرء سَأَلَ سائلٌ اعطاه اللّه ثواب ﴿**ٱلَّذِينَ هُمْ لِأَمَـٰنَـٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ * وَٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمْ يُحَافِظُونَ**﴾. ۳۷۸ ٢٥٩٤٠

۳۷۱ (۱۷۱) ابن عبّاس گفته است: «مردی بدون اینکه بداند، بر روی قبری خیمه زد و در آن خیمه «تبارک الذی بیده المُلک» [سورهٔ «مُلک»] را خواند پس صدای فریاد زننده‌ای شنید که گفت: این سوره نجات دهنده است. پس این حادثه را برای پیامبر خدا ﷺ نقل کرد حضرت فرمود: این [سورهٔ «مُلک»] انسان را از عذاب قبر نجات می‌دهد.»

۳۷۲ (۱۷۲) ابوبصیر از امام صادق ؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «تبارک الذی بیده المُلک» را پیش از خواب در نماز واجب بخواند پیوسته تا صبح در پناه خدا، در امنیّت کامل به سر بَرَد و در روز قیامت نیز در پناه امن الهی باشد تا اینکه داخل بهشت گردد.»

۳۷۳ (۱۷۳) جابر گوید: «پیامبر ﷺ نمی‌خوابید مگر اینکه سوره «تبارک» و «الٓم تنزیل»[1] را می‌خواند.»

۳۷۴ (۱۷۴) طاووس از پیامبر خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هرکس در شب، سوره «الم تنزیل = سجده» و سوره «تبارک الذی بیده المُلک» را بخواند پاداش [عبادت] شب قدر به او داده شود.»

۳۷۵ (۱۷۵) ابن عبّاس از پیامبر خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: «من دوست دارم که سوره «تبارک المُلک» در دل هر مؤمن باشد.»[2]

فضیلت سوره «قلم»

۳۷۶ (۱۷۶)[3] ابیّ بن کعب از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «ن والقلم» را بخواند خداوند پاداش خوش اخلاقان را به او خواهد داد.»

فضیلت سوره «حاقّه»

۳۷۷ (۱۷۷) ابی بن کعب از پیامبر ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «الحاقّه» را بخواند خداوند از او آسان حساب کشد.»

فضیلت سوره «معارج»

۳۷۸ (۱۷۸) ابیّ بن کعب از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «سأل سائل» [یعنی: «المعارج»] را بخواند خداوند پاداش کسانی را به او دهد که امانت دار هستند و به پیمان خویش وفادارند و بر اوقات نماز محافظت می‌ورزند.»[4]

---

۱. مقصود سوره مبارک «سجده» است.
۲. یعنی آن را حفظ کند.
۳. در شمارهٔ مربوط به موضوع، اشتباه شده که باید شمارهٔ (۱۷۶) باشد نه (۱۷۲).
۴. یعنی: نماز را در وقت فضیلتش که اوّل وقت است می‌خوانند.

۳۷۹ (۱۷۹) **الثواب ۱۴۷**: أبي ﷺ قال حدّثني أحمد بن ادريس عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن محمد بن مسكين عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي عبدالله ﷺ قال اكثروا من قراءة ـ سأَلَ سائِلٌ ـ فانّ من أكثر قراأتها لم يسأله اللّه تعالىٰ يوم القيامة عن ذنب عمله واسكنه الجنّة مع محمّد ﷺ وأهل بيته ان شاء اللّه.
۲۵۹۴۱

مجمع البيان ۳۵۱/۵ عن جابر عن أبي جعفر ﷺ قال من ادمن قراءة سأل سائِلٌ لم يسأله اللّه (وذكر مثله إلى قوله وآله وسلّم).

۳۸۰ (۱۸۰) **مجمع البيان ۳۵۹/۵**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرء سورة نوح ﷺ كان من المؤمنين الذين تدركهم دعوة نوح.
۲۵۹۴۲

۳۸۱ (۱۸۱) **مجمع البيان ۳۶۵/۵**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة الجنّ أُعطي بعدد كلّ جنّي وشيطان صدق بمحمد ﷺ وكذب به عتق رقبة مستدرك ۳۵۴/۴: ورواه الراوندي عنه ﷺ مثله.
۲۵۹۴۳

۳۸۲ (۱۸۲) **الثواب ۱۴۸**: بالإسناد عن الحسن عن **حنّان** بن سدير عن أبي عبدالله ﷺ قال من اكثر قراءة قل أُوحيَ اليَّ لم يصبه في الحياة الدّنيا شيء من اعين الجنّ ولا نفثهم ولا سحرهم ولا من كيدهم وكان مع محمد ﷺ فيقول يا ربّ لااريد به بدلاً ولا اريد ان ابغي عنه حولاً مجمع ۳۶۵: **حنّان** بن سدير عن أبي عبدالله ﷺ نحوه إلّا انّ فيه فيقول ياربّ لااريد بهم بدلاً ولا اريد بدرجتي حولاً.
۲۵۹۴۴

۳۸۳ (۱۸۳) **فقه الرضا** ﷺ ۳۴۳: ومن قرء سورة الجنّ لم يصبه (وذكر نحوه إلى قوله من كيدهم).
۲۵۹۴۵

۳۸۴ (۱۸۴) **مجمع البيان ۳۷۵/۵**: **أبيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه ﷺ ومن قرأ سورة المزّمّل رفع (دفع ـ خ) عنه العسر في الدنيا والآخرة.
۲۵۹۴۶

۳۷۹ (۱۷۹) جابر از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «سورهٔ «سأل سائل» را زیاد بخوانید زیرا کسی که آن را زیاد بخواند خداوند در روز قیامت به خاطر گناهانش او را مورد بازخواست قرار ندهد و او را با حضرت محمّدﷺ و خاندانش در بهشت ساکن گرداند انشاء الله.»

در تفسیر مجمع البیان این روایت به عوض «هر کس زیاد بخواند»، «هر کس بر خواندن این مداومت ورزد» می‌باشد.

فضیلت سوره «نوح»

۳۸۰ (۱۸۰) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «نوحؑ» را بخواند جزو مؤمنانی خواهد بود که دعای حضرت نوحؑ او را شامل شود.»[1]

فضیلت سوره «جنّ»

۳۸۱ (۱۸۱) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «جنّ» را بخواند، خداوند به تعداد هر جنّ و شیطانی که پیامبرﷺ را باور کرده یا انکار کرده، ثواب آزاد کردن یک بنده به او خواهد داد.»

۳۸۲ (۱۸۲) حنّان بن سدیر از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «قُل اوحی الیّ» [یعنی: سوره «جنّ»] را زیاد بخواند شرّ خود اجنّه و شرّ در گره دمیدن‌شان و جادو و مکرشان به او نرسد و با حضرت محمّدﷺ محشور خواهد شد پس می‌گوید: ای پروردگار! من محضر پیامبرﷺ را با هیچ نعمت دیگری عوض نمی‌کنم و نمی‌خواهم که از او [به سوی نعمت دیگری] منحرف و متمایل شوم.»

۳۸۳ (۱۸۳) در کتاب فقه الرضاؑ آمده است: «هر کس سوره جنّ را بخواند نمی‌رسد به او...» (و دنبالهٔ حدیث را مانند حدیث پیشین تا آنجا که فرمود: «از مکرشان»، ذکر کرده است.)

فضیلت سوره «مزّمّل»

۳۸۴ (۱۸۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «مزّمّل» را بخواند در دنیا و آخرت سختی از او دور شود.»

---

۱. اشاره است به آیهٔ ۲۸ همین سوره که خداوند سبحان دعای حضرت نوحؑ را حکایت می‌فرماید که گفت: «پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و هر کسی را که مؤمن به خانهٔ من درآید، [همه را] بیامرز و بر ستمگران جز هلاکت نیفزای».

۳۸۵ ۲۵۹٤۷ (۱۸۵) **وفيه ۳۸۳/۵**: **أُبيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ ومن قرأ سورة المدّثّر أُعطي من الأجر عشر حسنات بعدد من صدق بمحمد ﷺ وكذب به بمكّة.

۳۸٦ ۲۵۹٤۸ (۱۸٦) **وفيه ۳۹۳/۵**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ ومن قرأ سورة القيامة شهدت أنا وجبرئيل له يوم القيامة انّه كان مؤمناً بيوم القيامة وجاء ووجهه مسفرّ على وجوه الخلايق يوم القيامة مستدرك ۳۵۵/٤: ورواه الراوندي عنه ﷺ (مثله).

۳۸۷ ۲۵۹٤۹ (۱۸۷) **الثواب ۱٤۸**: بالاسناد المتقدم في الباب عن الحسن عن الحسين بن أبي العلا عن **أبي بصير** عن أبي جعفر ﷺ قال من ادمن قراءة ـ لااقسم ـ وكان يعمل بها بعثه اللّه عزّ وجلّ مع رسول اللّه ﷺ من قبره في احسن صورة ويبشّره ويضحك في وجهه حتّىٰ يجوز علىٰ الصراط والميزان. مجمع البيان ۳۹۳: عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ نحوه.

۳۸۸ ۲۵۹۵۰ (۱۸۸) **مجمع البيان ۴۰۲/۱۰**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة هل أتىٰ كان جزاؤه علىٰ اللّه جنّة وحريراً **مستدرك ۳۵۵/٤**: ورواه الراوندي عنه ﷺ مثله.

۳۸۹ ۲۵۹۵۱ (۱۸۹) **مجمع البيان ۴۰۲/۵**: قال أبو جعفر ﷺ من قرء سورة هل أتىٰ في كلّ غداة خميس زوّجه اللّه من الحور العين مأة عذراء واربعة آلاف ثيّب وكان مع محمد ﷺ.

۳۹۰ ۲۵۹۵۲ (۱۹۰) **مجمع البيان ٤١٤/٥**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة والمرسلات كتب انّه ليس من المشركين.

۳۹۱ ۲۵۹۵۳ (۱۹۱) وروي عن أبي عبداللّه قال من قرأها عرّف اللّه بينه وبين محمد ﷺ.

۳۹۲ ۲۵۹۵٤ (۱۹۲) **الثواب ۱٤۹**: بالاسناد المتقدّم عن الحسن عن الحسين بن عمرو (عمر ـ ئل) الرماني عن أبيه عن أبي عبداللّه ﷺ قال من قرأ ـ والمرسلات عرفاً ـ عرّف اللّه بينه وبين محمد ﷺ ومن قرأ ـ عمّ يتساءلون ـ لم تخرج سنته إذا كان يدمنها في كلّ يوم

فضیلت سوره «مدّثّر»

۳۸۵ (۱۸۵) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «مدّثّر» را بخواند به اندازهٔ هر یک نفری که حضرت محمّدﷺ را تصدیق کرده و یا تکذیب کرده، ده حسنه پاداش خواهد داشت.»

فضیلت سوره «قیامت»

۳۸۶ (۱۸۶) ابیّ بن کعب از رسول گرامی اسلام روایت کرده که فرمودند: «هر کس سوره «قیامت» را بخواند من و جبرئیل روز قیامت گواهی دهیم که او به روز قیامت ایمان داشت و روز قیامت خواهد آمد در حالی که چهره‌اش بر روی چهره‌های اهل محشر نور انداخته است.»

۳۸۷ (۱۸۷) ابوبصیر از امام باقرؑ روایت کرده است که فرمود: «هر کس بر خواندن سوره «لا أُقسم» [یعنی: «سورهٔ «قیامت»] مداومت ورزد و به آن عمل کند، خداوندﷻ او را از قبرش با زیباترین چهره با پیامبر خداﷺ برانگیزاند و پیامبرﷺ او را [به بهشت] مژده می‌دهد و به چهره‌اش تبسّم می‌کند تا اینکه از صراط و ترازوی عمل بگذرد.»

فضیلت سوره «انسان» یا «دَهر»

۳۸۸ (۱۸۸) ابیّ بن کعب از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «هل أتیٰ» را بخواند پاداش او نزد خداوند، بهشت و [لباس‌های] ابریشمی است.»

۳۸۹ (۱۸۹) در تفسیر مجمع البیان نقل شده است که امام باقرؑ فرمود: «هر کس سوره «هل أتی» را در هر صبح پنجشنبه بخواند، خداوند صد حور العین باکره و چهارهزار غیر باکره به او تزویج نماید و با حضرت محمّدﷺ همنشین خواهد بود.»

فضیلت سوره «مرسلات»

۳۹۰ (۱۹۰) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس سوره «والمرسلات» را بخواند خداوند او را جزو مشرکان قرار ندهد.»

۳۹۱ (۱۹۱) از امام صادقؑ روایت شده که فرمود: «هر کس سوره «والمرسلات» را بخواند میان او و حضرت محمّدﷺ آشنایی برقرار کند.»

فضیلت سوره «النازعات» و «نبأ»

۳۹۲ (۱۹۲) حسین بن عمر رمّانی از پدرش و او از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس «والمرسلات عرفاً» را بخواند خداوند میان او و حضرت محمّدﷺ آشنایی برقرار کند و هر کس سورهٔ «عمّ یتسائلون» را بخواند اگر هر روز به طور مداوم آن را بخواند همان سال به پایان نرسد مگر اینکه

حتّىٰ يزور بيت اللّه الحرام ان شاء اللّه ومن قرأ ـ والنّازعات ـ لم يمت إلّا ريّاناً ولم يبعثه اللّه إلّا ريّاناً ولم يدخله الجنّة إلّا ريّاناً **فقه الرضا**ؑ ۳۴۳: ومن قرأ النازعات (وذكر مثله).

۳۹۳ ۲۵۹۵۵ (۱۹۳) **المكارم** ۳۶۵: عن أبي عبداللّهؑ من قرأ سورة والنازعات لم يدخله اللّه الجنّة إلّا ريّان ولا يدركه في الدنيا شقاء ابداً وروي انّها شفاء لمن سقي سمّاً او لدغه ذو حمّة من ذوات السّموم.

۳۹۴ ۲۵۹۵۶ (۱۹۴) **مجمع البيان** ۵/ ۴۲۰: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة عمّ يتساءلون سقاه اللّه برد الشراب يوم القيامة.

۳۹۵ ۲۵۹۵۷ (۱۹۵) **وفيه** ۵/ ۴۲۸: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة والنّازعات لم يكن حبسه وحسابه يوم القيامة إلّا كقدر صلاة مكتوبة حتّىٰ يدخل الجنّة.

۳۹۶ ۲۵۹۵۸ (۱۹۶) **مستدرك** ۴/ ۳۵۶: **الراوندي** قال النبيّ ﷺ من قرأ سورة النّازعات كان مستأنساً في القبر وفي القيامة حتّىٰ يدخل الجنّة.

۳۹۷ ۲۵۹۵۹ (۱۹۷) **مجمع البيان** ۵/ ۴۳۵: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة عَبَس جاء يوم القيامة ووجهه ضاحك مستبشر.

۳۹۸ ۲۵۹۶۰ (۱۹۸) **الثواب** ۱۴۹: بالإسناد عن الحسن عن **معاوية** بن وهب عن أبي عبداللّهؑ قال من قرأ سورة ﴿**عَبَسَ وتولّىٰ**﴾ و﴿**إذا الشّمس كوّرت**﴾ كان تحت جناح اللّه من الخيانة وفي ظلّ اللّه وكرامته وفي جنانه ولا يعظم ذلك على ربّه ان شاء اللّه.

۳۹۹ ۲۵۹۶۱ (۱۹۹) **مجمع البيان** ۵/ ۴۴۱: **ابيّ بن كعب** عن النّبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة ﴿**إذا الشّمس كوّرت**﴾ اعاذه اللّه تعالىٰ ان يفضحه حين تنشر صحيفته.

۴۰۰ ۲۵۹۶۲ (۲۰۰) **وفيه** ـ **ابن عمر** قال قال رسول اللّه ﷺ من أحبَّ ان ينظر إليّ يوم القيامة فليقرأ ﴿**إذا الشّمس كوّرت**﴾.

به زیارت بیت الله الحرام مشرّف شود اگر خدا بخواهد و کسی که سوره «والنازعات» را بخواند، نمیرد مگر سیراب و [در قیامت] زنده نشود مگر سیراب و به بهشت وارد نشود مگر اینکه سیراب باشد.»

(۱۹۳) در کتاب مکارم الاخلاق از امام صادقؑ روایت شده که حضرت فرمود: «هر ۳۹۳
کس«والنازعات» را بخواند سیراب به بهشت وارد شود و در دنیا بدبختی دامنگیر او نشود.»

و روایت شده که: «این سوره [«النازعات»] برای کسی که زهری خورده یا جانور نیش دار سمّی [مثل مار و عقرب و زنبور] او را گزیده، شفابخش است.»

(۱۹۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «عمّ یتسائلون» را بخواند ۳۹۴
خداوند در روز قیامت به او شراب سرد [گوارای بهشتی] بنوشاند.»

(۱۹۵) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس سوره «والنازعات» را ۳۹۵
بخواند زمان ماندن و حساب پس دادنش در روز قیامت به اندازهٔ خواندن یک نماز واجب طول خواهد کشید که [پس از آن] به بهشت داخل شود.»

(۱۹۶) در کتاب مستدرک الوسائل نقل شده که پیامبرﷺ فرمود: «هر کس سوره «النازعات» را ۳۹۶
بخواند [این سوره] انیس او خواهد بود در قبر و در قیامت تا اینکه وارد بهشت شود.»

فضیلت سوره «عَبَس»

(۱۹۷) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «عَبَس» را بخواند روز قیامت ۳۹۷
در حالی که چهره‌اش خندان و خوشحال است، بیاید.»

فضیلت سوره «تکویر»

(۱۹۸) معاویة بن وهب از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «عَبَس و تولّی» و ۳۹۸
سورهٔ «اذا الشمس کوّرت» را بخواند، در زیر بال خداوند از خیانت مصون باشد و در سایهٔ خداوند و کرامت اوست و به بهشت خداوند خواهد رفت و این پاداش‌ها پیش خداوند بزرگ، زیاد نیست وقتی خودش بخواهد.»

(۱۹۹) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «اذا الشمس کوّرت» را بخواند ۳۹۹
خداوند او را در پناه خود از رسوا شدن در وقتی که نامهٔ عملش باز می‌شود، حفظ نماید.»

(۲۰۰) ابن عمر از پیامبر خداﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس دوست دارد که در روز ۴۰۰
قیامت مرا ببیند و به من نگاه کند پس باید سوره «اذا الشمس کوّرت» را بخواند.»

٤٠١ (۲۰۱)**وفيه ۴۴۷/۵: ابيّ بن كعب** قال قال النبيّ ﷺ ومن قرأ (سورة الانفطار) اعطاه اللّه من
٢٥٩٦٣
الاجر بعدد كلّ قبر حسنة وبعدد كل قطرة مأة حسنة واصلح اللّه شأنه يوم القيامة مستدرك ۳۵۷/۴: ورواه الراوندي عنه ﷺ مثله.

٤٠٢ (۲۰۲)**مجمع البيان ۵/ ۴۵۱: ابيّ بن كعب** قال قال النّبيّ ﷺ ومن قرأ (سورة المطفّفين) سقاه
٢٥٩٦٤
اللّه من الرحيق المختوم يوم القيامة مستدرك ۳۵۷/۴: ورواه الراوندي عنه ﷺ مثله.

٤٠٣ (۲۰۳)**مجمع البيان ۴۵۸/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ سورة انشقّت اعاذه
٢٥٩٦٥
اللّه ان يعطيه كتابه وراء ظهره.

٤٠٤ (۲۰۴)**وفيه ۴۶۳/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ ومن قرأ (سورة البروج) أعطاه اللّه من
٢٥٩٦٦
الاجر بعدد كلّ يوم جمعة وكلّ يوم عرفة يكون في دار الدنيا عشر حسنات.

٤٠٥ (۲۰۵)**وفيه ۴۶۹/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ (سورة الطّارق) اعطاه اللّه
٢٥٩٦٧
بعدد كلّ نجم في السّماء عشر حسنات.

٤٠٦ (۲۰۶)**وفيه ۴۷۲/۵: ابيّ بن كعب** قال قال رسول اللّه ﷺ من قرأ (سورة الأعلىٰ) اعطاه اللّه
٢٥٩٦٨
من الاجر عشر حسنات بعدد كلّ حرف انزله اللّه علىٰ إبراهيم وموسىٰ ومحمّد ﷺ.

٤٠٧ (۲۰۷)**وفيه ۴۷۲/۵**: وروي عن عليّ بن أبي طالب ؏ قال كان رسول اللّه ﷺ يحبّ هذه
٢٥٩٦٩
السورة سَبِّحِ اَسمَ ربِّكَ الأعلىٰ واوّل من قال سبحان ربّي الاعلىٰ ميكائيل.

٤٠٨ (۲۰۸)**البحار ۳۲۲/۹۲**: الدرّ المنثور عن عليّ ؏ قال كان رسول اللّه ﷺ يحبّ هذه السورة
٢٥٩٧٠
﴿**سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلىٰ**﴾.

فضیلت سوره «انفطار»

۴۰۱ (۲۰۱) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «انفطار» را بخواند خداوند به تعداد هر قبری که وجود دارد یک حسنه و به عدد هر قطره، صد حسنه به او پاداش عطا کند و در روز قیامت، کار او را اصلاح کند.»

فضیلت سوره «مطفّفین»

۴۰۲ (۲۰۲) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ نقل کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر کس سوره «مـطفّفین» را بخواند، خداوند در روز قیامت از آن بادهٔ بهشتی مُهر و موم شده [و دست نخورده] به او بنوشاند.»[۱]

فضیلت سوره «انشقاق»

۴۰۳ (۲۰۳) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «انشقّت» را بخواند، خداوند او را در پناه خود از اینکه نامهٔ عملش از پشت سر به او داده شود، حفظ نماید.»

فضیلت سوره «بُروج»

۴۰۴ (۲۰۴) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «بروج» را بخواند به تعداد هر روز جمعه و هر روز عرفه که در این دنیا بوده، ده حسنه به او پاداش خواهد داد.»

فضیلت سوره «طارق»

۴۰۵ (۲۰۵) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «الطارق» را بخواند خداوند به تعداد هر ستاره‌ای که در آسمان است، ده حسنه به او پاداش دهد.»

فضیلت سوره «اعلی»

۴۰۶ (۲۰۶) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «اعلیٰ» را بخواند خداوند به تعداد هر حرفی که بر حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت محمّدﷺ نازل کرده، ده حسنه به او پاداش خواهد داد.»

۴۰۷ (۲۰۷) در تفسیر مجمع البیان از علیؑ نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ سوره «سبّح اسم ربّک الاعلی» را دوست داشت و نخستین کسی که گفت: «سبحان ربیّ الاعلی» میکائیل بود.»

۴۰۸ (۲۰۸) در کتاب بحار الانوار از علیؑ نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ این[یعنی:] «سبّح اسم ربّک الاعلی» را خیلی دوست داشت.»

---

۱. اشاره است به آیهٔ (۲۵) همین سوره که «نیکوکاران از بادهٔ مُهر شده نوشانیده شوند.» (مترجم).

٤٠٩ (۲۰۹) **مجمع البيان ۴۷۷/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرأ (سورة الغاشية) حاسبه اللّه
٢٥٩٧١
حساباً يسيراً.

٤١٠ (۲۱۰) **وفيه ۵/ ۴۸۱: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ (سورة الفجر) في ليال عشر
٢٥٩٧٢
غفر اللّه له ومن قرأها سائر الايّام كانت له نوراً يوم القيامة مستدرك ۳۵۸/۴: ورواه الراوندي بادنىٰ تغيير.

٤١١ (۲۱۱) **مجمع البيان ۵/ ۴۹۰: أبي بن كعب** قال قال رسول ﷺ من قرأ (سورة البلد) اعطاه
٢٥٩٧٣
اللّه الأمن من غضبه يوم القيامة.

٤١٢ (۲۱۲) **وفيه ۴۹۶/۵: ابيّ بن كعب** عنه ﷺ قال من قرأ (سورة الشّمس) فكأنّما تصدّق بكلّ
٢٥٩٧٤
شيء طلعت عليه الشّمس والقمر.

٤١٣ (۲۱۳) **الثواب ۱۵۱**: أبي ﷺ قال حدّثني أحمد بن ادريس قال حدّثني محمد بن أحمد قال
٢٥٩٧٥
حدّثني محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن **معاوية بن عمّار** عن أبي عبداللّه ﷺ قال من اكثر قراءة والشّمس وضحٰها واللّيل إذا يغشىٰ والضّحىٰ وألم نشرح في يوم او ليلة لم يبق شيء بحضرته إلّا شهد له يوم القيامة حتىٰ شَعْره وبشره ولحمه ودمه وعروقه وعصبه وعظامه وجميع ما اقلّت الأرض منه ويقول الرّبّ تبارك وتعالىٰ قبلت شهادتكم لعبدي واجزتها له انطلقوا به إلى جناني حتّىٰ يتخيّر منها حيث ما احبّ فاعطوه إيّاها من غير مَنٍّ منّي ولكن رحمة منّي وفضلاً عليه فهنيئاً هنيئاً لعبدي.

٤١٤ (۲۱۴) **مجمع البيان ۴۹۹/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال من قرأ (سورة واللّيل) اعطاه
٢٥٩٧٦
اللّه حتّىٰ يرضىٰ وعافاه من العسر ويسّر له اليسر.

فضیلت سوره «غاشیه»

(۲۰۹) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس سوره «غاشیه» را ۴۰۹
بخواند، خداوند از او آسان حساب بکشد.»

فضیلت سوره «فجر»

(۲۱۰) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «فجر» را در شب‌های ده‌گانه ۴۱۰
از اوّل ماه ذی الحجه تا شب دهم بخواند خداوند او را بیامرزد و کسی که این سوره را در غیر شب‌های دهۀ ذی الحجّه بخواند، این سوره در روز قیامت نور روشنایی بخش او خواهد بود.»

فضیلت سوره «بلد»

(۲۱۱) ابیّ بن کعب از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «بلد» را بخواند خداوند در ۴۱۱
روز قیامت او را از خشم خود ایمن گرداند.»

فضیلت سوره «الشمس»

(۲۱۲) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «الشمس» را بخواند گویی به ۴۱۲
اندازۀ آنچه که [در روی زمین است و] خورشید بر آن می‌تابد، صدقه داده است.»

(۲۱۳) معاویة بن عمّار از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس در روز یا در شب «والشمس ۴۱۳
وضحٰیها» و سوره «واللیل اذا یغشی» و سوره «والضّحی» و سوره «الم نشرح» را زیاد بخواند تمام چیزهایی که در حضور اوست حتّی مو، پوست، گوشت، خون، رگ‌ها، رشته‌های عصبی و استخوان‌هایش و تمام قسمت‌های زمین که حامل او بوده [و او بر روی آن راه رفته] همه و همه در روز قیامت به نفع او گواهی دهند و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: گواهی شما را در حقّ بنده‌ام پذیرفتم و آن را امضاء کردم او را به بهشتم ببرید تا هر جایی از آن بهشت را که دوست دارد برگزیند پس بدون منّتی از طرف من، آنجا را به او دهید. این نه منّت است بلکه رحمت و عنایتی است از جانب من برای او پس گوارا باد برای بندۀ من، گوارا باد.»

فضیلت سوره «واللیل»

(۲۱۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «واللیل» را بخواند خداوند ۴۱۴
آنقدر به او [از نعمت‌های بهشتی] بدهد تا راضی شود و او را از سختی و تنگدستی برهاند و آسودگی و گشایش در کار او آورد.»

٤١٥ ۲٥۹۷۷ (۲۱۵) **وفيه ۵۰۳/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ قال ومن قرأ (سورة والضّحىٰ) كان ممّن يرضاه اللّه ولمحمّد ﷺ ان يشفع له وله عشر حسنات بعدد كلّ يتيم وسائل.

٤١٦ ۲٥۹۷۸ (۲۱۶) **وفيه ۵۰۷/۵: ابيّ بن كعب** عنه ﷺ قال ومن قرأ سورة ألم نشرح أُعطي من الاجر كمن لقي محمّداً ﷺ مغتمّاً ففرّج عنه.

٤١٧ ۲٥۹۷۹ (۲۱۷) **وفيه ۵۱۰/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرأ (سورة والتّين) اعطاه اللّه خصلتين العافية واليقين مادام في دار الدّنيا فإذا مات اعطاه اللّه من الأجر بعدد من قرأ هذه السورة صيام يوم مستدرك ۳۵۹/۴: ورواه الراوندي مثله.

٤١٨ ۲٥۹۸۰ (۲۱۸) **مجمع البيان ۵۱۲/۵: ابي بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرأ سورة العلق فكأنّما قرأ المفصّل كلّه.

٤١٩ ۲٥۹۸۱ (۲۱۹) **الثواب ۱۵۱**: بالاسناد المتقدّم في الباب عن الحسن عن ابن مسكان عن سليمان بن خالد عن أبي عبداللّه ﷺ قال من قرأ في يومه او ليلته ـ اقرأ باسم ربّك ـ ثمّ مات في يومه او ليلته مات شهيداً وبعثه اللّه شهيداً واحياه شهيداً وكان كمن ضرب بسيفه في سبيل اللّه مع رسول اللّه ﷺ.

٤٢٠ ۲٥۹۸۲ (۲۲۰) **مجمع البيان ۵۱۶/۵: ابيّ بن كعب** عن النبيّ ﷺ من قرأ سورة القدر أُعطي من الاجر كمن صام رمضان واحيا ليلة القدر مستدرك ۳۹۰/۴: الراوندي عنه ﷺ مثله.

٤٢١ ۲٥۹۸۳ (۲۲۱) **مستدرك ۳۶۰/۴**: الطبرسي عن الصّادق ﷺ انّه قال من قرأ هذه السورة (اي سورة القدر) في كلّ ليلة نادىٰ مناد استأنف العمل فقد غفر لك.

فضیلت سوره «ضُحیٰ»

(۲۱۵) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «والضُحیٰ» را بخواند جزو ۴۱۵
کسانی می‌شود که خداوند از آن‌ها راضی می‌باشد و [حضرت] محمّدﷺ او را شفاعت نماید و به تعداد هر یتیم و فقیر گدایی کننده‌ای ده حسنه به او داده شود.»

فضیلت سوره «شرح»

(۲۱۶) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «ألم نشرح» را بخواند به ۴۱۶
اندازهٔ همهٔ کسانی که غصّه‌دار به خدمت پیامبرﷺ رسیدند و پیامبرﷺ [مشکل آن‌ها را حل کرد و] غصّه را از آنان زدود، پاداش داده شود.»

فضیلت سوره «تین»

(۲۱۷) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس سوره «والتّین» را ۴۱۷
بخواند خداوند به او دو خصلت دهد که تا زنده است همراه با او باشد: سلامتی و ایمان یقینی و هر گاه بمیرد خداوند به تعداد هر فردی که این سوره را خوانده ثواب روزهٔ یک روز را به او مرحمت فرماید.»

فضیلت سوره «عَلَق»

(۲۱۸) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «عَلَق» را بخواند گویی تمام ۴۱۸
قرآن را به تفصیل خوانده است.»

(۲۱۹) سلیمان بن خالد از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس در روزی یا در شبی «اِقْرأ ۴۱۹
باسم ربّک» را بخواند و [از قضا] در همان روز یا در همان شب از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است و [در قیامت] خداوند او را شهید برانگیزاند و به صورت شهید او را زنده گرداند و مثل کسی باشد که همراه پیامبر خداﷺ در راه خدا [جنگیده و] شمشیر زده است.»

فضیلت سوره «قدر»

(۲۲۰) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «قدر» را بخواند به اندازهٔ ۴۲۰
ثواب کسی که ماه رمضانی روزه گرفته و شب قدر را به عبادت گذرانده است، پاداش داده شود.»

(۲۲۱) در کتاب مستدرک الوسائل از امام صادقؑ نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر کس این ۴۲۱
سوره (سورهٔ «قدر») را هر شب بخواند هاتفی صدا زند که عمل را از سر بگیر چون آمرزیده شدی.»

۴۲۲ (۲۲۲)**کافي** ۶۲۱/۲: محمد بن يحيیٰ عن أحمد بن محمد الثواب ۱۵۲: أبي ﷺ عن سعد بن ۲۵۹۸۴
عبداللّه عن أحمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن **سيف** بن عميرة عن رجل عن أبي جعفر ﷺ قال من قرأ أنّا انزلناه في ليلة القدر يجهر بها صوته كان كالشاهر سيفه في سبيل اللّه عزّ وجلّ ومن قرأها سرّاً كان كالمتشحّط بدمه في سبيل اللّه ومن قرأها عشر مرّات غفرت له علیٰ نحو (محو ـ خ) الف ذنب من ذنوبه.

۴۲۳ (۲۲۳) **کافي** ۳۱۶/۵: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن عليّ بن سليمان عن ۲۵۹۸۵
أحمد بن الفضل [عن] أبي عمرو الحذّاء قال ساءت حالي فكتبت إلى أبي جعفر ﷺ فكتب اليّ أدم قراءة ـ إنّا ارسلنا نوحاً إلى قومه قال فقرأتها حولاً فلم أرَ شيئاً فكتبت اليه أخبره بسوء حالي وأنّي قد قرأت انّا ارسلنا نوحاً إلى قومه حولاً أمرتني ولم أرَ شيئاً.

قال فكتب اليّ قد وفیٰ لك الحول فانتقل منها إلى قراءة ـ انّا انزلناه ـ قال ففعلت فما كان إلّا يسيراً حتّیٰ بعث إليّ ابن أبي داود فقضیٰ عنّي ديني وأجریٰ عليّ وعلیٰ عيالي ووجهني إلى البصرة في وكالته بباب كلاّء[1] واجریٰ عليّ خمسمأة درهم.

وكتبت من البصرة علیٰ يدي عليّ بن مهزيار إلى أبي الحسن ﷺ اني كنت سألت أباك عن كذا وكذا وشكوت إليه كذا وكذا وانّي قد نلت الذي احببت فاحببت ان تخبرني يا مولاي كيف اصنع في قراءة ـ انّا انزلناه ـ اقتصر عليها وحدها فى فرائضي وغيرها ام اقرأ معها غيرها ام لها حدّ اعمل به فوقّع ﷺ وقرأت التوقيع، لاتدع من القرآن قصيرة وطويلة ويجزئك من قراءة ـ اناانزلناه ـ يومك وليلتك مأة مرّة.

---

۱. كلاّء ـ ككتان ـ موضع بالبصرة.

۴۲۲ (۲۲۲) سیف بن عمیره با یک واسطه از امام باقر﵇ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس«انّا انزلناه فی لیلة القدر» را با صدای بلند بخواند [به گونه‌ای که جوهر صدایش آشکار شود] همانند کسی است که شمشیر خویش برهنه کرده و در راه خدا [جنگیده است] و هر کس آن را آرام و زیر لب بخواند مثل کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و هر کس ده بار این سوره را بخواند به مقدار هزار گناه از گناهانش آمرزیده شود.»

۴۲۳ (۲۲۳) ابوعمرو حذّاء گوید: «حال و روزگارم بد شده بود [و بسیار تنگدست و بدهکار بودم] طیّ نامه‌ای به امام محمد جواد﵇ عرض حال کردم. حضرت پاسخ فرمود: بر خواندن سوره «انّا ارسلنا نوحاً الٰی قومه»[1] مداومت ورز. راوی گوید: یک سال این سوره را می‌خواندم ولی اثری ندیدم، دوباره [خدمت آقا امام نهم﵇] نامه نوشتم و وضعیّت سخت خود را یادآوری کردم و نوشتم که من یک سال سوره «نوح» را [به توصیهٔ حضرتعالی] خواندم ولی نتیجه نگرفتم. حضرت در پاسخ نوشت: حالا که یک سال کامل خواندی و نتیجه نگرفتی پس اینک از آن سوره به خواندن سوره «انّا انزلناه» یعنی سورهٔ «قدر» منتقل شو. راوی گفت: من همین کار را کردم پس طولی نکشید مگر اینکه ابن ابی داود مرا به حضور خود خواند و تمام قرض‌هایم را ادا کرد و یک مستمرّی ماهانه برای خودم و خانواده‌ام برقرار نمود و مرا به نمایندگی خویش به «بصره» به محلّهٔ «کلّاء» فرستاد و ماهی پانصد درهم حقوق برایم تعیین کرد.

و من از بصره نامه‌ای نوشتم و با دست علیّ بن مهزیار نامه‌ای به خدمت [امام دهم] امام هادی﵇ فرستادم به این مضمون که: من از پدر بزرگوارت [امام جواد﵇] دربارهٔ چیزهایی سؤال کردم و از حال و وضعی که داشتم به خدمتشان شکایت کردم و من [با عمل کردن به پاسخ آن بزرگوار] به آنچه که دوست داشتم رسیدم و اکنون دوست دارم ای مولای من که شما مرا آگاه کنید که در خواندن سوره «انا انزلناه» چه دستورات و آدابی را مراعات کنم؟ آیا فقط در نمازهای واجبم آن را بخوانم یا علاوه بر آن در غیر نمازهای واجب نیز آن را بخوانم؟ یا این که حدّ و اندازه‌ای دارد؟ حضرت پاسخ نوشت و دستخط حضرت را خواندم دیدم نوشته است: هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن را خواه کوتاه و خواه بلند فرو نگذار و در رابطه با سوره «انّا انزلناه» [= «قَدْر»] در هر شبانه روز صد بار بخوانی کافی است.»

---

۱. یعنی: سوره نوح که سوره ۷۱ قرآن کریم است.

٤٢٤ ٢٥٩٨٦ (۲۲۴) **مستدرك** ۳۶۲/۴: الشيخ إبراهيم الكفعمي في الجنّة الواقية عن الشيخ عزّ الدين الحسن بن ناصر بن إبراهيم الحدّاد العاملي في كتابه طريق النجاة الذي استظهر صاحب رياض العلماء انّه بعينه هو كتاب النجاة الذي ينقل عنه الحسن بن فضل الطبرسي في مكارم الاخلاق كثيراً عن الصادق عليه السلام النّور الذى يسعىٰ بين يدي المؤمن يوم القيامة نور انّا انزلناه.

٤٢٥ ٢٥٩٨٧ (۲۲۵) **وعنه** عليه السلام من قرأها حبّب إلى النّاس فلو طلب من رجل ان يخرج من ماله بعد قراءتها حين يقابله لفعل ومن خاف سلطاناً فقرئها حين ينظر إلى وجهه غلب به ومن قرأها حين يريد الخصومة اعطي الظفر ومن يشفع بها إلى اللّه شفّعه واعطاه سؤله. وقال عليه السلام لو قلت لصدقت انّ قارئها لايفرغ من قراءتها حتّى يكتب له براءة من النّار.

٤٢٦ ٢٥٩٨٨ (۲۲۶) **وفيه** عن الباقر عليه السلام من قرأها في ليلة مأة مرة رأي الجنة قبل أن يصبح.

٤٢٧ ٢٥٩٨٩ (۲۲۷) **وعنه** عليه السلام من قرأها الف مرّة يوم الاثنين والف مرّة يوم الخميس[1] إلّا خلق اللّه منها ملكاً يدعىٰ القويّ، راحته اكبر من سبع سماوات وسبع ارضين وخلق في جسده الف الف شعرة وخلق في كلّ شعرة الف لسان ينطق بكلّ لسان بقوّة الثّقلين يستغفرون لقائلها ويضاعف اللّه تعالىٰ استغفارهم الفى الف مرّة وكان عليّ عليه السلام إذا رأىٰ أحداً من شيعته قال رحم اللّه من قرأ انّا انزلناه.

---

۱. هكذا في المستدرك والظاهر ان لفظة إلّا زائدة او في العبارة سقط.

۴۲۴ (۲۲۴) شیخ عزّالدین حسن بن ناصر بن ابراهیم حدّاد عاملی در کتاب طریق النجاة نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «آن نوری که در روز قیامت در جلوی مؤمن دوان است، نور سوره «انّا انزلناه»[1] است.»

۴۲۵ (۲۲۵) و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر کس سوره «قَدْر» را بخواند مورد محبّت و علاقهٔ مردم قرار گیرد و اگر پس از خواندن این سوره با مردی روبرو شود و از او بخواهد که از مالش دست بردارد و آن را به او واگذار نماید، البتّه آن شخص این کار را انجام دهد و کسی که از پادشاهی هراس دارد وقتی با او روبرو شود این سوره را در حالی که به چهرهٔ پادشاه نگاه می‌کند بخواند، بر او غالب شود و کسی که در هنگام خصومت این سوره را بخواند بر خصم خود پیروز شود و هر کس این سوره را شفیع خود در درگاه الهی قرار دهد شفاعتش پذیرفته گردد و خداوند به [حرمت این سوره] خواستهٔ او را به او بدهد.

و حضرت صادق علیه السلام [در ادامهٔ فرمایشات خود] فرمود: اگر بگویم که تلاوت کنندهٔ این سوره هنوز تلاوتش را به پایان نرسانده مگر اینکه برایش امان‌نامه‌ای از آتش [دوزخ] نوشته می‌شود، راست گفته‌ام.»

۴۲۶ (۲۲۶) و از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت فرمود: «هر کس این سوره را در شب صدبار بخواند پیش از آن که صبح کند، بهشت را ببیند.»

۴۲۷ (۲۲۷) و از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر کس سوره «قدر» را در روز دوشنبه هزار بار و در روز پنجشنبه هزار بار بخواند، خداوند از آن، فرشته‌ای می‌آفریند که «نیرومند» نام دارد، کف دستش از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر است و بدنش یک میلیون مو دارد و هر مویی هزار زبان دارد که با هر زبان به اندازهٔ توان جنّ و انس، سخن می‌گوید و همگی برای خوانندهٔ این سوره استغفار می‌کنند و خداوند هم استغفار این زبان‌ها را دو میلیون برابر می‌کند و علی علیه السلام هرگاه یکی از شیعیانش را می‌دید، می‌گفت: خداوند رحمت کند کسی را که «انّا انزلناه» را می‌خواند.»

---

۱. اشاره است به آیهٔ (۱۲) سوره «حدید» که معنی آن این است: «آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش‌شان و به جانب راست‌شان دوان است [به آنان گویند:] امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است، در آن‌ها جاودانند، این است همان کامیابی بزرگ.».

٤٢٨ ٢٥٩٩٠ (٢٢٨) **وعنه**ﷺ لكلّ شيء ثمرة وثمرة القرآن انّا انزلناه ولكلّ شيء كنز وكنزالقرآن انّا انزلناه ولكلّ شيء عون وعون الضّعفاء انّا انزلناه ولكلّ شيء يسر ويسر المعسرين انّا انزلناه ولكلّ شيء سيّد وسيّد العلم انّا انزلناه ولكلّ شيء زينة وزينة القرآن انّا انزلناه ولكلّ شيء عصمة وعصمة المؤمنين أنّا انزلناه ولكلّ شيء هدىً وهدىٰ الصالحين انّا انزلناه ولكلّ شيء فسطاط وفسطاط المتعبّدين انّا انزلناه ولكلّ شيء بشرىٰ وبشرىٰ البرايا انّا انزلناه ولكلّ شيء حجّة والحجّة بعد النبيّﷺ (في) انّا انزلناه فآمنوا بها قيل وما الإيمان بها قال انّها تكون في كلّ سنة وكلّ ما ينزل فيها حقّ.

٤٢٩ ٢٥٩٩١ (٢٢٩) **وعنه**ﷺ هي نعم الرفيق المرء بها يقضي دينه ويعظم دينه ويظهر فلجه[1] ويطوّل عمره ويحسن حاله ومن كانت أكثر كلامه لقىٰ اللّه تعالىٰ صدّيقاً شهيداً.

٤٣٠ ٢٥٩٩٢ (٢٣٠) **وعنه**ﷺ ما خلق اللّه تعالىٰ ولا أعلم إلّا لقارئها في موضع كلّ ذرّة منه[2] حسنة.

٤٣١ ٢٥٩٩٣ (٢٣١) **وعنه**ﷺ ابىٰ اللّه تعالىٰ ان يأتي علىٰ قارئها ساعة لم يذكره باسمه ويصلّي عليه ولن تطرف عين قارئها إلّا نظر اللّه إليه ويترحّم عليه أبىٰ اللّه ان يكون احد بعد الأنبياء والاوصياء اكرم عليه من رعاة انّا انزلناه ورعايتها التلاوة لها ابىٰ اللّه ان يكون عرشه وكرسيّه اثقل من الميزان من اجر قارئها اَبَىٰ اللّه ان يكون ما احاط به الكرسيّ اكثر من ثوابه اَبَى اللّه ان يكون لأحد من العباد عنده سبحانه منزلة افضل من منزلته اَبَىٰ اللّه ان يسخط

---

١. الفلج: الظفر والفوز.
٢. هٰكذا في الأصل.

(۲۲۸) و از امام باقرؑ نیز روایت شده که حضرت فرمود: «هر چیزی را میوه‌ای است و میوهٔ قرآن
۴۲۸ «انّا انزلناه» است و هر چیزی را گنجی است و گنج قرآن «انّا انزلناه» است و هر چیزی را یاوری است
و یاور ضعیفان «انّا انزلناه» است و هر چیزی را گشایشی است و گشایش درماندگان «انّا انزلناه» است
و برای هر چیز، بازدارنده از گناه است و باز دارندهٔ مؤمنان از گناه، «انّا انزلناه» است و هر چیزی را
راهنمایی است و راهنمای نیکان «انّا انزلناه» است و برای هر چیز سروری است و سرور علم و
دانش، «انّا انزلناه» است و هر چیزی را زیوری است و زیور قرآن «انّا انزلناه» است و هر کسی را
خیمه‌ای است و خیمهٔ عابدان «انّا انزلناه» است و برای هر چیزی برهانی است و برهان پس از
پیامبرﷺ «انّا انزلناه» است. پس به این سوره ایمان بیاورید. از حضرت پرسیدند: به چه سان به آن
ایمان بیاوریم؟ حضرت فرمود: [ایمان بیاورید به اینکه:] [مضمون] این سوره در هر سال [در شب
قدر] رخ خواهد داد و هر چه در آن شب نازل می‌شود عین حقیقت است.»

۴۲۹ (۲۲۹) و از امام باقرؑ روایت شده که فرمود: «سورهٔ «قدر» خوب رفیقی است. انسان به واسطهٔ
این سوره می‌تواند قرض خود را پرداخت نماید و بر ایمان خود بیفزاید و در کار بستهٔ خود گشایش
آورد و عمر خویش دراز گرداند و حال و وضع خود را نیکو گرداند و کسی که بیشتر گفتارش را خواندن
همین سوره تشکیل دهد در منزلت صدّیق شهید، خداوند متعال را ملاقات خواهد کرد.»

۴۳۰ (۲۳۰) و باز از آن حضرتؑ روایت شده که فرمود: «نیست آفریده‌ای از آفریده‌های خداوند متعال
که من قصد اعلام و بیان آن‌ها را ندارم مگر اینکه به اندازهٔ هر ذرّه‌ای از آن، برای تلاوت کنندهٔ«قدر»
حسنه است.»

۴۳۱ (۲۳۱) و از حضرت باقرؑ روایت شده که فرمود: «خداوند متعال امتناع ورزیده از اینکه ساعتی بر
خوانندهٔ سوره «انّا انزلناه» بگذرد و خداوند او را با نام و نشانش یاد نکند و بر او صلوات می‌فرستد و
چشم قاری این سوره به هم نمی‌خورد مگر اینکه خداوند به او نظر رحمت کند و بر او ترحّم نماید و
هیچ کس پس از پیامبران و اوصیای ایشان در نزد خداوند از رعایت کنندگان «انّا انزلناه» گرامی‌تر
نباشد و رعایت کردن آن، خواندن آن است. خداوند خودداری کرده است از اینکه عرش و کرسی‌اش
در سنجش از پاداش قاری این سوره سنگین‌تر باشد. خداوند امتناع ورزیده از اینکه آنچه که کرسی به
آن احاطه دارد، از ثواب این شخص خوانندهٔ سوره قدر بیشتر باشد. خداوند امتناع ورزیده است از

علىٰ قارئها ويسخطه قيل فما معنىٰ يسخطه قال لا يسخطه بمنعه حاجة اَبَىٰ اللّه ان يكتب ثواب قارئها غيره او يقبض روحه سواه اَبَىٰ اللّه ان يذكره جميع الملائكة إلّا بتعظيمه حتّىٰ يستغفروا لقارئها اَبَىٰ اللّه ان ينام قارئها حتّىٰ يحفّه بألف ملك يحفظونه حتّىٰ يصبح وبألف ملك حتّىٰ يمسي اَبَىٰ اللّه ان يكون شيء من النوافل اوحىٰ اللّه إليه افضل من قرائتها اَبَىٰ اللّه ان يرفع اعمال أهل القرآن إلّا ولقارئها مثل اجرهم.

٤٣٢ ٢٥٩٩٤ (۲۳۲) **وعنه**عليه السلام مافرغ عبدمن قرائتها إلّا صلّت عليه الملائكة سبعة ايام.

٤٣٣ ٢٥٩٩٥ (۲۳۳) **وعن** الباقر عليه السلام انّ لسورة القدر لساناً وشفتين ولقد نفخ اللّه فيها من روحه كما نفخ في آدم عليه السلام وانّها لفي البيت المعمور يطوف بها كلّ (يوم الف ـ خ) ملك معظّم حتّىٰ يمسون وانّها لفي قوائم العرش يطوف بها عند كلّ قائمة مأة الف ملك يعلمونها[1] إلى يوم القيامة وانّها لفي خزائن الرحمة.

٤٣٤ ٢٥٩٩٦ (۲۳۴) **وعن** الصادق عليه السلام من حفظها فكأنّما حفظ جملة العلم وعنه عليه السلام شغل الشيطان عن قارئها حين يدخل بيته ويخرج منه.

٤٣٥ ٢٥٩٩٧ (۲۳۵) **البحار** ۸۶/۱۶۱: البلد الامين عن الباقر عليه السلام ماقرأها (اي القدر) عبد سبع مـرّات بعد طلوع الفجر إلّا صلّىٰ عيه سبعون صفّاً من الملائكة سبعين صلاة وترحّموا عليه سبعين رحمة.

---

۱. يعملونها ظ.

اینکه مقام احدی از بندگان در پیشگاه آن خداوند پاک برتر از مقام او باشد، خداوند امتناع ورزیده از اینکه بر خوانندهٔ «اِنا انزلناه» خشم کند یا اینکه او بر خدا خشم کند. از حضرت پرسیده شد: بر خدا خشم کند یعنی چه؟ حضرت فرمود: خداوند او را با ندادن حاجتش خشمگین نمی‌کند. امتناع ورزیده است از اینکه غیر از خود خدا کسی دیگر ثواب او را بنویسد یا اینکه غیر خود خداوند او را قبض روح کند. امتناع ورزیده است خداوند از اینکه همهٔ فرشتگان از او یاد کنند مگر با تعظیم و تکریم او و استغفار برای او. امتناع ورزیده است خداوند از اینکه خوانندهٔ این سوره بخوابد مگر اینکه هزار فرشته بر او بگمارد که تا صبح از او پاسداری کنند و هزار فرشتهٔ دیگر بر او گمارد تا شب. خداوند، مستحبی با فضیلت‌تر از خواندن سوره «انّا انزلناه» وحی نکرده است و اعمال اهل قرآن و [مسلمانان] بالا نرود مگر اینکه به اندازهٔ پاداش آن‌ها به تلاوت کنندهٔ این سوره نیز داده شود.»

۴۳۲ (۲۳۲) و از آن امام بزرگوارعلیه السلام روایت شده که فرمود: «بنده‌ای از خواندن این سوره، فارغ نشود مگر اینکه فرشتگان تا هفت روز بر او صلوات فرستند.»

۴۳۳ (۲۳۳) و از امام محمّد باقرعلیه السلام روایت شده که فرمود: «سورهٔ «قدر» یک زبان و دو لب دارد و خداوند از روح خود بر او دمیده است همان طور که در حضرت آدمعلیه السلام دمید و این سوره در «بیت المعمور» است که هر روز هزار فرشتهٔ بزرگ تا غروب بر دور آن می‌چرخند و باز همین سوره در پایه‌های عرش الهی است که بر اطراف هر پایه صد هزار فرشته طواف می‌کنند و تا روز قیامت به تعلیم و تعلّم آن مشغولند و در حقیقت جای این سوره در گنجینه‌های رحمت الهی است.»

۴۳۴ (۲۳۴) از امام صادقعلیه السلام روایت شده که حضرت فرمود: «هر کس این سوره را حفظ کند پس گویی تمام دانش را حفظ کرده است.»

و نیز خود آن حضرت فرمودند: «شیطان از قرائت کنندهٔ سوره «قدر» در هنگام ورود و خروج به خانه‌اش منصرف می‌شود [پس برای دفع شیطان، خواندن سوره «قدر» در وقت بیرون رفتن از خانه و آمدن به خانه، مؤثر است.]

۴۳۵ (۲۳۵) در کتاب بحار الانوار از امام باقرعلیه السلام روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «هیچ بنده‌ای این سوره را بعد از طلوع سپیده دم نمی‌خواند مگر اینکه هفتاد صف از فرشتگان هر کدام هفتاد صلوات بر او فرستند و هفتاد رحمت برایش از خدا خواهند.»

٤٣٦ ٢٥٩٩٨ (۲۳۶) **عدّة الدّاعي ۲۷۵**: قرائة انّا انزلناه في ليلة القدر علىٰ ما يدّخر ويخبي[۱] حرز له ـ وورد بذلك الرواية عنهم عليهم السلام.

٤٣٧ ٢٥٩٩٩ (۲۳۷) **الثواب ۱۵۲**: أبي رحمه الله عن محمد بن يحيىٰ عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسّان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن سيف بن عميرة عن **أبى بكر الحضرمي** عن أبي جعفر عليه السلام قال من قرأ سورة لَمْ بريئاً من الشرك وادخل في دين محمد صلى الله عليه وآله وبعثه اللّه عزّ وجلّ مؤمناً وحاسبه حساباً يسيراً.

٤٣٨ ٢٦٠٠٠ (۲۳۸) **مجمع البيان ۵/۵۲۱**: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال ومن قرأ (سورة لَمْ يَكُنْ) كان يوم القيامة مع خير البريّة مسافراً ومقيماً.

٤٣٩ ٢٦٠٠١ (۲۳۹) **وفيه** عن ابي الدّرداء قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لو يعلم النّاس ما في لَمْ يَكُنَ لعطّلوا الأهل والمال وتعلّموها فقال رجل من خزاعة مافيها من الأجر يا رسول اللّه فقال لا يقرأها منافق ابداً ولا عبد في قلبه شكّ في اللّه عزّ وجلّ واللّه انّ الملائكة المقرّبين ليقرؤنها منذ خلق السماوات والأرض لا يفترون عن قراءتها وما من عبد يقرأها بليل إلّا بعث اللّه ملائكة يحفظونه في دينه ودنياه ويدعون له بالمغفرة والرحمة فان قرأها نهاراً أُعطي عليها من الثواب مثل ما اضاء عليه النهار وأظلم عليه اللّيل فقال رجل من قيس عيلان (غيلان خ) زدنا يا رسول اللّه من هذا الحديث فداك أبي وامّي فقال صلى الله عليه وآله تعلّموا عمّ يتساءلون وتعلّموا ق والقرآن المجيد وتعلّموا والسّماء ذات البروج وتعلّموا والسّماء والطّارق فانّكم لو تعلمون

---

۱. ويجنىٰ ـ خ.

(۲۳۶) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی گفته: «روایت از ائمهٔ معصومین علیهم السلام وارد شده که: خواندن
۴۳۶ سوره «انّا انزلناه فی لیلة القدر» هر مال گرانبهایی را که برای ذخیره [و روز مبادا] در جایی پنهان می‌کنند، در سنگر قرار می‌دهد [تا از سرقت و دیگر آفات مصون بماند].»

فضیلت سوره «بیّنه»

۴۳۷ (۲۳۷) ابوبکر حضرمی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «لم یکن»[1] را بخواند از آلودگی شرک پاک گردد و در دین حضرت محمّد صلی الله علیه و آله درآید و خداوند عزوجل او را مؤمن برانگیزاند و از او به آسانی حساب بکشد.»

۴۳۸ (۲۳۸) ابیّ بن کعب از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «لم یکن» را بخواند در روز قیامت با کسانی محشور شود که در سفر و حضر بهترین مردم بودند.»

۴۳۹ (۲۳۹) ابودرداء از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «اگر مردم می‌دانستند آنچه [از فوائد و فضایلی که] در سوره «لم یکن» است هر آینه زن، بچّه و مال را ترک می‌کردند و به یاد گرفتن آن می‌پرداختند. پس مردی از قبیلهٔ خزاعه گفت: ای پیامبر خدا! چه فضیلتی در آن است؟ حضرت فرمود: منافق و کسی که ذرّه‌ای شکّ در دلش نسبت به خداوند عزوجل باشد توفیق خواندن آن را پیدا نکند. به خدا سوگند که فرشتگان مقرّب درگاه الهی از ابتدای آفرینش آسمان‌ها و زمین از خواندن این سوره، دست بر نداشته‌اند و هیچ بنده‌ای نیست که در شب این سوره را بخواند مگر این که خداوند فرشتگانی را بفرستد تا دین و دنیای او را حفظ کنند و برای او به مغفرت و رحمت دعا نمایند و اگر در روز آن را بخواند به اندازهٔ آنچه که روز آن را روشن کرده و شب آن را تاریک کرده، ثواب برای او خواهد بود.

پس مردی از طایفه «عیلان» گفت: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم فدایت باد! از این گونه سخن [در فضیلت سوره‌ها] برای ما بیشتر بیان فرمایید. پس حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «عمّ یتسائلون» و «ق والقرآن المجید» و «السماء ذات البروج» و «السماء والطارق»[2] را یاد بگیرید که اگر می‌دانستید که در این

---

۱. سوره بیّنه که با «لم یکن» آغاز می‌شود.

۲. این چهار سوره به ترتیب مذکور در روایت عبارت است از: ۱ـ نبأ ۲ـ ق ۳ـ بروج ۴ـ طارق.

ما فيهن لعطّلتم ما انتم فيه وتعلّمتموهنّ وتقرّبتم إلى اللّه بهنّ وان اللّه يغفر بهنّ كلّ ذنب إلّا الشرك باللّه واعلموا انّ تبارك الذي بيده الملك تجادل عن صاحبها يوم القيامة وتستغفر له من الذنوب.

٤٤٠ ٣٦٠٠٢ (۲۴۰) **العيون** ۲/۳۷: بالإسناد المتقدّم في باب (۲۲) حرمة الزكاة المفروضة علىٰ من انتسب إلى هاشم بابيه ج ۹ ـ عن أحمد بن عبداللّه الهروي وداود بن **سليمان** الفرّاء عن علي بن موسىٰ الرضا عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قرأ سورة إذا زُلزلت الأرض اربع مرّات كان كمن قرأ القرآن كلّه ك ۳۶۷: صحيفة الرضا عليه السلام (مثله).

٤٤١ ٣٦٠٠٣ (۲۴۱) **مجمع البيان** ۵/۵۲۴: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ سورة إذا زُلزلت فكأنما قرأ البقرة واُعطي من الأجر كمن قرأ ربع القرآن.

٤٤٢ ٣٦٠٠٤ (۲۴۲) **الثواب** ۱۵۳: أبي رحمه الله عن محمد بن يحيىٰ عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن أبي عبداللّه المؤمن عن أبي مسكان عن **سليمان** بن خالد عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قرأ سورة العاديات وادمن قراءتها بعثه اللّه عزّ وجلّ مع أميرالمؤمنين عليه السلام يوم القيامة خاصّة وكان في حجره ورفقائه.

٤٤٣ ٣٦٠٠٥ (۲۴۳) **مجمع البيان** ۵/۵۲۷: **ابيّ بن كعب** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال من قرأ (سورة العاديات) اُعطي من الأجر عشر حسنات بعدد من بات بالمزدلفة وشهد جَمْعاً.

٤٤٤ ٣٦٠٠٦ (۲۴۴) **وفيه** ۵/۵۳۰: في حديث اُبيّ من قرأ سورة القارعة ثقّل اللّه بها ميزانه يوم القيامة مستدرك ۳۶۸: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عنه صلى الله عليه وآله مثله وزاد من قرأها عند النوم كفى.

٤٤٥ ٣٦٠٠٧ (۲۴۵) **الثواب** ۱۵۳: بالإسناد عن إسماعيل بن الزبير عن **عمرو** بن ثابت عن أبي جعفر عليه السلام قال من قرأ واكثر من قراءة القارعة آمنه اللّه عزّ وجلّ من فتنة الدجّال ان يؤمن به ومن قيح جهنّم.

سوره‌ها چه چیز است، کارهایی را که مشغول آن هستید ترک می‌کردید و این سوره‌ها را یاد می‌گرفتید و به واسطهٔ این سوره‌ها به خداوند نزدیک می‌شدید و خداوند به برکت این سوره‌ها جز شرک به خدا، هر گناه دیگری را می‌آمرزد و این را نیز بدانید که سوره «تبارک الذی بیده المُلک»[1] در روز قیامت از قاری خود دفاع می‌کند و برای گناهانش طلب آمرزش می‌نماید.»

فضیلت سوره «زلزال»

۴۴۰ (۲۴۰) داود بن سلیمان فراء از علی بن موسی الرضاؑ روایت کرده که آن حضرت از پدرانشؑ و آن‌ها از پیامبر خداﷺ نقل کرده‌اند که پیامبر خداﷺ فرمود: «هر کس سوره «اذا زلزلت» را چهار بار بخواند مثل کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد.»

۴۴۱ (۲۴۱) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «اذا زلزلت» را بخواند گویی سورهٔ «بقره» را خوانده است و پاداش کسی که یک چهارم قرآن را خوانده است به او داده شود.»

فضیلت سوره «العادیات»

۴۴۲ (۲۴۲) سلیمان بن خالد از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «العادیات» را بخواند و بر خواندن آن مداومت ورزد خداوندﷻ در روز قیامت او را با شخص امیر مؤمنان علیؑ محشور کند و در پناه آن حضرت و جزو رفیقان آن امام خواهد بود.»

۴۴۳ (۲۴۳) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «العادیات» را بخواند به عدد هر نفری که در «مزدلفه»[2] بیتوته کرده و شاهد اجتماع مردم در آنجا بوده، ده حسنه به او پاداش داده شود.»

فضیلت سوره «القارعه»

۴۴۴ (۲۴۴) در حدیثی از ابیّ بن کعب آمده است که: «هر کس سوره «القارعه» را بخواند خداوند در روز قیامت ترازوی حسنات او را سنگین گرداند.»

قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب همین حدیث را از پیامبرﷺ نقل کرده و اضافه کرده که: «هر کس این سوره را پیش از خوابیدن بخواند [از هر بلا و خطری] نگاه داشته شود.»

۴۴۵ (۲۴۵) عمرو بن ثابت از امام باقرؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «القارعه» را زیاد بخواند خداوندﷻ او را از فتنه و فریب دجّال و از اینکه به او ایمان بیاورد در امان بدارد و او را از [عذاب خوردن] چرک و خونابهٔ جهنّم حفظ کند.»

---

۱. یعنی: «سورهٔ مُلک».
۲. نام مکانی است در مکّهٔ معظّمه.

٤٤٦ (۲۴۶) **مجمع البيان** ۵۳۰/۵: **عمرو** بن ثابت عن أبي جعفر عليه السلام نحوه.
٣٦٠٠٨

٤٤٧ (۲۴۷) **مجمع البيان** ۵۳۲/۵: في حديث **أُبيّ** ومن قرأ (سورة التّكاثر) لم يحاسبه اللّه بالنعيم
٣٦٠٠٩
الذي انعم عليه في دار الدنيا وأُعطي من الأجر كأنّما قرأ الف آية.

٤٤٨ (۲۴۸) **وفيه** ۵۳۳/۵: عن درست عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قرء الهاكم
٣٦٠١٠
التّكاثر عند النّوم وُقِيَ فتنة القبر.

٤٤٩ (۲۴۹) **وفيه** ۵۳۵/۵: في حديث **أُبيّ** ومن قرأ سورة العصر ختم اللّه له بالصبر وكان مع
٣٦٠١١
أصحاب الحقّ يوم القيامة.

٤٥٠ (۲۵۰) **وفيه** ۵۳۶/۵: وفي حديث **ابيّ** من قرأ (سورة الهُمَزَة) أُعطي من الأجر عشر
٣٦٠١٢
حسنات بعدد من استهزأ بمحمّد صلى الله عليه وآله واصحابه.

٤٥١ (۲۵۱) **وفيه** ۵۳۹/۵: في حديث **ابيّ** من قرأ (سورة الفيل) عافاه اللّه ايّام حياته في الدنيا
٣٦٠١٣
من المسخ والقذف.

٤٥٢ (۲۵۲) **وفيه** ۵۴۳/۵: في حديث **ابيّ** من قرأ (سورة ايلاف) أُعطي من الأجر عشر حسنات
٣٦٠١٤
بعدد من طاف بالكعبة واعتكف بها.

٤٥٣ (۲۵۳) **الثواب** ۱۵۴: بالاسناد عن الحسن عن أبي المغرا عن **أبى بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام
٣٦٠١٥
قال من اكثر قراءة ـ لايلاف قريش ـ بعثه اللّه يوم القيامة على مركب من مراكب الجنّة حتّىٰ
يقعد على موائد النّور يوم القيّامة.

٤٥٤ (۲۵۴) **مجمع البيان** ۵۴۶/۵: في حديث **ابيّ** من قرأ (سورة أرأيت) غفر اللّه له ان كان
٣٦٠١٦
للزكاة مؤدّياً.

(۲۴۶) عمرو بن ثابت نیز از امام باقر﵇ روایت قبلی را نقل کرده است. ۴۴۶

فضیلت سوره «تکاثر»

(۲۴۷) ابیّ بن کعب در حدیثی [از پیامبرﷺ] نقل کرده که: «هر کس سوره «تکاثر» را بخواند، ۴۴۷
خداوند به خاطر نعمت‌هایی که در دنیا به او داده است او را محاسبه نکند و پاداش خواندن هزار آیه را به او مرحمت فرماید.»

(۲۴۸) درست از امام صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرموده: هر کس«الهاکم ۴۴۸
التکاثر» را قبل از خواب بخواند از عذاب قبر در امان باشد.»

فضیلت سوره «العصر»

(۲۴۹) ابیّ بن کعب [از پیامبرﷺ] روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «العصر» را بخواند خداوند ۴۴۹
کار او را با صبر، ختم [به خیر] کند و در روز قیامت در صف حق گرایان باشد.»

فضیلت سوره «هُمَزه»

(۲۵۰) در حدیث اُبیّ بن کعب آمده که [پیامبرﷺ فرمود:] «هر کس سوره «هُمزه» را بخواند به عدد ۴۵۰
هر نفری که حضرت محمّدﷺ و اصحابش را مورد استهزاء قرار داده، ده حسنه پاداش داده شود.»

فضیلت سوره «فیل»

(۲۵۱) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «فیل» را تلاوت کند خداوند ۴۵۱
در طول عمرش او را از مسخ شدن و از متّهم شدن به زنا معاف نماید.»

فضیلت سوره «ایلاف»

(۲۵۲) ابیّ بن کعب از رسول اللهﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «ایلاف» را بخواند به ۴۵۲
عدد هر نفر که بر کعبه طواف کرده و در آن معتکف شده، ده حسنه پاداش خواهد داشت.»

(۲۵۳) ابوبصیر از امام صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «لایلاف قریش» را زیاد ۴۵۳
بخواند او را روز قیامت بر مرکبی از مرکب‌های بهشتی سوار گردانند تا اینکه در کنار غذاهایی از نور بنشیند.»

فضیلت سوره «ماعون»

(۲۵۴) ابیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «أرأیت» را بخواند اگر اهل ۴۵۴
دادن زکات باشد خداوند از تمام گناهان او درگذرد.»

۴۵۵ ۳۶۰۱۷ (۲۵۵) **وفيه ۵۴۸/۵**: في حديث **ابيّ** من قرأ (سورة الكوثر) سقاه اللّه من انهار الجنّة وأُعطي من الاجر بعدد كلّ قربان قرّبه العباد في يوم عيد ويقرّبون من أهل الكتاب والمشركين.

۴۵۶ ۳۶۰۱۸ (۲۵۶) **مستدرك ۳۶۹/۴**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عنه ﷺ قال من قرأ (سورة الكوثر) سقاه اللّه من كلّ نهر في الجنّة وكتب له عشر حسنات بعدد قربان كلّ يوم عيد النحر.

۴۵۷ ۳۶۰۱۹ (۲۵۷) **وروي** ـ انّ من قرأها مرّة فله اجر من قرأ ربع القرآن ومن قرأها اربع مرّات فله اجر من قرأ جميع القرآن.

۴۵۸ ۳۶۰۲۰ (۲۵۸) **مستدرك ۳۷۱/۴**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب وروي من قرأ (قل يا أيُّها الكافرون) فله شفاء من الكفر ورحمة بالثبات علىٰ الإيمان ومن قرأ (سورة الفلق) فله شفاء من السحر ورحمة بالثّبات علىٰ العافية ومن قرأ سورة الناس فله الشفاء من كيد الشيطان ورحمة بالثّبات علىٰ الإلهام.

۴۵۹ ۳۶۰۲۱ (۲۵۹) **مستدرك ۳۷۰/۴**: القطب **الراونديّ** في دعواته في اخبار المعمّرين ذكر بعضهم انّ والده كان لا يعيش له ولد ثمّ وُلِدْتُ له علىٰ كبر ففرح بي ثمّ مضىٰ ولي سبع سنين فكفلني عمّي فدخل بي يوماً علىٰ النبيّ ﷺ وقال له يا رسول اللّه انّ هذا ابن اخي وقد مضىٰ سبيله فعلّمني عوذة اعيذه بها فقال ﷺ اين انت عن ذات القلاقل قل يا أيُّها الكافرون وقل هو اللّه أحد وقل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ الناس.

فضیلت سوره «کوثر»

۴۵۵ (۲۵۵) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «کوثر» را بخواند خداوند از نهرهای بهشتی او را سیراب گرداند و به عدد هر ذبحی که بندگان در روز عید [قربان] قربانی می‌کنند و یا اهل کتاب و مشرکان قربانی می‌کنند، پاداش داده شود.»

۴۵۶ (۲۵۶) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس سورهٔ «کوثر» را بخواند، خداوند از هر نهری که در بهشت جاری است او را بنوشاند و به عدد هر قربانی که در روز عید قربان ذبح می‌شود، ده حسنه برای او خواهد بود.»

۴۵۷ (۲۵۷) و روایت شده که هر کس این سوره کوثر را یک بار بخواند به اندازهٔ کسی که یک چهارم قرآن را خوانده ثواب می‌برد و کسی که چهار بار آن را بخواند پاداش کسی را دارد که تمام قرآن را خوانده است.»

فضیلت سوره «کافرون»، «فلق» و «الناس»

۴۵۸ (۲۵۸) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب روایتی نقل کرده که: «هر کس سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند از کفر شفا یابد و نعمت پایداریِ در ایمان به او مرحمت شود و هر کس سوره «فلق» را بخواند از سحر و جادو[یی که برای او انجام گرفته] شفا یابد [و سحر و جادو را بشکند] و سلامتی و عافیتش دوام پیدا کند و هر کس سوره «الناس» را بخواند از مکر شیطان رهایی یابد و نعمت الهام قلبی [از سوی پروردگار] برایش تداوم پیدا کند.»

فضیلت «چهار قُل»

۴۵۹ (۲۵۹) قطب راوندی در کتاب دعواتش در خبرهای مربوط به کسانی که زیاد عمر کرده‌اند، نقل کرده که: «یکی از معمّرین نقل کرده است که پدرم برایش بچّه نمی‌ماند [و در کودکی می‌مردند] تا اینکه من به دنیا آمدم در حالی که پدرم خیلی پیر شده بود پس پدرم خیلی خوشحال شد به ماندن من ولی طولی نکشید که پدرم از دنیا رفت و من هفت ساله بودم. سرپرستی مرا عمویم به عهده گرفت.

عمویم روزی مرا به خدمت پیامبرﷺ برد و گفت: ای پیامبر خدا! این بچّه پسر برادر من است که از دنیا رفته است برای محافظتش یک دعایی به من یاد بده که او را با آن دعا در پناه حق قرار دهم حضرت فرمود: کجایی تو از «چهار قُل» [و چرا از آن‌ها و فوائد آن‌ها غافل می‌باشی] یعنی: «قل یا ایّها الکافرون» و «قل هو الله احد» و «قل اعوذ بربّ الفلق» و «قُل اعوذ بربّ الناس».

وفي رواية قل اوحي قال الشيخ المعمّر وانا إلى اليوم التعوّذ بها ما اصبت بولد ولا مال ولا مرضت ولا افتقرت وقد انتهىٰ بي السّنّ إلى ماترون.

٤٦٠ ٣٦٠٢٢ (٢٦٠) **مستدرك ٣٨٩/٤**: السيّد الجليل بهاء الدين علي بن عبدالكريم بن عبدالحميد الحسينيّ النجفيّ في كتاب الانوار المضيئة حديث القلاقل روى الجدّ السعيد عبدالحميد يرفعه إلى الرئيس **أبي الحسن** الكاتب البصري وكان من الاسداء الادباء قال سنة اثنتين وتسعين وثلاثمأة اسنت[١] البرّ، سنين عديدة وبعثت السّماء درّها وخصّ الحباء[٢] اكناف البصرة وتسامع العرب بذلك فوردوها من الأقطار البعيدة والبلاد الشاسعة علىٰ اختلاف لغاتهم وتباين قطرهم فخرجت مع جماعة من الكتّاب ووجوه التّجار نتصفّح احوالهم ولغاتهم ونلتمس فائدة ربما وجدناها عند احدهم فارتفع لنا بيت عال فقصدناه فوجدنا في كسره شيخاً جالساً قد سقط حاجباه علىٰ عينيه كبراً وحوله جماعة من عبيده واصحابه فسلّمنا عليه فردّ التحيّة واحسن التلقية فقال له رجل منّا هذا السيّد ـ واشار اليّ ـ هو الناظر في معاملة الدرب وهو من الفصحاء واولاد العرب.

وكذلك الجماعة ما منهم إلّا من ينتسب إلى قبيلة ويختصّ بسداد وفصاحة وقد خرج وخرجنا معه حين ورد (ثمّ خ) نلتمس الفائدة المستطرفة من احدكم وحين شاهدناك رجونا ما نبغيه عندك لعلوّ سنّك.

فقال الشيخ واللّه يابني أخي حيّاكم اللّه انّ الدنيا شغلتنا عمّا تبتغونه[٣] منّي فان اردتم الفائدة فاطلبوها عند أبي وها بيته واشار إلى خباء كبير بازائه فقلنا النظر إلى مثل والد هذا الشيخ الهمّ[٤] فائدة تتعجّل.

---

١. أسنت القوم: إذا اقحطوا. والسِنَة: الجدب.
٢. الحباء: السحاب الكثيف الّذي يدنو من الأرض.
٣. ترتعونه ـ خ.
٤. الشيخ الكبير البالي.

(و در یک روایت «قُل اوحی» [یعنی سوره «جنّ»] هم ذکر شده. این پیرمرد مُسِنّ [که همان بچّهٔ هفت‌ساله است که عمر درازی یافته] گفت: و من هنوز با این «چهار قُل» بیمه شده‌ام نه فرزندی از دست داده‌ام و نه مالی و نه مریض شده‌ام و نه فقیر با اینکه می‌بینید چقدر عمر کرده‌ام.»

۴۶۰ (۲۶۰) ابوالحسن معروف به کاتب بصری که یکی از معتبرترین ادیبان عرب است نقل کرده که: «در سال ۳۹۲ هجری قمری پس از چند سال خشکسالی یک باره در آسمان اطراف بصره ابرها متراکم شد و باران زیادی بارید عرب‌ها چون از این واقعه خبردار شدند از اطراف و اکناف به آنجا روی آوردند [تا برای چرانیدن گوسفندان و شتران خود به منطقهٔ سرسبزی اُتراق کنند.] من با عدّه‌ای اهل قلم و دانش و تاجران معتبر نیز به آنجا رفتیم تا اوضاع و احوال و زبان‌های آن‌ها را جویا شویم شاید از این رهگذر فواید علمی و ادبی نصیب ما گردد. [در بیابان می‌رفتیم که] از دور یک خانهٔ مرتفعی خودنمایی کرد به قصد آنجا رفتیم پس در زاویهٔ آن پیرمردی را نشسته دیدم که از بس که عمر کرده بود ابروهایش بر روی چشمانش ریخته بود و عدّه‌ای از برده‌ها و اصحابش پیرامونش جمع بودند. پس به او سلام کردیم، سلام ما را جواب گفت و بسیار خوب با ما برخورد کرد. یک نفر از ما گفت: این آقا (و به من اشاره کرد) در کار خرید و فروش است [و تاجر است] در عین حال یکی از فرزندان فصیح زبان عرب است و به همین منوال همهٔ ما هر کدام به قبیله‌ای از قبایل اصیل و فصیح عرب منتسب هستیم.

ما از دیار خود به اینجا آمدیم تا از زبان و فرهنگ شما فایدهٔ علمی تازه‌ای کسب کنیم. وقتی تو را با این سنّ و سال دیدیم، امیدمان به آنچه که در پی آن هستیم بیشتر شد چرا که تو را پیر کارکشته‌ای دیدیم.

پس آن پیرمرد گفت: ای پسران برادرم! خداوند شما را زنده بدارد [بدانید که] دنیا ما را از دانشی که شما در طلب آنید، بازداشت و اگر واقعاً به دنبال این نوع استفاده‌های علمی هستید، آن را در نزد پدرم جستجو کنید، آهان آن هم خانهٔ اوست و به یک خیمه بزرگی که در کنارش بود اشاره کرد.

ما با خودمان گفتیم: دیدن چنین پیرمرد فرتوتی، فایدهٔ علمی است که باید برای کسب آن شتاب کرد.

فقصدنا ذلك البيت فوجدنا في كسره شيخاً منضجعاً وحوله من الخدم والإماء[۱] اوْفىٰ ممّا شاهدناه اوّلاً ورأينا عليه من آثار السّنّ ما يجوز له ان يكون والد ذلك الشيخ فدنونا منه وسلّمنا عليه فأحسن الرّدّ واكرم الجواب فقلنا له مثل ما قلنا لابنه وماكان من جوابه وانّه دلّنا عليك فعرجنا بالقصد اليك فقال يابني أخي حيّاكم اللّه انّ الذي شغل ابني عمّا التمستموه هو الذي شغلني عمّا هذه سبيله ولكنّ الفائدة تجدونها عند والدي وها هو بيته واشار إلى بيت منيف[۲] بنجوة منه فقلنا فيما بيننا حسبنا من الفوائد مشاهدة والد هذا الشيخ الفاني فان كانت منه فائدة بعد ذلك فهي ربح لم نحتسب وقصدنا ذلك الخبا فوجدنا حوله عدداً كبيراً من الإماء والعبيد فحين رأونا تسرّعوا الينا وبدؤا بالسلام علينا.

وقالوا ما تبغون حيّاكم اللّه فقلنا نبغي السلام علىٰ سيدكم وطلب الفائدة من عنده ببركتكم فقالوا الفوائد كلّها عند سيّدنا ودخل منهم من يستأذن[۳] ثمّ خرج الإذن لنا فدخلنا فاذا سرير في صدر البيت وعليه مخادّ من جانبيه ووسادة في اوّله وعلىٰ الوسادة رأس شيخ قد بلىٰ وطار شعره والازار علىٰ المخادّ التّي من جانبي السرير لتستره ولا يثقل منها عليه فجهرنا بالسّلام فأحسن الرّدّ وقال قائلنا مثل ما قال لولد ولده واعلمناه انّه ارشدنا إلى ابنه فحجّنا بما احتجّ به وانّ أباه ارشدنا اليك وبشّرنا بالفائدة منك.

ففتح الشيخ عينين قد غارتا في أمّ رأسه وقال للخدم اجلسوني فلم تزل ايديهم تتهاداه بلطف إلى ان جلس وستر بالازر الّتي طرحت علىٰ المخاد ثمّ قال لنا يا بني اخي لاحدّثنكم بخبر تحفظونه عنّي وتفيدون منه مايكون فيه ثواب لي.

---

۱. والأمر ـ خ.

۲. منيف بنجوة: أي‌ال مشرف مرتفع من الأرض.

۳. مستأذن ـ خ.

پس به قصد خانهٔ او رفتیم پس دیدیم که در یک زاویهٔ آن پیرمردی دراز کشیده و اطرافش را خدمتگزاران و کنیزان گرفته‌اند بیشتر از آنچه که در اطراف پیرمرد اوّلی دیده بودیم و در او علائمی از پیری دیدیم که به او می‌خورد که پدر آن پیرمرد اوّل باشد به او نزدیک شدیم و به او سلام کردیم. او تحیت ما را بهتر و با احترام پاسخ داد. پس همان حرف‌هایی که به پسرش گفته بودیم به او نیز گفتیم و گفتیم که او ما را به محضر شما راهنمایی کرد و ما خدمت رسیدیم پیرمرد در جواب گفت: همان چیزی که پسر مرا بازداشته از پرداختن به علم و دانش ادبی همان چیز نیز مرا بازداشته است ولی آنچه که شما در پی آن هستید، نزد پدر من یافت گردد و این هم خانهٔ اوست و اشاره کرد به خانهٔ بلندی که بر روی تپّه‌ای در آن کناره بود.

ما باز با خود گفتیم: دیدن چنین پیرمردی خود فایده علمی محسوب شود و اگر بیش از این فایده‌ای نصیب شد، سودی اضافه و فوق انتظار ما خواهد بود.

پس به سوی آن خیمه رفتیم، پیرامون او نیز عدّهٔ زیادی از بنده‌ها و کنیزها دیدیم که وقتی ما را دیدند به استقبال ما شتافتند و به سلام کردن مبادرت ورزیدند و به ما گفتند: خداوند شما را زنده بدارد، چه می‌خواهید؟ گفتیم: می‌خواهیم به سرور شما عرض سلامی بکنیم و با اجازهٔ شما از حضورشان استفاده کنیم. گفتند: آری همهٔ فایده‌ها نزد سرور ما است. یکی از آن‌ها رفت و برای ما اجازه گرفت پس ما داخل شدیم، پس یک تختی در آخر اتاق دیدیم که دو بالش در دو طرف آن و یک بالش در اوّل تخت گذاشته‌اند که سر این پیرمرد روی آن قرار گرفته سری که فرسوده شده و مویش ریخته است و بر روی او ملافه‌ای است که یک سر آن روی بالش سمت راست و یک سر آن روی بالش سمت چپ بسته شده تا اینکه او را بپوشاند و در عین حال بر روی بدن او سنگینی نکند پس ما با صدای بلند سلام کردیم، به خوبی جواب گفت. یکی از ما آنچه که به نوهٔ او گفته بود به او گفت و به او اطّلاع دادیم که فرزند و نوه‌اش ما را به پیش او راهنمایی کردند و ما را به استفاده کردن از او مژده داده‌اند.

پیرمرد چشمانش را باز کرد در حالی که در درون سرش فرو رفته بود و به خدمتگزارانش گفت: مرا بنشانید. آن‌ها با به آرامی و لطف به او کمک کردند تا اینکه نشست و با همان ملافه خود را پوشانده بود آنگاه گفت: ای پسران برادرم! یک خبری را برای شما نقل می‌کنم خوب آن را از من به خاطر بسپارید و از آن بهره گیرید تا من هم ثوابی برده باشم.

كان والدي لايعيش له ولد ويحبّ ان يكون له عاقبة فولدت له علىٰ كبر ففرح بي وابتهج بموردي ثمّ قضىٰ ولي سبع سنين فكفلني عمّي بعده وكان مثله في الحذر عليّ.

فدخل بي يوماً علىٰ رسول اللّهﷺ فقال يا رسول اللّه هذا ابن اخي وقد مضىٰ أبوه لسبيله وانّني كفيل بتربيته وانّني انفس به علىٰ الموت فعلّمني عوذة اعوذه بها ليسلم ببركتها.

فقالﷺ اين انت عن ذات القلاقل فقال يا رسول اللّه وماذات القلاقل قال ان تعوذه فتقرأ عليه سورة الجحد ﴿قُلْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلْكَـٰفِرُونَ * لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ إلى آخرها و سورة الاخلاص ﴿قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ * ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ﴾ إلى آخرها وسورة الفلق ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ * مِن شَرِّ مَا خَلَقَ﴾ إلى آخرها وسورة الناس ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ * مَلِكِ ٱلنَّاسِ﴾ إلى آخرها وانا إلى اليوم اتعوّذ بها كلّ غداة فما اصبت بولد ولا اصيب لي مال ولا مرضت ولا افترقت وقد انتهىٰ بي السّنّ إلى ماترون فحافظوا عليها واستكثروا التعوّذ بها فسمعنا ذلك منه وانصرفنا من عنده.

۴۶۱ (۲۶۱) **مجمع البيان ۵۵۳/۵**: في حديث **ابيّ** من قرأ (سورة النصر) فكأنّما شهد مع رسول
۳۶۰۲۳
اللّهﷺ فتح مكة مستدرك ۳۶۹/۴: القطب الراونديّ في لبّ اللّباب عنهﷺ (نحوه).

۴۶۲ (۲۶۲) **مجمع البيان ۵۵۸/۵**: في حديث **ابيّ** من قرأسورة تَبَّتْ رجوت أن لا يجمع اللّه بينه
۳۶۰۲۴
وبين أبي لهب في دار واحدة.

۴۶۳ (۲۶۳) **عن أبي عبداللّه**ؑ قال إذا اقرأتم تبّت فادعوا إلى أبي لهب فانّه كان من المكذّبين
۳۶۰۲۵
بالنبيّﷺ وبما جاء به من عنداللّه.

پدرم [بچه‌هایش می‌مردند و] برایش بچّه نمی‌ماند و دوست داشت که نسلش ادامه پیدا کند پس در حالی که پیر شده بود من متولّد شدم پس او خیلی خوشحال شد و با تولّد من شادمان شد [امّا طولی نکشید] در حالی که من هفت ساله بودم، پدرم بدرود حیات گفت و پس از او عمویم سرپرستی مرا به عهده گرفت و او نیز مثل پدرم بر من [که مبادا تلف شوم] می‌ترسید.

روزی مرا خدمت پیامبر خداﷺ برد و گفت: ای پیامبر خدا! این، پسر برادرم هست و برادرم از دنیا رفته است و من عهده دار تربیت او هستم و من از مردن او نگرانم، دعایی به من بیاموز که از برکت آن، سالم بماند پس حضرت رسولﷺ فرمود: کجایی تو از سوره‌های «قُل دار»؟ عمویم گفت: ای پیامبر خدا! سوره‌های «قُل دار» کدام است؟ حضرت فرمود: اگر می‌خواهی آن را در حصار قرار دهی پس باید که سوره «جحد» (قُل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون را تا آخر) و سوره «اخلاص» را (قل هو الله احد، الله الصمد تا آخر سوره) و سوره «فَلَق» (قل اعوذ بربّ الناس، ملک الناس تا آخر سوره) را [هر روز صبح] بخوانی.

و من تا امروز هر روز صبح با خواندن این چهار سوره چهار قُل خود را در پناه حضرت حق قرار می‌دهم و تا امروز نه به فرزندانم آسیبی رسیده و نه به مالم و نه بیمار شدم و نه بی پول شدم و خودتان شاهد هستید که به چه سنّ و سالی رسیده‌ام، پس بر این [چهار قُل] محافظت و مداومت ورزید و با زیاد خواندن آن‌ها خود را در پناه خدا حفظ کنید.»

ما پس از شنیدن ماجرای او و حرف‌های او آنجا را ترک گفتیم.

فضیلت سوره «نَصر»

۴۶۱ (۲۶۱) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «نَصْر» را بخواند پس گویی در هنگام فتح مکّه با پیامبر خداﷺ همراه بوده است.»

فضیلت سوره «مَسَد»

۴۶۲ (۲۶۲) در حدیث اُبیّ بن کعب به نقل از پیامبرﷺ آمده است: «هر کس سوره «تبّت» را بخواند امیدوارم خداوند او را با ابولهب در یک خانه جمع نگرداند.»

۴۶۳ (۲۶۳) از امام صادقؑ روایت شده که فرمود: «هر گاه سوره «تبّت» را خواندید، ابولهب را نفرین کنید چون او پیامبرﷺ و دینی را که از طرف خدا آورده بود تکذیب کرد.»

٤٦٤ ٣٦٠٢٦ (۲۶۴) **وفيه ۵/ ۵۲۴**: عن **انس** بن مالك قال سأل النبيّ ﷺ رجلا من اصحابه فقال يا فلان هل تزوّجت قال لا وليس عندي ما أتزوّج به قال اليس معك قل هو اللّه احد قال بلىٰ قال ربع القرآن قال اليس معك قل يا ايّها الكافرون قال بلىٰ قال ربع القرآن قال اليس معك إذا زُلزِلَت قال بلىٰ قال ربع القرآن ثم قال تزوّج تزوّج تزوّج.

٤٦٥ ٣٦٠٢٧ (۲۶۵) **مستدرك ۴/ ۳۳۴**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب قال قال النبي ﷺ رأيت ليلة المعراج لوحين في احدهما فاتحة الكتاب وفي الثانية جملة القرآن وتضئ منه ثلاثة انوار فقلت ياجبرئيل ماهذه الانوار قال نور قل هو اللّه احد وسورة يسٓ وآية الكرسي.

٤٦٦ ٣٦٠٢٨ (۲۶۶) **كافي ۲/ ۶۱۹**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن بدر عن **محمد** بن مروان عن أبي جعفر ﷺ قال من قرأ قُل هوَ اللّه احد مرّة بُورِك عليه ومن قرأها مرّتين بورك عليه وعلىٰ اهله ومن قرأها ثلاث مرات بورك عليه وعلىٰ اهله وعلىٰ جيرانه ومن قرأها اثنى عشر مرّة بنىٰ اللّه له اثنىٰ عشر قصراً في الجنّة فيقول الحفظة اذهبوا بنا إلى قصور أخينا فلان فننظر اليها ومن قرأها مأة مرّة غفرت له ذنوب خمسة وعشرين سنة ما خلا الدماء والاموال ومن قرأها اربعمأة مرّة كان له اجر اربعمأة شهيد كلّهم قد عقر جواده واريق دمه ومن قرأها الف مرّة في يوم وليلة لم يمت حتّىٰ يرىٰ مقعده في الجنّة او يرىٰ له.

٤٦٧ ٣٦٠٢٩ (۲۶۷) **مستدرك ۴/ ۲۸۸**: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **انس** بن مالك قال قال رسول اللّه ﷺ من قرأ قُل هُو اللّه احد مرّة واحدة بورك عليه مرّة وان قرأها مرّتين بورك عليه وعلىٰ أهل بيته وان قرأها ثلاثاً بورك عليه وعلىٰ أهله وعلىٰ جيرانه وان قرأها اثني عشر مرّة بنىٰ اللّه تعالىٰ له في الجنّة اثنتي عشرة غرفة وتقول الحفظة تعالوا انظروا إلى غرف اخواننا وان قرأها مأة مرّة جعلها اللّه كفّارة ذنوب خمسة وعشرين سنة منه ومن قرأها اربعمأة مرّة جعلها اللّه كفّارة اربعمأة سنة من ذنوبه الّا الدماء والمظالم وان قرأها الف مرّة لايموت حتّىٰ يرىٰ مكانه في الجنّة او يراه غيره فيخبره به.

فضیلت سوره «اخلاص»

۴۶۴ (۲۶۴) انس بن مالک گوید: «پیامبرﷺ از مردی از اصحابش پرسید: آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفت: نه، چیزی ندارم که با آن ازدواج کنم. حضرت فرمود: آیا «قُل هو الله احد» هم نداری؟ گفت: بله حضرت فرمود: این یک چهارم قرآن، آیا «قُل یا ایّها الکافرون» نداری؟ گفت: آری، دارم. حضرت فرمود: این هم یک چهارم قرآن. آیا «اذا زلزلت» نداری؟ گفت: آری دارم. حضرت فرمود: این هم یک چهارم قرآن. سپس حضرت فرمود: ازدواج کن، ازدواج کن، ازدواج کن.»

۴۶۵ (۲۶۵) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب نقل کرده که پیامبرﷺ فرمود: «شبی که به معراج رفتم دو تابلو دیدم که در یکی سوره «فاتحة الکتاب» بود و در دوّمی همهٔ قرآن که از میان آن، سه نور می‌درخشید. پس گفتم: ای جبرئیل! این نورها چیست؟ گفت: نور «قل هو الله احد» و نور سوره «یٰس» و نور «آیة الکرسی» است.»

۴۶۶ (۲۶۶) محمد بن مروان از امام باقرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس یک بار «قل هو الله احد» را بخواند برکت بر او نازل شود و کسی که دو بار بخواند بر او و خانواده‌اش برکت نازل گردد و کسی که سه بار بخواند بر او و خانواده و همسایگانش برکت نازل شود و کسی که دوازده بار بخواند خداوند در بهشت برایش دوازده کاخ بنا کند پس فرشتگان نگهبان می‌گویند: ما را ببرید تا از کاخ‌های برادرمان فلانی دیدن کنیم و کسی که صد بار این سوره را بخواند گناهان بیست و پنج ساله‌اش به جز خون و مال مردم بخشیده شود و کسی که چهارصد بار این سوره را بخواند، پاداش چهارصد شهید را خواهد داشت که همگی اسب‌شان پی شده و خون‌شان [بر زمین] ریخته شده و کسی که این سوره را در یک شبانه‌روز هزار بار بخواند، نمی‌میرد مگر اینکه جای خود را در بهشت یا خود می‌بیند و یا دیگری می‌بیند [و به اطّلاع او می‌رساند].»

۴۶۷ (۲۶۷) انس بن مالک از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «کسی که یک بار سوره «قل هو الله احد» را بخواند یک بار برکت بر او فرود آید و اگر دو بار بخواند، بر او و اهل خانه‌اش برکت نازل شود و اگر سه بار بخواند بر او و خانواده و همسایگانش برکت نازل شود و اگر دوازده بار بخواند خداوند برای او در بهشت دوازده اتاق بسازد و فرشتگان نگهبان می‌گویند: بیایید و به اتاق‌های برادران ما بنگرید و اگر صدبار بخواند خداوند آن را وسیلهٔ آمرزش گناهان بیست و پنج سال او قرار دهد و کسی که چهارصد بار آن را بخواند، خداوند آن را مایهٔ آمرزش گناهان چهارصد سالهٔ او قرار دهد به غیر از خون‌های مردم و حقّ الناس اگر خون به ناحقّی ریخته است یا مال مردم را به ستم ستانده باشد بخشیده نشود، و اگر این سوره را هزار بار بخواند پیش از مرگ یا خود، جای خود را در بهشت می‌بیند یا دیگری خواهد دید و او را خبردار می‌کند.»

٤٦٨ (۲۶۸) **كافي** ۶۲۲/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن
٣٦٠٣٠ أبي عبدالله ﷺ انّ النبيّ ﷺ صلّىٰ علىٰ سعد بن معاذ فقال لقد وافى من الملائكة سبعون الفاً وفيهم جبرئيل ﷺ يصلّون عليه فقلت له يا جبرئيل بما يستحقّ صلاتكم عليه فقال بقراءته قل هو اللّه احد قائماً وقاعداً وراكباً وماشياً وذاهباً وجائياً.

٤٦٩ (۲۶۹) **الثواب** ۱۵۶: حدثني محمدبن الحسن ﷺ قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن
٣٦٠٣١ إبراهيم بن هاشم التوحيد ۹۵: امالي الصدوق ۳۲۳: حدّثنا أبي ﷺ قال حدّثنا (حدّثني ـ امالي) سعد بن عبدالله عن إبراهيم بن هاشم عن (الحسين بن يزيد امالي ـ توحيد) النوفلي عن (إسماعيل بن أبي زياد ـ امالي ـ توحيد) **السكوني** عن جعفر بن محمد عن أبيه ﷺ (قال ـ ثواب) انّ النبيّ ﷺ صلّىٰ (وذكر نحوه إلّا انّ (في الثواب والامالي) تسعون الف ملك.

٤٧٠ (۲۷۰) **جامع الاخبار** ۱۲۳: قال **أبوهريرة** قال قال النبيّ ﷺ من قرأ قل هو اللّه احد نظر اللّه
٣٦٠٣٢ إليه ألف نظرة بالآية الاولىٰ وبالآية الثانية استجاب اللّه له الف دعوة وبالآية الثالثة اعطاه اللّه الف مسئلة وبالآية الرابعة قضىٰ اللّه له الف حاجة كلّ حاجة خير من الدنيا والآخرة.

٤٧١ (۲۷۱) **مستدرك** ۲۸۰/۴: السيّد رضي الدين علي بن طاووس في كتاب المجتنىٰ عن كتاب
٣٦٠٣٣ العمليّات الموصلة إلى ربّ الارضين والسماوات تأليف أبي المفضّل يوسف بن محمد بن أحمد المعروف بابن الخوارزمي قال حدثنا الشيخ الامام برهان الدين البلخي بالمسجد الجامع بدمشق سنة ستّ وثلاثين وخمسمأة قال حدثنا الامام الاستاد أبومحمد القطواني ﷺ بسمرقند قال حدثنا أبو عبدالله الحسين[1] بن الحسين بن خلف الفضلي الكاشغري قدم علينا أبو عبدالله بسمرقند قال حدثنا أبومنصور أحمد بن التميمي بغرفة[2] قال حدّثنا أبو سهل محمّد بن محمد بن الأشعث الانصاري قال حدثنا طلحة بن شريح بن عبدالكريم التّميمي وأبو يعقوب يوسف بن علي بن إبراهيم بن بحير ومحمد بن فارس الطالقانيّون قالوا أخبرنا أبوالفضل جعفر بن محمد بن جعفر بن محمد بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ﷺ قال حدثنا وكيع عن اسرائيل عن إبراهيم بن عبدالاعلى عن سعيد بن جبير عن عبدالله بن عبّاس ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ كنت اخشىٰ العذاب بالليل والنهار حتّىٰ جائني بسورة قل هو اللّه احد فعلمت انّ اللّه لايعذّب أُمّتي بعد نزولها فانّها نسبة اللّه عزّ وجلّ.

---

۱. الحسن ـ خ. ۲. يعرفة ـ خ.

۴۶۸ (۲۶۸) سکونی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازهٔ سعد بن معاذ نماز خواند و هفتاد هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام هم در میان آن‌ها بود در این نماز شرکت کردند پس من به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل! با چه عملی، سعد این شایستگی را یافت که شما بر او نماز خواندید؟ جبرئیل گفت: به خاطر اینکه او، ایستاده و نشسته و سواره و پیاده و در حال رفتن و آمدن سوره «قل هو الله احد» می‌خواند.»

۴۶۹ (۲۶۹) سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام و او از پدر بزرگوارش روایت کرده که: «پیامبر صلی الله علیه و آله بر سعد بن معاذ نماز خواند (و روایت فوق الذکر را ذکر کرده) جز اینکه در کتاب ثواب الاعمال و امالی صدوق [به عوض هفتاد هزار فرشته] نود هزار فرشته دارد.»

۴۷۰ (۲۷۰) ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس «قل هو الله احد» را بخواند با همان آیه اوّل، خداوند هزار نظر رحمت به او کند و با آیهٔ دوّم خداوند هزار دعای او را مستجاب گرداند و با آیهٔ سوّم خداوند هزار خواستهٔ او را به او دهد و با آیهٔ چهارم خداوند هزار حاجتی که هر کدام از دنیا و آخرت بهتر است برایش برآورده کند.»

۴۷۱ (۲۷۱) عبدالله بن عبّاس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود: «من پیوسته شب و روز از عذاب الهی [بر امّتم] می‌ترسیدم تا اینکه سوره «قل هو الله احد» نازل شد، پس از آن دانستم که خداوند بعد از نزول این سوره، امّت مرا عذاب نخواهد کرد چون این سوره نسبت خداوند جل جلاله [و صفات او را] بیان کرده است.

فمن تعاهد قرائتها بعد كلّ صلاة تناثر البرّ من السّماء علىٰ مفرق رأسه ونزلت عليه السكينة لها دَويّ حول العرش حتّىٰ ينظر اللّه عزّ وجلّ إلى قاريها فيغفر اللّه له مغفرة لا يعذبّه بعدها ثمّ لا يسئل اللّه شيئاً إلّا اعطاه اللّه ايّاه ويجعله في كلائه[1] وله من يوم يقرئها إلى يوم القيامة خير الدنيا والآخرة ويصيب الفوز والمنزلة والرفعة ويوسّع عليه في الرزق ويمدّ له في العمر ويكفي من اموره كلّها ولا يذوق سكرات الموت وينجو من عذاب القبر ولا يخافا موره إذا أخاف العباد ولا يفزع إذا فزعوا فإذا وافى الجمع اتوه بنجيبة خلقت من درّة بيضاء فيركبها فتمرّ به حتّى يقف بين يدي اللّه عزّ وجلّ فينظر اللّه إليه بالرّحمة ويكرمه بالجنّة يتبوّء منها حيث يشاء.

فطوبىٰ لقارئها فانّه ما من أحد يقرئها إلّا وكلّ اللّه عزّ وجلّ به مأة الف ملك يحفظونه من بين يديه ومن خلفه ويستغفرون له ويكتبون له الحسنات إلى يوم يموت ويغرس له بكلّ حرف نخلة وعلىٰ كلّ نخلة مأة الف شمراخ[2] وعلىٰ كلّ شمراخ عدد رمل عالج بُسر كلّ بسرة مثل قلّة من قلال الهجر يضئ نورها ما بين السّماء والأرض والنّخلة من ذهب أحمر والبسر من درّة حمراء ووكلّ اللّه تعالىٰ الف ملك يبنون له المدائن والقصور ويمشي علىٰ الأرض وهي تفرح به ويموت مغفوراً له.

وإذا قام بين يدي اللّه عزّ وجلّ قال له ابشر قرير العين بمالك عندي من الكرامة فتعجّب الملائكة لقربه من اللّه عزّ وجلّ وانّ قرائة هذه السورة برائة من النار ومن قرأها شهد له سبعون الف الف ملك ويقول اللّه تعالىٰ ملائكتي انظروا ماذا يريد عبدي وهو اعلم بحاجته ومن احبّ قرائتها كتبه اللّه تعالى من الفائزين القانتين فإذا كان يوم القيامة قالت الملائكة يا ربّنا هذا عبدك يحبّ نسبتك.

---

١. كلائه أي حفظه. ٢. الشمراخ: تحصن العذق.

پس هر کسی متعهّد شود که بعد از هر نماز آن را بخواند، نیکی از آسمان بر سر او ببارد و آرامش بر [قلب] او فرود آید. این سوره در کنار عرش الهی زمزمه‌ای دارد تا اینکه خداوندﷻ با نظر رحمت به خوانندهٔ آن نگرد و او را به گونه‌ای بیامرزد که پس از آن دیگر او را عذاب نکند وانگهی هیچ چیز از خدا درخواست نکند مگر اینکه خداوند به او بدهد و او را در پناه خود حفظ کند و از روزی که این‌را می‌خواند تا روز قیامت خیر دنیا و آخرتش نصیبش گردد و به رستگاری و مرتبهٔ بلندی دست یابد و روزی‌اش فراخ گردد و عمرش دراز شود و همهٔ کارهایش را خداوند کفایت نماید و طعم تلخی‌های جان کندن را نچشد و از عذاب قبر نجات یابد و آنگاه که بندگان را هول و هراس فرا گیرد او را هراسی نباشد و چون بندگان جزع و زاری کنند او زاری نکند و آنگاه که به صحرای محشر که همگان جمعند، درآید اسب نجیبی را که از مروارید سفید آفریده شده است برایش می‌آورند تا بر او سوار شود پس این اسب او را می‌برد تا آنجا که در پیشگاه خداوندﷻ می‌ایستد. پس خداوند با رحمت به او نگاه کند و با دادن بهشت او را گرامی دارد که هر جای بهشت را که می‌خواهد منزل خود قرار دهد.

پس خوشا به حال خوانندهٔ آن چون احدی آن را نمی‌خواند مگر اینکه خداوند بزرگ صدهزار فرشته را بر او گمارد تا او را از جلو و پشت سرش محافظت کنند و برای او استغفار کنند و برای او حسنه نویسند تا آن روز که از دنیا رود.

و به عدد هر حرف این سوره [در بهشت] درخت خرمایی برایش کاشته شود و بر هر درخت خرمایی صدهزار خوشهٔ خرما است و بر هر خوشه‌ای به تعداد ماسه‌ها، خرمای تازه است که هر خرمایی به اندازهٔ قلّه کوهی از کوه‌های «هجر» است که نورش میان زمین و آسمان می‌درخشد و درخت خرما از طلای سرخ است و خرما از مروارید سرخ.

و خداوند هزار فرشته را مأموریّت دهد تا برای او شهرها و کاخ‌ها بسازند.

و چون بر روی زمین گام زند زمین شاد شود و در حالی که همهٔ گناهانش آمرزیده شود از دنیا رخت بربندد.

چون در پیشگاه الهی بایستد خداوند به او گوید: چشمت روشن باد، مژده باد تو را به کرامت و شرافتی که پیش من داری. پس فرشتگان از زیادی قُرب او به خداوندﷻ شگفت زده شوند.

و خواندن این سوره امان‌نامه‌ای است از آتش جهنّم و هر کس این سوره را بخواند هفتاد میلیون فرشته شاهد او باشند و خداوند بلند مرتبه بگوید: ای فرشتگان من! بنگرید ببینید بندهٔ من چه می‌خواهد و البتّه خود او به حاجت بنده‌اش داناتر است و هر کس خواندن این سوره را دوست داشته باشد خداوند متعال او را جزو رستگاران متواضع قرار دهد و چون قیامت سرِ پا شود فرشتگان گویند: ای پروردگار ما! این، بندهٔ توست همان بنده‌ای که نسبت تو را [و اسماء و صفات تو را] دوست دارد.

فيقول لا يبقى منكم ملك إلّا شيّعه إلى الجنّة فيزفّونه كما تزفّ العروس إلى بيت زوجها فإذا دخل الجنّة ونظرت الملائكة إلى درجاته وقصوره يقولون مالهذا العبد ارفع منزلاً من الذين كانوا معه فيقول اللّه تعالى ارسلت الانبياء ونزلت معهم كتبي وبيّنت لهم ما انا صانع لمن آمن بى من الكرامة وانا معذّب من كذّبني وكلّ من اطاعني يصل إلى جنّتي وليس كلّ من دخل الى جنّتي يصل إلى هذه الكرامة انا اُجازي كلّهم على قدر اعمالهم من الثواب إلّا أصحاب سورة الإخلاص فإنّهم كانوا يحبّون قرائتها آناء اللّيل والنّهار فلذلك فضّلتهم علىٰ ساير أهل الجنّة.

فمن مات على حبّها يقول اللّه تعالى من يقدر على ان يجازي عبدي أنا الملئ انا اجازيه فيقول عبدي أدخل جنّتي فإذا دخلها يقول الحمداللّه الذي صدقنا وعده طوبىٰ لمن احبّ قرائتها فمن قرئها كلّ يوم ثلاث مرّات يقول اللّه تعالى عبدي وفّقت واصبت ما اردت هذه جنّتى فادخلها لترى ما اعددت لك فيها من الكرامة والنعم بقرائتك قل هو اللّه احد فيدخل فيرى الف قهرمان على الف (الف خ) مدينة كلّ مدينة كما بين المشرق والمغرب فيها قصور وحدائق فارغبوا في قرائتها فانّه ما من مؤمن يقرئها في كلّ يوم عشر مرّات إلّا وقد استوجب رضوان اللّه الاكبر وكان من الذين قال اللّه تعالى فاولئك مع الذين انعم اللّه عليهم من النبيّين والصدّيقين الآية.

پس خداوند می‌گوید: شما فرشتگان همگی او را تا بهشت بدرقه کنید. پس او را با سور و سرور به بهشت برند آن سان که عروس را به خانهٔ شوهر می‌برند.

پس چون به بهشت درآید و فرشتگان به مقامات و کاخ‌های او نگاه کنند می‌گویند: چرا هیچ یک از کسانی که با او [در دنیا] بودند به اندازهٔ او رفعت مرتبه پیدا نکرده‌اند پس خداوند متعال می‌فرماید: من پیامبران را فرستادم و با آن‌ها کتاب‌های آسمانی‌ام را فرو فرستادم و به آن‌ها گفتم که من با هر کس که به من ایمان بیاورد چه خواهم کرد او را گرامی بدارم و هر کس مرا دروغ پندارد او را عذاب خواهم کرد و هر کس از من اطاعت کرده است [امروز] به بهشتم درآید و همهٔ کسانی که به بهشت من وارد شوند به این کرامت نرسند. من همهٔ آن‌ها را به اندازهٔ کردارشان پاداش دهم جز اصحاب سورهٔ «اخلاص»، همان‌ها که خواندن این سوره را دوست داشتند و در همهٔ ساعات شب و روز آن را می‌خواندند و به همین جهت آن‌ها را بر دیگر بهشتیان برتری دادم.

پس هر کس با محبّت این سوره از دنیا رود خداوند متعال می‌گوید: کیست که آنقدر توان داشته باشد که از عهدهٔ پاداش بندهٔ من برآید من خود هستم که پر توانم و به او پاداش دهم. آنگاه می‌گوید: بندهٔ من! به بهشتم درآی.

پس چون به بهشت آید می‌گوید: سپاس خداوندی را که به وعدهٔ خویش صادقانه وفا کرد.

خوشا به حال کسی که خواندن این سوره را دوست داشته باشد پس کسی که هر روز سه بار این سوره را بخواند خداوند متعال می‌گوید: بندهٔ من! موفّق شدی و به آنچه که می‌خواستی رسیدی. این، بهشت من است، داخل آن شود تا آن کرامت و نعمت‌هایی که با خواندن «قل هو الله احد» برایت آماده کرده‌ام، ببینی.

پس این بنده به بهشت درآید پس هزار شهر ببیند که بر هر شهری پهلوانی به حراست گماشته شده است که هر شهری به اندازهٔ فاصلهٔ میان مشرق تا مغرب است و در آن شهرها کاخ‌ها و باغ‌ها است پس [ای بندگان خدا] به خواندن آن تمایل پیدا کنید چرا که هیچ مؤمنی نیست که روزی ده بار آن را بخواند مگر اینکه استحقاق رضوان بزرگتر خدا را پیدا کند و جزو کسانی شود که خداوند متعال در حقّ آنان فرموده است: **«پس آنان همراه با کسانی هستند که خداوند به آن‌ها نعمت[های معنوی مثل ایمان و علم] داده است که آن‌ها پیامبران و صدّیقانند... تا آخر آیه.»**[1]

---

۱. نساء ۶۹/۴، معنای آیه به صورت کامل این است: «و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمرهٔ کسانی خواهند بود که خداوند به آن‌ها نعمت خویش ارزانی داشته است [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان و آنان همدمان نیکویی هستند.».

ومـن قرئها عشرين مرّة فله ثواب سبعمأة رجل اهريقت دمائهم في سبيل اللّه وبورك عليه وعلى اهله وماله وولده **ومن** قرئها ثلاثين مرّة بنى له ثلاثون قصراً في الجـنّة **ومـن** قرئها اربعين مرّة جاور النبيّ صلى الله عليه وآله في الجنّة **ومن** قرئها خمسين مرّة غفر له ذنبه خمسين سنة ومن قرئها مأة مرّة كتب اللّه له عبادة مأة سنة **ومن** قرئها مأتي مرّة فكأنّما اعتق ماتي رقبة **ومن** قرئها اربعمأة مرّة كان له اجرُ اربعمأة شهيد **ومن** قـرئها خـمسمأة مـرّة غـفر اللّـه له ولوالديه **ومن** قرئها الف مرّة فقد ادّىٰ بدله إلى اللّه تعالىٰ وقد صار عتيقاً من النار.

اعلموا انّ خير الدنيا والآخرة في قرائتها وفي نسخة انّ اللّه يعطي خير الدنيا والآخرة بقرائتها ولا يتعاهد قرائتها إلّا السعداء ولا يأبىٰ قرائتها إلّا الأشقياء.

٤٧٢ ٣٦٠٢٤ (۲۷۲) **مستدرك ۲۸۴/۴**: كتاب أبي سعيد عباد العصفرى عن عمرو بن ثابت عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام قال خلق اللّه نوراً فخلق من ذلك النور قل هو اللّه احد وخلق لها الفي الفـي جناح من نور واهبطه إلى ارضه مع امنائه من الملائكة لا يمرّون بـملاء مـن المـلائكة إلّا خضعوا له وقالوا نسبة ربّنا نسبة ربّنا.

٤٧٣ ٣٦٠٢٥ (۲۷۳) **مستدرك ۲۸۸/۴**: الشيخ أبو الفتوح الرازي في تفسيره **عن انس** قال كنّا مع رسول اللّه صلى الله عليه وآله بتبوك فطلعت علينا الشمس في نور وضياء لم نره قطّ فقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لجبرئيل ما بال الشمس اليوم في هذا الضياء الذي لم يكن لها في يوم فقال مات معاوية بن معاوية اللّيثي في المدينة فبعث اللّه تعالىٰ سبعين الف ملك يصلّون عليه فقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لجبرئيل بم نال هذه المنزلة قال بقرائة قُل هوَ اللّه احد ذاهباً وجائياً وقائماً وقاعداً في الليل والنهار وان شئت يا رسول اللّه ان نطوي (تطوي ـ خ) الأرض حتّىٰ تصلّي عليه قال نـعم فـذهب صلى الله عليه وآله وصلّى عليه ورجع.

٤٧٤ ٣٦٠٢٦ (۲۷۴) وعن **محمد** بن المنكدر قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لقى ملك ملكاً في الهواء احدهما ينزل من السماء والآخر يصعد من الأرض فقال الّذى نزل من السّماء صعدت اليوم بعمل ما صعدت به قطّ قال وما هو قال قرأ رجل مأة مرة قل هو اللّه احد قال وما فعل اللّه به قال غفر له.

٤٧٥ ٣٦٠٢٧ (۲۷۵) **كافي ۶۲۴/۲**: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن ادريس الحارثي عن محمد بن

سنان عن **مفضّل** بن عمر قال قال أبو عبداللّه ﷺ يا مفضّل احتجز من النّاس كلّهم ببسم اللّه الرّحمن الرّحيم وبقل هواللّه احد اقرأها عن يمينك وعن شمالك ومن بين يديك ومن خلفك ومن فوقك ومن تحتك فاذا دخلت على سلطان جائر فاقرأها حين تنظر اليه ثلاث مـرّات واعقد بيدك اليسرىٰ ثمّ لاتفارقها حتّى تخرج من عنده.

و کسی که بیست بار این سوره را بخواند، او را پاداش هفتصد مرد است که خون‌شان در راه خدا ریخته شده و بر او و خانواده و مال و فرزندانش برکت سایه افکند و کسی که چهل بار بخواند در بهشت مجاور پیامبرﷺ خواهد بود و کسی که پنجاه بار آن را بخواند گناهان پنجاه ساله‌اش آمرزیده شود و کسی که صدبار آن را بخواند خداوند عبادت صد سال برایش خواهد نوشت و کسی که دویست بار آن را بخواند گویی دویست برده آزاد کرده است و کسی که چهارصد بار آن را بخواند خداوند پاداش چهارصد شهید به او دهد و کسی که پانصد بار آن را بخواند گناهان او و پدر و مادرش آمرزیده شود و کسی که هزار بار آن را بخواند عوض خود را به خداوند متعال داده است و از آتش [دوزخ] آزاد شود.

بدانید که خیر دنیا و آخرت در خواندن این سوره «اخلاص» است (و در نسخهٔ دیگری چنین آمده است که:) خداوند خیر دنیا و آخرت را در مقابل خواندن سوره می‌دهد و متعهّد خواندن مداوم آن نمی‌شوند مگر خوشبختان [و بهشتیان] و از خواندن آن جز بدبختان [و جهنّمیان] کسی سر، باز نمی‌زنند.»

۴۷۲ (۲۷۲) عمرو بن ثابت از پدرش و او از امام باقرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «خداوند نوری آفرید و از آن نور «قل هو الله احد» را آفرید و برای آن دو میلیون بال از نور آفرید و آن را با فرشتگان امینش به زمین فرود آورد و این‌ها بر هیچ گروهی از فرشتگان گذر نمی‌کردند مگر اینکه برای او خضوع و کُرنش می‌کردند و می‌گفتند: اسماء و صفات پروردگار ما است، اسماء و صفات پروردگار ما است.»

۴۷۳ (۲۷۳) انس گوید: «ما، در جنگ «تبوک» با پیامبر خداﷺ بودیم. پس خورشید [در آن روز] با یک نور و درخششی طلوع کرد که هرگز آن گونه ندیده بودیم پس پیامبرﷺ به جبرئیل گفت: چرا امروز خورشید این همه نور دارد که روزهای دیگر این قدر نور نداشت؟ جبرئیل گفت: معاویه بن معاویهٔ لیثی در مدینه از دنیا رفته است و خداوند متعال هفتاد هزار فرشته فرستاده است تا بر او نماز بخوانند. پیامبرﷺ به جبرئیل فرمود: با چه عملی به این مرتبه رسیده است؟ گفت: به واسطهٔ خواندن«قل هو الله احد» که در حال رفت و آمد و ایستاده و نشسته، در شب و روز این سوره را می‌خواند و اگر ای پیامبر خدا بخواهی به طیّ الارض می‌رویم تا تو هم بر او نماز بخوانی پیامبرﷺ فرمود: بله پس حضرت رفت و بر او نماز خواند و برگشت.»

۴۷۴ (۲۷۴) محمد بن منکدر از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «فرشته‌ای با فرشتهٔ دیگری در هوا تلاقی کردند که یکی از آسمان پایین می‌آمد و دیگری بالا می‌رفت. پس فرشته‌ای که از آسمان پایین می‌آمد گفت: امروز عملی را بالا می‌بری که این چنین عملی را تا کنون هرگز بالا نبرده‌ای، آن عمل

چیست؟ آن فرشته در پاسخ گفت: مردی صدبار سوره «قل هو الله احد» را خوانده. پرسید: خدا با او چه کرد؟ گفت: او را آمرزید.»

۴۷۵ (۲۷۵) مفضّل بن عمر از امام جعفر صادق(ع) روایت کرده که فرمود: «ای مفضّل! از همهٔ مردم خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم» و «قل هو الله احد» حفاظت کن. به طرف راستت این سوره را بخوان و به طرف چپت و به جلو و پشت سر و بالا و پایین این سوره را بخوان و هر گاه بـه پـیش پـادشاه ستمگری رفتی همین که چشمت به او افتاد سه بار این سوره را بخوان و با دست چپت بشمار و همین طور از خواندن این سوره دست برندار تا اینکه از پیش او بیرون آیی.»

۴۷۶ ۳۶۰۳۸ (۲۷۶) **الثواب ۱۵۷**: أبي ﷺ عن محمّد بن يحيىٰ العطّار عن محمد بن أحمد عن الحسن بن علي بن أبي عثمان عن رجل عن **حفص** بن غياث قال سمعت ابا عبداللّه ﷺ يقول لرجل اتحبّ البقاء في الدنيا قال نعم قال ولِمَ قال لقرائة قُل هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ فسكت عنه ثمّ قال من بعد ساعة ياحفص من مات من اوليائنا وشيعتنا ولم يحسن القرآن عُلِّمَ في قبره ليرفع اللّه فيه به درجته فانّ درجات الجنّة علىٰ قدر آيات القرآن فيقال لقارئ القرآن اقرأ وَارقَ.

۴۷۷ ۳۶۰۳۹ (۲۷۷) **كافي ۶۲۱/۲**: أبو علي الاشعريّ عن محمد بن عبدالجبّار عن صفوان بن يحيى عن **يعقوب** بن شعيب عن أبي عبداللّه ﷺ قال كان أبي صلوات اللّه عليه يقول قل هو اللّه احد ثُلثُ القرآن وقل يا ايّها الكافرون ربع القرآن.

۴۷۸ ۳۶۰۴۰ (۲۷۸) **التوحيد ۹۵**: حدّثنا الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتب ﷺ قال حدّثنا محمد بن أبي عبداللّه الكوفي قال حدثنا موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين بن يزيد النوفلي عن علي بن سالم عن أبي بصير عن أبي عبداللّه ﷺ قال من قرأ قل هو اللّه احد مرّة واحدة فكأنما قرأ ثلث القرآن وثلث التوراة وثلث الانجيل وثلث الزبور.

۴۷۹ ۳۶۰۴۱ (۲۷۹) **مستدرك ۲۸۵/۴**: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النبيّ ﷺ انّه قال من قرأ سورة قل هو اللّه احد فله ثواب ثلث القرآن.

ومن قرئها مرّتين فله ثواب ثلثي القرآن ومن قرئها ثلاث مرّات فله ثواب جميع القرآن.

وقال ﷺ من قرأ قل هو اللّه احد فله شفاء من النفاق ورحمة بالثّبات علىٰ الاخلاص.

وقال ﷺ قال جبرئيل مازلت خائفاً على امّتك حتّىٰ نزلت قل هو اللّه احد فلمّا نزلت بها أمِنْتُ على اُمّتك العذاب.

وقال ﷺ رأيت في الجنّة قصوراً تبنىٰ ثمّ امسكوا عن البناء فقلت لِمَ امسكتم قالوا نفدت النفقة قلت وما النفقة قالوا قرائة قل هو اللّه احد فإذا امسكوا عن القراءة امسكنا عن البناء.

وقال ﷺ انّ من قرأ قل هو اللّه احد بعد صلاة الصبح مأة مرّة غفرت له ذنوب مأة سنة.

۴۷۶ (۲۷۶) حفص بن غیاث گوید: «از حضرت صادق‌علیه السلام شنیدم که به شخصی فرمود: آیا دوست داری در دنیا بمانی؟ گفت: بله. حضرت فرمود: چرا؟ گفت: برای اینکه سوره «قل هو الله احد» بخوانم.

حضرت لحظه‌ای سکوت کردند آنگاه فرمودند: ای حفص! هر کس از دوستان و شیعیان ما بمیرد در حالی که قرآن را نتواند به خوبی بخواند، در قبر به او تعلیم دهند تا خدا به واسطهٔ آن درجه‌اش را بالا برد زیرا درجات بهشت به اندازهٔ آیات قرآن است پس به خوانندهٔ قرآن می‌گویند: بخوان و بالا رو.»

۴۷۷ (۲۷۷) یعقوب بن شعیب از امام صادق‌علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «پدرم که درودهای الهی بر او باد می‌گفت: «قل هو الله احد» یک سوّم قرآن است و قل یا ایّها الکافرون یک چهارم قرآن است.»

۴۷۸ (۲۷۸) ابوبصیر از امام جعفر صادق‌علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس یک بار «قل هو الله احد» را بخواند گویی یک سوّم قرآن و یک سوّم تورات و یک سوّم انجیل و یک سوّم زبور را خوانده است.»

۴۷۹ (۲۷۹) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرصلی الله علیه وآله حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «کسی که سورهٔ «قل هو الله احد» را یک بار بخواند ثواب خواندن یک سوّم قرآن را دارد و کسی که دو بار بخواند ثواب دو سوّم قرآن را می‌برد و کسی که سه بار آن را بخواند ثواب خواندن همهٔ قرآن را خواهد داشت.

و پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: هر کس سوره «قل هو الله احد» را بخواند از بیماری نفاق شفا یابد و به رحمت الهی بر اخلاص، ثابت قدم بماند.

و فرمود: جبرئیل گفت: پیوسته از نزول عذاب بر امّت تو می‌ترسیدم تا اینکه «قل هو الله احد» نازل شد و چون این سوره نازل شد امتت را از عذاب، ایمن دیدم.»

و پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: در بهشت کاخ‌هایی را دیدم که می‌سازند و پس از مدّتی از ساختن دست کشیدند. گفتم: چرا دست کشیدید؟ گفتند: هزینه تمام شد. گفتم: هزینه‌اش چیست؟ گفتند: خواندن سورهٔ «قل هو الله احد» وقتی مؤمنان از خواندن این سوره دست بر می‌دارند ما هم از ساختن، دست برمی‌داریم.

و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس بعد از نماز صبح صدبار سوره «قل هو الله احد» را بخواند گناهان صد سالش آمرزیده شود.

وقالﷺ من قرأ في يوم وليلة قل هو اللّه احد مأتي مرّة غفرت له ذنوب خمسين سنة **وقال** ﷺ من قرأ سورة قل هو اللّه احد بعد صلاة الصبح غفر له ذنب سنة ورفع له الف درجة اوسع من الدنيا سبعين مرّة.

وقالﷺ من قرأ قل هو اللّه احد مرّة واحدة زوّجه اللّه بكل حرف منها سبعمأة حوراء ومن قرئها مرّتين غفر له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر وكأنّما اعتق الفى الف رقبة من ولد إسماعيل وكأنّما رابط في سبيل اللّه الفي الف عام وكأنّما حجّ البيت سبعمأة مرّة وان مات من يومه وليلته مات شهيداً.

ومن قرئها ثلاث مرّات فكأنما قرأ جميع الكتب المنزلة علىٰ انبيائه وكتب له صيام الدهر وقيامه.

وقالﷺ ينادي مناد يوم القيامة ياقارئَ قل هو اللّه احد هَلُمَّ إلى الجنّة بغير حساب وقالﷺ من قرء قل هو اللّه أحد كلّ يوم لم يفتقر أبداً.

وقالﷺ من قرئها اثني عشر مرّة اعطاه اللّه في كلّ حبّة من الثمار قصراً كلّ قصر من المشرق إلى المغرب.

وقالﷺ من قرئها اعطاه اللّه بعدد آياته نوراً في الآخرة تضيئ له الجنّة وان من قرئها مأة مرّة رأىٰ منزله في الجنّة قبل ان يخرج من الدنيا وكتب له عمل خمسين نبيّاً وكتب له براءة من النّار.

وقالﷺ انّها اربع آيات من قرئها مع تفكّر تأتي له من اللّه اربع بشارات عند الموت وفي القبر وعند البعث وعلى الصراط حتّى يدخل الجنّة خالداً مخلّداً وانّ من قرأ قل هو اللّه احد مرّة واحدة تُقُبِّلَت صلاته.

وقالﷺ من قرئها مرّة اعاذه اللّه من الشيطان وبرء من النفاق وحرّم على النار وكأنّما قرء القرآن اربعين مرّة.

وَرُوِيَ انّ النبيّﷺ رأى رجلاً يقرئها فقال هذا عبد قد عرف ربّه وقالﷺ هي المانعة تمنع من عذاب القبر ونفخات النّار.

و آن حضرتﷺ فرمود: هر کس سوره «قل هو الله احد» را بعد از نماز صبح [یک بار] بخواند گناه یک سالش آمرزیده شود و هزار درجه بالاتر رود که هر درجه‌ای از هفتاد برابر این دنیا گسترده‌تر باشد.

و فرمود: «هر کس یک بار سوره «قل هو الله احد» را بخواند خداوند در قبال هر حرف آن هفتصد حور العین را همسر او گرداند و کسی که دو بار بخواند همهٔ گناهان قبلی و بعدی‌اش بخشیده شود و گویی که دو میلیون برده از فرزندان حضرت اسماعیلؑ آزاد کرده است و گویی دو میلیون سال در راه خدا مرزبانی کرده است و گویی هفتصد بار به زیارت خانهٔ خدا رفته و مراسم حجّ را به جای آورده است و اگر در آن روز یا شبش بمیرد، شهید از دنیا رفته است و کسی که سه بار این سوره را بخواند گویی تمام کتاب‌هایی که بر پیامبران نازل شده خوانده است و ثواب روزهٔ یک عمر و عبادت تمام عمر برایش نوشته خواهد شد.

و فرمود: روز قیامت هاتفی صدا می‌زند: ای خوانندهٔ «قل هو الله احد» بیا و بدون حساب به بهشت درآی.

و حضرت رسولﷺ فرمود: هر کس هر روز «قل هو الله احد» بخواند هیچ وقت فقیر نشود.

و فرمود: هر کس این سوره «اخلاص» را دوازده بار بخواند خداوند به اندازهٔ هسته‌هایی که در میوه‌هاست به او کاخ دهد که هر کاخی به اندازهٔ مشرق تا مغرب است.

و آن حضرتﷺ فرمود: هر کس این سوره «اخلاص» را بخواند خداوند به تعداد آیاتش در آخرت به او نور دهد که بهشت را برای او روشن می‌کند و به راستی هر کس این سوره را صد بار بخواند پیش از اینکه از دنیا برود جایگاه خود را در بهشت خواهد دید و عمل پنجاه پیامبر برایش نوشته شود و امان نامه‌ای از آتش جهنم برایش نوشته شود.

و حضرت رسول اللهﷺ فرمود: «این سوره «اخلاص» چهار آیه است[1] که هر کس آن را با تدبّر بخواند چهار مژده از طرف خداوند به او داده شود: در وقت مردن و در قبر و در هنگام برانگیخته شدن و بر صراط تا اینکه به بهشت درآید و جاودان و همیشه در آن بماند و به راستی هر کس «قل هو الله احد» را یک بار بخواند نمازش پذیرفتهٔ درگاه الهی خواهد شد.

و فرمود ﷺ: هر کس سوره «اخلاص» را یک بار بخواند، خداوند او را از شرّ شیطان پناه دهد و از نفاق پاک گردد و بدنش بر آتش حرام گردد و گویی چهل بار قرآن را خوانده است.

و روایت شده که پیامبرﷺ مردی را دید که این سوره را می‌خواند فرمود: این، بنده‌ای است که پروردگارش را شناخته است و پیامبرﷺ فرمود: این سوره، «مانعه» است جلوی عذاب قبر و هُرم‌های آتش را می‌گیرد.»

---

۱. این حدیث بر نظر اهل سنّت است که بسم الله را یک آیه نمی‌دانند و بر مذهب شیعه «اخلاص» پنج آیه است.

۴۸۰ ۲۶۰۴۲ (۲۸۰) **وسائل ۴۵۹/۱۰**: علي بن موسى بن طاووس في كتاب الاقبال عن الصادق عليه السلام انه قال من قرء يوم عاشورا الف مرّة سورة الاخلاص نظر الرحمن إليه ومن نظر الرحمن إليه لم يعذّبه ابداً.

۴۸۱ ۲۶۰۴۳ (۲۸۱) **المعاني ۱۹۱**: حدّثنا أبو الحسن محمد بن أحمد بن عليّ الأسديّ قال حدّثنا محمد بن الحسن بن هارون بن يزيد قال حدّثنا عبدالله بن معاذ قال حدّثني أبي قال حدّثنا شعبة عن علي بن مدرك عن إبراهيم النخعي عن الربيع بن خثيم عن **عبدالله** بن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ايعجز احدكم ان يقرأ كلّ ليلة ثُلث القرآن قالوا ومن يطيق ذلك قال صلى الله عليه وآله قل هو الله احد ثلث القرآن مستدرك ۲۸۷/۴: الشيخ أبو الفتوح الرازي في تفسيره عن **أبي الدرداء** قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله أيعجز احدكم (وذكر نحوه).

۴۸۲ ۲۶۰۴۴ (۲۸۲) **المحاسن ۶۲۳**: البرقي عن يعقوب (عمر ـك) ابن يزيد عن أبي خالد الكوفي عن **عمران** بن البختري عن أبي عبدالله عليه السلام انّه قال من قرأ قل هو الله احد نفت عنه الفقر واشتدّت اساس دوره ونفعت جيرانه.

۴۸۳ ۲۶۰۴۵ (۲۸۳) **مستدرك ۲۸۹/۴**: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **سهل** بن سعد الساعدي قال جاء رجل من الأنصار إلى النبيّ صلى الله عليه وآله فشكا إليه الفقر وضيق المعاش فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله إذا دخلت بيتك فسلّم ان كان فيه احد وان لم يكن فيه احد فصلّ عليّ واقرأ قل هو الله مرّة واحدة ففعل الرجل فافاض الله عليه رزقاً ووسّع عليه حتّى افاض على جيرانه وفيها اخبار أُخر لاتخلو نسختي من السقم فتركناها.

۴۸۴ ۲۶۰۴۶ (۲۸۴) **البحار ۸۶/ ۱۶۰**: البلد الامين في سنن **سعيد** بن منصور عن النبيّ صلى الله عليه وآله من قرأ التوحيد كلّ يوم عشر مرّات لم يدركه في ذلك اليوم ذنب وان جهد الشيطان.

۴۸۵ ۲۶۰۴۷ (۲۸۵) **الثواب ۱۵۶**: أبي رحمه الله قال حدّثني محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن عن أبي عبدالله عن **إسحاق** بن عمّار عن أبي عبدالله عليه السلام قال من مضت له جمعة ولم يقرأ فيها بقل هو الله احد ثمّ مات مات على دين أبي لهب **المحاسن ۹۵**: البرقي **وفي** رواية **إسحاق** بن عمّار قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول من مضت (وذكر مثله) الثواب ۲۸۲: حدّثني محمد بن الحسن رحمه الله قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي قال في رواية **إسحاق** بن عمّار عن أبي عبدالله عليه السلام (نحوه).

۴۸۰ (۲۸۰) شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه از حضرت صادق‌ علیه السلام روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روز عاشورا هزار بار سوره «اخلاص» را بخواند خداوند بخشنده [به دیدهٔ رحمت] به او نگرد و هر کس را که خداوند به دیدهٔ رحمت به او نگرد هرگز عذاب نخواهد کرد.»

۴۸۱ (۲۸۱) عبدالله بن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود: «آیا هر یک از شما از خواندن یک سوّم قرآن در یک شب، عاجز است؟ [اصحاب] گفتند: چه کسی می‌تواند بخواند؟ حضرت فرمود: «قل هو الله احد» یک سوّم قرآن است.»

۴۸۲ (۲۸۲) عمران بن بختری از حضرت صادق‌ علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس «قل هو الله احد» را بخواند فقر از او زدوده شود و بنیان خانه و خانواده‌اش محکم گردد و حتی به همسایگانش این سود بخشد.»

۴۸۳ (۲۸۳) سهل بن سعد ساعدی گوید: «مردی از انصار به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پیش حضرتش از فقر و تنگدستی درد دل کرد و راه نجاتی می‌خواست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: هر گاه به خانه‌ات داخل شدی پس اگر کسی در خانه بود سلام کن و اگر کسی نبود بر من صلوات بفرست و یک بار «قل هو الله احد» را بخوان. پس آن مرد به همین دستور حضرت عمل کرد. در نتیجه خداوند از جود خود روزی زیادی به او مرحمت کرد به اندازه‌ای که به همسایگانش نیز بذل و بخشش نمود.»

۴۸۴ (۲۸۴) در کتاب سنن سعید بن منصور از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «هر کس سوره «توحید» را روزی ده بار بخواند آن روز به گناه آلوده نگردد گرچه شیطان بس تلاش کند.»

۴۸۵ (۲۸۵) اسحاق بن عمار از امام صادق‌ علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس جمعه‌ای بر او بگذرد و در آن سوره «قل هو الله احد» را نخواند و بمیرد بر دین ابو لهب مرده است.»

۴۸۶ ۳۶۰۴۸ (۲۸۶) **الثواب ۲۸۲**: أبي‌ﷺ قال حدّثني سعد بن عبداللّه المحاسن ۹۵: عن أحمد بن محمد بن خالد عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي البطائني عن أبي عبداللّه المؤمن عن ابن مسكان عن **سليمان** بن خالد قال سمعت ابا عبداللّه‌ﷺ يقول من مضت به[۱] ثلاثة ايام (و ـ محاسن) لم يقرأ (فيها ـ ثواب) قل هو اللّه احد فقد خذل ونزع ربقة الإيمان من عنقه وان مات في هذه الثلاثة الأيّام كان كافراً باللّه العظيم.

۴۸۷ ۳۶۰۴۹ (۲۸۷) **الثواب ۲۸۳**: حدّثني محمد بن الحسن ﷺ قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن المحاسن ۹۶: أحمد بن أبي ـ عبداللّه عن إسماعيل بن مهران الثواب ۱۵۶: أبي‌ﷺ قال حدثني محمد بن يحيىٰ عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن (بن علي البطائني ـ محاسن ـ ثواب ۲۸۳) عن مندل[۲] عن **هارون** بن خارجة قال سمعت[۳] اباعبداللّه‌ﷺ يقول من اصابه مرض او شدّة ولم يقرء في مرضه او شدّته قل هو اللّه احد ثمّ مات في مرضه او شدّته[۴] التي نزلت به فهو في النار[۵].

۴۸۸ ۳۶۰۵۰ (۲۸۸) **وسائل ۴۸۴/۱۰**: **علي** بن موسىٰ بن طاووس في الاقبال قال رأيت في حديث باسناده انّ من قرء يوم الجمعة من رجب قل هو اللّه احد مأة مرّة كان له نوراً يوم القيامة يسعىٰ به إلى الجنّة **مستدرك ۵۳۵/۷** القطب الراونديّ في لبّ اللّباب عن النبيّ‌ﷺ قال من قرء كل جمعة من رجب وذكر نحوه وزاد قال انّ اللّه اوجب المغفرة للتّائبين في رجب.

۴۸۹ ۳۶۰۵۱ (۲۸۹) **وسائل ۴۸۵/۱۰**: عن **الاقبال** ـ عن النبيّ‌ﷺ قال من قرء في عمره عشرة آلاف مرّة قل هو اللّه احد بنيّة صادقة في شهر رجب جاء يوم القيامة خارجاً من ذنوبه كيوم ولدته امه فيستقبله سبعون ملكاً يبشّرونه بالجنّة.

۴۹۰ ۳۶۰۵۲ (۲۹۰) وعن **النبيّ‌ﷺ** قال من قرء قل هو اللّه احد الف مرّة جاء يوم القيامة بعمل الف نبيّ والف ملك ولم يكن احد اقرب إلى اللّه منه إلّا من زاد عليه وانّها لتضاعف في شهر رجب.

۴۹۱ ۳۶۰۵۳ (۲۹۱) **وعنه‌ﷺ** من قرء قل هو اللّه مأة مرّة بورك له (عليه خ) وعلى ولده واهله و جيرانه ومن قرأها فى رجب بنى اللّه له اثنى عشر قصراً فى الجنّة وذكر ثواباً جزيلاً واجراً عظيماً.

---

۱. له ـ ثواب. ۲. صندل ـ محاسن. ۳. عن أبي عبداللّه قال ـ ثواب ۱۵۶.
۴. في تلك الشدّة ـ ثواب. ۵. من أهل النار ـ ثواب ۱۵۶.

۴۸۶ (۲۸۶) سلیمان بن خالد گوید: «از حضرت صادق‌علیه‌السلام شنیدم که فرمود: هر کس سه روز بر او بگذرد و در آن سه روز سوره «قل هو الله احد» را نخواند پس در حقیقت خود را رسوا کرده و طوق ایمان از گردن درآورده است و اگر در این سه روز بمیرد کافر به خداوند بزرگ از دنیا رفته باشد.»

۴۸۷ (۲۸۷) هارون بن خارجه گوید: «از امام صادق‌علیه‌السلام شنیدم که فرمود: هر کس به بیماری یا بلای سختی گرفتار شود و در این بیماری و سختی [برای شفا و نجات خود] سوره «قل هو الله احد» نخواند و در همین بیماری یا سختی که او را فرا گرفته از دنیا برود پس او به آتش دوزخ افتد.»

۴۸۸ (۲۸۸) ابن طاووس در کتاب اقبال گفته: «در یک حدیث مستند دیدم که: هر کس در روز جمعهٔ ماه رجب صد بار «قل هو الله احد» را بخواند، روز قیامت برای او نوری شود که جلوی او را تا بهشت روشن کند.»

قطب راوندی در لُبّ اللباب از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده که فرمود: «هر کس هر جمعه از ماه رجب را ... ادامهٔ حدیث را مثل حدیث قبلی ذکر کرده است و اضافه کرده: «به راستی که خداوند آمرزش خود را در حقّ توبه کنندگان در ماه رجب واجب کرده.»

۴۸۹ (۲۸۹) در کتاب وسائل الشیعه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود: «کسی که در همهٔ عمرش ده هزار بار با نیّت درست در ماه رجب سوره «قل هو الله احد» را بخواند روز قیامت خواهد آمد در حالی که از گناه پاک است مانند روزی که مادر او را زاده بود و هفتاد هزار فرشته به استقبال او آیند و او را به بهشت مژده دهند.»

۴۹۰ (۲۹۰) و از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود: «هر کس سوره «قل هو الله احد» را هزار بار بخواند روز قیامت خواهد آمد در حالی که به اندازهٔ عمل هزار پیامبر و هزار فرشته برای او خواهد بود و احدی از او به خداوند نزدیک‌تر نخواهد بود مگر کسی که زیادتر این سوره را خوانده است و اگر این سوره در ماه رجب خوانده شود این ثواب‌ها دو چندان خواهد شد.»

۴۹۱ (۲۹۱) از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمود: «هر کس سوره «قل هو الله احد» را صد بار بخواند، برکت بر او و فرزندان و خانواده و همسایگانش نازل شود و اگر کسی این صد بار را در ماه رجب بخواند خداوند دوازده کاخ در بهشت برای او بنا کند و او را پاداش فراوان و مزد بزرگی عطا فرماید.»

۴۹۲ ۲۶۰۵۴ (۲۹۲) **مجمع البيان ۵۶۷/۵**: في حديث ابيّ ومن قرء قل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ الناس فكأنّما قرء جميع الكتب التى انزلها اللّه تعالى على الأنبياء.

۴۹۳ ۲۶۰۵۵ (۲۹۳) **كافي ۶۲۳/۲**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن بكر[۱] بن صالح عن سليمان الجعفري عن أبي الحسن عليه السلام قال سمعته يقول ما من أحد في حدّ الصبا يتعهّد في كلّ ليلة قرائة قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس كلّ واحدة ثلاث مرّات وقل هو اللّه احد مأة مرّة فان لم يقدر فخمسين إلّا صرف اللّه عزّ وجلّ عنه كلّ لمم او عرض من اعراض الصبيان والعطاش وفساد المعدة وبدور الدم ابداً ما تعوهد بهذا حتى يبلغه الشيب فان تعهد نفسه بذلك او تعاهد كان محفوظاً إلى يوم يقبض اللّه عزّ وجلّ نفسه.

وتقدّم في احاديث باب (۹) تلقين المحتضر الشهادتين **وباب** (۱۱) نقل المتحضر إلى مصلاه من أبواب ما يتعلّق بالمرض مايدلّ على استحباب قرائة سورد الواقعة وانّا فتحناً وقل يا أيُّها الكافرونُ والصّافات ويس، وآية الكرسي في رواية الحسن (۱۹) من باب (۲) فضل الاذان من أبوابه قوله صلى الله عليه وآله من قرء فاتحة الكتاب اعطاه اللّه بعدد كلّ آية انزلت من السماء فيجزي بها ثوابها.

وفي أحاديث باب (۱۳) السّور الّتي تقرء في الفرائض وباب (۱۴) السّور الّتي تستحبّ ان تقرء في النوافل من أبواب القرائة مايدلّ على فضائل كثيرة من السور.

وكذا في أحاديث باب (۹) ساير ما يستحبّ ان يقال في دبر كلّ صلاة من أبواب التعقيب.

وفى أحاديث باب (۴۴) ما يستحبّ ان يقرء من القرآن ليلة الجمعة ويومها من أبواب صلاة الجمعة ما يناسب الباب.

---

۱. محمد بن يحيى عن أحمد بن بكر عن صالح ـ خ والظاهر انه سهو.

فضیلت سوره «فَلَق و ناس»

(۲۹۲) اُبیّ بن کعب از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هرکس سوره «قُل اعوذ بربّ الفلق» و «قل ۴۹۲
اعوذ بربّ الناس» را بخواند پس گویی تمام کتاب‌هایی را که خداوند متعال بر پیامبرانش نازل کرده
است، خوانده است.»

(۲۹۳) سلیمان جعفری گوید: «از امام موسی کاظم‌ؑ شنیدم که فرمود: هر کس در دوران کودکی ۴۹۳
خود را موظّف بداند که هر شب هر یک از سوره «قل اعوذ بربّ الفلق» و سوره «قل اعوذ بربّ
الناس» را سه بار بخواند و سوره «قل هو الله احد» را صد بار و اگر نتوانست پنجاه بار بخواند
خداوندﷻ از او هر پریشانی و حادثه‌های دوران کودکی و تشنه‌زدگی[1] و بیماری معده و خونریزی
را دور گرداند تا وقتی که بر خواندن این سوره‌ها مواظبت کند تا وقتی که پیر شود و اگر بر این
دستور مواظبت و مداومت ورزد از هر آسیبی محفوظ بماند تا روزی که خداوندﷻ جانش را
قبض کند.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب نهم و یازدهم از باب‌های آنچه به بیماری تعلق دارد و بر استحباب خواندن«واقعه»، «انّا فتحنا»، «قل یا ایّها الکافرون»، «صافّات»، «یٰس» و «آیة الکرسی» دلالت دارد.

و در روایت نوزدهم از باب دوم از باب‌های فضیلت اذان فرموده پیامبرﷺ که: «هر کس«فاتحة الکتاب» را بخواند خداوند به اندازهٔ تمام آیاتی که از آسمان نازل کرده است به او پاداش می‌دهد.»

و در روایات باب سیزدهم و چهاردهم از باب‌های قرائت روایاتی که بیانگر فضیلت بسیاری از سوره‌های قرآن بود.

و همین طور در روایات باب نهم مربوط به تعقیبات نماز و مستحبّات شب و روز جمعه که چه سوره‌هایی خواندن آن مستحب است.

---

۱. بیماری تشنگی که هر چند آب خورده شود تشنگی نرود. (غیاث اللغات).

وفي رواية أبي بصير (۳۵) من باب (۳) ما ورد من الصوم تطوعاً من أبواب الصيام المندوب قوله ﷺ يا ابا الحسن مثلك في اُمّتي مثل قل هو اللّه احد فمن قرأها مرّة فقد قرء ثلث القرآن ومن قرأها مرتين فقد قرء ثلثي القرآن ومن قرأها ثلاثاً فقد ختم القرآن.

وفي رواية إسماعيل بن سهل (۵۴) من باب (۷۷) وجوب التوبة من أبواب جهاد النفس قوله علّمني شيئاً إذا انا قلته كنت معكم في الدنيا والآخرة فكتب ﷺ بخطّه اعرفه اكثر من تلاوة انّا انزلناه ورطّب شفتيك بالإستغفار.

ويأتي في أحاديث الباب التالي وما يتلوه ما يدلّ على ثواب قرائة بعض السّور.

وفي رواية أبي بكر (۱۰) من باب (۳۳) انّ في القرآن ما يؤمن به من الحرق قوله ﷺ سورة يسٓ تدعىٰ في التوراة المعمة قيل وما المعمة قال تعمّ صاحبها خير الدّنيا والآخرة وتكابد عنها بلوىٰ الدنيا وتدفع عنه اهاويل الآخرة الخبر.

وفي رواية محمد بن على (۵) من باب (۱۵) كراهة الاستلقاء في الحمّام من أبواب آداب الحمّام قوله ﷺ انّما شفاء العين قراءة الحمد والمعوّذتين وآية الكرسي.

وفي أحاديث باب (۲۵) مايستحبّ ان يعمل لقضاء الدين من أبواب الدين ما يناسب ذلك.

(۲۳)

باب ماورد في ثواب قرائة التّوحيد والمعوّذتين والجحد والقدر والتّكاثر وآية الكرسي عند النّوم وغيره

٤٩٤ ٢٦٠٥٦ (۱) كافي ۴۳۹/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن محمد بن خالد والحسين بن سعيد جميعاً عن النضر بن سويد عن يحيىٰ الحلبي عن أبي اسامة قال سمعت اباعبداللّه ﷺ يقول من قرأ قل هو اللّه احد مأة مرّة حين يأخذ مضجعه غفر له ما عمل قبل ذلك خمسين عاماً وقال يحيىٰ فسألت سماعة عن ذلك فقال حدثني أبو بصير قال سمعت ابا عبداللّه ﷺ يقول ذلك وقال يا ابا محمد أما انّك ان جرّبته وجدتّه سديداً.

و در روایت سی و پنجم از باب سوم از باب‌های روزه مستحبی فرموده پیامبرﷺ که: «ای ابوالحسن! مَثَل تو در میان امّت من مَثَل «قل هو الله احد» [در قرآن] است. پس هر کس یک بار آن را بخواند بی گمان یک سوّم قرآن را خوانده است و هر کس دو بار آن را بخواند، دو سوّم قرآن را خوانده است و هر کس سه بار آن را بخواند بی گمان قرآن را ختم کرده است.»

و در روایت پنجاه و چهارم از باب هفتاد و هفتم از باب‌های جهاد با نفس این گفته که: «به من عملی بیاموز که اگر آن را انجام دهم در دنیا و آخرت با شما باشم پس حضرت با خطّ خودش نوشت: پس این عمل را بشناس؛ سوره «انّا انزلناه» را زیاد بخوان و همیشه لب‌هایت را با استغفار، تر نگاه دار.»

می‌آید:

در روایات باب بعدی و باب پس از آن آنچه بر ثواب خواندن بعضی از سوره‌ها دلالت می‌کند.

و در روایت‌دهم از باب سی و سوم فرموده امامؑ که: «سورهٔ «یٰس» در تورات به نام «مُعْمَة» خوانده شود.» سؤال شد: «معمة» چیست؟ حضرت فرمود: برای قاری‌اش عموم خیر دنیا و آخرت را به همراه می‌آورد و رنج و بلاهای دنیا را از او دور می‌کند و هول و هراس‌های آخرت را دفع نماید.»

و در روایت پنجم از باب پانزدهم از باب‌های آداب حمام فرموده امامؑ آمده است که: «خواندن سورهٔ «حَمْد» و «فلق» و «الناس» و «آیة الکرسی» شفابخش چشم و دردهای آن است.»

و در روایات باب بیست و پنجم مربوط به مستحبّات پرداخت بدهی نیز روایاتی مناسب با این موضوع یافت می‌شود.

باب ۲۳

فضیلت خواندن سوره توحید و معوّذتین و جَحْد و قَدْر و تکاثر و آیة الکرسی پیش از خواب

(۱) ابو اُسامه گوید: «از امام صادقؑ شنیدم که فرمود: هر کس صد بار سوره «قل هو الله احد» را پیش از خواب بخواند گناهان پنجاه سال او بخشیده شود.» ۴۹۴

ابوبصیر هم گفته است که: «من نیز از امام صادقؑ این سخن را شنیده‌ام به علاوه اینکه حضرت می‌فرمود: ای ابا محمد! آگاه باش اگر این عمل را تجربه کنی آن را عمل استوار و درست و حسابی خواهی یافت.»

۴۹۵ ۳۶۰۵۷ (۲) **كافي** ۲/ ۶۲۰: محمد بن يحيىٰ عن محمد بن الحسين عن محمد بن الحسين عن علي بن النّعمان عن **عبداللّه** بن طلحة عن جعفر ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ من قرأ قل هو اللّه احد مأة مرّة حين يأخذ مضجعه غفر اللّه عزّ وجلّ له ذنوب خمسين سنة التوحيد ۹۵: امالي الصدوق ۲۲: حدّثنا محمد بن موسىٰ بن المتوكّل ﷺ قال حدّثنا محمد بن يحيىٰ العطّار الثواب ۱۵۶: أبي ﷺ قال حدّثنا محمد بن يحيىٰ قال حدّثنا[1] محمد بن أحمد (بن يحيىٰ بن عمران الاشعريّ ـ توحيد ـ امالي) عن أحمد بن هلال عن **عيسىٰ** بن عبداللّه عن أبيه عن جدّه (عن آبائه عن عليّ[2] امالي) قال قال رسول اللّه ﷺ من قرأ (وذكر مثله) إلّا انّه اسقط في الامالي قوله مأة مرّة.

۴۹۶ ۳۶۰۵۸ (۳) **الثواب** ۱۵۶: بهذا الاسناد عن الحسن عن ابان بن عثمان[3] عن **قيس** بن الربيع عن أبي عبداللّه ﷺ قال من آوىٰ إلى فراشه فقرأ قل هو اللّه احد إحدىٰ عشر مرّة حفظه اللّه في داره وفي دويرات حوله.

۴۹۷ ۳۶۰۵۹ (۴) **مستدرك** ۴/ ۲۹۰: السيّد عليّ بن طاوُوس في فلاح السّائل عن محمد بن الحسن الصفّار عن علي بن إسماعيل عن حمّاد بن عيسىٰ عن الحسين القلانسي عن **أبي بصير** قال سمعت ابا عبداللّه ﷺ يقول من قرأ قل هو اللّه احد احدىٰ عشرة مرّة حين يأوىٰ إلى فراشه غفر اللّه له ذنبه وشفع في جيرانه فان قرئها مأة مرّة غفر ذنبه فيما يستقبل خمسين سنة.

۴۹۸ ۳۶۰۶۰ (۵) **مستدرك** ۴/۲۹۳: الشيخ إبراهيم **الكفعمي** في الجنّة عن النبيّ ﷺ انّ من قرأ التوحيد والمعوّذتين ثلاثاً عند نومه كان كمن قرأ القرآن وله بكلّ آية من القرآن ثواب نبيّ من الأنبياء وخرج من ذنوبه كيوم ولدته اُمّه وان مات في يومه او ليلته مات شهيداً.

۴۹۹ ۳۶۰۶۱ (۶) **مجمع البيان** ۵/۵۶۷: عقبة بن عامر عن النبيّ ﷺ قال يا عقبة إلا اعلّمك سورتين هما افضل القرآن او من افضل القرآن قلت بلىٰ يا رسول اللّه فعلّمني المعوّذتين ثمّ قرأ بهما في الصلاة الغداة وقال لي اقرأهما كلّما قمت ونمت.

---

۱. حدثني ـ ثواب. ۲. عن أمير المؤمنين ـ ثواب.

۳. قبل هذا الحديث في الثواب حديثان لم يذكر فيهما الحسن وقبل هذين الحديثين أحاديث نقله الصدوق هكذا بهذا الأسناد عن الحسن والرواية التي فيه الحسن هكذا ـ أبي ﷺ قال حدثني محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسّان عن اسماعيل بن مهران عن الحسن عن الحسين بن أبي العلاء عن أبي عبداللّه ﷺ ـ ولذا لا يبعد أن يكون مراده ﷺ بقوله بهذا الأسناد عن الحسن هذا السند وأورد في الوسائل ۲۲۷/۶: السند هكذا وعن أحمد بن محمد عن أبيه عن محمد بن أحمد عن أبي الحسن النهدي عن ابان بن عثمان عن قيس بن ربيع.

(۲) عبدالله بن طلحه از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس پیش از آنکه به ۴۹۵
بستر خواب رود صد بار سوره «قل هو الله احد» را بخواند خداوند عزّت مدار و شکوه‌مند گناهان پنجاه سال او را بیامرزد.»

(۳) قیس بن ربیع از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «کسی که [برای خوابیدن] به بسترش ۴۹۶
می‌رود و یازده بار «قل هو الله احد» را بخواند خداوند او را در خانه‌اش و چند خانهٔ دیگری که در اطراف اوست حفظ نماید.»

(۴) ابوبصیر گوید: «از امام صادقعليه السلام شنیدم که فرمود: کسی که یازده بار سوره «قل هو الله احد» ۴۹۷
را هنگامی که به بستر خواب می‌رود بخواند، گناهش آمرزیده شود و شفاعتش در حقّ همسایگانش پذیرفته می‌شود و اگر صد بار بخواند گناه پنجاه سال آینده‌اش هم آمرزیده شود.»

(۵) شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب «الجنّة» روایتی از پیامبرﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: ۴۹۸
«بی‌گمان کسی که سوره «توحید»، «فَلَق» و «ناس» را در وقت خوابیدن بخواند مثل کسی است که تمام قرآن را خوانده است و به هر آیه‌ای که می‌خواند پاداش پیامبری او را خواهد بود و مثل روزی که مادر او را زاده بود از گناهانش پاک گردد و اگر در آن شب و روز از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.»

(۶) عقبة بن عامر از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «ای عقبه! آیا یاد ندهم به تو دو ۴۹۹
سوره‌ای که با فضیلت‌ترین سوره‌های قرآنند؟ [یا فرمود:] جزو با فضیلت‌ترین سوره‌های قرآن است؟ عرض کردم: بله ای پیامبر خدا! پس حضرت «معوّذتین» را به من آموخت و خود حضرت آن دورا در نماز صبح بخواند و به من فرمود: هر وقت می‌خواهی بخوابی یا از خواب بیدار شوی این دو سوره را بخوان.»

٥٠٠ ٢٦٠٦٢ (٧) **مستدرك** ٢٩٢/٤: السيّد علي بن طاووس في فلاح السّائل عن أبي محمد هارون بن موسى عن محمد بن همام قال حدّثنا الحسين بن هارون بن حدور المدائني قال حدّثنا إبراهيم بن مهزيار عن ابن أبي عمير عن جميل بن صالح عن الوليد بن صبيح قال قال لي **شهاب** بن عبد ربّه اقرأ ابا عبداللّه عليه السلام منّي السلام وأخبره انّني يصيبني فزع في منامي فقلت له ذلك فقال قل له إذا آوىٰ إلى فراشه فليقرأ المعوّذتين وآية الكرسي وآية الكرسي افضل.

٥٠١ ٢٦٠٦٣ (٨) **كافي** ٦٢٦/٢: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن إسماعيل بن مهران عن صفوان بن يحيىٰ عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه عليه السلام انّه قال من قرأ إذا آوىٰ إلى فراشه قل يا أيّها الكافرون وقل هو اللّه احد كتب اللّه عزّ وجلّ له براءة من الشرك.

٥٠٢ ٢٦٠٦٤ (٩) **مجمع البيان** ٥٥١/٥: عن فروة بن نوفل الأشجعي عن أبيه انّه اتى النبيّ صلى الله عليه وآله فقال جئت يا رسول اللّه لتعلّمني شيئاً اقوله عند منامي قال إذا اخذت مضجعك فاقرأ يا ايها الكافرون ثمّ نم على خاتمتها فانّها براءة من الشرك.

٥٠٣ ٢٦٠٦٥ (١٠) **مستدرك** ٢٩٥/٤: الشيخ أبو الفتوح **الرازي** في تفسيره عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّه قال لبعض أصحابه إذا اردت المنام فاقرأ هذه السورة يعنى الجحد قال فكأنّما قرأ ربع القرآن وتبعد عنه الشياطين ويبرأ من الشرك ويكون في أمن من الفزع الاكبر وقال قولوا لصبيانكم إذا أرادوا المنام ان يقرؤا هذه السورة حتّىٰ لا يتعرّض لهم الجنّ.

٥٠٤ ٢٦٠٦٦ (١١) **مستدرك** ٢٩٢/٤: السيّد علي بن طاووس في فلاح السّائل مرسلاً انّه يقرأ الجحد عند المنام ثلاث مرّات.

٥٠٥ ٢٦٠٦٧ (١٢) **وسائل** ٢٣٩/٦: محمد بن الحسن في (المصباح) عن أبي الحسن موسىٰ عليه السلام انّه قال يستحبّ ان يقرأ الانسان عند النوم احدىٰ عشرة مرّة انا انزلناه في ليلة القدر.

٥٠٦ ٢٦٠٦٨ (١٣) **مستدرك** ٢٩٢/٤: السيّد علي بن طاووس فى فلاح السّائل عن أبي محمد هارون بن موسى قال حدّثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدّثنا أحمد بن ميثم ويحيىٰ بن زكريا بن شيبان قال حدّثنا إسحاق بن علي ابن أبي حمزة الطيالسي وأخبرنا أبوالطيب عبدالغفّار بن عبيد بن السري المقري قال حدّثنا محمد بن همام قال حدّثنا أحمد بن ادريس عن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي ابن أبي حمزة عن أبي المغرا عن **أبى بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال سمعته يقول من قرأ سورة انا انزلناه في ليلة القدر احدىٰ عشر مرّة عند منامه وكلّ اللّه به احد عشر ملكاً يحفظونه من كلّ شيطان رجيم حتّىٰ يصبح.

۵۰۰ (۷) ولید بن صبیح نقل کرده که شهاب بن عبد ربّه به من گفت: «سلام مرا به امام جعفر صادقؑ برسان و به حضرتش بگو که من در خواب می‌ترسم [چه کنم که نترسم؟] من هم به حضرت گفتهٔ او را رساندم، پس حضرت فرمود: هر گاه به بستر رود «معوذتین» و «آیة الکرسی» بخواند و البتّه «آیة الکرسی» بهتر است.»

۵۰۱ (۸) عبدالله بن سنان از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس در وقتی که به بستر می‌رود سوره «قُل یا ایّها الکافرون» و «قل هو الله احد» را بخواند خداوند عزّت مدار شکوهمند امان نامه‌ای از شرک ورزیدن برایش بنویسد.»

۵۰۲ (۹) فروة بن نوفل اشجعی از پدرش نقل کرده که او به خدمت پیامبرﷺ رسید و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! من خدمت رسیدم تا به من یاد دهی چیزی را که در هنگام خوابیدن بخوانم. حضرت فرمود: چون به بسترت رفتی سوره «یا ایّها الکافرون» را بخوان و در پایان آن، بخواب زیرا این امان نامه است از شرک ورزیدن [به خدا.]»

۵۰۳ (۱۰) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خداﷺ نقل کرده که آن حضرت به بعضی از اصحاب خود فرمود: «وقتی می‌خواهی بخوابی این سوره یعنی سوره «جَحْد» را بخوان.

حضرت فرمود: پس گویی یک چهارم قرآن را خوانده است و شیاطین از او دور شوند و از شرک پاک گردد و از بزرگترین ترس و هراس [یعنی ترس روز قیامت] در امان خواهد بود و حضرت فرمود: به کودکان خود بگویید که هر گاه می‌خواهند بخوابند این سوره (جحد) را بخوانند تا جن به آن‌ها کاری نداشته باشد.»

۵۰۴ (۱۱) سید علی بن طاووس در فلاح السائل با حذف سند از پیامبرﷺ نقل کرده که: «حضرت وقت خوابیدن سه بار سوره «جحد» را می‌خواند.»

۵۰۵ (۱۲) مرحوم شیخ طوسی در مصباح المتهجّد روایتی از امام موسی کاظمؑ نقل کرده که حضرت فرمود: «پسندیده است انسان پیش از خواب یازده بار سوره «انّا انزلناه فی لیلة القدر» را بخواند.»

۵۰۶ (۱۳) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «انّا انزلناه فی لیلة القدر» را یازده بار در وقت خوابیدن بخواند خداوند یازده فرشته را بر او بگمارد که او را تا صبح از هر شیطان رانده شده [و ملعونی] حفظ کند.»

٥٠٧ ٣٦٠٦٩ (١٤) **مستدرك** ٢٩٣/٤: الشيخ إبراهيم **الكفعمي** في الجنّة عن الباقر عليه السلام انّه قال من قرئها (اي سورة انا انزلناه) حين ينام احدىٰ عشرة مرّة خلق اللّه له نوراً سعته سعة الهواء عرضاً وطولاً ممتدّاً من قرار الهواء إلى حجب النور فوق العرش وفي كلّ درجة منه الف ملك لكلّ ملك الف لسان لكلّ لسان الف لغة يستغفرون لقارئها وعنه عليه السلام من قرئها حين ينام ويستقيظ ملأ اللوح المحفوظ ثوابه.

٥٠٨ ٣٦٠٧٠ (١٥) **وعن كتاب طريق النجاة** للشيخ عزّ الدين **الحسن** بن ناصر بن إبراهيم الحدّاد العاملي عن الجواد عليه السلام انّه من قرأ سورة القدر في كلّ يوم وليلة ستّاً وسبعين مرّة خلق اللّه له الف ملك يكتبون ثوابها ستّاً وثلاثين الف عالم ويضاعف اللّه استغفارهم الفي سنة الف مرّة وتوظيف ذلك في سبعة اوقات إلى ان قال السابع حين يأوي إلى فراشه احدىٰ عشرة مرّة ليخلق اللّه منه ملكاً راحته اكبر من سبع سماوات وسبع ارضين في كلّ ذرّة من جسده شعرة ينطق كلّ شعرة بقوّة الثّقلين يستغفرون لقارئها إلى يوم القيامة[1].

٥٠٩ ٣٦٠٧١ (١٦) **كافي** ٦٢٣/٢: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد الثواب ١٥٣: أبي عليه السلام قال حدثني محمد بن يحيىٰ العطّار قال حدثني محمد بن أحمد عن **سهل** بن زياد عن جعفر بن محمد بن بشير[2] عن عبيداللّه (بن ـ كا) الدهقان عن درست عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قرأ الهيٰكم التّكاثر عند النوم وقي (من ـ ثواب) فتنة القبر وسائل ٢٢٩/٦: محمد بن الحسن (في المصباح) عن النبيّ صلى الله عليه وآله (مثله).

٥١٠ ٣٦٠٧٢ (١٧) **مستدرك** ٢٩٤/٤: القطب **الراوندي في دعواته** عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال جائني جبرئيل فقال بشّر امّتك بفضائل (ألهيٰكم) ما من احد من امّتك يقرئها بنيّة صادقة عند مضجعه إلّا كتب له سبعون الف حسنة ومحىٰ عنه سبعون الف سيّئة ورفع له سبعون الف درجة وشفّع في أهل بيته وجيرانه ومعارفه وكفاه اللّه شرّ منكر ونكير.

---

١. ك ـ استظهرنا في كتاب دارالسلام كون هذا الخبر مأخوذاً من كتاب الحسن بن العبّاس بن حريش الرازي من أصحاب أبي جعفر الثاني عليه السلام الذى صرح الشيخ فى الفهرست انّ له كتاب ثواب انا انزلناه في ليلة القدر وانّه يرويه عن ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن الصفّار عن أحمد بن إسحاق بن سعيد عنه.

٢. يسار ـ ثواب ـ بشار خ ل ـ ئل.

۵۰۷ (۱۴) شیخ کفعمی در الجنة از امام باقر ﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس یازده بار «سورهٔ انا انزلناه» را در وقتی که می‌خواهد بخوابد بخواند خداوند برای او نوری می‌آفریند که گسترهٔ شعاع آن در عرض به اندازهٔ جوّ و طول آن از محلّ استقرار هوا تا حجاب‌های نور، بالای عرش باشد که در هر درجه‌ای از آن هزار فرشته باشد و هر فرشته هزار زبان دارد و با هر زبانی به هزار لغت سخن می‌گویند که همگی برای قاری این سوره استغفار می‌کنند.»

و از همین امام همام ﷺ روایت شده که فرمود: «هر کس این سوره [«قدر»] را وقتی که می‌خواهد بخوابد و وقتی که بیدار می‌شود بخواند ثوابش لوح محفوظ را پُر کند.»

۵۰۸ (۱۵) شیخ عزّالدین حسن بن ناصر بن ابراهیم حدّاد عاملی در کتاب طریق النجاة از امام جواد ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس در شبانه روز سوره «قدر» را هفتاد و شش بار بخواند خداوند برای او هزار فرشته بیافریند که سی و شش هزار سال مشغول نوشتن ثواب آن هستند و خداوند استغفار دو هزار سالهٔ آنان را هزار برابر کند و دستور خواندن آن به اینگونه است که در هفت وقت می‌خواند (تا اینکه حضرت فرمود:) هفتم: وقتی که به بستر [برای خوابیدن] می‌رود یازده بار بخواند تا خداوند از آن فرشته‌ای بیافریند که کف دستش از آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه بزرگتر باشد و در هر ذرّه‌ای از بدنش مویی است و هر مویی با نیرویی به اندازهٔ نیروی جنّ و انس برای قاری آن سوره تا روز قیامت طلب آمرزش می‌کند.»

۵۰۹ (۱۶) درست از امام جعفر صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا فرمود: هر کس سورهٔ «الهیکم التکاثر» را در وقت خوابیدن بخواند از عذاب قبر محفوظ ماند.»

۵۱۰ (۱۷) قطب راوندی در کتاب دعوات از پیامبر ﷺ روایت کرده است که فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: امّت را به فضیلت‌ها و خواص «الهیکم» مژده بده، احدی از امّت این سوره را در وقت خواب با نیّت پاکی نمی‌خواند مگر اینکه هفتاد هزار حسنه برایش ثواب نوشته می‌شود و هفتاد هزار گناه از او پاک شود و هفتاد هزار درجه رفعت بیابد و شفاعتش در حقّ اعضاء خانواده‌اش و همسایگان و آشنایانش مورد پذیرش حق قرار گیرد خداوند او را از شرّ نکیر و منکر نگاه دارد.»

۵۱۱ ۳۶۰۷۳ (۱۸) جعفر بن أحمد في كتاب العروس ۱۵۸: عن **الحسن**[۱] بن علي عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ آية الكرسي في لوح من زمرّد أخضر مكتوب بمداد مخصوص باللّه: ليس من يوم جمعة إلّا صكَّ ذلك اللوح جبهة.

اسرافيل فإذا صكَّ[۲] جبهته سبّح فقال سبحان من لا ينبغي التسبيح إلّا له ولا العبادة والخضوع إلّا لوجهه ذلك اللّه القدير الواحد العزيز فإذا سبّح سبّح جميع من في السماوات من ملك وهلّلوا فإذا سمع أهل السّماء الدنيا تسبيحهم قدّسوا فلا يبقىٰ ملك مقرّب ولانبيّ مرسل إلّا دعا لقارئ آية الكرسي علىٰ التنزيل.

۵۱۲ ۳۶۰۷۴ (۱۹) **كتاب العروس** ۱۵۸: قال **جعفر** بن محمّد عليه السلام كان سيّد العابدين علي بن الحسين عليه السلام إذا أصبح لا يقرأ غيرها (أي آية الكرسي) حتّىٰ تزول الشمس فإذا زالت الشمس صلّىٰ فأذا فرغ من صلاته ابتدأ في سورة انّا انزلناه في ليلة القدر.

۵۱۳ ۳۶۰۷۵ (۲۰) العروس ۱۵۹: قال عبداللّه بن الحسن قالت أميّ **فاطمة** بنت الحسين رأيت رسول اللّه صلى الله عليه وآله في النوم فقال لي يا بنيّة لاتخسري ميزانك وأقيمي وزنه وثقّليه بقراءة آية الكرسي فما قرأها من أهلي أحد إلّا ارتجّت السماوات والأرض بملائكتها وقدّسوا بزجل التسبيح والتهليل والتقديس والتمجيد ثم دعوا بأجمعهم لقاريها يغفر له كلّ ذنب ويجاوز عنه كلّ خطيئة.

۵۱۴ ۳۶۰۷۶ (۲۱) **جعفر** بن أحمد في كتاب العروس ۱۵۹: قال الصادق عليه السلام كان علي بن الحسين عليه السلام يحلف مجتهداً أنّ من قرأها (آية الكرسي) قبل زوال الشمس سبعين مرّة فوافق تكملة السبعين زوالها غفر له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر فان مات في عامه ذلك مات مغفوراً غير محاسب اللّه

۱. الحسين ـ خ. ۲. الصَكّ: الضَرب بأيّ شيء كان.

(۱۸) جعفر بن احمد در کتاب العروس از امام حسن مجتبیعليه‌السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آیة الکرسی با مدادی که مخصوص به خود خداوند است در صفحه‌ای از زمرّد سبز نوشته شده چون در هر هفته روز جمعه فرا رسد این صفحه بر پیشانی اسرافیل تلنگری می‌زند و وقتی که بر پیشانی او تلنگری زد او به تسبیح الهی می‌پردازد و می‌گوید: پاک است خداوندی که پاکی مطلق جز او را شایسته نباشد و پرستش و کرنش جز وجه او را روا نباشد او همان خداوند توانای یکتای شکست‌ناپذیر است. ۵۱۱

چون اسرافیل به تسبیح زبان گشاید تمام فرشتگانی که در آسمانند نیز به تسبیح گویی در آیند و لا اله الّا الله گویند و چون فرشتگان آسمان دنیا صدای تسبیح آن‌ها را بشنوند این‌ها هم شروع به تسبیح و تقدیس کنند. در نتیجه هیچ فرشتهٔ مقرّب و پیامبر مرسلی باقی نماند مگر اینکه برای کسی که آیة الکرسی را آنگونه که نازل شده خوانده، دعا کند.»

(۱۹) در کتاب العروس از امام جعفر صادقعليه‌السلام روایت شده که فرمود: «سرور عابدان علی بن حسین امام سجّادعليه‌السلام وقتی صبح می‌شد تا ظهر فقط «آیة الکرسی» می‌خواند و وقتی که ظهر می‌شد ابتدا نماز می‌خواند و چون از نماز فارغ می‌شد شروع می‌کرد به خواندن سوره «انّا انزلناه فی لیلة القدر». ۵۱۲

(۲۰) عبدالله بن حسن نقل کرده است که مادرم فاطمه دختر امام حسینعليه‌السلام گفت: «پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله را در خواب دیدم که به من گفت: دخترم! ترازوی حسناتت را پایین نیاور که زیان می‌کنی بلکه وزنش را بالا ببر و آن را با خواندن «آیة الکرسی» سنگین نما [و بدان که:] هیچ یک از خاندانم آن را نخواند مگر اینکه آسمان‌ها و زمین با فرشتگانش [از شعف] به حرکت درآیند و با صدای بلند به گفتن «سبحان الله» و «لا اله الّا الله» و تقدیس و ثناگویی حضرت حق پردازند. آنگاه همگی برای خوانندهٔ «آیة الکرسی» دعا کنند [نتیجه اینکه] همهٔ گناهانش آمرزیده شود و از هر خطایی و خلافی که مرتکب شده گذشت می‌شود.» ۵۱۳

(۲۱) جعفر بن احمد در کتاب العروس روایتی نقل کرده که امام صادقعليه‌السلام فرمود: «امام سجّادعليه‌السلام به شدّت قسم می‌خورد که هر کس «آیة الکرسی» را پیش از ظهر، هفتاد بار بخواند به گونه‌ای که آخرین آیة الکرسی که می‌خواند با اذان ظهر مقارن گردد خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد و اگر در آن سال مُرد، آمرزیده از دنیا رفته است و مورد حساب و بازخواست قرار نگیرد ۵۱۴

لا إله إلّا هو الحيّ القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السماوات وما في الأرض وما بينهما وما تحت الثرىٰ غلم الغيب والشهادة فلا يظهر على غيبه أحداً من ذا الذي يشفع (إلى قوله) هم فيها خالدون.

وتقدّم في رواية عقبة (۶) من باب (۱۷) انّ المعوّذتين من القرآن من أبـواب القـرائـة قولهﷺ اقرء المعوّذتين كلّما قمت ونمت.

(۲۴)

باب جزاء من قرء بسم اللّه الرّحمن الرّحيم واستحباب افتتاح الأُمور به

قال اللّه تعالى في سورة النّمل (۲۷): ۳۰: ﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَـٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾.

۵۱۵ ۳۶۰۷۷ (۱) **جامع الاخبار** ۱۱۹: عن **ابن مسعود** عن النبيّﷺ من اراد ان ينجّيه اللّه من الزّبـانية التّسعة عشر فليقرأ بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فانّها تسعة عشر حرفاً ليجعل اللّه كلّ حـرف منها جُنَّة من واحد منهم.

۵۱۶ ۳۶۰۷۸ (۲) **وفيه** ۱۲۰: روى **عبداللّـه** بن مسعود عن النبيّﷺ قال من قـرأ بسـم اللّـه الرّحـمن الرّحيم كتب اللّه له بكلّ حرف اربعة آلاف حسنة ومحا عنه اربعة آلاف سيّئة ورفع له اربعة آلاف درجة.

[و آیة الکرسی این است:] «الله لا اله الّا هو الحیّ القیوم...» تا «هم فیها خالدون»[۱] [معنی آن مقدار که در متن روایت آمده این است:] خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپا دارنده است نه چُرت او را فرا گیرد و نه به خواب فرو رود، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین و آنچه که در میان آن دو و آنچه در زیر خاک است از آن اوست، دانای پنهان و آشکار است که احدی را بر غیب خود مطلّع نسازد، کیست که بدون اجازهٔ او در پیشگاهش شفاعت کند... (تا آنجا که می‌فرماید:) آن‌ها [کافران] در آتش جهنّم جاویدانند.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت ششم از باب هفدهم از باب‌های قرائت فرموده پیامبرﷺ که: «هر وقت می‌خواهی بخوابی یا از خواب بیدار می‌شوی سوره «فلق» و «ناس» را بخوان.»

باب ۲۴

شروع هر کار به «بسم الله الرّحمن الرّحیم»

خداوند بلند مرتبه فرموده است:

به یقین این [نامه] از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است: بـه نـام خـداونـد بخشندهٔ مهربان.[۲]

(۱) ابن مسعود از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس می‌خواهد خداوند او را از زبانه‌های نوزده‌گانهٔ جهنّم نجات دهد پس باید «بسم الله الرحمن الرحیم» بگوید، چون این آیه نوزده حرف است تا خداوند هر یک از آن‌ها را سپر یکی از آن شعله‌ها قرار دهد.» ۵۱۵

(۲) عبدالله بن مسعود از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» خداوند برای هر حرفی از آن چهار حسنه بنویسد و چهار هزار گناه از او پاک گرداند و چهار هزار درجه او را بالا برد.» ۵۱۶

---

۱. بقره ۲/۲۵۷ ـ ۲۵۵ که سه آیه است.

۲. نمل ۲۷/۳۰.

۵۱۷ (۳) **وفيه** ۱۲۰: روي عن **النبيّ**ﷺ من قال بسم اللّه الرحمن الرّحيم بنى اللّه له في الجنّة ۳٦۰۷۹
سبعين الف قصر من ياقوتة حمراء في كلّ قصر سبعون الف بيت من لؤلؤ بيضاء في كلّ بيت سبعون الف سرير من زبرجدة خضراء فوق كلّ سرير سبعون الف فراش من سندس واستبرق وعليه زوجة من الحور العين ولها سبعون الف ذوابة مكلّلة بالدرّ واليواقيت مكتوب على خدّها الأيمن محمّد رسول اللّه وعلىٰ خدّها الايسر عليّ وليّ اللّه وعلىٰ جبينها الحسن وعلىٰ ذقنها الحسين وعلىٰ شفتيها بسم اللّه الرحمن الرحيم قلت يا رسول اللّه لمن (هي) هذه الكرامة قال لمن يقول بالحرمة والتعظيم بسم اللّه الرّحمن الرحيم.

۵۱۸ (۴) **وفيه** ۱۲۰: قال **النبيّ**ﷺ إذا مرّ المؤمن علىٰ الصراط فيقول بسم اللّه الرّحمن الرّحيم ۳٦۰۸۰
طفيت لهب النيران وتقول جُزْ يا مؤمن فانّ نورَك قد اطفأ لهبي.

۵۱۹ (۵) **وفيه** ۱۱۹: عن **عليّ** بن موسى الرضاؑ انّه قال بسم اللّه الرّحمن الرّحيم اقرب إلى ۳٦۰۸۱
اسم اللّه الأعظم من سواد العين إلى بياضها.

۵۲۰ (۶) **وفيه** ۱۱۹: وعن **النبيّ**ﷺ انّه قال إذا قال المعلّم للصّبيّ قل بسم اللّه الرّحمن الرّحيم ۳٦۰۸۲
فقال الصّبيّ بسم اللّه الرّحمن الرّحيم كتب اللّه برائة للصّبي وبرائة لابويه وبرائة للمعلّم من النّار. (**وتقدّم** مثله فى رواية ابن عباسؓ من باب (۱) فضل القرآن).

۵۲۱ (۷) **مستدرك** ۳۸۸/۴: القطب **الراونديّ** في لبّ اللّباب عن ابن مسعود عن النبيّﷺ انّ من ۳٦۰۸۳
قرأ بسم اللّه الرّحمن الرّحيم كتب اللّه له بكلّ حرف اربعة آلاف حسنة ومحا عنه اربعة آلاف سيّئة ورفع له اربعة آلاف درجة.

وقالﷺ لو قرأت بسم اللّه تحفظك الملائكة إلى الجنّة وهو شفاء من كلّ داء واوحىٰ اللّه إلى عيسىؑ أنْ اكثر من قول بسم اللّه وافتح امورك به ومن وافاني وفي صحيفته قبضة بسم اللّه اعتقه من النار قال وما قبضة بسم اللّه قال مأة مرّة وانّ لقمان رأىٰ رقعة فيها بسم اللّه فرفعها وأكلها فأكرمه بالحكمة.

۵۱۷ (۳) در کتاب جامع الاخبار روایتی از پیامبرﷺ نقل شده که فرمود: «هر کس بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» خداوند برایش در بهشت هفتاد هزار کاخ از یاقوت سرخ بنا کند که در هر کاخی هفتاد هزار اتاق از مروارید سفید است و در هر اتاقی هفتاد هزار تخت از زبرجد سبز است و بالای هر تخت هفتاد هزار بستر از دیبا و ابریشم است و بر روی آن همسری از حورالعین‌های بهشتی است که هفتاد هزار زلف دارد و تاجی از مروارید و یاقوت بر سر او می‌باشد، بر گونهٔ راستش نوشته شده: «محمّدﷺ پیامبر خدا است» و بر گونهٔ چپش نوشته شده: «علی ولیّ خدا است» و بر پیشانی‌اش نوشته: «حسن» و بر چانه‌اش «حسین» نوشته شده و بر دو لبش «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده» [راوی گفت:] به پیامبرﷺ گفتم: این همه کرامت برای چه کسی است؟ حضرت فرمود: برای کسی که با احترام و تعظیم بگوید: بسم الله الرحمن الرحیم»

۵۱۸ (۴) در کتاب جامع الاخبار آمده است که پیامبرﷺ فرمود: «هر گاه مؤمن بر صراط بگذرد و بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم» زبانه‌های آتش خاموش شود و می‌گوید: ای مؤمن! زود بگذر که نور تو شعلهٔ مرا خاموش کرد.»

۵۱۹ (۵) در همان کتاب جامع الاخبار از امام رضاﷺ روایت شده که حضرت فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم» به اسم اعظم خدا نزدیک‌تر است از سیاهی چشم به سفیدی آن.»

۵۲۰ (۶) و در همان کتاب از پیامبرﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «آنگاه که معلّم به کودک می‌گوید: بگو: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» پس کودک می‌گوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» خداوند یک حکم تبرئه برای کودک و یک حکم تبرئه برای پدر و مادرش و یک تبرئه برای معلّم می‌نویسد که همگی از آتش دوزخ نجات یافتند.»

۵۲۱ (۷) ابن مسعود از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» خداوند به ازاء هر حرفی از آن چهار هزار حسنه برایش بنویسد و چهار هزار گناه از او بزداید و چهار هراز درجه او را بالا برد.»

و فرمود: «اگر بگویی «بسم الله الرّحمن الرّحیم» فرشتگان تا بهشت تو را محافظت نمایند و این آیه مایهٔ بهبودی و شفای هر دردی است و خداوند به حضرت عیسیﷺ وحی کرد که زیاد «بسم الله» بگو و کارهایت را با آن آغاز کن و هر کس در قیامت بر من وارد شود در حالی که در نامهٔ عملش یک قبضه «بسم الله» باشد من او را از آتش دوزخ آزاد می‌کنم. [ابن مسعود] پرسید: یک قبضه بسم الله یعنی چه؟ حضرت فرمود: صد بار و خداوند با اعطاء حکمت، لقمان را شرافت و کرامت بخشید به این علّت که روزی دید در یک کاغذی «بسم الله» نوشته شده [و روی زمین، زیر دست و پا افتاده است] پس او را برداشت و خورد.»

۵۲۲ ۳۶۰۸۴ (۸) **وفيه** ۳۸۹/۴: وفي الخبر أنّ المذنبين من المؤمنين إذا أُدخلوا النار يقولون بسم اللّه فتفرّ النّار عنهم مسيرة اربعين سنة لفضل بسم اللّه.

(۲۵)

باب ماورد في انّ لحامل القرآن حقٌّ في بيت المال

۵۲۳ ۳۶۰۸۵ (۱) كتاب الغارات ۱۳۰ حدّثنا محمّد قال حدّثنا الحسن قال حدّثنا إبراهيم قال وأخبرنا ابن الاصفهاني قال حدثنا سفيان بن عيينة عن عمّار الدّهني عن **سالم** بن أبي الجعد[1] قال فرض عليّ عليه السلام لمن قرء القرآن الفين الفين قال فكان أبي ممّن قرأ القرآن.

۵۲۴ ۳۶۰۸۶ (۲) **الخصال** ۶۰۲: حدّثنا أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسين البزّاز قال أخبرني أبوحامد أحمد بن محمد بن حمويه[2] قال أخبرنا أبو جعفر محمد بن أحمد بن سعيد الرازي قال حدّثنا العبّاس بن حمزة قال حدّثنا أحمد بن إبراهيم الدورقي قال حدّثنا الربيع بن بدرعن **أبي الأشهب** النخعي قال قال عليّ بن أبي طالب عليه السلام من دخل في الاسلام طائعاً وقرأ القرآن ظاهراً فله في كلّ سنة مأتا دينار في بيت مال المسلمين ان منع في الدنيا اخذها يوم القيامة وافية احوج ما يكون اليها مجمع البيان ۱۶/۱: قال أمير المؤمنين عليه السلام من دخل في الاسلام (وذكر مثله).

۵۲۵ ۳۶۰۸۷ (۳) **مستدرك** ۲۵۵/۴: الشيخ **أبوالفتوح** في تفسيره عن سليل عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّه قال في حديث ولحامل كتاب اللّه في بيت المال كل سنة مأتا دينار فان مات وعليه دين قضىٰ اللّه من هذا المال دينه.

ويأتي في رواية الجعفريّات (۱۱) من باب (۱۰) ماورد في انواع السُّحت من أبواب ما يكتسب به قوله ولا بأس ان يجري له (يعني قارئ القرآن) من بيت المال.

---

۱. سالم بن سالم ـ خ.　　۲. حمدويه ـ ئل.

۵۲۲ (۸) در کتاب مستدرک این روایت ذکر شده که: «وقتی می‌خواهند مؤمنان گناهکار را به آتش داخل کنند [همین که پا به جهنم می‌گذارند] می‌گویند: «بسم الله» در نتیجهٔ آن، آتش به برکت «بسم الله» به اندازهٔ چهل سال راه از آنها دور می‌شود.»

باب ۲۵

تعیین حقوق حافظ قرآن از بیت المال

۵۲۳ (۱) سالم بن ابی جعد گوید: «علی‌ﷺ برای قاری و حافظ قرآن دو هزار حقوق تعیین کرده بود و پدر من جزو کسانی بود که حافظ و قاری قرآن بودند.»

۵۲۴ (۲) ابو اشهب نخعی از علی‌ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس به دلخواه و رضایت خود به اسلام گراییده و می‌تواند قرآن را از رو بخواند سالی دویست دینار از بیت المال مسلمانان حق دارد و اگر حق او را در دنیا به او ندهند آن را در قیامت که به آن محتاج‌تر است به طور کامل دریافت خواهد کرد.»

۵۲۵ (۳) سلیل از پیامبرخداﷺ روایت کرده که حضرت در ضمن کلامی فرمود: «حافظ قرآن از بیت‌المال هر سالی دویست دینار حقوق دارد و اگر از دنیا برود و بدهکار باشد خداوند بدهی‌اش را از همین مال آدا می‌کند.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت یازدهم از باب دهم از باب‌های کسب و کار این گفته که: «اشکالی ندارد تعیین یک مستمرّی برای قاری قرآن از بیت المال.

(۲۶)

باب انّ حامل القرآن أحقّ الناس بالعمل به و بالتّخشّع والتّواضع والعبادة والتخلّق بالاخلاق الحسنة وماورد فيمن قرئه لغير اللّه و ضيّع حدوده

٥٢٦ ٣٦٠٨٨ (۱) **كافي** ۶۰۴/۲: أبوعلي الاشعريّ عن الحسن بن علي بن عبداللّه وحميد بن زياد عن الخشّاب جميعاً عن الحسن بن عليّ بن يوسف عن معاذ بن ثابت عن **عمرو** بن جميع عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ احقّ النّاس بالتخشّع في السرّ والعلانية لحامل القرآن وانّ أحقّ النّاس في السرّ والعلانية بالصّلاة والصوم لحامل القرآن ثمّ نادىٰ باعلىٰ صوته يا حامل القرآن تواضع به يرفعك اللّه ولا تعزّز به فيذلّك اللّه يا حامل القرآن تزيّن به للّه يزيّنك اللّه [به] ولا تزيّن به للنّاس فيشينك اللّه به من ختم القرآن فكأنّما ادرجت النبوة بين جنبيه ولكنّه لا يوحىٰ إليه ومن جمع القرآن فنوله[1] لا يجهل مع من يجهل عليه ولا يغضب فيمن يغضب عليه ولا يحدّ[2] فيمن يحدّ[3] ولكنه يعفو ويصفح ويغفر ويحلم لتعظيم القرآن ومن أوتي القرآن فظنّ انّ احداً من النّاس اوتي افضل مما أوتي فقد عظّم ما حقّر اللّه وحقّر ما عظّم اللّه ـ الشيخ جعفر بن أحمد القمي فيكتاب الغايات ۲۰۳ قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ أحقّ الناس (وذكر نحوه إلى قوله بالصلاة والصوم لحامل القرآن).

٥٢٧ ٣٦٠٨٩ (۲) **كافي** ۶۰۷/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وأبوعلي الاشعري عن محمد بن عبدالجبّار جميعاً عن ابن فضّال عن أبي إسحاق ثعلبة بن ميمون عن **يعقوب** الاحمر قال قلت لابي عبداللّه عليه السلام جعلت فداك انّي كنت قرأت القرآن ففلّت[4] منّي فادع اللّه عزّ وجلّ ان يعلّمنيه قال فكأنّه فزع لذلك فقال علّمك اللّه هو وايّانا جميعاً قال ونحن نحو من عشرة ثمّ قال السورة تكون مع الرجل قد قرأها ثمّ تركها فتأتيه يوم القيامة في احسن صورة وتسلّم عليه فيقول من أنت فتقول أنا سورة كذا وكذا فلو انّك تمسّكت بي واخذت بي لأنزلتك هذه الدرجة فعليكم بالقرآن ثمّ قال انّ من الناس من يقرأ القرآن ليقال فلان قارئ ومنهم من يقرأ القرآن ليطلب به الدّنيا ولا خير فيذلك ومنهم من يقرأ القرآن لينتفع به في صلاته وليله ونهاره.

---

۱. نوله: أي حقّة ان يفعل كذا. ۲. يجد ـ خ. ۳. يجد ـ خ.
۴. فتفلّت ـ خ.

باب ۲۶

صفات قاری قرآن

۵۲۶ (۱) عمرو بن جمیع از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: سزاوارترین مردم به خضوع و خشوع در خلوت و جلوت، قاری قرآن است و سزاوارترین مردم به نماز و روزه، در پنهان و آشکار، قاری قرآن است. سپس حضرت با صدای بسیار بلند فرمود: ای قاری قرآن! در مقابل قرآن فروتنی و تواضع کن تا خدا تو را بالا برد و در مقابل قرآن، خود را بزرگ و گرامی ندان که خداوند تو را خوار خواهد کرد. ای قاری قرآن! به خاطر خدا خود را به زیور قرآن آراسته کن تا خدا تو را آراسته گرداند و قرآن را وسیلهٔ آراسته شدن در چشم مردم قرار نده که خدا تو را زشت و معیوب گرداند. هر کس قرآن را ختم کند گویی نبوّت در میان دو پهلویش وارد شده با این تفاوت که به او وحی نمی‌شود و کسی که همهٔ قرآن را می‌خواند و می‌فهمد شایسته است که اگر کسی نابخردانه با او رفتاری کرد او نابخردی نکند و اگر کسی بر او خشم کرد او به خشم پاسخ ندهد و اگر کسی با او تندی کند، او به تندی برخورد نکند بلکه اهل عفو و گذشت باشد، درگذرد و به خاطر حفظ حرمت قرآن بردباری پیشه کند و اگر به کسی نعمت قرآن داده شود و تصوّر کند به کسی چیزی بهتر از آنچه به او داده شده، داده شده است پس در حقیقت آنچه را که خدا کوچک و حقیر شمرده، بزرگ دانسته و آنچه را که خدا بزرگ شمرده، حقیر و کوچک دانسته است.»

۵۲۷ (۲) یعقوب احمر گوید: «به امام صادقؑ عرض کردم: فدایت شوم! من قرآن را حفظ کرده بودم ولی از ذهنم پاک شده [و فراموش کرده‌ام] پس برایم به درگاه خداوندﷻ دعا کن که به من یاد دهد و در خاطرم باقی بماند. راوی گوید: گویی حضرت از این قضیّه ترسید و گفت: خداوند قرآن را به تو و ما همه تعلیم فرماید. راوی گوید: ما که در خدمت حضرت بودیم حدود ده نفر بودیم. سپس حضرت فرمود: گاهی انسان سوره‌ای را حفظ دارد بعد بر اثر نخواندن فراموش می‌کند. پس این سوره در روز قیامت به زیباترین شکل به سراغ این انسان می‌آید و به او سلام می‌دهد. انسان می‌گوید: تو کیستی؟ او می‌گوید: من فلان سوره و فلان سوره هستم پس اگر مرا ترک نکرده بودی و مرا گرفته بودی [و فراموش نمی‌کردی] تو را به این درجه می‌رساندم. پس ملازم قرآن باشید و آن را رها نکنید. سپس حضرت صادقؑ فرمود: بعضی از مردم قرآن حفظ می‌کنند که مردم بگویند: فلانی قاری و حافظ قرآن است و بعضی قرآن حفظ می‌کنند به واسطهٔ آن، کسب دنیا کنند [البتّه] خیری در آن نیست و بعضی قرآن حفظ می‌کنند تا در نمازشان و شب و روزشان از آن بهره گیرند.»

۵۲۸ ۳۶۰۹۰ (۳) **كافي** ۲/ ۶۲۷: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن إسماعيل بن مهران **الخصال** ۱۴۲: حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد؆ قال حدثنا محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي **امالي** الصدوق ۱۶۹: حدثنا علي بن أحـمد بـن عبداللّه بن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي قال حدثنا أبي عن جدّه أحمد بن أبي عبداللّه عن إسماعيل بن مهران عن **عيسىٰ** بن هشام (الناشري ـ خصال) عمّن ذكره[۱] عن أبـي جـعفر (محمد بن علي ـ امالي)؈ قال قرّاء القرآن ثلاثة رجل قرأ القرآن فاتخذه بضاعة واستدرّ[۲] به الملوك واستطال به علىٰ النّاس ورجل قرأ القرآن فحفظ حروفه وضيّع حدوده (واقـامه اقامة القدح فلاكثّر اللّه هؤلاء من حملة القرآن ـ كا) ورجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن علىٰ داء قلبه فاسهر به ليله واظمأ به نهاره وقام به في مساجده وتجافىٰ به عن فراشه فبأولئك يدفع اللّه العزيز الجبّار[۳] البلاء وبأولئك يديل اللّه عزّ وجلّ من الاعداء وبأولئك ينزل اللّه عزّ وجلّ الغيث من السماء فواللّه[۴] لهؤلاء[۵] (في ـ كا ـ امالي) قرّاء القرآن أعزّ من الكبريت الاحمر.

۵۲۹ ۳۶۰۹۱ (۴) **الخصال** ۱۴۲: حدثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني؆ قـال حـدّثنا عـلي بـن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن أبي عبداللّه؈ قال القرّاء ثـلاثة قارئ قرأ [القرآن] ليستدرّ به الملوك ويستطيل به علىٰ الناس فذاك من أهل النّار وقارئ قرأ القرآن فحفظ حروفه وضيّع حدوده فذاك من أهل النار وقارئ قرأ [القرآن] فاستتر به تحت برنسه فهو يعمل بمحكمه ويؤمن بمتشابهه ويقيم فرائضه ويحلّ حلاله ويحرّم حرامه فهذا ممّن ينقذه اللّه من مضلّات الفتن وهو من أهل الجنّة ويشفع فيمن شاء.

۵۳۰ ۳۶۰۹۲ (۵) **تفسير العسكري**؈ ۱۳ قال والذي نفس محمد ﷺ بيده لسامع آية من كتاب اللّه عزّ وجلّ وهو معتقد انّ المورد له عن اللّه تعالىٰ محمّد الصادق ﷺ في كلّ اقواله الحكيم في كلّ افعاله المودع ما اودعه اللّه عزّ وجلّ من العلوم[۶] أمير المؤمنين عليّاً؈ المعتقد للانقياد له فيما يأمر ويرسم أعظم اجراً من ثبير ذهباً[۷] يتصدّق به من لا يعتقد هذه الأمور بل تكـون

---

۱. عن غير واحد ـ خ امالي. ۲. استجر ـ امالي. ۳. عزّ وجلّ ـ امالي.
۴. واللّه ـ امالي. ۵. هؤلاء ـ خصال. ۶. علومه.
۷. ذهب.

(۳) عیسی بن هشام با یک واسطه از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که فرمود: «قاریان قرآن سه قسمند: یک قسم انسانی است که قرآن خواندن را سرمایهٔ خود قرار داده و به واسطهٔ آن پادشاهان را می‌دوشد: [به اصطلاح، تیغ می‌زند] و بر مردم فخر و مباهات می‌کند، یک قسم انسانی است که قرآن می‌خواند و حروف قرآن را حفظ کرده ولی حدود آن را ضایع کرده، (به گونه‌ای که قرآن را برپا داشته که مایهٔ نکوهش است خداوند این گونه حاملان قرآن را زیاد نکند) و یک قسم انسانی که قاری و حافظ قرآن است و داروی قرآن را بر درد قلب خود نهاده با قرآن شب را سپری می‌کند و روزش را با [روزه] به تشنگی می‌گذراند و در مساجد به خواندن آن می‌پردازد و از بستر خواب کناره‌گیری می‌کند. خداوند شکست‌ناپذیر جبران کننده به وسیلهٔ این‌ها بلا را دفع می‌کند و به وسیلهٔ این‌ها خداوندﷻ دولت و قدرت را از دست دشمنان منتقل می‌کند و به برکت این‌ها خداوندﷻ از آسمان باران فرو می‌فرستد. به خدا سوگند که این قسم قاریان قرآن از کبریت احمر ارزشمندتر و کمیاب‌تر است.» ۵۲۸

۵۲۹ (۴) هشام بن سالم از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «قاریان قرآن سه نوعند: یک نوع قرائت‌کننده‌ای است که برای بهره‌گیری از پادشاهان، قرآن می‌خواند و خود را بر دیگران برتر می‌داند این چنین قاری اهل آتش است و یک نوع قرائت‌کننده‌ای است که قرآن می‌خواند حروفش را حفظ کرده ولی حدودش [دستوراتش] را ضایع کرده این نوع قاری نیز اهل آتش است و یک نوع قاری است که قرآن می‌خواند و آن را در زیر کلاهش [در حافظه اش] پنهان کرده [و اهل تظاهر و ریا نیست] و او به محکم و متشابه قرآن عمل می‌کند و واجباتش را برپا می‌دارد و حلال قرآن را حلال و حرامش را حرام می‌داند، این نوع قاری را خداوند از آشوب‌های گمراه کننده نجات دهد و اهل بهشت خواهد بود و حتّی هر کس را که بخواهد می‌تواند شفاعت کند [و با خود به بهشت ببرد.]»

۵۳۰ (۵) در تفسیر امام حسن عسکریؑ آمده است که فرمود: «سوگند به آنکه جان محمدﷺ در دست اوست گوش دهنده به یک آیه از کتاب خداوندﷻ که عقیده دارد آورندهٔ این کتاب از طرف خداوند متعال محمّدی است که در همهٔ گفته‌هایش راستگوست و در همهٔ کرده‌هایش حکیم است و آنچه علم و دانش که خدا به او سپرده همه را به امیرالمؤمنین علیؑ سپرد و معتقد است که باید منقاد و مطیع علیؑ بود در هر چه که فرمان می‌دهد و ترسیم می‌کند، این چنین شخصی پاداشش

صدقته وبالاً عليه ولقارئ آية من كتاب اللّه معتقداً لهذه الامور افضل ممّا دون العرش الى اسفل التخوم[1] يكون لمن لا يعتقد هذا الاعتقاد فيتصدّق به بل ذلك كلّه وبال علىٰ هذا المتصدّق به ثمّ قال ﷺ أتدرون متىٰ يتوفّر علىٰ هذا المستمع وهذا القارئ هذه المثوبات العظيمات إذا لم يغلّ في القرآن انّه كلام مجيد ولم يجف عنه[2] ولم يستأكل به ولم يراء به.

۵۳۱ ۳۶۰۹۳ (۶) **الثواب** ۳۳۲: باسناده المتقدّم في باب (۶) تأكّد استحباب عيادة المريض عن أبي هريرة و**عبداللّه** بن عبّاس عن رسول اللّهﷺ في خطبة خطبها بالمدينة ومن تعلّم القرآن فلم يعمل به وآثر عليه حبّ الدنيا وزينتها استوجب سخط اللّه تعالى وكان فى الدرجة مع اليهود والنصارى الذين ينبذون كتاب اللّه وراء ظهورهم (إلى أن قال) ۳۳۷ ومن قرأ القرآن يريد به السمعة والتماس شيء لقي اللّه عزّ وجلّ يوم القيامة ووجهه عظم ليس عليه لحم وزجّ القرآن في قفاه حتّىٰ يدخله النّار ويهوي فيها مع من يهوي ومن قرأ القرآن ولم يعمل به حشره اللّه يوم القيامة أعمى فيقول ربّ لِمَ حشرتني اعمى وقد كنت بصيراً قال كذلك أتتك آياتنا فنسيتها وكذلك اليوم تُنسى فيؤمر به إلى النّار (إلى ان قال) ۳۴۶ ومن تعلّم[3] القرآن ابتغاء وجه اللّه وتفقّهاً في الدين كان له من الثواب مثل جميع ما يعطى الملائكة والأنبياء والمرسلون ومن تعلّم القرآن يريد به رياء وسمعة ليماري به السفهاء ويباهي به العلماء ويطلب به الدنيا بدّد اللّه[4] عزّ وجلّ عظامه يوم القيامة ولم يكن في النّار اشدّ عذاباً منه وليس نوع من انواع العذاب إلّا ويعذّب به من شدّة غضب اللّه عليه وسخطه ومن تعلّم القرآن وتواضع في العلم وعلّم عباد اللّه وهو يريد ما عند اللّه لم يكن في الجنّة احد أعظم ثواباً منه ولا أعظم منزلة منه ولم يكن في الجنّة منزل ولا درجة رفيعة ولا نفيسة إلّا كان له فيها اوفر النّصيب واشرف المنازل.

---

۱. التخم: منتهى كلّ قرية أو أرض ـ اللسان.
۲. ولم يستخفّ عليه.
۳. قرأ ـ ئل.
۴. بدّد: فرّق.

بیشتر است از کسی که به اندازهٔ کوه «ثبیر» طلا، صدقه دهد و این اعتقادات را نداشته باشد بلکه این صدقه‌اش مایهٔ عذابش می‌شود. سپس حضرت فرمود: آیا می‌دانید که چه وقت این همه ثواب‌های عظیم به این گوش دهندهٔ قرآن داده می‌شود؟ زمانی که در این کلام با مجد و شرف، غل و غش نورزد و آن را سبک نشمارد و او را وسیلهٔ نان درآوردن قرار ندهد و ریا هم نکند.»

(۶) عبدالله بن عبّاس از پیامبر خداﷺ روایت کرده که حضرت در ضمن یک سخنرانی در شهر ۵۳۱
مدینه فرمود: «کسی که قرآن را دانسته ولی به آن عمل نمی‌کند و دوستی و زیور دنیا را بر آن ترجیح داده است، مستحقّ خشم خداوند متعال است و با یهودیان و نصرانیانی که کتاب خدا را به پشت سر افکندند هم تبه است.

و هر کس در قرائت قرآن به دنبال شهرت و یا چیز دیگری [از قبیل فریب مردم یا کسب مال و منال] باشد روز قیامت خداوندﷻ را با صورتی که استخوان خالی است و گوشت ندارد، ملاقات خواهد کرد و قرآن از پشت سر او را با نیزه می‌راند تا به آتش افکند و در آنجا همراه دیگر کسانی است که به جهنّم سقوط کرده‌اند و هر کس قرآن بخواند ولی به آن عمل نکند خداوند روز قیامت او را کور محشور کند پس می‌گوید: پروردگارا! من [در دنیا] بینا بودم چرا مرا کور محشور کردی؟ خداوند گوید: آری این چنین آیات ما به سراغ تو آمد ولی تو آن‌ها را به فراموشی سپردی و همچنین تو امروز به دست فراموشی سپرده خواهی شد.

پس فرمان می‌رسد که او را به آتش برند (تا آنجا که حضرت فرمود:) و کسی که به خاطر طلب رضای خدا و آشنا شدن با دین، قرآن می‌خواند پاداشش به اندازهٔ پاداشی است که بـه فـرشتگان و پیامبران مرسل و نامرسل داده می‌شود ولی کسی که عالم به قرآن می‌شود تا ریاکاری کند و شهرتی پیدا کند و با سفیهان درافتد و بر علما فخر فـروشد و دنـیا بـه دست آورد، خـداونـد در روز قـیامت استخوان‌هایش را خُرد می‌کند و در میان دوزخ کسی عذابش سخت‌تر از عذاب او نیست و از بس که خداوند بر او خشم کرده، عذابی نیست مگر اینکه او را به آن عذاب شکنجه کند.

و کسی که علم به قرآن پیدا کند و در عین عالم بودن متواضع باشد و به دیگر بندگان خدا بیاموزد و با این عمل فقط خشنودی خدا و پاداش او را بطلبد در بهشت کسی که پاداشش بیشتر از او باشد یا مقامش از او بالاتر باشد، یافت نگردد و در بهشت خانه‌ای یا درجهٔ بلندی یا چیز ارزشمندی نباشد مگر اینکه در آن سهمی فزون‌تر و منزلتی شریف‌تر خواهد داشت.»

۵۳۲ ۳۶۰۹۴ (۷) **كنزالفوائـد** ۱۶۳: جاء في الحديث انّ رسول اللّهﷺ قال ما آمن بالقرآن من استحلّ محارمه.

۵۳۳ ۳۶۰۹۵ (۸) **مستدرك** ۲۵۰/۴: **الشهيد** الثاني في اسرار الصلاة عن النّبيّﷺ قال كم مـن قـارئ للقرآن والقرآن يلعنه مستدرك ۲۴۹/۴: جـامع الاخـبار قـال النـبيّﷺ ربَّ تـال للـقرآن والقرآن يلعنه.

۵۳۴ ۳۶۰۹۶ (۹) **الاختصاص** ۲۶۲: أحمد عن أبيه عن عبداللّه بن المغيرة عن محمد بن سنان عـن **طلحة** بن زيد عن أبي عبداللّهؑ انّ اباه كان يقول من دخل على امام جائر فقرأ عليه القرآن يريد بذلك عرضاً من عرض الدنيا لعن القارئ بكلّ حرف عشر لعنات ولعن المستمع بكلّ حرف لعنة.

۵۳۵ ۳۶۰۹۷ (۱۰) **العوالي** ۶۵/۱: روي **عمر** بن شعيب عن أبيه عن جدّه قال قال رسول اللّهﷺ يمثّل القرآن يوم القيامة برجل ويؤتىٰ بالرجل قد كان يضيّع فرائضه ويتعدّىٰ حـدوده ويـخالف طاعته ويركب معصيته.

قال فيستنيل[1] له خصماً فيقول اي ربّ حملت إيّاي شرّ حامل تعدّىٰ حدودي وضـيّع فرائضي وترك طاعتي وركب معصيتي فمازال يقذف بالحجج حتّىٰ.

يقال فشأنك وايّاه فيأخذ بيده ولا يفارقه حتّىٰ يكبّه علىٰ منخره في النّار ويؤتىٰ بالرجل قد كان يحفظ حدوده ويعمل بفرائضه ويأخذ بطاعته ويجتنب معاصيه فيستنيل حباله.

فيقول اي ربّ حملت ايّاى خير حامل اتّقى حدودي وعمل بفرائضي واتـبّع طـاعتي وترك معصيتي فما زال يقذف له بالحجج حتى يقال فشأنك وإيّاه فيأخذ بيده فما يـرسله حتّى يكسوه حلّة الإستبرق ويعقد على رأسه تاج الملك ويسقيه بكأس الخلد.

---

۱. في هامش المخطوط يستنيل له خصماً أي بصير ـ منه «قده» ك.

۵۳۲ (۷) در کتاب کنز الفوائد نقل شده است که: «در حدیث آمده است که پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که حرام‌های قرآن را حلال بشمارد به قرآن ایمان نیاورده است.»

۵۳۳ (۸) شهید ثانی در اسرار الصلاة حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود: «چه بسیار خوانندهٔ قرآن که قرآن او را لعنت می‌کند.»

در کتاب جامع الاخبار نیز آمده که پیامبرﷺ فرمود: «چه بسا تلاوت کنندهٔ قرآن که قرآن او را لعنت کند.»

۵۳۴ (۹) طلحة بن زید از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «پدرم امام باقرؑ می‌فرمود: کسی که بر حاکم ستمگری وارد شود و برای او قرآن بخواند و نیّتش در این کار مطامع دنیوی باشد، قرآن این قاری را به هر حرفی که می‌خواند ده بار لعنت کند و شنوندهٔ آن را یک بار لعنت کند.»

۵۳۵ (۱۰) عمر بن شعیب از پدرش و او از جدّش و او از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «روز قیامت قرآن به صورت مردی ظاهر شود. آنگاه شخصی که واجبات قرآن را ضایع کرده و حدود آن را زیر پا گذاشته است و به عوض اطاعت از او، مخالفت کرده است و معاصی آن را مرتکب شده است می‌آید.

حضرت فرمود: پس این قرآن دشمن او می‌شود و می‌گوید: ای پروردگار! بدترین شخص را که حامل من قرار دادی از حدّ و مرزهای من تجاوز کرد و واجبات مرا ضایع کرد و اطاعت مرا ترک کرد و معصیت مرا مرتکب شد.

پس پیوسته قرآن دلیل و برهان به علیه او می‌آورد تا اینکه به او گفته می‌شود: تو می‌دانی و او [هر کار می‌خواهی با او بکن] پس قرآن دست او را می‌گیرد و از او جدا نمی‌شود تا اینکه او را به رو در آتش افکند.

و شخص دیگر می‌آید که حد و مرزهای قرآن را حفظ، به واجباتش عمل، از او اطاعت و از گناهانش دوری می‌کرده. پس قرآن دوست او می‌شود و می‌گوید: ای پروردگار! بهترین شخص را حامل من قرار دادی. حدّ و مرزهای مرا حفظ، به واجباتم عمل، از دستورات من پیروی و معصیت مرا ترک کرد. پس پیوسته آن قدر دلیل و برهان می‌آورد تا اینکه به او گفته می‌شود: تو می‌دانی با او.

پس قرآن دست این شخص را می‌گیرد و او را رها نمی‌کند مگر اینکه لباسی از دیبای سبز بر او بپوشاند و تاج پادشاهی بر سر او نهد و با جام جاودانه [از شراب بهشتی] به او بنوشاند.»

۵۳۶ (۱۱) **الخصال** ۲۹۶: حدثنا أبي قال حدثنا عبداللّه بن جعفر الحميري قال حدّثني
۳۶۰۹۸ هارون بن مسلم عن **مسعدة** بن زياد عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه انّ علياً قال انّ في جهنّم رحىً تطحن [خمساً] افلا تسألون ما طحنها فقيل له فما طحنها يا أمير المؤمنين قال العلماء الفجرة والقرّاء الفسقة والجبابرة الظلمة والوزراء الخونة والعرفاء الكذبة وانّ في النّار لمدينة يقال لها الحصينة افلا تسألوني ما فيها فقيل وما فيها يا أمير المؤمنين فقال فيها ايدي الناكثين.

۵۳۷ (۱۲) **جامع الاخبار** ۱۳۰ قال النبيّ في وصيّته يا عليّ انّ في جهنّم رحىً تطحن بها
۳۶۰۹۸ رؤوس القرّاء والعلماء المجرمين.

۵۳۸ (۱۳) **الخصال** ۱۱۱: حدّثنا أبي قال حدّثنا سعد بن عبداللّه قال حدّثني أحمد بن
۳۶۰۹۹ محمد بن عيسىٰ عن العبّاس بن معروف عن أبي همام ـ إسماعيل بن همام ـ عن محمد بن سعيد بن غزوان عن **السكوني** عن أبي عبداللّه جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن عليّ عن النبيّ قال تكلّم النار يوم القيامة ثلاثة أميراً وقارياً وذا ثروة من المال فتقول للامير يا من وهب اللّه له سلطاناً فلم يعدل فتزدرده[1] كما يزدرد الطّير الحبّ السّمسم وتقول للقارئ يا من تزّين للناس وبارز اللّه بالمعاصي فتزدرده وتقول للغنيّ يا من وهب اللّه له دنيا كثيرة واسعة فيضاً وسأله الفقير اليسير قرضاً فأبىٰ ألّا بخلاً فتزدرده.

۵۳۹ (۱۴) **وفيه** ۱۳۹: حدّثنا أبي قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ
۳۶۱۰۰ عن أبيه عن حمّاد بن عيسىٰ عن عمر بن اذينة عن ابان ابن أبي عيّاش عن **سليم** بن قيس الهلالي قال سمعت أمير المؤمنين علياً يقول احذروا علىٰ دينكم ثلاثة رجلاً قرأ القرآن حتّىٰ إذا رأيت عليه بهجته اخترط سيفه على جاره ورماه بالشرك فقلت يا أمير المؤمنين أيّهما اولىٰ بالشرك قال الرّامي ورجلاً استخفته الاحاديث كلّما احدثت احدوثة كذبٍ مدّها بأطول منها.

---

۱. الازدراد: الابتلاع.

۵۳۶ (۱۱) مسعدة بن زیاد از امام جعفر صادقؑ و آن حضرت از پدرش و او از پدران بزرگوارشؑ روایت کرده‌اند که: «علیؑ فرمود: در جهنّم آسیابی است که پنج گروه را آسیاب می‌کند. آیا نمی‌پرسید که چه کسانی را آرد می‌کند؟ گفتند: چه کسانی را آرد می‌کند ای امیر مؤمنان؟ حضرت فرمود: عالمان فاجر، قاریان فاسق، قدرتمندان ستمگر، وزیران خائن و عارف نمایان دروغگو و در آتش دوزخ شهری است که «حصینه» نام دارد.

آیا از من نمی‌پرسید که در آن چیست؟ گفتند: در آن چیست؟ حضرت فرمود: دست‌های کسانی که بیعت شکستند در آن است.»[1]

۵۳۷ (۱۲) در کتاب جامع الاخبار آمده است که پیامبرﷺ در وصیّتش فرمود: «ای علی! در جهنّم آسیابی است که با آن سرهای قاریان و عالمان گنهکار آسیاب می‌شود.»

۵۳۸ (۱۳) سکونی از امام صادقؑ و او از پدرش و او از پدرانش روایت کرده‌اند که علیؑ فرمود: «پیامبرﷺ فرمود: روز قیامت آتش جهنّم با سه نفر سخن می‌گوید: امیر، قاری قرآن و آدم ثروتمند. پس به امیر می‌گوید: ای کسی که خداوند به تو قدرت و سلطنت داد ولی به عدالت رفتار نکردی. آنگاه آتش او را بر می‌دارد و می‌بلعد آن سان که پرنده دانهٔ کنجد برمی‌دارد و می‌بلعد و به قاری قرآن می‌گوید: ای کسی که به خاطر مردم، خود و صدای خود را زیبا و زینت می‌دادی و با گناهان به جنگ با خدا رفته بودی پس آتش او را نیز می‌بلعد.

و به ثروتمند می‌گوید: ای کسی که خدا از فیضش به تو مال دنیا زیاد بخشیده بود و فقیر از تو درخواست مختصر وامی کرد ولی تو بخل ورزیدی و ندادی پس او را نیز آتش در خود فرو می‌برد.»

۵۳۹ (۱۴) سلیم بن قیس هلالی گوید: «از امیر مؤمنان علیؑ شنیدم که فرمود: از سه شخص بر دین خود بترسید: یکی شخصی که قرآن خوانی را پیشهٔ خود قرار داده تا آنجا که آثار خرّمی و نشاط را در چهرهٔ او مشاهده می‌کنی [گویی فقط تنها او مسلمان است] شمشیر خود بر علیه همسایگان از نیام درآورده و آنان را به شرک متهّم نماید. پس من گفتم: ای امیر مؤمنان کدامیک از آن دو به شرک سزاوارترند؟ حضرت فرمود: آنکه دیگری را به شرک متهّم می‌کند.

و شخصی که حرف زدن زیاد او را از وزانت انداخته و سبک‌سر شده هر گاه مطلب دروغی را می‌خواهد بیان کند او را کش داده و با آب و تاب بیان می‌کند.

---

۱. حضرت اشاره می‌کند به کسانی که در روز غدیر خم بیعت و بعدها از آن تخلّف کردند.

ورجلاً آتاه اللّه عزّ وجلّ سلطاناً فزعم انّ طاعته طاعة اللّه ومعصيته معصية اللّه وكذب لانّه لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق لا ينبغي[1] للمخلوق ان يكون حبّه لمعصية اللّه فلا طاعة فى معصيته ولا طاعة لمن عصىٰ اللّه انّما الطاعة للّه ولرسوله ولوُلاة الأمر وأنّما أمَرَ اللّه عزّ وجلّ بطاعة الرسول لانّه معصوم مطَهَّر لا يأمر بمعصيته وانّما امر بطاعة اولي الامر لانّهم معصومون مطهّرون لا يأمرون بمعصيته.

٥٤٠ ٣٦١٠١ (۱۵) **الثواب ۳۲۹**: حدّثني حمزة بن محمد العلوي قال أخبرني علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال من قرأ القرآن ليأكل به الناس جاء يوم القيامة ووجه عظم لا لحم فيه.

٥٤١ ٣٦١٠٢ (۱۶) **فقيه ۴/۶**: امالي الصدوق ۳۴۸: باسناده المتقدّم (في حديث **مناهي** النبيّ صلى الله عليه وآله) قال صلى الله عليه وآله من قرأ القرآن ثمّ شرب عليه حراماً او آثر عليه حبّ الدّنيا[2] وزينتها استوجب عليه سخط اللّه إلّا ان يتوب ألا وأنّه ان مات على غير توبة حاجّه (القرآن ـ امالي) يوم القيامة فلا يزايله[3] إلّا مدحوضاً[4].

٥٤٢ ٣٦١٠٣ (۱۷) **وسائل ۶/۱۸۴**: ورّام في كتابه عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال انّ في جهنّم وادياً يستغيث أهل النّار كلّ يوم سبعين الف مرّة منه (إلى ان قال) فقيل له لمن يكون هذا العذاب قال لشارب الخمر من أهل القرآن وتارك الصلاة.

٥٤٣ ٣٦١٠٤ (۱۸) **جامع الاخبار ۴۲۲**: عن عليّ بن عنديلب بن موسىٰ عن إسماعيل بن سليمان عن **انس بن مالك** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ في جهنّم لوادياً يستغيث منه أهل النّار كلّ يوم سبعين الف مرّة وفي ذلك الوادي بيت من نار وفي ذلك البيت جبّ من نار وفي ذلك الجبّ تابوت من نار وفي ذلك التابوت حيّة لها الف رأس في كلّ رأس الف فم في كلّ فم عشرة آلاف ناب وكلّ ناب الف ذراع قال انس قلت يا رسول اللّه لمن يكون هذا العذاب قال لشارب الخمر من حملة القرآن.

---

۱. ينبغي للمخلوق ان يكون جنّة لمعصية اللّه ـ خ.
۲. حبّاً للدنيا ـ امالي.
۳. فلا يزاله ـ امالي.
۴. اي مغلوباً مقهوراً.

و شخصی که خداوند بزرگ به او قدرت و پُستی داده است و او خیال می‌کند که اطاعت او، اطاعت خدا و مخالفت با او مخالفت با خداست و او در این امر، دروغ می‌گوید چون در معصیت خدا جایی برای اطاعت از مخلوق باقی نماند [و نمی‌توان از مخلوقی اطاعت کرد در دستوری که با دستور خدا مخالف است].

و معنی ندارد که مخلوقی در معصیت خدا مورد محبّت قرار بگیرد. [مثل پادشاهی که به گناه دستور و ترغیب می‌کند]

و کسی که با خدا مخالفت می‌کند، اطاعت کردن ندارد و نباید از او پیروی کرد. فقط و فقط اطاعت از آنِ خدا و پیامبرش و اولوالامر است.

خداوند بزرگ که به اطاعت از پیامبر امر کرده به خاطر این است که او بی گناه و پاک است و هیچ‌گاه به معصیت خدا امر نمی‌کند و اولوالامر [دوازده امام] را واجب الاطاعه دانسته چون آن‌ها نیز بی گناه و پاکند و به معصیت خدا فرمان نمی‌دهند.»

۵۴۰ (۱۵) سکونی از امام جعفر صادق و او از پدرش و او از پدرانش روایت کرده که فرمودند: «کسی که قرآن خواندن را وسیلهٔ نان درآوردن قرار دهد روز قیامت می‌آید در حالی که صورتش استخوان خالی است و گوشتی در آن نیست.»

۵۴۱ (۱۶) در کتاب امالی صدوق در حدیث مناهی پیامبر نقل شده که پیامبر فرمود: «هر کس قرآن بخواند وانگهی شراب بخورد که حرام است یا اینکه دوستی دنیا و زیور آن را بر قرآن برتری دهد، مستحقّ خشم خدا می‌شود مگر اینکه توبه کند. آگاه باشید که اگر او بدون توبه از دنیا برود روز قیامت قرآن با او مخاصمه می‌کند و پیوسته با او گلاویز می‌شود تا اینکه او را مغلوب و محکوم نماید.»

۵۴۲ (۱۷) در کتاب مجموعهٔ ورّام از پیامبر حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «در جهنّم گودالی هست که دوزخیان در آتش، روزی هفتاد هزار بار از آن گودال به خدا پناه می‌برند (تا آنجا که فرمود:) به حضرت عرض شد: این عذاب برای کیست؟ حضرت فرمود: برای قاری قرآن که شرابخوار است و یا نماز نمی‌خواند.»

۵۴۳ (۱۸) أنس بن مالک از پیامبر روایت کرده است که فرمود: «در جهنّم گودالی است که اهل آتش روزی هفتاد هزار بار به خاطر آن از خدا کمک می‌خواهند و در آن گودال اتاقی از آتش است و در آن اتاق، چاهی است از آتش و در آن چاه تابوتی است از آتش و در آن تابوت ماری است که هزار سر دارد و در هر سری هزار دهان و در هر دهانی هزار نیش دارد و هر نیشی هزار ذراع است. انس گفت: به حضرت عرض کردم: ای پیامبر خدا! این عذاب برای چه کسی است؟ حضرت فرمود: برای قاری قرآنی که شراب می‌خورد.»

۵۴۴ ۲۶۱۰۵ (۱۹) **وفيه ۴۲۲**: قال ﷺ لاهل الشام واللّه الذي بعثني بالحقّ من كان في قلبه آية من القرآن ثمّ صبّ عليه الخمر يأتي كلّ حرف يوم القيامة فيخاصمه بين يدي اللّه عزّ وجلّ ومن كان له القرآن خصماً كان اللّه له خصماً ومن كان اللّه له خصماً كان هو في النّار.

وتقدّم في رواية نزال (۳۵) من باب (۱۲) ماورد في جملة من الخصال المحرّمة من أبواب جهاد النفس قوله ﷺ ورأيت القرّاء فسقة الخ. **وفي** رواية ابن مسعود (۳۶) قوله ﷺ يا ابن مسعود من تعلّم القرآن للدنيا وزينتها حرّم اللّه عليه الجنّة.

(۲۷)

باب ماورد في انّ الأمراء والقرّاء إذا صلحا صلحت الأمّة وإذا فسدا فسدت الأمّة

۵۴۵ ۲۶۱۰۶ (۱) **امالي الصدوق ۲۹۹**: حدّثنا جعفر بن عليّ الكوفي قال حدّثني جدّي الحسن بن علي عن جدّه عبداللّه بن المغيرة عن اسماعيل بن أبي زياد **الشّعيريّ** عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ صنفان من أُمّتي إذا صلحا صلحت أُمّتي وإذا فسدا فسدت أُمّتي الأُمراء والقرّاء **مستدرك ۲۵۳/۴**: السيّد فضل اللّه **الراونديّ** في نوادره باسناده عن موسىٰ بن جعفر عن آبائه ﷺ (مثله) إلّا ان فيه فسدت أُمّتي [قيل يا رسول اللّه ومن هم قال] الأُمراء والقرّاء.

(۲۸)

باب استحباب تعليق المصحف فى البيت وكراهة ترك القرائة فيه وحكم تزيينه بالذهب وكتابته به وحكم بيعه وشرائه واخذ الأُجرة علىٰ كتابته وتعليمه

۵۴۶ ۲۶۱۰۷ (۱) **كافي ۶۱۳/۲**: (عدّة من أصحابنا معلّق) عن أحمد بن محمد. **الثواب ۱۲۹**: أبي ﷺ قال حدّثني علي بن الحسين السعد ـ آبادي عن أحمد ابن أبي عبداللّه البرقي عن عليّ بن الحسين (بن الحسن ـ كا) الضرير عن **حمّاد** بن عيسى عن أبي عبداللّه[1] ﷺ (عن أبيه ـ ثواب) قال انه[2] ليعجبني ان يكون في البيت مصحف يطرد اللّه عزّ وجلّ به الشياطين[3].

---

۱. جعفر بن محمد ـ ثواب. ۲. اني ـ ثواب. ۳. الشيطان خ ـ ثواب.

۵۴۴ (۱۹) و در کتاب جامع الاخبار حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که حضرت خطاب به اهل شام فرمود: «سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت کسی که آیه‌ای از قرآن در دل اوست [یک آیه را حفظ دارد] سپس بر روی آن خمر و شراب می‌ریزد [و شراب می‌خورد] روز قیامت این شخص می‌آید در حالی که حرف حرف آن در پیشگاه الهی با او به ستیز بر می‌خیزد و هر کس که قرآن دشمن او باشد، خدا دشمن اوست و کسی که دشمنش خدا باشد جایگاهش آتش است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت سی و پنجم از باب دوازدهم از باب‌های جهاد با نفس فرموده امامؑ که: «قاری فاسقی را دیدم...»

و در روایت سی و ششم فرموده امامؑ که: «ای ابن مسعود! کسی که قرآن را به خاطر رسیدن به دنیا و زخارف و زیور آن یاد بگیرد، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند.»

باب ۲۷

وابستگی صلاح و فساد امّت به صلاح و فساد امیران و قاریان

۵۴۵ (۱) اسماعیل بن ابی زیاد شعیری از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت از قول پدرش و او از پدرانش روایت کرده‌اند که پیامبر خداﷺ فرمود: «دو دسته از امّت من هستند که هر گاه آن‌ها صالح و شایسته شوند، امّتم صالح و شایسته شوند و اگر آن دو فاسد شدند، امّتم فاسد می‌شوند: یکی، امیران و حکمرانان و دیگری قاریان [قرآن].»

همین حدیث را فضل الله راوندی در کتاب نوادر نیز آورده است.

باب ۲۸

نگهداری و خواندن قرآن در خانه

۵۴۶ (۱) حمّاد بن عیسی از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «من خوشم می‌آید از اینکه در خانه، قرآنی باشد تا خداوند بزرگ به واسطهٔ او شیاطین را دور کند.»

٥٤٧ ٣٦١٠٨ (۲) **قرب الإسناد** ۸۷: الحسن بن ظريف عن **الحسين** بن علوان عن جعفر عن أبيه انّه كان يقول يستحبّ ان يعلّق المصحف في البيت يتّقي به من الشياطين قال ويستحبّ ان لا يترك من القرائة فيه.

وتقدّم في رواية ابن فضّال (۲۲) من باب (۲) استحباب الاختلاف إلى المساجد من أبوابها قوله ثلاثة يشكون اللّه عزّ وجلّ مصحف معلّق قد وقع عليه الغبار لايقرء به لاحظ ساير أحاديث الباب.

وفي رواية ابن مسعود (۲۰) من باب (۱۳) مواساة المؤمن في المال من أبواب ما يتأكّد استحبابه من الحقوق قوله اما الغرباء فأربعة قالوا يا رسول اللّه من هم قال مسجد ظهراني قوم لا يصلّون فيه وقرآن في ايدي قوم لا يقرأون فيه.

وفي رواية جعفر بن أحمد (۶) من باب (۱۴) ماورد في اوصاف شرار النّاس من أبواب جهاد النفس قوله شراركم الذين لايقرؤن القرآن إلّا هجراً.

وفي رواية ابي كهمس (۵) من باب (۱) استحباب الوقوف والصدقات من أبوابها قوله ستّة تلحق المؤمن بعد وفاته مصحف يخلفه وغرس يغرسه وفي أحاديث باب (۳۳) عدم جواز بيع المصحف من أبواب ما يكتسب به وباب (۳۴) كراهة الأجرة علىٰ تعليم القرآن ما يدلّ علىٰ ذلك ويأتي في أحاديث باب (۳۹) حكم تزيين القرآن بالذّهب ما يدلّ على ذلك.

(۲۹)

باب ماورد في انّ من ختم القرآن وجعله للمعصومين كان معهم يوم القيامة

٥٤٨ ٣٦١٠٩ (۱) **كافي** ۶۱۸/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن يحيىٰ بن إبراهيم ابن أبي البلاد عن أبيه عن علي بن المغيرة عن أبي الحسن قال قلت له انّ أبي سأل جدّك عن ختم القرآن في كلّ ليلة فقال له جدّك في كلّ ليلة فقال له فى شهر رمضان فقال له جدّك في شهر رمضان فقال له أبي نعم ما استطعت فكان أبي يختمه اربعين ختمة في شهر رمضان.

۵۴۷ (۲) حسین بن علوان از امام صادقؑ و او از پدر بزرگوارش روایت کرده که فرمود: «آویختن قرآن در خانه مستحب و پسندیده است به این وسیله از شیطان مصون می‌ماند (و فرمود:) پسندیده است که خواندن قرآن در خانه ترک نشود.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت بیست و دوم از باب دوم از باب‌های مربوط به مساجد فرموده امامؑ که: «سه چیز به خدای بزرگ شکایت می‌کند: یکی قرآنی که متروک مانده و بر آن، گرد و غبار نشسته و کسی آن را نمی‌خواند...»

و در روایت بیستم از باب سیزدهم از باب‌های حقوق مومن فرموده پیامبرﷺ که: «چهار کس غریبند. پرسیدند: ای پیامبر خدا! آن‌ها کیانند؟ حضرت فرمود: [یکی] مسجدی که در کنار عدّه‌ای از مردم است ولی در آن، نماز نمی‌خوانند و [دوّم] قرآنی که در دست عدّه‌ای است ولی آن را نمی‌خوانند.»

و پیامبرﷺ فرمود: «بدترین‌های شما کسانی هستند که قرآن نمی‌خوانند و آن را مهجور و متروک کرده‌اند.» [۱]

و در روایت پنجم از باب یکم از باب‌های وقف‌ها و صدقه‌ها فرموده امامؑ که: «شش چیز است که ثوابش بعد از مرگ هم برای مؤمن ادامه می‌یابد: [یکی] قرآنی که از خود به جای می‌گذارد و [دوّم] نهالی که کاشته است و...»

و در روایات باب سی و سوم از باب‌های مایکتسب به و باب سی و چهارم روایاتی وجود دارد که بر فضیلت نگهداری و خواندن قرآن در خانه دلالت می‌کند.

می‌آید:

در روایات باب سی و نهم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۲۹

ختم قرآن و هدیهٔ آن به امامان معصومؑ

۵۴۸ (۱) علی بن مغیره گوید: «به امام موسی کاظمؑ عرض کردم: پدرم از جدّ بزرگوارتان [امام باقرؑ] دربارهٔ ختم قرآن در یک شب پرسیده. جدّ شما در پاسخ فرمود: در ماه رمضان؟ پدرم گفته: بله در ماه رمضان. حضرت به او فرمود: بله، آنچه که می‌توانی بخوان. پس پدر من در ماه رمضان چهل ختم می‌کرد.

---

۱. چنانچه در قرآن آمده است: «پروردگارا! قوم من این قرآن را مهجور و متروک گذاشتند.» (فرقان، آیه ۳۰).

ثمّ ختمته بعد أبي فربما زدت وربما نقصت علىٰ قدر فراغي وشغلي ونشاطي وكسلي فإذا كان يوم الفطر جعلت لرسول اللّهﷺ ختمة ولعليّ؈ أخرىٰ ولفاطمة ؏ أُخرىٰ ثمّ للأئمة؈ حتى انتهيت اليك فصيرت لك واحدة منذ صرت في هذا الحال فأيّ شيء لي بذلك قال لك بذلك ان تكون معهم يوم القيامة قلت اللّه اكبر [فـ]لي بذلك قال نعم ثلاث مرّات المقنعة ٥٠: روي إبراهيم بن أبي البلاد عن أبيه عن **علي** بن المغيرة عن أبي الحسن موسىٰ؈ (نحوه) **وسائل** ۲۱۹/۶: ورواه ابن طاوُوس في (كتاب الاقبال) عن علي بن المغيرة.

وتقدّم في أحاديث باب (۲) استحباب قرائة القرآن عند قبور المؤمنين من أبواب زيارة القبور **وباب** (۳) استحباب قرائة آية الكرسي وجعل ثوابها لاهل القبور ما يمكن ان يستدلّ به علىٰ ذلك.

(۳۰)
باب حكم الإنصات والإستماع إذا قرء القرآن

قال اللّه تعالى في سورة الاعراف (۷): ۲۰۴: ﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلْقُرْءَانُ فَاسْتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

الاحقاف (۴۶): ۲۹: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْاْ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ﴾.

٥٤٩ ٣٦١١٠ (۱) **مجمع البيان** ۵۱۵/۴: عن **عبداللّه** بن أبي يعفور عن أبي عبداللّه؈ قال قلت له الرجل يقرأ القرآن أيجب علىٰ من سمعه الإنصات له والإستماع قال نعم إذا قرأ عندك القرآن وجب عليك الإنصات والإستماع البحار ۲۲۲/۹۲: **جامع البزنطي** نقلاً من خط بعض الافاضل عن جميل عن **زرارة** قال سألت ابا عبداللّه؈ عن الرجل يقرأ القرآن (وذكر نحوه).

بعد از آن من هم در ماه رمضان زیاد قرآن ختم می‌کردم بعضی سال‌ها [در ماه رمضان] بیشتر از پدرم [بیش از چهل ختم] و بعضی سال‌ها کمتر از او، بستگی داشت به مقدار فراغت و اشتغال و سر حال بودن یا بی حال بودنم و چون روز عید فطر می‌شد از این ختم‌ها یک ختم قرآن را برای رسول الله قرار می‌دادم و یک ختم برای علی‌ﷺ و یک ختم برای حضرت فاطمه‌ﷺ سپس برای باقی امامان معصوم‌ﷺ تا اینکه به تو منتهی می‌شد و یک ختم را برای حضرت عالی قرار می‌دادم. [بفرمایید که:] من با این کار چه پاداشی دارم؟ حضرت فرمود: پاداش تو این است که در روز قیامت همراه با همین‌ها هستی. گفتم: الله اکبر! آیا با این عمل کوچک چنین پاداش بزرگی برای من خواهد بود؟ حضرت فرمود: بله، بله، بله (سه بار).»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب دوم از باب‌های زیارت قبرها و باب سوم روایاتی بود که بر همین منظور [خواندن و هدیه کردن قرآن] دلالت دارد.

باب ۳۰
گوش دادن و دل دادن به قرآن

خداوند متعال فرمود:

و چون قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و با سکوت به آن دل دهید امید آنکه رحمت حق شما را فرا گیرد.[۱]

و به یاد آر زمانی را که تنی چند از جنّ را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند پس چون بر آن حاضر شدند [به یکدیگر] گفتند: سکوت کرده و خوب بشنوید و چون به انجام رسید هشدار دهنده به سوی قوم خود بازگشتند.[۲]

۵۴۹ (۱) عبدالله بن ابی یعفور از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که: «به حضرت عرض کردم: وقتی کسی قرآن می‌خواند آیا بر کسی که صدای او را می‌شنود واجب است که خاموش بماند و به او گوش دهد؟ حضرت فرمود: آری هر گاه پیش تو قرآن خوانده می‌شود، بر تو واجب است که خاموش شوی و به آن گوش فرا دهی.»

---

۱. اعراف ۲۰۴/۷. پس آدرس مذکور در متن صحیح نیست. ۲. احقاف ۲۹/۴۶.

۵۵۰ ۳۶۱۱۱ (۲) **تفسير العيّاشي** ۴۴/۲: عن **زرارة** قال سمعت ابا عبدالله‌ﷺ يقول يجب الإنصات للقرآن في الصلاة وفي غيرها وإذا قرء عندك القرآن وجب عليك الإنصات والإستماع.

مجمع البيان ۵۱۵/۲: **روي** عن أبي عبدالله‌ﷺ انّه قال يجب (وذكر مثله إلى قوله) و غيرها ثمّ قال قال الشيخ وذلك علىٰ حدّ الإستحباب.

۵۵۱ ۳۶۱۱۲ (۳) **مستدرك** ۲۷۶/۴: كتاب العلاء عن **محمد** بن مسلم عن أبي جعفرﷺ قال قال يستحبّ الإنصات والإستماع في الصلاة وغيرها للقرآن.

۵۵۲ ۳۶۱۱۳ (۴) **مجمع البيان** ۵۱۵/۲: اختلف في الوقت المأمور بالإنصات للقرآن والإستماع له فقيل انّه في الصلاة خاصّة خلف الامام الذي يؤتمّ به إذا سمعت قراءته عن ابن عبّاس وابن مسعود وسعيد بن جبير بن المسيّب ومجاهد والزهري وروي ذلك عن أبي جعفرﷺ.

۵۵۳ ۳۶۱۱۴ (۵) وروي عن أبي عبدالله‌ﷺ انّه قال يجب الإنصات للقرآن في الصلاة وغيرها.

۵۵۴ ۳۶۱۱۵ (۶) **تفسير العيّاشي** ۴۴/۲: عن **زرارة** قال قال أبو جعفرﷺ وإذا قرئ القرآن في الفريضة خلف الإمام ﴿فَاسْتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

وفيه ۴۴: عن **زرارة** قال سمعت ابا عبدالله‌ﷺ يقول يجب الإنصات للقرآن في الصّلاة وفي غيرها.

۵۵۵ ۳۶۱۱۶ (۷) **وفيه** ۴۴: عن أبي كهمس عن أبي عبدالله‌ﷺ قال قرأ ابن الكوّا خلف أمير المؤمنينﷺ ـ لئن اشركت ليحبطنّ عملك ولتكوننّ من الخاسرين فانصت له أمير المؤمنينﷺ.

۵۵۶ ۳۶۱۱۷ (۸) **تفسير علي بن إبراهيم** ۱۶۰/۲: قال ـ كان علي بن أبي طالبﷺ يصلّي وابن الكوّا خلفه وأمير المؤمنينﷺ يقرأ فقال ابن الكوّا ـ ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ﴾.

۵۵۰ (۲) زراره گوید: «از امام صادق شنیدم که فرمود: واجب است ساکت شدن و گوش دادن به قرآن، در نماز باشد یا غیر نماز و هر گاه پیش تو قرآن خوانده شد، خاموش ماندن و گوش فرا دادن واجب است.»

شیخ [ظاهراً شیخ طوسی مقصود است] گفته: «این وجوب بر استحباب مؤکّد حمل می‌شود.»

۵۵۱ (۳) محمّد بن مسلم از امام باقر روایت کرده که فرمود: «خاموش شدن و گوش دادن به صوت قرآن در نماز و غیر نماز مستحب است.»

۵۵۲ (۴) در تفسیر مجمع البیان آمده است: «دربارهٔ تعیین وقتی که خاموش ماندن و گوش دادن به قرآن واجب است [میان فقهاء] اختلاف است بعضی این وجوب را اختصاص داده‌اند به نماز جماعت که در هنگام قرائت امام جماعت [که حمد و سوره می‌خواند] همهٔ مأمومین باید ساکت شوند و به خواندن او گوش فرا دهند.»

همین مطلب از امام باقر روایت شده است.

۵۵۳ (۵) و از امام جعفر صادق روایت شده که فرمود: «گوش دادن به قرآن در نماز و غیر نماز واجب است.»

۵۵۴ (۶) زراره از امام محمّد باقر روایت کرده که فرمود: «هر گاه در نماز جماعت [به وسیلهٔ امام جماعت] قرآن خوانده می‌شود پس به آن گوش دهید و خاموش بمانید امید آنکه مشمول رحمت حق قرار گیرید.»

زراره گوید: «از امام صادق شنیدم که فرمود: گوش دادن به قرآن چه در نماز و چه در غیر نماز واجب است.»

۵۵۵ (۷) ابی کهمس از امام صادق روایت کرده که حضرت فرمود: «ابن کوّاء در حالی که اقتدا به علی کرده بود [سر نماز] گفت: «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ[1]» [یعنی اگر شرک بورزی اعمال خوبت هدر می‌رود و جزو زیانکاران خواهی شد.] پس حضرت امیر مؤمنان ساکت شد و به آن گوش داد.»

۵۵۶ (۸) در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که: «علیّ بن ابی طالب نماز می‌خواند و ابن کوّاء پشت سر امام [به حضرت اقتدا کرده] بود و امیرالمؤمنین در حال قرائت [حمد و سوره نماز] بود. ابن کوّاء آیه قرآن خواند: «و هر آینه بی گمان به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که اگر به خدا شرک‌ورزی حتماً کردارت تباه و مسلّماً جزو زیانکاران خواهی شد.»[2]

---

۱. زُمَر ۶۵/۳۹.   ۲. زُمر ۶۵/۳۹.

فسكت أمير المؤمنينؑ حتىٰ سكت ابن الكوّا ثمّ عاد في قرائته حتّى فعل ابن الكوّا ثلاث مرّات فلمّا كان فى الثالثة قال أمير المؤمنينؑ: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾.

الجعفريّات ۵۲: باسناده عن جعفر بن محمد عن أبيه انّ عليّاًؑ كان يؤمّ النّاس في مسجد الكوفة فقرء ابن الكوّا من خلفه ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ﴾ (وذكر نحوه).

المناقب ۱۱۳/۲: كان عليّ ؑ في صلاة الصبح فقال ابن الكوّا من خلفه ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ﴾ (الآية) فانصت عليّ تعظيماً للقرآن حتىٰ فرغ من الآية ثمّ عاد في قرائته (وذكر نحوه وزاد) ثمّ اتمّ السّورة وركع.

وتقدّم في أحاديث باب (۴۲) عدم جواز القرائة خلف من يقتدي به من أبواب الجماعة مايناسب ذلك.

وفى رواية حمران (۳۳) من باب (۱۲) ماورد في جملة من الخصال المحرّمة من أبواب جهاد النفس قولهؑ ورأيت القرآن قد ثقل علىٰ الناس استماعه وخفّ علىٰ النّاس استماع الباطل الخ.

(۳۱)

باب استحباب البكاء أو التّباكي عند استماع القرآن

قال اللّه تعالى في الإسراء (۱۷): ۱۰۷، ۱۰۸ و۱۰۹: ﴿إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا * وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾.

امیرالمؤمنین ﷺ [با شنیدن آیه] سکوت اختیار کرد تا اینکه ابن کوّاء سکوت کرد سپس ابن کوّاء دوباره شروع کرد به خواندن همان آیه تا سه بار ابن کوّاء این کار را تکرار کرد و حضرت سکوت اختیار می‌فرمود تا در بار سوّم حضرت امیرالمؤمنین ﷺ این آیه را خواند که: «**پس صبر کن که وعدهٔ خدا حقّ است و زنهار تا کسانی که یقین ندارند تو را به سبکسری وا ندارند.**»[1]

در کتاب الجعفریّات از امام صادق ﷺ روایت شده که پدر بزرگوارشان فرموده است: «علی ﷺ در مسجد کوفه با مردم نماز جماعت می‌خواند و حضرتش امامت این نماز را بر عهده داشت. پس ابن کوّاء از میان مأمومین این آیه را خواند: «**ولقد اُوحی الیک**...» (سپس ادامهٔ روایت را مانند قبل بیان کرده است)»

در کتاب مناقب ذکر شده است که: «علی ﷺ مشغول خواندن نماز صبح بود، ابن کوّاء که پشت سر حضرت بود این آیه را خواند: «**ولقد اوُحِیَ الیک**...تا آخر آیه، پس علی ﷺ به احترام قرآن سکوت کرد تا اینکه ابن کوّاء از خواندن آیه فارغ شد سپس حضرت به قرائت خود در نماز ادامه داد...» (دنبالهٔ حدیث را آنگونه که ذکر شد آورده است و افزوده که: «سپس حضرت سوره را به آخر رساند و به رکوع رفت.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب چهل و دوم از باب‌های جماعت آنچه مناسب آن است.

و در روایت سی و سوم از باب دوازدهم از باب‌های جهاد با نفس فرموده امام ﷺ که: «**و دیدم که گوش دادن به قرآن برای مرد سخت و سنگین شده و گوش دادن به باطل [و لهویّات] بر مردم راحت و آسان شده... تا آخر**»

باب ۳۱

استحباب گریه کردن یا تظاهر به آن در وقت گوش دادن به قرآن

خداوند متعال فرموده:

> **بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن [قرآن] دانش یافته‌اند چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی در اُفتند، و گویند: منزّه است پروردگار ما که وعدهٔ پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است و بر روی به زمین می‌افتند و می‌گریند و بر فروتنی آن‌ها می‌افزاید.**[2]

---

۱. روم ۶۰/۳۰.   ۲. اسراء ۱۰۹/۱۷ ـ ۱۰۷.

سورة المائدة (٥): ٨٣: ﴿وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾.

٥٥٧ ٢٦١١٨ (١) **امالي الصدوق** ٤٣٨: حدّثنا محمّد بن عليّ ماجيلويه قال حدّثنا محمد بن يحيىٰ العطّار عن محمد بن أحمد بن يحيىٰ بن عمران الاشعريّ عن محمّد بن عيسىٰ العبيدي عن أبـي زكريّا المؤمن عن سليمان بن خالد ـ الثواب ١٩٢: حدّثني محمد بن الحسن ﷺ عن المؤمل (بن ـ ئل) المستهل[١] عن **سليمان** بن خالد عن أبي عبدالله (الصادق ـ امـالي) ﷺ قـال انّ الرسول ﷺ اتى شاباً من الانصار فقال انّي اريد ان اقرأ عليكم فمن بكى فله الجنّة فقرأ آخر الزّمر ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا﴾ إلى آخر السورة ـ فبكى القوم جميعاً الّا شابّ فقال يا رسول اللّه قد تباكيت فما قطرت عيني قال انّي معيد عليكم فمن تباكىٰ فله الجنّة قال فأعاد[٢] عليهم فبكىٰ القوم وتباكىٰ الفتىٰ فدخلوا الجنّة جميعاً.

٥٥٨ ٢٦١١٩ (٢) **مستدرك** ٢٧٦/٤: **الشهيد** الثاني في أسرار الصلاة قـال قـال رسـول اللّـه ﷺ لأبـن مسعود اقرأ عليّ قال ففتحت سورة النساء فلّما بلغت ـ فَكَيْفَ إذا جِئنا مِنْ كُلٍّ وَجِـئْنا بِكَ على هؤلاء شهيداً ـ رأيت عينيه تذرفان من الدّمع فقال لي حسبك الآن، ورواه **الشيخ** أبو الفتوح في تفسيره مع زيادة قال فلمّا بلغت هذه الآية بكىٰ وقال اقرأها من اوّلها فقرأتها ثانياً فلمّا بلغت الآية بكىٰ اكثر ممّا في المرّة الأُولىٰ ثمّ قال حسبي.

٥٥٩ ٢٦١٢٠ (٣) **البحار** ٢٠٦/٩٢: مصباح الانوار عن الحسين بن أحمد عن الحسين بن محمد بـن عبدالوهاب عن الحسن بن أحمد المقريّ عن عليّ بن أحمد المقريّ الحمامى عن زيد بن علي بن أبي هلال عن محمد بن محمد بن عقبة عن جعفر بن محمد العنبري عن زكريّا بن أبي صمصامة عن حسين الجعفي عن زائدة عن عاصم عن **زرّ** بن حبيش قال قرأت القرآن من أوّله إلى آخره في المسجد الجامع بالكوفة على أمير المؤمنين عليّ بن أبي طـالب ﷺ فلمّا بلغت الحواميم قال لي أمير المؤمنين ﷺ قد بَلَغْتَ عرائس القرآن.

---

١. عن المؤمن المبتهل ـ خ وفي بعض الحواشي عن المؤمن عن أبي المستهل.   ٢. واعاد ـ ثواب.

و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زُمرهٔ گواهان بنویس.[1]

۵۵۷ (۱) سلیمان بن خالد از امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله به پیش عدّه‌ای از جوانان انصار آمد و فرمود: من برای شما قرآن می‌خوانم پس هر کس گریست بهشتی خواهد شد. آنگاه حضرت آیات آخر سوره زُمَر را خواند: «**و کافران گروه گروه به سوی جهنّم رانده شوند...** (تا آخر سوره)» پس همگی گریستند جز یک جوان پس آن جوان عرض کرد: ای پیامبر خدا! من هر چه خود را به گریه زدم حتّی قطره‌ای هم از چشم من اشک جاری نشد.

حضرت فرمود: من دوباره می‌خوانم هر کس تظاهر به گریه کرد و حالت گریه کننده به خود داد بهشتی خواهد شد. پس حضرت دوباره آن آیات را برای آن‌ها خواند و همهٔ مردم گریستند و آن جوان هم تظاهر به گریه کرد در نتیجه همه به بهشت داخل شدند.»

۵۵۸ (۲) شهید ثانی در کتاب اسرار الصلاة ذکر کرده که: «پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله به ابن مسعود گفت: «برایم قرآن بخوان. ابن مسعود قرآن را گشود سوره «نساء» آمد، چون رسید به آیه: «**پس چگونه است [حال‌شان] آنگاه که از هر امّتی گواهی گیریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟**»[2] ابن مسعود گوید: دیدم که دیدگان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پر از اشک شد. پس به من فرمود: «الآن دیگر بس است.»

در تفسیر ابوالفتوح همین روایت ذکر شده با این مطلب اضافی که: «چون به این آیه رسیدم، پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله گریست و فرمود: این سوره را دوباره از اوّل بخوان. دوباره خواندم، چون به همین آیه رسیدم این بار بیشتر از بار اوّل گریه کرد و فرمود: بس است».

۵۵۹ (۳) زرّ بن حبیش گوید: «در مسجد جامع کوفه از اوّل قرآن تا آخرش را در محضر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب‌علیه‌السلام خواندم چون به «حٰم»[3]ها رسیدم امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام به من گفت: حقیقتاً به عروس‌های قرآن رسیدی.

---

۱. مائده ۸۳/۵. ۲. نساء ۴۱/۴.

۳. مقصود سوره‌هایی است که با «حٰم» شروع می‌شود که اوّل آن‌ها سوره «غافر» است و چند سوره بعد از آن نیز با «حٰم» آغاز می‌شود.

فلمّا بلغت رأس العشرين من حمٓ عٓسٓقٓ ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوْضَاتِ ٱلْجَنَّاتِ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْكَبِيرُ﴾ بكىٰ أمير المؤمنين حتى ارتفع نحيبه ثمّ رفع رأسه إلى السّماء وقال يازرّ أمِّن على دعائى.

ثمّ قال اللّهمّ انّي اسألك اخبات المخبتين إلى آخر الدعاء ثمّ قال يا زرّ اذا ختمت فادع بهذه فانّ حبيبي رسول اللّهﷺ أمَرَني أن ادعُوَ بهنّ عند ختم القرآن.

۵٦۰ (۴) **تفسير القمي** ۱۴٦/۲: حدثني أبي عن القاسم عن محمد عن سليمان بن داود
٣٦١٢١ المنقري عن **حفص** بن غياث قال قال أبو عبداللّهﷺ يا حفص ما منزلة الدّنيا من نفسي الاّ بمنزلة الميتة اذا اضطررت اليها أكلت منها يا حفص انّ اللّه تبارك وتعالى علم ما العباد عاملون وإلى ماهم صايرون فحلم عنهم عند اعمالهم السيّئة لعلمه السابق فيهم فلا يغرّنّك حسن الطلب مّمن لا يخاف الفوت ثمّ تلا قوله تعالى ﴿تلكَ الدّارُ الآخرَةُ﴾.... الآية وجعل يبكي ذهبت واللّه الأماني عند هذه الآية.

وتقدّم في رواية يونس (۲۲) من باب (۱) فضل القرآن قوله يا ربّ انا القرآن وهذا عبدك المؤمن قدكان يتعب نفسه بتلاوتي ويطيل ليله بترتيلي وتفيض عيناه اذا تهجّد فأرضه كما أرضاني.

قال فيقول العزيز الجبّار عبدي ابسط يمينك فملأها من رضوان اللّه العزيز الجبّار ويملأ شماله من رحمة اللّه الخ.

وقتی به آیهٔ بیست سوره «حٰم عسق» رسیدم: «**و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌های بهشتند. آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت، این است همان فضل عظیم.**»[1] امیرالمؤمنینعلیه السلام آنقدر گریست که صدایش به ناله بلند شد سپس رو به آسمان کرد و گفت: ای زِرّ! دعای مرا «آمین» بگوی. سپس گفت: خداوندا! از تو می‌خواهم تواضع متواضعان را... (تا آخر دعا) سپس حضرت فرمود: ای زرّ! همیشه در پایان قرآن خواندنت به این کلمات دعا کن چون دوستم پیامبر خداﷺ به من دستور داد که در هنگام ختم قرآن این دعا را بخوانم.»

(۴) حفص بن غیاث از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که فرمود: «ای حفص! ارزش دنیا در نظر من ۵۶۰
نیست مگر به اندازهٔ ارزش مردار که هر گاه ناچار می‌شوم از آن می‌خورم. ای حفص! خداوند تبارک و تعالیٰ می‌داند کارهایی را که بندگان انجام می‌دهند و می‌داند عاقبت آن‌ها را که آن خواهند شد ولی در هنگامی که آن‌ها کارهای زشت انجام می‌دهند حلم پیش گیرد به خاطر اینکه از پیش، همهٔ این‌ها را می‌دانسته است. پس مبادا حِلم کسی که ترسی ندارد از فرار مجرم تو را بفریبد [مبادا حلم خدا تو را مغرور کند] سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «**تلک الدار الآخرة...**»[2] تا آخر آیه و شروع کرد به گریستن و فرمود: به خدا سوگند همهٔ آرزوها با این آیه به باد می‌رود.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت بیست و دوم از باب یکم این گفته که: «ای پروردگار! من قرآن هستم و این هم بندهٔ مؤمن تو که خودش را با خواندن من به زحمت می‌انداخت و شب‌های درازی را با خواندن من سپری می‌کرد و چون به عبادت می‌پرداخت از چشمانش اشک سرازیر می‌شد پس تو او را خشنود کن آنچنانکه او مرا خشنود نمود.

پس خداوند شکست‌ناپذیر جبران کننده می‌فرماید: بندهٔ من! دست راستت را بگُشا. آنگاه خداوند دست او را از رضوان همان بهشت خداوند عزیز جبّار پر می‌کند و دست چپش را از رحمت خود پُر می‌کند...» تا آخر حدیث.

---

۱. شُورٰی ۲۲/۴۲.

۲. قصص ۸۳/۲۸. معنای آیه این است: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین نه خواهان برتری هستند و نه خواهان تباهی و فرجام [خوب] از آن پرهیزگاران است».

(۳۲)

باب ماورد في أنّ الرّاكع والسّاجد ومن فى الكنيف أو الحمّام لايقرؤون القرآن

وتقدّم في رواية السكوني (۳) من باب (۵) انّه قال لا قرائة في ركوع ولا سجود من أبواب الرّكوع قوله ﷺ سبعة لا يقرؤون القرآن الرّاكع والساجد وفي الكنيف وفي الحمّام.

ويأتى في أحاديث باب (۱۳) جواز قرائة القرآن في الحمّام من أبواب آداب الحمام ما يناسب ذلك.

(۳۳)

باب انّ في القرآن ما يؤمن به من الحرق والغرق والسّرق وغيرها من البلايا ومايدفع به الآلام والأسقام وجواز كتابته ثمّ غسله وشربه للشّفاء

قال اللّه تعالى في سورة الإسراء (۱۷): ۸۲: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّـٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾.

فُصّلت (۴۱): ۴۴: ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدًى وَشِفَآءٌ﴾.

(۱) **كافي** ۲/۶۲۴: محمد بن يحيىٰ عن عبداللّه بن جعفر عن السيّاريّ عن محمد بن بكر عن أبي الجارود عن **الأصبغ** بن نباته عن أمير المؤمنين صلوات اللّه عليه انّه قال والذي بعث محمّداً ﷺ بالحقّ وأكرم أهل بيته ما من شيء تطلبونه من حرز من حرق او غرق او سرق[۱] او افلات دابّة[۲] من صاحبها او ضالّة او آبق الّا وهو في القرآن فمن اراد ذلك فليسألني عنه قال فقام إليه رجل فقال يا أمير المؤمنين أخبرني عمّا يؤمن من الحرق والغرق. ۵۶۱ ۳۶۱۲۲

۱. شرق ـ خ. ۲. الافلات والانفلات: التخلص من الشيء فجأة من غير تمكّث.

باب ۳۲

کراهت خواندن قرآن در حال رکوع و سجود و در توالت و حمّام

ارجاعات

گذشت:

در روایت سوم از باب پنجم از باب‌های رکوع فرموده امامعليه السلام که: «هفت کس نباید قرآن بخوانند: کسی که در حال رکوع است، کسی که در حال سجود است، کسی که در دستشویی [توالت] است و کسی که در حمّام است...»[۱]

می‌آید:

در روایات باب سیزدهم از باب‌های آداب حمام آنچه مناسب آن است.

باب ۳۳

دفع حوادث غیر مترقّبه و شفا یافتن به واسطه قرآن

خداوند متعال فرموده:

ما از قرآن برای مؤمنان شفا و رحمت نازل می‌کنیم ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.[۲]

بگو [ای پیامبر] که این [کتاب] برای مؤمنان وسیلهٔ هدایت و شفا یافتن است.[۳]

۵۶۱ (۱) اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنینعليه السلام روایت کرده که آن [بزرگ مرد علم و عمل] فرمود: «سوگند به آن خدایی که حضرت محمّدصلى الله عليه وآله را به حقّ برانگیخت و به خاندانش کرامت بخشید، هر حِرزی که می‌خواهید تا بدان از سوختن و غرق شدن یا فرار حیوان از پیش صاحبش یا گمشده یا غلام فراری [یا زن فرار کرده از خانهٔ شوهر و به خانهٔ پدر رفته] در امان بمانید، آن حِرز در قرآن است. هر کس می‌خواهد از من بپرسد. راوی گفت: مردی برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! با چه آیه‌ای از سوختن و غرق شدن می‌توان در امان ماند؟

---

۱. ابواب رکوع، باب (۵) روایت (۳).

۲. اسراء ۸۲/۱۷.

۳. فصلت ۴۴/۴۱.

فقال اقرأ هذه الآيات ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْكِتَـٰبَ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّـٰلِحِينَ﴾، ﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ﴾ إلى[1] قوله ﴿سُبْحَـٰنَهُۥ وَتَعَـٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾.

فمن قرأها أمِنَ الحرق والغرق قال فقرأها رجل اضطرمت النّار في بيوت جيرانه وبيته وسطها فلم يصبه شيء.

ثمّ قام إليه رجل آخر فقال يا أمير المؤمنين انّ دابّتي استصعبت عليّ وانا منها علىٰ وجل.

فقال اقرأ في أذُنها اليمنىٰ ﴿وَلَهُۥٓ أَسْلَمَ مَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ فقرأها فذلّت له دابّته.

وقام إليه رجل آخر فقال يا أمير المؤمنين انّ ارضي ارض مسبعة وانّ السباع تغشى منزلي ولا تجوز حتّى تأخذ فريستها فقال اقرأ ﴿لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۞ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾ فقرأهما الرجل فأجتنبته السّباع.

ثمّ قام إليه آخر فقال يا أمير المؤمنين انّ في بطني ماء اصفر فهل من شفاء فقال نعم بلا درهم ولا دينار ولكن اكتب علىٰ بطنك آية الكرسي وتَغسلها وتشربها وتجعلها ذخيرة في بطنك فتبرء باذن اللّه عز وجل ففعل الرجل فبرأ باذن اللّه.

---

۱. الآية كذا ﴿إنّ وليي اللّه الذى﴾ الخ سورة الاعراف ۱۹۴.

حضرت فرمود: این آیات را بخوان: «بی تردید، سرپرست من آن خدایی است که قرآن را فـرو فرستاده و او دوستدار شایستگان است.»[۱]

و بخواند «وما قدروا الله حقَّ قدره تا آخر آیه»[۲] یعنی: «و خدا را آنچنان کـه بـاید بـه بـزرگی نشناختند و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضهٔ [قدرت] اوست و آسمان‌ها پیچیده به دست اوست او منزّه و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند.»

پس هر کس این دو آیه را بخواند از سوختن و غرق شدن در امان بماند.

راوی گفت: این آیات را مردی خواند [اتفاقاً] در یک آتش‌سوزی خانه‌های هـمسایگانش هـمه سوخت ولی خانهٔ او در آن میانه سالم ماند و هیچ آسیبی به او و خانه‌اش نرسید.

سپس مرد دیگری به پا خاست و گفت: ای امیرالمؤمنین! اسب من چموش است و مایهٔ دردسر من شده و من از او می‌ترسم، حضرت فرمود: در گوش راستش این آیه را بخوان: «وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ والأرضِ...[۳] یعنی: هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه یا ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شوند.»

این شخص این آیه را در گوش حیوانش خواند پس او رام شد.

و مردی دیگر به پا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان! زمین من زمینی است که حیوانات درنده در آن زیاد است و به خانهٔ من می‌آیند و تا [گوسفندی یا مرغی و یـا] شکـار دیگـری نگـیرند از آن نمی‌گذرند حضرت فرمود: این آیه را بخوان: «لقد جائکم رسول...[۴] تا آخر» یعنی: قطعاً بـرای شـما پیامبر از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است. پس اگر روی برتافتند بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.»

و این مرد هم این دو آیه را خواند پس درندگان از آنجا دور شدند. آنگاه مرد دیگری به پا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان! شکم من زردآب آورده است آیا بهبودی می‌یابد؟ حضرت فرمود: آری بدون اینکه یک درهم یا دینار هزینه کنی ولی بر پوست شکمت «آیة الکرسی» را بنویس و آن را با آب بشوی و آبش را بخور آن آب که در شکم می‌ماند شکم به اذن خداوند بزرگ، خوب می‌شود. پس این مرد چنین کرد و به اذن الهی خوب شد.

---

۱. اعراف ۱۹۶/۷. ۲. زُمر ۶۷/۳۹.

۳. آل عمران ۸۳/۳. باید متذکر شویم که آیهٔ قرآن والیه یُرجَعُون است نه تُرجعون یعنی غایب است نه مخاطب.

۴. توبه ۱۲۸/۹ ـ ۱۲۹.

ثمّ قام إليه آخر فقال يا أمير المؤمنين أخبرني عن الضّالّة.

فقال اقرأ يسٓ في ركعتين وقل يا هادي الضالّة ردّ عليّ ضالّتي ففعل فردّ اللّه عزّ وجلّ عليه ضالّته.

ثمّ قام إليه آخر فقال يا أمير المؤمنين أخبرنى عن الآبق.

فقال اقرأ ﴿أَوْ كَظُلُمَٰتٍ فِى بَحْرٍ لُّجِّىٍّ يَغْشَىٰهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ مَوْجٌ﴾ إلى قوله ﴿لَّمْ يَجْعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورًا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ﴾ فقالها الرجل فرجع إليه الآبق.

ثمّ قام إليه آخر فقال يا أمير المؤمنين أخبرني عن السرق فانّه لايزال قد يسرق لى الشيء بعد الشيء ليلاً.

فقال له اقرأ اذا اويت إلى فراشك ﴿قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ أَوِ ٱدْعُوا۟ ٱلرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا۟﴾ إلى قوله ﴿وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًۢا﴾.

ثمّ قال أمير المؤمنين عليه السلام من بات بأرض قفر فقرأ هذه الآية ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ﴾ إلى قوله ﴿تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾ حرسته الملائكة وتباعدت عنه الشياطين.

سپس دیگری به پا خاست و گفت: راجع به گمشده توضیح بده که چه باید کرد.

حضرت فرمود: دو رکعت نماز بخوان و در آن‌ها سوره «یٰس» بخوان و بگو: ای راهنمای گمراه! گمشدهٔ مرا به من برگردان.»

این مرد هم همین کار را کرد پس خداوند عزیز و جلیل گمشده‌اش را به او بازگرداند.

سپس شخص دیگری به پا خاست و گفت: به من خبر ده که در رابطه با فرار کرده [مثل غلام فراری و غیره] چه باید کرد؟

حضرت فرمود: این آیه‌ها را بخوان: «یا [کردار کافران] مانند تاریکی‌هایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند و روی آن، موجی دیگر است و بالای آن ابری است. تاریکی‌هایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است. هر گاه [غریق] دستش را بیرون آورد به زحمت آن را می‌بیند و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود.»[۱]

پس این مرد این آیه‌ها را خواند و آنچه فرار کرده بود به خانه‌اش برگشت.

سپس دیگری برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! در رابطه با دزدی بفرمایید چرا که هر شب از من چیزی می‌دزدند.

حضرت فرمود: هر گاه [برای خوابیدن] به بستر پا گذاشتی این آیه را بخوان: «[ای پیامبر] بگو: الله را بخوانید یا رحمان را بخوانید هر کدام را بخوانید برای او نام‌های نیکوتر است و نمازت را با صدای بلند نخوان و بسیار آهسته‌اش نکن و میان این دو راهی میانه جوی و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که نیاز به دوستی و سرپرستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.»[۲]

سپس امیر مؤمنان فرمود: کسی که در سرزمین برهوتی بی آب و آبادانی شب بماند و در آنجا بخواهد بیتوته کند این آیه را بخواند: «در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می‌طلبد، می‌پوشاند و نیز خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالَم] خَلق و امر از آنِ اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان است.»[۳]

و چون این آیه را بخواند، فرشتگان از او حراست کنند و شیاطین از او دور گردند.

---

۱. نور ۲۷/۴۰ـ۴۱. ۲. اسراء ۱۷/۱۱۰ـ۱۱۱. ۳. اعراف ۷/۵۴.

قال فمضى الرجل فاذا هو بقرية خراب فبات فيها ولم يقرأ هذه الآية فتغشّاه الشيطان واذا هو آخذ بِخَطمِه[۱].

فقال له صاحبه انظره واستيقظ الرجل فقرأ الآية فقال الشيطان لصاحبه ارغم اللّه انفك احرسه الآن حتى يصبح فلمّا اصبح رجع إلى أمير المؤمنين عليه السلام فأخبره وقال له رأيت في كلامك الشّفاء والصّدق ومضى بعد طلوع الشمس فاذا هو بأثر شعر الشيطان مجتمعاً في الأرض.

٥٦٢ ٣٦١٢٣ (٢) **مستدرك** ٣١١/٤: القطب **الراوندي** في دعواته عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال يا عليّ من كان في بطنه ماء اصفر فكتب آية الكرسي وشرب ذلك الماء يبرء باذن اللّه.

٥٦٣ ٣٦١٢٤ (٣) وروي انّه من كان مغلوباً علىٰ عقله قرأ عليه يسٓ اوكتبه وسقاه وان كتبه بماء الزعفران علىٰ إناء من زجاج فهو خير فانه يبرئ.

٥٦٤ ٣٦١٢٥ (٤) الحسين بن بسطام في طبّ الأئمة عليهم السلام ٣٨: عن الضراري قال حدّثني موسى بن عمر بن يزيد قال حدثنا **أبي عمر** بن يزيد الصيقل عن الصّادق عليه السلام قال شكا إليه رجل من أوليائه القولنج فقال له تكتب امّ القرآن وسورة الإخلاص والمعوّذتين ثمّ تكتب اسفل من ذلك أعوذ بوجه اللّه العظيم وبعزّته الّتي لا ترام وبقدرته التي لا يمتنع منها شيء من شرّ هذا الوجع ومن شرّ ما فيه ثمّ تشربُه على الريق بماء المطر تبرء باذن اللّه تعالى.

٥٦٥ ٣٦١٢٦ (٥) وفيه ١٠٠ عن أحمد بن عبدالرحمن بن جميلة عن الحسن[۲] بن خالد قال كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام اشكوإليه علّة ما في بطني واسأله الدعاء فكتب بسم اللّه الرّحمن الرّحيم تكتب امّ القرآن والمعوّذتين وقل هو اللّه احد ثمّ تكتب اسفل من ذلك، أعوذُ بوجهِ اللّه العظيم وعزّته الّتي [لا ترام وقدرته الّتي] لا يمتنع منها شيء من شرّ هذا الوجع وشرّ ما فيه وما احذر.

---

١. الخطم مِن كلّ طائر منقاره ومن كلّ دابّة مقدّم انفه.
٢. الحسين ــ خ.

راوی گفت: این مرد اتّفاقاً گذرش به قلعه خرابه‌ای افتاد که شب باید در آنجا می‌ماند و این آیه را فراموش کرد که بخواند و خوابید. پس شیطان به سراغ او آمد و دهان او را محکم گرفت شیطان دیگری که همراه آن شیطان بود به او گفت: او را مهلت بده در این میان مرد بیدار شد و بلافاصله آن آیه را خواند پس شیطان به همراهش با ناراحتی گفت: خدا پوزت را به خاک بمالد حالا تا صبح از او حفاظت کن و چون صبح شد به خدمت امیرالمؤمنین‌ رسید و ماجرا را شرح داد و گفت: واقعاً سخنت راست و شفابخش است.

پس از طلوع خورشید به همان دِه خرابه رفت دید که اثر آن شیطان باقی مانده و مقداری موی بدنش در آنجا ریخته است.»

۵۶۲ (۲) قطب راوندی در کتاب دعوات از پیامبر روایتی نقل کرده که فرمود: «ای علی! کسی که شکمش زرد آب دارد «آیة الکرسی» را بنویسد و با آب آن را بشوید و آن آب را بخورد، به خواست خدا خوب می‌شود.»

۵۶۳ (۳) روایت شده که: «هر کس عقلش دچار اشکال شده بر او سوره «یٰس» بخوانند یا آن را نوشته و شسته و آبش را به او بنوشانند و اگر این سوره را با آب زعفران بر ظرف شیشه‌ای بنویسند بهتر است و آن بیمار روانی خوب خواهد شد. [ان شاء الله تعالیٰ]»

۵۶۴ (۴) ابی عمر بن یزید صیقل از حضرت صادق روایت کرد و گفت: «یکی از مریدان حضرت از درد قولنج به حضرت شکایت کرد. حضرت به او فرمود: سوره «حمد» و سوره «اخلاص» و«فلق» و «ناس» را می‌نویسی و در پایین آن می‌نویسی: اعوذُ بوجه الله العظیم... یعنی: پناه می‌برم به وجه بزرگ خدا و به عزّتش؛ عزّتی که هیچ کس نتواند حریم آن را بشکند و به قدرت او که هیچ چیز از آن فرمان نپیچد از شرّ این درد و شرّ آنچه در اوست. این دعا را می‌شویی و با آب باران ناشتا می‌خوری به اذن خداوند متعال خوب می‌شوی.»

۵۶۵ (۵) حسن بن خالد گوید: «به خدمت امام موسی کاظم نامه‌ای نوشتم و از درد دل شکایت کردم و از حضرت خواهش کردم که برایم دعا کند.»

حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: بسم الله الرّحمن الرّحیم، سوره «حمد» و «معوذتین» [یعنی: فلق و الناس] و سوره «قل هو الله احد» را می‌نویسی سپس در پایین آن می‌نویسی: اعوذُ بِوَجهِ الله... یعنی: پناه می‌برم به چهرهٔ بزرگ خدا و عزّت شکست ناپذیرش و قدرتش که همه چیز مسخّر اوست، از شرّ این مرض و شرّ دردی که در آن است و شرّ همهٔ چیزهایی که از آن‌ها می‌ترسم.

تكتب ذلك في لوح او كتف ثمّ تغسله[1] بماء السماء ثمّ تشربه على الرّيق وعند منامك وتكتب أسفل من ذلك جعله شِفاء من كلّ داء.

٥٦٦ ٣٦١٢٧ (۶) وفيه ۶۵: عن هارون بن شعيب قال حدّثنا داود بن عبداللّه عن إبراهيم بن أبي يحيى عن محمد بن إسماعيل بن أبي زينب عن جابر عن علي بن أبي طالب ؑ قال شكا إليه رجل الحمّى والابردة وريح القولنج فقال امّا القولنج فاكتب له امّ القرآن والمعوّذتين وقل هو اللّه احد واكتب اسفل من ذلك أعُوذُ بِوَجْهِ اللّهِ العظيم وبقوّته التي لاترام وقدرته الّتي لايمتنع منها شيء من شرّ هذا الوجع وشرّ ما فيه وشرّ ما احذر منه.

تكتب هذا في كفّ او لوح او جام بمسك وزعفران ثمّ تغسله بماء السماء وتشربه على الريق او عند منامك.

٥٦٧ ٣٦١٢٨ (۷) وفيه ۱۰۸: عن أبي جعفر محمد الباقر ؑ انّه شكاإليه رجل من المؤمنين فقال يابن رسول اللّه انّ لي جارية يتعرّض له الأرواح فقال عوّذها بفاتحة الكتاب والمعوّذتين عشراً عشراً.

ثمّ اكتبه لها في جام بمسك وزعفران واسقها ايّاه ويكون في شرابها ووضوئها وغسلها ففعلت ذلك ثلاثة ايّام وذهب اللّه [به] عنها.

٥٦٨ ٣٦١٢٩ (۸) وفيه ۲۹: عن محمد بن عبداللّه بن مهران الكوفي قال حدثنا ايّوب عن عمر (و) بن شمر عن جابر عن أبي جعفر ؑ قال جاء رجل من خراسان إلى علي بن الحسن ؑ. فقال يابن رسول اللّه حججت ونويت عند خروجي ان اقصدك فانّ بي وجع الطحال وان تدعو لی بالفرج.

فقال له عليّ بن الحسين ؑ قد كفاك اللّه ذلك وله الحمد فاذا احسست به فاكتب هذه الآية بزعفران وبماء زمزم واشربه فانّ اللّه تعالى يدفع عنك ذلك الوجع.

---

۱. ثمّ يغسل ـ خ.

این‌ها را در لوحی [مثل بشقابی یا ظرفی] یا استخوان شانهٔ [گوسفندی] می‌نویسی، وانگهی آن را با آب باران می‌شویی و [در دو نوبت] ناشتا، شب وقت خواب می‌خوری. انجام این کار، شفاء هر دردی است.»

۵۶۶ (۶) جابر گوید: «مردی از سر بیماری به خدمت علی‌ﷺ شکایت بُرد: تب، ترش کردن معده، باد قولنج [شکم پیچه] حضرت فرمود: امّا قولنج برای خوب شدنش، سوره «حمد»، «فلق»، «نـاس» و «قل هو الله احد» رابنویس و پایین‌تر از این‌ها بنویس: «اعوذ بوجه الله العظیم... یعنی: پناه می‌برم به رخسار با عظمت خدا و به قوّتش که هیچ کس به آن نرسد و قدرتش که هیچ چیز از آن سر نپیچد از شرّ این بیماری و شرّ پیامدهای او و شرّ هر چیزی که از آن می‌ترسم.

این را در کف دست یا لوحی یا ظرفی با مشک و زعفران می‌نویسی سپس بـا آب بـاران آن را می‌شویی و صبح ناشتا یک بار و شب، وقت خواب هم یک بار می‌نوشی.»

۵۶۷ (۷) در کتاب طبّ الأئمه از امام محمّد باقرﷺ روایتی نقل شده کـه: «مـؤمنی بـه خـدمت امـام باقرﷺ عرض حال کرد و گفت: ای پسر رسول خدا! من کنیزی دارم که ارواح او را آزار می‌دهند.

حضرت فرمود: هر یک از سوره «حمد»، «فلق» و «ناس» را ده بار ده بار بر او بخوان سپس آن را بر جامی با مُشک و زعفران بنویس [و با آب آن را بشوی] و آن را به کنیزت بنوشان و از این آب در میان نوشیدنی‌هایش و آب وضویش و آب غُسلش مخلوط کن.

پس من این کار را سه روز انجام دادم و بدینوسیله خداوند این عارضه را از او بُرد.»

۵۶۸ (۸) جابر از امام محمّد باقرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «مردی از خراسان به محضر امام سجّادﷺ شرفیاب شد و گفت: ای پسر رسول خدا! به زیارت حج آمدم و از همان اوّل حرکتم عـزم زیارت شما را داشتم. من بیماری طحال دارم و درخواست دعا دارم تا گشایشی حاصل شود حضرت [برایش دعا فرمود که] خداوند تو را از این بیماری شفا دهد و برای اوست سپاس. هر گاه احساس درد کردی این آیه را با زعفران و آب زمزم بنویس و آبش را بنوش و خداوند متعال این درد را از تو دفع خواهد کرد. آیه ایـن است: «قُلِ ادعُو اللهَ اَوِ ادعُوا الرّحمن ایّاماً تَدعُوا فَلَهُ الاسماءُ الحُسنی ولاتَجْهَرْ بصلاتِکَ ولا تُخافِتْ بها وابتَغِ بَینَ ذلك سَبیلاً وقُلْ اَلحَمْدُ لِلّهِ الّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی المُلكِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ ولیٌّ مِنَ الذُّلِّ وکَبِّرهُ تکبیراً.»[1] تا آخر. یعنی:

---

۱. اسراء ۱۷/۱۱۰ ـ ۱۱۱.

﴿قُلِ ٱدْعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدْعُواْ ٱلرَّحْمَـٰنَ أَيًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَٱبْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلاً ۞ وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِى ٱلْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ وَلِىٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا﴾.

٥٦٩ ٣٦١٣٠ (٩) وفيه ٩٦: عن سعد بن مهران قال حدثنا محمد بن صدقة عن محمد بن سنان الزاهري عن يونس بن ظبيان عن محمد بن إسماعيل عن جابر بن يزيد الجعفي قال جاء رجل من بني اميّة إلى أبي جعفر عليه السلام وكان مؤمناً من آل فرعون يوالي آل محمد عليهم السلام فقال يابن رسول اللّه انّ جاريتي قد دخلت في شهرها وليس لي ولد فادع اللّه ان يرزقني ابناً.

فقال اللهّم ارزقه ابناً ذكراً سويّاً.

ثمّ قال إذا دخلت في شهرها فاكتب لها إنّا انزلناه وعوّذها بهذه العَوذة وما في بطنها بمسك وزعفران واغسلها واسقها مائها وانضح فرجها. والعوذة هذه أعيذ مولودي بسم اللّه بسم اللّه ﴿وَأَنَّا لَمَسْنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدْنَـٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ۞ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَـٰعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ ٱلْأَنَ يَجِدْ لَهُۥ شِهَابًا رَّصَدًا﴾.

ثم يقول بسم اللّه اعوذ باللّه السميع العليم من الشيطان الرجيم انا وانت والبيت ومن فيه والدّار ومن فيها نحن كلّنا في حرز اللّه وعصمة اللّه وجيران اللّه وجوار اللّه آمنين محفوظين.

ثمّ تقرأ المعوذّتين وتبدء بفاتحة الكتاب قبلهما (و ـ ظ) بسورة الاخلاص.

ثمّ تقرأ ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَـٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ۞ فَتَعَـٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ

«بگو: الله را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، بـرای او نـام‌های نـیکوتر است و نمازت را به آواز بلند نخوان و بسیار هم آهسته‌اش مکن و میان این [و آن] راهی میانه جوی و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده کـه نـیاز بـه دوستی و یاوری داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.»

(۹) جابر بن یزید جعفی گوید: «مردی از بنی امیّه شرفیاب محضر امام باقر؛ شد و او مؤمنی بود ۵۶۹
از آل فرعون.[۱] و دوست دار آل محمّد؛ بود. پس گفت: ای پسر رسول خدا! کنیزم [همسرم] وارد ماه [زاییدن] شده و من هم بچّه‌ای ندارم پس دعا بفرما که خداوند پسـری بـه مـن روزی فـرماید. حضرت فرمود: خدایا! به او پسری سالم روزی فرما.

سپس فرمود: وقتی به ماه [زاییدن]اش وارد شد برایش یک «انّا انـزلناه» بـا مُشک و زعـفران بنویس و آن را بشوی و از آبش مقداری بده بخورد و مقداری را بر فرجش (آلت تناسلی‌اش) بپاش و با خواندن این دعا آن زن و بچّه‌ای را که در شکمش هست در پناه خداوند قرار بده: «بسم الله بسم الله و انّا... یعنی: بنام خداوند، بنام خداوند، [اجنّه گفتند:] **و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم و در آسمان برای شنیدن به کمین می‌نشستیم امّا اکنون هر که بخواهد [اسرار عالم بالا را] گوش دهد تیر شهابی در کمین خود می‌یابد.**»[۲]

سپس می‌گوید: بسم الله اعوذ بالله... یعنی: بنام خداوند، پناه می‌برم به خداونـد شـنوای دانـا از شیطان رانده شده. من و تو و خانه و هر که در خانه است، ما همگی در پناه خدا و حفاظت خـدا و همسایگی و مجاورت خداوند، در امان و محفوظ هستیم.

سپس دو سوره «فلق» و «ناس» را می‌خوانی پس از آنکه سوره «حمد» و سوره «اخـلاص» را خوانده باشی.

سپس این آیات را می‌خوانی: «**أفحسبتم انّما خَلَقْناکُم عَبَثاً وانَّکُم اِلَیْنا لاتُرجَعُونَ فَتَعالَی اللهُ المَلِکُ الْحَقُّ لا**»[۳] ... یعنی: **آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بـازگردانـیده نمی‌شوید؟ پس والاست خدا، فرمانروای بر حق، خدایی جز او نیست. [اوست] پـروردگار عـرش**

---

۱. اشاره به مؤمن آل فرعون است که حکایتش در قرآن آمده است.
۲. جنّ ۸/۷۲ ـ ۹.
۳. مؤمنون ۱۱۵/۲۳ ـ ۱۱۸.

ٱلْحَقُّ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ * وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَـٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَـٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَـٰفِرُونَ * وَقُل رَّبِّ ٱغْفِرْ وَٱرْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴾ و ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَـٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ﴾ إلى آخر السورة.

ثمّ تقول مدحوراً من يشاقّ اللّه ورسوله اقسمت عليك يا بيت ومن فيك بالاسماء السبعة والاملاك السبعة الذين يختلفون بين السماء والأرض محجوباً عن هذه المرأة وما في بطنها كلّ عرض واختلاس او لمس او لمعة طيف مسّ من انس او جانّ.

وان قال عند فراغه من هذا القول ومن العوذة كلّها اعني بهذا القول وهذه العوذة فلاناً وولده وداره ومنزله واهله وولده فليسمّ نفسه وداره ومنزله واهله وولده وليلفظ به وليقل أهل فلان ابن فلان وولده فلان ابن فلان فانّه احكم له واجود وأنا لضامن على نفسه واهله وولده ان لا يصيبهم آفة ولا خبل ولا جنون باذن اللّه تعالىٰ.

٥٧٠ ٣٦١٣١ (١٠) **مستدرك ۴/۲ ۳۱**: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن الصّادقﷺ من كتبها اي (سورة انا انزلناه) وشرب مائها لم ينافق ابداً وكأنّما شرب ماء الحيوان.

وعن النبيﷺ قال من استشفىٰ بغير القرآن فلا شفاه اللّه.

٥٧١ ٣٦١٣٢ (١١) **مجمع البيان ۴۱۳/۴**: **أبوبكر** عن النبيﷺ انّه قال سورة يسٓ تدعىٰ في التوراة المعمة قيل وما المعمة قال تعمّ صاحبها خير الدّنيا والآخرة وتكابد عنه بلوىٰ الدنيا وتدفع عنه اهاويل الآخرة وتدعىٰ المدافعة القاضية تدفع عن صاحبها كلّ شرّ وتقضي له كلّ حاجة.

گرانمایه و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند در حالی که برهانی بر آن ندارد، حسابش فقط با پروردگارش می‌باشد [و] بی‌گمان کافران رستگار نمی‌شوند و بگو: پروردگارا! ببخشای و رحمت کن و تو بهترین بخشایندگانی.»

و می‌خوانی آیه: «اگر ما این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، یقیناً آن کوه را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دیدی و این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم باشد که آنان بیندیشند.»[1]

تا آخر این سوره را می‌خوانی.

سپس می‌گویی: مطرود است هر کس که با خدا و پیامبرش به مخالفت می‌پردازد. ای خانه و ای کسانی که در آن خانه هستید! شما را سوگند می‌دهم به نام‌های هفتگانه و فرشتگان هفت‌گانه‌ای که در میان آسمان و زمین در رفت و آمدند که این زن را و بچّه‌ای که در شکم دارد از هر عارضه‌ای و ربودن و تماس و تابش اشعّه از طریق تماس بدنی از جانب انسان یا جنّ، پنهان نگاه دارید.

و اگر پس از خواندن همهٔ این آیات و دعاها، آن شخص [که برایش دعا می‌خواند] را با نام، معیّن کند و خانه را نیز مشخّص کند و بگوید: فلان شخص و خانه‌اش و خانواده‌اش و فرزندانش [را حفظ کن] متقن‌تر و بهتر خواهد بود و من ضمانت می‌کنم که به او و خانواده و فرزندانش نه آفتی و نه بلاهتی و نه دیوانگی، به خواست خداوند متعال نرسد.»

۵۷۰ (۱۰) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس سوره «انّا انزلناه = قدر» را بنویسد و آبش را بخورد هرگز منافق نخواهد شد و گویی آب حیات نوشیده است.»

و از پیامبرﷺ روایت شده که فرمود: «هر کس از غیر قرآن شفا بخواهد خداوند او را شفا نخواهد داد.»

۵۷۱ (۱۱) ابوبکر از پیامبرﷺ روایت کرده که: «سورهٔ «یٰس» در تورات به نام «مَعْمَه» نامیده شده است. پرسیدند: «معمه» چیست؟ حضرت فرمود: معمه، خیر دنیا و آخرت را برای صاحبش [قاری و حافظش] به ارمغان می‌آورد و رنج و بلای دنیا را از او دور می‌کند و هول و هراس‌های آخرت را از او می‌زداید و به نام «مدافعه» و «قاضیه» نیز نامیده شده چون هر شرّی را از صاحب و قاری خود دور می‌کند و هر حاجتی داشته باشد برآورده می‌کند.

---

۱. حشر ۵۹/۲۱ ـ ۲۴.

ومن قرأها عدلت له عشرين حجّة ومن سمعها عدلت له الف دينار في سبيل اللّه ومن كتبها ثمّ شربها ادخلت في جوفه الف دواء والف نور والف يقين والف بركة وألف رحـمة ونزعت عنه كلّ داء وعلة **مستدرك** ۳۲۳/۴: ورواه بن **أبى جمهور** فـي درر اللّـئالي عـن هلال بن الصلت عنه عليه السلام.

۵۷۲ ۳۶۱۳۳ (۱۲) **مستـدرك** ۳۱۵/۴: السيّد هاشم التوبلي فى تفسير البرهان نقلاً عن كتاب خواصّ القرآن قال قال الصادق عليه السلام من كتبها يعني سورة يسٓ بماء ورد وزعفران سبع مرّات وشربها سبع مرات متواليات كلّ يوم مرّة حفظ كلّ ما سمعه وغلب علىٰ من يناظره وعظم في اعين النّاس ومن كتبها وعلّقها علىٰ جسده أُمِنَ علىٰ جسده من الحسد والعين ومن الجنّ والانس والجنون والهوام والاعراض والاوجاع باذن اللّه تعالىٰ وإذا شربت مائها امرأة درّ لبنها وكان فيه للرضيع غذاء جيّداً باذن اللّه تعالى.

۵۷۳ ۳۶۱۳۴ (۱۳) الحسين بن بسطام في طبّ الأئمّة عليهم السلام ۱۰۵ عن سلامة بن عمر (و ـ خ) الهمداني قال دخلت المدينة فأتيت ابا عبداللّه عليه السلام فقلت يابن رسول اللّـه اعـتللت عـلىٰ[1] أهـل بـيتي بالحجّ وأتيتك مستجيراً (مستتراً ـ خ) من أهل بيتي من علّة اصابتني وهي الداء الخبيثة قال اقم في جوار رسول اللّه صلى الله عليه وآله وفي حرمه وامنه واكتب سورة الانعام بـالعسل واشـربه فـانّه يذهب عنك.

۵۷۴ ۳۶۱۳۵ (۱۴) وفيه ۹۵ عن عبدالوهّاب بن مهديّ قال حدثني محمد بن عيسي عن ابن همام عن محمد بن سعيد عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام انّه قال إذا عسر علىٰ المرأة ولادتها تكتب هذه الآيات في إناء نظيف بمسك وزعفران ثمّ يغسل بماء البئر وتسقىٰ منه المرأة ويـنضح بطنها وفرجها فانها تلد من ساعتها.

---

۱. اعتللت واتيت أهل بيتي ـ ك.

و کسی که این سوره «یٰس» را بخواند معادل بیست حج برایش ثواب خواهد بود و کسی که گوش دهد به این سوره [در صورتی که کسی آن را می‌خواند] معادل این است که هزار دینار در راه خدا داده است و هر کس آن را بنویسد و بشوید و بخورد، این سوره هزار درمان، هزار نور هزار یقین، هزار برکت و هزار رحمت در درون او وارد می‌کند و هر درد و مرضی را از او بر کَنَد و خارج کند.»

۵۷۲ (۱۲) سید هاشم توبلی در تفسیر برهان به نقل از کتاب خواصّ القرآن روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «هر کس سوره «یٰس» را با گلاب و زعفران هفت بار بنویسد و در هفت روز متوالی هر روز بخشی از آن را بخورد [بعد از آن] هر چه را بشنود در حافظه‌اش باقی ماند و بر هر کسی که با او مباحثه علمی کند غالب شود و در چشم مردم بزرگ جلوه کند و کسی که آن سوره را بنویسد و بر بدنش آویزان کند [مثلاً در گردنش بیاویزد] بدنش از حسادت و زخم چشم و از جنّ و انس و دیوانگی و جانوران و پیش آمدها[ی ناگوار] و مرض‌ها به خواست خداوند متعال در امان بماند و اگر زنی از آب این سوره [که بنویسند آن را و با آب بشویند] بخورد شیرش زیاد شود و شیرش برای شیرخوار به اذن خدای متعال تغذیه خوب و مناسبی خواهد شد.»

۵۷۳ (۱۳) سلامة بن عمرو همدانی گوید: «وارد مدینه شدم و به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. به حضرت عرض کردم: ای پسر رسول خدا! پیش خانواده‌ام بهانه آوردم که به حجّ می‌خواهم بروم و بدون اینکه آن‌ها بفهمند خدمت شما رسیدم و به شما پناه آوردم از یک مرضی که مرا دچار کرده است و آن، مرض بدی است.

حضرت فرمود: در جوار رسول الله صلی الله علیه و آله و حرم امن و امانش بمان و سوره «انعام» را با عسل بنویس و [آن را بشوی] و بنوش آن را که بیماری از تو از بین می‌برد.»

۵۷۴ (۱۴) ابوحمزه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر گاه زاییدن بر زن سخت شد این آیات در ظرف پاکی با مشک و زعفران نوشته شود سپس با آب باران شسته شود و زن از آن بنوشد و بر شکم و فرجش بمالد فوراً در همان ساعت بچّه به دنیا می‌آید.

آن آیات که نوشته می‌شود این است: «**روزی که آن [قیامت] را می‌بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی [در دنیا بیشتر] درنگ نکرده‌اند.**»[1]

---

۱. نازعات ۴۶/۷۹.

يكتب: ﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍۭ بَلَـٰغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْفَـٰسِقُونَ﴾.

﴿لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُوْلِى ٱلْأَلْبَـٰبِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَـٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَىْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾.

۵۷۵ ۳۶۱۳۶ (۱۵) **مستدرك** ۳۱۲/۴: الشهيد في مجموعته نقلاً عن منافع القرآن المنسوبة إلى الصادق عليه السلام:

العنكبوت من شربها زالت عنه حمّىٰ الربع[۱].

يسٓ من كتبها في تسعة (هكذا) من شعبان بماء ورد وزعفران وشربها حفظ حفظاً عظيماً وقوي قلبه وحذق ذهنه.

حم عسق من كتبها وشربها في سفره لم يحتج إلى ماء بعدها وكرهته نفسه ولم تطلبه ابداً واذا رشّ على المصروع من هذا الماء احترق شيطانه ولم يعد إليه ابداً وان عجّن بها طين العاخوه وعمل كوزاً ثمّ شوىٰ وشرب منه صاحب الشّك نفعه.

الفتح تشربها المرأة فيدرّ لبنها ويحفظ جنينها.

الحجرات إذا غسل بمائها فم الطفل خرجت اسنانه بغير ألم.

---

۱. الربع في الحمّى: إتيانها في اليوم الرابع وذلك ان يحمّ يوماً ويترك لا يحمّ ويحمّ في اليوم الرابع وهي حمّى الربع ـ اللسان.

و آیه: «روزی که آنچه را وعده داده می‌شوند بنگرند گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده‌اند [این یک] ابلاغ است پس آیا جز مردم نافرمان [کسی دیگر] هلاکت خواهد یافت.»[1]

و آیه: «به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»[2]

۵۷۵ (۱۵) در مستدرک الوسایل به نقل از کتاب منافع القرآن که به امام صادق علیه السلام منسوب است، خواص درمانی بعضی از سوره‌ها چنین بیان شده است:

سوره «عنکبوت»

هر کس آن را بنوشد [پس از نوشتن و شستن] تب چهار روز در میان از او برود.

سوره «یٰس»

هر کس آن را در نهم ماه شعبان با گلاب و زعفران بنویسد و آن را بنوشد حافظه‌اش بسیار قوی و شجاع و دلاور می‌شود و تیزهوش می‌گردد.

سوره «حٰم عسق» = «شُوری»

هر کس آن را بنویسد [و با آب بشوید و آبش را] در سفر بنوشد پس از آن نیازمند آب نشود و از آب خوشش نیاید و در جستجوی آب نباشد و هر گاه از این آب بر کسی که تشنّج دارد و غشّ می‌کند ریخته شود، شیطانش بسوزد و هرگز به سوی او بازنگردد و اگر این آب را با گِل «عاخُوه = خاک سرخ» مخلوط کند و کوزه درست کند و آن را [مثل آجر] پخته کند [تا سفال شود] پس از آن در آن کوزه آب بریزند هر کس که شکاک است از آن آب بخورد او را سود بخشد و شکّش برطرف گردد.

سوره «فتح»

اگر زن آن را بنوشد شیرش زیاد شود و اگر حامله باشد بچّه‌ای که در شکم دارد محفوظ بماند.

سوره «حجرات»

اگر با آب آن [که نوشته شده و با آب شسته شده] دهان بچّه را بشویند دندان‌هایش بدون درد، درآید.

---

۱. احقاف ۳۵/۴۶. ۲. یوسف ۱۱۱/۱۲.

التغابن إذا محا مائها ورشّ في موضع لم يسكن ابداً وإذا رشّ في موضع مسكون اثر القتال فيه والكفعمي ذكر هذه الخاصيّة لسورة الطلاق.

وقال في **فصِّلَت** من كتبها بماء المطر ومحاها وسحق بمائها كحلاً واكتحل به نفع من الرمد والبياض وماء العين.

الشورىٰ من سقاها للزوجة اطاعت.

الاحقاف من كتبها في صحيفة وغسلها بماء زمزم وشربها كان وجيهاً محبوباً حافظاً.

قَ من كتبها في صحيفة ومحاها بماء المطر وشربها الخائف والوَلَهان والشاكي بطنه وفمه زال ألمه وإذا غسل بمائها فم الطفل الصغير خرجت اسنانه بغير ألم.

الرّحمن يشرب للطحال ووجع الفؤاد.

الحديد ويغسل الحمرة والورم والجروح والقروح بمائها تبرء باذن اللّٰه تعالىٰ.

الحشر من كتبها في جام زجاج وغسلها بماء المطر وشربها يرزق الحفظ والفطنة.

الممتحنة يكتب ثلاثة ايّام متوالية ويسقى للمطحول يزول ألمَه.

سور «تغابُن»

اگر آب این سوره در جایی و خانه‌ای بریزد آرامش از آنجا رخت بربندد و اگر در جای آرامی ریخته شود در آنجا جنگ و جدال پیدا شود.

کفعمی این خاصیّت را برای سوره «طلاق» ذکر کرده است.

سوره «فصّلت»

کسی که آن را با آب باران بنویسد و آن را حل کند و سرمه را به آن بمالد و آنگاه با این سرمه، سرمه بزند برای چشم درد و سفید شدن سیاهی چشم و آب مروارید نافع خواهد بود.

سوره «شُوریٰ»

هر کس آب آن را به همسرش بنوشاند مطیع او خواهد شد.

سوره «احقاف»

هر کس آن را در کاغذی بنویسد و آن را با آب زمزم بشوید و بنوشد شخصی آبرومند و دوست‌داشتنی و خوش حافظه خواهد شد.

سوره «قٓ»

کسی که آن را در کاغذی بنویسد و آن را با آب باران پاک کند و آن را کسی که ترسان و مضطرب است یا کسی که شکمش یا دهانش درد می‌کند، بخورد خوب می‌شود و اگر با آبش دهان بچّهٔ خردسال را بشویند دندان‌هایش بدون درد، درخواهد آمد.

سوره «الرحمن»

برای درد طحال (سِپُرز) و درد قلب نوشیده شود.

سوره «حدید»

با آب آن هر جای بدن [که بر اثر ضربه] سرخ شده یا ورم کرده یا مجروح شده یا دُمَل [زخم چرکی] درآورده، شسته می‌شود و به اذن خداوند متعال خوب می‌شود.

سوره «حشر»

هر کس آن را در ظرف شیشه‌ای [بلور] بنویسد و با آب باران آن را بشوید و آن آب را بخورد، حافظه‌اش قوی و تیزهوش می‌شود.

سوره «ممتحنه»

سه روز پیاپی این سوره نوشته می‌شود و با آب شسته می‌شود و آبش را به کسی که طحالش [سِپُرزش] بزرگ شده می‌نوشانند، دردش برطرف می‌شود.

الحاقّة إذا سقى الجنين منها ساعة وضعِهِ ذكاه وحفظه من الهوامّ والشيطان.

الجنّ من شربها وعىٰ كلّ شيء يسمعه وغلب من يناظره.

القيامة شرب مائها يقوّي الضعيف.

النّبأ شرب مائها يزيل البطن.

الطارق من غسل بمائها الجراح سكنت ولم يفتح.

البلد يسعط من مائها من فى خياشيمه ألَم.

الشمس الشرب من مائها يسكن الزحيف والزحير.

الانشراح شرب مائها يفتت الحصاة ويفتح المثانة وينفع من البرودة.

القدر من شرب مائها وهب اللّه له نوراً فى بصره واليقين في قلبه ورزق الحكمة وان كتبت علىٰ فخار جديد وغسلت بماء المطر وجعل فيه شيئاً من سكر وشربه من به وجع الكبد برء باذن اللّه تعالىٰ.

سوره «الحاقّه»

در همان ساعتی که بچّه متولد می‌شود اگر از آب این سوره [که نوشتهٔ آن را با آن شسته‌اند] به او بنوشانند، باهوش می‌شود و از جانوران موذی و شیطان محفوظ می‌ماند.

سوره «جنّ»

هر کس آن را بنوشد هر چیزی را که بشنود در حافظه‌اش می‌ماند و با هر کسی مباحثه علمی کند غالب می‌شود.

سوره «قیامت»

نوشیدن آب آن [که نوشتهٔ آن را شسته‌اند] ناتوان را نیرو می‌بخشد.

سوره «نَبَأ»

خوردن آب آن شکم بزرگ را کوچک می‌کند.

سوره «طارق»

هر کس با آب آن، جراحت را شستشو دهد دردش آرام شود و به هم آید و باز نماند.

سوره «بلد»

کسی که درد بینی دارد از آب آن در بینی بچکاند.

سوره «شمس»

نوشیدن آب مغسول آن مسکّن درد کسی است که بر روی زمین کشیده شده یا کسی که شکم‌پیچه دارد.

سوره «انشراح»

خوردن آب آن سنگ کلیه را متلاشی و مثانه را باز می‌کند و برای جلوگیری از سرماخوردگی نافع است.

سوره «قدر»

هر کس آب آن را بخورد خداوند به دیده‌اش نور و به قلبش یقین بخشد و حکمت به او روزی شود و اگر بر سفال نو [پیش از آن که مورد استفاده قرار گیرد] نوشته شود و با آب باران شسته شود و کمی شکر با آن مخلوط کنند، هر کس که درد کبد دارد از آن بنوشد به اذن خدای متعال خوب می‌شود.

البيّنة تسلم الحامل إذا شربت من مائها، وتعلق على صاحب اليرقان وعلى صاحب بياض العين بعد ان يشربا من مائها.

ويأتي في أحاديث الباب التّالي ما يناسب ذلك فراجع.

وفي رواية الدعائم (۴) من باب (۱۲) ما يستحبّ ان يقول من استصعب عليه دابته من أبواب احكام الدوابّ قوله ﷺ والذي بعث محمداً ﷺ بالحقّ نبيّاً واكرم به أهل بيته ما من شيء تصابون به الّا وهو في القرآن.

(۳۴)

باب انه لا بأس بالرُّقية والعوذة والنّشرة اذا كانت من القرآن أو مرويّة عن المعصومين ﷺ ونهى عن التمائم والتول وما لا يعرف وجواز تعليق التعويذ من القرآن والذكر والدعاء وقرائتها مع وضع اليد على الموضع الذي تشتكي

قال اللّه تعالى في الإسراء (۱۷): ۸۲: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّـٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾.

سورة يونس (۱۰): ۵۷: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا فِى ٱلصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾.

فصّلت (۴۱): ۴۴: ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُو۟لَـٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ﴾.

۵۷۶ ۳۶۱۲۷ (۱) طبّ الأئمّة ۴۹ علاّن بن محمد قال حدثنا صفوان بن يحيى عن منصور بن حازم عن عنبسة بن مصعب عن أبي عبداللّه ﷺ قال لا بأس بالتعويذ ان يكون على الصبي والمرأة.

۵۷۷ ۳۶۱۲۸ (۲) طبّ الأئمّة ۱۱۴ سهل بن محمد بن سهل قال حدثنا عبد ربّه بن محمد بن إبراهيم عن ابن اورمة عن ابن مسكان عن الحلبيّ قال سألت ابا عبداللّه ﷺ عن النشرة للمسحور فقال ما كان أبي ﷺ يرى به بأساً.

سوره «بیّنه»

اگر زن حامله از آب آن بخورد، سالم می‌ماند و بر کسی که مرض یرقان گرفته و همچنین کسی که چشمش سفیدی آورده [نوشتهٔ آن] آویخته می‌شود، پس از آنکه از آب آن بخورند.»

ارجاعات

می‌آید:

در باب بعدی نیز روایاتی مناسب با خواصّ آیات و سوره خواهد آمد.

و در روایت چهارم از باب دوازدهم از باب‌های احکام چهارپایان فرموده امام‌ﷺ که: «سوگند به آن کسی که به حق محمّدﷺ را به پیامبری برانگیخت و خاندانش را کرامت و شرافت بخشید هیچ بیماری که گرفتار به آن می‌شوید نیست مگر اینکه [دوا و درمان آن] در قرآن است.»

باب ۳۴
ادعیه و تعویذات مجاز و ممنوع

خداوند متعال فرموده:

و ما آنچه را برای مؤمنان مایهٔ درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم ولی ستمگران را جز زیان، چیزی نیفزایند.[1]

ای مردم به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرز و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است.[2]

بگو این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند.[3]

۵۷۶ (۱) عنبسة بن مصعب از امام صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «بستن دعا بر بازوی زن یا بچّه اشکالی ندارد.»

۵۷۷ (۲) حلبی گوید: «از امام صادقﷺ دربارهٔ دعا خوانی [عزائم] آدمی که او را سحر و جادو کرده‌اند، پرسیدم، حضرت فرمود: پدرم اشکالی برای آن نمی‌دید.»

---

۱. اسراء ۸۲/۱۷. ۲. یونس ۵۷/۱۰. ۳. فصّلت ۴۴/۴۱.

۵۷۸ ۳۶۱۳۹ (۳) **قرب الإسناد** ۱۱۰: الحسن بن ظريف عن **الحسين** بن علوان عن جعفر عن أبيه قال اصاب رجل لرجل [۱] بالعين فذكر ذلك لرسول اللّهﷺ فقال رسول اللّهﷺ التمسوا له من يرقيه (رقيه ـ خ ل).

۵۷۹ ۳۶۱۴۰ (۴) **وفيه** ۲۱۳: عبداللّه بن الحسن العلوي عن جدّه **علي** بن جعفر عن اخيه موسى بن جعفرؑ قال سألته عن المريض الذى يكون او يسترقي قال لابأس اذا استرقى بما يعرفه **وسائل** ۲۳۹/۶: رواه علي بن جعفر في كتابه.

۵۸۰ ۳۶۱۴۱ (۵) **طبّ الأئمة** ج ۴۸ عن إبراهيم بن ميمون عن حماد بن عيسى عن شعيب العقرقوفي عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّهؑ قال لا بأس بالرقي من العين والحمّى والضرس وكلّ ذات هامّة لها حمّة إذا علم الرجل ما يقول لا يدخل في رُقيته وعَوذته شيئاً لا يعرفه.

۵۸۱ ۳۶۱۴۲ (۶) **الدعائم** ۱۴۱/۲: عن **رسول اللّه**ﷺ انه نهى عن الرقي بغير كتاب اللّه ومالا يعرف بذكره وقال انّ هذه الرقى ممّا اخذه سليمان بن داود على الأنس والجانّ والهوامّ.

۵۸۲ ۳۶۱۴۳ (۷) **وفيه** ۱۳۹/۲: عن **علي**ؑ انّه قال كان رسول اللّه يجلس الحسن على فخذه اليمنىٰ ويجلس الحسين على فخذه اليسرىٰ ثمّ يقول اعيذكما بكلمات اللّه التّامّة من شرّ كل شيطان وهامّة ومن كلّ عين لامّة ثمّ يقول هكذا كان إبراهيم أبي يعوّذ ابنيه إسماعيل وإسحاق.

۵۸۳ ۳۶۱۴۴ (۸) **طب الأئمّة** محمد بن يزيد بن سليم الكوفي قال حدثنا النضر بن سويد عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّهؑ قال سألته عن رقية العقرب والحيّة والنشرة ورقية المجنون والمسحور الذى يعذّب فقال يابن سنان لابأس بالرقية والعوذة والنشرة إذا كانت من القرآن ومن لم يشفه القرآن فلا شفاه اللّه وهل شيء ابلغ فى هذه الاشياء من القرآن اليس اللّه يقول: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ اليس يقول اللّه جل ثناؤه ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَـٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ﴾ سلونا نعلّمكم ونوقّفكم على قوارع القرآن لكلّ داء.

---

۱. ولعلّ الصواب رجلاً أو اصيبت رِجلُ رَجلٍ.

۵۷۸ (۳) حسین بن علوان از امام صادق﵇ و او از پدر بزرگوارش روایت کرده که فرمود: «مردی، مرد دیگری را چشم زد این مطلب را به پیامبر خداﷺ گفتند، حضرت فرمود: بروید دنبال کسی که بیاید و او را دعا خوانی کند [و اثر چشم شور را از او دور کند].»

۵۷۹ (۴) علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر﵇ روایت کرده که از آن حضرت دربارهٔ بیماری که دعا بر بازو می‌بندد پرسیدم حضرت فرمود: «اگر دعایی باشد که صحّت آن را می‌داند اشکالی ندارد.»

۵۸۰ (۵) ابو بصیر از امام صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «منعی نیست در دعاخوانی برای جلوگیری از زخم چشم و تب و دندان درد و دفع هر جانور نیش‌دار زهرآگین در صورتی که انسان بداند چه می‌گوید و در تعویذ و دعای خود چیزی را که معنی آن را نمی‌داند و به صحّت آن مطمئن نیست داخل نکند.»

۵۸۱ (۶) در کتاب دعائم الاسلام[1] از پیامبر خداﷺ روایت شده که آن حضرت از دعاخوانی با دعایی که مغایر با قرآن است و یا معنی و مفهوم آن را نمی‌داند ،نهی کرده است و فرمود: «اصل این تعویذات را حضرت سلیمان بن داود [از خداوند] گرفت برای محافظت از انس و جنّ و جانوران [موذی].»

۵۸۲ (۷) در کتاب دعائم الاسلام آمده است: «علی﵇ فرمود: پیامبر خداﷺ امام حسن﵇ را بر روی زانوی راست و امام حسین﵇ را بر زانوی چپ می‌نشاند. سپس می‌فرمود: شما را در پناه کلمات تامّهٔ الهی در می‌آورم از شرّ هر شیطان و جانور [موذی] و هر چشم شور. آنگاه حضرت فرمود: این گونه پدرم ابراهیم، دو پسرش اسماعیل و اسحاق را تعویذ می‌کرد.»

۵۸۳ (۸) عبدالله بن سنان گوید: «از امام صادق﵇ درباره دعای دفع عقرب و مار و لوح‌نویسی و دعا برای دیوانه و سحر شده‌ای که عذاب می‌کشد پرسیدم. حضرت فرمود: ای پسر سنان! دعاخوانی و تعویذ و لوح نویسی اگر از قرآن باشد منعی ندارد و کسی را که قرآن شفا ندهد پس دیگر خداوند او را [از راه دیگری] شفا ندهد و آیا در این تعویذات و لوح‌ها چیزی مؤثرتر از قرآن وجود دارد؟ آیا این خداوند نیست که می‌فرماید: **«ما از قرآن برای مؤمنان شفا و رحمت نازل می‌کنیم.»**

و آیا نمی‌فرماید که: **«اگر ما این قرآن را بر کوه فرو فرستاده بودیم آن را فروتن و از ترس خدا متلاشی می‌دیدی.»**

از ما بپرسید تا به شما یاد دهیم و شما را از آیاتی که هر مرضی را ریشه کن می‌کند، آگاه کنیم.»

---

۱. ج ۲ ص ۱۴۱.

٥٨٤ ٢٦١٤٥ (۹) **وفيه** ۴۸ عن أحمد بن **محمد** بن مسلم قال سألت أبا جعفر محمد الباقر عليه السلام انـتعوّذ بشيء من هذه الرقى قال لا الاّ من القرآن فانّ علياً عليه السلام كان يقول انّ كثيراً من الرّقي والتمائم من الاشراك.

٥٨٥ ٢٦١٤٦ (۱۰) **وفيه** ۴۸ عن جعفر بن عبداللّه بن ميمون السعدى عن النضر بن سويد[1] عن القاسم قال قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ كثيراً من التمائم شرك.

٥٨٦ ٢٦١٤٧ (۱۱) **الدعائم** ۴۸۳: عن أمير المؤمنين عليه السلام انّه كان يقول كثيراً من الرُّقى و تعليق التـمائم شعبة (من الاشراك).

٥٨٧ ٢٦١٤٨ (۱۲) **الدعائم** ۱۴۲/۲: عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّه نهى عن التمائم والتول فالتمائم ما يعلّق من الكتب والخرز وغير ذلك والتول ما يتحبّب به النساء إلى ازواجهنّ كالكهانة واشباهها و نهى عن السحر قال جعفر بن محمد عليه السلام ولا بأس بتعليق ماكان من القرآن.

٥٨٨ ٢٦١٤٩ (۱۳) **طبّ الأئمّة** ۴۸ عن إسحاق بن يوسف المكّيّ قال حدثنا فضالة عن ابان بن عثمان عن **زرارة** بن أعين قال سألت ابا جعفر الباقر عليه السلام عن المريض هل يعلّق عليه تعويذ وشيء من القرآن فقال نعم لابأس به انّ قوارع القرآن تنفع فاستعملوها.

٥٨٩ ٢٦١٥٠ (۱۴) **وفيه** ۴۹ وعنه قال حدثنا فضالة عن أبان بن عثمان عن **إسحاق** بن عمّار عن أبي عبداللّه الصادق عليه السلام في الرجل تكون به العلّة فيكتب له القـرآن فـيعلّق عـليه او يكـتب له فيغسله ويشربه قال لابأس به كلّه.

٥٩٠ ٢٦١٥١ (۱۵) **وفيه** ۴۹ عن عمرو بن عبداللّه بن عمر التميمي قال حدثني حماد بن عيسى عـن شعيب العقرقوفي عن **الحلبي** قال سألت جعفر بن محمد عليه السلام فقلت ياابن رسول اللّـه هـل نعلّق شيئاً من القرآن والرقى على صبياننا ونسائنا فقال نعم إذاكان في اديم تلبسه الحائض وإذا لم يكن في اديم لم تلبسه المرأة.

---

۱. النصر بن يزيد في المصدر.

۵۸۴ (۹) محمّد بن مسلم گوید: «از حضرت امام محمّد باقر پرسیدم: آیا با این دعاهایی که بر بازو می‌بندند خودمان را تعویذ کنیم؟ حضرت فرمود: نه، مگر اینکه از قرآن باشد، علی می‌فرمود: بسیاری از این تعویذات و بازوبندها شرک ورزیدن به خداست.»

۵۸۵ (۱۰) قاسم از امام جعفر صادق روایت کرده که فرمود: «بسیاری از این نوشته‌هایی که بر بازوی بچّه‌ها می‌بندند یا در گردن‌شان می‌آویزند شرک ورزیدن است.»

۵۸۶ (۱۱) در کتاب دعائم الاسلام از امیر مؤمنان علی نقل شده است که فرمود: «بسیاری از طلسم‌ها و آویختنِ دعا نوشته‌ها شعبه‌ای از شرک ورزیدن است.»[۱]

۵۸۷ (۱۲) در کتاب دعائم الاسلام از رسول خدا نقل شده که: «آن حضرت از بازوبندها و طلسم محبّت نهی کرده است.»

توضیح اینکه: بازوبند، نوشته یا حرزی است که بر بازو یا گردن می‌بندند و طلسم محبّت کاری است که با آن، زن‌ها پیش شوهران‌شان محبوب می‌شوند و شوهر به زن محبّت پیدا می‌کند مثل کهانت و جادوگری.

و پیامبر از سحر و جادو کردن، نهی فرموده است.

ولی امام صادق فرموده: اگر نوشته از سوره‌ها یا آیات قرآن باشد آویختن آن بر گردن و به همراه داشتن آن اشکال ندارد.»

۵۸۸ (۱۳) زرارة بن اعین گوید: «از حضرت باقر پرسیدم: آیا خوب است تعویذی یا آیه‌ای از قرآن را بر او (بیمار) آویخت؟

حضرت فرمود: بله، آیات کوبندهٔ قرآن نافع است، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهید.»

۵۸۹ (۱۴) اسحاق بن عمار از امام صادق پرسید: «انسانی که مبتلا به بیماری شده آیا خوب است آیاتی از قرآن نوشته شود و بر گردنش آویخته شود یا بنویسد و آن را بشوید و آبش را بخورد؟

حضرت فرمود: در هیچ کدام منعی نیست.»

۵۹۰ (۱۵) حلبی گوید: «از امام جعفر صادق پرسیدم: ای پسر رسول خدا! آیا چیزی از قرآن و دعا نوشته‌ها را بر کودکان و زنان‌مان بیاویزیم؟

حضرت فرمود: بله ولی اگر آن قرآن و دعا در میان جلد است زن حائض هم می‌تواند آن را بپوشد و اگر جلد ندارد زن در حال عادت ماهانه، آن را نپوشد.»

---

۱. بدیهی است چنانچه از روایات پیش استفاده می‌شد مقصود مکتوباتی است که مغایر با قرآن است یانامفهوم است مثل خطوطی که فال گیرها می‌نویسند تا طلسمی را بشکنند. (مترجم).

۵۹۱ ۲۶۱۵۲ (۱۶) **وفيه** ۴۹ عن شعيب بن زريق قال حدثنا فضالة والقاسم جميعاً عن ابان بن عثمان عن عبدالرحمن بن أبي عبدالله وهو **ابن سالم** قال سألت اباعبدالله‌ع عن المريض هل يعلّق عليه شيء من القرآن او التّعويذ قال لابأس قلت ربما اصابتنا الجنابة قال انّ المؤمن ليس ينجس (بنجس ـخ) ولكنّ المرأة لاتلبسه إذا لم يكن في اديم وامّا الرجل والصبي فلا بأس.

۵۹۲ ۲۶۱۵۳ (۱۷) **قرب الاسناد** ۱۱۰: الحسن بن ظريف عن **الحسين** بن علوان عن جعفر عن أبيه انّ عليّاًع سُئلَ عن التعويذ يعلّق على الصبيان فقال علّقوا ما شئتم إذا كان فيه ذكر الله.

۵۹۳ ۲۶۱۵۴ (۱۸) **الجعفريات** ۱۶۷: باسناده عن علي بن أبي طالبع قال قال رسول اللهص لا رقي الّا في ثلاث في جبة[1] او في عين او دم لا يرقأ **الدعائم** ۲ /۱۴۱: عن رسول اللهص قال لا رقي الّا في ثلاث حمّة وعين ودم لا يرقأ والحمّة السّمّ ـ**الخصال** عن محمد بن الحسن عن الصفار عن إبراهيم بن هاشم عن النوفلي عن **السكوني** عن جعفر بن محمد عن أبيه عن النبيص.

۵۹۴ ۲۶۱۵۵ (۱۹) **الدعائم** ۲ /۱۴۱: قال جعفر بن محمدع إذا اردت ان تعوّذ فضمّ كفّيك واقرأ فيهما بفاتحة الكتاب وقل هو الله احد ثلاث مرّات ثمّ اجعلهما على المكان الذى تجد ثمّ ضمّها واقرأ بفاتحة الكتاب وقل اعوذ بربّ الفلق ثلاث مرّات ثمّ ضعهما على المكان الذى تجد الثاني[2] ثمّ ضمّهما واقرأ بفاتحة الكتاب وقل اعوذ بربّ الناس ثلاث مرّات ثمّ ضعهما على الوجع.

۵۹۵ ۲۶۱۵۶ (۲۰) **وفيه** ۲ /۱۴۲: عن أبي جعفر محمد بن علىع انّه قال إذا اردت ان ترقي الجرح يعني من الألم الدم وما تخف منه عليه فضع يدك على الجروح وقل بسم الله ارقيك بسم الله الأكبر من الحدّ والحديد والحجر الملبود والنّاب الأسمر والعِرق فلا ينعر والعين فلا تسهر تردّده ثلاث مرّات.

---

۱. حيّة ـك ـ ولا يبعدان يكون محرّف حمّة كما في الدعائم. ۲. الثانية ـخ.

۵۹۱ (۱۶) ابن سالم گوید: «از امام صادق‌ؑ پرسیدم: آیا جایز است آیاتی یا سوره‌ای از قرآن یا دعا نوشته‌ای را بر گردن مریض آویخت یا بر بازویش بست؟

حضرت فرمود: اشکال ندارد.

گفتم: بعضی از وقت‌ها جنب می‌شویم و در حال جنابت هستیم.

حضرت فرمود: مؤمن هیچ گاه نجس نمی‌باشد ولی زن [حائض] در صورتی که این دعا در درون جلد یا قابی نیست آن را نپوشد.

ولی مرد و کودک جای اشکال نیست و می‌توانند در هر حال همراه داشته باشند.»

۵۹۲ (۱۷) حسین بن علوان از امام صادق‌ؑ و او از پدرش روایت کرده که: «از علی‌ؑ دربارهٔ تعویذ که بر بازو یا گردن کودکان آویخته می‌شود سؤال شد. حضرت فرمود: هر چیزی که در آن ذکر خداوند است، بیاویزید.»

۵۹۳ (۱۸) در کتاب جعفریّات از علی‌ؑ روایت شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: دعا نوشته روا نیست مگر در سه چیز: جانور زهرآگین یا چشم زخم یا خون که بند نمی‌آید.»

همین حدیث در کتاب دعائم الاسلام نیز از رسول خداﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «بر بازو و گردن دعا آویخته نشود مگر برای دفع سه چیز: زهر حیوان نیش‌دار و چشم‌زخم و خونی که بند نمی‌آید.»

۵۹۴ (۱۹) در کتاب دعائم الاسلام از امام جعفر صادق‌ؑ روایت شده که فرمود: «هر گاه می‌خواهی تعویذ بخوانی پس هر دو کف دستت را جمع کن و در آن‌ها سوره «حمد» و «قل هو الله احد» هر کدام سه بار بخوان و آنگاه کف‌دست هایت را بر محلّ درد بگذار سپس دوباره آن‌ها را جمع کن و سه بار سورهٔ «حمد» و سه بار سوره «قل اعوذ بربّ الفلق» را بخوان و دست‌هایت را در محلّ درد برای بار دوّم بگذار وانگهی کف دست‌هایت را جمع کن و سه بار سوره «حمد» و سه بار «قل اعوذ بربّ الناس» بخوان و بر محلّ درد دست بگذار.»

۵۹۵ (۲۰) در کتاب دعائم الاسلام نقل شده که امام محمد باقرؑ فرمود: «هر گاه خواستی دعایی برای جراحت بخوانی یعنی برای دفع درد و خونریزی و دیگر چیزهایی که می‌ترسی با این جراحت پیدا شود، پس دستت را بر موضع جراحت بگذار و بگو: به نام خدا نگه می‌دارم تو را به نام خداوندی که بزرگتر از آن است که توصیف شود [نگه می‌دارم تو را] از تیزی و آهن و سنگ سخت و نیش زهرآگین گندم گون و رگ که صدا ندهد و طپش نداشته باشد و چشم که بیدار خوابی نکشد. این را سه بار می‌گویی.»

۵۹۶ ۳۶۱۵۷ (۲۱) **طبّ الأئمّة**عليهم السلام ۱۷: أبو عتاب قال حدثني الخزار الرّازي قال حدثني فضالة عن ابان بن عثمان عن أبي حمزة الثمالي عن الباقر عليه السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام من اصابه ألَمٌ في جسده فليعوّذ نفسه وليقل أعوذ بعزّة اللّه وقدرته على الاشياء أعيذ نفسي بجبّار السماء أعيذ نفسي بمن لا يضرّ مع اسمه داء أعيذ نفسي بالذي اسمه بركة وشِفاء فانّه إذا قال ذلك لم يضرّه ألَمٌ ولا داء.

۵۹۷ ۳۶۱۵۸ (۲۲) **وفيه** ۱۷: علي بن إبراهيم الواسطي قال حدثنا محبوب عن محمد بن سليمان الأوَدي عن أبي الجارود عن أبي إسحاق عن الحارث الأعور قال شكوت إلى أمير المؤمنين عليه السلام ألماً ووجعاً في جسدي فقال إذا اشتكىٰ احدكم فليقل بسم اللّه وباللّه وصلى اللّه على رسول اللّه وآله (و ـ ئل) أعُوذ بعزة اللّه وقدرته على ما يشاء من شرّ ما اجد فانّه اذا قال ذلك صرف اللّه عنه الأذىٰ ان شاء اللّه تعالى.

۵۹۸ ۳۶۱۵۹ (۲۳) **وفيه** ۱۸: سهل بن أحمد قال حدثنا علي بن النعمان عن ابن سمكان عن عبدالرحمن[1] القصير عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال من اشتكى رأسه فليمسحه بيده وليقل أعوذ باللّه الذى سكن له ما فى البرّ والبحر وما فى السماوات والأرض وهو السميع العليم سبع مرّات فانّه يرفع عنه الوجع.

۵۹۹ ۳۶۱۶۰ (۲۴) **وفيه** ۱۸: حريز بن ايّوب الجرجاني قال حدثنا محمد بن أبي نصر عن ثعلبة عن عمرو بن يزيد الصيقل عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال شكوت إليه وجع رأسي وما أجد منه ليلاً ونهاراً فقال ضع يدك وقل بسم اللّه الذى لا يضرّ مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم اللهمّ اني استجير بك مما استجار به محمد صلى الله عليه وآله لنفسه سبع مرّات فانّه يسكن ذلك عنه باذن اللّه تعالى وحسن توفيقه.

۶۰۰ ۳۶۱۶۱ (۲۵) **وفيه** ۲۰: محمد بن جعفر البرسي[2] قال حدثنا محمد بن يحيى الارمني قال حدثنا محمد بن سنان السناني عن يونس بن ظبيان عن **المفضّل** بن عمر عن أبي عبداللّه الصادق عليه السلام عن أبيه عن ذي الثّفنات عن أبيه عن أمير المؤمنين عليهم السلام قال هذه عوذة نزل بها جبرئيل عليه السلام علىٰ النبيّ صلى الله عليه وآله والنبى صلى الله عليه وآله يصدع.

---

۱. عبدالرحيم ـ خ.   ۲. النرسي ـ ئل.

۵۹۶ (۲۱) ابوحمزه ثمالی از امام باقرﷺ روایت کرده که فرمود: «امیرالمؤمنینﷺ فرمود: اگر به بدن کسی، دردی عارض شد پس خودش را تعویذ کند [یعنی با خواندن این دعا خود را در پناه خدا قرار دهد] و بگوید: «به عزّت خدا و قدرتی که بر همه چیز دارد پناه می‌برم. خودم را در پناه خداوند توانای آسمان قرار می‌دهم. خودم را در پناه کسی قرار می‌دهم که با نام او هیچ دردی نتواند زیان رساند. خودم را پناهنده می‌کنم به کسی که نامش برکت و شفا است. پس اگر کسی این تعویذ را بخواند بی‌گمان هیچ دردیو مرضی به او زیان نرساند.»

۵۹۷ (۲۲) حارث اعور گوید: «از مرض و دردی که به بدنم عارض شده بود به خدمت امیرالمؤمنینﷺ شکایت کردم. حضرت فرمود: هر گاه یکی از شما گرفتار دردی شد، بگوید: «به نام خدا و به کمک خدا و درود خدا بر پیامبر و خاندانش باد. پناه می‌برم به عزّت خداوند و قدرتش بر هر چه بخواهد از شرّ این دردی که احساس می‌کنم.

پس بی‌گمان هر گاه این دعا را بخواند خداوند رنج را از او دور کند، ان شاء الله تعالی.

۵۹۸ (۲۳) عبدالرحمن قصیر از امام باقرﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس سرش درد می‌کند، دست به سر کشد و هفت بار بگوید: «پناه می‌برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمان‌ها و زمین است به امر او ساکن و آرام شده‌اند و اوست شنوای دانا.»

۵۹۹ (۲۴) عمرو بن یزید صیقل از امام جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالبﷺ روایت کرده که فرمود: «به حضرت صادقﷺ از درد سر و رنجی که از آن در شب و روز می‌کشم، شکایت کردم، حضرت فرمود: دست بر سر گذار و هفت بار بگو: «به نام خداوندی که با نام او هیچ موجودی در زمین و آسمان، زیان نرساند و اوست شنوای دانا، خداوندا! من به تو پناه می‌آورم از آنچه که خود حضرت محمّدﷺ از آن به تو پناه برد. به خواست خداوند متعال و عنایتش، درد سرت آرام می‌گیرد.»

۶۰۰ (۲۵) مفضّل بن عمر از امام صادقﷺ و او از پدر بزرگوارش و او از امامی که پیشانی‌اش بر اثر سجده پینه زده بود [امام سجّادﷺ] و او از پدرش [امام حسینﷺ] و او از امیرالمؤمنینﷺ روایت کرده که فرمود: «این یک تعویذی است که حضرت جبرئیلﷺ بر پیامبرﷺ نازل کرده است در یک وقتی که پیامبرﷺ سرش درد می‌کرد.

فقال يا محمد عوّذ صداعك بهذه العَوذة يخفّف اللّه عنك وقال يا محمد من عَوذ بهذه العَوذة سبع مرّات علىٰ ايّ وجع يصيبه شفاه اللّه باذنه تمسح يدك علىٰ الموضع الذى تشتكي وتقول بسم اللّه ربّنا الذي في السماء تقدّس ذكره ربنا الذي في السماء والأرض أمره نافذ ماض كما أنّ أمره في السماء اجعل رحمتك في الأرض واغفر لنا ذنوبنا وخطايانا يا ربّ الطيّبين الطّاهرين انزل شِفا من شفاءك ورحمة من رحمتك على فلان ابن فلان وتسمّي اسمه.

٦٠١ (۲۶) **وفيه ۲۸**: أبو عبداللّه الخواتيمي قال حدثنا ابن يقطين عن حسان الصيقل عن **أبي**
٣٦١٦٢ **بصير** قال شكا رجل إلى أبي عبداللّه الصادقعليه السلام وجع السرّة فقال له اذهب فضع يدك علىٰ الموضع الذى تشتكي وقل ﴿وَإِنَّهُۥ لَكِتَـٰبٌ عَزِيزٌ ۝ لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَـٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِۦ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ ثلاثاً فانك تعافى باذن اللّه.

٦٠٢ (۲۷) **وفيه ۲۸**: قال أبو عبداللّهعليه السلام ما اشتكىٰ احد من المؤمنين شكاة قطّ فقال باخلاص
٣٦١٦٣ نيّة ومسح موضع العلّة ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّـٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ الّا عوفي من تلك العلّة أيّةً عِلّةٍ كانت ومصداق ذلك في الآية حيث يقول شفاء ورحمة للمؤمنين.

٦٠٣ (۲۸) **وفيه ۳۰**: الخضر بن محمد قال حدثنا الحوارينى[1] فقال حدثني فضالة عن ابان بن
٣٦١٦٤ عثمان عن أبي حمزة الثّمالي عن أبي جعفر محمّد الباقرعليه السلام قال شكىٰ رجل من همدان إلى أمير المؤمنينعليه السلام وجع الظهر وانّه يسهر اللّيل.

فقال ضع يدك علىٰ الموضع الذى تشتكى منه واقرأ ثلاثاً ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَـٰبًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلْأَخِرَةِ نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَسَنَجْزِى ٱلشَّـٰكِرِينَ﴾ واقرأ سبعَ مرّات ﴿إِنَّآ أَنزَلْنَـٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ﴾ إلى آخرها فانّك تعافىٰ من العلل ان شاء اللّه تعالى.

---

۱. الخرازيني ـ ئل.

پس گفت: ای محمّد! درد سرت را با این دعا، مداوا کن خداوند درد سرت را می‌برد و سبک می‌کند و فرمود: ای محمّد! هر کس این تعویذ را هفت بار برای هر دردی که دارد بخواند خداوند به خواست خودش او را شفا دهد.

دستت را بر محلّ درد می‌گذاری و می‌گویی: «به نام خداوند، پروردگار ما که یادش در آسمان مقدّس است پروردگار ما که فرمانش در آسمان و زمین اثر گذار و اجرا شونده است همان گونه که در آسمان نیز چنین است. رحمتت را به زمین نازل فرما و گناهان و جرایم ما را ببخش ای پروردگار پاکان و پاکیزگان! شفایی از شفا [خانه غیبت] و رحمتی از [دریای] رحمتت بر فلانی پسر فلانی فرو فرست.

و به جای «فلانی» نام او و پدرش را می‌بری.»

۶۰۱ (۲۶) ابوبصیر گوید: «مردی از درد ناف به پیش حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، حضرت به او فرمود: برو و دستت را بر موضع درد بگذار و سه بار بگو: **«و بی گمان این [قرآن] کتاب استواری است که نه در گذشته باطلی به او راه یافته و نه در آینده به او راه خواهد یافت وحی نامه‌ای است از حکیمی ستوده.»**[1] پس یقیناً تو به خواست خدا خوب خواهی شد.»

۶۰۲ (۲۷) در کتاب طبّ الائمه از امام صادق علیه السلام روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «هیچ یک از مؤمنان نیست که دردی داشته و بر موضع درد، دست بکشد و با نیّت خالص بگوید: **«و ما از روزنه قرآن برای مؤمنان شفا و رحمت نازل می‌کنیم ولی ستمگران جز خُسران و زیان چیزی نمی‌افزایند.»**[2]

مگر اینکه مرضش خوب می‌شود هر مرضی باشد و نشانهٔ صدق آن در خود آیه است که می‌گوید: برای مؤمنان شفا و رحمت است.»

۶۰۳ (۲۸) ابوحمزه ثمالی از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «مردی اهل همدان از کمر درد به خدمت علی علیه السلام شکایت برد که [آنقدر شدید است که] نمی‌گذارد شب بخوابد.

حضرت فرمود: دستت را در محلّ درد بنه و سه بار این آیه را بخوان: **«و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد [از قبل] به صورت معیّن نوشته شده و هر کس پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می‌دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.»**[3]

و هفت بار سوره «قدر» را بخوان، ان شاء الله تعالی از همه بیماری‌ها عافیت می‌یابی.»

---

۱. فصّلت ۴۲/۴۱. ۲. اسراء ۸۲/۱۷. ۳. آل عمران ۱۴۵/۳.

٦٠٤ ٢٦١٦٥ (٢٩) **وفيه ٣٤**: الحسن بن صالح المحموديّ قال حدثنا أبو عمرو[1] بن شمر عن جابر بن يزيد الجعفيّ عن محمد بن علي بن الحسين بن عليّ بن أبيّ طالب عليهم السلام قال لي يا جابر قلّت لبّيك يابن رسول اللّه قال اقرأ على كلّ ورم **آخر سورة الحشر** ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَـٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَـٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۞ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ عَـٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ هُوَ ٱلرَّحْمَـٰنُ ٱلرَّحِيمُ ۞ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْمَلِكُ ٱلْقُدُّوسُ ٱلسَّلَـٰمُ ٱلْمُؤْمِنُ ٱلْمُهَيْمِنُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْجَبَّارُ ٱلْمُتَكَبِّرُ سُبْحَـٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۞ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْخَـٰلِقُ ٱلْبَارِئُ ٱلْمُصَوِّرُ لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾ واتلُ[2] عليها ثلاثاً فإنّه يسكن باذن اللّه تعالى تأخذ سكّيناً وتمرّها على الورم وتقول بسم اللّه ارقيك من الجدّ والحديد ومن امر العود ومن الحجر الملبود ومن عرق العاقر ومن ورم الآخر ومن الطعام وعقده ومن الشراب وبرده امض باذن اللّه إلى أجل مسمّىٰ في الانس والانعام بسم اللّه فتحت وبسم اللّه ختمت ثمّ اوتد السكّين في الأرض.

٦٠٥ ٢٦١٦٦ (٣٠) **وفيه ٣٧**: علي بن إسحاق البصري قال حدثنا زكريّا بن آدم المقرئ وكان يخدم الرضا عليه السلام بخراسان قال سمعت الرضا على بن موسىٰ بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن أبي طالب عليهم السلام وقال لي يوماً يا زكريّا قلت لبّيك يابن رسول اللّه قال قل على جميع العلل يا منزّل الشّفاء ومذهب الدّاء انزل علىٰ وجعي الشفاء فإنّك تعافى باذن اللّه عزّ وجلّ.

٦٠٦ ٢٦١٦٧ (٣١) **وفيه ٤١**: محمد بن حامد[3] قال حدثنا خلف بن حمّاد عن خالد العبسى[4] قال علّمنى علي بن موسى عليه السلام هذه العوذة وقال علّمها اخوانك من المؤمنين فإنّها لكلّ ألم وهي اعيذ نفسي بربّ الأرض وربّ السماء اعيذ نفسي بالذي لا يضرّ مع اسمه داء اعيذ نفسي بالذي اسمه بركة وشفاء.

---

١. عمرو بن شمر ـ ئل. ٢. اتفل ـ ئل. ٣. محمد بن خالد ـ ئل.
٤. العيسى ـ خ.

۶۰۴ (۲۹) جابر بن یزید جعفی از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که فرمود: «ای جابر! گفتم: بله ای پسر رسول خدا! فرمود: برای خوب شدن ورم، آیات آخر سوره حشر را بخوان: «اگر ما این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، یقیناً آن کوه را از بیم خدا فروتن و از هم پاشیده می‌دیدی و این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند.[1]

اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، دانندهٔ غیب و آشکار است اوست رحمتگر مهربان.

اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمان‌روای پاک سلامت بخش امنیّت دهنده، سیطره دارندهٔ شکست‌ناپذیر ترمیم کنندهٔ بس بزرگ. پاک است خدا از آنچه که با او انباز می‌گردانند.

اوست خدای آفرینندهٔ تراشندهٔ [جسم هر آفریده] و شکل دهنده، بهترین نام‌ها از آنِ اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است جمله تسبیح او می‌گویند و اوست شکست‌ناپذیر رازدان.»

این آیات را سه بار بخوان پس به خواست خدا خوب می‌شود و چاقویی را می‌گیری و بر روی محلّی که ورم کرده می‌کشی و می‌گویی: «به نام خدا تو را در حصار قرار می‌دهم از تلاش [و رشد کردن] و از آهن و چوب و از سنگ سخت و از رگ عقیم و از دوباره ورم کردن و از قبض کردن غذا [در معده] و از برودت نوشیدنی‌ها. به اذن خداوند در زمان معیّن بگذر به انسان یا چهارپایان. به نام خداوند آغاز کردم و به نام خداوند پایان می‌دهم.»

سپس چاقو را در زمین فرو ببر.

۶۰۵ (۳۰) زکریا بن آدم مقرّی که خدمتگزار امام رضاؑ بود گوید: «روزی از امام رضاؑ شنیدم که به من فرمود: ای زکریا! گفتم: بله ای پسر رسول خدا!

حضرت فرمود: برای خوب شدن هر بیماری بگو: «ای نازل کننده شفا و از بین برندهٔ درد برای این درد من شفایی بفرست.» که به خواست خدای بزرگ خوب می‌شوی.»

۶۰۶ (۳۱) خالد عبسی گوید: «امام رضاؑ این تعویذ را به من آموخت و فرمود: به دیگر برادران ایمانی‌ات آن را بیاموز که برای هر دردی مفید است و آن تعویذ این است: «خودم را پناهنده کسی قرار می‌دهم که نامش مایهٔ برکت و بهبودی است.»

---

۱. حشر ۲۱/۵۹ ـ ۲۴.

٦٠٧ ٢٦١٦٨ (٣٢) **قرب الاسناد** ٩٥: الحسن بن ظريف عن الحسين بن علوان عن جعفر عن أبيه عليهما السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله وقيل له يا رسول اللّه رقيٌ يستشفىٰ بها هل تردّ من قدر اللّه فقال انّها من قدر اللّه.

٦٠٨ ٢٦١٦٩ (٣٣) **التوحيد** ٣٨٢: حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقّاق رحمه الله قال حدثني محمد بن أبي عبداللّه الكوفي قال حدثنا موسى بن عمران النّخعي عن عمّه الحسين بن يزيد النوفليّ عن علي بن سالم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال سألته عن الرقى [1] اتدفع من القدر شيئاً فقال هي من القدر.

وتقدم في أحاديث باب (١٦) جواز تعليق التعويذ على الحائض من أبواب الحيض ما يدلّ على ذلك.

وفى رواية أبي بصير (١٣) من باب (٤٤) ما يستحب ان يقرء من ـ القرآن ليلة الجمعة من أبواب صلاة الجمعة قوله عليه السلام من قرء في كلّ جمعة الواقعة احبّه اللّه واحبّه إلى النّاس اجمعين ولم يرفى الدنيا بؤساً ابداً ولا فقراً ولا فاقة ولا آفة من آفات الدنيا. **وفى** رواية حماد (١) من باب (٢٨) تعليق المصحف فى البيت من أبواب فضائل القرآن قوله ليعجبني أن يكون في البيت مصحف يطرد اللّه عزّ وجلّ به الشياطين.

وفي رواية ابن علوان [2] قوله عليه السلام يستحب ان يعلّق المصحف في البيت يتّقي به من الشياطين.

وفى كثير من أحاديث باب (٢٢) فضائل السور **وباب** (٢٣) قرائة التوحيد والمعوذتين عند النوم ما يدلّ علىٰ ذلك.

ويأتى في رواية زراة (٣) من باب (١) حرمة الاستكبار من الدعاء من أبوابه قوله عليه السلام أُدع اللّه عزّ وجلّ ولا تقل انّ الأمر قد فرغ منه. قال **زرارة** انّما يعنى لايمنعك إيمانك بالقضاء والقدر ان تبالغ بالدعاء وتجهد فيه **وفي** رواية حماد (٤) وميسرة (٥) نحوه **وفي** أحاديث باب (٣١) حكم الرّقىٰ والنفخ فيها من أبواب ما يكتسب به ما يناسب ذلك.

---

١. الرُّقى جمع الرقية كغرفة هي ما يعوذ به الصبيان وأصحاب الآفات كالحمىٰ والصرع وغيره.

٢. العيسى ـ خ.

۶۰۷ (۳۲) حسین بن علوان از امام جعفر صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: ای پیامبر خدا! این دعاهایی که انسان به وسیلهٔ آن‌ها شفا می‌گیرد، آیا جلوی قضا و قدر الهی را می‌گیرند؟

حضرت فرمود: خود این دعاها هم از قضا و قدر الهی است.»

۶۰۸ (۳۳) علی بن سالم گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا این دعاها که بر بازو و گردن می‌آویزند حادثه‌ای را که مقدّر شده، دفع می‌کنند؟

حضرت فرمود: خود این دعاها جزو تقدیر الهی است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب شانزدهم از باب‌های حیض آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سیزدهم از باب چهل و چهارم از باب‌های نماز جمعه فرموده امام علیه السلام که: «هر کس در هر شب جمعه سوره واقعه را بخواند خداوند او را دوست خواهد داشت و او را محبوب همهٔ مردم قرار دهد و تا در دنیا است مستمندی و نیازمندی و نداری و آفتی از آفت‌های دنیا نخواهد دید.»

و در روایت یکم از باب بیست و هشتم از باب‌های فضائل قرآن این گفته که: «من خیلی دوست دارم که در خانه، قرآنی باشد و شیاطین به واسطهٔ وجود آن از خانه بیرون رانده شوند.»

و در روایت ابن علوان فرموده امام علیه السلام که: «مستحبّ است که در خانه قرآنی آویخته شود تا بدین وسیله از شیاطین مصون بمانند.»

و در بسیاری از روایات باب بیست و دوم و بیست و سوم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

می‌آید:

در روایت سوم از باب یکم از باب‌های حرمت استکبار دعا فرموده امام علیه السلام که: «دعا کن و بخوان خداوند عزیز و جلیل را و نگو که کار تمام شده. زراره گفته مقصود حضرت این است که ایمانت به قضا و قدر مانع نشود از اینکه در دعا مبالغه کنی و با نهایت تلاش دعا کنی.»

(۳۵)

باب وجوب السجود عند قرائة العزائم الأربع على القارئ والمستمع وحكمه للسّامع وبيان ساير احكامه واستحباب السجود عند قرائة غيرها ممّا فيه السجدة علىٰ الجميع

وتقدّم في أحاديث باب (۲۰) عدم جواز قرائة العزائم في المكتوبة من أبواب القرائة **وباب** (۲۵) وجوب السجود عند قرائة العزائم من أبواب السجود مايدلّ على ذلك.

(۳۶)

باب كراهة السفر بالقرآن إلى أرض العدوّ وعدم جواز بيع المصحف من الكافر

۶۰۹ ۳۶۱۷۰ (۱) **امالي ابن الطوسي** ۳۹۲: أخبرنا الشيخ المفيد أبوعلي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي رحمه الله عن شيخه رحمه الله قال أخبرنا ابن مخلد قال حدثنا أبوالحسين قال حدثنا محمد بن شدّاد المسمعي قال حدثنا يحيىٰ بن سعيد القطّان عن عبدالله بن عمر عن نافع عن **ابن عمر** انّ النبيّ صلّىٰ اللّه عليه وآله نهىٰ أن يسافر بالقرآن إلى ارض العدوّ مخافة ان يناله (ايدي ـ العوالي) العدوّ ـ**العوالي** ۱۴۲ ـ عن النبيّ صلى الله عليه وآله مثله **الدعائم** ۳۴۸ عن عليّ عليه السلام انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله نهى وذكر نحوه.

ويأتي في باب (۲۳) عدم جواز بيع المصحف من أبواب ما يكتسب به ما يدلّ على ذيل الباب.

(۳۷)

باب كيفيّة كتابة بسم اللّه الرّحمن الرّحيم وتجويدها واعراب القرآن والتماس غرائبه

۶۱۰ ۳۶۱۷۱ (۱) **منية المريد** ۱۷۹: روي عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال لبعض كُتّابه الق الدّواة وحرّف القلم وانصب الباء وفرّق السين ولا تعور الميم وحسّن اللّه ومدّ الرحمن وجوّد الرحيم وضع قلَمَك على اذنك اليسرىٰ فانّه أذكَر لك.

۶۱۱ ۳۶۱۷۲ (۲) **وفيه** ۱۷۹ عن زيد بن ثابت انّه قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا كتبت بسم اللّه الرحمن الرحيم فبيّن السّين فيه.

باب ۳۵

سجده در هنگام خواندن آیهٔ سجده

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب بیستم از باب‌های قرئت و باب بیست و پنجم از باب‌های سجده‌ها آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۳۶

پرهیز از دسترسی کافر به قرآن

۶۰۹ (۱) ابن عمر از پیامبرﷺ روایت کرده که: «آن حضرت از اینکه مسلمان همراه با قرآن به بلاد کفّار و دشمنان اسلام سفر کند، نهی کرده است از ترس اینکه مبادا دست دشمن به قرآن رسد.»

ارجاعات

می‌آید:

در باب بیست و سوم از باب‌های مالکیت به آنچه بر ذیل باب دلالت می‌کند.

باب ۳۷

کیفیّت نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم

۶۱۰ (۱) شهید ثانی در کتاب منیة المرید از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده که به بعضی از نویسندگان فرمود: «در دوات لیقه بینداز و قلم را کج کن [نیم ور بگیر] و دندانه‌های «سین» را جدا جدا بنویس و چشم «میم» را کور نکن و «الله» را به زیبایی بنویس و «الرحمن» را کشیده بنویس و قلمت را بر روی گوش چپت بگذار چرا که به این صورت بهتر مطالب به یاد می‌ماند.»

۶۱۱ (۲) زید بن ثابت از رسول خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر گاه می‌خواهی «بسم الله الرحمن الرحیم» را بنویسی، سین را [با سه دندانه] آشکار بنویس.»

٦١٢ ٣٦١٧٣ (۳) عن ابن عبّاس ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ لا تمدّ الباء إلى الميم حتى ترفع السّين.

٦١٣ ٣٦١٧٤ (۴) وعن انس قال قال رسول اللّه ﷺ إذا كتب أحدكم بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فليمدّ الرحمن.

٦١٤ ٣٦١٧٥ (۵) **وفيه ۱۸۰**: وعنه ﷺ أيضاً من كتب بسم اللّه الرحمن الرحيم فجوّده تعظيماً للّه غفر اللّه له.

٦١٥ ٣٦١٧٦ (۶) وفيه عن علي بن أبي طالب ﷺ انّه قال إذا تنوق رجل في كتابة بسم اللّه الرحمن الرحيم غفر اللّه تعالى له.

٦١٦ ٣٦١٧٧ (۷) **وفيه ۱۹۰**: قال ﷺ اعربوا القرآن والتمسوا غرائبه.

(۳۸)

باب ماورد من النّهي عن كتابة القرآن بالبزاق ومحو كتابة اللّه به

(۱) **فقيه ۳/۴**: **امالي الصدوق ۳۴۵**: بالاسناد المتقدّم عن النبيّ ﷺ في **حديث مناهي** النبيّ ﷺ نهى ﷺ ان يمحى شيء من كتاب اللّه عزّ وجلّ بالبزاق او يكتب به (منه ـ امالي).

(۳۹)

باب حكم تزيين القرآن وكتابته بالذهب

٦١٧ ٣٦١٧٨ (۱) **تهذيب ۳۶۶/۶**: عنه[1] عن عثمان بن عيسىٰ عن سماعة قال سألته عن رجل يعشّر المصاحف بالذّهب فقال لا يصلح فقال انّها معيشتي فقال انّك ان تركته للّه جعل اللّه لك مخرجاً.

٦١٨ ٣٦١٧٩ (۲) **كافي ۶۲۹/۲**: عليّ بن إبراهيم عن أبيه عن صفوان عن ابن مسكان عن محمد بن الورّاق يب ۳۶۷/۶: الحسين بن محمد بن سماعة بن محمد بن زياد عن أبي ايوب الخزار عن محمد بن الورّاق قال عرضت علىٰ أبي عبداللّه كتاباً فيه القرآن مختّم معشّر بالذّهب وكتب في آخره سورة بالذّهب فأريته ايّاه فلم يعب فيه شيئاً الّا كتابة القرآن بالذهب فانه[2] قال لا يعجبني ان يكتب القرآن الّا بالّسواد كما كتب اوّل مرّة.

---

۱. هكذا في يب فيحتمل ان يرجع الضمير إلى أحمد بن محمد لانه في يب قبل هذه الرواية ويحتمل ان يرجع إلى الحسين بن سعيد لانه قبل رواية أحمد بن محمد وفي الوسائل ارجع الضمير إلى الحسين بن سعيد.

۲. وقال ـ كا.

۶۱۲ (۳) ابن عبّاس از پیامبر روایت کرده که فرمود: «با[ی بسم] را تا میم نکش مگر اینکه [دندانه‌های] سین را بالا ببری.»

۶۱۳ (۴) انس از پیامبر روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر گاه خواستید «بسم الله الرّحمن الرحیم» بنویسید رحمٰن را کشیده بنویسید.»

۶۱۴ (۵) در کتاب منیة المرید از رسول خدا روایتی نقل شده که حضرت فرمود: هر کس «به خاطر احترام گذاشتن به خداوند، «بسم الله الرّحمن الرّحیم» را زیبا بنویسد، خداوند او را می‌آمرزد.»

۶۱۵ (۶) و در همان کتاب از علی بن ابی طالب نقل شده که آن امام همام فرمود: «هر گاه کسی به نوشتن «بسم الله الرّحمن الرّحیم» [در آغاز هر نوشته ای] عادت کند خداوند متعال او را بیامرزد.»

۶۱۶ (۷) و در همان کتاب از پیامبر خدا نقل شده که حضرت فرمود: «قرآن را به عربی صحیح و واضح بخوانید و در جستجوی فهم مفاهیم زیبا و بی نظیر آن باشید.»

باب ۳۸

نهی از نوشتن و یا پاک کردن قرآن با آب دهان

در کتاب امالی صدوق در حدیث مناهی پیامبر آمده است که: «حضرت رسول نهی فرموده از اینکه قرآن با آب دهان نوشته شود یا کلمه‌ای از آن با آب دهان پاک شود.»

باب ۳۹

نوشتن قرآن با طلا

۶۱۷ (۱) سماعه گوید: «از او [امام صادق] راجع به مردی که شغلش تذهیب و طلا کاری قرآن است پرسیدم حضرت فرمود: «شغل خوبی نیست. آن مرد گفت: معیشتم از همین راه است. حضرت فرمود: اگر این کار را به خاطر خدا رها کنی خداوند دَرِ معیشت دیگری را به رویت بگشاید.»

۶۱۸ (۲) محمد بن ورّاق گوید: «به خدمت امام صادق کتابی عرضه داشتم که در آن آیات قرآن تذهیب شده بود و در آخرش یک سوره با طلا نوشته شده بود. من این کتاب را به حضرت نشان دادم حضرت از این کتاب هیچ عیبی نگرفت جز همان سوره که با طلا نوشته شده بود و فرمود: من دوست ندارم که قرآن با رنگی جز رنگ سیاه نوشته شود همان گونه که [در زمان رسول الله] اوّلین بار با رنگ مشکی نوشته شد.»

ويأتي في أحاديث باب (۶۴) تحلية السيف والمصحف بالذهب والفضة من أبواب الملابس مايدلّ علىٰ ذلك.

(۴۰)

باب ماورد في وضع عليّ عليه السلام المصحف على رأسه عند الشكوىٰ والدّعاء على العدوّ

۶۱۹ ۳۶۱۸۰ (۱) **مستدرك** ۳۹۲/۴: إبراهيم بن محمد الثقفي في كتاب الغارات عن أبي صالح الحنفي قال رأيت علياً عليه السلام يخطب وقد وضع المصحف علىٰ رأسه حتّى رأيت الورق يتقعقع[1] علىٰ رأسه.

قال فقال اللهم قد منعوني ما فيه فأعطوني ما فيه.

اللهّم قد ابغضتهم وابغضوني ومللتهم وملّوني وحملوني علىٰ غير خلقي وطبيعتي واخلاق لم تكن تعرف لي.

اللّهم فابدلني بهم خيراً منهم وابدلهم بي شرّاً منّي.

اللهمّ امت قلوبهم ميث الملح في الماء[2] قلت وروي صاحب كتاب تبر المذاب عن علماء الشافعية نظير هذا الفعل من أبي عبداللّه عليه السلام في يوم عاشوراء.

(۴۱)

باب ماورد في النظر إلى المصحف لانتخاب الاسم للمولود

۶۲۰ ۳۶۱۸۱ (۱) **آخر السرائر** ۴۹۱: ومن ذلك ما استطرفناه من رواية أبي القاسم بن قولويه ـ بعض أصحابنا قال كنت عند علي بن الحسين عليه السلام وكان إذا صلى الفجر لم يتكلّم حتى تطلع الشمس وجائه يوم ولد فيه زيد فبشّروه بعد صلاة الفجر.

---

۱. اي يتحرك.　　۲. كما يمات الملح في الماء.

ارجاعات

می‌آید:

در روایات باب شصت و چهارم از باب‌های لباس‌ها آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۴۰

قرآن بر سر گرفتن علی‌ﷺ در هنگام نفرین کردن

(۱) ابوصالح حنفی گوید: «دیدم علی‌ﷺ را که سخنرانی می‌کرد در حالی که قرآن را بر روی سر ۶۱۹
گذاشته بود حتی دیدم که اوراق قرآن بر روی سرش تکان می‌خوردند و فرمود: خداوندا! این‌ها حق مرا که در این کتاب است جلو گرفتند پس تو آنچه را که در این کتاب است [یعنی: حق مرا] به من بده. خداوندا! من از دست این‌ها به خشم آمدم آن‌ها هم از دست من به خشم آمدند و من از دست آن‌ها به تنگ آمدم آن‌ها هم از دست من به تنگ آمدند و مرا وادار می‌کنند به کاری که نه از اخلاق من است و نه در طبیعت من است و رفتاری که [سابقه ندارد] و از من تاکنون ندیده‌ای.[1]

خداوندا! این مردم را از من بگیر و بهتر از این‌ها به من بده و مرا هم از آن‌ها بگیر و بدتر از من را به آن‌ها بده. خداوندا! آنچنان که نمک در آب حل می‌شود و از بین می‌رود دل‌های این‌ها را حل کن و از بین ببر.»

[صاحب مستدرک الوسائل می‌گوید:] من می‌گویم: «صاحب کتاب تنزیه المذاهب که از علماء شافعی مذهب است نظیر همین عمل علی‌ﷺ را از امام حسین‌ﷺ در روز عاشورا [که قرآن بر سر نهاد و ظالمانی که حرف حق را نشنیدند و چون وحوش و درندگان در صدد قتل حضرت برآمده بودند لعنهم الله] نقل کرده است.»

باب ۴۱

انتخاب اسم فرزند با گشودن قرآن

(۱) ابوالقاسم بن قولویه از بعضی اصحاب ما [راوی شیعه] نقل کرده که گفت: «من در خدمت امام ۶۲۰
سجّادﷺ بودم. حضرت وقتی نماز صبح را می‌خواندند تا طلوع خورشید با کسی حرف نمی‌زدند و روزی که فرزندش «زید» به دنیا آمد بعد از نماز صبح این خبر مسرّت‌بخش را به اطلاع حضرت رساندند.

---

۱. شاید مقصود حضرت همین نفرینی است که می‌کنند. چون برای اوّلین بار است که مرگ خود را از خدا می‌طلبد.

قال فالتفت إلى اصحابه فقال عليه السلام أيّ شيء ترون ان أسمّيَ هذا المولود قال فقال كلّ رجل منهم سمّه كذا قال فقال يا غلام عَلَيّ بالمصحف قال فجاؤا بالمصحَف فوضعه في حجره قال ثمّ فتحه فنظر إلى اوّل حرف في الورقة فإذا فيه ﴿وَفَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلْمُجَٰهِدِينَ عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾.

قال ثمّ اطبقه ثمّ فتحه ثانياً فنظر فإذا في اوّل ورقة ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشْتَرَىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ وَٱلْإِنجِيلِ وَٱلْقُرْءَانِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِ فَٱسْتَبْشِرُوا۟ بِبَيْعِكُمُ ٱلَّذِى بَايَعْتُم بِهِۦ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ﴾ ثمّ قال هو واللّه زيد هو واللّه زيد فسمّي زيداً.

وتقدّم مايدلّ على ذلك في باب (۶) استحباب الاستخارة بالمصحف من أبواب الإستخارة.

حضرت رو به اصحاب کرده، فرمود: شما چه صلاح می‌دانید؟ چه نامی برایش انتخاب کنم؟ هر یک از آن‌ها نامی پیشنهاد کردند ولی حضرت فرمودند: ای پسر! قرآن را برایم بیاور، قرآن را آوردند آن را در دامن نهاد، سپس آن را باز کرد به اوّلین آیه‌ای که در آن ورق بود نگاه کرد، دید در آن نوشته شده: **«خداوند مجاهدان را بر تارکین جهاد از نظر پاداش، بسیار برتری داده است.»**

سپس قرآن را بست و دوباره باز کرد و نگاه فرمود، دید اوّلین آیه در آن ورق این است: **«خداوند از مؤمنان جان و مال آن‌ها را خریده است تا در قبال آن به آن‌ها بهشت دهد پس آنان در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این یک وعدهٔ حقّ الهی است که در تورات و انجیل نیز بوده است و کیست که به عهد و پیمان خود از خدا وفادارتر باشد. پس مژده باد شما را بر این معامله‌ای که با خدا کردید و این است آن کامیابی بزرگ.»**

و آنگاه فرمود: به خدا قسم نام این [نوزاد] «زید» است، به خدا قسم نامش «زید» است. پس نام «زید» بر او نهاد.»[1]

ارجاعات

گذشت:

باب ششم از باب‌های استخاره آنچه بر آن دلالت می‌کند.

---

۱. شاید به این جهت باشد که زید از زیادت است و اجر مجاهد و شهید بس زیاد است چنانچه در این دو آیه آمده است. (مترجم).

أبواب الدّعاء

(١)

باب حرمة الاستكبار عن الدّعاء وكراهة تركه اتكالاً على القضاء واستحباب إكثاره فانّ اللّه تعالى يُجيب دعوة الداع ويؤتي من فضله من يشاء وانع أفضل العبادة الدّعاء

قال اللّه تعالى فى سورة ص (٣٨): ٣٥، ٣٦، ٣٧، ٣٨، ٣٩، ٤٢ و ٤٣: ﴿قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَهَبْ لِى مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِى لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِىٓ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ * فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً حَيْثُ أَصَابَ * وَٱلشَّيَـٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ * وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِى ٱلْأَصْفَادِ * هَـٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

﴿ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَـٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ * وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَـٰبِ﴾.

الاعـراف (٧): ٥٥ و٥٦: ﴿ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَـٰحِهَا وَٱدْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ﴾.

باب‌های دعا

باب ۱

دعا حلّال مشکلات و افضل عبادات

خداوند در قرآن کریم فرموده است:

[سلیمان] گفت: پروردگارا! مرا بیامرز و سلطنتی به من ارزانی دار که هیچ کس را پس از من سزاوار نباشد و در حقیقت تویی که بسیار بخشنده‌ای. پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم می‌گرفت به فرمان او نرم و روان می‌شد و شیطان‌ها را که بنّا بودند و بعضی غوّاص و دیگر [وحشیانی] را که جفت جفت با زنجیرها به هم بسته بودند [تحت فرمانش درآوردیم]. [و ما گفتیم:] این بخشش ماست بی شمار خواهی از آن ببخش و خواهی نگاه دار.[۱]

و بندهٔ ما ایّوب را به یاد آور، آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد. [به او گفتیم:] با پای خود به زمین بکوب، اینک چشمه ساری است سرد و آشامیدنی و [دوباره] کسانش را و نظایر آن‌ها را همراه آن‌ها به او بخشیدیم تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد.[۲]

پروردگار خود را با زاری و پنهان [در دل] بخوانید که او از حدّ گذرندگان را دوست ندارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.[۳]

---

۱. ص ۳۸/ ۳۹ ـ ۳۵. ۲. ص ۴۲/۳۸ ـ ۴۳. ۳. اعراف ۵۵/۷ ـ ۵۶.

الاعـراف (۷): ۱۵۱: ﴿رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِأَخِى وَأَدْخِلْنَا فِى رَحْمَتِكَ وَأَنتَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾.

الفرقان (۲۵): ۷۷: ﴿قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا﴾.

فاطر (۳۵): ۱۰ و ۱۵: ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ﴾.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ﴾.

مریم (۱۹): ۴۸: ﴿وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدْعُواْ رَبِّى عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا﴾.

طـه (۲۰): ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۱۱۴: ﴿رَبِّ ٱشْرَحْ لِى صَدْرِى * وَيَسِّرْ لِىٓ أَمْرِى * وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى * يَفْقَهُواْ قَوْلِى * وَٱجْعَل لِّى وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِى * هَٰرُونَ أَخِى * ٱشْدُدْ بِهِۦٓ أَزْرِى * وَأَشْرِكْهُ فِىٓ أَمْرِى * كَىْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا﴾

﴿وَقُل رَّبِّ زِدْنِى عِلْمًا﴾.

النمل (۲۷): ۶۲: ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ﴾.

هود (۱۱): ۷۵: ﴿إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ﴾.

یوسف (۱۲): ۸۶ و ۱۰۱: ﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشْكُواْ بَثِّى وَحُزْنِىٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.

﴿رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِى مِنَ ٱلْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِى مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَنتَ وَلِىِّۦ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْأَخِرَةِ تَوَفَّنِى مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِى بِالصَّٰلِحِينَ﴾.

[حضرت موسی] گفت: پروردگار من! من و برادرم را بیامرز وما را در پناه رحمت خود در آور و تو مهربان‌ترین مهربانانی.[۱]

بگو: اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند. در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی [کلمهٔ عذاب در حقّ شما] لازم خواهد شد.[۲]

هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست، سخنان پاکیزه [مثل دعا] به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته است که آن را بالا می‌برد.[۳]

ای مردم! شما همه به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است.[۴]

[ابراهیم گفت:] من از شما و از آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم.[۵]

[موسی] گفت: پروردگارا سینه‌ام را فراخ گردان و کارم را برایم آسان ساز و از زبانم گره بگشای تا سخنم را بفهمند و برای من دستیاری از کسانم قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان تا تو را فراوان تسبیح گوییم و بسیار به یاد تو باشیم.[۶]

و بگو: پروردگار من! بر دانشم بیفزای.[۷]

[آیا شریکانی که می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که درمانده را، چون وی را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان خود در این زمین قرار می‌دهد. آیا با این خدا معبود دیگری است؟ چه کم پند می‌پذیرید.[۸]

به راستی ابراهیم، بردبار و بسیار دعاکننده و بازگشت کنندهٔ به سوی خدا بود.[۹]

[یعقوب] گفت: من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم و از عنایت خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.[۱۰]

پروردگارا! تو به من پادشاهی دادی و علم تعبیر خواب به من آموختی ای پدید آورندهٔ آسمان‌ها و زمین! تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی، مرا مسلمان بمیران و مرا به شایستگاه ملحق فرما.[۱۱]

---

۱. اعراف ۱۵۱/۷. ۲. فُرقان ۷۷/۲۵. ۳. فاطر ۱۰/۳۵.
۴. فاطر ۱۵/۳۵. ۵. مریم ۴۸/۱۹. ۶. طٰه ۳۴/۲۰ ـ ۲۰.
۷. طٰه ۱۱۴/۲۰. ۸. نَمل ۶۲/۲۷. ۹. هود ۷۵/۱۱.
۱۰. یوسف ۸۶/۱۲. ۱۱. یوسف ۱۰۱/۱۲.

الحجر (۱۵): ۳۶، ۳۷ و ۳۸: ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ * إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ﴾.

المؤمن (۴۰): ۶۰ و ۶۵: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾.

﴿هُوَ ٱلْحَىُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

إبراهيم: (۱۴): ۳۴، ۳۹، ۴۰ و ۴۱: ﴿وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾.

﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى وَهَبَ لِى عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ إِنَّ رَبِّى لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ * رَبِّ ٱجْعَلْنِى مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِى رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ * رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ﴾.

﴿لَا تَجْـَٔرُواْ ٱلْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ﴾.

البقرة (۲): ۱۸۶: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِى وَلْيُؤْمِنُواْ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾.

آل عمران (۳): ۳۸، ۳۹ و ۴۰: ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥ قَالَ رَبِّ هَبْ لِى مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ * فَنَادَتْهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّى فِى ٱلْمِحْرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًۢا بِكَلِمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ * قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ وَقَدْ بَلَغَنِىَ ٱلْكِبَرُ وَٱمْرَأَتِى عَاقِرٌ قَالَ كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ﴾.

[شیطان] گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که [آدمیان] برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود: تو از مهلت یافتگانی تا روز و وقت معلومی.[۱]

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ در می‌آیند.[۲]

اوست [همان] زنده‌ای که خدایی جز او نیست پس او را بخوانید در حالی که دین خود را بر او خالص گردانیده‌اید. سپاس‌ها همه ویژهٔ خدا، پروردگار جهانیان است.[۳]

و از هر چه که از او خواستید به شما عطا کرد و اگر بخواهید نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید، به راستی که انسان، موجودی بسیار ستمگر و بسیار ناسپاس است.[۴]

[ابراهیم گفت:] سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید، به راستی پروردگار من شنوندهٔ دعاست. پروردگارا! مرا برپا دارندهٔ نماز قرار ده و از فرزندان من نیز، پروردگارا! دعای مرا بپذیر. پروردگارا! روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای.[۵]

و هر گاه بندگان من از تو دربارهٔ من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس آنان باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.[۶]

آنجا بود که زکریّا پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن چرا که تو شنونده و به اجابت رساننده دعایی. پس در حالی که وی ایستاده و در محراب دعا می‌کرد فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی که تصدیق کنندهٔ حقّانیّت کلمة الله [حضرت عیسی ؑ] است و بزرگوار و خویشتن دار [پرهیز کنندهٔ از زنان] و پیامبری از شایستگان است، مژده می‌دهد. گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی خواهد بود، در حالی که پیری مرا فرا گرفته و زنم نازاست؟ [فرشته] گفت: [آری] همین گونه است [که می‌گویی] ولی خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد.[۷]

---

۱. حجر ۱۵/ ۳۶ ـ ۳۸) مقصود این است که حتّی شیطان مطرود از خداوند برای اغواء بنی آدم مهلت خواست، خداوند دعایش را ردّ نکرد. ۲. مؤمن ۴۰/ ۶۰. ۳. مؤمن ۴۰/ ۶۵.

۴. ابراهیم ۱۴/ ۳۴. ۵. ابراهیم ۱۴/ ۴۱ ـ ۳۹. ۶. بقره ۲/ ۱۸۶.

۷. آل عمران ۳/ ۳۸ ـ ۴۰.

النساء (۴): ۳۲: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا ٱكْتَسَبُواْ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا ٱكْتَسَبْنَ وَسْـَٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضْلِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾.

الرّحمن (۵۵): ۲۹: ﴿يَسْـَٔلُهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ﴾.

وماتدلّ على ذلك من الآيات كثيرة جداً وانّما تركنا ذكرها اختصاراً.

٦٢١ ٣٦١٨٢ (۱) **كافي** ۴۶۶/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن محمد بن إسماعيل وابن محبوب جميعاً عن **حنّان** بن سدير عن أبيه قال قلت لابي جعفر ﷺ أيُّ العبادة أفضل فقال ما من شيء افضل عند اللّه عزّ وجلّ من ان يسأل ويطلب ممّا عنده وما احد ابغض إلى اللّه عزّ وجلّ ممّن يستكبر عن عبادته ولا يسأل ما عنده. المكارم ٢٦٨: عن حنّان بن سدير عن أبيه قال قلت للباقر ﷺ ايّ العبادة أفضل فقال ما من شيء أحبّ إلى اللّه عزّ وجلّ من ان يسأل (وذكر مثله).

٦٢٢ ٣٦١٨٣ (۲) **كافي** ۴۶۶/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسىٰ عن حريز عن **زرارة** عن أبي جعفر ﷺ قال انّ اللّه عزّ وجلّ يقول ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ قال هو الدعاء وافضل العبادة الدعاء قلت ان إبراهيم لأوّاهٌ حليم قال الأوّاه هو الدّعاء. **الدعائم** ۱۶۶: قال جعفر بن محمد ﷺ انّ اللّه عزّ وجلّ يقول: ﴿ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ[1]﴾ وذكر نحوه.

٦٢٣ ٣٦١٨٤ (۳) **تفسير العيّاشي** ۱۱۴: عن **زرارة** عن أبي جعفر ﷺ قال قلت قوله انّ إبراهيم (وذكر مثله) تفسير القمي ۳۰۶: في رواية **أبي الجارود** عن أبي جعفر ﷺ قال الاوّاه المتضرّع إلى اللّه في صلواته وإذا خلا في قفرة (من خ ل) الأرض وفي الخلوات.

٦٢٤ ٣٦١٨٥ (۴) **كافي** ۴۶۷/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن الحسين بن سعيد عن النّضر بن سويد عن القاسم بن سليمان عن **عبيد** بن زرارة عن أبيه عن رجل قال قال أبو عبداللّه ﷺ الدّعاء هو العبادة التّي قال اللّه عز وجلّ: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى﴾ الآية ادع اللّه عزّ وجلّ ولا تقل انّ الامر قد فرغ منه قال زرارة انّما يعني لا يمنعك ايمانك بالقضاء والقَدَر ان تبالغ بالدّعاء وتجهد فيه اوكما قال.

---

۱. داخرين: صاغرين. ذليلين.

و زنهار آنچه را خداوند به سبب آن بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست.[۱]

هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست می‌کند، هر روز او در کاری است.[۲]

و بسیاری از آیات دیگر که بر دعا و مطلوبیّت آن دلالت دارد که ما جهت اختصار از ذکر آن‌ها صرف نظر کردیم.

۶۲۱ (۱) حنّان بن سدیر از پدرش نقل کرده که گفت: «من از امام محمّد باقرؑ پرسیدم که بهترین عبادت چیست؟ حضرت پاسخ داد: چیزی نزد خدا بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد اوست، خواسته شود و در نزد خداوندﷻ احدی مبغوض‌تر نیست از کسی که از عبادت خدا از روی تکبّر سر، باز زند و آن [نعمت‌هایی] که در نزد خداست طلب نکند.»

۶۲۲ (۲) زراره از امام باقرؑ روایت کرده که فرمود: «خداوند با فرّ و شکوه می‌فرماید: «بـه راستـی کسانی که از عبادت من تکبّر می‌ورزند به زودی با حالت خواری و ذلّت به جهنّم در آیند.» حضرت فرمود: مقصود از این عبادت، دعاست بلکه دعا، برترین عبادت است.

به حضرت عرض کردم: «اِنّ ابراهیم لَاَوّاهٌ حلیم» [اَوّاه یعنی چه؟] حضرت فـرمود: اَوّاه یـعنی بسیار دعا کننده [حضرت ابراهیم بسیار دعا کننده و بردبار بود].»

۶۲۳ (۳) در تفسیر عیّاشی نیز روایت قبلی ذکر شده و در روایتی ابوجارود از امام باقرؑ نقل کرده که حضرت فرمود: «اَوّاه یعنی کسی که در نمازهایش به درگاه الهی تضرّع و زاری می‌کند و هـمچنین وقتی که در بیابان تنهاست یا جای خلوتی پیدا می‌کند با خدا، با تضرّع و زاری مناجات می‌کند.»

۶۲۴ (۴) زراره از پدرش و او از مردی و او از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «دعا همان عبادتی است که خداوند با فرّ و شکوه فرموده: آنان که از عبادت من از روی تکبّر سر، باز می‌زنند، خوار، به جهنّم در آیند پس خدایﷻ را بخوان و نگو که کار تمام شده.

زراره گفت: مقصود حضرت این است که اعتقاد به قضا و قدر باعث نشود که تو از دعـا کـردن، دست برداری بلکه در دعا کردن مبالغه و اصرار ورز و نگو که کار تمام شده است.»

---

۱. نساء ۳۲/۴.　　۲. الرحمن ۲۹/۵۵.

٦٢٥ (٥) **كافي** ٢/٤٦٧: علي بن إبراهيم عن أبيه عن **حمّاد** بن عيسىٰ عن أبي عبداللّه عليه السلام قال ٣٦١٨٦
سمعته يقول أدع ولا تقل قد فرغ من الأمر فانّ الدعاء هو العبادة انّ اللّه عزّ وجلّ يقول: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ وقال: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾. و**تقدّم** مثله في رواية الحسن بن المغيرة (٢٣) من باب (١) فضل التعقيب.

٦٢٦ (٦) **كافي** ٢/٤٦٦: أبوعلي الاشعريّ عن محمد بن عبدالجبّار عن صفوان عن **ميسر** بن ٣٦١٨٧
عبدالعزيز عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال لي يا ميسر ادع ولا تقل انّ الامر قد فرغ منه انّ عند اللّه عزّ وجلّ منزلة لا تنال الّا بمسألة ولو انّ عبداً سدّ فاه ولم يسأل لم يعط شيئاً فَسلْ تعط يا ميسر انّه ليس من باب يقرع الّا يوشك ان يفتح لصاحبه.

٦٢٧ (٧) القطب الراوندي في دعواته ١٩ عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال افضل عبادة اُمّتي بعد قرائة ٣٦١٨٨
القرآن الدعاء ثمّ قرأ صلى الله عليه وآله ادعوني استجب لكم انّ الّذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين الا ترىٰ أن الدعاء هو العبادة.

٦٢٨ (٨) **مستدرك** ٥/١٦٠: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن نعمان بن بشير قال ٣٦١٨٩
سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول الدعاء هو العبادة ثمّ قرأ ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ الآية.

٦٢٩ (٩) **عُدّة الداعي** ٣٦: (نقلاً) من كتاب الدّعاء لمحمد بن الحسن الصفّار يرفعه إلى ٣٦١٩٠
الحسين بن سيف من اخيه عليّ عن أبيه عن سليمان بن عثمان بن الأسود عمّن رفعه قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله يدخل الجنّة رجلان كانا يعملان عملاً واحداً فيرىٰ احدهما صاحبه فوقه فيقول يا ربّ بما اعطيته وكان عملنا واحداً فيقول اللّه تبارك وتعالىٰ سئلني ولم تسألني ثمّ قال صلى الله عليه وآله اسألوا اللّه واجزلوا[1] فانّه لايتعاظمه شيء.

٦٣٠ (١٠) وفيه بهذا الاسناد قال حدثني (سليمان بن ـئل) عثمان عمّن رفعه قال النبي صلى الله عليه وآله ٣٦١٩١
ليسألن اللّه [لتسئلنّ اللّه] او ليقضينّ [ليغضبنّ] عليكم انّ للّه عباداً يعملون فيعطيهم.

---

١. اجزلوا: اكثروا.

۶۲۵ (۵) حمّاد بن عیسی از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «پس بی گمان دعا همان عبادت است. خداوندﷻ می‌فرماید: «**به راستی کسانی که از عبادت من به علّت تکبر سر، باز می‌زنند به زودی با خواری به جهنّم در آیند.**» و خداوند فرموده: «**مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.**»

۶۲۶ (۶) میسر بن عبدالعزیز از امام صادقؑ روایت کرده که: «حضرت به من فرمود: ای میسر! دعا کن و نگو که کار تمام شده [و مقرّرات نوشته شده] همانا نزد خداوندﷻ مرتبه‌ای است که به آن نتوان رسید جز با سؤال کردن و خواستن از خدا و اگر بنده‌ای دهانش را ببندد و درخواست نکند، چیزی به او داده نشود. پس بخواه تا داده شوی. ای میسر! دری نیست که زده شود مگر اینکه نزدیک است بر روی در زننده باز شود.»

۶۲۷ (۷) قطب راوندیؒ در کتاب دعوات از پیامبرﷺ نقل کرده است که فرمود: «بهترین عبادت امّت من پس از خواندن قرآن، دعا کردن است. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «**مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را به راستی کسانی که از روی تکبّر و خود بزرگ بینی از عبادت من سر، باز می‌زنند به زودی با ذلّت و خواری به جهنّم داخل شوند.**» آیا نمی‌دانی که مقصود از عبادت [در این آیه] دعا کردن است؟»

۶۲۸ (۸) نعمان بن بشیر گوید: «از پیامبر خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: دعا، عین عبادت است سپس این آیه را تلاوت فرمود: پروردگار شما گفته: «**مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را...**» تا آخر آیه.»

۶۲۹ (۹) سلیمان بن عثمان بن اسود با یک واسطه از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «دو نفر که هر دو عمل‌شان به یک اندازه بوده به بهشت می‌آیند امّا یکی از این دو می‌بیند که دوستش مقام و مرتبه‌ای بالاتر از او دارد. پس می‌گوید: ای پروردگار! ما که عمل‌مان یکی بود چطور شد که به او مقام بالاتری دادی؟

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: او از من درخواست می‌کرد و می‌خواست ولی تو دعا نمی‌کردی و درخواست نمی‌کردی. آنگاه حضرت رسولﷺ فرمود: از خدا بخواهید و درخواست کنید و زیاد هم درخواست کنید [و زیاد دعا کنید] زیرا دادن هیچ چیز [هر چند بزرگ باشد] بر خدا بزرگ و گران نخواهد بود.»

۶۳۰ (۱۰) سلیمان بن عثمان با یک واسطه از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «باید از خدا درخواست کنید و بخواهید تا خداوند [حاجات شما را] برآورده کند به راستی که خداوند را بندگانی است که اهل عملند و خداوند در قبال عمل به آن‌ها بهشت می‌دهد.

وآخرين يسألونه صادقين فيعطيهم ثمّ يجمعهم في الجنّة فيقول الذين عملوا ربّنا عملنا فاعطيتنا فبما اعطيت هؤلاء فيقول ـ هؤلاء عبادي ـ اعطيتكم اجوركم ولم ألتكم من اعمالكم شيئاً وسئلني هؤلاء فاعطيتهم [واغنيتهم] وهو فضلي اوتيه من اشاء.

٦٣١ ٣٦١٩٢ (١١) **كافي ٢/٤٦٧**: حميد بن زياد عن الخشّاب عن ابن بقاح عن معاذ عن عمرو بن جميع عن أبي عبداللّه ﷺ قال من لم يسأل اللّه عزّ وجلّ من فضله [فقد] افتقر الاختصاص ٢٢٣ قال الصادق ﷺ مثله.

٦٣٢ ٣٦١٩٣ (١٢) القطب الراوندي في دعواته ١٩ عن النبي ﷺ انّه قال ﷺ لا تعجزوا عن الدعاء فانّه لم يهلك مع الدعاء وليسأل احدكم ربّه حتّى يسأله شسع نعله إذا انقطع واسألوا اللّه من فضله فانّه يحبّ ان يسئل.

٦٣٣ ٣٦١٩٤ (١٣) **قرب الاسناد ١١٧**: الحسن بن ظريف (طريف ـ ك) عن الحسين بن علوان عن جعفر عن أبيه قال قال رسول اللّه ﷺ انّ الرزق ينزل من السّماء إلى الأرض علىٰ عدد قطر المطر إلى كلّ نفس بما قدّر لها ولكن للّه فضول فاسئلوا اللّه من فضله.

٦٣٤ ٣٦١٩٥ (١٤) **كافي ٢/٤٧٠**: الحسين بن محمد عن معلّىٰ بن محمد عن الوشّاء عن عبداللّه بن سنان قال سمعت ابا عبداللّه ﷺ يقول الدعاء يردّ القضاء بعدما ابرم ابراماً فأكثر من الدعاء فانّه مفتاح كلّ رحمة ونجاح كلّ حاجة ولا ينال ما عنداللّه عزّ وجلّ الّا بالدعاء وانّه ليس باب يكثر قرعه إلّا يوشك ان يفتح لصاحبه **فلاح السائل** ٢٨ باسناده عن الحسين بن سعيد عن النضر عن (عبداللّه) بن سنان وابن فضّال عن علي بن عقبة قال سمعت ابا عبداللّه ﷺ وذكر نحوه.

٦٣٥ ٣٦١٩٦ (١٥) **كافي ٨/٧**: بالاسناد المتقدّم في باب (١) حجّيّة سنّة النبيّ ﷺ عن حفص المؤذن عن أبي عبداللّه ﷺ (في رسالته إلى اصحابه) قال اكثروا من ان تدعوا اللّه يحبُّ من عباده المؤمنين ان يدعوه وقد وعد اللّه عباده المؤمنين بالاستجابة واللّه مصيّر دعاء المؤمنين يوم القيامة لهم عملاً يزيدهم به في الجنّة.

و بندگان دیگری است [که خیلی اهل عمل نیستند ولی] صادقانه از خداوند درخواست می‌کنند و گدایی می‌کنند از خدا، خدا هم به آن‌ها می‌دهد سپس همهٔ آن‌ها را در بهشت گِرد هم آورد پس آن‌ها که اهل عمل بودند می‌گویند: پروردگار ما! ما عمل کردیم و تو در قبال عمل‌مان بهشت به ما دادی پس در مقابل چه چیز بهشت را به این‌ها دادی؟

پس خداوند می‌فرماید: این‌ها بندگان من هستند [اهل عمل بودند] من هم پاداش اعمال‌شان را دادم و چیزی از اعمال‌شان را نکاستم ولی این بندگان دیگر از من درخواست [بهشت] کردند پس به آن‌ها هم [بهشت را] دادم و آن‌ها را نیز بی نیاز کردم و این، تفضّل و عنایت من است، به هر کس که بخواهم، می‌دهم.»

۶۳۱ (۱۱) عمرو بن جمیع از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر کس دعا نکند و از فضل خداوندﷻ درخواست نکند، فقیر و ندار خواهد شد.»

۶۳۲ (۱۲) قطب راوندی در کتاب دعوات از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «از دعا کردن خسته و ناتوان نشوید چرا که با دعا هیچ‌گاه کسی هلاک نشود و باید هر یک از شما [همهٔ نیازمندی‌های خود را] از خدا درخواست کند حتّیٰ بند کفشش را اگر قطع شد از خدا بخواهد و از فضل و عنایت خدا بخواهید زیرا او دوست دارد که از او خواسته شود.»

۶۳۳ (۱۳) حسین بن علوان از حضرت صادقؑ و او از پدرش روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: رزق و روزی به مثال قطرات باران از آسمان به زمین برای هر شخصی به مقداری که برایش مقدّر شده فرود می‌آید ولی [بدانید] برای خدا تفضّلات و عنایات فوق العاده‌ای است و شما از تفضّلات الهی از خدا درخواست کنید.»

۶۳۴ (۱۴) عبدالله بن سنان گوید: «از امام صادقؑ شنیدم که فرمود: دعا، قضای حتمی الهی را که قطعیّت یافته، دفع می‌کند پس زیاد دعا کن که دعا کلید هر رحمت و وسیلهٔ رسیدن به هر حاجت است و به آنچه نزد خداوندﷻ است جز با دعا نتوان رسید و هیچ دری زیاد زده نمی‌شود مگر اینکه باز شدنش نزدیک است و به زودی به روی درزننده باز خواهد شد.»

۶۳۵ (۱۵) حفص مؤذّن از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت در ضمن نامه‌ای به اصحابش نوشت: «خدا را زیاد بخوانید که خدا از میان بندگانش کسانی را که او را می‌خوانند، دوست دارد و خداوند وعده داده است که دعای بندگان مؤمن خود را مستجاب گرداند به علاوه خداوند همین دعای مؤمنان را در روز قیامت عمل صالحی به حساب آورد که در بهشت، نعمت‌های بیشتری را موجب شود.»

٦٣٦ ٣٦١٩٧ (١٦) **عُدّة الداعي** ٢٤: أبو سعيد الخدري قال قال رسول اللّهﷺ ما من مؤمن[١] دعا اللّه سبحانه وتعالىٰ دعوة ليس فيها قطيعة رحم ولا إثم الاّ اعطاه اللّه بها احدىٰ خصال ثلاث إمّا ان يعجّل دعوته وإمّا ان يؤخرله[٢] وإمّا ان يدفع عنه من السّوء مثلها قالوا يا رسول اللّه إذن نكثر قال رسول اللّه أكثروا وفي رواية أنس بن مالك أكْثرو أطيب ثلاث مرات **مستدرك ١٦٧/٥**: الشيخ أبو الفتوح الرازي في تفسيره عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول اللّهﷺ ما من مسلم يدعو اللّه بدعاء ليس فيه قطيعة رحم (وذكر نحوه إلى قوله من السوء مثلها إلّا انّ فيه وإمّا ان يدّخر له في الآخرة باحسن منه بدل قوله وإمّا ان يؤخّر له.

٦٣٧ ٣٦١٩٨ (١٧) **عُدّة الداعي** ٣٤: عن النبيّﷺ افزعوا إلى اللّه في حوائجكم والجئوا إليه في ملمّاتكم وتضرّعوا إليه وادعو فانّ الدعاء مخّ العبادة وما من مؤمن يدعو اللّه الاّ استجاب له فإمّا ان يعجّل له في الدنيا او يؤجل له في الآخرة وإمّا ان يكفّر عنه من ذنوبه بقدر ما دعا ما لم يدع بمأثم وفيه ٢٤: عن النبيّﷺ انّه قال الدعاء مخّ العبادة.

٦٣٨ ٣٦١٩٩ (١٨) **مستدرك ١٦٧/٥**: القطب الراوندي في دعواته قال قال أمير المؤمنينؑ الدّعاء مفتاح الرحمة ومصباح الظلمة وقال النبيّﷺ الدعاء مخّ العبادة وقالﷺ إذ قلّ الدعاء نزل البلاء.

٦٣٩ ٣٦٢٠٠ (١٩) **امالي الصدوق** ١٥٣: حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل قال حدثنا علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن صفوان بن يحيىٰ عن محمد ابن الهزهاز عن علي بن السري قال سمعت ابا عبداللّهؑ يقول انّ اللّه عزّ وجلّ جعل ارزاق المؤمنين من حيث لم يحتسبوا وذلك انّ العبد إذا لم يعرف وجه رزقه كثر دعاؤه.

٦٤٠ ٣٦٢٠١ (٢٠) **كافي ٤٦٨/٢**: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الأشعريّ عن **ابن القدّاح** عن أبي عبداللّه ؑ قال قال أمير المؤمنينؑ الدعاء تُرْسُ ومتىٰ تكثر قرع الباب يفتح لك.

---

١. مسلم ـ ثل.   ٢. ان يدخر له في الآخرة ـ ك.

۶۳۶ (۱۶) ابوسعید خدری از پیامبر خداﷺ روایت کرده است که فرمود: «هر مؤمنی که خداوند پاک بلند مرتبه را بخواند و دعا کند اگر دعایش برای قطع رحم یا گناه دیگری نباشد خدا یکی از این سه پاداش را به او مرحمت فرماید: یا دعایش فوراً به اجابت می‌رسد و حاجتش برآورده می‌شود و یا اینکه با مقداری تأخیر دعایش مستجاب می‌شود و یا اینکه به مقدار نعمتی که از خدا خواسته بلا و گرفتاری از او دفع می‌گردد.

[اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا! در این صورت پس ما خیلی دعا کنیم. پیامبر خداﷺ فرمود: زیاد دعا کنید.»

در مستدرک الوسائل همین حدیث شریف ذکر شده با این تفاوت که در آنجا به اینگونه بیان شده: «و یا خداوند برای آخرتش این دعا را ذخیره می‌کند و بهتر از حاجتی که خواسته خداوند به او عوض خواهد داد و یا اینکه حاجتش با مقداری تأخیر برآورده گردد.»

۶۳۷ (۱۷) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «در حاجات‌تان به خدا روی آورید و در گرفتاری‌ها به او پناه بیاورید و به خدا زاری کنید و او را بخوانید و دعا کنید زیرا دعا، مغز عبادت است و مؤمنی نیست که خدا را بخواند و دعا کند مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب گرداند یا فوری در همین دنیا و یا برایش تا آخرت به تأخیر می‌اندازد و یا به مقدار خواسته‌اش خداوند از گناهان او پاک می‌کند مادامی که در دعا و خواسته‌اش معصیت نباشد.»

و در همین کتاب نقل شده از پیامبرﷺ که فرمود: «دعا، مغز عبادت است.»

۶۳۸ (۱۸) قطب راوندی در کتاب دعوات روایتی از امیرالمؤمنینؑ نقل کرده که فرمود: «دعا، کلید رحمت و چراغ در تاریکی است و پیامبرﷺ فرمود: دعا مغز عبادت است و فرمود: وقتی دعا، کم شود بلا نازل گردد.»

۶۳۹ (۱۹) علی بن سری گوید: «از حضرت صادقؑ شنیدم که فرمود: خداوندﷻ روزی مؤمنان را از راه‌هایی که به گمان‌شان نرسد، می‌رساند زیرا وقتی که بنده نداند روزی‌اش از کجا می‌رسد، زیاد دعا می‌کند.»

۶۴۰ (۲۰) ابن قدّاح از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که فرمود: «امیر مؤمنان علیؑ فرموده: دعا سپر است و هر گاه دری را زیاد بزنی عاقبت به رویت باز شود.»

٦٤١ (۲۱) **عُدّة الداعي** ۱۴: قال الباقر عليه السلام ولا تملّ من الدعاء فانّه من اللّه بمكان.
٣٦٢٠٢

٦٤٢ (۲۲) **امالي ابن الشيخ** ۶: حدثنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن
٣٦٢٠٣
الطوسي رحمه الله قال حدثنا الشيخ السعيد الوالد رحمه الله قال حدثنا أبو الطيب الحسين بن علي التمّار قال حدثنا أحمد بن محمّد قال حدثنا محمد بن عبداللّه بن ايّوب قال حدثنا يحيىٰ بن عنبسة الجعفي عن حميد الطويل عن **انس** بن مالك قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله مافتح لاحد باب دعاء إلّا فتح اللّه له فيه باب اجابة فإذا فتح لاحدكم باب دعاء فليجهد.

فإنّ اللّه عزّ وجلّ لا يملّ حتّىٰ تملّوا قال أبو الطيب الملل من الانسان الضجر والسأمة ومن اللّه تعالي جهة الترك للفعل وانّما وصف نفسه بالملل للمقابلة بملل الانسان كما قال ـ نسوا اللّه فنسيهم ـ اي تركوا طاعته فتركهم من ثوابه.

٦٤٣ (۲۳) **عدّة الداعي** ۲۳: عن **عليّ** عليه السلام ماكان اللّه ليفتح باب الدعاء ويغلق عنه (عليه خ) باب
٣٦٢٠٤
الإجابة.

٦٤٤ (۲۴) **الجعفريات** ۲۲۲: بإسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله مافتح
٣٦٢٠٥
اللّه لعبد باب مسألة فخزن عنه باب الاجابة ولا فتح لعبد باب عمل فخزن باب القبول ولا فتح لعبد باب شكر فخزن عنه باب الزيادة.

٦٤٥ (۲۵) **عدّة الداعي** ۳۴: عن **النبيّ** صلى الله عليه وآله اعجز الناس من عجز عن الدعاء وأبخل الناس من
٣٦٢٠٦
بخل بالسّلام.

٦٤٦ (۲۶) **كافي** ۲/۴۷۱: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن الحسن بن علي
٣٦٢٠٧
عن عبداللّه بن ميمون **القدّاح** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال الدعاء كهف الإجابة كما انّ السحاب كهف المطر.

۶۴۱ (۲۱) در کتاب عدّة الداعی از حضرت باقرﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «از دعا کردن خسته و دلسرد نشو که دعا را نزد خداوند موقعیّت و منزلت بالایی است.»

۶۴۲ (۲۲) انس بن مالک از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «به روی احدی دَرِ دعا گشوده نشود مگر اینکه خداوند دَرِ اجابت را به رویش بگشاید. پس هر گاه دَرِ دعا به سوی یکی از شما گشوده شد، باید تلاش بسیار کند زیرا تا شما خسته نشوید خدا خسته نمی‌شود.»

ابوطیّب که یکی از راویان سلسلهٔ سند این روایت است، گفته: «ملالت در حق انسان به معنی بی‌حالی و تنبلی است ولی در حق خداوند به معنی لازم آن یعنی ترک فعل است و نسبت ملالت به خداوند از باب مقابله است که در مقابل ملالت انسان، به خداوند هم ملالت نسبت داده شده، آنچنان که در قرآن فرموده است: «نَسُوا الله فنسیهم» (آن‌ها خدا را فراموش کردند) خداوند هم آن‌ها را به دست فراموشی سپرد. به این معنی که آن‌ها اطاعت خدا را ترک کردند، خدا هم پاداش خود را به آن‌ها ترک کرد.»

۶۴۳ (۲۳) در کتاب عدّة الداعی از علیﷺ روایتی نقل کرده که فرمود: «امکان ندارد که خداوند دَرِ دعا را بر روی کسی گشاید ولی دَرِ اجابت را به رویش ببندد.»

۶۴۴ (۲۴) در کتاب جعفریّات به صورت مستند از علی بن ابی طالبﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: این چنین نیست که خداوند دَرِ دعا و درخواست کردن را به روی بنده‌ای بگشاید ولی دَرِ اجابت را ببندد و دَرِ عمل را به روی بنده‌ای باز کند ولی دَرِ قبول را به رویش ببندد و یا اینکه دَرِ شکر و سپاسگزاری از نعمت‌ها را به روی بنده‌ای بگشاید ولی دَرِ افزایش نعمت‌ها را بر روی او ببندد.»

۶۴۵ (۲۵) در کتاب عدّة الداعی روایتی از پیامبرﷺ نقل شده که فرمود: «ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد و بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام کردن بُخل ورزد.»

۶۴۶ (۲۶) عبدالله بن میمون قدّاح از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «دعا، حاملِ اجابت است آن سان که ابر حاملِ باران است.»

٦٤٧ ٣٦٢٠٨ (٢٧) **الخصال** ٢٠٢: حدثنا أبو أحمد الحسن بن عبدالله العسكري قال حدثنا أبو القاسم بدر بن الهيثم القاضي قال حدثنا علي بن منذر الكوفي قال حدثنا محمد بن الفضيل عن **أبي الصباح** قال قال جعفر بن محمد عليه السلام من اعطى اربعاً لم يحرم اربعاً من اعطى الشكر لم يحرم الإجابة ومن اعطى الاستغفار لم يحرم التوبة ومن اعطى الدعاء لم يحرم الزيادة ومن اعطي الصبر لم يحرم الأجر.

٦٤٨ ٣٦٢٠٩ (٢٨) **امالي الشيخ** ٦٩٣: حدّثنا الشيخ أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي رحمه الله عن الحسين بن إبراهيم القزويني عن محمد بن وهبان عن محمد بن أحمد بن زكريّا عن الحسن بن فضّال عن علي بن عقبة عن **أبي كهمس** عن بعض أصحابنا عن أبي عبدالله عليه السلام قال من اعطي اربعاً لم يحرم اربعاً من اعطي الدعاء لم يحرم الإجابة ومن اعطي الاستغفار لم يحرم المغفرة ومن اعطي التوبة لم يحرم القبول ومن اعطي الشكر لم يحرم الزيادة وذلك في كتاب الله عزّ وجلّ.

٦٤٩ ٣٦٢١٠ (٢٩) **عدّة الداعي** ٢٣: قال **عليّ** عليه السلام من اعطي الدعاء لم يحرم الاجابة.

٦٥٠ ٣٦٢١١ (٣٠) **امالي الشيخ** ٥٩٧: حدثنا الشيخ أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي قدّس الله روحه قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل قال حدثنا عبدالرزّاق بن سليمان بن غالب الازديّ قال حدثني الفضل بن المفضّل بن قيس بن رمانة[١] الاشعري قال حدثنا الرضا علي بن موسىٰ قال حدثني أبي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه انّ رسول الله صلى الله عليه وآله بعث عليّاً عليه السلام إلى اليمن فقال له صلى الله عليه وآله وهو يُوصيه يا عليّ اوصيك بالدّعاء فانّ معه الاجابة وبالشكر فانّ معه المزيد وانهاك من أن تخفر عهداً أو تغيّر عليه وانهاك عن المكر فانّه لا يَحيقُ المَكرُ السيّئ إلّا بأهله وأنهاك عن البغي فانّه من بغي عليه لينصرنّه الله.

٦٥١ ٣٦٢١٢ (٣١) **مستدرك** ١٦٨/٥: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **عبدالله** قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله من فتح له باب في الدعاء فتحت له أبواب الإجابة.

---

١. أحمد بن الحسن الميثمي ك.

۶۴۷ (۲۷) ابوالصباح از امام جعفر بن محمّد؈ روایت کرده که فرمود: «به هر کس چهار چیز عطا شود از چهار چیز محروم نگردد، به هر کس توفیق شکر و سپاسگزاری داده شد از افزایش یافتن نعمت‌ها محروم نگردد و هر کس توفیق استغفار یافت از پذیرش توبه محروم نگردد، هر کس توفیق دعا کردن پیدا کرد از قبول دعا و اجابت محروم نگردد و به هر کس صبر و شکیبایی داده شد از اجر و پاداش محروم نگردد.»[۱]

۶۴۸ (۲۸) ابوکهمس از بعضی از اصحاب ما [شیعه] و او از امام صادق؈ روایت کرده که فرمود: «هر کس را چهار چیز داده شود از چهار چیز محروم نگردد: به هر کس دعا داده شود از اجابت محروم نگردد و به هر کس استغفار و آمرزش خواستن از خدا داده شود از آمرزش محروم نگردد، به هر کس توفیق توبه داده شود و توبه کند از قبول توبه محروم نگردد و به هر کس شکر و سپاسگزاری داده شود از افزایش [نعمت‌ها] بی نصیب نماند و این‌ها همه در کتاب خداوند؟ موجود است.»

۶۴۹ (۲۹) در کتاب عدّة الداعی از علی؈ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «به هر کس دعا داده شود از اجابت محروم نشود.»

۶۵۰ (۳۰) قیس بن رمانه اشعری از امام رضا؈ روایت کرده که حضرت فرمود: «پدرم از جعفر بن محمّد و او از پدرش و او از پدرانش روایت کرده که: پیامبر خدا؈ علی؈ را به یمن فرستاد و در ضمن سفارش‌هایش فرمود: ای علی! تو را به دعا سفارش می‌کنم زیرا اجابت همراه آن است و به سپاسگزاری [از نعمت‌های الهی] زیرا فزونی نعمت با آن است و تو را باز می‌دارم از اینکه پیمانی را بشکنی یا تغییر دهی و باز می‌دارم تو را از خدعه و نیرنگ زیانبار زیانش جز خود نیرنگباز را فرا نگیرد و تو را از ستم نهی می‌کنم زیرا به هر کس ستم شود قطعاً خداوند او را یاری می‌کند.»

۶۵۱ (۳۱) عبدالله از رسول خدا؈ روایت کرده که فرمود: «هر کس دَرِ دعا به رویش گشوده گردد، درهای اجابت نیز به رویش گشوده شود.»

---

۱. در نقل این روایت در اینجا اشتباهی صورت گرفته و با مراجعهٔ به مصدر (خصال) عین روایت نقل می‌شود: «مَن أُعطِیَ اربعاً لم یُحرم اربعاً: من اعطی الدعاء لم یحرم الاجابة ومن أُعطی الاستغفار لم یحرم التوبة ومن اعطی الشکر لم یحرم الزیادة ومن اعطی الصبر لم یحرم الاجر.» و ترجمهٔ ما بر اساس همین نقل است که صحیح است.

٦٥٢ ٣٦٢١٣ (٣٢) **فلاح السائل** ٢٨: محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد ابن عيسىٰ عن الحسين بن سعيد عن علي بن إسماعيل الميثمي[1] عن ربعي عن **محمد** بن مسلم قال قلت لابي جعفر عليه السلام قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله في هذه الحبّة السوداء شفاء من كلّ داء الّا السّام فقال نعم ثمّ قال الا أخبرك بما فيه شفاء من كلّ داء حتّىٰ السام قلت بلىٰ قال الدعاء.

٦٥٣ ٣٦٢١٤ (٣٣) وفيه محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن عيسىٰ عن زياد العبدي عن **حماد** بن عثمان رفعه إلى أبي عبداللّه عليه السلام في قول اللّه تبارك وتعالىٰ ما يفتح اللّه للناس من رحمة فلا ممسك لها قال الدعاء.

٦٥٤ ٣٦٢١٥ (٣٤) **تفسير الامام أبي محمد** عليه السلام ٤٢: قال النبيّ صلى الله عليه وآله عن جبرئيل عليه السلام عن اللّه عزّ وجلّ يا عبادي كُلّكم ضالّ الّا من هديته فاسألوني الهدىٰ اهدكم وكُلّكم فقير إلّا من اغنيته فاسألوني الغنىٰ ارزقكم وكُلّكم مذنب إلّا من غفرت فاسألوني المغفرة اغفر لكم ومن علم أنّي ذو قدرة علىٰ المغفرة فاستغفرني بقدرتي غفرت له ولا أُبالى ولو أنّ اوّلكم وآخركم وحيّكم وميّتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا علىٰ إنقاء[2] قلب عبد من عبادي لم يزيدوا في ملكي جناح بعوضة ولو انّ اوّلكم وآخركم وحيّكم وميّتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا علىٰ اشقاء قلب عبد من عبادي لم ينقصوا من ملكي جناح بعوضة ولو انّ اوّلكم وآخركم وحيّكم وميّتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا فتمنّىٰ[3] كلّ واحد منهم ما بلغت من امنيّة فاعطيته لم يتبيّن ذلك في ملكى كما لو انّ احدكم مرّ علىٰ شفير البحر فخمس فيه ابرة ثمّ انتزعها و ذلك بأنّى جواد ماجد واجد عطائى كلام و عذأبى[4] كلام فاذا اردتُ شيئاً فانّما اقول له كن فيكون.

٦٥٥ ٣٦٢١٦ (٣٥) **الجعفريات** ٢٢٢: باسناده عن علي بن أبي طالب قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله سَلُوا اللّه الهُدىٰ وسَلُوا اللّه مع الهدىٰ هداية الطريق وسَلُوا اللّه السّداد وسَلُوه مع السّداد سداد العمل.

---

١. أحمد بن الحسن الميثمي ك. ٢. إتّقاء ـ ك. ٣. فيمتمنّىٰ ـ ك.
۴. وعداتى ـ خ.

۶۵۲ (۳۲) محمد بن مسلم گوید: «به امام باقرؑ عرض کردم: پیامبر خداﷺ فرمود: شفای هر دردی در این سیاه دانه وجود دارد غیر از مرگ. حضرت فرمود: بله. سپس گفت: آیا تو را خبر دهم به چیزی که شفای هر دردی حتی مرگ هم در آن است؟ گفت: بله. حضرت فرمود: دعا.»

۶۵۳ (۳۳) حمّاد بن عثمان با واسطه از حضرت صادقؑ روایت کرده که حضرت در تفسیر این آیهٔ شریفه که: «در رحمتی که خدا گشاید کسی نتواند آن را ببندد.» حضرت فرمود: [مقصود از دَرِ رحمت] دعاست.»

۶۵۴ (۳۴) در تفسیر امام ابی محمّد امام حسن عسکریؑ از رسول خداﷺ نقل شده است که آن حضرت فرمود: «جبرئیل از سوی خداوندﷻ پیامی آورد که ای بندگان من! همهٔ شما گمراه هستید مگر کسی که من او را هدایت کنم پس از من هدایت بخواهید تا شما را هدایت نمایم و همهٔ شما فقیر هستید مگر کسی که من او را ثروتمند و بی نیاز نمایم، پس، از من ثروت و نعمت بخواهید تا شما را روزی دهم و همهٔ شما گناهکارید مگر کسی که من او را بیامرزم پس، از من آمرزش بخواهید تا بیامرزم شما را.

و هر کس بداند که من بر آمرزش توانایم و از من به خاطر توانایی‌ام، طلب آمرزش کند او را بیامرزم و باکی ندارم.

و [بدانید که] اگر همهٔ شما از نخستین نفر تا آخرین نفر، زنده‌ها و مرده‌ها، تر و خشک‌ها گِرد هم آیید تا دل بنده‌ای از بندگان مرا پاک و پرهیزگار کنید به اندازهٔ بال پشّه‌ای به قدرت و سلطنت من نیفزاییده‌اید و اگر تمام شما از اوّل تا آخرتان، مرده و زنده‌تان و تر و خشک‌تان جمع شوید تا دل بنده‌ای از بندگان مرا گمراه و شقی کنید، بال پشّه‌ای از قدرت و سلطنت من نتوانید بکاهید و اگر اوّل تا آخر شما و زنده و مردهٔ شما و تر و خشک شما جمع شوید و هر کدام نهایت آرزوهایی که دارد از من بخواهد و من همهٔ آرزوهای آن‌ها را بدهم هیچ کاستی در سلطنت و پادشاهی من نمایان نشود. چونان که شخصی از شما بر کنار دریایی بگذرد و سوزنی را در آن فرو برد، سپس آن را بیرون آورد [آبی که به سوزن می‌چسبد اثری در کاستن آب دریا ندارد] و علّت آن، این است که من بخشنده و دارنده و با مجد و کرم هستم بخشش من با یک سخن است و عذاب کردنم هم با یک سخن. چرا که هر گاه چیزی را اراده کنم به او می‌گویم وجود پیدا کن پس او هم وجود پیدا می‌کند.»

۶۵۵ (۳۵) در کتاب جعفریّات از علی بن ابی طالبؑ روایت شده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: از خدا هدایت بخواهید و از خدا علاوه بر هدایت، هدایت یافتن به راه را بخواهید و از خدا پایداری بخواهید و از او همراه با پایداری، پایداری در عمل بخواهید.»

٦٥٦ ٣٦٢١٧ (۳۶)**كافي ۸/ ۴**: باسناده المتقدّم في باب (۱) حجّية سنة النبيّ ﷺ عن حفص المؤذن عن أبي عبداللّه ﷺ (فی رسالته إلی اصحابه) وعليكم بالدّعاء فانّ المسلمين لم يدركوا نجاح الجوائج عند ربّهم بافضل من الدعاء والرغبة إليه والتضرّع إلى اللّه والمسألة [له] فارغبوا فيما رغبّكم اللّه فيه واجيبوا اللّه إلى ما دعاكم إليه لتفلحوا وتنجوا[١] من عذاب اللّه.

٦٥٧ ٣٦٢١٨ (۳۷)**عدّة الداعي ۳۵**: عن النبيّ ﷺ افضل العبادة الدعاء وإذا اذن اللّه للعبد (لعبد ـ خ) في الدعاء فتح له باب الرحمة انه لن يهلك مع الدعاء احد.

٦٥٨ ٣٦٢١٩ (۳۸)**مستدرك ۵/ ۱۷۰**: الشيخ جعفر بن أحمد القمي في كتاب الغايات عن **زرارة** عن أبي جعفر ﷺ في حديث قال ثمّ قال ﷺ: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ وافضل العبادة وايّاه عنى.

٦٥٩ ٣٦٢٢٠ (۳۹)**فقه الرضا ﷺ ۳۴۵**: قال لي **العالم** ﷺ الدعاء افضل من قرائة القرآن لان اللّه عزّ وجلّ يقول: ﴿قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامَا﴾.

٦٦٠ ٣٦٢٢١ (۴۰)**عدّة الداعي ۱۴**: قال **الباقر** ﷺ لبريد بن معاوية بن وهب وقد سأله كثرة القرائة افضل ام كثرة الدعاء فقال ﷺ كثرة الدعاء افضل ثمّ قرأ: ﴿قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ﴾.

٦٦١ ٣٦٢٢٢ (۴۱)**المكارم ۲۶۸**: قال رسول اللّه ﷺ ما من شيء اكرم على اللّه تعالىٰ من الدّعاء.

٦٦٢ ٣٦٢٢٣ (۴۲)**كافي ۲/ ۴۶۷**: عِدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الاشعريّ عن **ابن القدّاح** عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال أمير المؤمنين ﷺ احبّ الأعمال إلى اللّه عزّ وجلّ في الأرض الدّعاء وافضل العبادة العفاف قال وكان أمير المؤمنين ﷺ رجلاً دعّاء **فلاح السائل ۲۷** عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ (عن جعفر بن محمد بن عبيداللّه عن عبداللّه بن ميمون **القدّاح** ـ ك) عن جعفر بن محمد عن أبيه عن عليّ ﷺ قال احبّ الأعمال (وذكر مثله إلى قوله العفاف).

٦٦٣ ٣٦٢٢٤ (۴۳)**مستدرك ۵/ ۱۷۰**: الشيخ جعفر بن أحمد القميّ في كتاب الغايات عن **جعفر** بن محمد عن أبيه ﷺ قال مِنْ احبّ الأعمال إلى اللّه تعالىٰ في الأرض الدعاء.

٦٦٤ ٣٦٢٢٥ (۴۴)وعن **بسطام** بن سابور قال قال لي أبوعبداللّه ﷺ يا أخا أهل الجبل ما من شيء احبّ إلى اللّه من ان يُسئل.

---

۱. تنجحوا ـ خ.

۶۵۶ (۳۶) حفص مؤذّن از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت در نامه‌ای که به اصحابش نوشت، چنین نوشت که: «همیشه ملازم دعا باشید چرا که مسلمانان به حاجاتی که نزد خدا دارند به وسیله‌ای بهتر از دعا و توجّه و تمایل به آن و زاری کردن در پیشگاه الهی و درخواست کردن از خدا، نخواهند رسید. پس با علاقه روی آورید به چیزی که خداوند شما را به آن ترغیب کرده و دعوت الهی را اجابت کنید تا رستگار شوید و از عذاب الهی نجات پیدا کنید.»

۶۵۷ (۳۷) در کتاب عدّة الداعی از پیامبرؐ نقل شده که فرمود: «برترین عبادت، دعاست و هر گاه خداوند به بنده‌ای اذن و توفیق دعا کردن داد، دَرِ رحمت خویش به رویش بگشاید. به راستی کسی با دعا هرگز هلاک نشود.»

۶۵۸ (۳۸) زراره از امام باقرؑ روایتی نقل کرده که حضرت در ضمن آن فرمود: [خداوند فرمود:] «آنان **که از روی تکبّر از عبادت من سر، باز می‌زنند به زودی خوار و ذلیل به جهنّم در آیند.**» با فضیلت‌ترین عبادت، دعاست و همین دعا را خداوند در این آیه اراده کرده است.»

۶۵۹ (۳۹) در کتاب فقه الرضاؑ آمده است: «عالمؑ به من فرمود: دعا کردن از قرآن خواندن بهتر است زیرا خداوندﷻ می‌فرماید: «[ای پیامبر] بگو: اگر دعا کردن شما نبود پروردگار من، اعتنایی به شما نمی‌کرد و شما دروغ پنداشتید و همین پندار به زودی دامن گیر شما خواهد شد.»

۶۶۰ (۴۰) در کتاب عدّة الداعی از امام باقرؑ نقل شده که: «برید بن معاویة بن وهب از امام باقرؑ سؤال کرد: آیا زیاد قرآن خواندن بهتر است یا زیاد دعا کردن؟ حضرت فرمود: زیاد دعا کردن بهتر است سپس این آیه را خواند که: «**بگو پروردگار من اگر همین دعاهای شما نبود اعتنایی به شما نمی‌کرد.**»

۶۶۱ (۴۱) در کتاب مکارم الاخلاق از رسول خداؐ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «چیزی نزد خداوند بلند مرتبه گرامی‌تر از دعا نیست.»

۶۶۲ (۴۲) ابن قدّاح از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «حضرت امیرمؤمنان علیؑ فرمود: محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند متعال در روی زمین دعاست و بهترین عبادت، عفّت و پاکدامنی است و امیرالمؤمنینؑ مردی بود که بسیار دعا می‌کرد.»

۶۶۳ (۴۳) شیخ جعفر بن احمد قمی در کتاب الغایات از امام جعفر بن محمّدؑ و او از پدرش نقل کرده که فرمود: «یکی از محبوب‌ترین کارها نزد خداوند متعال در روی زمین، دعاست.»

۶۶۴ (۴۴) بسطام بن سابور گوید: «حضرت صادقؑ به من فرمود: ای برادر کوهستان‌نشین! [بدان که] چیزی پیش خدا محبوب‌تر از این نیست که از او درخواست شود.»

٦٦٥ ٣٦٢٢٦ (۴۵) وعن **موسىٰ** بن جعفر عن آبائه عن أمير المؤمنينعليه السلام في حديث الشيخ الشامي انّ زيد بن صوحان سأله قال فأيّ عمل انجح قال طلب لما عنداللّه.

٦٦٦ ٣٦٢٢٧ (۴۶) **مستدرك** ۴۱۹/۱۸: الشيخ **أبوالفتوح** الرّازي في تفسيره مرسلاً انّ اللّه تعالى قال من دعاني اجبته ومن سألني اعطيته ومن اعطاني شكرته ومن عصاني سترته ومن قصدني ابقيته ومن عرفني خيّرته ومن احبّني ابتليته ومن احببته قتلته ومن قتلته فعليّ ديته ومن عليّ ديته فانا ديته.

وتقدّم في أحاديث باب (۱۶) استحباب قرائة القرآن والدعاء في الصلاة من أبواب القرائة مايدل على ذلك خصوصاً رواية معاوية (۱۰) والدعائم وفلاح السائل **وفي** رواية ابن محبوب (۲۵) من باب (۲) كيفيّة الركوع قوله قلت فأيّهما افضل كثرة القرائة او كثرة الدعاء فقال كثرة الدعاء **وفي** رواية الدعائم (۷) من باب (۱) فضل التعقيب من أبوابه قوله تعالىٰ وإلىٰ ربِّكَ فارغَبْ قالعليه السلام الدعاء بعد الفريضة ايّاك ان تدعه فانّ فضله بعد الفريضة كفضل الفريضة على النافلة (إلى ان قال) وافضل العبادة الدعاء **وفي** كثير من أحاديث هذا الباب ما يدلّ علي ذلك **وفي** أحاديث باب (۳) انه إذا فرغ المصلّي فليرفع يده إلى السماء **وباب** (۱۰) انه يستحبّ للمصلّي ان يمسح بيده موضع السجود **وباب** (۱۸) انّه يستحبّ للمصلّي ان يجلس في مصلاّه بعد صلاة الصبح **وباب** (۱۹) ما ورد من الدعاء بعد الانصراف من الوتر **وباب** (۲۰) استحباب الاضطجاع بعد نافلة الفجر ما يدلّ على استحباب الدعاء وفي احاديث باب (۲۷) استحباب السجدة لقضاء الحوائج ما يدلّ على استحباب الدعاء خصوصاً بالمأثور **وفي** أحاديث باب (۱۵) انّه لا بأس ان يتكلّم المصليّ في الفريضة بكلّ شيء يناجي به ربّه من أبواب ما يقطع الصلاة ما يدلّ علىٰ ذلك **وفي** أحاديث باب (۲) تحصين الاموال بالزّكاة من أبواب فضل الزكاة مايدلّ علىٰ ان الدعاء يدفع البلاء.

وفي أحاديث باب (۱) فضل شهر رمضان من أبواب فضل شهر رمضان.

وباب (۳) تعيين ليلة القدر ما يدلّ على استحباب الدعا في ليلة القدر **وفي** رواية الثمالى (۲۱) من باب (۷۶) الاستشفاء بتربة الحسينعليه السلام من أبواب زيارة المعصومين قولهعليه السلام ولا يعدل تربة الحسينعليه السلام بشيء من الاشياء يستشفي بها الاّ الدعاء.

۶۶۵ (۴۵) و از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که آن حضرت از پدران بزرگوارش و آن‌ها از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت در حدیث شیخ شامی پس از آن که زید بن صوحان از او پرسید: چه کاری موفقیت‌آمیزتر و نتیجه‌بخش‌تر است؟ فرمود: «خواستن آنچه که نزد خداست.»

۶۶۶ (۴۶) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش روایتی با حذف سند آورده است که: «خداوند بلند مرتبه فرموده است: هر کس مرا بخواند من جواب می‌دهم او را و هر کس از من درخواست کند، عطا کنم او را و هر کس در راه من احسانی کند من سپاسگزاری کنم او را و کسی که معصیت مرا کند، می‌پوشانم او را و هر کس قصد من و مرا مقصد خود کند، جاویدان می‌کنم او را و هر کس مرا بشناسد گزینش کرده‌ام او را و هر کس مرا دوست داشته باشد گرفتار سازم او را و کسی که من او را دوست داشته باشم او را خواهم کشت و کسی که من او را بکشم، دیه‌اش بر گردن من است و کسی که دیه‌اش بر گردن من باشد من خودم، دیه او هستم.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت باب شانزدهم از باب‌های قرائت آنچه بر آن دلالت می‌کند خصوصاً روایت دهم.

و در روایت بیست و پنجم از باب دوم این گفته که: «از حضرت پرسیدم کدام یک بهتر است زیاد قرآن خواندن یا زیاد دعا کردن؟ حضرت فرمود: زیاد دعا کردن بهتر است.»

و در روایت هفتم از باب یکم از باب‌های فضیلت تعقیبات نماز در ذیل آیهٔ شریفهٔ «والی ربّک فَارْغَبْ» یعنی: به سوی پروردگارت، با میل و رغبت روی آور. حضرت فرمود: «مقصود از این آیه، دعا خواندن بعد از نمازهای واجب است، مبادا آن را ترک کنی زیرا برتری دعا بعد از نماز واجب نسبت به اوقات دیگر مثل نسبت برتری نماز واجب بر نافله است تا آنجا که حضرت فرمود: دعا، بهترین عبادت است.»

و در روایات باب سوم، دهم، هجدهم، نوزدهم، بیستم آنچه بر استحباب دعا دلالت می‌کند.

و در باب بیست و هفتم آنچه بر استحباب دعا دلالت دارد.

و در روایات باب پانزدهم از باب‌های آنچه نماز را قطع می‌کند انچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایات باب دوم از باب فضیلت زکات مناسب آن هست.

و در روایات باب یکم از باب‌های فضیلت ماه رمضان و باب سوم مناسب با آن هست.

و در روایت بیست و یکم از باب هفتاد و ششم از باب‌های زیارت معصومین فرموده امام علیه السلام که: «تربت امام حسین علیه السلام با هیچ دارو و درمان شفابخشی قابل مقایسه نیست جز دعا.»

وفي رواية عبداللّه (۲۳) من باب (۴۳) ما ورد في ذمّ حبّ الدّنيا من أبواب جهاد النفس قوله فأيّ الكلام افضل عند اللّه قالﷺ كثرة ذكره والتضرع إليه ودعاؤه **وفي** رواية معاوية (۱۳) من باب (۵۹) وجوب الاعتصام باللّه تعالىٰ قوله تعالى ولَئِن شكرتُم لأزِيدَنَّكم أُدعوني أستجب لكم **وفي** رواية يعقوب (۲) من باب (۶۲) الحثّ على ان يحبّ الإنسان للنّاس ما يحبّ لنفسه قوله تعالى وأمّا الّتي بيني وبينك فعليك الدّعاء وعليَّ الإجابة **وفي** رواية أبي حمزة (۲۸) من باب (۶۳) اشتغال الانسان بعيب نفسه قولهﷺ وليس شيء احبّ اللّه من أن يسأل والدعاء يرد القضاء الذي ابرم ابراماً.

ويأتي في الآيات وأحاديث الباب التالي وما يتلوه وغيرهما من الابواب الآتية المربوطة بابواب الدعاء ما يدلّ على ذلك **وفي** رواية الراوندي (۲) من باب (۱) ما ورد من الامر بذكر اللّه تعالى من أبواب الذكر قوله تعالى انا مجيب مَنْ دعاني وغافر مَن استغفرني. **وفي** رواية عدّة الداعي (۴۴) قولهﷺ واعجز الناس فمن يعجز عن الدعاء **وفي** كثير من أحاديث باب (۳۹) استحباب اكثار الاستغفار مايدلّ علىٰ اجابة الدعاء وما ورد في فضل الدعاء واستحبابه اكثر ممّا ذكر، مثل ما ورد في أحاديث باب (۲) ما ورد من الدعاء عند استقبال الحَجَر من أبواب الطواف **وباب** (۴) وجوب الطواف **وباب** (۶۵) استحباب التعلق باستار الكعبة والدعاء بالمأثور **وباب** (۲) وجوب السعي بين الصفا والمروة من أبواب السعي. **وباب** (۲) انه يستحب للامام ان يصلي الظهر بمنىٰ من أبواب الاحرام بالحجّ **وباب** (۹) وقت الخروج من منىٰ إلى عرفات **وباب** (۴) استحباب التسبيح والتكبير والدعاء عند الوقوف بعرفات من أبواب الوقوف بها **وباب** (۱) وجوب الافاضة من عرفات إلى المشعر من أبواب الوقوف بالمشعر **وباب** (۶) وجوب الوقوف بالمشعر وغيرها.

(۲)
باب استحباب بثّ الحوائج كلّها إلى اللّه تبارك وتعالىٰ وتسميتها خصوصاً عند العشاء وقبل طلوع الشمس وغروبها وكراهة استكثارها او استصغارها

قال اللّه تعالى في سورة الفاطر (۳۵): ۱۵: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ﴾.

و در روایت بیست و سوم از باب چهل و سوم از باب‌های جهاد با سخن این گفته که: از حضرت می‌پرسند: چه سخنی نزد خداوند بهتر است؟ حضرت فرمود: ذکر فراوان خدا و تضرّع و زاری به درگاهش و دعا کردن و خواستن از پیشگاهش.»

و در روایت سیزدهم از باب پنجاه و نهم فرموده خداوند تعالی که: «**اگر شما سپاسگزار باشید من نعمتم را بر شما می‌افزایم**» و «**مرا بخوانید، پاسخ مثبت می‌دهم شما را.**»

و در روایت دوم از باب شصت و دوم فرموده خداوند متعال که: «امّا آنچه که در میان من و توست این است که بر تو است دعا کردن و بر من است اجابت نمودن.»

و در روایت بیست و هشتم از باب شصت و سوم فرموده امامعليه‌السلام که: «چیزی پیش خدا محبوب‌تر از این نیست که از او درخواست شود و اینکه دعا، قضا و قدر قطعی و حتمی را ردّ می‌کند.»

می‌آید:

در روایت دوم از باب یکم از باب‌های ذکر فرموده خداوند تعالی که: «من اجابت‌کننده هستم کسی را که مرا بخواند و آمرزنده هستم کسی را که از من طلب آمرزش کند.»

و در روایت چهل و چهارم فرموده امامعليه‌السلام که: «ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد.»

و در بسیاری از روایات باب سی و نهم آنچه بر اجابت دعا دلالت می‌کند و در روایات باب دوم از باب‌های طواف و باب چهارم و شصت و پنجم و باب دوم از باب‌های سعی و باب دوم از باب‌های احرام و باب چهارم از باب‌های وقوف و باب یکم و ششم از باب‌های وقوف مناسب آن هست.

باب ۲

استحباب مطرح کردن حوائج با نام و نشان به درگاه الهی

خداوند متعال فرموده است:

ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است.[1]

---

۱. فاطر ۱۵/۳۵.

يوسف (١٢): ٨٦: ﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشْكُواْ بَثِّي وَحُزْنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.

محمّد (٤٧): ٣٨: ﴿وَٱللَّهُ ٱلْغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ وَإِن تَتَوَلَّوْاْ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمْثَـٰلَكُم﴾.

وما تدلّ على ذلك من الآيات ايضاً تقدّمت في الباب المتقدّم فراجع.

٦٦٧ ٣٦٢٢٨ (١) **كافي** ٤٧٦/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن ابي عمير عن **أبي عبدالله** الفرّاء عن أبي عبدالله عليه السلام قال انّ اللّه تبارك وتعالى يعلم ما يريد العبد إذا دعاه ولكنّه يحبّ ان تبثّ إليه الحوائج فإذا دعوت فسمّ حاجتك.

٦٦٨ ٣٦٢٢٩ (٢) وفي **حديث** آخر قال قال انّ اللّه عزّ وجلّ يعلم حاجتك وماتريد ولكن يحبّ ان تبثّ إليه الحوائج.

٦٦٩ ٣٦٢٣٠ (٣) **نهج البلاغة** ٩١٤: (في وصيّته **للحسن** عليه السلام) واعلم انّ الذي بيده خزائن السماوات والأرض قد أذن لك في الدعاء وتكفّل لك بالاجابة وأمرك ان تسأله ليعطيك وتسترحمه ليرحمك ولم يجعل بينك وبينه مَن يحجبه عنك ولم يلجئك إلى من يشفع لك إليه ولم يمنعك ان أسأتَ من التوبة ولم يعاجلك بالنقمة ولم يفضحك حيث الفضيحة بك أولىٰ ولم يشدّد عليك في قبول الإنابة ولم يناقشك بالجريمة.

ولم يؤيسك من الرحمة بل جعل نُزُوعَك عن الذنب حسنة وحسب سيّئتك واحدة وحسبَ حسنتك عشراً وفتح لك باب المتاب وباب الاستيعاب فإذا ناديته سمع نداءك وإذا ناجيته علم نجواك فافضيت إليه بحاجتك وابثثته ذات نفسك وشكوت إليه همومك واستكشفته كروبك واستعنته علىٰ امورك وسألته من خزائن رحمته ما لا يقدر علىٰ اعطائه غيره من زيادة الأعمار وصحّة الأبدان وسعة الأرزاق.

[حضرت یعقوب] گفت: من شکایت غم و اندوه خود را فقط پیش خدا می‌برم و از [عنایات و الطاف] خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.[1]

و خدا بی نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید خدا جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.[2]

و آیات دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارد که در باب قبلی ذکر شد.

۶۶۷ (۱) ابوعبدالله فرّاء از امام صادق‌ؑ روایت کرده که فرمود: «خداوند متعال دقیقاً خواستهٔ بنده را وقتی دعا می‌کند، می‌داند ولی دوست دارد که تو وقتی دعا می‌کنی حاجاتت را برایش مطرح کنی پس حاجاتت را یکی یکی نام ببر.»

۶۶۸ (۲) در حدیث دیگری حضرت فرمود: «خداوند‌ﷻ حاجت تو را و خواسته‌ات را می‌داند ولی دوست دارد که حاجت‌ها را جدا جدا با او در میان گذاری.»

۶۶۹ (۳) در کتاب نهج البلاغه در وصیّت‌نامه حضرت علی‌ؑ به فرزندش امام حسن‌ؑ آمده است که حضرت مکتوب فرمودند: «بدان آن خدایی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین در دست اوست، به تو اجازهٔ درخواست کردن داده است و اجابت کردن آن را ضمانت کرده است و به تو فرمان داده که از او بخواهی تا خواسته‌ات را بدهد و از او طلب رحمت کنی تا تو را مورد رحمت قرار دهد و میان تو و خودش نگهبانی نگذاشته تا مانع رسیدن تو به او شود و تو را مجبور نکرده که حتماً باید واسطه و شفیعی با خود ببری و اگر بدی کردی راه توبه را بر تو مسدود نکرده و با عجله تو را به عذاب مبتلا نکرده و آنجا که مستحق رسوا شدن هستی تو را رسوا نکرده و در پذیرش توبه و انابه سخت‌گیری نکرده و تو را به خاطر جرائم و گناهانت به پای محاکمه و حساب نکشیده.

و تو را از رحمت خویش ناامید نکرده بلکه دست کشیدن از گناه را حسنه برایت قرار داده است. یک گناهت را یک گناه حساب کرده ولی یک حسنه و خوبی‌ات را ده برابر به حساب آورده و راه بازگشت از گناه و عذرخواهی و روی به خدا آوردن را به رویت باز نگاه داشته. پس هر گاه او را صدا بزنی صدایت را می‌شنود و هر گاه با او آرام سخن بگویی، نجوایت را می‌فهمد پس حاجت خویش به پیش او ببر و درد دلت را با او مطرح کن و از غم و غصّه‌هایت به پیش او شکایت کن و از او بخواه تا این غم و غصّه‌ها را از تو بزداید و از او در همهٔ کارهایت کمک بخواه و از گنجینه‌های رحمتش چیزی بخواه که دیگری بر دادن آن قادر نیست از قبیل عمر طولانی، تندرستی و روزی فراخ.

---

۱. یوسف ۸۶/۱۲. ۲. محمّد ۳۸/۴۷.

ثمّ جعل في يديك مفاتيح خزائنه بما أذن لك فيه من مسألته فمتىٰ شئت استفتحت بالدعاء أبواب نعمته واستمطرت شآبيب رحمته فلا يقنطنّك إبطاء اجابته فانّ العطيّة علىٰ قدر النيّة وربما أخّرت عنك الإجابة ليكون ذلك أعظم لأجر السائل وأجزل لعطاء الآمل وربما سألت الشيء فلا تؤتاه واوتيت خيراً منه عاجلاً او آجلاً أو صُرِفَ عنك لما هو خير لك فلربّ امر قد طلبته فيه هلاك دينك لو اوتيته فلتكن مسألتك فيما يبقي لك جماله وينفي عنك وباله فالمال لا يبقي لك ولا تبقىٰ له **مستدرك ۱۷۴/۵**: ورواه السيّد علي بن طاووس في كشف المحجّة باسناده إلى الكليني في رسائله باسناده عن جعفر بن عنبسة عن عباد بن زياد الأسدي عن **عمرو** بن أبي المقدام عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

٦٧٠ ٣٦٣٣١ (۴) **المحاسن ۲۹۳**: البرقي عن محمد بن علي عن عبدالرّحمن بن محمد ابن أبي هاشم عن **عنبسة** العابد عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ اللّه يحبّ العبد ان يطلب إليه في الجرم العظيم ويبغض العبد ان يستخفّ بالجرم اليسير.

٦٧١ ٣٦٣٣٢ (۵) **مستدرك ۱۷۵/۵**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال انّ اللّه ليمسك الخير الكثير عن عبده فيقول لا اعطيه حتّىٰ يسئلني.

٦٧٢ ٣٦٣٣٣ (۶) **وسائل ۳۳/۷**: الحسين بن سعيد في (كتاب الزهد) عن فضالة عن **فضيل** بن عثمان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له أوصني قال اوصيك بتقوىٰ اللّه وصدق الحديث واداء الأمانة وحسن الصحابة لمن صحبك وإذا كان قبل طلوع الشمس وقبل الغروب فعليك بالدعاء واجتهد ولا يمنعك من شي تطلبه من ربّك ولا تقول هذا مالا اعطاه وادع فانّ اللّه يفعل ما يشاء.

٦٧٣ ٣٦٣٣٤ (۷) **مستدرك ۲۸۲/۵**: السيّد عليّ بن طاوُوس في كتاب **المجتنىٰ** نقلاً من كتاب دفع الهموم والأحزان تأليف أحمد بن داود **النعماني** عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال من كانت له حاجة فليطلبها في العشاء فانّه لم يعطها احد من الامم قبلكم يعني العشاء الآخرة.

٦٧٤ ٣٦٣٣٥ (۸) **كافي ۴۶۷/۲**: أبو عليّ الاشعريّ عن محمد بن عبدالجبّار عن ابن أبي نجران عن **سيف** التّمّار قال سمعت ابا عبداللّه عليه السلام يقول عليكم بالدّعاء فإنّكم لاتقربون بمثله ولا تتركوا صغيرة لصغرها ان تدعوا بها انّ صاحب الصغر هو صاحب الكبار. **امالى المفيد ۲۰**: قال أخبرني أبو غالب الزراري قال حدّثنا عبداللّه بن محمد بن خالد قال حدثنا عبدالرّحمن ابن أبي نجران قال حدثنا صفوان عن **سيف** التّمّار عن أبي عبداللّه جعفر بن محمد عليه السلام قال سمعته يقول عليكم بالدعاء (وذكر نحوه).

آنگاه کلیدهای گنجینه‌هایش را در دستان تو قرار داده به خاطر اینکه به تو اجازه داده تا از او درخواست کنی. پس هرگاه بخواهی می‌توانی با دعا درهای نعمتش را بگشایی و از ابرهای رحمتش باران بجویی.

پس زنهار! مبادا تأخیر در اجابت، تو را ناامید کند زیرا عطای الهی به اندازهٔ نیّت تو است و چه بسا که اجابت دعای تو، به تأخیر می‌افتد تا پاداش دعا کننده و درخواست کننده بزرگتر شود و عطای الهی نسبت به این شخص امیدوار، فراوان‌تر گردد [به علاوه] اتفاق می‌افتد که تو از خداوند چیز معیّنی خواسته‌ای ولی به تو داده نمی‌شود بلکه بهتر از آن به تو، فوری و نقدی یا در آینده داده خواهد شد یا بلایی از تو دفع می‌شود که بهتر از آن چیزی است که تو خواسته‌ای.

چه بسا چیزی که تو آن را طلب کرده‌ای اگر به تو داده شود ایمانت از بین برود. پس باید همیشه چیزی از خدا بخواهی که جمال و زیبایی‌اش همیشه پایدار بماند و وزر و وبالش بر گردن تو نباشد.

مال و ثروت برای تو باقی نماند و تو نیز برای آن باقی نمانی.»

۶۷۰ (۴) عنبسه عابد از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «خداوند دوست دارد بنده‌ای را که گناه بزرگی انجام داده ولی از او طلب عفو می‌کند و بدش می‌آید از بنده‌ای که گناه کوچکی انجام داده ولی آن را سبک می‌شمارد.»

۶۷۱ (۵) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند خیر کثیر و نعمت بزرگی می‌خواهد به بنده‌اش بدهد ولی آن را نزد خود نگاه می‌دارد و می‌گوید: تا از من درخواست نکند به او ندهم.»

۶۷۲ (۶) فُضَیل بن عثمان از امام صادقعليه السلام روایت کرده که گفت: «به آن حضرت عرض کردم: به من توصیه‌ای بفرمائید. فرمود: تو را توصیه می‌کنم به تقوای الهی و راستگویی و آدای امانت و خوشرفتاری با کسی که با او معاشرت می‌کنی و چون پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن فرا رسد پس تو، به دعا بپرداز و تلاش کن، مبادا چیزی مانع شود از دعا کردن و درخواست کردن از پروردگارت و نگویی این خواسته به من داده نمی‌شود، تو دعا کن زیرا خداوند آنچه خود بخواهد انجام خواهد داد.»

۶۷۳ (۷) ابن طاووس در کتاب المجتنی از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس حاجتی دارد، باید در نماز عشاء آن را از خدا بخواهد زیرا نماز عشاء به هیچ اُمّتی پیش از شما داده نشده است.»

۶۷۴ (۸) سیف تمار گوید: «از حضرت صادقعليه السلام شنیدم که فرمود: همیشه دعا کنید زیرا شما با هیچ عمل دیگری به اندازهٔ دعا به خدا نزدیک نمی‌شوید و مبادا برای خواسته‌های کوچک به خاطر کوچکی‌شان دعا را ترک کنید زیرا همان که بخشنده خواسته‌های کوچک است، همو بخشنده خواسته‌های بزرگ است.»

همین روایت را مرحوم شیخ مفید نیز در کتاب أمالی اش ذکر کرده است.

٦٧٥ ٣٦٢٣٦ (٩) **المكارم** ٣١٧: عن **أبي جعفر**ؑ قال انّ التّضرّع والصلاة من اللّه تعالىٰ بمكان إذا كان العبد ساجداً فان سالت دموعه فهنالك تنزل الرحمة فاغتنموا في تلك الساعة المسألة وطلب الحاجة ولا تستكثروا شيئاً ممّا تطلبون فما عنداللّه اكثر ممّا تقدرون ولا تحقّروا صغيراً من حوائجكم فانّ احبُّ المؤمنين إلى اللّه تعالى اسألهم.

٦٧٦ ٣٦٢٣٧ (١٠) **عدّة الداعي** ١٢٣: ففي الحديث القدسي يا **موسىٰ** سلني كلّما تحتاج إليه حتّىٰ علف شاتك وملح عجينك.

٦٧٧ ٣٦٢٣٨ (١١) **المكارم** ٢٧٠: وقال (**النبيّ**ﷺ) سَلُوا اللّه عزّ وجلّ ما بدالكم من حوائجكم حتّىٰ شسع النعل فانّه ان لم ييسّره لم يتيسّر وقال ليسأل احدكم ربّه حاجته كلّها حتى يسأله شسع نعله إذا انقطع.

٦٧٨ ٣٦٢٣٩ (١٢) **مستدرك** ١٧٢/٥: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن **انس** بن مالك قال قال رسول اللّهﷺ ليكون لأحدكم الحاجة فليطلبها من اللّه تعالىٰ حتّىٰ لو انقطع شسع نعل احدكم يستعين باللّه في اصلاحه.

٦٧٩ ٣٦٢٤٠ (١٣) **وسائل** ٣٢/٧: محمد بن أبي القاسم الطبري في (بشارة المصطفىٰ) عن إبراهيم بن الحسين الوفا عن محمد بن الحسين بن عتبة عن محمد بن الحسين الفقيه عن محمد بن وهبان عن علي بن حبشي عن أحمد بن محمد بن عبدالرحمن عن يحيىٰ بن زكريّا عن نصر بن مزاحم عن **محمد** بن عمران بن عبدالكريم عن أبيه عن جعفر بن محمد عن أبيهؑ (في حديث) قال واللّه انّي لأُحبّ ريحكم وارواحكم وانّكم لعلىٰ دين اللّه فأعينونا بورع واجتهاد.

(إلى ان قال) ألا ومن سأل منكم حاجة فله بها مأة حاجة ألا ومن دعا منكم فدعوته مستجابة.

وتقدم في رواية إبراهيم (٣٢) من باب (٣٦) تحريم السؤال من أبواب ما يتأكد استحبابه من الحقوق في كتاب الزكاة ج ٩ قولهؑ وليس شيء احبّ تعالىٰ من ان يسأل فلا يستحي احدكم ان يسأل اللّه من فضله ولو شسع نعل.

وفي أحاديث الباب المتقدّم والتّالي ما يدلّ علىٰ ذلك.

۶۷۵ (۹) در کتاب مکارم الاخلاق از امام باقر علیه السلام روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «تضرّع، زاری و نماز در پیشگاه الهی منزلت بالا و ارزش والایی دارد. [خصوصاً] وقتی بنده در حال سجده است، اگر اشک‌هایش سرازیر شود، رحمت الهی در آن وقت نازل می‌شود، پس در آن لحظه درخواست کردن و حاجت خواستن از خدا را غنیمت بشمارید و مبادا چیزهایی را که از خدا می‌خواهید زیاد بشمارید زیرا در خزانه‌های الهی برای شما خیلی بیشتر از آن چیزهایی است که شما از خدا خواسته‌اید و هیچ حاجتی از حاجات‌تان را حقیر و کوچک نشمارید [برای حاجات کوچک هم دعا کنید] زیرا محبوب‌ترین مؤمن پیش خداوند متعال کسی است که از همه بیشتر دعا کند و از خدا نعمت بخواهد.»

۶۷۶ (۱۰) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی ذکر کرده که: «در حدیث قدسی آمده است: ای موسی! هر چه نیاز داری از من بخواه حتّی علوفهٔ گوسفندت و نمک خمیرت را.»

۶۷۷ (۱۱) در کتاب مکارم الاخلاق نقل شده است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر حاجت و نیازی که برای‌تان پیش می‌آید از خداوند عزّ و جلّ بخواهید حتّی بند کفش زیرا تا خدا آن را فراهم نکند فراهم نمی‌شود.»

و فرمود: «باید همهٔ شما هر حاجتی دارید از پروردگارتان بخواهید حتی اگر بند کفش‌تان پاره شده، آن را از خدا بخواهید.»

۶۷۸ (۱۲) انس بن مالک از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر کس از شما حاجتی دارد باید آن را از خداوند متعال بخواهد تا آنجا که اگر بند کفش یکی از شما قطع شد برای درست کردن آن از خدا کمک بخواهید.»

۶۷۹ (۱۳) محمد بن عمران بن عبد الکریم از پدرش و او از امام جعفر صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت ضمن سخنانی فرمود: «به خدا که من رایحه و روح شما را دوست دارم و شما هستید که در حقیقت بر دین خدا هستید پس ما را با پرهیزگاری و کوشش و تلاش کمک کنید.»

(تا آنجا که حضرت روحی له الفداء) فرمود: آگاه باشید! هر یک از شما [شیعیان] یک حاجت از پروردگار بخواهد، خدا صد حاجت به او دهد. آگاه باشید! هر کس از شما [شیعیان] دعا کند دعایش مستجاب خواهد شد.

ارجاعات

گذشت:

در روایت سی و دوم از باب سی و ششم از باب‌های استحباب موکد از حقوق در کتاب زکات فرموده امام علیه السلام که: «کاری پیش خدا محبوب‌تر از این نیست که از او درخواست شود پس هیچ یک از شما از درخواست کردن از فضل خداوند متعال، خجالت نکشد گرچه بند کفشی باشد.»

و در روایات باب پیشین و بعدی آنچه بر آن دلالت می‌کند.

(۳)

باب انّ الدعاء سلاح المؤمن وانّه أنفذ من سلاح الحديد ويدفع شرّ الأعداء وتردّ البلاء قبل نزوله وعند نزوله و بعده

٦٨٠ ٢٦٢٤١ (۱) **كافي** ۴۶۸/۲: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن فضالة بن ايّوب عن **السكوني** عن أبي عبدالله عليه السلام قال قال النبيّ صلى الله عليه وآله الا ادلّكم علىٰ سلاح ينجيكم من اعدائكم ويدرّ ارزاقكم قالوا بلىٰ قال تدعون ربّكم باللّيل والنّهار فانّ سلاح المؤمن الدعاء. **الثواب** ۴۵: أبي رحمه الله قال حدثني محمد بن يحيىٰ العطّار قال حدثني العمركي البوفكي عن **علي** بن جعفر عن اخيه موسىٰ بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عليهما السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله الا ادلّكم (وذكر نحوه) **الجعفريات** ۲۲۲: باسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لا ادلّكم (وذكر نحوه).

٦٨١ ٢٦٢٤٢ (۲) **مستدرك** ۱۶۴/۵: السيّد علي بن طاوُوس في فلاح السائل باسناده عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن إبراهيم بن هاشم والبرقي والحسين بن علي عن عبداللّه بن المغيرة عن النوفلي عن **السكوني** عن جعفر عن أبيه (نحوه وزاد) **وفي** حديث آخر عن الصادق عليه السلام أنّ الدعاء أنفَذُ من سلاح الحديد.

٦٨٢ ٢٦٢٤٣ (۳) **كافي** ۴۶۸/۲: بالاسناد المتقدّم في الباب عن **السكوني** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله الدعاء سلاح المؤمن وعمود (عماد ـ عيون) الدّين ونور السماوات والأرض **العيون** ۳۷/۲: باسناده المتقدّم في باب (۲۲) حرمة الزكاة علىٰ من انتسب إلى هاشم بابيه ج ۹ عن عبداللّه بن أحمد وأحمد بن عبداللّه الهروي وداود بن سليمان الفرّاء عن الرضا عن آبائه عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله مثله مستدرك ۱۶۵/۵: السيّد عليّ بن طاووس في فلاح السائل بالاسناد المتقدم في الباب عن **السكوني** عن جعفر عن أبيه عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله مثله.

٦٨٣ ٢٦٢٤٤ (۴) **الجعفريات** ۲۲۲: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله الدعاء سلاح المؤمن وعمود الدين وزين ما بين السّماء والأرض. **المجازات النبوية** ۲۱۰: ومن ذلك قوله عليه الصلاة والسلام الدعاء سلاح المؤمن وعمود الدّين.

٦٨٤ ٢٦٢٤٥ (۵) **مستدرك** ۱۶۷/۵: القطب **الراوندي في** لبّ اللّباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال تدعون ربّكم باللّيل والنّهار فانّ سلاح المؤمن الدعاء.

باب ۳

دعا، سلاح مؤمن

۶۸۰ (۱) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: آیا راهنمایی کنم شما را به سلاحی که شما را از دشمنان‌تان نجات دهد و رزق و روزی شما را فراوان گرداند؟ گفتند: بله. فرمود: شب و روز پروردگارتان را بخوانید و دعا کنید زیرا بی گمان دعا، اسلحهٔ مؤمن است.»

این حدیث شریف در کتاب ثواب الاعمال و جعفریّات نیز آمده است.

۶۸۱ (۲) سکونی از حضرت صادق آل محمّدؑ و او از پدر بزرگوارش باقر العلوم عین همین سخن قبلی را روایت کرده و در حدیث دیگری از امام صادقؑ افزوده که: «دعا از اسلحهٔ آهنی، بزّنده‌تر و مؤثّرتر است [یعنی در دفع دشمنان و بلاها]»

۶۸۲ (۳) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: دعا اسلحهٔ مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.»

۶۸۳ (۴) در کتاب الجعفریّات به صورت مستند از علی بن ابی طالبؑ روایت شده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: دعا اسلحهٔ مؤمن، ستون دین و زیور تمام موجودات بین آسمان و زمین است.»

در کتاب مجازات النبویّه نیز این روایت نقل شده که پیامبرﷺ فرمود: «دعا، اسلحهٔ مؤمن و ستون دین است.»

۶۸۴ (۵) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود: «شب و روز، پروردگار خود را بخوانید زیرا اسلحهٔ مؤمن دعاست.»

٦٨٥ (۶) كـافي ۴۶۸/۲: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فـضّال عـن بـعض
٦٢٤٤٦ أصحابنا عن الرّضا عليه السلام انّه كان يقول لأصحابه عليكم بسلاح الأنبياء فقيل وما سلاح الأنبياء قال الدعاء.

٦٨٦ (۷) **كافي** ۴۶۹/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن عبداللّه بن المغيرة عن **أبى سعيد** البجلّي
٣٦٢٤٧ قال قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ الدعاء انفذ من السّنان.

٦٨٧ (۸) **كافي** ۴۶۹/۲: عنه عن أبيه عن ابن أبي عمير عـن **عـبداللّـه** بـن سـنان عـن أبـي
٣٦٢٤٨ عبداللّه عليه السلام قال الدعاء انفذ من السنان الحديد.

٦٨٨ (۹) **كافي** ۴۶۸/۲: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن فضالة بن
٣٦٢٤٩ ايّوب عن **السكوني** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال أميرالمؤمنين عليه السلام الدعاء مـفاتيح النـجاح ومقاليد الفلاح وخير الدعاء ما صدر من صدر تقيّ وقلب تقيّ وفي المناجاة سبب النـجاة وبالاخلاص يكون الخلاص فاذا اشتدّ الفزع فالىٰ اللّه المفزع.

٦٨٩ (۱۰) **الجعفريات** ۲۲۱: باسناده عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله داووا
٣٦٢٥٠ مرضاكم بالصدقة وردّوا أبواب البلاء بالدّعاء.

٦٩٠ (۱۱) **المكارم** ۲۷۰: من الفردوس قال **النبيّ** صلى الله عليه وآله البلاء يتعلّق بين السماء والأرض مثل القنديل
٣٦٢٥١ فإذا سأل العبد ربّه العافية صرف اللّه عنه البلاء **الجعفريات** ۲۲۰: باسناده عن **عـلي** بـن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ البلاء يتعلّق (وذكر نحوه وزاد) وقد ابرم له ابراماً.

٦٩١ (۱۲) **الجعفريات** ۲۲۱: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ البلاء
٣٦٢٥٢ ليتسبّب إلى العبد فيسئل ربّه العافية ويذكره سقا[1] العافية والدعاء ـ(و ـ ظ) البلاء يتوافقان إلى يوم القيامة.

٦٩٢ (۱۳) **كافي** ۴۷۲/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن ابن سنان عن **عنبسة**
٣٦٢٥٣ عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من تخوّف بلاء يصيبه فتقدّم[2] فيه بالدعاء لم يره[3] اللّه عزّ وجلّ ذلك البلاء ابداً **فلاح السائل** ۲۹: الحسين بن سعيد عن محمد بن سنان عن **عنبسة** قال سمعت ابا عبداللّه عليه السلام يقول من تخوّف (وذكر مثله).

---

۱. ويذكره فيبقى العافية والدعاء والبلاء يتوافقان إلى يوم القيامة ـ ك. ۲. فيقوم ـ فلاح السائل.
۳. لم يُرد ـ خ.

۶۸۵ (۶) ابن فضّال از بعضی از اصحاب ما [شیعیان] و او از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که حضرت به اصحاب خود می‌فرمود: «همیشه مسلّح به اسلحهٔ پیامبران باشید. از حضرت سؤال شد: اسلحهٔ پیامبران چیست؟ فرمود: دعا.»

۶۸۶ (۷) ابوسعید بجلی از حضرت صادق آل محمّد صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «دعا از نیزه [برای دفع دشمن و بلایا] نافذتر و مؤثّرتر است.»

۶۸۷ (۸) عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «دعا از نیزهٔ آهنین نافذتر و کارگرتر است.»

۶۸۸ (۹) سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دعا کلید رسیدن به مقصد و گنجینهٔ رستگاری است و بهترین دعا، دعایی است که از سینه‌ای پاک و دلی پرهیزگار برخیزد و با مناجات نجات یابی و با اخلاص، خلاص گردی و هر گاه که درد و بلا زیاد شد پس باید به خدا پناه آورد.»

۶۸۹ (۱۰) در کتاب الجعفریّات به صورت مستند از علی بن ابی طالب علیه السلام روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیماران خود را با صدقه مداوا کنید و انواع بلا و گرفتاری را با دعا از خود برگردانید.»

۶۹۰ (۱۱) در کتاب مکارم الاخلاق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود: «بلا و گرفتاری همانند لوستر در میان آسمان و زمین آویزان است و چون بنده از پروردگارش عافیت بخواهد خداوند بلا را از او بگرداند.»

۶۹۱ (۱۲) در کتاب الجعفریّات از علیّ بن ابی طالب علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بلا به طور قطعی از طریق اسباب به بنده می‌رسد و چون بنده از پروردگارش عافیت بخواهد و به ذکر خدا روی آورد در عافیت باقی می‌ماند و دعا، بلا را تا روز قیامت متوقّف می‌کند.»

۶۹۲ (۱۳) عنبسه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس می‌ترسد که بلا و گرفتاری دامنگیر او شود پس پیشاپیش برای دفع آن بلا به دعا کردن بپردازد، خداوند عزّوجلّ هیچ گاه آن بلا را برای او پیش نخواهد آورد.»

٦٩٣ (١٤) **الخصال** ٦٢١: باسناده المتقدّم في باب (١) فضل الصلاة عن **علي** عليه السلام في (**حديث الأربعمأة**) انّه قال ادفعوا امواج البلاء عنكم بالدعاء قبل ورود البلاء فوالّذي فلق الحبّة وبرأ النسمة للبلاءُ اسرع إلى المؤمن من انحدار السّيل من اعلىٰ التّلعة [1] إلى اسفلها ومن ركض البراذين [2] سلوا اللّه العافية من جهد البلاء فانّ جهدّ البلاء ذهاب الدين مستدرك ١٦٧/٥: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن عليّ أمير المؤمنين ادفعوا امواج البلاء بالدعاء.
٢٦٢٥٤

٦٩٤ (١٥) **وسائل** ٤٠/٧: علي بن موسىٰ بن جعفر بن طاووس في (مهجّ الدعوات) عن محمد بن عبداللّه بن يزيد **النهشلي** عن أبي الحسن موسىٰ بن جعفر عليه السلام قال التّحدّث بنعم اللّه شكر وترك ذلك كفر فارتبطوا نعم ربّكم بالشكر وحصّنوا اموالكم بالزكاة وادفعوا البلاء بالدعاء فانّ الدعاء جنّة منجية تردّ البلاء وقد ابرم [3] ابراماً.
٢٦٢٥٥

٦٩٥ (١٦) **مستدرك** ١٨٠/٥: السيّد علي بن طاووس في فلاح السّائل عن الحسين عن **الوشّاء** عن الرّضا عن أبيه عليهما السلام قال انّ الدعاء يستقبل البلاء فيتوافقان الىٰ يوم القيامة.
٢٦٢٥٦

٦٩٦ (١٧) **كافي** ٤٧٢/٢: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن علي بن الحكم عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من تقدّم في الدعاء استجيب له إذا نزل به البلاء وقالت الملائكة صوت معروف ولم يحجب عن السّماء ومن لم يتقدّم في الدعاء لم يستجب له إذا نزل به البلاء وقالت الملائكة انّ ذا الصوت لا نعرفه.
٢٦٢٥٧

٦٩٧ (١٨) **فلاح السائل** ٤٢: محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن **أحمد** بن محمد بن أبي نصر عن أبي الحسن عليه السلام قال كان علي بن الحسين عليه السلام يقول من تقدّم في الدعاء قبل ان ينزل به البلاء ثمّ استجيب له ومن لم يتقدّم في الدعاء ثمّ نزل به البلاء لم يستجب له.
٢٦٢٥٨

٦٩٨ (١٩) **كافي** ٤٧٢/٢: (عِدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن عبيداللّه [4] بن يحيىٰ عن رجل عن عبدالحميد بن غواص [5] الطائي عن **محمد** بن مسلم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان جَدّي يقول تقدّموا في الدّعاء فانّ العبد إذا كان دعّاءً فنزل به البلاء فدعا قيل صوت معروف وإذا لم يكن دعّاءً فنزل به البلاء قيل اين كنت قبل اليوم **اختصاص** ٢٢٣ عن **محمد** بن مسلم عن أبي عبداللّه عليه السلام (نحوه).
٢٦٢٥٩

---

١. التُلعة: ما علا من الأرض. ٢. رَكضَ: اي عدا وحرّك رجليه. ٣. ابرمتُ الشيء: احكمتُه ـ المبرم: المحكم.
٤. عبداللّه ـ خ. ٥. عواض ـ خ.

۶۹۳ (۱۴) در کتاب الخصال از علیؑ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «امواج بلا را پیش از رسیدن از خودتان با دعا دفع کنید چرا که سوگند به خدایی که دانه را می‌شکافد [و گیاه از درونش سبز می‌کند] و انسان را می‌آفریند، بلا به سوی مؤمن از سرازیر شدن سیل از بالای تپّه به پایین آن، تندتر است و از دویدن اسب نیز سریع‌تر است. پس از خدا بخواهید که شما را از بلای به زانو درآورنده عافیت بخشد زیرا بلای به زانو در آورنده یعنی از بین رفتن ایمان.»

۶۹۴ (۱۵) محمد بن عبدالله نهشلی از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفرؑ روایت کرده که فرمود: «ذکر نعمت‌های الهی و گفتن آن‌ها، شکر و سپاس‌گزاری از آن‌ها است و ترک آن، ناسپاسی است پس نعمت‌های پروردگارتان را با شکر به بند بکشید و مال و ثروت خودتان را با زکات در حصار و سنگر محکم قرار دهید و از بلا با دعا جلوگیری کنید زیرا دعا سپری نجات بخش است و بلای مقدّر شدهٔ حتمی را برگرداند.»

۶۹۵ (۱۶) وشّاء از امام رضاؑ و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام موسی بن جعفرؑ روایت کرده که فرمود: «دعا پیشاپیش به جلوی بلا می‌آید و آن را تا روز قیامت متوقّف می‌کند.»

۶۹۶ (۱۷) هشام بن سالم از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «کسی که اهل دعا است و پیشاپیش دعا می‌خواند وقتی که بلا و گرفتاری بر او فرود آید [و دعا کند] فرشتگان می‌گویند: این یک صدای آشناست و دعایش از آسمان محجوب نگردد [و مستجاب می‌شود] ولی وقتی کسی اهل دعا نباشد و جلوتر دعا نکند، تا بلا بر او نازل شود [و آنگاه دعا کند] دعایش مستجاب نمی‌شود و فرشتگان می‌گویند: ما صاحب این صدا را نمی‌شناسیم و صدایش برای ما آشنا نیست.»

۶۹۷ (۱۸) محمد بن ابی نصر از امام موسی کاظمؑ روایت کرده که فرمود: «امام سجّاد علی بن الحسینؑ می‌فرماید: کسی که پیش از این که بلایی او را گرفتار کند پیشاپیش دعا کند [اگر بلا نازل شود و برای دفع آن دعا کند] دعایش مستجاب گردد ولی کسی که از قبل اهل دعا نبوده و به محض آمدن بلا [شروع به دعا کردن می‌کند] دعایش مستجاب نگردد.»

۶۹۸ (۱۹) محمد بن مسلم از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «جدّم امام سجّادؑ می‌فرمود: جلو به جلو دعا کنید زیرا وقتی بنده، اهل دعا باشد و زیاد دعا کند چون بلایی بر او نازل شود و او برای دفع آن، دعا کند گفته شود: صدای آشنایی است و هر گاه بنده، اهل دعا نباشد و بلایی نازل گردد و آنگاه او دعا کند، گفته می‌شود: تا امروز کجا بودی؟»

٦٩٩ (۲۰) **فلاح السّائل** ٤٢: محمد بن الحسن بن الوليد عن أحمد بن ادريس عن سلمة بن الخطّاب ٢٦٣٦٠
عن محمد بن بكر عن زكريّا عن **سلام النخاس** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا دعا العبد في البلاء ولم يدع في الرخاء حجبت الملائكة صوته وقالوا هذا صوت غريب اين كنت قبل اليوم.

٧٠٠ (۲۱) **الخصال** ٦١٨: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن **عليّ** عليه السلام في (حديث ٢٦٣٦١
الأربعمأة) انّه قال تقدّموا في الدعاء قبل نزول البلاء.

٧٠١ (۲۲) **طبّ الأئمّة** ١٥: حدثنا أبوعتاب عبداللّه بن بسطام قال حدثنا محمد بن خلف قال ٢٦٣٦٢
حدّثنا الوشّاء قال حدّثنا عبداللّه بن سنان عن اخيه **محمد** بن سنان قال قال جعفر بن محمد عليهما الصلاة والسلام ما من احد تخوّف البلاء فتقدّم فيه بالدعاء إلّا صرف اللّه عنه ذلك البلاء أما علمت أنّ أمير المؤمنين عليه السلام قال انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال يا عليّ قلت لبّيك يا رسول اللّه قال انّ الدعاء يردّ البلاء وقد ابرم ابراماً.

٧٠٢ (۲۳) **ارشاد المفيد** ٢٥٩: أخبرني أبو محمد الحسن بن محمد عن جدّه قال حدّثنا داود بن ٢٦٣٦٣
القاسم قال حدّثنا الحسين بن زيد عن عمّه عمر بن عليّ عن أبيه عليّ بن الحسين عليهما السلام انّه كان يقول لم ارَ مثل التقدّم في الدعاء فانّ العبد ليس تحضره الإجابة في كلّ وقت وكان ممّا حفظ عنه عليه السلام من الدعاء حين بلغه توجّه مسرف بن عقبة إلى المدينة (ربِّ كم من نعمة انعمت بها عليّ قلّ لك عندها شكري وكم من بليّة ابتليتني بها قلّ لك عندها صبري فيا من قلّ عند نعمته شكري فلم يحرمني ويا من قلّ عند بلائه صبري فلم يخذلني ياذا المعروف الّذي لا ينقطع ابداً وياذا النعماء التي لا تحصىٰ عدداً صلّ علىٰ محمد وآل محمّد وادفع عنّي شرّه فانّي أدرأ بك في نحره واستعيذ بك من شرّه فقدم مسرف بن عقبة المدينة وكان يقال انّه لا يريد غير علي بن الحسين عليه السلام فسلم منه واكرمه وحباه ووصله.

٧٠٣ (۲۴) **كافي** ۴۷۲/۲: (عِدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن ٢٦٣٦٤
إسماعيل بن مهران عن منصور بن يونس عن هارون بن خارجة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ الدعاء في الرخاء يستخرج الحوائج في البلاء.

٧٠٤ (۲۵) **كافي** ۴۷۲/۲: (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن ٢٦٣٦٥
عيسىٰ عن **سماعة** قال قال أبو عبداللّه عليه السلام من سرّه ان يستجاب له في الشدّة فليكثر الدعاء في الرخاء.

۶۹۹ (۲۰) سلام نخّاس از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «هر گاه بنده‌ای چون به بلا گرفتار آید دست به دعا بردارد و در حال خوشی و رفاه یادی از دعا نکند صدایش از فرشتگان پوشیده ماند و گویند: این یک صدای بیگانه و ناآشناست پیش از امروز کجا بودی؟»

۷۰۰ (۲۱) شیخ صدوقﷺ در کتاب خصال از علیﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «پیشاپیش قبل از آمدن بلا به دعا بپردازید.»

۷۰۱ (۲۲) محمد بن سنان از امام صادقﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «احدی نیست که از بلایی بترسد و پیشاپیش برای دفع آن دعا کند مگر اینکه خداوند آن بلا را از او بگرداند. آیا نمی‌دانی که امیرالمؤمنینﷺ فرمود: پیامبر خداﷺ فرمود: ای علی! گفتم: بله، بله ای پیامبر خدا. فرمود: بی‌گمان، دعا، بلای مقدّر شدهٔ صد در صد را که قطعیّت یافته، بگرداند.»

۷۰۲ (۲۳) عمر بن علی از پدرش علیّ بن حسینﷺ روایت کرده که فرمود: «من به اندازهٔ روی آوردن به دعا، کاری را مؤثّر ندیده‌ام زیرا این گونه نیست که همیشه اجابت نصیب بنده شود و یکی از حوادثی که در رابطه با دعا از آن حضرت در خاطره محفوظ مانده این است که وقتی امام سجّادﷺ خبردار شد که «مسرف بن عقبه» [برای دستگیری یا قتل حضرت] به شهر مدینه آمده، این دعا را خواند: ای پروردگار! چقدر نعمت‌های فراوانی به من عطا کرده‌ای که شکر من در قبال آن‌ها اندک بوده است و چقدر بلاهایی که مرا به آن مبتلا کرده‌ای و صبر و شکیبایی من، کم بوده است. پس ای خدایی که در قبال نعمتت شکرم اندک بوده ولی تو مرا محروم نکرده‌ای و ای خدایی که در بلایش کم صبری کردم ولی مرا رسوا نکردی. ای صاحب نیکی‌های مستمرّ قطع نشدنی و ای صاحب نعمت‌های بی‌شمار، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و شرّ او را از من دور کن و من به واسطهٔ تو [شرّ او را] به گلوی خود او بر می‌گردانم و از شرّ او از تو پناه می‌خواهم.»

پس «مسرف بن عقبه» به شهر مدینه درآمد و می‌گویند: او از این آمدن مقصد و کاری جز [کشتن] علی بن حسینﷺ نداشت ولی حضرت از دست او سالم ماند بلکه حضرت را احترام گذاشت و هدایایی داد [یا اینکه حضرت به او هدایایی بخشید].»

۷۰۳ (۲۴) هارون بن خارجه از امام صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «دعا در حال خوشی و رفاه، حاجت‌ها را در هنگام بلا و گرفتاری برآورده کند.»

۷۰۴ (۲۵) سماعه از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «کسی که دوست دارد دعایش در سختی مستجاب گردد، پس در راحتی و رفاه، زیاد دعا کند.»

۷۰۵ (۲۶) **فقيه ۲۹۶/۴**: روي أحمد بن إسحاق بن سعد عن **عبدالله** بن ميمون عن الصـادق
۲۶۳۶۶ جعفر بن محمد عن أبيه عليهما السلام قال قال الفضل بن العباس اُهدي إلى رسول الله صلى الله عليه وآله بغلة اهداها له كسرىٰ او قيصر فركبها النبيّ صلى الله عليه وآله بجلّ من شعر واردفني خلفه ثمّ قال لي يا غلام احفظ الله يحفظك واحفظ الله تجده امامك تعرف إلى الله عزّ وجلّ في الرخاء يعرفك في الشدّة. إذا سألت فاسأل الله وإذا استعنت[1] فاستعن بالله عزّ وجلّ فقد مضى القلم بما هو كائن فلو جهد النّاس ان ينفعوك بامر لم يكتبه الله لك لم يقدروا عليه ولو جهدوا ان يضرّوك بأمر لم يكتبه الله عليك لم يقدروا عليه فان استطعت ان تعمل بالصبر[2] مع اليقين فافعل فان لم تستطع فاصبر فانّ في الصبر علىٰ ما تكره خيراً كثيراً واعلم انّ الصبر مع النصر وانّ الفرج مع الكرب وانّ مع العسر يسراً انّ مع العسر يسراً.

۷۰۶ (۲۷) **امالي الطوسي ۱۴۹/۲**: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن **أبي ذرّ** (في
۲۶۳۶۷ وصيّة النبيّ صلى الله عليه وآله له) قال يا ابا ذرّ الا اعلّمك كلمات ينفعك الله عزّ وجلّ بهنّ قلت بلىٰ يا رسول الله قال احفظ الله يحفظك (وذكر نحوه) **عدّة الداعي ۱۶۹**: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لابي ذرّ رحمه الله يا ابا ذرّ الا اعلّمك كلمات (وذكر نحوه).

۷۰۷ (۲۸) **مستدرك ۱۸۲/۵**: القطب **الراوندي** في لبّ اللباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله قـال مـن سـرّه ان
۲۶۳۶۸ يستجيب الله له في الشدائد والكرب فليكثر الدعاء عند الرخاء.

۷۰۸ (۲۹) **الجعفريات ۲۱۵**: باسناده عن **جعفر** بن محمد عن أبيه عن جدّه قال اوحىٰ اللّـه
۲۶۳۶۹ تبارك وتعالىٰ إلى داود عليه السلام ياداود اذكرني في ايّام سرّائك كي استجيب (لك ـ خ) في ايّـام ضرّائك **مستدرك ۱۸۲/۵**: القطب **الراوندي** في قصص الأنبياء باسناده إلى الصّدوق باسناده إلى **ابن اورمة** عن الحسن بن علي رفعه قال اوحىٰ الله تبارك وتعالي إلى داود عليه السلام (وذكر نحوه).

۷۰۹ (۳۰) **امالي الصدوق ۲۱۸**: حدّثنا أبي قال حدّثنا سعد بن عبدالله عـن فـقيه ۲۸۵/۴:
۲۶۳۷۰ الحسن بن موسىٰ الخشّاب بن كلّوب عن **إسحاق** بن عمّار عن الصادق جعفر بن محمد (عن أبيه ـ امالي) عن آبائه عليهم السلام انّ علياً عليه السلام كان يقول ما من احدٍ ابتلىٰ وان عظمت بلواه بأحـقّ بالدعاء من المعافىٰ الذي لا يأمن البلاء.

---

۱. وفي نسخة ن الامالي وإذا استغنيت فاستغن بالله.
۲. بالرضا ـ امالي.

۷۰۵ (۲۶) عبدالله بن میمون از امام صادق‌علیه‌السلام و او از پدر بزرگوارش روایت کرده که فرمود: «فضل بن عبّاس گفت: برای پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله کسریٰ [پادشاه ایران] یا قیصر [پادشاه روم] استری هدیه فرستاد. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله جُلي كه از مو بود بر آن انداخت و سوار شد و مرا پشت سرش سوار نمود سپس به من فرمود: ای پسر! خدا را داشته باش تا او هم تو را داشته باشد و خدا را نگاه دار [و کاری نکن که او را از دست دهی و ایمانت ضایع شود] تا او را در جلوی خود بیابی. در وقت رفاه و آسایش خداوندعزّوجلّ را بشناس تا تو را در سختی و بلا بشناسد.

هر گاه می‌خواهی از کسی درخواست کنی، از خدا درخواست کن و هر گاه می‌خواهی از کسی کمک بخواهی، از خداوندعزّوجلّ کمک بخواه زیرا در گذشته آنچه باید انجام بگیرد، قلم نوشته است لذا اگر تمام مردم نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا به تو نفعی برسانند که خدا برای تو ننوشته است، نتوانند.

و اگر همهٔ آن‌ها دست به دست هم دهند و تلاش کنند که ضرری به تو رسانند که خداوند آن را ننوشته است، نخواهند توانست. پس اگر می‌توانی با رضا به قضای الهی همراه با یقین، به عمل بپردازی همین کار را بکن و اگر نتوانستی [که راضی باشی به آنچه خداوند برایت نوشته و مقدّر کرده] پس شکیبایی پیشه کن زیرا شکیبا بودن بر آنچه ناپسند تو است، خیر فراوانی دارد.

و بدان که شکیبایی پیروزی را به همراه دارد و گرفتاری، گشایش را و بی گمان با هر سختی راحتی هست. یقیناً با هر سختی، راحتی و آسایشی همراه است.»

۷۰۶ (۲۷) ابوذر از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که آن حضرت در وصیّتش به ابوذر فرمود: «ای ابوذر! آیا یاد ندهم به تو کلماتی که خداوندعزّوجلّ به واسطهٔ آن‌ها به تو سود بخشد؟ گفتم: آری ای پیامبر خدا حضرت فرمود: خدا را حفظ کن تا خدا هم تو را حفظ کند... تا آخر حدیث قبلی.»

۷۰۷ (۲۸) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس خوشحال می‌شود از اینکه خداوند دعای او را در وقت سختی‌ها و گرفتاری‌ها مستجاب کند، پس باید در وقت راحتی و آسایش، زیاد دعا کند.»

۷۰۸ (۲۹) در کتاب الجعفریّات به طور مستند از امام جعفر صادق‌علیه‌السلام روایت شده که آن حضرت از پدرش و او از جدّش امام حسین‌علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به داودعلیه‌السلام وحی کرد که: ای داود! در روزگار خوشی به یاد من باش تا در ایّام سختی، دعایت را مستجاب کنم.»

۷۰۹ (۳۰) اسحاق بن عمّار از حضرت صادق‌علیه‌السلام و او از پدرانش روایت کرده است که علی‌علیه‌السلام می‌فرمودند: «هیچ گرفتاری هر چند گرفتاری‌اش بزرگ باشد، از شخص آسوده‌ای که از بلا در امان نیست، به دعا محتاج‌تر نیست. [بلکه هر دو به یک اندازه به دعا نیازمندند].»

۷۱۰ ۳٦۲۷۱ (۳۱) **نهج البلاغة** ۱۲۲۱: قال ﷺ ما المبتلىٰ الّذي قد اشتدّ به البلاء بأحوج إلى الدعاء من المعافىٰ الّذي لا يأمن البلاء.

۷۱۱ ۳٦۲۷۲ (۳۲) **كافي** ۲/ ۴۷۲: الحسين بن محمد عن معلّي بن محمد عن **الوشّا** عمّن حدّثه عن أبي الحسن الاوّل ﷺ قال كان عليّ بن الحسين ﷺ يقول الدعاء بعد ما ينزل البلاء لا ينتفع [به].

۷۱۲ ۳٦۲۷۳ (۳۳) **كافي** ۲/ ۴۷۱: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن ابن محبوب عن **أبي ولّاد** قال قال أبو الحسن موسىٰ ﷺ ما من بلاء ينزل علىٰ عبد مؤمن فيلهمه اللّه عزّ وجلّ الدعاء إلّا كان كشف ذلك البلاء وشيكاً[1] وما من بلاء ينزل علىٰ عبد مؤمن فيمسك عن الدعاء الّا كان ذلك البلاء طويلاً فإذا نزل البلاء فعليكم بالدّعاء والتضرعّ إلى اللّه عزّ وجلّ.

۷۱۳ ۳٦۲۷٤ (۳۴) **كافي** ۲/ ۴۷۱: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم قال قال أبو عبداللّه ﷺ هل تعرفون طول البلاء من قصره قلنا لا قال إذا الهم احد[كم] الدعاء عند البلاء فاعلموا ان البلاء قصير **فلاح السائل** ۴۱: محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفّار عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم قال قال أبو عبداللّه ﷺ طول البلاء (وذكر نحوه).

۷۱٤ ۳٦۲۷٥ (۳۵) **امالي ابن الشيخ** ۲۰۴: أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي ﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي ﷺ قال أخبرنا محمد بن محمد قال حدّثنا الشريف الصالح أبو محمد الحسن بن حمزة العلوي ﷺ قال حدّثنا أحمد بن عبداللّه عن جدّه أحمد بن أبي عبداللّه البرقي عن الحسن بن فضّال عن الحسن بن الجهم عن أبي اليقظان عن **عُبيداللّه** بن الوليد الوصافي قال سمعت ابا عبداللّه جعفر بن محمد ﷺ يقول ثلاث لا يَضرّ معهنّ شيء الدعاء عند الكربات والاستغفار عند الذنب والشّكر عند النّعمة.

۷۱٥ ۳٦۲۷٦ (۳٦) **الخصال** ٦۲۴: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصّلاة عن عليّ ﷺ (في حديث الاربعمأة) قال ولو انّهم إذا نزلت بهم النقم وزالت عنهم النعم فزعوا إلى اللّه عزّ وجلّ بصدق من نياتّهم ولم يهنوا ولم يسرفوا لأصلح لهم كلّ فاسد ولردّ عليهم كلّ صالح.

---

۱. الوشيك: السريع والقريب.

۷۱۰ (۳۱) سید رضی رحمه الله در نهج البلاغه از علی﵇ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «گرفتار هر چند در اوج گرفتاری است از سالمی که از بلا در امان نیست به دعا محتاج‌تر نباشد.»

۷۱۱ (۳۲) وَشّاء با یک واسطه از امام موسی کاظم﵇ روایت کرده که حضرت فرمود: «امام زین العابدین﵇ می‌فرمود: «پس از آن که بلا نازل شد از دعا نتوان سود جُست.»

۷۱۲ (۳۳) ابو ولّاد از امام موسی کاظم﵇ روایت کرده که فرمود: «اگر بندهٔ مؤمنی به بلایی گرفتار شد و خداوندعزّ و جلّ به او حال دعا داد و او دعا کرد به زودی و به سرعت آن بلا از او برطرف خواهد شد و اگر بندهٔ مؤمنی به بلایی گرفتار گشت و از دعا کردن خودداری نمود، زمان گرفتاری‌اش طولانی خواهد شد.

پس هر گاه بلا نازل شد پس ملازم دعا و تضرّع و زاری به درگاه خداوندعزّ و جلّ باشید.»

۷۱۳ (۳۴) هشام بن سالم از امام جعفر صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «آیا بلای دراز مدّت را از بلای کوتاه مدّت باز می‌شناسید؟ گفتند: نه. حضرت فرمود: هر گاه در وقت بلا به شما دعا کردن الهام شد بدانید که بلا، کوتاه مدّت است.»

۷۱۴ (۳۵) عبید الله بن ولید وصّافی از حضرت صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «سه چیز است که با بودن آن‌ها چیزی نتواند زیان رساند:

۱ـ دعا در وقت گرفتاری‌های سخت

۲ـ استغفار در وقت ارتکاب گناه

۳ـ شکر و سپاسگزاری در وقت نعمت.»

۷۱۵ (۳۶) در کتاب الخصال از علی﵇ روایت شده که آن حضرت در ضمن حدیث اربعمأة فرمود: «اگر آن‌ها [مسلمانان گرفتار] وقتی گرفتاری‌ها به سراغ‌شان آمد و نعمت‌ها از آنان رخت بربست با نیّت‌های صادق به درگاه الهی تضرّع می‌کردند و به او پناه می‌آوردند و سستی از خود نشان نمی‌دادند و از اسراف دست بر می‌داشتند، هر آینه خداوند مشکل آن‌ها را حلّ می‌کرد و کارهای‌شان را اصلاح می‌نمود و هر نعمت شایسته‌ای که از کف آن‌ها بیرون رفته به آن‌ها باز می‌گرداند.»

۷۱۶ ۳۶۲۷۷ (۳۷) **نهج البلاغة ۵۷۰**: ولو انّ النّاس حين تنزل بهم النقم وتزول عنهم النعم فزعوا إلى ربّهم بصدق من نيّاتهم ووله من قلوبهم لردّ عليهم كلّ شارد واصلح لهم كلّ فاسد.

۷۱۷ ۳۶۲۷۸ (۳۸) **كافي ۲ / ۴۷۰**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن ابن محبوب عن **أبي ولّاد** قال قال أبو الحسن موسىٰ عليه السلام عليكم بالدّعاء فانّ الدعاء للّه والطلب إلى اللّه يردّ البلاء وقد قَدَر وقضىٰ ولم يبقَ الّا امضاءه فإذا دعىٰ اللّه عزّ وجلّ وسئل صرْفَ البلاء صرفه.

۷۱۸ ۳۶۲۷۹ (۳۹) **مستدرك ۵/۱۷۵**: السيّد علي بن طاووس في فلاح السّائل من كتاب المشيخة للحسن بن محبوب في حديث أبي ولّاد **حفص** بن سالم الحنّاط قال دخلت علىٰ أبي الحسن موسىٰ عليه السلام بالمدينة وكان معي شيء فأوصلته إليه فقال ابلغ اصحابك وقل لهم اتّقوا اللّه عزّ وجلّ فانّكم في امارة جبّار يعني ابا الدوانيق فامسِكوا السنتكم وتوقّوا علىٰ انفسِكم ودينكم وادفعوا ما تحذرون علينا وعليكم منه بالدعاء.

فانّ الدعاء واللّه[1] والطلب إلى اللّه يردّ البلاء وقد قدر وقضىٰ ولم يبقَ الّا امضاؤه وإذا دعا اللّه وسئل صَرْفَ البلاء صرفه فألحّوا في الدعاء ان يكفيكموه اللّه.

قال أبو ولّاد فلمّا بلغت اصحابي مقالة أبي الحسن عليه السلام قال ففعلوا ودعوا عليه وكان ذلك في السّنة الّتي خرج فيها أبو الدوانيق إلى مكّة فمات عند بئر ميمون قبل ان يقضي نسكه واراحنا الله منه.

قال أبو ولّاد كنت تلك السّنة حاجّاً فدخلت علىٰ أبي الحسن عليه السلام فقال يا ابا ولّاد كيف رأيتم نجاح ما امرتكم به وحثثتكم عليه من الدّعاء علىٰ أبي الدوانيق يا ابا ولّاد ما من بلاء ينزل علىٰ عبد مؤمن فيلهمه اللّه الدعاء إلّا كان كشف ذلك البلاء وشيكاً وما من بلاء ينزل علىٰ عبد مؤمن فيمسك عن الدعاء الّا كان ذلك البلاء طويلاً فإذا نزل فعليكم بالدعاء.

---

۱. والظاهر انّ الصحيح (للّه) كما في الكافي في الرواية (المتقدمة ۳۸).

(۳۷) در کتاب نهج البلاغه از علیؑ نقل شده که حضرت فرمود: «و اگر مردم آن زمان که بلاها بر آن‌ها نازل و نعمت‌ها از آن‌ها زایل گشت صادقانه با دلی سوخته، با تضرّع به درگاه الهی روی می‌آوردند خداوند هر نعمت رمیده‌ای را که از دست آن‌ها بیرون رفته، به آن‌ها بازمی‌گرداند و هر تباه‌شده‌ای را برای آن‌ها اصلاح کرد.» ۷۱۶

(۳۸) ابوولّاد از امام موسی کاظمؑ روایت کرده که فرمود: «از دعا کردن دست برندارید زیرا خواندن خداوند و درخواست کردن از خداوند بلایی را که متعلّق قضا و قدر الهی قرار گرفته، برمی‌گرداند زیرا اجرای آن مقدّر، به دست خداوند است و چون خداوندﷻ را بخواند و از او بخواهد که بلا را از او دفع کند، خداوند بلا را دفع کند [و از اجرای آن صرف نظر نماید.]» ۷۱۷

(۳۹) حفص بن سالم حنّاط گوید: «در شهر مدینه به خدمت امام موسی کاظمؑ رسیدم و با من مقداری [از اموال و هدایایی که شیعیان فرستاده بودند] بود، این‌ها را به حضرت رساندم. ۷۱۸

پس حضرت فرمود: پیام مرا به شیعیانی که با تو معاشرت دارند برسان و به آن‌ها بگو به خاطر خداوندﷻ پرهیزگار باشید چون شما در حکومت ستمگری یعنی ابوالدوانیق [منصور دوانیقی] هستید. زبان‌تان را نگاه دارید و بر جان و ایمان‌تان بترسید و گرفتاری‌هایی را که بر ما و بر خودتان می‌ترسید با دعا دفع کنید.

زیرا به خدا قسم دعا و درخواست کردن از خدا بلای مقدّر شده‌ای را که فقط اجرای آن باقی مانده، دفع می‌کند و زمانی که بنده، خدا را بخواند و از او دفع بلا را بخواهد خداوند آن بلا را برگرداند.

پس در دعا کردن اصرار بورزید که خداوند شما را از بلاها حفظ کند.

ابوولّاد گوید: وقتی من به اصحاب و شیعیان، پیام امام کاظمؑ را رساندم، به این پیام عمل کردند و این ستمگر را نفرین کردند [و نابودی آن را از خدا خواستند] و این قضیّه در همان سالی بود که «ابوالدوانیق» برای زیارت به سمت مکّه می‌رفت که در جایی به نام «چاه میمون» پیش از انجام مناسک حجّ به دَرَک واصل شد و خداوند ما را از شرّ او راحت ساخت.

ابوولّاد گوید: من در همان سال به زیارت حجّ رفته بودم، به خدمت امام کاظمؑ رسیدم. حضرت فرمود: ای ابوولّاد! چطور دیدید موفقیّت‌آمیز بودن آنچه که شما را به آن امر کردم و شما را به آن وادار کردم یعنی: دعا برای نابودیِ «ابوالدوانیق»؟ ای ابوولّاد! بلایی نیست که بر بنده‌ای نازل شود و خداوند به او دعا کردن را الهام نماید و او دعا کند مگر اینکه آن بلا به سرعت، برطرف شود و بلایی نیست که بر بنده‌ای نازل گردد و او از دعا کردن خودداری نماید مگر اینکه آن بلا طولانی مدّت خواهد بود. پس وقتی بلا نازل شد بر شما باد، دعا کردن.»

۷۱۹ ۳٦٢٨٠ (۴۰) **کافي** ۴۶۹/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن عمر بن يزيد قال سمعت ابا الحسن ﷺ يقول انّ الدعاء يردّ ما قد قدّر وما لم يقدّر قلت وما قد قدّر عرفته فما لم يقدّر قال حتّىٰ لا يكون، **الاختصاص** ۲۱۹: عن عبدالرحمن بن أبي نجران عن هشام بن سالم عن **عمر** بن يزيد قال سمعت ابا عبداللّه ﷺ وذكر نحوه مستدرك ۱۶۵: السيّد علي بن طاووس في فلاح السائل روي جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي باسناده الىٰ عمر بن يزيد عن أبي إبراهيم ﷺ نحوه فقه الرضا ﷺ ۳۴۵: واروىٰ ان الدعاء يدفع من البلاء ما قدّر وما لم يقدّر قيل: وكيف يدفع ما لم يقدّر قال حتّىٰ لا يكون.

۷۲۰ ۳٦٢٨١ (۴۱) **کافي** ۴۶۹/۲: محمد بن يحيىٰ عن [أحمد بن] محمد بن عيسىٰ عن أبي همّام **إسماعيل** بن همّام عن الرضا ﷺ قال قال علي بن الحسين ﷺ انّ الدّعاء والبلاء ليترافقان[۱] إلى يوم القيامة انّ الدعاء ليردّ البلاء وقد ابرم ابراماً.

۷۲۱ ۳٦٢٨٢ (۴۲) **کافي** ۴۶۹/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **حمّاد** بن عثمان (عن أبي عبداللّه ﷺ ئل) قال سمعته يقول انّ الدعاء يردّ القضاء ينقضه كما ينقض السلك وقد ابرم ابراماً.

۷۲۲ ۳٦٢٨٣ (۴۳) **کافي** ۴۷۰/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن حريز عن **زرارة** عن أبي جعفر ﷺ قال قال لي الا أدُلّكَ على شيء لم يستثن فيه رسول اللّه ﷺ قلت بلىٰ قال الدعاء يردّ القضاء وقد ابرم ابراماً وضمّ اصابعه.

۷۲۳ ۳٦٢٨٤ (۴۴) **الدعائم** ۱۳۶/۲: روينا عن **جعفر** بن محمد ﷺ عن أبيه عن آبائه صلوات اللّه عليهم انّه سئل عن قول النبيّ (صلع) في الحبّة السوداء فقال قد قال ذلك قيل وما قال (قال ـ ك) قال فيها شفاء من كلّ داء الّا السّام يعني الموت ثمّ قال ﷺ للسائل الا ادلّك علىٰ ما لم يستثن فيه رسول اللّه ﷺ قال بلىٰ قال الدّعاء فانّه يردّ القضاء وقد ابرم ابراماً وضمّ اصابعه من كفيه جميعاً وجمعهما جميعاً واحدة إلى اخرىٰ الخنصر بحيال الخنصر كأنه يريك شيئاً.

۷۲٤ ۳٦٢٨٥ (۴۵) **کافي** ۴۶۹/۲: أبو علي الاشعريّ عن محمد بن عبدالجبّار عن **صفوان** عن **بسطام** الزيّات عن أبي عبداللّه ﷺ قال انّ الدعاء يردّ القضاء وقد نزل من السماء وقد ابرم ابراماً.

---

۱. ليتوافقان ـ خ.

۷۱۹ (۴۰) عمر بن یزید گوید: «از امام موسی کاظمؑ شنیدم که فرمود: دعا، بلای مقدّر شده و مقدّر نشده را برگرداند.

به حضرت عرض کردم: بلای مقدّر شده را که فهمیدم امّا بلای مقدّر نشده را چطور؟

حضرت فرمود: تا اینکه وجود پیدا نکند و پیش نیاید.»

۷۲۰ (۴۱) ابوهمّام اسماعیل بن همّام از امام رضاؑ روایت کرده که فرمود: «علی‌بن‌حسین امام سجّادؑ فرمود: دعا و بلا تا روز قیامت دوشادوش یکدیگرند و دعا بلایی را که حتمیّت و قطعیّت یافته، بر می‌گرداند.»

۷۲۱ (۴۲) حمّاد بن عثمان از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «دعا، قضای الهی را که استحکام و حتمیّت یافته، پاره می‌کند آن سان که رشته سیم پاره می‌شود.»

۷۲۲ (۴۳) زراره از امام باقرؑ روایت کرده که حضرت به من فرمود: «آیا راهنمایی کنم تو را به چیزی که پیامبرﷺ در مورد آن [تعمیم داد] و هیچ استثنایی در آن نیاورد؟

گفتم: بله.

فرمود: دعا، قضا و قدری که محکم و قُرص شده را برگرداند و حضرت انگشتان خود را به هم فشرد و مشت خویش را محکم بست [یعنی قضا و قدری که اینجور محکم و قرص شده است.]»

۷۲۳ (۴۴) در کتاب دعائم الاسلام از امام جعفر صادقؑ روایت شده که آن حضرت از پدرش و او از پدرانش نقل کرده‌اند که فرموده‌اند: «از حضرت دربارهٔ سخن پیامبرﷺ دربارهٔ سیاه دانه پرسیده شد. حضرت فرمود: [آری] پیامبرﷺ این را فرموده.

دوباره سؤال شد که پیامبرﷺ دربارهٔ [سیاه دانه] چه گفته؟ حضرت فرمود: پیامبرﷺ فرمود: در این سیاه دانه، شفای هر دردی است جز مرگ.

سپس حضرت به سؤال کننده فرمود: آیا راهنمایی کنم تو را [به دارویی که شفای هر دردی است] و پیامبرﷺ هم در آن [مرگ را] استثناء نکرده است؟ گفت: آری.

حضرت فرمود: دعا، زیرا دعا، قضای حتميِ محکم و قطعی شده را بر می‌گرداند و حضرت دو دستش را مُشت کرد و دو مُشت را روبروی هم قرار داد به گونه‌ای که دو انگشت کوچک روبروی هم قرار گرفته بود [گویی حضرت با این کار می‌خواست استحکام آن قضا و قدر را نشان دهد.]»

۷۲۴ (۴۵) بسطام زیّات از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که فرمود: «دعا، قضا و حکم الهی را که از آسمان فرود آمده و قطعی گشته، بر می‌گرداند.»

۷۲۵ (۴۶) **كافي** ۴۶۹/۲: عِدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن الحسن بن على الوشّا عن أبى
٣٦٢٨٦
الحسن عليه السلام قال كان على بن الحسين عليه السلام يقول الدعاء يدفع البلاء النّازل وما لم ينزل.

۷۲۶ (۴۷) **مستدرك** ۱۷۶/۲: **القطب الراوندي** في دعواته قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ الحذر لا
٣٦٢٨٧
يُنْجي من القدر ولكن ينجي منه الدعاء فتقدّموا في الدعاء قبل ان ينزل بكم البلاء ان اللّه يدفع بالدعاء ما نزل من البلاء وما (لم ـظ) ينزل مستدرك ۱۸۲/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب قال صلى الله عليه وآله في حديث فتقدّموا في الدعاء (وذكر مثله الا ان فيه) ومالم ينزل.

۷۲۷ (۴۸) **الخصال** ۶۲۰: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن **عليّ** عليه السلام في (حديث
٣٦٢٨٨
الاربعمأة) انّه قال الدعاء يردّ القضاء المبرم فاتّخذوه عُدّة.

۷۲۸ (۴۹) **مستدرك** ۱۷۶/۵: السيّد علي بن طاووس في فلاح السّائل عن الحسين بن سعيد
٣٦٢٨٩
عن النضر عن ابن سنان وابن فضّال عن **علي** بن عقبة قال سمعت ابا عبداللّه عليه السلام يـقول انّ الدعاء يردّ القضاء المبرم بعد ما ابرم ابراماً.

۷۲۹ (۵۰) **تفسير العيّاشي** ۲۲۰/۲: عن عمّار بن موسىٰ عن أبي عبداللّه عليه السلام سئل عن قول اللّه
٣٦٢٩٠
يمحو اللّه ما يشاء ويثبت وعنده امّ الكتاب قال انّ ذلك الكتاب كتاب يمحو اللّه فيه ما يشاء ويثبت فمن ذلك الذى يردّ الدعاء القضاء وذلك الدعاء مكتوب عليه الذي يردّ به القـضاء حتّى إذا صار إلى امّ الكتاب لم يغن الدعاء فيه شيئاً.

۷۳۰ (۵۱) **المكارم** ۳۸۹: عن **سلمان** الفارسى عليه السلام عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال لا يزيد في العمر إلّاالبرّ ولا
٣٦٢٩١
يردّ القضاء الّا الدعاء.

۷۳۱ (۵۲) **مستدرك** ۱۷۸/۵: ابن أبي جمهور في درراللئالي عن **ثوبان** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لا
٣٦٢٩٢
يردّ القضاء الّا الدعاء ولا يزيد في العمر إلّا البرّ وانّ الرجل ليحرم الرزق بالذنب يصيبه.

۷۳۲ (۵۳) **قرب الاسناد** ۳۲: حدّثنا أحمد بن إسحاق بن سعد (بن مسعدة ـ خ ل) قال حدّثنا
٣٦٢٩٣
بكر بن محمد الازدي عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ الدّعاء يردّ القضاء وانّ المؤمن ليأتي الذنب فيحرم به الرزق.

۷۲۵ (۴۶) حسن بن علی وشا از امام موسی کاظم‌ؑ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «امام سجادؑ می‌فرمود: دعا، هم بلای نازل شده را دفع می‌کند و هم دعای نازل نشده را.»

۷۲۶ (۴۷) قطب راوندی در کتاب الدعوات حدیثی نقل کرده که پیامبر خداﷺ فرمود: «حذر کردن، انسان را از قَدَر نجات نمی‌دهد ولی دعا انسان را از بلای مقدّر نجات می‌دهد.

پس شما پیشاپیش، قبل از نزول بلا به دعا بپردازید زیرا خداوند با دعا، بلایی را که نازل شده و بلایی را که نازل نشده، دفع خواهد کرد.»

۷۲۷ (۴۸) در کتاب الخصال از علیؑ روایت شده که فرمود: «دعا، حکم قطعی الهی را [به اذن خود خدا] بر می‌گرداند پس او را برای خود توشه و سرمایه و اسلحهٔ آماده قرار دهید.»

۷۲۸ (۴۹) علی بن عقبه گوید: «از حضرت صادقؑ شنیدم که فرمود: دعا، حکم قطعی الهی را که قُرص و محکم شده، بر می‌گرداند.»

۷۲۹ (۵۰) عمار بن موسی از امام جعفر صادقؑ روایت کرده و گفت: «از این سخن خداوند که می‌فرماید: «**خداوند هر چه را بخواهد محو می‌کند و هر چه را بخواهد ثبت می‌کند و اصل کتاب نزد اوست.**»[1] سؤال شد. حضرت فرمود: این کتاب، کتابی است که هر چه خدا بخواهد از آن پاک می‌کند و هر چه بخواهد در آن می‌نگارد و از جمله چیزهایی که باعث پاک شدن قضا و حکم الهی می‌شود، دعا است و همین دُعا که قضای الهی را بر می‌گرداند نیز در آن کتاب، مسطور است تا اینکه حکم الهی به اُمّ‌الکتاب برسد، آنجاست که دیگر دعا، سودی نخواهد داشت.»

۷۳۰ (۵۱) سلمان فارسیؓ از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «چیزی بر عمر نیفزاید جز نیکی کردن و چیزی حکم الهی را بر نگرداند جز دعا کردن.»

۷۳۱ (۵۲) ثوبان از پیامبر خداﷺ روایت کرده که فرمود: «چیزی نتواند جلوی حکم و تقدیر الهی را بگیرد مگر دعا و چیزی نتواند بر عمر بیفزاید مگر احسان و نیکی و انسان به خاطر گناهی که مرتکب شده از رزق و روزی محروم خواهد شد.»

۷۳۲ (۵۳) بکر بن محمد ازدی از امام صادقؑ روایت کرده که امام فرمود: «دعا، قضا را برمی‌گرداند و مومن که گناه مرتکب می‌شود از رزق محروم می‌شود.»

---

۱. رعد ۳۹/۱۳.

٧٣٣ ٣٦٢٩٤ (٥٤) **كافي** ٢ / ٤٧٠: الحسين بن محمد رفعه عن **إسحاق** بن عمّار قال قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ اللّه عزّ وجلّ ليدفع بالدّعاء الأمر الّذي علمه ان يدعي له فيستجيب ولولا ما وفق العبد من ذلك الدعاء لاصابه منه ما يجثّه[1] من جديد الأرض.

وتقدّم في رواية الفضل (٤) من باب (٣) وجوب طاعة السلطان للتّقيّة من أبوابها قوله فقلت (لموسىٰ بن جعفر عليه السلام) ما الّذي قلت حتّىٰ كفيت أمر الرشيد فقال دعاء جدّي علي بن أبي طالب عليه السلام كان إذا دعا به ما برز إلى عسكر إلّا هزمه ولا إلى فارس الّا قهره وهو دعاء كفاية البلاء قلت وما هو قال قلت اللّهم بك أسار وبك احاول وبك اجاور الخ فلاحظها.

وفي رواية ابن القدّاح (٢٢) من باب (١) حرمة الإستكبار عن الدعاء قوله عليه السلام الدّعاء ترس المؤمن ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك.

ويأتي في رواية ابن أبي نصر (١) من باب (١٥) تحريم القنوط قوله عليه السلام ينبغي للمؤمن ان يكون دعاؤه في الرخاء نحواً من دعائه في الشدّة.

وفي رواية الشهيد (٢) من باب (٤١) أنّ أفضل الدعاء ما جرىٰ علىٰ اللّسان قوله عليه السلام انّ الدعاء يردّ البلاء وقد ابرم ابراماً.

(٤)

باب ماورد في انّ الدعاء شفاء من كل الداء

٧٣٤ ٣٦٢٩٥ (١) **كافي** ٢ / ٤٧٠: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن اسباط بن سالم عن **علاء** بن كامل قال قال لي أبوعبداللّه عليه السلام عليك بالدّعاء فانّه شفاء من كلّ داء.

٧٣٥ ٣٦٢٩٦ (٢) **المكارم** ٢٧١: قال **الصادق** عليه السلام عليك بالدّعاء فانّ فيه شفاء من كلّ داء.

---

١. يجثّه ـ خ يجثه أي يقطعه وينزعه.

۷۳۳ (۵۴) اسحاق بن عمّار از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که فرمود: «خداوندﷻ با دعا از بلایی که خود می‌دانست جلوگیری می‌کند اگر به خاطر دفع آن، دعا شود، او مستجاب می‌کند [و بلا را دفع می‌کند] و اگر بنده به این دعا، موفّق نمی‌شد، از این بلا، آنقدر به او می‌رسید که او را از صفحهٔ زمین برکَنَد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت چهارم از باب سوم از باب‌های تقیه این گفته که: «به حضرت موسی بن جعفرؑ عرض کردم: چه دعایی بخوانم که از دست رشید در امان بمانم؟ حضرت فرمود: دعای جدّم علی بن ابی طالبؑ را. هر گاه این دعا را می‌خواند، به جنگ لشکری نمی‌رفت مگر اینکه آن را شکست می‌داد و به مبارزه جنگجویی نمی‌رفت مگر اینکه او را مغلوب می‌کرد و آن دعا، دعای حفظ از بلا، نام دارد.

پرسیدم: آن دعا چیست؟ فرمود: آن دعا این است: «اللهم بک أسار وبک احاول تا آخر.»[1]

و در روایت بیست و دوم از باب یکم فرموده امامؑ ذکر شد که: «دعا، سپر مؤمن است و هر گاه زیاد در بزنی، عاقبت در به رویت باز می‌شود.»

می‌آید:

در روایت یکم از باب پانزدهم فرموده امامؑ که: «سزاوار است دعا کردن مؤمن در زمان رفاه و راحتی همانند دعا کردن او در سختی و گرفتاری باشد.»

و در روایت دوم از باب چهل و یکم فرموده امامؑ که: «دعا بلایی را که مقدّر شده و حتمیّت یافته، برمی‌گرداند.»

باب ۴

دعا، شفای هر درد

۷۳۴ (۱) علاء بن کامل گوید: «حضرت امام صادقؑ به من گفت: بر تو باد دعا کردن زیرا دعا، شفای هر درد است.»

۷۳۵ (۲) در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت صادقؑ روایت شده که فرمود: «بر تو باد دعا کردن زیرا به یقین شفای هر دردی در دعاست.»

---

۱. ابواب التقیّه، باب (۳) روایت (۴).

۷۳۶ (۳) **وفيه** ۳۸۹: روي عن **العالم** ﷺ انّه قال لكلّ داء دواء فسئل عن ذلك فقال لكلّ داء دعاء.
۳۶۲۹۷

فإذا الهم المريض الدّعاء فقد اذن اللّه في شفائه فقه الرضا ﷺ ۴۶: اروي عن **العالم** ﷺ (وذكر نحوه).

۷۳۷ (۴) **كافي** ۲/۵۶۵: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **الحسين** بن نعيم عن أبي عبداللّه ﷺ قال اشتكىٰ بعض ولده.
۳۶۲۹۸

فقال يابنيّ قل اللّهمّ اشفني بشفائك وداوني بدوائك وعافني من بلائك فانّى عبدك وابن عبدك.

۷۳۸ (۵) **الدّعوات** ۱۹۸: وعن أبي حمزة قال عرض بي وجع في ركبتي فشكوت ذلك إلى أبي جعفر ﷺ فقال إذا أنت صليت.
۳۶۲۹۹

فقل (يا اجود من اعطىٰ ويا خير من سئل ويا ارحم من استرحم ارحم ضعفي وقلّة حيلتي واعفني من وجعي) قال ففعلته فعوفيت.

تقدّم في رواية الدعوات (۱۲) من باب (۶) الاقبال بالقلب حالة الدعاء قوله ﷺ عليكم بالدعاء فانّه شفاء من كلّ الداء.

(۵)

باب ماورد في رفع اليدين بالدعاء وكيفيّة اوضاعهما عنده ومسح الوجه والرأس والصدر بعده

قال اللّه تعالى في سورة المزّمّل (۷۳): ۸: ﴿وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً﴾.

المؤمنون (۲۳): ۷۶: ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَـٰهُم بِالْعَذَابِ فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَما يَتَضَرَّعُونَ﴾.

۷۳۶ (۳) در کتاب مکارم الاخلاق از عالمؑ روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «برای هر دردی، دوایی است پس از حضرت سؤال شد [که چطور؟] حضرت پاسخ داد: برای هر دردی، دعایی است. وقتی به بیمار، دعا الهام شد در حقیقت خداوند شفا یافتن او را اجازه داده است.»

۷۳۷ (۴) حسین بن نعیم از امام صادقؑ روایت کرده که گفت: «بعضی از فرزندانش [از دردی] پیش حضرت شکایت کردند. حضرت فرمود: پسر مهربانم! بگو: خدایا! با شفای خودت مرا شفا ده و با دوای خودت مرا درمان فرما و از بلایت مرا عافیت بخش. به راستی من بندهٔ تو و فرزند بندهٔ تو هستم.»

۷۳۸ (۵) ابوحمزه گوید: «زانو درد بر من عارض شد. به خدمت امام باقرؑ مشکل زانو دردم را مطرح کردم، حضرت فرمود: هر گاه نماز خواندی بعد از نماز بگو: ای بخشنده‌تر از هر بخشنده و دهنده و ای بهترین کسی که از او درخواست شده و ای مهربان‌ترین کسی که از او طلب رحمت شده، بر ناتوانی من و بیچارگی من رحم کن و مرا از این درد، عافیت بخش.

ابوحمزه گوید: من به این دستور حضرت عمل کردم و خوب شدم.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوازدهم از باب ششم فرموده امامؑ که: «بر شما باد، دعا کردن زیرا دعا شفای هر دردی است.»

باب ۵

آداب دعا کردن

خداوند تعالی فرموده است:

و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او بپرداز و به سوی او منقطع شو.[1]

و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم ولی نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند.[2]

---

۱. مزّمّل ۸/۷۳. ۲. مؤمنون ۷۶/۲۳.

٧٣٩ (١) **كافي** ٤٧٩/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبي ايّوب كا ٤٨١/٢:
٣٦٣٠٠ محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن أبي ايّوب عن **محمد** بن مسلم قال سألت اباجعفر عليه السلام عن قول اللّٰه عزّ وجلّ ـ ﴿**فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ**﴾ فقال الإستكانة هي الخضوع والتّضرّع (هو ـ كا ٤٧٩) رفع اليدين والتضرّع بهما.

٧٤٠ (٢) **الجعفريّات** ٢٢٦: باسناده عن **عليّ** عليه السلام في قوله تعالى ﴿**فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا**
٣٦٣٠١ **يَتَضَرَّعُونَ**﴾ اى لم يتواضعوا في الدعاء ولم يخضعوا ولو خضعوا اللّٰه عزّ وجلّ لاستجاب لهم.

٧٤١ (٣) **المعاني** ٣٦٩: حدّثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي السمرقندي عليه السلام قال حدّثنا
٣٦٣٠٢ جعفر بن محمد بن مسعود عن أبيه قال حدّثنا محمد بن نصير قال حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن أبي ايّوب الخزّار عن **محمد** بن مسلم عن أبي عبداللّٰه صلوات اللّٰه عليه في قوله عزّ وجلّ ـ ﴿**فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ**﴾ قال التضرّع رفع اليدين.

٧٤٢ (٤) **البحار** ٢٠٤/٨٥: اربعين الشهيد باسناده عن الصدوق عن المظفّر العلوي عن جعفر بن
٣٦٣٠٣ محمّد بن مسعود العيّاشي عن أبيه عن محمّد بن نمير عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عُمير عن أبي أيّوب الخزّار عن **محمد بن مسلم** عن أبي عبداللّٰه عليه السلام في قول اللّٰه ﴿**فَمَا ٱسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ**﴾ قال التضرّع رفع اليدين بالدّعاء.

٧٤٣ (٥) **المحاسن** ١٧: البرقي عن محمد بن إسماعيل رفعه إلى أبي عبداللّٰه عليه السلام قال قال
٣٦٣٠٤ رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله اوصيك يا علي في نفسك بخصال (إلى ان قال) وعليك برفع يديك إلى ربّك وكثرة تقلّبها.

٧٤٤ (٦) **الاحتجاج** ١٨٤/٢: عن **صفوان** بن يحيىٰ قال سألني أبو قرّة المحدّث صاحب
٣٦٣٠٥ شبرمة ان ادخله علىٰ أبي الحسن الرضا عليه السلام فاستأذنه فاذن له فدخل فسأله عن اشياء (إلى ان قال) ص ١٨٧ فقال أبو قرّة فما بالكم إذ (إذا ـ خ) دعوتم رفعتم ايديكم إلى السّماء فقال أبو الحسن عليه السلام انّ اللّٰه استعبد خلقه بضروب من العبادة (إلى ان قال) ١٨٨ واستعبد خلقه عند الدّعاء والطلب والتضرّع ببسط الأيدي ورفعها إلى السّماء لحال الإستكانة وعلامة العبوديّة والتذلّل له الخبر.

۷۳۹ (۱) محمّد بن مسلم گوید: «از امام صادقعلیه السلام دربارهٔ این سخن خداوند که می‌فرماید: «برای پروردگارشان فروتنی نکردند و تضرّع و زاری نکردند.»[۱] پرسیدم.

حضرت فرمود: استکانه عبارت است از خضوع و تضرّع که عبارت است از دو دست را بالا بردن و با التماس، درخواست کردن.»

۷۴۰ (۲) در کتاب الجعفریّات با اسناد خودش از علیعلیه السلام روایت شده که فرمود: «**فما استکانوا لربّهم وما یتضرّعون**» یعنی در دعا تواضع و خضوع نکردند و اگر برای خداوند﷯ خضوع و فروتنی می‌کردند، قطعاً خداوند دعای آن‌ها را مستجاب می‌کرد.»

۷۴۱ (۳) محمّد بن مسلم از حضرت صادقعلیه السلام روایت کرده که در تفسیر فرموده پروردگار: «**فما استکانوا لربّهم وما یتضرّعون**» فرمود: «تضرّع عبارت است از بالا بردن دو دست.»

۷۴۲ (۴) محمّد بن مسلم از حضرت صادقعلیه السلام روایت کرده که حضرت در توضیح این گفتهٔ خداوند: «**فما استکانوا لربّهم وما یتضرّعون**» فرمود: «تضرّع، بالا بردن دو دست در هنگام دعاست.»

۷۴۳ (۵) محمّد بن اسماعیل با واسطه از حضرت صادقعلیه السلام روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: ای علی! تو را به چند خصلت سفارش می‌کنم (تا آنجا که فرمود:) بر تو باد، بالا بردن دو دست به سوی پروردگارت و زیاد زیر و رو کردن و تکان دادن آن‌ها.»

۷۴۴ (۶) صفوان بن یحیی گوید: «ابو قرّهٔ محدّث از من درخواست کرد که برایش از امام رضاعلیه السلام اجازهٔ ملاقات بگیرم. حضرت اجازه فرمود.

ابوقرّه وارد شد و دربارهٔ موضوعاتی از حضرت سؤال کرد (تا اینکه رسید به اینجا که) ابوقرّه گفت: چرا شما در هنگام دعا کردن دست‌های‌تان را به طرف آسمان بالا می‌برید؟

حضرت ابوالحسن علی بن موسیعلیه السلام فرمود: خداوند آفریدگانش را با انواع و اقسام عبادت‌ها به بندگی فرا خوانده و از آن‌ها خواسته که در هنگام دعا و درخواست کردن و تضرّع کردن، دست‌ها را دراز کنند و به جانب آسمان بالا برند تا نشانهٔ حال فروتنی و کوچکی و علامت بندگی و اظهار ذلّت و خواری در پیشگاه ربوبی باشد.»

---

۱. فمااستکانُوا لربّهم و ما یتضرّعون مؤمنون ۷۶/۲۳.

۷۴۵ ۲۶۳۰۶ (۷) **التوحيد ۲۴۸**: حدّثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقّاق رضي الله عنه قال حدّثنا أبو القاسم العلوي قال حدّثنا محمد بن إسماعيل البرمكيّ قال حدّثنا الحسين بن الحسن قال حدّثني إبراهيم بن هاشم القميّ قال حدّثنا العبّاس بن عمرو الفقيميّ عن **هشام** بن الحكم في حديث الزنديق الذي أتى أبا عبدالله عليه السلام (إلى ان قال) قال السائل فما الفرق بين ان ترفعوا ايديكم إلى السّماء وبين أن تخفضوها نحو الأرض؟

قال أبو عبدالله عليه السلام في علمه واحاطته وقدرته سواء ولكنه عزّ وجلّ امر اولياءه وعباده برفع ايديهم إلى السّماء نحو العرش لأنّه جعله معدن الرزق فثبّتنا ما ثبّته القرآن والاخبار عن الرسول صلى الله عليه وآله حين قال ارفعوا ايديكم إلى اللّه عزّ وجلّ وهذا يجمع عليه فرق الأُمّة كلّها.

۷۴۶ ۲۶۳۰۷ (۸) **امالي الطوسي ۵۸۵**: حدّثنا الشيخ أبوجعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي رحمه الله قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل قال حدّثنا إبراهيم بن حفص بن عمر العسكري بالمصيصة من اصل كتابه قال حدّثنا عبدالله بن الهيثم عن عبدالله الأنماطي البغدادي قال حدّثنا الحسين بن علوان الكلبي قال حدّثني **عمرو** بن خالد الواسطي عن محمد وزيد ابني علي عن أبيهما علي بن الحسين[۱] عليه السلام قال عدّة الداعي ۱۸۲: كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله يرفع يديه إذا ابتهل ودعا كمن[۲] يستطعم (المسكين ـ عدّة الداعي).

۷۴۷ ۲۶۳۰۸ (۹) **عدّة الداعي ۱۸۲**: وفيما اوحي اللّه تعالى إلى موسىٰ عليه السلام الق كفّيك ذلاً بين يدّيَ كفعل العبد المستصرخ إلى سيّده فإذا فعلت ذلك رحمت وأنا أكرم الأكرمين وقادر القادرين.

۷۴۸ ۲۶۳۰۹ (۱۰) **تفسير علي بن إبراهيم ۳۹۲/۲**: قوله ﴿وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً﴾ قال رفع اليدين وتحريك السبّابتين.

۷۴۹ ۲۶۳۱۰ (۱۱) **مستدرك ۱۸۶/۵**: **ابن أبي جمهور** في دررالللئالي عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّه قال انّ اللّه يستحي إذا رفع إليه العبد يديه ان يردّهما صفراء[۳] من غير شيء.

---

۱. عن ابيهما عن أبيه الحسين ـ ئل. ۲. كما ـ عدّة الداعي. ۳. اي خالياً.

۷۴۵ (۷) هشام بن حکم که ماجرای زندیق و بی‌دینی را که خدمت امام صادق علیه السلام رسیده بود، بیان می‌کرد، گفت: (تا اینکه سخن به اینجا رسید که) زندیق پرسید: چه فرقی دارد که دست‌هایتان را به طرف آسمان بالا ببرید یا اینکه به طرف زمین پایین آورید؟

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت به آگاهی خدا و احاطهٔ او و توانایی او یکسان است ولی او عزوجل دوستان و بندگان خود را دستور داده که دست‌های خویش را به سمت آسمان بالا برند، به جانب عرش چون خداوند، آسمان را سرچشمه و معدن رزق و روزی قرار داده [و این را قرآن گفته[1]] و ما هر چه را قرآن حق بداند، حق می‌دانیم و آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن خبر داده حق می‌دانیم که فرموده: دست‌های‌تان را به سوی خداوند عزوجل بالا ببرید و این یک مطلبی است که تمام فرقه‌های امّت محمّد صلی الله علیه و آله بر آن اتّفاق نظر دارند.»

۷۴۶ (۸) محمّد و زید پسران امام سجّاد علیه السلام از پدرشان روایت کرده‌اند که حضرت فرمود: «هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به راز و نیاز و دعا می‌پرداخت دو دست مبارک را بلند می‌کرد مثل مسکینی که طعام طلب می‌کند.»

۷۴۷ (۹) در کتاب عدّة الداعی نقل شده است که: «از جمله سخنانی که خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد این بود که: کف دو دست را از روی کوچکی و خواری، جلوی من بگشا آن سان که بنده در وقت کمک خواستن از مولایش که از او با گریه و فریاد می‌خواهد که به داد او برسد، انجام می‌دهد.

چون چنین کنی بر تو ترحّم کنم و من بزرگوارترین بزرگواران و تواناترین توانمندان هستم.»

۷۴۸ (۱۰) در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیهٔ شریفهٔ «و تبتّل الیه تبتیلاً» گفته: «مقصود بالا بردن دو دست و تکان دادن انگشت سبّابه است.»

۷۴۹ (۱۱) ابن ابی جمهور در کتاب دُرَر اللئالی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «هر گاه بنده دست‌های خویش را به سوی خداوند بالا می‌برد، خجالت می‌کشد از اینکه آن‌ها را خالی و بدون بخشیدن چیزی برگرداند.»

---

۱. خداوند فرموده است: «وفی السماء رزقکم وما توعدون» یعنی: روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. (ذاریات ۲۲/۵۱) (مترجم).

۷۵۰ ۳۶۳۱۱ (۱۲) **الجعفريات** ۳۸: باسناده عن علي عليه السلام انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله مرّ علىٰ رجل وهو رافع بصره إلى السّماء فقال غضّ بصرك فانّك لن تراه ومرّ علىٰ رجل وهو رافع يده إلى السّماء وهو يدعو فقال كفّ يديك فانّك لن تناله.

۷۵۱ ۳۶۳۱۲ (۱۳) **كافي** ۴۷۹/۲: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن إسماعيل بن مهران عن سيف بن عميرة عن أبي إسحاق عن أبي عبداللّه عليه السلام قال الرّغبة أن تستقبل ببطن كفّيك إلى السماء والرهبة ان تجعل ظهر كفّيك إلى السّماء وقوله ﴿وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً﴾ قال الدعاء باصبع واحدة تشير بها والتضرّع تشير بإصبعيك وتحرّكهما والابتهال رفع اليدين وتمدّهما وذلك عند الدمعة ثمّ ادع.

۷۵۲ ۳۶۳۱۳ (۱۴) **المعاني** ۳۷۰: حدّثنا المظفّر بن جعفر بن المظفّر العلوى رحمه الله قال حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسعود عن أبيه عن جعفر بن أحمد[۱] قال حدّثني **العمركي** عن علي بن جعفر عن أخيه موسىٰ بن جعفر عليه السلام قال التّبتّل ان تقلّب كفّيك في الدعاء إذا دعوت والابتهال ان تبسطهما وتقدّمهما والرغبة ان تستقبل براحتيك السّماء وتستقبل بهما وجهك والرهبة ان تكفأ كفّيك فترفعهما إلى الوجه والتضرّع ان تحرّك اصبعيك وتشير بهما.

۷۵۳ ۳۶۳۱۴ (۱۵) **وفيه** وفي حديث آخر انّ البصبصة ان ترفع سبّابتيك إلى السّماء وتحرّكهما وتدعو.

۷۵۴ ۳۶۳۱۵ (۱۶) **كافي** ۴۸۵/۲: محمّد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن محمد بن خالد والحسين بن سعيد جميعاً عن النضر بن سويد عن يحيىٰ الحلبي عن أبي خالد عن **مروك** بيّاع اللؤلؤ عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال ذكر الرغبة وابرز باطن راحتيه إلى السّماء وهكذا الرهبة وجعل ظهر كفّيه إلى السّماء وهكذا التضرّع وحرّك اصابعه يميناً وشمالاً وهكذا التبتّل ويرفع اصابعه مرّة ويضعها مرّة وهكذا الإبتهال ومَدَّ يَدَهُ تلقاء وجهه الى القبلة ولا يبتهل حتّى تجري الدمعة **فلاح السائل** ۳۳: روي **سعيد** بن يسار قال قال الصادق عليه السلام هكذا الرغبة وابرز راحتيه (وذكر نحوه).

---

۱. محمّد ـ خ.

۷۵۰ (۱۲) در کتاب الجعفریّات از علیؑ روایتی نقل شده که فرمود: «پیامبر خداﷺ به مردی گذشت در حالی که چشم به آسمان دوخته بود فرمود: از نگاهت بکاه زیرا تو هرگز خدا را نخواهی دید و بر مرد دیگری گذشت که دستش را خیلی به آسمان دراز کرده بود و دعا می‌کرد، حضرت فرمود: دست‌هایت را پایین بیاور چون دستت به خدا نمی‌رسد.»

۷۵۱ (۱۳) ابو اسحاق از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «اظهار علاقه و تمایل [به خدا] به این است که کف دو دستت را رو به آسمان بگیری و اظهار ترس به این است که پشت دو دستت را مقابل آسمان قرار دهی و «تبتّل» که در آیهٔ شریفه «**و تبتّل الیه تبتیلاً**»[1] است، عبارت است از دعا کردن و اشاره کردن با یک انگشت و «تضرّع» عبارت است از اشاره کردن به دو انگشت و تکان دادن آن‌ها و «ابتهال» عبارت است از بالا آوردن دو دست و دراز کردن آن‌ها در حالی که اشک از دیدگان جاری است سپس دعا کن.»

۷۵۲ (۱۴) علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفرؑ روایت کرده که فرمود: «تبتّل این است که در هنگامی که دعا می‌کنی دو کف دستت را برگردانی [یعنی کف دست‌ها را رو به زمین نگاه داری] و «ابتهال» این است که دست‌ها را به سمت جلو دراز کنی و «رغبت» به این است که دو کف دستت را رو به آسمان مقابل صورتت بگیری و «رهبت» به این است که دو کف دستت را در کنار یکدیگر هم تراز قرار دهی و تا مقابل صورت آن‌ها را بالا بیاوری و «تضرّع» به این است که دو انگشتت را تکان دهی و به آن دو [به تناسب مضمون دعا] اشاره کنی.»

۷۵۳ (۱۵) در کتاب معانی الاخبار در حدیث دیگری آمده است که: «بصبصه وتبصبُص» [که در هنگام دعا خوب است] عبارت است از اینکه دو انگشت سبّابه‌ات را به سمت آسمان بلند کنی و آن‌ها را تکان دهی و دعا کنی.»

۷۵۴ (۱۶) مروکِ مروارید فروش با یک واسطه از امام صادقؑ روایت کرده که: «حضرت معنی «رغبت» را ذکر فرمود و دو کف دست را به سمت آسمان گرفت که «رغبت و میل خدا» به این گونه است و آنگاه پشت دست‌ها را به سمت آسمان گرفت و فرمود: «رَهْبَت و اظهار ترس» به این صورت است. و انگشتانش را به سمت راست و چپ تکان داد و فرمود: این را «تضرّع» می‌گویند و انگشتانش را یک بار بالا می‌برد و یک بار پایین می‌آورد و فرمود: «تبتّل» این‌گونه است و دستش را رو به قبله مقابل صورتش دراز کرد و فرمود: این «ابتهال» است ولی ابتهال حقیقی تحقق نیابد مگر وقتی که اشک جاری شود.»

---

۱. مزّمّل ۸/۷۳.

٧٥٥ ٣٦٣١٦ (١٧) وفيه وفي حديث آخر عن **الصادق** صلوات اللّٰه عليه الاستكانة في الدّعاء ان يضع يديه علىٰ منكبيه حين دعائه.

٧٥٦ ٣٦٣١٧ (١٨) **كافي** ٢/ ٤٨٠: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن فضالة عن العلاء عن **محمّد** بن مسلم قال سمعت ابا عبداللّٰه عليه السلام يقول مرّ بي رجل وانا ادعو في صلاتي بيساري فقال يا عبداللّٰه بيمينك فقلت يا عبداللّٰه انّ للّٰه تبارك وتعالى حقّاً علىٰ هذه كحقّه علىٰ هذه وقال الرغبة تبسط يديك وتظهر باطنهما والرهبة تبسط يديك وتظهر ظهرهما والتضرّع تحرّك السبّابة اليمنىٰ يميناً وشمالاً والتّبتّل تحرّك السبّابة اليسرىٰ ترفعها في السماء رسلاً وتضعها والابتهال تبسط يديك وذراعيك إلى السّماء والإبتهال حين ترىٰ اسباب البكاء.

مستدرك ٥/ ١٨٨: كتاب العلاء عن **محمّد** بن مسلم قال قال أبوعبداللّٰه عليه السلام مرّ بي رجل (وذكر نحوه إلى قوله كحقّه علىٰ هذه).

٧٥٧ ٣٦٣١٨ (١٩) **الجعفريات** ٢٢٦: باسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله لنا دعاء الرغبة هكذا وبسط يديه ودعاء الرهبة هكذا وقلّب يديه ودعاء التّضرّع هكذا وقال بسطها وقلّبها ودعاء الاستكانة هكذا قبض يديه إلى منكبه وقال صلى الله عليه وآله لا يكون ذلك إلّا في الخلاء.

٧٥٨ ٣٦٣١٩ (٢٠) **كافي** ٢/ ٤٨٠: (عدّة من أصحابنا ــ معلّق) عن أحمد بن محمّد بن خالد عن أبيه او غيره عن هارون بن خارجة عن **أبى بصير** عن أبي عبداللّٰه عليه السلام قال سألته عن الدعاء ورفع اليدين فقال علىٰ اربعة اوجه امّا التعوذ فتستقبل القبلة بباطن كفيك وامّا الدّعاء في الرزق فتبسط كفّيك وتفضي بباطنهما إلى السّماء وامّا التبتّل فإيماء بأصبعك السبّابة وامّا الإبتهال فرفع يديك تجاوز بهما رأسك ودعاء التضرّع ان تحرّك اصبعك السبّابة ممّا يلي وجهك وهو دعاء الخيفة.

۷۵۵ (۱۷) در حدیث دیگری از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: « «استکانه» در دعا این است که دو دست را بر روی دوش‌هایش بگذارد.»

۷۵۶ (۱۸) محمّد بن مسلم گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: من در نماز، دعا می‌کردم و دست چپم را بالا آورده بودم، مردی به من گذر کرد، گفت: ای عبدالله[۱] با دست راستت [دعا کن] گفتم: ای بندهٔ خدا! برای خداوند حقّی است برگردن این [دست چپ] به مانند حقش بر این یکی [دست راست].

آنگاه حضرت فرمود: «رغبت» این است که دو دست را دراز کنی و کف دو دست را بالا آوری و «رَهبت» و ترس از خدا این است که دست‌ها را دراز کنی و پشت آن‌ها را به آسمان بگیری.

و «تضرّع» به این است که انگشت سبّابهٔ دست راست را به سمت راست و چپ حرکت دهی و «تبتّل» این است که انگشت سبّابهٔ دست چپ را به طرف بالا و پایین تکان دهی و «ابتهال» این است که دستانت و دو آرنج خود را به سمت آسمان دراز کنی و در وقتی به ابتهال بپرداز که زمینهٔ گریه فراهم باشد.»

۷۵۷ (۱۹) در کتاب الجعفریّات با اسناد خودش از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود: «ما دعا با «رغبت» می‌خوانیم به این نحو: و حضرت دو دستش را دراز فرمود. و دعا با «رهبت» می‌خوانیم به این نحو: و دو دست خود را [به طرف زمین] برگرداند و دعا با «تضرّع» می‌خوانیم به این گونه: دست‌ها را گشود و برگرداند [یعنی دو کف دست به سمت زمین قرار گرفت] و دعا با «استکانت» می‌خوانیم به این صورت: و دو دستش را بر روی دو دوشش گذاشت و فرمود: این دعای استکانت فقط در خلوت و تنهایی، خوانده می‌شود.»

۷۵۸ (۲۰) ابوبصیر گوید: «از حضرت صادق علیه السلام دربارهٔ دعا و بالا بردن دست‌ها پرسیدم.

حضرت فرمود: به چهار گونه است: در هنگام پناه بردن به خدا و استعاذه دو کف دست را به سمت قبله می‌گیری و امّا در دعا برای طلب رزق و روزی دو کف دست را باز می‌کنی و به سمت آسمان بالا می‌آوری و امّا «تبتّل» با انگشت سبّابه اشاره می‌کنی و امّا «ابتهال» دو دست خویش بالا می‌آوری حتی از سرت هم بالاتر می‌آوری و دعای «تضرّع» به این نحو است که انگشت سبّابه را روبروی صورتت تکان می‌دهی و این نحوه عمل در دعایی است که هنگام خوف و هراس خوانده می‌شود.»

---

۱. در خود اصول کافی که مصدر این روایت است، یا ابا عبدالله است ظاهراً در اینجا به اشتباه «یاعبدالله» ذکر شده. (اصول کافی، ج ۲، باب الرغبة والرهبة، ح (۴)) «مترجم».

٧٥٩ (٢١) **كافي** ٢/ ٤٨١: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد عن حريز عن **محمّد** بن مسلم
٣٦٣٢٠ **وزرارة** قالا لأبي عبدالله عليه السلام كيف المسألة إلى الله تبارك وتعالى؟

قال تبسط كفّيك.

قلنا كيف الاستعاذة؟

قال تفضي بكفّيك[١] والتّبتّل الايماء بالاصبع والتضرّع تحريك الاصبع والإبتهال ان تمدّ يديك جميعاً.

٧٦٠ (٢٢) **قرب الاسناد** ١٤٥: السندي بن محمّد البزار قال حدّثنا **أبوالبختري** عن جعفر عن
٣٦٣٢١ أبيه عن علي عليه السلام انّه كان يقول إذا سألت الله فاسأله ببطن كفّيك وإذا تعوّذت فبظهر كفّيك وإذا دعوت فبأصبعك.

٧٦١ (٢٣) **الجعفريات** ٢٢٦: باسناده عن **عليّ بن أبي طالب** عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا سألتم
٣٦٣٢٢ الله عزّ وجلّ فاسألوه بباطن الكفّين وإذا استعذتموه فاستعيذوه بظاهرهما.

٧٦٢ (٢٤) **بصائر الدرجات** ٢١٨: حدّثنا إبراهيم بن إسحاق عن عبدالله بن حمّاد عن أبي
٣٦٣٢٣ بصير وداود الرقي عن معاوية بن عمّار الدّهني ومعاوية بن وهب عن **ابن سنان** قال كنا بالمدينة حين بعث داود بن علي إلى المعلّىٰ بن خنيس فقتله.

فجلس أبو عبدالله عليه السلام فلم يأته شهراً.

قال فبعث إليه ان ائتني فأبىٰ ان يأتيه.

فبعث إليه خمس نفر من الحرّس.

قال ائتونى به فان أبىٰ فأتوني به او برأسه. فدخلوا عليه وهو يصلّي ونحن نصلّي معه الزوال فقالوا اجب داود بن على قال فان لم اجب قال (قالوا ـ ظ) امرنا أن نأتيه برأسك.

فقال وما اظنّكم تقتلون ابن رسول الله.

قالوا ما ندري ما تقول وما نعرف الاّ الطّاعة.

---

١. اي ترفع بباطن كفيك.

۷۵۹ (۲۱) محمّد بن مسلم و زراره هر دو از امام صادق﴿ع﴾ پرسیدند: «چگونه از خداوند تبارک و تعالی باید درخواست کرد؟

حضرت فرمود: کف دو دستت را باز می‌کنی.

پرسیدیم: استعاذه و پناه بردن به خدا [از شیطان] چگونه است؟ فرمود: کف دست‌هایت را بالا می‌آوری و «تبتّل» اشاره کردن با انگشت است و «تضرّع» حرکت دادن و تکان دادن انگشت است و «ابتهال» این است که هر دو دستت را با هم دراز کنی.»

۷۶۰ (۲۲) ابوالبختری از امام صادق﴿ع﴾ و او از پدرش و او از علی﴿ع﴾ روایت کرده که فرمود: «هر گاه می‌خواهی چیزی از خدا درخواست کنی پس با کف دو دستت از او بخواه و هر گاه می‌خواهی پناه به او ببری پس با پشت دست‌هایت پناه ببر و هر گاه می‌خواهی با خدا راز و نیاز کنی پس با انگشتت راز و نیاز کن [یعنی از حرکات انگشت هماهنگ با مضمون دعا، استفاده کن].»

۷۶۱ (۲۳) در کتاب الجعفریّات از علیّ بن ابی طالب﴿ع﴾ روایت شده که فرمود: «پیامبر خدا﴿ص﴾ فرمود: هر گاه می‌خواهید از خداوند عزّ و جلّ چیزی درخواست کنید پس با گشودن کف دست‌ها، درخواست کنید و هر گاه از او پناه می‌خواهید پس با پشت دست‌ها پناه جویی کنید.»

۷۶۲ (۲۴) ابن سنان گوید: «ما در شهر مدینه بودیم در وقتی که داود بن علی [والی ظالم مدینه] کسانی را فرستاد تا «معلّی بن خنیس» را [که از اصحاب امام صادق﴿ع﴾ بود] بکشند و او را به قتل رساندند.

پس از آن امام صادق﴿ع﴾ در خانه نشست و یک ماه پیش داود بن علی نرفت. آن [والی ستمگر] مأمورینی فرستاد تا امام صادق﴿ع﴾ را پیش او ببرند و گفت: اگر از آمدن امتناع ورزید با زور یا خودش یا سرش را برایم بیاورید.

مأمورین به خانهٔ حضرت ریختند در حالی که آن بزرگوار مشغول نماز بود و ما نیز با او نماز ظهر به جماعت می‌خواندیم.

مأمورین گفتند: درخواست داود بن علی را اجابت کن.

حضرت فرمود: اگر اجابت نکنم؟ گفتند: به ما دستور داده که سر تو را نزد او ببریم.

پس حضرت فرمود: گمان نمی‌کنم که شما پسر پیامبر خدا را بکشید!

گفتند: ما نمی‌فهمیم که تو چه می‌گویی. ما جز اطاعت امر امیر چیز دیگری نمی‌شناسیم.

قال انصرفوا فانّه خير لكم في دنياكم وآخرتكم.

قالوا واللّه لا ننصرف حتى نذهب بك معنا او نذهب برأسك.

قال فلمّا علم انّ القوم لا يذهبون الّا بذهاب رأسه وخاف على نفسه.

قالوا رأيناه قد رفع يديه فوضعهما على منكبه ثمّ بسطهما ثمّ دعا بسبّابته فسمعناه يقول الساعة الساعة فسمعنا صراخاً عالياً.

فقالوا له قم فقال لهم اما انّ صاحبكم قد مات وهذا الصراخ عليه فابعثوا رجلاً منكم فان لم يكن هذا الصراخ عليه قمت معكم قالوا فبعثوا رجلاً منهم فما لبث ان اقبل.

فقال يا هؤلاء قد مات صاحبكم وهذا الصراخ عليه فانصرفوا فقلت له جعلنا اللّه فداك ماكان حاله.

قال قتل مولاي المعلّىٰ بن خنيس فلم آته منذ شهر فبعث اليّ أن آتيه فلمّا ان كان السّاعة لم آتيه فبعث اليّ ليضرب عنقي فدعوت اللّه باسمه الاعظم فبعث اللّه إليه ملكاً بحربة فطعنه في مذاكيره فقتله.

فقلت له فرفع اليدين ما هو قال الإبتهال فقلت فوضع يديك وجمعها (وجمعهما ـ ظ) قال التضرّع قلت ورفع الاصبع قال البصبصة[1].

۷۶۳ (۲۵) **الجعفريّات** ۴۱: باسناده عن **علي**ﷺ قال قال رسول اللّهﷺ الإشارة بالإصابع المسبّحة في الصلاة وفي الدعاء مرضات للربّ مقمعة للشيطان وهو الاخلاص.
٣٦٣٢٤

۷٦٤ (۲٦) **عدّة الداعي** ١٦٨: وفيما اوحي للّه إلى عيسىٰﷺ لا تَدْعُني الّا متضرّعاً اليّ وهمّك همّاً واحداً فانّك متىٰ تدعني كذلك اجبك.
٣٦٣٢٥

---

١. البصبصة: التملّق.

حضرت فرمود: از این کار صرف نظر کنید کرده برای دنیا و آخرت‌تان بهتر است.

گفتند: به خدا قسم که نخواهیم رفت مگر اینکه یا خودت را به همراه خود ببریم یا سرت را.

راوی گوید: چون حضرت دانست که این قوم نخواهند رفت مگر با بریدن سر او و جان خود را در خطر دید، دیدیم که حضرت دو دست خود را بلند کرد و آن‌ها را بر روی دوشش نهاد سپس آن‌ها را دراز کرد سپس با تکان دادن انگشت سبّابه‌اش، دعاکرد و شنیدیم که حضرت می‌گوید: همین الآن، همین الآن.

پس صدای فریاد بلندی به گوش‌مان رسید. پس مأمورین به حضرت گفتند: حرکت کن. حضرت فرمود: هشدار که امیرتان مُرد و این سر و صداها به خاطر او برپا شده. یک نفر از خودتان را بفرستید اگر دیدید که این فریادها به خاطر مرگ او نیست، من با شما خواهم آمد.

پس آن‌ها یک نفر از خودشان را فرستادند. طولی نکشید که برگشت و گفت: ای مردم! امیر شما مُرد و این ناله و فریادها بر اوست. پس همگی به سرعت رفتند.

پس من [ابن سنان راوی این حدیث شریف] به حضرت عرض کردم: خداوند ما را فدایت کند! چه حالی برای او [امیر ظالم] پیش آمد؟

حضرت فرمود: [این ظالم] دوست من «مُعَلّی بن خُنَیس» را کُشت. پس یک ماه است که دیگر پیش او نرفتم. پس مأمور فرستاد که من نزد او روم پس چون دید در همین ساعت پیش او نرفتم، مأمور فرستاد تا گردن مرا بزنند. من با اسم اعظم خداوند خدا را خواندم پس خداوند فرشته‌ای را همراه با نیزه‌ای فرستاد و فرشته همان نیزه را در شقیقه‌اش فرو برد و او را کشت [لعنة الله علیه] پس به حضرت عرض کردم اینکه دست‌های‌تان را بلند کردید چه بود؟ حضرت فرمود: این «ابتهال» است. عرض کردم: این که دست‌هایتان را جمع کردید و بر دوش نهادید چه بود؟ فرمود: این، «تضرّع» است. عرض کردم: بالا بردن انگشت چه نام دارد؟ حضرت فرمود: «بَصْبَصه».»

۷۶۳ (۲۵) در کتاب الجعفریّات از علی‌ؑ روایت شده که فرمود: «اشاره کردن با انگشتان «مُسبّحه» [یعنی: انگشتی که کنارِ انگشت شست قرار دارد] در نماز و در دعا، موجب خشنودی پروردگار و وسیلهٔ ریشه کن کردن شیطان است و این عمل، «اخلاص» نام دارد.»

۷۶۴ (۲۶) ابن فهد حلّی ؒ در کتاب عدّة الداعی نقل کرده که: «در میان سخنانی که خداوند به حضرت عیسیؑ وحی کرد این سخن بود که: مرا مخوان مگر در حال تضرّع و زاری و تمام همّ و غمّت یک چیز باشد. پس بی‌گمان وقتی که تو اینگونه مرا بخوانی من اجابت می‌کنم تو را و دعایت را مستجاب می‌گردانم.»

۷٦٥ (۲۷)**العوالي**: قال ﷺ واسألوا اللّه ببطون أكفّكم ولا تسئلوه بظهورها فإذا فرغتم فامسحوا بها وجوهكم.
٢٦٢٣٦

وتقدم في رواية علي بن جعفر (۳۷) من باب (۱۳) وجوب النيّة من أبواب المقدّمات قوله للنّار ولا تحرق لهم أيدياً فقد كانوا يرفعونها بالدعاء.

وفي رواية ابن شاذان (۱۰) من باب (۸) علل الصلاة من أبواب كيفيّة الصلاة قوله ﷺ لأنّ رفع اليدين ضرب من الإبتهال والتبتّل والتضرّع فاحبّ اللّه عزّ وجلّ ان يكون في وقت ذكره متبتّلاً متضرّعاً مبتهلاً ولانّ في رفع اليدين احضار النيّة واقبال القلب على ما قال وقصد.

وفي أحاديث باب (۴) استحباب رفع اليدين بالقنوت مقابل الوجه **وباب** (۶) كراهة ردّ اليدين في القنوت علىٰ الرأس والوجه ما يدلّ علىٰ ذلك فراجع.

وفي رواية راوندي (۵) من باب (۲۴) انّ من سرّه اَن يستجاب دعوته فليطب مكسبه من أبواب الدعاء قوله انّ موسىٰ ﷺ رأىٰ رجلاً يتضرّع تضرّعاً عظيماً ويدعو رافعاً يديه ويبتهل. الخ.

(۶)

باب ماورد في الاقبال بالقلب حالة الدعاء وحسن النيّة والمعرفة وحسن الظن بالإجابة

قال اللّه تعالى في سورة البقرة (۲): ۴۰: ﴿يَـٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُواْ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُواْ بِعَهْدِىٓ أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّـٰىَ فَٱرْهَبُونِ﴾.

۷٦٦ (۱)**كافي ۴۷۳/۲**: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن بعض اصحابه عن
٢٦٢٣٧
سيف بن عميرة عن **سليم** الفراء عمّن ذكره عن أبي عبداللّه ﷺ قال إذا دعوت فاقبل بقلبك وظنّ حاجتك بالباب كا ۴۷۳/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **سليم** الفرّاء عمّن حدّثه عن أبي عبداللّه ﷺ قال إذا دعوت فظنّ حاجتك بالباب (وفي الوسائل أوردها هكذا ـ إذا دعوت فاقبل بقلبك وظنّ حاجتك بالباب.

۷۶۵ (۲۷) در کتاب عوالی از پیامبر اکرمﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «با کف دست‌های‌تان از خدا درخواست کنید نه با پشت دست‌هایتان و چون از دعا فارغ شدید، کف دست‌ها را به روی صورت خود بکشید.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت سی و هفتم از باب سیزدهم از باب‌های مقدمات این گفته که: «به آتش گفته می‌شود: نسوزان دست‌هایی را که هنگام دعا آن‌ها را بالا می‌آوردند.

و در روایت دهم از باب هشتم از باب‌های کیفیت نماز فرموده امامؑ که: «چون بالا بردن دو دست، نوعی از ابتهال و تبتّل و تضرّع است و خداوندﷻ دوست دارد [بنده] در هنگام ذکر او و از همه چیز منقطع شود و التماس و زاری کند و سوز و گداز داشته باشد به خاطر این که وقتی دست‌ها را در [قنوت] بالا می‌آورد توجّه قلبی پیدا می‌شود و دل [نمازگزار] روی می‌آورد به آنچه می‌گوید و قصد می‌کند.[1]»

و در روایات باب چهارم و ششم آنچه بر آن دلالت می‌کند پس مراجعه کنید.

و در روایت پنجم از باب بیست و چهارم از باب‌های دعا این گفته که: «حضرت موسیؑ مردی را دید که بسیار التماس و زاری می‌کرد و دست‌هایش را بلند کرده بود و دعا می‌کرد و با سوز و گداز به خدا روی آورده بود... تا آخر حدیث.»

باب ۶

اقبال قلبی در دعا و اعتقاد به استجابت آن

خداوندﷻ فرمود:

ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید و به پیمانم وفا کنید تا به پیمان‌تان وفا کنم و تنها از من بترسید.[2]

۷۶۶ (۱) سلیم فرّاء از کسی که نام او را خودش ذکر کرد و او از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر گاه دعا می‌کنی با قلبت روی بیاور و گمان کن که حاجتت جلو در است [و می‌خواهد به خانه‌ات بیاید.]»

---

۱. ابواب کیفیّت نماز، باب (۸)، روایت (۱۰).

۲. بقره ۲/۴۰.

٧٦٧ ٢٦٣٢٨ (٢) **كافي** ٢/٤٧٣: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن سيف بن عميرة عن **سليمان** بن عمرو قال سمعت أبا عبداللّه عليه السلام يقول انّ اللّه عزّ وجلّ لا يستجيب دعاء بظهر قلب ساهٍ[١] فإذا دعوت فاقبل بقلبك ثمّ استيقن بالاجابة.

٧٦٨ ٢٦٣٢٩ (٣) **كافي** ٢/٤٧٤: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن إسماعيل بن مهران عن **سيف** بن عميرة عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ اللّه عزّ وجلّ لا يستجيب دعاء بظهر قلب قاس.

٧٦٩ ٢٦٣٣٠ (٤) **كافي** ٢/٤٧٣: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمّد الاشعريّ عن **ابن القدّاح** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال أمير المؤمنين صلوات اللّه عليه لا يقبل اللّه عزّ وجلّ دعاء قلب لاه وكان علي[٢] عليه السلام يقول إذا دعا أحدكم فلا يدعو له وقلبه لاه عنه ولكن ليجتهد له في الدعاء.

٧٧٠ ٢٦٣٣١ (٥) **فقيه** ٤/٢٦٥: **بالاسناد المتقدم** في باب (٢٦) استحباب الفصل بين الاذان والاقامة (في حديث وصيّة النبيّ صلى الله عليه وآله لعليّ عليه السلام) يا علي لا يقبل اللّه دعاء قلب ساه.

٧٧١ ٢٦٣٣٢ (٦) **التوحيد** ٢٨٨: حدثنا أحمد بن محمّد بن عبدالرحمن المروزيّ المقريّ قال حدثنا أبو عمرو محمد بن جعفر المقريّ قال حدثنا محمّد بن الحسن الموصلي ببغداد قال حدثنا محمد بن عاصم الطريفيّ قال حدّثنا **عيّاش** بن يزيد بن الحسن بن علي الكحّال[٣] مولىٰ زيد بن علي قال حدثني أبي قال حدثني موسىٰ بن جعفر عليه السلام قال قال قوم للصادق عليه السلام ندعو فلا يستجاب لنا قال لأنّكم تدعون من لا تعرفونه.

٧٧٢ ٢٦٣٣٣ (٧) **كافي** ٢/٤٧٤: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **هشام** بن الحكم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال لما استسقىٰ رسول اللّه صلى الله عليه وآله وسقَىٰ النّاس حتّىٰ قالوا انّه الغرق وقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله بيده[٤] وردّها اللّهمّ حوالينا ولا علينا قال فتفرق السحاب فقالوا يا رسول اللّه استسقيت لنا فلم نسق ثمّ استسقيت لنا فسقينا قال اني دعوت وليس لي في ذلك نيّة ثمّ دعوت ولي في ذلك نيّة.

---

١. اي غافل. ٢. علي بن الحسين عليه السلام ـ خ. ٣. الضحاك ـ خ.
٤. اى اشار صلّى اللّه عليه وآله بيده الى تفرّق السحاب.

۷۶۷ (۲) سلیمان بن عمرو گوید: «از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند عزوجل دعایی را که از دل غافل برخیزد مستجاب نمی‌کند. پس هر گاه دعا می‌کنی با دلت روی بیاور وانگهی به مستجاب شدن دعایت یقین داشته باش.»

۷۶۸ (۳) سیف بن عمیره با یک واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «خداوند عزوجل دعایی را که از دل قسیّ و سخت برخاسته مستجاب نمی‌کند.»

۷۶۹ (۴) ابن قدّاح از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «امیر مؤمنان علی که درودهای خدا بر او باد فرموده: خداوند با عزّت و شکوه، دعای دل مشغول به لهو و لعب را نمی‌پذیرد و علی علیه السلام می‌فرمود: هر گاه یکی از شما برای مرده دعا می‌کند نباید با دلی غافل و سرگرم به لهویّات دعا کند بلکه باید با تمام توجّه و تلاش برای او دعا نماید.»

۷۷۰ (۵) در کتاب من لا یحضره فقیه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که حضرت در وصیّتش به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! خداوند دعای دل غافل و بی خبر را نمی‌پذیرد و مستجاب نمی‌کند.»

۷۷۱ (۶) حسن بن علی کحّال از پدرش و او از موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «عدّه‌ای از مردم به حضرت صادق علیه السلام عرض کردند: ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود!

حضرت فرمود: چون شما دعا می‌کنید و می‌خوانید کسی را که نمی‌شناسید او را.»

۷۷۲ (۷) هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «زمانی مردم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله طلب باران کردند [و حضرت دعا کرد] پس آنقدر باران آمد که مردم گفتند: غرق خواهیم شد. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دست اشاره کرد و ابرها را برگرداند و فرمود: خداوند در اطراف ما [که زمین‌های زراعی است باران نازل کن] نه بر روی سر ما [که خانه‌های‌مان خراب شود] پس ابرها پراکنده شدند.

مردم به حضرت عرض کردند: ای پیامبر خدا! [یکبار] برای ما طلب باران کردی امّا بارانی بر ما نبارید، این بار، باران خواستی، پس باران بر ما بارید.

حضرت فرمود: بار اوّل که دعا کردم نیّت جدّی و تصمیم قطعی نداشتم ولی این بار با عزم جدّی و نیّت قوی به دعا پرداختم.»

۷۷۳ ۲٦۲۲٤ (۸) **مستدرك ۱۸۸/۵**: القطب الراوندي في قصص الانبياء باسناده إلى الصدوق عن أبيه عن سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن الحسن بن محبوب عن **عمر** بن يزيد عن أبى عبداللّه عليه السلام قال انّ رجلاً كان فى بني اسرائيل قد دعا اللّه أن يرزقه غلاماً يدعو ثلاثاً وثلاثين سنة فلمّا رأىٰ انّ اللّه تعالىٰ لايجيبه قال يا ربّ ابعيد أنا منك فلا تسمع منّي ام قريب انت فلا تجيبني فأتاه آتٍ في منامه فقال له انّك تدعو اللّه بلسان بذي وقلب غلق عات غير نقيّ وبنيّة غير صادقة فاقلع من بذائك فليتّق اللّه قلبك ولتحسن نيّتك قال ففعل الرجل ذلك فدعا اللّه عزّ وجلّ فولد له غلام.

۷۷٤ ۲٦۲۲۵ (۹) **الاختصاص ۲٤۲**: محمد بن علي عن أبيه عن سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن علي بن **الحكم** عن هشام بن سالم قال قلت للصادق عليه السلام يابن رسول اللّه ما بال المؤمن إذا دعا ربّما استجيب له وربّما لم يستجب له وقد قال اللّه عزّ وجلّ ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ فقال عليه السلام انّ العبد إذا دعا اللّه تبارك وتعالىٰ بنيّة صادقة وقلب مخلص استجيب له بعد وفائه بعهد اللّه عزّ وجلّ وإذا دعا اللّه عزّ وجلّ لغير نيّة واخلاص لم يستجب له أليس اللّه تعالىٰ يقول أَوفُوا بِعَهدى أُوفِ بِعَهدِكُم ـ فمن وفىٰ أوفىٰ له.

۷۷۵ ۲٦۲۲٦ (۱۰) **الثواب ۱۸٤**: حدّثني محمد بن الحسن عليه السلام قال حدّثني محمّد بن يحيىٰ عن محمّد بن أحمد عن بعض أصحابنا عن محمّد بن بكر عن [أبي] زكريّا عن أبي سيّار عن **سورة** بن كليب عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال اللّه عزّ وجلّ من سألني وهو يعلم انّي أضرّ وانفع استجيب له.

۷۷٦ ۲٦۲۲۷ (۱۱) **تفسير العيّاشي ۸۳**: عن **ابن أبى يعفور** عن أبي عبداللّه عليه السلام في قوله تعالى فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي ـ يعلمون أنّي أقدر علىٰ ان أعطيهم ما يسألون.

۷۷۷ ۲٦۲۲۸ (۱۲) **مستدرك ۱۸۹/۵**: القطب **الراوندي** في كتاب الدعوات عن الصادق عليه السلام انّه قال عليكم بالدعاء فانّه شفاء من كلّ داء إذا دعوت فظنّ أنّ حاجتك بالباب.

۷۷۸ ۲٦۲۲۹ (۱۳) **عدّة الدّاعي ۱۳۲**: وفيما اوحىٰ اللّه إلى موسىٰ عليه السلام يا موسىٰ ما دعوتني ورجوتني فاني سأغفر[۱] لك.

---

۱. سامع ـ ئل.

۷۷۳ (۸) عمر بن یزید از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «مردی در بنی اسرائیل سی و سه سال دعا می‌کرد تا خداوند به او پسری دهد وقتی دید خدا دعایش را مستجاب نمی‌کند، گفت: ای پروردگار من! آیا من خیلی از تو دورم که صدایم به گوش تو نمی‌رسد یا اینکه نزدیکی و جوابم را نمی‌دهی؟

پس کسی به خوابش آمد و به او گفت: تو خدا را با زبان ناسزاگو و دلی آشفته و سرکش و ناپاک و با نیّتی کاذب، می‌خوانی. دست از فحّاشی‌هایت بردار و دلت را پاک و خدا ترس کن و نیّتت هم خیر باشد.

حضرت فرمود: این مرد همین کارها را انجام داد وانگهی خداوند با فرّ و شکوه را خواند و خداوند هم به او پسری مرحمت فرمود.»

۷۷۴ (۹) هشام بن سالم از امام صادقؑ روایت کرده که گفت: «به حضرت صادقؑ عرض کردم: ای پسر پیامبر خداﷺ! چرا بعضی وقت‌ها مؤمن دعا می‌کند، دعایش مستجاب می‌شود و بعضی وقت‌ها مستجاب نمی‌شود، با اینکه خداوندﷻ فرموده: «**پروردگار شما فرموده: مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را**»؟

حضرت فرمود: هر گاه بنده، خداوند خجستهٔ بلند مرتبه را با نیّت صادق و دل با اخلاص بخواند و به پیمان الهی هم وفادار باشد، دعایش مستجاب می‌شود ولی اگر خداوند با فرّ و شکوه را بدون نیّت و اخلاص بخواند دعایش مستجاب نمی‌شود. آیا این خدا نیست که می‌فرماید: «**شما به پیمان من وفا کنید من به پیمانم وفا می‌کنم؟**» پس [به من بگو] کسی با وفاتر از خدا، یافت می‌شود؟»

۷۷۵ (۱۰) سورة بن کلیب از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: خداوندﷻ فرموده: هر کس از من درخواست کند و به یقین بداند که نفع و ضرر در دست من است، اجابتش خواهم کرد.»

۷۷۶ (۱۱) ابن ابی یعفور از حضرت صادقؑ در ذیل آیه شریفه: «**باید از من اجابت بخواهند و به من ایمان آورند.**» فرمود: مقصود خداوند این است که باید بدانند و باور کنند که من تواناترین کسی هستم که می‌توانم خواستهٔ آن‌ها را به آن‌ها بدهم.»

۷۷۷ (۱۲) قطب راوندی در کتاب دعوات روایتی از حضرت صادقؑ نقل کرده که فرمود: «بر شما باد دعاکردن زیرا دعا، شفای هر دردی است. وقتی دعا می‌کنی چنین تصورکن که حاجتت در جلوی در است.»

۷۷۸ (۱۳) ابن فهد حلّی ؒ در کتاب عدّة الداعی نقل کرده که: «در میان سخنانی که خداوند به موسیؑ وحی کرد، این سخن بود که: «ای موسی! مادامی که دعا می‌کنی و مرا می‌خوانی و به من امیدوار هستی پس قطعاً تو را خواهم آمرزید.»

٧٧٩ ٣٦٣٤٠ (١٤) **مستدرك** ١٩٠/٥: السيّد **علي** بن طاوُوس في فلاح السائل ورأينا في كتاب الأدعية المرويّة من الحضرة النبويّة للسمعاني باسناده المتّصل عن النبيّ ﷺ انّه قال ادعوا اللّه وانتم موقنون بالإجابة عِدّة الداعي ١٣٢: قال رسول اللّه ﷺ ادعوا اللّه (وذكر مثله).

٧٨٠ ٣٦٣٤١ (١٥) **مستدرك** ١٩١/٥: **القطب الراوندي** في الدعوات قال النبي ﷺ ادعوا اللّه وانتم موقنون بالإجابة واعلموا انّ اللّه لا يستجيب دعاء من قلب لاه.

وتقدّم في أحاديث باب (٤) الاقبال والتخشع في الصلاة من أبواب كيفيّتها مايدلّ على ذلك.

وفي أحاديث باب (٦٠) وجوب الخوف والرجاء من اللّه تعالى من أبواب جهاد النفس ج ١٧ ما يدلّ على بعض المقصود.

ويأتي في رواية المفضّل (١) من باب (٢٠) اجابة الدعاء في اللّيل قوله تعالى ها أنا ذا يا ابن عمران مطّلع على احبائي إذا جهنّم اللّيل حوّلت ابصارهم من قلوبهم ومثّلت عقوبتي يخاطبوني عن المشاهدة ويكلّموني عن الحضور يا ابن عمران هب لي من قلبك الخشوع ومن بدنك الخضوع ومن عينيك الدموع في ظلم اللّيل وادعني فانّك تجدني قريباً مجيباً.

وفي رواية بريد (١٨) من باب (٩) استحباب تزويج المرأة لدينها من أبواب التزويج قوله تعالى إذا اردتُ أن اجمع للمسلم خيرَ الدنيا والآخرة جعلت له قلباً خاشعاً.

(٧)

باب استحباب الدّعاء مع البكاء ساجداً أو التّباكى ولو بذكر الأموات ومع الحزن وعند رقّة القلب واقشعرار الجلد ودمعة العين وحصول الإخلاص وقلب تقيّ وصدر نقيّ

٧٨١ ٣٦٣٤٢ (١) **كافي** ٤٨٣/٢: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن ابن فضّال عن يونس بن يعقوب عن **سعيد** بن يسار بيّاع السّابريّ قال قلت لابى عبداللّه ﷺ انّي اتباكى في الدعاء وليس لي بكاء قال نعم ولو مثل رأس الذباب.

۷۷۹ (۱۴) ابن طاووس در کتاب فلاح السائل گفته: «ما، در کتاب مرحوم «سمعانی» که دعاهایی که از حضرت پیامبرﷺ روایت شده در آن جمع‌آوری کرده، دیدیم که با سند متّصل از پیامبرﷺ روایت شده که حضرت فرمود: «خدا را با یقین به اجابت بخوانید.»

۷۸۰ (۱۵) قطب راوندی در کتاب دعوات از رسول اعظم اسلامﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «با یقین به اجابت، خدا را بخوانید و بدانید که خداوند دعایی را که از دل غافل و سرگرم به لهویّات برخیزد مستجاب نمی‌کند.»

ارجاعات

گذشت:

در بسیاری از روایات باب چهارم از باب‌های کیفیت نماز آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایات باب شصتم از باب‌های جهاد با نفس آنچه بر بعضی از مقصود دلالت دارد.

می‌آید:

در روایت یکم از باب بیستم این گفته که: «آری ای پسر عمران من از حال دوستانم آگاهم. چون تاریکی شب آن‌ها را فرا می‌گیرد و چشمان همه برای خواب فرو بسته می‌شود من دیدگان دل آن‌ها را باز می‌کنم و عذاب خود را برای آن‌ها مجسّم می‌کنم. از روی شهود مرا مخاطب قرار می‌دهند و از روی حضور با من حرف می‌زنند.

ای پسر عمران! از دلت خشوع و از بدنت فروتنی و خضوع و از دیدگانت اشک در تاریکی‌های شب به من بده و مرا بخوان پس به یقین مرا نزدیک و جواب دهنده خواهی یافت.»

و در روایت هجدهم از باب نهم از باب‌های تزویج فرموده خداوند تعالی که: «هر گاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای یک مسلمان جمع کنم، به او دلی خاشع می‌دهم.»

باب ۷

داشتن حال دعا یعنی اندوه و نازک‌دلی و گریه در هنگام دعا

۷۸۱ (۱) سعید بن یسار خرما فروش گوید: «به حضرت صادقؑ عرض کردم که من در وقت دعا، گریه‌ام نمی‌آید ولی خود را به گریه می‌زنم. حضرت فرمود: بله، گرچه به اندازهٔ سر مگس باشد.»

۷۸۲ ۲٦۳٤۳ (۲) **كافي** ۴۸۳/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد عن عليّ بن الحكم عن **عليّ** بن أبي حمزة قال قال أبو عبداللّه عليه السلام لابي بصير ان خفت امراً يكون او حاجة تريدها فابدأ باللّه ومجّده واثن عليه كما هو اهله وصلّ على النبيّ صلى الله عليه وآله وسل حاجتك وتباك ولو مثل رأس الذباب انّ أبي عليه السلام كان يقول انّ أقرب مايكون العبد من الرّبّ عزّ وجلّ وهو ساجد باك.

۷۸۳ ۲٦۳٤٤ (۳) **كافي** ۴۸۳/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد عن عثمان بن عيسى عن **إسحاق** بن عمّار قال قلت لابي عبداللّه عليه السلام اكون ادعو واشتهي البكاء ولا يجيئني وربّما ذكرت بعض من مات من اهلي فأرقّ فأبكي فهل يجوز ذلك فقال نعم فتذكّرهم فإذا رققت فابك وادع ربّك تبارك وتعالىٰ.

۷۸٤ ۲٦۳٤٥ (۴) **كافي** ۴۸۳/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن عبداللّه بن المغيرة عن **إسماعيل** البجليّ عن أبي عبداللّه عليه السلام قال ان لم يجئك البكاء فتباك فان خرج منك [1] مثل رأس الذباب فبخّ بخّ [2]
المكارم ۳۱۷: قال أميرالمؤمنين عليه السلام إذا لم يجئك البكاء (وذكر نحوه).

۷۸٥ ۲٦۳٤٦ (۵) **كافي** ۴۸۳/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن **عنبسة** العابد قال قال أبوعبداللّه عليه السلام ان لم تكن بك بكاء فتباك.

۷۸٦ ۲٦۳٤۷ (۶) **عدّة الداعي** ۱۵۵: (قال اللّه عزّ وجلّ) لعيسىٰ يا عيسىٰ هب لي من عينيك الدموع ومن قلبك الخشية وقم علىٰ قبور الاموات فنادهم بالصوت الرفيع فلعلّك تأخذ موعظتك منهم وقل انّي لاحق في اللاّحقين صبّ لي من عينيك الدموع واخشع لي بقلبك يا عيسىٰ استغث بي في حالات الشّدة فانّي اغيث المكروبين واجيب المضطرّين وانا ارحم الراحمين
وتقدّم في رواية أبي بصير (۱۲۱) من باب (۵۹) وجوب الخوف من اللّه من أبواب جهاد النفس نحوه إلى قوله في اللاّحقين.

۷۸۷ ۲٦۳٤۸ (۷) **وفيه** ۱۵۵: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا أحبّ اللّه عبداً نصب في قلبه نائحة من الحزن فانّ اللّه يحبّ كلّ قلبٍ حزين وانّه لا يدخل النار من بكا من خشية اللّه تعالى حتّى يعود اللبن إلى الضّرع وانّه لا يجتمع غبار في سبيل اللّه ودخان جهنّم في منخري المؤمن ابداً وإذا ابغض اللّه عبداً جعل في قلبه مزماراً من الضّحك وانّ الضّحك يميت القلب واللّه لا يحبّ الفرحين.

---

۱. من عينيك ـ مكارم. ۲. بخّ بخّ: كلمة تقال عند المدح والتبريك.

۷۸۲ (۲) علی بن ابی حمزه نقل کرد که: «حضرت صادق‌ﷺ به ابوبصیر گفت: اگر از بلایی که می‌خواهد بیاید می‌ترسی یا حاجت و خواسته‌ای داری که می‌خواهی حاصل شود، پس به نام خدا دعایت را آغاز کن و سپس مجد و ثنای او آن سان که شایستهٔ آن است بگو و بر پیامبرﷺ صلوات بفرست و حاجتت را بخواه و خود را به حال گریه کننده درآور، گرچه به اندازهٔ سر مگس [اشک، پیدا] شود زیرا پدرمﷺ می‌فرمود: نزدیکترین حالت بنده به خداوند عزیز و جلیل وقتی است که در حال سجده، گریه می‌کند.»

۷۸۳ (۳) اسحاق بن عمار گوید: «به امام جعفر صادقﷺ عرض کردم: من دعا می‌کنم و خیلی دوست دارم در وقت دعا، گریه کنم ولی گریه‌ام نمی‌آید. پس بعضی از بستگانم که مرده‌اند را به خاطر می‌آورم در نتیجه رقّت دل پیدا می‌کنم و به گریه می‌افتم. آیا این کار، جایز است؟ حضرت فرمود: آری آن‌ها را به خاطر بیاور وقتی رقّت دل یافتی پس گریه کن و پروردگار متعالت را بخوان.»

۷۸۴ (۴) اسماعیل بجلّی از امام صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «اگر گریه ات نمی‌آید خود را به گریه بزن پس اگر به اندازهٔ سر مگسی اشک از دیدگانت درآمد، خوشا به حالت.»

۷۸۵ (۵) عنبسه عابد از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «اگر حال گریه نداری خود را به گریه بزن.»

۷۸۶ (۶) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی نقل کرده که خداوندﷻ [چنانچه در حدیث قدسی آمده] به حضرت عیسیﷺ فرمود: «ای عیسی! از دیدگانت به من اشک ببخش و از دلت، خشیت و بر قبر مردگان بایست و با صدای بلند آن‌ها را صدا بزن [آیا احدی از آن‌ها قادر به جواب می‌باشد؟] پس شاید بدین وسیله، پند لازم را از آن‌ها بگیری و بگو: من هم به شما ملحق خواهم شد. برای من از دو چشمت اشک بریز و با دل برای من خشوع و کرنش کن. ای عیسی! در هنگام سختی مرا به کمک بخوان چون من به فریاد گرفتاران می‌رسم و آن‌ها را کمک می‌کنم و بیچارگان در حال اضطرار را جواب می‌دهم و من مهربان‌ترین مهربانانم.»

۷۸۷ (۷) و در همان کتاب عدّة الداعی نقل شده که: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر گاه خدا بنده‌ای را دوست داشته باشد در دل او نوحه‌خوانی از اندوه می‌گمارد زیرا خداوند هر دل اندوهگین را دوست دارد و کسی که از ترس خدا گریه کند به جهنّم داخل نشود مگر اینکه شیر به پستان برگردد و گرد و غبار در راه خدا و دود جهنّم در بینی مؤمن هرگز جمع نگردد.

(۸) **المكارم ۳۱۷**: قال أمير المؤمنين عليه السلام بكاء العيون وخشية القلوب من رحمة اللّه ۷۸۸
تعالى فإذا وجدتموها فاغتنموا الدعاء ولو انَّ عبداً بكى في أمّة لرحم اللّه تلك الأُمّة لبكاء ۳۶۳۴۹
ذلك العبد.

(۹) **عدّة الدّاعي ۱۵۶**: وروي عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال انّ ربّي تبارك وتعالىٰ أخبرني فقال ۷۸۹
وعزّتي وجلالي ما ادرك العابدون ممّا ادرك البكّائون [درك البكاء] عندي شيئاً وانّي لأبني ۳۶۳۵۰
لهم في الرفيع الأعلى قصراً لايشاركهم فيه غيرهم.

(۱۰) **كافي ۴۷۷/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن حسين بن المختار ۷۹۰
عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا رّق احدكم فليدع فانّ القلب لا يرقّ حتّى يخلص. ۳۶۳۵۱

(۱۱) **الخصال ۸۱**: حدّثنا أبي رحمه الله قال حدّثنا محمّد بن يحيى العطّار عن الحسين بن ۷۹۱
إسحاق التّاجر عن **عليّ** بن مهزيار عن عليّ بن حديد **كافي ۴۷۸/۲** عِدّة من أصحابنا عن ۳۶۳۵۲
أحمد بن محمّد بن خالد عن **علي** بن حديد رفعه إلى أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا اقشعرّ جلدك
ودمعت عيناك (ووجل قلبك ـ خصال) فدونك دونك[1] فقد قصد قصدك، كافي ـ قال ورواه
محمّد بن اسماعيل عن أبي إسماعيل السّراج عن محمّد بن أبي حمزة عن سعيد مثله.

(۱۲) **فقيه ۲۷۶/۴**: قال **أمير المؤمنين** عليه السلام في وصيّته لابنه محمد بن الحنفيّة رضي الله عنه يابنيّ ۷۹۲
واخلص المسألة لربّك فانّ بيده الخير والشرّ والإعطاء والمنع والصلة والحرمان. ۳۶۳۵۳

وتقدّم في أحاديث باب (۱۲) انّ البكاء على الميّت يقطع الصلاة من أبواب القواطع مايناسب ذلك.

وفي أحاديث باب (۶۰) وجوب الخوف من اللّه تعالى واستحباب البكاء من خشية اللّه من أبواب جهاد النفس ما يناسب ذلك فراجع.

وفي رواية مكارم (۹) من باب (۲) بثّ الحوائج إلى اللّه من أبواب الدعاء قوله عليه السلام إذاكان العبد ساجداً للّه فان سالت دموعه فهنالك تنزل الرحمة فاغتنموا في تلك الساعة المسألة.

---

۱. أي حاجتك قريب منك فاقصدها.

و هر گاه بنده‌ای مورد خشم و نفرت خدا قرار گیرد، خداوند، ساز و آوازی از خنده در دل او می‌نهد. آری خنده، دل را می‌میراند و خداوند شاد زیان را دوست ندارد. «[مقصود کسانی هستند که غافل از حضور خدا و حساب و کتاب قیامت و عاقبت خود، فقط دوست دارند در دنیا شاد زندگی کنند و همیشه بر لب‌شان خنده و شکم‌شان سیر و اسباب شادی برای‌شان فراهم باشد.]»

۷۸۸ (۸) در کتاب مکارم الاخلاق از امیر مؤمنان علی‌ؑ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «گریستن چشم‌ها و ترسیدن دل‌ها از عنایت و تفضّل الهی است. هر گاه آن‌ها را یافتید، پس در آن وقت، دعا کردن را غنیمت بشمارید و اگر بنده‌ای در میان امّتی گریست، خداوند به خاطر گریهٔ این بنده بر همهٔ آن امّت ترحّم خواهد کرد.»

۷۸۹ (۹) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «پروردگارم به من خبر داد و فرمود: به عزّت و جلالم قسم، آن درجات و نعماتی که گریه کنندگان در نزد من به دست می‌آورند عابدان به هیچ یک از آن‌ها دست پیدا نکنند و من برای آن‌ها در رفیع اعلی [بالاترین بهشت] کاخی بسازم که در آن جز خود آن‌ها کسی سهیم نباشد.»

۷۹۰ (۱۰) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر گاه یکی از شما رقّت پیدا کرد [و حال گریه به او دست داد] پس دعا کند چون، دل رقّت پیدا نکند مگر اینکه خالص شود.»

۷۹۱ (۱۱) علی بن حدید با واسطه از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر گاه بدنت [از خوف و خشیت خداوند] به لرزه افتاد و از دیدگانت اشک جاری شد پس همان وقت [دعا] را دریاب، همان وقت [دعا] را دریاب که به مقصودت، دست خواهی یافت.»

۷۹۲ (۱۲) در کتاب من لا یحضره فقیه از امیر مؤمنان علیؑ روایتی نقل شده که آن حضرت در وصیّتش به پسرش محمد بن حنفیّه فرمود: ای پسر عزیزم! با خلوص نیّت از پروردگارت درخواست کن [و از غیر او درخواست نکن] زیرا خوبی و بدی، عطا کردن و جلوگیری از عطا، بخشیدن و محروم کردن همه در دست اوست.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب دوازدهم از باب‌های قطع‌کنندگان آنچه بر آن است.

و در روایات باب شصتم از باب‌های جهاد با نفس آنچه مناسب آن است پس مراجعه کن.

وفي رواية السكوني (٩) من باب (٣) انّ الدعاء سلاح المؤمن قوله‌ﷺوخير الدعاء ما صدر عن صدر نقيّ وقلب تقيّ وبالاخلاص يكون الخلاص فإذا اشتدّ الفـزع فـالىٰ اللّـه المفزع وفي رواية سيف (٣) من باب (۶) ماورد في الاقبال بالقلب حالة الدعاء قوله‌ﷺ انّ اللّه لا يستجيب دعاء بظهر قلب قاس.

ويأتي في رواية المكارم (٨) من باب (١٩) اجابة الدعاء عند هبوب الريـاح قـوله‌ﷺ اطلبوا الأجابة (الحاجة ـ خ) عند اقشعرار الجلد وعند افاضة العبرة وفي رواية البحار (١٢) ما يدل على استجابة الدعاء عند اقشعرار الجلد وعند غلبة الاحزان.

وفي رواية المفضّل (١) من باب (٢٠) اجابة الدعاء فى اللّيل قوله تعالىٰ لموسىٰ‌ﷺ يابن عمران هب لي من قلبك الخشوع ومن بدنك الخضوع ومن عينيك الدموع.

وفي رواية الجعفريات (٢) من باب (٢۶) ماورد فى انّ من دعا فليعمّ قوله‌ﷺ ثـلث لا يغلّ عليهنّ قلب المؤمن اخلاص الدعوة للّه تعالىٰ.

(٨)

باب مـاورد في تقديم تمجيد اللّه تعالى والثنـاء عليه والإقرار بالذنب والإستغفار علىٰ الدّعاء وحكم الدّعاء بما لا يحلّ وما لا يكون وما فوق القدر

۷۹۳ (١) **كافي** ۴۸۴/۲: أبو علي الاشعري عن محمّد بن عبدالجبّار عن صفوان بن يحيىٰ عن ٢٦٣٥٤
الحارث بن المغيرة قال سمعت ابا عبداللّه‌ﷺ يقول ايّاكم إذا اراد احدكم ان يسأل من ربّه شيئاً من حوائج الدنيا والآخرة حتىٰ يبدأ بالثناء على اللّه عزّ وجلّ والمدح له والصلاة على النبيّ‌ﷺ ثمّ يسأل اللّه حوائجه.

۷۹٤ (٢) **كافي** ۴۸۵/۲: الحسين بن محمد عن معلّىٰ بن محمّد عن الحسن (الحسين ـ خ) بن ٢٦٣٥٥
على عن حمّاد بن عثمان عن **الحارث** بن المغيرة قال قال أبو عبداللّه‌ﷺ إذا اردت ان تدعو فمجّد اللّه عزّ وجلّ وأحمده وسبّحه وهلّله واثن عليه وصلّ علىٰ محمد النبيّ وآله ثمّ سل تعط.

وتقدّم نحوه فى رواية الحسن بن المغيرة (٢٢) من باب (١) فضل التعقيب.

و در روایت نهم از باب دوم از باب‌های دعا فرموده امام‌ﷺ که: «وقتی بنده در حال سجده است پس اگر اشک‌هایش سرازیر شد در آنجاست که رحمت الهی نازل می‌شود پس در آن ساعت، سؤال از خداوند را غنیمت بشمارید.»

و در روایت نهم از باب سوم فرموده امام‌ﷺ که: «بهترین دعا، دعایی است که از سینه‌ای پاک و دلی پرهیزگار برخیزد و با اخلاص است که خلاص میسّر شود و چون مصیبت بـه اوج خـود رسـد، پناهگاه فقط خدا است و بس.»

و در روایت سوم از باب ششم فرموده امام‌ﷺ که: «خداوند دعایی را که از دل قسیّ و سخت برخاسته مستجاب نمی‌کند.»

می‌آید:

در روایت هشتم از باب نوزدهم فرموده امام‌ﷺ که: «در وقت به لرزه آمدن بدن [از خشیت الهی] و سرازیر شدن اشک، امید به اجابت داشته باشید.»

و در روایت دوازدهم آنه بر استحباب دعا دلالت دارد.

و در روایت یکم از باب بیستم فرموده خداوند تعالی که: «ای پسر عـمران! از دلت خشـوع و از بدنت فروتنی و از دیدگانت اشک به من ببخش.»

و در روایت سوم از باب بیست و ششم فرموده امام‌ﷺ که: «سه چیز است که دل مؤمن در آن‌ها غش وارد نمی‌کند: یکی، خالص کردن دعا برای خداوند متعال و...»

باب ۸

اقرار به گناه و استغفار زمینه‌ساز استجابت دعا

۷۹۳ (۱) حارث بن مغیره گوید: «از امام صادق‌ﷺ شنیدم که فرمود: هر گاه یکی از شما می‌خواهـد از پروردگار خود حاجتی از حاجات دنیا یا آخرت بخواهد، مبادا دعا کند مگر اینکه اوّل، مـدح و ثـنای خداوند عزیز و جلیل نماید و بر پیامبرﷺ صلوات فرستد، سپس از خداوند حاجت‌های خود را بخواهد.»

۷۹۴ (۲) حارث بن مغیره از امام جعفر صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه می‌خواهی دعا کنی پس خداوندﷻ را تمجید کن و از مجد و عظمتش سخن بگوی و او را حمد و سپاس نما و تسبیح و تقدیس کن و «لا اله الاّ الله» بگو و ثنایِ او گوی و صلوات بر محمّد پـیامبر و خـاندانش بفرست. سپس درخواست کن، داده خواهی شد [و حاجتت برآورده خواهد گشت].»

۷۹۵ ۲۶۳۵۶ (۳) **مستدرك ۲۱۶/۵: القطب الراوندي** في لبّ اللّباب عن الصّادقﷺ انّه قال إيّاكم ان يسأل أحد منكم ربّه شيئاً من حوائج الدنيا والآخرة حتّىٰ يبدأ بالثّناء علىٰ اللّه والمدحة له والصّلاة على النبيّﷺ ثمّ الاعتراف بالذّنب والتوبة ثمّ المسألة.

۷۹۶ ۲۶۳۵۷ (۴) **مستدرك ۲۱۶/۵: ابن أبى الجمهور** فى دررالئالى عن النبيّﷺ انّه قال من شغله الثّناء عن المسألة لنفسه قال اللّه تعالى اعطيه افضل ما اعطى السائلين.

۷۹۷ ۲۶۳۵۸ (۵) **مستدرك ۲۱۶/۵**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب روي انّ من اشتغل بالثّناء علىٰ اللّه في الدعا اعطاه اللّه حاجته من غير سؤال.

۷۹۸ ۲۶۳۵۹ (۶) **مستدرك ۲۱۳/۵: القطب الراوندي** في دعواته روي انه إذا بدأ الرّجل بالثناء قبل الدعاء فقد استوجب وإذا بدأ قبل الثناء كان علىٰ رجاء وقد ادّبنا رسول اللّهﷺ بقوله السلام قبل الكلام.

۷۹۹ ۲۶۳۶۰ (۷) **كافي ۴۸۵/۲**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن على بن الحكم عن **أبي كهمس** قال سمعت أبا عبداللّهﷺ يقول دخل رجل المسجد فابتدأ قبل الثناء علىٰ اللّه والصلاة علىٰ النبيّﷺ فقال رسول اللّهﷺ عاجل (عجل ـ ئل) العبد ربّه.

ثمّ دخل آخر فصلّىٰ وأثنى علىٰ اللّه عزّ وجلّ وصلّىٰ علىٰ رسول اللّهﷺ فقال رسول اللّهﷺ سل تعطه ثمّ قال ان في كتاب عليّﷺ انّ الثناء علىٰ اللّه والصلاة على رسولهقبل المسألة وانّ أحدكم ليأتي الرجل يطلب الحاجة فيحبّ ان يقول له خيراً قبل ان يسأله حاجته.

۸۰۰ ۲۶۳۶۱ (۸) **فلاح السائل ۳۵**: عن **الحسين** بن سعيد بن يسار قال قال الحلبي لأبى عبداللّهﷺ انّ لي جارية تعجبني فليس يكاد يبقىٰ لى منها ولد ولي غلام وهو يبكي ويفزع بالليل واتخوّف عليه ان لا يبقىٰ.

۷۹۵ (۳) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب از امام صادقؑ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «مبادا کسی از شما حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از پروردگارش درخواست کند مگر اینکه اوّل خداوند را ثنا و ستایش گوید و بر پیامبرﷺ صلوات فرستد سپس به گناه خویش اقرار کند و از آن توبه نماید سپس حاجات خود را درخواست نماید.»

۷۹۶ (۴) ابن ابی جمهور در کتاب دُرَر اللئالی از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس، ثنا و ستایش گویی خداوند او را از دعا کردن و درخواست کردن برای خود باز دارد، خداوند متعال می‌گوید: به او بهتر از آنچه که به درخواست کنندگان می‌دهم، خواهم داد.»

۷۹۷ (۵) قطب راوندی در لُبّ اللباب روایتی نقل کرده که: «کسی که در دعا، به حمد و ثنای الهی مشغول شود، خداوند بدون اینکه او درخواست کند، حاجتش را خواهد داد.»

۷۹۸ (۶) قطب راوندی در کتاب دعوات روایتی نقل کرده که: «هر گاه انسان پیش از دعا، به حمد و ثنای پروردگار بپردازد، خود را مستوجب و مستحق [اجابت] کرده است ولی اگر بدون حمد و ثناء الهی، دعا کند فقط جای امیدواری است [که شاید دعایش مستجاب گردد] و پیامبر خداﷺ ما را ادب آموخته و فرموده: اوّل سلام، بعد، کلام.»

۷۹۹ (۷) ابوکهمس نقل کرده است که: «از امام صادقؑ شنیدم که فرمود: مردی به مسجد درآمد و پیش از حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبرﷺ، شروع به دعا نمودن کرد، پیامبرﷺ فرمود: این بنده شتابزده از پروردگارش حاجت خواست.

سپس شخص دیگری وارد شد پس نماز خواند و حمد و ثنای خداوندﷻ گفت و بر پیامبر خداﷺ صلوات فرستاد [و آنگاه حاجت خواست] پیامبر خداﷺ فرمود: درخواست کن که داده خواهی شد.

سپس حضرت صادقؑ فرمود: «در کتاب علیؑ نوشته: پیش از درخواست کردن از خداوند باید حمد و ثنا الهی بجای آورد و بر پیامبرش صلوات فرستاد.

و خود شما وقتی کسی می‌آید و از شما درخواستی دارد، دوست دارید که اوّل خوبی شما را بگوید و از شما تعریف و تمجید نماید، وانگهی خواسته‌اش را مطرح نماید.»

۸۰۰ (۸) حسین بن سعید بن یسار نقل کرده است که: «حلبی به امام صادقؑ عرض کرد: من کنیزی دارم که خیلی از او خوشم می‌آید ولی از او برایم فرزندی باقی نمی‌ماند و فقط یک پسری دارم که او هم خیلی گریه می‌کند و شب‌ها نمی‌خوابد و می‌ترسم که این یکی هم زنده نماند!

فقال أبوعبدالله ﷺ واين انت من الدعاء قم من آخر الليل و توضّأ واسبغ الوضوء وصلّ واحسن صلاتك.

فإذا قضيت صلاتك فأحمد الله وايّاك ان تسأله حتّىٰ تمدحه ردّد ذلك عليه مراراً يأمره بالمدحة.

فإذا فرغت من مدحة ربّك فصلّ على نبيّك ﷺ ثمّ سله يعطك أما بلغك انّ رسول الله ﷺ أتىٰ علىٰ رجل وهو يصلّي.

فلمّا قضى الرجل الصلاة أقبل يسأل ربّه حاجته فقال النبيّ ﷺ عجّل العبد علىٰ ربّه واتىٰ علىٰ آخر وهو يصلّي فلمّا قضىٰ صلاته مدح ربّه فلمّا فرغ من مدحة ربّه صلّىٰ علىٰ نبيّه ﷺ فقال له النبيّ ﷺ سل تعط سل تعط.

۸۰۱ ۳۶۳۶۲ (۹) **كافي ۴۸۵/۲**: أبو علي الأشعريّ عن محمّد بن عبدالجبّار عن صفوان عن **عيص** بن القاسم قال قال أبو عبدالله ﷺ إذا طلب أحدكم الحاجة فليثن علىٰ ربّه وليمدحه فانّ الرجل إذا طلب الحاجة من السلطان هيّأ له من الكلام أحسن ما يقدر عليه.

فإذا طلبتم الحاجة فمجّدوا الله العزيز الجبّار وامدحوه واثنوا عليه تقول يا أجود من أعطىٰ ويا خير من سئل يا أرحم من استرحم يا أحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد يا من لم يتّخذ صاحبة ولا ولداً يا من يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ويقضي ما أحبّ يا من يحول بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الأعلىٰ يا من ليس كمثله شيء يا سميع يا بصير واكثر من أسماء الله عزّ وجلّ فانّ أسماء الله كثيرة وصلّ علىٰ محمّد وآله وقل اللّهم اوسع عليّ من رزقك الحلال ما اكفّ به وجهي واؤدّي به عن امانتي واصل به رحمي ويكون عوناً لي في الحجّ والعمرة.

حضرت صادق؈ فرمود: کجا هستی تو از دعا [چرا از دعا غافلی]. آخر شب به پا خیز و وضو بگیر و وضویت را کامل و شاداب کن و نماز بخوان و نمازت را نیکو بجای آر و چون نمازت را خواندی خدا را حمد و سپاس کن و مبادا چیزی درخواست کنی مگر اینکه اوّل او را مدح و ثنا بگویی، حضرت این را چند بار برای او تکرار کرد و او را به مدح و ثنا و ستایش خداوند فرمان داد.

پس چون از مدح و ثنای پروردگارت فارغ شدی، بر پیامبرتﷺ صلوات بفرست، آنگاه حاجت بخواه که داده خواهی شد آیا این حکایت به تو نرسیده که پیامبر خداﷺ مردی را دید نماز می‌خواند و چون نمازش به پایان رسید، به حاجت خواستن از پروردگارش روی آورد. پیامبرﷺ فرمود: این بنده شتاب‌زده از خدا چیزی خواست.

و مرد دیگری را دید که نماز می‌خواند و چون نماز را به جا می‌آورد به مدح و ثنای پروردگار پرداخت و چون از مدح و ستایش پروردگار فارغ شد، بر پیامبرشﷺ صلوات فرستاد.

پس پیامبرﷺ به او گفت: اینک بخواه که داده شوی، بخواه که داده شوی.»

۸۰۱ (۹) عیص بن قاسم از حضرت ابو عبدالله صادق آل محمّد؈ روایت کرده است که فرمود: «هر گاه کسی از شما می‌خواهد حاجت خویش را از خداوند طلب کند لازم است که اوّل حمد و ثنای پروردگار گوید و او را مدح و ستایش نماید. چون وقتی کسی می‌خواهد به خاطر حاجتی پیش پادشاه رود جلوتر، بهترین عباراتی را که بر جفت و جور کردن آن توانایی دارد، آماده می‌کند. پس شما هم وقتی می‌خواهید، حاجتی طلب کنید اوّل خداوند ارجمند توانمند بزرگ را تمجید کنید و مدح و ثنای او گویید به این سان که می‌گویی: ای بخشنده‌ترین بخشنده! و ای بهترین درخواست شونده! ای مهربان‌ترین مهربانان! ای یگانه! ای بی‌نیاز! ای کسی که [فرزندی] نزاییده‌ای و خود از کسی زاییده نشده‌ای و همتایی نداری! ای کسی که نه همسری برای خود اختیار کرده‌ای و نه فرزندی! ای کسی که هر چه بخواهی انجام می‌دهی و آنچه بخواهی به آن حکم می‌کنی و به آن جور که دوست داری قضاوت می‌کنی! ای کسی که میان انسان و دلش حائل شده‌ای [و از همهٔ خطورات قلبی او باخبری] ای کسی که از محلّ بالایی همگان را نظاره می‌کنی! ای کسی که مانند نداری! ای شنوا! ای بینا.

و زیاد نام‌های خداوندﷻ را به زبان بیاور و نام‌های خداوندﷻ بسیار است و بر محمّد و آل او صلوات بفرست و بگو: خداوندا! از روزی حلالت به من فراوان ده آنقدر که با آن آبرویم را حفظ کنم و امانتی که به من سپرده شده ادا کنم [و به خاطر فقر به امانت دستبرد نزنم] و با آن روزی حلال صلهٔ رحم کنم و به کمک آن حجّ و عمره به جای آورم.

وقال انّ رجلاً دخل المسجد فصلّىٰ ركعتين ثمّ سئل اللّه عزّ وجلّ فقال رسول اللّـه ﷺ عجَل العبد ربّه وجاء آخر فصلّىٰ ركعتين ثمّ أثنى علىٰ اللّه عزّ وجلّ وصلىٰ علىٰ النبيّ ﷺ فقال رسول اللّه ﷺ سل تعط.

۸۰۲ ۲۶۳۶۳ (۱۰) **الثواب** ۲۸: أبي؛ قال حدثنا عبداللّه بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمّد عن أبيه عن فضالة بن أيّوب عن سيف بن عميرة عن محمّد بن مروان عن **زرارة** قال قلت لابي جعفر ؛ أيّ الأعمال أحبّ إلى اللّه تعالىٰ قال ان يمجّد اللّه.

۸۰۳ ۲۶۳۶۴ (۱۱) **كافي** ۲/۵۱۶: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد الثواب ۲۸: أبي؛ حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد عن ابن فضّال عن **عبداللّه** بن بكير عن عبداللّه[۱] بن أعين عن أبي عبداللّه ؛ قال انّ اللّه تبارك وتعالىٰ يمجّد نفسه في كلّ يوم وليلة ثلاث مرّات فمن مجّد اللّه بما مجّد به نفسه ثمّ كان في حال شقوة حوّله اللّه عزّ وجلّ[۲] إلى سعادة (فقلت له كيف هذا التمجيد قال ـ ثواب) يقوله[۳] انتَ اللّه لا إله إلّا أنت ربّ العالمين أنتَ اللّه لا إله الّا انت الرّحمن الرّحيم أنت اللّه لا إله الّا أنت (العزيز ـ كا) العليّ الكبير انت اللّه لا اله الّا انت مالك يوم الّدين أنت اللّه لا إله إلّا انت الغفور الرحيم أنت اللّه لا اله الّا انت العزيز الحكيم انت اللّه لا اله الّا انت منك بدأ الخلق[۴] واليك يعود انت اللّه (الذي ـ كا خ) لا إله الّا انت لم تزل ولا تزال أنت اللّه (الذي ـ كا) لا إله إلّا أنت خالق الخير والشرّ أنت اللّه لا إله إلّا أنت خالق الجنّة والنّار أنت اللّه لا إله إلّا انت احد صمد[۵] لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد أنت اللّه لا إله إلّا الملك القُدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبّار المتكبّر سبحان اللّه عمّا يشركون انت اللّه الخالق البـاريّ المـصّور له[۶] الاسـماء الحسـنىٰ يسبّح له[۷] مـافي السّماوات والأرض وهو[۸] العزيز الحكيم (إلى آخر السـورة ـ كـا) أنت اللّـه لا إله إلّا انت الكبير ([المتعال] ـ ثواب) والكبرياء رداؤك.

---

۱. زرارة ـ ثواب.
۲. حُوِّلَ ـ ثواب.
۳. تقول ـ ثواب.
۴. بدأ كل شيء ـ ثواب.
۵. الأحد الصمد ـ ثواب.
۶. لك ـ ثواب.
۷. لك ـ ثواب.
۸. وانت ـ ثواب.

و حضرت صادق (ع) فرمود: مردی به مسجد درآمد و دو رکعت نماز خواند سپس از خداوند عزیز و جلیل درخواست حاجت کرد، پیامبر خدا (ص) فرمود: این بنده از پروردگارش شتابزده حاجت خواست و دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند سپس حمد و ثنای خداوند عزیز و جلیل را گفت و بر پیامبر (ص) صلوات فرستاد.

پس پیامبر خدا (ص) فرمود: درخواست کن، داده خواهی شد.»

۸۰۲ (۱۰) زراره از امام باقر (ع) روایت کرده که گفت: «به حضرت عرض کردم: محبوب‌ترین عمل نزد خدای تعالی چیست؟

حضرت فرمود: خوبیِ او گفتن.»

۸۰۳ (۱۱) عبدالله بن اعین از امام صادق (ع) روایت کرده که حضرت فرمود: «خداوند فرخندهٔ بلند مرتبه در هر شبانه روز، سه بار خود را تمجید می‌کند.

پس هر کس خدا را به آن سان که خودش را تمجید فرموده، تمجید کند، اگر اهل شقاوت باشد، خداوند (عز و جل) او را اهل سعادت گرداند.

پس من به حضرت عرض کردم: این تمجید به چه صورت است؟

حضرت فرمود: می‌گوید:

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، پروردگار جهانیانی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، بخشنده و مهربانی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، بلند مرتبه و بزرگی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، آمرزنده و مهربانی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، ارجمند رازدانی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، آفرینش از تو آغاز شده و به سوی تو بازگردد.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، پیوسته بوده‌ای و خواهی بود.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، آفرینندهٔ خوب و بدی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، آفرینندهٔ بهشت و جهنّمی.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، یگانهٔ بی‌نیازی که نزاییدی و زاده نشدی و احدی همتای تو نیست.

المحاسن ۳۸: البرقي عن ابن فضّال عن عبداللّه بن بكير عن **عبداللّه** بن أعين عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ اللّه يمجّد نفسه في كلّ يوم ثلاث مرّات فمن مجّد اللّه بما يمجّد نفسه وكان في شقوة حُوِّلَ إلى سعادة أنت اللّه لا إله إلّا أنت ربّ العالمين وأنت اللّه لا إله إلّا انت الرحمن الرحيم وأنت اللّه لا إله إلّا أنت العليّ العزيز الكبير وأنت اللّه لا إله إلّا انت ملك يوم الدّين وأنت اللّه لا إله إلّا انت الغفور الرحيم وأنت اللّه لا إله إلّا أنت العزيز الحكيم وانت اللّه لا إله إلّا انت بدأ منك كلّ شيء واليك يعود وأنت اللّه لا إله إلّا أنت لم تزل ولا تزال وانت اللّه لا إله إلّا انت خالق الخير والشرّ وانت اللّه لا إله إلّا انت خالق الجنّة والنّار وأنت اللّه لا إله إلّا أنت احداً صمداً لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفواً أحد.

وأنت اللّه لا إله إلّا أنت الملك القدّوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبّار المتكبّر سبحان اللّه عمّا يشركون وانت اللّه الخالق البارئ المصوّر لك الأسماء الحسنىٰ يسبّح لك ما في السماوات والأرض وأنت العزيز الحكيم وأنت اللّه لا إله إلّا أنت الكبير المتعال والكبرياء ردائك.

۸۰۴ ۲۶۳۶۵ (۱۲)**كافي** ۲ / ۴۸۴: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن ابن فضّال عن أبي بكير **فلاح السائل** ۳۵: عن الحسين بن سعيد عن أبي بكير عن **محمد** بن مسلم قال قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ في كتاب أمير المؤمنين صلوات اللّه عليه انّ المدحة قبل المسألة فاذا دعوت[۱] اللّه عزّ وجلّ فمجّده[۲] (قال ـ فلاح) قلت كيف أمجّده[۳]؟ قال تقول يا من هو أقرب إليّ من حبل الوريد (يا فعّالاً لما يريد ـ كا) يا من يحول بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الأعلىٰ يا من (هو ـ كا) ليس كمثله شيء.

۸۰۵ ۲۶۳۶۶ (۱۳)**كافي** ۲ / ۵۰۳: علي بن إبراهيم عن أبيه عن **علي بن حسان** عن بعض أصحابه عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كلّ دعاء لا يكون قبله تحميد فهو أبتر إنّما التحميد ثمّ الثّناء قلت ما أدري ما يجزي من التحميد والتمجيد قال يقول اللّهمّ أنت الأوّل فليس قبلك شيء وأنت الآخر فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز الحكيم.

---

۱. دعوتم ـ فلاح. ۲. فمجدوه ـ فلاح. ۳. نمجده ـ فلاح.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست،[۱] پادشاه بسیار پاکی، سلامتی‌دهنده و امنیّت‌بخش و مسلّط، شکست‌ناپذیر، قدرتمند، بسیار بزرگی پاک است خداوند از آنچه شریک او قرار داده‌اند.

تو خداوند آفرینندهٔ نوساز صورتگری هستی. برای آن خداوند نام‌های نیکوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او گویند و او ارجمند و رازدان است.

تو خداوندی هستی که جز تو معبودی نیست، بزرگ و بلند مرتبه‌ای، و بزرگی لباس [مخصوص] تو است.»

در محاسن برقی نیز روایت فوق به وسیلهٔ عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام به عینه روایت شده است.

۸۰۴ (۱۲) محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در کتاب امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است که: ثنا گفتن پیش از درخواست کردن است.

پس هر گاهی می‌خواهی خداوند عزیز و جلیل را بخوانی پس اوّل او را تمجید کن.

به حضرت عرض کردم: چگونه او را تمجید کنم؟

فرمود: می‌گویی: ای کسی که از شاهرگ گردن به من نزدیکتری! ای آنچه بخواهی انجام دهی! ای کسی که میان انسان و دلش واسطه و حائل هستی! ای کسی که از افق بالایی نظاره گری! ای کسی که مانند نداری!»

۸۰۵ (۱۳) علی بن حسان از بعضی از اصحابش [شیعیان] و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر دعایی که در او تمجید و حمد و ثنای خدا در آن نباشد آن دعا ناقص و عقیم است.

به حضرت عرض کردم: چقدر حمد و ثنا کافی است؟

حضرت فرمود: بگوید: خداوندا! تو نخستین موجودی، پس پیش از تو چیزی نبوده است و تو آخرین موجودی، پس بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو آشکاری، پس بالای تو چیزی نیست و تو نهانی پس غیر تو چیزی نیست، و تو شکست‌ناپذیر دانایی.»

---

۱. در اصول کافی که مصدر نقل این روایت است «لا اله الاّ انت الملک» ثبت شده و در اینجا سهو شده و آنت را نیاورده است.

۸۰۶ (۱۴)**كافي** ۴۸۴/۲: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن أبيه عن ابن سنان
۲۶۳۶۷
عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّما هي المدحة (ثمّ الثناء ـ كا) ثمّ الاقرار بالذنب ثمّ المسألة انّه واللّه ماخرج عبد من ذنب الّا بالاقرار ـ كافي عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن فضّال عن ثعلبة عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله الّا إنّه قال ثمّ الاعتراف بالذنب.

فلاح السائل ۳۵: عن الحسين بن سعيد عن محمد بن سنان عن **معاوية** بن عمّار قال سمعت ابا عبداللّه عليه السلام يقول انّما وذكر مثله وزاد فيه (ما خرج عبد من ذنب باصرار).

۸۰۷ (۱۵)**كافي** ۴۸۶/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن **عثمان** بن عيسىٰ عمّن حدّثه عن
۲۶۳۶۸
أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت آيتان في كتاب اللّه عزّ وجلّ أطلبهما فلا أحدهما.

قال وما هما؟

قلت قول اللّه عز وجلّ ﴿ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ فندعوه ولا نرىٰ اجابة.

قال افترىٰ اللّه عزّ وجلّ أخلف وعده؟ قلت لا.

قال فممّ ذلك؟ قلت لا ادري.

قال لكنّي أخبرك من اطاع اللّه عزّ وجلّ فيما أمره. ثمّ دعاه من جهة الدعاء أجابه.

قلت وما جهة الدعاء؟

قال تبدأ فتحمد اللّه وتذكر نعمه عندك ثمّ تشكره ثمّ تصلّي علىٰ النبيّ صلى الله عليه وآله ثمّ تذكر ذنوبك فتقرّ بها ثمّ تستعيذ منها فهذا جهة الدعاء.

ثمّ قال وما الآية الاخرىٰ؟

قلت قول اللّه عزّ وجلّ ﴿وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُۥ وَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾ واني انفق ولا ارىٰ خلفاً.

قال أَفَتَرَىٰ اللّه عزّ وجلّ أخلف وعده؟

قلت لا.

قال فممّ ذلك؟ قلت لا ادري.

۸۰۶ (۱۴) معاویة بن عمّار از امام صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «آن [دعا] مدح و ستودن است سپس ثنا گفتن است، سپس اقرار به گناه است، سپس خواستن است. به راستی به خدا سوگند بنده‌ای از گناه خارج نشود مگر با اقرار.»

همین روایت در فلاح السائل ذکر شده جز اینکه افزوده: «بنده‌ای از گناه با اصرار ورزیدن [به گناه] خارج نگردد.»

۸۰۷ (۱۵) عثمان بن عیسی با یک واسطه از حضرت صادقﷺ روایتی نقل کرده که گفت: «به حضرت عرض کردم: دو آیه در کتاب خداوندﷻ است که در جستجوی [نتیجه‌گیری] از آن‌ها بوده‌ام ولی [نتیجه‌ای] نمی‌یابم.

حضرت فرمود: آن دو آیه کدام است؟

عرض کردم: یکی فرموده خداوندﷻ که می‌فرماید: «**مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.**» و ما می‌خوانیم او را ولی اجابتی نمی‌بینیم.

حضرت فرمود: آیا خیال می‌کنی که خداوند عزیز و جلیل بر خلاف وعده‌ای که داده عمل کرده؟

گفتم: نه. گفت: پس این [خرابی کار] از کجاست؟

گفتم: نمی‌دانم.

فرمود: ولی من به تو خبر دهم که هر کس خداوندﷻ را در آنچه که دستور داده، اطاعت نماید سپس او را از راه دعا بخواند، خداوند او را اجابت کند.

گفتم: راه دعا چیست؟

حضرت فرمود: دعایت را با حمد و سپاس خداوند آغاز می‌کنی و نعمت‌هایی که به تو ارزانی داشته، به یاد می‌آوری و از او سپاسگزاری می‌کنی.

سپس بر پیامبرﷺ صلوات می‌فرستی و آنگاه گناهانت را به یاد می‌آوری و به آن‌ها اعتراف می‌کنی سپس از آن‌ها به خداوند پناه می‌آوری: راه دعا این است.

سپس حضرت فرمود: آن آیهٔ دیگر کدام است.؟

گفتم: فرمودهٔ خداوندﷻ : «**آنچه شما [در راه خدا] خرج کنید، خداوند جایگزین فرماید و او بهترین روزی رساننده است.**» و من خرج می‌کنم ولی جایگزینی نمی‌بینم.

حضرت فرمود: آیا تصوّر می‌کنی که خداوند عزیز و جلیل خُلف وعده کند؟

گفتم: نه. فرمود: پس این از کجاست؟ گفتم: نمی‌دانم.

قال لو انّ احدكم اكتسب المال من حلّه وانفقه في حلّه (في حقّه ـ خ) لم ينفق درهماً الّا أُخْلِفَ عليه.

فلاح السائل ٣٨: محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن موسىٰ بن القاسم عن **عثمان** بن عيسى عن بعض أصحابنا عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له آيتان في كتاب اللّه لا ادري ما تأويلهما.

فقال وما هما قال قلت قوله تعالىٰ ﴿ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ ثمّ ادعو فلا ارىٰ الإجابة.

قال فقال لي أَفَتَرىٰ اللّه تبارك وتعالىٰ أخلَفَ وعدَه.

قال قلت لا.

فقال الآية الاخرى. قال (قلت ـك) قوله تعالى ﴿وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن شَىْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُۥ وَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾ فأُنفق فلا أرىٰ خلفاً.

قال أَفترىٰ اللّه أخلف وعده؟

قال قلت لا قال فمه.

قلت لا أدري.

قال لكنّي أخبرك انشاء اللّه تعالي اما أنّكم لو اطعتموه فيما أمركم به ثمّ دعوتموه لأجابكم ولكن تخالفونه وتعصونه فلا يجيبكم وأمّا قولك تنفقون فلا ترون خَلَفاً أما أنّكم لو كسبتم المال من حلّه.

ثمّ انفقتموه في حقّه لم ينفق رجل درهماً الّا أخلفه اللّه عليه ولو دعوتموه من جهة الدعاء لأجابكم وان كنتم عاصين.

قال قلت وما جهة الدّعاء قال إذا ادّيت الفريضة مجدّت اللّه وعظّمته وتمدحه بكل ما تقدر عليه وتصلّي علىٰ النبيّ صلى الله عليه وآله وتجتهد في الصّلاة عليه وتشهد له بتبليغ الرسالة وتصلّي علىٰ أئمّة الهدىٰ عليهم السلام ثمّ تذكر بعد التحميد للّه والثناء عليه والصلاة علىٰ النبيّ صلى الله عليه وآله ما أبلاك واولاك وتذكّر نعمة عندك وعليك وما صنع بك فتحمده وتشكره علىٰ ذلك.

فرمود: اگر یکی از شما مال را از راه حلال به دست آورد و در راه حلال هم خرج کند، درهمی خرج نمی‌کند مگر اینکه جایگزین خواهد شد.»

در کتاب فلاح السائل آمده است که: «عثمان بن عیسی با یک واسطه از شیعیان از امام صادق‌علیه السلام روایت کرده که گفت: «به حضرت عرض کردم: دو آیه در قرآن است که تأویل و حقیقت آن دو را نمی‌دانم چیست. حضرت فرمود: آن دو آیه کدام است؟

گفتم: یکی این فرمودهٔ خداوند متعال که: «**مرا بخوانید تا اجابت می‌کنم شما را.**» سپس من دعا می‌کنم ولی اجابت نمی‌بینم.

حضرت فرمود: آیا تصوّر می‌کنی که خداوند فرخندهٔ بلند مرتبه به وعدهٔ خود وفا نکرده؟ گفتم: نه.

فرمود: آیهٔ دیگر کدام است؟ گفتم: فرمودهٔ خداوند متعال: «**و آنچه شما خرج کنید پس او جایگزین فرماید آن را و او بهترین روزی‌دهنده است.**» من خرج می‌کنم ولی جایش پر نمی‌شود و جایگزینی نمی‌بینم.

حضرت فرمود: آیا خداوند را این جور می‌بینی که خُلف وعده کند؟

گفتم: نه. حضرت فرمود: پس بس کن. گفتم: نمی‌دانم.

حضرت فرمود: ولی من انشاء الله تعالی تو را [از جهت آن] خبردار خواهم کرد.

آگاه باشید اگر شما خدا را در آنچه که دستور داده به شما اطاعت می‌کردید، سپس او را می‌خواندید قطعاً شما را اجابت می‌کرد ولی شما به مخالفت و معصیت او پرداختید.

و امّا اینکه گفتی: انفاق می‌کنید ولی جایگزینی نمی‌بینید، آگاه باشید اگر شما مال را از راه حلال به دست آورید و سپس آن را در مورد شایسته‌اش خرج کنید، یک درهم از آن را کسی خرج نمی‌کرد مگر اینکه خداوند جایگزین می‌فرمود.

و اگر او را از راه دعا می‌خواندید قطعاً شما را اجابت کند هر چند که شما معصیت کار هستید.

راوی گفت: به حضرت عرض کردم: راه دعا کدام است؟

حضرت فرمود: هر گاه نماز واجب را به جای آوردی آن قدر که می‌توانی به بازگو کردن مجد و عظمت و مدح و ستایش خداوند می‌پردازی و با تمام وجود و تلاش بر پیامبرصلی الله علیه وآله صلوات می‌فرستی و برایش گواهی می‌دهی که رسالتش را انجام داده [و پیام‌های الهی را رسانده است] و بر امامان هدایتگرعلیهم السلام صلوات می‌فرستی سپس پس از حمد و ثنا بر خداوند و درود بر پیامبرصلی الله علیه وآله یاد می‌کنی از نعمت‌هایی که به تو عطا کرده و تو را برای آن نعمت‌ها برگزیده است و آن خوبی‌ها و عنایاتی که به تو کرده است پس او را بر این همه نعمت حمد و سپاس گوی.

ثمّ تعترف بذنوبك ذنب ذنب وتقرّ بها أو بما ذكرت منها وتجمل ما خفي عليك منها فتتوب إلى اللّه من جميع معاصيك وانت تنوي ان لا تعود وتستغفر منها بندامة وصدق نيّة وخوف ورجاء ويكون من قولك اللهمّ إنّي اَعتَذِرُ إليكَ من ذنوبي واستغفرك وأتوب إليك فأعنّي علىٰ طاعتك ووفّقني لما أوجبت عليّ من كلّ ما يرضيك فأنّي لم أرَ أحداً بلغ شيئاً من طاعتك الّا بنعمتك عليه قبل طاعتك فانعم عليّ بنعمة أنال بها رضوانك والجنة ثمّ تسأل بعد ذلك حاجتك فانّي أرجو ان لا يخيّبك ان شاء اللّه.

مكارم الاخلاق ۲۷۶ قال رجل من أصحاب أبي عبداللّه عليه السلام قلت لابي عبداللّه عليه السلام إنّي لأجِدُ في كتاب اللّه آيتين اطلبهما فلا أجدهما وذكر نحوه إلى قوله (خلق اللّه).

۸۰۸ ۳۶۳۶۹ (۱۶) **الخصال** ۶۳۵ باسناده المتقدّم فى باب (۱) فضل الصلوة عن أمير المؤمنين عليه السلام (في حديث الأربعماة) قال السؤال بعد المدح فامدحوا اللّه عزّ وجلّ ثمّ اسئلوا الحوائج اثنوا على اللّه عزّ وجلّ وامدحوه قبل طلب الحوائج يا صاحب الدعاء لا تسأل عمّا لا يكون ولا يحلّ.

۸۰۹ ۳۶۳۷۰ (۱۷) **فقيه** ۴: روي لي محمد بن إبراهيم بن إسحاق رحمه الله عن أحمد بن محمد بن سعيد الهمداني قال حدّثني الحسن بن القاسم قرائة قال حدّثنا علي بن إبراهيم بن المعلّىٰ قال حدّثنا أبو عبداللّه محمّد بن خالد قال حدّثنا **عبداللّه** بن بكر المرادي عن موسىٰ بن جعفر عن أبيه عن جدّه عن علي بن الحسين (عن أبيه ـ فقيه) عليهم السلام قال بينا أمير المؤمنين عليه السلام ذات يوم جالس مع اصحابه (إلى ان قال) فقال له زيد بن صوحان العبدي (يا أمير المؤمنين) فايّ دعوة اضل قال الداعي بما لا يكون **امالي الصدوق** ۳۲۲ بهذا الاسناد مثله.

۸۱۰ ۳۶۳۷۱ (۱۸) **عدّة الدّاعي** ۱۴۰: وقال أمير المؤمنين عليه السلام من سئل فوق قدره استحقّ الحرمان.

وتقدم في رواية محمد بن كردوس (۱) من باب (۲) الموارد التّي يستحبّ فيها الوضوء من أبوابه قوله فان قام من آخر اللّيل فتطّهر فصلّىٰ ركعتين وحمد اللّه وأثنىٰ عليه وصلّىٰ علىٰ النبيّ صلى الله عليه وآله لم يسأل اللّه شيئاً إلّا أعطاه الخ.

وفي رواية ابن عمّار (۲۱) من باب (۹) ما يستحبّ ان يقال في دبر كلّ صلاة من أبواب التّعقيب قوله عليه السلام من قال فى دبر الفريضة يا من يفعل ما يشآء ولا يفعل ما يشآء احد غيره ثلاثاً ثمّ سأل أُعطيَ ما سأل.

وانگهی به گناهان خویش یکی یکی اقرار و اعتراف کن آن گناهانی که به خاطر داری و آن‌ها که به خاطر نداری به صورت اجمال و کلّی نام ببر و از همهٔ گناهانت به سوی خدا توبه کن با این عزم که دیگر به گناه بازنگردی و با پشیمانی و نیّت صادقانه و بیم و امید از خداوند آمرزش بخواهی و بگویی: خداوندا! من از گناهانی که مرتکب شدم معذرت می‌خواهم و از تو طلب آمرزش می‌کنم و به سوی تو باز می‌گردم پس مرا به اطاعتت یاری فرما و مرا به انجام واجبات و هر چیزی که مایهٔ خشنودی توست، موفّق فرما زیرا من احدی را ندیدم که به اطاعت تو پردازد مگر اینکه پیش از اطاعت کردن او، تو این نعمت را نصیب او کردی پس به من نعمتی ده که با آن به رضوان و بهشت برسم.

پس از انجام این امور حاجت خود را می‌خواهی و من امیدوارم که ان شاء الله تو را ناامید نکند.»

همین حدیث شریف در کتاب مکارم الاخلاق نیز ذکر شده است.

۸۰۸ (۱۶) در کتاب الخصال با اسناد خودش از امیر مؤمنان علیعليه السلام (در حدیث اربعمأه) روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «درخواست کردن [از خداوند] پس از مدح و ستایش است. پس خداوندعزّ و جلّ را ستایش کنید وانگهی حوائج خود را درخواست نمایید. پیش از خواستن حاجات، مدح و ثنای الهی گویید. ای دعا کننده! چیزی که میسّر نیست و چیزی که حلال نیست از خدا مخواه.»

۸۰۹ (۱۷) عبدالله بن بکر مرادی از امام موسی بن جعفرعليه السلام روایت کرده که: «آن حضرت از پدرش و او از جدّش و او از امام سجّادعليه السلام و او از پدرش امام حسینعليه السلام روایت کرده که: روزی امیرالمؤمنین علیعليه السلام با اصحابش نشسته بود (تا می‌رسد به اینجا که فرمود:) پس زید بن صوحان عبدی به حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! کدام دعاست که هدر خواهد رفت؟ حضرت فرمود: کسی که دعا می‌کند و چیزی را که میسور و ممکن نیست درخواست می‌کند.»

۸۱۰ (۱۸) در کتاب عدّة الداعی از امیر مؤمنان علیعليه السلام روایت شده که حضرت فرمود: «هر کس بیش از شأن و منزلت خود درخواست کند، شایستهٔ محرومیّت است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت یکم از باب دوم از باب‌های وضو این گفته که: «اگر آخر شب [بنده] به پا خیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و حمد و ثنای الهی بگوید و بر پیامبرﷺ صلوات فرستد، از خداوند چیزی درخواست نکند مگر اینکه خداوند خواستهٔ او را خواهد داد.»

و در روایت بیست و یکم از باب نهم از باب‌های تعقیب فرموده امامعليه السلام که: «هر کس بعد از انجام نماز واجب سه بار بگوید: ای کسی که هر کار بخواهی انجام دهی و غیر از او احدی نتواند که هر چه بخواهد انجام دهد، سپس درخواست حاجت کند، حاجتش به او داده شود.»

وفي أحاديث باب (١) ما يستحبّ من الصّلاة لكلّ حاجة واستحباب تمجيد اللّه من أبواب صلاة الحوائج ما يدلّ على ذلك.

وفي رواية أبي بصير (٢) من باب (٧) استحباب الدعاء مع البكاء من أبواب الدّعاء قوله ﷺ ان خفت أمراً يكون او حاجة تريدها فابدء اللّه فمجّده واثن عليه كما هو وصلّ علىٰ النبيّ وسل حاجتك.

ويأتي في رواية زيد (١) من باب (٣٢) الدعاء للرّزق قوله ﷺ ادع في طلب الرزق فى المكتوبة وأنت ساجد يا خير المسئولين ويا خير المعطين ارزقني وارزق عيالي من فضلك الواسع.

وفي رواية ابن عمّار (١) من باب (٣٥) الدعاء علىٰ العدوّ قوله ﷺ وأنت ساجد في السجدة الأخيرة من الركعتين الأولتين فاحمد اللّه ومجّده وقُلْ اللهمّ انّ فلان بن فلان قد شهرني الخ وفي رواية يونس (١١) قوله ﷺ فاحمد اللّه ومجده.

وفي رواية أبي مسروق (١) من باب (٣٦) مباهلة العدوّ قوله ﷺ ثمّ انصفه وابدء بنفسك وقل اللهمّ ربّ السّماوات السّبع عالم الغيب والشهادة الرّحمن الرحيم الخ.

وفي أحاديث باب (٤٠) ما ورد في ان لا يقال اللهمّ اغنني عن خلقك ما يدلّ علىٰ بعض المقصود.

وفي رواية هارون (٣) من باب (٣) من شغل بذكر اللّه عن مسئلة من أبواب الذّكر قوله ﷺ انّ العبد لتكون له الحاجة إلى اللّه تعالىٰ فيبدء بالثّناء علىٰ اللّه والصلاة علىٰ محمّد وآل محمد حتّىٰ ينسىٰ حاجته فيقضيها اللّه له من غير ان يسأله أياها.

(٩)

باب ماورد في تقديم الصّدقة وشمّ الطّيب على الدعاء والرّواح إلى المسجد

٨١١ (١) **كافي** ٢/٤٧٧: الحسين بن محمد عن أحمد بن إسحاق عن سعدان بن مسلم عن
٣٦٣٧٢ **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه ﷺ قال كان أبي اذا طلب الحاجة طلبها عند زوال الشمس فإذا اراد ذلك قدّم شيئاً فتصدّق به وشمّ شيئاً من طيب وراح إلى المسجد ودعا في حاجته بما شاء (اللّه) **البحار** ٣/ ٣٦١: **عدّة الدّاعي** روي سعدان بن مسلم وذكر مثله سنداً ومتناً.

و در بسیاری از روایات باب یکم از باب‌های نماز حاجت‌ها آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت دوم از باب هفتم از باب‌های دعا فرموده امامعليه السلام که: «اگر از چیزی می‌ترسی یا حاجتی داری پس خدا را تمجید کن و ثنای او را بگوی آن گونه که او هست و بر پیامبرﷺ صلوات فرست و حاجتت را بخواه.»

می‌آید:

در روایت یکم از باب سی و دوم فرموده امامعليه السلام که: «در نماز واجب در حال سجده برای طلب روزی دعا کن [و بگوی:] ای بهترین سؤال شوندگان و ای بهترین بخشندگان! مرا و خانوادهٔ مرا از تفضّل و عنایت گستردهٔ خود روزی عطا فرما.»

و در روایت یکم از باب سی و پنجم فرموده امامعليه السلام که: «برای نفرین کردن دشمن در سجدهٔ دوّم رکعت دوّم، پس حمد و ثنای الهی به جای آر و او را تمجید کن و بگو: «خداوندا! فلانی پسر فلانی مرا رسوا کرد... تا آخر دعا.»

و در روایت یکم از باب سی و ششم فرموده امامعليه السلام که: «... سپس انصاف بده و از خودت شروع کن و بگو: خداوندا! ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه! ای دانای نهان و آشکار! بخشندهٔ مهربان... تا آخر دعا.»

و در روایات باب چهلم آنچه بر بعضی از مقصود دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب سوم از باب‌های ذکر فرموده امامعليه السلام که: «بنده را به سوی خداوند متعال حاجتی است پس اوّل به ثنا و ستایش خداوند شروع می‌کند و بر محمّد و آل محمّدﷺ صلوات می‌فرستد تا آنجا که حاجت خود را فراموش می‌کند، پس خداوند بدون سؤال و درخواست، حاجت او را برآورده کند.»

باب ۹

صدقه دادن و بوی خوش بوئیدن و رفتن به مسجد پیش از دعا

(۱) معاویة بن عمّار از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه پدرم می‌خواست حاجتی از خداوند درخواست کند، آن را در ظهر انجام می‌داد و چون می‌خواست این کار را بکند، اوّل مقداری صدقه می‌داد و عطر خوشبویی می‌بویید و به مسجد می‌رفت و آنقدر که خدا می‌خواست برای حاجت خود دعا می‌کرد.» ۸۱۱

٨١٢ ٢٦٣٧٣ (٢) **العوالي** ١١٠: عن **ابن عمر** قال قال رسول اللّهﷺ إذا اردت ان تدعو اللّه فقدّم صلاة او صدقة او خيراً او ذكراً.

٨١٣ ٢٦٣٧٤ (٣) **مستدرك** ١٩٨/٥: الشيخ **إبراهيم** الكفعمي في البلد الأمين عن النبيّﷺ اطلبوا الدعاء (إلى ان قال) وبعد الصدقة فانها جناح الاستجابة.

ويأتي في رواية البحار (١٢) من باب (١٩) الدّعاء عند هبوب الرّياح ما يدلّ علىٰ استجابة الدعاء بعد تقديم الصّدقة.

(١٠)

باب ماورد في انّ الدعاء محجوب حتّىٰ يصلّى الدّاعي علىٰ محمّد وآله وأنّ من جعل بعض صلواته ودعائه او كلّها لرسول اللّهﷺ كفىٰ همّ الدّنيا والآخرة

٨١٤ ٢٦٣٧٥ (١) **امالي الشيخ** ٦٩٢: حدّثنا الشيخ أبوجعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسيﷺ قال أخبرنا أبو عبداللّه الحسين بن إبراهيم القزويني قال أخبرنا أبوعبداللّه محمد بن وهبان الهنائي البصري قال حدّثني أحمد بن إبراهيم بن أحمد قال أخبرني أبو محمد الحسن بن علي بن عبدالكريم الزعفراني قال حدثني أحمد بن محمّد بن خالد البرقي أبو جعفر قال حدثني أبي عن محمد ابن أبي عمير **كافي** ٤٩١/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّهﷺ قال لا يزال الدّعاء محجوباً (عن السّماء ـ امالي) حتّىٰ يصلّي علىٰ محمّد وآل محمدﷺ.

٨١٥ ٢٦٣٧٦ (٢) **وسائل** ٩٥/٧: علي بن محمد الخزاز (في كتاب الكفاية) عن علي بن الحسين عن التلعكبريّ عن ابن عقدة عن محمّد بن سالم عن عبدالرّحمن الأزدي عن الحسن[١] بن أبي جعفر عن علي بن زيد عن سعيد بن المسيّب عن **أبي ذرّ** عن النبيّﷺ قال لا يزال الدعاء محجوباً حتّىٰ يصلّىٰ عليّ وعلىٰ أهل بيتي.

---

١. الحسن أبي جعفر ـ غ.

۸۱۲ (۲) ابن عمر از پیامبر خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه می‌خواهی دعا کنی و خدا را بخوانی پس اوّل نمازی بخوان و صدقه‌ای بده یا کار خیر دیگری انجام ده یا ذکری بگو.»

۸۱۳ (۳) شیخ کفعمی در کتاب البلد الامین از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «طالب دعا باشید (تا اینکه فرمود:) و پس از دادن صدقه دعا کنید چرا که صدقه بال استجابت دعاست [که با آن پرواز می‌کند و به بالا می‌رود].»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت دوازدهم از باب نوزدهم آنچه بر استجابت دعا بعد از دادن صدقه دلالت می‌کند.

باب ۱۰

صلوات، رمز استجابت دعا

۸۱۴ (۱) هشام بن سالم از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بالا رفتن دعا به آسمان پیوسته ممنوع است تا اینکه بر محمّدﷺ و آل محمّد صلوات فرستاده شود.»

۸۱۵ (۲) ابوذر از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیوسته دعا از [آسمان] محجوب باشد تا اینکه بر من و بر خاندانم صلوات فرستاده شود.»

۸۱۶ ۲۶۳۷۷ (۳) **كافي ۴۹۳/۲**: محمد بن يحييٰ عن أحمد بن محمّد عن عليّ بن الحكم وعبدالرّحمن ابن أبي نجران جميعاً عن **صفوان** الجمّال عن أبي عبداللّه ﷺ قال كلّ دعاء يدعىٰ اللّه عزّ وجلّ به محجوب عن السّماء حتّىٰ يصلّيَ علىٰ محمّد وآل محمد.

۸۱۷ ۲۶۳۷۸ (۴) **الثواب ۱۸۶**: أبي ﷺ عن سعد بن عبداللّه عن أحمد ابن أبي عبداللّه عن أبيه عن عبداللّه بن المغيرة عن عبدالكريم الخزّار عن أبي إسحاق السبيعي عن **الحارث** الأعور قال قال أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ﷺ كلّ دعاء محجوب عن السّماء حتىٰ يصلّي علىٰ محمّد وآله.

۸۱۸ ۲۶۳۷۹ (۵) **جامع الأخبار ۱۵۶**: روي عن النبيّ ﷺ ما من دعاء إلّا بينه وبين السّماء حجاب حتّىٰ يصلّي علىٰ محمد وآل محمد فإذا فعل ذلك انخرق الحجاب فدخل الدعاء وإذا لم يفعل ذلك لم يرفع الدعاء.

۸۱۹ ۲۶۳۸۰ (۶) **مستدرك ۲۲۷/۵**: الشيخ **أبوالفتوح** الرازي في **تفسيره** عن رسول اللّه ﷺ انّه قال ما من دعاء الّا بينه وبين السّماء حجاب فإذا دعا العبد ولم يصلّ عليّ في اوّله عسىٰ يرفع إلى الحجاب ثمّ يردّ وإذا صلّىٰ عليّ في اوّله تصعد الصلاة فتفتق الحجاب وتصعد إلى السّماء ويتبعها الدعاء إلى دون العرش فهناك ترجىٰ الإجابة.

۸۲۰ ۲۶۳۸۱ (۷) **الجعفريات ۲۱۵**: باسناده عن **عليّ بن أبي طالب** ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ صلاتكم عليّ مجوّزة لدعائكم ومرضاة لربّكم وزكاة لابدانكم **مستدرك ۲۲۵/۵**: السيّد عليّ بن طاووس في جمال الاسبوع عن جماعة باسنادهم إلى محمد بن الحسن الصفّار عن إبراهيم بن هاشم والبرقي والحسين بن علي بن عبداللّه جميعاً عن النوفلي عن **السكوني** عن جعفر بن محمد عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ (وذكر مثله إلّا انّ فيه) وزكاة لأعمالكم. **جامع الاخبار ۱۵۶** قال رسول اللّه ﷺ صلاتكم (وذكر نحوه).

۸۲۱ ۲۶۳۸۲ (۸) **الخصال ۶۱۳**: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن **عليّ** ﷺ (في حديث الأربعمأة) قال صلّوا علىٰ محمد وآل محمّد فانّ اللّه عزّ وجلّ يقبل دعائكم عند ذكر محمّد ودعائكم له وحفظكم إيّاه ﷺ.

۸۱۶ (۳) صفوان جمّال از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «هر دعایی که با آن دعا، خداوند بزرگ خوانده شود از بالا رفتن به آسمان محروم است تا وقتی که بر محمّد و آل محمّدﷺ صلوات فرستاده شود.»

۸۱۷ (۴) حارث اعور از علیﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «هر دعایی از آسمان محجوب و مستور ماند تا وقتی که بر محمّد و خاندان او صلوات فرستاده شود.»

۸۱۸ (۵) در کتاب جامع الاخبار از پیامبر اکرمﷺ حدیثی نقل شده که آن حضرت فرمود: «هیچ دعایی نیست مگر اینکه میان او و آسمان پرده‌ای مانع است تا وقتی که بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستاده شود و چون این کار را بکند آن پردهٔ مانع، پاره گردد و دعا به آسمان بالا رود و چون این کار را نکند، دعا بالا نرود.»

۸۱۹ (۶) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود: «هیچ دعایی نیست مگر اینکه میان او و آسمان مانعی است. پس وقتی بنده دعا کند و در آغاز آن بر من صلوات نفرستد، دعا تا آن مانع بالا می‌رود، سپس بر می‌گردد.

و اگر در اوّل دعا بر من صلوات فرستد، صلوات بالا می‌رود و مانع را سوراخ می‌کند و به آسمان بالا می‌رود و دعا نیز به دنبال آن بالا می‌رود تا به پای عرش می‌رسد و آنجاست که برای دعا، امید اجابت است.»

۸۲۰ (۷) در کتاب الجعفریّات به طور مستند از علی بن ابی طالبﷺ روایت شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: صلوات فرستادن شما بر من گذر دهندهٔ دعای شما و مایهٔ خشنودی پروردگارتان و پاک کنندهٔ بدن‌های شماست.»

۸۲۱ (۸) در کتاب الخصال از علیﷺ روایتی نقل شده است که آن حضرت فرمود: «بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستید چون بی گمان خداوند با فرّ و شکوه در هنگام ذکر حضرت محمّدﷺ دعای شما را می‌پذیرد و دعای شما را در حقّ او قبول می‌کند و به پاس حرمت پیامبرﷺ، دعای شما را نیز می‌پذیرد.»

۸۲۲ ۳۶۳۸۳ (۹) **امالي ابن الشيخ** ۲۱۵: أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسيﷺ قال أخبرني الشيخ السعيد الوالد أبوجعفر محمّد بن الحسن بن علي الطوسي قدّس اللّه روحه قال أخبرنا محمّد بن محمد قال أخبرني أبوبكر محمد بن عمر الجعابي عن أبي العبّاس أحمد بن محمد بن سعيد بن أحمد بن يحيىٰ عن اسيد بن زيد القرشيّ عن محمد بن **مروان** عن جعفر بن محمّدﷺ قال قال رسول اللّهﷺ صلاتكم عليّ اجابة لدعائكم وزكاة لأعمالكم.

۸۲۳ ۳۶۳۸۴ (۱۰) **العيون** ۱۸۲/۲: حدّثنا تميم بن عبداللّه بن تميم القرشيﷺ قال حدّثني أبي عن **أحمد** بن عليّ الأنصاري قال سمعت رجاء ابن أبي الضحاك يقول بعثني المأمون في إشخاص علي بن موسىٰﷺ (إلى ان قال) وكانﷺ يبدأ في دعائه بالصلاة علىٰ محمد وآله ويكثر من ذلك في الصلاة وغيرها.

۸۲۴ ۳۶۳۸۵ (۱۱) **مستدرك** ۲۲۷/۵: الشيخ **أبوالفتوح** الرازي في تفسيره عن أمير المؤمنينﷺ انّه قال لا تدعو بدعاء إلّا أن تقول في أوّله صلّ علىٰ محمّد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وكانﷺ يفعل كذلك فقيل له في ذلك فقال الدعاء مع الصلاة مقرون بالإجابة واللّه تعالىٰ يستحي ان يسئل عنه العبد حاجتين يجيب احديهما ويردُّ الأُخرىٰ.

۸۲۵ ۳۶۳۸۶ (۱۲) **مستدرك** ۲۲۵/۵: السيّد علي بن طاووس في جمال الاسبوع عن جماعة بأسنادهم إلى محمد بن الحسن الصفّار عن الحسين بن أبي الخطّاب عن محمّد بن بشير الدّهان عن **عبدالملك** بن عتبة عن أبي عبداللّهﷺ اذا دعا أحدكم فليبدأ بالصّلاة علىٰ محمد وآل محمد يقول افعل بي كذا وكذا فانّ العبد إذا قال اللهمّ صلّ علىٰ محمد وعلىٰ أهل بيته استجاب له فإذا قال افعل بي كذا وكذا كان أجود من أن يردّ بعضاً ويستجيب بعضاً.

۸۲۶ ۳۶۳۸۷ (۱۳) **امالي ابن الشيخ** ۱۷۲: قال أخبرنا أبوعلي الحسن بن محمد بن الحسن بن عليّ الطوسيﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسنﷺ قال أخبرنا محمد بن محمد قال أخبرني أبوالقاسم جعفر بن محمد عن أبيه عن سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن الحسن بن محبوب عن **ابان** بن عثمان الأحمر عن أبي عبداللّه جعفر بن محمدﷺ قال إذا دعا أحدكم فليبدء بالصلاة على النبيّﷺ فانّ الصّلاة علىٰ النبيّﷺ مقبولة ولم يكن اللّه ليقبل بعض الدعاء ويردّ بعضاً.

۸۲۲ (۹) محمد بن مروان از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: صلوات شما بر من، موجب مستجاب شدن دعای خودتان و مایهٔ پاکی بدن‌های شما گردد.»

۸۲۳ (۱۰) رجاء أبی بن ضحّاک گوید: «مأمون مرا برای احضار امام رضاؑ فرستاد (تا آنجا که گفت): و آن حضرت، دعایش را با صلوات بر محمّد و آل محمّد آغاز می‌کرد و هم در نماز و هم در غیر نماز این کار را زیاد انجام می‌داد.»

۸۲۴ (۱۱) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش، روایتی از امیرمؤمنان علیؑ نقل کرده که حضرت فرمود: «هیچ دعایی نکنید مگر اینکه در اوّل آن بگویید: «صَلّ علی محمّد وآل محمّد وافعل بی کذا وکذا» [و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد] و خود آن حضرت در دعاهایش همین کار را انجام می‌داد. علّت آن را پرسیدند، حضرت فرمود: دعایی که همراه با صلوات باشد به اجابت می‌رسد و خداوند متعال خجالت می‌کشد از اینکه بنده‌ای از او دو حاجت بخواهد و او یکی را مستجاب و دیگری را رد کند.»

۸۲۵ (۱۲) عبدالملک بن عتبه از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر گاه یکی از شما می‌خواهد دعا کند، پس دعای خود را با صلوات بر محمّد و آل محمّد آغاز کند و بعد بگوید: با من چنین و چنان کن زیرا وقتی بنده‌ای می‌گوید: «اللهمّ صلّ علی محمّد وعلی اهل بیته» این دعایش قطعاً مستجاب می‌شود و چون بگوید: خداوندا! با من چنین و چنان کن [و حاجات خود را بخواهد] خداوند، بخشنده‌تر از آن است که بخشی از دعا را رد کند و بخشی را مستجاب کند.»

۸۲۶ (۱۳) ابان بن عثمان احمر از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه یکی از شما می‌خواهد دعا کند، پس دعای خود را با صلوات بر پیامبرﷺ آغاز کند، چون صلوات بر پیامبرﷺ مورد قبول حق واقع می‌شود و خداوند اجلّ از آن است که بخشی از دعا را بپذیرد و بخشی را رد کند.»

۸۲۷ (۱۴) **مستدرك** ۲۲۶/۵: **القطب الراوندي في** لبّ اللّباب في قوله تعالى ﴿وَٱلْعَمَلُ
۳۶۳۸۸ ٱلصَّـٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ﴾ روي انّ العمل الصالح هو قول اللهمّ صلّ علىٰ محمد وآل محمد فمن كان له حاجة إلى اللّه فليصّل علىٰ محمّد وآله وليسئل حاجته فاللّه أكرَمُ مَنْ ان يسئل العبد عنه حاجتين ويقضي احديهما ويمنع الاخرى.

۸۲۸ (۱۵) **نهج البلاغة ۱۲۴۵**: إذا كانت لك إلى اللّه سبحانه حاجة فابدأ بمسألة الصّلاة علىٰ
۳۶۳۸۹ رسوله اللّه‌ﷺ ثمّ سلْ حاجتك فانّ اللّه أكرم من أن يسأل حاجتين فيقضي إحداهما ويمنع الاُخرىٰ.

۸۲۹ (۱۶) **كافي** ۴۹۱/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفليّ عن **السكونيّ** عن أبي
۳۶۳۹۰ عبداللّه‌ؑ قال مَنْ دعا ولم يذكر النبيّ رفرف الدعاء علىٰ رأسه فإذا ذكر النبيﷺ رفع الدعاء **مستدرك** ۲۲۵/۵: السيّد عليّ بن طاووس في جمال الاسبوع عن جماعة باسنادهم إلى محمد بن الحسن الصفّار عن إبراهيم بن هاشم والبرقي والحسين بن علي بن عبداللّه جميعاً عن النوفلي عن **السكوني** عن جعفر عن آبائهؑ قال إذا دعا احدكم ولم يذكر النبيّﷺ (وذكر مثله) **الجعفريات ۲۱۶**: باسناده عن علي بن أبي طالب‌ؑ نحوه.

۸۳۰ (۱۷) **كافي** ۴۹۳/۲: أبوعلي الاشعريّ عن محمّد بن حسان عن أبي عمران الأزدي عن
۳۶۳۹۱ عبداللّه بن الحكم عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه‌ؑ قال من قال ياربّ صلّ علىٰ محمد وآل محمد مأة مرّة قضيت له مأة حاجة ثلاثون للدّنيا [والباقي للآخرة] **الثواب** ۱۹۰: حدّثني محمد بن موسى بن المتوكّلؒ قال حدّثني محمد بن جعفر قال حدّثني موسى بن عمران عن الحسين بن يزيد عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه‌ؑ نحوه.

۸۳۱ (۱۸) **مستدرك** ۲۲۷/۵: **القطب الراوندي في** لبّ اللّباب قال عليّ‌ؑ من قال ثلاث مرّات
۳۶۳۹۲ اللهمّ صلّ علىٰ محمّد وآل محمد قضىٰ اللّه حاجته.

۸۳۲ (۱۹) **كافي** ۴۹۲/۲: عِدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمّد الاشعريّ عن
۳۶۳۹۳ **ابن القدّاح** عن أبي عبداللّه‌ؑ قال قال رسول اللّهﷺ لا تجعلوني كقدح الراكب فانّ الراكب يملأ قدحه فيشربه إذا شاء اجعلوني في أوّل الدّعاء وفي آخره وفي وسطه.

۸۲۷ (۱۴) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب در ذیل آیهٔ شریفهٔ: «و کار شایسته آن را بالا می‌برد.»[۱] روایتی نقل کرده که: عمل صالح عبارت است از گفتنِ «اللهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد» پس هر کس نزد خدا حاجتی دارد، باید بر محمّد و آل او صلوات فرستد، وانگهی حاجت خود را بخواهد و خداوند، بزرگوارتر از آن است که بنده‌ای از او دو حاجت بخواهد و او یکی را برآورد و دیگری را برآورده نکند.»

۸۲۸ (۱۵) در کتاب شریف نهج البلاغه از امیر مؤمنان علی‌ؑ روایت شده که آن حضرت فرمود: «هر گاه تو را به درگاه الهی حاجتی است، پس دعایت را با صلوات بر پیامبر خداؐ شروع کن، سپس حاجتت را بخواه زیرا خداوند بزرگوارتر از آن است که از او دو حاجت خواسته شود و او یکی را برآورد و از برآوردن دیگری خودداری نماید.»

۸۲۹ (۱۶) سکونی از امام صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس دعا کند و نامی از پیامبرؐ نبرد، دعا بر بالای سرش چتر زند و بایستد و هر گاه از پیامبرؐ یاد کرد دعایش بالا رود.»

۸۳۰ (۱۷) معاویة بن عمار از امام صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس صد بار بگوید: «یا ربّ صَلِّ عَلی محمّدٍ وآلِ محمّد» صد حاجتش برآورده شود، سی حاجت در دنیا و بقیّه در آخرت.»

۸۳۱ (۱۸) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب روایتی از علی‌ؑ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس سه بار بگوید: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّد وآلِ محمّد» حاجتش برآورده شود.»

۸۳۲ (۱۹) ابن قدّاح از امام صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداؐ فرمود: مرا جام دست سواره قرار ندهید که هر گاه دلش بخواهد آن را پر آب می‌کند و می‌نوشد بلکه مرا در اوّل و آخر و وسط دعایتان قرار دهید.»

---

۱. فاطر ۳۵/۱۰.

۸۳۳ ۳٦۳۹٤ (۲۰) **كافي ۲/۴۹۳**: محمد بن يحييٰ عن أحمد بن محمّد عن علي بن الحكم عن سيف بن **عميرة** عن أبي بكر الحضرمي قال حدّثني من سمع أبا عبداللّه عليه السلام يقول جاء رجل إلى رسول اللّه صلى الله عليه وآله فقال اجعل نصف صلواتي لك قال نعم ثمّ قال اجعل صلواتي كلّها لك قال نعم فلمّا مضىٰ قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله كُفِي همّ الدنيا والآخرة.

۸۳٤ ۳٦۳۹٥ (۲۱) **كافي ۲/۴۹۱**: أبو علي الاشعريّ عن محمّد بن عبدالجبّار عن صفوان عن أبي اسامة زيد الشّحّام عن **محمّد** بن مسلم عن أبي عبداللّه عليه السلام انّ رجلاً أتى النبيّ صلى الله عليه وآله فقال يا رسول اللّه انّي اجعل لك ثلث صلاتي لابل اجعل لك نصف صلاتي لابل اجعلها كلّها لك فقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذاً تكفي مؤنة الدنيا والآخرة.

۸۳٥ ۳٦۳۹٦ (۲۲) **مستدرك ۵/۲۲٦**: كتاب جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي عن حميد بن شعيب السبيعيّ عن **جابر** بن يزيد الجعفي قال سمعته أي جعفر بن محمد عليه السلام يقول انّ رجلاً أتىٰ رسول اللّه صلى الله عليه وآله فقال يا رسول اللّه انّي جعلت نصف دعائي لك قال أنت اذاً[1] ثمّ آتاه من الغد فقال يا رسول اللّه انّي جعلت دعائي كلّه لك فقال ان كنت فعلت كفاك اللّه مؤنة الدنيا والآخرة وانّ جعفراً عليه السلام قال أتدرون كيف جعل دعاءه لرسول اللّه صلى الله عليه وآله انّما قال اللّهمّ صلّ علىٰ محمد وأهل بيته وافعل بي كلمّا أراد أن يدعو لنفسه بدأ بالصلاة علىٰ محمد وآل محمد ثمّ دعا لنفسه.

۸۳٦ ۳٦۳۹۷ (۲۳) **كافي ۸/۲۷۴**: (أبو علي الاشعريّ ـ معلّق) عن محمّد بن عبدالجبّار عن علي بن حديد عن **مرازم** عن أبي عبداللّه عليه السلام انّ رجلاً اتىٰ رسول اللّه صلى الله عليه وآله فقال يا رسول اللّه انّي أُصلّي فاجعل بعض صلاتي لك فقال ذلك خير لك.

فقال يا رسول اللّه فاجعل نصف صلاتي لك فقال ذلك افضل لك فقال يا رسول اللّه فانّي اصلي فاجعل كلّ صلاتي لك.

---

۱. هكذا في الأصل والظّاهر سقوط شيء.

۸۳۳ (۲۰) ابوبکر حضرمی گوید: «شخصی که خود از امام صادقعلیه السلام شنیده بود به من گفت: مردی به خدمت پیامبر خداﷺ رسید و گفت: آیا من نیمی از دعاهایم را صلوات فرستادن بر شما قرار دهم؟ حضرت فرمود: آری. سپس آن مرد گفت: آیا تمام دعایم را صلوات بر تو قرار دهم؟ حضرت فرمود: آری و چون آن مرد رفت پیامبر خداﷺ فرمود: از غم و غصهٔ دنیا و آخرت نگاه داشته خواهد شد.»

۸۳۴ (۲۱) محمد بن مسلم از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «مردی به خدمت پیامبرﷺ مشرّف شد و گفت: ای پیامبر خدا! من یک سوّم دعاهایم را، نه، بلکه نصف دعاهایم را، نه، بلکه دعاهایم را صلوات بر تو قرار می‌دهم.

پس پیامبر خداﷺ فرمود: در این صورت دنیا و آخرت تو تأمین خواهد شد.»

۸۳۵ (۲۲) جابر بن یزید جعفی گوید: «از امام صادقعلیه السلام شنیدم که فرمود: شخصی خدمت پیامبرﷺ مشرّف شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من نیمی از دعاهایم را صلوات بر شما قرار داده‌ام. حضرت فرمود: در این صورت تو...[1] سپس فردای آن روز خدمت رسید و گفت: ای پیامبر خدا! من همهٔ دعاهایم را برای تو قرار دادم. حضرت فرمود: اگر این کار را انجام دهی خداوند دنیا و آخرتت را تأمین نماید.

آنگاه امام صادقعلیه السلام فرمود: آیا می‌دانید که چگونه همهٔ دعاهایش را برای پیامبر خداﷺ قرار داده بود؟ به این صورت که می‌گفت: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّدٍ و أهلِ بیته وَافْعَل بی» هر گاه می‌خواست برای خودش دعا کند، اوّل بر محمّد و آل محمّد صلوات می‌فرستاد، سپس برای خودش دعا می‌کرد.»

۸۳۶ (۲۳) مرازم از امام جعفر صادقعلیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «مردی به خدمت پیامبر خداﷺ شرفیاب گشت و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من بخشی از دعاهایم را به شما اختصاص می‌دهم. حضرت فرمود: این کار برای خودت بهتر است. او گفت: ای پیامبر خدا! من نیمی از دعاهایم را صلوات فرستادن بر شما قرار می‌دهم.

حضرت فرمود: البتّه این کار فضیلت بسیاری برای تو خواهد داشت. پس آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! من تمام دعاهایم را به صلوات فرستادن به وجود مبارک شما اختصاص می‌دهم.

---

۱. مقداری از عبارت ساقط شده که بیان کنندهٔ پاداش این شخص بوده است.

فقال رسول اللّه ﷺ إذا يكفيك اللّه ما أهمّك من أمر دنياك وآخرتك.

ثمّ قال أبو عبداللّه ﷺ ان اللّه كلّف رسول اللّه ﷺ ما لم يكلّفه احداً من خلقه كلّفه ان يخرج علىٰ الناس كلّهم وحده بنفسه ان لم يجد فئة تقاتل معه ولم يكلّف هذا أحداً من خلقه قبله ولا بعده.

ثمّ تلا هذه الآية فقاتل في سبيل اللّه لا تكلّف إلّا نفسك ثمّ قال وجعل اللّه أن يأخذ له ما أخذ لنفسه فقال عزّ وجلّ من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها وجعلت الصّلاة علىٰ رسول اللّه ﷺ بعشر حسنات.

۸۳۷ (۲۴)**كافي ۴۹۳/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **مرازم** قال قال أبو
۲۶۲۹۸ عبداللّه ﷺ انّ رجلاً أتىٰ رسول اللّه ﷺ فقال يا رسول اللّه انّي جعلت ثُلثَ صلواتي لك.

فقال له خيراً.

فقال يا رسول اللّه اني جعلت نصف صلواتي لك.

فقال له ذاك افضل.

فقال انّي جعلت كلّ صلواتي لك.

فقال إذا يكفيك اللّه عزّ وجلّ ما أهمّك من أمر دنياك وآخرتك.

فقال له رجل اصلحك اللّه كيف يجعل صلاته له.

فقال أبو عبداللّه ﷺ لا يسأل اللّه عزّ وجلّ شيئاً الّا بدأ بالصلاة علىٰ محمد وآله ﷺ

الثواب ۱۸۸: حدّثني محمّد بن الحسن ﷺ قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي قال حدّثنا أبي عن محمد بن أبي عمير عن مرازم (وذكر نحوه).

حضرت فرمود: در این صورت خداوند همهٔ نیازمندی‌های دنیا و آخرت تو را کفایت فرماید.»

سپس حضرت صادق﵇ فرمود: «خداوند برای پیامبرﷺ وظایفی مقرّر فرموده که هیچ یک از دیگر انسان‌ها را به آن موظّف نکرده از آن جمله اینکه اگر هیچ کس نباشد که او را در جنگ یاری کند او را موظّف کرده که خود به تنهایی در مقابل همهٔ مردم [که سرِ جنگ با او دارند] یک تنه بایستد و بجنگد و چنین تکلیفی را بر دوش هیچ کس از پیشینیان و پسینیان نگذاشته.

آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «[ای پیامبر] **در راه خدا پیکار کن و جز عهده‌دار شخص خود نیستی.**»[1]

سپس حضرت فرمود: خداوند هم [در قبال این تکالیف اختصاصی] هر چه برای خود قرار داده برای پیامبرﷺ نیز قرار داده.

خداوند﷯ فرموده: هر کس یک کار خوب انجام دهد ده برابر پاداش دارد و برای صلوات بر پیامبر خدا نیز ده حسنه پاداش قرار داده است.»

(۲۴) مرازم از امام صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «مردی خدمت پیامبر خداﷺ شرفیاب گشت و گفت: ای پیامبر خدا! من یک سوّم دعاهایم را در حقّ شما دعا می‌کنم. حضرت فرمود: خوب است. ۸۳۷

آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! من نیمی از دعاهایم، صلوات بر شماست. حضرت فرمود: البتّه این، بهتر است.

پس آن مرد گفت: آقا من تمام دعاهایم صلوات بر وجود نورانی شماست.

حضرت فرمود: در این صورت خداوند بزرگ دنیا و آخرت تو را اداره خواهد کرد.

در اینجا مردی از حضرت صادق﵇ پرسید و گفت: خداوند بر صلاح شما بیفزاید. چگونه این مرد همهٔ دعاهایش را برای پیامبرﷺ قرار داده بود؟

حضرت صادق﵇ فرمود: حاجتی از خداوند بزرگ درخواست نمی‌کرد، مگر اینکه اوّل به حضرت محمّد و آل اوﷺ صلوات می‌فرستاد.»

---

۱. نساء ۸۴/۴.

۸۳۸ (۲۵)**كافي ۲/۴۹۲**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن سيف عن أبي اسامة عن **أبي بصير** قال سألت أبي عبداللّه‌ﷺ ما معنىٰ اجعل صلواتي كلّها لك فقال يقدّمه بين يدي كلّ حاجة فلا يسأل اللّه عزّ وجلّ شيئاً حتىٰ يبدأ بالنبيّ‌ﷺ فيصلّي عليه ثمّ يسأل اللّه حاجته.
۳۶۳۹۹

۸۳۹ (۲۶)**كافي ۲/۴۹۴**: علي بن محمد عن ابن (أبي) **جمهور** عن أبيه عن رجاله قال قال أبو عبداللّه‌ﷺ من كانت له إلى اللّه عزّ وجلّ حاجة فليبدأ بالصلاة علىٰ محمد وآله ثمّ يسأل حاجته ثمّ يختم بالصلاة علىٰ محمّد وآل محمّد فانّ اللّه عزّ وجلّ اكرم من ان يقبل الطرفين ويدع الوسط إذ[ا] كانت الصلاة علىٰ محمد وآل محمد لا تحجب عنه.
۳۶۴۰۰

وتقدّم في رواية ابن كردوس (۱) من باب (۲) الموارد التّي يستحبّ فيها الوضوء قول‌ﷺ فان قام من آخر الليل فتطّهر وصلّىٰ ركعتين وحمد اللّه واثنىٰ عليه وصلىٰ علىٰ النبيّ لم يسأل اللّه شيئاً الّا اعطاه.

وفي أحاديث باب (۱) مايستحبّ من الصلاة لكلّ حاجة من أبواب صلاة الحوائج ما يدلّ علىٰ ذلك.

وفي رواية ابن أبي حمزة (۲) من باب (۷) استحباب الدعاء مع البكاء قوله‌ﷺ فابدأ باللّه ومجّده واثن عليه كما هو أهله وصلّ على النبيّ‌ﷺ وسل حاجتك.

وفي كثير من أحاديث باب (۸) تقديم تمجيد اللّه تعالىٰ والثناء عليه على الدعاء ما يدلّ علىٰ تقديم الصّلوات علىٰ النبيّ وآله قبل الدعاء.

وكذا **في** أحاديث باب (۳۵) الدعاء علىٰ العدوّ ما يدلّ علىٰ ذلك.

وفي رواية هارون(۳) من باب (۳) انّ من شغل بذكر اللّه تعالىٰ عن مسئلته أعطاه افضل ما أعطىٰ من سأله من أبواب الذكر قوله‌ﷺ فيبدأ بالثناء علىٰ اللّه والصلاة علىٰ محمد وآل محمد حتّىٰ ينسي حاجته فيقضيها اللّه تعالىٰ له.

۸۳۸ (۲۵) ابوبصیر گوید: «از امام صادق﵇ پرسیدم: معنی اینکه «من همهٔ دعاهایم را برای تو قرار می‌دهم» چیست؟

حضرت فرمود: او را بر حاجتی مقدّم می‌دارد به این گونه که از خداوند عزیز جلیل چیزی درخواست نمی‌کند مگر اینکه به پیامبرﷺ آغاز می‌کند و بر او صلوات می‌فرستد، سپس حاجت خویش را از خدا می‌طلبد.»

۸۳۹ (۲۶) ابن ابی جمهور از پدرش و او با سلسله سند خودش از حضرت صادق﵇ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس را به خداوند بزرگ، حاجتی است پس باید اوّل به صلوات بر محمّد و آل محمّد دعایش را آغاز کند و پس از آن حاجت خود را درخواست کند و در پایان نیز دعایش را با صلوات بر محمّد و آل محمّد به پایان رساند زیرا خداوند عزیز و جلیل بخشنده‌تر از آن است که دو طرف دعا را مستجاب کند و وسط آن را ترک کند، چون که صلوات بر محمّد و آل محمّد هرگز رد نمی‌شود.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت یکم از باب دوم فرموده امام﵇ که: «اگر کسی آخر شب به پا خیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و حمد و ثنای الهی گوید و بر پیامبرﷺ صلوات فرستد هیچ حاجتی از خدا نخواهد مگر اینکه خداوند به او خواهد داد.»

و در روایات باب یکم از باب‌های نماز حوائج آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت دوم از باب هفتم فرموده امام﵇ که: «در دعا اوّل به تمجید و ستایش خداوند آنگونه که شایستهٔ اوست بپرداز و بر پیامبرﷺ صلوات فرست آنگاه حاجت خویش را درخواست کن.»

و در بسیاری از روایات باب هشتم آنچه بر صلوات فرستادن بر پیامبرﷺ و آلش قبل از دعا دلالت می‌کند.

و در روایات باب سی و پنجم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب سوم از باب‌های ذکر فرموده امام﵇ که: «هر کس آغاز کند دعایش را به مدح و ثنای خداوند و صلوات بر محمّد و آل محمّدﷺ و آنقدر این ثناگویی و صلوات فرستادن طولانی شود که حاجت خویش را از یاد ببرد، خداوند خودش حاجت او را برآورده فرماید.»

(۱۱)

باب انّ من توسّل إلى اللّه تبارك و تعالىٰ بمحمّدٍ و آله الطاهرين صلوات اللّه عليهم اجمعين استجاب له

قال اللّه تعالى في الإسراء (۱۷): ۵۷: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾.

سورة البقرة (۲): ۸۹: ﴿وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُواْ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦ فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ﴾.

المائدة (۵): ۳۵: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبْتَغُوٓاْ إِلَيْهِ ٱلْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِى سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

۸۴۰ ۳۶۴۰۱ (۱) **كافي** ۲ / ۵۸۰: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن (محمد بن ـ ئل) عمر بن عبدالعزيز عن بعض أصحابنا عن داود الرّقي قال انّي كنت أسمع ابا عبداللّه ﷺ أكثر ما يُلحُّ به في الدعاء علىٰ اللّه بحق الخمسة يعني رسول اللّه وأمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين صلوات اللّه عليهم.

۸۴۱ ۳۶۴۰۲ (۲) **امالي الصدوق** ۵۳۵: **الخصال** ۵۸۴: حدّثنا أبي (ﷺ خصال) قال حدّثنا محمّد بن يحيىٰ العطّار قال حدّثنا محمد بن أحمد بن يحيىٰ (بن عمران الاشعريّ ـ امالي) عن الحسن بن علي الكوفي المعاني ۲۲۶: حدّثنا أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن الحسن بن علي الكوفي الثواب ۱۸۵: حدّثني محمد بن الحسن ﷺ قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن الحسن بن علي عن العبّاس بن عامر عن أحمد بن رزق عن يحيىٰ بن أبي العلاء عن **جابر** عن أبي جعفر (الباقر ـ امالي) ﷺ (قال ـ معاني) قال انّ عبداً مكث[1] في النار سبعين خريفاً والخريف سبعون سنة (قال ـ امالي ـ ثواب ـ معاني) ثمّ انّه سأل اللّه عزّ وجلّ بحقّ محمد وأهل بيته لمّا[2] رحمتني (قال ـ معاني ـ امالي) فأوحىٰ اللّه عزّ وجلّ إلى جبرئيل ﷺ ان اهبط إلى عبدي فاخرجه قال ربّ (و ـ امالي ـ خصال) كيف لي بالهبوط في النّار؟

---

۱. يمكث ـ معاني. ۲. إلّا ـ خصال.

باب ۱۱

توسّل به محمّد و آل محمّدﷺ سبب مستجاب شدن دعا

خداوند تعالی فرموده است:

آن [معبودان و مدعوّانی که] این مردم آن‌ها را می‌خوانند، خود آن خوانده شوندگان، پروردگار خود را می‌خوانند و به دنبال وسیله‌ای برای نزدیک شدن به او هستند و در صدد آن هستند که بفهمند کدام وسیله به خدا، نزدیک‌تر است و به رحمت او امیدوار و از عذابش بیمناکند به راستی عذاب پروردگارت همواره در خُور پرهیز است.[1]

و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤیّد آنچه نزد آنان است برایشان آمد و از دیر باز در انتظارش بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می‌شناختند برای‌شان آمد، انکارش کردند، پس لعنت خدا بر کافران باد.[2]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری به خاطر خدا پیش گیرید و وسیله‌ای به سوی او بجوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.[3]

۸۴۰ (۱) داود رقّی گوید: «از حضرت صادقؑ شنیدم که فرمود: کسانی که بیشتر از همه باید به آن‌ها در دعا متوسّل شد و اصرار ورزید، خواندن خدا به حقّ پنج تن است یعنی پیامبر خدا، امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و حسین صلوات الله علیهم.»

۸۴۱ (۲) جابر از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که بنده‌ای هفتاد خریف در آتش [دوزخ] بود و هر خریف، هفتاد سال است. وانگهی از خداوند بزرگ درخواست کرد که به حق محمّد و اهل بیت محمّد به من رحم کن.

پس خداوند عزیز و جلیل به جبرئیل وحی کرد که به سوی بندهٔ من فرود آی و او را از [دوزخ] به در آور.

جبرئیل گفت: ای پروردگار! چگونه من به درون آتش فرود آیم؟

---

۱. اسراء ۵۷/۱۷. ۲. بقره ۸۹/۲. ۳. مائده ۳۵/۵.

قال عزّ وجلّ انّي قد امرتها ان تكون عليك برداً وسلاماً قال يا ربّ فما علمي[1] بموضعه قال انّه في جبّ من سجّين[2] قال فهبط (جبرئيل ـ ثواب) في النّار[3] فوجده معقولاً[4] علىٰ وجهه فاخرجه (إلى اللّه عزّ وجلّ ـ معاني).

فقال (اللّه ـ ثواب) عزّ وجلّ يا عبدي كم لبثت (تناشدني ـ امالي ـ معاني ـ خصال) في النّار قال ما أحصي[5] ياربّ قال (له ـ ثواب) اما وعزّتي لولا ما سألتني به لأطلت هوانك في النّار ولكنّه (ولكني ـ ثواب) حتم (حتمت ـ أمالي) علىٰ نفسي أن لا يسألني عبد بحقّ محمّد وأهل بيته الّا غفرت له ما كان بيني وبينه وقد غفرت لك اليوم.

۸۴۲ ۲۶۴۰۳ (۳) **امالي المفيد** ۲۱۸: قال حدّثني أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين قال حدّثني أبي قال حدّثني محمد بن يحيىٰ العطّار قال حدّثنا محمد بن أحمد بن يحيىٰ عن الحسن بن علىٰ الكوفي عن العبّاس بن عامر القصباني عن أحمد بن رزق الغمشاني عن يحيي بن أبي العلاء عن **جابر** عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين عن أبيه عن جدّهﷺ قال قال رسول اللّهﷺ انّه إذا كان يوم القيامة وسكن أهل الجنّة الجنّة وأهل النّار النّار مكث عبد في النار (وذكر نحوه وزاد) ثمّ يؤمر به إلى الجنّة.

۸۴۳ ۲۶۴۰۴ (۴) **الاختصاص** ۲۲۲: محمّد بن عليّ (الصدوق) قال حدّثنا محمد بن علي عن عمّه محمد بن أبي القاسم قال حدثني أحمد بن محمد بن خالد قال حدّثني ابن أبي نجران عن العلاء عن **محمد** بن مسلم عن أبي جعفر بن محمد بن عليّ الباقرﷺ قال سمعت جابر بن عبداللّه الأنصاري يقول سألت رسول اللّهﷺ عن سلمان الفارسي فقالﷺ سلمان بحر العلم لا يقدر علىٰ نزحه سلمان مخصوص بالعلم الأوّل والآخر أبغض اللّه من أبغض سلمان وأحبّ من أحبّه قلت فما تقول في أبي ذرّ؟ قال وذاك منّا أبغض اللّه من أبغضه وأحبّ اللّه من أحبّه قلت فما تقول في المقداد؟ قال وذاك منّا أبغض اللّه من أبغضه وأحبّ اللّه من أحبّه قلت فما تقول فى عمّار؟ قال وذاك منّا أبغض الله من أبغضه وأحبّ الله من أحبّه قال جابر فخرجت لِأُبشرّهم فلمّا ولّيت قال إليّ إليّ يا جابر وأنت منّا أبغض اللّه من أبغضك وأحبّ اللّه من أحبّك.

---

۱. فاعلمني ـ ثواب. ۲. في سجّيل ـ ثواب. ۳. إلى النار ـ ثواب.
۴. وهو معقول ـ امالي ـ خصال. ۵. ما احصيه ـ امالي.

خداوندﷻ فرمود: من فرمان دهم که بر تو سرد و سالم گردد. جبرئیل گفت: ای پروردگار من! جای او را ندانم. خداوند فرمود: در چاه سجّین است. حضرت باقرﷺ فرمود: پس جبرئیل به آتش فرود آمد و دید که او در حالی که صورتش بر روی زمین است، به بند کشیده شده. پس او را به سوی خداوندﷻ آورد.

پس خداوند با فرّ و شکوه فرمود: ای بندهٔ من! چقدر در آتش بودی؟ او گفت: ای پروردگار! شماره‌اش را نمی‌دانم.

خداوند فرمود: به عزّتم سوگند که اگر مرا به حق آن [پیامبر و خاندانش] نمی‌خواندی، قطعاً زمان خواری‌ات در آتش را دراز می‌کردم ولی من بر خود واجب کرده‌ام که هیچ بنده‌ای مرا به حق محمّد و اهل بیت او نخواند مگر اینکه آنچه را میان من و آن بنده است، بیامرزم و [به همین جهت] امروز تو را آمرزیدم.»

۸۴۲ (۳) جابر از امام محمّد باقرﷺ و آن حضرت از پدرش و او از جدّش روایت کرده که: «پیامبر خداﷺ فرمود: هرگاه روز قیامت شود و بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ جای گیرند، بنده‌ای در میان آتش...» و دنبالهٔ سخن را همانند روایت قبلی ادامه داده و افزوده: «سپس فرمان رسد که به بهشت درآید.»

۸۴۳ (۴) محمّد بن مسلم از امام باقرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که گفت: از پیامبر خداﷺ دربارهٔ سلمان فارسی پرسیدم. حضرت رسولﷺ پاسخ داد که سلمان دریای دانش است که کس را تاب تحمّل آن نباشد.

دانش اوّل و آخر، مختصّ به سلمان است. خداوند کسی را که با سلمان دشمن باشد، دشمن دارد، و کسی را که سلمان را دوست داشته باشد دوست بدارد.

گفتم: پس درباره ابوذر چه می‌فرمایی؟

فرمود: او از ما است خداوند دشمن بدارد کسی را که با او دشمن است و دوست دارد کسی را که او را دوست دارد.

گفتم: درباره مقداد چه می‌فرمایی؟

فرمود: او نیز از ما است، خداوند دشمن بدارد کسی را که با او دشمن است و دوست دارد کسی را که او را دوست دارد.

گفتم: درباره عمّار چه می‌فرمایی؟

فرمود: و او نیز از ما است، خداوند دشمن خود داند کسی را که با او دشمن است و دوست دارد کسی را که او را دوست دارد.

جابر گفت: من از خدمت پیامبرﷺ بیرون آمدم تا آنان را مژده دهم. همین که رو به رفتن نهادم حضرت فرمود: بیا پیش من، بیا پیش من ای جابر، و تو نیز از ما هستی خداوند دشمن دارد آن را که با تو دشمن است و دوست دارد آن را که تو را دوست داشته باشد.

قال فقلت يارسول اللّه فما تقول في علي بن أبي طالب؟

فقال ذاك نفسي.

قلت فما تقول فى الحسن والحسين؟

قال هما روحي وفاطمة اُمّهما ابنتي يسوئني ماساءها ويسرّني ماسرّها اشهد اللّه انّي حرب لمن حاربهم سلم لمن سالمهم.

يا جابر إذا أردت ان تدعو اللّه فيستجيب لك فادعه باسمائهم فانّها أحبّ الاسماء إلى اللّه عزّ وجلّ.

٨٤٤ ٢٦٤٠٥ (٥) **عُدَّة الدّاعي ٥٢:** سماعة قال لي أبوالحسن إذاكان لك ياسماعة حاجة فقل اللّهمّ بحقّ محمد وعليّ فانّ لهما عندك شأناً من الشأن وقدراً من القدر فبحقّ ذلك الشأن وبحقّ ذلك القدر ان تفعل بي كذا وكذا.

فإنّه إذاكان يوم القيامة لم يبق ملك مقرّب ولا نبيّ مرسل ولا عبد مؤمن امتحن اللّه قلبه للإيمان الّا وهو محتاج اليهما في ذلك اليوم.

٨٤٥ ٢٦٤٠٦ (٦) **وفيه ١٥١:** عن **سلمان الفارسي** قال سمعت محمداً يقول انّ اللّه عزّ وجلّ يقول يا عبادي اوَليس من له اليكم حوائج كبار لا تجودون بها الّا ان يتحمّل عليكم بأحبّ الخلق اليكم تقضونها كرامة لشفيعهم الا فاعلموا انّ اكرم الخلق عليّ وافضلهم لديّ محمد واخوه عليّ ومن بعده الأئمّة الّذين هم الوسائل اليّ الا فليدعني من هَمَّتْهُ[١] حاجة يريد نفعها او دهته داهية يريد كشف ضررها بمحمّد وآله الطيّبين الطّاهرين اقضها له احسن ما يقضيها من يستشفعون بأعزّ الخلق عليه.

فقال له قوم المشركين والمنافقين وهم المستهزئون به يا ابا عبداللّه فما لك لا تقترح علىٰ اللّه ان يجعلك اغنىٰ أهل المدينة.

---

١. من همّ بحاجة ـ تفسير الامام.

جابر گفت: عرض کردم: ای پیامبر خدا! دربارهٔ علی بن ابی طالب‌ؑ چه می‌فرمایی؟

فرمود: او خود من است.

گفتم: چه می‌فرمایی دربارهٔ حسن و حسینؑ ؟

فرمود: آن دو، جان من هستند و فاطمه مادر آن‌ها، دختر من است هر چه آن‌ها را ناراحت کند، مرا نیز ناراحت کند و هر چه آن‌ها را خوشحال کند مرا خوشحال کرده. خدا را گواه می‌گیرم که من جنگ‌کننده‌ام با هر کس که با آن‌ها بجنگد و سازش دارم با هر کس که با آن‌ها سر سازش دارد.

ای جابر! هر گاه می‌خواهی که خدا را بخوانی و او دعای تو را مستجاب کند، پس او را به حق نام‌های آنان بخوان زیرا محبوب‌ترین نام‌ها به سوی خداوندﷻ نام‌های آن‌هاست.»

۸۴۴ (۵) سماعه از امام موسی کاظمؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «ای سماعه! هر گاه تو را حاجتی است پس بگو: خداوندا! به حقّ محمّد و علی که آن‌ها را در پیشگاه تو قدر و منزلت عظیمی است، پس به حق آن قدر و منزلت که با من چنین و چنان کن.

زیرا چون روز قیامت شود، هیچ فرشتهٔ مقرّب و پیامبر مرسل و بندهٔ مؤمنی دل او را برای ایمان آزموده نیست مگر اینکه به آن دو [حضرت محمّد و علیؑ] در آن روز محتاجند.»

۸۴۵ (۶) سلمان فارسی گوید: «از حضرت محمّدﷺ شنیدم که فرمود: خداوند با عزّ و شکوه می‌فرماید: ای بندگان من! آیا این گونه نیست که وقتی کسی به شما حاجت‌های بزرگی دارد و شما آن‌ها را انجام نمی‌دهید مگر اینکه کسی را که از همه او را بیشتر دوست دارید واسطه قرار دهد و پیش شما آورد. پس شما حاجات او را به خاطر احترام شفیعش برآورده نمایید؟ آگاه باشید و بدانید که گرامی‌ترین آفریده‌ها پیش من و برترین آن‌ها نزد من، محمّد و برادرش علی و امامان بعد از اوست.

آن‌ها وساطت کنندگان به سوی من هستند. آگاه باشید کسی که حاجت مهمّی دارد که در جستجوی منفعت آن است یا مصیبتی دامنگیر او شده که در صدد خلاص شدن از آن است، پس مرا به حق محمّد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش بخواند، حاجتش را به بهترین وجه ممکن برآورم، بهتر از هر کسی که گرامی‌ترین و عزیزترین شخص پیش او را، نزد او شفیع قرار دهی.

پس گروهی از مشرکان و منافقان زبان به تمسخر گشودند و گفتند: ای ابا عبدالله![1] پس چرا به خدا پیشنهاد نمی‌دهی که تو را ثروتمندترین مردم مدینه قرار دهد؟

---

۱. ابو عبدالله کنیهٔ حضرت سلمانؓ است.

فقال سلمان عليه السلام دعوت اللّه وسألته ما هو أجلّ وانفع وأفضل من ملك الدنيا بأسرها سألته بهم عليهم السلام ان يهب لي لساناً ذاكراً لتحميده وثنائه وقلباً شاكراً لآلائه وبدناً علىٰ الدواهي الداهية صابراً وهو عزّ وجلّ قد اجابني إلى ملتمسي من ذلك وهو أفضل من ملك الدنيا بحذافيرها وما اشتمل عليه من خيراتها مأة ألف مرّة (وقد اوردناه عن تفسير العسكري عليه السلام عن سلمان في باب (۸) ما ورد في اظهار كلمة الكفر من أبواب التقية مع زيادة).

٨٤٦ ٣٦٤٠٨ (۷) **وسائل ۷/۲ ۱۰:** **الحسن بن علي العسكري** عليه السلام في تفسيره عن آبائه عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال انّ اللّه سبحانه يقول عبادي من كانت له اليكم حاجة فسألكم بمن تحبّون اجبتم دعائه ألا فاعلموا انّ احبّ عبادي لديّ[1] واكرمهم لديّ محمّد وعليّ حبيبي ووليّي فمن كانت له حاجة فليتوسّل اليّ بهم فانّي لا اردّ سائل بهما وبالطيّبين من عترتهما.

فمن سألني بهم فانّي لا اردّ دعائه فكيف اردّ دعاء من سألني بحبيبي وصفوتي ووليّ وحجّتي وروحي ونوري وآيتي وبابي ورحمتي ووجهي ونعمتي ألا وانّي خلقتهم من نور عظمتي وجعلتهم أهل كرامتي وولايتي فمن سألني بهم عارفاً بحقّهم ومقامهم اوجبت له منّي الإجابة وكان ذلك حقّاً عليّ.

٨٤٧ ٣٦٤٠٨ (۸) **تفسير العياشي ۴۲/۲:** عن **محمد** بن أبي زيد الرّازيّ عمّن ذكره عن الرضا عليه السلام قال إذا نزلت بكم شدّة فاستعينوا بنا علىٰ اللّه وهو قول اللّه ﴿**وَلِلَّهِ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا**﴾ قال قال أبو عبداللّه نحن واللّهِ الأسماء الحُسنىٰ الّذي لايقبل من أحد إلّا بمعرفتنا [قال فادعوه بها].

٨٤٨ ٣٦٤٠٨ (۹) **الاختصاص ۲۵۲:** قال الرضا عليه السلام إذا نزلت بكم شديدة فاستعينوا بنا علىٰ اللّه عزّ وجلّ وهو قوله ﴿**وَلِلَّهِ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا**﴾.

---

۱. اليّ ـ خ.

سلمان در پاسخ آن‌ها گفت: من دعا کرده‌ام و از خداوند چیزی خواسته‌ام که ارزشمندتر و سودمندتر و برتر است از پادشاهی تمام دنیا. از خداوند به وساطت آن‌ها [محمّد و آل محمّدﷺ] درخواست کرده‌ام که به من زبانی بخشد که به ذکر حمد و ثنای او مشغول باشد و دلی دهد که در قبال نعمت‌هایش سپاسگزار باشد و بدنی مرحمت کند که بر مصیبت‌های طاقت فرسا بردبار باشد و آن بزرگ پروردگار دعای مرا مستجاب فرموده و خواستهٔ مرا بـه مـن داده است و ایـن نـعمت‌ها از پادشاهی تمام دنیا و خوبی‌هایی که در بر دارد، صد هزار بار بهتر است.»

۸۴۶ (۷) امام حسن عسکریؑ در تفسیرش از پدران بزرگوارش و آن‌ها از پیامبرﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «خداوند پاک می‌فرماید: ای بندگان من! اگر کسی حاجتی داشته باشد که به دست شما انجام می‌گیرد، آنگاه یک شخصی را که شما او را دوست دارید واسطه قرار می‌دهد، شما به درخواست او پاسخ مثبت می‌دهید. آگاه باشید و بدانـید کـه مـحبوب‌ترین بـندگان پـیش مـن و گرامی‌ترین آن‌ها نزد من، محمّد و علی دوست و ولیّ من است.

پس هر کس حاجتی دارد، به آن‌ها متوسّل شود، چون من دعای او را ردّ نخواهم کرد. چگونه من دعای کسی را که به دوست، برگزیده، ولیّ، حجّت، روح، نور، آیت، در، رحمت، چهره و نعمت من از من درخواست کرده، رد کنم با اینکه من آن‌ها را از نور عظمت خود آفریده‌ام و آن‌ها را صاحب کرامت و ولایت خود قرار داده‌ام. پس هر کسی که حق و مرتبهٔ آن‌ها را می‌شناسد، به وسیلهٔ آن‌ها از مـن چیزی بخواهد، اجابت او را بر خود واجب دانم و این را یک حقّی بر [گردن] خود ثابت می‌دانم.»

۸۴۷ (۸) محمد بن ابی زید رازی با یک واسطه از امام رضاؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه به شدّت گرفتار شدید در درگاه الهی از ما کمک بگیرید و این دستور خود خداوند است که فرموده: «**نیکوترین نام‌ها از آنِ خداوند است پس او را با آن نام‌ها بخوانید.**»

راوی گوید: آنگاه حضرت صادقؑ فرمود: بـه خـدا سـوگند کـه نـیکوترین نـام‌ها مـا هستیم، خداوندی که از احدی [عملی] نپذیرد مگر به معرفت ما و فرموده: پس او را با وسیله قرار دادن آن‌ها بخوانید.»

۸۴۸ (۹) شیخ مفید در کتاب الاختصاص از امام رضاؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هـر گـاه بلای سختی بر شما نازل شد بر خداوند بزرگ از ما کمک بخواهید و این، گفتهٔ خود خداوند است که فرموده: «**و نام‌های نیکوتر از آن خداوند است پس او را با آن‌ها بخوانید.**»

۸۴۹ ۲٦٤١ (۱۰) **امالي الشيخ** ۱۷۲: قال أخبرنا أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن بن علي الطوسي قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي ﷺ قال أخبرنا محمد بن محمد قال أخبرنا القاضي أبوبكر محمد بن عمر عن أبي العبّاس أحمد بن محمّد عن يحيىٰ بن زكريّا بن شيبان عن الحسين بن سفيان قال حدّثني أبي قال حدّثنا محمد بن المشمعلّ قال حدّثنا **أبوحمزة الثّمالي** عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين ﷺ قال من دعا اللّه بنا أفلح ومن دعاه بغيرنا واستهلك.

۸۵۰ ۳٦٤١١ (۱۱) **الاحتجاج** ۵۹: قال أبو محمد العسكري ﷺ لقدرامت الفجرة ليلة العقبة قتل رسول اللّه ﷺ علىٰ العقبة (إلى ان قال) ص ۶۳ ثم قال رسول اللّه ﷺ عصىٰ اللّه ابليس فهلك لمّا كان معصيته بالكبر علىٰ آدم وعصىٰ آدم بأكل الشجرة فسلم ولم يهلك لِما لم يقارن بمعصيته التكبّر علىٰ محمد وآله الطّيّبين وذلك ان اللّه تعالىٰ قال له يا آدم عصاني فيك ابليس وتكبّر عليك فهلك ولو تواضع لك بامري وعظّم عزّ جلالي لأفلح كلّ الفلاح كما افلحت وانت عصيتني بأكل الشجرة وعظّمتني بالتواضع لمحمّد وآل محمّد فتفلح كلّ الفلاح وتزول عنك وصمة الزّلّة فادعني بمحمّد وآله الطّيّبين لذلك فدعا بهم فافلح كلّ الفلاح لمّا تمسّك بعروتنا أهل البيت.

۸۵۱ ۳٦٤١۲ (۱۲) **المعاني** ۱۲۵: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّل قال حدّثني محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن العبّاس بن معروف عن **بكر** بن محمّد قال حدّثني أبو سعيد المدائني يرفعه في قول اللّه عزّ وجلّ ﴿فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ﴾ قال سأله بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين ﷺ.

۸۵۲ ۳٦٤١۳ (۱۳) **مستدرك** ۲۳۷/۵: **القطب الراوندي** في قصص الانبياء باسناده إلى الصدوق عن أبيه عن سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد عن الحسين بن علي الخزّار عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال آدم ﷺ ياربّ بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين إلاّ تُبت عليّ فأوحىٰ اللّه إليه يا آدم وما علمك بمحمّد فقال حين خلقتني رفعت رأسي فرأيت في العرش مكتوباً محمّد رسول اللّه عليّ أمير المؤمنين ورواه ـ السيّد علي بن طاووس في كتاب كشف اليقين عن كتاب عليّ بن محمّد القزويني عن التلعكبريّ عن محمد بن سهل عن الحميري رفعه قال (وذكر مثله).

۸۴۹ (۱۰) ابوحمزه ثمالی از امام محمّد بن علی بن حسین‌ﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس خدا را به وسیلهٔ ما بخواند، رستگار شود و کسی که او را به غیر ما بخواند هلاک گردد.»

۸۵۰ (۱۱) در کتاب الاحتجاج روایتی از امام حسن عسکری‌ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «فاجران تبهکار تصمیم گرفتند که در لیلة العقبه پیامبرﷺ را در «عقبه» به قتل برسانند» (یا اینکه فرمود:) سپس پیامبر خداﷺ فرمود: «شیطان از فرمان خدا سر پیچید و بر آدم، تکبّر ورزید در نتیجه هلاک شد و آدم نیز با خوردن از شجرهٔ [ممنوعه] از فرمان حق، سرپیچی کرد ولی سالم ماند و هلاک نشد چون بر محمّد و خاندان پاکش تکبّر نورزید.

توضیح اینکه خداوند متعال به حضرت آدم فرمود: ای آدم! شیطان در رابطه با تو، فرمان مرا سرپیچی کرد و بر تو تکبّر ورزید و خود را بزرگتر از تو دید در نتیجه هلاک شد و اگر به خاطر فرمان من برای تو فروتنی کرده بود و عزّت و جلالت مرا حرمت می‌نهاد، به طور کامل رستگار شده بود و تو نیز از فرمان من با خوردن از درخت معهود سرپیچی کردی ولی با فروتنی برای محمّد و خاندان پاکش به من احترام گذاشتی. پس به طور کامل رستگار شدی و ننگ لغزش [و عصیان] از تو پاک شد.

پس به حق محمّد و خاندان پاکش مرا بخوان. حضرت آدم هم به همین خاطر خدا را به وسیلهٔ آن‌ها خواند و در نتیجه به کمال رستگاری نائل آمد زیرا به طناب محکم ما خاندان پیامبرﷺ چنگ زد.»

۸۵۱ (۱۲) ابوسعید مدائنی با واسطه از امام معصوم‌ﷺ روایتی نقل کرده که حضرت در ذیل آیهٔ شریفهٔ فرموده: «**این کلماتی که حضرت آدم از خداوند متعال، تلقّی فرموده این بوده**» از خداوند به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین، درخواست کرده است.»

۸۵۲ (۱۳) عبدالله بن سنان از حضرت صادق‌ﷺ روایت کرده که فرمود: «آدم گفت: ای پروردگار! به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین از تو می‌خواهم که با رحمتت به من بازگردی [و توبهٔ مرا بپذیری] پس خداوند به او وحی کرد: ای آدم! تو از کجا محمّد را می‌شناسی؟

گفت: وقتی مرا آفریدی سرم را بالا کردم دیدم در عرش نوشته شده: «محمدٌ رسول الله، علی امیرالمؤمنین»

مرحوم ابن طاووس نیز همین روایت را در کشف الیقین آورده است.

۸۵۳ (۱۴) **معاني** ۱۲۶: حدّثنا علي بن أحمد بن محمّد بن عمران الدقّاق رحمه الله قال حدّثنا ۲٦٤١٤
حمزة بن القاسم العلويّ العبّاسي الخصال ۳۰۴: حدّثنا علي بن أحمد بن موسىٰ رحمه الله قال حدّثنا حمزة بن القاسم العلوي العبّاسي قال حدّثنا جعفر بن محمد بن مالك الكوفي الفزاري قال حدّثنا محمد بن الحسين بن زيد الزيّات قال حدّثنا محمد بن زياد الأزديّ عن **المفضّل** بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال سألته عن قول اللّه عزّ وجلّ ﴿وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَـٰتٍ﴾ فما هذه الكلمات قال هي الكلمات التّي تلقّاها آدم عليه السلام من ربّه فتاب عليه وهو انّه قال ياربّ اسألك بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين الّا تُبت عليّ فتاب اللّه عليه انّه هو التّوّاب الرّحيم الخبر مجمع البيان ۲۰۰: روي الشيخ أبوجعفر بن بابوية رحمه الله في كتاب النبوة باسناده مرفوعاً إلى المفضّل بن عمر عن الصادق عليه السلام قال سألته (وذكر مثله).

۸۵٤ (۱۵) **المعاني** ۱۲۵: **امالي الصدوق** ۷۰: **الخصال** ۲۷۰: حدّثنا (أبوالحسن ـ خصال) ۲٦٤١٥
علي بن الفضل بن العبّاس البغدادي قال قرأت علىٰ أحمد بن محمد بن سليمان بن الحارث قلت حدّثكم[1] محمد بن علي بن خلف العطّار قال حدّثنا حسين الأشقر قال حدّثنا عمرو بن أبي المقدام عن أبيه عن سعيد بن جبير عن ابن عبّاس قال سألت النبي صلى الله عليه وآله عن الكلمات التّي تلقّاها[2] آدم مِنْ ربِّه فَتابَ عَليهِ قال سأله بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام إلّا تُبْتَ عليَّ فتاب (اللّه ـ معاني) عليه.

۸۵۵ (۱٦) **مستدرك** ۵/ ۲۳۱: **السيّد علي بن طاووس** في كتاب كشف اليقين من كتاب مولد ۲٦٤١٦
فاطمة عليها السلام لابن بابويه عن ابن عبّاس قال سألت النبي صلى الله عليه وآله (وذكر مثل ما في امالي الصدوق).

۸۵٦ (۱۷) **تفسير الفرات** ۱۳: فرات ـ قال حدّثنا محمد بن القاسم بن عبيد قال حدّثنا الحسن بن ۲٦٤١٧
جعفر قال حدّثنا الحسين بن سوار قال حدّثنا محمد بن عبداللّه قال حدّثنا شجاع بن الوليد أبي بدر السكوني قال حدّثنا سليمان بن مهران الاعمش عن أبي صالح عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لما نزلت الخطيئة بآدم واخرج من الجنّة اتاه جبرئيل فقال يا آدم ادع ربّك قال حبيبي جبرئيل ما ادع[3] قال قل ربّ اسألك بحقّ الخمسة الذين تخرجهم من صلبي آخر الزمان إلّا تبتّ عليّ ورحمتني فقال له آدم يا جبرئيل سمّهم لي.

---

۱. قال حدّثنا ـ معاني ـ في بعض النسخ [قلت حدّثكم]. ۲. تلقّیٰ ـ امالي.
۳. بما ادعو ـ ك.

۸۵۳ (۱۴) مفضّل بن عمر از امام جعفر صادق‌؛ روایت کرده گفت: «از آن حضرت دربارهٔ فرمودهٔ خداوند: «به یاد آر زمانی را که پروردگار ابراهیم او را به وسیلهٔ چند کلمه آزمود» پرسیدم که این کلمات چه بود؟

حضرت فرمود: این‌ها همان کلماتی است که آدم از پروردگارش اخذ کرد و به واسطهٔ آن‌ها خداوند با رحمتش به آدم برگشت و توبهٔ او را پذیرفت و آن کلمات از این قرار است که آدم گفت: ای پروردگار! به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین از تو می‌خواهم که بر من توبه کنی و به رحمتت به سوی من باز گردی و خداوند هم با رحمتش به سوی او بازگشت و توبهٔ او را پذیرفت و به راستی که او بسیار توبه‌پذیر مهربان است.»

۸۵۴ (۱۵) ابن عبّاس گوید: «از پیامبر دربارهٔ آن کلماتی که حضرت آدم از پروردگارش فرا گرفت و در نتیجه توبهٔ او را پذیرفت، پرسیدم.

حضرت فرمود: از خداوند خواست که به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین که به من رحمتت را باز گردان پس خداوند هم رحمتش را به او برگرداند.»

۸۵۵ (۱۶) ابن طاووس نیز این روایت قبلی را در کتاب کشف الیقین ذکر کرده است.

۸۵۶ (۱۷) ابن عبّاس از پیامبر خدا روایت کرده که آن حضرت فرمود: «وقتی خطا، دامنگیر آدم شد و از بهشت اخراج گشت، جبرئیل به سراغ او آمد و گفت: ای آدم! پروردگارت را بخوان.

آدم گفت: چه بگویم؟

گفت: بگو: پروردگارا! از تو می‌خواهم به حق آن پنج تنی که از صلب من در آخر الزمان خارج خواهی کرد که به من باز گرد و مرا مشمول رحمت خود گردان.

پس حضرت آدم گفت: ای جبرئیل! آنان را برایم نام ببر.

گفت: بگو: خداوندا! به حق محمّد پیامبرت و علی جانشین پیامبرت و به حقّ حسن و حسین دو نوادهٔ پیامبرت و به حق فاطمه دختر پیامبرت از تو می‌خواهم که مرا ببخشی و به من رحم کنی.

قال قل اللهمّ بحقّ محمّد نبيّك وعليّ وصيّ نبيّك وبحقّ الحسن والحسين سبطي نبيّك وبحقّ فاطمة ابنة نبيّك الّا تبتّ عليّ ورحمتنى فدعا بهنّ آدم فتاب اللّه جلّ ذكره عليه وذلك قوله ﴿فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَـٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ﴾ وما من عبد مكروب يخلص النيّة ويدعو بهن الّا استجاب له اللّه.

۸۵۷ (۱۸) **مستدرك ۵/ ۲۳۱**: الشيخ شاذان بن جبرئيل القمي في كتاب الفضائل وفي كتاب الروضة باسناده إلى **ابن مسعود** قال قال رسول اللّهﷺ لما خلق اللّه آدم فسأل ربّه ان يريه ذرّيّته من الأنبياء والأوصياء المقرّبين إلى اللّه عزّ وجلّ فانزل اللّه عليه صحيفته فقرأها كما علّمه اللّه تعالىٰ إلى ان انتهىٰ إلى محمّد النبيّ العربيّ عليه وآله افضل الصّلاة فوجد عند اسمه اسم عليّ بن أبي طالب ؑ فقال آدم هذا نبيّ بعد محمّدﷺ فهتف إليه هاتف يسمع صوته ولا يرىٰ شخصه يقول هذا وارث علمه وزوج ابنته ووصيّة وأبو ذرّيّته فلمّا وقع آدم في الخطيئة جعل يتوسّل إلى اللّه تعالىٰ بهم فتاب اللّه عليه.

۳۶۴۱۸

۸۵۸ (۱۹) **امالي الصدوق ۱۸۱**: حدّثنا محمد بن علي ما جيلويه قال حدّثني عمّي محمد بن القاسم عن أحمد بن هلال عن الفضل بن دكين عن **معمّر** بن راشد قال سمعت اباعبداللّه الصادق ؑ يقول اتىٰ يهوديّ النبيّﷺ فقام بين يديه يحدّ النظر إليه فقال يا يهوديّ ما حاجتك قال أنت أفضل أم موسىٰ بن عمران النبيّ الذي كلّمه اللّه وانزل عليه التّوراة والعصا وفلق له البحر واظلّه بالغمام فقال له النبيﷺ انّه يكره للعبد ان يزكّي نفسه ولكنّي اقول انّ آدم ؑ لما اصاب الخطيئة كانت توبته ان قال اللّهمّ انّي اسألك بحقّ محمّد وآل محمد لمّا غفرت لي فغفرها اللّه له وانّ نوحاً لمّا ركب السفينة وخاف الغرق قال اللهمّ انّي اسألك بحقّ محمّد وآل محمّد لمّا انجيتني من الغرق فنجّاه اللّه عنه وانّ إبراهيم ؑ لمّا أُلقي في النّار قال اللهمّ انّي اسألك بحقّ محمّد وآل محمد لمّا انجيتني منها فجعلها عليه برداً وسلاماً وانّ موسىٰ ؑ لمّا ألقىٰ عصاه واوجس في نفسه خيفة قال اللهمّ انّي اسألك بحقّ محمّد وآل محمّد لمّا آمنتني فقال اللّه جلّ جلاله لا تخف انّك أنت الأعلىٰ يا يهوديّ انّ موسىٰ لو ادركني ثمّ لم يؤمن بي وبنبوتي ما نفعه ايمانه شيئاً ولا نفعته النبوّة يا يهوديّ ومن ذرّيّتي المهديّ اذا خرج نزل عيسىٰ بن مريم لنصرته فقدّمه وصلّىٰ خلفه.

۳۶۴۱۹

پس حضرت آدم خداوند را با این کلمات خواند خداوند بزرگ یاد او را بخشید و همین است تفسیر آیـهٔ شریفهٔ **«فَتَلَقّی آدمُ من ربّه کلماتٍ فَتابَ علیه»**

و هیچ بندهٔ گرفتار غصه داری با نیّت خالص با این کلمات، دعا نمی‌کند مگر اینکه خداوند، دعـای او را مستجاب گرداند [و گرفتاری و غصّه را از او رفع نماید.]»

۸۵۷ (۱۸) ابن مسعود از پیامبر خداﷺ روایت کرده که حضرت فـرمود: «چـون خـداونـد آدم را آفـرید، آدم از پروردگارش خواست که پیامبران و جانشینان پیامبر را که مقرّب درگاه الهی هستند که از نسل او به دنیا خواهند آمد، به او نشان دهد.

پس خداوند صحیفهٔ خود را بر او نازل فرمود. آدم همانگونه که خداوند متعال به او یاد داد، آن را خواند تا اینکه رسید به محمّد پیامبر عربی که بر او و خاندانش برترین درود باد، پس در کنار نام او نام علی بن ابی طالبﷺ را مشاهده کرد. پس گفت: این شخص، بعد از محمّدﷺ پیامبر است. پس صدای هاتفی که صدایش را می‌شنید و خودش را نمی‌دید، به گوشش رسید که گفت: این، وارث دانش پیامبر و همسر دخترش و جانشینش و پدر فرزندان اوست و چون حضرت آدم به خطا افتاد به همین‌ها به نزد خداوند متعال متوسّل شد پس خداوند هم او را بخشید.»

۸۵۸ (۱۹) معمّر بن راشد گوید: «از حضرت صادقﷺ شنیدم که فرمود: یک یهودی خدمت پیامبرﷺ رسید و در جلوی حضرت ایستاده و به او خیره شده بود.

حضرت فرمود: ای یهودی! چه کار داری؟

گفت: آیا تو برتری یا موسی بن عمران پیامبری که خداوند با او حرف می‌زد و تورات را بر او نازل کرد و معجزهٔ عصا به او داد و دریا را با او شکافت و ابر بر سر او سایه می‌افکند؟

پیامبرﷺ فرمود: خوب نیست انسان از خود تعریف و تمجید نماید ولی می‌گویم که حضرت آدمﷺ وقتی به خطا افتاد، توبه‌اش این بود که گفت: خداوندا! از تو می‌خواهم به حقّ محمّد و آل محمّد که مرا بـبخشی خداوند هم خطایش را بخشید.

و حضرت نوح چون می‌خواست بر کشتی سوار شود و از غرق شدن می‌ترسید گفت: خداوندا! بـه حـق محمّد و آل محمّد از تو می‌خواهم که مرا از غرق شدن نجات دهی و خداوند هم او را از غرق شدن نجات داد.

و حضرت ابراهیمﷺ چون به آتش افکنده شد گفت: خداوندا! به حقّ محمّد و آل محمّد از تو می‌خواهم که مرا از آتش نجات دهی. پس خداوند آن را بر او سرد و سالم کرد.

و حضرت موسیﷺ چون عصایش را افکند و در درون خود احساس ترس کرد گفت: خداوندا! به حقّ محمّد و آل محمّد از تو می‌خواهم که مرا ایمن گردانی پس خداوند بزرگ مرتبه فرمود: نترس که تو بالاتر و پیروز این میدان خواهی بود. ای یهودی! اگر موسی زمان مرا درک می‌کرد و به من و پیامبری‌ام ایمان نمی‌آورد، ایمانش و پیامبری‌اش، سودی برایش نداشت. ای یهودی! مهدی از فرزندان من است هر گاه ظاهر شود عیسی بن مریم برای یاری او فرود آید و حضرت مهدی را به عنوان امام جماعت جلو قرار دهد و خود پشت سر او نماز بخواند.»

٨٥٩ ٣٦٤٢٠ (٢٠) **وسائل** ١٠٣/٧: سعيد بن هبة اللّه الراوندي في (قصص الانبياء) بسنده عن ابن بابويه عن محمد بن بكر ان النقّاش[١] عن أحمد بن محمّد بن سعيد الكوفي عن **عليّ** بن الحسن بن فضّال عن أبيه عن الرّضاﷺ قال لمّا اشرف نوح علىٰ الغرق دعا اللّه بحقّنا فدفع اللّه عنه الغرق ولمّا رُمِيَ إبراهيم في النّار دعا اللّه بحقّنا فجعل اللّه النار برداً وسلاماً وانّ موسىٰ لمّا ضرب طريقاً في البحر دعا اللّه بحقّنا فجعل يبساً وان عيسىٰ لمّا اراد اليهود قتله دعا اللّه بحقّنا فنجي من القتل فرفعه إليه.

٨٦٠ ٣٦٤٢١ (٢١) **امالى الصدوق** ٢٠٤: حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق قال أخبرنا أحمد بن محمد الكوفي الهمداني البزّاز قال أخبرنا المنذر بن محمد قال حدّثنا جعفر بن سليمان عن عبداللّه بن الفضل عن ابان بن عثمان الاحمر عن ابان بن تغلب عن سعيد بن جبير عن **ابن عباس** (في حديث قصّة يوسف ص ٢٠٨) فهبط جبرئيلﷺ علىٰ يعقوبﷺ فقال يا يعقوب الا أُعلّمكَ دعاء يردّ اللّه عليك به بصرك ويردّ عليك ابنيك قال بلىٰ قال قل ما قاله أبُوكَ آدم فتاب اللّه عليه وما قاله نوح فاستوت به سفينته علىٰ الجودي ونجىٰ من الغرق وما قاله أبوك إبراهيم خليل الرحمن حين القي في النّار فجعلها اللّه عليه برداً وسلاماً فقال يعقوب وما ذاك يا جبرئيل فقال قل يا ربّ أسألك بحقّ محمّد وعلي فاطمة والحسن والحسين ان تأتيني بيوسف وبنيا مين جميعاً وتردّ عليَّ عيني فما استتمّ يعقوبﷺ هذا الدّعاء حتّىٰ جاء البشير فالقىٰ قميص يوسف عليه فارتدّ بصيراً الخبر.

٨٦١ ٣٦٤٢٢ (٢٢) **تفسير العيّاشي** ١٧٨/٢: عن **شعيب العقرقوفي** عن أبي عبداللّهﷺ قال انّ يوسف اتاه جبرئيل فقال يا يوسف انّ ربّ العالمين يقرؤك السلام ويقول لك من جعلك أحسن خلقه قال فصاح ووضع خدّه علىٰ الأرض ثمّ قال أنت يا ربّ قال ثمّ قال له ويقول لك من حبّبك إلى ابيك دون اخوتك قال فصاح ووضع خدّه على الأرض ثمّ قال أنت يا ربّ قال ويقول لك من اخرجك من الجُبّ بعد ان طُرحت فيها وايقنت بالهلكة.

---

١. بكر بن النقّاش ــ خ.

۸۵۹ (۲۰) علی بن حسن بن فضّال از پدرش و او از امام رضا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «همین که حضرت نوح احساس کرد نزدیک است غرق شود، خداوند را به حقّ ما خواند و خداوند غرق شدن را از او دفع کرد و همین که ابراهیم به آتش افکنده شد خدا را به حقّ ما خواند پس خداوند، آتش را بر او سرد و سالم کرد و همین که موسی راهی در دریا گشود، خداوند را به حقّ ما خواند پس خداوند آن راه را برایش خشک کرد و چون یهودیان کمر به قتل عیسی بستند، او خدا را به حقّ ما خواند و خداوند هم او را از قتل نجات داد و او را به سوی خود بالا برد.»

۸۶۰ (۲۱) ابن عبّاس در حکایت داستان حضرت یوسف فرمود: «جبرئیل ﷺ به نزد یعقوب ﷺ فرود آمد و گفت: ای یعقوب! آیا دعایی به تو یاد دهم که خداوند به واسطهٔ آن دیده ات را به تو برگرداند و دو پسرت را به سوی تو باز گرداند؟ گفت: آری. گفت: بگو آنچه را که پدرت آدم گفت و خداوند او را بخشید و آنچه را که نوح گفت و کشتی‌اش بر ساحل نشست و از غرق شدن نجات یافت و آنچه را که پدرت ابراهیم دوست خداوند گفت آنگاه که در آتش افکنده شد، پس خداوند آتش را بر او سرد و سالم قرار داد.

پس یعقوب گفت: ای جبرئیل! آن دعا چیست؟

جبرئیل گفت: بگو: ای پروردگار! از تو می‌خواهم به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین که یوسف و بنیامین هر دو را به پیش من بیاوری و چشمم را به من باز گردانی.

هنوز یعقوب ﷺ این دعا را تمام نکرده بود که بشیر و مژده دهنده آمد و پیراهن یوسف را بر روی او افکند و او بینا شد تا آخر حدیث.»

۸۶۱ (۲۲) شعیب عقرقوفی از امام صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: «جبرئیل به نزد یوسف آمد و گفت: ای یوسف! پروردگار عالمیان تو را سلام می‌رساند و به تو می‌گوید: چه کسی تو را زیباترین آفریده‌هایش قرار داد؟

حضرت صادق ﷺ فرمود: یوسف فریادی کشید و گونه‌اش را بر زمین نهاد و گفت: تو ای پروردگار.

آنگاه جبرئیل گفت: و خداوند می‌فرماید: چه کسی تو را محبوب پدرت قرار داد نه دیگر برادرانت را؟

یوسف فریاد زد و صورت بر زمین نهاد و گفت: تو ای پروردگار.

جبرئیل گفت: و می‌گوید: چه کسی تو را از چاهی که افکنده شده بودی و یقین به مرگ خود کرده بودی نجات داد؟

قال فصاح ووضع خدّه علىٰ الأرض ثمّ قال انت يا ربّ.

قال فانّ ربّك قد جعل لك عقوبة في استغاثتك بغيره فالبث في السجن بضع سنين.

قال فلمّا انقضت المدّة اذن له في دعاء الفرج ووضع خدّه علىٰ الأرض.

ثمّ قال اللّهمّ ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك فانّي اتوجّه اليك بوجه آبائي الصالحين إبراهيم وإسماعيل وإسحاق ويعقوب.

قال ففرّج اللّه عنه.

قال فقلت له جعلت فداك اندعو نحن بهذا الدعاء؟

فقال ادع بمثله اللّهمّ ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك فانّي اتوجّه اليك بوجه نبيّك نبيّ الرّحمة صلى الله عليه وآله وعليّ وفاطمة والحسن والحسين والأئمّة عليهم السلام.

۸۶۲ (۲۳) **مستدرك ۵/ ۲۳۰**: الشيخ **شاذان** بن جبرئيل القمي في كتاب الفضائل عن الامام
۳۶۴۲۳ جعفر الصّادق انّه كان جالساً في الحرم في مقام إبراهيم فجاء رجل شيخ كبير قد فنىٰ عمره في المعصية فنظر إلى الصادق عليه السلام فقال نعم الشفيع إلى اللّه للمذنبين فاخذ باستار الكعبة وانشأ يقول:

بحقّ جلالك[۱] ياوليّي — بحقّ الهاشمي الأبطحيّ
بحقّ الذّكر اذ يوحىٰ إليه — بحقّ وصيّه البطل الكميّ
بحقّ الطاهرين ابنى علي — وأُمّهما ابنة البرّ الزّكيّ
بحقّ أئمّة سلفوا جميعاً — علىٰ منهاج جدهم النبيّ
بحقّ القائم المهدي إلّا — غفرت خطيئة العبد المسيئ

قال فسمع هاتفاً يا شيخ كان ذنبك عظيماً ولكن غفرنا لك جميع ذنوبك بحرمة شفعائك فلو سألتنا ذنوب أهل الأرض لغفرنا لهم غير عاقر النّاقة وقتلة الأنبياء والأئمّة الطاهرين عليهم السلام.

---

۱. جلاء وجهك في المصدر.

یوسف با صدای بلند در حالی که گونه‌اش را بر زمین نهاد گفت: تو ای پروردگار.

جبرئیل گفت: به خاطر اینکه از غیر خدا کمک خواستی خداوند برایت کیفری قرار داد. پس چند سالی [کمتر از ده سال] در زندان بمان.

حضرت صادقعليه السلام فرمود: پس چون آن مدّت سپری گشت، به او اجازهٔ خواندن دعای فرج داده شد. و گونه‌اش را بر زمین نهاد و گفت: خداوندا! اگر گناهانم روی مرا پیش تو بی‌اعتبار کرده، من با روی پدران شایسته‌ام ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب به تو رو می‌کنم.

امام ششمعليه السلام فرمود: پس خداوند گره از کارش گشود و او را از زندان خلاص کرد.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! آیا ما هم همین دعا را بخوانیم؟

حضرت فرمود: همانند او را بگوی، بگو: خداوندا! اگر گناهانم روی مرا در پیش تو بی‌اعتبار و بی‌آبرو کرده پس من با روی پیامبرت پیامبر رحمتﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه﷈ به تو روی می‌کنم.»

۸۶۲ (۲۳) شیخ شاذان بن جبرئیل قمی در کتاب فضائل از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که: «آن حضرت در حرم [مسجد الحرام] در مقام ابراهیم نشسته بود. پس مردی که خیلی پیر بود و عمر خود را در گناه و معصیت گذرانده بود، آمد. یک نگاهی به امام صادقعليه السلام کرد و گفت: این شخص، شفیع خوبی برای گنهکاران در پیش‌گاه الهی است پس پردهٔ کعبه را گرفت و این اشعار را سرود:

به حقّ بزرگی‌ات ای سرپرست من	به حقّ پیامبر هاشمی مکّی
به حقّ قرآنی که به او وحی می‌شد	به حق جانشینش همان پهلوان دلاور
به حقّ دو پسر پاک علیعليه السلام	و مادرشان دختر آن پیامبر نیکوکار وارسته
به حق امامانی که همگی	راه جدّشان پیامبر را پیمودند
به حق حضرت قائم، مهدی(عج)	که گناهان این بندهٔ گناهکار را بیامرزی

پس صدای هاتفی به گوشش رسید که می‌گفت: ای پیرمرد! گناهت بزرگ بود ولی ما به احترام کسانی که شفیع خود قرار دادی، تمام گناهانت را بخشیدیم و اگر برای گناهان همهٔ اهل زمین هم از ما می‌خواستی ما همهٔ آن‌ها را آمرزیده بودیم جز پی کنندهٔ ناقه [صالح] و کسانی که پیامبران و امامان پاک﷈ را به قتل رسانده‌اند.»

۸۶۳ (۲۴) **مستدرك** ۲۳۲/۵: **السيّد بن طاووس** في كتاب **كشف اليقين**: وروي عن جعفر بن
۲۶٤۲٤
محمّد عليهما السلام انّ امرأة من الجنّ يقال لها عفراء وكانت تنتاب النبيّ صلى الله عليه وآله فتسمع من كلامه فتأتي صالحي الجنّ فيسلمون علىٰ يديها وفقدها النبيّ صلى الله عليه وآله وسأل عنها جبرئيل.

فقال انّها زارت اختاً لها تحبّها في اللّه الىٰ ان ذكر انّها جاءت.

فقال لها يا عفراء ايّ شيء رأيت؟

قالت رأيت عجائب كثيرة.

قال فاعجب ما رايتِ.

قالت ابليس في البحر الاخضر علىٰ صخرة بيضاء ماداً يديه إلى السّماء وهو يقول إلهي إذا بررت قسمك وادخلتني نار جهنّم فاسألك بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام الاّ خلّصتني منها وحشرتني معهم.

فقلت أبا حارث ما هذه الأسماء الّتي تدعو بها؟

فقال رأيتها علىٰ ساق العرش من قبل ان يخلق اللّه عزّ وجلّ آدم بسبعة آلاف سنة فَعَلِمتُ أنّها أكرم الخلق علىٰ اللّه فأنا[۱] اسأله بحقّهم فقال النبي صلى الله عليه وآله واللّه لو أقسم أهل الأرض بهذه الاسماء لاجابهم اللّه تعالىٰ.

۸٦٤ (۲۵) **تفسير العسكري** عليه السلام ۲٦۱: ثمّ قال اللّه عزّ وجلّ ﴿وَإِذِ ٱسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ﴾ قال
۲٦٤۲٥
واذكروا يابني اسرائيل إذ استسقىٰ موسىٰ لقومه طلب لهم السقي لمّا لحقهم العطش في التّيه وضجّوا بالبكاء إلى موسى وقالوا هلكنا العطش.

فقال موسى اللّهمّ بحقّ محمّد سيّد الأنبياء وبحقّ عليّ سيّد الأوصياء وبحقّ فاطمة سيّدة النساء وبحق الحسن سيّد الأولياء وبحقّ الحسين سيّد الشهداء وبحقّ عترتهم وخلفائهم سادة الأزكياء لمّا سقيت عبادك هؤلاء.

---

۱. فإذن ـ خ.

۸۶۳ (۲۴) سیّد بن طاووس در کتاب کشف الیقین روایتی از امام صادق جعفر بن محمّدﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «زنی از اجنّه که نامش «عفراء» بود از پیامبرﷺ نیابت داشت و پیش پیامبرﷺ می‌آمد و سخن حضرت را می‌شنید سپس به سراغ اجنّهٔ صالح می‌رفت و آن‌ها به دست او اسلام می‌آوردند. مدّتی پیامبر او را ندید، دربارهٔ او از جبرئیل پرسید.

جبرئیل گفت: او یک خواهری دارد که به خاطر خدا او را دوست دارد (تا اینکه رسید به اینجا که) آن زن جنّی خدمت پیامبرﷺ آمد.

حضرت به او گفت: ای عفراء! [در این سفر] چه دیدی؟

گفت: امور شگفت‌انگیز زیادی دیدم. حضرت فرمود: شگفت انگیزترین چیزی که دیدی چه بود؟

گفت: شیطان را در دریای سبز بر روی تخته سنگ سفیدی دیدم که دو دست خویش به سوی آسمان دراز کرده بود و می‌گفت: ای معبود من! وقتی که به سوگندت جامهٔ عمل پوشاندی و مرا به آتش دوزخ افکندی پس من از تو به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسینﷺ می‌خواهم که مرا از آن رهایی بخشی و مرا با آن‌ها محشور کنی.

به شیطان گفتم: ای ابا حارث! این نام‌هایی که به حقّ آن‌ها دعا کردی چیست و از آنِ کیست؟

شیطان گفت: هفت هزار سال پیش از این که خداوند بزرگ، آدم را بیافریند این نام‌ها را بر ساق عرش دیدم و دانستم که این‌ها گرامی‌ترین آفریده‌ها نزد خدا هستند. به همین جهت من از خدا به حقّ این‌ها درخواست می‌کنم.

آن‌گاه پیامبرﷺ فرمود: به خدا قسم که اگر تمام مردم روی زمین خدا را به این نام‌ها قسم دهند، خداوند متعال دعای همهٔ آن‌ها را مستجاب گرداند.»

۸۶۴ (۲۵) در تفسیر امام حسن عسکریﷺ آمده: «سپس خداوند بزرگ فرمود: **«به یاد آر زمانی را که موسی برای قومش [از خداوند] طلب آب کرد.»** یعنی: ای بنی اسرائیل به یاد آورید زمانی را که موسی برای قومش طلب نوشیدن آب کرد در آن وقتی که در آن بیابان سخت تشنه شده بودند و به پیش موسی صدا به گریه بلند کرده بودند و می‌گفتند: ما از تشنگی مُردیم.

پس حضرت موسیﷺ فرمود: خداوندا! به حق محمّد سرور پیامبران و به حق علی سرور اوصیاء و به حق فاطمه سرور زنان و به حق حسن سیّد اولیاء و به حق حسین سرور شهیدان و به حقّ فرزندان و جانشینان این‌ها، سروران پاکان، از تو می‌خواهم که این بندگانت را سیراب کن.

فأوحىٰ اللّٰه تعالىٰ إليه ياموسىٰ ﴿اَضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ﴾ فضربه بها ﴿فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ﴾ كلّ قبيلة من بني أب من أولاد يعقوب ﴿مَشْرَبَهُمْ﴾ فلا يزاحم الآخرين في مشربهم.

۸٦٥ (۲۶) وفيه ۲۴۵: وذلك انّ موسىٰ ﷺ لمّا انتهىٰ إلى البحر اوحَى اللّٰه عزّ وجلّ إليه قل لبني
٢٦٤٣٦ اسرائيل جدّدوا توحيدي وأمرّوا (وافزوا ـ خ ل) بقلوبكم ذكر محمّد سيّد عبيدي وامـائي واعيدوا علىٰ انفسكم الولاية لعليّ اخي محمّد وآله الطّيّبين.

وقولوا اللهمّ بجاههم جوّزنا علىٰ متن هذا الماء فانّ الماء يتحوّل لكم ارضاً.

فقال لهم موسى ذلك.

فقالوا أتورد علينا ما نكره وهل فررنا من فرعون الّا من خوف الموت وأنت تقتحم بنا هذا الماء الغمر بهذه الكلمات وما يدرينا ما يحدث من هذه علينا.

فقال لموسىٰ كالب بن يوحنّا وهو علىٰ دابّة له وكان ذلك الخليج اربعة فراسخ يا نبيّ اللّٰه امرك اللّٰه بهذا ان نقوله وندخل الماء.

فقال نعم.

فقال وأنت تأمرني به.

قال بلىٰ [قال] فوقف وجدّد علىٰ نفسه من توحيد اللّٰه ونبوّة محمّد وولاية عليّ والطّيّبين من آلهما ﷺ ما أمره به.

ثمّ قال اللهمّ بجاههم جوّزني علىٰ متن هذا الماء ثم اقحم فرسه فركز علىٰ متن الماء وإذا الماء من تحته كأرض ليّنه حتّىٰ بلغ آخر الخليج.

ثمّ عاد راكضاً ثم قال لبني اسرائيل يا بني اسرائيل اطيعوا موسىٰ فـما هـذا الدعـاء الّا مفتاح أبواب الجنان ومغاليق أبواب النيران ومستنزل [1] الأرزاق وجالب عـلىٰ عـباد اللّـه وامائه رضاء [الرحمان] الميهمن الخلّاق فأَبوا.

---

۱. منزل ـ متنزل ـ خ.

پس خداوند متعال به او وحی کرد که: «ای موسی! با عصایت به سنگ بزن موسی با آن عصا به سنگ زد. آنگاه از آن سنگ دوازده چشمه جاری شد که هر مردمی یعنی هر قبیله‌ای که از نسل یک پدر بودند از اولاد یعقوب چشمه‌ای که باید از آن آب بیاشامند را می‌شناختند تا با دیگران تزاحمی پیدا نکنند.»

۸۶۵ (۲۶) در تفسیر امام حسن عسکری‌ علیه السلام است که: «وقتی حضرت موسی علیه السلام به خلیج رسید خداوند بزرگ به او وحی کرد که به بنی اسرائیل بگو: توحید مرا تازه کنید و بر دل‌های‌تان یاد و نام محمّد سرور بندگانم را خطور دهید و ولایت علی برادر محمّد و خاندان پاکش را بر خودتان تکرار کنید[1] و بگویید: خداوندا! به آبروی آنان ما را بر روی این آب، گذر بدِه، زیرا آب برای شما زمین می‌شود.

حضرت موسی پیام الهی را به بنی اسرائیل گفت.

آن‌ها گفتند: آیا می‌خواهی ما را به کاری وادار کنی که آن را دوست نداریم و مگر ما که از دست فرعون فرار کردیم جز به خاطر ترس از مرگ بود؟ و تو الآن می‌خواهی با همین چند کلمه، ما را به درون این دریای ژرف بفرستی و ما نمی‌دانیم که بعد از ورود به این دریا چه بر سر ما خواهد آمد. [در ضمن قابل ذکر است که مسافتی که باید از دریا می‌گذشتند، چهار فرسخ بود.]

کالب بن یوحنّا [یکی از اصحاب حضرت موسی علیه السلام] در حالی که بر مرکبی سوار بود گفت: ای پیامبر خدا! آیا خداوند به تو فرمان داده که ما همین کلمات را بگوییم و به آب بزنیم؟ حضرت موسی علیه السلام فرمود: آری.

او گفت: تو خودت هم همین فرمان را به من می‌دهی؟ گفت: آری پس آن شخص مختصری درنگ کرد و توحید الهی و پیامبری حضرت محمّد و ولایت علی و خاندان پاک آنان را پیش خود همان گونه که حضرت موسی علیه السلام او را دستور داده بود، تکرار و تجدید نمود و گفت: خداوندا! به آبروی آنان مرا به روی این آب، گذر ده.

سپس با همان اسبش به دریا زد و بر روی آب حرکت نمود و آب در زیر او مثل یک زمین نرم گشت تا اینکه به آن سوی دریا رسید. سپس دوباره برگشت و به بنی اسرائیل گفت: ای بنی اسرائیل! از موسی اطاعت کنید. این دعا، کلید درهای بهشت و قفل کنندهٔ درهای دوزخ و فرود آورندهٔ رزق و روزی و مایهٔ خشنودی خداوند توانا و آفریننده بندگان است.

---

۱. این سه دستور با گفتن «لا اله الّا الله، محمد رسول الله، علی ولیّ الله» تحقّق پیدا می‌کند. (مترجم).

وقالوا [نحن] لانسير الّا علىٰ الأرض فأوحى اللّه إلى موسىٰ اَن اضرِبْ بِعَصاكَ البَحرَ.

وقال اللّهمّ بجاه محمد وآله الطّيّبين لمّا فلقته فانفلق وظهرت الأرض إلى آخر الخليج.

فقال موسىٰ عليه السلام ادخلوها.

قالوا الأرض وَحِلةٌ نخاف ان نرسب فيها.

فقال اللّه يا موسىٰ قل اللّهمّ بجاه محمد وآله الطيبين جفّفها.

فقالها فارسل اللّه عليه ريح الصبا فجفّت.

وقال موسىٰ عليه السلام ادخلوها.

قالوا يا نبي اللّه نحن اثنتا عشرة قبيلة بنو اثنى عشر اباً وان دخلنا رأم كل فريق منّا تقدّم صاحبه[1] فلا نأمن وقوع الشر بيننا فلو كان لكلّ فريق منّا طريق على حِدَة لأمنّا ما نخافه.

فأمر اللّه موسىٰ ان يضرب البحر بعددهم اثنتي عشرة ضربة في اثني عشر موضعاً إلى جانب ذلك الموضع.

ويقول اللّهمّ بجاه محمّد وآله الطيبين بيّن الأرض لنا وامط الماء عنّا فصار فيه تمام اثنى عشر طريقاً وجفّ قرار الأرض بريح الصبا.

فقال ادخلوها.

فقالوا كلّ فريق منّا يدخل سكة من هذه السكك لا ندري ما يحدث على الآخرين.

فقال اللّه عزّ وجلّ فاضرب كلّ طود من الماء بين هذه السكك فضرب.

فقال اللّهمّ بجاه محمد وآله الطيّبين لمّا جعلت في هذا الماء طبقات[2] واسعة يرىٰ بعضهم بعضاً منها فحدث طبقات[3] واسعة يرىٰ بعضهم بعضاً الخبر.

---

۱. اثنى عشر أباً وأمّ وان دخلنا كلّ فريق منّا تقدّم صاحبه ـ وان دخلنا رام كلّ فريق تقدّم صاحبه ـ ک

۲. طيقان ـ خ جمع طاق.　　۳. طيقان ـ خ جمع طاق.

امّا بنی اسرائیل از پذیرش حرف‌های او امتناع ورزیدند و گفتند: ما فقط و فقط بر روی زمین، حرکت می‌کنیم.

پس خداوند به حضرت موسی وحی کرد که: با عصایت به دریا بزن.

موسی گفت: خداوندا! به آبروی محمّد و خاندان پاکش دریا را بشکاف.

پس دریا شکافته شد و زمین کف دریا تا آن سوی دریا نمایان گشت.

پس حضرت موسی‌ﷺ گفت: اینک وارد آن شوید.

آن‌ها گفتند: زمین، گِل است و ما ترس آن داریم که در آن فرو رویم.

پس خداوند فرمود: ای موسی! بگو: خداوندا به آبروی محمّد و خاندان پاکش آن را خشک نما.

حضرت موسی این کلمات راگفت، پس خداوند باد صبا را فرستاد و آن را خشک کرد.

موسی‌ﷺ گفت: اینک وارد شوید.

بنی اسرائیل گفتند: ای پیامبر خدا! ما دوازده قبیله هستیم از نسل دوازده پدر و اگر همگی به آن وارد شویم هر یک از ما می‌خواهد که بر دیگر قبایل سبقت گیرد و می‌ترسیم که میان ما درگیری به وجود آید پس اگر هر یک از ماها راه مستقلی داشته باشد، خوف درگیری از میان می‌رود.

پس خداوند به موسی دستور داد که به تعداد آن قبایل عصا به دریا زند دوازده عصا در جاهای مختلف دریا و در کنار یکدیگر و می‌گفت: خداوندا! به آبروی محمّد و خاندان پاکش، زمین را برای ما آشکار کن و آب را از ما زائل کن.

پس دوازده راه کامل باز شد و ته دریا با باد صبا خشک شد. آنگاه حضرت موسی‌ﷺ فرمود: اینک وارد شوید.

پس گفتند: هر گروهی از ما که به راهی از این راه‌ها درآید از آنچه بر سر دیگر گروه‌ها می‌آید بی‌خبر است.

پس خداوند بزرگ گفت: با عصایت به توده‌های آبی که میان این راه‌هاست بزن. موسی‌ﷺ چنین کرد و گفت: خداوندا! به آبروی محمّد و خاندان پاکش که میان این آب، دریچه‌هایی قرار ده که این‌ها همدیگر را از آن دریچه ببینند.

پس دریچه‌های بزرگی باز شد که همدیگر را می‌دیدند.»

۸۶۶ ۳۶۴۲۷ (۲۷) وفيه ۲۵۵: فملّا استحرّ[1] القتل فيهم وهم ستّمأة الف الّا اثني عشر الفاً الذين لم يعبدوا العجل.

وفّق اللّه بعضهم فقال لبعضهم والقتل لم يفض بعد اليهم.

فقال اَوَليس اللّه قد جعل التوسّل بمحمّد وآله الطّيّبين ﷺ أمراً لا يخيب معه طلبة ولا يرد به مسألة وهكذا توسّلت الانبياء والرّسل فمالنا لا نتوسّل [بهم].

قال فاجتمعوا وضجّوا يا ربّنا بجاه محمّد الأكرم وبجاه عليّ الأفضل وبجاه فاطمة الفضلىٰ[2] وبجاه الحسن والحسين سبطي سيّد النبيين وسيّدى) شباب أهل الجنّة أجمعين وبجاه الذرّيّة الطّيّبين الطاهرين من آل طهٰ ويسٓ لمّا غفرت لنا ذنوبنا وغفرت لنا هفواتنا وَاَزَلْتَ هذا القتل عنّا.

فذاك حين نودي موسىٰ من السّماء أنْ كفّ القتل فقد سألني بعضهم مسألة وأقسم عليّ قسماً لو اقسم به هؤلاء العابدون للعجل وسألوا العصمة لعصمتهم حتّى لايعبدوه ولو اقسم عليَّ بها ابليس لهديته ولو اقسم عليّ بها نمرود او فرعون لنجّيتهم فرفع عنهم القتل.

فجعلوا يقولون يا حسرتنا اين كنّا عن هذا الدعاء بمحمّد وآله الطّيّبين حتى كان اللّه يقينا شرّ الفتنة ويعصمنا بافضل العصمة.

۸۶۷ ۳۶۴۲۸ (۲۸) وفيه ۳۹۴ (**قال** ؈ فى قوله تعالى ﴿وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَـٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ﴾ الآية قال رسول اللّهﷺ) وكان اللّه أمر اليهود في ايّام موسىٰ وبعده إذا دهمهم أمر ودهتهم داهية ان يدعو اللّه عزّ وجلّ بمحمد وآله الطّيّبين وان يستنصروا بهم.

---

۱. استمرّ. ۲. ذات الفضل والعصمة ـ خ.

۸۶۶ (۲۷) و در همان تفسیر امام حسن عسکری‌ﷺ است که: «پس چون در میان بنی اسرائیل [پس از آن که گوساله پرست شدند به عنوان کیفر و کفّارهٔ این گناه از طرف الهی دستور رسید که بعضی از شما بعضی دیگر را باید بکشد] یکدیگر کشی به طول انجامید و تعداد آن‌ها ششصد هزار نفر بود به جز دوازده هزار نفر که گوساله‌پرست نشده بودند.

خداوند به قلب بعضی از آن‌ها که هنوز نوبت مقاتله به آن‌ها نرسیده بود، انداخت و به بقیّه گفت: خداوند توسّل به محمّد و خاندان پاکش را وسیله‌ای قرار داده که با آن، درخواستی قرین نـاامـیدی نگردد و دعایی ردّ نشود و پیامبران مرسل و نامرسل گذشته نیز به آن‌ها متوسّل شده‌اند چرا ما بـه آن‌ها توسّل نکنیم؟

پس همگی گرد هم جمع شدند و ناله کردند و گفتند: ای پـروردگار! مـا بـه آبـروی مـحمّد کـه گرامی‌ترین است و به آبروی علی که برترین است و فاطمه که با فضیلت‌ترین است و به آبروی حسن و حسین که دو فرزند سیّد پیامبران است و دو آقای همهٔ جوانان بهشت هستند و به آبروی فرزندان پاک و پاکیزه که آل طٰهٰ و یٰس هستند، گناهان ما را ببخش و از لغزش‌های ما، درگذر و این کُشت و کشتار را از میان ما بردار. در همین میان از آسمان به حضرت موسی ندا رسید که دست از کشـتن یکدیگر بردارند [و این عقاب به پایان رسید] زیرا بعضی از آن‌ها از من درخواستی کرد و مرا به یک گونه‌ای قسم داد که اگر همین‌ها که گوساله پرست شدند پیش از آن از من می‌خواستند که آن‌ها را از گوساله پرستی حفظ کنم، حفظ می‌کردم به گونه‌ای که گوساله نمی‌پرستیدند حتّی اگر شیطان به آن قسم مرا سوگند می‌داد، از هدایت او دریغ نمی‌ورزیدم و اگر نمرود یا فرعون مرا به آن قسم می‌دادند نجات‌شان می‌دادم.

پس به برکت توسّل به محمّد و آل محمّد، دستور قتل از میان آن‌ها برداشته شد. [چون از آن گرفتاری و عذاب سهمگین نجات یافتند] پیوسته می‌گفتند: ای وای واقعاً جای تأسّف است برای ما که از دعا و توسّل جستن به محمّد و خاندان پاکش غافل بودیم تا اینکه خداوند به وسیلهٔ آنان شرّ این فتنه و عذاب را از ما برداشت و ما را به بهترین وجه در پناه خود قرار داد.»

۸۶۷ (۲۸) و در تفسیر امام حسن عسکری‌ﷺ در ذیل آیهٔ شریفهٔ: «**و چون از نزد خداوند، کتابی برای آن‌ها آمد...**» چنین آمده است که: «پیامبر خداﷺ فرمود: خداوند در روزگار حضرت موسی و بعد از آن دستور داده بود یهودیان را که هر گاه بلایی به سراغ آنان آمد یا مصیبتی بر آن‌ها وارد شد دعا کنند و با توسّل به محمّد و آل محمّد خدایﷻ را بخوانند و از آنان کمک بخواهند.

وكانوا يفعلون ذلك حتى كانت اليهود من أهل المدينة قبل ظهور محمّد (النبيّ)ﷺ بسنين كثيرة يفعلون ذلك فَيُكفَونَ البلاء والدّهماء والدّاهية وكانت اليهود قبل ظهور محمّد النبيّﷺ بعشر سنين يعاديهم[1] اسد و غطفان قوم من المشركين ويقصدون اذا هم وكانوا يستدفعون شرورهم وبلائهم بسؤآلهم ربّهم بمحمّد وآله الطّيّبين حتّىٰ قصدهم في بعض الأوقات اسد وغطفان في ثلاثة آلاف فارس إلى بعض قرىٰ اليهود حوالي المدينة فتلقّاهم اليهود وهم ثلثمأة فارس ودعوا اللّه بمحمّد وآله الطّيّبين الطاهرين فهزموهم وقطّعوهم.

فقال اسد وغطفان بعضهما لبعض تعالوا نستعين عليهم بساير القبائل فاستعانوا عليهم بالقبائل واكثروا حتّى اجتمعوا قدر ثلاثين الفاً وقصدوا هؤلاء الثلثمأة في قريتهم فألجأوهم إلى بيوتهم وقطعوا عنها المياه الجارية التّي كانت تدخل إلى قراهم ومنعوا عنهم الطّعام واستأمن اليهود منهم فلم يؤمنوهم وقالوا لا إلّا ان نقتلكم ونسبيكم وننهبكم فقالت اليهود بعضها لبعض كيف نصنع.

فقال لهم اماثلهم وذوو الرأي منهم أَما أمر موسىٰؑ أسلافكم ومن بعدهم بالإستنصار بمحمّد وآله أما أمركم بالابتهال إلى اللّه عزّ وجلّ عند الشدائد بهمؑ قالوا بلىٰ قالوا فافعلوا فقالوا اللّهمّ بجاه محمّد وآله الطّيّبين لما سقيتنا فقد قطعت الظَلَمَة عنّا المياه حتى ضعف شبابنا وتماوتت[2] ولداننا وأشرفنا علىٰ الهلكة.

فبعث اللّه تعالىٰ وابلاً هطلاً سحّاً[3] أملأ حياضهم وآبارهم وأنهارهم وأوعيتهم وظروفهم فقالوا هذه إحدىٰ الحسنيين ثمّ أشرفوا من سطوحهم علىٰ العساكر المحيطة فإذا المطر قد آذاهم غاية الأذىٰ وأفسد[عليهم] أمتعتهم وأسلحتهم وأموالهم الخبر.

---

۱. يعادونهم ـ خ. ۲. تماوت: أظهر التخافت ـ تمادت ـ خ.

۳. سح الماء سحّاً صبّه صبّاً متتابعاً غريزاً.

و یهودیان چنین می‌کردند. حتّی یهودیان شهر مدینه پیش از بعثت حضرت محمّد ﷺ سال‌ها بود که همین کار را می‌کردند در نتیجه از بلا و گرفتاری و مصیبت، مصون مانده بودند.

و ده سال پیش از ظهور حضرت محمّد ﷺ عدّه‌ای از مشرکان از قبیلهٔ اسد و قبیلهٔ غطفان با یهودیان دشمنی می‌ورزیدند و گه‌گاه برای آزار آن‌ها، قصد آنان می‌کردند.

و یهودیان با توسّل به محمّد و خاندان پاکش از خداوند می‌خواستند که شرّ آن‌ها را از سرشان کم کند.

تا اینکه قبیلهٔ اسد و غطفان با سه هزار سواره نظام به بعضی از دهکده‌های یهودی‌نشین که در اطراف شهر مدینه بود حمله‌ور شدند و یهودیان که فقط سیصد نفر بودند، خدا را به حق محمّد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش خواندند. به برکت این توسّل مشرکان را شکست دادند و دست آن‌ها را کوتاه نمودند.

پس قبیلهٔ اسد و قبیلهٔ غطفان به یکدیگر گفتند: بیایید تا از دیگر قبایل برای درهم کوبیدن یهودیان کمک بگیریم و تعداد زیادی گرد آمدند تا اینکه به سی هزار نفر بالغ شدند و همگی به سوی دهکدهٔ آن سیصد نفر یهودی حمله کردند.

به ناچار آن‌ها به خانه‌های خود پناه بردند و مشرکان، آبی که به درون دهکده‌ها می‌رفت، بستند و از رسیدن غذا به آنان ممانعت کردند.

یهودیان از آن‌ها امان خواستند ولی به آن‌ها امان ندادند آن‌ها را به قتل و اسیر گرفتن و غارت اموال، تهدید کردند.

یهودیان به یکدیگر گفتند: چه کنیم؟

پس بزرگان و صاحبان رأی از آن‌ها گفتند: آیا حضرت موسی ﷺ پدران گذشته شما و دیگرانی که بعد از آن‌ها بودند را دستور نداده بود که از محمّد و آل او استمداد کنند؟

آیا فرمان نداده شما را که در هنگام سختی‌ها توسّط این‌ها به درگاه الهی زاری کنید؟

پاسخ گفتند: آری.

آنگاه آن‌ها گفتند: پس شما هم بیایید همین کار را بکنید.

پس گفتند: خداوندا! به آبروی محمّد و خاندان پاکش به ما آب برسان چرا که ستمگران آب را بر روی ما بسته‌اند به حدّی که جوانان ما توان خود را از دست داده‌اند و فرزندان ما از تشنگی مُردند و خود ما در شرف نابودی هستیم.

پس خداوند متعال ابر پرآب بارنده‌ای فرستاد که حوض‌ها، چاه‌ها، رودها و ظرف‌هایشان را پر از آب کرد.

پس گفتند: این، یکی از آن دو مطلوب نیکو. سپس بر بالای بام‌ها رفتند و لشگری را که آن‌ها را محاصره کرده بود نگاه کردند. پس دیدند که باران به شدّت آن‌ها را آزار رسانده و تمام سرمایه و اسلحه و اموالی که به همراه آورده بودند را فاسد کرده است.»

(۱۲)

باب ماورد في أنّ مَنْ قال في الدّعاء قبل تسمية الحاجة يا اللّه أو يا ربّ أو يا اللّه يا ربّ أو أي ربّ أو ربّنا أو ياسيّداه أو يا رحمن يا رحيم أو يا أرحم الرّاحمين استجيب له

۸٦۸ ٣٦٤٢٩ (۱) **كافي ۲/۵۱۹**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن أبيه عن **ايّوب** بن الحرّ اخي اديم عن أبي عبداللّه ﷺ قال من قال يااللّه يااللّه عشر مرّات قيل له لبّيك ماحاجتك.

۸٦۹ ٣٦٤٣٠ (۲) **المحاسن ۳۵**: البرقي عن ابن بنت الياس عن عبداللّه بن سنان عن **جعفر** بن مسلم قال اشتكىٰ بعض ولد أبي جعفر فمرّ عليه جعفر وهو شاك فقال له جعفر تقول يااللّه يااللّه فانّه لم يقلها أحد عشر مرّات الاّ قال له الربّ تبارك وتعالىٰ لبّيك.

۸۷۰ ٣٦٤٣١ (۳) **قرب الاسناد ۲**: هارون بن مسلم عن **مسعدة** بن صدقة قال وحدّثني جعفر قال اشتكىٰ بعض ولد أبي ﷺ فمرّ به فقال له قل عشر مرّات يا اللّه يااللّه يااللّه فانّه لم يقلها احد من المؤمنين قطّ إلاّ قال له الرّبّ تبارك وتعالىٰ لبّيك عبدي سل حاجتك.

۸۷۱ ٣٦٤٣٢ (۴) **وسائل ۷/۸۹**: علي بن موسىٰ بن طاووس في رسالة (محاسبة النفس) قال ومن آخر كتاب (مناسك الزيارات) للمفيد عن **حفص الأعور** عن أبي عبداللّه ﷺ قال اشتكىٰ عبداللّه إلى أبي جعفر الباقر ﷺ فقال له قل عشر مرّات يااللّه يااللّه فانّه لم يقلها عبد إلاّ قال له ربّه لبّيك.

۸۷۲ ٣٦٤٣٣ (۵) **وفيها ۷/۸۹**: قال ومن كتاب (المشيخة) للحسن بن محبوب قال اشتكىٰ بعض أصحاب أبي جعفر ﷺ فقال له قل يااللّه يااللّه عشر مرّات متتابعات فانّه لم يقلها مؤمن الاّ قال ربّه لبّيك عبدي سل حاجتك.

۸۷۳ ٢٦٤٣٤ (۶) **عدّة الدّاعي ۵۲**: روي الصادق ﷺ فيمن قال يااللّه يااللّه عشر مرّات قيل له لبّيك عبدي سل حاجتك تعط.

باب ۱۲

خواندن خدا به نام‌هایی که موجب استجابت دعا می‌شود

۸۶۸ (۱) ایوب بن حرّ از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس ده بار بگوید: یا الله یا الله، به او گفته می‌شود: بله بله حاجتت چیست؟»

۸۶۹ (۲) جعفر بن مسلم نقل کرد که: «یکی از فرزندان امام باقرؑ از گرفتاری یا بیماری خود شکایت می‌کرد که امام جعفر صادقؑ بر او گذشت در حالی که او هنوز مشغول بیان درد دل‌های خود بود. حضرت به او فرمود: بگو: یا الله یا الله چون هیچ کس ده بار یا الله یا الله نگوید مگر اینکه پروردگار خجستهٔ بلند پایه می‌فرماید: بله، بله.»

۸۷۰ (۳) مسعدة بن صدقه از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «یکی از فرزندان پدرم مریض شده بود، پدرم پیش او رفت و فرمود: ده بار بگو: یا الله یا الله، چون هیچ بنده‌ای آن را نگوید مگر اینکه پروردگار متعال به او گوید: بله، بله بندهٔ من حاجتت را بخواه.»

۸۷۱ (۴) حفص اعور از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «عبدالله پیش امام محمّد باقرؑ [از بیماری] شکایت کرد.

حضرت به او فرمود: ده بار بگو یا الله، یا الله زیرا هیچ بنده‌ای آن را نگوید مگر اینکه پروردگارش به او گوید: بله، بله.»

۸۷۲ (۵) حسن بن محجوب گوید: «یکی از اصحاب امام باقرؑ پیش حضرت اظهار دردمندی کرد، حضرت به او فرمود: ده بار پشت سر هم بگو: یا الله، یا الله چون هیچ مؤمنی آن را نگوید مگر اینکه پروردگارش گوید: بله، بله بندهٔ من حاجتت را بخواه.»

۸۷۳ (۶) در کتاب عدّة الداعی از حضرت صادقؑ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «کسی که ده بار بگوید: یا الله، یا الله به او گفته شود: بله، بله بندهٔ من حاجتت را بخواه، داده خواهی شد.»

۸۷٤ ۲٦٤۳٥ (۷) **وفيه**: وكذا روي فيمن قال ياربّاه ياربّاه عشراً ومثله ياربّ ياربّ ومثله ياسيّداه ياسيّداه.

۸۷٥ ۲٦٤۳٦ (۸) **وفيه** روي انّ من قال في سجوده يااللّه ياربّاه ياسيّداه ثلاثاً اجيب بمثل ذلك.

۸۷٦ ۲٦٤۳۷ (۹) **كافي** ۲/ ۵۲۰: (محمد بن يحيىٰ ـ معلّق) عن أحمد بن محمد وعلي بن إبراهيم عن أبيه جميعاً عن ابن أبي عمير عن **محمّد** بن حمران قال مرض إسماعيل ابن أبي عبداللّه عليه السلام فقال له أبو عبداللّه عليه السلام قل ياربّ ياربّ عشر مرّات فانّ من قال ذلك نودي لبّيك ما حاجتك.

۸۷۷ ۲٦٤۳۸ (۱۰) **كافي** ۲/ ۵۲۰: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمّد بن عيسىٰ عن محمد بن عيسىٰ عن **أيّوب** بن الحرّ اخي اديم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال عشر مرّات ياربّ ياربّ قيل له لبّيك ما حاجتك **وسائل** ۷/ ۸۹: عليّ بن موسىٰ بن طاووس في رسالة (محاسبة النفس) قال ومن كتاب محمد بن علي بن محبوب في كتاب الصلاة عن أحمد عن أبيه عن **ابن أبي عمير** عن اخي اديم عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله الاّ ان فيه قال له ربّه لبّيك سل حاجتك.

۸۷۸ ۲٦٤۳۹ (۱۱) **مستدرك** ۵/ ۲۲۰: **الشيخ أبوالفتوح** الرّازي في تفسيره عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا قال العبد ياربّ يقول اللّه تعالىٰ لبّيك وإذا قالها ثانياً وثالثاً قال اللّه تعالىٰ لبّيك عبدي سل تعط.

۸۷۹ ۲٦٤٤۰ (۱۲) **وفيه** ۵/ ۲۲۰: عنه صلى الله عليه وآله من رفع يديه إلى اللّه تعالىٰ ويقول متضرّعاً ياربّ ثلاث مرّات ملأ اللّه تعالىٰ يديه من الرحمة.

۸۸۰ ۲٦٤٤۱ (۱۳) **وفيه** ۵/ ۲۲۰: عن الصادق عليه السلام انّ رجلاً اتاه فقال يابن رسول اللّه أخبرني عن أعظم أسماء اللّه تعالىٰ وكان بين يديه حوض وكان يوماً بارداً فقال عليه السلام للرجل ادخل في هذا الحوض واغتسل حتّىٰ أخبرك به فدخل الرجل في الحوض واغتسل فبقي فيه ساعة فتألّم من البرد فقال ربّ أغثني فقال الصادق عليه السلام هذا ما سألت عنه فأنّ العبد إذا اضطرّ يدعو اللّه بهذا الأسم فيغيثه اللّه تعالىٰ.

۸۷۴ (۷) در همان کتاب عدّة الداعی ذکر کرده که روایت شده : «هر کس ده بار بگوید: یا ربّاه، یا ربّاه یا اینکه ده بار بگوید: یا ربّ، یا ربّ، یا ده بار بگوید: یا سیّداه، یا سیّداه، یا سیّداه [خداوند او را پاسخ دهد].»

۸۷۵ (۸) و در همان کتاب گفته: «روایت شده که: هر کس سه بار در سجده بگوید: یا الله، یا ربّاه، یا سیّداه به مانند آن پاسخ [که در یا الله ذکر شد] پاسخ داده شود.»

۸۷۶ (۹) محمد بن حمران روایت کرده که: «پسر امام صادق‌عليه‌السلام به نام عبدالله مریض شده بود. حضرت صادق‌عليه‌السلام به او فرمود: ده بار بگو: یا ربُ، یا ربّ زیرا هر کس آن را بگوید، پاسخ داده شود: بله، بله بندهٔ من حاجتت چیست؟»

۸۷۷ (۱۰) ایوب بن حرّ از امام صادق‌عليه‌السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس ده بار بگوید: یا ربّ، یا ربّ به او گفته شود: بله، بله حاجتت چیست؟»

۸۷۸ (۱۱) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه بنده بگوید: یا ربّ، خداوند متعال می‌فرماید: بله، بله و چون بار دوّم و سوّم آن را بگوید خداوند متعال گوید: بله، بله بندهٔ من درخواست کن، داده شوی.»

۸۷۹ (۱۲) در تفسیر ابوالفتوح رازی از پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله حدیثی نقل شده که فرمود: «هر کس دو دست خود را به سوی خداوند متعال بلند کند و با عجز و لابه سه بار بگوید: یا ربّ، خداوند متعال دو دست او را از رحمت خود پُر کند.»

۸۸۰ (۱۳) و در همان تفسیر از حضرت صادق‌عليه‌السلام روایتی ذکر شده که: «مردی به خدمت حضرت صادق‌عليه‌السلام رسید، عرض کرد: ای پسر رسول خدا! اسم اعظم خدا را به من یاد بده.

در آنجا حوض آبی بود و آن روز هم هوا سرد. حضرت به آن مرد گفت: میان این حوض برو و غسل کن تا خیر دهم تو را از اسم اعظم خداوند.

آن مرد به درون آب رفت و غسل کرد و مدّتی طول کشید که او در آب بود وقتی می‌خواست از آب خارج شود، حضرت به غلامان خود دستور داد که نگذارند او از آب بیرون آید.

پس به ناچار مدّتی در آب ماند به حدّی که از شدّت سرما در شکنجه بود. پس گفت: «ربِّ أغِثنی» [یعنی: پروردگارا! به فریادم برس] حضرت صادق‌عليه‌السلام فرمود: همین اسم اعظم خدا بود که به دنبال آن بودی.

پس بی‌گمان بنده چون به حال اضطرار رسد، خدای خود را به این نام می‌خواند، خداوند متعال هم به فریاد او رسد و او را کمک فرماید.»

۸۸۱ ۲٦٤٤۲ (۱۴) **وسائل ۸۹/۷: علي بن موسى** بن طاووس في رسالة (محاسبة النفس) قال ومن كتاب (**مناسك الزيارات**) للمفيد عن أبي جعفر عليه السلام قال كان أبي يلحّ في الدعاء يقول ياربّ ياربّ حتى ينقطع النفس ثمّ يعود.

۸۸۲ ۲٦٤٤۳ (۱۵)**المحاسن ۳۶**: البرقي عن محمد بن علي عن الحكم بن مسكين عن معاوية بن عمّار الدّهني عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال ياربّ ياربّ حتّىٰ ينقطع نفسه قيل له لبّيك ما حاجتك وروي من يقولها عشر مرّات قيل له لبّيك ما حاجتك.

۸۸۳ ۲٦٤٤٤ (۱۶)**فقيه ۲۱۹/۱**: وقال الصادق عليه السلام انّ العبد إذا سجد فقال ياربّ ياربّ حتّىٰ ينقطع نفسه قال له الرّبّ تبارك وتعالىٰ لبّيك ما حاجتك.

۸۸٤ ۲٦٤٤٥ (۱۷)**المحاسن ۳۵**: البرقي عن أبيه عن حمّاد وصفوان وابن المغيرة عن معاوية بن عمّار عن **أبى بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا قال العبد يااللّه ياربّي حتّىٰ ينقطع النفس قال له الرّبّ ماحاجتك.

۸۸٥ ۲٦٤٤٦ (۱۸) **وفي** رواية أبي بصير قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام قول اللّه عزوجلّ في كتابه ـ وحناناً من لدّنا ـ قال انّه كان يحيىٰ إذا دعا قال في دعائه ياربّ يااللّه ناداه اللّه من السّماء لبّيك يا يحيىٰ سل حاجتك.

۸۸٦ ۲٦٤٤٧ (۱۹)**كافي ۵۲۰/۲**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن محمد بن عيسىٰ عن معاوية عن **أبى بصير** عن أبي عبداللّه قال من قال ياربّ يااللّه[1] ياربّ يااللّه حتّىٰ ينقطع نفسه قيل له لبّيك ماحاجتك.

۸۸۷ ۲٦٤٤۸ (۲۰) **مستدرك ۲۱۹/۵: القطب الراوندي** في دعواته قال الصادق عليه السلام اشتكيت فمرّ بي أبي عليه السلام فقال قل عشر مرّات يااللّه فانّه لم يقلها عبد إلاّ قال لبّيك ومن قال ياربّي يااللّه حتّىٰ ينقطع النفس اجيب فقيل له لبّيك ماحاجتك ومن قال عشر مرّات ياربّ قيل له لبّيك ماحاجتك.

۸۸۸ ۲٦٤٤۹ (۲۱) **مستدرك ۲۱۹/۵: الشيخ أبوالفتوح** الرازي في تفسيره عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّه قال من قال يااللّه ياربّ سبع مرّات ثمّ سأل ماشاء استجيب له.

---

۱. ياربي اللّه ياربي اللّه ـ خ.

۸۸۱ (۱۴) ابن طاووس و شیخ مفید هر دو از امام باقر﵇ روایتی نقل کرده‌اند که حضرت فرمود: «پدرم در دعا اصرار می‌ورزید آنقدر یا ربّ، یا ربّ می‌گفت تا اینکه نَفَسش تمام می‌شد باز دوباره مـی‌گفت و همچنان آن را تکرار می‌کرد.»

۸۸۲ (۱۵) ابوبصیر از حضرت صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «هر کس بگوید: یا ربّ، یا ربّ تا اینکه نفسش قطع شود، به او گفته شود: بله، بله حاجتت چیست؟»

و روایت شده که: «هر کس آن را ده بار بگوید، به او گفته شود: بله، بله حاجتت چیست؟»

۸۸۳ (۱۶) در کتاب من لا یحضره فقیه روایتی از حضرت صادق﵇ نقل شده که حضرت فرمود: «بنده چون به سجده رود و بگوید: یا ربّ، یا ربّ تا اینکه نفسش قطع شود، پروردگار فرخنده و بلند مرتبه به او گوید: بله، بله حاجتت چیست؟

۸۸۴ (۱۷) ابوبصیر از حضرت صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «هر گاه بنده بگوید: یا الله، یا ربّی تـا اینکه نفسش قطع شود، پروردگار به او گوید: حاجتت چیست؟»

۸۸۵ (۱۸) ابوبصیر گوید: «از حضرت صادق﵇ از آیهٔ شریفهٔ «وحناناً من لدنّا» پرسیدم. حضرت فرمود: حضرت یحیی هر گاه دعا می‌کرد، در دعایش می‌گفت: یا ربّ، یا الله، خداوند از آسمان او را پـاسخ می‌فرمود: بله، بله ای یحیی حاجتت را بخواه.»

۸۸۶ (۱۹) ابوبصیر از حضرت صادق﵇ روایت کرده که فرمود: «هر کس بگوید: یا ربّ یا الله، یا ربّ یا الله تا اینکه نفسش قطع شود، به او گفته شود: بله، بله حاجتت چیست؟»

۸۸۷ (۲۰) قطب راوندی در کتاب دعوات روایتی از حضرت صادق﵇ نقل کرده که حضرت فرمود: «من مریض شدم. پدرم پیش من آمد و گفت: ده بار بگو: یا الله زیرا هیچ بنده‌ای آن را نگوید مگر اینکه خداوند گوید: بله، بله.

و هر کس بگوید: یا ربّی یا أللهُ، یا ربّی یا أللهُ [و آن را تکرار کند] تا اینکه نَفَسش قطع شود، جواب داده شود و به او گفته شود: حاجتت چیست؟

و هر کس ده بار بگوید: یا ربّ، یا ربّ به او گفته شود: بله، بله حاجتت چیست؟»

۸۸۸ (۲۱) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خدا﵌ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «بی‌گمان هر کس هفت بار بگوید: یا الله یا ربّ آنگاه هر چه می‌خواهد از خداونـد درخـواست کـند، خواسته‌اش برآورده شود.»

۸۸۹ ۲٦٤٥٠ (۲۲) **البحار** ۳۲۸/۸۰: **الاختيار** قال **أمير المؤمنين**ؑ لأبي ذرّ اذا نزل بك أمر عظيم في دين أو دنيا فتوضّأ وارفع يديك وقل ياالله سبع مرّات فانّه يستجاب لك.

۸۹۰ ۲٦٤٥۱ (۲۳) **المحاسن** ۳۵: البرقي عن محمد بن عليّ عن إسماعيل بن يسار عن منصور عن **أبي بصير** عن أبي عبدالله ؑ قال انّ الرّجل منكم ليقف عند ذكر الجنّة والنّار ثمّ يقول اي ربّ اي ربّ اي ربّ ثلاثاً فإذا قالها نودي من فوق رأسه سل ما حاجتك.

۸۹۱ ۲٦٤٥۲ (۲٤) **وسائل** ۸۹/۷: **علي بن موسىٰ** بن طاووس في رسالة (محاسبة النفس) قال ومن كتاب (مناسك الزيارات) للمفيد عن أبي عبدالله ؑ قال انّ العبد إذا قال اي ربّ ثلاثاً صيح به من فوقه لبّيك لبّيك سل تعطه.

۸۹۲ ۲٦٤٥۳ (۲۵) **مستدرك** ۲۱۹/۵: **الشيخ أبوالفتوح** الرازي في تفسيره عن رسول الله ﷺ من كان له إلى الله تعالىٰ حاجة فليقل خمس مرّات ربّنا يُعْطىٰ حاجته ومصداق ذلك في كلام الله في قوله تعالىٰ ربّنا ما خلقت هذا باطلاً إلى آخر الآيات فيها ربّنا خمس مرّات ثمّ قال تعالىٰ فاستجاب لهم ربّهم.

۸۹۳ ۲٦٤٥٤ (۲٦) **وسائل** ۸۸/۷: **علي بن موسىٰ** بن طاووس في رسالة (محاسبة النفس) نقلاً من كتاب فضل الدّعاء لمحمد بن الحسن الصفّار باسناده عن أبي عبدالله ؑ قال كان [أبي] إذا لجّت[۱] به الحاجة سجد من غير صلاة ولا ركوع ثمّ يقول ياأرحم الراحمين سبع مرّات ثمّ يسئل حاجته ثمّ قال ما قالها أحد سبع مرّات الّا قال اللّه تعالىٰ‌ها انا ارحم الراحمين سل حاجتك.

۸۹٤ ۲٦٤٥٥ (۲۷) **وفيه** ۸۸/۷: قال ومن الكتاب المذكور عن الصادق ؑ قال انّ للّه ملكاً يقال له إسماعيل ساكن في السّماء الدّنيا إذا قال العبد ياارحم الراحمين سبع مرّات قال إسماعيل قد سمع الله ارحم الراحمين سل حاجتك.

---

۱. ألحّت ـ خ.

۸۸۹ (۲۲) مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار[۱] روایتی از امیر مؤمنان علی‌ﷺ نقل کرده که آن حضرت به ابوذر گفت: «هر گاه برای تو حاجت بزرگی در دین یا دنیا پیش آمد، پس وضو بگیر و دو دستت را بلند کن و هفت بار بگو: یا الله، پس حتماً دعایت مستجاب گردد.»

۸۹۰ (۲۳) ابوبصیر از امام صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «هر یک از شما شیعیان در هنگام به یاد آوردن بهشت و دوزخ درنگ کند و سه بار بگوید: ای ربّ، ای ربّ، ای ربّ، از بالای سرش به او گفته شود: درخواست کن، حاجتت چیست؟»

۸۹۱ (۲۴) ابن طاووس در محاسبة النفس روایتی از حضرت صادقﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «بنده وقتی سه بار بگوید: ای ربّ، از بالای سرش به او گفته شود: بله بله، درخواست کن خواسته‌ات به تو داده شود.»

۸۹۲ (۲۵) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خداﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس را به سوی خدا حاجتی است پس پنج بار بگوید: ربّنا، حاجتش به او داده شود و مصداق آن در کلام الله قرآن کریم موجود است.

در آیهٔ شریفهٔ: «پروردگارا! تو این جهان را بیهوده نیافریده‌ای»[۲] تا سه آیهٔ بعد از آن که پنج «رَبّنا» در آن‌ها وجود دارد، بعد از آن خداوند می‌فرماید: «پس پروردگار آن‌ها دعای‌شان را مستجاب کرد.»

۸۹۳ (۲۶) شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه از امام صادقﷺ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «پدرم هر گاه دچار مشکلی می‌شد که او را رها نمی‌کرد در غیر نماز و رکوع، به سجده می‌افتاد و هفت بار می‌گفت: «یا ارحم الرّاحمین» سپس حاجت خود را درخواست می‌کرد.

آنگاه فرمود: هیچ کس این نام مبارک را هفت بار نگوید مگر اینکه خداوند متعال می‌فرماید: آری من ارحم الراحمین هستم، حاجتت را بخواه.»

۸۹۴ (۲۷) و در همان کتاب وسائل الشیعه روایتی از حضرت صادقﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «خداوند را فرشته‌ای است به نام اسماعیل که در آسمان دنیا سکونت دارد. وقتی بنده هفت بار بگوید یا ارحم الرّاحمین، اسماعیل گوید: خداوند ارحم الراحمین دعای تو را شنیده و مستجاب خواهد کرد. حاجتت را بخواه.»

---

۱. بحار، ج (۸۰)، ص ۳۲۸. ۲. آل عمران ۱۹۱/۳. رَبّنا ما خلقتَ هذا باطلاً.

۸۹۵ ٢٦٤٥٦ (٢٨) وفيه ٨٨/٧: قال ومنه عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال سمع النّبي صلى الله عليه وآله رجلاً يقول يا أرحم الراحمين فأخذ بمنكب الرّجل فقال هذا أرحم الراحمين قد استقبلك بوجهه سل حاجتك.

۸۹۶ ٢٦٤٥٧ (٢٩) **مستدرك ٢١٩/٥: القطب الراوندي** في دعواته مرّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله برجل يقول يا أرحم الراحمين فقال له سلّ فقد نظر اللّه اليك.

۸۹۷ ٢٦٤٥٨ (٣٠) **مستدرك ٢٢١/٥: السيّد علي بن طاووس** في كتاب المجتنىٰ نقلاً من كتاب المستغيثين دعاء رواه الليث بن سعد عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام استجيب له عليه السلام في الحال يااللّه يااللّه حتّىٰ انقطع نفسه يارحمن يارحمن يارحمن حتىٰ انقطع نفسه يا رحيم يارحيم حتىٰ انقطع نفسه يا ارحم الراحمين حتىٰ انقطع نفسه ثم سئل حاجته فحضرت في الحال.

وتقدّم في رواية حمّاد (٤٣) من باب (٢٥) فضل سجدتي الشكر من أبواب التعقيب قوله عليه السلام إذا قال العبد وهو ساجد يااللّه ياربّاه ياسيداه ثلاث مرّات اجابه تبارك وتعالىٰ لبّيك عبدي سل حاجتك (ولاحظ سائر أحاديث الباب).

(۱۳)

باب ماورد في انّه من كبّر اللّه تعالىٰ وحمّده و سبّحه وهلّله وصلّىٰ علىٰ النبيّ وآله مأة مأة وساله تزويج الحور العين زوّجه

ويأتي في رواية الحسين ابن خالد (٣٤) من باب (١) عدم انعقاد النكاح لغير رسول اللّه صلى الله عليه وآله إلّا بمهر من أبواب المهور قوله عليه السلام انّ اللّه أوجب علىٰ نفسه ان لا يكبّره مؤمن مأة تكبيرة ويسبّحه مأة تسبيحة ويحمده مأة تحميدة ويهلّله مأة تهليلة ويصلّي علىٰ محمد وآل محمد مأة مرّة ثمّ يقول اللّهمّ زوّجني من الحور العين إلّا زوّجه اللّه تعالىٰ حوراً.

۸۹۵ (۲۸) در همان کتاب از امام سجّادعليه السلام روایت شده که حضرت فرمود: «پیامبرﷺ صدای مردی را شنید که می‌گوید: یا ارحم الراحمین. پس دست بر روی شانهٔ آن مرد گذاشت و فرمود: این، ارحم الراحمین است که رو به تو کرده و از تو استقبال می‌کند، حاجتت را بخواه.»

۸۹۶ (۲۹) قطب راوندی در کتاب الدعوات آورده است که: «پیامبر خداﷺ به مردی گذشت و او «یا ارحم الرّاحمین» می‌گفت: پس حضرت به او فرمود: بخواه که هم اکنون نگاه خدا به تو است.»

۸۹۷ (۳۰) لیث بن سعد از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که: «حضرت دعایی کرد و فوراً دعای حضرت مستجاب گشت [و دعایش این بود که گفت:] یا الله، یا الله، یا الله [و آن را تکرار کرد] تا اینکه نفس قطع شد و به یک نفس گفت: یا رحمن، یا رحمن، یا رحمٰن تا نفسش تمام شد یا رحیم، یا رحیم، یا رحیم تا نفسش قطع شد، یا ارحم الراحمین تا اینکه نفسش قطع شد سپس حاجت خود را خواست و فوراً خواسته‌اش برآورده شد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت چهل و سوم از باب بیست و پنجم از باب‌های تعقیب فرموده امامعليه السلام که: «هر گاه بنده در حال سجده، سه بار بگوید: یا الله، یا ربّاه، یا سیّداه، خداوند تبارک و تعالی او را پاسخ دهد: بله، بله بندهٔ من حاجتت را بخواه.»

باب ۱۳

صلوات، مهریّهٔ حورالعین

ارجاعات

می‌آید:

در روایت سی و چهارم از باب یکم از باب‌های مهرها فرموده امامعليه السلام که: «خداوند بر خود واجب کرده که هیچ مؤمنی نیست که صد بار «الله اکبر» و صد بار «سبحان الله» و صد بار «الحمد لله» و صد بار «لا اله الّا الله» و صد بار «اللهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد» بگوید و سپس بگوید: خداوندا! حورالعین را به تزویج من درآور، مگر اینکه خداوند متعال حوریّه‌ای را به ازدواج او درآورد.»

(۱۴)

باب استحباب الإلحاح في الدعاء

وما ورد في دعاء الإلحاح

قال اللّه تبارك وتعالىٰ في سورة مريم (۱۹): ۴۸: ﴿وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اَللَّهِ وَأَدْعُواْ رَبِّى عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا﴾.

۸۹۸ ۲٦٤٥٩ (۱) **كافي** ۴۷۵/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحجّال عن حسّان عن **أبي الصّباح** عن أبي عبداللّه ﷺ قال انّ اللّه عزّ وجلّ كرّه إلحاح الناس بعضهم على بعض في المسألة واحبّ ذلك لنفسه انّ اللّه عزّ وجلّ يحبّ ان يسأل ويطلب ما عنده.

۸۹۹ ۲٦٤٦٠ (۲) **كافي** ۴۷۵/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الاشعريّ عن **ابن القداح** ـ عدّة الداعي ۱۸۸: عن أبي عبداللّه[1] ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ رحم اللّه عبداً طلب من اللّه[2] عزّ وجلّ حاجة فألحّ في الدعاء استجيب له أو لم يستجب [له] وتلا هذه الآية ﴿وَأَدْعُواْ رَبِّى عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا﴾.

۹۰۰ ۲٦٤٦١ (۳) **كافي** ۴۱۹/۲: محمّد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن الحسين بن سعيد عن القاسم بن حبيب عن إسحاق بن عمّار عن أبي عبداللّه ﷺ قال انّ اللّه تعالىٰ جبلّ النبيّين علىٰ نبوّتهم فلا يرتدّون ابداً وجبلّ الأوصياء علىٰ وصاياهم فلا يرتدّون أبداً وجبلّ بعض المؤمنين علىٰ الايمان فلا يرتدون ابداً ومنهم من اعير الايمان عارية فإذا هو دعا والحّ في الدعاء مات علىٰ الإيمان.

۹۰۱ ۲٦٤٦۲ (۴) **قرب الاسناد** ۶: هارون بن مسلم عن **مسعدة بن صدقة** قال وقال لجعفر ﷺ قائل علّمني دعاء فقال (له ـ خ) اين انت عن دعاء الإلحاح فقال له الطالب وما الإلحاح فقال له تقول اللّهمّ ربّ السّماوات السّبع وما فيهنّ وربّ الارضين السّبع وما فيهنّ وربّ العرش العظيم وربّ محمد خاتم النبيّين اسألك باسمك الذي به تقوم السّماء وبه تقوم الأرض وبه

---

۱. الصادق ـ عدة. ۲. الیٰ اللّه ـ عدة.

باب ۱۴

پافشاری در دعا

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

[ابراهیم گفت:] از شما و آن چیزهایی که به جای خدای یکتا می‌خوانید، کناره می‌گیرم و پروردگار خود را می‌خوانم، باشد که با خواندن پروردگارم بدبخت و محروم نشوم.[۱]

۸۹۸ (۱) ابوالصباح از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «خداوند عزیز و جلیل از اصرار ورزیدن برخی از بندگان در طلب کردن از برخی دیگر خوشش نمی‌آید ولی این کار را نسبت به خودش دوست دارد. خداوندﷻ دوست دارد که از او درخواست شود و آنچه در نزد اوست طلب شود.»

۸۹۹ (۲) ابن قدّاح از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که از خداوندﷻ حاجت بخواهد و در دعا، اصرار ورزد چه دعایش مستجاب شود چه نشود و آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «**و من پروردگار خود را می‌خوانم امید آنکه با خواندن پروردگارم، بدبخت نباشم.**»

۹۰۰ (۳) اسحاق بن عمّار از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که فرمود: «خداوند متعال پیامبران را بر پیامبری سرشته است پس هرگز [از راه خدا] باز نگردند و جانشینان پیامبر را بر وصایت‌شان سرشته است و آن‌ها نیز باز نخواهند گشت و بعضی از مؤمنان را بر ایمان سرشته است آن‌ها نیز [از راه خدا] عقب‌گرد نخواهند کرد ولی برخی از مؤمنان، ایمان‌شان عاریه‌ای است و اگر دعا کنند و در دعا، اصرار ورزند، با ایمان از دنیا خواهند رفت.»

۹۰۱ (۴) مسعدة بن صدقه نقل کرده است که: «شخصی به امام جعفر صادقؑ عرض کرد: یک دعایی به من یاد بده.

حضرت فرمود: چرا از دعای «الحاح = اصرار» بی‌خبری.

طالب دعا به حضرت عرض کرد: اِلحاح چه دعایی است؟

حضرت به او فرمود: می‌گویی: خداوندا! ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و هر چه در آن‌هاست و ای پروردگار زمین‌های هفتگانه و آنچه در آن‌هاست و ای پروردگار عرش بزرگ و ای پروردگار محمّد آخرین پیامبر از تو می‌خواهم به آن نامت که به وسیلهٔ آن نام آسمان و زمین را به پا داشته‌ای و

---

۱. مریم ۴۸/۱۹.

تفرّق الجمع وبه يجمع المتفرّق وبه ترزق الاحياء وبه احصيت عدد الثرىٰ والرّمل وورق الشجر وقطر البحور ان تصلّي علىٰ محمد وآل محمد وتسئل حاجتك وألِحّ في الطّلب فانّه يحبّ الحاح الملحّين من عباده المؤمنين.

۹۰۲ ۲٦٤٦٣ (۵) **جامع الاخبار** ۳۶۳: قال النبيّ ﷺ انّ اللّه يحبّ الملحّين في الدعاء.

۹۰۳ ۲٦٤٦٤ (۶) **عدّة الداعي** ۱۴۳: قال رسول اللّه ﷺ انّ اللّه يحبّ السائل اللّحوح.

۹۰٤ ۲٦٤٦٥ (۷) **وفيه** ۱۴۳: عن كعب الأحبار مكتوب في التّوارة ياموسىٰ من احبّني لم ينسني ومن رجا معروفي ألحّ في مسألتي ياموسىٰ انّي لست بغافل عن خلقي ولكن أحبّ أن تسمع ملائكتي ضجيج الدعاء من عبادي وترىٰ حفظتي تقرّب بن آدم الي بما انا مقوّيهم عليه ومسبّبه لهم.

۹۰۵ ۲٦٤٦٦ (۸) **كافي** ۲٦۱: (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن محمد بن علي عن داود الحذّاء عن محمد بن صغير عن جدّه شعيب عن **مفضّل** قال قال أبو عبداللّه ؑ لولا إلحاح المؤمنين علىٰ اللّه في طلب الرزق لنقلهم من الحال التّي هم فيها إلى حال اضيق منها، **التمحيص** ٤۹: عن المفضّل قال قال أبوعبداللّه ؑ لولا الحاح هذه الشيعة علىٰ اللّه (وذكر نحوه).

۹۰٦ ۲٦٤٦٧ (۹) **عدّة الداعي** ۱۹۸: روي في زبور داود ؑ يقول اللّه تبارك وتعالىٰ ياابن ادم تسألني وامنعك لعلمي بما ينفعك ثمّ تلحّ عليّ بالمسألة فاعطيك ما سألت فتستعين به علىٰ معصيتي فأهمّ بهتك سترك فتدعوني فاستر عليك فكم من جميل اصنع معك وكم من قبيح تصنع معي يوشك ان اغضب عليك غضبة لا ارضىٰ بعدها ابداً.

۹۰۷ ۲٦٤٦٨ (۱۰) **كافي** ۴۷۵/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن ابن أبي عمير عن سيف بن عميرة عن محمد بن مروان عن **الوليد** بن عقبة الهجري قال سمعت أبا جعفر ؑ يقول واللّه لا يلحّ عبد مؤمن علىٰ اللّه عزّ وجلّ في حاجته الّا قضاها له **فلاح السائل** ۴۲: محمد بن الحسن بن أحمد عن محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن محمد بن مروان (مثله سنداً ومتناً الّا انّ فيه) في حاجة.

۹۰۸ ۲٦٤٦۹ (۱۱) **كافي** ۴۷۵/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **حسين** الأحمسيّ عن رجل عن أبي جعفر ؑ قال واللّه لا يلحّ عبد علىٰ اللّه عزّ وجلّ الّا استجاب اللّه له.

به وسیلهٔ آن مجموعه‌ای پراکنده گردد و پراکنده‌ای گِرد هم آید و به وسیلهٔ او زندگان را روزی دهی و با او شمارهٔ خاک‌ها و ماسه‌ها و برگ درختان و قطرات آب دریاها را شمارش کرده‌ای که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی. آنگاه حاجت خویش را طلب کن و در طلب کردن اصرار بورز زیرا خداوند از بندگان مؤمنش اصرار در، خواستن و پافشاری در طلب کردن را دوست دارد.»

۹۰۲ (۵) در کتاب جامع الاخبار حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «به راستی خداوند اصرار کنندگان در دعا را دوست دارد.»

۹۰۳ (۶) در کتاب عدّة الداعی ابن فهد حلّی از رسول خداﷺ حدیثی نقل شده که آن بزرگوار فرمود: «خداوند درخواست کنندهٔ سِمِج و اصرار ورز را دوست دارد.»

۹۰۴ (۷) کعب الاحبار گفته: «در تورات نوشته شده: ای موسی! هر کس مرا دوست داشته باشد مرا فراموش نکند و کسی که به احسان من امیدوار است در طلب کردن از من اصرار ورزد.

ای موسی! من از آفریدگانم بی‌خبر نیستم ولی دوست دارم که فرشتگانم نالهٔ دعای بندگانم را بشنوند و فرشتگان حافظِ اعمال و نگهبان، نزدیک شدن آدم را به من ببینند با اینکه خود من این توان را به آن‌ها بخشیده‌ام و اسباب آن را برای‌شان فراهم ساخته‌ام.»

۹۰۵ (۸) مفضّل از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «اگر مؤمنان در خواستن روزی در درگاه الهی اصرار نمی‌ورزیدند خداوند آن‌ها را از وضعیّت موجود به وضعیّت بدتری منتقل می‌کرد.»

۹۰۶ (۹) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی روایتی نقل کرده که: «در زَبُور داودؑ خداوند متعال فرموده: ای پسر آدم! تو از من چیزهایی می‌خواهی ولی من به تو نمی‌دهم چون من خیر و منفعت تو را بهتر می‌دانم سپس اصرار می‌کنی در خواستن و من هم خواسته ات را می‌دهم و تو به کمک آن به معصیت و مخالفت با من می‌پردازی. پس تصمیم می‌گیرم که پرده از تو برگیرم [تا آبرو بریزد] ولی تو باز دعا می‌کنی و مرا می‌خوانی پس من تو را می‌پوشانم.

پس چه خوبی‌ها که من در حقّ تو انجام می‌دهم و چه بدی‌ها که تو با من می‌کنی. عن قریب بر تو چنان خشم کنم که پس از آن برای هیچ وقت از تو راضی نشوم.»

۹۰۷ (۱۰) ولید بن عقبه هجری گوید: «از امام باقرؑ شنیدم که فرمود: به خدا سوگند بندهٔ مؤمنی در خواستن حاجتی پیش خداوندﷻ اصرار نورزد مگر اینکه آن را برای او برآورد.»

۹۰۸ (۱۱) حسین احمسی با یک واسطه از امام باقرؑ روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «به خدا قسم بنده بر خداوندﷻ اصرار نورزد مگر اینکه دعایش را مستجاب فرماید.»

۹۰۹ ۳۶۴۷۰ (۱۲) **فلاح السائل** ۴۲: عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن **الحسين** بن عثمان عن غير واحد[1] من اصحابه عن أبى عبداللّه وأبي جعفر عليهما السلام انّهما قالا واللّه لا يلحّ عبد مؤمن علىٰ اللّه إلّا استجاب له.

۹۱۰ ۳۶۴۷۱ (۱۳) **امالي الشيخ** ۶۹۹: باسناده المتقدّم في باب (۲۹) انّ المرأة إذا اصابها الطلق تصلّي ما لم تلد من أبواب الحيض عن رزيق قال سمعت ابا عبداللّه عليه السلام يقول عليكم بالدّعاء والإلحاح على اللّه عزّ وجلّ في الساعة التّي لا يخيب اللّه عزّ وجلّ فيها بِرّاً ولا فاجراً قلت جعلت فداك وأيّ ساعة هي قال هي الساعة التى دعا فيها ايّوب عليه السلام وشكا إلى اللّه عزّ وجلّ بليّته فكشف اللّه عزّ وجلّ ما به من ضرّ ودعا فيها يعقوب عليه السلام فردّ اللّه (عليه ـ ئل) يوسف وكشف اللّه كربته ودعا فيها محمّد صلى الله عليه وآله فكشف اللّه عزّ وجلّ كربته ومكّنه من اكتاف المشركين بعد اليأس انا ضامن لايخيّب اللّه عزّ وجلّ في ذلك الوقت برّاً ولا فاجراً البرّ يستجاب له في نفسه وغيره والفاجر يستجاب له في غيره ويصرف اللّه اجابته إلى وليّ من اوليائه فاغتنموا الدعاء في ذلك الوقت.

۹۱۱ ۳۶۴۷۲ (۱۴) **العيون** ۷/۲: حدّثنا أبي رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبداللّه ومحمّد بن يحيىٰ العطّار جميعاً عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن الحجّال عن سليمان الجعفري قال قال الرّضا عليه السلام جاءت ريح وأنا ساجد وجعل كل انسان يطلب منّي وانا ساجد ملحّ في الدّعاء علىٰ ربّي عزّ وجلّ حتىٰ سكنت.

يأتي في أحاديث باب (۱) تحريم الاستكبار عن الدّعاء وباب (۱۵) تحريم القنوط وان تأخّرت الإجابة ما يناسب الباب.

وفي رواية طاووس (۱۴) من باب (۱۲) ما ورد في انّ من قال في الدّعاء قبل تسمية الحاجة يا اللّه أو يا ربّ الخ قوله عليه السلام كان أبي يلحّ في الدّعاء يقول ياربّ حتّىٰ ينقطع النفس ثمّ يعود.

---

۱. وغير واحد ـ ك.

۹۰۹ (۱۲) حسین بن عثمان به نقل از چند نفر از اصحاب امامان علیهم السلام از امام صادق و امام باقر علیهما السلام روایت کرده که این دو بزرگوار هر دو فرموده‌اند: «به خدا قسم که بندهٔ مؤمنی بر خداوند اصرار نورزد مگر اینکه خداوند دعایش را مستجاب گرداند.»

۹۱۰ (۱۳) رزیق گوید: «از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «بر شما باد دعا کردن و اصرار ورزیدن بر خواستن از خداوند عزّوجلّ در ساعتی که خداوند عزّوجلّ در آن ساعت هیچ نیکوکار و بدکرداری را ناامید نمی‌کند.

عرض کردم: فدایت شوم! آن ساعت، کدام است؟

فرمود: آن، همان ساعتی است که حضرت ایّوب علیه السلام در آن ساعت دعا کرد و از بلاهای وارده به درگاه خداوند عزّوجلّ شکایت کرد و خداوند عزّوجلّ ضرر و گرفتاری را از او برطرف و حضرت یعقوب علیه السلام در آن ساعت دعا کرد و خداوند یوسف را به او برگرداند و غم و غصّه‌اش را برطرف نمود.

و در آن ساعت، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله دعا کرد و خداوند عزّوجلّ غصّه‌اش را برطرف کرد و او را بر مشرکان مسلّط کرد پس از آن که از تسلّط بر آن‌ها ناامید شده بود.

من ضامن هستم که در این وقت، خداوند عزّوجلّ هیچ نیکوکار و بدکرداری را ناامید نمی‌کند امّا نیکوکار دعایش در حقّ خودش مستجاب می‌گردد و امّا بدکردار دعایش در حقّ دیگری مستجاب می‌شود و خداوند آن دعا را به یکی از اولیایش منتقل می‌کند پس در این وقت، دعا کردن را غنیمت بشمارید.»

۹۱۱ (۱۴) سلیمان جعفری از ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: «بادی وزید و من در حال سجده بودم و هر انسانی از من طلب می‌کرد و من در سجده بودم و در دعا و خواندن پروردگارم عزّوجلّ اصرار می‌ورزیدم تا اینکه باد آرام گرفت.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایات باب یکم و باب پانزدهم آنچه مناسب با این باب است.

و در روایت چهاردهم از باب دوازدهم فرموده امام علیه السلام که: «پدرم در دعا اصرار می‌ورزید و می‌گفت: یا ربّ و آن را تا نفس داشت تکرار می‌کرد سپس دوباره آن را به همین منوال می‌گفت.»

(۱۵)

باب تحريم القنوط والانقاط من رحمة اللّه ومن اجابة الدعاء وأن تأخّرت الإجابة فانّ اللّه تعالى إذا أحبّ عبدا احتبس دعائه فيؤخّر تعجيل اجابته وإذا ابغضه عجّل له دعوته

قال اللّه عزّ وجلّ في سورة الزمر (۳۹): ۵۳ و ۵۴: ﴿قُلْ يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ * وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾.

البقرة (۲): ۱۸۶ و۲۶۸: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِى وَلْيُؤْمِنُواْ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾.

﴿ٱلشَّيْطَـٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلاً وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾.

۹۱۲ ۳۶۴۷۳ (۱) **كافي** ۴۸۸/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال قلت لابي الحسن عليه السلام جعلت فداك انّي قد سألت اللّه حاجة منذ كذا وكذا سنة وقد دخل قلبي من ابطائها شيء فقال يا أحمد إيّاك والشيطان ان يكون له عليك سبيل حتّىٰ يقنطك انّ ابا جعفر صلوات اللّه عليه كان يقول انّ المؤمن يسأل اللّه عزّ وجلّ حاجة فيُؤخّرُ عنه تعجيل اجابته[۱] حبّاً لصوته واستماع نحيبه ثم قال واللّه ما[۲] اخّر اللّه عزّ وجلّ عن المؤمنين ما[۳] يطلبون من هذه الدنيا خير لهم ممّا عجّل لهم فيها[۴] وايّ شيء الدنيا انّ ابا جعفر عليه السلام كان يقول ينبغي للمؤمن ان يكون دعاؤه في الرخاء نحواً من دعائه في الشدّة ليس إذا اعطى[۵] فتر فلا تملّ[۶] الدّعاء فانّه مِنَ اللّه عزّ وجلّ بمكان وعليك الصبر[۷] وطلب الحلال وصلة الرحم وإيّاك ومكاشفة النّاس[۸] فانّا أهل البيت[۹] نَصِلُ من قَطَعَنا ونُحسِنُ إلى من أساءَ الينا فنرىٰ واللّه (في الدنيا ـ قرب) في ذلك العاقبة الحسنة.

---

۱. حاجته ـ قرب الاسناد. ۲. لما ـ قرب الاسناد. ۳. مما ـ قرب.
۴. منها فأيّ شيء. ۵. ابتلىٰ. ۶. فلايملّ ـ قرب الاسناد.
۷. بالصدق ـ قرب الاسناد. ۸. الرجال ـ قرب الاسناد. ۹. أهل بيت ـ قرب الاسناد.

باب ۱۵

ناامیدی از رحمت خدا، گناهی بزرگ

خداوندﷻ فرموده است:

بگو ای بندگان من! که با اسراف و زیاده‌روی بر خود ستم کرده‌اید، از رحمت خدا نومید نشوید. بی‌گمان خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد که در حقیقت او آمرزندهٔ مهربان است و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد، و دیگر یاری نشوید به سوی پروردگارتان باز گردید و تسلیم او شوید.[۱]

و هر گاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند [و سراغ مرا گرفتند به آن‌ها بگو:] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند جواب می‌دهم. پس آنان هم باید دعوت مرا پاسخ مثبت دهند و به من ایمان بیاورند، امید آنکه رستگار شوند.[۲]

شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وا می‌دارد ولی خداوند از جانب خود به شما وعدهٔ آمرزش و بخشش می‌دهد و خداوند گشایشگر داناست.[۳]

۹۱۲ (۱) احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: «به امام کاظمؑ عرض کردم: فدایت شوم! از چند سال پیش حاجتی از خدا پیوسته خواسته‌ام و از تأخیر اجابت آن به دلم چیزی [شکّی] آمده است.

پس حضرت فرمود: ای احمد! از شیطان، خود را دور کن، مبادا او به تو راه یابد و تو را ناامید کند. [جدّم] امام محمّد باقرؑ که درودهای خداوند بر او باد، می‌گفت: مؤمن از خداوندﷻ حاجتی می‌خواهد و خداوند برآوردن حاجت او را به تأخیر می‌اندازد، چون شنیدن صدا و نالهٔ او را دوست دارد.

سپس امام کاظمؑ فرمود: به خدا سوگند به تأخیر انداختن خدایﷻ خواستهٔ دنیوی آن‌ها را [و ذخیره کردن آن برای آخرت] به مراتب بهتر است از تعجیل آن در دنیا. آخر، دنیا چه هست و چه ارزشی دارد؟ امام باقرؑ می‌فرمود: شایسته است که دعا کردن مؤمن در حال رفاه و راحتی مثل دعا کردن او در زمان سختی باشد نه اینکه تا حاجتش روا شد و نعمت‌ها به او داده شد دیگر از دعا خسته شود چرا که دعا در نزد خدا موقعیّت ارجمندی دارد. و بر تو باد صبر و شکیبایی و به دنبال لقمهٔ حلال رفتن و صلهٔ رحم و بپرهیز از عیب دیگران را بر مَلا کردن و آبروی آن‌ها را ریختن. پس ما، خاندانی هستیم که رابطه برقرار می‌کنیم با کسی که رابطه‌اش را با ما قطع کرده و خوبی می‌کنیم به کسی که به ما بدی کرده است و به خدا قسم که برای این کارهای خود عاقبت خوبی می‌بینیم.

---

۱. زُمر ۳۹/۵۴ ـ ۵۳. ۲. بقره ۲/۱۸۶. ۳. بقره ۲/۲۶۸.

انّ صاحب النّعمة في الدنيا إذا سأل فأعطي طلب غير الذى سأل وصغرت النعمة في عينه فلا يشبع[1] من شيء (اعطي ـ قرب).

وإذا كثرت النعمة كان المسلم من ذلك على خطر للحقوق الّتي تجب[2] عليه وما يخاف من الفتنة (فيها ـ كا) (فقال له ـ قرب) أخبرني عنك لو انّي قلت (لك ـ كا) قولاً (أ ـ كا) كنت تثق به منّي.

فقلت له جعلت فداك (و ـ قرب).

إذا لم اثق بقولك فبمن اثق وانت حجة اللّه تبارك وتعالىٰ علىٰ خلقه قال فكن باللّه اوثق فإنّك علىٰ موعد من اللّه أليس اللّه عزّ وجلّ يقول ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾.

وقال ﴿لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ﴾.

وقال ﴿وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلاً﴾ فكُنْ باللّهِ عزّ وجلّ أوْثقَ مِنكَ بِغَيرِه وَلا تَجعَلُوا في أَنفُسِكُم الّا خَيراً فانّه[3] مغفور لَكُم.

۹۱۳ (۲) **قرب الاسناد ۳۸۵**: أحمد بن محمد بن عيسىٰ قال أخبرنا **أحمد** بن محمد بن أبي نصر قال سألت أبا الحسن الرضاؑ عن الجبّة الفراء (إلى ان قال) فقلت له جعلت فداك انّي قد سألت اللّه تبارك وتعالىٰ حاجة منذ كذا وكذا (وذكر نحو).
۲٦٤٧٤

۹۱٤ (۳) **كافي ۴۸۹/۲**: (علي بن إبراهيم عن أبيه ـ مُعَلّق) عن ابن أبي عمير عن إبراهيم بن عبدالحميد عن **أبي بصير** قال سمعت ابا عبداللّهؑ يقول انّ المؤمن ليدعو فيؤخِر اجابته إلىٰ يوم الجمعة.
۲٦٤٧٥

۹۱۵ (۴) **كافي ۴۸۹/۲**: (علي ابن إبراهيم عن أبيه ـ مُعَلّق) عن ابن أبي عمير عن سليمان صاحب السابري عن **إسحاق** بن عمّار قال قلت لابي عبداللّهؑ يستجاب للرجل الدعاء ثمّ يؤخَّر قال نعم عشرين سنة.
۲٦٤٧٦

---

۱. فلا يمتنع (يمنع خ ل) ـ قرب. ۲. والذي يجب ـ قرب. ۳. فانكم ـ قرب.

کسی که صاحب نعمت‌های دنیوی است [و ثروتمند است] وقتی چیزی درخواست کند و به او داده شود باز یک چیز دیگری غیر از اوّلی درخواست می‌کند و نعمتی که دارد در چشم او خوار می‌شود پس هر چه به او داده شود، سیر شدن در کارش نیست.

و هنگامی که مال و ثروت، زیاد گردد، مسلمان در معرض خطر قرار می‌گیرد، نسبت به حقوقی که پرداخت آن بر او واجب می‌شود و از اینکه مبادا فریفتهٔ مال گردد می‌ترسد.

به من بگو اگر به تو چیزی بگویم به من اعتماد می‌کنی؟

عرض کردم: تو حجّت خداوند تبارک و تعالی هستی اگر به سخن تو اعتماد نکنم پس به چه کسی اعتماد کنم؟

حضرت فرمود: حال که به من اعتماد داری به تو می‌گویم که اعتمادت به خود خدا بیشتر باشد چون تو بر سر راه وعدهٔ الهی نشسته‌ای آیا مگر خداوندﷻ نفرموده: «**و هر گاه بندگانم از تو [ای پیامبر] دربارهٔ من پرسیدند پس [به آن‌ها بگوی:] من نزدیکم و دعای دعاکننده را چون بخواند مرا، جواب می‌دهم.**»

و فرموده: «**از رحمت خدا نا‌امید نشوید.**» و فرموده: «**خداوند وعدهٔ آمرزش و افزایش نعمت از جانب خود به شما می‌دهد.**»

پس به خداوندﷻ بیشتر از دیگران اعتماد کن و در دل خود جز خیر و خوبی [و امید و اعتماد] چیز دیگری را راه نده که شما مؤمنان آمرزیده می‌شوید.»

۹۱۳ (۲) احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: «از امام رضاؑ دربارهٔ پوستین پرسیدم (تا اینکه گفت:) به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! من چند سال است که از خداوند متعال حاجتی می‌خواهم...» ادامه روایت همانند روایت قبلی است.

۹۱۴ (۳) ابو بصیر گوید: «از امام صادقؑ شنیدم که فرمود: مؤمن دعا می‌کند و اجابت آن تا روز جمعه به تأخیر می‌افتد.»

۹۱۵ (۴) اسحاق بن عمار گوید: «به حضرت صادقؑ عرض کردم: آیا ممکن است دعای کسی مستجاب شود ولی تحقّق یافتن آن به تأخیر افتد؟ حضرت فرمود: بله، بیست سال.»

۹۱۶ ۳۶۴۷۷ (۵) **كافي** ۴۸۹/۲: (علي بن إبراهيم عن أبيه ـ مُعَلّق) عن ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان بين قول اللّه عزّ وجلّ قد اجيبت دعوتكما وبين أخذ فرعون اربعين عاماً **تفسير العيّاشي** ۱۲۷/۲: عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه عليه السلام (نحوه).

۹۱۷ ۳۶۴۷۸ (۶) **كافي** ۴۷۴/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حسين بن عطيّة عن **عبدالعزيز** الطّويل قال قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ العبد إذا دعا لم يزل اللّه تبارك وتعالىٰ في حاجته مالم يستعجل، محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن ابن أبي عمير عن حسين بن عطيّة عن **عبدالعزيز** الطويل عن أبي عبداللّه عليه السلام (مثله).

۹۱۸ ۳۶۴۷۹ (۷) **كافي** ۴۹۰/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن ابن محبوب عن هشام بن سالم عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال لايزال المؤمن بخير ورجاء رحمة من اللّه عزّ وجلّ ما لم يستعجل فيقنط ويترك الدعا قلت له كيف يستعجل قال يقول قد دعوت منذ كذا وكذا وما ارىٰ الإجابة.

۹۱۹ ۳۶۴۸۰ (۸) **مستدرك** ۱۹۱/۵: **أحمد بن محمد** بن فهد في العدّة عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال يستجاب للعبد ما لم يعجل يقول قد دعوت فلم يستجب لي.

۹۲۰ ۳۶۴۸۱ (۹) **كافي** ۴۷۴/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسى وعلي بن إبراهيم عن أبيه جميعاً عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم **وحفص** بن البختري وغيرهما عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ العبد إذا عجّل فقام لحاجته يقول اللّه تبارك وتعالىٰ اما يعلم عبدي اني انا اللّه الّذي اقضي الحوائج. عدّة الداعي ۱۴۱ من أبي عليه السلام مثله.

۹۲۱ ۳۶۴۸۲ (۱۰) **عِدَة الدّاعي** ۱۴۱: **وفي** رواية إذا استعجل العبد في صلاته يقول اللّه سبحانه استعجل عبدي أيراه[۱] يظنّ انّ حوائجه بيد غيري.

۹۲۲ ۳۶۴۸۳ (۱۱) **كافي** ۴۸۹/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد (بن محمد بن عيسىٰ) عن عليّ بن الحكم عن **منصور** الصيقل قال قلت لابي عبداللّه عليه السلام ربّما دعا الرجل بالدعاء فاستجيب له ثمّ أخّر ذلك إلى حين قال فقال نعم قلت ولم ذاك ليزداد من الدعاء قال نعم.

---

۱. أتراه ـ خ.

۹۱۶ (۵) هشام بن سالم از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «میان سخن خداوندعزّ و جلّ که [به حضرت موسی و هارون[1] فرمود:] «دعای شما مستجاب شد.» و میان استجابت دعا و غرق شدن فرعون چهل سال طول کشید.»

۹۱۷ (۶) عبدالعزیز طویل از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «در حقیقت وقتی بنده دعا می‌کند، پیوسته خداوند تبارک و تعالی در کار حاجت اوست مادامی که دست پاچه نباشد و عجله نکند.»

۹۱۸ (۷) ابوبصیر از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «پیوسته مؤمن با خیر و امید رحمت از خداوندعزّ و جلّ است تا وقتی که عجله نکند که ناامید شود و دعا را ترک کند.

به حضرت عرض کردم: چگونه عجله می‌کند؟

حضرت فرمود: می‌گوید: از فلان وقت و فلان وقت دعا می‌کنم ولی از استجابت آن، خبری نیست.»

۹۱۹ (۸) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی از پیامبر اکرمﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «دعای بنده مستجاب می‌شود به شرط اینکه شتابزدگی از خود نشان ندهد و بگوید من هر چه دعا می‌کنم، مستجاب نمی‌شود.»

۹۲۰ (۹) هشام بن سالم و حفص بن بختری و دیگران از امام صادقعليه السلام روایت کرده‌اند که حضرت فرمود: «وقتی بنده عجله می‌کند و خودش برای رسیدن به حاجتش دست به کار می‌شود خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آیا بندهٔ من نمی‌داند که من هستم که اشخاص را به حاجات‌شان می‌رسانم.»

۹۲۱ (۱۰) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی نقل کرده که در روایتی آمده است: «وقتی بنده نسبت به مستجاب شدن دعایش عجله می‌کند، خداوند پاک می‌فرماید: بندهٔ من شتابزدگی می‌کند، آیا پندارد که خواسته‌هایش جز به دست من تحقّق یابد؟»

۹۲۲ (۱۱) منصور صیقل گوید: «به حضرت صادقعليه السلام عرض کردم: آیا ممکن است که انسانی دعا کند و دعایش مستجاب شود ولی انجام آن تا مدّتی به تأخیر افتد؟

حضرت فرمود: آری.

گفتم: چرا؟ آیا به خاطر اینکه بیشتر دعا کند؟

حضرت فرمود: بله.»

---

۱. حضرت موسی و برادرش هارون، نابودی فرعون را از خدا خواستند و خداوند سبحان به آن‌ها فرمود: «دعای شما مستجاب شد ولی تحقّق آن چهل سال بعد انجام گرفت.»

۹۲۳ ۲٦٤٨٤ (۱۲) **كافي ۲/۴۸۹**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن إسحاق بن أبي هلال المدائني عن **حديد** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ العبد ليدعو فيقول اللّه عزّ وجلّ للملكين قد استجبت له ولكن احبسوه بحاجته فانّي احبّ ان اسمع صوته وانّ العبد ليدعو فيقول اللّه تبارك وتعالى عجّلوا له حاجته فانّي أُبغض صوته.

۹۲٤ ۲٦٤٨٥ (۱۳) **امالي الصدوق ۲۴۴**: حدّثنا محمد بن علي ماجيلويه قال حدّثنا محمد بن يحيىٰ العطّار قال حدّثنا محمد بن أحمد بن يحيىٰ بن عمران الاشعري قال حدّثني محمد بن عمران عن أبيه عمران بن إسماعيل قال حدّثني أبو علي الانصاري عن **محمد** بن جعفر التميميّ قال قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام بينا إبراهيم خليل الرّحمن عليه السلام في جبل بيت المقدس يطلب مرعىٰ لغنمه إذ سمع صوتاً فإذا هو برجل قائم يصلّي طوله اثني عشر شبراً فقال له يا عبداللّه لمن تصلّي قال لإله السّماء.

فقال له إبراهيم هل بقي احد من قومك غيرك.

قال لا.

قال فمن اين تأكل.

قال أجتني من هذا الشجر في الصيف وآكله في الشتاء.

قال له فاين منزلك قال فأومىٰ بيده إلى جبل.

فقال له إبراهيم عليه السلام هل لك ان تذهب بي معك فأبيتَ عندك اللّيلة.

فقال انّ قدامي ماء لا يخاض قال كيف تصنع؟

قال امشي عليه.

قال فاذهب بي معك فلعلّ اللّه ان يرزقني ما رزقك.

قال فأخذ العابد بيده فمضيا جميعاً حتّىٰ انتهيا إلى الماء فمشىٰ ومشي إبراهيم عليه السلام معه حتّى انتهيا إلى منزله.

فقال له إبراهيم عليه السلام ايّ الايّام أعظم فقال له العابد يوم الدّين يوم يدان النّاس بعضهم من بعض قال فهل لك ان ترفع يدك وارفع يدي فتدعو اللّه عزّ وجلّ ان يؤمننا من شرّ ذلك اليوم.

۹۲۳ (۱۲)حدید از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «بعضی از بندگان هستند که چون دعا کنند خداوندﷻ به دو فرشتهٔ [نگهبان اعمال او] می‌گوید: من دعایش را مستجاب کردم ولی مدّتی خواستهٔ او را پیش خود نگه دارید چون من دوست دارم صدای او را بشنوم و بعضی از بندگان چون دعا کنند خداوند تبارک و تعالی گوید: زود حاجتش را به او بدهید چون من دوست ندارم صدایش را بشنوم.»

۹۲۴ (۱۳) محمد بن جعفر تمیمی از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «ابراهیم خلیل الرحمنؑ داشت در میان کوهستان‌های بیت المقدّس به دنبال چراگاهی برای گوسفندانش می‌گشت که ناگهان صدایی به گوشش رسید. نگاه کرد دید، مردی که دوازده وجب قد دارد به نماز ایستاده است.

حضرت به او فرمود: ای بندهٔ خدا! برای چه کسی نماز می‌خوانی؟

گفت: برای خدای آسمان.

حضرت ابراهیم به او گفت: آیا کسی از قوم و قبیله ات باقی‌مانده؟

گفت: نه. حضرت فرمود: پس تو از چه طریقی ارتزاق می‌کنی؟

گفت: در تابستان میوهٔ این درخت را می‌چینم و در زمستان می‌خورم.

حضرت فرمود: خانه ات کجاست؟ او با دست به کوهی اشاره کرد.

حضرت ابراهیمؑ فرمود: آیا اجازه می‌دهی که با تو بیایم و امشب پیش تو تا سحر باشم.

آن مرد گفت: سر راهم آبی است که فرو نمی‌رود و خشک نمی‌شود! ابراهیمؑ گفت: تو چه می‌کنی؟ [و چگونه از آن آب می‌گذری؟]

گفت: بر روی آب راه می‌روم.

حضرت ابراهیم فرمود: من را نیز با خودت ببر شاید خداوند آنچه به تو داده به من هم بدهد.

عابد دست ابراهیم را گرفت و با هم رفتند تا به آب رسیدند. عابد بر روی آب راه رفت و ابراهیمؑ نیز با او راه می‌رفت تا اینکه به خانهٔ او رسیدند.

حضرت ابراهیمؑ به او گفت: بزرگترین روز کدام است؟

عابد گفت: روز قیامت روزی که هر کس بر گردن کسی حقی داشته باشد حق خود را بستاند.

ابراهیم فرمود: آیا ممکن است که دست خود بالا بیاوری و من هم دست خود بالا آورم و تو دعا کنی و از خداوندﷻ بخواهی که ما را از شرّ آن روز در امان بدارد؟

فقال وما تصنع بدعوتي فواللّه انّ لي لدعوة منذ ثلاثين سنة ما اجبت فيها بشيء فقال له إبراهيم ﷺ أوَلا أخبرك لأي شيء احتبست دعوتك قال بلىٰ قال له انّ اللّه عزّ وجلّ إذا احبّ عبداً احتبس دعوته ليناجيه ويسأله ويطلب إليه وإذا ابغض عبداً عجّل له دعوته او القىٰ في قلبه اليأس منها.

ثمّ قال له وما كانت دعوتك قال مرّ بي غنم ومعه غلام له ذؤابة.

فقلت يا غلام لمن هذا الغنم فقال لابراهيم خليل الرحمن فقلت اللّهمّ ان كان لك في الأرض خليل فأرنيه.

فقال له إبراهيم ﷺ فقد استجاب اللّه لك أنَا إبراهيم خليل الرّحمن فعانقه فلمّا بعث اللّه محمّداً ﷺ جاءت المصافحة.

٩٢٥ ٢٦٤٨٦ (١٤) **مستدرك ١٩٥/٥**: البحار وجدت بخط الشيخ الاجلّ شمس الدين محمد بن علي الجبعيّ جدّ شيخنا البهائي روي أبو عبداللّه أحمد بن محمد بن عيّاش الجوهريّ قال حدّثني أبو الحسين عبدالعزيز بن أحمد بن محمّد الحسني قال حدّثني محمد بن عليّ بن الحسن بن يحيى الراشد عن والده الحسن بن راشد قال حدّثنا الحسين بن أحمد بن عمر الصباح عن أبي جعفر محمد بن **عثمان** بن سعيد العمري في حديث قال روّينا عن العالم ﷺ انّه قال إذا دعا المؤمن يقول اللّه عزّ وجلّ صوت أحبّ أن اسمعه اقضوا حاجته فاجعلوها معلّقة بين السّماء والأرض حتّىٰ يكثر دعاؤه شوقاً منّي إليه وإذا دعا الكافر يقول اللّه عزّ وجلّ صوت اكره سماعه اقضوا حاجته وعجّلوها حتّىٰ لا اسمع صوته ويشتغل بما طلبه عن خشوعه.

٩٢٦ ٢٦٤٨٧ (١٥) **عُدَة الدّاعي ٢٥**: روى **جابر** بن عبداللّه قال قال النبيّ ﷺ انّ العبد ليدعو اللّه وهو يحبّه فيقول لجبرئيل اقض لعبدي هذا حاجته وأخّرها فانّي احبّ ان لا أزال اسمع صوته.

عابد گفت: به دعای من چه کار داری؟ به خدا سوگند که من حاجتی دارم و سی سال است دعا می‌کنم ولی هرگز مستجاب نشده است. حضرت ابراهیمعلیه السلام به او گفت: آیا به تو خبر دهم کـه چـرا دعایت زندانی شده؟ گفت: آری.

ابراهیم گفت: خداوند عزیز و جلیل هر گاه بنده‌ای را دوست داشته باشد دعایش را پـیش خـود حبس می‌کند تا او بیشتر با او مناجات کند و از او بخواهد و طلب کند.

و هر گاه از بنده‌ای خوشش نیاید یا فوری دعایش را مستجاب می‌کند یا اینکه ناامیدی از اجابت را در دل او می‌اندازد.

سپس به عابد گفت: حالا بگو حاجتت چه بود؟

عابد گفت: گلّهٔ گوسفندی از کنار من رد شد و جوانی که موهایش بلند بود همراه با گلّه بود. به او گفتم: جوان، این گلّه از کیست؟

گفت: از ابراهیمعلیه السلام دوست خالص خداوند رحمٰن.

پس من [شوق دیدار او در دلم شعله‌ور شد و] گفتم: خداوندا! اگر تو در روی این زمین خاکـی دوستی داری او را به من نشان ده.

حضرت ابراهیمعلیه السلام فرمود: پس [بدان که] اینک دعایت مستجاب شد، من ابراهیم دوست خالص خداوند رحمن هستم.

عابد به پا خواست و دست در گردن ابراهیمعلیه السلام انداخت.

و چون حضرت محمّدﷺ به پیامبری مبعوث گشت «مصافحه» و دست دادن رسم شد.»

۹۲۵ (۱۴) محمّد بن عثمان بن سعید عمری در حدیثی نقل کرده: «روایت شدیم از عالِمعلیه السلام [حجّت آل محمّد(عج)] که آن حضرت فرمود: وقتی مؤمن دعا می‌کند خداوندعزّ و جلّ می‌فرماید: صدایـی است کـه دوست دارم آن را بشنوم، حاجتش را برآورید ولی آن را میان آسمان و زمین، آویزان نگاه دارید تا زیاد دعا کند به خاطر اشتیاقی که به او دارم.

و هر گاه کافر دعا می‌کند، خداوندعزّ و جلّ می‌گوید: صدایی است که خوش ندارم آن را بشنوم، حاجتش را برآورید و به سرعت به او بدهید تا دیگر صدایش را نشنوم و او به خواستهٔ خود مشغول شود و از خشوع کردن برای من باز داشته شود.»

۹۲۶ (۱۵) جابر بن عبدالله از رسول گرامی اسلامﷺ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «بـنده، خـدا را می‌خواند و خدا او را دوست دارد پس به جبرئیل می‌گوید: حاجت این بندهٔ مرا برآور ولی بـا تأخـیر. چون من دوست دارم پیوسته صدای او را بشنوم.

وانّ العبد ليدعوا اللّه عزّ وجلّ وهو يبغضه فيقول يا جبرئيل اقض لعبدي هذا حـاجته وعجّلها فانّي اكره ان اسمع صوته ـ **جامع الاخبار** ۳۷۰ روي جابر بن عبداللّه قـال قـال رسول اللّهﷺ انّ العبد ليدعوا اللّه وهو يحبّه فيقول (وذكر نحوه).

۹۲۷ ۳٦٤٨٨ (۱٦) **مستدرك** ۱۹٦/۵: الشيخ أبوالفتوح في تفسيره عن محمد بن المنكدر عن **جابر** بن عبداللّه الأنصاري [عن رسول اللّهﷺ أنّه قال] انّ العبد ليدعوا اللّه وهو يحبّه فيقول لجبرئيل يا جبرئيل اقض حاجته ولكن لا تعطها إلى الوقت الفلاني فانّي احبّ ان يكون صوته فـي بابي، ويكون عبد يسأل اللّه تعالىٰ حاجته فيقول اللّه يا جبرئيل اقض حاجته وعجّلها حتّى يذهب ولا يدعوني فانّي لا احبّ ان اسمع صوته.

۹۲۸ ۳٦٤٨۹ (۱۷) **كافي** ۴۹۰/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **عبداللّه** بن المغيرة عن غير واحد من أصحابنا قال قال أبو عبداللّهؑ انّ العبد الوليّ للّه يدعو اللّه عزّ وجلّ فـي الامر ينوبه[۱] فيقول للملك الموكّل به اقض لعبدي حاجته ولا تعجّلها فانّي اشتهي ان اسمع نداءه وصوته وانّ العبد العدوّ للّه ليدعو اللّه عزّ وجلّ في الامر ينوبه[۲] فيقال للملك الموكّل به اقض [لعبدي] حاجته وعجّلها فانّي اكره ان اسمع نداءه وصوته قال فيقول النّاس ما اعطي هذا الّا لكرامته ولا منع هذا الّا لهوانه.

۹۲۹ ۳٦٤۹۰ (۱۸) **التّمحيص** ۵۸: عن **ظريف** عن أبي عبداللّهؑ قال انّ العبد الوليّ (وذكر نحوه إلّا انّ فيه) فيقول النّاس ما اعطي هذا حاجته وحرم هذا إلّا لكرامة هذا علىٰ اللّه وهوان هذا عليه.

۹۳۰ ۳٦٤۹۱ (۱۹) **كافي** ۴۹۰/۲: الحسين بن محمد عن أحمد بن إسحاق عن سعدان بن مسلم عـن **إسحاق** بن عمّار عن أبي عبداللّهؑ قال انّ المؤمن ليدعو اللّه عزّ وجلّ في حاجته فيقول اللّه عزّ وجلّ اخّروا اجابته شوقاً إلى صوته ودعائه فإذا كان يوم القيامة قال اللّه عزّ وجلّ عبدي دعوتني فاخّرت اجابتك وثوابك كذا وكذا ودعوتني في كذا وكذا فاخّرت اجابتك وثوابك كذا وكذا قال فيتمنّىٰ المؤمن انّه لم يستجب له دعـوة فـي الدنـيا مـمّا يـرىٰ مـن حسن الثواب.

---

۱. ينوبه ـ خ. ۲. ينوبه ـ خ.

و بنده‌ای هم هست که خداوندﷻ را می‌خواند و خدا او را دوست ندارد پس خداوند می‌گوید: ای جبرئیل! حاجت این بندهٔ مرا برآور و در انجام آن تسریع کن چون من دوست ندارم صدای او را بشنوم.»

۹۲۷ (۱۶) جابر بن عبدالله انصاری از رسول اعظم اسلامﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بنده‌ای را که خدا دوست دارد چون خدا را می‌خواند، خداوند به جبرئیل می‌گوید: ای جبرئیل! حاجتش را برآور ولی نقداً دست نگه دار تا فلان وقت به او نده زیرا من دوست دارم صدایش را در دم دَرِ [خانه ام] بشنوم.

و بنده‌ای هم هست که از خداوند متعال حاجتی درخواست می‌کند و خداوند می‌گوید: ای جبرئیل! حاجتش را برآور و در انجام آن تسریع نما تا اینکه برود و مرا نخواند چون من دوست ندارم صدایش را بشنوم.»

۹۲۸ (۱۷) عبدالله بن مغیره با واسطه از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «بنده‌ای دوست خداست، خداوندﷻ را در کاری که برایش پیش آمده، می‌خواند و خداوند به فرشته‌ای کـه بـر او مـوکّل است فرمان می‌دهد که حاجت بندهٔ مرا برآور ولی عجله نکن زیرا من میل دارم که ندای او و صدای او را بشنوم.

حضرت فرمود: مردم [که از حقیقت ماجرا خبر ندارند قضاوت ناعادلانه می‌کنند و] می‌گویند: اگر حاجت این شخص برآورده شد به خاطر خوب بودن و بزرگوار بودن اوست و اگر حاجت این یکی داده نشد به خاطر خوار و بی مقدار بودن اوست.»

۹۲۹ (۱۸) ظریف همین روایت سابق را از امام صادقؑ نقل کرده با این تفاوت که در آخر آن ذکر کرده: «پس مردم می‌گویند: این شخص که حاجتش برآورده شد چون پیش خداوند، احترام دارد و این شخص که حاجتش برآورده نشد به خاطر این است که این شخص پیش خدا خوار و بی مقدار است.»

۹۳۰ (۱۹) اسحاق بن عمار از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «مؤمن به خاطر خواسته‌ای که دارد خدایﷻ را می‌خواند پس خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: به خاطر اشتیاقی که به صدای او و دعای او دارم اجابتش را به تأخیر اندازید.

پس چون روز قیامت شود خدای عزیز و جلیل می‌فرماید: بندهٔ من! تو مرا خواندی و من اجابتت را به تأخیر انداختم و اینک پاداش تو فلان چیز و فلان چیز است و [در فلان وقت] دعا کردی و من باز اجابت تو را به تأخیر انداختم. اینک به خاطر آن تأخیر، پاداش تو فلان نعمت و فلان نعمت است.

حضرت فرمود: در آنجا مومن آرزو می‌کند که ای کاش هیچ یک از دعاهایش در دنیا، مستجاب نشده بود.»

۹۳۱ ٢٦٤٩٢ (٢٠) **فقه الرضا**ؑ ۳۴۵: انّ اللّه يؤخّر اجابة المؤمن شوقاً إلى دعائه ويقول صوت احبّ ان اسمعه ويعجّل اجابة دعاء المنافق ويقول صوت اكره سماعه.

۹۳۲ ٢٦٤٩٣ (٢١) **كتاب المؤمن** ۲۴: عن **الصّباح** بن سيّابة قال قلت لأبي عبداللّه ؑ ما اصاب المؤمن من بلاء فبذنب قال لا ولكن ليسمع أنينه وشكواه ودعاؤه الذي يكتب له بالحسنات و تحطّ عنه السيّئات وتدّخّر (تذخر ـ خ) له يوم القيامة.

۹۳۳ ٢٦٤٩٤ (٢٢) **وفيه** ۲۵: عن أبي جعفر ؑ قال انّ اللّه عزّ وجلّ إذا احبّ عبداً غتّه بالبلاء غتّاً و ثجّه[1] بالبلاء ثجّاً فإذا دعاه قال لبّيك عبدي لبّيك عبدي لئن عجّلت لك ما سألت انّي علىٰ ذلك لقادر ولئن ذخرت لك فما ادخّرت لك خير لك.

۹۳٤ ٢٦٤٩٥ (٢٣) **فضائل الشّيعة** ۳۴: للصّدوق ؒ باسناده عن **محمد** بن مسلم عن أبي جعفر ؑ قال انّ اللّه عزّ وجلّ يعطي الدّنيا من يحبّ ويبغض ولا يعطي الآخرة الّا من أحبّ.

وانّ المؤمن ليسأل ربّه موضع سوط من الدنيا فلا يعطيه ويسأله الآخرة فيعطيه مايشاء (شاء ـ خ) ويعطي الكافر من الدنيا قبل ان يسأله ما يشاء (شاء ـ خ) ويسأله موضع سوط في الآخرة فلا يعطيه ايّاه.

۹۳۵ ٢٦٤٩٦ (٢٤) **روضة الواعظين** ۵۷۸: وقال ؐ لعن اللّه المبترين ثلاثاً قيل يا رسول اللّه من هم قال الذين يقنطون النّاس من رحمة اللّه.

قال اللّه تعالىٰ لموسىٰ ؑ استغاث بك قارون فلم تغثه فوعزّتي لو استغاث بي لأغـثته وعفوت عنه.

---

۱. غتّه: أي غمسه ـ أي أهزله ـ ثجّه: أسال عليه البلاء سيلاً.

۹۳۱ (۲۰) در کتاب فقه الرضاؑ آمده است: «خداوند به خاطر علاقه‌ای که به شنیدن دعای مؤمن دارد، اجابتش را به تأخیر می‌اندازد و می‌فرماید: صدایی است که دوست دارم آن را بشنوم ولی دعای منافق را به سرعت مستجاب می‌کند و می‌فرماید: صدایی است که از شنیدن آن اکراه دارم.»

۹۳۲ (۲۱) صباح بن سیابه گوید: «به امام صادقؑ عرض کردم: آیا هر بلایی به مؤمن می‌رسد به خاطر گناهی است که مرتکب شده؟ حضرت فرمود: نه، بلکه به خاطر این است که نالهٔ او، شکایتش و دعایش را بشنود و برایش حسناتی نویسد و گناهانش را بریزد و آن را ذخیرهٔ آخرتش قرار دهد.»

۹۳۳ (۲۲) در کتاب المؤمن از امام باقرؑ روایتی نقل شده که آن بزرگوار فرمود: «خداوندﷻ وقتی بنده‌ای را دوست دارد او را در [دریای] بلا غوطه‌ور می‌کند و [چون باران] بر سر او بلا ببارد. پس چون او را بخواند، گوید: بله بله بندهٔ من، بله بله بندهٔ من. هر آینه من توانا هستم که فوراً خواستهٔ تو را برآورده کنم ولی اگر برایت ذخیره کنم پس آن چیزهایی که برایت ذخیره می‌کنم، برای تو بهتر است.»

۹۳۴ (۲۳) محمد بن مسلم از امام باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند ارجمند جلیل القدر دنیا را هم به کسی می‌دهد که او را دوست دارد و هم به کسی می‌دهد که او را دشمن دارد ولی آخرت را جز به دوست خود ندهد و مؤمن از پروردگارش به اندازهٔ یک تازیانه [حدود دو سه ذرع] مکان [برای سکونت] درخواست می‌کند ولی خداوند به او نمی‌دهد و از پروردگار، آخرت را درخواست می‌کند پس هر چه بخواهد به او می‌دهد.

و به کافر پیش از اینکه درخواست کند آنچه دنیا بخواهد می‌دهد و به اندازهٔ طول یک تازیانه در آخرت [در بهشت] جا بخواهد به او نخواهد داد.»

۹۳۵ (۲۴) در کتاب روضة الواعظین از رسول خداﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «خداوند لعنت کند هلاک کنندگان را و سه بار این جمله را تکرار کرد. از حضرت پرسیدند: ای پیامبر خدا! هلاک کنندگان چه کسانی هستند؟

حضرت فرمود: کسانی که مردم را از رحمت خدا ناامید می‌کنند.

خداوند بلند مرتبه به حضرت موسیؑ فرمود: قارون [در هنگام فرو رفتن به زمین] از تو کمک خواست ولی تو به فریادش نرسیدی و او را کمک نکردی. سوگند به عزّتم اگر از من کمک خواسته بود قطعاً او را یاری می‌کردم و او را می‌بخشیدم.»

وتقدّم في رواية (۳) وصيّة عليﷺ للحسنﷺ من باب (۲) بثّ الحوائج إلى اللّـه مـن أبواب الدعاء قولهﷺ فلا يقنطك ابطاء اجابته. فانّ العطيّة علىٰ قدر النيّة.

وربّما اخّرت عنك الإجابة ليكون لك أعظم لأجر السائل واجزل لعطاء الآمل وربّـما سألت الشيء فلا تؤتاه واوتيت خيراً منه عاجلاً أو آجلاً او صرف عنك لما هو خير لك.

وفي حديث باب (۱۴) استحباب الإلحاح في الدعاء مايناسب الباب.

(۱۶)

باب ماورد في أنّ دعوة العبد سرّاً تعدل سبعين دعوة علانية

۹۳۶ ۳۶۴۹۷ (۱) **الثواب** ۱۹۳: حدّثني محمد بن الحسنﷺ قال حدّثني محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد **كافي** ۲/ ۴۷۶: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن أبي همام **إسماعيل** بن همام **فلاح الســائل** ۲۶ عن الحسين بن سعيد عن اسماعيل بن همّام عن أبي الحسن الرّضاﷺ قال دعوة العبد سرّاً دعوة واحدة تعدل سبعين دعوة علانية.

۹۳۷ ۳۶۴۹۸ (۲) **كافي** ۲/ ۴۷۶ **وفي** رواية أخرىٰ دعوة تخفيها افضل عنداللّه من سبعين دعوة تظهرها.

وتقدّم في أحاديث باب (۱۳) علامة المرائي واستحباب العبادة في السرّ مـن أبـواب المقدّمات ج ۱ ما يناسب ذلك فراجع.

(۱۷)

باب انّ من قال بعدما دعا ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة إلّا باللّه واستسلم لأمر اللّه قضيت حاجته وأُتِيَ بالنصر

۹۳۸ ۳۶۴۹۹ (۱) **كافي** ۲/ ۵۲۱: محمد بن يحييٰ عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن علي بن الحكـم عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه ﷺ قال إذا دعا الرجل فقال بعد ما دعا ما شاء اللّـه لا حول ولا قوّة الّا باللّه قال اللّه عزّ وجلّ استبسل[۱] عبدي واستسلم لامري اقضوا حاجته.

---

۱. اي استقتل.

ارجاعات

گذشت:

در روایت سوم از باب دوم از باب‌های دعا فرموده امامعليه السلام که: «تأخیر در اجابت دعا تو را ناامید نکند چون عطای الهی به اندازهٔ نیّت است. و بسا که اجابت دعایت به تأخیر می‌افتد تا پاداش دعا کننده بیشتر و عطای آرزو کننده فراوان‌تر گردد.

و چه بسا هم که چیزی که از خدا خواسته‌ای به تو داده نمی‌شود ولی چیز دیگری به تو داده شود که برای دنیا و آخرتت بهتر باشد یا بلایی از تو دفع می‌شود که دفع او مهمتر و ارزشمندتر از این نعمتی است که خواسته‌ای.»

و در روایت باب چهاردهم آنچه مناسب با این باب است.

باب ۱۶

دعا در خلوت

۹۳۶ (۱) اسماعیل بن همّام از امام رضاعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «یک دعای پنهانی بنده در خلوت معادل هفتاد دعای آشکار در جلوت است.»

۹۳۷ (۲) در اصول کافی روایتی نقل شده که: «یک دعایی که آن را در خفا بخوانی نزد خداوند، از هفتاد دعایی که آشکارا بخوانی، بهتر است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب سیزدهم از باب‌های مقدمات آنچه مناسب آن است پس مراجعه کن.

باب ۱۷

گفتن «لا حول و لا قوّة الّا بالله» بعد از دعا

۹۳۸ (۱) هشام بن سالم از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه دعا کننده بعد از دعا بگوید: «ما شاء الله لا حول و لا قوّة الّا بالله»[1] خداوند﷯ می‌فرماید: بندهٔ من تن به مرگ داد و تسلیم فرمان من شد، حاجتش را برآورید.»

---

۱. یعنی: آنچه خدا بخواهد همان خواهد شد توان و نیرویی نیست مگر اینکه از خدا و وابستهٔ به خداست.

۹۳۹ ۲۶۵۰۰ (۲) **المحاسن** ۴۲: البرقي قال حدّثني **يحيىٰ** ابن أبي بكر عن بعض اصحابه قال قال أبو عبداللّه ﷺ إذا قال العبد ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة إلّا باللّه قال اللّه ملائكتي استسلم عبدي اعينوه ادركوه اقضوا حاجته.

۹۴۰ ۲۶۵۰۱ (۳) **امالي الصدوق** ۱۶۶: حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد قال حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار عن سلمة بن الخطّاب **الثواب** ۲۴: أبي ﷺ قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن سلمة بن الخطّاب عن إبراهيم بن محمد عن عمران الزعفراني عن الصادق جعفر بن محمد[1] ﷺ قال ما من رجل دعا فختم (دعائه ـ امالي) يقول ما شاء اللّه (لاحول و ـ ثواب) لاقوّة إلّا باللّه إلّا اجيب صاحبه[2].

۹۴۱ ۲۶۵۰۲ (۴) **تنبيه الخواطر** ۱۶: عن أبي عبداللّه ﷺ قال بعث اللّه نبيّاً إلى قوم فشكا إلى اللّه الضعف فأوحىٰ اللّه عزّ وجلّ إليه انّ النصر يأتيك بعد خمس عشر سنة فقال لأصحابه انّ اللّه عزّ وجلّ امرني بقتال بني فلان فشكوا إليه الضعف فقال لهم انّ اللّه أوحىٰ اليّ انّ النصر يأتيني بعد خمس عشر سنة فقالوا ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة الّا باللّه قال فأتاهم اللّه بالنصر في سنتهم تلك لتفويضهم إلى اللّه لقولهم ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة إلّا باللّه.

۹۴۲ ۲۶۵۰۳ (۵) **اثبات الوصية** ۴۴: (في سياق قصّة موسىٰ ﷺ) فروي انّه تعالىٰ انّما عنىٰ بقوله فاخلع نعليك اردد صفور[3] إلى شعيب فرجع فردّها وخرج إلى مصر بعد غيبته بضع عشر سنة وقد كان طال علىٰ الشيعة الإنتضار بعد ان رأوا موسىٰ ﷺ فاجتمعوا إلى فقيههم وعالمهم فسألوه الخروج معهم إلى موضع يحدّثهم فيه.

فخرج بهم إلى الصحراء وقعد يحدّثهم وقال لهم انّ اللّه جلّ وعلا اوحىٰ اليّ ان يفرّج عنكم بعد اربعة اشهر فقالوا ما شاء اللّه.

فقال لهم انّ اللّه اوحىٰ اليّ ان يفرّج عنكم بقولكم ما شاء اللّه ثلاثة اشهر.

---

۱. عن أبي عبداللّه ـ ثواب. ۲. اجيبت حاجته ـ ثواب. ۳. صفراء ـ ك.

۹۳۹ (۲) یحیی بن ابی بکر با یک واسطه از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه بنده می‌گوید: «ما شاء الله لا حول و لا قوّة الّا بالله» خداوند می‌فرماید: ای فرشتگان من! بنده‌ام تن به مرگ داده، به او کمک کنید، او را دریابید، حاجتش را برآورید.»

۹۴۰ (۳) عمران زعفرانی از جعفر بن محمّد امام صادق‌ﷺ روایت می‌کند که: «کسی نیست که دعا کند و در پایان بگوید: «ما شاءِ اللهُ لا قوّةَ الّا بِالله» نگوید مگر آنکه دعایش اجابت شود.»

۹۴۱ (۴) در کتاب تنبیه الخواطر از امام صادق‌ﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «خداوند پیامبری را برای قومی فرستاد پس آن پیامبر نزد خداوند از ضعف و ناتوانی خود شکایت کرد.

خداوند عزیز و جلیل به او وحی کرد که پانزده سال دیگر یاری ما فرا رسد و تو پیروز می‌شوی.

پس آن پیامبر به اصحاب خود گفت: خداوندﷻ به من فرمان داده تا با قبیلهٔ بنی فلان بجنگم.

اصحاب آن پیامبر اظهار عجز و ناتوانی کردند. پیامبرشان گفت: خداوند به من وحی کرد که پانزده سال دیگر ما پیروز می‌شویم.

اصحاب و یارانش گفتند: «ما شاء الله لا حول و لا قوّة الّا بالله» پس خداوند در همان سال آن‌ها را یاری کرد و پیروز شدند و این پیروزی به خاطر این بود که کار خود به خدا واگذار کردند و گفتند: هر چه خدا بخواهد، توان و نیرویی نیست مگر از سوی خدا و وابستهٔ به خدا.»

۹۴۲ (۵) در کتاب اثبات الوصیّه در ضمن بیان داستان حضرت موسی‌ﷺ روایتی نقل شده که: «مقصود خداوند متعال از «فَاخْلَع نعلَیک[۱]» این است که «صفور» [همسرت] را به سوی «شعیب» [پدرش] برگردان. حضرت موسی‌ﷺ این کار را انجام داد و «صفور» را به پیش «شعیب» برد و خود که ده سال و اندی از مصر بیرون رفته بود به مصر برگشت.

پیروان وگروندگان به موسیﷺ پس از اینکه موسی‌ﷺ را دیده بودند و به او گرویده بودند سال‌های طولانی به انتظار بازگشت موسی، نشسته بودند تا اینکه نزد فقیه و عالم‌شان جمع شدند و از او خواستند که به همراه آن‌ها به یک مکان [خلوت و دور از فرعون و فرعونیان] بیاید تا بتواند برای آن‌ها حرف بزند.

پس به بیابان درآمدند و عالِم نشست و برای آن‌ها سخنرانی کرد و گفت: خداوند جَلّ و علا به من وحی کرد که پس از چهار ماه دیگر فَرَج حاصل شود [و شما به دیدار موسی‌ﷺ نائل آیید] آن‌ها گفتند: «ما شاء الله» یعنی هر چه خدا بخواهد.

آن عالم به آن‌ها گفت: خداوند هم اکنون به من وحی کرد که به خاطر این سخن‌تان که گفتید: «ما شاءَ الله» [که حاکی از تسلیم در مقابل خواست الهی است] سه ماه دیگر در کار شما گشایش آورد.

---

۱. طٰهٰ ۱۲/۲۰. معنی آیه به صورت کامل این است: در حقیقت من پروردگار تو هستم پس کفش‌هایت را بکن به راستی که تو در وادی مقدّسی هستی.

فقالوا كل نعمة من اللّه.

فقال لهم انّ اللّه اوحى اليّ ان يفرّج عنكم بقولكم كلّ نعمة من اللّه شهرين.

فقالوا لا يأتي بالخير إلّا اللّه.

فقال لهم انّ اللّه جلّ جلاله اوحىٰ اليَّ ان يفرّج بما قلتم بعد شهر.

فقالوا لا يصرف السوء إلّا اللّه.

فقال لهم انّ اللّه قد اوحىٰ اليّ بانّه يفرّج عنكم إلى جمعة بما قلتم.

فقالوا حسبنا اللّه ونعم الوكيل.

فقال لهم انّ اللّه اوحىٰ اليّ ان يفرّج عنكم في هذا اليوم فانتظروا الفرج.

فقالوا الحمد للّه ربّ العالمين فجلسوا ينتظرون اذا قبل موسىٰ عليه السلام بيده العصا وعليه مدرعة صوف (إلى ان قال ص ۴۶).

اشتدّت المحنة علىٰ بني اسرائيل بعد ظهور موسىٰ عليه السلام وكانوا يضربون ويحمل عليهم الحجارة والماء والحَطَب فصاروا إلى موسىٰ فقالوا له كنّا نتوقع الفرج فلمّا فرّج عنّا بك غلظت المحنة علينا فناجىٰ موسى ربّه في ذلك.

فأوحىٰ اللّه إليه عرّف بني اسرائيل أنّى مهلك فرعون بعد اربعين سنة فاخبرهم بذلك فقالوا ما شاء اللّه كان.

فأوحىٰ اللّه إليه عرّفْهُم انّي نقّصت من مدة فرعون بقولهم ما شاء اللّه كان عشر سنين وانّي مهلكه بعد ثلاثين سنة فقالوا كلّ نعمة من اللّه. فأوحىٰ اللّه إلى موسى انّي نقصت من أيّامه لقولهم[1] كلّ نعمة من اللّه، عشر سنين وانّي مهلكه بعد عشرين سنة فقالوا لا يأتي بالخير الّا اللّه.

فأوحىٰ اللّه قد نقّصت من أيّامه بقولهم لا يأتى بالخير إلّا الله عشر سنين و أنّي مهلكه بعد عشر سنين فقالوا لا يصرف السوء إلّا الله.

---

۱. بقولهم ـ خ.

پس آن‌ها در جواب گفتند: «کلُّ نعمةٍ مِنَ الله» یعنی هر نعمتی از سوی خداوند است.

پس عالم به آن‌ها گفت: خداوند به من وحی فرمود که به خاطر این حرف‌تان کـه گـفتید: «هـر نعمتی از سوی خداست،» دو ماه دیگر خواستهٔ شما را تحقق بخشد.

پس آن‌ها گفتند: «لا یَأتی بِالْخَیر إلّا الله» یعنی: خیر و خوبی را جز خدا نیاورد.

پس به آن‌ها گفت: خداوند وحی کرد که به خاطر این حرفی که زدید، یک ماه دیگر شما را بـه خواسته‌تان برساند.

آن‌ها گفتند: «حَسبُنا اللهُ و نِعمَ الوکیل» یعنی: خدا ما را بس است و او خوب وکیلی است.

پس عالم به آن‌ها گفت: به راستی خدا هم اکنون به من وحی کرد که همین امروز در کار شما گشایش آورد پس منتظر فَرَج باشید. پس آن‌هـا گـفتند: «الحـمدُ لله ربِّ العـالَمینَ» یـعنی: سـپاس خداوندی را که جهانیان را او اداره می‌کند.

ناگاه دیدند حضرت موسی علیه السلام عصایی در دست و پشمینه‌ای در بر آمد.

(تا اینکه در دنبالهٔ روایت فرموده:)

بنی اسرائیل پس از ظهور حضرت موسی علیه السلام سخت در تنگنا قرار گرفتند و آن‌هـا را فـرعونیان کتک می‌زدند و بر دوش آن‌ها سنگ و آب و هیزم حمل می‌کردند. پس به خدمت موسی رسیدند و گفتند: ما، در انتظار فَرَج بودیم و چون خداوند با آمدن تو، فَرَج فرستاد، محنت و زحمت ما بیشتر شد.

پس حضرت موسی علیه السلام با پروردگار خود مناجات کرد و در این باره سخن گفت.

خداوند به او وحی کرد: بنی اسرائیل را آگاه کن که پس از چهل سال دیگر من فرعون را نابود خواهم کرد.

آن‌ها در جواب گفتند: آنچه خدا خواست همان می‌شود.

پس خداوند به موسی وحی کرد: به خاطر این حرف‌شان که گفتند: آنـچه خـدا خـواست هـمان می‌شود، ده سال از عمر فرعون کاستم و پس از سی سـال دیگـر او را هـلاک خـواهـم کـرد. پس بنی‌اسرائیل گفتند: هر نعمتی از آنِ خداست.

پس خداوند به موسی وحی کرد که به خاطر این سخن‌شان که گفتند: هر نعمتی از آنِ خداست، ده سال دیگر از زمان سلطنت فرعون کاستم و پس از بیست سال دیگر او را هلاک خواهم کرد.

پس گفتند: جز خدا کسی نتواند خیری به کسی رساند.

پروردگار به موسی وحی کرد که به خاطر این اعتقادشان که سرچشمهٔ همهٔ خیرها خـداست، ده سال دیگر از روزگار فرعون کاهش دادم و ده سال دیگر او را به [دریای] هلاکت خواهم انداخت. پس بنی اسرائیل گفتند: جز خدا کسی نتواند بدی را برطرف کند.

فاوحیٰ الله قد بترت عمره ومحقت أيّامه بقولهم لايصرف السّوء إلّا فأخرج بني اسرائيل من مصر فعذّب موسىٰ عليه السلام فرعون قبل ان يخرج من مصر الخ.

(۱۸)

باب ماورد في مراعاة الاعراب في الدعاء والقرائة المستحبّين وتجنّب اللّحن فيهما

وتقدّم في أحاديث باب (۲۶) انّه من لا يحسن ان يقرء القرآن اجزئه ان يكبّر ويسبّح ويصلّي من أبواب القرائة في الصلاة مايدلّ علي ذلك.

وفي رواية عِدّة الدّاعي (۳) من باب (۲) ماورد في تعلّم القرآن بالعربيّة قوله جعلت فداك قد علمت فضله عند النّاس في النادي والمجالس فما فضله عند اللّه عزّ وجلّ قال عليه بقرائة القرآن كما انزل ودعائه اللّه من حيث لا يلحن وذلك انّ الدعاء المحلون لا يصعد إلى اللّه عزّ وجلّ.

(۱۹)

باب ماورد في إجابة الدعاء عند هبوب الرّياح وزوال الشّمس ونزول المطر والتقاء الجُيوش وقتل الشهيد وصياح الدّيك واقتران المشتري ورأس الذّنب وذكر الصّالحين وقرائة القرآن وظهور الآيات والأذان وإقامة الصّلاة وعقيبها وعند الإفطار والإضطرار وفي خمسة عشر موضعاً في مكّة وغيرها ممّا ذكر في الباب

۹۴۳ ۲۶۵۰٤ (۱) **كافي** ۲/ ۴۷۶: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن يحيىٰ بن إبراهيم ابن أبي البلاد عن أبيه عن زيد الشّحام قال قال أبو عبداللّه عليه السلام اطلبوا الدّعاء في اربع ساعات عند هبوب الرياح وزوال الأفياء ونزول القطر واوّل قطرة من دم القتيل المؤمن فانّ أبواب السّماء تفتح عند هذه الاشياء.

پس خداوند به حضرت موسیؑ وحی کرد که عمر فرعون به پایان آمد و روزگارش به نیستی گرایید، به خاطر این حرف بنی اسرائیل که: جز خدا کسی، بدی رابرطرف نکند.» پس بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون ببر و هنوز موسی از مصر خارج نشده بود که عذاب، دامنگیر فرعون شد.»

باب ۱۸
درست خواندن دعا

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب بیست و ششم از باب‌های قرائت در نماز آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب دوم این گفته که: «فدایت شوم! من فضیلت و ارزشمندی درست خواندن را در مجالس، پیش مردم می‌دانم ولی شما بفرمایید که پیش خدا چه فضیلتی دارد؟

حضرت فرمود: باید قرآن را همان گونه که نازل شده، خواند و دعا را بدون اشتباه خواند چون دعای معیوبِ اشتباه به سوی خداوندﷻ، بالا نمی‌رود.»

باب ۱۹
مظانّ استجابت دعا

(۱) زید شحّام از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در چهار وقت به دعا ۹۴۳
بپردازید: [اوّل] در وقت وزیدن بادها [دوّم] در وقت رفتن سایه‌ها یعنی: ظهر [سوّم] در هنگام باریدن باران [چهارم] در هنگامی که اوّلین قطرهٔ خون شهید بر زمین می‌ریزد زیرا درهای آسمان در این اوقات باز می‌شود.»

۹۴۴ ۲۶۵۰۰ (۲) **كافي** ۴۷۷/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن أبي عبداللّه ؛ قال قال أمير المؤمنين ؛ اغتنموا الدعاء عند اربع عند قراءة القرآن وعند الأذان وعند نزول الغيث وعند التقاء الصفّين للشهادة.

۹۴۵ ۲۶۵۰۶ (۳) **امالي الصدوق** ۹۷: حدّثنا الحسين بن أحمد قال حدّثنا أبي قال حدّثنا إبراهيم بن هاشم عن الحسين بن يزيد النوفلي عن **إسماعيل** بن أبي زياد السكوني عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن عليّ ؛ قال اغتنموا الدعاء عند خمسة مواطن عند قرائة القرآن وعند الاذان وعند نزول الغيث وعند التقاء الصفّين للشهادة وعند دعوة المظلوم فانّه (فانّها ـ خ ل) ليس لها حجاب دون العرش امالي الصدوق ۲۱۸: حدّثنا أبي قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن عبداللّه بن محمد بن عيسىٰ عن أبيه عن ابن المغيرة عن **السكوني** عن جعفر بن محمد عن أبيه ؛ قال اغتنموا الدعاء عند خمس عند قرائة القرآن (وذكر مثله) **الجعفريات** ۲۳۵: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالب ؛ انه قال اغتنموا الدعاء عند خمس مواطن (وذكر مثله).

۹۴۶ ۲۶۵۰۷ (۴) **الخصال** ۳۰۳: حدّثنا أبي ؛ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه قال حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن ابن يحيىٰ عن جدّه الحسن بن راشد عن أبي بصير **ومحمد** بن مسلم عن أبي عبداللّه ؛ قال حدّثني أبي عن جدّي عن آبائه ؛ انّ أميرالمؤمنين ؛ قال فيما علّم اصحابه تفتح أبواب السّماء في خمسة مواقيت عند نزول الغيث وعند الزحف وعند الأذان وعند قرائة القرآن ومع زوال الشمس وعند طلوع الفجر وفيه ۶۱۸: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن عليّ ؛ في حديث الاربعمأة (مثله).

۹۴۷ ۲۶۵۰۸ (۵) **مستدرك** ۱۹۸/۵: **العلامّة الكراجكي** في معدن الجواهر عنهم ؛ من كان له إلى اللّه حاجة فليطلبها في ستة اوقات عند الاذان وعند زوال الشمس وبعد المغرب [وفي الوتر] وبعد صلاة الغداة وعند نزول الغيث.

۹۴۸ ۲۶۵۰۹ (۶) **كافي** ۴۷۷/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن جميل بن درّاج عن عبداللّه عن **عطاء** عنم أبي جعفر ؛ قال كان أبي إذا كانت له إلى اللّه حاجة طلبها في هذه الساعة يعني زوال الشمس.

۹۴۴ (۲) سکونی از حضرت صادق﴿ع﴾ روایت کرده که حضرت فرمود: «امیر المؤمنین علی﴿ع﴾ فرمود: در چهار موقع، دعا را غنیمت بدانید: هنگام خواندن قرآن، وقت گفتن اذان، هنگام باریدن باران و هنگامی که صف دشمن با صف مسلمانان شهادت طلب [در جنگ] به هم می‌رسند.»

۹۴۵ (۳) اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از حضرت صادق﴿ع﴾ و او از پدرش و او از پدرانش و آن‌ها از علی﴿ع﴾ روایت کرده‌اند که حضرت فرمود: «در پنج مورد، دعا را غنیمت دانید: در هنگام خواندن قرآن، در وقت گفتن اذان، در هنگام باریدن باران، در هنگام تلاقی دو صف، دعا برای شهید شدن و دعای مظلوم زیرا برای دعای مظلوم حجابی جز عرش نیست.»

۹۴۶ (۴) محمّد بن مسلم از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که فرمود: «پدرم از جدّم و او از پدرانم روایت کرده که فرمودند: «از جمله تعلیمات امیرالمؤمنین علی﴿ع﴾ به اصحابش این بود که فرمودند: درهای آسمان در پنج وقت گشوده شود: هنگام باریدن باران، در میان لشگر، در هنگام گفتن اذان، در وقت خواندن قرآن و در ظهر و در هنگام طلوع سپیده دم.»

۹۴۷ (۵) علامه کراجکی در کتاب معدن الجواهر روایتی از ائمهٔ معصومین﴿ع﴾ نقل کرده که فرموده‌اند: «هر کس را حاجتی به سوی خداست پس باید حاجت خود را در شش وقت بخواهد: در وقت اذان، ظهر، پس از غروب خورشید، در نماز «وَتْر»، پس از نماز صبح و در هنگام باریدن باران.»

۹۴۸ (۶) عطاء از امام محمّد باقر﴿ع﴾ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه پدرم [امام سجّاد﴿ع﴾] حاجتی به درگاه الهی داشت در چنین ساعتی آن را از خداوند درخواست می‌کرد یعنی در ظهر.»

۹۴۹ ۲۶۵۱۰ (۷) **عُدَة الدّاعـي** ۴۶: عن الصادق ﷺ إذا زالت الشمس فتحت أبواب السّـماء وأبـواب الجنان وقضيت الحوئج العظام فقلت من ايّ وقت فقال ﷺ مقدار [بمقدار] ما يصلّي الرجل اربع ركعات مترسّلاً ـ **وتقدّم** في رواية عبداللّه بن حمّاد (۲) من باب (۱۴) استحباب الدعاء والعمل الصالح عند زوال من أبواب مواقيت الصلاة (نحوه).

۹۵۰ ۲۶۵۱۱ (۸) **المكارم** ۳۱۷: عن أبي جعفر ﷺ قال اطلب الإجابة (الحـاجة ـك) عـند اقشـعرار الجلد وعند افاضة العبرة وعند قطر المطر وإذا كانت الشمس في كبد السّماء او قـد زاغت فانها ساعة تفتح فيها أبواب السّماء ويرجى فيها العون من الملائكة والإجابة من اللّه تبارك وتعالىٰ.

۹۵۱ ۲۶۵۱۲ (۹) **الثواب** ۱۳۰: حدّثني محمد بن عليّ ماجيلويه ﷺ عن عمّه محمد بن أبي القاسم عن أحمد بن أبي عبداللّه عن **علي** بن اسباط يرفعه إلى أمير المؤمنين ﷺ قال من قرأ مأة آية من القرآن من أيّ القرآن شاء ثمّ قال يا اللّه سبع مرّات فلو دعا علىٰ الصخرة لقلعها ان شاء اللّه.

۹۵۲ ۲۶۵۱۳ (۱۰) **مستدرك** ۱۹۸/۵: **الشيخ إبراهيم** الكفعمي في البلد الأمين عـن النـبيّ ﷺ اطـلبوا الدّعاء عند التقاء الجيوش وإقامة الصّلاة ونزول الغيث وصياح الديكة الخبر.

۹۵۳ ۲۶۵۱۴ (۱۱) **الخصال** ۴۸۸: حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل ﷺ قال حدّثنا علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد ابن أبي عبداللّه البرقي عن أبيه عن محمد بن أبي عمير عن **ابان** عن أبي عبداللّه ﷺ قال ساعات الليل اثنتا عشرة ساعة وساعات النهار اثـنتا عشـرة سـاعة وافضل ساعات اللّيل والنهار اوقات الصلاة ثمّ قال ﷺ انّه إذا زالت الشمس فتحت أبـواب السّماء وهبت الرياح ونظر اللّه عزّ وجلّ إلى خلقه وانّي لأحبّ ان يصعد لي عند ذلك إلى السّماء عمل صالح ثمّ قال عليكم بالدعاء في ادبار الصّلاة فانّه مستجاب.

۹۴۹ (۷) در کتاب عدّة الداعی از امام صادقؑ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «هر گاه خورشید به وسط آسمان می‌رسد در هنگام ظهر، درهای آسمان و درهای بهشت باز شده و حاجت‌های بزرگ برآورده گردد.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: از کی؟ [و تا کی؟]

حضرت فرمود: به اندازه‌ای که انسان چهار رکعت نماز با تأنّی بخواند.»

در روایت دوم از باب چهاردهم از باب‌های مواقیت نماز مانند آن هست.

۹۵۰ (۸) در کتاب مکارم الاخلاق روایتی از امام باقرؑ نقل شده که حضرت فرمود: «در جستجوی اجابت دعا باش در وقت لرزیدن بدن از خوف خدا و در هنگام سرازیر شدن اشک و در وقت باریدن باران و در وقتی که خورشید به دل آسمان رسد [یعنی وقت ظهر] یا کمی به سمت مغرب متمایل شود زیرا آن وقت، وقتی است که درهای آسمان گشوده شود و از فرشتگان امید کمک و از خداوند تبارک و تعالی امید اجابت برده شود.»

۹۵۱ (۹) علی بن اسباط با واسطه از امیرمؤمنان علیؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس صد آیه از قرآن بخواند، از هر جای قرآن که دلش می‌خواهد، سپس هفت بار بگوید: «یا الله» اگر تخته سنگ عظیمی را نفرین کند او را به خواست خدا از جا برکند.»

۹۵۲ (۱۰) شیخ ابراهیم کفعمی در البلد الامین از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که فرمود: «در وقت تلاقی و برخورد لشگرها و در وقت برپا شدن نماز و باریدن باران و بانگ خروس، به دنبال دعا باشید.»

۹۵۳ (۱۱) ابان از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «شب، دوازده ساعت است و روز، دوازده ساعت است و بهترین ساعات شب و روز، اوقات نماز است.

سپس حضرت فرمود: هر گاه ظهر شود، درهای آسمان گشوده شود و نسیم [رحمت] وزیده و خداوند عزیز و جلیل به آفریدگانش نظر رحمت فرماید و من دوست دارم در چنین وقتی، یک کار شایسته‌ای از جانب من به سوی آسمان بالا رود.

سپس حضرت فرمود: بر شما باد دعا کردن بعد از نمازها که مستجاب خواهد شد.»

۹۵۴ (۱۲) **البحار** ۳۴۸/۹۳: ورأيت في [مجموعة] بخطّ بعض الأفاضل والظّاهر انّه نقله من
۲۶۵۱۵ مجموعة قد كان جميعها بخطّ الشيخ شمس الدين محمد الجباعي جدّ شيخنا البهائي وهو قد نقلها من خطّ الشهيد قدّس اللّه ارواحهم الشريفة وقد اورده الكفعميّ ايضاً في البلد الأمين ما هذه صورته إجابة الدعاء للوقت والحال والمكان وعبادة الاركان والأسماء العظام.

فالوقت السحر لقصّة يعقوب عليه السلام.

وقيل اخّرهم إلى غيبوبة القمر ليلة العاشر من الشهر.

وقيل إلى ليلة الجمعة وعند الزوال ورد إذا زالت الأفياء وراحت الارواح اي هبّت الرياح فارغبوا إلى اللّه في حوائجكم فتلك ساعة الاوّابين.

وبين العِشائين.

وروي من دعا بينهما لم يردّ دعاؤه.

وآخر الليل لما روي انّه يقال هنالك هل من داع فاستجيب له هل من مستغفر فاغفر له.

وعند الإفطار.

وآخر ساعة من الجمعة.

وبين طلوع الفجر والشمس.

وقيل هي ساعة الإجابة في الجمعة.

وقيل هي عند جلوس الامام علىٰ المنبر.

وقيل عند غيبوبة نصف القرص.

وفي يوم الاربعاء بين الظهر والعصر رواه جابر عن النبيّ صلى الله عليه وآله.

وفي الخبر الدعاء بين الصّلاتين لا يردّ.

وعن النبيّ صلى الله عليه وآله في ذي القعدة ليلة مباركة هي ليلة عشر ينظر اللّه إلى عباده المؤمنين بالرّحمة.

۹۵۴ (۱۲) در مجموعه‌ای که به خط شیخ شمس الدین محمّد جباعی جدّ شیخ بهایی نوشته شده، به نقل از کتابچه‌ای که به خط شهید نوشته شده، مطالب ذیل در رابطه با دعا و اوقات و آداب و احوال آن، مکتوب شده است: «در استجابت دعا پنج چیز مدخلیّت دارد:

وقت، حال، مکان، نوع عبادت و اسماء حسنی. که تفصیل آن از این قرار است:

امّا **وقت**: اوقاتی که امید است دعا مستجاب شود، عبارت است از:

سحر، برای اینکه حضرت یعقوب به فرزندانش که از بلایی که به سر یوسف آورده بودند پشیمان شده بودند و از پدر خواستند تا برای‌شان استغفار کند، حضرت یعقوب به آن‌ها گفت: به زودی از خداوند برای شما طلب آمرزش می‌کنم و خواست تا سحر شود و آن گاه برای‌شان، استغفار کند.

بعضی گفته‌اند: مراد یعقوب شب دهم ماه در وقتی که ماه غروب می‌کند بود بعضی گفتند: مقصودش شب جمعه بود.

وقت ظهر: در روایت آمده است: آن گاه که سایه‌ها رفتند [ظهر شد] و بادها وزیدن گرفتند شما برای خواستن حاجت‌هایتان به خدا روی آورید چون آن وقت، وقت بازگشت‌کنندگان به سوی خداست.

بین نماز مغرب و عشاء: در روایت آمده است: هر کس بین آن دو، دعا کند، دعایش ردّ نشود.

آخر شب: در روایت آمده است که: در آن وقت، گفته می‌شود: آیا دعا کننده‌ای هست تا اجابت کنم او را؟ آیا آمرزش خواهی هست تا بیامرزم او را؟

وقت افطار.

آخرین ساعت روز جمع.

میان طلوع فجر [اذان صبح] و طلوع خورشید. گفته شده که این وقت، در روز جمعه، وقت مستجاب شدن دعاست.

وقتی که امام جمعه بر منبر می‌نشیند.

روز جمعه وقتی که نزدیک است خورشید غروب کند و نیمی از قرص خورشید، پنهان شده است.

روز چهارشنبه، میان نماز ظهر و عصر، چنانچه جابر از پیامبر روایت کرده.

دعا در بین دو نماز که در خبر وارد شده دعا در بین دو نماز رد نمی‌شود.

شب دهم ذی القعده: پیامبر فرمود: در ماه ذی القعده شب مبارکی است که خداوند به بندگان مؤمنش با دیدهٔ رحمت می‌نگرد.

وليلة عرفة سيّدة اللّيالي لابراهيم والمغفرة لداود عليه السلام ويقال انّ الدعاء عند اقتران المشتري ورأس الذّنب وانّه في كلّ اربع عشر سنة مرّة.

والحال كدعاء المريض ودعاء الوالد لولده والولد لوالده ودعاء الحاجّ والمعتمر والمسافر في غير معصية حتّىٰ يرجع والأخ لاخيه بظهر الغيب والمظلوم يفتح له أبواب السّماء ويرفع فوق الغمام ويقول الربّ وعزّتي لانصرنّك ولو بعد حين.

ودعاء الامام العادل والدعاء مع رفع اليدين وفي السجود ودعاء المضطّر وعند اقشعرار الجلد وغلبة الاحزان.

وعند رؤية الهلال وفي ليلة القدر وعند التقاء الجيوش عن النبيّ صلى الله عليه وآله اطلبوا الدعاء عند التقاء الجيوش واقامة الصّلاة ونزول الغيث وصياح الديكة وبعد الدعاء لاربعين مؤمناً.

شب عرفه که سیّد شب‌ها بوده برای حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام و شب آمرزش بود، برای حضرت داودعلیه‌السلام.

در هنگام اقتران ستارهٔ مشتری با رأس الذنب که هر چهارده سال یک بار اتّفاق می‌افتد.

حالات اثرگذار در استجابت دعا

دعای بیمار.

دعای پدر و مادر برای فرزند.

دعای فرزند برای پدر و مادر.

دعای زائر بیت الله الحرام که به سفر حج رفته است.

کسی که برای حج عمره عازم خانهٔ خدا شده است.

مسافری که سفرش معصیت نباشد تا وقتی که به وطن برگردد.

کسی که برای برادر دینی اش در غیابش او را دعا می‌کند.

دعای مظلوم که درهای آسمان برای دعای او باز می‌شود و بر بالای ابرها می‌گذرد و پروردگار می‌گوید: به عزّتم سوگند که حتماً و قطعاً تو را یاری می‌کنم هر چند پس از مدّتی.

دعای امام عادل [و حاکم دادگستر.]

دعا در حالی که دست‌ها را بلند کرده باشی.

دعا در حال سجده.

دعای مضطرّ که همهٔ راه‌های چاره بر رویش بسته شده و به بن بست رسیده است.

در هنگام لرزیدن بدن از خشیت الهی.

آنگاه که غم و غصّه انسان را فرا گرفته و سر تا پا اندوه است.

در وقت رؤیت هلال.

در شب قدر.

در وقت تلاقی دو لشگر.

در وقت برپایی نماز.

در وقت باریدن باران.

وقت صدا کردن خروس که نوعاً در اوقات نمازها بانگ سر می‌دهد.

پس از دعا کردن به چهل مؤمن.

وبعد الصدقة فانّها جناح الاستجابة عن رسول اللّه.

عند ذكر الصّالِحين ينزل الرحمة.

وعند قطع العلائق عمّا دون اللّه.

وعن النبيّ ﷺ: من احسن إلى قوم فلم يقبلوه بالشكر فدعا عليهم استجيب له فيهم.

وبعد قرائة قل هو اللّه احد.

وأمّا المكان فخمسة عشر موضعاً:

منه بمكّة عند الميزاب

وعند المقام.

وعند الحجر الاسود.

وبين المقام والباب.

وجوف الكعبة.

وعند بئر زمزم.

وعلى الصّفا والمروة.

وعند المشعر.

وعند الجمرات الثلاث.

وعند رؤية الكعبة.

وأمّا العبادة ففي الصّلاة كلّ سجود لقوله ﷺ أمّا الركوع فعظّموا فيه الربّ وأمّا السّجود. فاجتهدوا في الدعاء فقمن ان يستجاب لكم.

وعند سمع اللّه لمن حمده ربّنا لك الحمد روي انّ رجلاً قالها فقال ﷺ اثنا عشر الف ملك يبتدرونها أيّهم يكتبها اوّلاً.

پس از دادن صدقه، همان گونه که در روایت آمده: صدقه بال اجابت است.

در وقتی که در مجلسی ذکر صالحان شود و از مؤمنان صالح ذکر خیر شود [که افضل و اکمل آن، مجلسی است که در آن فضائل محمّد و آل محمّدﷺ گفته می‌شود] چنانچه پیامبرﷺ فرمود: «در وقت ذکر صالحان، رحمت الهی فرود می‌آید.»

در وقتی که وابستگی و امید از غیر خدا قطع می‌شود.

نفرین انسان در حق کسی که به او خوبی کرده ولی او قدردانی نکرده است. پیامبرﷺ فرمود: «هر کس به قومی، نیکی کند ولی آن‌ها با تشکّر از او قدردانی نکنند، اگر آن‌ها را نفرین کند نفرینش گیرا خواهد بود و مستجاب می‌شود.»

پس از خواندن سوره مبارکهٔ «**قل هو الله احد**».

مکان‌های استجابت دعا

و امّا مکان‌هایی که دعا در آن‌ها مستجاب می‌شود، عبارت است از:

در مکّهٔ مکرّمه زیر ناودان طلا.

در مقام ابراهیم‌ﷺ.

جلوی حجر الاسود

بین مقام [حضرت ابراهیمﷺ] و دَرِ کعبه.

در درون کعبه.

جلوی چاه زمزم.

در صفا و مروه.

در مشعر.

در هنگام رمی جمرات سه گانه. [که حاجیان به شیطان سنگ می‌زنند]

در نخستین باری که چشم انسان به کعبه می‌افتد.

دعا در حین عبادت

در نماز، در حال سجده زیرا پیامبرﷺ فرمود: «امّا رکوع، پس در آن به پروردگار تعظیم کنید و او را به عظمت یاد نمایید و امّا سجود؛ پس تلاش کنید در دعا کردن در آن امید است که مستجاب شود.»

در نماز پس ازسر برداشتن از رکوع و گفتن: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنا لَکَ الْحَمْدُ» پیامبرﷺ فرمود: همین جمله را مؤمنی گفت پس دوازده هزار فرشته بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند که این جمله را بنویسند.

وعند فراغ الفاتحة.

وعند الاذان إذا قال مثل قوله.

وعند التّشهّد الأخير.

فذلك تسعون موضعاً في اليوم والليلة.

لما روي انّ في اليوم والليلة تسعين وقتاً يستجاب فيه الدعاء وعقيب الفرائض.

وبعد صلاة الطواف.

وأمّا الأسماء ففي آية الكرسي خمسون كلمة في كلّ بركة.

ومن قرأ آية الكرسي امام حاجته قضيت له.

وسورة يسّ المعمة[1] من قرئها ليلاً كشف كربه ومن قرئها ناراً قضى اربه[2] وبعد الثناء علىٰ اللّه تعالىٰ ومن قرأ قوله تعالىٰ ﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُۥ﴾ الآية وقوله تعالىٰ ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ﴾ الآية.

ثمّ استغفر اللّه من ذنبه غفر له.

وقيل من وقف عند قبر النبيّ ﷺ وتلا هذه الآية ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ﴾ الآية ثمّ قال صلىٰ اللّه عليك يا محمد وأهل بيتك سبعين مرّة ناداه ملك صلّىٰ اللّه عليك يا فلان لم يسقط لك حاجة.

وقيل من قال عنده شدّة الحرّ اللّهمّ أجِرني مِنْ حرّ جهنّم وعند شدّة البرد اللهمّ أجِرني من زمهرير جهنّم أجير.

وعن النبيّ ﷺ من اكثر الاستغفار جعل اللّه له من كلّ همّ فرجاً ومن كلّ ضيغ مخرجاً ورزقه مِنْ حيث لا يحتسب.

---

۱. المعمة: اسم سورة يس في التوارت: تعمّ صاحبها بخير الدنيا والآخرة وتكابد عنه بلوىٰ الدنيا والآخرة وتدفع عنه اهاويل الآخرة الخ.

۲. أي حاجته.

پس از خواندن سوره «فاتحة الکتاب».

در هنگام اذان گفتن یا حکایت اذانی که دیگری می‌گوید.

در نماز در آخرین تشهّد.

پس از ادای نمازهای واجب [یومیّه].

بعد از نماز طواف.

در روایت آمده است که: «در یک روز و شب نود وقت است که دعا در آن مستجاب می‌شود.»

اسماء حُسنای خداوند

پس از خواندن آیة الکرسی چنانچه در روایت آمده است که: «در آیة الکرسی پنجاه کلمه است که در هر کلمهٔ آن برکتی است پس هر کس آیة الکرسی را پیش از درخواست حاجتش بخواند، حاجتش برآورده شود.»

پس از خواندن سوره «یٰس» که آن را «المَعْمَة»[1] نیز گویند.

در روایت آمده است که: «هر کس در شب این سوره را بخواند غم و غصّه و گرفتاری‌اش برطرف گردد و هر کس در روز آن را بخواند حاجتش برآورده شود و به مقصودش برسد.

پس از حمد و ثنا و ستایش خداوند که او را به صفات و اسماء حسنایش بخواند.

و پس از خواندن آیهٔ: «وَمَن يَعْمَلْ سُوءاً اوْ يَظْلِمْ نَفْسَه تا آخر آیه» وآیهٔ «وَالَّذين اذا فَعَلُوا فاحِشَةً تا آخر آیه.»

و پس از آن از خداوند برای گناهانش، طلب آمرزش کند، خداوند او را خواهد بخشید.

در وقت ایستادن مقابل قبر پیامبرﷺ و خواندن آیهٔ «انّ الله وَمَلائِكَتَه...تا آخر» و گفتن هفتاد بار صلّی الله علیک یا محمّد وأهلِ بَيتِكَ.

در روایت آمده کسی که چنین کند، فرشته‌ای به او گوید: درود خدا بر خودت باد ای فلانی. همهٔ حاجاتت برآورده خواهد شد.

هر کس در گرمای شدید بگوید: «خدایا! مرا از گرمای جهنّم پناه ده» و در وقت سرمای شدید بگوید: «خداوندا! مرا از سرمای شدید جهنّم پناه ده» پناه داده شود.

از پیامبرﷺ روایت شده که: «هر کس زیاد استغفار کند، خداوند برای هر گرفتاری‌اش راه حلّی بگشاید و برای هر تنگنایی راه نجاتی قرار دهد و از جاهایی که به ذهنش نمی‌رسد به او روزی رساند.»

---

۱. چنانچه قبلاً ذکر شد که نام سوره «یٰس» در تورات «المَعْمَة» یعنی با هم بودن. با هم بودن چون عموم خیر دنیا و آخرت را برای خوانندهٔ آن با خود می‌آورد.

۹۵۵ ۲۶۵۱۶ (۱۳) **مستدرك ۲۴۹/۵: الشيخ إبراهيم** الكفعمي في البلد الامين عن النبيّ صلى الله عليه وآله اطلبوا الدعاء عند التقاء الجيوش وإقامة الصّلاة ونزول الغيث وصياح الديك وبعد الدعاء لاربعين مؤمناً.

وتقدّم في أحاديث باب (۱۴) استحباب الدّعاء والعمل الصّالح عند الزّوال من أبواب مواقيت الصّلاة ما يدلّ علىٰ استحباب الدعاء عند الزوال.

وفي رواية عُدّة الدّاعي (۸) من باب (۱) فضل التعقيب قوله صلى الله عليه وآله من ادّىٰ للّه تعالىٰ مكتوبة فله من اثرها دعوة مستجابة.

وفي رواية الامالي (۱۰) قوله عليه السلام ثلاث أوقات لا يحجب فيها الدعاء عن اللّه تعالىٰ في اثر المكتوبة وعند نزول المطر وظهور آية معجزة للّه في أرضه.

ويأتي في رواية حمّاد (۳۲) من باب (۲۷) انّ دعوة المظلوم مستجابة من أبواب الدعاء قوله عليه السلام وعليكم بالدعاء في ادبار الصّلاة.

وفي رواية زرارة (۱) من باب (۱۵) ان اوّل وقت الجمعة زوال الشمس من أبواب صلاة الجمعة قوله عليه السلام لايسأل اللّه عزّ وجلّ فيها اي في الساعة الاوّليٰ من الزوال عبد خيراً إلّا اعطاه اللّه تعالىٰ.

وفي أحاديث باب (۳۷) الساعة التي يستجاب فيها الدعاء يوم الجمعة ما يدلّ علىٰ ذلك.

(۲۰)
باب ماورد في إجابة الدعاء في اللّيل خصوصاً ليلة الجمعة ويومها

قال اللّه تعالىٰ في سورة يوسف (۱۲): ۹۸: ﴿**قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيٓ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ**﴾.

۹۵۶ ۲۶۵۱۷ (۱) **امالي الصدوق** ۲۹۲: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسىٰ بن بابويه القمي قال حدّثنا أبي قال حدّثنا سعد بن عبداللّه قال حدّثنا محمد بن الحسين ابن أبي الخطاب قال حدّثنا محمد بن سنان عن **المفضّل** بن عمر قال سمعت مولاي الصادق عليه السلام يقول كان فيما ناجىٰ اللّه عزّ وجلّ به موسىٰ بن عمران عليه السلام ان قال له يابن عمران كذب من زعم انّه يحبّني فإذا جنّه اللّيل نام عنّي أليسَ كلّ محبّ يحبّ خلوة حبيبه.

۹۵۵ (۱۳) شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب البلد الأمین از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «در وقت تلاقی لشگرها و برپایی نماز و باریدن باران و بانگ سردادن خروس و پس از دعا کردن چهل مؤمن، برای خود دعا کنید.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت باب چهاردهم از باب‌های مواقیت نماز آنچه بر استحباب دعا هنگام زوال یعنی ظهر دلالت دارد. **و در روایت** هشتم از باب یکم فرموده امامؑ که: «هر کس نماز واجبی برای خداوند تعالی به جای آورد بعد از نماز یک دعای مستجاب حق دارد.»

و در روایت دهم فرموده امامؑ که: «در سه وقت دعا از خداوند متعال محجوب نگردد: بعد از آدای نماز واجب، در وقت باریدن باران و در وقت ظهور نشانهٔ معجزه‌آسایی برای خداوند در روی زمین، [شاید منظور حوادث غیر مترقّبه‌ای همچون زلزله و طوفان و سونامی باشد]»

می‌آید:

در روایت سی و دوم از باب بیست و هفتم از باب‌های دعا فرموده امامؑ که: «بر شما باد به دعا کردن بعد از نمازها.» **و در روایت** یکم از باب پانزدهم از باب‌های نماز جمعه فرموده پیامبرﷺ که: «بنده‌ای در آن ساعت یعنی اوّلین ساعت ظهر، از خدای عزیز و جلیل درخواست خیری نکند مگر اینکه خداوند متعال به او خواهد داد.» **و در روایات** باب سی و هفتم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۲۰

شب، زمان دعا

خداوند متعال فرموده:

[حضرت یعقوبؑ به پسرانش گفت:] به زودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می‌کنم زیرا او بخشندهٔ مهربان است.[۱]

۹۵۶ (۱) مفضّل بن عمر گوید: «از مولایم امام صادقؑ شنیدم که فرمود: از جمله مناجات‌های خداوند با حضرت موسی بن عمرانؑ این بود که به او فرمود: ای پسر عمران! دروغ می‌گوید کسی که خیال می‌کند مرا دوست دارد ولی چون شب فرا رسد از من غافل شود و بخوابد. آیا مگر این چنین نیست که هر دوستی دوست دارد که با دوست خود خلوت کند.

---

۱. یوسف ۹۸/۱۲.

ها أنا ذا يابن عمران مطلع علىٰ احبّائي اذا جهنّم اللّيل حوّلت ابصارهم من قلوبهم ومثّلت عقوبتي بين اعينهم يخاطبوني عن المشاهدة ويكلّموني عن الحضور.

يابن عمران هب لي من قلبك الخشوع ومن بدنك الخضوع ومن عينيك الدموع في ظلم الليل وادعني فانّك تجدني قريباً مجيباً.

٩٥٧ ٢٦٥١٨ (٢) **امالي الصدوق** ٢٣٠: حدّثنا محمد بن علي ماجيلويه قال حدّثنا عمّي محمد بن أبي القاسم قال حدّثنا محمد بن علي القرشي عن محمد بن سنان عن **المفضّل** بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ اللّه جلّ جلاله اوحىٰ إلى الدنيا انّ اتعبي من خدمك واخدمي من رفضك وانّ العبد إذا تخلّىٰ بسيّده في جوف الليل المظلم وناجاه اثبت اللّه النور في قلبه فإذا قال ياربّ ياربّ ناداه الجليل جلّ جلاله لبّيك عبدي سلني اعطك وتوكّل عليّ اكفك.

ثمّ يقول جلّ جلاله لملائكته يا ملائكتي انظروا إلى عبدي فقد تخلّىٰ بي في جوف الليل المظلم والباطلون[١] لاهون والغافلون نيام اشهدوا انّي قد غفرت له ثمّ قال عليه السلام عليكم بالورع والجتهاد والعبادة وازهدوا في هذه الدنيا الزاهدة فيكم فانّها غرّارة[٢] دار فناء وزوال، كم مِن مغترّ فيها قد اهلكته وكم من واثق بها قد خانته وكم من معتمد عليها قد خدعته واسلمته.

و اعلموا أنّ امامكم طريقاً مهولاً وسفراً بعيداً وممرّكم علىٰ الصّراط ولابدّ للمسافر من زاد فمن لم يتزوّد وسافر عطب وهلك وخير الزّاد التقوىٰ ثمّ اذكروا وقوفكم بين يدي اللّه جلّ جلاله فانّه الحكم العدل واستعدّوا لجوابه إذا سألكم فانّه لابد سائلكم عمّا عملتم بالثّقلين من بعدي كتاب اللّه وعترتي فانظروا أن لا تقولوا أمّا الكتاب فغيّرنا وحرّفنا وأمّا العترة ففارقنا وقتلنا.

---

١. البطّالون ـ مشكوة.
٢. غدّارة ـ مشكوة.

آری ای پسر عمران من کسی هستم که دوستان خود را می‌شناسم، آن‌ها کسانی هستند که چون شب، آنان را فرا گیرد، دیدگان دل آن‌ها را به سوی خود برگردانم و عذابم را در جلوی چشمان‌شان مجسّم نمایم، با شهود مرا مورد خطاب قرار دهند و از روی حضور با من سخن گویند.

ای پسر عمران! به من از دلت، خشوع و از بدنت خضوع و فروتنی بده و در تاریکی‌های شب از چشمانت به من اشک ده و دعا کن و مرا بخوان که به حقیقت مرا نزدیک و جواب‌دهنده خواهی یافت.»

۹۵۷
(۲) مفضّل بن عمر از حضرت صادق ﷺ و او از پدر بزرگوارش و او از پدرانش و آن‌ها از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «خداوند جلالت مآب به دنیا وحی کرده که: [ای دنیا] خسته کن کسی را که در خدمت تو و به دنبال تو است و خدمت کن به کسی که تو را ترک کند و چون بنده در دل شب تاریک با مولای خود خلوت کند و با او مناجات نماید، خداوند نور را در دلش پابرجا کند. پس چون بگوید: یا ربّ، یا ربّ خداوند جلیل گوید: بله بله بندهٔ من از من بخواه تا بدهم به تو و بر من توکّل و اعتماد کن تا تو را کفایت کنم.

سپس آن بزرگ خداوند می‌گوید: ای فرشتگان من! به بندهٔ من بنگرید که در دل شب تاریک با من خلوت کرده و بطالت پیشگان به لهو و لعب مشغولند و غفلت زدگان به خواب اندرند، گواه باشید که او را آمرزیدم.

سپس حضرت رسول ﷺ فرمود: بر شما باد کوشش و پرستش و نسبت به این دنیایی که به شما بی‌میل است، بی‌میل و رغبت باشید زیرا دنیا بسیار فریب دهنده و خانهٔ نیستی و نابودی است. چقدر کسانی که گول دنیا خوردند و آن‌ها را به درّهٔ هلاکت انداخت و چقدر کسانی که به او اعتماد کردند و او به آن‌ها خیانت کرد و چقدر کسانی که به او تکیه کردند و او آن‌ها را فریفت و به دست حوادث سپرد.

و بدانید که در جلوی شما راه هولناک و سفر درازی است و باید از صراط بگذرید و مسافر از زاد و توشه ناگزیر است پس کسی که بدون زاد و توشه پای در سفر نهد به رنج افتد و به هلاکت رسد.

و [بدانید که] بهترین زاد و توشه پرهیزگاری و ترک گناه است. وانگهی به یاد آورید زمانی را که در جلوی خداوند بزرگ بایستید که او قاضی عادلی است و برای سؤال‌های او جواب آماده کنید زیرا او قطعاً شما را مورد بازخواست قرار خواهد داد.

و او ناگزیر از شما بپرسد که پس از من با این دو گرانبهای گران قدر یعنی کتاب خدا و عترت من، چه کردید؟

پس مواظب باشید که آنجا نگویید: امّا کتاب که آن را تغییر داده و تحریف کردیم و امّا عترت و خاندان پیامبر ﷺ که راه‌مان را از آن‌ها جدا کردیم و آن‌ها را به قتل رساندیم.

فعند ذلك لا يكون جزاؤكم إلّا النّار فمن اراد منكم ان يتخلّص من هول ذلك اليوم فليتولّ وليّي وليتّبع وصيّي وخليفتي من بعدي عليّ بن أبي طالب عليه السلام فانّه صاحب حوضي يذود عنه اعدائه ويسقي اولياءه.

فمن لم يسق منه لم يزل عطشان ولم يرو أبداً ومن سقي منه شربة لم يشقّ ولم يظمأ أبداً.

وانّ علي بن أبي طالب عليه السلام لصاحب لِوائي في الآخرة كماكان صاحب لوائي فى الدنيا وانّه اوّل من يدخل الجنّة لانّه يقدمني وبيده لوائي تحته آدم ومن دونه من الانبياء.

مشكاة الانوار ۲۵۷: (نقلاً عن المحاسن) قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ اللّه جلّ جلاله اوحىٰ إلى الدنيا (وذكر نحوه إلى قوله) وخير الزاد التقوىٰ.

۹۵۸ ۳۶۵۱۹ (۳) **نهج البلاغة ۹۶۵**: (في كتاب له عليه السلام إلى عثمان بن حنيف) طوبىٰ لنفس ادّت إلى ربّها فرضها وعركت [۱] بجنبها بؤسها وهجرت في الليل غمضها [۲] حتّىٰ إذا غلب الكرىٰ [۳] عليها افترشت ارضها وتوسّدت كفّها في معشر أسهر عيونهم خوف معادهم وتجافت عن مضاجعهم جنوبهم وهمهمت بذكر ربّهم شفاههم وتقشّعت بطول استغفارهم ذنوبهم ﴿أُوْلَـٰٓئِكَ حِزْبُ ٱللَّهِ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾.

۹۵۹ ۳۶۵۲۰ (۴) **فلاح السائل ۲۶۷**: ومن صفات مولانا علي عليه السلام في ليله ما ذكره نوف لمعاوية بن أبي سفيان وانّه ما فرش له فراش في ليل قطّ ولا اكل طعاماً في هجير قط.

۹۶۰ ۳۶۵۲۱ (۵) **نهج البلاغة ۱۱۲۴**: عن **نوف البكالي** قال رأيت أمير المؤمنين عليه السلام ذات ليلة (إلى ان قال قال) يانوف انّ داود عليه السلام قام فى مثل هذه الساعة من اللّيل فقال انّها ساعة لا يدعو فيها عبد إلّا أن يكون عشّاراً او عَريفاً او شُرطيّاً او صاحب عَرْطَبَةٍ (وهي الطنبور) او صاحب كُوبَةٍ (وهي الطبل وقد قيل ايضاً انّ العرطبة الطبل والكوبة الطّنبور).

---

۱. اي قاتلت وزاحمت ـ عرك الاذىٰ بجنبه: احتمله. ۲. اي نومها.

۳. أي سِنَة النوم.

اگر چنین باشد، شما دیگر سزایی جز آتش دوزخ نخواهید داشت. پس هر کس از شما می‌خواهد از هول و هراس آن روز رهایی یابد پس باید که ولیّ من و جانشین من بعد از من و وصیّ من علی بن ابی طالب علیه السلام را دوست داشته باشد زیرا علی علیه السلام صاحب حوض من است که دشمنانش را از آن می‌راند و به دوستانش از آن می‌نوشاند.

هر کس از آن حوض، آب ننوشد پیوسته تشنه است و هیچ گاه سیراب نگردد و کسی که شربتی از آن بنوشد به زحمت نیفتد و هرگز تشنه نگردد.

و [بدانید که:] علی بن ابی طالب علیه السلام همان گونه که در دنیا پرچمدار من است، در آخرت نیز پرچمدار من خواهد بود و بی‌گمان او نخستین کسی است که به بهشت وارد شود چون پرچم من در دست اوست و پیشاپیش من حرکت می‌کند و حضرت آدم و دیگر پیامبران علیهم السلام پشت سر او خواهند بود.»

۹۵۸ (۳) سیّد رضی رحمه الله در کتاب نهج البلاغه روایت کرده که علی علیه السلام در نامه‌ای به عثمان بن حنیف نوشت: «خوشا به حال آن کس که واجبات الهی را انجام داد و سختی‌ها را تحمّل کرد و در شب خواب را ترک کرد تا اینکه خواب بر او چیره گردد، آنگاه زمین را فرش خود و کف دست را بالش خود قرار داده.

در میان گروهی است که ترس از معاد خواب را از چشمان‌شان ربوده و پهلو از بسترها گرفته و لب‌های‌شان به ذکر خدا در حرکت است و با استغفارهای طولانی، ابرهای تیره و تار گناهان‌شان از بین رفته (حزب خدا همین‌ها هستند و بدانید که تنها حزب خدا رستگار است.)»

۹۵۹ (۴) در کتاب فلاح السائل آمده است: «نوف که اوصاف مولای‌مان علی علیه السلام را برای معاویه بر می‌شمرد از آن جمله این بود که گفت: در هیچ شبی برای خود بستر پهن نکرد و در روزهای بلند و گرم تابستان، غذا نخورد و روزه می‌گرفت.»

۹۶۰ (۵) نوف بکالی گوید: «شبی امیر مؤمنان علی علیه السلام را دیدم... (تا اینکه می‌رسد به اینجا که علی علیه السلام فرمود:) ای نوف! حضرت داود علیه السلام مثل این چنین ساعتی از شب به پا خاست و گفت: این یک ساعتی است که هر بنده‌ای در این ساعت دعا کند دعایش مستجاب گردد مگر اینکه باجگیر یا جاسوس یا شبگرد یا اهل ساز و آواز باشد و نوازندهٔ طنبور و طبل باشد.»

٩٦١ ٣٦٥٢٢ (۶) **مشكوة الانوار** ٢٥٧: (نقلاً عن المحاسن) عن الصادقؑ قال انّ اللّه تبارك وتعالىٰ اوحىٰ إلى نبيّ من انبياء بني اسرائيل إنْ احببت ان تلقاني غداً في حظيرة القدس فكن في الدنيا وحيداً غريباً مهموماً محزوناً مستوحشاً من النّاس بمنزلة الطّير الّذى يطير في الأرض القفار ويأكل من رؤس الاشجار ويشرب من ماء العيون فإذا كان الليل آوىٰ وحده ولم يأو مع الطيور استأنس بربّه واستوحش من الطيور.

٩٦٢ ٣٦٥٢٣ (۷) **الدعائم** ٢١٠: عن أبي جعفر محمد بن عليؑ انّه قال ينادي مناد حين يمضي ثلث الليل يا باغي الخير اقبل يا طالب الشر أقصر هل من تائب يتاب عليه هل من مستغفر يغفر له هل من سائل فيعطىٰ حتىٰ تطلع الشمس.[1]

وتقدّم في رواية محمد بن كردوس (١) من باب (٢) الموارد الّتي يستحب فيها الوضوء ج ٢ قولهؑ فان قام من آخر الليل فتطهّر وصلّىٰ ركعتين (إلى ان قال) لم يسأل اللّه شيئاً الّا اعطاه.

وفي كثير من أحاديث باب (٣٥) فضل يوم الجمعة وليلتها من أبواب صلاة الجمعة ج ٧ ما يدلّ علىٰ ذلك.

وفي رواية أبي بصير (٣) من باب (١٥) تحريم القنوط وان تأخّرت الإجابة من أبواب الدعاء قولهؑ انّ المؤمن ليدعو فيؤخّر اجابته إلى يوم الجمعة.

ويأتي في رواية عُدّة الداعي (٥) من الباب التالي قولهؑ إذا كان آخر الليل يقول اللّه سبحانه هل من داع فأجيبه.

وفي سائر أحاديث هذا الباب وباب (٢٢) استحباب الدعاء في السدس الاوّل من نصف اللّيل الثاني ما يدلّ على ذلك.

---

١. حتى يطلع الفجر ـ ك وفيه أورده عن جعفر بن محمدؑ.

۹۶۱ (۶) در کتاب المحاسن از حضرت صادقعليه السلام روایتی نقل شده که فرمود: «خداوند فرخندهٔ بلند مرتبه به پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که اگر دوست داری فردا مرا در حظیرهٔ قدس ملاقات کنی، پس در دنیا تنها و غریب و غصّه‌دار و اندوهناک باش و از مردم وحشت داشته باش، همانند پرنده‌ای که در بیابان‌های خالی از سکنه پرواز می‌کند و از شاخه‌های درختان ارتزاق می‌کند و از چشمه‌ساران آب می‌نوشد و چون شب فرا رسد تنها به لانه برگردد و با پرندگان دیگر هم لانه نشود فقط به پروردگارش انس گرفته و از پرندگان در هراس است.»

۹۶۲ (۷) در کتاب دعائم الاسلام از امام باقرعليه السلام روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «هنگامی که یک سوّم شب بگذرد هاتفی صدا می‌زند: ای جویندهٔ خیر! روی آور و ای خواهان شرّ، دست بکش. آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش پذیرفته گردد؟ آیا خواهان آمرزشی هست تا آمرزیده شود؟ آیا درخواست‌کننده‌ای هست تا داده شود؟ [و هاتف این سخنان را تکرار می‌کند] تا وقتی خورشید سر زند.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت یکم از باب دوم فرموده امامعليه السلام که: «اگر بنده در پایان شب [نزدیک اذان صبح] به پا خیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند... (تا آنجا که می‌فرماید:) از خدا چیزی نخواهد مگر اینکه به او عطا فرماید.»

و در بسیاری از روایات باب سی و پنجم از باب‌های نماز جمعه آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب پانزدهم از باب‌های دعا فرموده امامعليه السلام که: «مؤمن دعا می‌کند ولی به اجابت رسیدنش تا روز جمعه به تأخیر می‌افتد.»

می‌آید:

در روایت پنجم از باب بعدی فرموده امامعليه السلام که: «چون آخرهای شب فرا رسد خداوند پاک می‌فرماید: آیا دعا کننده‌ای هست تا اجابت کنم او را...»

و در بسیاری از روایتت دیگر این باب و باب بیست و دوم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

(۲۱)

باب أنّ الدعاء يستجاب في السحر وفي الوتر وما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ويوم الاربعاء بين الظهر والعصر

قال اللّه تعالى في سورة يوسف (۱۲): ۹۸: ﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيٓ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾.

الذاريات (۵۱): ۱۸: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.

۹٦۳ ۲٦۵۲٤ (۱) **كافي** ۴۷۷/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن شريف بن سابق عن **الفضل** بن أبي قرّة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله خير وقت دعوتم اللّه عزّ وجلّ فيه الأسحار وتلا هذه الآية في قول يعقوب عليه السلام ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيٓ﴾ [و] أخّرهم إلى السحر.

۹٦٤ ۲٦۵۲۵ (۲) **مستدرك** ۲۰۰/۵: القطب الراوندي في قصص الانبياء باسانيده إلى الصدوق عن محمد بن علي ماجيلويه عن عمّه محمد بن أبي القاسم عن محمد بن عليّ الصيرفي عن شريف بن سابق عن **الفضل** بن أبي قرّة السمندي عن الصادق عليه السلام قال يافضل انّ أفضل ما دعوتم اللّه بالاسحار قال اللّه تعالىٰ ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.

۹٦۵ ۲٦۵۲٦ (۳) **تفسير العيّاشي** ۱۹٦/۲: عن **محمد** بن أبي عمير عن بعض أصحابنا عن أبي عبداللّه عليه السلام في قوله ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيٓ﴾ فقال أخّرهم إلى السّحر قال ربّ انّما ذنبهم فيما بيني وبينهم اوحىٰ اللّه انّي قد غفرت لهم.

۹٦٦ ۲٦۵۲۷ (۴) **وفيه** ۱۹٦/۲: عن **محمد** بن مسلم عن أبي عبداللّه عليه السلام في قوله ﴿أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيٓ﴾ قال أخّرها إلى السّحر ليلة الجمعة.

۹٦۷ ۲٦۵۲۸ (۵) **عدّة الدّاعي** ۴۰: قال صلى الله عليه وآله إذاكان آخر الليل يقول اللّه سبحانه وتعالى هل من داع فأجيبه هل من سائل فأعطيه سؤله هل من مستغفر فأغفرُ له هل من تائب فأتوب عليه.

باب ۲۱
دعا در سحرگاهان

خداوند متعال فرمود:

[حضرت یعقوب؛ به فرزندان خاطی گفت:] به زودی از پروردگارم برای شما طلب عفو می‌کنم زیرا او گذشت کنندهٔ مهربان است.[1]

و در سحرگاهان از خداوند طلب آمرزش می‌کنند.[2]

۹۶۳ (۱) فضل بن ابی قرّه از امام صادق؛ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا؛ فرمود: بهترین وقت برای دعا، سحرهاست و حضرت این آیه را که حکایت سخن حضرت یعقوب؛ است، تلاوت فرمود: «**به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست.**»

خواست که استغفار را به تأخیر اندازد تا سحر فرا رسد.»

۹۶۴ (۲) فضل بن ابی قرّه از حضرت صادق؛ روایت کرده که فرمود: «ای فضل! بهترین وقتی که شما خدا را می‌خوانید، سحرهاست، خداوند متعال فرموده: «**[مؤمنان] در سحرگاهان استغفار می‌کنند و از خداوند درخواست آمرزش و عفو نمایند.**»

۹۶۵ (۳) محمّد بن ابی عمیر با واسطه از حضرت صادق؛ روایت کرده که فرمود: «آیهٔ شریفه: «**به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش خواهم خواست.**» [حضرت یعقوب؛] فرزندان را تا سحرگاه به تأخیر انداخت [و چون سحر فرا رسید حضرت یعقوب؛ به دعا ایستاد و] گفت: پروردگارا! گناه آن‌ها یک گناهی است که میان من و آن هاست. خداوند به او وحی کرد که او را آمرزیدم.»

۹۶۶ (۴) محمّد بن مسلم از امام صادق؛ روایت کرده که فرمود: «آیة شریفه: «**به زودی برای شما از خدایم طلب گذشت خواهم کرد.**» حضرت یعقوب؛ که طلب عفو و گذشت را به تأخیر انداخت، می‌خواست صبح روز جمعه فرا رسد وانگهی استغفار کند.»

۹۶۷ (۵) در کتاب عدّة الداعی از رسول گرامی اسلام حضرت محمّد؛ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «چون آخر شب فرا رسد خداوند پاک بلند مرتبه گوید: آیا دعا کننده‌ای هست تا اجابت کنم او را؟ آیا درخواست کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را بدهم؟ آیا استغفار کننده‌ای هست تا او را بیامرزم؟ آیا توبه کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم.»

---

۱. یوسف ۹۸/۱۲.	۲. ذاریات ۱۸/۵۱.

٩٦٨ ٣٦٥٢٩ (۶) **الجعفريات** ٢٢٨: باسناده عن **علي**ؑ قال قال رسول اللّهﷺ انّ اللّه عزّ وجلّ يبسط يديه عندكلّ فجر لمذنب الليل هل يتوب فيغفر له ويبسط يديه عند مغرب الشمس لمذنب النّهار هل يتوب فيغفر له.

٩٦٩ ٣٦٥٣٠ (۷) **المعاني** ٣٣٣: **الخصال** ٥٢٣: باسناده المتقدّم في باب استحباب صلاة تحيّة المسجد عن أبي ذرّ (في حديث وصيّة النبيّﷺ له) قلت فأيّ (وقت ـ الخصال) اللّيل افضل قال جوف اللّيل الغابر.

٩٧٠ ٣٦٥٣١ (٨) **الثواب** ١٩٣: حدّثني محمد بن موسىٰ بن المتوكّلؒ قال حدثني علي بن الحسين السعدآبادي عن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي قال حدّثني أبو عبداللّه الجاموراني **كافي** ٤٧٨/٢: (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن الجاموراني عن الحسن بن علي ابن أبي حمزة (البطائني ـ ثواب) عن صندل[١] عن **أبي الصباح** الكناني عن أبي جعفرؑ قال ان اللّه عزّ وجلّ يحبّ من عباده المؤمنين كلّ (عبد ـ كا) دعّآء فعليكم بالدّعاء في السّحر إلى طلوع الشمس فانّها ساعة تفتح فيها أبواب السّماء (وتهبّ الرياح ـ ثواب) وتقسم فيها الأرزاق وتُقضىٰ فيها الحوائج العظام[٢].

٩٧١ ٣٦٥٣٢ (٩) **الخصال** ٦١٥: باسناده المتقدّم في باب (١) فضل الصّلاة عن عليّ ؑ (في حديث الأربعمأة) من كانت له إلى ربّه عزّ وجلّ حاجة فليطلبها في ثلاث ساعات (إلى ان قال) وساعة في آخر الليل عند طلوع الفجر فأنّ ملكين يناديان هل من تائب يتاب عليه هل من سائل يُعطىٰ هل من مستغفر فيغفر له هل من طالب حاجة فتُقضىٰ له فاجيبوا داعي اللّه واطلبوا الرزق فيما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس فإنّه اسرع في طلب الرزق من الضرب في الأرض وهي الساعة التي يقسّم الله فيها الرزق بين عباده.

إلى ان قال توكّلوا علىٰ اللّه عزّ وجلّ عند ركعتي الفجر إذا صلّيتموها ففيها تعطوا الرغائب.

---

١. مندل بن علي ـ ثواب.   ٢. نقلها الوسائل عن العلل ولكن وجدناه في الثواب.

۹۶۸ (۶) در کتاب الجعفریّات با اسناد خودش از علیؑ روایت شده که حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: خداوندﷻ هر سحرگاه در هنگام طلوع فجر دو دست خویش به سوی گناه کنندهٔ شب، دراز می‌کند که آیا توبه می‌کند تا او را بیامرزد.

و در وقت غروب خورشید دو دست خود را به سوی گناه کنندهٔ در روز دراز می‌کند که آیا توبه می‌کند تا او را بیامرزد.»

۹۶۹ (۷) ابوذر از پیامبر اسلامﷺ روایت کرده که آن حضرت به او توصیه‌هایی فرمود، ابوذر گوید: «به حضرت عرض کردم: با فضیلت‌ترین زمان در شب، چه وقت است؟

حضرت فرمود: دل شب.»

۹۷۰ (۸) ابوالصباح کنانی از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوندﷻ از میان بندگان مؤمنش آن‌هایی را خیلی دعا می‌کنند دوست دارد.

پس بر شما باد دعا کردن در سحرها تا طلوع خورشید زیرا این ساعت، ساعتی است که درهای آسمان گشوده شود و (نسیم‌های رحمت وزیدن گیرد) و روزی‌ها تقسیم شود و حاجت‌های بزرگ و مهم بر آورده گردد.»

۹۷۱ (۹) شیخ صدوق ؒ در کتاب الخصال از علیؑ روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس حاجتی دارد به درگاه خداوندﷻ پس در سه وقت آن را بخواهد (تا آنجا که فرمود:) و ساعتی در آخر شب وقت طلوع سپیده‌دم.

زیرا دو فرشته صدا می‌زنند: آیا توبه کننده‌ای هست که توبه‌اش پذیرفته شود؟ آیا درخواست کننده‌ای هست تا خواسته‌اش به او داده شود؟ آیا طلب آمرزش کننده‌ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا حاجتمندی هست، حاجتش را بخواهد تا حاجتش برآورده شود؟

پس دعاکنندهٔ خدا را پاسخ مثبت دهید و در مابین طلوع سپیده دم [آذان صبح] تا طلوع خورشید [از خداوند] درخواست روزی کنید زیرا این کار حتی از تلاش و سفر در روی زمین در جلب روزی مؤثرتر است و سریع‌تر جواب می‌دهد و این هنگام، وقتی است که خداوند رزق و روزی‌ها را در میان بندگانش تقسیم می‌کند.

(تا آنجا که فرمود:) چون نماز صبح به جای آوردید به خداوندﷻ توجّه و توکّل کنید زیرا در آن ساعت، خواسته‌های مورد علاقه و رغبت، داده شود.»

٩٧٢ (١٠) **تفسير العيّاشي** ٢٤٠: عن **الحسين** بن مسلم عن أبي جعفر؈ قال قلت له جعلت
٢٦٥٢٣
فداك انّهم يقولون انّ النوم بعد الفجر مكروه لانّ الارزاق يقسم في ذلك الوقت فقال الارزاق موظوفة مقسومة وللّه فضل يقسّمه من طلوع الفجر إلى طلوع الشمس وذلك قوله ـ وأسألوا اللّه من فضله ـ ثم قال وذكر اللّه بعد طلوع الفجر ابلغ في طلب الرزق من الضرب في الأرض.

٩٧٣ (١١) **مستدرك** ٢٨١/٥: السيّد علي بن طاووس في كتاب المجتنىٰ نقلاً من كتاب دفع
٢٦٥٢٤
الهموم والأحزان تأليف أحمد بن داود النعماني عن **جابر** بن عبداللّه قال دعا النبيّ ﷺ علىٰ الأحزاب يوم الاثنين ويوم الثلاثاء واستجيب له يوم الاربعاء بين الظهر والعصر فعرف السرور في وجهه قال جابر فما نزل بي أمر غائض وتوجّهت تلك الساعة الّاعرفت الإجابة.

وتقدّم في رواية أبي العبّاس (١٢) من باب (١) فضل التعقيب من أبوابه قوله؈ يستجاب الدعاء في اربعة مواطن في الوتر وبعد الفجر وبعد الظهر وبعد المغرب.

وفي أحاديث باب (١٨) أنّه يستحب للمصلّي ان يجلس في مصلاّه بعد صلاة الصبح حتّى تطلع الشمس يذكر اللّه ويدعو ما يناسب الباب فراجع.

(٢٢)
باب استحباب الدّعاء في السّدس الاوّل من نصف اللّيل الثّاني إلىٰ ثلث الباقي

٩٧٤ (١) **كافي** ٤٧٨/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **عمر** بن اذينة قال
٢٦٥٢٥
سمعت ابا عبداللّه؈ يقول انّ في الليل لساعة ما يوافقها عبد مسلم ثمّ يصّلي ويدعوا اللّه عزّ وجلّ إلّا استجاب له في كلّ ليلة قلت اصلحك اللّه وأيّ ساعة هي من اللّيل قال إذا مضىٰ نصف الليل وهي السدس الأوّل من اوّل النّصف.

۹۷۲ (۱۰) حسین بن مسلم گوید: «به امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! مردم می‌گویند: خواب بعد از نماز صبح، کراهت دارد، چون روزی‌ها در آن وقت تقسیم می‌شود.

حضرت فرمود: روزی‌ها از قبل تعیین شده و تقسیم شده است ولی خداوند یک رزق و روزی فوق العادهٔ اضافی دارد که از طلوع فجر تا طلوع خورشید آن را تقسیم می‌کند و این، همان فضلی است که در قرآن فرموده: «**از فضل خداوند درخواست کنید.**»

سپس حضرت فرمود: به ذکر خدا مشغول شدن بعد از اذان صبح برای جلب روزی، از سفر رفتن و تلاش کردن در روی زمین، مؤثّرتر است.»

۹۷۳ (۱۱) جابر بن عبدالله روایت کرده که: «پیامبر صلی الله علیه و آله روز دوشنبه و سه‌شنبه، احزاب مخالف را نفرین کرد ولی دعایش در روز چهارشنبه بین نماز ظهر و عصر، مستجاب گشت به گونه‌ای که آثار خوشحالی در چهرهٔ حضرت نمایان شد.

جابر گوید: هیچ حادثهٔ ناراحت کننده‌ای برای من رخ نداده و من در این وقت با دعا به خدا توجّه کرده باشم مگر اینکه اثر اجابت دعا را مشاهده کردم.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوازدهم از باب یکم از باب‌های فضیلت تعقیب فرموده امام علیه السلام که: «در چهار جا دعا مستجاب می‌شود: در نماز وتر، بعد از طلوع سپیده دم، بعد از ظهر و بعد از مغرب.»

و در روایت باب هجدهم آنچه مناسب با ان است پس مراجعه کن.

باب ۲۲

دعای نیمه شب

۹۷۴ (۱) عمر بن اذینه روایت کرده گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در شب ساعتی است که هیچ بندهٔ مسلمانی نیست که در آن ساعت نماز بخواند و دعا کند و خداوند عزیز و جلیل را بخواند مگر اینکه دعایش مستجاب شود و این ساعت، در هر شبی وجود دارد.

به حضرت عرض کردم: خداوند شما را صالح و سالم نگاه دارد، آن ساعت کدام است؟

حضرت فرمود: چون نیمهٔ اوّل شب گذشت، یک ششم اوّل از نیمهٔ دوّم شب.»

۹۷۵ ۲۶۵۳۶ (۲) **تهذيب** ۲/۱۱۷: الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن عمر بن اذينة عن **عمر** بن يزيد انّه سمع ابا عبدالله عليه السلام يقول انّ في اللّيل لساعة لايوافقها عبد مسلم ويدعو اللّه فيها إلّا استجاب له في كلّ ليلة قلت اصلحك اللّه فأية ساعة من الليل قال إذا مضىٰ نصف الليل إلى الثلث الباقي.

۹۷۶ ۲۶۵۳۷ (۳) **تهذيب** ۲/۱۱۸: الحسين بن سعيد عن صفوان عن أبي أيّوب عن **عبدة** النيسابوري (السابوري ـ خ) قال قلت لأبي عبدالله عليه السلام جعلت فداك انّ النّاس يروُون عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّ في الليل لساعة لا يدعو فيها عبد مؤمن بدعوة إلّا استجيب له قال نعم قلت متى هي قال ما بين نصف الليل إلى الثلث الباقي قلت ليلة من اللّيالى او كلّ ليلة فقال كلّ ليلة. **امالى ابن الشيخ** ۱۴۹: أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا محمد بن محمد قال أخبرنا أبوبكر محمد بن عمر الجعابي قال حدّثنا أبوالعبّاس أحمد بن محمد بن سعيد قال حدّثنا محمد بن يوسف بن إبراهيم قال حدّثنا محمد بن زياد عن أبي ايّوب الخرّاز[1] عن محمد بن عبدة النيسابوري قال قلت لابي عبدالله جعفر بن محمد عليهما السلام انّ الناس (وذكر نحوه).

۹۷۷ ۲۶۵۳۸ (۴) **مستدرك** ۵/۲۰۲: ابن أبي الجمهور في دررالّلئالى عن **عبادة** بن صامت قال سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول ما من امرء مسلم يقعد في جوف الّليل فيقول اللّه اكبر والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه وحده لاشريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ لا يموت وهو على كلّ شيء قدير ولا حول ولا قوّة ألّا باللّه العلّي العظيم استغفر اللّه الغفور الرحيم إلّا سلخه اللّه من خطاياه كيوم ولدته أمّه.

۹۷۸ ۲۶۵۳۹ (۵) **مستدرك** ۵/۲۰۱: السيّد علي بن طاووس في مهجّ الدعوات عن بعض كتب قدماء أصحابنا قال حدّثني أبو علي أحمد بن محمد بن الحسين بن إسحاق بن جعفر بن محمد العلويّ العريضي عن **محمد** بن علي العلويّ الحسينيّ المصري عن الحجّة المؤمّل عليه السلام انّه علّمه دعاء طويلاً وفيه الهى انت الذى تنادى فى انصاف كلّ ليلة هل من سائل فأُعطيه أم هل من داع فأجيبه أم هل من متسغفر فأغفر له أم هل من راج فأبلغه رجائه أم هل من مؤمّل فأبلغه أمله. الدعاء.

---

۱. الخزّاز.

۹۷۵ (۲) عمر بن یزید حکایت کرده که: «از حضرت صادقعليه السلام شنیدم که فرمود: ساعتی در شب است که اگر بندهٔ مسلمان در آن ساعت به پا خیزد و دعا کند به یقین دعایش مستجاب گردد.

به حضرت عرض کردم: آن ساعت، کدام است؟

فرمود: «وقتی شب از نیمه گذشت در آن یک سوّم باقیمانده.»

۹۷۶ (۳) عبدهٔ نیشابوری روایت کرده که: «به حضرت صادقعليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! مردم از پیامبرﷺ نقل می‌کنند که حضرت فرمود: «در شب یک ساعتی است که هیچ بندهٔ مؤمنی در آن ساعت، دعایی نکند مگر اینکه مستجاب گردد.

حضرت فرمود: بله گفتم: کی هست؟

حضرت فرمود: ما بین نصف شب تا یک سوّم باقی مانده به آخر شب.

گفتم: در شب مخصوصی یا هر شب چنین است؟

حضرت فرمود: هر شب چنین است.»

این روایت به طرق دیگر هم از حضرت صادقعليه السلام نقل شده است.

۹۷۷ (۴) عبادة بن صامت روایت کرده که: «شنیدم از رسول خداﷺ که فرمود: هیچ مسلمانی نیست که در دل شب نشیند و این دعا را بخواند مگر اینکه از گناهانش بیرون آید مثل روزی که مادر او را زایید. و آن دعا این است: «الله اکبر و الحمد لله... تا الغفور الرحیم» یعنی: خداوند بزرگتر است و سپاس و ستایش شایستهٔ خداست و نیست معبودی جز خداوند یگانه هیچ شریکی برایش نیست. پادشاهی فقط از اوست و همهٔ کمال‌ها و جمال‌ها از آنِ او. زنده کند و بمیراند و او زنده‌ای است که مرگ برایش نیست و او بر هر کاری توانا است و هیچ قدرت و توانی جز متّکی به خداوند بلند مرتبهٔ بزرگ یافت نگردد، از خداوند بخشندهٔ مهربانم می‌خواهم که از من درگذرد و مرا بیامرزد.»

۹۷۸ (۵) محمّد بن علی علوی حسینی مصری از حجّت خدا امام زمان(عج) که امید عالمیان است، روایت کرده که حضرت به او دعایی طولانی آموخت که در آن دعا آمده است: «معبود من! تو کسی هستی که در نیمه‌های شب صدا می‌زنی: آیا درخواست کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را بدهم؟ آیا دعاکننده‌ای هست تا دعایش را مستجاب کنم؟ آیا استغفار کننده‌ای هست تا او را بیامرزم، آیا امیدواری هست تا من او را به امیدش برسانم... تا آخر دعا.»

(۲۳)

باب استحباب الدّعاء والذكر والإستعاذة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها وفي اليوم واللّيل

قال اللّه تعالى في سورة الاعراف (۷): ۲۰۵: ﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَٱلْأَصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَٰفِلِينَ﴾.

۹۷۹ ۲٦٥٤٠ (۱) **كافي** ۲/۵۲۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن اسباط عن **غالب** بن عبداللّه عن أبي عبداللّه عليه السلام في قوله اللّه تبارك وتعالى ﴿وَظِلَٰلُهُم بِالْغُدُوِّ وَٱلْأَصَالِ﴾ قال هو الدعاء قبل طلوع الشمس وقبل غروبها وهي ساعة إجابة.

۹۸۰ ۲٦٥٤١ (۲) **كافي** ۲/۵۳۳: (عدَّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن محمد بن علي عن عبدالرحمن بن أبي هاشم عن **أبي خديجة** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ الدعاء قبل طلوع الشمس وقبل غروبها سنّة واجبة مع[۱] طلوع الفجر والمغرب تقول لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت (ويميت ويحيي ـ كا) وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو علىٰ كلّ شيء قدير عشر مرّات وتقول اعوذ باللّه السميع العليم من همزات الشّياطين واعوذ بك رب[۲] ان يحضرون انّ اللّه هو السميع العليم عشر مرّات قبل طلوع الشمس وقبل الغروب فان نسيت قضيت كما تقضىٰ الصّلاة إذا نسيتها.

۹۸۱ ۲٦٥٤٢ (۳) **السيّد علي بن طاووس** في فلاح السّائل باسناده عن أبي محمد هارون بن موسىٰ عن محمد بن همام عن الحسين بن هارون بن حمدون المدائني عن إبراهيم بن مهزيار عن اخيه علي بن مهزيار عن **محمد** بن عليّ (مثله سنداً ومتناً) إلى قوله عشر مرّات.

۹۸۲ ۲٦٥٤٣ (۴) **كافي** ۲/۵۲۲: عِدّة من أصحابناعن أحمد بن محمد عن ابن فضّال عن أبي جميلة عن **جابر** عن أبي جعفر عليه السلام قال انّ ابليس عليه لعائن اللّه يبثّ جنود اللّيل من حيث تغيب الشمس وتطلع فاكثروا ذكر اللّه عزّ وجلّ في هاتين الساعتين وتعوّذوا باللّه عزّ وجلّ من شرّ إبليس وجنوده وعوّذوا صغاركم في تلك[۳] الساعتين فانّهما ساعتا غفلة.

---

۱. من ـ فلاح. ۲. واعوذ باللّه ـ فلاح. ۳. في هاتين ـ فقيه ـ.

باب ۲۳

دعا و ذکر خدا پیش از طلوع و غروب خورشید

خداوند متعال فرموده است:

و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرّع و ترس و بدون صدای بلند، یاد کن و از بی‌خبران مباش.[۱]

۹۷۹ (۱) غالب بن عبدالله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در ذیل آیهٔ شریفهٔ «وَظِلالُهُم بِالغُدُوِّ وَالآصالِ»[۲] مقصود دعای پیش طلوع خورشید و پیش از غروب آن است که وقت استجابت دعاست.»

۹۸۰ (۲) ابوخدیجه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «دعا پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن یک سنّت واجب است به این نحو که با طلوع و غروب خورشید ده بار می‌گویی: «معبودی جز خداوند یکتای بی‌همتا نیست پادشاهی برای اوست و سپاس و ستایش شایستهٔ او. زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌گرداند و خود زنده‌ای است که مرگ را به او راهی نیست. همهٔ خیرها در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.»

و ده بار می‌گویی: «پناه می‌برم به خدای شنوای دانا از وسوسه‌های شیطان و پناه می‌آورم به تو ای پروردگار از اینکه پیرامون من آیند، به راستی که خداوند شنوا و دانا است.» پس اگر فراموش کردی قضای آن را به جای آر آنگونه که قضای نماز را به جای می‌آوری در وقتی که آن را فراموش کردی.»

۹۸۱ (۳) علی بن مهزیار نیز روایت فوق را از حضرت محمد بن علی امام جواد علیه السلام که متن و سند آن همانند روایت مذکور است تا آنجا که فرمود: «ده بار» نقل کرده است.

۹۸۲ (۴) جابر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «ابلیس [سردمدار شیاطین] که لعنت‌های خدا بر او باد لشگرهای شبانه‌اش را در وقت غروب و طلوع خورشید پراکنده می‌کند. پس در این دو ساعت، زیاد ذکر خداوند عزوجل بگویید و از شرّ ابلیس و لشکریانش به خداوند عزیز و جلیل پناه ببرید و کودکان خردسال خود را نیز در این دو ساعت در پناه خدا قرار دهید زیرا این دو ساعت وقت غفلت است.»

---

۱. اعراف ۲۰۵/۷.

۲. رعد ۱۵/۱۳. معنی تمام آیه این است: «و هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه ناخواه همراه با سایه‌های‌شان، بامدادان و شامگاهان برای خدا، سجده می‌کنند.» در روایت فوق فرموده که مقصود از این سجده همان دعاست. (مترجم).

فقيه ٣١٨/١: روي جابر عن أبي جعفرعليه السلام قال انّ إبليس انّما يبثّ جنود اللّيل من حيث تغيب الشمس إلى مغيب الشفق ويبث جنود النّهار من حين طلوع الفجر إلى مطلع الشمس وذكر انّ نبيّ اللّهصلى الله عليه وآله كان يقول اكثروا (وذكر نحوه).

٩٨٣ ٢٦٥٤٤ (٥) **الجعفريات** ٢٣٦: باسناده عن علي بن أبي طالب عليه السلام كان إذا اصبح قال مرحباً بكما من ملكين حافظين كريمين أُملي عليكما ما تحبّان ان شاء اللّه تعالى فلايزال في التسبيح والتهليل حتّىٰ تطلع الشمس وكذلك بعد العصر حتّىٰ تغرب.

٩٨٤ ٢٦٥٤٥ (٦) **الثواب** ٢٠٠: أبيرحمه الله قال حدّثنى عبداللّه بن جعفر الحميري عن إبراهيم بن مهزيار عن اخيه علي بن مهزيار عن عمرو بن عثمان عن المفضّل عن **تفسير العيّاشي** ٦٧: **جابر** عن أبي جعفرعليه السلام قال قال رسول اللّه[١] انّ الملك ينزل بصحيفة[٢] اوّل النّهار واوّل اللّيل فيكتب[٣] فيها عمل ابن آدم فأملوا[٤] في اوّلها خيراً وفي آخرها خيراً فانّ اللّه عزّ وجلّ يغفر لكم فيما[٥] بين ذلك ان شاء اللّه فانّ اللّه عزّ وجلّ يقول فاذكروني اذكركم (ثواب ـ ويقول جل جلاله ولذكر اللّه اكبر) ـ **امالى الصدوق** ٤٦٤: حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد قال حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار عن العبّاس بن معروف عن على بن مهزيار مثل ما في الثواب سنداً ومتناً.

٩٨٥ ٦٥٤٤٦ (٧) **امالى المفيد** ٢: حدّثنا الشيخ الأجل المفيد أبوعبداللّه محمد بن محمد بن النعمان ادام اللّه حراسته وتوفيقه في هذا اليوم قال أخبرني أبوالحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه محمد ابن الحسن عن محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن خالد عن ابن حمّاد عن أبي جميلة عن **جابر** بن يزيد[٦] عن أبي جعفر محمّد الباقر عن أبيهعليهما السلام قال انّ الملك الموكّل بالعبد يكتب في صحيفته اعماله[٧] فأملوا (وذكر مثله إلى قوله ما بين ذلك).

---

١. النبيّ ـ عياش. ٢. الصحيفة ـ عياشي. ٣. يكتب ـ عياشي.
٤. فاعملوا ـ خ. ٥. ما ـ عياشي. ٦. في المستدرك جابر عن أبي جميلة.
٧. في صحيفة اعماله ـ خ.

در کتاب من لا یحضره فقیه همین روایت فوق به این صورت بیان شده است که جابر از امام باقر﵇ روایت کرده که حضرت فرمود: «ابلیس لشکرهای نوبت شب را وقت غروب خورشید به مأموریت می‌فرستد و لشکریان نوبت روز را از وقت طلوع فجر تا طلوع خورشید پخش می‌کند و نقل شده که پیامبر خداﷺ می‌فرمود: در این دو وقت زیاد ذکر خدا بگویید...» تا آخر مثل روایت مذکور پیشین است.

۹۸۳ (۵) در کتاب الجعفریّات با اسناد خود از علی بن ابی طالب﵇ روایت شده که: «حضرت در هر صبح می‌فرمود: آفرین به شما دو فرشتهٔ نگهبان بزرگوار، ان شاء الله تعالی چیزهایی که دوست دارید برای شما املاء می‌کنم.

پس پیوسته حضرت، «سُبحانَ اللهِ وَلا اِلٰهَ إلّا الله» می‌گفت تا خورشید سر می‌زد و بعد از عصر هم به همین منوال عمل می‌کرد تا خورشید، غروب می‌کرد.»

۹۸۴ (۶) جابر از امام باقر﵇ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: فرشته، اوّل روز یک نامه [برای نوشتن اعمال روزانه] و یک نامه [برای نوشتن اعمال شبانه] می‌آورد و کردار آدمیزاد را در آن می‌نویسد پس در آغاز و انجام آن، کارهای خیر املا کنید. پس انشاء الله خداوندعزّ وجلّ ما بین آن دو را بیامرزد چون خداوند عزیز بزرگ فرموده: «**پس شما مرا یاد کنید تا من شما را یاد کنم**» و نیز فرموده: «**هر آینه یاد خدا بزرگتر است.**»

۹۸۵ (۷) جابر بن یزید از امام باقر﵇ و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده که فرمود: «فرشته‌ای که بر بنده گماشته شده، کارهایش را در نامهٔ عملش می‌نویسد پس کار خیر املا کنید...»

و باقی روایت مانند روایت پیشین است تا آنجا که فرمود: «خداوند میانهٔ آن دو را می‌آمرزد.»

٩٨٦ ٢٦٥٤٧ (٨) **كافي** ٢/٥٢٤: علي ابن إبراهيم عن أبيه عن صالح بن السّندي عن جعفر بن بشير عن عبداللّه بن بكير عن **شهاب** بن عبد ربّه قال سمعت ابا عبداللّهعليه السلام يقول إذا تغيّرت الشمس فاذكر اللّه عزّ وجلّ وان كنت مع قوم يشغلونك فقم وادع.

٩٨٧ ٢٦٥٤٨ (٩) **مستدرك** ٥/٢٠٤: **السيّد علي بن طاووس** في كتاب محاسبة النّفس رأيت في كتاب **مسعدة** بن زياد الربعيّ من اصول الشيعة فيما رواه عن جعفر بن محمّد الصادق عن أبيهعليهما السلام قال انّ اللّيل إذا اقبل نادىٰ مناد بصوت يسمعه الخلائق الّا الثقلين يابن آدم انّي خلق جديد على ما فيّ شهيد فخذ منّي فانّي لو طلعت الشمس لم ارجع إلى الدنيا ثمّ لم تزدد فيّ حسنة ولم تستعتب فيّ من سيّئة وكذلك يقول النّهار إذا ادبر الليل ورواه في فلاح السّائل عن الاصل المذكور مثله.

٩٨٨ ٢٦٥٤٩ (١٠) **كافي** ٢/٥٢٣: عِدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الاشعري عن **ابن القدّاح** عن أبي عبداللّهعليه السلام قال ما من يوم يأتي علىٰ ابن آدم إلّا قال له ذلك اليوم يابن آدم انا يوم جديد وانا عليك شهيد فقل فيّ خيراً واعمل فيّ خيراً اشهد لك به يوم القيامة فانّك لن تراني بعدها ابداً قال وكان عليّعليه السلام إذا امسىٰ يقول مرحباً باللّيل الجديد والكاتب الشّهيد اكتبا علىٰ اسم اللّه ثمّ يذكر اللّه عزّ وجلّ فلاح السّائل ٢١٥: وممّا ارويه باسنادي إلى جدّي أبي جعفر الطوسي ممّا يرويه عن **محمد** بن عليّ بن محبوب ونقلته من خطّه رضوان اللّه عليه عن عليّ بن السّندي عن جعفر بن محمد بن عبيداللّه عن عبداللّه بن ميمون عن جعفر عن أبيه قال ما من يوم يأتي (وذكر نحوه إلى قوله أبداً) ك ٥/٢٠٤: السيّد **علي** بن طاوُوس في كتاب محاسبة النفس ورويت باسنادي إلى محمد بن علي بن محبوب من كتابه باسناده إلى جعفر بن محمد الصادق عن أبيهعليهما السلام قال ما من يوم يأتي (وذكر مثله).

وتقدّم في أحاديث باب (١٨) انّه يستحبّ للمصلّي ان يجلس في مصلّاه بعد صلاة الصبح حتّىٰ تطلع الشمس يذكر اللّه ويدعو من أبواب التعقيب ج ۶ ما يناسب الباب.

وفي رواية فضيل (۶) من باب (٢) بثّ الحوائج إلى اللّه من أبواب الدعاء قولهعليه السلام وإذا كان قبل طلوع الشمس وقبل الغروب فعليك بالدعاء واجتهد.

وفي غير واحد من أحاديث باب (٢١) انّ الدعاء يستجاب في السحر ما يناسب ذلك.

۹۸۶ (۸) شهاب بن عبد ربّه گوید: «شنیدم از امام جعفر صادقﷺ که فرمود: زمانی که خورشید دگرگون شد [نزدیک غروب به زردی گرایید] پس خداوندﷻ را یاد کن و اگر با قومی بودی که تو را مشغول کرده‌اند و از ذکر خدا باز داشته‌اند پس به پا خیز [و خلوت گزین] و دعا کن.»

۹۸۷ (۹) ابن طاووس در کتاب محاسبة النفس روایتی از امام جعفر صادقﷺ نقل کرده که آن حضرت از پدرش امام باقرﷺ روایت کرده که فرمود: «چون شب فرا رسد هاتفی صدا می‌زند با صدایی که همهٔ آفریده‌ها جز انس و جن می‌شنوند: ای پسر آدم! من آفریدهٔ جدیدی هستم و بر هر کاری که در من انجام دهی، گواهم. پس از من بهره گیر زیرا اگر خورشید طلوع کند، دیگر من به دنیا باز نخواهم گشت و دیگر نمی‌توانی بر حسناتی که در من انجام دادی، بیفزایی و نه از گناهی که در من انجام دادی عذرخواهی نمایی.

و چون شب سپری شود و روز از راه برسد این منادی به همین منوال در رابطه با روز صدا می‌زند.»

۹۸۸ (۱۰) ابن قدّاح از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرمود: «روزی برای پسر آدم از راه نمی‌رسد مگر اینکه آن روز گوید: ای پسر آدم! من یک روز نویی هستم و من گواه تو هستم. پس در من حرف خوب بزن و کار خوب انجام ده تا روز قیامت برایت به آن گواهی دهم زیرا پس از این هرگز و هیچ‌گاه دیگر مرا نخواهی دید.

حضرت فرمود: علیﷺ هر گاه به شب وارد می‌شد، می‌فرمود: خوش آمد می‌گویم آمدن شب جدید و نویسندهٔ جدید را.

[ای دو فرشتهٔ نگهبان من] به نام خدا شروع کنید به نوشتن.

سپس حضرت مشغول ذکر خداوندﷻ می‌شد.»

این روایت شریف به طرق دیگر نیز نقل شده است.

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب هجدهم از باب‌های تعقیب آنچه مناسب آن است.

و در روایت ششم از باب دوم از باب‌های دعا فرمده امامﷺ که: «و چون نزدیک طلوع خورشید یا نزدیک غروب آن شد پس به دعا بپرداز و در این جهت تلاش کن.»

و در بسیاری از روایات باب بیست و یکم آنچه مناسب آن است.

ويأتي في باب (۲۰) تأكّد استحباب التهليل عشراً في الصباح والمساء من أبواب الذكر ما له مناسبة بالمقام.

وكذا في أحاديث باب (۲۸) نبذة مما يقال في الصباح والمساء.

(۲۴)

باب انّ من سرّه ان تستجاب دعوته فليطب مكسبه وليصل رحمه ويقدّم صدقته وليطع ربّه وليجتنب عصيانه وليصلح عمله

۹۸۹ ۲٦٥٥٠ (۱) **كافي ۲/۴۸۶**: عِدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن عليّ بن اسباط عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من سرّه ان يستجاب (له ـ كا) دعوته فليطب مكسبه الجعفريات ۲۲۴: باسناده عن علي بن أبي طالب عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله مثله الاّ انّ فيه فليطيب.

۹۹۰ ۲٦٥٥١ (۲) **مستدرك ۵/۲۱۷**: الراوندي في دعواته روي انّ رجلاً اتى النبيّ صلى الله عليه وآله فقال ادع اللّه ان يستجيب دعائي فقال صلى الله عليه وآله إذا اردت ذلك فاطب كسبك.

۹۹۱ ۲٦٥٥٢ (۳) **المكارم ۲۷۵**: قال صلى الله عليه وآله أطِب كسبك تستجَب دعوتك فانّ الرجل يرفع اللّقمة إلى فيه فما تستجاب له دعوة اربعين يوماً.

۹۹۲ ۲٦٥٥٣ (۴) **عدّة الدّاعي ۱۲۸**: قال صلى الله عليه وآله لمن قال له أُحِبُّ ان يستجاب دعائي قال له طهّر مأكلَكَ ولاتُدخل بطنك الحرام.

۹۹۳ ۲٦٥٥٤ (۵) **مستدرك ۵/۲۱۷**: الراوندي في دعواته روي انّ موسى عليه السلام رأى رجلاً يتضرّع تضرّعاً عظيماً ويدعو رافعاً يديه ويبتهل فأوحىٰ اللّه إلى موسىٰ عليه السلام لو فعل كذا وكذا لَمَا استجبتُ دعائه لأنّ في بطنه حراماً وعلىٰ ظهره حراماً وفي بيته حراماً.

۹۹۴ ۲٦٥٥٥ (۶) **عدّة الدّاعي ۱۲۸**: في الحديث القدسيّ فمنك الدّعاء وعليَّ الإجابة فلا تحتجب عنّي دعوة إلّا دعوة آكِلِ الحرام.

می‌آید:

در باب بیستم از باب‌های ذکر آنچه مناسب این مقام است.

همچنین در روایات باب بیست و هشتم مناسب آن هست.

باب ۲۴

شرایط استجابت دعا

۹۸۹ (۱) علیّ بن اسباط با واسطه از امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «کسی که دوست دارد با مستجاب شدن دعایش خوشحال گردد باید کسب و کار خود را پاک و حلال کند.»

۹۹۰ (۲) قطب الدین راوندی در کتاب دعوات نقل کرده که: «مردی خدمت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و عرض کرد: دعا کن خداوند دعای مرا مستجاب گرداند. پس حضرت فرمود: اگر چنین چیزی می‌خواهی پس کسب و کارت را حلال و پاک گردان.»

۹۹۱ (۳) در کتاب مکارم الاخلاق حدیثی از رسول گرامی اسلام‌صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که حضرت فرمود: «منبع درآمد و شغلت را حلال و پاک گردان تا دعایت مستجاب گردد زیرا گاهی انسان یک لقمه در دهان می‌گذارد و همان باعث می‌شود که تا چهل روز دعایش مستجاب نشود.»

۹۹۲ (۴) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی روایتی از امام معصوم‌علیه‌السلام نقل کرده که حضرت در جواب کسی که به او عرض کرد دوست دارم دعایم مستجاب شود، فرمود: «خورد و خوراکت را [از حرام و شبهه] پاک گردان و لقمهٔ حرام به شکمت فرو نبر.»

۹۹۳ (۵) قطب الدین راوندی در کتاب دعوات روایتی نقل کرده که: «حضرت موسی‌علیه‌السلام مردی را دید که خیلی تضرّع و زاری و التماس می‌کرد و دست‌ها بالا آورده، دعا، گریه و ابتهال می‌کرد. پس خداوند به موسی‌علیه‌السلام وحی کرد که اگر این شخص فلان کار و فلان کار بلکه هر کاری انجام دهد من دعایش را مستجاب نخواهم کرد چون در شکم او لقمهٔ حرام است و بر پشت او [صُلب او] حرام است و در خانه‌اش هم مال حرام است.»

۹۹۴ (۶) در کتاب عدّة الداعی ذکر شده که در حدیث قدسی آمده است: «پس، از تو دعا کردن، از من اجابت کردن پس هیچ دعایی از من محجوب نماند و ردّ نشود مگر دعای حرام خوار.»

۹۹۵ ۲٦٥٥٦ (۷) **مستدرك** ۲۱۸/۵: القطب الرّاوندي في لبّ اللّباب ونـزل فـيه يـعني عـليّاً﴿ع﴾ ﴿إِذَا نَـٰجَيْتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىْ نَجْوَىٰكُمْ صَدَقَةً﴾ ولم يعمل بها غير علي﴿ع﴾ وكان معه دينار فباعه بعشرة دراهم واعطاه المساكين وسئل عنه﴿ص﴾ عشر مسائل اوّلها قال يـارسول اللّـه كيف ادعو اللّه قال بالصدق والوفاء الثّاني قال ما أسئل اللّه قال العافية الثالث قال ما اصنع لنجاتي قال كُل حلالاً وقُلْ صدقاً الخبر.

۹۹٦ ۲٦٥٥۷ (۸) **بشارة المصطفىٰ** ۲۴: أخبرنا الشيخ أبوالبقاء إبراهيم بن الحسين بن إبراهيم البصري بقرائتي عليه قال حدّثنا أبوطالب محمد بن الحسين بن عتبة قال حدّثنا أبوالحسن محمد بن الحسين بن أحمد قال أخبرنا محمد بن وهبان الدبيلي قال حدّثنا علي بن أحمد بن كثير العسكري قال حدثني أحمد بن المفضّل أبوسلمة الاصفهاني قال أخبرني راشد بن عـلي بـن وايـل القرشي قال حدثني عبداللّه بن حفص المدني قال أخبرني محمد بن إسحاق عن **سعيد** بن زيد بن ارطاة قال لقيت كميل بن زياد وسألته عن فضل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب﴿ع﴾.

فقال الا أخبرك بوصيّةٍ اوصاني بها يوماً وهي خير لك من الدنيا بما فيها فقلت بلىٰ.

قال قال لي علي يا كميل بن زياد سمّ كل يوم باسم اللّه ولا حول ولا قوّة الّا باللّه وتوكّل علىٰ اللّه (إلى ان قال ص ۲۸) يا كميل انّ اللّسان يبوح من القلب والقلب يقوم بالغذاء فانظر فيما تغذي قلبك وجسمك فان لم يكن ذلك حلالاً لم يقبل اللّه تسبيحك ولا شكرك.

۹۹۷ ۲٦٥٥۸ (۹) **امالي الشيخ** ۵۳۴: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصّلاة (في حـديث وصـيّة النبيّ﴿ص﴾ لابي ذرّ) يا **اباذرّ** يكفي من الدعاء مع البرّ ما يكفي الطعام من الملح يا اباذرّ مـثل الذيّ يدعو بغير عمل كمثل الذي يرمي بغير وتر يا اباذرّ انّ اللّه يصلح بصلاح العـبد ولده وولد ولده ويحفظه في دويرته والدور حوله مادام فيهم.

۹۹۸ ۲٦٥٥۹ (۱۰) **فقيه** ۲۹۸/۴: روي صفوان بن يحيىٰ ومحمد بن أبي عمير عن موسىٰ بن بكر (عن **زرارة** ــ خ) عن الصادق جعفر بن محمد﴿ع﴾ قال (في حديث) الداعي بلا عمل كالرامي بـلا وتر نهج البلاغة ۱۲۳۵: **قال**﴿ع﴾ الدّاعي (وذكر مثله) الجعفريات ۲۲۴: باسناده عن **علي** بن أبي طالب﴿ع﴾ قال قال رسول اللّه﴿ص﴾ الداعي (وذكر مثله).

۹۹۵ (۷) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب نوشته: «و از جمله آیاتی که در شأن علیؑ نازل شده این آیه است: «هر گاه خواستید با پیامبرﷺ گفتگوی محرمانه کنید، پیش از گفتگوی محرمانهٔ خود صدقه‌ای تقدیم بدارید»[1] و جز علیؑ کسی به این آیه عمل نکرد آن حضرت دیناری داشت آن را خُرد کرد و ده درهم شد آن را به مستمندان داد و آنگهی ده سؤال از رسول خداﷺ نمود. نخستین سؤالش این بود که: یا رسول‌الله! چگونه دعا کنم و خدا را بخوانم؟ حضرت رسول فرمود: با صداقت و وفاداری. دوّمین سؤال حضرت این بود که: از خدا چه بخواهم؟ حضرت رسولﷺ فرمود: عافیت و سلامتی تن و روح سوّم پرسش این بود که: برای نجات خود چه کنم؟ حضرت فرمود: حلال بخور و راست بگو.»

۹۹۶ (۸) سعید بن زید بن ارطاة گوید: «کمیل بن زیاد را ملاقات کردم و از او دربارهٔ فضائل امیرمؤمنان علی بن ابی طالبؑ پرسیدم.

پس کمیل گفت: آیا خبر دهم تو را به آن وصیّتی که حضرت روزی مرا به آن سفارش کرد؟ و این وصیّت از دنیا و آنچه در آن است برای تو بهتر است. گفتم: بله، بگو.

کمیل گفت: علیؑ به من فرمود: هر روز را با نام خدا آغاز کن به این نحو که بگو: «بِسْمِ اللهِ وَلا حَوْلَ وَلا قوّةَ الّا بِاللهِ» و بر خدا توکّل کن یعنی بگو: تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ. (تا آنجا که حضرت فرمود:) ای کمیل زبان، مترجم دل است و قِوام دل به غذاست پس بنگر که دل و بدنت از چه غذایی تغذیه می‌کند، پس اگر آن، حلال نباشد، خداوند تسبیح، ذکر، سپاس و شکر تو را نپذیرد.»

۹۹۷ (۹) شیخ طوسیؒ در امالی نقل کرده است که رسول اعظم اسلامﷺ در ضمن وصایایش به ابوذر فرمود: «ای ابوذر! دعا همراه با نیکوکاری آن قدر کافی است که نمک برای غذا. ای ابوذر! مَثَل کسی که دعا می‌کند بدون عمل مانند مَثَل کسی است که با کمان بدون زِه [کِشِ جلوی کمان] تیراندازی کند.

ای ابوذر! خداوند به خاطر صالح بودن بنده، فرزندان و فرزندان فرزندانش را اصلاح می‌کند و به خاطر اینکه او در خانهٔ کوچکش محفوظ باشد، خانه‌های اطراف او را نیز حفظ می‌کند مادامی که در میان آن‌هاست.»

۹۹۸ (۱۰) زراره از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که فرمود: «دعا کنندهٔ بدون عمل مثل تیرانداز با کمان بدون زِه است.»

---

۱. مجادله ۱۲/۵۸.

۹۹۹ ۲۶۵۶۰ (۱۱) **الجعفريات** ۲۱۵: باسناده عن **علي** بن أبي طـالب‌ﷺ قـال قـال رسـول اللّـه‌ﷺ اطيعوا اللّه عزّ وجلّ يُطعْكُمْ.

۱۰۰۰ ۲۶۵۶۱ (۱۲) **عدّة الدّاعي** ۱۶۴: عن النبيّﷺ مرّ موسىٰ برجل من اصحابه وهو ساجد وانصرف من حاجته وهو ساجد فقالﷺ لو كانت حاجتك بيدي لقضيتها لك فأوحىٰ اللّه عزّوجلّ إليه يا موسىٰ لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبلته او يتحوّل عمّا اكره إلى ما اُحبّ.

۱۰۰۱ ۲۶۵۶۲ (۱۳) **كافي** ۱۳۳/۸: عليّ ابن إبراهيم عن أبيه عن عليّ بن اسباط عنهمﷺ قال فيما وعظ اللّه به عيسىٰ (إلى ان قال) يا عيسىٰ قل لظلمة بني اسرائيل لاتـدعوني والسـحت تـحت احضانكم[1] والاصنام في بيوتكم فانّي آليت[2] ان اجيب من دعاني وان اجعل اجابتي ايّاهم لعناً عليهم حتّى يتفرّقوا.

(إلى ان قال) ۱۳۸: ياعيسى قل لظلمة بني اسرائيل غسلتم وجوهكم ودنستم قلوبكم أبي تغترّون أم عليّ تجترؤن تطيّبون بالطيب لاهل الدّنيا واجوافكم عندي بمنزلة الجيف المنتنة كأنّكم اقوام ميّتون يا عيسىٰ قل لهم قـلّموا اظـفاركم مـن كسب الحـرام واصـمّوا اسماعكم عن ذكر الخنا[3] واقبلوا عليّ بقُلُوبكم، فانّي لست اريد صوركم، امالي الصـدوق ۴۱۶: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ قال حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل قال حدّثنا عبداللّه بن جعفر الحميري عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطّاب عن علي بن اسباط عن علي بن أبي حمزة عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه الصادق جعفر بن محمدﷺ (مثله) عدّة الداعي ۱۲۹: فعنهمﷺ فيما وعظ اللّه به عيسىٰﷺ يا عيسىٰ (وذكر مثله بتقديم وتأخير).

۱۰۰۲ ۲۶۵۶۳ (۱۴) **البحار** ۳۷۶/۹۳: دعائم الدين روى في كتاب التنبيه عن أمير المؤمنينﷺ انّه خطب في يوم جمعة خطبة بليغة فقال في آخرها أيُّها النّاس سبع مصائب عظام نعوذ باللّه مـنها عالم زلّ وعابد ملّ ومؤمن خلّ ومؤتمن غلّ وغني اقلّ وعزيز ذلّ وفقير اعتلّ.

---

۱. تحت اقدامكم ـ عدة الداعي. الحضن: مادون الابط. ۲. رأيت ـ امالي.

۳. الفحشاء ـ عدة الداعي.

۹۹۹ (۱۱) در کتاب الجعفریات با اسناد خود از علی بن ابی طالب﵇ روایت شده که حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: اطاعت کنید از خداوندعزّ و جلّ، خداوند از شما اطاعت می‌کند.»

۱۰۰۰ (۱۲) در کتاب عدّة الداعی از پیامبرﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «حضرت موسی﵇ به مردی از اصحاب خود گذشت، او را در حال سجده دید، رفت کار خود را انجام داد و برگشت، همچنان او را در حال سجده دید. پس گفت: اگر حاجت تو به دست من بود، قطعاً او را برآورده می‌کردم و خواسته‌ات را به تو می‌دادم!

خداوندعزّ و جلّ به او وحی کرد که: ای موسی! اگر آنقدر سجده کند که گردنش قطع شود دعایش را نپذیرم مگر اینکه از کارهایی که من نمی‌پسندم و اکراه دارم به کارهایی که دوست دارم منتقل شود.»

۱۰۰۱ (۱۳) علیّ بن اسباط از ائمهٔ اطهار﵃ روایت کرده که فرموده‌اند: «از جمله مواعظ خداوند به حضرت عیسی﵇ این است:... (تا آنجا که فرمود:) ای عیسی به ستمگران بنی اسرائیل بگو: دعا نکنید و نخوانید مرا در حالی که زیر پیراهن‌های‌تان [در شکم‌های‌تان] حرام است و در خانه‌های‌تان بُت‌هاست.

چون من قسم خورده‌ام که هر کس مرا بخواند او را جواب دهم و جوابی که به دعای آنان می‌دهم لعن و نفرین آن‌هاست که این نفرین بر آن‌ها تا وقتی پراکنده نشدند، ادامه خواهد داشت.

(تا آنجا که خداوند فرموده:) ای عیسی! به ستمکاران بنی اسرائیل بگو که: شما صورت‌های خویش را شستشو دادید ولی دل‌های‌تان را چرکین کردید.

آیا به من مغرور شده‌اید؟ یا اینکه بر من جرئت مخالفت پیدا کرده‌اید؟ برای مردم دنیا خودتان را با عطر و گلاب خوشبو می‌کنید ولی باطن‌های شما، پیش من به مانند مردار گندیدهٔ بدبوست. گویا شما یک مردم مرده‌ای هستید.

ای عیسی! به آن‌ها بگو از کسب و کار حرام و مال حرام چنگال‌های‌تان را برگیرید و از شنیدن ناسزا گوش‌ها را کر نمایید، آنگاه با دل‌های‌تان به من روی آورید، چون من توجّهی به قیافه‌های ظاهری شما ندارم.»

این روایت شریف را ابوبصیر نیز از حضرت صادق﵇ نقل کرده است.

۱۰۰۲ (۱۴) در کتاب التنبیه از امیرمؤمنان علی﵇ روایت شده که آن حضرت در روز جمعه خطبه‌ای با فصاحت و بلاغت تمام القاء کرد و در آخر آن فرمود: «ای مردم! هفت مصیبت بزرگ است که از آن‌ها به خدا پناه می‌بریم: عالمی که دچار لغزش شود، عابدی که خسته و پژمرده شود، مؤمنی که تغییر کند، امین شمرده شده‌ای که خیانت کند، ثروتمندی که فقیر شود، عزیز و ارجمندی که خوار گردد و فقیری که بیمار شود.

فقام إليه رجل فقال صدقت يـا أمـير المـؤمنين أنت القـبلة إذا مـا ضـللنا والنّـور إذا ما اظلمنا ولكن نسألك عن قول اللّه تـعالىٰ ـأُدعُـوني اَسـتَجِبْ لَكُـمْ ـفـما بـالنا نـدعو فلا يجاب.

قال انّ قلوبكم خانت بثمان خصال اوّلها انّكم عرّفتم اللّه فلم تؤدّوا حـقّه كـما اوجب عليكم فما اغنت عنكم معرفتكم شيئاً.

والثانية انّكم آمنتم برسوله ثمّ خالفتم سنّته وأمتم شريعته فأين ثمرة ايمانكم.

والثالثة انّكم قرأتم كتابه المنزل عليكم فلم تعملوا به وقلتم سمعنا واطعنا ثمّ خالفتم.

والرابعة انّكم تخافون من النّار وانتم في كلّ وقت تقدمون اليها معاصيكم فاين خوفكم.

والخامسة انّكم قلتم انّكم ترغبون في الجنّة وانتم في كلّ وقت تفعلون ما يباعدكم منها فأين رغبتكم فيها.

والسّادسة انّكم اكلتم نعمة المولىٰ ولم تشكروا عليها.

والسابعة انّ اللّه أمَرَكم بعداوة الشيطان وقال انّ الشّيطان لكـم عـدوّ فـاتّخذوه عـدوّاً فعاديتموه بلا قول [١] وواليتموه بلا مخالفة.

والثّامنة انّكم جعلتم عيوب الناس نصب عيونكم وعيوبكم وراء ظهوركم تلومون مَـنْ انتم احقّ باللوم منه فايّ دعاء يستجاب لكم مع هذا وقد سددتم أبوابه وطرقه فاتّقوا اللّـه وأصلحُوا اعمالكم وأخلصوا سرائركم وامروا بالمعروف وانهوا المنكر فيستجيب اللّه لكم دعاءكم.

١٠٠٣ (١٥) **مستدرك** ٢٨١/٥: السيّد عليّ بن طاوُوس في كـتاب المـجتنىٰ نـقلاً مـن كـتاب
٣٦٥٦٤ ربيع الابرار للزمخشري عن **عليّ**ؑ يرفعه دعاء اطفال ذرّيّتي مسـتجاب مـا لم يـقارفوا الذنوب.

---

١. هكذا في الأصل ـ ولكن لايبعد أن يكون صحيحه ـ فعاديتموه بالقول وواليتموه بالمخالفة.

پس مردی به پا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان! راست گفتی. هر گاه ما راه را گم کنیم در حقیقت تو قبله هستی و هر گاه به تاریکی افتیم در حقیقت تو نور هستی ولی [آقا] از تو می‌پرسیم که با وجود اینکه خداوند فرموده: «**بخوانید مرا اجابت می‌کنم شما را**» چرا ما او را می‌خوانیم ولی اجابتی نمی‌بینیم؟ حضرت فرمود: چون دل‌های شما با هشت خصلت خیانت کرده:

۱ـ شما خدا را شناختید ولی حقّ او را آن سان که بر شما واجب ساخته أدا نکردید. در نتیجه شناخت شما به شما سودی نبخشید.

۲ـ شما به پیامبرش ایمان آوردید پس از آن [در زندگی و عمل] روشی مخالف با روش او اتّخاذ کردید و شریعت او را میراندید پس این چنین ایمانی کجا ثمر خواهد داشت؟

۳ـ شما کتاب آسمانی او را که برای شما نازل کرده، خواندید ولی به آن عمل نکردید و به زبان گفتید: اطاعت می‌کنیم ولی در عمل مخالفت کردید.

۴ـ شما مدّعی هستید که از آتش دوزخ می‌ترسید ولی دم به دم به همان سمت و سوی، گناه می‌فرستید پس ترس، کجا بوده؟

۵ـ شما گفتید که راغب به بهشت هستید ولی، لحظه به لحظه کارهایی می‌کنید که شما را از آن دور می‌کند پس میل و رغبت به بهشت کجاست؟

۶ـ شما نعمت‌های مولا را خوردید ولی سپاس آن به جای نیاوردید.

۷ـ خداوند شما را به دشمنی با شیطان امر کرده و فرموده: «به راستی شیطان دشمن شماست پس شما او را دشمن خود بدانید.» و شما در گفتار اظهار دشمنی با او کردید ولی در کردار بدون چون و چرا به او علاقه و گرایش یافتید.

۸ـ شما عیب‌های مردم را در جلوی چشمان خود تابلو قرار دادید ولی عیب‌های خود را به پشت سرتان انداختید. کسانی را سرزنش و نکوهش می‌کنید که خود شما به نکوهش از او سزاوارترید.

پس با وجود این همه [خرابی‌ها و تباهی‌ها] چگونه و چه دعایی برای شما مستجاب خواهد شد، با اینکه شما درهای دعا و راه‌های آن را به روی خود بسته‌اید.

پس پرهیزگاری الهی پیشه کنید و کارهای خود را اصلاح و نیّت‌های خود را خالص و امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خداوند دعای شما را مستجاب گرداند.»

۱۰۰۳ (۱۵) ابن طاووس در کتاب المجتنی روایتی از علی‌ؑ نقل کرده که حضرت فرمود: «دعای کودکان ذریّهٔ من [بچّه سیّدها] مستجاب است تا وقتی که به گناهان آلوده نگشته‌اند.»

وتقدّم في رواية ورّام ابن أبي فراس (٣) من باب (٥) كراهة الضحك بين القبور من أبواب زيارة القبور ج ٣ قوله ﷺ من ضحك علىٰ جنازة اهانه اللّه يوم القيامة علىٰ رؤس الأشهاد ولا يستجاب دعائه.

وفي أحاديث باب (١٩) وجوب ردّ المظالم من أبواب جهاد النفس ما يناسب الباب فراجع.

وفي رواية ابن أبي نصر (١) من باب (١٥) تحريم القنوط وان تأخّرت الإجابة قوله ﷺ فلا تملّ الدعاء فانّه من اللّه بمكان وعليك بالصبر وطلب الحلال وصلة الرحم.

وتأتي في أحاديث باب (٤٥) انّ اللّه تعالى لايجيب دعوة مظلوم في مظلمةٍ وَلأحَدٍ عنده مظلمة ما يناسب ذلك.

(٢٥)

باب ماورد في انّ المؤمنين إذا اجتمعوا فدعوا اللّه تعالى في أمرٍ استجاب لهم وكذا إذا أمّن بعضهم على دعاء بعض

١٠٠٤ ٢٦٥٦٥ (١) **كافي** ٤٨٧/٢: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن محمد بن علي عن يونس بن يعقوب عن **عبدالاعلىٰ** عن أبي عبداللّه ﷺ قال ما اجتمع اربعة (رهط ـ كا) قطّ علىٰ امر واحد فدعوا (اللّه ـ كا) الّا تفرّقوا عن إجابة. الثواب ١٩٣: حدّثني محمد بن على ماجيلويه ﷺ قال حدّثني عمّي محمد بن أبي القاسم عن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي (مثله سنداً ومتناً).

١٠٠٥ ٢٦٥٦٦ (٢) **كافي** ٤٨٧/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن معبد عن عبيداللّه بن عبداللّه الواسطي عن درست ابن أبي منصور عن **أبي خالد** قال قال أبوعبداللّه ﷺ مامن رهط اربعين رجلاً اجتمعوا فدعوا اللّه عزّ وجلّ في امر إلّا استجاب اللّه لهم فان لم يكونوا اربعين فاربعة يدعون اللّه عزّ وجلّ عشر مرات الّا استجاب اللّه لهم فان لم يكونوا اربعة فواحد يدعوا اللّه اربعين مرّة فيستجيب اللّه العزيز الجبّار له.

١٠٠٦ ٢٦٥٦٧ (٣) **مستدرك** ٢٣٩/٥: القطب **الراوندي** في دعواته قال قال النبيّ ﷺ لايجتمع اربعون رجلاً في امر واحد إلّا استجاب اللّه تعالىٰ لهم حتّىٰ لو دعوا علىٰ جبل لزالوه[١].

---

١. لازالوه ـ البحار.

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب نوزدهم از باب‌های جهاد با نفس آنچه مناسب این باب است پس مراجعه کنید.

و در روایت یکم از باب پانزدهم فرموده امامعليه السلام که: «پس مبادا از دعا دلسرد شوی که دعا در نزد خدا منزلت رفیعی دارد و بر تو باد بردباری و حلال جویی و دل خویشاوندان به دست آوردن.»

می‌آید:

در روایات باب چهل و پنجم آنچه مناسب با آن است.

باب ۲۵

دعای دسته جمعی

۱۰۰۴ (۱) عبدالاعلی از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «چهار نفر برای دعا کردن و خواستن یک چیز از خدا گرد هم جمع نمی‌شوند مگر اینکه با دعای مستجاب شده از یکدیگر جدا شوند.»

۱۰۰۵ (۲) ابوخالد از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «هیچ گروه چهل نفره‌ای برای دعا و خواستن حاجتی از خدایعزّ و جلّ گرد هم جمع نگردند مگر اینکه خداوند دعای آن‌ها را به اجابت رساند و اگر چهل نفر میسّر نبود پس چهار نفر که ده بار دعا کنند و خداوندعزّ و جلّ را بخوانند و اگر چهار نفر هم نبود پس یک نفر باشد چهل بار دعا کند، خداوند شکست‌ناپذیر که شکسته‌بند هر شکسته‌ای است، دعایش را مستجاب گرداند.»

۱۰۰۶ (۳) قطب راوندی﵀ در کتاب دعوات حدیثی از پیامبر عظیم الشأن اسلام نقل کرده که حضرت فرمود: «چهل نفر برای دعا و درخواست چیزی از خدا گِرد هم نیایند مگر اینکه خداوند متعال دعای آن‌ها را مستجاب گرداند تا آنجا که اگر به کوهی نفرین کنند آن را از جای برکَنَند.»

۱۰۰۷ ۲۶۵۶۸ (۴) **وسائل** ۱۰۴/۷: أحمد بن فهد في (عـدّة الدّاعـي) قـال **روي** انّ اللّـه اوحـىٰ إلى عيسى ﷺ ياعيسىٰ تقرّب إلى المؤمنين ومُرهُم ان يدعوني معك.

۱۰۰۸ ۲۶۵۶۹ (۵) **مستدرك** ۲۳۹/۵: العيّاشي في تفسيره عن **الفضل** بن أبـي قـرّة قـال سـمعت ابـا عبداللّه ﷺ يقول اوحىٰ اللّه إلى إبراهيم ﷺ انّه سيولد لك فقال لسارة فقالت أألد وأنّا عجوز فأوحىٰ اللّه إليه أنّها ستلد ويعذّب اولادها اربعمأة سنة بردّها الكلام عليّ قال فلمّا طـال علىٰ بني اسرائيل العذاب ضجّوا وبكوا إلى اللّه تعالىٰ اربعين صباحاً فأوحىٰ اللّه إلى موسىٰ وهارون يخلّصهم من فرعون فحطّ عنهم سبعين مأة سنة قال وقال أبوعبداللّه ﷺ هكذا انتم لو فعلتم لفرج اللّه عنّا فأمّا إذا لم تكونوا فانّ الأمر ينتهي إلى منتهاه.

۱۰۰۹ ۲۶۵۷۰ (۶) **كافي** ۱۷۸/۲: (محمد بن يحيىٰ عن محمد بن الحسين عن محمد بن إسماعيل بـن بزيع ـ معلّق) عن صالح بن عقبة عن **صـفوان** الجمّال عن أبي عبداللّه ﷺ قال ايّـما ثـلاثة مؤمنين اجتمعوا عند اخ لهم يأمنون بوائقه[۱] ولا يخافون غوائله ويرجون ماعنده إنْ دعوا اللّه اجابهم وان سألوا اعطاهم وان استزادوا زادهم وان سكتوا ابتدأهم عدّة الدّاعي ۱۷۵: قال الصادق ﷺ ايّما مؤمنين او ثلاثة اجتمعوا عند اخٍ (وذكر مثله).

۱۰۱۰ ۲۶۵۷۱ (۷) **كافي** ۴۸۷/۲: علي بن إبراهيم عن أبـيه عـن النّـوفليّ عـن **السّـكوني** عـن أبـى عبداللّه ﷺ قال الدّاعي والمؤمّن في الأجر شريكان الجعفريات ۳۱: باسناده عن عـلي ﷺ عن رسول اللّه مثله.

۱۰۱۱ ۲۶۵۷۲ (۸) **كافي** ۵۱۰/۲: علي بن إبراهيم عـن أبـيه عـن النـوفليّ عـن **السكـونيّ** عـن أبـي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ دعا موسىٰ وأمّن هارون وأمّنت الملائكة ﷺ فقال اللّـه تبارك وتعالىٰ ـ قد اجيبت دعوتكما فاستقيما ـ ومن غزا في سبيل اللّه استجيب لكما يوم القيامة الجعفريات ۷۶: باسناده عن عليّ ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ (وذكر نحوه) الاّ ان فيه إلى يوم القيامة.

---

۱. بوائق جمع بائقة وهي الداهية والشرّ ويقرب منه الغائلة.

۱۰۰۷ (۴) احمد بن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی از ائمهٔ اطهار نقل کرده که: «خداوند به حضرت عیسی وحی کرد که: ای عیسی! به مؤمنان نزدیک شو و به آن‌ها دستور ده که همراه با تو مرا بخوانند و دعا کنند.»

۱۰۰۸ (۵) فضل بن ابی قُرّة گوید: «از حضرت صادق شنیدم که فرمود: خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که: به زودی فرزندی برای تو متولّد خواهد شد. حضرت ابراهیم این خبر را به ساره [همسرش] داد ساره گفت: چگونه من که پیرزنم بچّه‌دار شوم؟

پس خداوند به ابراهیم وحی کرد که: او بچّه دار خواهد شد ولی به خاطر اینکه [استبعاد کرد و] سخن مرا رَد کرد، فرزندانش چهارصد سال عذاب شوند.

حضرت فرمود: چون زمان عذاب بنی اسرائیل طول کشید، چهل روز به درگاه خداوند متعال گریه و ناله کردند.

پس خداوند به موسی و هارون وحی کرد که آن‌ها را از دست فرعون [و ظلم و ستمش] خلاص خواهد کرد. پس خداوند صد و هفتاد سال زودتر عذاب را از آن‌ها برداشت. راوی گوید: در اینجا امام صادق فرمود: اگر شما هم چنین می‌کردید خداوند فَرَج ما را می‌رساند و گرفتاری‌ها را از ما دور می‌کرد ولی وقتی که چنین نکردید امر فَرَج به تأخیر می‌افتد تا به نهایت خود برسد.»

۱۰۰۹ (۶) صفوان جمّال از امام جعفر صادق روایت کرده که حضرت فرمود: «هر گاه سه مؤمن پیش برادر ایمانی خود که از شرّش در آمانند و از بزهکاری‌اش هراسی ندارند و به او امید خیر دارند گِرد آیند، اگر خدا را بخوانند و دعا کنند، خداوند دعای‌شان را مستجاب گرداند و اگر از خدا درخواستی نمایند، خداوند خواستهٔ آن‌ها را به آن‌ها بدهد و اگر ساکت بنشینند خداوند آغاز کند [و از خزانهٔ خویش به آن‌ها نعمت دهد.]»

۱۰۱۰ (۷) سکونی از امام صادق روایت کرده که فرمود: «دعا کننده و آمین گوینده در ثواب هر دو شریکند.»

۱۰۱۱ (۸) سکونی از امام صادق روایت کرده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا فرمود: حضرت موسی دعا می‌کرد و [برادرش] هارون آمین می‌گفت و فرشتگان نیز آمین می‌گفتند. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «**دعای شما مستجاب گردید، پس صبر و استقامت ورزید.**» و تا قیامت هر کس در راه خدا بجنگد، دعایش مستجاب کنم، آن سان که دعای شما را مستجاب کردم.»

١٠١٢ ٣٦٥٧٣ (٩) **كافي** ٤٨٧/٢: (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن الحجّال عن ثعلبة عن **عليّ** بن عقبة عن رجل عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان أبي عليه السلام إذا حَزَنه امر جمع النساء والصبيان ثمّ دعا وأمّنوا البحار ٣٩٤/٩٣: دعوات الراوندي كان الصادق عليه السلام إذا حزَبَه أمر (وذكر مثله) (حَزَبه أي دهاه واعياه) لايبعد اين يكون صحيحة حزنه كما في الكافي.

١٠١٣ ٣٦٥٧٤ (١٠) **مستدرك** ٢٤١/٥: الصدوق في كتاب الاخوان عن الصادق عليه السلام قال ما اجتمع ثلاثة من المؤمنين فصاعداً إلّا حضر من الملائكة مثلهم فان دعوا بخير أمّنوا الخبر.

١٠١٤ ٣٦٥٧٥ (١١) **مستدرك** ٢٤٠/٥: كتاب عباد أبي سعيد العصفريّ عن العزرمي عن ثوير بن يزيد عن خالد بن معدان عن **جوير** بن نعير الحضرمي قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لعن اللّه وأمّنت الملائكة علىٰ رجل تأنّث وأمرأة تذكّرت الخبر.

١٠١٥ ٣٦٥٧٦ (١٢) **قرب الاسناد** ٢٩٨: عبداللّه بن الحسن عن جدّه علي بن جعفر عن اخيه موسىٰ بن جعفر عليه السلام قال سألت اخي عن الرجل يدعو وحوله اخوانه يجب عليهم ان يؤمّنوا قال لأن شاؤا فعلوا ولأن شاؤا سكتوا فان دعا وقال لهم أمّنوا وجب عليهم ان يفعلوا **وسائل** ١٠٥/٧: ورواه علي بن جعفر في كتابه الّا انّه قال فان دعا بحقّ.

١٠١٦ ٣٦٥٧٧ (١٣) **البحار** ٣٩٤/٩٣: من خطّ الشهيد قدّس سرّه عن أبي زهير قال خرجنا مع رسول اللّه صلى الله عليه وآله ذات ليلة فأتينا علىٰ رجل قد الحّ في المسألة فوقف النبيّ صلى الله عليه وآله ليسمع منه فقال صلى الله عليه وآله اوجب ان يختم فقال رجل من القوم بأيّ شيء يختم فقال بآمّين أذا ختم بآمّين فقد اوجب فانصرف الرجل الذي سأل النبيّ صلى الله عليه وآله فأتىٰ الرجل فقال له اختم يافلان بآمّين وابشر.

ويأتي في رواية جابر (٢١) من باب (٢٧) ماورد في انّ دعوة المظلوم مستجابة قوله عليه السلام فيقول له الملك [آمين ويقول اللّه العزيز الجبّار] ولك مثلاه.

وفي رواية أبي خالد (٢٢) قوله عليه السلام فيقول له ملك موكّل به آمّين ولك مثلاه.

۱۰۱۲ (۹) علیّ بن عقبه با واسطه یک نفر از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «هر گاه حادثه‌ای پدرم را اندوهگین می‌کرد، زنان و کودکان را جمع می‌کرد، آنگاه خود دعا می‌کرد و آن‌ها آمین می‌گفتند.»

۱۰۱۳ (۱۰) شیخ صدوقؒ در کتاب الاخوان روایتی از حضرت صادقؑ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «سه نفر یا بیشتر از مؤمنان، گرد هم جمع نشوند مگر اینکه به همان مقدار نیز فرشته حاضر شود، پس اگر آن‌ها دعای خیر کنند، فرشتگان نیز آمین گویند.»

۱۰۱۴ (۱۱) جویر بن نعیر حضرمی از پیامبر خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند لعنت کرد مردی را که زن خو باشد [و مفعول واقع شود] و زنی را که مردخو باشد. و فرشتگان آمین گفتند.»

۱۰۱۵ (۱۲) علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفرؑ روایت کرده که: «از برادرم [موسی بن جعفرؑ] پرسیدم: مردی دعا می‌کند در حالی که عدّه‌ای از برادران دینی در اطراف او هستند، آیا بر آن‌ها واجب است که آمین بگویند؟

حضرت پاسخ داد: اگر خواستند، این کار را می‌کنند و آمین می‌گویند و اگر خواستند، سکوت اختیار می‌کنند امّا اگر دعا کند و از آن‌ها بخواهد که آمین بگویند، بر آن‌ها واجب می‌شود که این کار را بکنند.»

۱۰۱۶ (۱۳) ابوزهیر گوید: «شبی با پیامبرﷺ بیرون رفتیم پس گذرمان به مردی افتاد که سخت مشغول دعا بود و در، درخواست کردن اصرار می‌ورزید. پیامبرﷺ توقّف کرد تا ببیند چگونه دعا می‌کند. آنگاه حضرت فرمود: لازم است که دعایش را مُهر کند [و امضا نماید] شخصی از اطرافیان گفت: با چه مُهر کند؟

حضرت فرمود: با آمین، هر گاه کسی دعایش را با آمین، مُهر و امضاء کند [یعنی در آخر آن آمین بگوید] آن را لازم الاستجابه کرده است. پس این شخصی که از پیامبرﷺ سؤال کرد به سراغ آن مرد رفت و گفت: ای فلانی! دعایت را با آمین مُهر بزن و با آمین آن را به پایان برسان و [تو را به مستجاب شدن] مژده باد.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت بیست و یکم از باب بیست و هفتم فرموده امامؑ که: «فرشته [دعای مؤمنی را که برادر دینی خود را در غیاب او دعا کرده] آمین می‌گوید و خداوند عزیز با جبروت می‌فرماید: «دو برابر آن برای تو است.» **و در روایت** بیست و دوم فرموده امامؑ که: «پس فرشتهٔ نگهبان او می‌گوید: آمّین[1] و دو برابر آن برای تو خواهد بود.»

---

۱. واژهٔ «آمّین» در اصطلاح علوم ادبی «اسم فعل» است به معنی: «اِسْتَجِبْ» یعنی: مستجاب گردان.

(۲۶)

باب ماورد في انّ من دعا فليعمّ فإنّه أوجب للدّعاء وانّ من صلّىٰ بقوم فاختصّ نفسه بالدّعاء فقد خانهم

قال اللّه تعالى عزّ وجلّ في سورة إبراهيم ﷺ (۱۴): ۴۱: ﴿رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ﴾.

۱۰۱۷ ۲۶۵۷۸ (۱) **كافي** ۴۸۷/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الأشعريّ عن **ابن القدّاح** الثواب ۱۹۴: أبي ﷺ قال حدّثني علي بن إبراهيم عن أبيه عن **عبداللّه** بن ميمون القدّاح عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ إذا دعا احدكم فليعمّ فإنّه اوجب للدعاء.

۱۰۱۸ ۲۶۵۷۹ (۲) **الجعفريات** ۲۲۳: باسناده عن عليّ بن أبي طالب ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ ثلاث لا يغلُّ عليهنّ قلب مؤمن إخلاص الدّعوة للّه تعالى والنّصيحة لوُلاةِ الأمر في الحقّ حيث كان وان يعمّ بدعوته جميع المسلمين فانّ الدعوة تحيط (محيط ـ خ ل) من ورائهم.

۱۰۱۹ ۲۶۵۸۰ (۳) **مستدرك** ۲۴۱/۵: الشيخ **أبوالفتوح** الرازي في تفسيره وروي انّه إذا دعا العبد ولم يضمّ المسلمين إلى نفسه قال اللّه تعالى ملائكتي يحسب عبدي انّه يسأل عن بخيل.

وإذا اعرض عن حاجته و ودعا لهم قالت الملائكة بدء اللّه بك.

۱۰۲۰ ۲۶۵۸۱ (۴) **فقيه** ۲۶۰: قال رسول اللّه ﷺ من صلّىٰ بقوم فاختصّ نفسه بالدعاء دونهم فقد خانهم.

(۲۷)

باب ماورد في أنّ دَعوَةَ المظلوم والإمام العادل والمؤمن لأخيه المؤمن والولد للوالد والوالد للولد والحاجّ والغازي والمريض والمسافر مستجابة

۱۰۲۱ ۲۶۵۸۲ (۱) **كافي** ۵۰۹/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن اخيه الحسن عن زرعة عن **سماعة** عن أبي عبداللّه ﷺ قال كان أبي يقول اتّقوا الظلم فانّ دعوة المظلوم تصعد إلى السّماء.

باب ۲۶

تعمیم در دعا

خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید:

ای پروردگار ما! مرا و پدر و مادر مرا و همهٔ مؤمنان را روز رسیدگی به اعمال [روز قیامت] بیامرز.[1]

۱۰۱۷ (۱) عبدالله بن میمون قدّاح از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر گاه یکی از شما می‌خواهد دعا کند پس باید عمومی دعا کند [برای همهٔ مؤمنان] چون آن، برای دعا شایسته‌تر و در استجابت مؤثرتر خواهد بود.»

۱۰۱۸ (۲) در کتاب الجعفریّات با اسناد خود از امام علی بن ابی طالبعليه السلام روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: سه چیز است که دل مؤمن نسبت به آن‌ها غلّ و غشی اعمال نمی‌کند: [اوّل] خالص کردن دعا برای خدا. [دوّم] خیرخواهی برای کسانی که به حق ولیّ امر هستند و به حقّ حکومت در دست اوست، اگر وجود داشته باشد [سوّم] عمومیّت بخشیدن به دعا که برای همهٔ مسلمانان دعا کند، چون دعا همگان را فرا می‌گیرد.»

۱۰۱۹ (۳) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش روایتی نقل کرده است که: «هر گاه بنده دعا کند و دیگر مسلمانان را به خود ضمیمه نگرداند، خداوند متعال می‌گوید: فرشتگان من! بندهٔ من خیال می‌کند که از یک بخیلی درخواست می‌کند. امّا اگر حاجت خود را کنار بگذارد و برای عموم مسلمانان دعا کند، فرشتگان گویند: خداوند به [برآوردن حاجت] تو آغاز می‌کند.»

۱۰۲۰ (۴) در کتاب من لا یحضره الفقیه حدیثی از پیامبر خداﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که همراه با عدّه‌ای نماز [جماعت] بخواند و در وقت دعا، فقط برای شخص خودش دعا کند و آن‌ها را دعا نکند پس در حقیقت به آن‌ها خیانت کرده است.»

باب ۲۷

کسانی که دعای‌شان مستجاب می‌شود

۱۰۲۱ (۱) سماعه از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «پدرم می‌گفت: از ستم کردن بپرهیزید زیرا دعای ستمدیده به آسمان بالا رود.»

---

۱. ابراهیم ۴۱/۱۴.

۱۰۲۲ ۲٦٥٨٣ (۲) **كافي** ۸/۸: بالإسناد المتقدّم في باب (۳) حجيّة سنّة النبيّ ﷺ من أبواب المقدّمات ج ۱ عن أسماعيل بن جابر **وإسماعيل** بن مخلد السّراج عن أبي عبداللّه ؑ (في رسالته إلى اصحابه) وايّاكم أن تعينوا علىٰ مسلم مظلوم فيدعو اللّه عليكم ويستجاب له فيكم فانّ أبانا رسول اللّه كان يقول انّ دعوة المظلوم مستجابة.

۱۰۲۳ ۲٦٥٨٤ (۳) **امالي ابن الشيخ** ۳۱۰: أخبرنا الشيخ المفيد أبوعلي الحسن بن محمد بن الحسن بن علي الطوسي ؓ قال حدّثنا الشيخ السعيد الوالد ؓ قال حدّثنا محمد بن علي بن خشيش قال حدّثنا أبو محمد عبدالغني بن سعيد الازديّ المصريّ الحافظ املاء من حفظه قال حدّثنا عثمان بن محمد السمرقندي قال حدّثنا محمد بن حمّاد الظهراني قال حدّثنا عبدالرزاق عن سفيان الثوري عن أبي معشر عن سعيد المقبري عن **أبي هريرة** عن النبيّ ﷺ انّه قال دعوة المظلوم مستجابة وان كانت من فاجر مخوف علىٰ نفسه قال عبدالرّزاق ثمّ لقيت ابا معشر فحدثني به.

۱۰۲٤ ۲٦٥٨٥ (٤) **كافي** ۳۳۳/۲: (عدة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن محبوب عن **إسحاق** بن عمّار عن أبي عبداللّه ؑ قال انّ اللّه عزّ وجلّ اوحى إلى نبيّ من انبيائه في مملكة جبّار من الجبّارين أنِ أئتِ هذا الجبّار فقل له انّني لم استعملك على سفك الدماء واتخاذ الاموال وانّما استعملتك لتكفّ عنّي اصوات المظلومين فانّي لم أدَع ظلامتهم وان كانوا كفّاراً ـ الثواب ۳۲۱ ـ حدّثني محمد بن موسى بن المتوكّل ؓ قال حدّثني عبداللّه بن جعفر عن محمد بن الحسين عن الحسن بن محبوب عن إسحاق بن عمّار عن أبي عبداللّه ؑ (نحوه).

۱۰۲٥ ۲٦٥٨٦ (٥) **الجعفريات** ۱۸۷: بإسناده عن **علي** بن أبي طالب قال قال رسول اللّه ﷺ ثلاث دعوات مستجابات لاشكّ فيهنّ دعوة المظلوم ودعوة المسافر ودعوة الوالد علىٰ ولده **مستدرك** ۲٥٦/٥: ورواه السّيّد الراوندي في نوادره بإسناده عن موسىٰ بن جعفر عن آبائه ؇ (مثله).

۱۰۲۲ (۲) اسماعیل بن مخلّد سراج از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت در نامه‌ای به اصحابش نوشت: «بپرهیزید از اینکه به نحوی، کسی را که به مسلمان مظلومی ستم می‌کند، یاری کنید چون او خدا را فرا خواند و شما را نفرین کند و دعایش مستجاب گردد و نفرینش شما را فرا گیرد.

زیرا پدر ما، رسول خداﷺ می‌فرمود: دعای مظلوم مستجاب است.»

۱۰۲۳ (۳) ابوهریره از پیامبرﷺ روایت کرده که پیامبرﷺ فرمود: «دعا و نفرین مظلوم مستجاب است گرچه این دعا و نفرین از آدم گناهکاری باشد که خودش را از عذاب الهی در امان نمی‌بیند.»

۱۰۲۴ (۴) اسحاق بن عمار از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند عزیز و جلیل به پیامبری از پیامبران که در کشور ستمگری از ستمگران می‌زیسته، وحی کرد که به سراغ این ستمگر برو و به او بگو من تو را بر این کار نگماشتم که خون‌ها را بریزی و اموال مردم به ستم بستانی. من تو را در رأس حکومت قرار دادم که صدای ستم‌دیدگان را از من بازگیری [ستمدیده‌ای نماند تا پیش خدا شکایت کند و اگر مظلومی پیدا شود به سراغ تو آید و تو به حق او رسیدگی کنی و بدان که] من ستمی که در حقّ آن‌ها شده، رها نکنم [و انتقام بگیرم] گر چه ستم‌دیدگان کافر باشند.»

۱۰۲۵ (۵) در کتاب الجعفریات با اسناد خودش از امام علی بن ابی طالبؑ روایت شده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: سه دعاست که بدون شکّ، مستجاب گردد: دعای ستمدیده، دعای مسافر و دعای پدر در حق فرزندش.»

١٠٢٦ ٣٦٥٨٧ (۶) **كافي** ٥٠٩/٢: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله إيّاكم ودعوة المظلوم فانّها ترفع فوق السحاب حتّىٰ ينظر اللّه عزّ وجلّ اليها فيقول ارفعوها حتّىٰ استجيب له وإيّاكم ودعوة الوالد فانّها أحدُّ من السيف الجعفريات ١٨٦: بإسناده عن **عليّ** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله إيّاكم ودعوة الوالد فانّها ترفع فوق السّحاب (وذكر نحوه) **مستدرك** ٢٥٧/٥ ورواه السّيّد **الراوندي** في نوادره بإسناده عن موسىٰ بن جعفر عن آبائه عليهم السلام (مثله).

١٠٢٧ ٣٦٥٨٨ (۷) **مستدرك** ٢٥٧/٥: القطب الراوندي في لبّ اللّباب حكى **ابن الأشجعي** قال انّي كنت في أسر العدوّ وهم يبعثوني مع جمّالهم إلى الرعي كلّ يوم وحولي جماعة منهم فرأيت يوماً خلوة منهم فركبت ناقة وسقتها فجاء بعدي تمام المأة فقال النبيّ صلى الله عليه وآله هي كلّها لك واللّه ساقها لدعاء والدك.

١٠٢٨ ٣٦٥٨٩ (۸) **مستدرك** ٢٥٥/٥: **الراوندي** في دعواته قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ثلاث دعوات مستجابة دعاء الحاجّ فيمن يخلف اهله ودعاء المريض فلا يؤذوه ولا تضجروه ودعاء المظلوم.

١٠٢٩ ٣٦٥٩٠ (۹) **كافي** ٥٠٩/٢: الحسين بن محمد الاشعريّ عن معلّىٰ بن محمد عن الحسن بن عليّ الوشّاء عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان أبي عليه السلام يقول خمس دعوات لايحجبن عن الربّ تبارك وتعالىٰ دعوة الإمام المقسط ودعوة المظلوم يقول اللّه عزّ وجلّ لأنتقمنّ لك ولو بعد حين ودعوة الولد الصالح لوالديه ودعوة الوالد الصالح لولده ودعوة المؤمن لاخيه بظهر الغيب فيقول ولك مثله[1].

١٠٣٠ ٣٦٥٩١ (۱۰) **كافي** ٥١٠/٢: محمد بن يحيىٰ عن محمد بن الحسين امالي الصدوق ٢١٨: حدّثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال حدثنا محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطّاب عن علي بن النعمان عن **عبداللّه** بن طلحة النهدي عن أبي عبداللّه[2] عليه السلام (عن أبيه عن آبائه عليهم السلام امالي) قال فقيه ١٤٦/٢: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله أربعة لاتردُّ لهم دعوة حتّى[3] تفتح لهم أبواب السّماء وتصير[4] إلى العرش (دعوة[5] فقيه) الوالد لولده والمظلوم علىٰ من ظلمه والمعتمر حتّىٰ يرجع والصائم حتّىٰ يفطر **مستدرك** ٣٧٥: في فضائل الأشهر الثلاثة عن **محمد** بن الحسن بن الوليد (مثل الامالي سنداً ومتناً).

---

١. مثلاه ـ ثل. ٢. جعفر بن محمد ـ امالي. ٣. وـ امالي.
٤. تصعد ـ فقيه. ٥. دعاء ـ امالي.

۱۰۲۶ (۶) سکونی از امام صادق‌ؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: از نفرین مظلوم بترسید، زیرا دعای او تا بالای ابرها بالا می‌رود تا اینکه خداوند‌ﷻ به او نگاه می‌کند و می‌فرماید: دعای او را بالا ببرید تا مستجاب گردانم.

و از نفرین پدر نیز بترسید که از شمشیر تیزتر است.»

۱۰۲۷ (۷) ابن اشجعی روایت کرده که: «من در اسارت دشمن بودم و آن‌ها مرا برای چرانیدن شتران همراه با شتربان، هر روز می‌فرستادند و همیشه عدّه‌ای از آن‌ها در اطراف من بودند تا اینکه یک روز [صحرا را] خالی از آن‌ها یافتم فرصت را غنیمت شمرده و بر شتری سوار شدم و آن را به سرعت راندم و صد شتر دیگر به دنبال من آمدند [و به این صورت هم خودم نجات یافتم و هم صاحب صد شتر شدم] پس پیامبرﷺ فرمود: همهٔ این شتران مال خود تو خواهد بود و خداوند این‌ها را به خاطر دعای پدرت نصیبت کرد.»

۱۰۲۸ (۸) قطب راوندی در کتاب الدعوات حدیثی از پیامبر خداﷺ نقل کرده که فرمود: «سه دعا، مستجاب است یکی دعای زائر بیت الله الحرام و حاجی در حق کسی که او را جانشین خود برای ادارهٔ خانواده‌اش قرار داده است، دوّم دعای بیمار پس او را اذیّت و آزار ندهید، سوّم دعای مظلوم.»

۱۰۲۹ (۹) عبدالله بن سنان از حضرت صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پدرم می‌فرمود: پنج دعا از پروردگار تبارک و تعالی محجوب نماند: دعای حاکم عادل و دادگر، دعای مظلوم، خداوند عزیز و بزرگ می‌فرماید: سوگند که قطعاً انتقام تو را خواهم گرفت هر چند پس از مدّتی، دعای فرزند صالح برای پدر و مادرش، دعای پدر صالح در حق فرزندانش و دعای مؤمن برای برادر ایمانی‌اش در غیاب او، پس خداوند می‌گوید: و برای تو خواهد بود مثل همان [چیزی که برای برادر ایمانی‌ات خواستی.]»

۱۰۳۰ (۱۰) عبدالله بن طلحه نهدی از امام صادق‌ؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «دعای چهار شخص رد نشود و درهای آسمان برای دعای آن‌ها باز شود و تا عرش بالا رود: دعای پدر در حقّ فرزند، نفرین مظلوم بر کسی که به او ظلم کرده، کسی که به حجّ عمره رفته تا وقتی که برگردد و روزه دار تا وقتی که افطار کند.»

۱۰۳۱ ۲٦٥٩٢ (۱۱) **كافي ۲/۵۰۷**: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ﷺ قال دعاء المرء[1] لاخيه بظهر الغيب يدرّ الرّزق ويدفع المكروه **امالي الصدوق** ۳۶۹: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسىٰ بن بابويه القمي قال حدّثنا أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن **أحمد** بن محمد بن عيسىٰ (مثله سنداً ومتناً).

۱۰۳۲ ۲٦٥٩٣ (۱۲) **قرب الإسناد** ۶: هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة قال قال أبو عبداللّه ﷺ انّ دعاء الاخ المؤمن لأخيه بظهر الغيب مستجاب ويدرّ الرّزق ويدفع المكروه.

۱۰۳۳ ۲٦٥٩٤ (۱۳) **السرائر** ۴۹۱: ومن ذلك ما استطرفناه من رواية أبي القاسم بن قولويه، حمران بن اعين قال دخلت علىٰ أبي جعفر ﷺ فقلت أوصِني فقال أوصيك بتقوىٰ اللّه وايّاك والمزاح فانّه يذهب هيبة الرجل وماء وجهه وعليك بالدّعاء لإخوانك بظهر الغيب فإنّه يهيل[2] الرزق يقولها ثلاثاً.

۱۰۳٤ ۲٦٥٩٥ (۱۴) **امالي الشيخ** ۶۷۷: حدثنا الشيخ أبوجعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي ﷺ قال أخبرنا أحمد بن عبدون عن أبي الزبير عن على بن الحسن بن فضّال عن العبّاس عن فضيل عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه ﷺ قال الدعاء لأخيك[3] بظهر الغيب يسوق إلى الدّاعي الرزق ويصرف عنه البلاء ويقول الملك ولك مثل ذلك، **الثواب** ۱۸۴: أبي ﷺ قال حدّثني عبداللّه بن جعفر الحميري عن محمد بن الحسين عن الطيالساني[4] عن فضيل (مثله سنداً ومتناً الا أن فيه) وتقول له الملائكة لك مثلاه.

۱۰۳٥ ۲٦٥٩٦ (۱۵) **امالي الطوسي** ۱۵۰: أخبرنا الشيخ المفيد أبوعلي الحسن بن محمد الطوسي ﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي ﷺ قال أخبرنا محمد بن محمد قال حدّثنا أبوبكر محمد بن عمر (الجعابي) قال حدّثنا أبوالعبّاس أحمد بن محمد بن سعيد قال حدّثنا علي بن الحسن بن فضّال عن الحسن بن علي بن يوسف عن زكريّا بن محمّد عن أبي عبداللّه المؤمن عن ابن مسكان عن **سليمان** بن خالد عن أبي عبداللّه ﷺ قال أربعة لا تردّ لهم دعوة الامام العادل لرعيّته والأخ لاخيه بظهر الغيب يوكّل

---

۱. الرجل ـ امالي. ۲. يتهيّل ـ خ أي يكثر. ۳. دعاء المسلم لإخيه ـ ثواب.

۴. لايبعد أن يكون صحيحه القصباني وهو العباس بن عامر كما فى نقل الأمالي.

(۱۱) عبدالله بن سنان از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «دعای انسان در حق برادر دینی‌اش در غیاب او، روزی را فراوان و حوادث ناخوشایند را جلوگیری می‌کند.» ۱۰۳۱

۱۰۳۲ (۱۲) مسعدة بن صدقه از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «دعای برادر مؤمن برای برادر مؤمن در پشت سر او مستجاب می‌شود و روزی را زیاد و بدی را دور می‌کند.»

۱۰۳۳ (۱۳) حمران بن اعین روایت کرده که: «به خدمت امام محمّد باقرعليه السلام رسیدم، عرض کردم: توصیه‌ای بفرمایید.

حضرت فرمود: تو را به خودداری از گناه سفارش می‌کنم و از شوخی بپرهیز زیرا شوخی وقار و آبروی انسان را می‌برد و بر تو باد دعا کردن برای برادران دینی‌ات در غیاب آن‌ها زیرا روزی را زیاد می‌کند. حضرت این توصیه را سه بار تکرار فرمود.»

۱۰۳۴ (۱۴) معاویة بن عمار از امام صادقعليه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «دعا کردن برای برادرت در غیاب او، رزق و روزی را به سوی دعا کننده می‌راند و بلا را از او دور می‌کند و فرشته می‌گوید: و مانند همین نعمتی که برای او خواستی، برای تو نیز خواهد بود.»

۱۰۳۵ (۱۵) سلیمان بن خالد از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «دعای چهار نفر ردّ نمی‌شود:

اللّه به ملكاً يقول له ولك مثل ما دعوت لأخيك والوالد لولده والمظلوم يقول الرّبّ عزّ وجلّ وعزّتي وجلالي لانتقمنّ لك ولو بعد حين، مصادقة الأخوان ۷۶: عن **سليمان** بن خالد قال قال أبوعبداللّه اربعة لاتردّ لهم دعوة (وذكر نحوه).

۱۰۳۶ ۲۶۵۹۷ (۱۶) **الخصال** ۱۹۷: بالإسناد المتقدّم في باب (۱) الامكنة التي يكره فيها التخلّي من أبواب التخلّي ج ۲ عن علي بن أبي طالب عليه السلام عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال في وصيته له يا علي اربعة لاتردّ لهم دعوة امام عادل ووالد لولده والرجل يدعو لاخيه بظهر الغيب والمظلوم يقول اللّه جلّ جلاله وعزتي وجلالي لانتصرنّ لك ولو بعد حين.

۱۰۳۷ ۲۶۵۹۸ (۱۷) **مستدرك** ۲۴۲/۵: أبوالفتح الكراجكي في معدن الجواهر عنهم عليهم السلام ستّة لايحجب عنهم عن اللّه دعوة إلى ان قال والمؤمن لاخيه بظهر الغيب.

۱۰۳۸ ۲۶۵۹۹ (۱۸) **كمال الدّين** ۱۱: روي عن النبيّ صلى الله عليه وآله انه قال من دعا لاخيه بظهر الغيب ناداه ملك من السّماء ولك مثلاه.

۱۰۳۹ ۲۶۶۰۰ (۱۹) **مستدرك** ۲۴۴/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال من دعا لأخيه بظهر الغيب وكلّ اللّه به اربعة املاك يقولون اللّهمّ اعطه من مثل ما سألك لأخيه.

۱۰۴۰ ۲۶۶۰۱ (۲۰) **امالي بن الشّيخ** ۴۸۱: حدّثنا الشيخ السعيد الامام المفيد أبوعلي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل قال حدّثنا أبوسليمان أحمد بن هوذة بن أبي هراسة الباهلي قال حدّثنا إبراهيم بن إسحاق بن أبي بشر الأحمري قال حدّثنا عبداللّه بن حمّاد الانصاري أبو محمد عن أبي بصير يحيىٰ بن القاسم الأسدي الضرير عن أبي عبداللّه جعفر بن محمد صلوات اللّه عن أبيه عن جدّه عن أمير المؤمنين صلوات اللّه عليه.

قال سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول من قضىٰ لأخيه المؤمن حاجة كان كمن عَبَدَ اللّه دهره ومن دعا لمؤمن بظهر الغيب قال الملك ولك مثل ذلك وما من عبد مؤمن دعا للمؤمنين والمؤمنات بظهر الغيب الّا ردّ اللّه عزّ وجلّ مثل الذي دعا لهم من مؤمن او مؤمنة مضى من أوّل الدهر أو هو آت إلى يوم القيامة وانّ العبد المؤمن ليؤمر به إلى النّار يكون من أهل الذنوب والخطايا فيسحب المؤمنون والمؤمنات الهنا عبدك هذا كان يدعو لنا فشفّعنا فيه فيشفّعهم اللّه عزّ وجلّ فيه فينجو من النّار برحمة من اللّه عزّ وجلّ.

دعای حاکمی که نسبت به رعیّتش عادل است و برادر دینی پشت سر برادرش که خداوند فرشته‌ای را موظّف می‌کند که به او بگوید: و برای تو خواهد بود آنچه که برای برادرت دعا کردی و دعای پدر [و مادر] در حق فرزندانش و دعای ستمدیده، پروردگار عزیز و جلیل می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که انتقام تو را قطعاً خواهم گرفت هر چند پس از مدّتی.»

۱۰۳۶ (۱۶) شیخ صدوق در کتاب الخصال از امام علیّ بن ابی طالب روایت کرده که فرمود: «پیامبر در وصیّتش به آن حضرت فرمود: چهار شخص دعای‌شان ردّ نشود: دعای پیشوای دادگر، دعای پدر در حقّ فرزند و مردی که پشت سر برادرش که خودش نیست برایش دعا کند و مظلوم خداوند جلالت مرتبه می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که صد در صد انتقام تو را خواهم گرفت هر چند پس از مدّتی.»

۱۰۳۷ (۱۷) ابوالفتح کراجکی در کتاب معدن الجواهر از ائمّهٔ اطهار روایت کرده که فرموده‌اند: «دعای شش کس از خدا محجوب نماند (تا آنجا که گفت:) و مؤمن آنگاه که برای برادر دینی‌اش در غیاب او دعا کند.»

۱۰۳۸ (۱۸) در کتاب کمال الدین از حضرت رسول روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که برای برادر دینی‌اش در غیاب او دعا کند، فرشته‌ای از آسمان ندا دهد که دو برابر آن برای خودت خواهد بود.»

۱۰۳۹ (۱۹) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبر خدا حدیثی نقل کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر کس برای برادرش در پشت سر، دعا کند، خداوند چهار فرشته را مأمور کند که می‌گویند: خداوندا! همانند نعمتی که برای برادر دینی‌اش خواست به او مرحمت فرما.»

۱۰۴۰ (۲۰) یحیی بن قاسم اسدی از امام جعفر بن محمّد و او از پدرش و آن حضرت از جدّش و او از امیر مؤمنان روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «شنیدم از پیامبر خدا که فرمود: کسی که یک حاجت و خواستهٔ مورد نیاز برادر مؤمنش را برآورد بسان کسی است که همهٔ عمرش به عبادت خدا پرداخته باشد و هیچ بندهٔ مؤمنی نیست که برای مردان و زنان مسلمان در غیاب آن‌ها دعا کند مگر اینکه خداوند بزرگ به اندازه نعمت‌هایی که او برای هر مرد و زن مؤمنی که از اوّل عالَم بوده و تا روز قیامت خواهد آمد، خواسته است، به او نیز خواهد داد.

حضرت فرمود: بندهٔ مؤمن به خاطر اینکه اهل گناه و نافرمانی بوده [روز قیامت] فرمان می‌رسد که او را به آتش دوزخ افکنند، پس مردان و زنان مؤمن می‌گویند: ای معبود ما! این بندهٔ تو برای ما دعا می‌کرد. پس شفاعت و میانجی‌گری ما را در حق او بپذیر [و از او درگذر] پس خداوند شفاعت آن‌ها را در حق او می‌پذیرد و او را به رحمت خویش از آتش، نجات می‌دهد.»

۱۰۴۱ ۳۶۶۰۲ (۲۱) **كافي** ۵۰۷/۲: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد بن علي بن الحكم بن سيف بن عميرة عن عمرو بن شمر عن **جابر** عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تبارك وتعالىٰ ﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾ قال هو المؤمن يدعو لأخيه بظهر الغيب فيقول له الملك (آمّين ويقول اللّه العزيز الجبّار ـكا) ولك مثلاً[1] ما سألت وقد اعطيت ما سألت بحبّك[2] إيّاه **مستدرك** ۲۴۲/۵: القطب الراوندي في دعواته عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام (مثله).

۱۰۴۲ ۳۶۶۰۳ (۲۲) **كافي** ۵۰۷/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن معبد[3] عن عبيداللّه بن عبداللّه الواسطي عن درست بن أبي منصور عن **أبي خالد** القمّاط قال قال أبو جعفر عليه السلام اسرع الدعاء نجحاً للاجابة دعاء الأخ لأخيه بظهر الغيب يبدء بالدعاء لأخيه فيقول له ملك موكّل به آمّين ولك مثلاه.

۱۰۴۳ ۳۶۶۰۴ (۲۳) **كافي** ۵۰۷/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبي المغرا عن **الفضيل** بن يسار عن أبي جعفر عليه السلام قال اوشك دعوة واسرع اجابة دعاء المرء لأخيه بظهر الغيب.

۱۰۴۴ ۳۶۶۰۵ (۲۴) **كافي** ۵۱۰/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال النبيّ صلى الله عليه وآله ليس شيء اسرع اجابة من دعوة لغائب **الجعفريات** ۱۹۵: بإسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ليس (وذكر نحوه).

۱۰۴۵ ۳۶۶۰۶ (۲۵) **مستدرك** ۲۴۳/۵: القطب **الراوندي** في دعواته قال قال النبيّ صلى الله عليه وآله اسرع الدعاء اجابة دعاء غائب لغائب وفي لبّ اللّباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله مثله.

۱۰۴۶ ۳۶۶۰۷ (۲۶) **الجعفريات** ۱۹۵: بإسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله دعاء المؤمن لأخيه بظهر الغيب مستجاب **مستدرك** ۲۴۳/۵: القطب **الراوندي** في نوادره بإسناده عنه صلى الله عليه وآله مثله.

---

۱. مثل ـ ك. ۲. لحبّك ـ خ. ۳. سعيد خ.

۱۰۴۱ (۲۱) جابر از امام محمّد باقر (ع) روایت کرده که حضرت در توضیح آیهٔ شریفه: «و [خداوند] اجابت می‌کند [دعای] مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده‌اند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد»[1] فرمود: «مقصود و مصداق این زیاده آن است که مؤمن برای برادر دینی خود در غیاب او دعا می‌کند، پس فرشته به او می‌گوید: آمین و خداوند عزیز و جبّار می‌فرماید: و برای تو است دو برابر آنچه که درخواست کردی و حاجت خودت هم به تو داده شد به خاطر محبّتی که به او داری.»

۱۰۴۲ (۲۲) ابو خالد قمّاط از امام محمّد باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «سریع‌ترین دعا از نظر برخوردار شدن از استجابت، دعای مؤمن برای برادر دینی‌اش در غیاب او می‌باشد، پس فرشتهٔ نگهبان بر او می‌گوید: [خدایا] مستجاب گردان.

و برای تو است، دو برابر آن.»

۱۰۴۳ (۲۳) فضیل بن یسار از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: «دعا برای برادر دینی در غیاب او، از هر دعای دیگری سریع‌تر مستجاب می‌شود.»

۱۰۴۴ (۲۴) سکونی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که: «پیامبر (ص) فرمود: هیچ دعایی سریع‌تر از دعا برای غایب، به اجابت نرسد.»

۱۰۴۵ (۲۵) قطب راوندی در کتاب الدعوات حدیثی از پیامبر (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «سریع‌ترین دعا از نظر به اجابت رسیدن، دعای غایب است برای غایب.»

۱۰۴۶ (۲۶) در کتاب الجعفریّات با اسناد خودش از امام علیّ بن ابی طالب (ع) روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا (ص) فرمود: «دعای مؤمن برای برادر ایمانی اش در غیاب او، مستجاب است.»

---

۱. شوریٰ ۴۲/۲۶.

١٠٤٧ ٢٦٦٠٨ (٢٧) **كافي ٥٠٨/٢**: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد وعلي بن إبراهيم عن أبيه جميعاً عن ابن محبوب عن ابن رئاب عن أبي عبيدة عن **ثوير** قال سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول انّ الملائكة إذا سمعوا المؤمن يدعو لأخيه المؤمن بظهر الغيب او يذكره بخير قالوا نعم الأخ انت لأخيك تدعو له بالخير وهو غائب عنك وتذكره بخير قد أعطاك اللّه عزّ وجلّ مثلي ما سألت له وأثنىٰ عليك مثلى ما اثنيت عليه ولك الفضل عليه.

وإذا سمعوه يذكر اخاه بسوء ويدعو عليه قالوا له بئس الأخ انت لأخيك كفّ ايّها المستّر علىٰ ذنوبه وعورته واربع[1] علىٰ نفسسك وأحمد اللّه الذي ستر عليك واعلم انّ اللّـه عـزّ وجلّ اعلم بعبده منك.

١٠٤٨ ٢٦٦٠٩ (٢٨) **فلاح السائل ٤٣**: بإسنادي إلى الشيخ هارون بن موسى التلعكبريّ قدّس اللّه روحه ونوّر ضريحه عن محمد بن محمد بن محمد الحسيني قال حدثنا محمد بن أحمد الصفواني قال حدّثنا أبي عن أبيه عن جدّه عن عبداللّه بن سنان قال مررت بعبداللّه بن جندب فرأيته قائماً علىٰ الصّفا وكان شيخاً كبيراً فرأيته يدعو ويقول في دعائه اللّهمّ فلان بن فلان اللّهمّ فلان بن فلان اللهمّ فلان بن فلان ما لم احصهم كثرة.

فلمّا سلم.

قلت له يا عبداللّه لم أرقطّ موقفاً احسن من موقفك إلّا انّي نقمت عليك خلّة واحدة.

فقال لى ما الذي نقمت عليّ فقلت له تدعو للكثير من اخوانك ولم اسمعك تدعو لنفسك شيئاً.

فقال لي يا عبداللّه سمعت مولانا الصادق عليه السلام يقول من دعا لأخيه المؤمن بظهر الغـيب نودي من اعنان السّماء لك يا هذا مثل ما سألت في أخيك ولك مأة الف ضعف مثله.

فلم احبّ ان اترك مأة الف ضعف مضمونه بواحدة لا ادري تستجاب أم لا.

---

١. أي اقتصر على النظر في حال نفسك.

۱۰۴۷ (۲۷) ثویر گوید: «از حضرت سجّادﷺ شنیدم که فرمود: وقتی فرشتگان صدای مؤمنی را می‌شنوند که برای برادر مؤمنش در غیاب او، دعا می‌کند یا ذکر خیر او می‌کند گویند: خوب برادری هستی تو. او را دعای خیر می‌کنی و خوبی‌هایش را به زبان می‌آوری. خداوند دو برابر آنچه که برای او از خدا درخواست کردی به خودت خواهد داد و دو برابر آنچه که از او ستودی از تو ستایش خواهد کرد و تو را بر او فضیلت و برتری دهد.

و هر گاه فرشتگان ببینند که مؤمن از برادر دینی‌اش بدگویی می‌کند و او را نفرین می‌نماید، می‌گویند: تو برای برادرت برادر بدی هستی ای کسی که گناهان و عیب و ننگ خود را پوشانده‌ای! بس کن و به خودت بپرداز و از خدایی که تو را پوشانیده، سپاسگزاری کن و بدان که خداوندﷻ از تو، به بنده‌اش داناتر است.»

۱۰۴۸ (۲۸) عبدالله بن سنان گوید: «گذرم به عبدالله بن جندب افتاد پس با اینکه خیلی پیر شده بود، دیدم در سرزمین «صفا» به نماز ایستاده و دعا می‌کند خوب گوش دادم، دیدم پیوسته برای مؤمنین و مؤمنات دعا می‌کند و نام این و آن را می‌برد که خدایا فلانی پسر فلانی، خدایا فلانی پسر فلانی، به حدّی نام برد که من نتوانستم آن‌ها را بشمارم و شمارهٔ آنها را به خاطر سپارم.

وقتی سلام داد و نمازش را به پایان رساند، جلو رفتم، گفتم: از این مکان و حالی که تو داری خوش‌تر ندیدم، جز اینکه نسبت به یک کار انتقاد دارم.

گفت: انتقاد تو چیست؟

گفتم: تعداد زیادی از برادران دینی‌ات را دعا کردی ولی نشنیدم که حتّی یک بار هم شده برای خودت دعا کنی.

پس گفت: ای عبدالله! از مولای‌مان حضرت صادقﷺ شنیدم که فرمود: هر کس برای برادر مؤمن خود در غیاب او دعا کند از بلندای آسمان او را ندا در دهند که ای مشارالیه! آنچه برای برادرت خواستی، برای تو نیز خواهد بود بلکه صدهزار برابر او نیز تو را خواهد بود.»

و من دوست ندارم که صدهزار برابر تضمین شده را با یک دعا که نمی‌دانم مستجاب می‌شود یا نمی‌شود، معاوضه کنم.»

۱۰۴۹ ۳۶۶۱۰ (۲۹) **رجال الكشي ۵۸۶**: محمد بن سعد بن مزيد[۱] أبو الحسن ومحمد بن أحمد بن حمّاد المروزي قال روي أبي عليه‌السلام عن يونس بن عبدالرحمن قال رأيت عبداللّه بن جندب وقد افاض من عرفة وكان عبداللّه احد المتهجدين[۲] قال يونس فقلت له قد رأى اللّه اجتهادك منذ اليوم فقال لي عبداللّه واللّه الذى لا إله الّا هو لقد وقفت موقفي هذا وافضت، ما سمعني اللّه دعوت لنفسي بحرف واحد لانّى سمعت ابا الحسن عليه‌السلام يقول الداعي لأخيه المؤمن بظهر الغيب ينادىٰ من اعنان السّماء لك بكلّ واحدة مأة ألف فكرهت ان ادع مأة الف مضمونة لواحدة لا أدري أجاب إليها أم لا وتقدّم نحوه في رواية اين جندب (۲۴) من باب (۴) استحباب التسبيح والتكبير من أبواب الوقوف بعرفات ج ۱۴.

۱۰۵۰ ۳۶۶۱۱ (۳۰) **امالي ابن الشيخ ۲۸۰**: أخبرنا الشيخ ـ المفيد أبو علي الطّوسي قال حدّثني شيخي قال أخبرني أبو محمد الفحّام قال حدّثني **المنصوري** قال حدّثني عمّ أبي قال حدّثني الإمام عليّ بن محمد عن آبائه عليهم‌السلام قال قال الصادق عليه‌السلام ثلاث دعوات لا تحجبنّ عن اللّه تعالى دعاء الوالد لولده إذا برّه ودعوته عقّه ودعاء المظلوم علىٰ ظالمه ودعاءه لمن انتصر له منه ورجل مؤمن دعا لأخ له مؤمن واساه فينا ودعاءه عليه إذا لم يواسه مع القدرة عليه واضطرار اخيه إليه.

۱۰۵۱ ۳۶۶۱۲ (۳۱) **عُدَة الدّاعي ۱۷۰**: روي انّ اللّه سبحانه اوحى إلى موسى يا موسى اُدعني على لسان لم تعصني به فقال عليه‌السلام أنّى لي بذلك فقال ادعني على لسان غيرك.

۱۰۵۲ ۳۶۶۱۳ (۳۲) **تفسير القميّ ۶۷**: حدّثني أبي عن القاسم بن محمد عن سليمان بن داود المنقري عن **حمّاد** قال قلت لابى عبداللّه عليه‌السلام اشغل نفسى بالدعاء لاخوانى ولإهل الولاية فما ترىٰ فى ذلك فقال انّ اللّه تبارك وتعالى يستجيب دعاء غائب لغائب ومن دعا للمؤمنين والمؤمنات ولاهل مودّتنا ردّ اللّه عليه من آدم إلى ان تقوم الساعة لكلّ مؤمن حسنة ثمّ قال انّ اللّه فرض الصّلوات في افضل الساعات عليكم بالدعاء في أدبار الصّلاة ثمّ دعا لي ولمن حضره.

---

۱. سعيد بن يزيد ـ خ. ۲. احد المجتهدين ـ خ.

۱۰۴۹ (۲۹) یونس بن عبدالرحمن گوید: «عبدالله بن جُنْدَب را در وقت روانه شدن حاجیان از سرزمین عرفات دیدم که سخت در حال دعا و نیایش بود.

به او گفتم: خداوند از آغاز امروز شاهد تلاش تو بود.

عبدالله بن جندب گوید: سوگند به خداوندی که معبودی جز او نیست از وقتی که در این موقف ایستاده‌ام تا وقتی که از آن کوچ کردم، خداوند از من یک دعا برای خودم نشنید، چون از حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که برای برادر دینی‌اش در غیابش دعا کند از بالای آسمان به او ندا دهند که به هر حرفی که گفتی، صدهزار دعا برای خودت خواهد بود و من اکراه دارم از اینکه صدهزار دعای مستجاب شده را رها کنم به خاطر یک دعایی که نمی‌دانم مستجاب شود یا مستجاب نشود.»

۱۰۵۰ (۳۰) منصوری از عموی پدرش و او از علی بن محمّد امام هادی‌علیه السلام و او از پدران بزرگوارش و آن‌ها از حضرت صادق‌علیه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «سه دعا البتّه از خداوند محجوب نماند: دعای پدر نسبت به فرزند هر گاه به پدر نیکی کند و نفرین پدر به فرزند هر گاه بدی کند و خود را عاق والدین نماید، نفرین ستمدیده بر ستم کننده‌اش و دعایش در حق کسی که او را یاری کرده و انتقام او را از ظالم گرفته و دعای مؤمنی که برای برادر مؤمن خود که با او به خاطر محبّت و ولایت ما همکاری دارد دعا کند و نفرین او بر کسی که با وجود توان، همکاری با او نمی‌کند و به او کمک نمی‌کند با اینکه آن مؤمن، مضطرّ و درمانده گشته و به کمک او نیازمند است.

۱۰۵۱ (۳۱) ابن فهد حلّی‌رحمه الله در کتاب عدّة الداعی روایتی نقل کرده که: «خداوند پاک به حضرت موسی‌علیه السلام وحی کرد: ای موسی! مرا با زبانی بخوان که با آن معصیت مرا نکرده‌ای.

حضرت موسی‌علیه السلام گفت: از کجا چنین زبانی بیاورم؟

خداوند فرمود: مرا با زبان غیر خودت بخوان.»

۱۰۵۲ (۳۲) حمّاد که راوی این روایت است گوید: «به حضرت صادق‌علیه السلام عرض کردم: من خودم را به دعا کردن برای برادران و شیعیان که معتقد به ولایت هستند، مشغول کرده‌ام. نظر مبارک شما در این باره چیست؟

حضرت فرمود: خداوند با خیر و برکت بلند مرتبه دعای غایب در حق غایب را مستجاب گرداند. کسی که برای مؤمنین و مؤمنات و دوستان ما دعا کند خداوند به اندازه تمام انسان‌ها از حضرت آدم گرفته تا روز قیامت به تعداد هر مؤمن، حسنه‌ای به او دهد.

سپس حضرت فرمود: خداوند نمازها را در با فضیلت‌ترین ساعات بر شما واجب کرده. پس بر شما باد دعا کردن بعد از نمازها.

سپس حضرت صادق‌علیه السلام برای من و حاضرین دعا فرمود.»

۱۰۵۳ ۲۶۶۱۴ (۳۳) **العلل** ۱۸۱: حدّثنا علي بن محمد بن الحسن القزويني المعروف بابن مقبرة قال حدّثنا محمد بن عبدالله الحضرمي قال حدّثنا جندل بن والق قال حدثنا محمد بن عمر المازني عن عبادة الكليني عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن **فاطمة** الصغرىٰ عن الحسين بن علي عن اخيه الحسن بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال رأيت امّي فاطمة عليها السلام قامت في محرابها ليلة جمعتها فلم تزل راكعة ساجدة حتىٰ اتّضح عمود الصبح وسمعتها تدعو للمؤمنين والمؤمنات وتسميّهم وتكثر الدعاء لهم ولا تدعو لنفسها بشيء فقلت لها يا أمّاه لِمَ لا تدعون [1] لنفسك كما تدعون لغيرك فقالت يا بنيّ الجار ثمّ الدّار **البحار** ۳۱۳/۸۹: مصابح الانوار عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه علي بن الحسين مثله سنداً ومتناً إلّا انّه اسقط قوله (والمؤمنات).

۱۰۵۴ ۲۶۶۱۵ (۳۴) **علل** ۱۸۲: حدّثنا أحمد بن محمد بن عبدالرحمن الحاكم المروزي المقري قال حدّثنا محمد بن جعفر المقري أبو عمرو قال حدّثنا محمد بن الحسن الموصلي ببغداد قال حدّثنا محمد بن عاصم قال حدّثنا **أبوزيد** الكحّال عن أبيه عن موسىٰ بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال كانت فاطمة عليها السلام إذا دعت تدعو للمؤمنين والمؤمنات ولا تدعو لنفسها فقيل لها يا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله انك تدعون للنّاس ولا تدعون لنفسك فقالت الجار ثمّ الدار **البحار** ۳۸۸/۹۳: مصباح الانوار عن جعفر بن محمد عليهما السلام قال كانت فاطمة عليها السلام إذا دعت وذكر نحوه.

۱۰۵۵ ۲۶۶۱۶ (۳۵) **فقه الرضا** عليه السلام ۳۳۴: روي انّ من برّ أباه في حياته ولم يدع له بعد وفاته سمّاه اللّه تعالىٰ عاقّاً.

وتقدّم في أحاديث باب (۷) وقت عيادة المريض من أبواب ما يتعلّق بالمرض ج ۳ ما يدلّ علىٰ استحباب الدّعاء للمؤمنين وفي غير واحد منه ما يدلّ على استجابة دعاء المريض. **وفي** أحاديث باب (۱۱) نقل المتحضر إلى مصّلاه **وباب** (۶) كيفيّة الصلاة على الميّت **وباب** (۱۲) أنّه لا قرائة في صلاة الميّت **وباب** (۱۳) مايقال في الصّلاة على الطفل ما يدلّ علىٰ ذلك.

---

۱. صحيحه في الموضعين تدعين وكذا في الحديث الآتي.

۱۰۵۳ (۳۳) فاطمه صغری از امام حسین علیه السلام و او از برادرش امام حسن علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «مادرم فاطمه را در شب جمعه‌ای دیده‌ام که تا صبح پیوسته نماز می‌خواند تا سپیده‌دم سرزد و صدایش را می‌شنیدم که برای مومنین و مؤمنات دعا می‌کرد و یکی یکی نام می‌برد و فراوان برای آن‌ها دعا می‌فرمود و در طول شب حتّی یک بار هم برای خود دعا نکرد.

به آن [سرور زنان عالم] گفتم: ای مادر! چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟

فرمود: ای پسر عزیزم! اوّل همسایه بعد خانه.»

۱۰۵۴ (۳۴) ابو زید کحّال از پدرش و او از امام موسی بن جعفر علیه السلام و او از پدرش و او از پدرانش روایت کرده که فرمودند: «حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وقتی دعا می‌فرمود، برای مؤمنین و مؤمنات دعا می‌کرد و برای خود دعا نمی‌کرد، پس به حضرت گفته شد: ای دختر پیامبر خدا! برای مردم دعا می‌کنی و برای خودت دعا نمی‌کنی؟

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: اوّل همسایه بعد خانه.»

۱۰۵۵ (۳۵) در کتاب فقه الرضا علیه السلام روایتی نقل شده که: «هر کس به پدرش در زمان زنده بودن پدر، احسان کند ولی پس از مرگش او را به دست فراموشی سپرد و برایش دعا نکند، خداوند متعال او را عاقّ والدین بنامد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب هفتم از باب‌های آنچه بر بیمار تعلق دارد آنچه بر استحباب دعا برای مؤمنین دلالت دارد.

و در روایات باب یازدهم، ششم، نهم، دوازدهم و سیزدهم از باب‌های نماز بر میت آنچه بر آن دلالت می‌کند.

وفـي رواية عمّار (۴) من باب (۱۸) الدعاء بالمأثور عند رؤيـة الجـنازة مـن أبـواب الدّفن قوله كيف يقول الّذى يحملها قال يقول بسم اللّه وصلّىٰ اللّه على محمّد وآل مـحمّد اللهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات **وفي** أحاديث باب (۳۳) ما يستحب ان يقال مـن الدعـاء والتّلقين عند ادخال الميّت في قبره **وباب** (۴۱) تلقين الوليّ الميّت الشهادتين بعد انصراف النّاس **وباب** (۳) كيفيّة التّعزية من أبوابها ما يدلّ على بعض المقصود.

وفي رواية هشام (۱۰) من باب (۱۴) ما يقال عند المصيبة قوله ﷺ فرحم اللّه مالكاً قد وفىٰ بعهده **وفي** رواية ابن مسلم (۱) من باب (۱) استحباب زيارة القبور من أبوابها قوله ﷺ وليطلب احدكم حاجته عند قبر أبيه وعند قبر امّه بما يدعو لهما ولاحظ سـاير أحـاديث الباب فانّ لها مناسبة بالمقام **وفي** أحاديث باب (۳۰) ما ورد مـن الدعـاء للإخـوان فـي العيدين من أبواب صلاة العيدين ج ۷ ما يدلّ علىٰ استحباب الدعاء للاخوان **وهكذا فـي** أحاديث باب (۱۲) التطوع بالصلاة عن الميّت من أبواب قضاء الصلوات ج ۶ **وفي** رواية ثواب الاعمال (۱۲) من باب (۱) فضل الجهاد ج ۱۶ قوله ﷺ فان رجع (المـجاهد) رجـع مغفوراً له مستجاباً لدعائه **وفـي** رواية ابن جندب (۲۲) من باب (۴) اسـتحباب التسـبيح والتكبير والدعاء عند الوقوف بعرفات من أبـواب الوقـوف بـها ج ۱۴ قـوله سـمعت ابـا عبداللّه ﷺ يقول من دعا لاخيه بظهر الغيب وكلّ اللّه عزّ وجلّ به ملكاً يقول ولك مثلاه **وفي** رواية إبراهيم (۲۳) قوله انّ ابا الحسن موسىٰ بن جعفر ﷺ أخبرني انّه من دعا لاخيه بظهر الغيب نودي من العرش ولك مأة الف ضعف مثله.

ولاحظ ساير أحاديث الباب فانّ فيها ما يناسب المقام.

وفي أحاديث باب (۳) انّ دعوة الغازي مستجابة من أبواب الجهاد ج ۱۶ ما يدلّ علىٰ انّ دعوة الحاجّ والغازي والمريض مستجابة. **وفي** رواية السكوني (۳) من باب (۱۹) اجـابة الدعاء عند هبوب الرياح من أبواب الدعاء قوله ﷺ اغتنموا الدعاء عند خمس مواطن عند دعوة المظلوم فانّه ليس لها حجاب دون العرش. **وفي** رواية البحار (۱۲) مـا يـدلّ عـلى استجابة دعاء المريض والوالد والولد والحاجّ والمعتمر والمسافر في غـير مـعصية والأخ المؤمن والمظلوم **وفي** أحاديث باب (۲۵) انّ المـؤمنين إذا اجـتمعوا فـدعوا اللّـه تـعالىٰ استجاب لهم وباب (۲۶) انّ من دعا فليعمّ ما يدلّ على بعض المقصود.

و در روایت چهارم از باب هجدهم از باب‌های دفن این گفته که: «از حضرت پرسیده شد: کسی که جنازه را بر دوش می‌کشد، چه بگوید؟ حضرت فرمود: بگوید: به نام خدا و درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد، خداوندا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز.

و در روایات باب سی و سوم، چهل و یکم و سوم آنچه بر بعضی از مقصود دلالت می‌کند.

و در روایت دهم از باب چهاردهم فرموده امامؑ که: «خداوند مالک اَشتَر را رحمت کند که بـه عهد و پیمانش وفا کرد.»

و در روایت یکم از باب یکم از باب‌های استحباب زیارت قبرها فرموده امامؑ که: «هر یک از شما حاجت خود را در کنار قبر پدر و کنار قبر مادرش با دعا کردن برای آن‌ها، بجوید.»

و در روایات باب سی‌ام از باب‌های نماز عیدها و همچنین روایـات بـاب دوازدهـم از بـاب‌های قضای نمازها مناسب آن هست.

و در روایت دوازدهم از باب یکم فرموده امامؑ که: «رزمنده، آمرزیده و دعایش مستجاب شده [از جبهه جنگ] برمی‌گردد.»

و در روایت بیست و دوم از باب چهارم از باب‌های وقف‌ها این گفته که: «از حضرت صادقؑ شنیدم که فرمود: هر کس برای برادر دینی‌اش در غیاب او دعا کند خداوندﷻ فرشته‌ای را مأمور کند تا به او بگوید: و برای توست دو برابر آن.»

و در روایت بیست و سوم این گفته که: «کسی که برای برادر دینی‌اش پشت سر او دعا کـند از عرش الهی صدا زده شود که صدهزار برابر آن برای خود تو خواهد بود.»

و سایر روایات باب آنچه مناسب با این مقام است پس ملاحظه کن.

و در روایات باب سوم از باب‌های جهاد آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب نوزدهم از باب‌های دعا فرموده امامؑ که: «در پنج وقت دعا کردن را غنیمت شمارید: وقت دعا کردن آدم ستمدیده که حجابی جز عرش برایش نیست.»

و در روایت دوازدهم آنچه بر استجابت دعای مریض و... دلالت دارد.

و در روایات باب بیست و پنجم و بیست و ششم آنچه بر بعضی از مقصود دلالت دارد.

ويأتي في أحاديث الباب التالي وما يتلوه وما بعده وباب (۳۴) كراهة إكثار الدعاء علىٰ الظالم **وباب** (۳۵) الدعاء علىٰ العدوّ ما يناسب الباب **وفي** أحاديث باب (۴۵) انّ اللّه تعالىٰ لا يجيب دعوة مظلوم في مظلمة وَلأحد عنده مظلمة ما يدلّ على استجابة دعوة المظلوم في غير هذا المورد.

وفي رواية حفص (۱۳) من باب (۳۳) انّه يستحبّ لصاحب الصدقة ان يعطيه بيده من أبواب ما يتأكّد استحبابه من الحقوق قوله ﷺ وادع أخوانك وأعدّ لهم طعاماً وسلهم يدعون اللّه لك قال ففعلت (إلى ان قال) فواللّه ما مكثت الّا قليلاً حتّىٰ أتاني غريم لى فدقّ الباب عليَّ وصالحني من مال لي كثير كنت احسبه نحواً من عشرة آلاف درهم قال ثمّ أقبلت الاشياء عليَّ.

وفي رواية ابن عباس (۲۱) من باب (۹۷) ما ورد في نصيحة المسلمين من أبواب العشرة قوله ﷺ ثلاثة لا تردّ دعوتهم المريض.

(۲۸)

باب كراهة تحقير دعوة الناس وان كان يهوديًا أو نصرانيًاً

۱۰۵۶ (۱) **كافي** ۱۷/۴: محمد بن يحيىٰ عن أحمد بن محمد عن محمد بن إسماعيل عن ۳۶۶۱۷ الحسن بن الجهم عن أبي الحسن ﷺ قال لا تحقّروا دعوة أحدٍ فانّه يستجاب لليهوديّ والنصرانيّ فيكم ولا يستجاب لهم في انفسهم.

(۲۹)

باب ماورد في ثواب من دَعا لِلمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

۱۰۵۷ (۱) **كافي** ۵۰۷/۲: علي بن محمّد عن محمّد بن سليمان عن إسماعيل بن إبراهيم عن ۳۶۶۱۸ جعفر بن محمّد التّميمي عن **حسين** بن علوان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ ما من مؤمن دعا للمؤمنين والمؤمنات الّا ردّ اللّه عزّ وجلّ عليه مثل الذي دعا لهم به من كلّ مؤمن ومؤمنة مضى من اوّل الدّهر او هو آت إلى يوم القيامة انّ العبد ليؤمر به إلى النّار.

می‌آید:

در روایات باب بعدی و باب پس از آن و باب سی و چهارم و سی و پنجم و روایات باب چهل و پنجم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

در روایت سیزدهم از باب سی و سوم از باب‌های آنچه بر استحباب حقوق تاکید دارد فرموده امامعليه السلام که: «برادرانت را فراخوان و برای آن‌ها غذا فراهم نما و از آن‌ها بخواه که برای تو دعا کنند.

راوی گوید: من همین کار را کردم، پس به خدا سوگند که طولی نکشید که طلبکاری آمد و در زد و بدهی من را که حدود ده هزار درهم به او بود، بخشید، راوی گوید: پس از آن نعمت‌ها به من روی آورد.»

و در روایت بیست و یکم از باب نود و هفتم از باب‌های عشرت فرموده امامعليه السلام که: «سه شخص دعای‌شان رَدّ نشود، یکی از آن‌ها بیمار است... تا آخر.»

باب ۲۸

کوچک نشمردن دعای مردم

۱۰۵۶ (۱) حسن بن جهم از امام موسی کاظمعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «دعای احدی را کوچک نشمارید چرا که دعای یهودی و نصرانی هم در حق شما مستجاب می‌شود، گرچه دعای‌شان در حقّ خودشان مستجاب نخواهد شد.»

باب ۲۹

دعا برای عموم مؤمنین و مؤمنات

۱۰۵۷ (۱) حسین بن علوان از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هیچ مؤمنی برای همهٔ مردان و زنان مؤمن دعا نکند مگر اینکه خداوند عزیز و جلیل مثل همان چیزی که در دعا برای آنان خواسته به تعداد همهٔ مؤمنانی که از آغاز دنیا بوده‌اند یا اینکه خواهند آمد تا قیامت، به او خواهد داد.

يوم القيامة فيسحب[1] فيقول المؤمنون والمؤمنات يا ربّ[2] هذا الذى كان يدعو لنا فشفّعنا فيه فيشفّعهم اللّه عزّ وجلّ فيه فينجو **وتقدّم** في رواية أبي بصير (١٩) من الباب المتقدّم نحوه، امالي الصّدوق ٣٦٩: حدّثنا محمد بن محمّد بن عصام الكليني قال حدّثنا محمد بن يعقوب الكليني عن عليّ بن محمد عن محمد بن سليمان عن إسماعيل بن إبراهيم عن جعفر بن محمد التميمي عن الحسين بن علوان عن أبي عبداللّه الصادق جعفر بن محمد عن آبائه قال قال رسول اللّه ﷺ ما من مؤمن أو مؤمنة مضىٰ من اوّل الدهر أو هو آت إلى يوم القيامة إلّا وهم شفعاء لمن يقول في دعائه اللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات وانّ العبد ليؤمر به (وذكر مثل) **الثواب** ١٩٤: حدّثني محمد بن علي ماجيلويه ﷺ عن عمّه محمد بن أبي القاسم عن محمّد بن علي الكوفي عن محمد بن الحسن عن محمد بن حمّاد الحارثي عن أبي عبداللّه عن أبيه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ ما من عبد دعا للمؤمنين (وذكر نحو ما في كا وزاد) من النار.

١٠٥٨ ٣٦٦١٩ (٢) **الثواب** ١٩٣: أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن يعقوب بن يزيد عن صفوان بن يحيىٰ عن أبي الحسن ﷺ انّه كان يقول من دعا لاخوانه من المؤمنين [والمؤمنات والمسلمين والمسلمات] وكلّ اللّه به عن كلّ مؤمن ملكاً يدعو له.

١٠٥٩ ٣٦٦٢٠ (٣) وفيه بهذا الإسناد عن أبي الحسن الرضا ﷺ قال ما من مؤمن يدعو للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات إلّا كتب[3] اللّه له بكلّ مؤمن ومؤمنة حسنة منذ بعث اللّه آدم إلى ان تقوم السّاعة.

١٠٦٠ ٣٦٦٢١ (٤) **فلاح السّائل** ٤٣: باسنادنا إلى جدّي أبي جعفر الطّوسي ممّا يرويه باسناده إلى محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفّار عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير عن زكريّا صاحب السابري عن رجل عن أبي عبداللّه ﷺ قال إذا قال الرجل اللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم وجميع الأموات ردّ اللّه عليه بعدد من مضى ومن بقى من كلّ انسان دعوة.

---

١. ينسحب خ ل ـ ثواب. أي فيجرّ إلى النّار. ٢. ياربّنا ـ امالي.
٣. إلّا ردّ اللّه عليه من كل مؤمن ـ خ.

[بعضاً] در روز قیامت، فرمان می‌رسد که بنده‌ای را به سوی آتش ببرند پس کشان کشان او را می‌برند که مؤمنین و مؤمنات می‌گویند: ای پروردگار! این همان کسی است که برای ما دعا می‌کرد پس شفاعت ما را در حقّ او بپذیر و خداوند عزیز و جلیل هم شفاعت آن‌ها را می‌پذیرد. در نتیجه آن شخص از آتش دوزخ نجات پیدا می‌کند.»

همین حدیث شریف به طریق دیگر از رسول خداﷺ روایت شده که حضرت فرمود: «تمام زنان و مردان مؤمن از اوّل دنیا تا آخر آن شفیع کسی هستند که در دعایش بگوید: «خداوندا! تمام مردان و زنان با ایمان را بیامرز.» و گاهی نسبت به بنده‌ای دستوری می‌رسد که او را به سوی دوزخ برند... و دنبالهٔ حدیث مانند حدیث فوق الذکر است.»

۱۰۵۸ (۲) صفوان بن یحیی از امام موسی کاظمؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که برای برادران ایمانی‌اش یعنی مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات دعا کند خداوند از جانب هر مؤمنی فرشته‌ای را می‌گمارد تا برای او دعا کند.»

۱۰۵۹ (۳) و با سند روایت قبل از امام رضاؑ روایت شده که فرمود: «مؤمنی نیست که برای مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، زندگان و مردگان‌شان، دعا کند مگر اینکه خداوند به تعداد هر مرد و زن مؤمن که از زمان حضرت آدم تا قیامت بوده و خواهد بود، برایش حسنه نویسد.»

۱۰۶۰ (۴) زکریّا صاحب سابری با واسطهٔ یک شخص از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «وقتی انسان بگوید: «اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِماتِ اَلْاَحْیاءِ مِنْهُم وَجَمِیعِ الامْواتِ.» خداوند به تعداد همهٔ انسان‌ها، گذشتگان و آیندگان، دعا به خود او بازگرداند [گویی تک تک آن‌ها گفته‌اند: خداوندا! این شخص دعا کننده را بیامرز]

۱۰۶۱ (۵) **وفيه** بهذا الإسناد عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن أحمد بن ادريس عن
۲۶۶۲۲ محمد بن علي بن محبوب عن أحمد بن الحسين بن سعيد عن عليّ بن مهزيار عن **سليمان** بن جعفر عن أبيه قال قال رسول اللّهﷺ من قال اللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات كتب اللّه له بكلّ مؤمن خلقه اللّه منذ خلق اللّه آدم إلى أن تقوم السّاعة حسنة ومحا عنه سيّئة ورفع له درجة.

۱۰۶۲ (۶) **امالي ابن الشيخ ۴۲۴**: حدّثنا الشيخ السعيد الامام المفيد أبو علي الحسن بن محمد
۲۶۶۲۳ بن الحسن بن علي الطوسيﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي قال حدثنا أبو عبداللّه بن عبيداللّه الغضائري قال أخبرنا أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي قال **امالي الصدوق ۳۱۰**: حدّثنا علي بن أحمد بن عبداللّه بن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي قال حدثني أبى عن جده[1] أحمد بن أبي عبداللّه (البرقي ـ امالي بن الشيخ) قال حدثنا أبي عن علي بن النعمان عن فضل بن يونس[2] عن عبداللّه بن سنان قال قال أبو عبداللّه الصادقﷺ من قال كلّ يوم خمساً[3] وعشرين اللهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات كتب اللّه له بعدد كلّ مؤمن مضىٰ وبعدد كلّ مؤمن بقى إلى يوم القيامة حسنة ومحا عنه سيّئة ورفع له درجة.

۱۰۶۳ (۷) **الجعفريات ۲۲۳**: بإسناده عن **علي** بن أبي طالبﷺ قال قال رسول اللّهﷺ من دعا
۲۶۶۲۴ للمؤمنين والمؤمنات في كلّ يوم خمساً وعشرين مرّة نزع اللّه الغلّ من صدره وكتبه من الأبدال ان شاء اللّه.

۱۰۶۴ (۸) **مستدرك ۲۴۷/۵**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب روي انّ إبراهيم قال
۲۶۶۲۵ لاسماعيلﷺ في حال الذبح ادع انت بالفرج لانّك أنت المضطرّ أمّن يُجيبَ المُضطَرَّ إذا دَعاهُ فلمّا رأى الكبش خرج ليأخذه فلمّا رجع رأىٰ يدي إسماعيل مطلقتين قال ومن اطلقك قال رجل من صفته كذا قال هو جبرئيل وهل قال لك قال نعم قال لي ادع اللّه فدعوتك الآن مستجابة قال إبراهيم وأيّ شيءٍ دعوت قال قلت اللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات يابني انّك لموفّق.

---

۱. جدّي ـ امالي الطوسي. ۲. يوسف ـ خ ل ئل. ۳. خمسة ـ امالي.

۱۰۶۱ (۵) سلیمان بن جعفر از پدرش و او از رسول گرامی اسلامﷺ روایت کرده کـه فـرمود: «هـر کس بگوید: «اللهمّ اغفر للمؤمنین و المؤمنات» خداوند به عدد هر مؤمنی که از زمان خلقت آدم آفریده است و تا روز قیامت خواهد آفرید برایش حسنه نویسد و بـه هـمین تـعداد، گـناه از او پـاک کـند و درجه‌اش را بالا برد.»

۱۰۶۲ (۶) عبدالله بن سنان از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هـر کس هـر روز، بیست و پنج بار بگوید: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ» خداوند به عدد هر مؤمنی که آمده و از دنیا رفته و یا خواهد آمد تا روز قیامت برایش حسنه نویسد و به همین مقدار، گناه از او پاک کند و به همین مقدار، رفعت درجه پیدا کند.»

۱۰۶۳ (۷) در کتاب الجعفریّات با اسناد خودش از امام علی بن ابی طالبؑ روایت شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس روزی بیست و پنج بار برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند خداوند کینه را از سینه‌اش بَر کند و او را جزو أبدال قرار دهد ان شاء الله.»

۱۰۶۴ (۸) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب روایتی نقل کرده که حضرت ابراهـیمؑ در هـنگام ذبـح اسماعیلؑ به او گفت: دعا کن تا گشایشی حاصل شود زیرا تو الآن مضطرّ هستی و خداوند دعای مضطرّ را مستجاب گرداند.

١٠٦٥ ٢٦٦٢٦ (٩) **مستدرك** ٢٤٧/٥: أبو جعفر محمّد بن جرير الطبري قال روي أبوعبداللّه محمد بن سهل الجلودي قال حدّثنا أبو الخير أحمد بن محمد بن جعفر الطاري الكوفي قال حدّثنا محمد بن الحسن بن يحيىٰ الحارثي قال حدّثنا **علي** بن إبراهيم بن مهزيار الأهوازي عن صاحب الزمان عليه السلام في حديث طويل قال ثمّ قال عجّل اللّه تعالىٰ فرجه يابن مهزيار لولا استغفار بعضكم لبعض لهلك من عليها إلّا خواصّ الشيعة التي تشبه اقوالهم افعالهم الخبر.

(٣٠)

باب أنّ من قدّم في دعائه لنفسه أربعين مؤمناً استجيب له ولهم

١٠٦٦ ٢٦٦٢٧ (١) **كافي** ٥٠٩/٢: علي ابن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير أمالي الصدوق ٣٦٩: حدّثنا أحمد بن علي بن إبراهيم بن هاشم قال حدّثنا أبي عن جدّي عن محمد ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه (الصادق جعفر بن محمد ـ امالي) عليه السلام قال من قدّم (في دعائه ـ امالي) اربعين من المؤمنين ثمّ دعا (لنفسه ـ امالي) استجيب له.

١٠٦٧ ٢٦٦٢٨ (٢) **امالي ابن الشيخ** ٤٢٤: حدّثنا الشيخ السعيد الامام المفيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي قال حدّثنا أبو عبداللّه الحسين بن عبداللّه الغضائري قال أخبرنا أبوجعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي قال **امالي الصدوق** ٣١٠: حدثنا علي بن أحمد بن عبداللّه بن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي قال حدثني أبي عن جدّه أحمد بن أبي عبداللّه (البرقي ـ امالي ابن الشيخ) عن أبيه عن محمد بن سنان عن **عمر** بن يزيد قال سمعت ابا عبداللّه (الصادق ـ امالي الصدوق) عليه السلام يقول من قدّم اربعين رجلاً من اخوانه (فدعا لهم ـ خصال) قبل ان يدعو لنفسه استجيب له فيهم وفي نفسه الخصال ٥٣٨: حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه الله قال حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن عبدالجبّار عن **محمد** ابن أبي عمير عن غير واحد من أصحابنا عن أبي عبداللّه عليه السلام (نحوه).

وتقدّم في رواية البحار (١٢) من باب (١٩) اجابة الدعاء عند هبوب الرياح ما يدلّ على ذلك.

وفي رواية الكفعمي (١٣) قوله عليه السلام اطلبوا الدعاء بعد الدعاء لأربعين مؤمناً.

پس چون ابراهیم‌ﷺ گوسفند را دید به دنبال او رفت تا او را بگیرد، وقتی برگشت دید که دست‌های بستهٔ اسماعیل باز شده، پرسید: چه کسی تو را باز کرد؟ گفت: یک مردی که دارای این صفات بود حضرت ابراهیم‌ﷺ گفت: او جبرئیل بوده و آیا به تو چیزی گفت؟ گفت: بله، به من گفت دعا کن و خدا را بخوان که دعای تو الآن مستجاب می‌شود.

ابراهیم گفت: تو چه دعایی کردی؟

اسماعیل گفت: گفتم: «اللّٰهُمّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ» ابراهیم گفت: پسرم واقعاً تو موفّقی!»

۱۰۶۵ (۹) علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی از صاحب الزمان حضرت حجّت‌ﷺ روایت کرده که آن امام همام(عج) در ضمن یک سخن طولانی فرمود: «ای پسر مهزیار! اگر طلب مغفرت کردن عدّه‌ای از شما برای عدّه‌ای دیگر نبود تمام مردم روی زمین هلاک می‌شدند مگر تعدادی از خواصّ شیعه که کردارشان به گفتارشان شباهت دارد.»

باب ۳۰

دعا کردن برای چهل مؤمن

۱۰۶۶ (۱) هشام بن سالم از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که: «کسی که اوّل چهل مؤمن را دعا کند، سپس برای خود دعا کند دعایش مستجاب شود.»

۱۰۶۷ (۲) عمر بن یزید روایت کرده که: «من خود از حضرت صادق‌ﷺ شنیدم که فرمود: هر کس پیش از آنکه برای خود دعا کند برای چهل مؤمن از برادرانش دعا کند سپس برای خود دعا کند، دعای او به خاطر آنان مستجاب گردد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوازدهم از باب نوزدهم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سیزدهم فرموده پیامبرﷺ که: «پس از دعا کردن برای چهل مؤمن، برای خود دعا کنید.»

(۳۱)

باب جواز الدّعاء للكافر عند الإحتياج فإنّه لاينفعه

ويأتي في رواية عبدالرحمن (۱۶) من باب (۲۹) التسليم علىٰ أهل الكتاب من أبواب العشرة قوله أرأيت ان احتجت إلى الطّبيب وهو نصراني ان اُسلّم عليه وادعو له قال ﷺ نعم إنّه لا ينفعه دعاؤك.

وفي رواية ابن عرفة (۱۷) قوله كيف ادعو لليهودي والنصراني قال تقول له بارك اللّه لك في الدنيا ولاحظ ساير أحاديث الباب فانّ لها مناسبة بالمقام.

(۳۲)

باب استحباب إكثار الدّعاء للرّزق وكيفيّته

۱۰۶۸ ۳۶۶۲۹ (۱) **كافي** ۵۵۱/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن إبراهيم بن عمر اليماني عن زيد الشّحّام عن أبي جعفر ﷺ قال ادع في طلب الرزق في المكتوبة وانت ساجد يا خير المسؤولين ويا خير المعطين ارزقني وارزق عيالي من فضلك الواسع فأنّك ذوالفضل العظيم.

۱۰۶۹ ۳۶۶۳۰ (۲) **مستدرك** ۲۵۱/۵: **الرّاوندي في** قصص الانبياء عن النبيّ ﷺ قال أبىٰ اللّه ان يرزق عبده إلّا من حيث لا يعلم فانّ العبد إذا لم يعلم وجه رزقه كثر دعائه.

۱۰۷۰ ۳۶۶۳۱ (۳) **كافي** ۵۵۲/۲: عِدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن **أحمد** بن محمد ابن أبي نصر قال قلت للرّضا ﷺ جعلت فداك ادع اللّه عزّ وجلّ ان يرزقني الحلال فقال اتدري ما الحلال قلت الذي عندنا الكسب الطيّب فقال كان علي بن الحسين ﷺ يقول الحلال هو قوت المصطفين ثمّ قال قل أسألك من رزقك الواسع **قرب الإسناد** ۳۷۸: عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن **أحمد** بن محمد بن أبي نصر نحوه.

باب ۳۱

دعاکردن به کافر از روی ضرورت

ارجاعات

می‌آید:

در روایت شانزدهم از باب بیست و نهم از باب‌های عشرت این پرسش از امام(ع) که: «اگر احتیاجم به پزشک افتاد و او مسیحی بود می‌توانم به او سلام کنم و برایش دعا کنم؟

حضرت فرمود: بله ولی دعای تو به او سودی نخواهد بخشید.»

و در روایت هفدهم این گفته که: «برای یهودی و نصرانی چگونه دعا کنم؟ حضرت می‌فرماید: «به او می‌گویی: خداوند دنیا را برای تو مبارک گرداند.»

و سایر روایات باب را بنگر که مناسب با این مقام هست.

باب ۳۲

استحباب زیاد دعاکردن برای روزی

۱۰۶۸ (۱) زید شحّام از امام محمّد باقر(ع) روایت کرده که حضرت فرمود: «در سر نماز واجب در حال سجده برای طلب روزی دعا کن و بگو: «یا خَیْرَ الْمَسْئُولینَ وَیا خَیْر المُعْطینَ أرْزُقْنی وَارْزُقْ عِیالی من فضْلِکَ الْواسِعِ فَاِنَّکَ ذُوالفَضْلِ الْعَظیم.» یعنی: «ای بهترین سؤال شده و ای بهترین بخشنده مرا و عائله مرا از فضل و عنایت بی‌کرانه‌ات روزی ده زیرا به راستی که تو دارندهٔ فضل و عنایت بزرگی هستی.»

۱۰۶۹ (۲) قطب راوندی در کتاب قصص الأنبیاء حدیثی از پیامبر(ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند اراده فرموده که بندهٔ خود را فقط از جایی روزی دهد که آن را نداند زیرا وقتی بنده ممرّ درآمد خود را نداند دعایش زیاد می‌شود. [و خداوند هم دعای بنده‌اش را دوست دارد].»

۱۰۷۰ (۳) احمد بن محمد بن ابی نصر از حضرت ثامن الحُجَج علیّ بن موسی الرضا(ع) روایت کرده که: «به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! برایم دعا کن و از خدا بخواه که لقمهٔ حلال روزی من گرداند.

حضرت فرمود: آیا می‌دانی حلال چیست؟

گفتم: آن جور که پیش ما است، کسب و کار پاک و پاکیزه.

حضرت رضا(ع) فرمود: امام سجّاد(ع) می‌فرمود: حلال، خوراک برگزیدگان الهی است.

سپس فرمود: بگو: از روزی گسترده‌ات از تو درخواست می‌کنم.»

۱۰۷۱ ۳۶۶۳۲ (۴) **كافي ۵۵۲/۲**: محمد بن يحييٰ عن أحمد بن محمد عن معمّر بن خلاّد عن أبي الحسن عليه السلام قال سمعته يقول نظر أبو جعفر عليه السلام إلى رجل وهو يقول اللّهمّ انّي أسألك من رزقك الحلال فقال أبو جعفر عليه السلام سألت قوت النّبيّين قل اللّهمّ انّي اسألك رزقاً [حلالاً] واسعاً طيّباً من رزقك.

۱۰۷۲ ۳۶۶۳۳ (۵) **امالي الطوسي ۶۷۸**: حدّثنا الشيخ أبوجعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا أحمد بن عبدون عن أبن الزبير عن علي بن الحسن بن فضّال عن العبّاس عن علي بن معمّر الخزّاز عن رجل من جعفي قال كنّا عند أبي عبداللّه عليه السلام فقال رجل اللّهمّ انّي اسألك رزقاً طيّباً قال فقال أبو عبداللّه هيهات هيهات هذا قوت الأنبياء ولكن سل ربّك رزقاً لايعذّبك عليه يوم القيامة هيهات انّ اللّه يقول ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَـٰتِ وَٱعْمَلُواْ صَـٰلِحًا﴾. **وتقدّم** في رواية الجعفي (۲) من باب (۱۴) ما يختصّ بالمغرب من التعقيب من أبوابه قوله عليه السلام الا أُعَلِّمكَ دعاء لدنياك وآخرتك (إلى أن قال عليه السلام) تقول في دبر الفجر والمغرب اللهمّ انّي اسألك بحقّ محمّد وآل محمّد عليك (صلّ على محمّد وآل محمد) واجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والإخلاص في عملي والسّلامة في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك أبداً ما أبقيتني **وفي** كثير من أحاديث باب (۱۸) انّه يستحب للمصّلي ان يجلس في مصّلاه بعد صلاة الصبح إلى ان تطلع الشمس مايدلّ على أنّ الجلوس في المصلىٰ بعد صلاة الصبح إلى ان تطلع الشمس ابلغ واسرع وانجح في طلب الرزق من الضرب في الأرض.

وفي رواية أبي بصير (۸۶) من باب (۳۵) فضل يوم الجمعة من أبواب صلاة الجمعة قوله تعالى ألا عبد مؤمن قد قتّرت[1] عليه رزقه فيسألني الزيادة في رزقه قبل طلوع الفجر فأزيده واوسّع عليه **وفي** رواية ابن أبي محمود (۸۴) قوله عليه السلام هل من سائل فاعطيه.

وفي أحاديث باب (۵) ما ورد من الصلاة لقضاء الدّين من أبواب صلاة الحوائج وباب (۶) ما ورد من الصلاة لطلب الرزق **وباب** (۷) الصلاة للاستطعام عند الجوع ما يناسب ذلك.

---

۱. اقترت ـ خ.

۱۰۷۱ (۴) معمّر بن خلّاد از ابوالحسن امام کاظم‌ﷺ روایت کرده که: «از حضرت شنیدم که فرمود: امام باقرﷺ مردی را دید که دعا می‌کرد: خداوندا! من از تو، روزی حلالی می‌خواهم.

امام باقرﷺ به او فرمود: خورد و خوراک پیامبران را از خدا خواستی، بگو: خداوندا! روزی گستردهٔ پاکی از تو درخواست می‌کنم.»

۱۰۷۲ (۵) علی بن معمّر خزّاز از مردی از جُعفی روایت کرده که: «ما، در خدمت امام صادقﷺ بودیم، مردی گفت: خداوندا! از تو روزی طیّب و پاکی می‌خواهم.

حضرت صادقﷺ فرمود: هیهات! هیهات! این، خوراک پیامبران است امّا تو از پروردگارت یک رزقی بخواه که روز قیامت به خاطر آن، عذاب نگردی. خداوند می‌فرماید: **«ای پیامبران! از طیّبات و پاک و پاکیزه‌ها بخورید و کارهای شایسته انجام دهید.»**

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوم از باب چهاردهم از باب‌های تعقیب فرموده امامﷺ که: «آیا به تو بیاموزم دعایی که به درد دنیا و آخرت تو بخورد؟ (تا آنجا که فرمود:) بعد از [نماز] صبح و مغرب بگو: خداوندا! به حقّی که محمّد و آل محمّد بر تو دارند از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرست و نور را در دیده‌ام و آگاهی را در دینم و یقین را در دلم و اخلاص را در کردارم و سلامتی را در بدنم و گستردگی را در روزی‌ام قرار ده و مرا برای همیشه تا وقتی که مرا زنده نگاه داشته‌ای، شکرگزار خودت قرار ده.»

در بسیاری از روایات باب هجدهم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت هشتاد و ششم از باب سی وپنجم از باب‌های نماز جمعه فرموده خداوند تعالی که: «آیا بندهٔ مؤمنی که روزی بر او تنگ شده باشد نیست که پیش از طلوع سپیده دم از من درخواست افزایش روزی کند تا من روزی او را زیاد و گسترده نمایم؟»

و در روایت هشتاد و چهارم فرموده امامﷺ که: «...آیا درخواست کننده‌ای هست تا به او ببخشم.»

و در روایات باب پنجم از باب‌های نماز حاجت‌ها و باب ششم و هفتم آنچه مناسب آن است.

وفي رواية الجعفريات (۲۲) من باب (۳۲) الصدقة المندوبة ليلاً من أبواب ما يتأكد استحبابه من الحقوق قوله ﷺ وصلة الرحم تنفي الفقر **وفي** رواية مسعدة (۲۳) مثله **وفي** أحاديث باب (۴۲) حكم النهر السائل ما يناسب ذلك **وفي** رواية الوليد (۳۶) من هذا الباب قوله ﷺ احدهم رجل كان له مال فانفقه في وجهه ثمّ قال ياربّ ارزقني فيقول الرّبّ الم ارزقك ورجل جلس في بيته ولايسعىٰ في طلب الرزق ويقول يارب ارزقني فيقول الرّبّ عزّ وجلّ ألم أجعل لك سبيلاً الخ **وفي** أحاديث باب (۱) تحريم الاستكبار عن الدعاء ما يدلّ على ذلك بعمومه واطلاقه وفي رواية أبي بصير (۲۱) من باب (۵) ما ورد في رفع اليدين بالدعاء قوله ﷺ وأمّا الدعاء في الرزق فتبسط كفّيك وتفضي بباطنهما إلى السماء.

وفي رواية مفضّل (۸) من باب (۱۴) استحباب الإلحاح في الدعاء قوله ﷺ لولا إلحاح المؤمنين علىٰ اللّه في طلب الرزق لينقلهم من الحال التي هم فيها إلى حال اضيق منها **وفي** أحاديث باب (۲۱) انّ الدعاء يستجاب في السَحَر **وباب** (۳۳) من لا يستجاب دعائه ما يناسب الباب.

وفي رواية ابن مسلم (۲) من باب (۳۹) ما ورد في الدعاء بقوله اللّهمّ اجعلني ممّن تنتصر به لدينك قوله ﷺ اللّهمّ اوسع عليّ في رزقي.

وفي رواية سعيد (۸) من باب (۱۵) اكثار الحمد عند تظاهر النِّعم من أبواب الذكر قوله ﷺ وإذا أبطأت الارزاق عليك فاستغفر اللّه يوسّع عليك فيها **وفي** رواية عبدالعزيز (۶) من باب (۲۳) ما ورد في ثواب لا حول ولا قوّة إلّا باللّه قوله ﷺ وإذا استبطأ الرزق فليستغفر اللّه **وفي** رواية داود (۱۲) والسكوني (۱۳) نحوه.

وفي أحاديث باب (۱) ما ورد في طلب الرزق وتركه من أبواب طلب الرزق ما يدلّ علىٰ ذلك وفىٰ غير واحد من أحاديث باب (۶) ما ورد من الدعاء فى طلب الرزق ما يدلّ على ذلك **وفي** رواية حنّان (۱) من باب (۵) استحباب الدعاء بالمأثور عند دخول السوق من أبواب ما يستحب للتاجر قوله ﷺ اللّهمّ انّي اسألك من فضلك رزقاً حلالاً طيّباً.

و در روایت بیست و دوم از باب سی و دوم از باب‌های آنچه بر استحباب حقوق تاکید دارد فرموده امامﷺ که: «و صلهٔ رحم فقر را می‌زداید.»

و در روایت بیست و سوم مانند آن.

و در روایت سی و ششم از همین باب فرموده امامﷺ که: «...یکی از آن‌ها انسانی است که مالی دارد و آن را در راه مورد علاقه‌اش [بی حدّ و اندازه] خرج می‌کند، بعد می‌گوید: پروردگارا! به من روزی ده.

پروردگار گوید: مگر من به تو روزی ندادم؟

و مردی که در خانه بنشیند و بگوید: ای پروردگار! مرا روزی بخش.

پس پروردگار عزیز جلیل می‌فرماید: مگر من به روی تو راه تحصیل روزی را باز نگذاشته‌ام؟»

و در روایات باب یکم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت بیست و یکم از باب پنجم فرموده امامﷺ که: «امّا دعا برای روزی پس دو دست خود را دراز می‌کنی و کف دست‌ها را به آسمان می‌گیری.»

و در روایت هشتم از باب چهاردهم فرموده امامﷺ که: «اگر مؤمنان در طلب روزی پیش خدا اصرار نمی‌ورزیدند خداوند آن‌ها را از حال موجود به حال دست‌تنگ‌تری منتقل می‌کرد.»

و در روایات باب بیست و یکم و سی و سوم آنچه مناسب آن هست.

و در روایت دوم از باب سی و نهم این گفته که: «خداوندا! روزی مرا فراخ گردان.»

و در روایت هشتم از باب پانزدهم از باب‌های ذکر فرموده امامﷺ که: «... و چون روزی دیر به سراغ تو آید پس از خداوند طلب آمرزش کن، خداوند روزی‌ات را گسترده نماید.»

و در روایت ششم از باب بیست و سوم فرموده امامﷺ که: «چون روزی به تأخیر افتاد باید استغفار کرد و از خداوند طلب آمرزش نمود.»

و در روایات دوازدهم و سیزدهم مانند آن.

و در روایات یکم از باب‌های طلب روزی و روایات باب ششم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت یکم از باب پنجم از باب‌های آنچه برای تاجر مستحب است فرموده امامﷺ که: «خداوندا! از فضل تو روزی حلال پاکی درخواست می‌کنم.»

وفي رواية عمران (۱) من باب (۶) الإشهاد علیٰ الَّديْن من أبـوابـه قـوله؛ اربـعة لا تستجاب لهم دعوة احدهم رجل كان له مال فأدانه بغير بيّنة يقول اللّه عزّ وجلّ ألم آمرك بالشهادة.

وفي رواية محمد بن حمّاد (۲۲) من باب (۱) ما ورد في ان اللّه تعالى يبغض الطلاق من أبواب الطلاق قوله؛ خمسة لا يستجاب لهم (إلى ان قال) ورجل جلس في بيته وقال اللّهمّ ارزقني ولم يطلب.

(۳۳)

باب ما ورد فيمن لا يُستجاب دعائه

۱۰۷۳ ۲٦٦٣٤ (۱) **كافي** ۵۱۱/۲: أبو علي الاشعريّ عن محمد بن عبدالجـبّار عـن ابـن فـضّال عـن عبداللّه بن إبراهيم عن جعفر بن إبراهيم عن أبي عبداللّه؛ قال أربعة لا تستجاب لهم دعوة رجل جالس في بيته.

يقول اللّهمّ ارزقني فيقال له أَلَم آمرك بالطلب ورجل كانت له امرأة فدعا عليها.

فيقال له أَلَم اجعل امرها اليك ورجل كان له مال فأفسده.

فيقول اللّهمّ ارزقني فيقال له أَلَم آمرك بالاقتصاد أَلَم آمرك بالاصلاح.

ثمّ قال ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَلَمْ يَقْتُرُواْ وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا﴾ ورجل كان له مال فأدانه بغير بيّنه.

فيقال له أَلَم آمرك بالشهادة محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن عمران بن أبي عاصم عن أبي عبداللّه؛ مثله **مستدرك** ۲۵۳/۵: القـطب **الراونـدي فـي** دعواته قال قال الصادق؛ اربعة لا يستجاب لهم (وذكر نحوه).

و در روایت یکم از باب ششم از باب‌های بدهی فرموده امامعليه السلام که: «چهار شخص دعای‌شان مستجاب نگردد: یکی کسی که مال خود را بدون اینکه شاهدی بگیرد به قرض دهد [سپس او انکار کند] خداوند عزیز و جلیل می‌گوید: آیا من به تو نگفته بودم که [وقتی قرض می‌دهی] شاهد بگیر.»[۱]

و در روایت بیست و دوم از باب یکم از باب‌های طلاق فرموده امامعليه السلام که: «پنج شخص است که دعای‌شان مستجاب نگردد، (تا اینکه فرمود:) و مردی که در خانه‌اش راحت بنشیند و بگوید: خدایا! به من روزی بده ولی عملاً به دنبال روزی نرود.»

باب ۳۳

کسانی که دعایشان مستجاب نمی‌شود

۱۰۷۳ (۱) جعفر بن ابراهیم از امام صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «چهار نفر دعای‌شان مستجاب نگردد: [۱ـ] مردی که در خانه نشسته می‌گوید: خدایا! روزی مرا برسان. به او گفته شود: آیا تو را به دنبال روزی رفتن [و کسب و کار] امر نکرده‌ام؟

[۲ـ] و مردی که زن [بدی] دارد و او را نفرین می‌کند، پس به او گفته شود: آیا امر او را در اختیار تو قرار نداده‌ام؟ [اگر زن بدی است می‌توانی طلاقش دهی].

[۳ـ] و مردی که دارای مال و ثروت است ولی آن را تباه می‌کند و پس از آن [تهیدست می‌گردد] و می‌گوید: خداوندا! به من روزی ده. پس به او گفته شود: آیا تو را به اعتدال و میانه‌روی در خرج کردن فرمان نداده بودم؟ و آیا تو را به اصلاح مال و به کارگیری درست آن امر نکرده بودم؟ سپس خداوند خود فرموده است: «**و [بندگان واقعی خداوند] کسانی هستند که وقتی خرج و صرف می‌کنند نه زیاده روی می‌کنند و نه خساست به خرج می‌دهند بلکه در میانهٔ آن دو، راه اعتدال و استواری را در پیش گرفته‌اند.**»

[۴ـ] و مردی که دارای مالی است و آن را بدون شاهد، قرض می‌دهد [و شخص بدهکار بعدها انکار می‌کند] پس به او گفته شود: آیا تو را به گرفتن شاهد، دستور نداده بودم؟»

---

۱. اشاره است به آیه دوم سوره بقره که بزرگترین آیهٔ قرآن است که در آن آیه خدا فرموده: «وقتی قرض می‌دهید آن را بنویسید و دو شاهد بر آن بگیرید.

١٠٧٤ ٢٦٦٣٥ (٢) **كافي** ٢ / ٥١٠: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن حسين بن مختار عن **الوليد** بن صبيح عن أبي عبدالله عليه السلام قال صحبته بين مكّة والمدينة فجاء سائل فأمر ان يعطى ثمّ جاء آخر فأمر أن يعطىٰ ثمّ جاء آخر فأمر أن يعطىٰ ثـم جـاء الرابـع فـقال أبـو عبدالله عليه السلام يشبعك الله.

ثمّ التفت الينا فقال أما أنّ عندنا ما نعطيه ولكن أخشى ان نكون كأحد الثلاثة الذين لا يستجاب لهم دعوة رجل اعطاه الله مالاً فأنفقه في غير حقّه ثمّ قـال اللّـهمّ ارزقـني فـلا يستجاب له ورجل يدعو على امرأته ان يريحه منها وقد جعل الله عزّ وجلّ امـرها إليـه ورجل يدعو على جاره وقد جعل الله عزّ وجلّ له السبيل إلى ان يتحوّل عن جواره ويبيع داره **وتقدّم** في رواية الوليد بن صبيح (٣٦) من باب (٤٢) نهر السائل من أبواب ما يتأكد استحبابه من الحقوق ـ ج ٩ ـ نحوه.

١٠٧٥ ٢٦٦٣٦ (٣) **قرب الإسناد** ٧٩: هارون بن مسلم عن مسعدة بن زياد عن **جعفر** عن آبـائه عليهم السلام انّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال اصناف لا يستجاب لهم منهم من أدان رجلاً دَيناً إلى أجل فلم يكتب عليه كتاباً ولم يشهد عليه شهوداً ورجل يدعو علىٰ ذي رحم ورجل تؤذيه امرأته بكلّ ما يـقدر عليه وهو في ذلك يدعو الله عليها.

ويقول اللّهمّ أرحني منها فهذا يقول الله له عبدي أوما قلّدتك أمْرَها فان شئت خـلّيتها وإن شئت أمسكتها ورجل رزقه الله تبارك وتعالى مالاً.

ثمّ أنفقه في البرّ والتقوى فلم يبق له منه شيء وهو في ذلك يدعو الله أن يرزقه فهذا.

يقول له الرّبّ تبارك وتعالى أولم أرزقك وأُغنيك أفلا اقتصدت ولم تسرف انّي لا أُحبّ المسرفين ورجل قاعد في بيته وهو يدعو الله أن يرزقه (و ـ خ) لايخرج ولا يـطلب مـن فضل الله كما أمَرَه الله هذا.

(۲) ولید بن صبیح از امام صادق‌ؑ روایت کرده که: «من در مسیر بین مکّه و مدینه همراه با حضرت بودم پس سائل آمد، حضرت امر کرد تا چیزی به او داده شود، پس سائل دوّمی آمد و حضرت امر فرمودند تا چیزی به او داده شود، مدّتی بعد سائل سوّمی آمد، باز حضرت دستور فرمودند تا به او چیزی عطا شود تا اینکه سائل چهارمی آمد امام صادق‌ؑ به آن سائل فرمود: خداوند تو را سیر کند. ۱۰۷۴

وانگهی رو به ما کرد و فرمود: ما هنوز مالی داریم که به او بدهیم ولی می‌ترسم جزو یکی از سه شخصی شویم که دعای‌شان مستجاب نمی‌شود: یکی آن کس که خداوند به او مال و ثروتی دهد و او آن را در راه ناحق خرج کند سپس بگوید: خدایا! به من روزی ده و دعایش مستجاب نگردد. دیگر مردی که زنش را نفرین کند و از خدا بخواهد که او را از دست آن، آسوده گرداند با اینکه خداوند اختیار زندگی کردن و نکردن با او را در دست مرد قرار داده است. سوّم مردی که همسایه‌اش را نفرین کند با وجود اینکه خداوندﷻ این امکان را به او داده است که خانه‌اش را بفروشد و از همسایگی او بیرون آمده به جای دیگری منتقل گردد.»

(۳) مسعدة بن زیاد از امام صادق‌ؑ و او از پدران بزرگوارش روایت کرده که حضرت رسول خداﷺ فرمود: چند طایفه دعای‌شان مستجاب نگردد: از آن جمله است کسی که مالی را به مردی تا مدّت معیّنی قرض دهد بدون اینکه نوشته‌ای از او بگیرد یا شاهدی بخواهد و شخصی که خویشاوند خود را نفرین کند و [سوّم] مردی که زنش او را آنچه که می‌تواند آزار می‌دهد و آن مرد نفرین می‌کند و گوید: خداوندا! مرا از دست این زن آسوده گردان، اینجا هم خداوند می‌گوید: بندهٔ من آیا مگر من اختیار او را [و طلاق او را] در دست تو قرار نداده‌ام؟ پس اگر می‌خواهی، او را رها کن و اگر می‌خواهی، او را نگه دار. ۱۰۷۵

و مردی که خداوند تبارک و تعالی به او مالی ارزانی داشته و او همهٔ این مال را در راه احسان و تقویٰ خرج می‌کند به گونه‌ای که مالی برایش نمی‌ماند. آنگاه این شخص به دعا می‌ایستد تا خداوند به او روزی دهد.

پروردگار تبارک و تعالی به او می‌فرماید: آیا مگر به تو روزی ندادم و تو را بی نیاز نکردم؟ پس چرا پا از اعتدال بیرون نهادی و اسراف و زیاده‌روی نمودی و من اسراف‌کنندگان را دوست ندارم و مردی که در خانه نشیند و دعا کند که خداوند به او رزق و روزی رساند و از خانه بیرون نمی‌آید و از فضل الهی همانطور که خدا او را فرمان داده، جستجو نمی‌کند.

يقول اللّه له عبدي اني لم أحضر عليك الدنيا ولم أرمك في جوارحك وأرضي واسعة فلا تخرج ولا تطلب الرزق فإن حرمتك عذرتك وإن رزقتك فهو الذي تريد.

۱۰۷٦ ۳٦٦۳۷ (۴) **السرائر ۴۹۰**: ومن ذلك ما استطرفناه من كتاب عبداللّه بن بكير بن أعين عنه عن بعض أصحابنا عن **عمر** بن يزيد قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام رجل قال لأقعدنّ في بيتي ولأُصلّينّ ولأَصومنّ ولأَعْبُدنَّ ربّي وأمّا رزقي فيأتيني.

فقال هذا أحد الثلاثة الّذين لايستجاب لهم.

قلت: ومَنِ الإثنان الآخران؟

قال: رجل له امرأة يدعو أنْ يُريحه اللّه منها ويفرّق بينه (وبينها ـ خ).

فيقال له أمرها بيدك فخلّ سبيلها ورجل كان له حقّ على إنسان لم يشهد عليه فيدعو اللّه أن يردّ عليه.

فيقال له قد أمرتك أن تشهد عليه وتستوثق عليه فلم تفعل.

۱۰۷۷ ۳٦٦۳۸ (۵) **أمالي الشيخ ٦۷۹**: حدثنا الشيخ أبوجعفر محمد بن الحسن بن عليّ بن الحسن الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الحسين بن إبراهيم القزويني قال أخبرنا محمد بن وهبان قال حدثنا أبو عيسى محمد بن إسماعيل بن حيّان الورّاق قال حدثنا أبو جعفر محمد بن الحسين بن الحفص الخثعمي الأسدي قال حدثنا أبو سعيد عباد بن يعقوب الأسدي عن **خلاّد** عن رجل قال كنّا جلوساً عند جعفر عليه السلام فجاءه سائل فأعطاه درهماً ثمّ جاء آخر فأعطاه درهماً.

ثمّ جاء آخر فأعطاه درهماً ثم جاء الرّابع فقال له يرزقك ربّك ثمّ أقبل علينا فقال لو أنّ أحدكم كان عنده عشرون ألف درهم وأراد أن يخرجها في هذا الوجه لأخرجها ثمّ بقي ليس عنده شيء ثمّ كان من الثلاثة الذين دعوا فلم تستجب لهم دعوة رجل آتاه اللّه مالاً فمزّقه ولم يحفظه فدعا اللّه أن يرزقه فقال أَلَمْ أرزقك فلم يستجب له دعوة وردّت عليه.

ورجل جلس في بيته يسأل اللّه أن يرزقه فقال أَلَمْ أجعل لك طلب الرزق سبيلاً أن تسير في الأرض وتبتغي من فضلي فَرُدّت عليه دعوته.

خداوند گوید: بندهٔ من! من دنیا را بر تو حرام نکردم و اعضاء و جوارحت را عاجز و ناقص نیافریدم و زمین من هم گسترده است. پس چرا بیرون نمی‌آیی و دنبال کار درآمدزایی نمی‌روی؟

پس با این حال اگر من تو را محروم کنم، عذرم موجّه است و اگر هم به تو روزی دهم این همان چیزی است که تو می‌خواهی.»

۱۰۷۶ (۴) عمر بن یزید گوید: «به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مردی در خانه نشسته و مشغول نماز و روزه شده و می‌گوید: من به عبادت خدا می‌پردازم و رزق و روزی‌ام خودش می‌آید.

حضرت فرمود: این یکی از همان سه نفری است که دعای‌شان مستجاب نمی‌شود.

به حضرت عرض کردم آن دو تای دیگر کیانند؟

فرمود: مردی که زنی دارد و دعا می‌کند که خداوند او را از دست آن زن آسوده گرداند و میان‌شان جدایی افکند. پس به این چنین مردی گفته شود که اختیار [زندگی کردن و نکردن با] این زن در دست توست. پس او را رها کن و مردی که از کسی طلبی دارد و شاهدی بر آن نگرفته [و اگر او انکار کند] پس این شخص دعا می‌کند تا خدا آن مال را به او برگرداند پس به او هم گفته می‌شود: من به تو دستور دادم که بر آن، شاهد بگیری و وثیقه‌ای بگیری و تو گوش ندادی.»

۱۰۷۷ (۵) خلّاد به نقل از مردی گفته: «ما در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودیم پس سائلی آمد حضرت به او درهمی داد سپس سائل دیگری آمد به آن هم حضرت یک درهم داد که سوّمی آمد و حضرت به او نیز درهمی داد پس سائل چهارمی آمد حضرت به او فرمود: پروردگارت تو را روزی دهد.

آنگاه حضرت رو به ما کرد و فرمود: اگر یکی از شما بیست هزار درهم پول داشته باشد و همهٔ آن را در همین راه [فقرا و مستمندان] خرج کند به گونه‌ای که برای خودش چیزی باقی نگذارد، جزو آن سه نفری می‌شود که دعا می‌کنند ولی دعای آن‌ها مستجاب نمی‌شود: یکی مردی که خداوند او را مال و ثروتی داده ولی او آن مال را پاره پاره کرده [و هر پاره‌ای را در راهی خرج کرده] و از او نگهداری به عمل نیاورده است. در نتیجه هر چه دعا می‌کند که خدا به او رزق و روزی دهد، خبری از استجابت دعا و روزی نخواهد بود چون خداوند می‌فرماید: آیا من به تو روزی ندادم [چه کار کردی؟] پس دعایش مستجاب نشده و دعایش به خودش برگردانده شود.

و دوّم مردی که در خانه بنشیند و از خدا روزی بخواهد، خداوند به او گوید: آیا مگر راه تحصیل روزی را به روی تو باز نگذاشته‌ام که روی زمین بگردی و از فضل من بجویی، این هم دعایش به خودش برگشت می‌خورد.»

١٠٧٨ ٢٦٦٣٩ (۶) وفيه ۶٧٩ بهذا الاسناد عن **خلاّد** عن جعفر بن محمّد عليهما السلام قال قال رجل ياجعفر الرّجل يكون له مال فيضيّعه فيذهب قال احتفظ بمالك فانّه قوام دينك ثمّ قرأ ﴿وَلَا تُؤْتُوا۟ ٱلسُّفَهَآءَ أَمْوَٰلَكُمُ ٱلَّتِى جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ قِيَـٰمًا﴾.

١٠٧٩ ٢٦٦٤٠ (٧) **مستدرك ٢٥٧/٢**: السيّد عليّ بن طاووس في فلاح السائل عن تاريخ الخطيب قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله سألت اللّه أن لا يستجيب دعاء حبيب علىٰ حبيبه.

١٠٨٠ ٢٦٦٤١ (٨) **مستدرك ٢٥٣/٥**: **زيد** النرسي في أصله قال سمعت أبا الحسن موسى عليه السلام يقول: قال أبي جعفرٌ عليه السلام يا بنيّ انّ من أئتمن شارب الخمر على أمانة فلم يؤدّها إليه لم يكن له على اللّه ضمان ولا أجر ولا خلف ثمّ إن ذهب ليدعو اللّه لم يستجب اللّه دعائه.

١٠٨١ ٢٦٦٤١ (٩) **ارشاد الديلمي ١٧٤**: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من زوّج كريمته بفاسق نزل عليه كلّ يوم ألف لعنة ولا يصعد له عمل إلى السماء ولايستجاب له دعائه ولايقبل منه صرف ولا عدل.

وتقدّم في رواية زرارة (٢٩) من باب (٧) ما ورد في انّ الحجّ أفضل من العتق قوله عليه السلام الداعي بلا عمل كالرامي بلا وتر.

ويأتي في رواية مسعدة (١۴) من باب ما ورد في جمع المال من الحلال من أبواب طلب الرّزق قوله عليه السلام جاء عن النبي صلى الله عليه وآله انّ أصنافاً من اُمّتي لايستجاب لهم دعائهم رجل يدعو على والديه ورجل يدعو على غريم ذهب له بمال فلم يكتب عليه ولم يشهد عليه.

۱۰۷۸ (۶) خلّاد از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که: «مردی به حضرت عرض کرد: ای جعفر! انسان مالی دارد ولی آن را ضایع می‌کند و از دستش می‌رود، [آیا این کار، درست است؟] حضرت فرمود: در نگهداری از مالت بکوش چرا که مال، موجب بقاء دین تو است.

آنگاه حضرت این آیهٔ شریفه را تلاوت فرمود: **«مال‌های خود را در اختیار سفیهان و کم خردان قرار ندهید، اموالی که خداوند آن را وسیلهٔ سرپا ماندن شما قرار داده است.»**[1]

۱۰۷۹ (۷) ابن طاووس در کتاب فلاح السائل از رسول گرامی اسلامﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «از خدا خواسته‌ام که نفرین دوست را در حق دوستش مستجاب نگرداند.»

۱۰۸۰ (۸) زید نرسی در اصل خود نقل کرده که: «از امام موسی بن جعفرؑ شنیدم که فرمود: پدرم امام جعفر صادقؑ به من گفت: ای پسر عزیزم! اگر کسی شرابخوار را بر امانتی، امین دانست [و امانت را به دست او سپرد] و او امانت را به آن شخص برنگرداند از طرف خدا برای این امانت‌گذار هیچ تضمینی وجود ندارد و پاداشی هم نخواهد داشت و جای آن مال به هدر رفته هم، پُر نمی‌شود آنگاه هر چه این شخص دعا کند و شرابخوار را نفرین نماید، مستجاب نخواهد شد.»

۱۰۸۱ (۹) در کتاب ارشاد القلوب دیلمیؒ از پیامبر خداﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس دختر نجیب خود را به فاسق بی بند و بار به همسری دهد، روزی هزار لعن و نفرین بر او فرود آید و هیچ عمل صالحی برایش به آسمان بالا نرود و دعایش مستجاب نگردد و هیچ خرج و انفاق و رعایت عدالتی از او پذیرفته نخواهد شد.

ارجاعات

گذشت:

در روایت بیست و نهم از باب هفتم فرموده امامؑ که: «دعا کنندهٔ بدون عمل مثل تیرانداز بدون زِهِ کمان است.»

می‌آید:

در روایت چهاردهم از باب‌های طلب روزی فرموده امامؑ که: «خبری از پیامبرﷺ رسیده است که چند طایفه از امّت من دعای‌شان مستجاب نمی‌شود: یکی دعای کسی که پدر و مادر خودش را نفرین کند مردی که نفرین می‌کند بدهکاری را که مال او را خورده و او نه مدرک مکتوبی از او گرفته و نه شاهدی گرفته،

---

۱. نساء ۵/۴.

ورجل يدعو على امرأته وقد جعل اللّه عزّ وجلّ تخلية سبيلها بيده ورجل يقعد في بيته ويقول ربّ ارزقني ولا يخرج ولا يطلب الرزق فيقول اللّه عزّ وجلّ له عبدي ألم أجعل لك السبيل إلى الطلب والضرب في الأرض بجوارح صحيحة فتكون قد أعذرت فيما بيني وبينك في الطلب لاتّباع أمري ولكيلا تكون كلاً على أهلك فإن شئت رزقتك وإن شئت قتّرت عليك وأنت غير معذوري عندي.

ورجل رزقه اللّه مالاً كثيراً فأنفقه ثمّ أقبل يدعو ياربّ ارزقني فيقول اللّه عزّ وجلّ ألم أرزقك رزقاً واسعاً فهلا اقتصدت فيه كما أمرتك ولم تسرف وقد نهيتك عن الاسراف ورجل يدعو في قطيعة رحم. **وفي** رواية نوف (٨) من باب (٢١) تحريم لستعمال الملاهي من أبواب ما يكتسب به قوله تعالى لعيسى عليه السلام وقل لهم اعملوا انّي غير مستجيب لأحد منكم دعوة ولأحد من خلقي قبله مظلمة (إلى أن قال) فانّ النبيّ صلى الله عليه وآله خرج ذات ليلة فنظر إلى السماء فقال انّها الساعة الّتي لا تردّ فيها دعوة إلّا دعوة عرّيف أو دعوة شاعر أو دعوة عاشر أو شرطيّ أو صاحب عرطبة أو صاحب كوبة. **وفي** أحاديث باب (۶) الإشهاد على الدَّيْنِ من أبوابه ما يدلّ على ذلك وكذا في أحاديث باب (١) ما ورد في انّ اللّه تعالىٰ يبغض الطلاق من أبوابه.

(٣۴)

باب كراهة الإكثار من الدّعاء على الظّالم وسبّ الملوك وتحريم الدّعاء بغير الحقّ

١٠٨٢ ٢٦٦٤٢ (١) **كافي** ٣٣٣/٢: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد الثواب ٣٢٣: أبي عليه السلام قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن **هشام** بن سالم قال سمعت أبا عبداللّه عليه السلام يقول انّ العبد ليكون مظلوماً فلا[١] يزال يدعو حتّى يكون ظالماً.

١٠٨٣ ٢٦٦٤٣ (٢) **مستدرك** ٢٥٧/٥: ابن أبي جمهور في دررالليآلي عن عبادة بن الصامت أنّ النّبيّ صلى الله عليه وآله قال ما على الأرض من رجل مسلم يدعو اللّه بدعوة إلّا آتاه اللّه إيّاها وكفّ عنه من السوء مثلها ما لم يدع بإثم أو قطيعة.

---

١. فما ـ كافي.

مردی که زن خود را نفرین می‌کند با اینکه خدایﷻ رها کردن و طلاق دادن زن را در اختیار او قرار داده است، مردی که در خانه‌اش نشیند و پیوسته بگوید پروردگارا! به من رزق و روزی بـرسان و از خانه پا به بیرون ننهد و دنبال کسب روزی نرود، پس خداوند عزیز و جلیل به او می‌گوید: بندهٔ من مگر من راه جستجو کردن و گشتن روی زمین را به روی تو باز نگذاشته‌ام؟ و آیا اعضا و جوارح سالم به تو ندادم پس من جای هیچ عذر و بهانه‌ای را در جستجوی روزی برای تو باقی نگذاشته‌ام پس از فرمان من پیروی کن [و دنبال کسب و کار برو] و سرباری برای خانواده‌ات مباش. آنگـاه اگـر مـن خواستم، به تو روزی می‌دهم و اگر خواستم بر تو تنگ می‌گیرم و در هر حال نزد من معذور نیستی که از بار مسئولیّت کار و اشتغال، شانه خالی کنی.

و مردی که خداوند او را مال زیادی مرحمت فرموده و او همه را خرج کرده آنگاه به دعـا روی می‌آورد که ای پروردگار! روزی ده مرا، پس خداوندﷻ به او می‌گوید: آیا روزی گسترده‌ای به تو ندادم؟ چرا در آن اعتدال را رعایت نکردی همان گونه که به تو دستور داده بودم و چرا اسراف کردی با اینکه تو را از اسراف نهی کرده بودم و مردی که در قطع رحم دعا کند و خویشاوندان خویش را نفرین نماید.

و در روایت هشتم از باب بیست و یکم از باب‌های مایکتسب به فرموده خداوند تعالی به حضرت عیسیﷺ که: «به امّت بگو: بدانید که من دعای کسی را که حق مظلومی بر گردن اوست اجـابت نکنم (تا آنجا که حضرت فرمود:) شبی پیامبرﷺ از خانه بیرون آمد و به آسمان نگاه کرد و فرمود: این زمان، ساعتی است که دعایی برگشت نخواهد خورد مگر دعای جاسوس، دعای شاعر [گزافه گوی]، دعای گمرک چی، باجگیر، دعای شب گرد و دعای کسی که صاحب طبل و طنبور [و آلات ساز و آواز و لهو و لعب] است.»

و در روایت باب ششم و روایات باب یکم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۳۴

حرمت نفرین به ناحق

۱۰۸۲ (۱) هشام بن سالم از حضرت صادقﷺ روایت کرده که: «شـنیدم از امـام صـادقﷺ کـه فـرمود: بنده‌ای مظلوم است ولی پیوسته آنقدر نفرین می‌کند تا ظالم می‌شود.»

۱۰۸۳ (۲) عبادة بن صامت از حضرت محمّدﷺ روایت کرده که آن حـضرت فـرمود: «هـیچ مسـلمانی نیست که از خداوند با دعا چیزی بخواهد مگر اینکه خداوند خواستهٔ او را به او بدهد و به همان اندازه هم بدی و بلا را از او باز دارد در صورتی که خواسته‌اش گناه یا قطع رحم نباشد.»

۱۰۸٤ ۲٦٦٤٤ (۳) **المحاسن** ۱۱۷: البرقي في رواية **أبي حمزة** عن أبي جعفر عليه السلام يقول قال اللّـه عـزّ وجلّ أيّ قوم عصوني جعلت الملوك عليهم نقمة ألا لا تولعوا بسبّ الملوك توبوا إلى اللّه عزّ وجلّ يعطف بقلوبهم عليكم.

۱۰۸٥ ۲٦٦٤٥ (٤) **أمالي الصدوق** ۲۹۹: حدثنا محمد بن أحمد السناني قال حدثنا محمد بـن جـعفر الكوفي الأسدي قال حدثنا محمد بن إسماعيل البرمكيّ عن عبداللّه بن أحمد عـن أبـي أحمد الأزديّ عن عبداللّه بن جندب عن **أبي عمر العجمي** عن الصادق جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه عن علي بن أبى طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال اللّه جلّ جلاله أنا اللّه لا إله إلّا أنا خلقت الملوك وقلوبهم بيدي فأيّما قوم أطاعوني جعلت قلوب المـلوك عـليهم رحمة وأيّما قوم عصوني جعلت قلوب الملوك عليهم سخطة ألا لا تشغلوا أنـفسكم بسبّ الملوك توبوا إليّ أعطف قلوبهم عليكم.

وتقدّم في رواية عدّة الداعي (۱٦) من باب (۱) حرمة الاستكبار عن الدعاء قوله عليه السلام ما من مؤمن (مسلم خ) دعا اللّه سبحانه دعوة ليس فيها قطيعة رحم ولا إثـم إلّا أعـطاه اللّـه إحدى خصال ثلاث الخ.

وفي رواية عدة الداعي (۱۷) قوله وامّا أن يكفّر عنه من ذنوبه بقدر ما دعا ما لم يـدع بمأثم.

وفـي حديث الاربعمائة (۱۷) من باب (۸) تقديم تمجيد اللّه على الدعاء قـوله عليه السلام يـا صاحب الدعاء لاتسأل عمّا لايكون ولايحلّ.

وفي رواية ثوير (۲۹) من باب (۲۷) ما ورد في انّ دعوة المظلوم مستجابة قوله عليه السلام انّ الملائكة إذا سمعوا (المؤمن) يذكر أخاه بسوء ويدعو عليه قالوا له بئس الأخ أنت لأخيك كفّ أيّها المستّر على ذنوبه وعورته إلخ.

وفي رواية مسعدة (٥) من باب (۳۳) من لايستجاب دعائه قوله عليه السلام أصناف لايستجاب لهم رجل يدعو على ذي رحم ولاحظ ساير أحاديث الباب.

(۳) ابوحمزه از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که فرمود: «خداوند عزیز و جلیل فرموده: هر ملّتی که معصیت کنند و از فرمان من سرپیچی نمایند من پادشاهان را وسیلهٔ عذاب آن‌ها قرار می‌دهم. آگاه باشید به ناسزاگویی پادشاهان حریص نباشید و توبه کنید و به سوی خداوند عزیز و بزرگ بازگردید خداوند دل‌های آنان را به شما مهربان می‌کند.» ۱۰۸۴

(۴) ابوعمر عجمی از امام صادقعليه السلام و او از پدر بزرگوارشان و او از پدرانش و آن‌ها از علی بن ابی طالبعليه السلام روایت کرده‌اند که آن امام همام فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: خداوندا! جلالت صفات فرمود: من خدا هستم، معبودی جز من نیست من پادشاهان را آفریده‌ام و دل‌های آنان در دست من است پس هر ملّتی که از من اطاعت کند دل‌های پادشاهان را با آن‌ها مهربان می‌کنم و هر ملّتی که مرا نافرمانی کند، دل‌های پادشاهان را بر آن‌ها خشمگین می‌کنم. آگاه باشید خودتان را به ناسزاگویی پادشاهان مشغول نکنید، توبه کنید و به سوی من باز گردید، من دل‌های آن‌ها را به شما مهربان خواهم کرد.» ۱۰۸۵

ارجاعات

گذشت:

در روایت شانزدهم از باب یکم فرموده امامعليه السلام که: «مؤمنی نیست که از خدا چیزی بخواهد و خواسته‌اش نه قطع رحم باشد و نه گناه، مگر اینکه خداوند یکی از این سه خوبی را به او عطا کند... تا آخر.»

و در روایت هفدهم این گفته که: «... و یا اینکه به مقداری که در دعا از خدا خواسته از گناهانش، بخشیده شود مادامی که خواسته‌اش گناه نباشد.»

و در روایت هفدهم از باب هشتم فرموده امامعليه السلام که: «ای دعا کننده! چیزی که شدنی نیست و یا حلال نیست از خدا نخواه.»

و در روایت بیست و نهم از باب بیست و هفتم فرموده امامعليه السلام که: «وقتی فرشتگان می‌شنوند که مؤمن برادر دینی خود را به بدی یاد می‌کند و او را نفرین می‌کند، به او گویند: بد برادری هستی تو برای برادرت، ای کسی که گناهان و عیوب خود را پوشانده‌ای دست بردار و بس کن.»

و در روایت پنجم از باب سی و سوم فرموده امامعليه السلام که: «چند طایفه‌اند که دعای‌شان مستجاب نگردد: یکی مردی که خویشاوند خویش را نفرین کند...»

و دیگر روایات باب را بنگر.

(۳۵)

باب ماورد في الدّعاء على العدوّ خصوصاً إذا أدبر وفي السجدة الأخيرة من الركعتين الأوّلتين من صلاة الليل

۱۰۸۶ ۲٦٦٤٦ (۱) **كافي** ۵۱۳/۲: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن ابن أبي نجران عن حمّاد بن عثمان عن **المسمعي** قال لما قتل داود بن علي المعلّى بن خُنيس قال أبو عبداللّه عليه السلام لأدعُونّ اللّه على من قتل مولاي وأخذ مالي.

فقال له داود بن علي انّك لتهدّدني بدعائك.

قال حمّاد قال المسمعي فحدثني معتب انّ أبا عبداللّه عليه السلام لم يزل ليلته راكعاً وساجداً.

فلمّا كان في السحر سمعته يقول وهو ساجد الّلهمّ انّي أسألك بقوّتك القويّة وجلالك الشديد الذي كلّ خلقك له ذليل أنْ تصلّي علىٰ محمّد وأهل بيته وأن تأخذه الساعة الساعة فما رفع رأسه حتّى سمعنا الصيحة في دار داود بن علي فرفع أبو عبداللّه عليه السلام رأسه.

وقال انّي دعوت اللّه بدعوة بعث اللّه عزّ وجلّ عليه ملكاً فضرب رأسه بمرزبة من حديد انشقت منها مثانته فمات.

۱۰۸۷ ۲٦٦٤۷ (۲) **رجال الكشي** ۳۷۷: حدّثني حمدويه بن نصير قال حدّثني العبيدي عن ابن أبي نجران عن حمّاد النّاب عن المسمعي قال لمّا أخذ داود بن علي المعلّى بن خنيس حبسه وأراد قتله فقال له معلّى اخرجني إلى الناس فإنّ لي دَيناً كثيراً ومالاً حتّى أشهد بذلك فأخرجه إلى السوق فلمّا اجتمع الناس.

قال يا أيُّها الناس أنا معلّى بن خنيس فمن عرفني فقد عرفني اشهدوا انّ ما تركت من مال عين أو دين أو أمة أو عبد أو دار أو قليل أو كثير فهو لجعفر بن محمد عليهما السلام قال فشدّ عليه صاحب شرطة داود فقتله.

باب ۳۵

چگونگی نفرین کردن به دشمن

۱۰۸۶ (۱) مسمعی از حضرت صادقﷺ روایت کرده که: «چون داود بن علی [والی ظالم مدینه] معلّی بن خُنَیس [یکی از اصحاب امام صادقﷺ] را کشت، امام صادقﷺ فرمود: البتّه قطعاً نفرین خواهم کرد کسی را که موالی مرا کشت و مال مرا ربود.

داود بن علی به امامﷺ گفت: تو مرا از نفرینت می‌ترسانی؟

مسمعی [که راوی این روایت است] می‌گوید: معتّب [که آن شب پیش امامﷺ بوده] گفت: پیوسته آن شب امام صادقﷺ در حال رکوع و سجود بود پس چون سحر شد، شنیدم که در سجده می‌گوید: خداوندا! از تو می‌خواهم با آن نیروی نیرومندت و جلالت و بزرگی فراوانت که همهٔ آفریدگانت در مقابل آن ذلیل و خوارند که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و همین الآن همین ساعت جان او را بگیری.[۱]

هنوز حضرت سر از سجده برنداشته بود که ما از خانهٔ داود بن علی صدای گریه و فریاد شنیدیم.

پس امام صادقﷺ سر از سجده برداشت و فرمود: من خدا را با دعایی خواندم که همان لحظه خداوند عزیز و جلیل فرشته‌ای را فرستاد که با گرزی آهنین چنان بر سر او کوبید که مثانه‌اش شکافت و به زندگی‌اش خاتمه داد.»

۱۰۸۷ (۲) مسمعی روایت کرده است که: «چون داود بن علی، معلّی بن خُنَیس را دستگیر کرد، او را زندانی کرد و تصمیم به قتل او گرفت. معلّی گفت: مرا به میان مردم ببر چون من زیاد قرض دارم و مال زیادی به گردن من است و می‌خواهم بر این دیون شاهد بگیرم.

پس او را به بازار آورد و چون مردم جمع شدند، صدا زد: ای مردم! من معلّی بن خنیس هستم هر کس مرا می‌شناسد که می‌شناسد، گواه باشید که هر مالی از من به جای ماند عین مال باشد یا طلب یا کنیز یا غلام یا خانه، کم باشد یا زیاد همه مال جعفر بن محمّدﷺ است. راوی گفت: پس پلیسی که همراه او بود بر معلّی سخت گرفت و او را به قتل رساند.

---

۱. داود بن علی از طرف ابوالعباس عبدالله سفّاح، فرماندار مدینه بود و دوران فرمانداری‌اش سه ماه بیشتر طول نکشید. روزی معلّی بن خنیس را فرا خواند و از او خواست تا شیعیان امام صادقﷺ را معرّفی کند. او گفت: اگر آن‌ها زیر قدم من پنهان بودند، من قدم از قدم بر نمی‌داشتم تا دیده شوند. پس آن ملعون دستور داد تا او را گردن زدند و بدنش را به دار آویختند و اموال امام صادقﷺ که پیش او بود بردند. (پاورقی همین روایت در اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۳).

قال فلمّا بلغ ذلك أبا عبداللّه عليه السلام خرج يجرّ ذيله حتّى دخل على داود بن على واسماعيل ابنه خلفه.

فقال يا داود قتلت مولاي وأخذت مالي.

قال ما أنا قتلته ولا أخذت مالك.

قال واللّه لأدعونّ اللّه علىٰ من قتل مولاي وأخذ مالي.

قال ما قتلته ولكن قتله صاحب شرطتي.

فقال باذنك أو بغير إذنك.

قال بغير إذني.

قال يا إسماعيل شأنك به.

قال فخرج إسماعيل والسيف معه حتّى قتله في مجلسه.

قال حمّاد وأخبرني المسمعي عن معتب.

قال فلم يزل أبو عبداللّه عليه السلام ليلته ساجداً وقائماً.

قال فسمعته في آخر الليل وهو ساجد ينادي اللّهمّ انّي أسألك بقوّتك القويّة وبمحالك الشّديد وبعزّتك الّتي خَلْقُكَ لها ذليل أن تصلّي علىٰ محمد وآل محمد وأن تأخذه الساعة قال فواللّه مارفع رأسه (وذكر نحوه).

۱۰۸۸ (۳) **المناقب** ۲۳۰/۴: روى الأعمش والرّبيع وابن سنان وعلي بن حمزة وحسين بن أبي
۲٦٦٤٨ العلاء وأبو المغرا و**أبوبصير** انّ داود بن علي بن عبداللّه بن العبّاس لما قتل المعلّى بن خنيس وأخذ ماله قال الصادق عليه السلام قتلت مولاي وأخذت مالي أما علمت أنّ الرّجل ينام على الثكل ولاينام على الحرب أما واللّه لأدعونّ اللّه عليك.

فقال له داود تهدّدنا بدعائك كالمستهزئ بقوله فرجع أبو عبداللّه إلى داره فلم يزل ليله كلّه قائماً وقاعداً فبعث إليه داود خمسة من الحرس وقال أيتوني به فان أبى فائتوني برأسه.

راوی گوید: چون این خبر به گوش امام صادقﷺ رسید، حضرت از خانه بیرون آمد و [از شدّت ناراحتی] عبای حضرت به زمین کشیده می‌شد تا اینکه پیش داود بن علی آمد و اسماعیل پسر امامﷺ پشت سر حضرت بود.

پس حضرت فرمود: ای داود! موالی و دوست مرا کشتی و مال مرا برداشتی. داود گفت: نه من او را کشته‌ام و نه مال تو را برداشته‌ام.

حضرت فرمود: به خدا قسم من کسی را که موالی مرا کشته و مال مرا گرفته، نزد خدا نفرین می‌کنم.

داود گفت: من او را نکشتم بلکه همین پلیس محافظِ من، او را کشت.

حضرت فرمود: آیا با اجازهٔ تو او را کشت یا بدون اجازهٔ تو او را کشت؟

داود گفت: بدون اجازهٔ من.

حضرت فرمود: ای اسماعیل! پس به حساب او برس.

اسماعیل با شمشیری که به همراه آورده بود در همان مجلس آن پلیس قاتل را کشت.

مسمعی که راوی این روایت است گفت: معتب که آن شب همراه با حضرت بوده گفت: آن شب پیوسته امام صادقﷺ در حال نماز بود و در آخر شب شنیدم که حضرت در حال سجده می‌گوید: خداوندا! به نیروی نیرومندت و به عقوبت سختت و به عزّتت که آفریدگانت همه در پیش آن خوار و ذلیلند از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و همین ساعت [جان] او را بگیری.

پس به خدا قسم که هنوز حضرت سر از سجده بلند نکرده بود که...»

دنبالهٔ روایت مانند روایت قبلی می‌باشد.

۱۰۸۸ (۳) ابوبصیر روایت کرده که: «چون داود بن علی بن عبدالله بن عبّاس، مُعلّی بن خُنَیس را به قتل رساند و مال او را به غارت برد، امام صادقﷺ گفت: موالی مرا کشتی و مال مرا ربودی! آیا نمی‌دانی که انسان با مصیبت از دست دادن فرزند، می‌خوابد ولی بر جنگ نمی‌خوابد.

بدان به خدا قسم که تو را نفرین خواهم کرد.

داود از روی استهزاء گفت: از نفرینت مرا می‌ترسانی؟

حضرت صادقﷺ به خانه‌اش برگشت و آن شب تا صبح نماز می‌خواند.

همان شب داود پنج پلیس فرستاد و به آن‌ها دستور داد که او [امام صادقﷺ] را پیش من بیاورید و اگر خودش نیامد، سر او را بیاورید.

فدخلوا عليه وهو يصلّي.

فقالوا له أجب داود.

قال فإن لم أجب.

قالوا أمرنا بأمر.

قال فانصرفوا فانّه خير لكم لدنياكم وآخرتكم فأبوا إلّا خروجه فرفع يديه فوضعهما على منكبيه ثمّ بسطهما.

ثمّ دعا بسبّابته فسمعناه يقول الساعة الساعة حتّى سمعنا صراخاً عالياً.

فقال لهم انّ صاحبكم قد مات فانصرفوا فسئل.

فقال بعث إليّ ليضرب عنقي فدعوت عليه بالإسم الأعظم فبعث اللّه إليه ملكاً بحربة فطعنه في مذاكيره فقتلته.

١٠٨٩ ٢٦٦٤٩ (۴) **مستدرك ٢٥٩/٥**: البرسي في المشارق عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام في حديث المعلّى انّه قال يا داود قتلت مولاي وكيلي وماكفاك القتل حتّى صلبته واللّه لأَدْعُونَّ اللّه عليك فيقتلك كما قتلته.

فقال له داود تهدّدني بدعائك ادع اللّه لك.

فاذا استجاب لك فادعه عليّ فخرج أبوعبداللّه عليه السلام مغضباً فلمّا جنّ الّليل اغتسل واستقبل القبلة.

ثمّ قال ياذا ياذي ياذوآت داود سهماً من سهام قهرك تبلبل به قلبه ثمّ قال لغلامه اخرج واسمع الصياح فجاء الخبر انّ داود قد هلك.

پس پلیس‌ها به خانهٔ حضرت ریختند دیدند نماز می‌خواند. به او گفتند: داود را اجابت کن. [او تو را احضار کرده است] حضرت فرمود: اگر اجابت نکنم؟

گفتند: در آن صورت فرمان دیگری به ما داده است [که تو را بکشیم.] حضرت فرمود: بروید و از این کار منصرف شوید که برای دنیا و آخرت‌تان بهتر است.

ولی آن‌ها جز به رفتن حضرت راضی نشدند. حضرت دو دست مبارک را بلند کرده بر روی شانه‌هایش گذاشت و سپس آن‌ها را دراز کرد و در حالی که با انگشت سبّابه‌اش اشاره می‌کرد دعا می‌خواند.

ما فقط شنیدیم که حضرت می‌گوید: همین ساعت، همین ساعت.

پس صدای ناله و فریاد بلندی به گوش رسید. حضرت به پلیس‌ها گفت: صاحب‌تان مُرد پس بروید.

از حضرت پرسیده شد که چه کردند؟

فرمود: او [افراد مسلّحی] فرستاد تا گردن مرا بزنند پس خدا را به اسم اعظمش خواندم و او را نفرین نمودم، پس خداوند فرشته‌ای همراه با نیزه‌ای فرستاد و آن فرشته با نیزه به ماتحتش زد و او را کشت.»

۱۰۸۹ (۴) ابوبصیر از حضرت صادق‌ؑ در رابطه با حکایت معلّی روایت کرده که: «حضرت فرمود: ای داود! تو مولیٰ و وکیل مرا کشتی و کشتن تو را بس نبود که جسد او را به دار آویختی. به خدا قسم که خدا را بخوانم و تو را نفرین کنم که بکشد تو را همانطور که او را کشتی.

داود گفت: از نفرینت مرا می‌ترسانی؟ برو و اوّل برای خودت دعا کن [که تو را از دست من نجات دهد] اگر خدا دعایت را مستجاب کرد بعد مرا نفرین کن.

حضرت صادق‌ؑ خشمناک بیرون آمد.

پس چون تاریکی شب همه جا را فراگرفت، حضرت غسل کرد و رو به قبله ایستاد و گفت: یا ذا یا ذي یا ذُو تیری از تیرهای خشمت برای داود بفرست که دل او را پاره پاره کند.

سپس حضرت به غلامش گفت: برو بیرون و صدای ناله و فریاد را بشنو. پس خبر رسید که داود به دَرَک واصل شد.»

۱۰۹۰ ۲۶۶۵۰ (۵) **المناقب ۴/ ۲۳۴**: وبلغ الصّادق﵇ قول الحكيم بن العبّاس الكلبي صلبنا لكم زيداً على جذع نخلة، ولم أرَ مهدياً على الجذع يصلب.

وقستم بعثمان عليّاً سفاهةً، وعثمان خير من عليّ وأطيب.

فرفع الصادق﵇ يده إلى السماء وهما يرعشان فقال اللّهمّ إن كان عبدك كاذباً فسلّط عليه كلبك.

فبعثه بنو امية إلى الكوفة فبينما.

هو يدور في سككها إذ افترسه الأسد واتّصل خبره بجعفر فخرّ للّه ساجداً ثمّ قال الحمد للّه الذي أنجزنا وعدنا.

مستدرك ۵/ ۲۵۹: ورواه الطبري في دلائل الامامة مسنداً بأبسط من هذا.

۱۰۹۱ ۲۶۶۵۱ (۶) **العيون ۷۹**: حدّثنا أحمد بن يحيى المكتّب قال حدثنا أبو الطّيّب أحمد بن محمد الورّاق قال حدثنا علي بن هارون الحميري قال حدثنا علي بن محمد بن سليمان النوفلي قال حدثني أبي عن عليّ بن يقطين قال أنهى الخبر إلى أبي الحسن موسى بن جعفر﵇ وعنده جماعة من أهل بيته بما عزم إليه موسى بن المهديّ في أمره.

فقال لأهل بيته ما تشيرون.

قالوا نرى أن تتباعد عنه وأن تغيب شخصك.

فانّه لايؤمن شرّه فبتسّم أبوالحسن﵇ ثمّ قال:

زعمت سخينة[۱] ان ستغلب ربّها وليغلبنّ مغالب الغلّاب[۲]

ثمّ قال رفع يده إلى السّماء فقال اللهمّ كم من عدوّ شحذ[۳] لي ظبة مِدْيَتِهِ[۴] وأرهف[۵] لي شباحده[۶] وداف[۷] لى قواتل سمومه ولم تنم عنّي عين حراسته.

---

۱. سخية: اسم قريش.
۲. الغلأب: كثير الغلبة.
۳. شحذ: حدّد.
۴. ظبة مديته: أي طرف سيفه.
۵. أرهف: أي حدّد.
۶. شبا حده :أي طرف حدّته.
۷. داف الدواء: أذابه بالماء وخلطه.

۱۰۹۰ (۵) در کتاب المناقب آمده است: «وقتی شعر حکیم بن عبّاس کلبی به گوش امام صادق‌ؑ رسید که گفته: «ما زید[۱] شما را بر شاخهٔ درخت خرما به دار زدیم و ندیده و [نشنیده‌ایم] مهدی [که پیامبرﷺ بشارت آمدنش را داده است] با دار زده شود.

و شما عثمان را از روی کم خردی به علی مقایسه کردید، با اینکه عثمان از علی بهتر و پاک‌طینت‌تر است.

حضرت صادق‌ؑ دست خود را در حالی که [از شدّت ناراحتی] می‌لرزید به آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! اگر این بندهٔ تو دروغ می‌گوید پس سگ خود را بر او مسلّط کن.

پس بنی امیّه او را به کوفه فرستادند.

و او داشت در میان کوچه‌های کوفه می‌گشت که شیری او را درید و این خبر به امام صادق‌ؑ رسید پس حضرت برای سپاس‌گزاری از خداوند به سجده افتاد و گفت: سپاس خداوندی را که سریعاً به وعده‌ای که به ما داده بود وفا کرد.»

همین خبر را «طبری» در دلائل الامامه با تفصیل بیشتری نقل کرده است.

۱۰۹۱ (۶) علیّ بن یقطین از حضرت موسی بن جعفرؑ روایت کرده که گفت: «امام ابوالحسن موسی بن جعفرؑ نشسته بود و عدّه‌ای از اعضاء خانواده‌اش پیرامونش بودند که به حضرت خبر دادند که موسی بن مهدی [حاکم ظالم وقت] تصمیم به قتل او گرفته است.

حضرت رو به اعضاء خانواده‌اش کرد و گفت: با شما مشورت می‌کنم شما چه صلاح می‌دانید؟

گفتند: نظر ما این است که از او دور شوی و خودت را پنهان نگاه داری زیرا او شخصی است که نمی‌شود از شرّش در امان ماند.

پس حضرت لبخندی زد و شعری با این مضمون خواند:

سخینه [قریش] پنداشت که بر پروردگار خود به زودی غلبه خواهد کرد و همچنین پنداشت که بر تمام غلبه کنندگان غلبه خواهند یافت [و دستی بالای دست آنان نیست.]

راوی گوید: سپس حضرت دست مبارک به آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! چه بسیار مرا دشمنی بوده که لبهٔ چاقوی خود را برای [کشتن من] تیز می‌کرده و دم شمشیر خود برای من سوهان می‌زده است و زهرهای کشنده را با خوراکی‌های دیگری ممزوج می‌کرده است و چشم خیره‌اش نخوابیده و پیوسته مرا زیر نظر گرفته.

---

۱. مقصود زید بن علی پسر امام سجّادؑ است.

فلمّا رأيت ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي ذلك عن ملمّات الحوائج [۱] صرفت ذلك عنّي بذلك بحولك وقوّتك لا بحولي وقوّتي فألقيته في الحفير الذي احتفره لي خائباً ممّا أمله في دنياه متباعداً ممّا رجاه في آخرته.

فلك الحمد على ذلك قدر استحقاقك سيّدي.

اللّهمّ فخذه بعزّتك وأفلل حدّه عنّي بقدرتك واجعل له شغلاً فيما يليه وعجزاً عمّا يناويه.

اللهمّ واعدني عليه من عدوّي حاضرة تكون من غيظي شفاء ومن حقّي [۲] عليه وفاء وصل.

اللّهمّ دعائي بالإجابة وانظم شكايتي بالتغيير وعرّفه عمّا قليل ما وعدّت الظّالمين وعرّفني ما وعدت في إجابة المضطرّين انّك ذو الفضل العظيم والمنّ الكريم.

قال ثمّ تفرّق القوم فما اجتمعوا إلّا لقرائة الكتاب الوارد عليه بموت موسى بن المهدي.

۱۰۹۲ ۲٦٦٥۲ (۷) **كافي** ۵۱۱/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن يحيى بن المبارك عن عبداللّه بن جبلة عن **إسحاق** بن عمّار قال شكوت إلى أبي عبداللّه ﷺ جاراً لي وما ألقى منه قال فقال لي ادع عليه.

قال ففعلت فلم أرَ شيئاً فعدت إليه فشكوت إليه.

فقال لي ادع عليه.

قال فقلت جعلت فداك قد فعلت فلم أرَ شيئاً.

فقال كيف دعوت عليه.

فقلت إذا لقيته دعوت عليه.

قال فقال ادع عليه إذا أدبر [۳] و[إذا] استدبر.

ففلعت فلم ألبث حتّى أراح اللّه منه.

۱۰۹۳ ۲٦٦٥۳ (۸) وفيه ۵۱۲: **وروى** عن أبي الحسن ﷺ قال إذا دعا أحدكم على أحد قال الّلهم اطرقه ببليّة لا أُخت لها وابح حريمه.

---

۱. الجوانح ـ خ.	۲. حنقي ـ خ ل.	۳. اذا لقبل ـ خ.

و تو چون دیدی که من از تحمّل حوادث تلخ کمرشکن ضعیفم و در مقابل سختی‌های وارده عاجزم همهٔ آن‌ها را به نیرو و توان خودت دفع کردی نه به نیرو و توان خودم. پس آن‌ها را در چاهی که خودشان کنده بودند افکندی، در حالی که از آرزوی دنیایی خود ناکام شدند و از امید اخروی نیز به دور ماندند.

پس ای سرور من! تو را بر این [همه لطف و تفضّل] به اندازه‌ای که شایستهٔ آنی سپاس می‌گویم.

خداوندا! به عزّتت [جان] او را بگیر و به قدرتت تیزی اش را نسبت به من کُند گَردان و او را مشغول خود گردان و نسبت به آنچه که در نیّت دارد [که می‌خواهد مرا بکشد] او را ناتوان گردان. خداوندا! وعده [نابودی] او را به من بده، وعده‌ای که زود تحقّق یابد و مایهٔ تشفّی خاطر من گردد و حقّ مرا از او بستاند.

خداوندا! دعای مرا با اجابت، قرین فرما و شکایت مرا با تغییر به رشته درآور و هشدارهایی را که به ستمگران داده‌ای به او نشان ده و وعده‌ای که به مضطرّین و بیچارگان داده‌ای به من نشان ده. به راستی تو صاحب فضل بزرگ و امتنان شریفی هستی.

آنگاه جمعی که پیرامون حضرت بودند، متفرّق شدند و دیگر گرد یکدیگر جمع نشدند مگر برای خواندن نامه‌ای که برای حضرت آمده بود و خبر مرگ موسی بن مهدی در آن بود.»

۱۰۹۲ (۷) اسحاق بن عمّار از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که گفت: «از دست همسایه‌ام و آزاری که از او می‌دیدم پیش امام صادقعليه السلام شکایت کردم. حضرت فرمود: نفرینش کن.

پس من همین کار را کردم ولی نتیجه‌ای ندیدم. به خدمت امام بازگشتم و دوباره شکایت خود را مطرح کردم. حضرت فرمود: نفرینش کن.

گفتم: من این کار را کردم ولی نتیجه‌ای ندیدم.

حضرت فرمود: چگونه نفرینش کردی؟ گفتم: هر وقت با او برخورد می‌کردم، نفرینش می‌کردم.

حضرت فرمود: وقتی که پشت کرد و رفت، نفرین کن.

و من چنین کردم، طولی نکشید که خداوند مرا از شرّ او راحت کرد.»

۱۰۹۳ (۸) در کتاب اصول کافی از حضرت امام موسی بن جعفرعليه السلام روایت شده که آن حضرت فرمود: «هر گاه یکی از شما خواست کسی را نفرین کند بگوید: خداوندا! او را به بلای ناگهانی بی‌نظیری مبتلا کن و حریمش را بشکن.»

۱۰۹۴ ۲٦٦٥٤ (۹) **مستدرك** ۳٦۰/۵: السيّد **عليّ** بن طاووس في كتاب المجتنىٰ نقلاً من كـتاب دفـع الهموم والأحزان لأحمد بن داود النعماني قال شكا رجل إلى الحسن بـن عـلي عليهما السلام جـاراً يؤذيه.

فقال له الحسن عليه السلام إذا صلّيت المغرب فصلّ ركعتين.

فقل يا شديد المحال يا عزيزاً ذلّلت بعزّتك جميع ما خلقت أكفني شرّ فلان بما شئت.

قال ففعل الرجل ذلك فلمّا كان في جوف الليل سمع الصراخ وقيل فلان قد مات الليلة ورواه في موضع آخر نقلاً عن الزمخشري في كتاب ربيع الأبـرار هكـذا شكـا رجـل إلى الحسن عليه السلام مظلمة.

فقال إذا صلّيت ركعتين بعد المغرب فساجد.

وقل يا شديد القوى يا شديد المحال يا عزيزاً ذلّلت بعزتك جميع من خلقت صلّ علىٰ محمد وآل محمّد واكفني مؤونة فلان بما شئت فلم يرع إلّا بالواعية في الّليل فسئل عنها فقيل مات فلان فجأة.

۱۰۹۵ ۲٦٦٥٥ (۱۰) **كافي** ۵۱۲/۲: أحمد بن محمد الكوفي عن علي بن الحسن التيمي عن عـلي بـن اسباط عن يعقوب بن سالم قال كنت عند أبي عبداللّه عليه السلام فقال له العلاء بن كامل انّ فـلاناً يفعل بي ويفعل فان رأيت ان تدعو اللّه عزّوجلّ فقال هذا ضعف بك قل اللّهمّ انّك تكفى من كلّ شيء ولا يكفى منك شيء فاكفني أمر فلان بم شئت وكيف شئت و[من] حيث شـئت وانّى شئت.

۱۰۹٦ ۲٦٦٥٦ (۱۱) **كافي** ۵۱۲/۲: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن مالك بن عطيّة عن يونس بن عمّار قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام انّ لي جاراً من قريش من آل محرز قد نوّه باسمي وشهّرني كلّما مررت به قال هـذا الرّافـضي يـحمل الأمـوال إلى جعفر بن محمد.

۱۰۹۴ (۹) سید علی بن طاووس در کتاب المجتنی روایتی از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کرده که: «مردی پیش امام حسن بن علی علیه السلام از دست همسایه‌اش که او را آزار می‌داد، شکایت کرد.

پس امام حسن علیه السلام به او فرمود: وقتی که نماز مغرب به جای آوردی پس دو رکعت نماز بخوان و پس از آن بگو: ای کسی که با عقوبتت، سخت بگیری، ای عزیزی که در قبال عزّتت همهٔ آفریده‌ها خوار و ذلیلند، شرّ فلانی را به هر جور که صلاح می‌دانی از من دفع گردان.

راوی گوید: پس آن مرد به همین دستور عمل کرد، پس چون نیمه‌های شب شد صدای گریه و ناله به گوش رسید و گفته شد که فلانی امشب مُرد.»

و ابن طاووس در جای دیگری همین روایت را به نقل از زمخشری در کتاب ربیع الابرار این چنین نقل کرده است که: «مردی پیش امام حسن علیه السلام از ظلمی که بر او شده بود شکایت کرد، حضرت فرمود: هر گاه دو رکعت نماز بعد از نماز مغرب خواندی به سجده برو و بگو: ای کسی که توانایی‌هایش فراوان و اخذ به عقوبتش سخت است ای عزیزی که در قبال عزّتت تمام مخلوقاتت خاضع و خوارند، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و زحمت فلانی را به هر جور که خواهی از من رفع کن.

پس طولی نکشید که در همان شب صدای گریه و ناله به گوش رسید، از علّت آن پرسیده شد، گفتند: فلانی به طور ناگهانی مُرد.»

۱۰۹۵ (۱۰) یعقوب بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: «من در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، پس علاء بن کامل به حضرت عرض کرد: فلانی چه بلاهایی به سر من آورده و چه‌ها کرده و اگر صلاح می‌دانید حضرت عالی دعایی کنید.

حضرت فرمود: این یک ضعفی است که در تو است [و باید خودت دعا کنی] بگو: خداوندا! تو از هر چیزی کفایت می‌کنی [که با وجود لطف و عنایت تو از همه چیز بی نیاز شویم و به تو بسنده کنیم] ولی هیچ چیز ما را از تو بی نیاز نکند، پس تو خود به هر جور و هر گونه و هر کجا و هر وقت خواستی مرا از شر فلانی نگهدار و شرّش را از سر من دفع کن.»

۱۰۹۶ (۱۱) یونس بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من همسایه‌ای دارم که از قبیلهٔ قریش و از آل محرز است، او نام مرا فاش کرده و مرا مشهور ساخته، هر وقت از کنار او می‌گذرم می‌گوید: این شخص رافضی است که اموال را برای جعفر بن محمّد می‌برد.

قال فقال لي فادع اللّه عليه إذا كنت في صلاة اللّيل وأنت ساجد في السجدة الأخيرة من الركعتين الأوليين فاحمد اللّه عزّ وجلّ ومجّده وقل اللّهمّ انّ فلان بن فلان قد شهّرني ونوّه[1] بي وغاظني وعرّضني للمكاره.

اللّهمّ اضربه بسهم عاجل تشغله به عنّي.

اللّهمّ وقرّب أجله واقطع أثره وعجّل ذلك ياربّ الساعة السّاعة.

قال فلمّا قدمنا الكوفة قدمنا ليلاً فسألت أهلنا عنه قلت ما فعل فلان.

فقالوا هو مريض فما انقضى آخر كلامي حتّى سمعت الصياح من منزله وقالوا قد مات.

۱۰۹۷ (۱۲) **مستدرك ۲۶۱/۵**: الشيخ في المصباح مرسلاً ومن كان له عدوّ يؤذيه فليقل في
۲۶٦٥۷
السجدة الثانية من الركعتين الأوّلتين.

اللّهمّ انّ فلان بن فلان قد شهرني ونوّه بي وعرّضني للمكاره.

اللّهمّ فاصرفه عنّي بسقم عاجل يشغله عنّي.

اللّهمّ قرّب أجله (وذكر مثله إلى قوله الساعة الساعة).

وتقدّم في أحاديث باب (۳) جواز الدعاء في القنوت على العدوّ وتسميته من أبواب القنوت ما يناسب المقام وكذا في أحاديث الباب التالي.

(۳۶)

باب ماورد في مباهلة العدوّ والخصم وكيفيّتها ووقتها

قال اللّه عزّ وجلّ في سورة آل عمران (۳): ۶۱: ﴿فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِن ۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَـٰذِبِينَ﴾.

---

۱. أي شهّره وعرّفه.

راوی گوید: پس امامؑ به من فرمود: او را به این کیفیّت نفرین کن! هر گاه در حال خواندن نماز شب بودی در دو رکعت اوّل نماز شب در سجده آخر پس اوّل خدای عزیز و جلیل را سپاس و ستایش گوی و بعد بگو: خداوندا! فلانی پسر فلانی مرا مشهور کرده و نام مرا بر سر زبان‌ها انداخته و مرا به خشم درآورده و جان مرا در معرض خطر قرار داده خداوندا! او را فوری هدف تیری قرار ده که با آن، او را از من باز داری. خداوندا! مرگ او را نزدیک و اثرش را قطع کن و در این کار شتاب کن ای پروردگار همین لحظه، همین لحظه.

راوی گوید: [من این کار را انجام دادم] چون به کوفه آمدیم شب به کوفه وارد شدیم. پس از خانواده‌ام دربارهٔ او پرسیدم و گفتم: فلانی چه کار کرد؟ گفتند: او بیمار است، هنوز حرف من تمام نشده بود که صدای گریه و شیون از خانه‌اش به گوشم رسید و گفتند: مُرد.»

۱۰۹۷ (۱۲) شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجّد بدون ذکر همهٔ سلسلهٔ سند روایتی نقل کرده که: «هر کس دشمنی دارد که او را می‌آزارد پس در دو رکعت اوّل نماز شب در سجدهٔ آخر بگوید: «خداوندا! فلانی پسر فلانی مرا مشهور کرده و بر سر زبان‌ها انداخته و مرا در معرض خطر قرار داده. خداوندا! او را از من منصرف فرما به وسیلهٔ یک بیماری فوری که او را از من باز دارد. خداوندا! مرگ او را نزدیک گردان... باقی دعا را تا همین لحظه همین لحظه نقل کرده است.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایات باب سوم از باب‌های قنوت آنچه مناسب با آن هست.

باب ۳۶

چگونگی مباهله با دشمن

خداوند متعال فرموده است:

پس هر که در این باره [نبوّت تو] پس از دانشی که تو را حاصل آمده، با تو محاجّه کند، بگو: بیایید پسران‌مان و پسران‌تان و زنان‌مان و زنان‌تان و خودمان و خودتان را فرا خوانیم، سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.[1]

---

۱. آل عمران ۶۱/۳.

۱۰۹۸ (۱) **كافي ۵۱۳/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن محمد بن حكيم عن
۲۶۶۵۸
ابي مسروق عن أبي عبدالله عليه السلام قال قلت انّا نكلّم الناس فنحتجّ عليهم بقول الله عزّ وجلّ **﴿أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلْأَمْرِ مِنكُمْ﴾**.

فيقولون نزلت في امراء السرايا.

فنحتجّ عليهم بقوله عزّ وجلّ **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ﴾** الى آخر الاية.

فيقولون نزلت في المؤمنين ونحتجّ عليهم بقول الله عزّ وجلّ **﴿قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ﴾**.

فيقولون نزلت في قربى المسلمين.

قال فلم ادع شيئاً ممّا حضرني ذكره من هذه وشبهه إلّا ذكرته.

فقال لي إذاكان ذلك فادعهم إلى المُباهلة.

قلت وكيف أصنع؟

قال أصلح نفسك ثلاثاً وأظنّه.

قال وصُم واغتسل وابرز أنت وهو إلى الجبّان فشبّك أصابعك من يدك اليُمنىٰ في أصابعه.

ثمّ انصفه وابدأ بنفسك وقل اللهمّ ربّ السّماوات السّبع وربّ الأرضينَ السّبع عالم الغيب والشهادة الرّحمن الرّحيم ان كان أبو مسروق جحد حقّاً وادّعى باطلاً فانزل عليه حسباناً من السماء أو عذاباً أليماً.

ثمّ ردّ الدعوة عليه فقل وإن كا فلان جحد حقّاً أو ادّعى باطلاً فانزل عليه حسباناً من السماء أو عذاباً أليماً.

ثمّ قال لي فانّك لاتلبث أن ترى ذلك فيه فوالله ما وجدت خلقاً يجيبني إليه.

۱۰۹۸ (۱) ابو مسروق از حضرت صادقؑ روایت کرده که گفت: «به حضرت صادقؑ عرض کردم: ما با مردم عامّه دربارهٔ مذهب تشیّع سخن می‌گوییم و برای آن‌ها از قرآن، دلیل می‌آوریم مثل فرمایش خداوند عزیز و جلیل: «**از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولیاء امر خود اطاعت کنید.**»[۱]

آن‌ها می‌گویند: این آیه دربارهٔ فرماندهان لشگر نازل شده است.

و استدلال می‌کنیم به فرمایش حق تعالی: «**سرپرست شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند [همان کسانی که نماز برپا داشته و در حال رکوع زکات می‌دهند]**»[۲]

می‌گویند: این آیه در حق عموم مؤمنین نازل شده [نه خصوص علیؑ] باز استدلال می‌کنیم به فرمایش خداوندﷻ : «**ای پیامبر! بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی دربارهٔ خویشاوندانم.**»[۳]

پس می‌گویند: این در خویشاوندان همهٔ مسلمانان نازل شده، راوی گوید: پس چیزی از آنچه در خاطر داشتم از این آیات و امثال آن را فروگذار نکردم و همه را ذکر کردم.

حضرت به من فرمود: حال که چنین است آن‌ها را به مباهله [و حکمیّت خدا] فراخوان.

گفتم: چگونه؟ چه کار باید کنم؟

حضرت فرمود: سه روز خود را اصلاح کن و یا گمان می‌کنم فرمود: سه روز روزه بگیر و غسل کن و تو و او هر دو به مصلّای بیرون از شهر [به صحرا] در آیید. پس انگشتان دست راستت را مشبّک‌وار در انگشتان او درانداز. سپس به او انصاف ده و [نفرین مباهله را] به خود آغاز کن و بگو: خداوندا! ای پروردگار هفت آسمان و ای پروردگار هفت زمین! ای دانای نهان و عیان، بخشندهٔ مهربان، اگر ابومسروق حقّی را انکار کرده و باطلی را ادّعا کرده پس بر او از آسمان سنگی یا عذاب دردناکی فرود آر. پس از آن، دعا را به او برگردان و بگو: و اگر فلانی حقّی را انکار می‌کند و باطلی را ادّعا می‌کند پس سنگی یا عذاب دردناکی از آسمان بر او نازل فرما.

سپس حضرت به من گفت: بی‌گمان طولی نخواهد کشید مگر اینکه همین عذاب را در او خواهی دید و به خدا قسم تا کنون کسی را نیافتم که حاضر شود با من مباهله کند.»

---

۱. نساء ۵۹/۴.

۲. مائده ۵۵/۵. این آیه دربارهٔ علیؑ نازل شده که در حال نماز و رکوع، انگشتر خود را به فقیر داد.

۳. شوری ۲۳/۴۲.

١٠٩٩ (٢) **كافي** ٥١٤/٢: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب عن
٢٦٦٥٩ **أبي العبّاس** عن أبي عبداللّه عليه السلام في المباهلة قال تشبّك أصابعك في أصابعه ثمّ تقول اللهمّ إن كانَ فلان جحد حقّاً واقرّ بباطل فأصبه بحسبان من السماء أو بعذاب من عندك وتلاعنه سبعين مرّة وفيه (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمد بن خالد عن بعض أصحابنا في المباهلة قال تشبّك أصابعك (وذكر مثله).

١١٠٠ (٣) **كافي** ٥١٥/٢: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد[1] عن محمد بن عبدالحميد عن
٢٦٦٦٠ **أبي جميلة** عن بعض أصحابه قال إذا جحد الرجل الحقّ فإنّ أراد أن تلاعنه قل اللهمّ ربّ السماوات السبع وربّ الأرضين السّبع وربّ العرش العظيم إن كان فلان جحد الحقّ وكفر به فانزل عليه حسباناً من السماء أو عذاباً أليماً.

١١٠١ (٤) **مستدرك** ٢٦٢/٥: الشيخ المفيد في زيادات المقالات أخبرني أبوالحسن أحمد بن
٢٦٦٦١ محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد بن عيسى عن **يونس** بن عبدالرحمان مولى آل يقطين عن أبي جعفر محمد بن النعمان عن أبي عبداللّه الصادق عليه السلام قال قال لي خاصموهم وبيّنوا لهم الهدى الذي أنتم عليه وباهلوهم في علي عليه السلام.

١١٠٢ (٥) **كافي** ٥١٤/٢: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن إسماعيل بن مهران عن مخلّد
٢٦٦٦٢ أبي الشكر عن **أبي حمزة** الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام قال السّاعة الّتي يباهل فيها ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ـ عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن محمد بن إسماعيل عن مخلّد أبي الشكر عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

ويأتي في رواية الجعفريّات والدعائم (٨) من باب انّ الظّهار يقع من الحرّة والأمة من أبواب الظّهار قوله عليه السلام من شاء باهَلْتُهُ ليس في الأمة ظهار.

---

١. محمد بن أحمد ـ وسائل.

۱۰۹۹ (۲) ابو العبّاس از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت در رابطه با مباهله فرمود: «انگشتان خود را مشبّک وار باز می‌کنی و در میان انگشتان او قرار می‌دهی سپس می‌گویی: خداوندا! اگر فلانی حقّی را انکار کرده و به باطلی اقرار کرده پس سنگی یا عذابی از آسمان از نزد خود بفرست و او را هدف قرار ده و هفتاد بار ملاعنه می‌کنید [یعنی: تو او را لعن می‌کنی و او تو را].»

۱۱۰۰ (۳) ابوجمیله از بعضی اصحاب حضرت نقل کرده که گفت: «هر گاه مرد، حق را انکار کرد، پس اگر حاضر شد که با او ملاعنه کنی بگو: خداوندا! ای پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و ای پروردگار زمین‌های هفت‌گانه و ای پروردگار عرش بزرگ اگر فلانی حق را انکار کرده و به آن کافر شده پس تو از آسمان سنگی یا عذاب دردناکی بر او فرود آر.»

۱۱۰۱ (۴) ابوجعفر محمد بن نعمان از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت به من فرمود: «با آن‌ها [مخالفان مذهب شیعه] مجادله کنید و راه حق و هدایتی که شما بر آن هستید برای‌شان بیان کنید و دربارهٔ امام علیعليه السلام با آن‌ها مباهله کنید.»

۱۱۰۲ (۵) ابوحمزه ثمالی از امام محمّد باقرعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «ساعتی که در آن مباهله انجام می‌شود مابین طلوع سپیده دم [اذان صبح] تا طلوع خورشید است.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت هشتم از باب‌های ظهار فرموده امامعليه السلام که: «هرکس بخواهد من با او مباهله خواهم کرد.»

(٣٧)

باب ماورد في اَنْ لا يقال في الدّعاء
وغيره الحمد للّه منتهىٰ علمه بل يقال منتهى رضاه

١١٠٣ (١) **التوحيد** ١٣٤: أبي ومحمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمهما اللّه قالا حدثنا
٢٦٦٦٣ محمد بن يحيى العطّار وأحمد بن إدريس جميعاً عن محمد بن أحمد عن علي بن إسماعيل عن صفوان بن يحيى **كافي** ١٠٧ محمد بن يحيىٰ عن محمد بن الحسين عن صفوان بن يحيى عن **الكاهلي** قال كتبت إلى أبي الحسنؑ في دعاءٍ الحمدللّه منتهى علمه فكتب إليّ لاتقولنّ منتهىٰ علمه (فليس لعلمه منتهىٰ ـ كا) ولكن قل منتهىٰ رضاه.

١١٠٤ (٢) وفيه ـ حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدّقّاقؒ قال حدثنا محمد بن أبي
٢٦٦٦٤ عبداللّه الكوفي قال حدثنا موسى بن عمران عن عمّه الحسين بن يزيد النوفلي عن سليمان بن سفيان قال حدثني **أبوعلي** القصّاب قال كنت عند أبي عبداللّهؑ فقلت الحمد للّه منتهىٰ علمه فقال لاتقل ذلك فانّه ليس لعلمه منتهى **مستدرك** ٣٧٧: نوادر علي بن اسباط حدثني أبو علي القطّان قال سَمِعني أبو عبداللّهؑ وأنا أقول والحمد للّه منتهى علمه وذكر نحوه.

(٣٨)

باب ما ورد في أن لا يُقال اللّهمّ انّي أعوذُ بك من الفتنة
بل يُقال من مُضِّلات الفِتن

قال اللّه تعالى في سورة الأنفال (٨): ٢٨: ﴿وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَـٰدُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾.

١١٠٥ (١) **أمالي الشيخ** ٢/ ٥٨٠: حدثنا الشيخ أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن
٢٦٦٦٥ الطوسيؒ قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل قال حدثنا **عبداللّه** بن محمد بن عبيد بن ياسين بن محمد بن عجلان مولى الباقرؑ قال سمعت مولاي أبا الحسن علي بن محمد بن الرضاؑ يكذر عن آبائه عن جعفر بن محمدؑ قال وسمع أمير المؤمنينؑ رجلاً يقول اللّهمّ انّي أعوذبك من الفتنة قال أراك تتعوّذ من مالك وولدك يقول اللّه تعالى انّما أموالكم وأولادكم فتنة ولكن قل اللّهمّ انّي أعوذ بك مِنْ مضلاّت الفتن.

باب ۳۷

نادرستی تعبیر به «نهایت علم خدا»

۱۱۰۳ (۱) کاهلی گوید: «در نامه‌ای که به امام کاظم ﷺ نوشتم، در بخش دعای آن نوشتم: سپاس و ستایش خدا را به اندازهٔ منتهی درجهٔ علمش. پس حضرت به من نوشت: نگو منتهی درجهٔ علمش زیرا علم خدا نهایتی ندارد بلکه بگو: منتهی درجهٔ رضایتش.»

۱۱۰۴ (۲) ابوعلی قصّاب از امام صادق ﷺ روایت کرده گوید: «من در خدمت امام صادق ﷺ بودم، پس گفتم: سپاس خدا را به اندازهٔ نهایت درجهٔ علمش. حضرت فرمود: این را نگو زیرا علم خدا را نهایتی نیست.»

باب ۳۸

نادرستی تعبیر به «از فتنه به خدا پناه می‌برم»

خداوند متعال فرموده:

و بدانید که اموال و فرزندان شما فتنه [وسیلهٔ آزمایش شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.[۱]

۱۱۰۵ (۱) عبدالله بن محمد بن عبید بن یاسین بن محمد بن عجلان (از اصحاب امام باقر ﷺ) روایت کرده که: «از مولایم ابوالحسن امام هادی ﷺ شنیدم که به نقل از پدرانش از امام جعفر صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: «امیر مؤمنان علی ﷺ صدای مردی را شنید که می‌گفت: خداوندا! من از فتنه به تو پناه می‌آورم.

حضرت فرمود: تو را می‌بینم که از مال و فرزندت به خدا پناه می‌بری. خداوند متعال می‌فرماید: «**اموال و اولاد شما فتنه است**» بلکه بگو: خداوندا! من به تو از فتنه‌های گمراه کننده پناه می‌آورم.»

۱. انفال ۲۸/۸.

۱۱۰۶ ۲۶۶۶۶ (۲) **نهج البلاغة** ۱۱۱۷: قال ﷺ لا يقولنّ أحدكم اللّهمّ اني أعوذ بك من الفتنة لانّه ليس أحد إلّا وهو مشتمل على فتنة ولكن من استعاذ فليستعذ من مضلّات الفتن فانّ اللّه سبحانه يقول ﴿وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَـٰدُكُمْ فِتْنَةٌ﴾.

(۳۹)

باب ما ورد في الدّعاء بقوله اللّهمّ اجعلني ممّن تَنْتَصِرُ به لدينك

۱۱۰۷ ۲۶۶۶۷ (۱) **كافي** ۵۸۹/۲: أبوعلي الأشعري عن محمد بن عبدالجبّار عن صفوان بن يحيى عن العلاء بن رزين عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر ﷺ قال: قل اللهمّ أوْسِع عليّ في رزقي وامْدُدْ لي في عمري واغفر لي ذنبي واجعلني ممّن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري.

۱۱۰۸ ۲۶۶۶۸ (۲) **رجال الكشي** ۳۸۸: علي بن الحسن عن عبّاس بن عامر عن يونس بن يعقوب قال كتبت إلى أبي عبداللّه ﷺ أسأله أن يدعو اللّه لي أنْ يجعلني ممّن ينتصر به لدينه فلم يجبني فاغتممت لذلك قال يونس فاخبرني بعض أصحابنا انّه كتب إليه بمثل ما كتبت فأجابه وكتب في أسفل كتابه يرحمك اللّه انّما ينتصر اللّه لدينه بشرّ خلقه.

(۴۰)

باب ما ورد في أن لا يقال اللّهمّ أغنني عن خلقك بل يقال عن لِئام خلقك

۱۱۰۹ ۲۶۶۶۹ (۱) **كافي** ۲۶۶/۲: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن محمد بن سنان عن ابان بن عبدالملك قال حدثني بكر الأرقط عن أبي عبداللّه ﷺ أو عن شعيب عن أبي عبداللّه ﷺ انّه دخل عليه واحد فقال أصلحك اللّه انّي رجل منقطع إليكم بمودّتي وقد أصابتني حاجة شديدة وقد تقرّبت بذلك إلى أهل بيتي وقومي فلم يزدني بذلك منهم إلّا بعداً قال فما آتاك اللّه خير ممّا أخذ منك قال جعلت فداك ادع اللّه لي أن يغنيني عن خلقه قال انّ اللّه قسّم رزق من شاء على يدي من شاء ولكن سل اللّه أن يغنيك عن الحاجة الّتي تضطرّك إلى لئام خلقه.

۱۱۰۶ (۲) سید رضی رحمه‌الله در نهج البلاغه روایت کرده که علی علیه‌السلام فرمود: «هیچ یک از شما نگوید: خداوندا! من از فتنه به تو پناه می‌برم زیرا احدی نیست که دارای فتنه نباشد بلکه از فتنه‌های گمراه‌کننده باید پناه خواست زیرا خداوند پاک می‌فرماید: «**و بدانید که اموال و اولاد شما فتنه است**».

باب ۳۹

دعای: «خدایا مرا یاری کنندهٔ دینت قرار ده»

۱۱۰۷ (۱) محمّد بن مسلم از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «بگو: خداوندا! روزی مرا فراخ گردان و عمر مرا دراز کن و گناه مرا بیامرز و مرا جزو آنان قرار ده که برای یاری دینت آن‌ها را به کار گرفته‌ای و غیر مرا در این کار جایگزین من نفرما.»

۱۱۰۸ (۲) یونس بن یعقوب از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که: «نامه‌ای به امام صادق علیه‌السلام نوشتم و از او خواهش کردم که از خدا بخواهد مرا جزو کسانی قرار دهد که آن‌ها را در راه یاری دین به کار می‌گیرد، حضرت جوابی نفرستاد، من از اینکه حضرت پاسخی به من نداد خیلی غمگین شدم.

یونس، راوی این خبر می‌گوید: بعضی از اصحاب ما به من خبر دادند که او نیز نامه‌ای به حضرت به همین مضمون نامه من نوشته و حضرت در پایین نامه‌اش نوشته: «خداوند تو را رحمت کند، خداوند بدترین آفریده‌اش را هم برای یاری دینش به کار می‌گیرد.»

باب ۴۰

بی‌نیازی از فرومایگان

۱۱۰۹ (۱) شعیب از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: «شخصی بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد، به حضرت عرض کرد: خداوند تو را صالح قرار دهد! من مردی هستم که دوستی‌ام را برای شما خالص کرده‌ام و از همه بریده‌ام و من بسیار نیازمند شدم، به همین جهت به خویشاوندان و قوم خودم نزدیک شدم امّا چیزی جز دور شدن بیشتر از آنان، نیفزود. حضرت فرمود: آنچه خدا به تو دهد بهتر است از آنچه که از دست داده‌ای و از تو گرفته شده.

آن شخص گفت: فدایت شوم! برای من دعا کن که خداوند مرا از خَلق الله بی‌نیاز گرداند.

حضرت فرمود: خداوند رزق افرادی را که می‌خواهد به آن‌ها روزی دهد با دست افراد دیگری می‌رساند امّا [دعای درست این است که] از خدا بخواهی که احتیاج به فرومایگان پیدا نکنی.»

۱۱۱۰ ۳۶۶۷۰ (۲) **فقه الرضا**ﷺ ۳۶۷: واعلم أنّ بعض العلماء سمع رجلاً يدعو اللّه أنْ يغنيه عن النّاس فقال انّ النّاس لا يستغنون عن النّاس ولكن أغناك (اللّه ـك) عن دناء الناس.

۱۱۱۱ ۳۶۶۷۱ (۳) **الجعفريات** ۲۲۱: باسناده عن جعفر بن محمد قال كان رجل جالساً عند أبي فقال اللّهمّ أغننا عن جميع خلقك فقال له أبي لاتقل هكذا ولكن قل اللّهمّ اغننا عن شرار خلقك فانّ المؤمن لا يستغني عن أخيه المؤمن.

۱۱۱۲ ۳۶۶۷۲ (۴) **تنبيه الخواطر** ۳۹: عن عليّﷺ قلت اللّهمّ لاتحوجني إلى أحد من خلقك فقال رسول اللّهﷺ يا علي لاتقولنّ هكذا فليس من أحد إلّا وهو محتاج إلى النّاس قال فقلت يا رسول اللّه فما أقول؟ قال قل اللّهمّ لا تحوجني إلىٰ شرار خلقك قلت يا رسول اللّه من شرار خلقه؟ قال الذين إذا أعطوا منّوا وإذا منعوا عابوا.

(۴۱)

باب أنّ أفضل الدعاء ماجرىٰ على اللّسان واستحباب اختيار الدعاء المأثور إنْ تيسّر

۱۱۱۳ ۳۶۶۷۳ (۱) **وسائل** ۱۳۹/۷: علي بن موسى بن طاووس الحسيني في كتاب (أمان الأخطار) نقلاً من كتاب الدعاء لسعد بن عبداللّه باسناده عن **زرارة** قال قلت لأبي عبداللّهﷺ علّمني دعاء فقال انّ أفضل الدعاء ما جرى على لسانك ونقلاً من كتاب عبداللّه بن حمّاد الأنصاري باسناده عن أبي عبداللّهﷺ انّه سأله سائل أن يعلّمه دعاء فقال (وذكر مثله).

۱۱۱۴ ۲۶۶۷۴ (۲) **مستدرك** ۲۶۴/۵: مجموعة الشهيد قدّس اللّه روحه عن عليّﷺ **قال** قال رسول اللّهﷺ انّ الدعاء يردّ البلاء وقد ابرم ابراماً قال **الوشّاء** فقلت لعبداللّه بن سنان هل في ذلك دعاء موقّت.

۱۱۱۰ (۲) در کتاب فقه الرضاعليه السلام آمده است: «و بدان که یکی از عالمان [امامانعليهم السلام] مردی را دید که دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد تا او را از مردم بی نیاز گرداند پس فرمود: مردم نتوانند از مردم بی‌نیاز شوند ولی خداوند تو را از مردمان پست فطرت، بی‌نیاز گرداند.»

۱۱۱۱ (۳) در کتاب الجعفریّات از امام جعفر بن محمّدعليه السلام روایت شده که آن بزرگوار فرمود: «مردی در مجلس پدرم نشسته بود که گفت: خداوندا! ما را از تمام خَلق الله (مردم) بی‌نیاز گردان.

پس پدرم به او گفت: این را نگو بلکه بگو: خداوندا! ما را از مردم بد و بَدان مردم بی‌نیاز گردان زیرا به یقین مؤمن نمی‌تواند از برادر مؤمنش بی‌نیاز گردد.»

۱۱۱۲ (۴) در کتاب تنبیه الخواطر از علیعليه السلام روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «من گفتم: خدایا! مرا محتاج احدی از خَلقت مفرما پس پیامبر خداﷺ فرمود: ای علی! این چنین نگو زیرا احدی نیست مگر اینکه به مردم محتاج است. گفت: از حضرت پرسیدم: پس چه بگویم ای پیامبر خدا؟

پیامبرﷺ فرمود: بگو: خدایا! مرا محتاج مردم بد نگردان.

عرض کردم: ای رسول خدا! مردم بد کیانند؟ فرمود: آنان که اگر چیزی به کسی دهند منّت نهند و اگر [چیزی بخواهند و] به آن‌ها ندهند عیب‌گویی کنند.»

باب ۴۱
حال، خاستگاه دعا

۱۱۱۳ (۱) زراره روایت کرده که: «به حضرت صادقعليه السلام عرضه داشتم که به من دعایی بیاموز.

حضرت فرمود: بهترین دعا، دعایی است که بر زبان جاری شود.»[۱]

همین روایت را نیز حمّاد انصاری با اسناد خودش از امام صادقعليه السلام نقل کرده با این کیفیّت که: «سائلی از حضرت درخواست کرد به او دعایی بیاموزد...» و دنبالهٔ روایت مثل روایت قبلی است.

۱۱۱۴ (۲) شهید در مجموعه‌اش از امام علیعليه السلام روایت کرده که آن امام همام فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: دعا، بلایی را که حتمیّت و استحکام یافته، برگرداند.

وشّاء [یکی از راویان این حدیث شریف] گفت: از عبدالله بن سنان [دیگر راوی] پرسیدم: آیا برای این منظور [دفع بلا] آیا دعای خاصّی در وقت معیّنی است؟

---

۱. یعنی لازم نیست دعای خاصّی با الفاظ خاصّی باشد بلکه آنچه متناسب با حال داعی باشد بر زبانش جاری شود بهتر است از دعایی که فقط قال باشد و خالی از حال باشد. (مترجم).

فقال أما انّي سألت الصادق عليه السلام فقال نعم أما دعاء الشيعة المستضعفين ففي كلّ علة من العلل دعاء موقّت وامّا المستبصرون البالغون فدعائهم لايحجب.

وتقدّم في مرسلة الهداية (۵) من باب (۱۲) انّه لاقرائة في الصلاة على الميّت من أبواب الصلاة على الميّت قوله عليه السلام سبعة مواطن ليس فيها دعاء موقّت الصّلاة على الجنائز والقنوت الخ.

وفي رواية إسماعيل (۱) من باب (۲) مايقال في القنوت من أبوابه قوله سألت أبا عبداللّه عليه السلام عن القنوت وما يقال فيه قال عليه السلام ما قضى اللّه عزّ وجلّ على لسانك ولا أَعْلَمُ فيه شئياً موقّتاً.

وفي رواية الحلبي (۳) أنّه سئل أبا عبداللّه عليه السلام عن القنوت فقال عليه السلام اثن على ربّك وصلّ على نبيّك واستغفر لذنبك.

وفي رواية إسماعيل (۲) من باب (۷) ما ورد من الاستغفار في قنوت الوتر قوله سألت أبا عبداللّه عليه السلام عمّا أقول في وِتري فقال ما قضى اللّه على لسانك وقدّره.

وفي رواية بكر (۲۲) من باب (۱) وجوب التشهّد من أبوابه قوله عليه السلام قل (في التّشهّد والقنوت) بأحسن ما علمت فانّه لو كان موقّتاً لهلك الناس.

وفي رواية بكر (۲۷) قوله عليه السلام لو كان كما يقولون واجباً على الناس هلكوا انّما كان القوم يقولون أيسر ما يعلمون.

وفي رواية عبدالرحيم (۸) من باب (۱) ما يستحبّ من الصلاة لكلّ حاجة من أبواب صلاة الحوائج قوله انّي اخترعت دعاء قال عليه السلام دعني من اختراعك إذا نزل بك أمر فافزع إلى رسول اللّه صلى الله عليه وآله.

گفت: بدان که همین مطلب را من از امام صادق‌ؑ پرسیدم، حضرت فرمود: آری. برای شیعیان مستضعف [عوام که تحصیل علم دین نکرده اند] جهت هر مرضی از امراض، دعای خاصّی در وقت معیّنی است[۱] ولی دعای دانایان با بصیرت کمال یافته محجوب نماند و مردود نگردد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت پنجم از باب دوازدهم از باب‌های نماز میت فرموده امامؑ که: «در هفت مورد لازم نیست دعای معیّنی خوانده شود: یکی در نماز میّت و یکی در قنوت ... تا آخر روایت.»

و در روایت یکم از باب دوم از باب‌های قنون این گفته که: «از حضرت صادقؑ راجع به قنوت و دعایی که در آن باید گفته شود، پرسیدم. حضرت فرمود: هر چه خداوند به زبانت آورد بگو و دعای خاصّی برای آن سُراغ ندارم.»

و در روایت سوم این گفته که: «از حضرت صادقؑ در رابطه با قنوت سؤال شد. حضرت فرمود: خداوند را ستایش کن و بر پیامبرت صلوات بفرست و برای گناهانت آمرزش خواه.»

و در روایت دوم از باب هفتم این گفته که: «از حضرت صادقؑ پرسیدم که در قنوت نماز وترم چه بگویم؟ حضرت فرمود: هر چه خداوند به زبانت آورد و آن را مقدّر کرد.»

و در روایت بیست و دوم از باب یکم از باب‌های تشهد فرموده امامؑ که: «(در تشهّد و قنوت) بهترین دعایی که می‌دانی بخوان و اگر دعای خاصّ معیّنی بود مردم هلاک می‌شدند.»

و در روایت بیست و هفتم فرموده امامؑ که: «اگر دعای معیّنی بر مردم واجب بود آن سان که آن‌ها می‌گویند، مردم هلاک می‌شدند زیرا مردم آسان‌ترین و ساده‌ترین دعایی که یاد دارند می‌خوانند.»

و در روایت هشتم از باب یکم از باب‌های نماز حاجت‌ها این گفته که: «آقا من دعایی اختراع کردم. حضرت فرمود: اختراع خویش را فرو نِه، هر گاه مشکلی پیش آمد به رسول خداﷺ پناهنده شوید.»

---

۱. به همین جهت برای نوع مردم، بهترین کتاب دعا، مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عبّاس قمی است که برای هر روز و هر ماه و وقت‌های معیّن، دعاهای مشخّصی ذکر کرده است.

(۴۲)

باب أنّ للّه تعالى تسعة وتسعون اسماً من دعاه بها استجاب له ومن أحصاها دخل الجنّة

١١١٥ ٢٦٦٧٥ (١) **التوحيد** ١٩٥: حدثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني رضي الله عنه قال حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن أبي الصّلت **عبدالسلام** بن صالح الهرويّ عن عليّ بن موسى الرّضا عن أبيه عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله للّه عزّ وجلّ تسعة وتسعون إسماً من دعا اللّه بها استجاب له ومن أحصاها دخل الجنّة (وقال اللّه عزّ وجلّ وللّه الأسماء الحسنى فادعوه بها ـ ئل).

١١١٦ ٢٦٦٧٦ (٢) **التوحيد** ١٩٤: الخصال ٥٩٣: حدثنا أحمد بن الحسن القطّان قال حدثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال حدثنا بكر بن عبداللّه بن حبيب قال حدثنا تميم بن بهلول عن أبيه عن أبي الحسن العبديّ عن **سليمان** بن مهران عن الصّادق جعفر بن محمد عن (أبيه ـ توحيد) محمد بن عليّ عن أبيه عليّ بن الحسين عن أبيه الحسين بن عليّ عن أبيه عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله أنّ للّه تبارك وتعالي تسعة وتسعين اسماً مأة الّا واحدة من أحصاها دخل الجنّة وهي اللّه الإله الواحد الأحد الصّمد الأوّل الآخر السّميع البصير القدير القاهر العليّ الأعلىٰ الباقي البديع البارئ الأكرم الظّاهر الباطن الحيّ الحكيم العليم الحليم الحفيظ الحقّ الحسيب الحميد الحفيّ الربّ الرّحمن الرحيم الذّاري[1] الرزّاق الرّقيب الرّؤف (الرائي ـ توحيد) السّلام المؤمن المُهيمن العزيز الجبّار المتكبّر.

السيّد السّبوح الشّهيد الصّادق الصّانع الطّاهر العدل العفوّ الغفور الغنيّ الغياث الفاطر الفرد الفتّاح الفالق القديم الملك القدّوس القويّ القريب القيّوم القابض الباسط قاضي الحاجات المجيد المولى المنّان المحيط المبين المقيت المصوّر الكريم الكبير الكافي كاشف الضرّ الوتر النّور الوهّاب النّاصر الواسع الودود الهادي الوفيّ الوكيل الوارث البرّ الباعث التوّاب الجليل الجواد الخبير الخالق خير النّاصرين الديّان الشّكور العظيم اللطيف الشّافي ـ قال في الخصال وقد رويت هذا الخبر من طرق مختلفة وألفاظ مختلفة.

---

١. أي الخالق ذرأ اللّه الخلق: خلقهم.

باب ۴۲

نود و نه نام خداوند و آثار آن

(۱) ابوالصلت عبدالسلام بن صالح هروی از امام هشتم علیّ بن موسی الرضاﷺ روایت کرده و آن حضرت از پدرش و او از پدرانش و آن‌ها از علیﷺ روایت کرده‌اند که آن امام همام فرموده‌اند: «پیامبر خداﷺ فرمود: خداوند عزیز و جلیل دارای نود و نه نام است هر کس او را با آن نام‌ها بخواند، دعایش را مستجاب گرداند و هر کس آن‌ها را [یکی یکی] بر شمارد و نام ببرد به بهشت درآید. (و خداوند فرموده: «**خداوند را نام‌های نیکویی است، او را با آن‌ها بخوانید.**»[۱] ۱۱۱۵

(۲) سلیمان بن مهران از امام صادقﷺ روایت کرده که آن حضرت از پدرش محمّد بن علیﷺ و او از پدرش علیّ بن حسینﷺ و او از پدرش حسین بن علیﷺ و او از پدرش علیّ بن ابی طالبﷺ روایت کرده که آن امام همام فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: خدای تبارک و تعالی را نود و نه نام است یعنی صد یکی کم، که هر کس آن‌ها را برشمارد و یکی یکی بگوید، به بهشت درآید و آن نام‌ها عبارت است: خدا، معبود، یکتا، یگانه، بی نیاز، اوّل، آخر، شنوا، بینا، توانا، غلبه‌کننده، بالا، بالاترین، جاویدان، نوآفرین، نمودهنده، بزرگوارترین آشکار، نهان، زنده، رازدان، دانا، شکیبا، نگهبان، حقّ، حسابگر، ستوده، شایسته، مدبر، بخشنده، دلسوز، آفریدگار، روزی‌رسان، ناظر، مهربان، بیننده، سرچشمهٔ سلامیت، برقرار کنندهٔ امنیّت، تسلّط دارنده، شکست‌ناپذیر، جبران‌کننده، آقا، بسیار پاک، گواه، راستگو، سازنده، پاکیزه، دادگر، اهل گذشت، آمرزنده، بی‌نیاز، فریادرس، پدید آورندهٔ موجودات، تنها، گشاینده، شکافنده، ازلی، فرمانروا، محترم، توانا، نزدیک، محور هستی، گیرنده، دهنده، برآورندهٔ حوائج، شرافتمند، مالک، بسیار نعمت‌دهنده، احاطه دارنده و همه جا حاضر، روشن، زمان آفرین، شکل آفرین، سخاوتمند، بزرگ، کفایت‌کننده، برطرف کنندهٔ ضرر و بیچارگی، تک، نور، بسیار بخشنده، یاور، گشایشگر، دوست داشتنی، راهنما، باوفا، وکیل، ارث‌برنده، نیکوکار، برانگیزاننده، بسیار توبه‌پذیر، با جلالت و عظمت، با جود، دانا، آفریننده، بهترین یاری‌کننده، پاداش‌دهنده، بسیار تشکّرکننده، بزرگ، نامرئی، شفابخش.» ۱۱۱۶

این حدیث شریف به طُرُق و تعبیرات گوناگون دیگری نیز روایت شده است.

---

۱. اعراف ۷/ ۱۸۰.

۱۱۱۷ ۳۶۶۷۷ (۳) **العوالي** ۱۰۶/۴: **روى** عن النبيّ ﷺ أنّه قال ـ انّ للّه تعالى أربعة آلاف اسم الف لايعلمها إلّا اللّه وألف لا يعلمها إلّا اللّه والملائكة وألف لايعلمها إلّا اللّه والملائكة والنبيّون وأمّا الألف الرابع فالمؤمنون يعلمونه ثلاثمأة منها في التوراة وثلاثمأة في الانجيل وثلاثمأة في الزبور ومأة في القرآن تسعة وتسعون ظاهرة وواحد مكتوم من أحصاها دخل الجنّة.

۱۱۱۸ ۳۶۶۷۸ (۴) **مستدرك** ۲۷۹/۵: الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن **أبي هشام** قال كنت جالساً في مسجد واسط وصديق لي كان جالساً عندي إذ دخل في المسجد رجل وعليه ثياب السفر فأتى إلى اسطوانة فصلّى ركعتين ثمّ أتى إلينا وجلس عندنا.

وقال انّ في مسجدكم هذا تيامُناً إلى القبلة قلت كذا يقولون قال ما صلّيت هنا قطّ قبل هذا اليوم.

ثمّ قال أرى رجالاً يقولون اللّهمّ اني أسألك باسمك المكتوم أنّ اللّه تعالى اسماً مكتوماً عن العباد ألا ترى آدم وحوّا لمّا اضطرّا دعوا اللّه تعالى بأيّ اسم ﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا﴾ فقبل اللّه توبتهما ونوح ﷺ لمّا اضطرّ من الكفّار دعا اللّه بهذا الاسم ﴿رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى ٱلْأَرْضِ مِنَ ٱلْكَـٰفِرِينَ دَيَّارًا﴾ فأجاب اللّه دعائه وأهلك الكافرين.

وإبراهيم ﷺ مهما كانت له حاجة دعا اللّه بهذا الاسم ربِّ (اغفر لي و ـ خ) ﴿رَبِّ هَبْ لِى حُكْمًا وَأَلْحِقْنِى بِالصَّـٰلِحِينَ﴾.

فاستجيب له وموسى ﷺ لمّا قتل القبطيّ قال: ﴿رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَاغْفِرْ لِى﴾.

فأجابه الله بقوله فَغَفَرَ لَهُ وسليمان ﷺ لمّا أراد من اللّه تعالى المُلك والمغفرة دعا اللّه تعالى بهذا الاسم فقال ﴿رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَهَبْ لِى مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِى لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِىٓ﴾، فأجابه اللّه تعالى وزكريّا لمّا أراد من اللّه تعالى الولد دعا اللّه تعالى ووهب له يحيىٰ.

(۳) در کتاب عوالی اللئالی از پیامبرﷺ روایت شده که فرمود: «خداوند متعال چهارهزار نام دارد که هزار نام آن را جز خدا نداند و هزار نام را جز خدا و فرشتگان ندانند و هزار نام جز خدا و فرشتگان و پیامبران ندانند و امّا هزار نام چهارمی را مؤمنان نیز می‌دانند که سیصد تای آن در تورات و سیصد نام آن در انجیل و سیصد نام هم در زبور و صد نام آن در قرآن است که نود و نُه نام آشکار و یکی پنهان است، هر کس آن‌ها را برشمارد [اهل بهشت خواهد شد و] به بهشت درآید.» ۱۱۱۷

(۴) ابوهشام حکایت کرد، که: در مسجد واسط با دوستم نشسته بودم ناگاه مردی که لباس سفر بر تن داشت به مسجد آمد، به کنار ستونی رفت و دو رکعت نماز خواند. سپس به طرف ما آمد و پیش ما نشست و گفت: قبلهٔ این مسجد به سمت راست تمایل دارد؟ گفتم: اینگونه می‌گویند. گفت: تا کنون در این مسجد نماز نخوانده بودم! ۱۱۱۸

سپس گفت: کسانی را می‌بینم که می‌گویند: خداوندا! از تو می‌خواهم به نام پنهان و مستورت. آری خداوند را نامی است که بر بندگان پوشیده نگاه داشته شده آیا نمی‌بینی آدم و حوّا را که چون مضطرّ شدند به چه نامی خدا را خواندند گفتند: «**پروردگارا! ما به خود ستم کردیم.**» پس خداوند توبهٔ آن‌ها را پذیرفت.

و حضرت نوحؑ چون از دست کافران، کارش به اضطرار کشید، خدا را به همین نام خواند: «**پروردگار من! احدی از کافران را بر روی زمین باقی نگذار.**» خداوند نیز دعایش را پذیرفت و کافران را از میان برداشت.

و حضرت ابراهیمؑ هر گاه حاجتی داشت با همین نام خدا را می‌خواند: «**پروردگار من! مرا بیامرز و مرا حکمت بخش و مرا به صالحان و شایستگان ملحق فرما.**» پس دعایش به اجابت رسید.

و حضرت موسیؑ چون آن قبطی را کشت، گفت: «**پروردگارم! من به خود ستم کردم، تو از من درگذر.**»

و حضرت سلیمانؑ چون از خداوند فرمانروایی و آمرزش درخواست کرد، خداوند متعال را به همین نام خواند و گفت: «**پروردگارم! مرا بیامرز و به من سلطنتی ده که احدی را پس از من میسّر نگردد.**» پس خداوند متعال دعای او را مستجاب گرداند.

و حضرت زکریّا چون از خداوند متعال فرزند می‌خواست، خداوند متعال را خواند و خداوند یحیی را به او بخشید.

وسيّد ولد آدم محمّد رسول اللّهﷺ دعا اللّه تعالى بهذا الاسم قال ربِّ اغفرْ وَارحَمْ وَأَنتَ أَرحمُ الرّاحمينَ.

فأجابه اللّه وقال ليغفرَ لكَ اللّهُ ما تقدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَما تأَخَّر والصالحون مـن أمّـته لمّـا دعوا اللّه تعالى بهذا الاسم في آخر سورة آل عمران ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَـٰذَا بَـٰطِلاً﴾ إلى آخر الآيات.

فاستجيب لهم بقوله فَاستَجابَ لَهُمْ ربُّهُم والرّجيمُ المَطْرُود شر خلق اللّه دعا اللّه تعالى بهذا الاسم ﴿رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ فاستجاب له في قوله ﴿إِنَّكَ مِنَ ٱلْـمُنظَرِينَ﴾ فليس للّه تعالى اسم أجلّ من هذا قال هذا وغاب عنّا فعلمنا أنّه الخضرﷺ.

۱۱۱۹ ۳٦٦٧۹ (٥) **البحار** ۲۷۳/۹۳: الدرّ المنثور للسّيوطي عن **أبي نعيم** باسناده عن محمد بن جعفر قال سألت أبي جعفر بن محمد الصادق عن الأسماء التسعة والتسعين التي مـن أحـصاها دخل الجنّة.

فقال هي في القرآن ففي الفاتحة خمسة أسماء يا اللّه يا ربّ يا رحمان يا رحيم يا مالك.

وفي البقرة ثلاثة وثلاثون اسماً هم يا محيط يا قدير يا عليم يا حكيم يا عليّ يا عظيم يا توّاب يا بصير يا وليّ يا واسع ياكافي يا رؤوف يا بديع يا شاكر يا واحد يا سميع يا قابض يا باسط يا حيّ يا قيّوم يا غنيّ يا حميد يا غفور يا حليم يا إله يا قريب يا مجيب يا عزيز يا نصير يا قويّ يا شديد يا سريع يا خبير.

وفي آل عمران يا وهّاب يا قائم يا صادق يا باعث يا منعم يا متفضّل.

وفي النساء يا رقيب يا حسيب يا شهيد يا مقيت يا وكيل يا عليّ يا كبير.

وفي الأنعام يا فاطر يا قاهر يا لطيف يا برهان.

وفي الأعراف يا محيي يا مميت.

و سرور همهٔ فرزندان آدم، حضرت محمّد، پیامبر خداﷺ خداوند متعال را به همین نام خواند و گفت: «**پروردگارم! بیامرز و ترّحم فرما و تو رحم‌دل‌ترین رحم دلانی.**» پس خداوند به او جواب مثبت داد و فرمود: «**تا بیامرزد خداوند گناهان پیشین و پسین تو را.**»

و بندگان صالح از امّت این پیامبر چون خدا را به این نام خواندند، همان طور که در آخر سوره آل عمران آمده است: «**پروردگارا! ما تو این جهان را بیهوده و بی‌هدف نیافریده‌ای تا آخر آن آیه‌ها.**» پس خداوند آن‌ها را اجابت فرمود و گفت: «**پس پروردگارشان دعای آن‌ها را مستجاب کرد.**»

و شیطان رانده شدهٔ طرد شده که بدترین آفریدهٔ خدا است، خدا را به این نام خواند و گفت: «**پروردگارم! تا روز قیامت که آن‌ها** [بنی آدم] **دوباره زنده شوند به من مهلت ده.**» پس خداوند او را رد نکرد و دعایش مستجاب کرد و فرمود: «**تو از مهلت داده شدگانی.**»

پس برای خداوند متعال نامی بزرگتر از این نیست.

این سخنان را گفت و از چشم ما غایب شد. پس فهمیدیم که او حضرت خضرؑ بود.»

۱۱۱۹ (۵) محمّد بن جعفر گوید: «از پدرم امام جعفر صادقؑ از آن نود و نه نامی که هر کس آن‌ها را برشمارد به بهشت بار یابد پرسیدم. حضرت فرمود: آری این نام‌ها در قرآن است. سپس به تفصیل فرمود: پنج تای آن در «فاتحة الکتاب» است که عبارتند از: ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای صاحب اختیار و سی و سه نام در سوره «بقره» است که عبارتند از: ای احاطه دارنده، ای توانا، ای دانا، ای رازدان، ای بالا مرتبه، ای بزرگ، ای توبه‌پذیر، ای بینا، ای سرپرست، ای گشایشگر، ای کفایت‌کننده، ای مهربان، ای نوآفرین، ای قدردان، ای یکتا، ای شنوا، ای گیرنده، ای گستراننده، ای زنده، ای تکیه‌گاه هستی، ای بی‌نیاز، ای ستوده، ای آمرزنده، ای دیرخشم، ای معبود، ای نزدیک، ای جواب دهنده، ای شکست‌ناپذیر، ای یاور، ای توانا، ای سخت و استوار، ای به سرعت انجام دهنده، ای آگاه.

و این نام‌ها در سوره «آل عمران» است: ای بسیار بخشنده، ای ایستاده، ای راستگو، ای برانگیزاننده، ای نعمت‌دهنده، ای تفضّل‌کننده.

و در سوره «نساء» آمده است: ای نگهبان، ای حسابگر، ای گواه همیشه حاضر، ای وقت گذارنده [مثلاً برای نماز و روزه و حج و... وقت معیّنی گذاشته.] ای وکالت‌کننده، ای بلند مرتبه، ای بزرگ.

و در سوره «انعام» آمده است: ای پدید آورنده از عدم، ای غلبه دارنده، ای باریک بین، ای برهان.

و در سوره «اعراف» آمده است: ای زنده‌کننده، ای میراننده.

وفي الأنفال يا نعم المولى ويا نعم النصير.

وفي هود يا حفيظ يا مجيد يا ودود يا فعّالاً لما يريد.

وفي الرعد يا كبير يا متعال.

وفي إبراهيم يا منّان يا وارث.

وفي الحجر يا خلّاق.

وفي مريم يا فرد.

وفي طه يا غفّار.

وفي قد أفلح يا كريم.

وفي النور يا حقّ يا مبين.

وفي الفرقان يا هادي.

وفي سبأ يا فتّاح.

وفي الزّمر يا عالم.

وفي غافر يا غافر يا قابل التّوب يا ذا الطّول يا رفيع.

وفي الذّاريات يا رزّاق يا ذا القوّة يا متين.

وفي الطور يا برّ.

وفي اقتربت يا مقتدر يا مليك.

وفي الرحمن يا ذا الجلال والاكرام يا ربّ المشرقين وربّ المغربين يا باقي يا معين.

وفي الحديد يا أوّل يا آخر يا ظاهر يا باطن.

وفي الحشر يا مَلِك يا قدّوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبّار يا متكبّر يا خالق يا بارئ يا مصوّر.

وفي البروج يا مبدئ يا معيد.

وفي الفجر يا وتر وفي الاخلاص يا أحد يا صمد.

وتقدّم في رواية العيص (۹) من باب (۸) تقدّم تمجيد اللّه على الدعاء قوله ﷺ إذا طلب أحدكم الحاجة فليثن إلى ربّه (إلى أن قال) واكثر من أسماء اللّه عزّ وجلّ فانّ أسماء اللّه كثيرة.

و در سوره «انفال» آمده است: ای مولای خوب، ای یاور خوب.

و در سوره «هود» آمده است: ای نگهدارنده، ای ارجمند، ای دوست، ای انجام دهندهٔ آنچه خواهی.

و در سوره «رعد» آمده است: ای بزرگ، ای بلند مرتبه.

و در سوره «ابراهیم» آمده است: ای نعمت دهنده، ای ارث برنده.

و در سوره «حِجْر» آمده است: ای بسیار آفریننده.

و در سوره «مریم» آمده است: ای تنها.

و در سوره «طٰهٰ» آمده است: ای آمرزنده.

و در سوره «قد افلح المؤمنون» آمده است: ای بزرگوار.

و در سوره «نور» آمده است: ای حقّ، ای آشکار.

و در سوره «فرقان» آمده است: ای راهنما.

و در سوره «سبأ» آمده است: ای گشاینده.

و در سوره «زُمَر» آمده است: ای دانا.

و در سوره «غافر» آمده است: ای آمرزنده، ای توبه‌پذیر، ای والا مقام.

و در سوره «ذاریات» آمده است: ای روزی دهنده، ای نیرومند، ای استوار.

و در سوره «طور» آمده است: ای نیکوکار.

و در سوره «اقتربت» آمده است: ای توانمند، ای پادشاه.

و در سوره «رحمن» آمده است: ای منزّه از هر بدی و متّصف به هر خوبی، ای پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب، ای پاینده، ای یاری کننده.

و در سوره «حدید» آمده است: ای اوّل، ای آخر، ای آشکار، ای نهان.

و در سوره «حشر» آمده است: ای پادشاه، ای پاک پاک، ای سرچشمهٔ سلامتی، ای امنیّت‌دهنده، ای سیطره دارنده، ای شکست‌ناپذیر، ای جبران‌کننده، ای بزرگ، ای آفریننده، ای نمودهنده، ای شکل‌آفرین.

و در سوره «بروج» آمده است: ای ابتدا کننده به آفریدن، ای بازگرداننده آفرینش.

و در سوره «فجر» آمده است: ای یکتا.

و در سوره «اخلاص» آمده است: ای یگانه، ای بی‌نیاز.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت نهم از باب هشتم فرموده امام ﷺ که: «هر گاه یکی از شما می‌خواهد از خدایش حاجتی درخواست کند، اوّل پروردگار خود را ستایش کند (تا آنجا که فرمود:) نام‌های خداوندﷻ را زیاد بر زبان جاری کن زیرا نام‌های خداوند، فراوان است.»

(۴۳)

باب ما ورد في انّ النطفة تتحوّل في الرّحم أربعين يوماً أربعين يوماً فإذا تمّت أربعة أشهر بعث اللّه تعالى مَلَكَيْنِ خلاّقين يصوّرانه ويكتبان رزقه وأجله وجميع أحواله وشقيّا أو سعيداً فمن أراد أن يدعو للحبلىٰ أن يجعل اللّه ما في بطنها ذكراً سويّاً فالأولىٰ أن يدعو قبل أربعة أشهر وإن جاز بعدها أيضاً لأنّ اللّه يفعل ما يشاء

قال اللّه تعالى في سورة المؤمنون (۲۳): ۱۳و ۱۴: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَـٰهُ نُطْفَةً فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا ٱلنُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا ٱلْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا ٱلْمُضْغَةَ عِظَـٰمًا فَكَسَوْنَا ٱلْعِظَـٰمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَـٰهُ خَلْقًا ءَاخَرَ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحْسَنُ ٱلْخَـٰلِقِينَ﴾.

۱۱۲۰ ۳٦٦۸۰ (۱) **كافي** ۱٦/٦: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن محمد بن الحسين عن **محمد** بن إسماعيل أو غيره قال قلت لأبي جعفر عليه السلام جعلت فداك الرجل يدعو للحبلىٰ أن يجعل اللّه ما في بطنها ذكراً سويّاً قال يدعو ما بينه وبين أربعة أشهر فانّه أربعين ليلة نطفة وأربعين ليلة عَلَقة وأربعين ليلة مضغة فذلك تمام أربعة أشهر ثمّ يبعث اللّه ملكين خلاّقين فيقولان ياربّ ما نخلق[1] ذكراً أم أُنثىٰ شقيّاً أو سعيداً فيقال ذلك فيقولان ياربّ ما رزقه وما أجله وما مدّته فيقال ذلك وميثاقه بين عينيه ينظر إليه ولايزال منتصباً في بطن أمّه حتّىٰ إذا دنا خروجه بعث اللّه عزّ وجلّ إليه ملكاً فزجره زجرة فيخرج وينسى الميثاق.

۱۱۲۱ ۳٦٦۸۱ (۲) **كافي** ۱۳/٦: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن ابن فضّال عن **الحسن** بن الجهم قال قال سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول قال أبو جعفر عليه السلام انّ النطفة تكون في الرحم أربعين يوماً ثمّ تصير علقةً أربعين يوماً ثمّ تصير مضغة أربعين يوماً فإذا كمل أربعة أشهر بعث اللّه ملكين خلاّقين فيقولان يا ربّ ماتخلق ذكراً أو أُنثى فيؤمران.

---

۱. ماتخلق ـ وسائل.

باب ۴۳

دعا برای پسر شدن فرزند در رحم مادر

خداوند متعال فرمود:

سپس او [انسان] را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم، آنگاه نطفه را به صورت خون لخته درآوردیم، پس خون لخته را به صورت پاره گوشتی درآوردیم و آنگاه پاره گوشت را به استخوان‌هایی تبدیل کردیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را] آفرینش دیگری [ورای عالم مادّه] دادیم، پس آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.[۱]

۱۱۲۰ (۱) محمّد بن اسماعیل یا دیگری گوید: «به حضرت امام محمّد باقر‌ علیه‌السلام عرض کردم: فدایت شوم! مرد می‌تواند برای زن حامله‌اش دعا کند تا خداوند بچّه موجود در شکمش را پسر سالم قرار دهد؟

حضرت باقر‌ علیه‌السلام فرمود: در فاصلهٔ میان انعقاد نطفه تا چهار ماهگی می‌توان دعا کرد زیرا او [جنین] تا چهل روز نطفه است و چهل روز بعد به صورت خون لخته است و چهل روز بعد به صورت پاره گوشتی است. پس تا اینجا چهار ماه تمام سپری شده سپس خداوند دو فرشتهٔ بشر آفرین می‌فرستد، آن‌ها می‌گویند: ای پروردگار! چه بیافرینیم؟ پسر یا دختر؟ بدبخت یا خوشبخت؟ پس پاسخ این سؤال‌ها گفته شود [و تکلیف آن‌ها مشخّص می‌شود.] پس می‌گویند: ای پروردگار! روزی‌اش چیست؟ و اجلش کی است؟ و عمرش چقدر است؟ پس این‌ها هم گفته شود [و معلوم گردد]. [و این‌ها همه در پیمان‌نامه‌ای مندرج است] و آن پیمان‌نامه همچون تابلویی در جلوی چشمانش نصب است که به آن می‌نگرد تا وقتی که در شکم مادرش هست و آن هنگام که تولّدش نزدیک می‌شود خداوند‌ عزّوجلّ فرشته‌ای می‌فرستد تا اینکه او را با فشار بیرون کند و از همین لحظه به بعد، دیگر آن پیمان‌نامه را فراموش می‌کند.»

۱۱۲۱ (۲) حسن بن جهم گوید: «از امام رضا‌ علیه‌السلام شنیدم که فرمود: امام محمّد باقر‌ علیه‌السلام فرمود: جنین در شکم مادر تا چهل روز به صورت نطفه است. سپس تا چهل روز دیگر به صورت خون لخته است سپس تا چهل روز بعد به صورت پاره گوشتی است و چون چهار ماه تمام سپری شد، خداوند دو فرشتهٔ آفریننده می‌فرستد. پس آن دو می‌گویند: ای پروردگار! چه بیافرینیم؟ پسر یا دختر؟ پس آن دو فرشته دستور داده شوند که چه کنند.

---

۱. مؤمنون ۲۳/۱۳ـ ۱۴.

فيقولان ياربّ شقيّاً أو سعيداً فيؤمران فيقولان ياربّ ما أجله وما رزقه وكلّ شيء من حاله وعدّد من ذلك أشياء ويكتبان الميثاق بين عينيه فإذا أكمل اللّه له الأجل بعث اللّه ملكاً فزجره زجرة فيخرج وقد نسى الميثاق فقال الحسن بن الجهم فقلت له أفيجوز أن يدعو اللّه فيحوّل الأُنثى ذكراً والذكر أُنثىٰ؟ فقال ان اللّه يفعل ما يشاء **وسائل ۱۴۲/۷**: عبداللّه بن جعفر الحميري في (قرب الاسناد) عن الحسن بن الجهم قال قلت للرضا عليه السلام يجوز أن يدعو اللّه (وذكر مثله).

۱۱۲۲ ۲۶۶۸۲ (۳) **قرب الاسناد ۳۵۲**: أحمد بن محمد بن عيسى عن **أحمد** بن محمد بن أبي نصر قال البزنطي وسألته أن يدعو اللّه عزّ وجلّ لامرأة من أهلنا بها حمل.

قال فقال أبو جعفر عليه السلام الدعاء ما لم يمض أربعة أشهر فقلت له انّما لها أقلّ من هذا فدعا لها ثمّ قال انّ النّطفة تكون في الرحم ثلاثون (ثلاثين ـ خ ل) يوماً وتكون عَلَقَة ثلاثون (ثلاثين ـ خ ل) يوماً وتكون مضغة ثلاثين يوماً وتكون مخلّقة وغير مخلّقة ثلاثين يوماً فاذا تمّت الأربعة أشهر بعث اللّه تبارك وتعالى إليها ملكين خلّاقين يصوّرانه ويكتبان رزقه وأجله وشقيّاً أو سعيداً.

۱۱۲۳ ۲۶۶۸۳ (۴) **العلل ۹۵**: حدثنا المظفّر بن جعفر بن المظفّر العلويّ رحمه الله قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود عن أبيه قال حدثنا علي بن الحسن قال حدثنا محمد بن عبداللّه بن زرارة عن **علي** بن عبداللّه عن أبيه عن جدّه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال تعتلج النطفتان في الرحم فأيّتهما كانت أكثر جاءت تشبهها فإن كانت نطفة المرأة أكثر جاءت تشبه أخواله وإن كانت نطفة الرجل أكثر جاءت تشبه أعمامه وقال تحوّل النطفة في الرحم أربعين يوماً فمن أراد أن يدعو اللّه عزّ وجلّ ففي تلك الأربعين قبل أن تخلق ثمّ يبعث اللّه ملك الأرحام فيأخذها فيصعد بها إلى اللّه عزّ وجلّ فيقف منه حيث يشاء اللّه فيقول يا إلهي أذكرٌ أم أنثى. فيوحي اللّه عزّ وجلّ ما يشاء ويكتب الملك.

باز آن دو فرشته گویند: ای پروردگار! بدبخت یا خوش‌بخت؟ پس دستور رسد که چه کنند. آن‌ها گویند: ای پروردگار! مرگش چه وقت است؟ و روزی‌اش چیست؟ و همهٔ حالات او را کـه حـضرت تعدادی از آن‌ها را برشمرد، تعیین می‌کنند و به صورت عهد نامه‌ای آن را بر پیشانی‌اش می‌نویسند و چون خداوند دوران ماندن بچّه در رحم مادر را کامل کرد، فرشته‌ای می‌فرستد تا او را به زور بیرون آورند. در همین لحظه او عهدنامه را فراموش می‌کند. حسن بن جهم گوید: به حضرت عرض کردم: آیا می‌توان دعا کرد و از خدا خواست که دختر را پسر یا پسر را دختر گرداند؟

امام باقر‌ علیه السلام فرمود: [آری] بی گمان خداوند هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد.»

۱۱۲۲ (۳) بزنطی گوید: «از امام باقر‌ علیه السلام درخواست کردم که دعا کند بـرای خـانمی کـه از خـویشاوندان ماست و حامله بود.

حضرت باقر‌ علیه السلام فرمود: دعا تا وقتی مؤثّر است که چهار ماه نگذشته باشد. بـه حـضرت عـرض کردم: کمتر از این مقدار است.

پس حضرت برای آن زن دعا کرد.

سپس فرمود: نطفه در رحـم، سـی روز نـطفه است و سی روز خـون لخـته است و سـی روز، پاره‌گوشتی است و سی روز بعدی کامل الخلقه بودن یا ناقص الخلقه بودنش رقم می‌خورد.

و چون چهار ماه تمام گذشت، خداوند تبارک و تعالی دو فرشتهٔ آفریننده می‌فرستد تـا شکـل و قیافهٔ او را ترسیم کنند و رزق و روزی و زمان مرگش را و اهل شقاوت یا سعادت بودنش را بنویسند.»

۱۱۲۳ (۴) علی بن عبدالله از پدرش و او از جدّش و او از امیر مؤمنان علی‌ علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «نطفهٔ زن و مرد در رحم با یکدیگر آمیخته شود، پس هر کدام از آن دو نطفه بیشتر باشد، بچّه به او شباهت پیدا می‌کند. پس اگر نطفهٔ زن بیشتر باشد بچّه به دایی‌هایش شباهت پیدا کند و اگر نطفهٔ مرد بیشتر باشد به عموهایش شباهت یابد.

و فرمود: و نطفه در رحم پس از چهل روز تغییر [تکاملی] پیدا می‌کند. پس هر کس می‌خواهد دعا کند و از خداوند‌ عزّوجلّ [چیزی راجع به فرزند] بخواهد، پس در همین چهل روز اوّل بخواهد پیش از اینکه آفرینش بچّه سامان بیابد.

وانگهی خداوند فرشتهٔ موکّل بر رحم‌ها را می‌فرستد و او رحم را گرفته و به سوی خداوند‌ عزّوجلّ بالا می‌رود پس در موضعی که خدا بخواهد می‌ایستد و می‌گوید: معبود من! آیا پسر شود یا دختر؟

پس خداوند عزیز و جلیل آنچه که بخواهد به آن فرشته وحی می‌کند و او هم می‌نویسد.

ثم يقول يا إلهي أشقيّ أم سعيد فيوحى اللّه عزّ وجلّ من ذلك ما يشاء ويكتب الملك فيقول إلهي كم رزقه وما أجلُه ثمّ يكتبه ويكتب كلّ شيء يصيبه في الدّنيا بين عينيه ثمّ يرجع به فيردّه في الرحم فذلك قول اللّه عزّ وجلّ ـ ما أصاب من مصيبة في الأرض ولا في أنفسكم إلّا في كتاب من قبل أن نبرأها.

۱۱۲٤ ۲٦٦٨٤ (٥) **معاني الأخبار ٤٠٥**: أبيؒ قال حدثنا محمد بن يحيى العطّار عن محمد بن أحمد عن عليّ بن السندي عن **محمد** بن عمرو بن سعيد عن أبيه قال كنت عند أبي الحسنؑ حيث دخل عليه داود الرّقّي فقال له جعلت فداك انّ الناس يقولون اذا مضى للحامل ستّة أشهر فقد فرغ اللّه من خلقته فقال أبو الحسنؑ ياداود ادع ولو بشقّ الصفا فقلت جعلت فداك وأيّ شيء شق الصفا قال ما يخرج مع الولد فان اللّه يفعل ما يشاء.

وتقدّم في رواية جابر (٨) من باب (٣٣) انّ في القرآن ما يؤمن به من الحرق قوله يابن رسول اللّهﷺ انّ جاريتي قد دخلت في شهرها وليس لي ولد فادع اللّه أن يرزقني ابناً فقال اللهمّ ارزقه ذكراً سوياً الحديث.

(٤٤)

باب انّ من أراد أن يُستَجابَ دعائه فليَيْأس من النّاس فلا يكون له رجاء إلّا عنداللّه عزّ وجلّ

۱۱۲٥ ۲٦٦٨٥ (١) **كافي ١٤٨**: علي بن ابراهيم عن أبيه وعليّ بن محمّد القاساني جميعاً عن القاسم بن محمد عن سليمان بن داود المنقريّ عن حفص بن غياث قال قال أبو عبداللّهؑ إذا أراد أحدكم أن يسأل ربّه شيئاً إلّا أعطاه فلييأس من النّاس كلّهم ولا يكون له رجاء إلّا عنداللّه فاذا علم اللّه عزّوجلّ ذلك من قلبه لم يسأل اللّه شيئاً إلّا أعطاه.

وتقدّم في رواية حفص (١١) من باب (٢) ماورد في ذم النفس من أبواب جهاد النفس مثله. **فقه الرضا**ؑ ١٣٦٧ روى اذا اراد (وذكر مثله الى قوله (إلّا عند اللّه).

پس می‌گوید: معبود من! آیا اهل شقاوت است یا اهل سعادت؟

پس خداوند در رابطهٔ با او آنچه بخواهد وحی می‌کند و آن فرشته می‌نویسد.

پس فرشته گوید: معبود من! رزق و روزی اش چقدر است؟ و زمان مرگش کی است؟ و این‌ها و آنچه در دنیا به او خواهد رسید را در میان دو چشمش می‌نویسد.

وانگهی بچّه را به رحم بر می‌گرداند و همین است معنی فرمایش خداوند ﷻ که فرمود: **«هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما [به شما] نرسد مگر آنکه پیش از آن که آن را پدید آوریم، در کتابی مکتوب است. این کار بر خدا آسان است.»**[1]

۱۱۲۴ (۵) محمد بن عمرو بن سعید از پدرش و او از امام موسی کاظم ؈ روایت کرده که گفت: «در محضر امام کاظم ؈ بودم که داود رقّی وارد شد، به حضرت گفت: فدایت شوم! مردم می‌گویند وقتی که زن حامله، بچّه‌اش شش ماه شد دیگر خداوند از آفرینش او فارغ شده است.

امام کاظم ؈ فرمود: ای داود! دعا کن هر چند به هنگام «شقّ صفا».

پس عرض کردم: فدایت شوم! «شقّ صفا» چیست؟ فرمود: چیزی است که با بچّه از رحم بیرون می‌آید زیرا خداوند آنچه بخواهد، انجام می‌دهد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت هشتم از باب سی و دوم این گفته که: «ای پسر رسول خدا! کنیز من [حامله است] و در ماهش داخل شده [ظاهراً مقصود ماه زایمان است] و من هم فرزندی ندارم پس دعا بفرمایید خداوند به من پسری روزی فرماید. پس حضرت فرمود: خداوندا! یک پسر سالم به او مرحمت فرما.»

باب ۴۴

قطع امید از همه زمینه‌ساز استجابت دعا

۱۱۲۵ (۱) حفص بن غیاث از حضرت صادق ؈ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه کسی از شما می‌خواهد که از پروردگارش چیزی نخواهد مگر اینکه به او بدهد، پس باید که از تمام مردم ناامید گردد و جز به خدا چشم امید نداشته باشد و چون خداوند ﷻ از دل او این حالت را دانست، از خداوند چیزی درخواست نمی‌کند مگر اینکه به او خواهد داد.»

در روایت یازدهم از باب دوم از باب‌های جهاد با نفس مانند آن هست.

---

۱. حدید ۲۲/۵۷.

۱۱۲۶ ۲۶۶۸۶ (۲) **عدّة الداعي** ۱۲۲: وفيما وعظ اللّٰه تعالى به عيسىٰ يا عيسى ادعني دعاء الحزين الغريق الّذي ليس له مغيث يا عيسى سلني ولا تسأل غيري فيحسن منك الدعاء ومنّي الإجابة ولا تَدعُني إلّا متضرّعاً إليّ وهمّك همّاً واحداً فانّك متى تدعني كذلك أجبك.

۱۱۲۷ ۲۶۶۸۷ (۳) وفيه ۱۳۲: وفيما أوحى اللّٰه إلى موسىٰ؈ ياموسىٰ ما دَعُوتني ورجوتني فانّي سأغفر لك.

وتقدّم في أحاديث باب (۴۰) استحباب القناعة والتعفّف من أبواب ما يتأكّد استحبابه من الحقوق في المال في كتاب الزكاة ج ۹ ما يناسب الباب **وفي** أحاديث باب (۵۸) وجوب الاعتصام باللّٰه تعالى من أبواب جهاد النفس ج ۱۷ما يدلّ علىٰ بعض المقصود.

وفي رواية البحار (۱۲) من باب (۱۹) إجابة الدعاء عند هبوب الرياح ما يدلّ على انّ قطع العلايق عمّا دون اللّٰه يوجب استجابة الدعاء.

(۴۵)

باب ماورد في انّ اللّٰه تعالى لايجيب دعوة مظلوم ولأحد عنده مظلمة

۱۱۲۸ ۲۶۶۸۸ (۱) **الثواب** ۳۲۱: أبي؏ قال حدثني سعد بن عبداللّٰه عن أحمد بن محمد عن عليّ بن عيسى عن عليّ بن سالم قال سمعت أبا عبداللّٰه؈ يقول انّ اللّٰه عزّوجلّ يقول وعزّتي وجلالي لااُجيب دعوة مظلوم دعاني في مظلمة [ظلمها] ولأحد عنده مثل تلك المظلمة.

فلاح السائل ۳۸: محمد بن الحسن الصفّار عن أبي طالب عن عثمان بن عيسى عن **عليّ** بن سالم قال سمعت أبا عبداللّٰه؈ يقول قال اللّٰه تبارك وتعالى وعزّتي وجلالي (وذكر مثله).

۱۱۲۹ ۲۶۶۸۹ (۲) **فلاح السائل** ۳۷: محمد بن الحسن الصفّار عن أيّوب بن نوح عن العبّاس بن عامر الصبابي (القصبابي ـ خ) عن ربيع بن محمد المسلمي (المسلمي ـ خ) عن عبدالأعلى السهمي عن **نوف** عن أمير المؤمنين؈ قال انّ اللّٰه تبارك وتعالى أوحىٰ إلى عيسىٰ بن مريم؈ قل للملأ من بني اسرائيل لا تدخلوا بيتاً من بيوتي الّا بقلوب طاهرة وأبصار خاشعة وأكفّ نقيّة وقل لهم انّي غير مستجيب لأحد منكم دعوة ولأحد من خلقي قِبَلَهُ مظلمة **عدّة الداعي** ۱۳۰: عن أمير المؤمنين؈ أوحى اللّٰه إلى عيسى قل لبني اسرائيل لايدخلوا بيتاً (وذكر نحوه).

(۲) ابن فهد حلّی‌ رحمه‌الله در کتاب عدّة الداعی نقل کرده است که: «از جمله مواعظ خداوند متعال به حضرت عیسی‌ علیه‌السلام این بود که: ای عیسی! به مانند اندوهگینی که در شرف غرق شدن است و دادرسی جز من ندارد، مرا بخوان. ۱۱۲۶

ای عیسی! از من بخواه و از غیر من نخواه، آنگاه دعای تو نیکو و زیبا شود پس اجابت من نیز نیکو و زیبا شود و مرا مخوان مگر با تضرّع و زاری و مگر اینکه همهٔ همّتت یک همّت شده باشد. پس به راستی هر گاه که تو این چنین مرا بخوانی، من اجابت کنم تو را.»

(۳) و در همان کتاب عدّة الداعی آمده است: «از جمله مطالبی که خداوند به حضرت موسی‌ علیه‌السلام وحی کرد این بود که: ای موسی! تا وقتی که مرا می‌خوانی و به من امید بسته‌ای امید آمرزش داشته باش که به زودی تو را خواهم آمرزید.» ۱۱۲۷

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب چهلم از باب‌های تأکید بر استحباب حقوق در مال در کتاب زکات آنچه مناسب با باب هست.

و در روایات باب پنجاه و هشتم از باب‌های جهاد با نفس آنچه بر بعضی از مقصود دلالت می‌کند.

و در روایت دوازدهم از باب نوزدهم مناسب آن.

باب ۴۵

مستجاب نشدن دعای ستمدیده‌ای که خود ستم کرده

(۱) علیّ بن سالم گوید: «از امام صادق‌ علیه‌السلام شنیدم که فرمود: خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: به عزّت و جلالم قسم، مستجاب نمی‌کنم دعای ستمدیده‌ای را در ستمی که مثل همان ستم را خود او به دیگری کرده است.» ۱۱۲۸

در کتاب فلاح السائل نیز همین روایت نقل شده است.

(۲) نوف از امیرمؤمنان‌ علیه‌السلام روایت کرده که آن امام همام فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم‌ علیه‌السلام وحی کرد که: به بنی اسرائیل بگو: به خانه‌ای از خانه‌های من وارد نشوید مگر با دل‌هایی پاک و دیدگانی خاشع و دست‌هایی پاک و به آن‌ها بگو: من دعای احدی از شما را که پیش او مظلمه و ستمی است نسبت به یکی از مخلوقاتم، مستجاب نخواهم کرد.» ۱۱۲۹

در کتاب عدّة الداعی نیز این روایت ارزشمند ذکر شده است.

١١٣٠ ٣٦٦٩٠ (٣) **أمالي الصدوق** ٣٦٢: حدثنا أبي قال حدّثنا سعد بن عبدالله قال حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال حدثنا القاسم بن عيسى عن جدّه **الحسن** بن راشد عن الصادق جعفر بن محمد ﷺ قال إذا ظلم الرجل فظلّ يدعو على صاحبه قال الله جلّ جلاله انّ هاهنا آخر يدعو عليك يزعم أنّك ظلمته فإن شئت أجبتك وأجبت عليك وإن شئت أخّرتكما فتوسّعكما عفوي.

١١٣١ ٣٦٦٩١ (٤) **مستدرك** ٢٧١/٥: القطب **الراوندي** في دعواته وفي التوراة يقول الله عزّ وجلّ للعبد انّك متى ظلمت تدعوني على عبد من عبيدي من أجل انّه ظلمك ولك من عبيدي من يدعو عليك من أجل انّك ظلمته فإن شئت اجبتك وأجبت فيك وإن شئت أخّرتكما إلى يوم القيامة.

١١٣٢ ٣٦٦٩٢ (٥) **فلاح السائل** ٣٧: محمد بن الحسن عن أحمد بن إدريس عن سلمة بن الخطّاب عن القاسم بن يحيى الراشدي عن جدّه الحسن عن **داود** الرقّيّ عن أبي عبدالله ﷺ قال أوحى الله تبارك وتعالى إلى داود ﷺ قل للجبّارين لا يذكروني فانّي لا يذكرني عبد إلّا ذكرته وإن ذكروني ذكرتهم فلعنتهم.

(٤٦)

باب ماورد في انّ الله تعالى إذا أمر الملائكة بالدعاء لأحد استجاب له

١١٣٣ ٣٦٦٩٣ (١) **الجعفريات** ٢٢٦: باسناده عن **علي** ﷺ قال قال رسول الله ﷺ أخبرني جبرئيل ﷺ عن ربّي عزّ وجلّ قال ما أمرت ملائكتي بالدّعاء لأحد من خلقي إلّا وأنا أستجيب له.

(٤٧)

باب ماورد من الحثّ على الدّعاء بما يعرف والمنع عن الدعاء باللعن والخزي

قال الله عزّ وجلّ في سورة الأعراف (٧): ٥٥: ﴿ٱدْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ﴾.

۱۱۳۰ (۳) حسن بن راشد از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه مردی که خود ستم کرده، شروع به نفرین کند و دیگری را که به او ستم کرده نفرین کند، خداوند بزرگ گوید: اینجا کسی دیگر است که معتقد است تو به او ستم کردی و تو را نفرین می‌کند. پس اگر می‌خواهی هم نفرین تو را مستجاب می‌کنم و هم نفرین او را [که تو را نفرین می‌کند] و اگر می‌خواهی اجابت هر دوی شما را به تأخیر اندازم تا عفو و بخششم هر دوی شما را فرا گیرد.»

۱۱۳۱ (۴) قطب راوندی در کتاب دعوات خود آورده است که: «در تورات آمده است: خداوند عزیز و جلیل به بنده گوید: وقتی که مورد ستم قرار می‌گیری نفرین می‌کنی بنده‌ای از بندگان مرا به خاطر اینکه به تو ستم کرده و آن سوی دیگر کسی دیگر از بندگان من است که تو را نفرین می‌کند به خاطر اینکه تو به او ستم کرده‌ای. پس اگر می‌خواهی هم نفرین تو را مستجاب کنم هم نفرین آن کس که تو را نفرین می‌کند و اگر می‌خواهی، هر دوی شما را تا قیامت به تأخیر اندازم.»

۱۱۳۲ (۵) داود رقّی از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به حضرت داودﷺ وحی کرد: به ستمگران بگو که یاد من نکنند چون هیچ بنده‌ای یاد من نکند مگر اینکه یاد او کنم و اگر این ستمگران یاد من کنند من هم یاد آن‌ها کنم و آن‌ها را لعنت نمایم.»

باب ۴۶

دعای فرشتگان

۱۱۳۳ (۱) در کتاب جعفریات با اسناد خودش از علی‌ﷺ روایت شده که آن امام هُمام فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: جبرئیل‌ﷺ از پروردگار عزیز و جلیلم به من خبر داد که فرمود: من فرشتگان را به دعا کردن به احدی از آفریده‌هایم دستور نمی‌دهم مگر اینکه دعای آن‌ها را برایش مستجاب می‌کنم.»

باب ۴۷

پرهیز از نفرین

خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید:

پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد.[1]

---

۱. اعراف ۵۵/۷.

١١٣٤ ٢٦٦٩٤ (۱) **الجعفريات ۲۲۶**: باسناده عن علي بن أبي طالب عليه السلام انّه كان يقول إيّاكم وسقط الكلام وفصل بني آدم كتب، فعليكم بالدعاء ما يعرف وإيّاكم والدعاء باللّعن والخزى فانّ اللّه عزّ وجلّ قد أحكم في كتابه فقال عزّ وجلّ أُدْعُو ربّكُم تضرُّعاً وخفْيَةً أنّه لايُحِبُّ المُعْتَدينَ فمَن تعدّى بدعائه بلعن أو خزي فهو من المعتدين.

(۴۸)

باب انّ العصمة من الذنب والهداية والإغناء بيد اللّه تبارك وتعالى ومن أرادها فليسأله

قال اللّه تعالى في سورة فاطر (۳۵): ۱۵: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِيُّ ٱلْحَمِيدُ﴾.

سورة القصص (۲۸): ۵۶: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَـٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ﴾.

سورة يوسف (۱۲): ۳۳: ﴿قَالَ رَبِّ ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَىَّ مِمَّا يَدْعُونَنِىٓ إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلْجَـٰهِلِينَ﴾.

سورة الزخرف (۴۳): ۴۰: ﴿أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ﴾.

سورة محمّد (۴۷): ۳۸: ﴿هَـٰٓأَنتُمْ هَـٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِۦ وَٱللَّهُ ٱلْغَنِىُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا۟ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا۟ أَمْثَـٰلَكُم﴾.

سورة النور (۲۴): ۳۲: ﴿وَأَنكِحُوا۟ ٱلْأَيَـٰمَىٰ مِنكُمْ وَٱلصَّـٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَآئِكُمْ إِن يَكُونُوا۟ فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾.

۱۱۳۴ (۱) در کتاب جعفریّات با اسنادش از علی بن ابی طالب؈ روایت شده که آن حضرت فرمود: «از بیهوده گویی و نفرین به هلاکت بنی‌آدم بپرهیزید و بر شما باد دعای به خیر و نیکی و پرهیز کنید از دعای به لعن و رسوایی زیرا خداوند عزیز و جلیل در کتابش این سخن استوار و حکیمانه را بیان فرموده که: «پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از متجاوزان را دوست نمی‌دارد.» پس هر کس با نفرین کردن و لعنت فرستادن و درخواست رسوایی [برای کسی] از حدّ بگذرد او از تعدّی کنندگان و جزو از متجاوزان است.»

باب ۴۸

همهٔ خوبی‌ها در دست خدا

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است.[۱]

در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند و او به راه یافتگان داناتر است.[۲]

[یوسف] گفت: پروردگارا! زندان برای من دوست داشتنی‌تر است از آنچه [این زنان] مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از جملهٔ نادانان خواهم شد.[۳]

پس آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راهنمایی کنی؟[۴]

و خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید، و اگر روی برتابید خدا جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.[۵]

بی‌همسران و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست.[۶]

---

۱. فاطر ۱۵/۳۵. ۲. قصص ۵۶/۲۸. پس هدایت را نیز باید از خدا خواست.
۳. یوسف ۳۳/۱۲. مفهوم آیه آن است که از خداوند باید توفیق ترک گناه خواست.
۴. زخرف ۴۰/۴۳. ۵. محمّد؈ ۳۸/۴۷.
۶. نور ۳۲/۲۴. پس بی‌نیازی و مال را نیز باید از خدا خواست.

١١٣٥ ٢٦٦٩٥ (١) **مستدرك** ٢٧٩/٥: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النّبيّ ﷺ انّ اللّه يقول عبادي كلّكم مذنب إلّا من عصمته فاستغفروني أغفر لكم وكلّكم ضالّ إلّا من هديته فاستهدوني أهدكم وكلّكم فقير إلّا من أغنيته.

وتقدّم في مرسلة تفسير الإمام (٣٢) من باب (١) حرمة الاستكبار عن الدعـاء قـوله تعالى يا عبادي كلّكم ضالّ إلّا من هديته فاسألوني الهدى أهدكم وكلّكم فقير إلّا من أغنيته فاسألوني الغنى أرزقكم وكلّكم مذنب إلّا من عافيته فاسألوني المغفرة أغفر لكم.

(۱) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «خداوند ۱۱۳۵
می‌فرماید: بندگان من! همهٔ شما به گناه می‌افتید مگر کسی که من او را حفظ کنم، پس از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم و همهٔ شما گمراه خواهید شد مگر کسی که من او را هدایت کنم پس از من هدایت بخواهید تا شما را هدایت کنم و همهٔ شما فقیرید مگر آن کس که من او را دارا و بی‌نیاز نمایم.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت سی و دوم از باب یکم فرموده خداوند متعال که: «ای بندگان من! همهٔ شما گمراه هستید مگر کسی که من او را هدایت کنم، پس از من درخواست هدایت کنید تا شما را هدایت کنم و همهٔ شما فقیر و ندار هستید مگر کسی که من او را بی‌نیاز کنم پس دارایی و بی‌نیازی را از من درخواست کنید تا شما را روزی دهم و همهٔ شما به گناه می‌افتید مگر کسی که من او را عافیت دهم پس از من درخواست آمرزش کنید تا شما را بیامرزم.»

أبواب الذّكر والصّلوات والإستغفار

(١)

باب ماورد من الأمر بذكر اللّه تعالى في كلّ حال وأوان
وفي كلّ زمان ومكان وعند كلّ حجر ومدر وما ورد في تركه من الضرر

قال اللّه تعالى في المزّمّل (٧٣): ٨: ﴿وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً﴾.

النجم (٥٣): ٢٩: ﴿فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا﴾.

ص (٣٨): ٣٢: ﴿فَقَالَ إِنِّيٓ أَحْبَبْتُ حُبَّ ٱلْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّى حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾.

الأعراف (٧): ٢٠٥: ﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَٱلْأَصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَـٰفِلِينَ﴾.

الجنّ (٧٢): ١٧: ﴿لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾.

طه (٢٠): ٣٢، ٣٣، ٣٤ و ٤٢: ﴿وَأَشْرِكْهُ فِىٓ أَمْرِى * كَىْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا﴾.

﴿ٱذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَـٰتِى وَلَا تَنِيَا فِى ذِكْرِى﴾.

اذکار و صلوات و استغفار

باب ۱

محدودیت نداشتن یاد خدا

خداوند متعال می‌فرماید:

و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز.[۱]

پس، از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را نخواسته، روی برتاب.[۲]

پس [سلیمان] گفت: من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم [تا هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت پنهان شد.[۳]

و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرّع و ترس، با صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش.[۴]

و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی روز افزون درآورد.[۵]

[موسی ﷺ گفت:] و او [هارون] را شریک کارم گردان تا تو را فراوان تسبیح گوییم و بسیار تو را یاد کنیم.[۶]

تو [ای موسی] و برادرت معجزه‌های مرا [برای مردم] ببرید و در یاد کردنِ من سستی مکنید.[۷]

---

۱. مزّمّل ۸/۷۳. ۲. نجم ۲۹/۵۳. ۳. ص ۳۲/۳۸.
۴. اعراف ۲۰۵/۷. ۵. جنّ ۱۷/۷۲. ۶. طٰهٰ ۲۰/۳۴ ـ ۳۲.
۷. طٰهٰ ۴۲/۲۰.

طه (۲۰): ۱۲۴: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ أَعْمَىٰ﴾.

الشعراء (۲۶): ۲۲۷: ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَذَكَرُوا۟ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱنتَصَرُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا۟ وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ﴾.

يوسف (۱۲): ۴۲: ﴿وَقَالَ لِلَّذِى ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٍ مِّنْهُمَا ٱذْكُرْنِى عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّيْطَـٰنُ ذِكْرَ رَبِّهِۦ فَلَبِثَ فِى ٱلسِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ﴾.

الزمر (۳۹): ۲۲: ﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَـٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ فَوَيْلٌ لِّلْقَـٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ أُو۟لَـٰٓئِكَ فِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ﴾.

الزخرف (۴۳): ۳۶: ﴿وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَـٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَـٰنًا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ﴾.

الكهف (۱۸): ۲۸: ﴿وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُۥ عَن ذِكْرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمْرُهُۥ فُرُطًا﴾.

الأنبياء (۲۱): ۴۲: ﴿قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحْمَـٰنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ﴾.

المؤمنون (۲۳): ۱۱۰: ﴿فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾.

العنكبوت (۲۹): ۴۵: ﴿ٱتْلُ مَآ أُوحِىَ إِلَيْكَ مِنَ ٱلْكِتَـٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾.

سورة البقرة (۲): ۱۵۲: ﴿فَٱذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ وَٱشْكُرُوا۟ لِى وَلَا تَكْفُرُونِ﴾.

آل عمران (۳): ۴۱، ۱۳۵ و ۱۹۱: ﴿قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّىٓ ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَـٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِبْكَـٰرِ﴾.

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا۟ فَـٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا۟ ٱللَّهَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا۟ عَلَىٰ مَا فَعَلُوا۟ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.

﴿ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَـٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَـٰذَا بَـٰطِلًا سُبْحَـٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾.

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می‌کنیم.[۱]

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده‌اند.[۲]

پس شیطان پروردگارش را از یاد او برد در نتیجه چند سالی [یوسف] در زندان ماند.[۳]

پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی‌کنند، اینان در گمراهی آشکاری هستند.[۴]

و هر کس از یاد خدای رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد.[۵]

و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و اساس کارش بر زیاده روی است، اطاعت مکن.[۶]

بگو: چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می‌کند؟ [نه] بلکه آنان از یاد پروردگارشان رو گردانند.[۷]

و شما آنان [= مؤمنان] را به ریشخند گرفتید تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید.[۸]

به راستی نماز، از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و به قطع یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید.[۹]

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به جای آرید و با من ناسپاسی نکنید.[۱۰]

و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان او را تسبیح گوی.[۱۱]

و [متّقین و پرهیزگاران] کسانی هستند که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهان‌شان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟[۱۲]

[صاحبان عقل و خرد کسانی] هستند که خدا را [در همهٔ احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزّهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.[۱۳]

---

۱. طٰه ۱۲۴/۲۰.
۲. شعراء ۲۲۷/۲۶.
۳. یوسف ۴۲/۱۲.
۴. زمر ۲۲/۳۹.
۵. زخرف ۳۶/۴۳.
۶. کهف ۲۸/۱۸.
۷. انبیا ۴۲/۲۱.
۸. مؤمنون ۱۱۰/۲۳.
۹. عنکبوت ۴۵/۲۹.
۱۰. بقره ۱۵۲/۲.
۱۱. آل عمران ۴۱/۳.
۱۲. آل عمران ۱۳۵/۳.
۱۳. آل عمران ۱۹۱/۳.

الأحزاب (۳۳): ۲۱، ۳۵ و ۴۱: ﴿لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُواْ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْأَخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرًا﴾.

﴿إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَـٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ وَٱلْقَـٰنِتِينَ وَٱلْقَـٰنِتَـٰتِ وَٱلصَّـٰدِقِينَ وَٱلصَّـٰدِقَـٰتِ وَٱلصَّـٰبِرِينَ وَٱلصَّـٰبِرَٰتِ وَٱلْخَـٰشِعِينَ وَٱلْخَـٰشِعَـٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَٱلْمُتَصَدِّقَـٰتِ وَٱلصَّـٰٓئِمِينَ وَٱلصَّـٰٓئِمَـٰتِ وَٱلْحَـٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَـٰفِظَـٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾.

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾.

النساء (۴): ۱۴۲: ﴿إِنَّ ٱلْمُنَـٰفِقِينَ يُخَـٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَـٰدِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلاً﴾.

الحديد (۵۷): ۲۹: ﴿لِّئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ ٱلْكِتَـٰبِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلْفَضْلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ﴾.

الرّعد (۱۳): ۲۸: ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ﴾.

الإنسان (۷۶): ۲۵: ﴿وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾.

النور (۲۴): ۳۷: ﴿رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَـٰرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلْقُلُوبُ وَٱلْأَبْصَـٰرُ﴾.

المنافقون (۶۳): ۹: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَـٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَـٰسِرُونَ﴾.

المجادلة (۵۸): ۱۹: ﴿ٱسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ ٱلشَّيْطَـٰنُ فَأَنسَـٰهُمْ ذِكْرَ ٱللَّهِ أُوْلَـٰٓئِكَ حِزْبُ ٱلشَّيْطَـٰنِ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱلشَّيْطَـٰنِ هُمُ ٱلْخَـٰسِرُونَ﴾.

الجمعة (۶۲): ۱۰: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ وَٱبْتَغُواْ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

در حقیقت به طور قطع برای شما در [اخلاق و رفتار زندگی] رسول خدا سرمشقی نیکو است، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.[۱]

و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خداوند برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.[۲]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید، یادی بسیار.[۳]

و [منافقان] خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.[۴]

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم و فروتن گردد.[۵]

[هدایت یافتگان] کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.[۶]

و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن.[۷]

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن، زیر و رو می‌شود می‌هراسند.[۸]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زن‌ها، اموال‌تان و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا باز ندارد و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند.[۹]

شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است، آنان حزب شیطانند. آگاه باش که از حزب شیطان، بی‌گمان، زیانکارانند.[۱۰]

و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.[۱۱]

---

۱. احزاب ۲۱/۳۳.
۲. احزاب ۳۵/۳۳.
۳. احزاب ۳۳/۴۱).
۴. نساء ۱۴۲/۴.
۵. حدید ۱۶/۵۷.
۶. رعد ۲۸/۱۳.
۷. دهر (انسان) ۲۵/۷۶.
۸. نور ۳۷/۲۴.
۹. منافقون ۹/۶۳.
۱۰. مجادله ۱۹/۵۸.
۱۱. جمعه ۱۰/۶۲.

المائدة (۵): ۹۱: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيْطَـٰنُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ فِى ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ﴾.

وما ورد من الآيات في ذكر اللّه ونِعَمه أكثر ممّا ذكر وفيذلك غنىً وكفاية وتقدّم كثير منها بي باب (۸) ما ورد في ذكراللّه تعالى عندما أحلّ وحرّم من أبواب جهاد النفس فلاحظ.

۱۱۳۶ ۲۶۶۹۶ (۱) **كافي ۴۹۶/۲**: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب عن عبداللّه بن سنان عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر؈ قال مكتوب في التوارة الّتي لم تغيّر انّ موسى؈ سأل ربّه.

فقال يا ربّ أقريب أنت منّي فأُناجيك أم بعيد فأُناديك فأوحى اللّه عزّ وجلّ إليه يا موسى أنا جليس من ذكرني.

فقال موسىٰ فمن في سترك يوم لا ستر إلّا سترك فقال الذين يذكرونني فأذكرهم ويتحابّون فيّ فأحبّهم فأولئك الذين إذا أردت أن أصيب أهل الأرض بسوء ذكرتهم فدفعت عنهم بهم.

۱۱۳۷ ۲۶۶۹۷ (۲) **مستدرك ۲۸۶/۵**: القطب **الراوندي** في لبّ اللباب روى انّ اللّه تعالى يقول أنا جليس من ذكرني ومحبّ من أحبّني ومطيع من أطاعني ومجيب مَن دعاني وغافر مَن استغفرني.

وقال؈ علامة حبّ اللّه حبّ ذكره وعلامة بغض اللّه بغض ذكره.

وقال؈ ذكر الناس داءٌ وذكر اللّه دواءٌ وشفاء.

۱۱۳۸ ۲۶۶۹۸ (۳) **مشكاة الأنوار ۵۴**: من المحاسن عن **الباقر**؈ ثلاثة سالم وغانم وشاجب فالسالم الصامت والغانم الذاكر للّه والشاجب الذي يلفظ ويقع في الناس.

و [شیطان می‌خواهد که] شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست بر می‌دارید؟[۱]

آیاتی که در رابطه با یاد خدا و یاد نعمت‌های او نازل شده بیش از این مقداری است که در اینجا ذکر شد و لیکن همین مقدار [مؤمن معتقد را] بی‌نیاز کرده و کافی است و بسیاری از آن‌ها در باب هشتم از باب‌های جهاد النفس ذکر شد.

۱۱۳۶ (۱) ابوحمزه ثمالی از امام محمّد باقرعلیه السلام روایت کرده که فرمود: «در تورات تحریف نشده، نوشته شده که: حضرت موسیعلیه السلام از پروردگارش پرسید و گفت: ای پروردگار! آیا به من نزدیکی تا با تو نجوا کنم و آرام سخن گویم یا دوری تا با صدای بلند با تو حرف زنم؟

پس خدای﷯ به او وحی کرد: ای موسی! من هم‌نشین کسی هستم که مرا یاد کند.

پس موسی گفت: در آن روز که ساتری جز ساتر تو نیست چه کس در تحت ساتر تو پوشیده باشد؟

فرمود: آنان که مرا یاد می‌کنند و من هم به یاد آن‌ها باشم و به خاطر من با یکدیگر رابطهٔ دوستی برقرار می‌کنند؛ اینان کسانی هستند که هر گاه می‌خواهم عذابی به ساکنان زمین بفرستم، به یاد آن‌ها می‌افتم و به خاطر آن‌ها عذاب را از زمینیان دفع می‌کنم.»

۱۱۳۷ (۲) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب روایتی نقل کرده که: «خداوند بلند مرتبه فرمود: من هم‌نشین کسی هستم که یاد من کند و دوستدار کسی که مرا دوست داشته باشد و فرمانبر کسی هستم که از من فرمان برد و جواب‌دهندهٔ کسی هستم که مرا بخواند و آمرزندهٔ کسی هستم که از من آمرزش بخواهد.

و پیامبرﷺ فرمود: نشانهٔ دوستی خدا دوست داشتن ذکر و یاد اوست و نشانهٔ دشمنی با خدا، نفرت داشتن از یاد اوست.

و پیامبرﷺ فرمود: یاد مردم، درد است و یاد خدا، داروی شفابخش است.»

۱۱۳۸ (۳) در کتاب محاسن از امام باقرعلیه السلام روایتی نقل شده که فرمود: «[مردم] سه گروهند: گروهی سالمند و گروهی سودکننده و گروهی هلاک شونده امّا سود کننده کسی است که مشغول یاد خداست و سالم کسی است که سکوت اختیار کرده و هلاک شونده کسی است که حرف زند و در میان مردم افتد.»

---

۱. مائده ۹۲/۵.

١١٣٩ (٤) وفيه ٥٧: من كتاب الزهد عن أهل البيت ﷺ عن زيد بن عليّ عن آبائه عن عليّ ﷺ
٣٦٦٩٩
قال قال رسول اللّه ﷺ الكلام ثلاثة فرابح وسالم وشاجب فأمّا الرابح الذي يذكر اللّه وأمّا السالم فالساكت وامّا الشاجب فالذي يخوض في الباطل.

١١٤٠ (٥) **مستدرك ٢٨٦/٥**: مجموعة **الشهيد** ﷺ قال قال جبرئيل للنّبيّ ﷺ انّ اللّه تعالى يقول
٣٦٧٠٠
أعطيت أُمّتك ما لم أعطه أُمّة من الأمم فقال وما ذاك يا جبرئيل؟ قال قوله تعالى فاذكروني أذكركم ولم يقل هذه لأحد من الأُمم.

١١٤١ (٦) **عدّة الداعي ٢٣٨**: روى انّ **رسول اللّه** ﷺ خرج على أصحابه فقال ارتعوا في رياض
٣٦٧٠١
الجنّة قالوا يا رسول اللّه وما رياض الجنّة؟

قال مجالس الذّكر أغدوا وروحوا واذكروا ومن كان يحبّ أن يعلم منزلته عند اللّه فلينظر كيف منزلة اللّه عنده فانّ اللّه تعالى ينزل العبد حيث أنزل العبد اللّه من نفسه واعلموا انّ خير أعمالكم وأزكاها وأرفعها في درجاتكم وخير ما طلعت عليه الشمس ذِكرُ اللّه سبحانه فانّه أخبر عن نفسه.

فقال أنا جليس مَن ذَكَرَني.

وقال سبحانه فاذكروني أذكركم بنعمتي واذكروني بالطّاعة والعبادة أذكرُكم بالنعم والإحسان والرحمة والرضوان.

إرشاد الديلمي ٦٠: روى عن **النبيّ** ﷺ قال ارتعوا (وذكر نحوه إلى قوله أنا جليس من ذكرني (ثم قال) وأيّ منزلة أرفع منزلة من جليس اللّه تعالىٰ.

١١٤٢ (٧) **بصائر الدرجات ١١**: حدّثنا أحمد بن محمد عن البرقي عن إبراهيم بن إسحاق
٣٦٧٠٢
الأزديّ عن **أبي عثمان** العبدي عن جعفر ﷺ عن أبيه عن عليّ ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ قرائة القرآن في الصلاة أفضل من قرائة القرآن في غير الصلاة وذكر اللّه أفضل من الصّدقة والصّدقة أفضل من الصوم والصوم جنّة.

ثمّ قال رسول اللّه ﷺ لا قول إلّا بعمل ولا عمل إلّا ولا نيّة إلّا باصابة السّنة.

۱۱۳۹ (۴) زید بن علی از پدران بزرگوارش و آن‌ها از علی‌ؑ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: سخن سه قسم است: سالم، سودمند، هلاک‌کننده امّا سخن سودمند سخن کسی است که ذکر خدا گوید و سالم، سکوت سکوت کننده است و امّا هلاک کننده سخن کسی است که در باطل فرو رود.»

۱۱۴۰ (۵) در مجموعهٔ شهید ؒ آمده که: «جبرئیل به پیامبرﷺ فرمود: «خداوند متعال می‌فرماید: من به امّت تو چیزی دادم که به هیچ امّتی نداده‌ام.

حضرت فرمود: آن چیست ای جبرئیل؟ گفت: این گفتهٔ خدای بلند مرتبه که: پس شما مرا یاد کنید تا من شما را یاد کنم و این سخن را به احدی از امّت‌های [پیشین] نفرموده است.»

۱۱۴۱ (۶) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی روایتی از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت به نزد اصحابش آمد و فرمود: «در باغ‌های بهشتی برای بهره گرفتن به گردش بپردازید.

پرسیدند: ای رسول خدا! باغ‌های بهشتی چیست؟

فرمود: مجلس‌های ذکر، به این مجلس‌ها رفت و آمد کنید و ذکر بگویید و هر کس دوست دارد بداند که پیش خدا از چه مرتبه‌ای برخوردار است پس بنگرد که منزلت و مرتبت خدا پیش او چقدر است زیرا خدا بنده را در منزلتی قرار می‌دهد که بنده، خدا را در آن منزلت قرار می‌دهد و بدانید که بهترین کار و پاک‌ترین و درجه‌سازترین کار برای شما و بهتر از آنچه خورشید بر آن تابید، همانا ذکر خدای پاک است.

زیرا خدا از خودش خبر داده [که در کجا هست] و فرموده: من هم‌نشین کسی هستم که یاد من کند و آن خدای پاک فرموده: پس شما یاد من کنید تا من با نعمتم یاد شما کنم و شما با فرمانبرداری و پرستش یاد من کنید من هم با نعمت‌ها و نیکی و رحمت و رضایت یاد شما می‌کنم.»

همین حدیث شریف را دیلمی نیز در ارشاد القلوب نقل کرده با این تفاوت که در آنجا آمده: «و چه منزلت و مرتبه‌ای بالاتر از منزلت هم‌نشینی با خدای بلند مرتبه است.»

۱۱۴۲ (۷) ابو عثمان عبدی از امام جعفر صادقؑ و او از پدر بزرگوارش و او از علیؑ روایت کرده که آن امام همام فرمودند: «رسول خداﷺ فرمود: خواندن قرآن در نماز بهتر از خواندن قرآن در غیر نماز است و ذکر خدا بهتر از صدقه است و صدقه دادن بهتر از روزه است و روزه سپر است [از آتش جهنّم].

سپس رسول خداﷺ فرمود: گفتار، مفید نیست مگر اینکه با کردار همراه باشد و کرداری سودمند نیفتد مگر اینکه همراه با نیّت [خالص برای خدا] باشد و نیّت جز به مطابقت با سنّت و شیوهٔ من صورت نبندد.»

۱۱٤۳ ۳٦۷۰۳ (۸) **أمالي المفيد** ۲۲۲: أمالي ابن الشيخ ۸: باسنادهما المتقدّم في باب (۴) وجوب إتمام الصلاة والمحافظة عليها وعلى مواقيتها عن **الفجيع** العقيلي قال حدثني الحسن بن علي بن أبي طالب عليهما السلام قال لمّا حضرت أبي الوفاة أقبل يُوصي (إلى أن قال) وكن للّه ذاكراً على كلّ حال.

۱۱٤٤ ۳٦۷۰٤ (۹) **مشكاة الأنوار** ۵۵: قال **النبيّ** صلى الله عليه وآله يا علي سيّد الأعمال ثلاث خصال انصافك من نفسك ومواساة الأخ في اللّه وذكر اللّه تبارك وتعالى على (عن ـ خ) كلّ حال.

۱۱٤۵ ۳٦۷۰۵ (۱۰) **المعاني** ۴۱۱: حدّثنا أبو الحسن قال حدثنا علي بن أحمد الطبري قال حدثنا أبو سعيد قال حدثنا خراش قال حدثنا مولاى **أنس** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لَذِكْرُ اللّه عزّ وجلّ بالغُدُوِّ والآصال خير من حطم السيوف في سبيل اللّه عزّ وجلّ يعني فمن ذكر اللّه بالغدوّ ويذكر ما كان منه في ليلة من سوء عمله واستغفر اللّه وتاب إليه فإذا انتشر في ابتغاء ما قسم اللّه له انتشر وقد حطّت عنه سيّئاته وغفرت له ذنوبه واذا ذكَرَ اللّه عزّ وجلّ بالآصال وهي العشيّات راجع نفسه فيما كان منه في يومه ذلك من سرف على نفسه واضاعة لأمر ربّه فإذا ذكر اللّه عزّ وجلّ واستغفر اللّه تعالى وأناب راح إلى أهله وقد غفرت له ذنوبه يومه وانّما تحمد[۱] الشهادة أيضاً إذا كانت من تائب إلى اللّه استغفر من معصية اللّه عزّ وجلّ.

۱۱٤٦ ۳٦۷۰٦ (۱۱) **أمالي ابن الشيخ** ۷۹: أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد الطوسي رحمه الله قال أخبرنا والدي رحمه الله قال أخبرنا محمد بن محمد، **أمالي المفيد** ۳۱۰: قال أخبرنا[۲] المظفر (بن محمد ـ أمالي المفيد) البلخيّ الورّاق قال أخبرنا[۳] أبو علي محمد بن همام الاسكافي الكاتب قال حدثنا عبداللّه بن جعفر الحميري قال حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال حدثنا الحسن بن محبوب عن **أبي حمزة** الثمالي عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليهما السلام قال لايزال المؤمن في صلاة ما كان في ذكر اللّه عزّ وجلّ قائماً كان أو جالساً أو مضطجعاً انّ اللّه تعالى يقول **﴿ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَـٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَـٰذَا بَـٰطِلاً سُبْحَـٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾**. **تفسير العيّاشي** ۱/۲۱۱: عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام (نحوه).

---

۱. تحمل ـ خ. ۲. أخبرني ـ أمالي المفيد. ۳. حدثنا ـ أمالي المفيد.

۱۱۴۳ (۸) فجیع عقیلی از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده که فرمود: «چون زمان رحلت و فوت پدرم فرا رسید به وصیّت کردن پرداخت (تا اینکه فرمود:) و در هر حال به یاد خدا باش.»

۱۱۴۴ (۹) در کتاب مشکاة الانوار نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! آقا و سرور کارها، سه خصلت است:

یکی اینکه انصاف داشته باشی دوّم با برادر دینی به خاطر خدا، همدردی و همکاری داشته باشی و سوّم در هر حال به ذکر خدای تبارک و تعالی مشغول باشی.»

۱۱۴۵ (۱۰) انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «البتّه ذکر خدای گرامی و بزرگ در بامدادان و شامگاهان از شکستن شمشیر در راه خدای عزیز و جلیل، بهتر است.»

یعنی کسی که در بامداد یاد خدا کند اگر گناهی در شبش از او سر زده به یاد می‌آورد و از خدا آمرزش می‌خواهد و با توبه به سوی او باز می‌گردد و چون در روی زمین به جستجوی روزی و رزقی که خدا برایش تقسیم کرده بگردد، می‌گردد در حالی که گناهانش ریخته و معصیت‌هایش بخشیده شده است و چون در شامگاهان یاد خدای عزیز و جلیل کند به خود مراجعه می‌کند تا ببیند در آن روز چه کرده آیا به خود ظلم کرده و یا فرمانی از فرامین الهی را ضایع کرده و چون یاد خدای عزّوجلّ کند و از خداوند متعال طلب آمرزش کند و به سوی او بازگشت نماید، به میان خانواده‌اش می‌آید در حالی که گناهان آن روزش بخشیده شده و شهادت نیز وقتی ستودنی است که اتفاق افتد برای کسی که به سوی خدا توبه کرده و از گناهان و نافرمانی خدای عزیز و جلیل استغفار کرده باشد.

۱۱۴۶ (۱۱) ابوحمزه ثمالی از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «تا وقتی که مؤمن ذکر خدای عزّوجلّ می‌گوید در نماز است، چه ایستاده باشد و چه نشسته و چه دراز کشیده باشد، خدای متعال گوید: «آنان که ایستاده و نشسته و بر پهلو دراز کشیده ذکر خدا گویند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین، می‌اندیشند [و می‌گویند:] پروردگارا تو این‌ها را بی هدف و پوچ نیافریده‌ای تو [از انجام کار لغو] پاک هستی پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگاه دار.»

۱۱۴۷ ۳۶۷۰۷ (۱۲) **تفسير العيّاشي** ۹۸: عن **محمد** بن مسلم قال سألت أبا جعفر عليه السلام في قول اللّه اذكروا اللّه كذكركم آبائكم أو أشدّ ذكراً قال كان الرجل في الجاهليّة يقول كـان أبـي وكـان أبـي فأنزلت هذه الآية في ذلك.

۱۱۴۸ ۳۶۷۰۸ (۱۳) **الخصال** ۶۱۳: باسناده المتقدّم في باب (۱) فضل الصلاة عن **عليّ** عليه السلام في (حديث الأربعمأة) قال اذكروا اللّه في كل مكان فانّه معكم **وفيه** ۶۲۰ أيضاً: ليكن جلّ كلامك ذكر اللّه.

۱۱۴۹ ۳۶۷۰۹ (۱۴) **مستدرك** ۲۸۵/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال لكلّ شيء صقالة وصقالة القلوب[1] ذكر اللّه.

۱۱۵۰ ۳۶۷۱۰ (۱۵) **مستدرك** ۲۸۶/۵: ابن أبي جمهور في درراللّئالى عن **معاذ** بن جبل قال قـلت أيّ الأعمال خير وأقرب إلى اللّه تعالى قال أن تموت ولسانك رطب من ذكر اللّه تعالى **وتقدّم** نحوه في رواية جامع الأخبار (۴۸) من باب (۱) فضل القرآن من أبواب قرائة القرآن.

۱۱۵۱ ۳۶۷۱۱ (۱۶) **وفيه** ۲۹۵/۵: عن **أبي الدرداء** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ الّذين لاتزال ألسنتهم رطبة من ذكر اللّه يدخل أحدهم الجنّة وهو يضحك.

۱۱۵۲ ۳۶۷۱۲ (۱۷) **مستدرك** ۲۸۵/۵: القطب **الراوندي** في لبّ الّلباب عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال ذكر اللّه عـلم الايمان وبرء من النفاق وحصن من الشّيطان وحرز من النّار.

۱۱۵۳ ۳۶۷۱۳ (۱۸) **أمالي الصدوق** ۱۹۱: باسناده المتقدّم في باب (۱) وجوب غسل الجنابة للـصلاة ونحوها عن **عبدالرحمن** بن سمرة قال كنّا عند رسول اللّه صلى الله عليه وآله يوماً فقال اني رأيت البارحة عجائب (إلى أن قال) ورأيت رجلاً من أُمّتي قد احتوشته الشياطين فجائه ذكر اللّه عزّ وجلّ فنجّاه من بينهم.

۱۱۵۴ ۳۶۷۱۴ (۱۹) **كافي** ۴۹۹/۲: الحسين بن محمد عن معلّى بن محمد وعدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد جميعاً عن الحسن بن علي الوشّاء عن **داود** بن سرحان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من أكثر ذكر اللّه عزّ وجلّ أحبّه اللّه ومن ذكر اللّه كثيراً كتبت له براءتان برائة من النار وبرائة من النفاق.

---

۱. أي جلاء القلوب.

۱۱۴۷ (۱۲) محمّد بن مسلم گوید: «از حضرت باقر در رابطه با این فرمودهٔ خداوند: «آن سان که یاد پدران‌تان می‌کنید، یاد خدا کنید بلکه بیشتر و محکم‌تر از آن.» پرسیدم. حضرت فرمود: در زمان جاهلیّت پیوسته شخص می‌گفت: پدرم اینجور بود پدرم آنجور بود و این آیه در همین رابطه نازل شده است.»

۱۱۴۸ (۱۳) در کتاب الخصال از علی روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «در هر مکان خدا را یاد کنید زیرا بی‌گمان او با شماست.»

و نیز در همین کتاب است که: «باید بیشتر سخن تو، ذکر خدا باشد.»

۱۱۴۹ (۱۴) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب حدیثی از پیامبر نقل کرده که حضرت فرمود: «هر چیزی را صیقل زنندهٔای است و صیقل زنندهٔ دل‌ها یاد خداست.»

۱۱۵۰ (۱۵) معاذ بن جبل گوید: «[از رسول خدا] پرسیدم: بهترین و نزدیک‌کننده‌ترین عمل به خدا چیست؟ حضرت فرمود: در حالی بمیری که زبانت به ذکر خدا تر و تازه باشد.

در روایت چهل و هشتم از باب یکم از باب‌های قرائت قرآن مانند آن هست.

۱۱۵۱ (۱۶) ابودرداء از پیامبر خدا روایت کرده که آن حضرت فرمود: «آنان که پیوسته زبان‌شان به ذکر خدا تر و تازه است، یکی یکی در حالی که خندانند به بهشت وارد می‌شوند.»

۱۱۵۲ (۱۷) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب روایتی از پیامبر نقل کرده که آن حضرت فرمود: «ذکر خدا، معرفت ایمان است و پاک شدن از نفاق و سنگری از شیطان و مانعی از آتش دوزخ است.»

۱۱۵۳ (۱۸) عبدالرحمن بن سمره گوید: «روزی در خدمت پیامبر خدا بودیم، حضرت فرمود: من دیشب امور شگفت‌آوری دیدم (تا اینکه فرمود:) و مردی از امّتم را دیدم که شیاطین پیرامونش را گرفته بودند و او را به وحشت انداخته بودند که ذکر خدای رسید و او را از میان آنان نجات داد.»

۱۱۵۴ (۱۹) داود بن سرحان از امام صادق روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بسیار ذکر خدای گوید، خداوند او را دوست دارد و هر کس زیاد ذکر خدا گوید برای او دو نجات‌نامه نوشته شود، نجات نامه‌ای از آتش و نجات‌نامه‌ای از نفاق.»

۱۱۵۵ ۳۶۷۱۵ (۲۰) **الجعفريات** ۲۳۵: باسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال أربع لا تصير إلّا للعجب طول الصمت إلّا من خير وقلّة الشيء التواضع وذكر اللّه عزّ وجلّ كثيراً فانّه من ذكر اللّـه كثيراً (وذكر نحوه).

۱۱۵۶ ۳۶۷۱۶ (۲۱) **مستدرك** ۲۹۳/۵: الحسين بن سعيد في كتاب الزهد عن ابن أبي عـمير عـن **ابـن الحجّاج** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من أكثر ذكر اللّه أحبّه.

۱۱۵۷ ۳۶۷۱۷ (۲۲) **مستدرك** ۲۹۳/۵: القطب **الراوندي** في دعواته عن النبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال ياربّ وددت انّي أعلم من تحبّ من عبادك فأحبّه.

فقال إذا رأيت عبدي يكثر ذكري.

فأنا أذنت له في ذلك وأنا اُحِبّه وإذا رأيت عبدي لا يذكرني فأنا حجبته وأنا أبغضه.

۱۱۵۸ ۳۶۷۱۸ (۲۳) **كافي** ۵۰۰/۲: الحسين بن محمد عن **معلّي** بن محمد عن الوشّاء عن **داود** الحمار عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من أكثر ذكر اللّه عزّ وجلّ أظلّه اللّه في جنّته.

۱۱۵۹ ۳۶۷۲۰ (۲۴) **مشكاة الأنوار** ۵۴: عن بعض أصحاب أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له من أكرم الخلق على اللّه قال أكثرهم ذكراً للّه.

۱۱۶۰ ۳۶۷۲۱ (۲۵) **المحاسن** ۳۸: البرقي عن جعفر بن محمد عن **عبداللّه** بن ميمون القدّاح عن جعفر عن أبيه عليهما السلام قال قال النبيّ صلى الله عليه وآله لأصحابه ألا اُخبركم بخير أعمالكم وأزكاها عـند مـليككم وأرفعها في درجاتكم وخير لكم من الدينار والدرهم وخير لكم مـن أن تـلقوا عـدوّكـم وتقتلونهم ويقتلونكم.

قالوا بلىٰ يا رسول اللّه.

قال ذكر اللّه كثيراً.

۱۱۵۵ (۲۰) در کتاب جعفریّات با اسناد مخصوص خودش از علی بن ابی طالبؑ روایتی نقل شده که آن امام همام فرمودند: «چهار خصلت انسان تغییر پیدا نکند مگر به خاطر اینکه او گرفتار خودبینی شده باشد: سکوت طولانی مگر از گفتن خیر و خوبی، کمی لوازم و اسباب زندگی، فروتنی و ذکر فراوان خدایﷻ زیرا کسی که بسیار ذکر خدا گوید برای او دو نجات‌نامه نوشته شود...» و دنبالهٔ روایت مانند روایت قبلی است.

۱۱۵۶ (۲۱) ابن حجّاج از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هرکس ذکر خدا بسیار گوید و فراوان یاد خدا کند، خدا او را دوست خواهد داشت.»

۱۱۵۷ (۲۲) قطب راوندی در کتاب دعوات از پیامبرﷺ روایتی نقل کرده که: آن حضرت فرمود: «پروردگارا! دوست دارم بدانم که کدام یک از بندگانت را دوست داری تا من هم او را دوست داشته باشم؟

خداوند فرمود: هر گاه بنده‌ام را دیدی که ذکر من بسیار گوید پس [بدان که] من چنین اجازه‌ای به او داده‌ام و من او را دوست دارم.

و هر گاه بنده‌ام را دیدی که به یاد من نیست و ذکر من نمی‌گوید پس من او را در حجاب قرار دادم و علاقه‌ای به او ندارم.»

۱۱۵۸ (۲۳) داود حمار از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس زیاد ذکر خدا گوید خداوند در بهشتش او را در سایهٔ [رحمتش] نگاه دارد.»

۱۱۵۹ (۲۴) در کتاب مشکاة الانوار از بعضی از اصحاب امام صادقؑ نقل شده که: «به حضرت صادقؑ عرض کردم: گرامی‌ترین مردم پیش خدا کیست؟ حضرت فرمود: کسی که بیشتر ذکر خدا گوید و به یاد خدا باشد.»

۱۱۶۰ (۲۵) ابن قدّاح از امام صادقؑ و او از پدر بزرگوارشان روایت کرده که فرمود: «پیامبرﷺ به اصحاب خود فرمود: آیا شما را خبر دهم از عملی که بهترین اعمال شماست و از همهٔ اعمال در پیشگاه مالک و فرمانروای شما پاک‌تر است و از همهٔ کارها بیشتر درجهٔ شما را بالا می‌برد و از پول، طلا و نقره برای شما ارزشمندتر است و حتی برای شما بهتر از آن است که در میدان نبرد با دشمن درگیر شوید و آن‌ها را بکشید و آن‌ها شما را بکشند؟

اصحاب گفتند: بله ای پیامبر خدا.

فرمود: زیاد به یاد خدا بودن و زیاد ذکر او گفتن.»

۱۱۶۱ ۳٦۷۲۲ (۲۶)**الخصال** ۱۳۳: حدثنا أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن أبي عبداللّه عن أبيه عن النضر بن سويد عن درست ابن أبي منصور عن **عبداللّه** ابن أبي يعفور قال قال أبو عبداللّه ﷺ ثلاث لا يطيقهنّ الناس الصفح عن النّاس ومواساة الأخ[۱] أخاه في ماله وذكر اللّه كثيراً **مشكاة الأنوار** ۵۷: من كتاب الزهد عن **ابن أبي يعفور** عن أبي عبداللّه ﷺ (مثله).

۱۱۶۲ ۳٦۷۲۳ (۲۷) **مستدرك** ۲۹۶/۵: الشيخ أبوالفتوح الرّازي في تفسيره عن **أبي سعيد** الخدري قال لمّا نزل قوله تعالى ﴿ٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ اشتغل رسول اللّه ﷺ بذكر اللّه تعالى حتّى قال الكفّار انّه جنّ.

۱۱۶۳ ۳٦۷۲٤ (۲۸) **وفيه** ۲۹۶ عنه ﷺ قال من ذكره فقد شكره ومن كتمه فقد كفره.

۱۱٦٤ ۳٦۷۲٥ (۲۹) **مستدرك** ۲۹۳/۵: الحسين بن سعيد في كتاب الزهد عن صفوان عن **معاوية** بن عمّار عن أبي عبداللّه ﷺ في قوله اذكروا اللّه ذكراً كثيراً قال إذا ذكر العبد ربّه في اليوم مأة مرّة كان ذلك كثيراً.

۱۱٦٥ ۳٦۷۲٦ (۳۰) **مشكاة الأنوار** ۵۶: من كتاب الزهد عن **عثمان** بن عبداللّه[۲] رفعه قال إذا كان الشّتاء نادىٰ منادياً يا أهل القرآن قد طال اللّيل لصلاتكم وقصر النهار لصيامكم فإن كنتم لا تقدرون على الليل أن تكابدوه ولا على العدوّ أن تجاهدوه وبخلتم بالمال أن تنفقوه فأكثروا ذِكَر اللّه تعالىٰ.

۱۱٦٦ ۳٦۷۲۷ (۳۱) **مستدرك** ۲۹۵/۵: ابن أبي جمهور في درراللّئالى عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّه ﷺ من عجز منكم عن اللّيل أن يكابده وبخل بالمال أن ينفقه وجبن عن العدوّ أن يجاهده فليكثر ذكر اللّه تعالىٰ.

۱۱٦۷ ۳٦۷۲۸ (۳۲) **فضائل الشيعة** ۲۵: أبي ﷺ قال حدثني سعد بن عبداللّه قال حدثني عباد بن سليمان عن سليمان الدّيلمي عن أبي بصير عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال أمير المؤمنين ﷺ أنا الرّاعي راعي الأنام أفَتَرى الرّاعي لايعرف غنمه (قال) فقام إليه جويرية قال يا أمير المؤمنين فمن غنمك (قال) صُفر الوجوه ذُبل الشفاه من ذكر اللّه.

---

۱. الرجل ـ مشكاة. ۲. عبيد اللّه ـ خ ك.

۱۱۶۱ (۲۶) عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: «سه عمل است که مردم تاب تحمّل آن را ندارند: گذشت کردن از مردم [و بخشیدن کسی که به تو بدی کرده] و مشارکت دادن برادر، برادر [دینی اش] را در مالش و زیاد به یاد خدا بودن و فراوان ذکر او گفتن.»

همین روایت شریف را صاحب مشکاة الانوار به نقل از کتاب زُهد ابن ابی یعفور نیز ذکر کرده است.

۱۱۶۲ (۲۷) ابو سعید خدری از رسول گرامی اسلام روایت کرده که: «وقتی آیه شریفه « خدا را بسیار یاد کنید و ذکر او گویید.»[1] رسول‌خدا ﷺ چنان به ذکر خدا مشغول شد که کافران گفتند: در حقیقت او جنّ است.»

۱۱۶۳ (۲۸) در تفسیر ابوالفتوح رازی از رسول گرامی اسلام ﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس ذکر خدا گوید پس به یقین شکر و سپاس خداوند را به جای آورده و هر کس از آن سر باز زند بی‌شک ناسپاسی کرده است.»

۱۱۶۴ (۲۹) معاویة بن عمّار از امام صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت در تفسیر سخن خداوند: «اذکروا الله ذکراً کثیراً» فرمود: «هرگاه بنده در روز، صدبار یاد خدا کند و ذکر او گوید، ذکرش ذکر کثیر خواهد بود.»

۱۱۶۵ (۳۰) عثمان بن عبدالله با واسطه از امام معصوم ﷺ روایت کرده که فرمود: «وقتی زمستان فرا می‌رسد، هاتفی صدا می‌زند: ای اهل قرآن! شب برای نماز خواندن‌تان دراز شد و روز برای روزه گرفتن کوتاه گشت. پس اگر شما نمی‌توانید تمام شب به عبادت بپردازید و نه تاب مقابله و مجاهدهٔ با دشمن را دارید و از انفاق مال در راه خدا نیز بخل ورزیدید پس زیاد به یاد خدا باشید و بسیار ذکر خدای متعال بگویید.»

۱۱۶۶ (۳۱) ابن عبّاس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر کس از شما که نمی‌تواند شب‌زنده‌داری کند و از انفاق و خرج و صرف مال در راه خدا بخل ورزیده و از جهاد با دشمن، ترسیده، پس ذکر خدا بسیار گوید.»

۱۱۶۷ (۳۲) ابوبصیر از امام صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «امیرمؤمنان علی ﷺ فرمود: «من چوپانم، چوپان مردم، آیا چوپانی دیده‌اید که گوسفندان خود را نشناسد؟

راوی گفت: جویریّه به پا خاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! گوسفندانت چه کسانی هستند؟

فرمود: زردرویان و خشک‌لبان که از کثرت ذکر خدا [و روزه] لب‌هایشان ترک خورده است.»

---

۱. احزاب ۴۱/۳۳.

۱۱۶۸ ۳۶۷۲۹ (۳۳) **كافي ۱۶/۲**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن القاسم بن محمد المنقريّ عن سفيان بن عيينة عن السنديّ عن أبي جعفر عليه السلام قال ما أخلص العبد الأيمان باللّه عزّ وجلّ أربعين يوماً أو قال ما أجمل عبد ذكر اللّه عزّ وجلّ أربعين يوماً إلّا زهّده اللّه عزّ وجلّ في الدنيا وبصّره دائها ودوائها فأثبتَ الحكمةَ في قلبه وأنطق بها لسانه ثمّ تلا ﴿**إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُفْتَرِينَ**﴾ فلا ترىٰ صاحب بدعة إلّا ذليلاً ومفترياً على اللّه عزّ وجلّ وعلى رسوله صلى الله عليه وآله وعلى أهل بيته صلوات اللّه عليهم إلّا ذليلاً.

۱۱۶۹ ۳۶۷۳۰ (۳۴) **مشكاة الأنوار ۵۷**: ومن سائر الكتب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال كلام ابن آدم كلّه عليه لا لَهُ إلّا أمراً بمعروف أو نهياً عن منكر أو ذكر اللّه تعالىٰ.

۱۱۷۰ ۳۶۷۳۱ (۳۵) **وفيه ۵۷**: قال صلى الله عليه وآله انّ ربّي أمرني أن يكون نطقي ذكراً وصمتي فكراً ونظري عبرةً.

۱۱۷۱ ۳۶۷۳۲ (۳۶) **كافي ۴۹۷/۲**: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن فضّال عن بعض أصحابه عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال اللّه عزّ وجلّ لموسى أكثر ذكري باللّيل والنّهار وكن عند ذكري خاشعاً وعند بلائي صابراً واطمئنّ عند ذكري واعبدني ولا تشرك بي شيئاً إليّ المصير.

يا موسى اجعلني ذخرك وضع عندي كنزك من الباقيات الصالحات.

۱۱۷۲ ۳۶۷۳۳ (۳۷) **وفيه ۴۹۸**: وباسناده عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال اللّه عزّ وجلّ لموسى اجعل لسانك من وراء قلبك تسلم وأكثر ذكري باللّيل والنّهار ولا تتّبع الخطيئة في معدنها فتندم فإنّ الخطيئة موعد أهل النّار.

۱۱۷۳ ۳۶۷۳۴ (۳۸) **وفيه ۴۹۸**: وباسناده قال فيما ناجى اللّه به موسى عليه السلام قال يا موسى لا تنسني علىٰ كلّ حال فانّ نسياني يميت القلب.

۱۱۶۸ (۳۳) سندی از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بنده چهل روز ایمان خود را برای خدایﷻ خالص و بی غش نگرداند (یا اینکه فرمود:) بنده چهل روز ذکر خدای عزیز و جلیل را به خوبی نگوید و به یاد او نباشد مگر اینکه خداوندﷻ او را نسبت به دنیا بی‌رغبت گرداند و او را نسبت به درد و درمان آن بینا نماید در نتیجه حکمت را در دلش مستقرّ و زبانش را به آن گویا فرماید.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «**آری، کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند، به زودی خشمی از پروردگارشان و خواری و ذلّتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید و ما این چنین، تهمت زنندگان را کیفر می‌دهیم.**»[1] پس بدعت گزاری نیابی مگر خوار و ذلیل و تهمت زننده‌ای بر خدای عزیز و جلیل و بر پیامبرشﷺ و اهل بیتشؑ نبینی مگر خوار و ذلیل.»

۱۱۶۹ (۳۴) در کتاب مشکاة الانوار از پیامبرﷺ روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «تمام گفته‌های پسر آدم به زیان اوست نه به سودش مگر گفته‌ای که امر به معروف یا نهی از منکر باشد و یا اینکه ذکر خداوند متعال باشد.»

۱۱۷۰ (۳۵) در همان کتاب نیز از پیامبرﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «البته پروردگار من مرا دستور فرموده که سخنم ذکر و سکوتم فکر و نگاهم عبرت گرفتن باشد.»

۱۱۷۱ (۳۶) ابن فضّال با دو واسطه از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند عزیز و جلیل به موسی فرمود: در شب و روز بسیار ذکر من گوی و در هنگام یاد من و ذکر من خاشع و دل نرم باش و در وقت بلایم بردبار باش و در وقت ذکر من آرام و با وقار باش و مرا پرستش کن و هیچ چیز را شریک من قرار نده، بازگشت نهایی [همگان] به سوی من است.

ای موسی! مرا ذخیرهٔ خود قرار ده و گنجینه‌ات را که عبارت است از اعمال شایستهٔ ماندگار، نزد من بگذار.»

۱۱۷۲ (۳۷) در کتاب اصول کافی به صورت مستند از حضرت صادقؑ روایت شده که آن دریای دانش فرمود: «خداوند عزیز و جلیل به موسی فرمود: زبانت را پشت سر قلبت قرار ده تا سالم بمانی و در شب و روز بسیار ذکر من گوی و جلوی گناه را از سرچشمه بگیر [و از همان اوّل حتّی فکر گناه نکن] که پشیمان خواهی شد زیرا وعده گاه اهل گناه آتش دوزخ است.»

۱۱۷۳ (۳۸) و در همان کتاب اصول کافی از جمله مناجات‌های خداوند با حضرت موسیؑ این بود که خداوند فرمود: «ای موسی! در هر حال مرا فراموش نکن، زیرا فراموش کردن من، دل را می‌میراند.»

---

۱. اعراف ۱۵۲/۷.

١١٧٤ (٣٩) **كافي** ٨/٧: بالاسناد المتقدّم في باب (٣) حجّية سنّة النّبيّ ﷺ من أبواب المقدّمات
٣٦٧٣٥ عن **حفص** المؤذّن عن أبي عبداللّه عليه السلام (في رسالته إلى أصحابه) فأكثروا ذكر اللّه ما استطعتم في كلّ ساعة من ساعات اللّيل والنّهار فإنّ اللّه أمر بكثرة الذّكر له واللّه ذاكر لمن ذكره من المؤمنين واعلموا انّ اللّه لم يذكره أحد من عباده المؤمنين إلّا ذكره بخير.

١١٧٥ (٤٠) **العيون** ٢/ ١٨٠: باسناده المتقدّم في باب (١٠) عدد ركعات الفرائض اليوميّة من
٣٦٧٣٦ أبواب فضل الصلاة عن **رجاء** بن أبي الضحّاك يقول بعثني المأمون في اشخاص على بن موسى عليه السلام من المدينة (إلى أن قال) فواللّه ما رأيت رجلاً كان أتقى للّه تعالى منه ولا أكثر ذكراً للّه في جميع أوقاته منه.

١١٧٦ (٤١) **أمالي الصدوق** ١٦٤: حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن
٣٦٧٣٧ موسى بن بابويه القمي قال حدثنا علي بن أحمد الدّقّاق قال حدثنا محمد بن هارون الصوفي قال حدثنا عبداللّه بن موسى الحبال الطبري قال حدثنا محمد بن الحسين الخشّاب قال حدثنا محمد بن محصن عن **يونس** بن ظبيان عن الصادق جعفر بن محمّد عليهما السلام قال انّ اللّه تبارك وتعالى أوحى إلى داود عليه السلام مالي أراك وحداناً؟

قال هجرت الناس وهجروني فيك. قال فمالي أراك ساكتاً؟

قال خشيتك أسكتتني. قال فمالي أراك نصباً؟

قال حبّك أنصبني. قال فمالي أراك فقيراً وقد أفدتك؟

قال القيام بحقّك أفقرني. قال فمالي أراك متذلّلاً؟

قال عظيم جلالك الّذي لايوصف ذلّلني وحقّ ذلك لك يا سيّدي.

قال اللّه جلّ جلاله فأبشر بالفضل منّي فلك ما تحبّ يوم تلقاني خالط الناس وخالقهم بأخلاقهم وزايلهم في أعمالهم تنل ما تريد منّي يوم القيامة.

وقال الصادق عليه السلام أوحى اللّه عزّ وجلّ إلى داود عليه السلام ياداود بي فافرح وبذكري فتلذّذ وبمناجاتي فتنعّم فعن قليل أخلّي الدّار من الفاسقين واجعل لعنتي على الظالمين.

۱۱۷۴ (۳۹) حفص مؤذّن از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن بزرگوار (در نامه‌ای که به اصحابش نوشت) فرمود: «در هر ساعتی از ساعات شب و روز تا می‌توانید بسیار ذکر خدا بگویید زیرا خداوند ما را به بسیار ذکر گفتن دستور داده و [بدانید که] احدی از بندگان مؤمن خدا را یاد نکند مگر اینکه خداوند او را به خیر و احسان یاد کند.»

۱۱۷۵ (۴۰) رجاء بن ابی ضحّاک گوید: «مأمون به من مأموریّت داد که علیّ بن موسی الرضاعليه السلام را از شهر مدینه بیاورم (تا اینکه گفت:) به خدا قسم مردی پرهیزگارتر از او ندیدم و ندیدم کسی را که به اندازهٔ او در تمام اوقات و احوال، این اندازه ذکر خدا گوید.»

۱۱۷۶ (۴۱) یونس بن ظبیان از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به داودعليه السلام وحی کرد: چرا تو را تنها می‌بینم؟ داود عرض کرد: من به خاطر تو مردم را ترک کردم آن‌ها هم ترک من گفتند.

خدای سبحان: چرا تو را ساکت می‌بینم؟

حضرت داود: ترس از تو مرا ساکت کرده است.

خدای سبحان: چرا تو را در رنج و زحمت می‌بینم؟

داودعليه السلام: دوستی تو این سان مرا به تحمّل رنج و زحمت وا داشته است.

خدای سبحان: چرا با وجودی که به تو مال داده‌ام تو را فقیر می‌بینم؟

داودعليه السلام: ادای حقّ تو مرا فقیر کرد.

خدای سبحان: چرا می‌بینم که تو خود را ذلیل و خوار کرده‌ای؟

داودعليه السلام: جلالت بزرگ وصف نشدنی تو مرا خوار کرده است و تو شایستهٔ این‌ها هستی.

خدای جلیل: پس این تفضّل به تو مژده باد، آن روز که به دیدار من آیی هر چه دوست داشته باشی تو را خواهم داد. با مردم معاشرت کن و با آن‌ها نسبت به اخلاق و رفتارشان مدارا کن و با کردار از آنها جدا باش [کارهای آن‌ها را انجام نده] آنگاه هر چه از من بخواهی در روز قیامت به آن خواهی رسید.

حضرت صادقعليه السلام فرمود: خدای عزیز و جلیل به داودعليه السلام وحی کرد که: ای داود! با من خوشحال باش و از یاد و ذکر من لذّت ببر و با مناجات با من، خود را از نعمت برخوردار کن. پس به زودی خانه [ی دنیا] را از فاسقان خالی می‌کنم و لعن و عذاب خود را بر ستمگران فرود می‌آورم.»

(۴۲) **الثواب** ۱۸۳: أبي ﷺ قال حدثني سعد بن عبدالله عن بنان بن محمد عن أبيه عن عبدالله بن المغيرة عن **السكوني** عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه عن أبيه عن عليّ ﷺ انّ النبيّ ﷺ قال ما من عبد سلك وادياً فيبسط كفّيه فيذكر الله ويدعو إلّا ملأ الله ذلك الوادي حسنات فيعظم ذلك الوادي أو ليصغر. ۱۱۷۷ ۳٦۷۳۸

المحاسن ۲۳: البرقي عن ابن فضّال عن محمد بن سعيد عن **إسماعيل** بن مسلم عن أبي عبدالله ﷺ قال قال النّبي ﷺ من هبط وادياً فقال لا إله إلّا الله والله أكبر ملأ الله الوادي (وذكر نحوه).

(۴۳) **مستدرك** ۳۰۲/۵: القطب الراونديّ في لبّ الّلباب عن **معاذ** قال قال النبيّ ﷺ في حديث واذكر الله عند كلّ حجر ومدر واحدث لكلّ ذنب توبة للسرّ بالسرّ وللعلانية بالعلانية. ۱۱۷۸ ۳٦۷۳۹

(۴۴) **كافي** ۴۹۸/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الأشعريّ عن **ابن القدّاح** عن أبي عبدالله ﷺ قال ما من شيء إلّا وله حدّ ينتهي إليه إلّا الذكر فليس له حدّ ينتهي إليه فَرَضَ الله عزّ وجلّ الفرايض فمن أدّاهنّ فهو حدّهنّ وشهر رمضان فمن صامه فهو حدّه والحجّ فمن حجّ فهو حدّه إلّا الذّكر. ۱۱۷۹ ۳٦۷۴۰

فانّ الله عزّ وجلّ لم يرض منه بالقليل ولم يجعل له حدّاً ينتهي إليه ثمّ تلا هذه الآية ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۞ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾.

فقال لم يجعل الله عزّ وجلّ حدّاً ينتهي إليه.

قال وكان أبي ﷺ كثير الذكر لقد كنت أمشي معه وانّه ليذكر الله وآكل معه الطعام وانّه ليذكر الله ولقد كان يحدّث القوم (و) مايشغله ذلك عن ذكر الله وكنت أرىٰ لسانه لازقاً بحنكه يقول لا إله إلّا الله وكان يجمعنا فيأمرنا بالذّكر حتّى تطلع الشمس ويأمر بالقرائة من كان يقرء منّا ومن كان لا يقرء منّا أمره بالذكر.

۱۱۷۷ (۴۲) سکونی از امام صادقعليه السلام و او از پدرش امام محمّد باقرعليه السلام و او از پدرش و او از جدّش و او از امام علیعليه السلام روایت کرده که آن امام همام فرمود: «به راستی پیامبرﷺ فرمود: بنده‌ای نیست که سرزمینی را بپیماید و دست‌ها را دراز کرده و دعا کند و ذکر خدا گوید مگر اینکه خداوند آن سرزمین را برای او پُر از حسنات نماید خواه سرزمین بزرگ باشد و خواه کوچک.»

اسماعیل بن مسلم از حضرت صادقعليه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «پیامبرﷺ فرمود: کسی که به سرزمینی فرود آید و بگوید: «لا اله الّا الله و الله اکبر» خداوند آن سرزمین را پر از حسنات نماید.» تا آخر روایت همانند روایت پیشین است.

۱۱۷۸ (۴۳) معاذ بن جبل از رسول گرامی اسلامﷺ روایت کرده که آن حضرت در ضمن سخنانی فرمود: «در کنار هر سنگ و کلوخی به یاد خدا باش و ذکر خدا گوی و برای هر گناهی که کرده‌ای توبه‌ای ایجاد کن، برای گناه پنهانی، توبه‌ای پنهانی و برای گناه آشکار، توبه‌ای آشکار.»

۱۱۷۹ (۴۴) ابن قدّاح از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هیچ چیزی نیست مگر او را ندازه‌ای است جز ذکر که او را اندازه‌ای که به آن منتهی شود نیست. خداوند عزیز و جلیل اعمالی را واجب کرده است پس هر کس آن را انجام داد [تکلیف از او ساقط می‌شود] پس همان انجام دادن، حدّ نهایی واجبات است [مثلاً] روزهٔ ماه رمضان که یکی از واجبات است هر کس آن را روزه بگیرد همین است اندازه و حدّ نهایی آن و فریضهٔ حجّ، هر کس به حجّ رود و مناسک حج را به جا آورد آن فریضه را ادا کرده و اندازهٔ نهایی آن همین است، جز ذکر که خدای عزیز و جلیل به اندک از آن راضی نشده و برای او اندازهٔ نهایی و نقطهٔ پایانی تعیین نکرده است. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «**ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار و صبح و شام او را به پاکی بستایید.**»

آنگاه حضرت فرمود: خدای عزیز و جلیل برای ذکر، یک حدّ و اندازه‌ای که به آن بسنده شود قرار نداده است.

وانگهی حضرت صادقعليه السلام فرمود: پدرمعليه السلام بسیار ذکر می‌گفت من همراه او راه می‌رفتم [می‌دیدم که] او ذکر خدا می‌گوید و با او غذا می‌خوردم [می‌دیدم که] او ذکر خدا می‌گوید و با مردم حرف می‌زد و در عین حال از ذکر خدا باز نمی‌ماند و پیوسته می‌دیدم که زبانش به کامش می‌خورد و می‌گفت: «لا اله الّا الله» در سحرگاهان، ما [فرزندانش] را جمع می‌کرد و به ما می‌گفت که به ذکر خدا مشغول شویم تا اینکه خورشید سر زند و هر کس از ما که می‌توانست قرآن بخواند به او می‌گفت: قرآن بخوان و کسی که قرآن خواندن نمی‌دانست به او می‌گفت تا ذکر بگوید.

والبيت الذي يقرء فيه القرآن ويذكر اللّه عزّ وجلّ فيه تكثر بركته وتحضره الملائكة وتهجره الشياطين ويضييء لأهل السماء كما يضييء الكوكب (الدريّ كـا ۴۹۸) لأهل الأرض و(إنّ ـكا ۶۱۰) البيت الذى لا يقرء فيه القرآن ولا يذكر اللّه عزّ وجلّ فيه تقلّ بركته وتهجره الملائكة وتحضره الشياطين وقد قال رسول اللّهﷺ ألا أخبركم بخير أعمالكم لكم أرفعها في درجاتكم وأزكاها عند مليككم وخير لكم من الدينار والدرهم وخيرٌ لكم من أن تلقوا عدوّكم فتقتلوهم ويقتلوكم؟

فقالوا بلىٰ فقال ذكر اللّه عزّ وجلّ كثيراً ثمّ قال جاء رجل إلى النبيّﷺ فقال من خير أهل المسجد؟ فقال أكثرهم لله ذكراً وقال رسول اللهﷺ من أعطى لساناً ذاكراً فقد أعطى خير الدّنيا والآخرة وقال في قوله تعالىٰ ولا تمنن تستكثر قال لا تستكثر ما عملت من خير للّه **كافي** ۲/ ۶۱۰: محمد (بن يحيى) عن أحمد وعدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد جميعاً عن جعفر بن محمد بن عبيداللّه عن ابن القداح عن أبي عبداللّهؑ قال قال أمير المؤمنينؑ البيت الذي يقرء فيه القرآن (وذكر مثله إلى قوله وتحضره الشياطين).

۱۱۸۰ ۳۶۷۴۱ (۴۵) **كافي** ۲/ ۴۹۷: علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن أبي عبداللّهؑ قال أوحى اللّه عزّ وجلّ إلىٰ موسىٰؑ يا موسى لا تفرح بكثرة المال ولا تدع ذكري على كلّ حال فانّ كثرة المال تُنسي الذنوب وانّ ترك ذكري يقسي القلوب **العلل** ۸۱: حدثنا أبيﷺ قال حدثنا محمد بن يحيى العطّار عن المقري الخراساني عن عليّ بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عن أبيهؑ قال أوحىٰ اللّه (وذكر مثله) **الخصال** ۳۹: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطّارﷺ قال حدّثني أبي عن الحسين بن إسحاق التاجر عن علي بن مهزيار عن فضالة عن **إسماعيل** بن أبي زياد عن أبي عبداللّه عن أبيهؑ (مثله) إلّاانّ فيه وترك ذكري **البحار** ۸۰/ ۱۹۰: عدّة الداعي وعن أبي عبداللّهؑ فيما أوحى إلى موسىؑ وذكر مثله ـ**الجعفريات** ۲۳۴: باسناده عن علي بن أبي طالب ؑ (نحوه).

۱۱۸۱ ۳۶۷۴۲ (۴۶) **عدّة الداعي** ۳۴: عن النبيّﷺ ألا أدلّكم على أبخل الناس وأكسل الناس وأسرق الناس وأجفأ الناس وأعجز الناس؟ قالوا بلى يا رسول اللّه.

آری خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزیز و جلیل در آن گفته شود، برکتش زیاد خواهد شد و فرشتگان در آن خانه حضور به هم رسانند و شیاطین آن خانه را ترک گویند و برای اهل آسمان آنچنان نور دهد که ستارهٔ درخشان برای اهل زمین نور می‌دهد و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدایﷻ در آن گفته نشود برکتش اندک است و فرشتگان آنجا را ترک گویند و شیاطین در آن خانه حاضر شوند و رسول خداﷺ فرمود: آیا به اطلاع شما برسانم که کدام عمل است که بهترین اعمال شماست و درجهٔ شما را از هر عمل دیگری بالاتر برد و پاک‌ترین عمل در نزد خدای شماست و از درهم و دینار برای شما بهتر است و برای شما بهتر از مقابله و مقاتله با دشمن است که آن‌ها را بکشید یا آن‌ها شما را بکشند؟

اصحاب گفتند: آری.

فرمود: ذکر بسیار خدای عزیز و جلیل.

سپس حضرت صادقؑ فرمود: مردی خدمت پیامبرﷺ آمد و عرض کرد: از میان مسجدروها، بهترین کدام است؟

حضرت فرمود: آن کس که از همه بیشتر به یاد خدا باشد و ذکر خدا بگوید و رسول خداﷺ فرمود: به هر کس زبان ذکرگویی داده شده پس در حقیقت خیر دنیا و آخرت به او داده شده است و خداوند تعالی که در قرآن فرمود: «و لا تمنُنْ تستكثِر» مقصود این است که آنچه کار خوب به خاطر خدا انجام می‌دهی آن را زیاد نشمار.»

در اصول کافی همین روایت نقل شده با این تفاوت که امام صادقؑ آن را از امیرالمؤمنین علیؑ نقل کرده است.

۱۱۸۰ (۴۵) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «خداوندﷻ به موسیؑ وحی کرد: ای موسی! به زیادی مال خوشحال نشو و ذکر مرا در هر حالی ترک مکن چرا که زیادی مال گناهان را به دست فراموشی می‌سپارد و ترک ذکر من دل‌ها را سخت می‌گرداند.»

این روایت شریف در کتب معتبر دیگر و با طُرُق دیگری بیان شده است.

۱۱۸۱ (۴۶) در کتاب عدّة الداعی از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که آن حضرت فرمود: «آیا راهنمایی کنم به شما بخیل‌ترین، تنبل‌ترین، دزدترین، ستمکارترین و ناتوان‌ترین مردم را؟

اصحاب گفتند: بله ای پیامبر خدا.

قال امّا أبخل الناس فرجل يمرّ بمسلم ولم يسلّم عليه وامّا أكسل الناس فعبد صحيح فارغ لا يذكر اللّه بشفة ولا بلسان وامّا أسرق الناس فالذي يسرق من صلاته تلفّ كما تلفّ الثوب الخلق فيضربها[1] وجهه وامّا أجفأ الناس فرجل ذكرتُ بين يديه فلم يصلّ عليّ وامّا أعجز الناس فمن يعجز (عجز ـ خ ل) عن الدعاء **تنبيه الخواطر** ۲۳۷/۲: قال رسول اللّهﷺ ألا أدلّكم (وذكر نحوه).

۱۱۸۲ ۲٦۷٤۳ (٤۷) **مستدرك** ۲۸۸/٥: القطب **الراوندي** في لبّ الّلباب عن النبيّﷺ قال لا يمرّ على المؤمن ساعة لا يذكر اللّه فيها إلّا كانت عليه حسرة.

۱۱۸۳ ۲٦۷٤۳ (٤۸) وفيه ۲۸۸ في الخبر انّ أهل الجنّة لا يتحسّرون علىٰ شيء فاتهم من الدنيا كتحسّرهم علىٰ ساعة مرّت من غير ذِكر اللّه.

۱۱۸٤ ۲٦۷٤٤ (٤۹) **عدّة الداعي** ۲۳۹: عنهمﷺ انّ في الجنّة قيعاناً[2] فإذا أخذ الذاكر في الذكر أخذت الملائكة في غرس الأشجار فربّما وقف بعض الملائكة فيقال له لِمَ وقفت فيقول انّ صاحبي قد فتر يعني عن الذّكر.

۱۱۸٥ ۲٦۷٤٥ (٥۰) **كافي** ٤۹٦/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن خالد عن أبيه عن خلف بن حمّاد عن ربعي بن عبداللّه بن الجارود الهذلي عن **الفضيل** بن يسار قال قال أبو عبداللّهﷺ ما من مجلس يجتمع فيه أبرار وفجّار فيقومون على غير ذكر اللّه عزّ وجلّ إلّا كان حسرة عليهم يوم القيامة.

۱۱۸٦ ۲٦۷٤٦ (٥۱) **تنبيه الخواطر** ٥: قالﷺ إذا قعد القوم في المجلس ثمّ قاموا فلم يذكروا اللّه عزّ وجلّ إلّا[3] كانت عليهم حسرة يوم القيامة.

۱۱۸۷ ۲٦۷٤۷ (٥۲) **كافي** ٤۹۷/۲: أبو علي الأشعري عن محمد بن عبدالجبّار عن صفوان بن يحيى عن **حسين** بن زيد عن أبي عبداللّهﷺ قال قال رسول اللّهﷺ ما من قوم اجتمعوا في مجلس فلم يذكروا اسم اللّه عزّ وجلّ ولم يصلّوا على نبيّهم إلّا كان ذلك المجلس حسرة ووبالاً عليهم **الجعفريات** ۲۱٥: باسناده عن **علي**ﷺ عن رسول اللّهﷺ نحوه إلى قوله حسرة عليهم وزاد (فإن شاء أخذهم وإن شاء عفا عنهم).

---

۱. فيضرب بها ـ تنبيه الخواطر. ۲. قيعان جمع القاع وهو المستوى من الأرض.
۳. كذا.

حضرت فرمود: امّا بخیل‌ترین مردم، مردی است که به مسلمانی بگذرد و به او سلام نکند و تنبل‌ترین مردم بندهٔ سالمی است که بیکار نشسته و ذکر خدا نگوید، نه به لب و نه به زبان و امّا دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد که مانند لباس کهنه پیچیده می‌شود و به صورتش زده می‌شود امّا ستمکارترین مردم کسی است که نام من در جلوی او ذکر شود و او بر من صلوات نفرستد و ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد.»

۱۱۸۲ (۴۷) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل‌کرده‌که آن حضرت فرمود: «ساعتی بر مؤمن سپری نگردد که در آن ذکر خدا نگفته مگر اینکه این ساعت، مایهٔ حسرت و افسوس اوست.»

۱۱۸۳ (۴۸) در همان کتاب لُبّ اللُّباب در خبر آمده است که: «بهشتیان به اندازه‌ای که بر آن ساعتی که در دنیا بر آن‌ها بدون ذکر خدا گذشته، افسوس و حسرت می‌خورند به هیچ چیز دیگری که از دست آن‌ها رفته افسوس نمی‌خورند.»

۱۱۸۴ (۴۹) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی از ائمّهٔ اطهارﷺ روایت کرده که فرموده‌اند: «در بهشت یک زمین خالی و صافی است پس هر گاه مؤمن شروع به ذکر گفتن می‌کند، فرشتگان شروع به کاشتن درخت می‌کنند. بعضی وقت‌ها بعضی از فرشتگان متوقّف می‌شدند پس، از آن‌ها علّت را پرسیدند، در جواب گفتند که صاحب من دست کشید یعنی از ذکر.»

۱۱۸۵ (۵۰) فضیل بن یسار از امام صادقؑ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «مجلسی نیست که عدّه‌ای در آن گِرد هم آیند، خواه نیکان باشند و خواه بدان و تا وقتی که از آن مجلس به پا خیزند ذکر خدایﷻ نگویند مگر اینکه این مجلس روز قیامت مایهٔ حسرت و افسوس آن‌ها خواهد بود.»

۱۱۸۶ (۵۱) در کتاب تنبیه الخواطر از رسول گرامی اسلامﷺ حدیثی نقل شده که فرمود: «هر گاه عدّه‌ای در مجلسی بنشینند سپس از آن به پا خیزند و ذکر خدایﷻ نگویند، این مجلس برای آن‌ها روز قیامت جز مایهٔ افسوس و ندامت نباشد.»

۱۱۸۷ (۵۲) حسین بن زید از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: عدّه‌ای در مجلسی گرد هم نیایند و در آن مجلس هیچ نام خدایﷻ را به زبان نیاورند و بر پیامبرشان صلوات نفرستند مگر اینکه این مجلس مایهٔ افسوس و عذاب آن‌ها خواهد بود.»

در کتاب جعفریّات همین روایت از علیؑ نقل شده که او از پیامبر خداﷺ روایت کرده با این تفاوت که در آنجا افزوده: «پس اگر خدا بخواهد آن‌ها را مؤاخذه می‌کند و اگر بخواهد از آن‌ها در می‌گذرد و آن‌ها را می‌بخشد.»

(**وتقدّم** في أحاديث باب (۸) كراهة الكلام على الخلاء وعدم كراهة ذكر اللّه من أبواب التخلّي ج ۲ ما يدلّ على ذلك **وفي** رواية أبي عثمان (۵) من باب (۱۶) استحباب قرائة القرآن والدعاء في الصلاة من أبواب القرائة قوله ﷺ وذكر اللّه تعالى أفضل من الصدقة إلخ.

وفي كثير من أحاديث باب (۱۸) انّه يستحب للمصلّي أن يجلس في مصلاّه بعد صلاة الصبح حتّى تطلع الشمس يذكر اللّه ويدعو بالمأثور من أبواب التعقيب ج ٦ ما يدلّ على ذلك.

وفي أحاديث باب (۱۵) انّه لا بأس أن يتكلّم المصلى بكلّ شيء يناجي به ربّه من أبواب ما يقطع الصلاة ج ۶ ما يناسب الباب. **وفي** رواية عثمان بن عيسى (۳) من باب (۳) ما ورد فى ذمّ من استخار اللّه فيغضب من أبواب الاستخارة (ج ۸) قوله قلت لأبي عبداللّه ﷺ من أكرم الخلق على اللّه قال أكثرهم ذكراً للّه وأعملهم لطاعته. وفي غير واحد من أحاديث باب (۱۳) استحباب مواساة المؤمن في المال من أبواب مايتأكّد استحبابه من الحقوق في المال ج ۹ ما يدلّ على استحباب ذكر اللّه تعالى في كلّ حال.

وفي أحاديث باب (۹) ما ورد في ذكر اللّه تعالى عندما أحلّ وحرّم من أبواب جهاد النفس ج ۱۶ ما يدلّ على ذلك فراجع **وفي** أحاديث باب (۳۱) استحباب الصمت إلّا عن الخير وباب (۳۲) وجوب حفظ اللسان عمّا لا يجوز من الكلام ج ۱۷ ما يناسب الباب **وفي** رواية عبداللّه (۲۳) من باب (۴۴) ذمّ حبّ الدنيا قوله: فأيّ الكلام أفضل عند اللّه، قال ﷺ كثرة ذكر اللّه والتضرّع إليه والدعاء.

وفي رواية وصيّة النبيّ ﷺ لأبي ذرّ (۳۹) من باب (۱) فضل القرآن ج ۱۹ قوله ﷺ أوصيك بتقوى اللّه (إلى أن قال) وذكر اللّه كثيراً.

وفي رواية سلمان (۶) من باب (۱۱) التوسّل في الدعاء على محمد وآل محمد من أبواب الدعاء قوله سألت (اللّه) بهم ﷺ أن يهب لي لساناً ذاكراً لتحميده وثنائه.

وفي رواية جابر (۴) من باب (۲۳) استحباب الدعاء والذكر قبل طلوع الشمس قوله ﷺ فأكثروا ذكر اللّه عزّ وجلّ في هاتين الساعتين (أي عند طلوع الشمس وغروبها).

ويأتي في أحاديث الأبواب الآتية ما يدلّ على ذلك خصوصاً **الباب** التالي **وباب** (۲۶) أنّ المجتمعين في المجلس إذا لم يذكروا اللّه كان المجلس عليهم حسرات.

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب هشتم از باب‌های تخلّی آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت پنجم از باب شانزدهم از باب‌های قرائت فرموده امام‌ﷺ که: «و ذکر خدا از صدقه با فضیلت‌تر است... تا آخر.»

و در روایات باب هجدهم از باب‌های تعقیب آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایات باب پانزدهم از باب‌های کارهایی که نماز را قطع می‌کند آنچه مناسب باب است.

و در روایت سوم از باب سوم از باب‌های استخاره این گفته که: «راوی از امام صادق‌ﷺ می‌پرسد: گرامی‌ترین مردم نزد خدا کیست؟

حضرت می‌فرماید: آن کس که از همه بیشتر ذکر خدا گوید و در عمل از همه، مطیع‌تر است.»

و در بسیاری از روایات باب سیزدهم از باب‌های تاکید بر استحباب از حقوق در مال آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایات باب نهم از باب‌های جهاد با نفس آنچه بر آن دلالت می‌کند پس مراجعه کنید.

و در روایات باب سی و یکم و سی و دوم آنچه مناسب باب است.

و در روایت بیست و سوم از باب چهل و چهارم این گفته که: «بهترین سخن در نزد خداوند چیست؟ حضرت می‌فرماید: بسیار ذکر خدا گفتن و پیش او لابه و التماس و دعا کردن.»

و در روایت سی و نهم از باب یکم فرموده امام‌ﷺ که: «تو را به تقوای الهی و پرهیزگاری سفارش می‌کنم (تا آنجا که می‌فرماید:) و سفارش می‌کنم تو را به بسیار گفتن ذکر خدا.»

و در روایت ششم از باب یازدهم از باب‌های دعا این گفته که: «از خدا به وساطت محمّد و آل محمّدﷺ زبانی خواستم که پیوسته حمد و ثنای الهی گوید.»

و در روایت چهارم از باب بیست و سوم فرموده امام‌ﷺ که: «در این دو ساعت یعنی وقت طلوع خورشید و غروب آن، بسیار ذکر خدای عزیز و جلیل گویید.»

می‌آید:

در روایات باب‌های بعدی آنچه بر آن دلالت می‌کند به خصوص باب بعدی و باب بیست و ششم.

وفي رواية بريد من باب (۹) استحباب تزويج المرأة لدينها من أبواب التـزويج قـوله تعالى إذا أردت أن أجمع للمسلم خير الدنيا والآخرة جعلت له قلباً خاشعاً ولساناً ذاكراً الخ. **ولاحظ** ساير أحاديث هذا الباب فانّ فيها ما يناسب المقام.

(۲)

باب ما ورد من الذّكر والدعاء عند القيام من المجلس وعند ختمه

۱۱۸۸ ۳٦۷٤۸ (۱) **كافي** ۲/٤۹٦: حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن وهيب بن حفص عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال أبو جعفر ﷺ من أراد أن يكتال بالمكيال الأوفىٰ فليقل إذا أراد أن يقوم من مجلسه ﴿سُبْحَـٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ وَسَلَـٰمٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ ۝ وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾ **فقيه** ۳/۲۳۸: قال الصادق ﷺ كفّارات المجالس أن تقول عند قيامك منها سُبحٰان ربّكَ وذكر مثله.

۱۱۸۹ ۳٦۷٤۹ (۲) **الجعفريات** ۲۲٦: باسناده عن علي ﷺ قال قال رسول اللّـه ﷺ مـن خـتم مـجلسه بهؤلاء الكلمات إنْ كان مسيئاً كنّ كفّارات الإساءة وإن كـان مـحسناً ازداد إحسـاناً وهـي سبحانك الّلهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلّا أنت استغفرك وأتوب إليك.

۱۱۹۰ ۳٦۷٥۰ (۳) **البحار** ٤٦۷: عن خط **الشهيد** ﷺ روى عن النبيّ ﷺ انّ كفّارة المجلس سُبحانَك اللّهمّ وبحمدك لا إله إلّا أنت ربِّ تُبْ (آئب ـك) عَليَّ واغفر لي.

(۳)

باب انّ من شغل بذكر اللّه تعالىٰ عن مسألته أو بدء بالثّناء عليه والصّلاة علىٰ رسوله حتّىٰ ينسىٰ حاجته أعطاه اللّه أفضل ما يعطى من سأله وأنّ من أطاع اللّه فقد ذَكَرَهُ ومن عصاه فقد نَسيه

۱۱۹۱ ۳٦۷٥۱ (۱) **كافي** ۲/٥۰۱: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير **المحاسن** ۳۹: البرقي عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه ﷺ قال انّ اللّه عزّ وجلّ يقول من شغل بذكري عن مسألتي أعطيته أفضل مـا أعـطي مـن سألنـي **مسـتدرك** ۳۸٤: القـطب الراوندي في دعواته قال قال أبو عبداللّه ﷺ انّ اللّه يقول (وذكر نحوه).

و در روایت برید از باب نهم از باب‌های تزویج فرموده خداوند تعالی که: «هر گاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای کسی جمع کنم به او دلی نرم و زبانی به ذکر خدا گویا خواهم داد.»

و سایر روایات این باب را بنگر که مناسب با این مقام است.

باب ۲

دعای ختم مجلس

۱۱۸۸ (۱) ابو بصیر از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که فرمود: «کسی که دوست دارد با پیمانهٔ پُر [حسنات] پیمانه کند، پس هر گاه می‌خواهد از مجلس خود برخیزد بگوید: «پاک است پروردگار تو، پروردگار با فرّ و شکوه از آنچه وصف می‌کنند و درود بر پیامبران و ستایش ویژهٔ خدا، پروردگار جهانیان است.»[1]

در کتاب من لا یحضره فقیه روایتی از امام صادق‌ﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «کفّارهٔ گناهان مجلس‌ها و گرد هم نشستن‌ها این است که در هنگام برخاستن بگویی: «سبحان ربّک تا آخر آیه»

۱۱۸۹ (۲) در کتاب جعفریّات به صورت مستند از امام علی‌ﷺ روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که مجلس خود را با این کلمات به پایان رساند اگر [در آن مجلس] کار بدی کرده باشد، کفّارهٔ بدیِ اوست و اگر خوبی کرده باشد بر خوبی‌اش افزوده شود و آن کلمات این است: «خداوندا! تو پاکی و شایستهٔ ستایشی، گواهی دهم که معبودی جز تو نیست از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم.»

۱۱۹۰ (۳) شهید در دست نوشته‌ای از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرموده: «کفّارهٔ گناهان مجلس، خواندن این دعاست: «پاکی ای خداوند و شایستهٔ ستایش، معبودی جز تو نیست پروردگارا! با رحمتت به من بازگرد و مرا بیامرز.»

باب ۳

اطاعت خدا یعنی: یاد خدا و معصیت، یعنی: فراموشی

۱۱۹۱ (۱) هشام بن سالم از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که فرمود: «به راستی خدای توانای بزرگ فرموده: کسی که چنان به ذکر من مشغول شده که از خواستن خواسته‌هایش بازمانده، من بهترین چیزی که به درخواست کنندگانم می‌دهم به او خواهم داد.»

همین روایت شریف را مرحوم قطب الدین راوندی در کتاب دعواتش نیز نقل کرده است.

---

۱. صافّات ۳۷/۱۸۰ ـ ۱۸۲.

۱۱۹۲ ۲٦۷٥۲ (۲) **مستدرك** ٢٩٩/٥: تفسير العسكري عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من شغلته عبادة اللّه عن مسألته أعطاه أفضل ما يعطى السائلين.

۱۱۹۳ ۲٦۷٥۳ (۳) **كـافي** ٢/ ٥٠١: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن محمد بن إسماعيل عن منصور بن يونس عن **هارون** بن خارجة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّ العبد ليكون له الحاجة إلى اللّه عزّ وجلّ فيبدأ بالثناء على اللّه والصّلاة على محمّد وآل محمّد حتىٰ ينسى حاجته فيقضيها اللّه له من غير أن يسأله إيّاها **مستدرك** ٢١٦/٥: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن الصادق عليه السلام (نحوه).

۱۱۹٤ ۲٦۷٥٤ (٤) **مستدرك** ٢٩٩/٥: الشيخ **أبوالفتوح** في تفسيره عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال من أطاع اللّه فقد ذكر اللّه وإن قلّت صلاته وصيامه وتلاوته القرآن ومن عصى اللّه فقد نسى اللّه وإن كثرت صلاته وصيامه وتلاوته القرآن **مستدرك** ٤٠٣/٥: الشيخ المفيد في الاختصاص عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله مثله.

وتقدّم في أحاديث باب (٥٤) وجوب طاعة اللّه من أبواب جهاد النفس ج ١٧ ما يدلّ على بعض المقصود **وفي** باب (١) ما ورد من الأمر بذكر اللّه علىٰ كلّ حال من أبواب الذكر ما يناسب الباب.

(٤)

باب ماورد في انّ الصاعقة لاتصيب ذاكراً للّه عزّ وجلّ

۱۱۹٥ ۲٦۷٥٥ (١) **كافي** ٢/ ٥٠٠: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن إسماعيل عن محمد بن الفضيل عن **أبي الصباح** الكناني عن أبي عبداللّه عليه السلام قال يموت المؤمن بكل ميتة إلّا الصاعقة لاتأخذه وهو يذكر اللّه عزّ وجلّ.

۱۱۹٦ ۲٦۷٥٦ (٢) **كافي** ٢/ ٥٠٠: حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن وهيب بن حفص عن **أبي بصير** قال سألت أبا عبداللّه عليه السلام عن ميتة المؤمن قال يموت المؤمن بكلّ ميتة يموت غرقاً ويموت بالهدم ويبتلي بالسبع ويموت بالصاعقة ولا تصيب ذاكراً للّه عزّ وجلّ.

۱۱۹۲ (۲) در تفسیر امام حسن عسکریعلیه السلام آمده است: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که عبادت و پرستش خدا او را از خواستن حاجات از درگاه ربوبی باز دارد، خداوند بهتر از آنچه که به درخواست‌کنندگان می‌دهد به او خواهد داد.»

۱۱۹۳ (۳) هارون بن خارجه از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که فرمود: «گاهی بنده از خدا خواسته‌ای دارد پس شروع به حمد و ستایش پروردگار و صلوات بر محمّد و آل محمّد می‌کند [و همان را ادامه می‌دهد] تا آنجا که خواستهٔ خود را فراموش می‌کند پس خداوند بدون اینکه او درخواست کند خواسته‌اش را برآورد.»

همین روایت شریف را قطب الدین راوندی در کتاب لُبّ اللباب از حضرت صادقعلیه السلام نیز نقل کرده است.

۱۱۹۴ (۴) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس فرمان‌برداری از خدا کند، ذکر خدا گفته است و یاد او کرده است و هر کس به مخالفت با دستورات خدا بپردازد در حقیقت خدا را فراموش کرده است هر چند نماز زیاد بخواند و بسیار روزه بگیرد و فراوان قرآن بخواند.»

همین روایت را شیخ مفید﵀ در کتاب اختصاص از پیامبر خداﷺ نقل کرده است.

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب پنجاه و چهارم از باب‌های جهاد با نفس آنچه بر بعضی از مقصود دلالت می‌کند.
و در باب یکم از باب‌های ذکر آنچه مناسب باب است.

باب ۴

ذکر خدا مانع صاعقه زدگی

۱۱۹۵ (۱) ابوالصباح کنانی از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که فرمود: مؤمن به هر مرگی ممکن است بمیرد جز با رعد و برق چون صاعقه او را در حالی که یاد خدایعزّ وجلّ می‌کند، نمی‌گیرد.»

۱۱۹۶ (۲) ابوبصیر گوید: «از حضرت صادقعلیه السلام راجع به مرگ مؤمن پرسیدم، حضرت فرمود: مؤمن به هر مرگی می‌میرد. ممکن است غرق شود یا زیر آوار رود و یا گرفتار درنده شود و یا با آذرخش [رعد و برق] بمیرد ولی ذکرگوی خدای بزرگ را آذرخش نمی‌گیرد.»

۱۱۹۷ ۲٦۷۵۷ (۳) **كافي** ۲ / ۵۰۰: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن ابن أُذينة عن بريد بن معاوية العجلي قال قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ الصواعق لا تصيب ذاكراً قال قلت وما الذّاكر قال من قرء مأة آية.

۱۱۹۸ ۲٦۷۵۸ (۴) **أمالي الصدوق** ۳۷۵: حدثنا محمد بن علي ماجيلويه قال حدثنا محمد بن يحيى العطّار قال حدثنا محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري عن عيسى بن محمد عن علي بن مهزيار عن عبداللّه بن عمر عن **عبداللّه** بن حمّاد قال قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام انّ الصاعقة لا تصيب ذاكراً للّه عزّ وجلّ.

۱۱۹۹ ۲٦۷۵۹ (۵) **العلل** ۴٦۳: أبي رحمه الله قال حدثنا سعد بن عبداللّه عن أيّوب بن نوح عن صفوان بن يحيى عن معاوية بن عمّار قال فقيه ۳۴۴: قال أبو عبداللّه عليه السلام (انّ ـ فقيه) الصاعقة تصيب المؤمن والكافر ولا تصيب ذاكراً.

۱۲۰۰ ۲٦۷٦۰ (٦) **وفيه** ۴٦۲: بهذا الاسناد قال قال عليه السلام الصاعقة لا تصيب المؤمن فقال له رجل فانّا قد رأينا فلاناً يصلّي في المسجد الحرام فأصابته فقال أبو عبداللّه عليه السلام انّه كان يرمي حمام الحرم.

وتقدّم في أحاديث باب (۱۱) رفع الصوت بالتكبير عند هبوب الرياح من أبواب صلاة الآيات ج ۷ مايدلّ على ذلك.

وفي رواية إسحاق (۳) من باب (۲) تحصين الأموال بالزكاة من أبواب فضلها ج ۹ قوله عليه السلام والصاعقة لا تصيب ذاكراً وليس يصاد من الطير إلّا ما ضيّع تسبيحه.

ويأتي في باب (۲٦) ما ورد في انّه لا يصاد من الطير إلّا ما أضاع التسبيح من أبواب الصيد ما يناسب ذلك.

(۵)

باب اكثار ذكر اللّه تعالى في الخلأ والملأ وفى النفس والسرّ وماورد في أنّه مقسوم على سبعة أعضاء وحرمة ذكره عبثاً

قال اللّه تعالى في سورة سورة طه (۲۰): ۳۴: ﴿وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا﴾.

سورة الشعراء (۲٦): ۲۲۷: ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُـلِمُواْ وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَـلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ﴾.

۱۱۹۷ (۳) برید بن معاویه عجلی از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «صاعقه‌ها [ی آسمانی] به ذکرگو اصابت نکند. پرسیدم: ذکرگو کیست؟ فرمود: کسی که صد آیه خوانده است.»

۱۱۹۸ (۴) عبدالله بن حمّاد از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که فرمود: «صاعقه و رعد و برق کسی را که در حال ذکر خدای‌ﷻ است، نمی‌گیرد.»

۱۱۹۹ (۵) معاویة بن عمّار از حضرت صادق‌ﷺ روایت کرده که فرمود: «صاعقه هم به مؤمن اصابت می‌کند و هم به کافر ولی به ذاکر [خدا] اصابت نمی‌کند.»

۱۲۰۰ (۶) و با همان سند امام صادق‌ﷺ فرمود: «صاعقه به مؤمن نرسد. پس مردی به حضرت گفت: ما فلانی را دیدیم که در مسجد الحرام نماز می‌خواند که صاعقه او را گرفت!

حضرت فرمود: او کبوتران حرم را با تیر می‌زد [و شکار می‌کرد].»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب یازدهم از باب‌های نماز آیات آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سوم از باب دوم از باب‌های فضیلت زکات فرموده امام‌ﷺ که: «رعد و برق، ذاکر را نمی‌گیرد و از میان پرندگان، پرنده‌ای شکار نشود مگر آنکه تسبیح خدا را ضایع کرده باشد.»

می‌آید:

در باب بیست و ششم از باب‌های صید آنچه مناسب با آن هست.

باب ۵

ذکر خدا در خلوت و جلوت یعنی همیشه

خداوند متعال فرموده است:

و فراوان تو را یاد کنیم و ذکر تو گوییم.[۱]

مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دهند و بسیار یاد خدا کنند.[۲]

---

۱. طٰهٰ ۳۴/۲۰.　۲. شعراء ۲۲۷/۲۶.

آل عمران (۳): ۴۱: ﴿قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَـٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِبْكَـٰرِ﴾.

الأحزاب (۳۳): ۲۱، ۳۵ و ۴۱: ﴿لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُواْ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْأَخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرًا﴾.

﴿إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَـٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ وَٱلْقَـٰنِتِينَ وَٱلْقَـٰنِتَـٰتِ وَٱلصَّـٰدِقِينَ وَٱلصَّـٰدِقَـٰتِ وَٱلصَّـٰبِرِينَ وَٱلصَّـٰبِرَٰتِ وَٱلْخَـٰشِعِينَ وَٱلْخَـٰشِعَـٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَٱلْمُتَصَدِّقَـٰتِ وَٱلصَّـٰٓئِمِينَ وَٱلصَّـٰٓئِمَـٰتِ وَٱلْحَـٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَـٰفِظَـٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾.

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾.

(تقدّم ما تدلّ على ذلك من الآيات في باب (۱) ما ورد من الأمر بذكر اللّه تعالى من أبواب الذكر).

۱۲۰۱ ۲۶۷۶۱ (۱) **كافي** ۴۹۹/۲: حميد بن زياد عن ابن سماعة عن وهيب بن حفص عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ قال شيعتنا الذين إذا خلوا ذكروا اللّه كثيراً.

۱۲۰۲ ۲۶۷۶۲ (۲) **مستدرك** ۲۹۶/۵: السيّد محيي الدين أبو حامد محمد بن عبداللّه الحلبي الحسيني ابن أخي ابن زهرة في كتاب الأربعين عن القاضي بهاء الدّين أبي المحاسن يوسف بن رافع بن تميم قال أخبرنا القاضي فخر الدّين أبو الرّضا سعيد بن عبداللّه قال أخبرنا الشيخ أبو الفتح محمد بن عبدالرّحمن الخطيب الكشميهني قال أخبرنا هبة اللّه قال أخبرنا أبو علي الحسن بن عبدالرحمن بن الحسن بن محمد الشافعي قال أخبرنا أبوالحسن أحمد بن إبراهيم بن فراسى قال أخبرنا أبو جعفر محمد بن إبراهيم الدبيلي قال حدثنا عبدالحميد بن صبيح قال حدثنا يونس بن محمد بن إسماعيل العدني قال حدثنا عبداللّه بن أبي غسّان قال حدثنا زافر بن سليمان البكري قال حدثنا عثمان بن عطاء الخراساني عن أبيه عن **أبي رزين** قال قال رسول اللّه ﷺ إذا خلوت فأكثر ذكر اللّه الخبر.

و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی.[۱]
به یقین برای شما در [اقتداء] به رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.
مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، بر همه آنها خدا مغفرت و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است.[۲]

در باب یکم از باب‌های ذکر آیاتی هست که به ذکر خدای متعال ترغیب می‌کرد.

۱۲۰۱ (۱) ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «شیعیان ما کسانی هستند که هر گاه به خلوت روند و تنها باشند، بسیار ذکر خدا گویند و یاد او کنند.»

۱۲۰۲ (۲) ابورزین از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هر گاه تنها شدی پس بسیار یاد خدا کن و ذکر خدا گوی.»

---

۱. آل عمران ۴۱/۳.
۲. احزاب ۲۱/۳۳ و ۳۵.

۱۲۰۳ ۲٦۷٦۳ (۳) **كافي** ۵۰۲/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن **ابن فضّال** رفعه قال قال اللّه عزّ وجلّ لعيسى ﷺ ياعيسى اُذكرني في نفسك أذكُرَكَ في نفسي واذْكُرْني في ملأ[ك][1] أذكرك في ملأ خير من ملأ الآدميين.

يا عيسى أَلِن لي قلبك واكثر ذكري في الخلوات واعلم انّ سروري أن تبصبص[2] إليّ وكن في ذلك حيّاً ولا تكن ميّتاً.

۱۲۰٤ ۲٦۷٦٤ (٤) **مستدرك** ۲۹۷/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللباب عن اللّه تعالى إذا ذكرتني ذكرتني ذكرتك ومن ذكرني في الخلأ ذكرته في الخلأ ومن ذكرني في الملأ ذكرته في ملأ خير منه.

۱۲۰۵ ۲٦۷٦۵ (۵) **مستدرك** ۲۹۸/۵: الشيخ **ابوالفتوح** في تفسيره ان اللّه تعالى أنزل في بعض كتبه المنزّلة أنا عند ظنّ عبدي فليظنّ بي ما شاء وأنا مع عبدي إذا ذكرني فمن ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي ومن ذكرني في ملأ ذكرته في ملأ خير منه ومن تقرّب إليّ شبراً تقرّبت إليه ذراعاً ومن تقرّب إليّ ذراعاً تقرّبت إليه باعاً ومن أتاني مشياً أتيته هَرْوَلَةً ومن أتاني بقراب الأرض[3] خطيئة أتيته بمثلها مغفرة ما لم يشرك بي شيئاً.

۱۲۰٦ ۲٦۷٦٦ (٦) **العوالي** ۱۱٦/٤: وفي الحديث عن النبي ﷺ انّه قال إذا دنا العبد إلى اللّه تدلّىٰ اللّه إليه ومن تقرّب إليه شبراً تقرّب إليه ذراعاً ومن تقرّب إليه ذراعاً تقرّب إليه باعاً ومن أتاه مشياً جاءه هرولة ومن ذكره في ملأ ذكره في ملأ أشرف ومن شكره شكره في مقام أسنىٰ ومن دعاه بغير لحن أجابه ومن استغفره غفر له.

۱۲۰۷ ۲٦۷٦۷ (۷) **كافي** ٤۹۸/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن فضّال عن غالب بن عثمان عن **بشير** الدّهان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال اللّه عزّ وجلّ يابن آدم اذكرني في ملأ أذكرك في ملأ خير من ملئك.

---

۱. ملئي ـ خ.   ۲. التَّبَصْبُصُ: التملّق.   ۳. أي: ما قارب قدرها.

(۳) ابن فضّال با واسطه از امام معصوم﵇ روایت کرده که فرمود: «خداوند عزیز و جلیل به ۱۲۰۳
عیسی﵇ گفت: ای عیسی! پیش خودت مرا یاد کن تا پیش خودم یاد تو کنم و در میان جمع یاد من کن تا در میان جمعی بهتر از جمع آدمیان، یاد تو نمایم.

ای عیسی! دلت را برای من نرم کن و در خلوت‌ها و تنهایی‌ها بسیار ذکر من گوی و بدان که من از التماس و درخواست کردن تو در پیشگاهم خوشحال می‌شوم و در انجام این کارها زنده [دل] باش نه مرده [دل].»

(۴) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب نقل کرده که خدای تعالی فرموده است: «هر گاه یاد من ۱۲۰۴
کنی، یاد تو کنم. هر کس در خلوت به یاد من باشد من هم در خلوت یاد او کنم و کسی که در میان خَلق، یاد من کند من در میان خَلقی بهتر از آن یاد او کنم.»

(۵) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش نقل کرده که: «خدای متعال در بعضی از کتاب‌هایی که فرو ۱۲۰۵
فرستاده است، فرموده: من چنانم که بنده‌ام به من چنان گمان می‌برد، پس هر جور که خواهد به من گمان برد و من هر گاه بنده‌ام یاد من کند، با او هستم. پس هر کس که در باطن خود یاد من کند من هم در باطن یاد او کنم و هر کس که در میان خلق الله یاد من کند من در میان خَلقی بهتر از آن خَلْق یاد او کنم و کسی که یک وجب به من نزدیک شود من یک ذرع به او نزدیک شوم و کسی که یک ذرع به من نزدیک شود من یک بغل [فاصلهٔ میان دو دست در وقتی که به سمت راست و چپ دراز شود] به او نزدیک می‌شوم و کسی که پیاده به سوی من آید من با دویدن به او نزدیک شوم و کسی که پیمانه‌ای گناه به اندازهٔ تمام زمین [برای بخشش] پیش من آورد، من به همان اندازه آمرزش خواهم آورد به شرط اینکه به من شرک نورزیده باشد.»

(۶) در کتاب عوالی اللئالی حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که فرمود: «هر گاه بنده به خدا نزدیک ۱۲۰۶
شود، خدا به او تندتر نزدیک شود و هر کس یک وجب به او نزدیک شود خدا یک ذرع به او نزدیک شود و کسی که یک ذرع به او نزدیک شود، خدا حدود دو متر به او نزدیک شود و کسی که پیاده به سوی او آید، خدا به سوی او بدود و کسی که خدا را در میان جمعی یاد کرد، خدا او را در میان جمعی محترم‌تر یاد کند و کسی که او را سپاس گوید خدا در مقامی والاتر از او سپاسگزاری کند و هر کس بدون اشتباه خدا را بخواند خدا پاسخ دهد او را و هر کس از او آمرزش خواهد بیامرزدش.»

(۷) بشیر دهّان از امام صادق﵇ روایت کرده که حضرت فرمود: «خداوند عزیز و جلیل فرموده: ای ۱۲۰۷
پسر آدم! مرا در میان جمع یاد کن تا تو را در میان جمعی بهتر از جمع تو یاد کنم.»

۱۲۰۸ ۳۶۷۶۸ (۸) **المحاسن** ۳۹: البرقي عن ابن فضّال عن غالب بن عثمان عن **بشير** الدّهان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال اللّه تعالى ابن آدم اذكرني في نفسك أذكرك في نفسي ابن آدم اذكرني في خلاً أذكرك في خلاً ابن آدم اذكرني في ملأ أذكرك في ملأ خير من ملأك وقال ما من عبد يذكر اللّه في ملأ من الناس إلّا ذكره اللّه في ملأ من الملائكة.

۱۲۰۹ ۳۶۷۶۹ (۹) **مستدرك** ۲۹۷/۵: كتاب جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي عن حميد بن شعيب السبيعي عن **جابر** بن يزيد الجعفي قال قال أبو جعفر ﷺ ما من عبد مؤمن ذكر اللّه في نفسه إلّا ذكره اللّه في نفسه وما من عبد مؤمن ذكر اللّه في ملأ من الناس إلّا ذكره اللّه في ملأ من الملائكة.

۱۲۱۰ ۳۶۷۷۰ (۱۰) **كافي** ۴۹۸: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسىٰ عن **ابن محبوب** عمّن ذكره عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال اللّه عزّ وجلّ من ذكرني في ملأ من النّاس ذكرته في ملأ من الملائكة.

۱۲۱۱ ۳۶۷۷۱ (۱۱) **كافي** ۵۰۲/۲: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حمّاد عن حريز عن زرارة عن أحدهما ﷺ قال لا يكتب الملك إلّا ما سمع وقال اللّه عزّ وجلّ وَاذكُرْ ربَّكَ في نفسكَ تضرُّعاً وخيفةً فلا يعلم ثواب ذلك الذكر في نفس الرجل غير اللّه عزّ وجلّ لعظمته.

۱۲۱۲ ۳۶۷۷۲ (۱۲) **تفسير العيّاشي** ۴۴/۲: عن **زرارة** عن أحدهما ﷺ قال لا يكتب (وذكر نحوه وزاد) وقال إذا كنت خلف إمام تأتمّ به فأنصت وسبّح في نفسك **كتاب الزهد** ۵۳: حماد عن حريز عن **زرارة** عن أحدهما ﷺ قال لا يكتب الملك (وذكر نحو ما في كا).

۱۲۱۳ ۳۶۷۷۳ (۱۳) **تفسير العيّاشي** ۴۴/۲: عن **إبراهيم** بن عبدالحميد يرفعه قال قال رسول الله ﷺ واذكر ربّك في نفسك يعني مستكيناً وخيفةً يعني خوفاً من عذابه ودونَ الجهرِ منَ القولِ يعني دون الجهر من القراءة بالغدوّ والآصال يعني بالغداة والعشى.

۱۲۱٤ ۳۶۷۷٤ (۱۴) **كافي** ۵۰۱/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن إسماعيل بن مهران عن سيف بن عميرة عن سليمان بن عمرو عن **أبي المغرا** الخصّاف رفعه قال قال أمير المؤمنين ﷺ من ذكر اللّه عزّ وجلّ في السرّ فقد ذكر اللّه كثيراً انّ المنافقين كانوا يذكرون علانية ولا يذكرونه في السرّ فقال اللّه عزّ وجلّ: ﴿يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلاً﴾.

۱۲۰۸ (۸) بشیر دهّان از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «خداوند متعال فرمود: ای پسر آدم! مرا در درون جانت یاد کن تا تو را در جانم یاد کنم، ای پسر آدم! مرا در خلوت یاد کن تا تو را در خلوت یاد کنم، ای پسر آدم! مرا در میان جمع یاد کن تا تو را در جمعی بهتر از آن جمع یاد کنم.

حضرت فرمود: بنده‌ای نیست که خدا را در میان جمعی از مردم یاد کند مگر اینکه خدا او را در میان جمعی از فرشتگان یاد کند.»

۱۲۰۹ (۹) جابر بن یزید جعفی از امام محمّد باقرؑ روایت کرده کـه آن حـضرت فـرمود: «هـیچ بـندهٔ مؤمنی نیست که خدا را در باطن خود یاد کند مگر اینکه خدا او را در باطن یاد کند و بـندهٔ مـؤمنی نیست که خدا را در میان گروهی از مردم یاد کند مگر اینکه خدا او را در میان گروهی از فرشتگان یاد نماید.»

۱۲۱۰ (۱۰) ابن محبوب با یک واسطه از حضرت صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «خدایﷻ فرمود: کسی که مرا در میان عدّه‌ای از مردم یاد کند و ذکر من گـوید مـن نـیز در مـیان عـدّه‌ای از فرشتگان یاد او کنم و ذکر خیر او گویم.»

۱۲۱۱ (۱۱) زراره از امام باقرؑ یا امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «فرشته جز آنچه را که می‌شنود ننویسد و خدای عزیز و جلیل فرمود: در دلت با حال التماس و انکسار و ترس، پروردگارت را یاد کن. پس ثواب ذکر باطنی و قلبی به خاطر عظمتش جز خدای عزیز و جلیل نداند.»

۱۲۱۲ (۱۲) در تفسیر عیّاشی همین روایت قبلی از زراره نقل شده و افزوده که حضرت فرمود: «هر گاه پشت سر امام [جماعتی] هستی و به او اقتدا کرده‌ای پس گوش ده و [خدا را] در دلت تسبیح گوی.»

۱۲۱۳ (۱۳) ابراهیم بن عبدالحمید با حذف واسطه‌ها از پیامبر خداﷺ روایت کرده کـه حـضرت فـرمود: «پروردگارت را در دل یاد کن یعنی با حال فقر و تهی‌دستی و با حال ترس از عذابش و بدون صدای بلند یعنی قرائت با اخفات [و بدون آشکار شدن جوهر صدا] در غُـدوّ و آصـال یـعنی در بـامداد و شامگاه.»

۱۲۱۴ (۱۴) ابوالمغرا خصّاف با واسطه از حضرت امیر مؤمنان علیؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس خدایﷻ را در نهان یاد کند و ذکر گوید پس در حقیقت خدا را ذکر کـثیری گـفته بـاشد. منافقان خدا را آشکارا ذکر می‌گویند ولی در نهان ذکر نمی‌گویند. به همین جهت خدایﷻ در حق آنان فرموده است: «ریا می‌کنند و برای مردم تظاهر می‌کنند و جز اندکی یاد خدا نکنند.»

۱۲۱۵ ۳۶۷۷۵ (۱۵) **كافي** ۲/۵۰۱: محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب عن **إبراهيم** ابن أبي البلاد عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال اللّه عزّ وجلّ من ذكرني سرّاً ذكرته علانية.

۱۲۱۶ ۳۶۷۷۶ (۱۶) **عدّة الداعي** ۲۴۴: روى انّ **رسول اللّه** صلى الله عليه وآله كان في غزاة فأشرفوا على واد فجعل الناس يهلّلون ويكبّرون ويرفعون أصواتهم فقال صلى الله عليه وآله يا أيُّها الناس اربعوا[1] على أنفسكم أما انّكم لا تدعون أصمّاً ولا غائباً وانّما تدعون سميعاً قريباً معكم.

۱۲۱۷ ۳۶۷۷۷ (۱۷) **مشكاة الأنوار ۵۵ روضة الواعظين ۴۵۴**: روى عن بعض الصادقين عليه السلام انّه قال الذكر مقسوم على سبعة أعضاء اللسان والروح والنفس والعقل والمعرفة والسّر والقلب وكلّ واحد يحتاج إلى الاستقامة فاستقامة الّلسان صدق الاقرار واستقامة الروح صدق الاحتضار واستقامة النفس صدق الإستغفار واستقامة القلب صدق الإعتذار واستقامة العقل صدق الإعتبار واستقامة المعرفة صدق الافتخار واستقامة السرّ السرور بعالم الأسرار وذكر اللسان الحمد والثّناء وذكر النّفس الجهد والعناء وذكر الروح الخوف والرجاء وذكر القلب الصدق والصّفاء وذكر العقل التعظيم والحياء وذكر المعرفة التسليم والرضا وذكر السرّ رؤية اللقاء[2] الخصال ۴۰۴: الذكر مقسوم على سبعة أعضاء اللسان والروح والنفس والعقل والمعرفة والسرّ والقلب وكل واحد منها يحتاج إلى الاستقامة فامّا استقامة اللسان فصدق الاقرار واستقامة الروح صدق الاستغفار واستقامة القلب[3] صدق الاعتذار واستقامة العقل صدق الاعتبار واستقامة المعرفة صدق الافتخار واستقامة السرّ السرور بعالم الاسرار واستقامة القلب صدق اليقين ومعرفة الجبّار (وذكر مثله وزاد في آخره) حدّثنا بذلك أبو محمد عبداللّه بن حامد رفعه إلى بعض الصالحين.

۱۲۱۸ ۳۶۷۷۸ (۱۸) **مستدرك** ۵/۴۰۳: القطب الراوندي في لبّ الّلباب وحكى عن اللّه تعالى انّه قال إذا ذكرني عبدي عبثاً اهتزّ عرشي غضباً.

---

۱. أي توقّفوا. ۲. الرّؤية والّلقاء ـ مشكاة.

۳. والظاهر انّه سهو وصحيحه النفس لأنّ القلب كرّر والنفس سقط.

۱۲۱۵ (۱۵) ابراهیم بن ابی البلاد بـا یک واسطه از امـام صـادقؑ روایت کـرده کـه حـضرت فـرمود: «خدایﷻ فرمود: کسی که پنهانی ذکر مـن گـوید و یـاد مـن بـاشد مـن آشکـارا در مـلأ عـام یـاد او کنم.»

۱۲۱۶ (۱۶) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی حدیثی از پیامبر خداﷺ نقل کرده که: «حضرت رسولﷺ در میان رزمندگانی که برای جنگ می‌رفتند، حضور داشت تا اینکه بـه درّه‌ای رسـیدند، پس مـردم شروع کردند با صدای بلند «لا اله الّا الله» و «الله اکبر» می‌گفتند حضرت فرمود: خودتان را نگاه دارید [و صدای‌تان را بلند نکنید] آگاه باشید که شما شخص کر یا بسیار دوری را صدا نمی‌زنید بلکه کسی را فرا می‌خوانید که شنواست و به شما نزدیک و همراه شماست.»

۱۲۱۷ (۱۷) در کتاب مشکاة الانوار و روضة الواعظین از یکی از ائمهٔ اطهارؑ روایـتی نـقل شـده کـه حضرت فرمود: «ذکر بر هفت عضو تقسیم شده است: زبان، روح، نفس، عقل، معرفت، سِرّ و قلب. هر یک از این‌ها باید در ذکر، استقامت داشته باشد. پس استقامت زبان، صداقت در اقرار است و استقامت روح، صداقت در حاضر دیدن [خداست] و استقامت نفس آن است که به راستی طالب آمرزش باشد و استقامت و درستی قلب این است که به راستی معذرت خواه باشد و درستی عقل این است که درست عبرت بگیرد و استقامت معرفت به این است که [به عرفان و معرفتی که به حـقایق یـافته] درست افتخار کند و درستی سِرّ آن است که از ورود به دنیای آسرار، در بهجت و سرور باشد [و امّا ذکر هر یک پس] ذکر زبان، سپاس و ستایش است و ذکر نفس، تلاش و زحمت است و ذکر روح، بیم و امید است و ذکر دل، صداقت و صفاست و ذکر عقل، تعظیم حق و باحیا بودن است و ذکر معرفت، تسلیم و رضاست و ذکر سِرّ، به دیدار [خدای سبحان] نایل شدن است.

همین روایت را مرحوم صدوقؒ در کتاب خصال ذکر کرده است و در پایان آن افزوده که او را ابومحمد عبدالله بن حامد با واسطه از بعضی از صالحان نقل کرده است.

۱۲۱۸ (۱۸) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُباب نقل کرده که حکایت شده از خـدای مـتعال کـه فـرمود: «هرگاه بـندهٔ مـن بـدون تـوجّه از روی غـفلت، ذکـر مـن مـی‌گوید، عـرش مـن از خشـم بـه لرزه در می‌آید.»

وتقدّم في رواية أبي ذرّ من باب (٦٩) استحباب النوافل في المنزل قوله ﷺ يا أبا ذرّ اذكر اللّه ذكراً خاملاً قلت وما الذكر الخامل؟ قال ﷺ الخفيّ.

وفي رواية عبدالعظيم (٨) من باب (١٢) ما ورد في دعاء الناس إلى الإسلام من أبواب الأمر بالمعروف ج ١٨ قول موسى ﷺ الهي فما جزاء من ذكرك بقلبه ولسانه قال يا موسى اظلّه يوم القيامة بظلّ عرشي واجعله في كنفي.

(٦)

باب انّ ذاكر اللّه في الغافلين كالمقاتل فى المحاربين وانّ أحبّ السّبحة إليه سبحة الحديث وابغض الكلام إليه التحريف

١٢١٩ ٣٦٧٧٩ (١) **كافي ٥٠٢/٢**: علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن الحسين بن المختار عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال أبو عبداللّه ﷺ الذاكر للّه عزّ وجلّ في الغافلين كالمقاتل في المحاربين[١].

١٢٢٠ ٣٦٧٨٠ (٢) **كافي ٥٠٢/٢**: علي بن ابراهيم عن أبيه عن النوفليّ عن **السكوني** عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ ذاكر اللّه عزّ وجلّ في الغافلين كالمقاتل عن[٢] الفارّين والمقاتل عن[٣] الفارّين له[٤] الجنّة المحاسن ٣٩: البرقي عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبداللّه ﷺ ان أمير المومنين ﷺ قال ذاكر اللّه (وذكر مثله).

١٢٢١ ٣٦٧٨١ (٣) **أمالي الشيخ ٥٣٥** باسناده المتقدم في باب (١) فضل الصلاة (في حديث وصيّة النّبيّ ﷺ **لأبي ذرّ**) يا اباذرّ الذّاكر في الغافلين كالمقاتل في الفارّين (الغازين خ).

١٢٢٢ ٣٦٧٨٢ (٤) **مستدرك ٣٠٠/٥**: في خبر **همام** المرويّ في كثير من الكتب قال أمير المؤمنين ﷺ في صفة المتّقين أو المؤمنين أن كان في الغافلين كتب من الذّاكرين وأن كان في الذّاكرين لم يكتب من الغافلين نهج البلاغة ٦٠٨:(في صفة المتّقين) ان كان في الغافلين (وذكر نحوه).

---

١. في الحاربين ـ خ. في الهاربين ـ خ.
٢. في ـ محاسن.
٣. في ـ محاسن.
٤. نزله ـ محاسن.

ارجاعات

گذشت:

در روایت ابوذر از باب شصت و نهم فرموده پیامبرﷺ که: «ای ابوذر! بی‌سر و صدا ذکر خدا بگوی. پرسیدم: یعنی چگونه ذکر بگویم؟ فرمود: ذکر مخفی.»

و در روایت هشتم از باب دوازدهم از باب‌های امر به معروف این گفته حضرت موسیؑ که: «معبودا! پاداش کسی که با دل و زبان هر دو ذکر تو گوید و به یاد تو باشد چیست؟

فرمود: ای موسی! روز قیامت او را در سایهٔ عرشم قرار دهم و او را در پناه خود آورم.»

باب ۶

ذکر خدا در میان غافلان

۱۲۱۹ (۱) حسین بن مختار از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که در میان غافلان به ذکر خدا مشغول است مثل نبرد کنندهٔ در میان فرار کنندگان از جنگ است.»[1]

۱۲۲۰ (۲) سکونی از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: ذکرگوی خدایﷻ در میان غافلان مثل جنگ‌کننده در میان فرار کنندگان است و برای جنگ کنندهٔ در میان فرار کنندگان، بهشت است.»

این حدیث را برقی در کتاب محاسن ذکر کرده ولی با این تفاوت که امام صادقؑ آن را از امیر مؤمنان علیؑ نقل کرده است.

۱۲۲۱ (۳) ابوذر از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت در سفارشاتی که به او کرد فرمود: «ای ابوذر! کسی که در میان غافلان ذکر می‌گوید مثل کسی است که در میان فرار کنندگانِ از جنگ، می‌رزمد.»

۱۲۲۲ (۴) امیر مؤمنان علیؑ در خطبهٔ همام که در بسیاری از کتاب‌های روایی ذکر شده در توصیف پرهیزگاران یا مؤمنان فرمود: «اگر در میان غافلان باشد جزو ذاکران است و اگر در میان ذاکران باشد از غافلان محسوب نگردد.»

این خطبهٔ شریفه در نهج البلاغه ذکر شده است.

---

۱. در نسخه‌ای به جای «محاربین» «هاربین» دارد که اصحّ و انسب به مقام است.

١٢٢٣ ٣٦٧٨٣ (۵) **الجعفريات** ٢٢٣: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ احبّ السبحة إلى اللّه عزّ وجلّ سبحة الحديث وأبغض الكلام إلى اللّه تعالى التحريف فقيل يا رسول اللّه وما سبحة الحديث قال يكون النّاس في خوضها[1] وباطلها ولهوها فنعم[2] الرجل عند ذلك فيدعو اللّه تعالى ويذكره ويسبّحه قيل يا رسول اللّه وما التحريف قال يقول الرجل مالي وما عندي بان[3] له وعنده.

ويأتي في أحاديث الباب التالي ما يدلّ علىٰ ذلك.

(۷)

باب انّ من ذكر اللّه في السّوق كتب اللّه له ألف حسنة ويغفر ذنوبه ومن ذكره في البيت تكثر بركته ومن ذكره في المسجد فهو خير أهله

١٢٢٤ ٣٦٧٨٤ (١) **عدّة الداعي** ٢٤٢: عن النّبي صلى الله عليه وآله من ذكر اللّه في السوق مخلصاً عند غفلة النّاس وشغلهم بما [هم] فيه كتب اللّه له ألف حسنة ويغفر اللّه له يوم القيامة مغفرة لم تخطر على قلب بشر.

١٢٢٥ ٣٦٧٨٥ (٢) **الخصال** ٦١٤: بالاسناد المتقدّم في باب (١) فضل الصلاة عن عليّ عليه السلام (في حديث الاربعمأة) أكثروا ذكر اللّه عزّ وجلّ إذا دخلتم الأسواق عند اشتغال النّاس فانّه كفّارة للذّنوب وزيادة في الحسنات ولا تكتبوا (تكتبون ـ خ) في الغافلين.

وتقدم في أحاديث باب (١) ما ورد في الأمر بذكر اللّه تعالى في كلّ حال ما يدلّ باطلاقه علىٰ ذلك خصوصاً رواية **عدّة الداعي** ۶ وارشاد الديلمى (۶).

---

١. خوض الدنيا وباطلها ـ خ. ٢. فيغم خ ل ـ فيغتنم ـ ك.
٣. واين ـ خ. يمكن أن يكون وانّ له عنده.

۱۲۲۳ (۵) در کتاب جعفریّات با سند خودش از علی بن ابی طالب‌ﷺ روایت شده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: دوست داشتنی‌ترین تسبیح پیش خدای عزیز و جلیل، تسبیح گفتار است و منفورترین سخن نزد خدای متعال، تحریف است.

از حضرتش پرسیدند: ای پیامبر خدا! تسبیح گفتار چیست؟ فرمود: آن وقت که مردم در گفتگوهای باطل و لهو و لعب فرو رفته‌اند چقدر خوب است مؤمنی که مشغول دعا و خواندن خدای متعال شود و ذکر و تسبیح او بگوید.

پرسیدند: ای پیامبر خدا! تحریف چیست؟

فرمود: تحریف این است که مرد پیوسته بگوید: چه دارم و چه ندارم.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایات باب بعدی نیز روایاتی آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۷
ذکر خدا در بازار، خانه و مسجد

۱۲۲۴ (۱) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که فرمود: «کسی که در بازار آنگاه که مردم در غفلت به سر می‌برند و مشغول به کار [خرید و فروش] هستند، با اخلاص ذکر خدا بگوید، خداوند برایش هزار حسنه نویسد و چنان در روز قیامت او را بیامرزد که به دل انسانی خطور نکرده باشد.»

۱۲۲۵ (۲) شیخ صدوق در کتاب الخصال از علی‌ﷺ در حدیث معروف به چهارصد پند روایت کرده که فرمود: «زمانی که به بازار وارد می‌شوید در وقتی که مردم، سخت سرگرم کار خودند، شما بسیار ذکر خدا بگویید زیرا موجب آمرزش گناهان‌تان و افزایش حسنات‌تان شود و جزو غافلان شمرده نشوید.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب یکم آنچه بر آن دلالت می‌کند خصوصاً روایت ششم.

وفي رواية ابن القداح (٤٣) قوله ﷺ والبيت الذي لايقرء فيه القرآن ولا يذكر اللّه فيه تقلّ بركته وتهجره الملائكة وتحضره الشياطين وقوله ﷺ جاء رجل إلىٰ النّبيّ ﷺ فقال من خير أهل المسجد فقال ﷺ أكثرهم ذكراً للّه تعالىٰ.

وفي أحاديث باب (٥) استحباب الدعاء بالمأثور عند دخول السوق من أبواب ما يستحبّ للتّاجر وما يجب وباب (٦) استحباب ذكر اللّه في الأسواق ما يدلّ على بعض المقصود.

(٨)
باب ماورد في ذكر اللّه عند غفلة القلب وسهوه عن أمر الآخرة واقباله على الدّنيا

١٢٢٦ ٣٦٧٨٦ (١) **كافي** ١٦٧/٨: علي بن إبراهيم عن صالح بن السندي عن جعفر بن بشر عن صباح الحذّاء عن أبي اُسامة قال زاملت أبا عبداللّه ﷺ قال فقال لي اقرأ [قال] فافتتحت سورة من القرآن فقرأتها فرّق وبكى ثمّ قال يا أبا اسامة ارعوا[١] قلوبكم بذكر اللّه عزّ وجلّ واحذروا النكت[٢] فإنه يأتي على القلب تارات أو ساعات ـ الشكّ من صباح ليس فيه ايمان ولا كفر شبه الخرقة البالية أو العظم النخر[٣] يا أبا اسامة اليس ربما تفقدت قلبك فلا تذكر به خيراً ولا شرّاً ولا تدري اين هو قال قلت له بلى أنّه ليصيبني واراه يصيب الناس قال اجل ليس يعرى منه أحد قال فإذا كان ذلك فاذكروا اللّه عزّ وجلّ واحذروا النكت فانه إذا أراد بعبد خيراً نكت ايماناً وإذا أراد به غير ذلك نكت غير ذلك قال قلت ما غير ذلك جعلت فداك [ما هو] قال إذا أراد كفراً نكت كفراً.

---

١. أي احفظوا قلوبكم بذكر اللّه تعالىٰ من وساوس الشيطان.
٢. النّكت: مايُلقيه الشيطان في القلوب من الوساوس والشّبهات (آت). ٣. أي البالية.

و در روایت چهل و سوم فرموده امام ﷺ که: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای ﷻ گفته شود برکتش زیاد خواهد شد.»

و حضرت فرمود: «و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدا گفته نشود، برکتش کم و فرشتگان آنجا را ترک گفته و شیاطین در آن خانه حضور به هم رسانند.»

و نیز حضرت فرمود: «مردی خدمت پیامبر ﷺ رسید، پرسید: بهترین اهل مسجد کیست؟ حضرت فرمود: کسی که از همه بیشتر ذکر خدای متعال می‌گوید.»

و در روایات باب پنجم از باب‌های آنچه برای تاجر مستحب است و باب ششم آنچه بر بعضی از مقصود دلالت می‌کند.

باب ۸

ذکر خدا در وقت روی آوردن دل به دنیا

۱۲۲۶ (۱) ابواسامه حکایت کرده که: «با امام صادق ﷺ بر روی یک گلیم نشسته بودیم. حضرت به من فرمود: قرآن بخوان. من قرآن را باز کردم و سوره‌ای از آن را خواندم پس حضرت متأثّر شد و گریست. سپس فرمود: ای ابا أسامه! دل‌های‌تان را با ذکر خدای ﷻ بچرانید [یعنی از یاد خدا و ذکر خدا برای دل‌های‌تان خوراک تهیه کنید و آن را با ذکر خدا تغذیه کنید] و از القائات و وسوسه‌های [شیطانی] بر حذر باشید زیرا ساعت‌هایی برای دل فرا می‌رسد که از بامداد، گرفتار شک می‌شود به گونه‌ای که نه در آن ایمان است و نه کفر به مانند پارچهٔ کهنه یا استخوان پوسیده، ای ابا أسامه! آیا برای خودت پیش نیامده که دلت را گم کنی و دیگر هیچ خوب و بدی را به یاد نیاوری و ندانی که دلت کجاست؟ به حضرت عرض کردم: آری، البتّه من اینجور شدم و دیدم که چنین شکّی به سراغ دیگران نیز آمده است.

حضرت فرمود: بله، احدی نیست که از طرَیان و عروض چنین شکی به دور بماند.

حضرت فرمود: هر گاه چنین شُدید ذکر خدای عزیز و جلیل بگویید و از القائات و وسوسه‌های شیطانی بر حذر باشید زیرا خداوند اگر خیر و صلاح بنده‌ای را بخواهد، نور ایمان در دلش می‌افکند و اگر غیر از آن اراده کرده باشد، غیر ایمان در دلش خواهد افتاد.

عرض کردم: فدایت شوم! غیر ایمان چیست؟

حضرت فرمود: کُفر است، دلش را ظلمت کفر فرا می‌گیرد.»

۱۲۲۷ ۳۶۷۸۷ (۲) **تفسير القمي** ۴۵۰/۲: حدّثنا سعيد بن محمّد قال حدّثنا بكر بن سهل عن عبدالغني بن سعيد الثّقفي عن موسى بن عبدالرحمن عن مقاتل بن سليمان عن الضّحاك بن مزاحم عن **ابن عبّاس** في قوله ﴿مِن شَرِّ ٱلْوَسْوَاسِ ٱلْخَنَّاسِ﴾ يريد الشيطان لعنه اللّه على قلب ابن آدم له خرطوم مثل خرطوم الخنزير يوسوس لابن آدم إذا اقبل على الدّنيا وما يحبّ اللّه فاذا ذكر اللّه عزّ وجلّ انخنس، يريد رَجَعَ.

(۹)

باب ماورد في ذكر اللّه تعالىٰ عند وسوسة القلب وما يخطر على البال

۱۲۲۸ ۳۶۷۸۸ (۱) **كافي** ۴۲۴/۲: الحسين بن محمّد عن معلّى بن محمّد عن الوشّاء عن **محمّد** بن حمران قال سألت أبا عبداللّه عليه السلام عن الوسوسة وان كثرت فقال لا شيء فيها تقول لا إله إلّا اللّه.

۱۲۲۹ ۳۶۷۸۹ (۲) **فقه الرضا** عليه السلام ۵۲: سألت العالم عليه السلام عن الوسوسة وذكر مثله (ثم قال) وفي خبر آخر لا حول ولا قوّة إلّا باللّه واروى انّ رجلاً قال للعالم عليه السلام يقع في نفسي أمر عظيم فقال قل لا حول ولا قوّة إلّا باللّه واروى إذا خطر ببالك في عظمته وجبروته أو بعض صفاته شيء من الأشياء فقل لا اله إلّا اللّه محمّد رسول اللّه صلى الله عليه وآله (و ـ ك) علي أمير المؤمنين إذا قلت ذلك عُدتَ إلى محض الايمان.

۱۲۳۰ ۳۶۷۹۰ (۳) **كافي** ۴۲۴/۲: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **جميل** بن درّاج عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له انّه يقع في قلبي أمر عظيم فقال قل لا اله الّا اللّه قال جميل فكلّما وقع في قلبي شيء قلت لا اله الّا اللّه فيذهب عنّي.

۱۲۳۱ ۳۶۷۹۱ (۴) **كافي** ۴۲۵/۲: عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد ومحمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد جميعاً عن **علي** بن مهزيار قال كتب رجل إلى أبي جعفر عليه السلام يشكو إليه لمماً يخطر على باله فأجابه في بعض كلامه انّ اللّه عزّ وجلّ ان شاء ثبّتك فلا يجعل لابليس عليك طريقاً قد شكى قوم إلى النّبيّ صلى الله عليه وآله لمماً يعرض لهم لان تهوى بهم الريح أو يقطّعوا احبّ إليهم من ان يتكلّموا به.

۱۲۲۷ (۲) ابن عبّاس در تفسیر آیهٔ شریفهٔ: «مِن شَرِّ الوَسواسِ الخنّاس» گفت: مقصود این است که: «شیطان که خداوند لعنتش کند! پوزه‌اش را بر دل پسر آدم می‌گذارد که پوزی چون پوز خوک دارد و پسر آدم را در وقتی که به دنیا و آنچه خدا دوست ندارد، روی می‌آورد، وسوسه می‌کند پس چون خدای عزیز و جلیل را یاد کرد و ذکر او گفت، فرار می‌کند یعنی به عقب بر می‌گردد.»

باب ۹

ذکر خدا در وقت خطورات باطل

۱۲۲۸ (۱) محمد بن حمران حکایت کرد که: «از امام صادق علیه السلام از وسوسه پرسیدم و اگر چه زیاد باشد، حضرت فرمود: چیزی نیست «لا اله الّا الله» بگو.»

۱۲۲۹ (۲) در کتاب فقه الرضا علیه السلام آمده است: «از عالم [امام] علیه السلام دربارهٔ وسوسه پرسیدم...» دنبالهٔ روایت را همانند روایت پیشین ذکر کرده است.

و در روایت دیگری آمده که: ««لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» بگو و روایت شده که مردی به امام علیه السلام گفت: به دلم معنی بزرگی خطور می‌کند.

حضرت فرمود: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» بگو.»

و روایت شده: «هر گاه در دلت راجع به عظمت و بزرگی یا بعضی از صفات خدا، خطور باطلی گذشت پس بگو: «لا اِلهَ الّا الله، محمّدٌ رسول الله صلی الله علیه و آله علی امیر المؤمنین» چون این کلمات را گفتی به ایمان خالص باز خواهی گشت.»

۱۲۳۰ (۳) جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السلام حکایت کرده که: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: [گه گاه] در دلم خطوری بزرگ می‌افتد. حضرت فرمود: «لا اله الّا الله» بگو.

جمیل گفت: پس هر وقت در دلم خطوری می‌افتد، لا اله الّا الله می‌گویم، می‌رود.»

۱۲۳۱ (۴) علی بن مهزیار حکایت کرده که: «مردی به امام محمّد جواد علیه السلام نامه‌ای نوشت و در آن از خواطری که بر دلش خطور می‌کند شکایت کرد، پس حضرت پاسخ داد که بخشی از پاسخ این است: اگر خدا بخواهد تو را ثابت قدم نگاه می‌دارد و برای شیطان راه نفوذی به تو، باز نگذارد. عدّه‌ای پیش پیامبر صلی الله علیه و آله از چنین خطوراتی که بر آن‌ها عرضه می‌شد، شکایت کردند و گفتند: با طوفانی به درّه‌ای سقوط کردن و یا قطعه قطعه شدن بدن‌شان پیش آن‌ها بهتر از این است که این خطورات را بازگو کنند؟

فقال رسول اللّهﷺ اتجدون ذلك؟

قالوا نعم.

فقال والذي نفسي بيده ان ذلك لصريح الإيمان فإذا وجدتموه فقولوا آمَنّا بالله ورسوله وَلا حولَ ولا قوّة الاّ باللّه.

۱۲۳۲ ۲٦۷۹۲ (۵) **كافي ۴۲۵/۲**: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن اسماعيل بن محمّد عن محمّد بن بكر بن جناح عن زكريّا بن محمّد عن أبى اليسع داود الأبزاري عن **حمران** عن أبي جعفرؑ قال انّ رجلا اتى رسول اللّهﷺ.

فقال يا رسول اللّه انّني نافقت.

فقال واللّه ما نافقت ولو نافقت ما اتيتني تُعْلِمُني ما الّذى رابك اظنّ العدوّ الحاضر [۱] اتاك.

فقال لك من خلقك؟

فقلت اللّه خلقني.

فقال لك من خلق اللّه؟

قال أي والّذى بعثك بالحق لكان كذا.

فقال انّ الشيطان اتاكم من قبل الأعمال فلم يقو عليكم فأتاكم من هذا الوجه لكي يستزلّكم فإذا كان كذلك فليذكر أحدكم اللّه وحده.

۱۲۳۳ ۲٦۷۹۳ (۶) **الجعفريات ۲۲۷**: باسناده عن **علي** بن أبي طالب ؑ انّ رجلاً اتى النّبيّﷺ فقال يا رسول اللّه ان يكن لاحد قلبين فانّ لي قلبين قلب يأمرني بان اتابعك وقلب يأمرني ان لا اتّبعك فقال له رسول اللّهﷺ أعلّمك شيئاً ان أنت قلته اذهب اللّه عنك قال بلى يا رسول اللّه قال قلّ اللّهمّ أنت الربّ وأنت اللّه وأنت الرّحمن وأنت الرّحيم استعينك على عدوّي فاحبسه عنّي بما شئت.

---

۱. الخاطر ـ خ ل.

پس رسول خداﷺ فرمود: آیا واقعاً چنین چیزی در درون می‌یابید؟

گفتند: آری.

حضرت فرمود: سوگند به آنکه جان من در دست اوست، این، عین ایمان است.[۱] پس هر گاه آن را در درون خود یافتید پس بگویید: «آمنّا بِاللهِ وَرسولِهِ ولا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله.»[۲]

۱۲۳۲ (۵) حمران از امام باقرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «مردی خدمت رسول خداﷺ رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من واقعاً منافق شدم. پیامبر خداﷺ فرمود: به خدا قسم که منافق نشدی و اگر منافق شده بودی پیش من نمی‌آمدی که به من اطّلاع دهی. خوب اینکه بگو چه چیز تو را به شک انداخته؟ گمان می‌کنم دشمن حاضر [شیطان] به سراغ تو آمده و به تو گفته: چه کسی تو را آفریده و تو گفتی: خدا مرا آفریده. پس به تو گفت: خدا را کی آفریده است؟

آن مرد گفت: آری سوگند به خدایی که تو را به حق به پیامبری برانگیخت، همین طور است.

پس حضرت فرمود: شیطان از ناحیهٔ عمل به سراغ شما آمد، نتوانست کاری کند، حالا از این ناحیه، وارد شده تا شما را بلغزاند. پس هر گاه چنین چیزی برای یکی از شما پیش آمد پس خدای یگانه را یاد کند و ذکر او گوید.»

۱۲۳۳ (۶) در کتاب جعفریّات با سند خودش از علی بن ابی طالبﷺ روایت شده که حضرت فرمود: «مردی شرفیاب حضور پیامبرﷺ شد، عرض کرد: ای پیامبر خدا! اگر امکان داشته باشد که یک نفر، دو، دل داشته باشد، آن من هستم که دو دل دارم.

یک دل گوید که از تو باید پیروی کنم و دیگر دل گوید که از تو پیروی نکنم.

حضرت رسول خداﷺ فرمود: «دعا و ذکری به تو می‌آموزم اگر آن را بگویی این دو دلی از تو برود. آن مرد گفت: آری ای پیامبر خدا بفرمایید. حضرت فرمود: بگو: «خداوندا! تو اداره‌کننده [جهان و جهانیان] و تو خدایی، تو بخشنده‌ای و تو مهربانی برای از بین بردن دشمنم [شیطان] از تو کمک می‌خواهم پس او را به هر گونه که خواست توست از من باز دار.»

---

۱. یعنی این حال که در پی آن خطورات باطله به شما دست می‌دهد و به شدّت ناراحت می‌شوید، عین ایمان است.(مترجم).

۲. به خدا و پیامبرش ایمان می‌آوریم و توان و نیرویی نیست مگر از خدا و به خدا.

(۱۰)

باب ماورد في فضل البسملة وذكرها عند الحوائج والشّدائد وعند كلّ فعل مخلِصاً مقبلاً بالقلب وكراهة تركه

۱۲۳٤ ۳٦۷۹٤ (۱) **التـوحيد** ۲۳۰: حدّثنا محمّد بن القاسم الجرجاني المفسّر ﷺ قال حدّثنا أبو يعقوب يوسف بن **محمّد بن زياد وأبو الحسن** علي بن محمّد بن سيّار وكانا من الشّيعة الإماميّة عن أبويهما عن الحسن بن عليّ بن محمّد ﷺ في قول اللّه عزّ وجلّ ـ بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فقال اللّه هو الذي يتألّه إليه عند الحوائج والشّدائد كلّ مخلوق عند انقطاع الرجاء من كلّ من هو دونه وتقطّع الاسباب من جميع ما سواه يقول بسم اللّه أي استعين على اموري كلّها باللّه الذي لا تحقّ العبادة الاّ له.

المغيث إذا استغيث والمجيب إذا دعى وهو ما قال رجل للصادق ﷺ يا ابن رسول اللّه دلّني على اللّه ما هو فقد أكثر عليّ المجادلون وحيّروني.

فقال له يا عبداللّه هل ركبت سفينة قطّ؟

قال نعم.

قال فهل كسر بك حيث لا سفينة تنجيك ولا سباحة تغنيك؟

قال نعم.

قال فهل تعلّق قلبك هنا لك انّ شيئاً من الأشياء قادر على ان يخلّصك من ورطتك؟

فقال نعم.

قال الصادق ﷺ فذلك الشيء هو اللّه القادر على الانجاء حيث لا منجى وعلى الإغاثة حيث لا مُغيث.

ثمّ قال الصادق ﷺ ولرّبما ترك بعض شيعتنا في افتتاح أمره بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فيمتحنه اللّه بمكروه لينبّهه على شكر اللّه تبارك وتعالىٰ والثّناء عليه ويمحق عنه وصمة[1] تقصيره عند تركه قول بسم اللّه الرّحمن الرّحيم.

---

۱. وصمعة: الفترة في الجسد ـ العيب والعار ـ المنجد.

باب ۱۰

فضیلت گفتن «بسم الله الرّحمن الرّحیم» در هر کار

(۱) محمّد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیّار که هر دو شیعهٔ دوازده امامی بوده‌اند از پدران‌شان و آن‌ها از امام حسن عسکری روایت کرده‌اند که فرمود: «معنای فرمایش خدای: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» این است که «الله» یعنی کسی که هر مخلوقی در وقت حاجت‌ها و سختی‌ها که امیدش از غیر خدا قطع شده و اسباب و وسایل، همه از کار افتاده با فروتنی و خضوع به او روی می‌آورد [و او را می‌خواند و حاجت خود از او می‌طلبد] و می‌گوید: «بسم الله» یعنی برای انجام گرفتن همهٔ کارهایم از خدا کمک می‌خواهم، خدایی که جز او کسی شایستهٔ پرستش نیست. اگر کسی او را برای کمک بخواند به او کمک کند و اگر کسی او را صدا زند جواب دهد. ۱۲۳۴

«الله» همان است که امام صادق بیان فرمود به این گونه که شخصی به امام صادق گفت: ای پسر رسول خدا! خدا را آن سان که هست به من معرّفی فرما چون مجادله‌کنندگان در این باره سخن بسیار گفته‌اند و مرا در تحیّر فرو برده‌اند.

حضرت فرمود: ای بندهٔ خدا! هیچ کشتی سوار شده‌ای؟ گفت: آری

فرمود: آیا در وسط دریا کشتی شما شکسته است که کشتی دیگر یا شناگر هم نبوده که شما را نجات دهد؟

گفت: آری.

حضرت فرمود: آیا در آن وقت دلت متوجّه چیزی شد که او می‌تواند تو را از میان ورطهٔ هلاکت نجات دهد؟

گفت: آری.

امام صادق فرمود: همان چیز، خداوندی است که بر نجات دادن تواناست، آنجا که هیچ نجات‌دهنده‌ای نیست و بر کمک کردن آنجایی که هیچ فریادرسی نیست.

سپس حضرت صادق فرمود: بعضی وقت‌ها برخی از شیعیان ما گفتن «بسم الله الرّحمن الرّحیم» را در آغاز کارشان، ترک می‌کنند در نتیجه خداوند برای آن‌ها مشکلی پیش می‌آورد تا آن‌ها را آگاه کند و به سپاس و ستایش خداوند تبارک و تعالی وادار نماید و ننگ و عیب کوتاهی در گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» را از او بزداید.

قال وقام رجل إلى عليّ بن الحسين عليه السلام فقال أخبرني عن معنى بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فقال علي بن الحسين عليه السلام حدّثني أبي عن أخيه الحسن عن أبيه أمير المؤمنين عليه السلام انّ رجلاً قام إليه فقال يا أمير المؤمنين أخبرني عن بسم اللّه الرّحمن الرّحيم ما معناه؟

فقال انّ قولك ـ اللّه ـ أعظم اسم من اسماء اللّه عزّ وجلّ وهو الإسم الّذي لا ينبغي ان يسمّىٰ به غير اللّه ولم يتسّم به مخلوق.

فقال الرجل فما تفسير قوله ـ اللّه ـ؟

قال هو الّذي يتألّه إليه عند الحوائج والشّدائد كلّ مخلوق عند انقطاع الرجاء من جميع من هو دونه وتقطّع الأسباب من كلّ من سواه وذلك انّ كلّ مترئّس في هذه الدنيا ومتعظّم فيها وان عظم غناؤه وطغيانه وكثرت حوائج من دونه إليه فانّهم سيحتاجون حوائج لا يقدر عليها هذا المتعاظم وكذلك هذا المتعاظم يحتاج حوائج لا يقدر عليها فينقطع إلىٰ اللّه عند ضرورته وفاقته حتّى إذا كفى همّه عاد إلى شركه أما تسمع اللّه عزّ وجلّ ﴿قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَـٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيْرَ ٱللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ﴾.

فقال اللّه عزّ وجلّ لعباده أيّها الفُقراء إلىٰ رحمتي إنّي قد الزمتكم الحاجة اليّ في كلّ حال وذِلّة العبوديّة في كلّ وقت فاليّ فافزعوا في كلّ امر تأخذون فيه وترجون تمامه وبلوغ غايته

امام حسن عسکری علیه السلام فرمایشات خود را ادامه داد و فرمود: شخصی در محضر علیّ بن حسین امام سجّاد علیه السلام به پا خاست و گفت: معنی «بسم الله الرحمن الرحیم» را برایم شرح ده.

حضرت فرمود: پدرم امام حسین علیه السلام از برادرش امام حسن علیه السلام نقل کرد که فرمود: پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام برایم حکایت کرد که شخصی به پا خاسته به او گفت: معنی «بسم الله الرحمن الرحیم» چیست؟ مرا از آن آگاه نما.

حضرت علی علیه السلام در جوابش فرمود: «الله» بزرگترین نام از نام‌های خداوند عزیز و جلیل است و آن، نامی است که غیر خدا را نشاید به آن نام نامید و این نام بر هیچ مخلوقی اطلاق نشود. آن مرد پرسید: معنی لغوی «الله» چیست؟ حضرت فرمود: اوست که در هنگام نیازمندی‌ها و سختی‌ها همان وقت که امید از غیر او قطع شده و اسباب و وسایل غیر از او از کار افتاده‌اند، هر مخلوقی به او توجّه می‌کند و به او روی می‌آورد.»

توضیح مطلب از این قرار است که: «هر رئیس و بزرگی در این دنیا هر چند ثروتش زیاد و سرکشی‌اش بسیار باشد و فراوان حاجات مردم به دست او برآورده شود باز برای همین مردم حاجت‌هایی پیش می‌آید که آن رئیس و بزرگ توان انجام آن را نخواهد داشت و همچنین خود همین بزرگ برایش حاجاتی پیش می‌آید که نمی‌تواند آن حاجات را برآورد.

پس در وقت ضرورت و بیچارگی خود همین ثروتمند متکبّر از همه، امید، بریده و به خدا روی می‌آورد تا اینکه خداوند حاجت او را برآورد و غم و اندوه از او بزداید و همین که حاجتش برآورده و مشکلش حلّ شد، به شرک خود بازگردد.

آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: **«بگو: به نظر شما، اگر عذاب خدا شما را دررسد یا رستاخیز شما را دریابد، اگر راستگویید [کسی] غیر از خدا را می‌خوانید؟ [نه] بلکه تنها او را می‌خوانید و اگر او بخواهد رنج و بلا را از شما دور می‌گرداند و آنچه را شریک [او] می‌گردانید فراموش می‌کنید.»**[1]

پس خدای عزیز با جلالت به بندگانش گوید: ای نیازمندان به رحمتم! شما لحظه‌ای از من بی نیاز نیستید من نیازمندی شما به خودم را و ذلّت بندگی همیشگی را ملازم شما قرار دادم. پس در هر کاری که آغاز می‌کنید و امید به اتمام آن دارید و می‌خواهید که آن را به آخر برسانید به من پناه آورید.

---

۱. انعام ۶/ ۴۰ ـ ۴۱.

فانّي ان أردت أن أعطيكم لم يقدر غيري علىٰ منعكم وأن أردت أن أمنعكم لم يقدر غيري على إعطائكم.

فأنا أحقّ من سُئل واولى من تضرّع إليه فقولوا عند افتتاح كلّ امر صغير أو عظيم بسم اللّه الرّحمن الرّحيم أي استعين على هذا الأمر باللّه الّذي لا يحقُّ العبادة لغيره.

المغيث إذا استغيث المجيب إذا دعى الرّحمن الّذي يرحم ببسط الرّزق علينا الرحيم بنا في أدياننا ودنيانا وآخرتنا خَفَّفَ علينا الدّين وجَعَلَه سهلاً خفيفاً وهو يرحمنا بتميّزنا[1] من أعدائه ثمّ قال قال رسول اللّه ﷺ من حزنه أمر تعاطاه[2] فقال ـ بسم اللّه الرّحمن الرّحيم وهو مخلص[3] للّه يقبل بقلبه إليه لم ينفكّ من احدى اثنتين إمّا بلوغ حاجته في الدنيا وإمّا يُعَدُّ له عند ربّه ويدّخر لديه وما عند اللّه خير وابقى للمؤمنين تفسير العسكري ﷺ ۲۱ قال الإمام ﷺ اللّه هو الذي يتألّه إليه وذكر نحوه إلى قوله عند تركه قول بسم اللّه الرّحمن الرّحيم.

۱۲۳۵ ۳۶۷۹۵ (۲) **مستدرك ۳۰۳/۵**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب أوحى اللّه إلى عيسى بن مريم ﷺ أن أكثر من قول بسم اللّه وافتح امورك به ومن وافاني وفي صحيفته قبضة بسم اللّه اعتقته من النّار قال وما قبضة بسم اللّه قال مأة مرّة.

۱۲۳۶ ۳۶۷۹۶ (۳) **مستدرك ۳۰۴/۵**: القطب **الرّاوندي** في دعواته عن النّبيّ ﷺ قال اغلقوا أبواب المعصية بالاستعاذة وافتحوا أبواب الطاعة بالتّسمية.

۱۲۳۷ ۳۶۷۹۷ (۴) **تفسير العسكري** ﷺ ۲۵: عن آبائه عن **عليّ** ﷺ (في حديث) فقال عبداللّه بن يحيى يا أمير المؤمنين قد أفدتني وعلّمتني فإن رأيت أن تعرّفني ذنبي الذي امتحنت به في هذا المجلس حتّى لا أعودَ إلى مثله.

---

۱. بتمييزنا من اعاديه ـ خ. ۲. يتعاطاه ـ ئل. ۳. يخلص للّه ويقبل ـ خ.

زیرا اگر من بخواهم که به شما بدهم غیر من نتواند مانع شود و اگر من بخواهم که ندهم غیر من نتواند که به شما نعمتی دهد.

پس من برای درخواست شدن شایسته‌ترینم و برای التماس و زاری به درگاهش سزاوارترین. پس در هنگام شروع به هر کاری، کوچک یا بزرگ بگویید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» یعنی برای انجام این کار از خدایی کمک می‌خواهم که جز او کسی شایستهٔ پرستش نیست. هر گاه به کمک خوانده شود، فریادرس و یاری‌کننده است و هر گاه صدا زده شود، جواب دهنده است رحمان است که با روزی گسترده‌ای که داده به ما ترّحم کرده و رحیم است که در دین و دنیا و آخرت ما به ما مهربانی کرده، دین آسان و راحتی برای ما تشریع کرده است و ما را مشمول رحمتش قرار داده که از دشمنانش جدا کرده است.

سپس امام علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس برایش مشکلی پیش آمد که مایهٔ غم و اندوه او شده پس، از روی اخلاص و با اقبال قلبی به سوی خدا، بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم» از یکی از دو پاداش خالی نیست یا به حاجت دنیوی‌اش می‌رسد و یا اینکه در نزد پروردگار برایش ذخیره گردد و [بدانید] که آنچه نزد خداست برای مؤمنان بهتر و پاینده‌تر است.»

۱۲۳۵ (۲) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب روایتی نقل کرده که: «خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام وحی کرد: بسیار «بسم الله» بگو و کارهایت را با آن آغاز کن و کسی که بیاید در حالی که در نامهٔ عملش یک قبضه «بسم الله» باشد، او را از آتش دوزخ آزاد کنم.

کسی پرسید: یک قبضه «بسم الله» چقدر است؟ فرمود: صد بار.»

۱۲۳۶ (۳) قطب راوندی در کتاب دعوات از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «درهای گناه را با «استعاذه» یعنی گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» بر روی خود ببندید و درهای اطاعت الهی را با گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» بگشایید.»

۱۲۳۷ (۴) عبدالله بن یحیی حکایت کرد که: به امیرمؤمنان علی علیه السلام عرض کردم: شما به من بسیار فایده رساندی و دانش آموختی، پس اگر ممکن است در همین مجلس اگر گناهی از من سر زد که با آن مورد امتحان قرار گرفتم به من گوشزد فرمایید تا تکرار نشود.

قال تركك حين جلست أن تقول بسم اللّه الرّحمن الرّحيم فجعل اللّه ذلك لسهوك عمّا ندبت إليه تمحيصاً بما أصابك أما علمت انّ رسول اللّهﷺ حدّثني عن اللّه عزّوجلّ انّه قال كلّ امر ذي بال لا يذكر بسم اللّه فيه فهو ابتر فقلت بلى بأبي أنت وامّي لا أتركها بعدها قال إذاً تحصن بذلك وتسعد.

۱۲۳۸ ۲٦۷۹۸ (۵) **الجعفريات ۲۱۴**: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالبؑ قال قال رسول اللّهﷺ كل كتاب لايبدأ فيه بذكر اللّه تعالى فهو اقطع.

۱۲۳۹ ۲٦۷۹۹ (۶) **مستدرك ۳۰۴/۵** القطب **الراوندي في** دعواته عن النّبيّﷺ قال ﷺ لا يردّ دعاء اوّله بسم اللّه الرّحمن الرّحيم.

۱۲٤۰ ۲٦۸۰۰ (۷) وفي لبّ اللّباب ـ عن عليّ ؑ انّه قال انّ اسم اللّه فاتق للرّتوق وخائط للخروق ومسهّل للوعود وجنّة عن الشرور وحصن من محن الدّهور وشفاء لما في الصّدور وأمان يوم النّشور.

وتقدم في رواية العلاء (۲۶) من باب (۱۱) استحباب غسل اليد قبل ادخالها في الاناء عند الوضوء من أبوابه ج ۲ قولهؑ إذا توضأ أحدكم ولم يسمّ كان للشيطان في وضوئه شرك وان أكل أو شرب أو ليس وكلّ شيء صنعه ينبغي له أن يسمّى عليه فان لم يفعل كان للشيطان فيه شرك، **وفي** رواية الشحّام (۲۷) قولهؑ اذا توضّأ أحدكم أو أكل أو شرب أو لبس لباساً ينبغي له أن يسمّي عليه فإن لم يفعل كان للشيطان فيه شرك، ولاحظ ساير أحاديث الباب فإنّ فيها ما يناسب المقام.

وفي أحاديث باب (۳) أنّ البسملة آية من الحمد من أبواب القرائة ج ۵ وباب (۸) وجوب الجهر بالبسملة ما يدلّ علىٰ ذلك.

ويأتي في أحاديث باب ۱۶۸ استحباب التسمية في أوّل الأكل وفي أوّل الطعام من أبواب الأطعمة ما يناسب الباب فراجع.

حضرت فرمود: وقتی نشستی «بسم الله الرحمن الرحیم» نگفتی ولی چون از روی فراموشی بود، بلایی که باید به این جهت به تو می‌رسید، نرسید و خداوند آن بلا را محو کرد. آیا نمی‌دانی که پیامبر خداﷺ از خدای ﷻ به من خبر داد که خدا فرمود: هر کاری که «بسم الله» در آن گفته نشود، ناقص و ناتمام خواهد ماند.

پس گفتم: بله، پدر و مادرم به فدایت، بعد از این دیگر «بسم الله» را ترک نخواهم کرد.

حضرت علی ﷺ فرمود: در این صورت خود را بدین وسیله در حصار قرار می‌دهی و سعادتمند خواهی شد.»

۱۲۳۸ (۵) در کتاب جعفریّات با اسناد خود از علیّ بن ابی طالب ﷺ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: هر نوشتار و کتابی که با ذکر خدای متعال آغاز نشود، ناتمام ماند.»

۱۲۳۹ (۶) قطب راوندی در کتاب دعوات حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «دعایی که در اوّل آن «بسم الله الرحمن الرحیم» باشد، رد نگردد.»

۱۲۴۰ (۷) و در کتاب لُبّ اللُّباب روایتی از علی ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «نام خدا گشایندهٔ گره‌های بسته است و دوزندهٔ پارگی‌ها و آسان کنندهٔ عمل به وعده‌ها و سپر از بدی‌ها و سنگری از بلاهای روزگار و شفابخش بیماری‌های روحی و مایهٔ امن در روز قیامت است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت بیست و ششم از باب یازدهم از باب‌های وضو فرموده امام ﷺ که: «هر گاه یکی از شما وضو بگیرد ولی «بسم الله» نگوید شیطان در وضویش شریک شود و اگر بخواهد که بخورد یا بنوشد یا بپوشد و هر کار دیگری انجام دهد سزاوار است که در آن «بسم الله» بگوید.»

و در روایت بیست و هشتم فرموده امام ﷺ که: «هر گاه یکی از شما می‌خواهد وضو بگیرد یا چیزی بخورد یا بنوشد یا لباس بپوشد، سزاوار است که در آغاز آن «بسم الله» بگوید و اگر این کار را نکند شیطان در آن شریک شود.»

و در روایات باب سوم از باب‌های قرائت و باب هشتم انچه بر آن دلالت می‌کند.

می‌آید:

در روایات باب صد و شصت و هشتم از باب‌های خوردنی‌ها آنچه مناسب این باب است پس مراجعه کن.

(۱۱)

باب أنّ حمد اللّه تعالىٰ أحبّ الأعمال وانّ رسول اللّهﷺ كان يقول إذا أصبح الحمد للّه ربّ العالمين كثيراً علىٰ كل حال وإذا أمسى مثل ذالك

قال اللّه تعالى في سورة الحمد (۱): ۲: ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾.

الأعراف (۷): ۴۳: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَـٰرُ وَقَالُوا۟ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى هَدَىٰنَا لِهَـٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَآ أَنْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ وَنُودُوٓا۟ أَن تِلْكُمُ ٱلْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.

فاطر (۳۵): ۳۴: ﴿وَقَالُوا۟ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَذْهَبَ عَنَّا ٱلْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾.

النّمل (۲۷): ۱۵، ۵۹ و۹۳: ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَـٰنَ عِلْمًا وَقَالَا ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾.

﴿قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَـٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَىٰٓ ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾.

﴿وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَـٰتِهِۦ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَـٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾.

الاسراء (۱۷): ۱۱۱: ﴿وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِى ٱلْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ وَلِىٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًۢا﴾.

یونس (۱۰): ۱۰: ﴿دَعْوَىٰهُمْ فِيهَا سُبْحَـٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَـٰمٌ وَءَاخِرُ دَعْوَىٰهُمْ أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾.

الانعام (۶): ۱: ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَـٰتِ وَٱلنُّورَ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾.

لقمان (۳۱): ۲۵: ﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾.

باب ۱۱

حمد و سپاس پروردگار

خداوند متعال فرموده است:

سپاس و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است.[۱]

و [بهشتیان] می‌گویند: سپاس خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی‌کرد ما خود هدایت نمی‌یافتیم.[۲]

و [بهشتیان در بهشت] می‌گویند: سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود و به راستی پروردگار ما آمرزنده و حق شناس است.[۳]

و به راستی به داود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند: ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داده است.[۴]

بگو: سپاس برای خداست و درود بر آن بندگانش که [آنان را] برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه [با او] شریک می‌گردانند؟[۵]

و بگو: ستایش از آن خداست. به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت و پروردگار تو از آنچه می‌کنید غافل نیست.[۶]

و بگو: سپاس خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد.[۷]

و پایان نیایش آنان [بهشتیان در بهشت] این است که سپاس و ستایش ویژهٔ پروردگار جهانیان است.[۸]

سپاس خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کافرند [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند.[۹]

و اگر از آن‌ها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است مسلّماً خواهند گفت: خدا. بگو: ستایش از آنِ خداست ولی بیشترشان نمی‌دانند.[۱۰]

---

۱. حمد ۲/۱. ۲. اعراف ۴۳/۷. ۳. فاطر ۳۴/۳۵.
۴. نمل ۱۵/۲۷. ۵. نمل ۵۹/۲۷. ۶. نمل ۹۳/۲۷.
۷. اسراء ۱۱۱/۱۷. ۸. یونس ۱۰/۱۰. ۹. انعام ۱/۶.
۱۰. لقمان ۳۱/۲۵.

الزمر (۳۹): ۷۴: ﴿وَقَالُواْ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُۥ وَأَوْرَثَنَا ٱلْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ فَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَـٰمِلِينَ﴾.

الجاثية (۴۵): ۳۶: ﴿فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ﴾.

الكهف (۱۸): ۱: ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ٱلْكِتَـٰبَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُۥ عِوَجَا﴾.

المؤمنون (۲۳): ۲۸: ﴿فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّـٰلِمِينَ﴾.

العنكبوت (۲۸): ۶۳: ﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾.

(وماتدلّ علىٰ ذلك من الآيات أكثر من ذلك ولا يحتاج إلى ذكرها).

۱۲۴۱ ۳۶۸۰۱ (۱) **كافي** ۵۰۳/۲: **محمّد** بن يحيى عن علي بن الحسين عن سيف بن عميرة عن محمّد بن مروان قال قلت لأبي عبداللّه‌ﷺ أيّ الأعمال أحبّ إلى اللّه عزّ وجلّ فقال أنْ تحمِدَه.

۱۲۴۲ ۳۶۸۰۲ (۲) **مستدرك** ۳۱۵/۵: الشيخ **أبوالفتوح** في تفسيره عن رسول اللّهﷺ ليس شيء أحبّ إلى اللّه من قول القائل الحمد للّه ولذلك اثنى به على نفسه.

۱۲۴۳ ۳۶۸۰۳ (۳) **عدّة الداعي** ۲۴۴: روى سعيد القمّاط عن **الفضل** قال قلت لأبي عبداللّهﷺ جعلت فداك علّمني دعاء جامعاً.

فقال لي أحمد اللّه فإنّه لا يبقى أحد يصلّي الّا دعا لك يقول سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَه.

و [بهشتیان] گویند: سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما، راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم. چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان.[1]

پس سپاس از آن خداست، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان.[2]

سپاس خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بندهٔ خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد.[3]

[ای نوح چون تو و همراهانت به کشتی نشستید، بگو:] سپاس خدایی را که ما را از چنگ گروه ستمگر رهانید.[4]

و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان، آبی فرو فرستاده و به وسیلهٔ آن زمین را پس از مرگش، زنده گردانیده است حتماً خواهند گفت: خدا، بگو: ستایش از آنِ خداست. با این همه بیشترشان نمی‌اندیشند.[5]

آیاتی که در زمینهٔ حمد و سپاس و ستایش الهی نازل شده بیش از این مقدار است که ذکر شد و همین قدر برای بیان اهمیّت و ارزش حمد الهی کافی است و نیاز به ذکر دیگر آیات در این زمینه نیست.

۱۲۴۱ (۱) محمّد بن مروان گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: محبوب‌ترین کار نزد خدای عزوجل چیست؟ فرمود: اینکه او را حمد و سپاس گویی.»

۱۲۴۲ (۲) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «چیزی پیش خدا بهتر از سخن گوینده‌ای نیست که بگوید: «الحمدُ لله» و به همین جهت با همین کلمه، خود را ستوده است.»

۱۲۴۳ (۳) فضل روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! یک دعای جامع و کامل به من بیاموز.

حضرت فرمود: خدا را حمد کن زیرا در این صورت احدی نیست که نماز بخواند و تو را دعا نکند بلکه هر نمازگزار که می‌گوید: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» این دعایش تو را شامل شود.»

---

۱. زمر ۷۴/۳۹.　۲. جاثیه ۳۶/۴۵.　۳. کهف ۱/۱۸.
۴. مؤمنون ۲۸/۲۳.　۵. عنکبوت ۶۳/۲۹.

۱۲٤٤ ۳٦۸۰٤ (۴) **مستدرك ۳۱۵/۵**: الشيخ **البوالفتوح** في تفسيره عن رسول اللّهﷺ انّه قال الحمد ثناء عليه بأسمائه وصفاته الحسنى.

۱۲٤٥ ۳٦۸۰٥ (۵) **كافي ۵۰۳/۲**: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبي الحسن الأنباري عن أبي عبداللّه ﷺ قال كان رسول اللّهﷺ يحمد اللّه في كلّ يوم ثلاثمأة مرّة وستّين مرّة عدد عروق الجسد يقول الحمد للّه ربّ العالمين كثيراً على كلّ حال.

۱۲٤٦ ۳٦۸۰٦ (۶) **كافي ۵۰۳/۲**: علي بن ابراهيم عن أبيه وحميد بن زياد عن الحسن بن محمّد جميعاً عن أحمد بن الحسن الميثميّ عن **يعقوب** بن شعيب قال سمعت أبا عبداللّهﷺ يقول قال رسول اللّهﷺ انّ في ابن آدم ثلاثمأة وستّين عرقاً منها مأة وثمانون متحرّكة ومنها مأة وثمانون ساكنة فلو سكن المتحرّك لم ينم ولو تحرك الساكن لم ينم وكان رسول اللّهﷺ إذا أصبح قال الحمد للّه ربّ العالمين كثيراً على كلّ حال ثلاثمأة وستّين مرّة وإذا امسى قال مثل ذلك العلل ۳۵۴: أبي رحمه اللّه قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن يعقوب بن يزيد عن محمّد بن الحسن الميثميّ عن **يعقوب** بن شعيب نحوه.

۱۲٤۷ ۳٦۸۰۷ (۷) **أمالي الشّيخ ۵۹۷**: حدّثنا الشيخ أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي قدّس اللّه روحه قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل قال حدّثني أبوالقاسم جعفر بن محمّد العلوي الموسوي قال حدّثنا عبيداللّه بن أحمد بن نهيك قال حدّثنا محمّد بن أبي عمير عن سبرة بن يعقوب بن **شعيب** عن أبيه[۱] قال سمعت أبا عبداللّهﷺ يحدّث عن آبائه عن عليّﷺ قال قال رسول اللّهﷺ في ابن آدم ثلاثمأة وستّون عرقاً منها مأة وثمانون متحرّكة ومأة وثمانون ساكنة فلو سكن المتحرّك لم يبق الإنسان ولو تحرّك الساكن لهلك الانسان قال وكان النّبيّﷺ في كلّ يوم إذا أصبح وطلعت الشّمس يقول الحمدللّه ربّ العالمين كثيراً طيّباً على كلّ حال يقول ثلاثمأة وستّين مرّة شكراً.

---

۱. في المستدرك عن سبرة عن يعقوب بن شعيب عن أبيه.

۱۲۴۴ (۴) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از پیامبر خداﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «حمد [خدا] عبارت است از ثناگویی و ستایش گفتن او با نام‌ها و صفات نیکویش.»

۱۲۴۵ (۵) ابوالحسن انباری از امام صادقؑ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «رسول خداﷺ هر روز به تعداد رگ‌های بدن سیصد و شصت بار حمد خدا را به جای می‌آورد و می‌گفت: سپاس فراوان در هر حال، خدایی را که اداره کنندهٔ جهانیان است.»

۱۲۴۶ (۶) یعقوب بن شعیب از حضرت صادقؑ روایت کرده که: «از حضرت صادقؑ شنیدم که فرمود: پیامبر خداﷺ فرمود: در بدن پسر آدم سیصد و شصت رگ وجود دارد. صد و هشتاد رگ آن متحرّک و صد و هشتاد رگ آن بی‌حرکت و ساکن است.

اگر یک رگ متحرّک از حرکت باز ماند، خواب از انسان ربوده خواهد شد و اگر یک رگ بی‌حرکت، به حرکت در آید باز هم [بر اثر درد] خواب به چشم انسان نخواهد آمد.

و رسول خداﷺ چون صبح می‌شد سیصد و شصت بار می‌فرمود: «الحمدُ للهِ ربِّ العالمینَ کثیراً عَلٰی کُلِّ حالٍ.» و چون شب می‌شد همین مقدار را می‌گفت.»

این روایت در علل الشرایع[1] نیز نقل شده است.

۱۲۴۷ (۷) سبرة بن یعقوب بن شعیب از پدرش حکایت کرده که: «شنیدم از امام صادقؑ که از پدرانش و آن‌ها از علیؑ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: در بدن پسر آدم سیصد و شصت رگ وجود دارد که صد و هشتاد تای آن، متحرّک و صد و هشتاد تای آن آرام و بی حرکت است. پس اگر رگ متحرّک از حرکت باز افتد و آرام گیرد انسان زنده نمی‌ماند و اگر رگ ساکن و آرام به حرکت درآید باز هم انسان می‌میرد. حضرت فرمود: پیامبرﷺ هر روز که خورشید سر می‌زد برای سپاسگزاری از خدا، سیصد و شصت بار می‌گفت: «الحمدُ لله رَبّ العالَمینَ کثیراً عَلٰی کُلِّ حالٍ.»

---

۱. علل الشرایع، ص (۳۵۴).

۱۲٤۸ ۳٦۸۰۸ (۸) **أمالي المفيد** ۳٤۵: قال أخبرني أبوبكر محمّد بن عمر الجعابي قال حدّثنا أبو محمّد عبداللّه بن محمّد بن سعيد بن زياد بن كنانة قال حدّثنا أحمد بن عيسى بن الحسن الحوبي (الجرمي ـ خ) قال حدّثنا نصر بن حمّاد قال حدّثنا عمرو بن شمر عن جابر الجعفي عن أبي جعفر محمّد بن علي الباقرعليه السلام عن **جابر** بن عبداللّه الأنصاري قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ جبرئيل عليه السلام نزل عليّ وقال انّ اللّه يأمرك ان تقوم بتفضيل عليّ بن أبي طالب عليه السلام خطيباً (إلى أن قال) ۳٤۷ يا محمّد قل في كلّ أوقاتك ﴿**ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ**﴾، ﴿**وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ**﴾.

۱۲٤۹ ۳٦۸۰۹ (۹) **البحار** ۱٤۳/۸۲: كتاب المسكن وعن ابن عبّاس قال أوّل من يدعى إلى الجنّة يوم القيامة الّذين يحمدون اللّه تعالىٰ على كلّ حال.

ويأتي في رواية ابن عبّاس (۴) من باب (۲۰) انّه ليس شيء أعظم من شهادة اَن لا اِلهَ الّا اللّه قوله عليه السلام وَاَفْضَلُ الدّعاء الحمد للّه.

(۱۲)

باب أنّ من قال إذا أصبح أربع مرّات الحمد للّه ربّ العالمين فقد أدّى شكر يومه ومن قالها إذا أمسى أدّى شكر ليلته

۱۲۵۰ ۳٦۸۱۰ (۱) **كافي** ۵۰۳/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد الثواب ۲۸: حدّثني محمّد بن الحسن رحمه الله عن محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن أبي عبداللّه عن منصور بن العبّاس عن سعيد بن جناح قال حدّثني **أبو مسعود** (أبو مسعر ـ ثواب) عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال أربع مرّات إذا أصبح ـ الحمد للّه ربّ العالمين فقد أدّى شكر يومه ومن قالها إذا أمسى فقد أدّى شكر ليلته.

البحار ۱٦۲/۸٦: البلد الأمين عن **الصادق** عليه السلام مثله.

۱۲۴۸ (۸) جابر جعفی از امام باقر﴿ع﴾ روایت کرده که حضرت فرمود: «جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر خدا﴿ص﴾ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: جبرئیل﴿ع﴾ بر من نازل شد و گفت: خداوند تو را فرمان می‌دهد تو را که سخنرانی کنی و در آن سخنرانی فضائل علی﴿ع﴾ را بیان کنی که از همگان برتر است (تا اینکه گفت:)

ای محمّد! در همه وقت بگو: «سپاس خدایی را که اداره کنندهٔ جهانیان است و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت.»

۱۲۴۹ (۹) ابن عباس نقل می‌کند: «مومنان کسانی که در روز قیامت به بهشت خوانده می‌شوند کسانی هستند که در هر حال خدا را حمد و سپاس می‌گویند.»

ارجاعات

می‌آید:

در روایت چهارم از باب بیستم فرموده امام﴿ع﴾ که: «بهترین دعا حمد و سپاس خداوند یعنی گفتن «الحمدلله» است.»

باب ۱۲

گفتن «الحمدُ لله رَبِّ العالَمین» در صبح و شام

۱۲۵۰ (۱) ابومسعود از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که چهار بار، صبح بگوید: «الحمدُ للهِ رَبِّ العالمین» شکر روزش را به جای آورده و کسی که چهار بار شب آن را بگوید، شکر شبش را به جای آورده است.»

همین روایت را مرحوم مجلسی در کتاب بحار الانوار به نقل از البلد الامین نقل کرده است.

(۱۳)

باب انّ من قال الحمد للّه كما هو أهله شغل كتّاب السماء وماورد في بعض محامد أبي عبداللّه وموسى بن جعفرﷺ

۱۲۵۱ ٣٦٨١١ (۱) **الثـواب ۲۸**: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّلﷺ قال حدّثني عليّ بن الحسين السعد آبادي عن أحمد بن أبي عبداللّه بن عليّ بن الحكم عن سيف بن عميرة عـن زيـد الشحّام عن أبي عبداللّهﷺ قال من قال الحمد للّه كما هو أهله شغل كتّاب السّـماء قـلت وكيف يشغل كتّاب السماء قال يقولون اللّهمّ انّا لا نعلم الغيب فقال فيقول اكتبوها كما قالها عبدي وعليّ ثوابها.

۱۲۵۲ ٣٦٨١٢ (۲) **مستدرك ۳۰۵/۵**: الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن رسول اللّهﷺ انّه قـال إذا قـال العبد الحمد اللّه كما هو أهله وقفت الملائكة عن كتابتها فيقول اللّه تعالى مـلائكتي لِـمَ لا تكتبون ما قاله عبدي؟

فيقولون نحن نقدر على كتابة ما علمناه وما أنت أهله من الحمد لايعلمه غيرك ما يليق بك من الحمد وما يستحقّه هذا العبد أنت العالم به ولا علم لنا به.

۱۲۵۳ ٣٦٨١٣ (۳) **قرب الأسناد ۴**: هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة قال أبوعبداللّهﷺ من سبّح تسبيح فاطمةﷺ قبل أن يثنّى رجله بعد انصرافه من صـلٰوة الغـداة غـفر اللّـه له ويـبدء بالتكبير ثمّ قال ـ أبو عبداللّهﷺ لحمزة بن حمران حسبك بها يا حمزة وهذا مـن مـحامده الحمد للّه بمحامده كلّها علىٰ نِعَمِه كلّها حتّى ينتهى الحمد إلى ما يحبّ ربّي ويرضى.

۱۲۵٤ ٣٦٨١٤ (۴) قال وقال أبيﷺ انّ نبيّاً من الأنبياء قال الحمد للّه كثيراً حمداً طيّباً مباركاً فيه كما ينبغي لكرم وجهك وعزّ جلالك فأوحى اللّه إليه عبدي لقد شغلت حافظيك والحافظ على حافظيك (إلى أن قال) قالﷺ وهذا من محامد أبي عبداللّه عند الشيء من الرزق إذا كان تجدّد له[۱] الحمد للّه الذي نِعَمُه تغدو علينا وتروح ونظلّ بها نـهاراً ونـبيت فـيها ليـلاً فـنصبح فـيها

---

۱. يجدوا ـ خ ل.

باب ۱۳

سپاس خدا آن‌سان که شایستهٔ اوست

۱۲۵۱ (۱) زید شحّام از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بگوید: سپاس خدای را، سپاسی که شایستهٔ اوست، فرشتگان آسمان را که نویسندهٔ اعمالند از نوشتن باز دارد.

گفتم: چگونه نویسندگان اعمال را باز دارد؟

حضرت فرمود: فرشتگان گویند: خدایا! ما غیب نمی‌دانیم پس خدا گوید: شما همان گونه که بندهٔ من می‌گوید بنویسید و پاداش او به عهدهٔ خود من است.»

۱۲۵۲ (۲) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از رسول خداؐ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: هر گاه بنده می‌گوید: «الحمدُ لله کما هُوَ اهلُهُ» فرشتگان از نوشتن آن متوقف می‌شوند پس خداوند متعال می‌فرماید: فرشتگان من! چرا آنچه که بندهٔ من گفت نمی‌نویسید؟

پس می‌گویند: ما بر نوشتن چیزی که نمی‌دانیم قادر نیستیم ما نمی‌دانیم که چه حمد و سپاسی اهلیّت و شایستگی حمد و سپاس تو را دارد، جز تو کس نداند که چه حمدی لایق تو است و این عبد با این حمدش چه پاداشی را استحقاق یافت، فقط تو، به آن دانایی و ما را به آن هیچ علمی نیست.»

۱۲۵۳ (۳) مسعدة بن صدقه از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بعد از خواندن نماز صبح پیش از اینکه گامی بردارد، تسبیح فاطمهٔ زهراؑ بگوید خداوند او را بیامرزد و تسبیح را با «الله اکبر» شروع کند.

سپس حضرت صادقؑ خطاب به حمزة بن حمران فرمود: ای حمزه! همین تو را بس است و این حمد و سپاسی است که امام صادقؑ گفته است: «سپاس خداوند را با جمیع انواع حمد و اقسام سپاس بر جمیع نعمت‌هایش، سپاسی که منتهی شود به آن سپاس که مورد علاقهٔ پروردگارم باشد و مایهٔ خشنودی او گردد.»

۱۲۵۴ (۴) حضرت صادقؑ فرمود: «پدرم که خداوند از او خشنود باد فرمود: «پیامبری از پیامبران گفت: سپاس فراوانِ پاکِ پاینده خدا را، آن سان که شایستهٔ روی کریمانه و عزّت جلالت اوست. پس خداوند به او وحی کرد: بندهٔ من! دو فرشتهٔ نگهبان و نویسندهٔ اعمالت را از کارشان بازداشتی و همچنین فرشته‌ای که بر آن دو فرشته نگهبان است (تا اینکه حضرت فرمود:) و هر گاه رزق و روزی تازه‌ای برای ابی عبداللهؑ می‌رسید اینگونه خدا را حمد می‌کرد که می‌فرمود: سپاس خدایی را که صبح و شام نعمت‌هایش فرا می‌رسد و روز را در کنار آن نعمت‌ها سپری کرده و شب با آن‌ها بیتوته می‌کنیم

برحمته مسلمين ونمسى فهيا بمنّته مؤمنين من البلوى معافين الحمد اللّه المنعم المحسن المجمل ذي الجلال والاكرام ذي الفواضل والنعم.

الحمد للّه الذي لم يخذلنا عند شدّة ولم يفضحنا عند سريرة ولم يسلمنا عند جريرة قال وهذا من محامد أبي عبداللّه عليه السلام الحمد للّه على علمه والحمد للّه على فضله علينا وعلى جميع خلقه وكان به كرم الفضل في ذلك ما اللّه به عليم[1].

۱۲۵۵ ۳۶۸۱۵ (۵) **قرب الأسناد** ۳۰۰: عبداللّه بن الحسن عن جدّه علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عليهما السلام قال كان أخي عليه السلام يقول كثيراً الحمدللّه الّذي بنعمته (بنعمه ـ خ) تتمّ الصّالحات.

۱۲۵۶ ۳۶۸۱۶ (۶) **مستدرك** ۴۰۱/۵: الرّاوندي في قصص الأنبياء باسناده عن الصدوق باسناده عن الحسين ابن أبي الخطّاب عن صفوان بن يحيى عن عبداللّه بن سنان عن **محمّد** بن مروان عن الباقر عليه السلام قال انّ نبيّاً من الأنبياء عليهم السلام حمد اللّه بهذه المحامد فأوحى اللّه جلّت عظمته لقد شغلت الكاتبين قال اللّهمّ لك الحمد كثيراً طيّباً مباركاً فيه كما ينبغي لك أن تحمد وكما ينبغي لكرم وجهك وعزّ جلالك.

(۱۴)

باب ماورد من الحمد عند النظر في المِرْآة وكيفيّته

۱۲۵۷ ۳۶۸۱۷ (۱) **الثواب** ۴۴: أبي رحمه الله قال حدّثني عبداللّه بن جعفر عن هارون بن مسلم عن **مسعدة** بن صدقة عن جعفر بن محمّد عن آبائه عليهم السلام انّ النّبيّ صلى الله عليه وآله قال انّ اللّه عزّ وجلّ أوجب الجنّة لشابّ كان يكثر النظر في المرْآة فيكثر حمد اللّه علىٰ ذلك.

۱۲۵۸ ۳۶۸۱۸ (۲) **الجعفريّات** ۱۸۶: باسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله كان إذا نظر في المِرْآة قال الحمد للّه الّذي أكمل خلقي وأحسن صورتي وزان منّي شان من غيري وهداني للاسلام ومنّ عليّ بالنّبوّة.

۱۲۵۹ ۳۶۸۱۹ (۳) **مستدرك** ۳۰۷/۵: الشيخ أبوالفتوح في تفسيره عن الصادق عليه السلام قال كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا نظر في المرآة قال الحمد للّه الذي أحسن خَلقي وخُلقي وزان منّي ما شان من غيري.

---

۱. وكان به كرم الفضل في ذلك فانّ اللّه به عليم ـ خ.

و از رحمت خداوند در میان نعمت‌هایش، مسلمان، به صبح درآییم و از تفضّلش در آن نعمت‌ها به شب وارد شویم در حالی که مؤمن هستیم و از بلا، دور. سپاس خدایی را که نعمت‌دهنده، تفضّل کننده، نیکی‌کننده، زیباساز، صاحب جلالت و کرامت و صاحب عطاها و نعمت‌هاست.

سپاس خدایی را که در سختی‌ها ما را رها نکرده که پامال شویم و در موقع انکشافِ باطن، ما را رسوا نکرده و در وقت ارتکاب جرمی ما را [به دست کیفر] تسلیم نکرده.

حضرت فرمود: و این نیز از حمد و سپاس‌های ابی عبدالله‌ؑ بود که می‌فرمود: سپاس خداوند را به خاطر این همه نعمت‌هایی که به ما و به مخلوقاتش تفضّل کرده و آن قدر او فضل و کرم نسبت به انعام و احسان به خَلقش دارد که فقط خودش آن را می‌داند و بس.»

۱۲۵۵ (۵) علیّ بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفرؑ حکایت کرده که: «برادرم بسیار می‌گفت: سپاس خدایی را که با نعمت او کارهای شایسته به اتمام می‌رسد.»

۱۲۵۶ (۶) محمّد بن مروان از امام باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «یکی از پیامبران، خدا را با این کلمات حمد و سپاس گفت: «خداوندا! تو را سپاس فراوان باد آن سان که شایسته‌ای که حمد و سپاس شوی و آن سان که شایستهٔ چهرهٔ بزرگوار و شکوه جلال تو است.»

پس خداوند بزرگ به آن پیامبر وحی کرد که تو فرشتگان نویسندهٔ اعمالت را از نوشتن بازداشتی.»

باب ۱۴

سپاس در وقت نگاه کردن به آینه

۱۲۵۷ (۱) مسعدة بن صدقه از امام جعفر صادقؑ و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که فرمودند: «پیامبرﷺ فرموده است: خداوندﷻ را برای جوانی که زیاد به آینه نگاه می‌کند و خدا را بسیار به این جهت، سپاس می‌گوید، واجب کرده است.»

۱۲۵۸ (۲) در کتاب جعفریّات با سند خودش از امام علیّ بن ابی طالبؑ روایت شده که حضرت فرمود: «هر گاه رسول خداﷺ به آینه نگاه می‌کرد می‌فرمود: سپاس خدایی را که مرا سالم و کامل آفرید و شکل و قیافهٔ مرا زیبا قرار داد و اعضاء و اندامی که [احیاناً برای بعضی] معیوب است برای من سالم و زیبا آفرید و مرا به اسلام رهنمون شد و با پیامبری بر من منّت نهاد.»

۱۲۵۹ (۳) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از امام صادقؑ روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه پیامبر خداﷺ به آینه نگاه می‌کرد، می‌گفت: سپاس خدایی را که آفرینش بدنی و اخلاقی و روحی مرا زیبا قرار داد و عضوهایی که [احیاناً] از دیگری معیوب و ناقص است، از من سالم و زیبا قرار داد.»

۱۲۶۰ ۳۶۸۲۰ (۴) **المقنع** ۱۹۵: إذا نظرت في المرآة فقل الحمد للّه الّذى خلقني فأحسن خلقي وصوّرني فأحسن صورتي وزان منّي ما شان (وزادني توفيقاً علىٰ ما شان) من غيري وأكرمني بالاسلام.

۱۲۶۱ ۳۶۸۲۱ (۵) **فقه الرضا**ؑ ۳۹۵: وإذا أردت النظر في المِرْآة فخذها[۱] بيدك اليسرى وقل بسم اللّه فإذا نظرت فيها فضع يدك اليمنى على مقدّم رأسك وأمسح على وجهك واقبض (على ـ ك) لحيتك وانظر في المرآة وتقول الحمد للّه الّذي خلقني بشراً سويّاً وزيّنني ولم يشنني وفضّلني علىٰ كثير من خلقه ومنّ عليّ بالاسلام ورضيه لي ديناً.

ثمّ ضعها من يدك وقل اللّهمّ لا تغيّر ما بنا من أنعمك وأجعلنا لأنعمك من الشاكرين ولآلآئك من الذّاكرين **مستدرك** ۳۸۵: ورواه أمين الاسلام الطبرسي في الآداب الدّينيّة مثله.

(۱۵)

باب ماورد من أكثار الحمد عند تظاهر النعم وبيان كيفيّته وأوجزه وأكثار الحوقلة عند الحاح الفقر

۱۲۶۲ ۳۶۸۲۲ (۱) **أمالي الصدوق** ٤٤۷: حدّثنا الحسين بن أحمد بن أدريس قال حدّثنا أبي قال حدّثنا محمّد بن عبدالجبّار عن الحسن بن علي ابن أبي حمزة قال حدّثني محمّد بن يوسف قال حدّثني **محمّد** بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمّد عن آبائهؑ قال قال رسول اللّهؐ من تظاهرت عليه النعم فليقل الحمد للّه ربّ العالمين ومن الحّ عليه الفقر فليكثر من قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم فانّه كنز من كنوز الجنّة وفيه الشفاء من اثنين وسبعين داء أدناها الهمّ.

۱۲۶۳ ۳۶۸۲۳ (۲) **المحاسن** ۴۲: البرقي عن الحسين بن يزيد النوفليّ عن **اسماعيل** بن أبي زياد **السكوني** عن أبي عبداللّه عن آبائهؑ قال قال رسول اللّهؐ من ظهرت عليه النعمة فليكثر ذكر الحمد للّه ومن كثرت هُمُومه فعليه بالاستغفار ومن الحّ عليه الفقر فليكثر من قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه ينفى اللّه عنه الفقر وقال فقد النّبيّؐ رجلاً من الأنصار فقال له ما غيّبك عنّا فقال الفقر يا رسول اللّه وطول السقم فقال له رسول اللّهؐ الا أعلّمك كلاماً إذا قلته ذهب عنك الفقر والسّقم قال بلى.

---

۱. فخذ المرآة ـ خ.

۱۲۶۰ (۴) در کتاب مُقنع آمده است: «هر گاه به آینه نگریستی بگو: سپاس خدایی را که مرا آفرید و آفرینش مرا زیبا ساخت و شکل و قیافهٔ مرا ترسیم کرد و شکل و قیافه‌ام را زیبا قرار داد و آنچه را که احیاناً از دیگری ناقص و معیوب قرار داده از من سالم و زیبا قرار داد و مرا به دین اسلام مشرف گردانید.»

۱۲۶۱ (۵) در کتاب فقه الرضا آمده: «و هر گاه خواستی به آینه نگاه کنی پس آینه را با دست چپت بگیر و بگو: به نام خدا! و چون به آن نگاه کردی، دست راستت را جلوی سرت بگذار و آن را به رویت بکش و ریشت را در قبضه‌ات نگاه دار و به آینه بنگر و بگو: سپاس خدایی که مرا انسانی سالم آفرید و زیبا ساخت و مرا زشت نیافرید و بر بسیاری از آفریده‌هایش مرا برتری داد و با اسلام بر من منّت نهاد و این دین را برای من پسندید.

سپس آینه را روی زمین قرار ده و بگو: خداوندا! نعمت‌هایی را که به ما ارزانی داشته‌ای دگرگون مفرما و ما را سپاسگزار نعمت‌هایت و یاد کنندهٔ عطاهایت قرار ده.»

باب ۱۵
سپاس فراوان برای نعمت‌های فراوان

۱۲۶۲ (۱) محمّد بن جعفر از پدرش امام جعفر صادق و او از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرموده‌اند: «پیامبر خدا فرمود: هر کس که نعمت‌ها پیاپی به او رسد پس باید بگوید: «الحمدُ للهِ رَبِّ العالَمین» و هر کس، فقر او را رها نمی‌کند پس باید که زیاد بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العَلِیِّ العَظیم» که این [کلمه] گنجی است از گنج‌های بهشت و شفای هفتاد و دو درد در آن است که کوچکترین آن‌ها غم و غصّه است.»

۱۲۶۳ (۲) اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از امام جعفر صادق روایت کرده که آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده که فرمودند: «پیامبر خدا فرمود: کسی که نعمت‌ها پیاپی به او می‌رسد باید ذکر «الحَمْدُ لله» را زیاد بگوید.

و کسی که غم و غصّه‌هایش زیاد شده، باید استغفار کند و کسی که فقر ملازم او شده و او را رها نمی‌کند پس زیاد بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» فقر از او زدوده خواهد شد.»

و حضرت فرمود: «پیامبر مردی از انصار را [مدّتی] ندید [چون پیش پیامبر آمد] پیامبر به او فرمود: چه چیز موجب دیر آمدن تو شده بود؟ گفت: فقر و بیماریِ طولانی مدّت ای پیامبر خدا. پیامبر خدا به او فرمود: آیا بیاموزم به تو کلامی که اگر آن را بگویی فقر و بیماری از تو برود؟ گفت: آری.

قال إذا أصبحت و أمسيت فقل لا حول ولا قوّة الّا باللّه توكّلت على الحيّ الذي لايموت والحمد للّه الذى لم يتّخذ ولداً ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له وليّ من الذّلّ وكبره تكبيراً.

قال الرجل فواللّه ما قلته الّا ثلاثة أيّام حتّى ذهب عنّى الفقر والسقم.

الجعفريات ۲۳۱: باسناده عن **عليّ** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من تظاهرت عليه النعم فليكثر (وذكر نحوه إلى قوله) فليكثر من لا حول ولا قوّة الّا باللّه.

۱۲٦٤ ۳٦۸۲٤ (۳) **مشكاة الأنوار** ۳۱: عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّي لاأُحِبّ ان تجدّد لي نعمة الّا حمدت اللّه عليها مأة مرّة[1].

۱۲٦٥ ۳٦۸۲٥ (۴) **الثواب** ۲۲۳: حدّثني محمّد بن الحسن رحمه الله عن محمّد بن الحسن الصفّار قال حدّثني أحمد بن اسحاق بن سعد[2] عن بكر بن محمّد الأزدي عن **اسحاق** بن عمّار[3] قال قال أبو عبداللّه عليه السلام يا اسحاق ما أنعم اللّه على عبد نعمة فعرفها بقلبه وجهر بحمداللّه عليها ففرغ منها حتّى يؤمر له بالمزيد.

۱۲٦٦ ۳٦۸۲٦ (۵) **مستدرك** ۳۱۴/۵: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال إذا أنعم اللّه على عبد نعمة فعلم أنّها من اللّه فقد أدّى شكرها من قبل أن يحمده.

۱۲٦۷ ۳٦۸۲۷ (۶) **تفسير العيّاشي** ۶۹: عن اسماعيل بن أبي زياد **السكوني** عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله أربع من كن فيه كتبه اللّه من أهل الجنّة من كانت عصمته شهادة ان لا اله الّا اللّه ومن إذا أنعم اللّه عليه النّعمة.

قال الحمد للّه ومن إذا أصاب ذنباً.

قال استغفر اللّه ومن إذا أصابته مصيبة قال إنّا للّه وإنّا إليه راجعون.

---

۱. ان تجدّد لي نعمة لأحمدنّ اللّه عليها مأة مرّة ـ ك ط ق.
۲. سعيد ـ ئل.
۳. عن بكر بن اسحاق بن عمّار ـ خ.

حضرت فرمود: هر صبح و شام بگو: هیچ نیرو و توانی نیست مگر از خدا و متّکی به خدا، توکّل می‌کنم بر زنده‌ای که نمیرد و سپاس خدایی را که فرزند نگرفته و برای او در فرمانروایی شریکی نیست و از خواری برایش دوست و یاوری نیست و او را بسیار بزرگ بدان.

آن مرد انصاری گفت: به خدا قسم که سه روز بیشتر آن را نگفته بودم که هم فقر از من رخت بربست و هم بیماری از من رفت.»

همین روایت در کتاب جعفریّات نقل شده به این کیفیّت که علی؊ از رسول الله؊ آن را نقل فرموده‌اند.

۱۲۶۴ (۳) در کتاب مشکاة الانوار از امام صادق؊ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «من دوست ندارم که نعمت جدیدی به دستم آید مگر اینکه به خاطر آن صد بار خدا را حمد و سپاس گویم.»

۱۲۶۵ (۴) اسحاق بن عمّار از حضرت صادق؊ حکایت کرده گوید: «امام صادق؊ فرمود: ای اسحاق! بنده‌ای که چون خدا به او نعمتی دهد و او قلباً آن را از طرف خدا بداند و خدا را به خاطر آن نعمت با زبان و صدای آشکار حمد و سپاس گوید پس هنوز از این‌ها فارغ نشده باشد که فرمان رسد که نعمت بیشتری به او داده شود.»

۱۲۶۶ (۵) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب از پیامبر؊ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه خدا به بنده‌ای نعمتی داد و او این نعمت را از جانب خدا دانست پس شکر آن را به جای آورده پیش از آنکه حمد و سپاس او را به زبان بیاورد.»

۱۲۶۷ (۶) اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از امام صادق؊ و آن حضرت از پدرش و او از پدرانش روایت کرده است که فرمودند: «پیامبر خدا؊ فرمود: چهار خصلت است که در هر کس باشد خداوند آن را جزو اهل بهشت قرار دهد: کسی که تکیه گاه و پناه گاهش گواهی دادن به «لا اله الّا الله» است، کسی که هر گاه خدا به او نعمتی دهد، می‌گوید: «الحَمْدُ لله»، کسی که هر گاه به گناه افتد، می‌گوید: «أَسْتَغْفِرُ اللهَ» و کسی که اگر مصیبتی به او رسد، گوید: «اِنّا للهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجعونَ.»[۱]

---

۱. ما از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم.

۱۲۶۸ ۳۶۸۲۸ (۷) وعن أبي علي **المهلبي** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله أربع من كنّ فيه كان في نور اللّه الأعظم من كان عصمة أمره شهادة ان لا اله الاّ اللّه وانّ محمّداً رسول اللّه ومن إذا أصابته مصيبة قال إنّا للّه وإنّا إليه راجعون ومن إذا أصاب خيراً قال الحمد للّه ومن إذا أصاب خطيئة قال استغفر اللّه وأتوب إليه. **الخصال** ۲۲۲: حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطّار رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن يونس بن عبدالرحمان عن عمرو بن أبي المقدام عن أبي عبداللّه عن أبيه عليهما السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله (وذكر مثله).

۱۲۶۹ ۳۶۸۲۹ (۸) **بشارة المصطفى** ۲۴: أخبرنا الشيخ أبوالبقاء ابراهيم بن الحسين بن ابراهيم البصري قال حدّثنا أبو طالب محمّد بن الحسن بن عتبة قال حدّثنا أبو الحسن محمّد بن الحسين بن أحمد قال أخبرنا محمّد بن وهبان الدبيلي قال حدّثنا علي بن أحمد بن كثير العسكري قال حدّثني أحمد بن المفضّل أبو سلمة الاصفهاني قال أخبرني راشد بن علي بن وائل القرشي قال حدّثني عبداللّه بن حفص المدني قال أخبرني محمّد بن اسحاق عن **سعيد** بن زيد بن ارطاة قال لقيت كميل بن زياد وسألته عن فضل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فقال ألا أخبرك بوصيّة أوصاني بها يوماً هي خير لك من الدنيا بما فيها فقلت بلى (إلى أن قال عليه السلام) يا كميل أحمد اللّه تعالى والمؤمنون[1] على ذلك وعلى كلّ نعمة يا كميل قل عند كلّ شدّة لا حول ولا قوّة الاّ باللّه العليّ العظيم تكفها وقل عند كلّ نعمة الحمد للّه تزد منها وإذا ابطأت الأرزاق عليك فاستغفر اللّه يوسّع عليك فيها **تحف العقول** ۱۷۴: في ضمن وصيّة عليّ عليه السلام لكميل بن زياد يا كميل قل عند كلّ شدّة وذكر مثله **مستدرك** ۳۱۳ ورواه في بعض نسخ نهج البلاغة عنه عليه السلام مثله.

۱۲۷۰ ۳۶۸۳۰ (۹) **الثواب** ۲۱۶: أبي رحمه الله عن سعد بن عبداللّه عن الفضل بن عامر عن موسى بن القاسم عن صفوان بن يحيى عن **الهيثم** بن واقد قال سمعت أباعبداللّه عليه السلام يقول ما أنعم اللّه على عبد بنعمة بالغة ما بلغت فحمد اللّه عليها الاّ كان حمده للّه أفضل من تلك النعمة وأعظم وأوزن.

۱. والمؤمنين ـ ك.

۱۲۶۸ (۷) ابوعلی مهلبی از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: چهار خصلت است که در هر کس باشد، او در نور اعظم خدا خواهد بود: کسی که مصونیّت کارش و محور اعمالش اعتقاد به این است که معبودی جز خدا نیست و محمّدﷺ پیامبر خداست، کسی که چون به او مصیبتی رسد بگوید: ما از خداییم و به او بازگردیم، کسی که چون خیر و نعمتی به او رسد سپاس‌گزاری کند و بگوید: «الحمدلله» و کسی که چون مرتکب خطا و گناهی شود بگوید: «أستغفر الله وأتوب الیه»[1]

شیخ صدوقؒ در کتاب خصال همین روایت را به سند دیگری از امام صادقؑ نقل کرده است.

۱۲۶۹ (۸) سعید بن زید بن ارطاة حکایت کرده که: کمیل بن زیاد را ملاقات کردم و در رابطه با فضایل امیرمؤمنان علیّ بن ابی طالبؑ از او پرسیدم.

پس گفت: آیا تو را خبردار کنم از سفارشی که روزی آن حضرت مرا به او توصیه فرمود؟ گفتم: آری. [تا اینکه حضرت فرمود:] «ای کمیل! باید تو و همهٔ مؤمنین بر این نعمت [ولایت] و هر نعمت دیگری، خدا را حمد و سپاس گویند.

ای کمیل! در هنگام سختی بگو: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العَلیِّ العظیم» تا آن بلا و سختی از تو دفع شود و در هنگام بهره‌مندی از نعمت بگو: «الحمدلله» تا نعمت افزون شود و هر گاه رزق و روزی‌ات به تأخیر افتاد، استغفار کن و از خدا طلب آمرزش کن، رزق و روزی‌ات زیاد شود.»

همین روایت در کتاب تُحَفُ العُقُول در ضمن وصیّت علیؑ به کمیلؒ نقل شده است.

۱۲۷۰ (۹) هیثم بن واقد گوید: «از امام صادقؑ شنیدم که فرمود: خدا به بنده نعمتی نمی‌دهد هر چند که بزرگ و فراوان باشد و او سپاس‌گزاری کند از خدا و حمد او به جای آورد مگر اینکه حمد و سپاس او از خدا از خود آن نعمت، بهتر و بزرگتر و گرانبهاتر است.»

---

۱. از خدا می‌خواهم که مرا ببخشد و از معصیت او به طاعت او باز گردم.

۱۲۷۱ ۳۶۸۳۱ (۱۰) **مستدرك** ۳۱۵/۵: القطب **الراوندي في** لبّ اللّباب عن رسول اللّهﷺ قال ما أنعم اللّه على عبد نعمة وأن عظمت فقال الحمد للّه الّاكان قوله الحمد للّه أوزن منها عند اللّه.

۱۲۷۲ ۳۶۸۳۲ (۱۱) وقال تعالى لموسىﷺ أعطيتك ما لا قدر له عندي وأرسلت ما له عندي قدرا!

قال يا ربّ وكيف ذاك؟

قال أعطيتك الدنيا وهي لاتزن عندي جناح بعوضة وأرسلت اليّ الحمد وهو يعدل عندي بالجنّة.

۱۲۷۳ ۳۶۸۳۳ (۱۲) **وفيه** ۳۱۴: عن النّبيّﷺ ـ قال لوان اللّه أعطى الدّنيا باسرها لعبد من عبيده فيقول العبد الحمد للّه لكان الّذي أتى به أفضل مما أعطى.

۱۲۷۴ ۳۶۸۳۴ (۱۳) **مشكاة الأنوار** ۲۷: من كتاب المحاسن عن سنان بن طريف (الظريف ـك) قال قلت لأبي عبداللّهﷺ خشيت أن أكون مستدرجاً.

قال ولِمَ؟

قلت لأنّي دعوت اللّه أن يرزقني داراً فرزقني ودعوت اللّه أن يرزقني ألف درهم فرزقني ألفاً ودعوته أن يرزقني خادماً فرزقني خادماً فأيّ شيء تقول قال أقول الحمد للّه قال فما أعطيت أفضل ممّا أعطيت.

۱۲۷۵ ۳۶۸۳۵ (۱۴) **وفيه** ۳۱: من كتاب المحاسن عن الرضاﷺ قال من حمد اللّه على النعمة فقد شكره وكان الحمد أفضل من تلك النعمة.

۱۲۷۶ ۳۶۸۳۶ (۱۵) **مستدرك** ۳۱۴/۵: القطب **الراوندي في** لبّ اللّباب عن النّبيّﷺ قال قول العبد الحمد للّه أرجح في ميزانه من سبع سماوات وسبع أرضين وإذا أكل أو شرب أو لبس ثوباً قال الحمد للّه فقال اللّه أنّه كان عبداً شكوراً وقال رجل الحمد للّه حمداً زاكياً طيّباً مباركاً فقال ايّكم صاحب هذه الكلمة فقد رايت بضعاً وثلثين ملكاً يبتدرونها أيُّهم يكتبها أوّلاً.

۱۲۷۱ (۱۰) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که فرمود: «چون خداوند به بنده نعمتی دهد اگر چه بس بزرگ باشد و او به خاطر آن نعمت، حمد و سپاس خدا به جای آورد و بگوید «الحمدلله» این گفتهٔ او یعنی الحمدلله در نزد خدا سنگین‌تر است [از آن نعمت].»

۱۲۷۲ (۱۱) و خداوند متعال به حضرت موسی‌علیه‌السلام فرمود: «من به تو چیزی داده‌ام که پیش من ارزشی ندارد و تو چیزی برای من فرستادی که پیش من ارزش دارد!

موسی‌علیه‌السلام گفت: [بیان فرما که] چگونه چنین شده است؟ خدا فرمود: من به تو دنیا داده‌ام و دنیا پیش من به اندازهٔ بال پشه‌ای قدر و قیمت ندارد و تو برای من حمد و سپاس فرستاده‌ای و آن پیش من برابر با بهشت است.»

۱۲۷۳ (۱۲) از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «اگر خدا همهٔ دنیا را به بنده‌ای از بندگانش دهد و آن بنده بگوید: «الحمدلله» البتّه آنچه که این بنده آن را انجام داده برتری دارد بر آنچه که به او داده شده است.»

۱۲۷۴ (۱۳) سنان بن طریف گوید: «به امام صادق‌علیه‌السلام عرض کردم: می‌ترسم مُستدرَج [کسی که گناه می‌کند ولی خدا او را عقوبت نمی‌کند بلکه به او پیاپی نعمت می‌دهد تا اینکه یک‌باره او را اخذ کند و جانش را بگیرد.] شده باشم!

حضرت فرمود: چرا؟ گفتم: چون من دعا کردم و از خدا خانه‌ای خواستم و خدا به من داد و از خدا هزار درهم پول خواستم و خدا به من هزار درهم داد و از خدا خادمی خواستم پس خدا آن را هم به من داد.

حضرت فرمود: [پس از اینکه خدا دعایت را به اجابت می‌رساند] چه می‌گفتی؟

گفت: می‌گفتم: «الحمد لله».

پس حضرت صادق‌علیه‌السلام فرمود: پس آنچه که تو داده‌ای بهتر است از آنچه که به تو داده شده است.»

۱۲۷۵ (۱۴) در کتاب محاسن از امام رضاعلیه‌السلام روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که خدا را بر نعمتش حمد و سپاس گوید پس البتّه که شکر او را به جای آورده باشد و حمد و سپاس، از خود آن نعمت برتر است.»

۱۲۷۶ (۱۵) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «کلمهٔ «الحمد لله» که بنده می‌گوید در ترازوی عملش از هفت آسمان و هفت زمین سنگین‌تر است و هر گاه که می‌خورد یا می‌نوشد یا لباسی می‌پوشد بگوید: «الحمدلله» پس خداوند گوید که به راستی او بندهٔ بسیار سپاسگزار است و مردی گفت: سپاس خدای را، سپاسی پاک، خوشبو، پاینده.

پس حضرت فرمود: کدام یک از شما این کلمه را گفت، چون من سیصد و اندی فرشته دیدم که بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند که هر یک می‌خواست اوّل او آن کلمه را بنویسد.»

۱۲۷۷ ۲۶۸۳۷ (۱۶) **أمالي ابن الشيخ** ۱۹: حدّثنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمّد بن الحسن الطوسي رحمه الله عن شيخه رحمه الله قال حدّثني محمّد بن محمّد بن النعمان قال حدّثنا أبوبكر محمّد بن عمر الجعابي قال حدّثني محمّد بن علي بن ابراهيم قال حدّثنا محمّد بن أبي العنبر قال حدّثنا علي بن الحسين بن واقد عن أبيه عن أبي عمرو بن العلاء عن عبداللّه بن بريدة عن بشير بن كعب عن شدّاد بن أوس قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لا اله الّا اللّه نصف الميزان والحمد للّه يملأه **أمالي المفيد** ۲۴۶: حدّثنا الشيخ الجليل المفيد أبو عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان أيّد اللّه تمكينه قال أخبرني أبوبكر محمّد بن عمر الجعابي القاضي (مثله سنداً ومتناً).

۱۲۷۸ ۲۶۸۳۸ (۱۷) **تفسير العيّاشي** ۶۷/۱: عن **سماعة** بن مهران عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قلت له للشّكر حدّاً إذا فعله الرجل كان شاكراً قال نعم قلت ما هو قال الحمد للّه على كلّ نعمة انعمها عليّ وإن كان لكم فيما أنعم عليه حقّ اداه.

قال ومنه قول اللّه الحمد للّه الذي سخّر لنا هذا حتّى عدّ آيات.

۱۲۷۹ ۲۶۸۳۹ (۱۸) **المكارم** ۳۰۸: عن **أبي عبداللّه** عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قال الحمد للّه بمحامده كلّها ما علمنا منها وما لم نعلم على كلّ حال حمداً يوازي نعمه ويكافئي مزيده عليّ وعلى جميع خلقه قال اللّه تبارك وتعالى بالغ عبدي في رضاى وأنا مبلّغ عبدي رضاه من الجنّة.

۱۲۸۰ ۲۶۸۴۰ (۱۹) **مشكاة الأنوار** ۳۱: عن **عليّ** عليه السلام قال بعث رسول اللّه صلى الله عليه وآله سريّة فقال اللّهمّ انّ لك عليّ إن رددتهم سالمين غانمين أن أشكرك حقّ الشكر قال فما لبثوا أن جاؤا كذلك فقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله الحمد للّه على سابغ نعم اللّه.

۱۲۸۱ ۲۶۸۴۱ (۲۰) **المكارم** ۳۰۷: نفرت بغلة لأبي جعفر عليه السلام فيما بين مكّة والمدينة فقال لئن ردّها اللّه عليّ لاشكرنّه حقّ شكره فلمّا أخذها قال الحمدللّه ربّ العالمين ثلاث مرّات ثمّ قال ثلاث مرّات شكراً للّه.

۱۲۷۷ (۱۶) شدّاد بن اوس از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «لا اله الّا الله» نصف ترازوی عمل را می‌گیرد و «الحمدلله» آن را پُر می‌کند.»

این حدیث شریف را شیخ مفید در کتاب امالی نیز ذکر کرده است.

۱۲۷۸ (۱۷) سماعة بن مهران از امام صادقؑ روایت کرده که: «به حضرت عرض کردم: آیا شکر و سپاس حدّ و اندازه‌ای دارد که اگر انسان آن را انجام داد، شاکر محسوب شود؟

حضرت فرمود: آری. گفتم: آن اندازه کدام است؟

حضرت فرمود: این است که بگوید: سپاس خدا را به تعداد هر نعمتی که به من ارزانی داشته است و اگر شما هم در نعمت‌هایی که به او داده شده، حقّی دارید آن را نیز با گفتن این کلمه ادا کرده باشد.

حضرت فرمود: و از همین نوع شکر است، فرمودهٔ خداوند که فرمود: «الحَمْدُ لِلّهِ الّذی سَخَّرَ لَنا هٰذا»[1] و حضرت چند آیهٔ دیگری را نیز برشمرد که به همین نحو حمد و سپاس الهی در آن، بیان شده بود.»

۱۲۷۹ (۱۸) در کتاب مکارم الاخلاق از امام صادقؑ روایتی نقل شده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که بگوید: سپاس خدا را در هر حال به همهٔ انواع و اقسام حمد و سپاس چه آن‌ها که می‌دانیم و چه آن حمد و سپاس‌هایی که نمی‌دانیم، سپاسی که با نعمت‌هایش برابر باشد و از عهدهٔ سپاس نعمت‌های روز افزونش بر من و دیگران برآید.

خداوند تبارک و تعالی گوید: بندهٔ من در تحصیل خشنودی من مبالغه کرد و من هم او را به آنچه مایهٔ خشنودی اوست یعنی بهشت خواهم رساند.»

۱۲۸۰ (۱۹) در کتاب مشکاة الانوار از علیؑ روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ گروهی را به جنگ می‌فرستاد پس دعا کرد و گفت: خدایا! این حق برای تو بر گردن من باشد که اگر اینان را سالم و با غنائم جنگی برگردانی، آن سان که شایستهٔ تو است، تو را سپاس گزاری کنم.

حضرت علیؑ فرمود: طولی نکشید که همهٔ آن‌ها همین جور [سالم و غانم] برگشتند.

پس رسول خداﷺ فرمود: سپاس خداوند را بر نعمت‌های کامل خدا.»

۱۲۸۱ (۲۰) در کتاب مکارم الاخلاق حکایت شده که: «در میان مکّه و مدینه استری از امام باقرؑ فرار کرده گم شد. حضرت فرمود: اگر خدا آن را به من بازگرداند، او را آن سان که شایسته است، شکر گویم. پس چون او را یافت و گرفت، سه بار گفت: «الحمدُ لله ربّ العالمین» و سه بار گفت: «شکراً لله»

---

۱. البتّه در قرآن کریم سوره زخرف ۱۳/۴۳ آیه به این صورت است «سُبْحانَ الّذی سَخَّرَ لَنا هٰذا» یعنی: پاک است خدایی که این مرکب را در اختیار ما قرار داد و ممکن است آنچه در روایت آمده، قرائت دیگری باشد.(مترجم).

۱۲۸۲ ۳٦۸٤۲ (۲۱) **الخصال** ۲۱: حدّثني أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن يعقوب بن يزيد عن محمّد بن أبي عمير عن الحسن (الحسين ـ خ) بن عطيّة عن **عمر** بن يزيد عن أبي عبداللّه ﷺ قال سمعته يقول شكر كلّ نعمه وأن عظمت أن تحمد اللّه عزّ وجلّ.

۱۲۸۳ ۳٦۸٤۳ (۲۲) **رجال الكشي ۵۷۵**: حكى **بعض الثّقات** بنيسابور أنّه خرج لإسحاق بن اسماعيل من أبي محمّد ﷺ توقيع يا اسحاق بن اسماعيل سترنا اللّه وايّاك وتولّاك في جميع أمورك بصنعه.

قد فهمت كتابك يرحمك اللّه ونحن بحمد اللّه ونعمته أهل بيت نرقّ على موالينا ونسرّ بتتابع احسان اللّه إليهم وفضله لديهم ونعتدّ بكلّ نعمة ينعمها [1] اللّه عزّ وجلّ عليهم فأتمّ اللّه عليكم بالحقّ ومن كان مثلك ممّن قد ﷺ ونصره نصرك [2] ونزع عن الباطل ولم يعم [3] في طغيانه نعمه فانّ تمام النعمة دخولك الجنّة وليس من نعمه [4] وان جلّ أمرها وعظم خطرها إلّا والحمد للّه تقدّست أسماؤه عليها مؤدّى [5] شكرها وأنا أقول الحمدللّه مثل ما حمد اللّه به حامد إلى أبد الأبد بما منّ به عليك من نعمة [6] ونجّاك من الهلكة الخبر.

۱۲۸٤ ۲٦۸٤٤ (۲۳) **المشكاة** ۳۱: عن أبي عبداللّه ﷺ قال الشكر للنّعم اجتناب المحارم وتمام الشّكر قول العبد الحمدللّه ربّ العالمين.

۱۲۸۵ ۲٦۸٤۵ (۲٤) **مستدرك ۳۱۵/۵**: الشيخ أبوالفتوح في تفسيره عن رسول اللّه ﷺ انّه إذا رأى من أصحابه المبتلىٰ قال الحمد للّه الّذي عافاني ممّا ابتلاه وفضّلني علىٰ كثير ممّن خلق تفضيلاً وقال من قال هذه الكلمات في تلك الحال فقد أدّىٰ شكر العافية.

۱۲۸٦ ۲٦۸٤٦ (۲۵) **المشكاة** ۲۸: عن أبي عبداللّه ﷺ قال كان المسيح ﷺ يقول النّاس رجلان معافىٰ ومبتلىٰ فأحمدوا اللّه علىٰ العافية وارحموا أهل البلاء.

۱۲۸۷ ۳٦۸٤۷ (۲٦) **وفيه** عن النّبيّ ﷺ قال انّ المؤمن ليشبع من الطّعام والشراب فيحمد اللّه فيعطيه اللّه من الأجر ما يعطى الصائم انّ اللّه شاكر يحبّ أن يحمد.

---

۱. أنعمها اللّه ـ خ. ۲. وبصّره بصيرتك ـ خ. ۳. لم يقم.
٤. نعمته ـ خ. ۵. يؤدّى ـ خ. ٦. نعمته ـ خ.

۱۲۸۲ (۲۱) عمر بن یزید از حضرت صادقؑ روایت کرده که: «از آن حضرت شنیدم که فرمود: شکر هر نعمتی هر چند بزرگ باشد، این است که خدایﷻ را حمد کنی.»

۱۲۸۳ (۲۲) در رجال کشّی نقل شده که: «بعضی از افراد مورد وثوق و اعتماد در شهر نیشابور حکایت کرده که: از طرف امام حسن عسکریؑ توقیعی [= دست‌نوشته‌ای] برای اسحاق بن اسماعیل فرستاده شد که در آن دست نوشتهٔ شریف چنین آمده که: ای اسحاق بن اسماعیل! خدا ما و تو را با پوشش خود بپوشاند و با کارسازی‌اش تو را در همهٔ کارهایت سرپرستی نماید.

نامه‌ای که نوشته بودی خواندم و منظورت را فهمیدم خدا تو را رحمت کند و الحمدلله ما، خاندانی هستیم که نسبت به دوستان‌مان دلسوزیم و از احسان‌های پیاپی خدا به آن‌ها و تفضّلی که به آن‌ها دارد شادمان می‌شویم و به هر نعمتی که خدایﷻ به آن‌ها مرحمت کند، اهمیّت می‌دهیم. پس خداوند نعمتش را به حق بر تو کامل گرداند و همچنین بر همهٔ کسانی که چون تو مورد رحمت و یاری خدا قرار گرفته‌اند و از باطل دست کشیده‌اند و نعمت‌ها موجب کوردلی و سرکشی آن‌ها نشده است.

[بدان که] نعمت تامّ و کامل، ورود تو به بهشت است و نعمتی از نعمت‌های الهی نیست هر چند که نقش بزرگ و اهمیّت فراوانی داشته باشد مگر اینکه گفتن «الحمدلله» شکر آن را ادا کند و من می‌گویم: «الحمد لله» آن سان که هر سپاس گزاری او را سپاس گوید، سپاسی همیشگی و ابدی به خاطر این نعمتی که بر تو منّت نهاده و تو را از هلاکت رهانیده.»

۱۲۸۴ (۲۳) در کتاب مشکاة الانوار از حضرت صادقؑ روایتی نقل شده که فرمود: «شکر نعمت‌ها، دوری کردن از کارهای حرام است و شکر کامل این جمله است که بنده بگوید: «الحمدُ لله ربِّ العالَمین.»

۱۲۸۵ (۲۴) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از رسول خداﷺ حدیثی نقل کرده که: «آن حضرت هر گاه یکی از اصحاب خود را گرفتار بلا می‌دید می‌گفت: سپاس خدایی را که از آن بلایی که او را به آن مبتلا کرده عافیت بخشیده و مرا بر بسیاری از آفریده‌هایش برتری داده. و فرمود: هر کس این کلمات را در چنین حالی [که گرفتاری را می‌بیند] بگوید، شکر عافیت و تندرستی را به جای آورده است.»

۱۲۸۶ (۲۵) در کتاب مشکاة الانوار از امام صادقؑ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «حضرت مسیحؑ می‌گفت: مردم دو گروهند گروهی تندرست و خالی از گرفتاری و گروهی گرفتار. پس بر تندرستی و عافیت خدا را سپاس گویید و به مبتلایان و گرفتاران ترحّم نمایید.»

۱۲۸۷ (۲۶) و در همان کتاب از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که حضرت فرمود: «مؤمن از آب و غذا سیر می‌شود وانگهی خدا را حمد و سپاس می‌گوید، پس خداوند به او پاداش روزه‌دار می‌دهد آری خدا خود سپاسگزار است دوست دارد که مورد حمد و سپاس‌گزاری واقع شود.»

۱۲۸۸ ۳۶۸۴۸ (۲۷) **أمالي ابن الشيخ** ۱۷۳: قال أخبرنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمّد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبوجعفر محمّد بن الحسن رحمه الله قال أخبرنا محمّد بن محمّد قال أخبرنا القاضي أبوبكر محمّد بن عمر الجعابي قال حدّثنا أبوالعبّاس أحمد بن محمّد بن سعيد قال حدّثنا أحمد بن عبدالحميد قال حدّثنا محمّد بن عمرو بن عتبة قال حدّثنا الحسن بن المبارك قال حدّثنا العبّاس بن عامر عن مالك الأحمسي عن سعد بن طريف (ظريف ـ خ) عن **الأصبغ** بن نباتة قال كنت أركع عند باب أمير المؤمنين عليه السلام وأنا ادعو اللّه إذ خرج أمير المؤمنين عليه السلام وقال يا أصبغ فقلت لبّيك قال أيّ شيء كنت تصنع قلت ركعت وأنا أدعو.

قال أفلا أعلمّك دعاء سمعته من رسول اللّه صلى الله عليه وآله قلت بلى قال قل ـ الحمد للّه علىٰ ما كان والحمد للّه علىٰ كلّ حال ثمّ ضرب بيده اليمنى على منكبي الأيسر وقال يا أصبغ لأن ثبتت قدمك وتمّت ولايتك وأنبسطت يدك اللّه أرحم بك من نفسك.

۱۲۸۹ ۳۶۸۴۹ (۲۸) **المشكاة** ۳۱: عن **أبي عبداللّه** عليه السلام قال كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا أتاه ما يحبّ قال الحمد للّه المحسن المجمل وإذا أتاه ما يكرهه قال الحمدللّه علىٰ كلّ حال والحمد للّه علىٰ هذه الحال.

۱۲۹۰ ۳۶۸۵۰ (۲۹) **وفيها** وعنه عليه السلام قال كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا ورد عليه أمر يسرّه قال الحمد للّه علىٰ هذه النعمة وإذا ورد أمر يغتمّ به قال الحمد للّه علىٰ كلّ حال.

۱۲۹۱ ۳۶۸۵۱ (۳۰) **المكارم** ۳۰۷: قال النّبيّ صلى الله عليه وآله أوّل من يدعىٰ إلى الجنّة الحمّادون الذين يحمدون اللّه في السرّاء والضرّاء **مستدرك** ۳۱۶: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله (وذكر نحوه) وأسقط قوله الحمّادون.

۱۲۹۲ ۳۶۸۵۲ (۳۱) **أمالي ابن الشيخ** ۴۹: حدّثنا الشيخ السعيد أبو علي الحسن بن محمّد بن الحسن الطوسي رحمه الله قال حدّثني شيخي رحمه الله قال أخبرني محمّد بن محمّد قال حدّثني أبو حفص عمر بن محمّد بن عليّ الصّيرفي قال حدّثنا أبوالحسن بن مهرويه القزويني قال حدّثني **داود** بن سليمان الغازي قال حدّثنا الرضا علي بن موسى عليه السلام قال حدّثني أبي موسى بن جعفر العبد الصالح قال حدّثني أبي جعفر بن محمّد الصّادق قال حدّثني أبي محمّد بن عليّ الباقر قال حدّثني أبي علي بن الحسين زين العابدين قال حدّثني أبي الحسين بن علي الشّهيد قال حدّثني أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام قال كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا أتاه أمر يسرّه قال الحمد للّه الذي بنعمته تتمّ الصّالحات وإذا أتاه أمر يكرهه قال الحمد للّه علىٰ كلّ حال.

۱۲۸۸ (۲۷) اصبغ بن نباته حکایت کرد که: «من در خانهٔ امیرمؤمنان علی‌ﷺ نماز می‌خواندم و دعا می‌کردم که ناگهان امیرالمؤمنین‌ﷺ از خانه درآمد و فرمود: ای اصبغ! گفتم: بله، بله.

فرمود: چه می‌کنی؟

گفتم: نماز می‌خوانم و دعا می‌کنم.

فرمود: آیا بیاموزم به تو دعایی را که از پیامبر خداﷺ شنیدم؟ گفتم: آری.

فرمود: بگو: سپاس خدا را بر آنچه که گذشته است و سپاس خدا را بر هر حال.» سپس حضرت دست راستش را بر روی شانهٔ چپم گذاشت و فرمود: ای اصبغ! اگر ثابت قدم بمانی و ولایتت کامل شود و گشاده دست باشی [بدان که] خدا از تو به خودت مهربان‌تر است.»

۱۲۸۹ (۲۸) در کتاب مشکاة الانوار روایتی از حضرت صادق‌ﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ این چنین بود که هر گاه امر پسندیده و دوست داشتنی به او می‌رسید می‌فرمود: سپاس خدای نیکوکار زیباساز را.

و هر گاه امر ناپسندی به حضرتش می‌رسید می‌فرمود: در هر حالی خدا را سپاس و بر این حال هم خدا را سپاس گوییم.»

۱۲۹۰ (۲۹) و در همان کتاب است که: «امام صادق‌ﷺ فرمود: پیامبر خداﷺ چنین بود که هر گاه چیزی پیش می‌آمد که او را خوشحال می‌کرد بر این نعمت خدای را سپاس و هر گاه پیشامدی اتفاق می‌افتاد که حضرتش را اندوهناک می‌کرد می‌فرمود: سپاس خدای را در هر حالی.»

۱۲۹۱ (۳۰) در کتاب مکارم الاخلاق حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «نخستین کسانی که برای ورود به بهشت فراخوانده شوند کثیر الحمدها هستند آنان که خدا را در خوشی و ناخوشی حمد و سپاسگزاری می‌کردند.»

همین حدیث شریف را ابن ابی جمهور در کتاب دُرر اللئالی ذکر کرده است.

۱۲۹۲ (۳۱) داود بن سلیمان غازی از امام هشتم علیّ بن موسی الرضاﷺ و او از عبد صالح موسی بن جعفرﷺ و او از امام صادق‌ﷺ و او از امام باقرﷺ و او از امام سجّادﷺ و او از پدرش امام حسین‌ﷺ و او از پدر بزرگوارش امیرمؤمنان علی بن ابی طالب‌ﷺ روایت کرده که آن امام همام فرمودند: «هر گاه به پیامبر چیزی می‌رسید که او را خوشحال می‌کرد می‌فرمود: سپاس خدایی را که با نعمت او خوبی‌ها سامان بیابد و هر گاه امر ناگواری به حضرت می‌رسید که خوشایند حضرت نبود، می‌فرمود: سپاس خدا را در هر حالی».

١٢٩٣ (٣٢) **مستدرك ٣١٥/٥**: الشيخ **أبوالفتوح في** تفسيره عن رسول اللّهﷺ أنه كان إذا أتاه ما
٢٦٨٥٣ يحبّ قال الحمد للّه الّذي بنعمته تتمّ الصّالحات وإذا أتاه ما يكره قال الحمد للّه علىٰ كلّ حال.

١٢٩٤ (٣٣) **مستدرك ٣١٤/٥**: القطب **الراوندي في** لبّ اللّباب عن النّبيّﷺ قال عجباً لأمر
٢٦٨٥٤ المؤمن انّ أمره كلّه خير أن أصابه ما يحبّ حمد اللّه عليه فكان له خيراً وأن أصابه ما يكره صبر عليه فكان خيراً له.

١٢٩٥ (٣٤) **مستدرك ٤٠٣/٥**: كتاب العلاء بن رزين عن **محمّد** بن مسلم انّ أوجز التحميد أن
٢٦٨٥٥ يقول الرّجل اللّهمّ لك الحمد بمحامدك كلّها علىٰ حتّىٰ ينتهى الحمد إلىٰ ما يحبّ ربّي ويرضى اللّهمّ أنّي اسئلك خير ما أرجو وخير مالا أرجو وأعوذ بك من شرّ ما أحذر ومن شرّ ما لا أحذر.

وتقدّم في غير واحد من أحاديث باب (١٤) ما يستحبّ أن يقال عند المصيبة من أبواب التّعزية والتّسلية ج ٣ ما يدلّ علىٰ ذلك.

وفي أحاديث باب (٣٥) وجوب شكر نعم اللّه من أبواب جهاد النفس ج ١٧ ما يناسب الباب فراجع.

وفي رواية ابن الوليد (٣٥) من باب (٣) انّ الدعاء سلاح المؤمن قولهﷺ ثلث لايضرّ معهنّ شيء الشّكر عند النّعمة.

ويأتي في رواية سفيان (٦) من باب (٢٣) ثواب قول لاحول ولا قوّة الّا باللّه قولهﷺ إذا أنعم اللّه علىٰ أحد منكم بنعمة فليحمد اللّه عزّ وجلّ.

وفي رواية داود (١٢) قولهﷺ من أنعم اللّه تعالى عليه نعمة فليحمد اللّه تعالى.

وفي رواية السكوني (١٣) قولهﷺ من ظهرت عليه النعمة فليكثر ذكر الحمد للّه.

وفي رواية الجعفريات (١٥) قولهﷺ من تظاهرت عليه النعم فليكثر من الحمد.

وفي رواية أبي كهمس (٩) من باب (٣٩) الأكثار من الاستغفار قولهﷺ ومن أعطى الشكر لم يحرم الزيادة.

۱۲۹۳ (۳۲) ابو الفتوح رازی.

۱۲۹۴ (۳۳) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «حال مؤمن شگفت‌آور است زیرا تمام امور مربوط به او خیر و خوبی است، اگر نعمتی مورد علاقه‌اش به او برسد خدا را بر آن سپاس گوید در نتیجه برایش خیر است و اگر چیزی که ناخوشایند اوست به او رسد، شکیبایی کند در نتیجه برایش خیر خواهد بود.»

۱۲۹۵ (۳۴) محمّد بن مسلم روایت کرده است که: «کوتاه‌ترین و در عین حال پر معنی‌ترین حمد و سپاس این است که انسان بگوید: خدایا! سپاس گویم تو را با همهٔ انواع و اقسام حمد و سپاست بر همهٔ نعمت‌هایت تا این حمد و سپاسگزاری به جایی منتهی شود که پروردگار دوست دارد و خشنود شود. خدایا! از تو می‌خواهم خیری را که امید به آن بسته‌ام و در انتظار آن نشسته‌ام و خیری که انتظار آن را نمی‌کشم و پناه می‌برم به تو از شرّ آنچه که از آن می‌ترسم و از شرّ آنچه که از آن نمی‌ترسم.»

ارجاعات

گذشت:

در بسیاری از روایات باب چهاردهم از باب‌های تعریف و تسلیم آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایات باب سی و پنجم از باب‌های جهاد با نفس آنچه مناسب باب است پس مراجعه کنید.

و در روایت سی و پنجم از باب سوم فرموده امامؑ که: «سه چیز است که با وجود آن‌ها چیزی نتواند زیان رساند: یکی سپاسگزاری و شکر در وقت نعمت.»

می‌آید:

در روایت ششم از باب بیست و سوم فرموده امامؑ که: «هر گاه خداوند نعمتی به یکی از شما داد پس باید که خدایﷻ را حمد و سپاس گوید.» و در روایت دوازدهم فرموده امامؑ که: «کسی که خدای متعال به او نعمتی ارزانی داشت باید که خدای متعال را سپاس گوید.»

و در روایت سیزدهم فرموده امامؑ که: «کسی که نعمت برایش آشکار شد و نعمت به دستش آمد پس باید که زیاد «الحمدلله» بگوید.» و در روایت پانزدهم فرموده پیامبرﷺ که: «کسی که نعمت‌ها پیاپی به او می‌رسد پس باید بسیار حمد و سپاس به جای آورد.»

و در روایت نهم از باب سی و نهم فرموده امامؑ که: «به هر کس شکر داده شود از افزایش نعمت محروم نگردد.»

(۱۶)

باب ماورد في فضل التّسبيح وإكثاره وكيفيّته

قال اللّه تعالى في سورة القلم (۶۸): ۲۸ و ۲۹: ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ۞ قَالُوا۟ سُبْحَـٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَـٰلِمِينَ﴾.

الاعلى (۸۷): ۱: ﴿سَبِّحِ ٱسْمَ رَبِّكَ ٱلْأَعْلَى﴾.

الأعراف (۷): ۲۰۶: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسْجُدُونَ﴾.

الفرقان (۲۵): ۵۸: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَىِّ ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا﴾.

الواقعة (۵۶): ۷۴، ۹۵ و۹۶: ﴿فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ﴾.

﴿إِنَّ هَـٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلْيَقِينِ ۞ فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ﴾.

الحجر (۱۵): ۹۸: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّـٰجِدِينَ﴾.

الغافر (۴۰): ۵۵: ﴿فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِبْكَـٰرِ﴾.

فصّلت (۴۱): ۳۸: ﴿فَإِنِ ٱسْتَكْبَرُوا۟ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ﴾.

الحاقّة (۶۹): ۵۲: ﴿فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ﴾.

البقرة (۲): ۳۰: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَـٰٓئِكَةِ إِنِّى جَاعِلٌ فِى ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوٓا۟ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّىٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.

باب ۱۶

فضیلت تسبیح خدا گفتن

خداوند متعال فرموده است:

خردمندترین‌شان گفت: آیا به شما نگفتم چرا خدا را به پاکی نمی‌ستایید و او را تسبیح نمی‌گویید؟ گفتند: پروردگار ما پاک و منزّه است، ما خود ستمگر بودیم.[۱]

نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای.[۲]

به راستی کسانی که نزد پروردگار تو هستند از پرستش او تکبّر نمی‌ورزند و تسبیح او می‌گویند [= او را به پاکی می‌ستایند] و برای او سجده می‌کنند.[۳]

و بر آن زنده که نمی‌میرد توکّل کن و به تسبیح و حمد و ستایش او بپرداز و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است.[۴]

[موسی گفت:] و او [= هارون] را در این مأموریّت شریک من گردان تا ما [= من و برادرم هارون] تو را بسیار تسبیح گوییم.[۵]

پس به نام پروردگار بزرگت، تسبیح گوی.[۶]

بی‌گمان این است همان حقیقت یقین، پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی.[۷]

پس به تسبیح و حمد پروردگارت بپرداز تا سجده کنندگان باشد.[۸]

پس شکیبایی کن که وعدهٔ خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و شامگاه و بامداد به تسبیح و حمد پروردگارت بپرداز.[۹]

پس اگر آن‌ها تکبّر ورزیدند پس کسانی که در پیشگاه پروردگار توانند شبانه روز، تسبیح او گویند و خسته نمی‌شوند.[۱۰]

و این [قرآن] بی‌شبهه، حقیقت یقینی است، پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.[۱۱]

[فرشتگان] گفتند: آیا در آن [زمین] کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم و تسبیح می‌گوییم و به تقدیست می‌پردازیم.[۱۲]

---

۱. قلم ۶۸/۲۹ ـ ۲۸.
۲. اعلی ۸۷/۱.
۳. اعراف ۷/۲۰۶.
۴. فرقان ۲۵/۵۸.
۵. طٰهٰ ۲۰/۳۳ ـ ۳۲.
۶. واقعه ۵۶/۷۴.
۷. واقعه ۵۶/۹۶ ـ ۹۵.
۸. حجر ۱۵/۹۸.
۹. غافر ۴۰/۵۵.
۱۰. فصّلت ۴۱/۳۸.
۱۱. حاقه ۶۹/۵۲.
۱۲. بقره ۲/۳۰.

آل عمران (۳): ۴۱: ﴿قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِبْكَٰرِ﴾.

النصر (۱۱۰): ۳: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَٱسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا﴾.

وما تدلّ علىٰ ذلك من الآيات أكثر من هذه ويأتي بعضها في باب أكثار التسبيحات الأربعة.

۱۲۹۶ ۲۶۸۵۶ (۱) **المعاني** ۱۸۳ العلل ۵۸۰: أبي‌ ﷺ قال حدّثنا محمّد بن يحيى (العطّار ـ **علل**) عن[۱] محمّد بن أحمد (بن يحيى الأشعريّ ـ معانى) عن علي بن ابراهيم المنقري ـ أو غيره ـ رفعه قال قيل للصادق ﷺ[۲] انّ من سعادة المرء خفّة عارضيه فقال: وما في هذا من السعادة انّما السعادة خفّة ماضغيه[۳] بالتسبيح.

۱۲۹۷ ۲۶۸۵۷ (۲) **عدّة الداعي** ۲۴۶: روى **يونس** بن يعقوب قال قلت لأبي عبداللّه ﷺ من قال: «سبحان اللّه» مأة مرّة كان ممّن ذكر اللّه كثيراً قال نعم.

۱۲۹۸ ۲۶۸۵۸ (۳) **عدّة الداعي** ۲۴۶: روى أنّ سليمان بن داود ﷺ كان معسكره مأة فرسخ في مأة فرسخ خمس وعشرون للجنّ وخمس وعشرون للإنس وخمس وعشرون للطير وخمس وعشرون للوحش وكان له ألف بيت من قوارير على الخشب فيها ثلاث مأة منكوحة وسبع مأة سريّة وقد نسجت الجنّ له بساطاً من ذهب وابريسم فرسخان في فرسخ وكان يوضع منبره في وسطه وهو من ذهب فيقعد عليه وحوله ستّمأة ألف كرسي من ذهب وفضّة فيقعد الأنبياء علىٰ كراسي الذهب والعلماء على كراسي الفضّة وحوله الناس وحول النّاس الجنّ والشياطين وتظلّه الطير بأجنحتها حتّىٰ لا تقع عليه الشمس وترفع ريح الصبا البساط فتسير به مسيرة شهر في يوم.

---

۱. في جميع الموارد في المعاني حدّثنا بدل (عن).
۲. قال الصادق ـ معاني والظاهر أنّه سهو.
۳. ماضغيه: أي حنكيه والمراد منها أنّ من سعادة المرء أن يسهل عليه تحريك حنكيه بالتسبيح.

[خدا] فرمود: [ای زکریّا] نشانه‌ات این است که سه روز با مردم جز به اشاره سخن نگویی و پروردگارت را بسیار یاد کن و ذکر او گوی و شبانگاه و بامدادان او را تسبیح گوی.[۱]
پس به تسبیح و حمد پروردگارت بپرداز و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه‌پذیر است.[۲]

آیاتی که بر تسبیح و امر به آن دلالت دارد بیشتر از آنچه است که ذکر شد و بعضی از آن‌ها در باب «بسیار گفتن تسبیحات اربعه» خواهد آمد.

۱۲۹۶ (۱) علی بن ابراهیم منقری با واسطه حکایت کرده که: «به امام صادق عرض شد: سبک بودن دو گونهٔ انسان از سعادت اوست؟ حضرت فرمود: در این، سعادتی نیست، سعادت در سبک بودن دو فکّ او به تسبیح است.»

۱۲۹۷ (۲) یونس بن یعقوب حکایت کرده که: «به حضرت صادق عرض کردم: آیا کسی که صدبار بگوید: «سبحانَ‌الله» جزو کسانی است که خدا را بسیار یاد کرده و بسیار ذکر او گفته است؟ حضرت فرمود: آری.»

۱۲۹۸ (۳) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی روایتی نقل کرده که: «حضرت سلیمان بن داود لشگرگاهش صد فرسخ در صد فرسخ بود. بیست و پنج فرسخ جای أجِنّه بود و بیست و پنج فرسخ به انسان‌ها اختصاص داشت و بیست و پنج فرسخ به پرندگان متعلّق بود و بیست و پنج فرسخ دیگر جایگاه وحوش بود.

دارای هزار کاخ بود که از آبگینه[۳] و چوب ساخته شده بود. در این کاخ‌ها سیصد زن بود که همسر او بودند و هفتصد کنیز برای تمتّع.

و اجنّه برایش فرشی از طلا و ابریشم بافته بودند که دو فرسخ در یک فرسخ طول و عرضش بود و منبری که از طلا بود در وسط این فرش می‌گذاشتند و او بر آن منبر می‌نشست و پیرامون او ششصد هزار صندلی از طلا و نقره بود که پیامبران بر صندلی‌های طلا و علما بر صندلی‌های نقره می‌نشستند و دور تا دور آن‌ها مردم بودند و دور تا دور مردم اجنّه و شیاطین بودند و پرندگان با بال‌های خود بر سرش سایه می‌افکندند تا گرمای خورشید بر او نیفتد و باد صَبا این فرش را بلند می‌کرد و به اندازهٔ یک ماه راه را در یک روز می‌پیمود.»

---

۱. آل عمران ۴۱/۳. ۲. نصر ۳/۱۱۰.
۳. قرآن کریم نیز در داستان سلیمان و بلقیس به آن اشاره فرموده که: «اِنّه صَرْحٌ ممرّد من قواریر» سوره نمل، آیهٔ ۴۴.

وروي انّه كان يأمر الرّيح العاصف يسيره والرخاء يحمله فأوحى اللّه إليه وهو يسير بين السماء والأرض انّي قد زدت في ملكك ان لا يتكلّم أحد بشيء الاّ ألقته الريح في سمعك فيحكى انّه مرّ بحراث فقال: لقد اوتى ابن داود ملكاً عظيماً فألقاه الريح في اذنه فنزل ومشي إلى الحراث وقال: انّما مشيت إليك لئلاّ تتمنّي ما لا تقدر عليه ثمّ قال لتسبيحة واحدة يقبلها اللّه تعالى خير ممّا أوتي آل داود.

وفي حديث آخر لأنّ ثواب التسبيحة يبقى وملك سليمان يفني.

۱۲۹۹ ۳۶۸۵۹ (۴) **مستدرك ۳۲۴/۵**: ابن أبي جمهور فی دررالئالي عن **جابر** بن عبداللّه الأنصاري قال قال رسول اللّه ﷺ الاّ أخبركم بشيء أمر به نوح ﷺ ابنه انّ نوحاً قال لابنه يابنيّ آمرك بأمرين وانهاك عن أمرين آمرك ان تقول لا إله إلاّ اللّه وحده لا شريك له فانّ السّماء والأرض لو جعلتا في كفّة وَزَنَتْهُما ولو جعلتا في حلقة قصمتها وآمرك أن تقول سبحان اللّه وبحمده فانّه صلوة الخلق وتسبيح الخلق وبها يرزق الخلق الخبر.

۱۳۰۰ ۳۶۸۶۰ (۵) **المعاني ۴۱۱**: حدّثنا أبوالحسن قال حدّثنا علي بن أحمد الطبريّ قال حدّثنا أبو سعيد قال حدّثنا خراش قال حدّثنا مولاى **أنس** قال قال رسول اللّه ﷺ من قال: سبحان اللّه وبحمده كتب اللّه له ألف ألف حسنة ومحاعنه ألف ألف سيّئة ورفع له ألف ألف درجة ومن زاد زاده اللّه ومن استغفر غفر اللّه له.

۱۳۰۱ ۳۶۸۶۱ (۶) **المحاسن ۳۷**: وفي رواية **محمّد** بن مروان عن أبي جعفر ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ إذا قال العبد سبحان اللّه فقد أنف للّه وحقّ علىٰ اللّه أن ينصره.

۱۳۰۲ ۳۶۸۶۲ (۷) **المحاسن ۳۷**: البرقي عن الوشّاء عن رفاعة بن موسى عن ليث المرادي عن **أبي بصير** قال سمعته يقول: قال رسول اللّه ﷺ من قال سبحان اللّه من غير تعجّب خلق اللّه منها طايراً أخضر يستظلّ بظلّ العرش يسبّح فيكتب له ثوابه إلىٰ يوم القيامة.

و روایت شده که: «او به طوفان دستور می‌داد که او را حرکت دهد و به نسیم ملایم می‌گفت تا او را بردارد. پس در حالی که میان آسمان و زمین در حرکت بود خدا به او وحی کرد: من بر پادشاهی و فرمانروایی تو افزودم [پس از این] احدی سخنی نمی‌گوید مگر اینکه باد، آن را به گوش تو رساند.»

حکایت شده که: «سلیمان به برزگری گذر کرد. برزگر گفت: پادشاهی و فرمانروایی عظیمی به آل داود داده شده! باد صدای او را به گوش حضرت سلیمان رسانید. سلیمان از بساط فرود آمد و پیاده پیش برزگر رفت و گفت: پیش تو آمدم تا به تو بگویم: چیزی که نمی‌توانی به آن برسی آرزو نکن. سپس حضرت سلیمانعليه السلام فرمود: یک «سبحان الله» گفتن که خدای متعال آن را بپذیرد، از همهٔ این پادشاهی و مُلکی که به آل داود داده شده بهتر است. چون ثواب تسبیح همیشه باقی است و پادشاهی سلیمان فانی است.»

۱۲۹۹ (۴) جابر بن عبدالله انصاری از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «آیا خبر دهم به شما آن توصیه‌ای که نوحعليه السلام پسرش را به آن امر کرد؟ نوح به پسرش گفت: ای پسرم! به دو چیز تو را امر می‌کنم و از دو چیز تو را نهی می‌کنم: به تو امر می‌کنم که بگویی: «جز خدا معبودی نیست، یکتاست و همتایی ندارد.» اگر آسمان و زمین در یک کفّهٔ ترازو قرار گیرد [و این ذکر شریف در کفّهٔ دیگر] قطعاً این ذکر بر آن‌ها می‌چربد و اگر آسمان و زمین حلقه‌ای شوند [که این ذکر از میان آن بگذرد] حلقه را خواهد شکست.

و به تو فرمان می‌دهم که بگویی: «پاک است خدا و هر کمال و جمالی از آن اوست.» زیرا این ذکر، نماز همهٔ مخلوقات و تسبیح آن‌هاست و با همین ذکر شریف به مردم رزق و روزی داده می‌شود.»

۱۳۰۰ (۵) انس از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه بنده بگوید: «سبحانَ الله وبحمده» خداوند برایش یک میلیون حسنه بنویسد و یک میلیون گناه از او بشوید و یک میلیون درجه او را رفعت بخشد و هر کس بیشتر گوید خدا بیشترش دهد و هر کس از خدا آمرزش بخواهد خدا او را بیامرزد.»

۱۳۰۱ (۶) محمد بن مروان از امام باقرعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هرگاه بنده بگوید: «سبحان الله» در حقیقت زیر بار نسبت ناروا به خدا نرفته و این حقّ را بر خدا دارد که او را یاری فرماید.»

۱۳۰۲ (۷) ابوبصیر از امام صادقعليه السلام حکایت کرده که: «شنیدم از آن حضرت که فرمود: پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس «سبحان الله» بگوید، بدون اینکه برای اظهار شگفتی آن را بگوید، خداوند از این کلمه، پرندهٔ سبزی بیافریند که در سایه عرش نشیند و تا روز قیامت تسبیح گوید و ثوابش برای گویندهٔ «سبحان الله» نوشته شود.»

۱۳۰۳ (۸) **مستدرك** ۳۲۲/۵: السيّد علي بن طاووس في فلاح السائل عن الربيع بن محمّد
۲٦٨٦٣ المسلمي في كتاب أصله باسناده إلى محمّد بن **طلحة** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال: من قال سبحان اللّه وبحمده سبحان اللّه العظيم من غير عجب محا اللّه عنه ألف سيّئة وأثبت له ألف حسنة وكتب له ألف شفاعة ورفع له ألف درجة وخلق اللّه من تلك الكلمة طايراً أبيض يطير ويقول سبحان اللّه وبحمده سبحان اللّه العظيم إلى يوم القيمة وتكتب لقائلها.

۱۳۰٤ (۹) **الثواب** ۲۷: أبي رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد قال حدّثنا أبي
۲٦٨٦٤ عن محمّد ابن أبي عمير عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال: من قال سبحان اللّه وبحمده سبحان اللّه العظيم وبحمده كتب اللّه له ثلاثة آلاف حسنة ورفع له ثلاثة آلاف درجة وخلق منها طايراً في الجنّة يسبح (اللّه) وكان أجر تسبيحه له.

۱۳۰۵ (۱۰) **المعاني** ۹: التوحيد ۳۱۱: حدّثنا عبداللّه بن محمّد ابن عبدالوهّاب (الشجري
۲٦٨٦٥ بنيسابور ـ التوحيد) قال أخبرنا أبو الحسن أحمد بن محمّد بن عبداللّه بن حمزة الشعراني العمّاري من ولد عمّار بن ياسر (رحمه اللّه ـ توحيد) قال حدّثنا أبو محمّد عبيداللّه بن يحيى بن عبدالباقي الاذنى بأذنة[1] قال حدّثنا على بن الحسن المعانى قال حدّثنا عبداللّه بن يزيد عن يحيى بن عقبة بن أبي العيزار[2] قال حدّثنا محمّد بن حجّار عن **يزيد** بن الأصم[3] قال سئل رجل عمر بن خطّاب فقال يا أمير المؤمنين ما تفسير سبحان اللّه؟ قال انّ في هذا الحائط رجلا كان إذا سئل انبأ وإذا سكت ابتدأ فدخل الرجل فأذا هو علي بن أبي الطالب عليه السلام فقال يا أبا الحسن ما تفسير سبحان اللّه قال هو تعظيم جلال اللّه عزّ وجلّ وتنزيهه عمّا قال فيه كلّ مشرك فإذا قاله (قالها ـ توحيد) العبد صلّى عليه كلّ ملك.

۱۳۰٦ (۱۱) **السرائر** ٤۸۳: محمّد بن علي بن محبوب عن محمّد بن أبي عمير عن **هشام** بن
۲٦٨٦٦ الحكم قال قال أبو عبداللّه عليه السلام ما من كلمة أخفّ على اللسان ولا أبلَغ من سبحان اللّه قلت افيجزى أن أقول في الركوع والسجود مكان التسبيح لا إله إلاّ اللّه والحمد للّه واللّه أكبر قال نعم كلّ ذا ذكر (وتقدّم في رواية هشام (٤١) من باب (۳) ذكر الركوع مثله).

---

۱. أذَنة بلدة بساحل الشام عند طرسوس.
۲. العيزار بالفتح فالسكون: الرجل الصلب الشديد والغلام الخفيف الروح واسم شجر وطائر.
۳. زيد بن الأصم ـ خ معاني.

۱۳۰۳ (۸) محمد بن طلحه از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «سبحانَ اللهِ وبِحَمْده، سُبحانَ اللهِ العَظیم» بدون اینکه به خاطر اظهار شگفتی و تعجّب خویش آن را گفته باشد خداوند هزار گناه او را [از صحیفهٔ اعمالش] پاک گرداند و هزار حسنه برایش بنویسد و هزار شفاعت برایش بنویسد و هزار درجه او را بالا برد و از این کلمه، پرندهٔ سفیدی بیافرینند که تا روز قیامت این پرنده می‌گوید: «سبحانَ اللهِ وبِحَمْده، سُبحانَ اللهِ العَظیم» و ثواب آن برای گویندهٔ آن نوشته می‌شود.»

۱۳۰۴ (۹) عبدالله بن سنان از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بگوید: «سبحانَ اللهِ وبِحَمْده، سُبحانَ اللهِ العَظیم وبحمده» خدا برایش سه هزار حسنه نویسد و سه هزار درجه او را بالا برد و از آن، پرنده‌ای در بهشت بیافریند که تسبیح خدا گوید و پاداش تسبیح آن برای اوست.»

۱۳۰۵ (۱۰) یزید بن اَصم حکایت کرده که: «مردی از عمر بن خطّاب سؤالی کرد، پرسید: ای امیرالمؤمنین! معنی «سبحانَ الله» چیست؟ عمر گفت: در میان این حیاط مردی است که هر گاه سؤالی شود، خبر دهد و هر گاه سکوت شود و از او سؤالی نشود او خود سخن می‌گوید.

پس آن مرد به درون حیاط رفت دید او علیّ بن ابی طالب﴿ع﴾ است. پس گفت: ای ابوالحسن! معنی «سبحان الله» چیست؟ فرمود: معنایش بزرگ دانستن جلالت خدای عزیز و جلیل و پاک دانستن آن است از هر چه که هر مشرکی دربارهٔ او می‌گوید و هر گاه بنده این کلمه را بگوید هر فرشته‌ای بر او درود می‌فرستد.»

۱۳۰۶ (۱۱) هشام بن حکم از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که فرمود: کلمه‌ای رساتر و در عین حال مختصرتر بر زبان از کلمهٔ «سُبحانَ الله» نیست.

عرض کردم: آیا کافی است که در رکوع و سجودم عوض گفتن «سبحانَ الله» بگویم «لا الهَ الّا الله والحمدُ لله والله اکبر»؟ فرمود: آری، همهٔ این‌ها ذکر است.»

۱۳۰۷ (۱۲) مستدرك ۳۹۸/۵: الراوندي في قصص الأنبياء باسناده عن الصدوق بـاسناده إلى
۲۶۸٦۷ محمّد بن اورمة عن محمّد بن خالد عمّن ذكره عن أبي جعفر عليه السلام قال حجّ ذوالقرنين في ستّمأة ألف فارس فلمّا دخل الحرم شيّعه بعض أصحابه إلى البيت فلمّا انصرف قال رأيت رجلاً ما رأيت أكثر نوراً و[أحسن] وجهاً منه قالوا ذاك ابراهيم خليل الرحمن صلوات اللّه عليه.

قالوا اسرجوا فأسرجوا ستّمأة ألف دابّة في مقدار ما يسرّج دابّة واحدة.

قال ثمّ قال ذوالقرنين لابل نمشي إلى خليل الرّحمن فمشي ومشي معه أصحابه حتّى التقيا.

قال ابراهيم عليه السلام بم قطعت الدّهر.

قال بإحدى عشرة كلمة.

سبحان من هو باق لا يفنى.

سبحان من هو عالم لاينسى.

سبحان من هو حافظ لا يسقط.

سبحان من هو بصير لا يرتاب.

سبحان من هو قيّوم لاينام.

سبحان من هو ملك لايرام.

سبحان من هو عزيز لايضام.

سبحان من هو محتجب لايرى.

سبحان من هو واسع لا يتكلّف.

سبحان من هو قائم لا يلهو.

سبحان من هو دائم لايسهو.

وتقدّم في مرسله فقيه (۲) من باب (۲۰) استحباب الاضطجاع بعد نـافلة الفـجر مـن أبواب التعقيب ج ۶ قوله عليه السلام ومن قال (بين ركعتي الفجر وركعتي الغداة) مأة مرّة سبحان ربي العظيم وبحمده استغفر اللّه ربي و أتوب إليه بني اللّه له بيتاً في الجنّة.

۱۳۰۷ (۱۲) محمّد بن خالد با یک واسطه از امام باقرﷺ روایت کرده که فرمود: «ذوالقرنین در میان ششصد هزار اسب سوار به حجّ رفت پس وقتی وارد حرم شد عدّه‌ای از اصحابش او را تا کعبه بدرقه کردند پس چون برگشت گفت: مردی را دیدم که با آن نورانیّت و زیبارویی کسی را ندیده بودم!

به او گفتند: او ابراهیم دوست خالص خدای رحمان است که درود خدا بر او باد. پس ذوالقرنین گفت: اسب‌ها را زین کنید پس ششصد هزار اسب را به اندازه‌ای که زین کردن یک اسب طول می‌کشد، زین کردند.

سپس ذوالقرنین گفت: نه بلکه پیاده به سوی خلیل الرحمن می‌رویم پس پیاده رفت و اصحاب او هم پیاده رفتند تا به ابراهیمﷺ رسیدند ابراهیمﷺ پرسید: با چه روزگار را در نوردیده‌ای و عالم را مسخّر خود کردی؟

ذوالقرنین گفت: با یازده کلمه که عبارتند از:

پاک است کسی که پاینده‌ای است که نیستی و فنا به او راه ندارد.

پاک است کسی که او دانایی است که هرگز فراموش نمی‌کند.

پاک است کسی که او نگهدارنده‌ای است که کسی را یا چیزی را از قلم نمی‌اندازد.

پاک است کسی که بینایی است که شک نمی‌کند.

پاک است کسی که نگهدارنده جهان است و هیچ نخوابد.

پاک است کسی که پادشاهی است که کسی به عظمتش نرسد.

پاک است کسی که او شکست ناپذیری است که کسی نتواند به او زور بگوید.

پاک است کسی که او پوشیده‌ای است که دیده نشود.

پاک است کسی که او گشایشگری است که به زحمت نمی‌افتد.

پاک است کسی که او ایستاده‌ای است که هرگز کار بیهوده انجام ندهد.

پاک است کسی که او همیشگی است و اشتباه نمی‌کند.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوم از باب بیستم از باب‌های تعقیب فرموده امامﷺ که: «کسی که صد بار بگوید: «سبحانَ ربّی العظیم وبحمده أستغفرُ الله ربّی واتوبُ الیه» خدا برای او خانه‌ای در بهشت بسازد.»

وفي رواية أبي سعيد (۲۷) من باب (۱۶) استحباب صوم شهر رجب من أبواب الصيام المندوب ج ۱۱ قوله فمن لم يقدر على هذه الصدقة يصنع ماذا لينال ما وصفت قال ﷺ يسبّح اللّه عزّ وجلّ كل يوم من رجب إلى تمام ثلثين يوماً بهذا التسبيح مأة مرّة سبحان الإله الجليل سبحان من لا ينبغي التسبيح الّا له سبحان الأعزّ الأكرم سبحان من لبس العزّ وهو له أهل.

وفي رواية اسماعيل وحفص (۴۰) من باب (۳۰) استحباب الصمت والسكوت من أبواب جهاد النفس ج ۱۷ قوله ﷺ وأكثروا من التهليل والتقديس والتسبيح والثناء على اللّه والتضرّع إليه والرغبة فيما عنده من الخير الّذي لا يقدر قدره ولا يبلغ كنهه أحد فاشغلوا السنتكم بذلك عمّا نهي اللّه عنه من أقاويل الباطل الخ.

(۱۷)

باب استحباب التّكبير والتّسبيح والتّحميد والتّهليل مأة مرّة في كلّ يوم

۱۳۰۸ ۲٦٨٦٨ (۱) **كافي** ۵۰۵/۲: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم **وأبي أيّوب** الخزّاز جميعاً عن أبي عبداللّه ﷺ قال: جاء الفقراء إلى رسول اللّه ﷺ فقالوا: يا رسول اللّه انّ الأغنياء لهم ما يعتقون وليس لنا ولهم ما يحُجُّون وليس لنا ولهم ما يتصدّقون وليس لنا ولهم ما يجاهدون وليس لنا فقال رسول اللّه ﷺ: من كبّر اللّه عزّ وجلّ مائة مرّة كان أفضل من عتق مائة رقبة.

ومن سبّح اللّه مائة مرّة كان أفضل من سياق مائة بدنة ومن حمد اللّه مائة مرّة كان أفضل من حملان مائة فرس في سبيل اللّه بِسُرَجِها ولجمها وركبها ومن قال: لا إله إلّا اللّه مائة مرّة كان أفضل الناس عملاً ذلك اليوم الّا من زاد قال: فبلغ ذلك الأغنياء فصنعوه قال: فعاد الفقراء إلى النّبيّ ﷺ فقالوا: يا رسول اللّه قد بلغ الأغنياء ما قلت فصنعوه فقال النّبيّ ﷺ: ذلك فضل اللّه يؤتيه من يشاء.

و در روایت بیست و هفتم از باب شانزدهم از باب‌های روزه مندوب این گفته که: «از پیامبرﷺ پرسیده شد اگر کسی قادر بر این صدقه نبود، چه کند تا ثوابی را که بیان فرمودید به دست آورد؟ حضرت فرمود: از اوّل ماه رجب تا آخر آن، روزی صد بار این تسبیح را بگوید: «پاک است معبود بزرگ، پاک است کسی که جز او شایستهٔ تنزیه و تقدیس نیست، پاک است خدای تواناترین و گرامی‌ترین. پاک است آنکه لباس عزّت پوشیده و این لباس فقط برازندهٔ اوست.»

و در روایت چهلم از باب سی‌ام از باب‌های جهاد با نفس فرموده امامؑ که: «بسیار «لا اله الّا الله» بگویید و به تقدیس و تسبیح و ستایش پروردگار بپردازید و در نزد او زاری و التماس نمایید و به خیری که نزد اوست تمایل پیدا کنید که اندازهٔ آن خیر را جز خود خدا نداند و به نهایت آن کس نرسد، پس زبان‌های خود را به این اذکار مشغول کنید و از باطل‌هایی که خدا از آن نهی کرده زبان‌ها را باز دارید... تا آخر روایت.»

باب ۱۷

ثواب گفتن «سبحان الله وَالْحَمْدُ للهِ وَلا الهَ الّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَر» روزی صد بار

۱۳۰۸ (۱) هشام بن سالم و ابوایّوب خزّاز هر دو از امام صادقؑ روایت کرده‌اند که آن بزرگوار فرمود: «عدّه‌ای فقیر خدمت پیامبرﷺ رسیدند عرض کردند: ای پیامبر خدا! ثروتمندان با مال خود، برده آزاد می‌کنند و ما نداریم که چنین کنیم و آن‌ها با مال خود به حجّ می‌روند و ما نداریم و آن‌ها صدقه می‌دهند و ما نداریم و با مال خود در راه خدا جهاد می‌کنند و ما نداریم که چنین کنیم.

پس پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که خدایﷻ را تکبیر گوید و صد بار بگوید: «الله اکبر» این کار او از آزاد کردن صد برده بهتر است.

و کسی که تسبیح خدا گوید و صدبار بگوید: «سبحان الله» این کار بهتر است از قربانی کردن صد شتر و کسی که صدبار حمد گوید خدا را یعنی صدبار بگوید: «الحمدلله» این کار بهتر است از به‌کارگیری صد اسب با زین و لگام و دیگر تجهیزاتی که در وقت سوار شدن لازم است در راه خدا و کسی که صدبار بگوید «لا الهَ الّا الله» عمل آن روزش از همهٔ مردم بهتر باشد مگر کسی که زیادتر گفته باشد.

أمالي الصدوق ۶۶: حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله قال حدّثنا أبي رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبدالله قال حدّثنا أحمد ابن أبي عبدالله قال حدّثنا أبي عن محمّد ابن أبي عمير عن **مالك** بن أنس عن الصادق جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عن علي عليه السلام. قال جاء الفقراء إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وذكر نحوه.

الثواب ۲۵: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال حدّثني علي بن الحسين السعدآبادي عن أحمد ابن أبي عبدالله البرقي قال: حدّثنا أبي عن محمّد ابن أبي عمير عن مالك بن أنس عن أبي عبدالله عن آبائه عليهم السلام عن أمير المؤمنين عليه السلام نحوه وزاد في آخره والله ذو الفضل العظيم.

۱۳۰۹ ۳٦٨٦٩ (۲) **المحاسن** ۴۳: البرقي قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لامّ هاني: من سبّح الله مائة مرّة كلّ يوم كان أفضل ممّن ساق مائة بدنة إلى بيت الله الحرام ومن حمد الله مائة تحميدة كان أفضل ممّن اعتق مائة رقبة ومن كبّر الله مائة تكبيرة كان أفضل ممّن حمل على مائة فرس في سبيل الله بسروجها ولجمها ومن هلّل الله مائة تهليلة كان أفضل الناس عملاً يوم القيامة الاّ من قال أفضل من هذا.

۱۳۱۰ ۳٦٨٧٠ (۳) **مستدرك** ۳۲۴/۵: ابن أبي جمهور في دررالئالي عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال من قرء سبحان الله وبحمده في كلّ يوم مأة مرّة حطّت خطاياه وإن كانت مثل زبد البحر.

۱۳۱۱ ۳٦٨٧١ (۴) **مستدرك** ۳۲۴/۵: ابن أبي جمهور في درر اللئالي عن أمّ هاني أنّها قالت لرسول الله صلى الله عليه وآله انّي امرأة قد كبرت و ضعفت فعلّمني عملاً أبلغ به.

فقال يا أمّ هاني إنّك إن كبّرتِ الله مأة كان خيراً لك من مأة رقبة تعتقينها وأنّكِ إن حمدت الله مأة كان خيراً لكِ من مائة فرس ملجم تحملين عليها في سبيل الله وإنّكِ إن هلّلتِ الله مأة مرّة لم يشبهها عمل ولم يبق معها ذنب.

حضرت فرمود: این خبر به گوش ثروتمندان رسید آن‌ها نیز به این دستور عمل کردند و این اذکار شریف را می‌گفتند. پس فقیران دوباره پیش پیامبرﷺ آمدند و گفتند: ای رسول خدا! آنچه شما فرمودی به گوش ثروتمندان رسید و آن‌ها هم آن را انجام می‌دهند. پس پیامبرﷺ فرمود: این دیگر فضل و عنایت خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد.»

این حدیث گرانبها را مرحوم شیخ صدوق‌ؒ در کتاب امالی اش با سند دیگری نقل کرده است. هم چنین در کتاب ثواب الاعمال نیز با سند دیگری بیان شده است.[1]

۱۳۰۹ (۲) برقی در کتاب محاسن حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که حضرت به اُمّ هانی فرمود: «کسی که هر روز صدبار تسبیح خدا گوید یعنی «سبحان الله» بگوید. این عمل از کشاندن صد شتر به سوی خانهٔ خدا [برای ذبح کردن در سرزمین منی] بهتر است و کسی که صد بار بگوید «الحمدلله» بهتر از آن است که صد برده را آزاد کند و کسی که صدبار بگوید: «الله اکبر» بهتر است از به کار گرفتن صد اسب با زین و لگام‌هایشان در راه خدا و کسی که صدبار بگوید «لا الهَ الّا الله» در روز قیامت بهترین مردم از نظر عمل باشد مگر کسی که بیشتر از او این ذکر شریف را گفته باشد.»

۱۳۱۰ (۳) ابن ابی جمهور در کتاب درر اللئالی از رسول خداﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی صدبار بگوید: «سبحانَ اللهِ وبحمدِهِ» تمام گناهانش بریزد گرچه به اندازهٔ کف دریا باشد.»

۱۳۱۱ (۴) ابن ابی جمهور در کتاب درر اللئالی حدیثی حکایت کرده که: «امّ هانی به پیامبر خداﷺ عرض کرد که من زنی هستم که دیگر پیر شدم و ضعف و ناتوانی بر من چیره شده، پس به من یک کار آسان و سبکی یاد بده که با آن به ثواب زیادی برسم.

پس حضرت فرمود: ای امّ هانی! به راستی اگر تو روزی صدبار «اللهُ اکبر» بگویی، بهتر است برای تو از قربانی کردن صد شتر گرانبهای مقبول درگاه الهی واقع شده و اگر صدبار بگویی: «سبحانَ الله» بهتر است برای تو از صد اسب لگام شدهٔ آماده که در راه خدا آن‌ها را به کارگیری و اگر صدبار بگویی: «لا الهَ الّا الله» هیچ عملی در فضیلت به او شباهت ندارد تا با او سنجیده شود و پس از آن، گناهی باقی نمی‌ماند.»

---

۱. تکرار در نقل روایت و تعدّد سندهای آن موجب اطمینان بیشتر به صدور از معصومؑ می‌شود. هر چند که متن و محتوای خود روایت، محکم‌ترین دلیل بر صحت صدور آن از معصومؑ است. (مترجم).

۱۳۱۲ ۳۶۸۷۲ (۵) **مستدرك ۳۲۵/۵**: وعن **سلمة** بن وردان قال سمعت أنساً يقول قال رسول اللّه ﷺ من هلّل وكبّر وسبّح مأة مرّة فانّه خير له من عشر رقبات (رقاب ـ خ) يعتقها وسبع بدنات ينحرها.

(۱۸)

باب استحباب إكثار التّسبيحات الأربعة خصوصاً في الصباح والمساء

قال اللّه عزّ وجلّ في سورة ق (۵۰): ۳۹ و۴۰: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ ٱلْغُرُوبِ ۞ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَـٰرَ ٱلسُّجُودِ﴾.

طه (۲۰): ۱۳۰: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ ءَانَآيِ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾.

الغافر (۴۰): ۵۵: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَٱلْإِبْكَـٰرِ﴾.

الطور (۵۲): ۴۸ و۴۹: ﴿وَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ۞ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَـٰرَ ٱلنُّجُومِ﴾.

النور (۲۴): ۳۶: ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَٱلْأَصَالِ﴾.

الفتح (۴۸): ۹: ﴿لِّتُؤْمِنُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾.

۱۳۱۳ ۳۶۸۷۳ (۱) **كافي ۵۰۶/۲**: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن ابن محبوب عن مالك بن عطيّة عن ضريس الكناسي عن أبي جعفر ﷺ قال: مرّ رسول اللّه ﷺ برجل يغرس غرساً في حائط له فوقف له وقال: ألا أدلّك على غرس أثبت أصلاً وأسرع أيناعاً وأطيب ثمراً وأبقى.

۱۳۱۲ (۵) انس از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس صدبار بگوید: «لا الهَ الّا الله» و صدبار بگوید: «الله اکبر» و صدبار بگوید: «سبحان الله» این عمل برای او بهتر است از آزاد کردن ده برده و نحر کردن هفت شتر.»

باب ۱۸

تسبیحات اربعه در بامداد و شامگاه

خداوند متعال فرموده است:

و بر آنچه می‌گویند صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به تسبیح و حمد پروردگارت مشغول شو و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیبات] او را تسبیح گوی.[۱]

پس بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، به تسبیح و حمد و سپاس پروردگارت بپرداز و برخی از ساعات شب و حوالی روز به نیایش و تقدیس مشغول شو باشد که خشنود گردی.[۲]

پس صبر کن که وعدهٔ خدا حقّ است و برای گناهت آمرزش بخواه و به شامگاه و بامداد به حمد و تسبیح پروردگارت بپرداز.[۳]

و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو در جلوی چشمان ما و در حمایت ما هستی و هنگامی که [از خواب] بر می‌خیزی به تسبیح و حمد پروردگارت بپرداز و نیز پاره‌ای از شب و در هنگام فرو شدن ستارگان او را تسبیح گوی.[۴]

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود، در آن خانه‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند.[۵]

تا به خدا و پیامبرش ایمان آورید و او را یاری کنید و او را ارج نهید و خدا را بامدادان و شامگاهان تسبیح گویید و به پاکی بستایید.[۶]

۱۳۱۳ (۱) ضریس کناسی از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ به مردی گذشت که در میان زمین خود نهال می‌کاشت حضرت در کنار او ایستاد و فرمود: آیا تو را راهنمایی کنم به نهالی که ریشه‌اش پایدارتر و شکوفه دادنش سریع‌تر و میوه‌اش خوشمزه‌تر و بادوام‌تر است؟

---

۱. ق ۵۰/۴۰ ـ ۳۹.
۲. طٰهٰ ۲۰/۱۳۰.
۳. غافر ۴۰/۵۵.
۴. طور ۵۲/۴۹ ـ ۴۸.
۵. نور ۲۴/۳۶.
۶. فتح ۴۸/۹.

قال: بلى.

فدُلّني يا رسول اللّه فقال: إذا أصبحت وأمسيت فقل: سبحان اللّه الحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر فأنّ لك ان قلته بكلّ تسبيحة عشر شجرات في الجنّة من أنواع الفاكهة وهنّ من الباقيات الصّالحات قال فقال الرجل: فانّي أشهدك يا رسول اللّه أنّ حائطي هذا صدقة مقبوضة على فقراء المسلمين أهل الصدقة فأنزل اللّه عزّ وجلّ آيات من القرآن: ﴿**فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ**﴾. **أمالي الصدوق** ۱۶۹: حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطّار قال حدّثنا سعد بن عبداللّه قال حدّثنا الهيثم ابن أبي مسروق النّهدي عن **الحسن** بن محبوب مثله سنداً ونحوه متناً **المحاسن** ۳۷: البرقي عن علي بن سيف عن أخيه الحسين بن سيف بن عميرة عن مالك ابن عطيّة عن **ضريس** الكناسي عن أبي جعفر عليه السلام نحوه إلى قوله الصالحات الّا انّ فيه بكلّ تسبيحة شجرات في الجنّة.

۱۳۱٤ ٣٦٨٧٤ (۲) **تفسير العيّاشيّ** ۳۲۷/۲: عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله خذوا جُنَنَكُم[1] قالوا يا رسول اللّه عدوّ حضر؟ قال: لا ولكن خذوا جننكم من النّار فقالوا: بِمَ نأخذ جُنَناً يا رسول اللّه من النّار؟ قال سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه أكبر فأنهنّ يأتين يوم القيامة ولهنّ مقدّمات ومؤخّرات ومنجيات ومعقّبات وهنّ الباقيات الصّالحات ثمّ قال أبو عبداللّه عليه السلام (وَلَذِكْرُ اللّهِ أَكْبَرَ) قال ذكر اللّه عندما احلّ أو حرّم وشبه هذا ومؤخّرات.

۱۳۱٥ ٣٦٨٧٥ (۳) **الثواب** ۲۳: حدّثني الحسين بن أحمد رحمه الله قال: حدّثني أبي عن محمّد بن أحمد عن ابراهيم بن اسحاق عن عبداللّه بن حمّاد عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: أكثروا من قول «سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّهُ أكبر» فأنهنّ يأتين يوم القيامة لهنّ مقدّمات ومؤخّرات ومعقّبات وهنّ الباقيات الصّالحات. **الثواب** ۲۶:أبي ره عن عبداللّه بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمّد عن محمّد بن اسمعيل بن بزيع عن منصور بن يونس عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله.

۱۳۱٦ ٣٦٨٧٦ (٤) **مستدرك** ۳۲۷/٥: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن عطاء عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله الباقياتُ الصّالحاتُ سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر.

---

۱. الجنن جمع الجنّة وهي التّرس.

آن مرد عرض کرد: آری.

فرمود: هر گاه به صبح یا شب وارد شدی بگو: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» زیرا که اگر این ذکر شریف را گفتی برای هر یک بار تسبیح یعنی یک بار گفتن این ذکر، ده درخت از انواع گوناگون میوه‌ها در بهشت برای تو خواهد بود و آن‌ها باقیات الصالحات هستند پس آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! تو را گواه می‌گیرم که من این باغم را وقف کردم تا به عنوان صدقه به مسلمانان نیازمند که مستحقّ صدقه هستند داده شود، پس خدای عزیز و جلیل این آیات شریف را نازل کرد: **«امّا آنکه [در راه خدا] مال داد و پرهیزگاری پیشه کرد، و به پاداش بهتر یقین داشت و آن را تصدیق کرد به زودی روزی آسان و آسایش را برایش مهیّا می‌کنیم.»**[1]

این روایت در امالی صدوق و محاسن برقی نیز ذکر شده است.

۱۳۱۴ (۲) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سپرهای خود را بردارید. [اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا! آیا دشمنی به اینجا آمده؟ فرمود: خیر ولی سپرهایی که از آتش جهنّم شما را نگاه می‌دارد را برگیرید.

گفتند: چه جور سپر برگیریم؟

حضرت فرمود: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» است. پس به راستی این کلمات، روز قیامت با مقدّمات و مؤخّرات و همراه با فرشته‌های نجات و فرشته‌های نگهبان، خواهد آمد و باقیات صالحات همین کلمات است. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از یاد خدا در آیهٔ **«و به یقین یاد خدا، بزرگتر است»**[2] یاد خدا در وقت حلال و حرام و مانند آن است.»

۱۳۱۵ (۳) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ذکر شریف ««سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله» را زیاد بگویید چون روز قیامت همین کلمات خواهند آمد در حالی که عدّه‌ای [از فرشتگان] پیشاپیش و عدّه‌ای از پشت سر و عدّه‌ای بدرقه‌کنان آن‌ها را همراه می‌کنند و باقیات صالحات همین کلمات است.»

همین روایت شریف به سند دیگر در کتاب ثواب الاعمال نیز ذکر شده است.

۱۳۱۶ (۴) ابن عبّاس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود: «باقیات الصالحات عبارت از: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» است.»

---

۱. لیل ۹۲/۵ ـ ۷.

۲. عنکبوت ۴۵/۲۹. ترجمه کامل آیه این است: «آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند که شما چه می‌کنید.»

١٣١٧ ٣٦٨٧٧ (٥) وعن **أبي سعيد** الخدري عن رسول اللّهﷺ أنّه قال لستكثروا من الباقيات الصّالحات قيل وما هُنّ يا رسول اللّه قال التّكبير والتّهليل والتسبيح والحمد ولا حول ولا قوّة الّا باللّه.

١٣١٨ ٣٦٨٧٨ (٦) **مستدرك ٣٢٧/٥**: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب في قوله تعالىٰ «والباقياتُ والصّالحاتِ الاية» قال النّبيّﷺ هي كلمات الإيمان قيل كيف يا رسول اللّه قال هي ايمان الملائكة جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل قال من قالها مخلصاً يكون له بعدد تسبيحهم وتحميدهم وتهليلهم وتكبيرهم.

١٣١٩ ٣٦٨٧٩ (٧) **الثواب ٢٦**: حدّثني محمد بن الحسن ﷺ قال: حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد عن الحسن بن علي بن فضّال عن أبي داود المسترقّ عن ثعلبة بن ميمون [عن بعض أصحابنا] عن **يونس** بن يعقوب عن أبي عبداللّهﷺ قال التفت رسول اللّهﷺ إلى أصحابه فقال: اتّخذوا جنناً فقالوا: يا رسول اللّه أمن عدوّ قد أظلّنا؟ فقال: لا ولكن من النّار قولوا «سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر».

١٣٢٠ ٣٦٨٨٠ (٨) **الثواب ٢٦**: حدّثني محمّد بن علي ماجيلويهﷺ عن عمّه محمّد ابن أبي القاسم عن أحمد بن أبي عبداللّه قال حدّثنا أبي عن محمّد بن سنان عن **أبي الجارود** عن أبي جعفر ﷺ قال: قال رسول اللّهﷺ: من قال: «سبحان اللّه» غرس اللّه له بها شجرة في الجنّة ومن قال: «الحمد للّه» غرس اللّه له بها شجرة في الجنّة ومن قال: «لا إله إلّا اللّه» غرس اللّه له بها شجرة في الجنّة. ومن قال: اللّه اكبر غرس اللّه له بها شجرة في الجنّة.

فقال رجل من قريش: يا رسول اللّه انّ شجرنا في الجنّة لكثير قال: نعم ولكن ايّاكم أن ترسلوا عليها نيراناً فتحرقوها وذلك أنّ اللّه عزّ وجلّ يقول: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوٓاْ أَعْمَـٰلَكُمْ﴾.

أمالي الصدوق ٤٨٦: حدّثنا أحمد بن هارون الفامي قال حدّثنا محمّد بن عبداللّه الحميري عن أبيه عن **أحمد بن محمّد** بن خالد البرقيّ عن أبي عبداللّه الصادقﷺ عن أبيه عن جدّه قال قال رسول اللّهﷺ وذكر مثله.

۱۳۱۷ (۵) ابوسعید خِدری از پیامبر خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «از باقیات صالحات و نیکی‌های پایدار زیاد به دست آورید. از حضرتش سؤال شد: ای پیامبر خدا! باقیات صالحات چیست؟

حضرت فرمود: تکبیر [= الله اکبر گفتن] و تهلیل [=لا اله الّا الله گفتن] و تسبیح [=سبحان الله گفتن] و حمد [=الحمدلله گفتن] ولا حول ولا قوّة الّا بالله است.»

۱۳۱۸ (۶) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب در تفسیر فرمایش خدای متعال: «**والباقیات الصالحات** تا آخر آیه» نقل کرده که پیامبر خداﷺ فرمود: اعمال صالح پایدار همان کلمات ایمان است [یعنی: «سبحان الله والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر»]

از حضرت پرسیدند: چگونه این کلمات، اعمال صالح پایدار و ماندنی است؟ فرمود: چون این کلمات، ایمان فرشتگانی چون جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل است و هر کس این کلمات را با خلوص نیّت بگوید به تعداد تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر آن‌ها برای او خواهد بود و چون فرشتگان این کلمات را گفته و می‌گویند پس عمل صالحی است که پایدار و همیشگی است.»

۱۳۱۹ (۷) یونس بن یعقوب از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ به اصحاب خود رو کرد و فرمود: سپرها برگیرید. اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا! آیا از دشمنی که بالای سرمان ایستاده؟ حضرت فرمود: نه ولی از آتش دوزخ.

بگویید: سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر».

۱۳۲۰ (۸) ابی جارود از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس بگوید: «سبحانَ الله» خداوند درختی در بهشت برای او بکارد و کسی که بگوید: «الحمدلله» خدا درختی در بهشت برایش بکارد و کسی که بگوید: «لا الهَ الّا الله» خدا درختی در بهشت برایش بکارد و کسی که بگوید: «الله اکبر» خداوند با آن، درختی در بهشت برایش بکارد.

پس مردی از قُریش به پاخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا! پس ما خیلی در بهشت درخت داریم.

حضرت فرمود: آری ولی بپرهیزید از اینکه آتشی بدانجا فرستید و همهٔ آن درخت‌ها را بسوزانید و همین است مفاد آنچه که خدای عزیز و جلیل می‌فرماید که: «**ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید و عمل‌های خویش به هدر ندهید.**»[1]

این روایت را شیخ صدوق در امالی ذکر کرده است.

---

۱. محمّدﷺ ۳۳/۴۷.

۱۳۲۱ ۳۶۸۸۱ (۹) رسالة المحكم والمتشابة ۸۳ قال رسول اللّهﷺ: لمّا أسرى بي إلى السّماء دخلت الجنّة فرأيت فيها قيعاناً[۱] ورأيت فيها ملائكة يبنون لبنة من ذهب ولبنة من فضّة وربّما أمسكوا فقلت لهم: مالكم قد أمسكتم؟ قالوا: حتّى تجيئنا النّفقة قلت: وما نفقتكم قالوا: قول المؤمن سبحان اللّه والحمدُ للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه أكبر فإذا قال: بنينا وإذا سكت أمسكنا.

أمالي ابن الطوسي ۴۷۴: حدّثنا الشيخ السعيد الامام أبو علي الحسن بن محمّد بن الحسن الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضل قال حدّثنا اسحاق بن محمّد بن مروان بن زياد الكوفي ببغداد قال: حدّثنا أبي قال: حدّثنا **يحيى** بن سالم بن حمّاد بن عثمان عن جعفر بن محمّد عن آبائه صلوات اللّه عليهم عن عليّ عليه السلام عن رسول اللّهﷺ قال: لما أسرى بي إلى السماء وذكر نحوه الّا انّ فيه فرأيت فيها قيعاناً يققاً (أي بيضاً) من مسك.

۱۳۲۲ ۳۶۸۸۲ (۱۰) **تفسير القميّ** ۲۱: قال علي بن ابراهيم حدّثني أبي عن **حمّاد** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّهﷺ وذكر نحوه وفيه قيعان تفق (أي متعادل).

۱۳۲۳ ۳۶۸۸۳ (۱۱) **مستدرك** ۳۲۶/۵: القطب **الراوندي** في دعواته في معراج النّبيّﷺ أنّه مرّ على ابراهيم خليل الرحمن عليه السلام فناداه من خلفه فقال يا محمّد اقرء أُمّتك عنّي السلام وأخبرهم انّ الجنّة ماؤها عذب وتربتها طيّبة قيعان يقق غَرْسُها سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر ولا حول ولا قوّة الّا باللّه فمُرْ أُمّتك فليكثروا من غرسها.

۱۳۲٤ ۳۶۸۸٤ (۱۲) **المحاسن** ۳۷: البرقي عن علي بن الحكم عن سيف بن عميرة عن **ثابت** عن أبي جعفر عليه السلام قال من قال «سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر» خلق اللّه منها أربعة اطيار تسبّحه وتقدّسه وتهلّله إلى يوم القيامة وفي رواية محمّد بن مروان عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول اللّهﷺ إذا قال العبد سبحان اللّه فقد أَنَف للّه وحقّ على اللّه ان ينصره.

---

۱. قيعان جمع قاعة وهي أرض سهلة لاعوج فيها.

۱۳۲۱ (۹) در رسالهٔ محکم و متشابه حدیثی از پیامبر خدا ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «چون [در شب معراج] مرا به آسمان سیر دادند، به بهشت وارد شدم پس در آنجا زمین صافی دیدم و فرشتگانی را دیدم که قصرهای بهشتی از خشت‌ها و آجرهایی از طلا و نقره می‌سازند ولی گه گاه دست از کار می‌کشند.

به آن‌ها گفتم: چرا دست از کار کشیدید؟

گفتند: منتظریم تا مصالح ساختمانی برسد.

گفتم: مصالح ساختمانی شما چیست؟

گفتند: سخن مؤمن که می‌گوید: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» تا آن مؤمن این ذکر را می‌گوید ما هم برایش قصر می‌سازیم و چون ساکت شود، دست از کار بکشیم.»

این حدیث شریف را شیخ طوسی ﷺ در امالی به صورت مستند نقل کرده است.

۱۳۲۲ (۱۰) حمّاد از امام صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خدا ﷺ فرمود: آنگاه عین حدیث قبلی را ذکر کرده با این تفاوت که در اینجا گفته: زمین همواری را دیدم.»

۱۳۲۳ (۱۱) قطب راوندی در کتاب دعوات در رابطه با بیان ماجرای معراج پیامبر ﷺ نقل کرده که: «پیامبر ﷺ به ابراهیم خلیل الرحمن ﷺ گذر کرد حضرت ابراهیم پیامبر را صدا زد و گفت: ای محمّد! سلام مرا به امّتت برسان و به آن‌ها خبر ده که بهشت آبش گوارا و خاکش خوشبوست ولی صاف و سفید است و نهال کاشتن در آن به این است که بگویید: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر ولا حولَ ولا قوّة الّا بالله» به امّتت بگو که [با گفتن این کلمات] زیاد در بهشت درخت بکارند.»

۱۳۲۴ (۱۲) ثابت از امام باقر ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» خداوند از آن، چهار پرنده بیافریند که خدا را تا روز قیامت تسبیح و تقدیس و تهلیل بگوید.»

و در روایت محمّد بن مروان از امام باقر ﷺ چنین آمده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر گاه بنده می‌گوید: «سبحان الله» در حقیقت از نسبت دادن هر ناروایی به خدا اظهار انزجار و تنفّر کرده و استحقاق این را دارد که خدا او را یاری کند.»

۱۳۲۵ ۳۶۸۸۵ (۱۳) **الثواب ۲۷**: حدّثني محمّد بن الحسن ﷺ قال: حدّثني محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمّد عن أبيه والحسن بن الحسين اللؤلؤى عن محمّد بن سنان عن **أبي الجارود** عن أبي جعفر ﷺ قال من قال: «سبحان اللّه» من غير تعجّب خلق اللّه منها طائراً له لسان وجناحان[۱] يسبّح اللّه عنه في المسبّحين حتّى تقوم الساعة ومثل ذلك الحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر.

۱۳۲۶ ۳۶۸۸۶ (۱۴) **كافي ۵۰۶/۲**: على عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن أبي عبداللّه ﷺ قال: قال أمير المؤمنين ﷺ التسبيح نصف الميزان والحمد للّه يملأ الميزان واللّه اكبر يملأ ما بين السماء والأرض.

۱۳۲۷ ۳۶۸۸۷ (۱۵) **الجعفريّات ۱۶۹**: بأسناده عن **علي** بن أبي طالب ﷺ قال أخذ رسول اللّه ﷺ بيدي فقال يا عليّ التسبيح نصف الميزان والحمد يملأ الميزان واللّه اكبر يملأ بين السماء والأرض والوضوء نصف الايمان والصوم نصف الصبر.

۱۳۲۸ ۳۶۸۸۸ (۱۶) **مستدرك ۳۲۶/۵**: القطب **الراوندي** في دعواته عن أبي عبداللّه ﷺ التسبيح نصف الميزان والحمد يملأوه والتكبير يملأ ما بين السماء والارض.

۱۳۲۹ ۳۶۸۸۹ (۱۷) **مستدرك ۳۲۷/۵**: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **عبداللّه** بن مسعود قال قال النّبيّ ﷺ من قال سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر صعد بها ملك إلى السماء فلا يمرّ بها على ملأ من الملائكة الّا استغفروا لقائلها حتّى يجيء بها إلى ربّ العالمين.

۱۳۳۰ ۳۶۸۹۰ (۱۸) **أمالي الصدوق ۱۵۸**: العلل بالأسناد المتقدّم في باب جوامع أوقات الفرائض من أبواب المواقيت ج ۴ عن **الحسن** بن عبداللّه عن أبيه عن جدّه الحسن بن علي بن أبي طالب ﷺ في حديث اسئلة اليهودي عن النّبيّ ﷺ قال اليهودي أخبرني يا محمّد عن الكلمات التي اختارهنّ اللّه لابراهيم حيث بني البيت قال النّبيّ ﷺ نعم «سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه اللّه اكبر» (إلى أن قال) صدقت يا محمّد فما جزاء قائلها.

---

۱. وحاجبان ـ خ.

۱۳۲۵ (۱۳) ابی جارود از امام محمّد باقر روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «سبحانَ الله» بدون اینکه برای اظهار تعجّب باشد، خداوند از آن پرنده‌ای بیافریند که دارای یک زبان و دو بال است و در میان تسبیح گویان از طرف او تسبیح خدا گوید تا اینکه قیامت برپا شود و همین‌طور است گفتن «الحمدلله» و «لا اله الّا الله» و «الله اکبر».»

۱۳۲۶ (۱۴) سکونی از حضرت صادق روایت کرده که فرمود: «حضرت امیرمؤمنان علی فرمود: تسبیح خدا نیمی از ترازوی حسنات را می‌گیرد و «الحمدُ لله» آن را پر می‌کند و «الله اکبر» فاصلهٔ میان آسمان و زمین را پر می‌کند.»

۱۳۲۷ (۱۵) در کتاب جعفریات با اسناد خودش روایتی از علی نقل شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا دست مرا گرفت و فرمود: ای علی! تسبیح نیمی از ترازو را می‌گیرد و حمد، ترازو را پر می‌کند و «الله اکبر» فاصلهٔ میان آسمان و زمین را پر می‌کند و وضو نیمی از ایمان است و روزه نیمی از صبر است.»

۱۳۲۸ (۱۶) قطب راوندی در کتاب دعوات از امام صادق روایت کرده که آن حضرت فرمود: «تسبیح یعنی «سبحان الله» گفتن نیمی از کفّهٔ حسنات در ترازوی اعمال است و «الحمد لله» آن را پر می‌کند و الله اکبر گفتن [ثوابش] میان آسمان و زمین را پر می‌کند.»

۱۳۲۹ (۱۷) عبدالله بن مسعود از پیامبر روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» فرشته‌ای آن را به آسمان بالا برد پس به هیچ گروهی از فرشتگان گذر نمی‌کند مگر اینکه برای گویندهٔ آن طلب آمرزش کنند تا اینکه آن را به پیشگاه پروردگار جهانیان می‌آورد.»

۱۳۳۰ (۱۸) حسن بن عبد الله از پدرش و او از جدّش امام حسن مجتبی روایت کرده که آن حضرت در حدیث سؤالاتی که مرد یهودی از پیامبر کرد فرمود: «یهودی گفت: ای محمّد! خبر ده مرا از آن کلماتی که خدا آن‌ها را برای ابراهیم پس از ساختن کعبه برگزید [آن کلمات چه بود؟] پیامبر فرمود: بله، آن کلمات «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» بود.

تا رسید به اینجا که یهودی پرسید: ای محمّد! راست گفتی. اینک بگو: پاداش کسی که این کلمات را بگوید چیست؟

قال إذا قال العبد سبحان اللّه سبّح معه ما دون العرش فيعطى قائلها عشر أمثالها وإذا قال الحمد للّه أنعم اللّه عليه بنعيم الدّنيا موصولاً بنعيم الآخرة وهي الكلمة التي يقولها أهل الجنة إذا دخلوها وينقطع الكلام الذي يقولونه في الدنيا ما خلاً الحمد للّه وذلك قوله عزّ وجلّ دعواهم فيها سبحانك اللّهمّ وتحيّتهم فيها سلام وآخر دعواهم أن الحمد للّه ربّ العالمين.

وأمّا قوله لا إله إلّا اللّه فالجنّة جزاءه وذلك قوله عزّ وجلّ هل جزاءُ الاحسانِ إلّا الاحسان يقول هل جزاء لا إله إلّا اللّه الّا الجنّة.

۱۳۳۱ ۲٦۸۹۱ (۱۹) **المحاسن** ۳۷: البرقي عن محمّد بن علي عن الحكم بن مسكين عن **داود** بن الحصين عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من بخل منكم بمال أن ينفقه وبالجهاد أن يحضره وباللّيل أن يكابده فلا يبخل بسبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر ولا حول ولا قوّة الّا باللّه.

وتقدّم في رواية حمّاد (۷) من باب (۱۹) أفضل وقت العشاء من أبواب المواقيت ج ۴ قوله صلى الله عليه وآله لمّا اسرى بي إلى السماء دخلت الجنّة فرأيت فيها قصراً من ياقوتة حمراء (إلى أن قال) فقلت يا جبرئيل لمن هذا القصر قال هذا لمن اطاب الكلام (إلى أن قال) أتدري ما اطابة الكلام فقلت اللّه ورسوله أعلم قال (سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر).

وفي أكثر أحاديث باب (۹) ما ورد في ذكر اللّه تعالى عندما أحلّ وحرّم من أبواب جهاد النفس ج ۱٦ ما يناسب ذلك.

حضرت فرمود: هر گاه بنده بگوید: «سبحان الله» تمام آفریده‌هایی که زیر عرش هستند یعنی [تمام مخلوقات] با او هم نوا شده و تسبیح خدا گویند و ده برابر تسبیح آن‌ها به گویندهٔ آن داده خواهد شد و هر گاه بگوید: «الحمدلله» خداوند نعمت‌های دنیوی پیوسته به نعمت‌های اخروی به او مرحمت فرماید و این، کلمه‌ای است که بهشتیان چون به بهشت درآیند و سخن‌هایی که در دنیا می‌گفتند منقطع شود، آن کلمه را گویند چنانچه خدای عزیز و جلیل آن را بیان کرده که: **«نیایش آنان در آن [بهشت، این است:] خدایا! تو پاک و منزّهی و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان این است که سپاس و ستایش پروردگار جهانیان را باد.»**[1]

و امّا گفتهٔ او: «لا اله الّا الله» پس پاداش او بهشت است و این هم فرمودهٔ خود خدای عزّ و جلّ است که فرمود: **«آیا پاداش نیکی جز نیکی است.»**[2] مقصودش این است که آیا پاداش «لا اله الّا الله» جز بهشت است؟»

۱۳۳۱ (۱۹) داود بن حصین از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس از شما اگر بخل می‌ورزد از اینکه مال خود را در راه خدا خرج کند و از حضور در میدان جنگ و جهاد می‌ترسد و از شب‌زنده‌داری احساس زحمت می‌کند پس لااقلّ از گفتن «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» و گفتن «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» بخل نورزد.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت هفتم از باب نوزدهم از باب‌های مواقیت فرموده پیامبرﷺ که: چون به آسمان مرا سیر دادند به بهشت آمدم پس در آن، کاخی از یاقوت سرخ دیدم (تا آنجا که فرمود:) پس به جبرئیل گفتم: این کاخ از آنِ کیست؟ گفت: این کاخ از آنِ کسی است که سخن خود را پاک و نیک کند (تا اینکه فرمود:) آیا می‌دانی کلام پاک و نیک چیست؟ گفتم: خدا و پیامبرش داناتر است.

فرمود: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا الهَ الّا الله والله اکبر» است.

و در بسیاری از روایات باب نهم از باب‌های جهاد با نفس آنچه مناسب با آن است.

---

۱. یونس ۱۰/۱۰.
۲. رحمٰن ۵۵/۶۰.

(۱۹)

باب ماورد في أنّه ليس شيء أعظم وأفضل وأرجح وأثقل من شهادة ان لا إله إلّا اللّه وانّ أفضل الكلام وسيّد القول وثمن الجنّة وحصن اللّه تعالى قول لا إله الّا اللّه لمن قالها مخلصاً موالياً لأهل بيت النّبيّ ﷺ

قال اللّه تعالى في سورة آل عمران (۳): ۱۸: ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلْعِلْمِ قَآئِمَۢا بِٱلْقِسْطِ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾.

محمّد ﷺ (۴۷): ۱۹: ﴿فَٱعْلَمْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَىٰكُمْ﴾.

التوبة (۹): ۱۲۹: ﴿فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾.

۱۳۳۲ ۳۶۸۹۲ (۱) **كافي** ۲/۵۱۶: عدّة من أصحابنا عن **المحاسن** ۳۰: أحمد بن محمّد عن محمّد بن علي عن (محمّد ـ كا) بن الفضيل [۱] عن أبي حمزة قال سمعت أبا جعفر ﷺ يقول ما من شيء أعظم (ثواباً ـ كا) من شهادة أن لا إله إلّا اللّه انّ [۲] اللّه عزّ وجلّ لا [۳] يعدله شيء ولا يشركه في الأمور [۴] أحد؛ التّوحيد ۱۹: **الثواب** ۱۷: حدّثني محمّد بن الحسن (بن أحمد بن الوليد ﷺ ـ التوحيد) قال: حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن هلال عن (الحسن بن علي ـ التوحيد) بن فضّال عن أبي حمزة (الثمالي ـ ثواب) مثله.

۱۳۳۳ ۳۶۸۹۳ (۲) **مستدرك** ۵/۳۵۷: القطب **الراوندي في دعواته** عن النّبيّ ﷺ أنّه قال ما مِنَ الذّكر شيء أفضل من قوله لا إله إلّا اللّه وما من الدّعاء شيء أفضل من الإستغفار ثمّ تلا فَأَعْلَمْ أَنَّهُ لا اِلهَ إلّا اللّه وَاستَغْفِر لذنبك.

۱۳۳۴ ۳۶۸۹۴ (۳) **كمال الدّين** ۶۶۹: حدّثنا محمّد بن ابراهيم بن اسحاق ﷺ قال حدّثنا عبدالعزيز ابن يحيى الجلودي البصري قال حدّثنا محمّد بن زكريّا الجوهري قال: حدّثنا محمّد بن جعفر بن عمارة عن أبيه عن سعد بن طريف عن الأصبغ بن نباتة قال سمعت أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب ﷺ يقول: سمعت رسول اللّه ﷺ يقول: أفضل الكلام قول لا إله إلّا اللّه.

---

۱. أبي الفضيل ـ محاسن.
۲. لأنّ اللّه ـ توحيد ـ ثواب ـ محاسن.
۳. لم يعدله ـ محاسن.
۴. في الأمر ـ توحيد ثواب.

باب ۱۹

لا إله إلّا الله، بهای بهشت

خداوند متعال فرموده است:

خدا که همواره برپا دارندهٔ عدل است، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و صاحبان علم [نیز گواهی می‌دهند که] جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.[1]

پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش خواه و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] و خدا فرجام و مآل [هر یک از] شما را می‌داند.[2]

پس اگر روی برتافتند بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.[3]

۱۳۳۲ (۱) ابوحمزه از امام باقر﴿ع﴾ روایت کرده که: «از آن حضرت شنیدم که فرمود: چیزی پیش خدا بزرگ‌تر از شهادت دادن به «لا اله الّا الله» نیست. به راستی هیچ کس و هیچ چیز با خدای توانای بزرگ، برابر نیست و در تمام کارها او را شریکی نیست.»

این روایت در کتاب ثواب الاعمال با سند دیگری نقل شده است.

۱۳۳۳ (۲) قطب راوندی در کتاب دعوات از پیامبر﴿ص﴾ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «ذکری بالاتر از ذکر «لا اله الّا الله» نیست و دعایی بهتر از استغفار نیست.

سپس حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «**پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش خواه.**»

۱۳۳۴ (۳) اصبغ بن نباته گوید: «از امیرمؤمنان علیّ بن ابی طالب﴿ع﴾ شنیدم که فرمود: از رسول خدا﴿ص﴾ شنیدم که فرمود: بالاترین سخن، کلمهٔ «لا اله الاّ الله» است و بالاترین آفریده، نخستین کسی است که «لا اله الّا الله» گفته.

---

۱. آل عمران ۱۸/۳.   ۲. محمّد﴿ص﴾ ۱۹/۴۷.   ۳. توبه ۱۲۹/۹.

وأفضل الخلق أوّل من قال: لا إله إلّا اللّه فقيل: يا رسول اللّه ومن أوّل من قال: لا إله إلّا اللّه قال: أنا وأنا نور بين يدي اللّه جلاً جلاله أوحّده وأسبّحه وأكبّره وأقدّسه وامجّده ويتلوني نور شاهد منّي.

فقيل: يا رسول اللّه: ومن الشاهد منك فقال: عليّ ابن أبي طالب أخي وصفيّي ووزيري وخليفتي ووصيّي وامام امّتي وصاحب حوضي وحامل لوائي فقيل له: يارسول اللّه فمن يتلوه فقال: الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنّة ثمّ الأئمّة من ولد الحسين إلى يوم القيامة.

۱۳۳۵ ۳٦۸۹۵ (۴) **مستدرك ۵/ ۳۶۳**: الشيخ أبو محمّد جعفر بن أحمد القمي في كتاب المسلسلات قال حدّثنا محمّد بن جعفر الوكيل من بني هاشم قال حدّثني أبوبكر محمّد بن أحمد بن الحسين بن رزين البغدادي قال حدّثني أحمد بن عبداللّه المالكي قال حدّثني عبدالرّحمن بن الليث قال حدّثني إسحٰق بن ابراهيم الموصلي قال سمعت سروحد[1] النحوي قال سمعت هرثمة بن أعين يقول سمعت هارون الرشيد يقول سمعت أبي المهدي يقول سمعت أبي المنصور يقول حدّثني أبي عن أبيه عن جدّه عن ابن عبّاس قال قال رسول اللّه ﷺ أفضل الكلام لا إله إلّا اللّه وأفضل الدعاء الحمد للّه.

۱۳۳٦ ۳٦۸۹٦ (۵) **الجعفريات ۲۲۸**: باسناده عن **جعفر** بن محمّد عن أبيه عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ سيد القول لا إله إلّا اللّه وخير العبادة الإستغفار.

۱۳۳۷ ۳٦۸۹۷ (۶) **جامع الأحاديث ۸۷**: حدّثنا أحمد بن علي قال حدّثنا محمّد بن الحسن عن محمّد بن الحسن الصفّار عن ابراهيم بن هاشم عن النوفلي عن **السكوني** عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ سيد القول لا إله إلّا اللّه.

۱۳۳۸ ۳٦۸۹۸ (۷) **مستدرك ۵/ ۳۵۷**: القطب الرّاونديّ في دعواته قال أبو عبداللّه ﷺ سيّد كلام الأوّلين والآخرين لا إله إلّا اللّه.

۱۳۳۹ ۳٦۸۹۹ (۸) **مستدرك ۵/ ۳۶۴**: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ ﷺ انّه قال ما تكلّم المتكلّمون بمثل شهادة ان لا إله إلّا اللّه.

---

۱. وفي المصدر ـ شيرويه وفي‌الأصل شيرونا وفي (ر) شيرو حدّثنا.

از حضرت پرسیده شد: نخستین کسی که «لا اله الّا الله» گفت چه کسی بود؟ حضرت فرمود: من هستم و من نوری بودم در جلوی خدای بزرگ که او را به یکتایی می‌ستودم و تسبیح و تکبیر و تقدیس و تمجید او می‌گفتم و در پی من آمد نوری که او از طرف من گواه است.

گفته شد: گواه از طرف تو کیست؟

فرمود: علیّ بن ابی طالب، برادر، برگزیده، وزیر، جانشین، وصیّ، امام امّتم، صاحب حوضم و به دست گیرندهٔ پرچمم.

آنگاه از پیامبرﷺ پرسیدند: پس از او چه کسی خواهد بود؟

حضرت فرمود: حسن و حسین، دو آقای جوانان بهشت و پس از آن‌ها تا روز قیامت، امامانی هستند که از فرزندان حسین هستند.»

۱۳۳۵ (۴) ابن عبّاس از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بالاترین سخن «لا اله الّا الله» است و برترین دعا «الحمد لله» است.»

۱۳۳۶ (۵) در کتاب جعفریّات از امام جعفر صادقؑ و او از پدرش و او از پدرانش روایت شده که فرمودند: «رسول خداﷺ فرمود: آقا و سرور سخن‌ها «لا اله الّا الله» است و بهترین عبادت استغفار و آمرزش خواستن [از پروردگار] است.»

۱۳۳۷ (۶) سکونی از امام صادقؑ و او از پدرش و او از پدرانشؑ روایت کرده که فرمودند: «پیامبر خداﷺ فرمود: سرور و آقای سخن‌ها «لا اله الّا الله» است.»

۱۳۳۸ (۷) قطب راوندی در کتاب دعوات روایتی از امام صادقؑ نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «اولین و آخرین سرور گفتار «لا اله الّا الله» است.»

۱۳۳۹ (۸) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «در تمام گویندگان کلامی به ارزشمندی «لا اله الّا الله» نگفته‌اند.»

۱۳۴۰ ۳۶۹۰۰ (۹) **التوحيد** ۱۸: قال أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين ابن موسى بن بابويه القمي «رض» حدّثنا **الثواب** ۱۷: أبي رحمه الله قال حدّثني (ثنا ـ التوحيد) سعد بن عبدالله عن أحمد بن أبي عبدالله (البرقي ـ التوحيد) قال: حدّثني أبو عمران العجلي قال حدّثنا محمّد بن سنان قال: حدّثنا أبو العلاء الخفّاف قال حدّثنا عطيّة العوفي عن **أبي سعيد** الخدري قال: قال النّبيّ صلى الله عليه وآله ما قلت ولا قال القائلون قبلي مثل لا إله إلّا اللّه.

۱۳۴۱ ۳۶۹۰۱ (۱۰) **الثواب** ۱۷: حدّثني محمّد بن علي ماجيلويه رحمه الله عن **كافي** ۵۰۶/۲: علي بن ابراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن أبي عبداللّه عليه السلام (عن آبائه عليهم السلام ـ الثواب) قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: خير العبادة قول لا إله إلّا اللّه. **التوحيد** ۱۸: حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه الله قال: حدّثنا محمّد ابن الحسن الصفّار قال: حدّثنا ابراهيم بن هاشم عن الحسين بن يزيد النوفلي مثله سنداً ومتناً.

۱۳۴۲ ۳۶۹۰۲ (۱۱) **الثواب** ۱۵: محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي الفقيه مصنف هذا الكتاب قال **التوحيد** ۳۰: حدّثنا[1] أبي رحمه الله قال حدّثنا[2] سعد بن عبداللّه قال حدّثني أحمد بن هلال عن أحمد بن صالح عن عيسى بن عبداللّه من ولد عمر بن علي عن آبائه عن **أبي سعيد** الخدري عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال قال اللّه جلّ جلاله لموسى (بن عمران ـ الثواب): يا موسى لو أنّ السماوات وعامريهنّ والأرضين السبع في كفّه ولا إله إلّا اللّه في كفّة مالت بهنّ لا إله إلّا اللّه.

۱۳۴۳ ۳۶۹۰۳ (۱۲) **جامع الأخبار** ۱۳۳: عن **انس** بن مالك قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّ موسى بن عمران عليه السلام كان فيما يناجي ربّه قال ربّ كيف المعرفة بك فعلّمني قال تشهد ان لا إله إلّا اللّه قال يا ربّ كيف الصلوة قال لموسى قل لا إله إلّا اللّه قال يا ربّ فاين الصلوة قال قل لا إله إلّا اللّه وكذلك تقولها عبادي إلى يوم القيمة من قالها فلو وضعت السموات والأرضون السبع في كفّة ووضع لا إله إلّا اللّه في كفّة أُخرىٰ لرجّحت بهنّ ولو وضعت عليهنّ أمثالها.

۱۳۴۴ ۳۶۹۰۴ (۱۳) **مستدرك** ۳۶۵/۵: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب قال النّبيّ صلى الله عليه وآله الأعمال كلّها توزن الّا قول لا إله إلّا اللّه.

---

۱. حدّثني ـ ثواب. ۲. حدّثني ـ ثواب.

۱۳۴۰ (۹) ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «نه من و نه گویندگان پیش از من کلمه‌ای مانند «لا اله الّا الله» نگفته‌ایم.»

۱۳۴۱ (۱۰) سکونی از امام صادق ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بهترین عبادت گفتن «لا اله الّا الله» است.»

همین روایت را شیخ صدوق نیز در کتاب توحید با سند دیگری نقل کرده است.

۱۳۴۲ (۱۱) ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «خداوند بزرگ به حضرت موسی بن عمران فرمود: ای موسی! اگر آسمان‌ها با آنچه در آن‌هاست که مایهٔ آبادانی آن شده و زمین‌های هفت گانه در کفّهٔ ترازو گذاشته شود و «لا اله الّا الله» در کفهٔ دیگر، «لا اله الّا الله» سنگین‌تر است و کفّهٔ دیگر را بالا می‌برد.»

۱۳۴۳ (۱۲) انس بن مالک از رسول گرامی اسلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «موسی بن عمران ؑ در بعضی از مناجات‌هایش با پروردگار گفت: پروردگارا! راه شناخت و معرفت پیدا کردن به خودت را به من یاد ده که چگونه است.

خدا فرمود: گواهی دهی که معبودی جز خدا نیست.

موسی گفت: نماز خواندن چگونه است؟

خدا فرمود: بگو: «لا اله الّا الله».

موسی گفت: ای پروردگار! پس نماز چه شد و کجا رفت؟

خدا فرمود: بگو: لا اله الّا الله» و همچنین تمام بندگانم تا روز قیامت بگویند: «لا اله الّا الله» و هر کس آن را بگوید، اگر آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه در یک کفهٔ ترازو نهاده شوند و «لا اله الّا الله» در کفّهٔ دیگر، البتّه این کلمهٔ طیّبه بر آن‌ها برتری داده شود هر چند، چند برابر آن‌ها هم به آن‌ها افزوده شود.»

۱۳۴۴ (۱۳) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب از پیامبر ﷺ حدیثی نقل کرده که فرمود: «تمام اعمال وزن می‌شود مگر کلمهٔ «لا اله الّا الله».»

۱۳۴۵ (۱۴) **التوحيد** ۲۱: حدّثنا أبي قال حدّثنا علي بن الحسين الكوفي عن أبيه عن الحسين بن سيف عن أخيه علي عن أبيه سيف بن عميرة عن عمرو بن شمر **الثواب** ۱۷: أبي قال حدّثني سعد بن عبداللّه قال حدّثنا أحمد بن محمّد بن عيسى وابراهيم بن هاشم والحسن بن علي الكوفي عن عمرو بن شمر عن جابر عن **أبي الطفيل** عن علي صلوات اللّه عليه قال ما من عبد مسلم يقول «لا إله إلّا اللّه» الّا صعدت تخرق كلّ سقف لا تمرّ بشيء من سيّئاته الّا طلستها[1] حتى تنتهي إلى مثلها من الحسنات فتقف.
۳۶۹۰۵

۱۳۴۶ (۱۵) **مستدرك** ۳۶۳/۵: القطب الراوندي في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ قال إذا قال العبد لا إله إلّا اللّه طمست ما قبلها من السيئات يقول [اللّه] لا إله إلّا اللّه حصني من دخل حصني أمن عذابي.
۳۶۹۰۶

۱۳۴۷ (۱۶) **مستدرك** ۳۶۵/۵: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ قال من قال لا إله إلّا اللّه طلست[2] ما قبلها من السيئات حين (حتّى ـ ظ) يسكن مثلها من الحسنات.
۳۶۹۰۷

۱۳۴۸ (۱۷) **الثواب** ۱۸: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل قال: حدّثني علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد بن أبي عبداللّه قال حدّثني **أبوعمران** العجلي رفعه قال قال رسول اللّه ما من مؤمن يقول: «لا إله إلّا اللّه» الّا محيت ما في صحيفته من سيّئات حتّى تنتهي إلىٰ مثلها من حسنات.
۳۶۹۰۸

۱۳۴۹ (۱۸) **التوحيد** ۲۳: حدّثنا أبو منصور أحمد بن ابراهيم بن بكر الخوزي بنيسابور قال حدّثنا أبو اسحاق ابراهيم بن محمّد بن هارون الخوزي قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن زياد الفقيه الخوزي قال: حدّثنا **أحمد** بن عبداللّه الجويباري ويقال له: الهروي والنهرواني والشيباني عن الرضا عليّ بن موسى عن أبيه عن آبائه عن عليّ قال قال رسول اللّه من قال لا إله إلّا اللّه في ساعة من ليل أو نهار طلست[3] ما في صحيفته من السيئات.
۳۶۹۰۹

۱۳۵۰ (۱۹) **التوحيد** ۲۳: **العيون** ۳۱/۲: بالاسناد المتقدّم في باب (۲۲) حرمة الزكوة على من انتسب إلى هاشم ج ۹ عن الشيباني **وداود** بن سليمان عن الرضا ثمّ عن آبائه عن رسول اللّه انّه قال: انّ اللّه عزّ وجلّ عموداً من ياقوت أحمر[4] رأسه تحت العرش وأسفله على ظهر الحوت في الأرض السابعة السفلى.
۳۶۹۱۰

---

۱. طمستها ـ خ ثواب. ۲. طمست ـ خ. ۳. أي مُحِيت.

۴. ياقوتة حمراء ـ توحيد.

۱۳۴۵ (۱۴) ابوالطفیل از امام علی‌ﷺ روایت کرده که آن امام همام فرمود: «بندۀ مسلمانی نیست که «لا اله الّا الله» بگوید مگر اینکه این کلمۀ طیّبه به بالا رود و هر مانعی را از سر راه خود برداشته و به گناهی از گناهان آن بنده گذر نمی‌کند مگر اینکه آن را از بین برده تا اینکه به اندازۀ گناهان او برایش حسنات درست کند پس آن وقت متوقّف می‌شود.»

۱۳۴۶ (۱۵) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر گاه بنده بگوید «لا اله الّا الله» این کلمه تمام گناهان پیش از خود را نابود می‌کند. خدا می‌فرماید: «لا اله الّا الله» دژ محکم من است و هر کس در دژ محکم من آید از عذابم در امان باشد.»

۱۳۴۷ (۱۶) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبر گرامی اسلامﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «لا اله الّا الله» این کلمه طیّبه گناهان پیش از خود را پاک کند تا اینکه به اندازۀ همان گناهان، حسنات جایگزین نماید پس آنگاه آرام گیرد.»

۱۳۴۸ (۱۷) ابوعمران عجلی با واسطه از پیامبر خداﷺ روایت کرده که آن پیامبر رحمت فرمود: «مؤمنی نیست که «لا اله الّا الله» گوید مگر اینکه تمام گناهانی که در نامۀ اعمال اوست پاک شود تا منتهی شود به اینکه به اندازۀ همان گناهان، حسنات جایگزین نماید.»

۱۳۴۹ (۱۸) احمد بن عبدالله جویباری که به او هِرَوی و گاهی نهروانی و گاهی شیبانی گفته می‌شود، از علی بن موسی الرضاﷺ روایت کرده و آن حضرت از پدر بزرگوارش و او از پدرانش روایت کرد که امیرمؤمنان علی‌ﷺ فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: هر کس در ساعتی از ساعات شب یا روز «لا اله الّا الله» بگوید هر گناهی که در نامۀ اعمالش باشد شسته و پاک شود.»

۱۳۵۰ (۱۹) داود بن سلیمان از امام رضاﷺ روایت کرده که آن بزرگوار از پدرانش روایت کرده که فرمودند: «پیامبر خداﷺ فرمود: برای خداوند عزیز و جلیل ستونی است که جنس آن از یاقوت سرخ است، سر این ستون در زیر عرش و پایین آن بر پشت ماهی بزرگی در زمین هفتم است.

فـإذا قـال العـبد لا إله إلّا اللّـه وحـده لا شـريك له اهـتزّ العـرش وتـحرّك العـمود وتحرك الحوت.

فيقول اللّه عزّ وجلّ اسكن يا عرشي فيقول: (ياربّ ـ عيون) كيف اسكن وأنت لم تغفر لقائلها.

فيقول اللّه تبارك وتعالى اشهدوا سكّان سمواتي أنّي قد غفرت لقائلها.

١٣٥١ ٣٦٩١١ (٢٠) **جامع الأخبار** ١٣٦: عن **أنس** بن مالك قال قال رسول اللّهﷺ من قال لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد خرج من فمه طير أخضر له جناحان مكللان بالدّر والياقوت.

فإذا نشرهما بلغ المشرق والمغرب حتّى ينتهي إلى العرش وله دويّ كدويّ النحل يذكر لصاحبه.

فيقول اللّه تعالى مدحتني ومدحت نبيي أسكن فيقول كيف أسكن ولم تغفر لقائل لا إله إلّا اللّه فيقول أسكن غفرت له.

١٣٥٢ ٣٦٩١٢ (٢١) **مستدرك** ٣٦٥/٥: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّﷺ قال من قال غدوة وعشيّاً لا اله الّا أنت ضمنت (ضمّت ـ ظ) أحديها إلى الأُخرى ويمحى ما بينهما من الذنوب.

١٣٥٣ ٣٦٩١٣ (٢٢) **العيون** ١٣٧/٢: حدّثنا أبونصر أحمد بن الحسين ابن أحمد بن عبيد الضبيّ قال: سمعت **أبي الحسين** بن أحمد يقول: سمعت جدّي يقول: سمعت أبي يقول لمّا قدم علي بن موسى الرضاؑ نيسابور ايّام المأمون قمت في حوائجه والتّصرّف في أمره مادام بها فلمّا خرج إلى مرو شَيّعتُه إلى سَرَخْس.

فلمّا خرج من سَرَخس أردت أن أُشَيِّعَهُ إلى مرو.

فلمّا سار مرحلة أخرج رأسه من العمارية وقال لي: يا ابا عبداللّه انصرف راشـداً فـقد قمت بالواجب وليس للتّشييع غاية.

پس هر گاه بنده بگوید: «جز خدای یگانه بی‌همتا، خدایی نیست.» عرش تکان می‌خورد و ستون به حرکت درآید و ماهی نیز به حرکت درآید.

خدای ﷻ گوید: ای عرش من! آرام گیر.

عرش می‌گوید: چگونه آرام گیرم و حال آنکه هنوز گویندهٔ آن را نیامرزیده‌ای؟

پس خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ای ساکنین آسمان‌هایم! گواه باشید که من گویندهٔ این کلمات را آمرزیدم.»

۱۳۵۱ (۲۰) انس بن مالک از رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: ««لا اله الّا الله وحدَه لا شریکَ له اللّهمَّ صَلِّ علی محمّد و آل محمّد» از دهانش پرندهٔ سبزی خارج شود که دو بالی دارد که به مروارید و یاقوت زیور شده‌اند که چون آن دو بال را بگشاید به مشرق و مغرب می‌رسد [و بال زنان بالا می‌رود] تا به عرش برسد و زمزمه‌ای چون زمزمهٔ زنبور عسل دارد و برای صاحبش ذکر خدا می‌گوید.

پس خدای بلند مرتبه گوید: مرا و پیامبر مرا ستودی، آرام بگیر. پرنده گوید: چه سان آرام گیرم که هنوز گویندهٔ «لا اله الّا الله» را نیامرزیده‌ای؟

پس خدا می‌فرماید: آرام بگیر، او را آمرزیدم.»

۱۳۵۲ (۲۱) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب حدیثی از پیامبر ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس صبح و شام بگوید: لا اله الّا انتَ و یکی را به دیگری ضمیمه کند گناهانی که در میان دو [در طول روز از او سر زده] پاک شود.»

۱۳۵۳ (۲۲) ابوالحسین بن احمد از جدّش و او از پدرش نقل کرده است که: «وقتی امام علیّ بن موسی الرضا ﷺ در ایّام مأمون به نیشابور آمد، مدّتی که در آنجا بود من در خدمت او بودم و کارهایی که لازم داشت برایش انجام می‌دادم. پس چون از نیشابور به سمت مَرْو حرکت کرد من تا سرخس حضرت را بدرقه کردم. پس چون از سرخس خارج شد من تصمیم داشتم تا مرو حضرت را بدرقه کنم چون مقداری رفت سرش را از عماری [= محمل] بیرون آورد و فرمود: ای ابا عبدالله، رستگار شوی، برگرد تو به وظیفهٔ خود عمل کردی و بدرقه هم حدّ و اندازه‌ای دارد.

گفتم: تو را به حقّ پیامبر مصطفی و علی مرتضی و فاطمهٔ زهرا قسم می‌دهم که حدیثی بگوی که مرا با آن شفا بخشی تا برگردم.

حضرت فرمود: آیا از من حدیث می‌خواهی با اینکه می‌بینی از جوار رسول خدا ﷺ اخراج شدم و نمی‌دانم که عاقبت کارم چه می‌شود.

قال: قلت بحقّ المصطفىٰ والمرتضىٰ والزّهرآء لمّا حدثتني بحديث تشفيني بـه حـتّى أرجع فقال تسألني الحديث وقد أخرجت من جوار رسول اللّه ولا أدري إلى ما يصير أمري قال قلت بحق المصطفى والمرتضى والزهراء لمّا حدثتني بحديث تشفيني (به ـ خ) حـتّى أرجع فقال: حدّثني أبي عن جدّي عن أبيه أنّه سمع أباه يذكر أنّه سمع أباه يقول: سمعت أبي علي بن أبي طالب عليه السلام يذكر أنّه سمع النّبيّ صلى الله عليه وآله يقول: قال اللّـه جـلّ جـلاله: لا إله إلّا اللّـه حصني [۱] من قالها مخلصاً من قلبه دخل حصني ومن دخل حصني أمِنَ من عذابي.

۱۳۵٤ ۳٦۹۱٤ (۲۳) **مستدرك ۳٦٥/٥**: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قـال: رأيت البارحة عجباً رأيت رجلا من أمّتي انتهى إلى أبواب الجنّة فغلقت الأبـواب دونـه فـجائته شهادة أن لا إله إلّا اللّه ففتحت له الأبواب وأدخل الجنّة.

۱۳۵۵ ۳٦۹۱٥ (۲٤) **الثواب ۱٦**: أبي رحمه الله قال: حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن الحسين بن سيف عن أبيه عن **عمرو** بن جميع رفعه إلى النّبيّ صلى الله عليه وآله قال: ثمن الجنّة «لا إله إلّا اللّه».

۱۳۵٦ ۳٦۹۱٦ (۲٥) **الثواب ۱۸**: **التوحيد ۲۱**: حدّثنا محمّد بن الحسن (أحمد بن الوليد رحمه الله التوحيد) قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار عن (أحمد بـن أبـي عـبداللّـه ـ التـوحيد) البـرقي عـن الحسين بن سيف عن أخيه علي عن المفضّل بن صالح عن **عبيد** بـن زرارة قـال قـال أبـو عبداللّه عليه السلام: قوله لا إله إلّا اللّه ثمن الجنّة.

۱۳۵۷ ۳٦۹۱۷ (۲٦) **مستدرك ۳٦٤/٥**: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب قال صلى الله عليه وآله: ثمن الجنّة لا إله إلّا اللّه مفتاح الجنّة لا إله إلّا اللّه نجا صاحب هذه الشهادة فيقول اللّه عبدي عهد إليّ فأنا أحَقّ من وفي بالعهد ادخلوا عبدي الجنّة.

۱۳۵۸ ۳٦۹۱۸ (۲۷) **أمالي الطوسي ۵۸۳**: حدّثنا الشيخ أبوجعفر محمّد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي رحمه الله قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل قال: حدّثني أحمد بن عيسى بن محمّد بن الفراء الكبير قال حدّثنا القاسم بن اسماعيل الأنباري قال: حدّثنا ابراهيم بن عـبدالحـميد قال: حدّثني **معتب** مولى عبداللّه بن مسلم عن أبي عبداللّه جعفر بن محمّد عن أبيه عـن **جابر** بن عبداللّه الأنصاري قال جاء أعرابي إلى النّبيّ صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول اللّه هل للجنّة من ثمن قال: **نعم** قال: ما ثمنها قال: لا إله إلّا اللّه يقولها العبد الصالح مخلصاً بها.

---

۱. اسمي خ والظاهر انّه سهو.

گفتم: تو را به حقّ پیامبر مصطفی و علیّ مرتضی و فاطمهٔ زهرا قسم می‌دهم که برایم حدیثی بگویید که مرا با آن شفا دهی تا اینکه برگردم.

امام رضاؑ فرمود: «پدرم برایم از جدّم نقل کرد و او از پدرش و او از پدرش و او از پدرش امام حسینؑ و او از پدرش امام علی بن ابی طالبؑ نقل کرده که شنید از پیامبرﷺ که فرمود: خداوند بلند منزلت فرموده: ««لا اله الّا الله» دژ محکم من است و هر کس آن را با اخلاص از ته دل بگوید به دژ محکم من درآمده و هر کس به دژ محکم من درآید از عذابم ایمن باشد.»

۱۳۵۴ (۲۳) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «دیشب خواب شگفت انگیزی دیدم. دیدم که مردی از امّتم تا دَمِ دَرِ بهشت آمد ولی همهٔ درهای بهشت به رویش بسته شد پس گواهی «لا اله الّا الله» که به آن گواهی داده بود به دادش رسید پس همهٔ درهای بهشت را به روی وی گشود و او را به بهشت درآورد.»

۱۳۵۵ (۲۴) عمرو بن جمیع با واسطه از پیامبر خداﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «بهای بهشت، «لا اله الّا الله» است.»

۱۳۵۶ (۲۵) عبید بن زراره از امام صادقؑ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «کلمهٔ «لا اله الّا الله» بهای بهشت است.»

۱۳۵۷ (۲۶) قطب راوندی ؒ در کتاب لُبّ اللُّباب حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «بهای بهشت، «لا اله الّا الله» است، کلید بهشت «لا اله الّا الله» است، گواهی دهندهٔ به آن نجات یابد و خدا گوید: بندهٔ من با من پیمانی بست پس من سزاوارترم به وفا کردن به عهد و پیمان، بنده‌ام را به بهشت بَرید.»

۱۳۵۸ (۲۷) جابر بن عبدالله انصاری حکایت کرده که: «عربی بادیه‌نشین به حضور پیامبرﷺ شرفیاب شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! آیا بهشت را بهایی است؟ حضرت فرمود: آری. عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: بهایش «لا اله الّا الله» است که بنده آن را از روی اخلاص بگوید.

قال: وما اخلاصها قال: العمل بما بُعِثتُ به في حقّه وحبّ أهل بيتي قال: وحبّ أهل بيتك لَمِنْ حَقِّها قال: أجل انّ حبّهم لأَعْظَمُ حقِّها.

۱۳۵۹ ۳۶۹۱۹ (۲۸) **الثواب** ۲۲: أبي﵀ قال: حدّثني عبداللّه بن الحسن المؤدّب عن أحمد بن عليّ الاصبهاني عن ابراهيم بن محمّد الثقفيّ عن محمّد بن اسحاق عن أبي هارون العبدي عن **أبي سعيد** الخدريّ قال كان رسول اللّهﷺ ذات يوم جالساً وعنده نظر من أصحابه فيهم عليّ بن أبي طالب﵇ إذ قال: من قال: لا إله إلّا اللّه دخل الجنّة. فقال رجلان من أصحابه فنحن نقول: لا إله إلّا اللّه فقال رسول اللّهﷺ: انّما تُقبَلُ شهادة أن لا إله إلّا اللّه من هذا ومن شيعته الذين اَخَذ ربُّنا ميثاقهم فقال الرجلان فنحن نقول لا إله إلّا اللّه.

فوضع رسول اللّهﷺ يده على رأس عليّ ﵇ ثمّ قال: علامة ذلك أن لا تحلاّ عقده ولا تجلسا مجلسه ولا تكذبا حديثه.

۱۳۶۰ ۳۶۹۲۰ (۲۹) **التوحيد** ۲۳: حدّثنا أبو منصور أحمد بن ابراهيم بن بكر الخوزي بنيسابور قال حدّثنا أبو اسحاق ابراهيم بن محمّد بن هارون الخوزي قال حدّثنا جعفر بن محمّد ابن زياد الفقيه الخوزي قال: حدّثنا أحمد بن عبداللّه الجويباري ويقال له: الهروي والنهرواني **والشيباني** عن الرضا علي بن موسى عن أبيه عن آبائه عن عليّ ﵇ قال قال رسول اللّهﷺ اِنّ لا إله إلّا اللّه كلمة عظيمة كريمة على اللّه عزّ وجلّ من قالها مخلصاً استوجب الجنّة ومن قالها كاذباً عصمت ماله ودمه وكان مصيره إلى النار.

۱۳۶۱ ۳۶۹۲۱ (۳۰) **الاحتجاج** ۳۸۶/۱: عن **الاصبغ** بن نباتة قال: خطبنا أمير المؤمنين﵇ على منبر الكوفة فحمد اللّه واثنى عليه (إلى أن قال) ابن الكوا يا أمير المؤمنين كم بين موضع قدمك إلى عرش ربّك قال: ثكلتك أمّك يابن الكوّا سَلْ متعلّماً ولا تسأل متعنّتاً من موضع قدمي إلى عرش ربّي أن يقول قائل مخلصاً: «لا إله إلّا اللّه». قال يا أمير المؤمنين فما ثواب من قال: لا إله إلّا اللّه قال: من قال لا إله إلّا اللّه مخلصاً طمست ذنوبه كما يطمس الحرف الاسود من الرّقّ الابيض.

عرض کرد: اخلاص آن چگونه است؟

حضرت فرمود: عمل کردن به آنچه که من به خاطر آن مبعوث شدم مطابق با آنچه که وظیفهٔ او اقتضا می‌کند و دوستی اهل بیتم.

عرب گفت: آیا دوستی اهل بیتت نیز وظیفهٔ آن است؟

فرمود: آری، به راستی که دوستی آن‌ها بزرگترین حقّ آن است.»

۱۳۵۹ (۲۸) ابوسعید خدری حکایت کرده که: «روزی رسول خداﷺ نشسته بود و گروهی از اصحاب در محضرش بودند که در میان آن‌ها علی بن ابی طالب‌ؑ بود.

پیامبرﷺ فرمود: هر کس بگوید: «لا اله الّا الله» داخل بهشت شود پس دو مرد از میان اصحاب گفتند: پس ما می‌گوییم: «لا اله الّا الله». پس پیامبر خداﷺ فرمود: شهادت «لا اله الّا الله» را فقط از این [علی بن ابی طالب‌ؑ] و شیعیانش که خدا از آن‌ها عهد و پیمان گرفته، می‌پذیرد.

آن دو مرد [فلان و فلان] گفتند: پس ما هم با همین پیمان «لا اله الّا الله» می‌گوییم.

پس رسول خداﷺ دست مبارک خود را بر روی سر علی‌ؑ گذاشت و فرمود: نشانهٔ درستی، آن است که پیمانی که با او بستید نشکنید و به جای او ننشینید و سخن او را تکذیب نکنید.»

۱۳۶۰ (۲۹) عبدالله جویباری از امام رضاؑ روایت کرده که آن حضرت از پدر بزرگوارش و او از پدرانش روایت کرده‌اند تا اینکه از علی‌ؑ روایت کرده‌اند که آن امام همام فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: به راستی که «لا اله الّا الله» کلمهٔ بزرگ و محترمی است در نزد خدای عزیز و جلیل، هر کس آن را با اخلاص بگوید، مستحق بهشت شود و هر کس آن را به دروغ گوید [و در قلب به آن اعتقاد نداشته باشد] مال و جانش مصون باشد ولی جایگاه نهایی‌اش آتش دوزخ است.»

۱۳۶۱ (۳۰) اصبغ بن نباته حکایت کرده که: «امیرمؤمنان علی‌ؑ بر روی منبر کوفه برای ما سخنرانی فرمود پس حمد و ثنای الهی به جای آورد (تا اینکه ابن کوّا گفت:) ای امیرمؤمنان! فاصلهٔ قدم تا عرش پروردگارت چقدر است؟

حضرت فرمود: مادرت به عزایت نشیند ای ابن کوّا برای علم آموخت و چیز یاد گرفتن سؤال کن نه برای محکوم کردن و مغلوب کردن طرف. [بدان که] از محلّ قدم من تا عرش پروردگارم فاصله به قدر گفتن گوینده‌ای است که از روی اخلاص بگوید: «لا اله الّا الله» پرسید: ای امیر مؤمنان، چیست پاداش کسی که بگوید «لا اله الّا الله»؟ حضرت فرمود: هر کس با اخلاص بگوید «لا اله الّا الله» گناهانش پاک شود آن‌سان که حرف سیاه از کاغذ سفید پاک گردد.

فان قال ثانية لا إله إلّا اللّه مخلصاً خرقت أبواب السماوات وصفوف الملائكة حتّى تقول الملائكة بعضها لبعض اخشعوا لعظمة اللّه.

فإذا قال ثالثة لا إله إلّا اللّه مخلصاً تنته دون العرش فيقول الجليل: «اسكني فوعزتي وجلالي لاغفرنّ لقائلك بماكان فيه» ثمّ تلا هذه الآية: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّـٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ﴾ يعني إذاكان عمله صالحاً ارتفع قوله وكلامه.

۱۳۶۲ ۳۶۹۲۲ (۳۱) **مستدرك ۵/ ۳۶۴**: القطب الراوندي في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ ﷺ قال لا إله إلّا اللّه كلمة طيّبة مباركة من قالها مخلصاً نجا منّي ودخل الجنّة ومن قالها غير مخلص نجا منّي ودخل النار.

۱۳۶۳ ۳۶۹۲۳ (۳۲) **العوالي ۱/ ۴۱**: قال رسول اللّه ﷺ من قال لا إله إلّا اللّه دخل الجنّة وان زنى وان سرق.

۱۳۶٤ ۳۶۹۲٤ (۳۳) **مستدرك ۵/ ۳۶۴**: القطب الراوندي في كتاب لبّ اللّباب وقال موسى ؈ يا ربّ دلّني على عمل أدخل به الجنّة فقال قل لا إله إلّا اللّه فانّه لو وضعت على السموات لقمصتهنّ. (والظاهر انّ الصحيح لقصمتهنّ).

۱۳۶۵ ۳۶۹۲۵ (۳۴) **فقه الرضا** ؈ ۳۹۰: نروى: انّ رجلاً أتى أبا جعفر ؈ فسأله عن الحديث الذي روى عن رسول اللّه ﷺ أنّه قال من قال لا إله إلّا اللّه دخل الجنّة فقال أبو جعفر ؈: «الخبر حقّ» فولّى الرجل مدبراً فلمّا خرج أمر بردّه ثمّ قال يا هذا انّ للا إله إلّا اللّه شروطاً وانّي من شروطها.

۱۳۶٦ ۳۶۹۲٦ (۳۵) **التوحيد ۲۲**: حدّثنا أبونصر محمّد بن أحمد بن تميم السرخسي الفقيه بسرخس قال حدّثنا أبو لبيد محمّد بن ادريس الشّامي قال: حدّثنا هارون بن عبداللّه الجمّال عن أبي أيّوب قال حدّثني قدامة بن محرز الأشجعي قال حدّثني مخرمة بن بكير بن عبداللّه بن الأشجّ عن أبيه عن **أبي حرب** بن زيد بن خالد الجُهني قال أشهد على أبي زيد بن خالد لسمعته يقول: أرسلني رسول اللّه ﷺ فقال لي: بشّر الناس أنّه من قال: لا إله إلّا اللّه وحد لا شريك له فله الجنّة.

پس اگر دوباره از روی اخلاص بگوید «لا اله الّا الله» از درهای آسمان گذشته و از صفوف فرشتگان درمی‌گذرد تا اینکه بعضی از فرشتگان به بعضی دیگر گویند: برای عظمت و بزرگی خدا کرنش کنید.

پس اگر بار سوّم با اخلاص بگوید «لا اله الّا الله» به عرش خواهد رسید پس خداوند بزرگ گوید: همین جا آرام گیر که به عزّت و جلالم که البتّه و صد البتّه که گویندهٔ تو را آمرزیدم با هر چه که در اوست [و هر گناهی که مرتکب شده باشد.]

سپس مولی این آیه را تلاوت فرمود: «کلمات پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته آن را بالا می‌برد.»[1] یعنی هر گاه عملش صالح باشد، گفته و سخنش بالا می‌رود.»

۱۳۶۲ (۳۱) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبر ﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «لا اله الّا الله» کلمهٔ طیّبه و پاکیزه‌ای است، هر کس آن را با اخلاص بگوید هم [مال و جانش] از من نجات یابد و هم به بهشت وارد شود و کسی که بدون اخلاص آن را گوید از من نجات یابد ولی به آتش دوزخ وارد شود.»

۱۳۶۳ (۳۲) در کتاب عوالی اللئالی حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «لا اله الّا الله» به بهشت رود اگر چه زنا کرده باشد و اگر چه دزدی کرده باشد.»

۱۳۶۴ (۳۳) قطب راوندی در لبّ اللباب نقل کرده که: «حضرت موسی ﷺ گفت: ای پروردگار! مرا به عملی راهنمایی کن که با آن به بهشت روم.

خدا فرمود: بگو: «لا اله الّا الله» زیرا اگر این [کلمه طیّبه] بر آسمان‌ها نهاده شود بر آن‌ها غلبه یابد.»

۱۳۶۵ (۳۴) در کتاب فقه الرضا ﷺ آمده است: «روایت شده که مردی به خدمت امام باقر ﷺ آمد و از حضرتش در رابطه با حدیثی که از رسول خدا ﷺ روایت شده پرسید که پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس «لا اله الّا الله» بگوید به بهشت رود.

پس امام باقر ﷺ فرمود: این خبر حقّ است. پس مرد رو به رفتن گذاشت وقتی از خانه خارج شد حضرت دستور فرمود که برگردد. سپس فرمود: ای مخاطب! «لا اله الّا الله» شروطی دارد و من از شروط او هستم.»

۱۳۶۶ (۳۵) ابوزید بن خالد از رسول خدا ﷺ حکایت کرده که: «پیامبر خدا ﷺ مرا فرستاد و به من گفت: مردم را مژده بده که هر کس بگوید: «لا اله الّا الله وحدَهُ لا شریکَ لَهُ» پس برای او بهشت است.»

---

۱. فاطر ۱۰/۳۵.

۱۳۶۷ ۳۶۹۲۷ (۳۶) **المحاسن** ۳۳: البرقي قال: حدّثني ابن بنت الياس عن احمد بن عائذ عن أبي الحسن السوّاق عن **أبان** بن تغلب عن أبي عبداللّه عليه السلام قال يا أبان إذا قدمت الكوفة فأرو هذا الحديث من شهد أن لا إله إلّا اللّه مخلصاً وجبت له الجنّة قال: قلت له: انّهٔ يأتيني من كلّ صنف من الاصناف فأروى لهم هذا الحديث قال نعم يا أبان انّه إذا كان يوم القيامة وجمع اللّه الأوّلين والآخرين فيسلب منهم لا إله إلّا اللّه الّا من كان علىٰ هذا الأمر. **المحاسن** ۱۸۱: البرقي عن ابن محبوب عن عمرو ابن أبي المقدام عن **أبان** بن تغلب قال قال أبو جعفر عليه السلام وذكره نحوه.

۱۳۶۸ ۳۶۹۲۸ (۳۷) **المحاسن** ۱۸۱: البرقي عن صالح بن السندي عن جعفر بن بشير عن صبّاح الحذّاء عن **أبان** بن تغلب عن أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا كان يوم القيامة نادىٰ مناد «من شهد أن لا إله إلّا اللّه فليدخل الجنّة» قال: قلت: فَعَلىٰ مَ تخاصم الناس إذا كان من شهد ان لا إله إلّا اللّه دخل الجنّة فقال انّه إذا كان يوم القيامة نسوها.

۱۳۶۹ ۳۶۹۲۹ (۳۸) **مستدرك** ۳۶۵/۵: القطب الراوندي في كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال: من ختم له بلا إله إلّا اللّه وجبت له الجنّة.

۱۳۷۰ ۳۶۹۳۰ (۳۹) وقال صلى الله عليه وآله من كان آخر كلامه لا إله إلّا اللّه دخل الجنّة قيل فان قالها في حياته قال تلك أوجب وأوجب.

۱۳۷۱ ۳۶۹۳۱ (۴۰) **الثواب** ۱۹: أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد وابراهيم بن هاشم والحسن بن علي الكوفي **التوحيد** ۲۱: حدّثنا جعفر بن علي بن الحسن بن علي بن عبداللّه بن المغيرة الكوفي رحمه الله قال حدّثني جدّي الحسن بن علي الكوفي عن الحسين بن سيف عن أخيه عليّ عن أبيه (سيف بن عميرة ـ التوحيد) عن عمرو بن شمر عن **جابر** بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر عليه السلام قال: جاء جبرئيل إلى رسول اللّه صلى الله عليه وآله فقال يا محمّد طوبى لمن قال مِن أمّتك: لا إله إلّا اللّه وحده وحده وحده. **كافي** ۵۱۷/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد عن علي بن النعمان **المحاسن** ۳۰: البرقي عن أبيه عن علي بن النعمان (فيما أعلم ـ المحاسن) عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال جبرئيل لرسول اللّه صلى الله عليه وآله (وذكر مثله).

۱۳۶۷ (۳۶) ابان بن تغلب از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «ای ابان! چون به کوفه رفتی این حدیث را روایت کن: هر کس با اخلاص گواهی دهد به اینکه «معبودی جز خدا نیست.» بهشت او را واجب شود.

ابان گفت: به حضرت عرض کردم: از همهٔ طبقات و اقشار و اصناف مردم [از عامّه و خاصّه] پیش من می‌آیند پس با این حال آیا باز هم من این حدیث را برای آن‌ها نقل کنم؟ حضرت فرمود: آری ای ابان زیرا آنگاه که روز قیامت فرا رسد و خدا اوّلین و آخرین را گرد آورد، «لا اله الّا الله» را از آن‌ها سلب کند مگر کسی که بر این امر [ولایت اهل بیت‌ﷺ] باشد.»

در محاسن برقی همین روایت به نقل از ابان بن تغلب از امام باقرﷺ نقل شده است.

۱۳۶۸ (۳۷) ابان بن تغلب از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «هر گاه روز قیامت فرا رسد کسی به امر الهی صدا می‌زند: هر کس به «لا اله الّا الله» گواهی داده پس بیاید و وارد بهشت شود. ابان گفت: به حضرت عرض کردم: حال که هر کس به «لا اله الّا الله» گواهی دهد به بهشت رود پس به خاطر چه چیز با مردم [غیر شیعه] مخاصمه می‌کنی؟

حضرت فرمود: هر گاه روز قیامت شود، آن گواهی را فراموش می‌کنند.»

۱۳۶۹ (۳۸) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس کارش به «لا اله الّا الله» ختم شد بهشت او را واجب شود.»

۱۳۷۰ (۳۹) و رسول خداﷺ فرمود: «کسی که آخرین سخنش [در دار دنیا] «لا اله الّا الله» باشد به بهشت رود. به حضرت عرض شد: اگر در طول زندگی‌اش بگوید چطور؟

حضرت فرمود: آن که به طریق اولی به بهشت رود به طریق اولی.»

۱۳۷۱ (۴۰) جابر بن یزید جعفی از امام محمّد باقرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «جبرئیل به خدمت رسول اللهﷺ آمد و عرض کرد: ای محمّد! خوشا به حال آن کس از امّت تو که بگوید: «لا اله الّا الله وحدَهُ وحدَهُ وحدَه.»

در کتاب اصول کافی و محاسن برقی نیز این روایت ذکر شده است.

۱۳۷۲ ۳۶۹۳۲ (۴۱) **الثواب** ۱۹: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل قال: حدّثني علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد ابن أبي عبداللّه عن الحسن بن محبوب **التوحيد** ۲۱: حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد قال حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن أبي جميلة عن جابر عن أبي جعفر (أبي عبداللّه ـ توحيد) قال: قال رسول اللّه: أتاني جبرئيل بين الصّفا والمروة فقال يا محمّد طوبى لمن قال من أمّتك: لا إله إلّا اللّه (وحده ـ توحيد) مخلصاً.

۱۳۷۳ ۳۶۹۳۳ (۴۲) **كافي** ۵۱۷/۲: عدّة من أصحابنا عن **المحاسن** ۳۰: أحمد بن محمّد عن محمّد بن علي عن محمّد بن الفضيل عن الفضيل بن عبدالوهاب عن اسحاق بن (عبداللّه[۱] عن كا) عبيداللّه بن الوليد الوصّافي رفعه قال قال رسول اللّه من قال، لا إله إلّا اللّه غرست له شجرة في الجنّة من ياقوتة حمراء منبتها في مسك أبيض أحْلىٰ من العسل وأشدّ بياضاً من الثلج وأطيب ريحاً من المسك فيها (ثمار ـ الثواب) أمثال ثدى[۲] الأبكار تعلو[۳] عن سبعين حلّة. (كا ـ وقال رسول اللّه: خير العبادة قول لا إله إلّا اللّه) (كا ـ المحاسن ـ وقال خير العبادة الاستغفار وذلك قول اللّه عزّ وجلّ في كتابه «فأعلم أنّه لا إله إلّا اللّه واستغفر لذنبك» **الثواب** ۱۶: أبي قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن هلال عن الفضيل بن عبدالوهّاب مثله سنداً ونحوه متناً إلى قوله سبعين حلّة.

۱۳۷۴ ۳۶۹۳۴ (۴۳) **الثواب** ۲۲: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل قال حدّثني محمّد بن يحيى عن محمّد بن أحمد عن محمّد بن السرى عن علي بن الحكم عن أبي المغرا عن **جابر** عن أبي عبداللّه قال من قال: لا إله إلّا اللّه من غير تعجّب خلق اللّه منها طائراً يرفرف على رأس صاحبها إلى أن تقوم الساعة ويذكر لقائلها.

۱۳۷۵ ۳۶۹۳۵ (۴۴) **جامع الأحاديث** ۸۹: حدّثنا هرون بن موسى عن محمّد بن علي عن محمّد بن الحسين عن علي بن اسباط عن **ابن فضّال** عن الصادق عن أبيه عن آبائه عن النّبيّ شعار المسلمين على الصراط يوم القيمة لا إله إلّا اللّه وعلىٰ اللّه فليتوكّل المتوكّلون.

۱۳۷۶ ۳۶۹۳۶ (۴۵) **مستدرك** ۳۶۴/۵: القطب **الراوندي في** كتاب لبّ اللّباب عن النّبيّ قال: إذا قال العبد لا إله إلّا اللّه خرقت سقوف السماء حتّى تصير مثل القمر وأعماله حولها مثل الكواكب.

---

۱. عبيداللّه ـ خ. ۲. أثداى ـ ثواب. ۳. تفلق على ـ محاسن ـ تفلق عن ـ ثواب.

۱۳۷۲ (۴۱) جابر از امام باقر‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: جبرئیل در بین صفا و مروه پیش من آمد و گفت: ای محمّد! خوشا به حال آن کس از امّت که از روی اخلاص بگوید: «لا اله الّا الله».»

۱۳۷۳ (۴۲) اسحاق بن عبیدالله بن ولید وصّافی با واسطه از رسول خداﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «لا اله الّا الله» درختی در بهشت برایش کاشته شود که از یاقوت سرخ است، ریشه‌اش در مشک سفیدی است که شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از برف و خوشبوتر از مشک است. میوه‌هایش چون پستان‌های دختران باکره است که برجستگی‌اش از زیر هفتاد پیراهن پیداست.

و پیامبر خداﷺ فرمود: بهترین عبادت گفتن «لا اله الّا الله» است.

و فرمود: بهترین عبادت استغفار است و این دو سخن در حقیقت مفاد آیهٔ شریفهٔ قرآن است که خدا فرمود: «**پس بدان که در حقیقت جز خدا معبودی نیست [= «لا اله الّا الله»] و برای گناهت آمرزش خواه [= «استغفر الله»]**

۱۳۷۴ (۴۳) جابر از امام صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بدون اظهار شگفتی بگوید: «لا اله الّا الله» خدا از آن پرنده‌ای بیافریند که بر بالای سر صاحبش بال زند و تا قیامت برای گوینده‌اش ذکر گوید.»

۱۳۷۵ (۴۴) ابن فضّال از امام صادق‌ؑ و او از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرمودند: «پیامبرﷺ فرمود: در روز قیامت شعار مسلمانان بر روی صراط «جز خدا معبودی نیست و آنان که می‌خواهند اعتماد کنند باید بر خدا اعتماد کنند.» است.»

۱۳۷۶ (۴۵) قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر گاه بنده می‌گوید: «لا اله الّا الله» [این کلمهٔ طیّبه] سقف آسمان‌ها را می‌شکافد تا اینکه همانند ماه شود و دیگر کارهایش در پیرامون آن مثل ستارگان باشند.»

۱۳۷۷ ۳۶۹۳۷ (۴۶) **المقنع ۹۴**: قال رسول اللّه ﷺ ليس على أصحابت لا إله إلّا اللّه وحشة في قبورهم كأنّيّ أنظر إليهم ينفضون رؤوسهم ويقولون الحمد للّه الذي صدقنا وعده.

۱۳۷۸ ۳۶۹۳۸ (۴۷) **علي بن موسى بن طاووس** في كتاب الاقبال ۲۹۴/۳: ط ح عن النّبيّ ﷺ قال من قال في شعبان ألف مرّة لا إله إلّا اللّه ولا نعبد الّا ايّاه مخلصين له الدّين ولو كره المشركون كتب اللّه له عبادة ألف سنة ومحاعنه ذنب ألف سنة ويخرج من قبره يوم القيامة ووجهه يتلأ لأُمثل القمر ليلة البدر وكُتِبَ عنداللّه صدّيقاً.

۱۳۷۹ ۳۶۹۳۹ (۴۸) **وفيه ۲۱۶**: وعنه ﷺ من قال في رجب لا إله إلّا اللّه ألف مرّة كتب اللّه له مأة ألف حسنة وبنى اللّه له مأة مدينة في الجنّة.

وتقدّم في كثير من أحاديث باب (۹) تلقين المحتضر الشهادتين من أبواب ما يتعلّق بالمرض ج ۳ ما يناسب الباب.

وفي رواية اسماعيل (۴۲) من باب (۳۱) استحباب الصمت من أبواب جهاد النفس قوله ﷺ وأكثروا من التهليل والتقديس والتسبيح والثناء على اللّه الخ فراجع.

وفي رواية جابر (۱۰۴) من باب (۶۰) وجوب الخوف من اللّه تعالى قوله ﷺ ليس شيء الّا وله شيء يعدله الّا اللّه عزّ وجلّ فانّه لا يعدله شيء ولا إله إلّا اللّه فانّه لا يعدلها شيء.

وفي رواية جابر (۴) من باب (۱۶) فضل التسبيح قوله ﷺ آمرك ان تقول لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له فانّ السماء والارض لو جعلتا في كفّة وزَنَتْهُما ولو جعلتا في حلقة قَصَمتها.

وفي أحاديث الباب المتقدّم قوله ﷺ خير العبادة قوله لا إله إلّا اللّه وسيّد القول لا إله إلّا اللّه.

وفي أحاديث الباب التّالي وما يتلوه ما يدلّ على ذلك.

۱۳۷۷ (۴۶) در کتاب مُقنع حدیثی از رسول خدا نقل کرده که آن حضرت فرمود: «برای گویندگان «لا اله الّا الله» در میان قبر، هول و هراسی نیست. گویی هم اکنون آن‌ها را مشاهده می‌کنم که گرد و خاک از سر خود فرو می‌ریزند و می‌گویند: سپاس خدایی را که به راستی به ما وعده داد و به آنچه وعده داده بود عمل کرد.»

۱۳۷۸ (۴۷) ابن طاووس در کتاب اقبال حدیثی از پیامبر نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در ماه شعبان هزار بار بگوید: «لا اله الّا الله ولا نعبُدُ الاّ ایّاهُ مُخلِصینَ له الدینَ ولو کَرِه المشرکونَ» خدا عبادت هزار سال برایش نویسد و هزار گناه از گناهانش را پاک کند و بیامرزد و روز قیامت از قبرش درآید در حالی که چهره‌اش چون ماه تمام می‌درخشد و در نزد خدا نامش جزو صدّیقان نوشته شود.»

۱۳۷۹ (۴۸) و در همان کتاب اقبال از پیامبر حدیثی دیگر نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس در ماه رجب، هزار بار گوید: «لا اله الّا الله» خدا صدهزار حسنه برایش نویسد و صدهزار شهر در بهشت برایش بسازد.»

ارجاعات

گذشت:

در بسیاری از روایات باب نهم از باب‌های آنچه بر بسیاری تعلق دارد مناسب آن هست.

و در روایت چهل و دوم از باب سی و یکم از باب‌های جهاد با نفس فرموده امام که: «تهلیل و تقدیس و تسبیح و ستایش الهی زیاد بگویید.»

و در روایت صد و چهارم از باب شصتم فرموده پیامبر که: «هر چیزی معادلی دارد که با او برابری می‌کند جز خدای که هیچ چیز با او برابری نکند و «لا اله الّا الله» [هم که حاکی از یگانگی خداست] هیچ چیز با او برابری نکند.»

و در روایت چهارم از باب شانزدهم فرموده امام که: «امر می‌کنم تو را به گفتن «لا اله الّا الله وحدَه لا شریک لَه» چرا که اگر آسمان و زمین در یک کفّهٔ ترازو جای گیرد و این ذکر در کفّهٔ دیگر، بر آن‌ها بچربد و سنگین‌تر خواهد بود و اگر حلقه‌ای آن قدر بزرگ باشد که آسمان و زمین از آن رَد شوند این ذکر شریف از عظمت و بزرگی آن حلقه را بشکند چون ظرفیّت و گنجایش عبور این ذکر را ندارد.»

و در روایات باب پیشین فرموده امام که: «بهترین عبادت، گفتن «لا اله الّا الله» است و آقای همهٔ سخن‌ها «لا اله الّا الله» است.»

و در روایات باب بعدی و باب پس از آن آنچه بر آن دلالت می‌کند.

(۲۰)

باب تأكّد استحباب التّهليل عشراً في الصّباح والمساء واستحباب قضائه إنْ فات

۱۳۸۰ ۳٦۹٤۰ (۱) **كافي** ۵۳۳/۲: (عدّة من أصحابنا ـ معلّق) عن أحمد بن محمّد بن خالد عن محمّد بن علي عن عن أبي جميلة عن **محمّد** بن مروان عن أبي عبدالله عليه السلام قال قل استعيذ بالله من الشيطان الرجيم واعوذ بالله ان يحضرون انّ الله هو السّميع العليم وقل لا إله إلّا الله وحده لا شريك له (له الملك وله الحمد ـ عيّاشي) يحيي ويميت (ويميت ويحيي ـ عياشي) وهو على كلّ شيء قدير قال فقال له رجل مفروض هو قال نعم مفروض (هو ـ عياشي) محدود تقوله قبل طلوع الشمس وقبل الغروب عشر مرّات فان فاتك شيء منها فاقضه من اللّيل والنّهار.

تفسير العيّاشي ۴۵/۲: عن **محمّد** بن مروان عن بعض أصحابه قال قال جعفر بن محمّد عليه السلام استعيذوا بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم وأعوذ (وذكر مثله).

۱۳۸۱ ۳٦۹٤۱ (۲) **كافي** ۵۳۳/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن اسماعيل بن مهران عن رجل عن اسحاق بن عمّار عن **العلاء** بن كامل قال قال أبو عبدالله عليه السلام انّ من الدعاء ما ينبغي لصاحبه إذا نسيه ان يقضيه يقول بعد الغداة لا إله إلّا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حيّ لا يموت بيده الخير [كلّه] وهو على كلّ شيء قدير عشر مرّات ويقول أعوذ بالله السميع العليم عشر مرّات فإذا نسي من ذلك شيئاً كان عليه قضائه.

۱۳۸۲ ۳٦۹٤۲ (۳) **تفسير العيّاشي** ۴۵/۲: عن **الحسين** بن المختار عن أبي عبدالله عليه السلام في قول الله وَاذْكُرْ ربّك في نفسكَ تضرّعاً وَخيفَةً وَدُونَ الجهرِ منَ القَولِ بالغُدوِّ والآصالِ قال تقول عند المساء لا إله إلّا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت [ويميت ويحيي] وهو على كلّ شيء قدير قلت بيده الخير قال [انّ] بيده الخير ولكن [قل] كما أقول.

باب ۲۰

گفتن ده بار «لا إله إلّا الله» در صبح و شام

۱۳۸۰ (۱) محمّد بن مروان از امام صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بگو: «پناه می‌برم به خدا از شیطان مطرود و پناه می‌برم از اینکه به سراغ من آیند. به راستی که خدا شنوا و داناست.»

و بگو: «جز خدای یگانهٔ بی‌همتا، معبودی نیست، فرمانروایی از آن اوست هر کمال و جمالی مال اوست، زنده کند و بمیراند و می‌میراند و زنده کند و او بر هر کاری تواناست.»

مردی به حضرت عرض کرد: آیا واجب است؟

حضرت فرمود: آری، واجب است و دارای اندازهٔ معیّنی است. پیش از سر زدن خورشید و پیش از غروب آن، ده بار آن را می‌گویی و اگر از تو فوت شد پس قضای او را در شب یا روز به جای آر.»

در تفسیر عیّاشی نیز این روایت شریف ذکر شده است.

۱۳۸۱ (۲) علاء بن کامل از امام صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بعضی از دعاها از چنان اهمیّتی برخوردار است که اگر انسان فراموش کرد سزاوار است که قضای آن را به جای آورد، یکی از آن‌ها این ذکر است که ده بار آن را سحرگاه هر روز بخواند: «معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست، فرمانروایی از آن اوست و همهٔ خوبی‌ها مال اوست. زنده کند و بمیراند و می‌میراند و زنده گرداند و خود او زنده‌ای است که مرگ به او راه ندارد تمام خیرات در دست اوست و او بر هر کاری تواناست.»

۱۳۸۲ (۳) حسین بن مختار از امام صادق ﷺ روایت کرده که در تفسیر فرموده خدا در قرآن که فرموده: «**و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرّع و ترس، بی صدای بلند یاد کن، (و از غافلان مباش.)**» آن حضرت فرمود: در هر شامگاه بگویی: «معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست، فرمانروایی از آن اوست و همهٔ خوبی‌ها مال اوست. زنده کند و بمیراند و می‌میراند و زنده گرداند و خود او زنده‌ای است که مرگ به او راه ندارد تمام خیرات در دست اوست و او بر هر کاری تواناست.»

گفتم: بیده الخیر.

حضرت فرمود: بله، خیر در دست اوست ولی همانگونه که من می‌گویم تو بگو [و از پیش خود ذکر را زیاد و کم مکن.]

لك عشر مرّات وأعوذ باللّه السّميع العليم من همزات الشّياطين وأعوذ بك ربّ ان يحضرون انّ اللّه هو السّميع العليم عشر مرّات حين تطلع الشمس وعشر مرّات حين تغرب.

١٣٨٣ ٢٦٩٤٣ (۴) **مستدرك** ٣٥٠/٥: كتاب العلاء بن رزين عن **محمّد** بن مسلم قال سألته يعني أبا جعفر عليه السلام عن التّسبيح قال ما علمت فيه شيئاً موظّفاً الّا تسبيح فاطمة عليها السلام وعشراً بعد الغداة لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير.

وتقدّم في روايتي أبي خديجه (٢ و ٣) من باب (٢٣) استحباب الدعاء والذكر والاستعاذة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها من أبواب الدعاء ما يدلّ على ذلك.

(٢١)
باب انّ من رفع صوته بقول لا إله إلّا اللّه تناثرت ذنوبه

١٣٨٤ ٢٦٩٤٤ (١) **الثواب** ٢٠: أبي رحمه الله قال: حدّثنا عبداللّه بن جعفر الحميري قال: حدّثني أحمد بن محمّد عن الحسين بن سيف عن أخيه عليّ عن أبيه **سيف** بن عميرة عن الصادق جعفر بن محمّد عليهما السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يقول: «لا إله إلّا اللّه» يرفع بها صوته فيفرغ حتّى تتناثر ذنوبه تحت قدميه كما تتناثر ورق الشجر تحتها.

المقنع ٩۴: قال صلى الله عليه وآله ما من عبد مسلم يقول لا إله إلّا اللّه يمدّ بها صوته (وذكر مثله).

١٣٨٥ ٢٦٩٤٥ (٢) **التوحيد** ٢٢: **الثواب** ٢١: أبي رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد (بن عيسى ـ التوحيد) عن الحسين ابن سيف عن سليمان بن عمرو قال حدّثني عمران بن أبي عطاء قال حدّثني عطاء عن **ابن عبّاس** عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال ما من الكلام كلمة أحبّ إلى اللّه عزّ وجلّ من قول لا إله إلّا اللّه وما من عبد يقول «لا إله إلّا اللّه» (يمدّ بها صوته فيفرغ ـ التوحيد) الّا تناثرت ذنوبه تحت قدميه كما يتناثر ورق الشجر تحتها.

و در هر سحرگاه وقتی که خورشید می‌خواهد طلوع کند و هر عصر وقتی که خورشید می‌خواهد غروب کند، ده بار بگو:

«پناه می‌برم به خدای شنوای دانا از وسوسه‌های شیطان‌ها و پناه می‌آورم به تو ای پروردگار از اینکه به سراغ من آیند. [آری] به راستی که خدا شنوای داناست. قابل ذکر است که این ذکر نیز عمل کردن به دستوری است که در این آیه است: «وقُلْ رَبِّ أعوذُ بِکَ مِن همزات الشیاطین واعوذ بک رَبِّ ان یحضُرونِ.»[1]

۱۳۸۳ (۴) محمّد بن مسلم حکایت کرده که: «از او یعنی از امام باقرعلیه السلام در رابطه با تسبیح پرسیدم، حضرت فرمود: در آن مقدار معیّنی سراغ ندارم مگر تسبیح حضرت فاطمهعلیها السلام و اینکه در سحر هر روز ده بار گفته شود: «معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست، فرمانروایی از آن اوست و همهٔ خوبی‌ها مال اوست. زنده کند و بمیراند و می‌میراند و زنده گرداند و خود او زنده‌ای است که مرگ به او راه ندارد تمام خیرات در دست اوست و او بر هر کاری تواناست.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات دوم و سوم از باب بیست و سوم از باب‌های دعا آنچه بر آن دلالت می‌کند.

باب ۲۱

تهلیل با صدای بلند

۱۳۸۴ (۱) سیف بن عمیره از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: مسلمانی نیست که با صدای بلند «لا اله الّا الله» بگوید مگر اینکه گناهانش به زمین فرو ریزد آن سان که برگ‌های درخت [در فصل خزان] فرو می‌ریزد.»

در کتاب مُقنِع از پیامبرﷺ همین حدیث فوق ذکر شده ولی در آن آمده که: «مسلمانی نیست که با صدای کشیده، «لا اله الّا الله» بگوید مگر اینکه... تا آخر حدیث، مثل روایت قبلی است.»

۱۳۸۵ (۲) ابن عبّاس از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در میان سخن‌ها، کلمه‌ای پیش خدای عزیز و جلیل محبوب‌تر از کلمهٔ «لا اله الّا الله» نیست و بنده‌ای نیست که با صدای کشیده، «لا اله الّا الله» بگوید مگر اینکه پس از گفتن، گناهانش به پایش فرو ریزد آن سان که برگ درخت [در خزان] به زیر درخت فرو می‌ریزد.»

---

۱. مؤمنون ۲۳/۹۷ ـ ۹۸.

۱۳۸۶ (۳) جعفر بن أحمد القمي في كتاب **الغايات** ۱۹۶ عن **عبدالله** ابن عبّاس قال سمعت
۲۶۹۴۶ رسول اللّه ﷺ يقول لم يسمع اللّه كلمة أحبّ إليه ولا أعمّ عنده من لا إله إلّا اللّه وعظمها فلا يلتقى به الشفتان وليس من مسلم يملأ فاه ويمدّ بها صوته حتّىٰ تتناثر عنه ذنوبه كما تتناثر [ورق خ] الشجر اليابس.

(۲۲)

باب ثواب من قال أشهد ان لا إله إلّا اللّه وانّ محمّداً ﷺ رسول اللّه

۱۳۸۷ (۱) **كافي** ۵۱۸/۲: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن سعيد عن **أبي عبيدة**
۲۶۹۴۷ الحذّاء عن أبي جعفر ﷺ قال من قال أشهد أن لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله كتب اللّه له الف الف حسنة.

۱۳۸۸ (۲) **الثواب** ۲۵: أبي ﷺ قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن هلال عن محمّد بن
۲۶۹۴۸ عيسى الأرمني عن أبي عمران الخرّاط عن بشر عن **الأوزاعي**[1] عن جعفر بن محمّد عن أبيه ﷺ قال من شهد أن لا إله إلّا اللّه ولم يشهد أنّ محمّداً رسول اللّه ﷺ كتب (اللّه ـ محاسن) له عشر حسنات فان شهد أنّ محمّداً رسول اللّه كتب له ألفاً ألف[2] حسنة. **المحاسن** ۳۳: البرقي عن محمّد بن علي عن علي بن أسباط عن يعقوب بن سالم عن رجل عن **جابر** بن يزيد عن أبي جعفر ﷺ مثله.

۱۳۸۹ (۳) **الثواب** ۲۵: أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد بن عيسى
۲۶۹۴۹ وابراهيم بن هاشم والحسن بن علي الكوفي عن الحسين بن سيف عن أبيه عن أبي حازم المديني عن **سهل** بن سعد الأنصاري قال سألت رسول اللّه ﷺ عن قوله اللّه عزّ وجلّ ﴿وَما كُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادينا﴾ قال كتب اللّه عزّ وجلّ كتاباً قبل أن يخلق الخلق بألفى عام في ورق آس أنبته ثمّ وضعها على العرش ثمّ نادى يا امّة محمّد أنّ رحمتي سبقت غضبي أعطيتكم قبل أن تسألوني وغفرت لكم قبل أن تستغفروني فمن لقيني منكم يشهد أن لا إله إلّا أنا وأنّ محمّداً عبدي ورسولي أدخلته الجنّة برحمتي.

---

۱. بشر الاوزاعي ـ ئل. ۲. ألفي ألف ـ محاسن.

۱۳۸۶ (۳) عبدالله بن عبّاس حکایت کرده که: «از پیامبر خداﷺ شنیدم که فرمود: خدا کلمه‌ای که پیش او عزیزتر و فراگیرتر از «لا اله الّا الله» باشد، نشنیده است و این کلمه را خدا عظمت بخشیده و در هنگام گفتن آن لب‌ها به هم نمی‌خورند و مسلمانی نیست که دهانش را با گفتن آن پر کند و صدایش را در هنگام گفتن آن بکشد مگر اینکه گناهانش از او فرو ریزد آن سان که برگ درخت خشکیده بر زمین فرو ریزد.»

باب ۲۲

ثواب گفتن شهادتَین

۱۳۸۷ (۱) ابو عبیده حذّاء از امام باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «گواهی دهم که جز خدای یکتای بی‌همتا، معبودی نیست و گواهی دهم که محمّد بندهٔ او و پیامبر اوست.» خدابرایش یک میلیون حسنه بنویسد.»

۱۳۸۸ (۲) اوزاعی از امام صادقؑ و او از پدر بزرگوارش روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که گواهی دهد که جز خدا معبودی نیست یعنی فقط بگوید: «اشهدُ انْ لا الهَ الّا الله» برایش ده حسنه نوشته شود ولی اگر گواهی دهد که محمّدﷺ پیامبر خداست یعنی بگوید: «اشهد انّ محمّداً رسولُ الله» خدا برایش هزار هزار حسنه نویسد.»

همین روایت ارزشمند را برقی در کتاب محاسن با سند دیگری از امام باقرؑ ذکر کرده است.

۱۳۸۹ (۳) سهل بن سعد انصاری حکایت کرده که: «از پیامبر خداﷺ در رابطه با تفسیر آیهٔ شریفهٔ: «وما کنتَ بجانبِ الطّورِ اذْ نادَیْنا»[1] فرمود: خداوند ۲۰۰۰ سال قبل از آنکه مخلوقات را خلق کند کتاب را در ورق اُنس که او را رویانده بود نوشت سپس آن را بر عرش قرار داد سپس ندا داد: ای امت محمدﷺ به درستی که رحمت من غضبم را سبقت گرفته است به شما قبل از اینکه از من مسئلت نمایید و شما را بخشیدم قبل از اینکه از من طلب مغفرت نمایید پس هرکس مرا ملاقات کند شهادت دهد که معبودی جز من نیست و محمّد بندهٔ من و پیامبر من است، او را با رحمتم به بهشت بَرَم.»

---

۱. قصص ۴۶/۲۸. ترجمهٔ تمام آیه این است: «و آن دم که [موسی را] ندا دادیم، تو در جانب طور نبودی ولی رحمتی است از پروردگار تو تا قومی را که هیچ هشدار دهنده‌ای پیش از تو برای‌شان نیامده است بیم دهی، باشد که آنان پند پذیرند.»

١٣٩٠ ٣٦٩٥٠ (٤) **مستدرك** ٣٦٦/٥: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النّبيّ ﷺ قال ناد في الناس من يشهد أن لا إله إلّا اللّه وانّي رسول اللّه دخل الجنّة.

١٣٩١ ٣٦٩٥١ (٥) **أمالي الشيخ** ٢٦٠: عن أبيه قال أخبرنا أبو عمر وقال أخبرنا أحمد قال حدّثنا أحمد بن يحيى الصوفي قال حدّثنا عبدالرّحمن بن شريك بن عبداللّه النخعي قال حدّثنا أي قال حدّثنا عاصم بن **عبدالرحمان** بن أبي عمرة[١] عن أبيه في حديث قال قال رسول اللّه ﷺ أشهد أن لا إله إلّا اللّه وأنّ محمّداً عبده ورسوله والّذي نفسي بيده لا يقولها أحد الّا حرّمه اللّه على النّار.

وتقدّم في أحاديث باب (٩) تلقين المحتضر الشهادتين من أبواب ما يتعلّق بالمرض ج ٣ ما يناسب الباب.

(٢٣)

باب ماورد في ثواب قول لا حول ولا قوّة إلّا باللّه وفضله وانّه يدفع الوسوسة وتسعة وتسعين داء أيسرها الهمّ والخنق

١٣٩٢ ٣٦٩٥٢ (١) **أمالي الصدوق** ٤٣٦: حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد ابن الوليد قال حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار عن أيّوب بن نوح عن صفوان بن يحيى عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه الصادق ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ انّ آدم شكا إلى اللّه عزّ وجلّ ما يلقى من حديث النفس والحزن فنزل عليه جبرائيل فقال له يا آدم قل لا حول ولاقوّة الّا باللّه فقالها فذهب عنه الوسوسة والحزن.

١٣٩٣ ٣٦٩٥٣ (٢) **المحاسن** ٤١: البرقي عن محمّد بن بكر عن زكريّا بن محمّد عن عامر بن معقل عن **أبان** بن تغلب عن أبي عبداللّه ﷺ قال أنّ آدم ﷺ شكا إلى ربّه حديث النفس فقال أكثر من قول «لا حول ولا قوّة الّا باللّه».

١٣٩٤ ٣٦٩٥٤ (٣) **مستدرك** ٣٦٩/٥: الراوندي في قصص الأنبياء باسناده إلى الصدوق عن ماجيلويه عن عمّه عن أحمد بن محمّد البرقي عن أحمد بن محمّد البزنطي عن **أبان** بن عيسى عن الصادق ﷺ قال كان آدم ﷺ إذا لم يأته جبرئيل اغتمّ وحزن فشكا ذلك إلى جبرئيل فقال إذا وجدت شيئاً من الحزن فقل لا حول ولا قوّة الّا باللّه.

---

١. في نسخة عاصم بن عبداللّه بن عاسم بن عبدالرحمن.

۱۳۹۰ (۴) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «در میان مردم ندا دِه که هر کسی گواهی دهد که جز خدا معبودی نیست و من پیامبر خدا هستم، به بهشت رود.»

۱۳۹۱ (۵) عبدالرحمان بن ابی عمره از پدرش و او از پیامبر خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «أشهدُ أن لا اله الّا اللهُ وانّ محمّداً عبدُهُ و رسولُهُ» سوگند به آن کس که جان من در دست اوست احدی این کلام را نگوید مگر اینکه خدا او را بر آتش [دوزخ] حرام گرداند.»

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب نهم از باب‌های آنچه بر بیماری تعلق دارد مناسب باب هست.

باب ۲۳

داروی نود و نه بیماری

۱۳۹۲ (۱) هشام بن سالم از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: حضرت آدم از القاء حدیث نفس و وسوسهٔ نفس و غم و اندوه به درگاه خدایﷻ شکایت کرد.

پس جبرئیل بر او فرود آمد و به او گفت: ای آدم! بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست مگر به خدا.» آن را گفت پس وسوسه و اندوه از او رخت بربست.»

۱۳۹۳ (۲) ابان بن تغلب از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «حضرت آدم از حدیث نفس [و خطورات نامناسب قلبی] به درگاه پروردگارش، شکایت کرد.

پس خدا فرمود: زیاد بگو: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله.»

۱۳۹۴ (۳) ابان بن عیسی از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه جبرئیل پیش حضرت آدم نمی‌آمد [و آمدنش دیر می‌شد] دل آدم را غم و اندوه می‌گرفت پس پیش جبرئیل اندوه درونی خود را اظهار کرد.

پس جبرئیل گفت: هر گاه اندوه در دل یافتی بگو: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله»

۱۳۹۵ ۲۶۹۵۵ (۴) **مستدرك** ۵/ ۳۷۱: **صحيفة** الرضا عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من حزنه أمر فليقل لاحول ولا قوّة الّا باللّه.

۱۳۹۶ ۲۶۹۵۶ (۵) **فقه الرضا** عليه السلام ۳۹۳: إذا أحزنك أمر فقل سبع مرّات بسم اللّه الرحمن الرحيم لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم وان كفيت والّا اتممت سبعين مرّة.

۱۳۹۷ ۲۶۹۵۷ (۶) **أمالي الطوسي** ۴۸۰: عن جماعة عن أبي المفضّل قال حدّثنا أبو سليمان عن أحمد بن هوذة ابن أبي هراسة الباهلي قال حدّثنا ابراهيم بن اسحاق بن أبي بشر الأحمري قال أخبرنا عبداللّه بن حمّاد الأنصاري عن **عبدالعزيز** بن محمّد بن الدراوردي قال دخل سفيان الثّوري على أبي عبداللّه جعفر بن محمّد عليهما السلام وأنا عنده فقال له جعفر عليه السلام يا سفيان أنّك رجل مطلوب وأنا رجل تسرع إليّ الألسن فسل عمّا بذالك (إلى أن قال عليه السلام) يا سفيان إذا أنعم اللّه على أحد (منكم) بنعمة فليحمد اللّه عزّ وجلّ وإذا استبطي الرزق فليستغفر اللّه وإذا حزنه أمر قال لا حول ولا قوّة الّا باللّه العلي العظيم.

۱۳۹۸ ۲۶۹۵۸ (۷) **مستدرك** ۵/ ۳۷۴: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب قال النّبيّ صلى الله عليه وآله لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم دواء من تسعة وتسعين داء أيسرها الهمّ. **ابن أبي جمهور** في درر اللئالي عنه صلى اللّه عليه وآله مثله.

۱۳۹۹ ۲۶۹۵۹ (۸) **المحاسن** ۴۱: البرقي عن أبيه عن أحمد بن النضر عن عمرو بن شمر عن **جابر** عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من قال «بسم اللّه الرّحمن الرّحيم لا حولَ ولا قُوّة الّا باللّه العلي العظيم» ثلاث مرّات كفاه اللّه تعالى تسعة وتسعين نوعاً من أنواع البلاء أيسرها الخنق.

۱۴۰۰ ۲۶۹۶۰ (۹) **الثواب** ۱۹۴: حدّثني محمّد بن الحسن رضي الله عنه عن محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد ابن محمّد عن علي بن الحكم عن الحسين بن سيف بن عميرة عن هشام بن أحمر [۱] قال سمعت أبا عبداللّه عليه السلام يقول [كان أبي يقول] من قال «لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم» دفع اللّه [۲] عزّ وجلّ بها عنه سبعين نوعاً من البلاء» أيسرها الخنق.

---

۱. (هشام بن حمزة ـ خ) هشام بن سالم ـ خ.

۲. صرف اللّه عنه تسعة وتسعين نوعاً من بلايا الدنيا ـ خ.

۱۳۹۵ (۴) در صحیفة الرضاؑ آمده است که آن حضرت از پدران بزرگوارش و آن‌ها از رسول خداﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «کسی که چیزی او را محزون ساخته بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّه.»

۱۳۹۶ (۵) در کتاب فقه الرضاؑ آمده است که امام رضاؑ فرمود: «هر گاه مشکلی داشتی که تو را محزون و اندوهناک ساخته بود پس هفت بار بگو: «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّه العلیّ العظیم» اگر مشکل حل شد و اندوه برطرف گشت که به مطلوب رسیده‌ای و گرنه همین ذکر را هفتاد بار بگو.»

۱۳۹۷ (۶) عبدالعزیز بن محمّد بن دراوردی حکایت کرده که: «سفیان ثوری بر امام صادقؑ وارد شد و من هم در محضر حضرت بودم پس حضرت به او گفت: ای سفیان! تو مرد معروف و مشهوری هستی و من هم مردی هستم که هر کاری کنم زود بر سر زبان‌ها می‌افتد. پس هر چه در نظر داری زود بپرس [و برو.] (تا اینکه حضرت فرمود:) ای سفیان! هر گاه خدا نعمتی به یکی از شما داد باید که حمد و سپاس خدایﷻ به جای آورد و اگر روزی‌اش به تأخیر افتاد باید که استغفار کند و هر گاه مشکلی موجب اندوهش گشت بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّه العلیّ العظیم.»

۱۳۹۸ (۷) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّه» داروی شفابخش نود و نُه درد است که کمترین آن غم و غصّه است.»

ابن ابی جمهور نیز در کتاب دُرَرُاللئالی همین حدیث فوق را از رسول مکرّم اسلامﷺ نقل کرده است.

۱۳۹۹ (۸) جابر از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس سه بار بگوید: «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّه العلیّ العظیم» خداوند بلند مرتبه او را از نود و نُه نوع بلا نگاه دارد که کمترین آن نفس تنگی و خفه شدن بر اثر آسم است.»

۱۴۰۰ (۹) هشام بن احمر گوید: «از امام جعفر صادقؑ شنیدم که فرمود: [پدرم می‌فرمود:] هر کس بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّه العلیّ العظیم» خدایﷻ به واسطهٔ آن هفتاد نوع بلا را از او دور کند که سبک‌ترین آن خفگی است.»

۱۴۰۱ ۲۶۹۶۱ (۱۰) **طبّ الأئمّة** ۳۹: محمّد بن يزيد عن زياد بن محمّد الملطي قال حدّثنا أبي عن هشام بن أحمر عن أبي عبداللّه الصادق ﷺ قال من قال لا حول ولا قوّة الّا باللّه (العليّ ـ ك) العظيم دفع اللّه عنه ثلاثة وسبعين نوعاً من أنواع البلاء أهونها الجنون.

۱۴۰۲ ۲۶۹۶۲ (۱۱) وقال علي بن أبي طالب ﷺ قال لي رسول اللّه ﷺ يا علي ألا أدلّك على كنز من كنوز الجنّة قلت بلى يا رسول اللّه قال صلى اللّه عليه وآله لا حول ولا قوّة الّا باللّه.

۱۴۰۳ ۲۶۹۶۳ (۱۲) **العيون** ۴۶/۲: بالاسناد المتقدم في باب حرمة الزكوة المفروضة على من انتسب إلى هاشم عن **داود** بن سليمان عن الرضا ﷺ عن آبائه ﷺ عن رسول اللّه ﷺ انّه قال من أنعم اللّه تعالى عليه نعمة فليحمد اللّه تعالى ومن استبطأ [عليه] الرزق فليستغفر اللّه ومن حزنه أمر فليقل لا حول ولا قوّة الّا باللّه.

۱۴۰۴ ۲۶۹۶۴ (۱۳) **المحاسن** ۴۲: البرقي عن الحسين بن يزيد النوفلي عن **اسماعيل** ابن أبي زياد السكوني عن أبي عبداللّه عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ من ظهرت عليه النعمة فليكثر ذكر الحمد للّه ومن كثرت همومه فعليه بالإستغفار ومن ألحّ عليه الفقر فليكثر من قول «لا حول ولا قوّة الّا باللّه» ينفى اللّه عنه الفقر وقال فقد النّبيّ ﷺ رجلاً من الأنصار فقال له ما غيّبك عنّا فقال الفقر يا رسول اللّه وطول السقم فقال له رسول اللّه ﷺ الا اعلّمك كلاما إذا قلته ذهب عنك الفقر والسقم قال بلى قال إذا أصبحت وأمسيت فقل لا حول ولا قوّة الّا باللّه توكّلت على الحيّ الّذي لا يموت والحمد للّه الذي لم يتّخذ ولداً ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له وليّ من الذّلّ وكبّره تكبيراً قال الرجل فواللّه ما قلته الّا ثلاثة أيّام حتّى ذهب عني الفقر والسقم.

۱۴۰۵ ۲۶۹۶۵ (۱۴) **البحار** ۱۴۶/۸۶: البلد الأمين من كتاب طريق النّجاة إذا انزل بك فقر أو بؤس فقل إذا أصبحت وأمسيت عشراً لا حول ولا قوّة إلّا باللّه (وذكر مثله) إلى قوله وكبّره تكبيراً فانّ النّبيّ ﷺ علّم ذلك رجلاً من الأنصار شكى إليه ذلك قاله ثلاثة أيّام ونفي عنه الفقر والسقم.

۱۴۰۱ (۱۰) هشام بن احمر از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» خداوند هفتاد و سه نوع بلا را از او دور کند که آسان‌ترین آن دیوانگی است.»

۱۴۰۲ (۱۱) و امام علیّ بن ابی طالبعليه السلام فرمود: «پیامبر خداﷺ به من فرمود: ای علی! آیا تو را به گنجی از گنج‌های بهشت راهنمایی نمایم؟ گفتم: آری ای پیامبر خدا.

حضرت که درود خدا بر او و خاندانش باد، فرمود: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله».

۱۴۰۳ (۱۲) داود بن سلیمان از امام رضاعليه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش و آن‌ها از رسول خداﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «کسی که خدا به او نعمتی داد پس باید که از خدا سپاس‌گزاری نماید و کسی که روزی‌اش به تأخیر افتاده پس استغفار کند و از خدا آمرزش بخواهد و کسی که مشکلی پیدا کرده و غم و غصّه دارد پس باید بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله.»

۱۴۰۴ (۱۳) اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از امام صادقعليه السلام و آن حضرت از پدرانش﷈ و آن‌ها از رسول خداﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «کسی که نعمت به او رسید باید زیاد بگوید: «الحمد لله» و کسی که غم و غصّه‌اش زیاد شد پس بر اوست که استغفار کند و کسی که فقر و تنگدستی او را رها نمی‌کند باید بسیار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» فقر و تنگدستی از او زایل گردد.»

حضرت صادقعليه السلام فرمود: «پیامبرﷺ [مدّتی] مردی از انصار را ندید [وقتی که آمد] حضرت به او فرمود: چه چیز باعث غیبت تو شده بود؟ آن مرد گفت: تنگدستی ای پیامبر خدا و بیماری طولانی.

پس پیامبر خداﷺ فرمود: آیا بیاموزم به تو ذکری که اگر آن را بگویی تنگدستی و بیماری از تو برود؟ مرد گفت: آری.

فرمود: در صبح و شام بگو: «توان و نیرویی نیست مگر به خدا، توکّل می‌کنم به خدایی که نه فرزندی گرفته و نه در جهان‌داری شریکی امت و نه از روی خواری و نیازمندی سرپرستی دارد و او را بسیار بزرگ شمار.» مرد انصاری گوید: به خدا قسم که سه روز بیشتر این ذکر را نگفتم مگر اینکه تنگدستی و بیماری از من رخت بربست.»

۱۴۰۵ (۱۴) در کتاب طریق النجاة آمده است که: «هر گاه تنگدستی یا بیچارگی تو را فرا گرفت پس بامدادان ده بار و شامگاهان ده بار بگو: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله (و دنبالهٔ آن را مانند ذکر قبلی نقل کرده) تا و کبّرهُ تکبیراً و زمانی مردی از انصار در خدمت پیامبر از تنگدستی و بیچارگی شکایت کرد پیامبرﷺ همین ذکر را به او آموخت. سه روز این ذکر را گفت، تنگدستی و بیماری از او برطرف گشت.»

١٤٠٦ ٢٦٩٦٦ (١٥) **الجعفريات** ٢٣١: باسناده عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن جدّه علي بن الحسين عن أبيه عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من تظاهرت عليه النعم فليكثر من الحمد ومن كثرت همومه فليكثر من الاستغفار ومن ألحّ عليه الفقر فليكثر من لا حول ولا قوّة إلّا باللّه.

١٤٠٧ ٢٦٩٦٧ (١٦) **مستدرك** ٣٧٤/٥: القطب الراوندي في لبّ اللّباب وقال النّبيّ صلى الله عليه وآله قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه يذهب بالفقر.

١٤٠٨ ٢٦٩٦٨ (١٧) **البحار** ١٦١/٨٦: البلد الأمين في كتاب وابل الصّيب لابن القيّم عن النّبيّ صلى الله عليه وآله من قال كلّ يوم لا حول ولا قوّة إلّا باللّه مائة مرّة لم يصبه فقر أبداً.

١٤٠٩ ٢٦٩٦٩ (١٨) **وفي فضل الحولقة** لابن عساكر عنه صلى اللّه عليه وآله أكثروا من قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم فانّها ملك الجنّة من أكثر منها نظر اللّه إليه ومن نظر إليه فقد أصاب خير الدّنيا والآخرة.

١٤١٠ ٢٦٩٧٠ (١٩) **مستدرك** ٣٧٢/٥: القطب الراوندي في دعواته عن ابن عبّاس قال جاء عون (عوف ـ خ) بن مالك الأشجعي إلى النّبيّ صلى الله عليه وآله فقال يا رسول اللّه انّ ابني قد أسره العدوّ وقد اشتد غمي وعيل صبري فما تأمرني قال آمرك ان تكثر من قول لاحول ولا قوّة الّا باللّه في كلّ حالّ.

فانصرف وهو يقول لا حول ولا قوّة الّا باللّه على كل حال فبينا هو كذلك إذ أتاه ابنه معه مأة من الابل غفل عنها المشركون فاستاقها فأتى الأشجعي رسول اللّه صلى الله عليه وآله فذكر له ذلك فنزلت هذه الآية ﴿وَمَنْ يتَّقِ اللّهُ يجعلْ لَهُ مخرَجاً ويرزُقْهُ مِنْ حيثُ لا يَحْتَسِبِ﴾.

۱۴۰۶ (۱۵) در کتاب جعفریّات با اسناد خود از امام صادقؑ روایت شده که آن حضرت از پدرش و او از جدّش علیّ بن حسینؑ و او از پدرش علیّ بن ابی طالبؑ روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: کسی که پیاپی به او نعمت می‌رسد پس باید بسیار خدا را حمد و سپاس گوید و کسی که غم و غصّه‌هایش زیاد شده پس باید بسیار استغفار کند و کسی که فقر و تنگدستی او را رها نمی‌کند پس باید فراوان بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله».

۱۴۰۷ (۱۶) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «گفتن «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» فقر را از بین ببرد.»

۱۴۰۸ (۱۷) در کتاب البلد الامین حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که آن بزرگوار فرمود: «کسی که روزی صد بار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» هیچ گاه فقر و تنگدستی به سراغ او نیاید.»

۱۴۰۹ (۱۸) ابن عساکر در کتاب فضل الحوقله از رسول خداﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «کلمهٔ «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» را زیاد بگویید زیرا این کلمه فرشتهٔ بهشت است کسی که زیاد آن را بگوید خدا به او [به دیدهٔ رحمت] بنگرد و هر کس که خدا [با دیدهٔ رحمت] به او نگریست خیر دنیا و آخرت را دریابد.»

۱۴۱۰ (۱۹) ابن عبّاس حکایت کرده که: «عون بن مالک اشجعی به حضور پیامبرﷺ شرفیاب شد، عرض کرد ای پیامبر خدا! پسرم را دشمن اسیر گرفته و غصّه‌ام زیاد و طاقتم طاق گشته، پس حضرتعالی چه دستور می‌فرمایید؟

حضرت فرمود: دستور می‌دهم به شما که زیاد بگویی و در هر حال بگویی: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله».

او از خدمت پیامبرﷺ مرخّص شد و رفت در حالی که ذکر «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» بر زبان داشت و پیوسته در هر حال آن را می‌گفت. طولی نکشید که پسرش همراه با صد شتر از شتران دشمن آمد چرا که دشمن از او و شتران غافل شده بودند، او هم از این فرصت استفاده کرده و آن‌ها را رانده و آورده. پس اشجعی خدمت رسول خداﷺ رسید و ماجرا را بازگفت، پس این آیه نازل شد که: **«هر کس تقوای الهی داشته باشد و پرهیزگار باشد خداوند راه نجاتی برایش میسّر گرداند و او را از جایی که به گمانش نرسد، روزی رساند.»**[1]

---

۱. طلاق ۶۵/۲ ـ ۳.

۱۴۱۱ ۳۶۹۷۱ (۲۰) **مستدرك ۵/ ۳۷۳**: وفي كتاب لبّ اللّباب شكا عوف بن مالك الأشجعي إلى النّبيّ ﷺ انّ ابنه اسرته العدوّ فأمر ان يستكثر من قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه وداوم عليه فنجا من همّه وردّ اللّه إليه ابنه مع الأغنام والجمال.

۱۴۱۲ ۳۶۹۷۲ (۲۱) **مستدرك ۵/ ۳۷۳**: وقال صلّى اللّه عليه وآله من قال لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمّه ووقي سبعين باباً من الفقر.

۱۴۱۳ ۳۶۹۷۳ (۲۲) **البحار ۸۶/ ۱۶۱**: البلد الأمين في كتاب الأنوار والأذكار أنّ **جبرئيل** أتى إلى النّبيّ ﷺ وقال له إنّ اللّه يقول لك قل لأُمّتك أن يقولوا لا حول ولا قوّة إلّا باللّه العليّ العظيم عشراً عند المساء وعشراً عند الصبّاح وعشراً عند النّوم ليدفع اللّه تعالى عنهم عند النّوم بلوى الدّنيا وعند المساء مكيدة الشيطان وعند الصّباح غضبه تعالىٰ.

۱۴۱۴ ۳۶۹۷۴ (۲۳) **جامع الأخبار ۱۴۳**: روىٰ **ابن عبّاس** قال رأيت النّبيّ ﷺ وهو يقول لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم قلت يا نبيّ اللّه ما ثوابه قال تسبيح حملة العرش فمن قال مرّة لا حول ولا قوّة الّا باللّه غفر اللّه له ذنوبه مأة سنة وكتب له بكلّ حرف مأة حسنة ورفع له مأة درجة فان زاد على مرّة واحدة فله بكلّ حرف كنز ونور علىٰ الصراط.

۱۴۱۵ ۳۶۹۷۵ (۲۴) **مستدرك ۵/ ۳۷۳**: القطب **الراوندي** في كتاب لبّ اللّباب وفي الخبر أنّ ابراهيم ؏ قال لنبيّنا ﷺ ليلة المعراج مُرْ امّتك حتّى يستكثروا من غرس الجنّة قال وما هي قال لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم.

۱۴۱۶ ۳۶۹۷۶ (۲۵) **الخصال ۳۴۵**: حدّثنا أبو علي الحسن بن علي بن محمّد العطّار قال حدّثنا محمّد بن محمود قال حدّثنا أبو سليمان محمّد بن منصور الفقيه واسماعيل والمكّي[1] وحمدان قالوا حدّثنا المكّي بن ابراهيم قال حدّثنا هشام بن حسان والحسن بن دينار عن محمّد ابن واسع عن عبداللّه بن الصامت عن **أبي ذرّ** رحمة اللّه عليه قال: أوصاني رسول اللّه ﷺ بسبع أوصاني أن أنظر إلىٰ من هو دوني ولا أنظر إلى من هو فوقي وأوصاني بحبّ المساكين والدّنو منهم وأوصاني أن أقول الحقّ وان كان مرّاً وأوصاني أن أصل رحمي وان أدبرت وأوصاني أن لا أخاف في اللّه لومة لائم وأوصاني أن أستكثر من قول «لا حول ولا قوّة الّا باللّه [العليّ العظيم]» فانها من كنوز الجنّة.

---

۱. اسماعيل المكي ـ ك.

۱۴۱۱ (۲۰) در کتاب لبّ اللباب آمده است: «عوف بن مالک اشجعی پیش پیامبرﷺ درد دل کرد که دشمن پسرش را به اسارت گرفته. حضرت به او دستور داد که زیاد بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» و بر این ذکر مداومت ورزد.

پس خدا او را از این غصّه نجات داد و پسرش را همراه با تعدادی گوسفند و شتر به او بازگرداند.»

۱۴۱۲ (۲۱) در کتاب مستدرک الوسائل حدیثی از رسول خداﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» از گناهانش خارج شود مانند روزی که مادرش او را زاییده بود و هفتاد در از درهای فقر و تنگدستی بر رویش بسته شود.»

۱۴۱۳ (۲۲) در کتاب البلد الامین به نقل از کتاب الانوار و الأذکار آمده است که: «جبرئیل نزد پیامبرﷺ آمد و به او گفت: خدا برای تو پیامی فرستاده است که به امّت بگو که شامگاه ده بار و بامداد، ده بار و هنگام خوابیدن ده بار بگویند: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» تا خداوند بلای دنیا را از آن‌ها در وقتی که خوابند دور گرداند و در شامگاه مکر و نیرنگ شیطان را از آن‌ها بگرداند و در بامداد خشم خود را از آن‌ها باز دارد.»

۱۴۱۴ (۲۳) ابن عبّاس حکایت کرده که: «پیامبرﷺ را دیدم که می‌گفت: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» گفتم: ای پیامبر خدا! این ذکری که می‌گویید چه ثوابی دارد؟

حضرت فرمود: این ذکر، تسبیح حاملان عرش است. پس کسی که یک بار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» خداوند گناهان صد سال او را بیامرزد و به هر حرفی برایش صد حسنه نویسد و صد درجه او را بالا برد و اگر بیشتر از یک بار بگوید به تعداد هر حرف از حروف این ذکر برایش گنجی در بهشت و نوری بر صراط خواهد بود.»

۱۴۱۵ (۲۴) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب نقل کرده که: «در خبر آمده است: حضرت ابراهیمؑ به پیامبرﷺ ما در شب معراج گفت: به امّت دستور ده که در بهشت، زیاد درخت بکارند. پیامبرﷺ فرمود: چسان و چگونه؟

حضرت ابراهیمؑ فرمود: با گفتن «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم.»

۱۴۱۶ (۲۵) ابوذرؓ حکایت کرده که: «پیامبر خداﷺ مرا به پنج خصلت سفارش فرمود:

به پایین‌تر از خود نگاه کنم و به بالاتر از خودم [از نظر مال و جاه] نگاه نکنم، فقرا و مساکین را دوست داشته باشم و به آن‌ها نزدیک شوم، حق بگویم گر چه تلخ است، صلهٔ رحم کنم و با خویشاوندانم ارتباط داشته باشم هر چند آن‌ها به من پشت کرده باشند، در راه خدا از ملامت کننده باکی نداشته باشم، بسیار بگویم: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله [العلیّ العظیم] که این ذکر از گنج‌های بهشت است.»

١٤١٧ ٣٦٩٧٧ (٢٦) **المحاسن** ١١: البرقي عن يونس بن عبدالرّحمن عن عمرو بن جميع رفعه قال قال **سلمان** الفارسي: أوصاني خليلي بسبعة خصال لا ادعُهنّ على كلّ حال أوصاني أن أنظر إلى من هو دوني ولا أنظر إلى من هو فوقي وأن أحبّ الفقراء وأدنو منهم وأن أقول الحقّ وان كان مرّاً وأن أصل رحمي وان كانت مدبرة ولا أسأل الناس شيئاً وأوصاني أن أكثر من قول «لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم» فانّها كنز من كنوز الجنّة.

١٤١٨ ٣٦٩٧٨ (٢٧) **السرائر** ٤٩٤: نقلاً من كتاب العيون والمحاسن تصنيف المفيد قال فقال سلمان أوصاني خليلي (وذكر نحوه).

١٤١٩ ٣٦٩٧٩ (٢٨) **مستدرك** ٥/٣٧٤: ابن أبي جمهور في دررالّلئالي وعن **أبي ذرّ** قال أوصاني خليلي رسول اللّه بخمس أوصاني بطاعة ولاة الأمر وأن أصل رحمي وان ولّت وأن أقول الحقّ وان كان مرّاً وأن أجالس المساكين وأن أكثر من قول لا حول ولا قوّة الّاباللّه.

١٤٢٠ ٣٦٩٨٠ (٢٩) **المحاسن** ٩: البرقي عن محمّد بن علي عن عبدالرحمن بن محمّد الأسدي عن حريب الغزّال عن صدقة القتّاب عن الحسن البصري قال كنت مع أبي جعفر بمنىٰ وقد مات رجل من قريش فقال يا باسعيد قم بنا إلى جنازته.

فلمّا دخلنا المقابر قال ألا أخبركم بخمس خصال هي من البرّ والبرّ يدعو إلىٰ الجنّة قلت بلىٰ قال اخفاء المصيبة وكتمانها والصدقة تعطيها بيمينك لا تعلم بها شمالك وبرّ الوالدين فانّ برّهما للّه رضي والأكثار من قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم فانّه من كنوز الجنّة والحبّ لمحمّد وآل محمّد (صلّى اللّه عليه وعليهم أجمعين).

١٤٢١ ٣٦٩٨١ (٣٠) **مستدرك** ٥/٣٧٤: ابن أبي جمهور في دررالّلئالي قال رسول اللّه أنّه قال ألا أدلّكم على عمل من كنوز الجنّة ومن تحت العرش قالوا بلى يا رسول اللّه قال هو لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم قال يقول اللّه لقائلها أسْلَمَ عبدي واستسلم.

۱۴۱۷ (۲۶) عمرو بن جمیع با واسطه حکایت کرده که: «سلمان فارسی گفت: دوستم [رسول خدا] مرا به پنج خصلت سفارش کرد که در هر حالی آن‌ها را ترک نکنم:

[در مال و منال دنیوی] به پایین‌تر از خود نگاه کنم، به بالاتر از خود نگاه نکنم، فقر را دوست داشته باشم و به آن‌ها نزدیک شوم، حق بگویم گرچه تلخ باشد، صلهٔ رحم کنم گر چه آن‌ها پُشت کنند و با من قطع رابطه کنند، از مردم چیزی درخواست نکنم و سفارش کرد مرا که زیاد بگویم: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» که این ذکر گنجی از گنج‌های بهشت است.»

۱۴۱۸ (۲۷) همین روایت قبلی را ابن ادریس در کتاب سرائر به نقل از کتاب العیون و المحاسن شیخ مفید نقل کرده است.

۱۴۱۹ (۲۸) ابوذر حکایت کرد که: «دوستم رسول خدا مرا پنج سفارش فرمود:

۱ـ اطاعت کردن از اولوالامر، با خویشاوندانم رابطه داشته باشم گر چه آن‌ها از من روی گردانند، حق بگویم گر چه تلخ است، با فقیران و مساکین نشست و برخاست کنم، بسیار بگویم: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله.»

۱۴۲۰ (۲۹) حسن بصری حکایت کرده که: «من با ابی جعفر امام باقر در سرزمین «مِنٰی» بودم و مردی از قریش از دنیا رفته بود.

پس حضرت فرمود: ای اباسعید! برخیز با ما بیا تا به کنارهٔ جنازه‌اش برویم.

پس چون داخل در قبرستان شدیم فرمود: آیا شما را به پنج خصلت از نیکی خبر دهم؟ و نیکی، صاحبش را به بهشت فرا می‌خواند.

گفتم: آری. فرمود: پنهان کردن مصیبت و پوشیده نگاه داشتن آن، صدقه دادن [پنهانی] به گونه‌ای که اگر با دست راستت دادی دست چپت نفهمد، نیکی کردن به پدر و مادر زیرا نیکی به آن‌ها خدا را خشنود نماید، بسیار گفتن ذکر «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» زیرا این ذکر گنجی از گنج‌های بهشت است و دوست داشتن محمّد و خاندان محمّد که درود خدا بر او و بر تمام خاندانش باد.»

۱۴۲۱ (۳۰) ابن ابی جمهور در کتاب درر اللئالی از رسول خدا حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «آیا راهنمایی کنم شما را به کاری که گنجی از گنج‌های بهشت است و از زیر عرش الهی آمده است؟ گفتند: آری ای رسول خدا.

فرمود: او «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» است.

پیامبر فرمود: خدا به گویندهٔ آن می‌گوید: بندهٔ من اسلام آورد و تسلیم من شد.»

١٤٢٢ ٣٦٩٨٢ (٣١) **المعاني** ١٣٩: حدّثنا أبونصر محمّد بن أحمد بن تميم السرخسي بسرخس قال حدّثنا أبو لبيد محمّد بن ادريس الشامي قال حدّثنا هاشم بن عبدالعزيز المخزومي قال حدّثنا سعيد بن أبي مريم عن يحيى بن أيّوب عن خالد بن يزيد عن عبداللّه بن مشروح[1] عن ربيعة بن بوراء عن **فضالة** بن عبيد قال قال رسول اللّه ﷺ من أراد كنز الحديث[2] فعليه بلا حول ولا قوّة الّا باللّه.

١٤٢٣ ٣٦٩٨٣ (٣٢) **جامع الأخبار** ١٤٣: عن أبي عبداللّه ؈ قال من قال ألف مرّة لا حول ولا قوّة الّا باللّه رزقه اللّه تعالى الحجّ فان كان قد قرب أجله أخّر اللّه في أجله حتّى يرزقه الحجّ.

١٤٢٤ ٣٦٩٨٤ (٣٣) **مستدرك** ٥/ ٣٧١: تفسير الامام ؈ في حديث انّما قَدِرَ حملة العرش على حمله بقول بسم اللّه الرحمن الرحيم لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم وصلّى اللّه على محمّد وآله الطيبين.

١٤٢٥ ٣٦٩٨٥ (٣٤) **المحاسن** ٤١: البرقي عن محمّد بن بكر عن زكريّا بن محمّد عن عامر بن معقل عن **أبان** بن تغلب رفعه إلى أبي عبداللّه ؈ قال انّ حملة العرش لمّا ذهبوا ينهضون بالعرش لم يستقلّوه[3] فألهمهم اللّه لاحول ولا قوّة الّا باللّه فنهضوا به.

١٤٢٦ ٣٦٩٨٦ (٣٥) **تفسير القمي** ٢/ ١١: فحكى أبي عن محمّد بن أبي عمير عن **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه ؈ قال جاء جبرئيل وميكائيل واسرافيل بالبراق إلى رسول اللّه ﷺ (إلى أن قال) فقال رسول اللّه ﷺ ياربّ اعطيت انبيائك فضائل فأعطني فقال اللّه قد اعطيتك فيما اعطيتك كلمتين من تحت عرشي «لاحول ولا قوّة الّا باللّه ولا مَنْجا منك الّا إليك».

١٤٢٧ ٣٦٩٨٧ (٣٦) **المحاسن** ٤٢: البرقي عن عيسى بن جعفر العلوي عن حفص السّدوسي وأحمد بن عبيد عن **الحسين** بن علوان الكلبي عن جعفر ؈ قال سألته عن تفسير لاحول ولا قوّة الّا باللّه قال لا يحول بيننا وبين المعاصي الّا اللّه ولا يقوّينا على اداء الطاعة والفرائض الّا اللّه.

---

١. مشراح ـ خ.	٢. الجنّة ـ ك.	٣. أي لم يحملوه.

۱۴۲۲ (۳۱) فضالة بن عبید از رسول خداﷺ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر کس گنجی از راه سخن می‌خواهد پس بر او باد گفتن «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله».

۱۴۲۳ (۳۲) در کتاب جامع الاخبار از امام صادقؑ روایت شده که آن حضرت فرمود: «هر کس هزار بار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» خدا حجّ، روزی او فرماید، حتّی اگر مرگش نزدیک باشد خدا مرگ او را به تأخیر اندازد تا حجّ را نصیب او کند.»

۱۴۲۴ (۳۳) در تفسیر امام [حسن عسکری]ؑ در ضمن حدیثی حضرت فرمود: «حاملان عرش توان حمل عرش را با این ذکر پیدا کرده‌اند که: «بسم الله الرّحمن الرّحیم لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم وصَلّی الله علی محمّد وآله الطاهرین.»

۱۴۲۵ (۳۴) ابان بن تغلب با واسطه از امام صادقؑ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «حاملان عرش وقتی رفتند که عرش را بردارند نتوانستند، پس خداوند به آن‌ها الهام کرد «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» را [و آن‌ها این ذکر را گفتند] در نتیجه عرش را بلند کرده و آن را برپا داشتند.»

۱۴۲۶ (۳۵) هشام بن سالم از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «جبرئیل، میکائیل و اسرافیل، بُراق [مرکب] را پیش پیامبر خداﷺ آوردند (تا اینکه حضرت صادقؑ فرمود:) پس رسول خداﷺ فرمود: ای پروردگار! به پیامبرانت فضیلت‌ها داده‌ای به من هم مرحمت فرما.

خدا فرمود: در میان فضائلی که به تو بخشیده‌ام دو کلمه است که آن را از زیر عرشم به تو داده‌ام که عبارت است از: «نیرو و توانی نیست مگر به خدا و راه گریزی از تو نیست مگر به سوی خودت.»

۱۴۲۷ (۳۶) حسین بن علوان کلبی از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که: «از حضرت در رابطه با تفسیر و معنی «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» پرسیدم حضرت فرمود: یعنی میان ما و معصیت‌ها حائل و مانع نمی‌شود مگر خدا و بر اطاعت و انجام واجبات توان نبخشد جز خدا.»

١٤٢٨ ٣٦٩٨٨ (٣٧) **المعانی** ٢١: حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال حدّثنا الحسن بن علي السكرى قال حدّثنا أبو عبدالله محمّد بن زكريّا البصري قال حدّثنا جعفر بن محمّد بن عمارة عن أبيه عن **جابر** بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليهما السلام قال سألته عن معنى لاحول ولا قوّة الّا باللّه فقال معناه لا حول لنا عن معصية اللّه الّا بعون اللّه ولا قوّة لنا على طاعة اللّه الا بتوفيق اللّه عزّ وجلّ.

١٤٢٩ ٣٦٩٨٩ (٣٨) **كافي** ٢/٥٢١: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن علي بن الحكم عن هشام بن سالم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا دعا الرجال فقال بعد ما دعا ما شاء اللّه لاحول ولا قوّة الّا باللّه قال اللّه عزّ وجلّ استبسل[1] عبدي واستسلم لأمري أقضوا حاجته.

١٤٣٠ ٣٦٩٩٠ (٣٩) **المحاسن** ٤٢: وفي رواية **هشام** بن سالم عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال إذا قال العبد لاحول ولا قوّة الّا باللّه قال اللّه عزّ وجلّ للملائكة استسلم عبدي اقضوا حاجته .

١٤٣١ ٣٦٩٩١ (٤٠) وفي رواية **محمّد** بن عمران عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله إذا قال العبد (لا حول ولا قوّة الّا باللّه) فقد فوّض أمره إلى اللّه وحقّ على اللّه أن يكفيه.

ويأتي في أحاديث باب (٢٨) نبذة ممّا يقال في كلّ يوم ما يناسب الباب فراجع.

(٢٤)

باب انّهُ ليس شيء أحبّ إلى اللّه من التكبير والتّهليل وانّه ثمن الجنّة ويكفّر الذنوب

١٤٣٢ ٣٦٩٩٢ (١) **كافي** ٢/٥٠٦: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن محمّد بن سنان عن حمّاد عن ربعي **ثواب الأعمال** ١٨: حدّثني محمّد بن الحسن عليه السلام قال حدّثني محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن أبي عبداللّه عن الحسن بن علي بن يقطين عن محمّد بن سنان عن حمّاد بن عثمان وخلف بن حمّاد جميعاً عن ربعي عن **فضيل** (عن أحدهما عليهما السلام ـ كا) قال: سمعته يقول أكثروا من التهليل والتكبير فأنّه ليس شيء أحبّ إلى اللّه عزّ وجلّ من التهليل والتكبير.

---

١. استبسل: استقتل.

۱۴۲۸ (۳۷) جابر بن یزید جُعفی از ابی جعفر امام محمّد باقر؈ روایت کرده که: «از معنی «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» از حضرتش پرسیدم، فرمود: نیست نیرویی برای ما که مانع شود از نافرمانی و معصیت خدا جز به کمک خدا و نیست توانی برای ما بر فرمانبرداری از خداوند مگر به توفیق خود خدای عزیز و جلیل.»

۱۴۲۹ (۳۸) هشام بن سالم از امام صادق؈ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه افراد دعا می‌کنند پس از دعا کردن بگویند: «آنچه خدا خواهد، نیرو و توانی نیست مگر اینکه متّکی به خداست.» [اگر این جمله را گفتید] خدا می‌گوید: بندهٔ من تن به خواستهٔ من داد حتّی مرگ و تسلیم خواست من شد، حاجتش را برآورید.»

۱۴۳۰ (۳۹) هشام بن سالم از حضرت صادق؈ روایت کرده که فرمود: «هر گاه بنده بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» خدای عزیز و جلیل به فرشتگان می‌گوید: بنده‌ام تسلیم شد حاجتش را برآورید.»

۱۴۳۱ (۴۰) محمّد بن عمران از امام صادق؈ روایتی نقل کرده که حضرت فرمود: «پیامبر خدا؈ فرمود: هر گاه بنده بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» پس در حقیقت کار خود را به خدا واگذار کرده و این حق را بر خدا پیدا می‌کند که او را کفایت کند [و مشکلش را و حاجتش را برآورده نماید.]»

ارجاعات

می‌آید:

در روایات باب بیست و هشتم آنچه مناسب باب است پس مراجعه کن.

باب ۲۴

تکبیر و تهلیل کفّارهٔ گناهان و بهای بهشت

۱۴۳۲ (۱) فضیل از امام باقر؈ یا امام صادق؈ روایت کرده که فرمود: زیاد «لا اله الّا الله» و «الله اکبر» بگویید چرا که ذکری پیش خدا محبوب‌تر از تهلیل و تکبیر نیست.»

۱۴۳۳ ۳۶۹۹۳ (۲) **کافي** ۵۱۷/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى رفعه عن حريز عن يعقوب القميّ عن أبي عبداللّه ﷺ قال: ثمن الجنّة لا اله الّا اللّه واللّه اكبر.

۱۴۳۴ ۳۶۹۹۴ (۳) **المحاسن** ۳۳: البرقي عن ابن فضّال عن محمّد بن سعيد عن **اسماعيل** بن مسلم عن أبي عبداللّه ﷺ قال، قال النّبيّ ﷺ: من هبط وادياً فقال لا اله الّا اللّه واللّه اكبر ملأ اللّه الوادي حسنات فليعظم الوادي بعد أو ليصغر.

۱۴۳۵ ۳۶۹۹۵ (۴) **البحار** ۲۷۵/۹۳: رأيت بخط الشهيد ره أنّ النّبيّ ﷺ قال ما على الأرض أحد يقول لا إله إلّا اللّه واللّه اكبر ولا حول ولا قوّة الّا باللّه الّا كفّرت عنه خطاياه ولو كانت مثل زبد البحر.

(۲۵)

باب انّ من قال اللّه اكبر من كلّ شيء فقد حدّه و من قال اللّه اكبر من ان يوصف فقد مدحه

۱۴۳۶ ۳۶۹۹۶ (۱) **التوحيد** ۳۱۳: حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد ﷺ قال حدّثنا **كافي** ۱۱۸/۱: محمّد بن يحيى (العطّار ـ توحيد) عن أحمد بن محمّد بن عيسى (عن أبيه ـ توحيد) عن مروك[1] بن عبيد عن جميع بن عمير[2] قال قال (لي ـ توحيد) أبو عبداللّه ﷺ أيّ شيء اللّه اكبر فقلت اللّه اكبر من كلّ شيء فقال وكان ثَمَّ شيء فيكون اكبر منه فقلت وما هو قال اللّه اكبر من أن يوصف.

۱۴۳۷ ۳۶۹۹۷ (۲) **كافي** ۱۱۷/۱: علي بن محمّد عن سهل بن زياد عن **ابن محبوب** عمّن ذكره عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رجل عنده اللّه اكبر فقال اللّه اكبر من أيّ شيء فقال من كلّ شيء فقال أبو عبداللّه ﷺ حدّدته فقال الرجل كيف أقول قال قل اللّه اكبر من أن يوصف.

۱۴۳۸ ۳۶۹۹۸ (۳) **التوحيد** ۳۱۳: حدّثنا أحمد بن محمّد بن يحيى العطّار رحمه اللّه قال حدّثنا أبي عن **سهل** بن زياد الآدمي مثله سنداً ومتناً.

---

۱. هارون ـ خ توحيد.　　۲. جميع بن عمرو ـ التوحيد.

۱۴۳۳ (۲) یعقوب قمی از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بهای بهشت «لا اله الّا الله و الله اکبر» است.»

۱۴۳۴ (۳) اسماعیل بن مسلم از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبرﷺ فرمود: هرکس به درّه‌ای سرازیر شود و بگوید: «لا اله الّا الله و الله اکبر» خدا آن درّه را برای او پر از حسنه کند خواه درّه بزرگ باشد یا کوچک.»

۱۴۳۵ (۴) در دست نوشتهٔ شهیدؒ آمده: «پیامبرﷺ فرمود: بر روی زمین کسی نیست که بگوید: «لا اله الّا الله و الله اکبَرُ ولا حول ولا قوّةَ الّا بالله» مگر اینکه گناهانش همه بخشیده شود گر چه به اندازهٔ کف دریاها باشد.»

باب ۲۵

معنای «الله اکبر»

۱۴۳۶ (۱) جمیع بن عمیر از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت به من فرمود: «الله اکبر یعنی چه؟ عرض کردم: یعنی خدا بزرگتر از هر چیز است حضرت فرمود: آیا در آن مقام چیزی هم هست تا خدا از او بزرگتر باشد؟ عرض کردم خودتان بفرمایید که معنایش چیست؟

حضرت فرمود: یعنی خدا بزرگتر از آن است که در وصف آید.»

۱۴۳۷ (۲) ابن محجوب

۱۴۳۸ (۳) سهل بن زیاد آدمی نیز روایت قبلی را نقل کرده است.

۱۴۳۹ ۲۶۹۹۹ (۴) **المعاني** ۱۱: حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل قال حدّثني محمّد بن يحيى العطّار عن سهل بن زياد عن **ابن محبوب** عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله الّا ان فيه (وكيف أقول فقال اللّه اكبر من أن يوصف).

وتقدّم في رواية أبي بصير (۵) من باب (۲) ما ورد من الدعاء عند استقبال الحجر من أبواب الطواف ج ۱۳ قوله عليه السلام واللّه اكبر من خلقه واللّه اكبر ممّن اخشى واحذر.

(۲۶)

باب ماورد في انّ المجتمعين في المجلس إذا لم يذكروا اللّه تعالىٰ والنّبيّ والأئمّة صلوات اللّه عليهم كان ذلك المجلس عليهم حسرات وانّ ذكر النبيّ والأئمّة ذكر اللّه وذكر عدوّهم ذكر الشيطان

۱۴۴۰ ۲۷۰۰۰ (۱) **كافي** ۲/۴۹۶: حميد بن زياد عن الحسن بن محمّد بن سماعة عن وهيب بن حفص عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال ما اجتمع في مجلس قوم لم يذكروا اللّه عزّ وجلّ ولم يذكرونا الّا كان ذالك المجلس حسرة عليهم يوم القيامة ثمّ قال (قال خ) أبو جعفر عليه السلام انّ ذكرنا من ذكر اللّه وذكر عدوّنا من ذكر الشيطان.

۱۴۴۱ ۲۷۰۰۱ (۲) **العلل** ۵۷۹: أبي رحمه الله عن سعد بن عبداللّه عن محمّد بن عيسى بن عبيد عن يونس ابن عبدالرّحمن عن **عبدالحميد** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من ذكر اللّه كتبت له عشر حسنات ومن ذكر رسول اللّه صلى الله عليه وآله كتبت له عشرحسنات لان اللّه تعالىٰ قرن رسوله بنفسه.

وتقدّم في رواية حسين (۵۰) من باب (۱) ما ورد من الأمر بذكر اللّه من أبواب الذكر قوله صلى الله عليه وآله ما من قوم اجتمعوا في مجلس فلم يذكروا اسم اللّه عزّ وجلّ ولم يصلّوا على نبيّهم الّا كان ذلك المجلس حسرة ووبالاً عليهم.

(۴) ابن محجوب از امام صادقؑ همانند روایت قبلی را نقل کرده با این تفاوت که در اینجا آمده است: «پس چگونه بگوییم؟ حضرت فرمود: بگو: خدا بزرگتر از آن است که در وصف بگنجد.» ۱۴۳۹

ارجاعات

گذشت:

در روایت پنجم از باب دوم از باب‌های طواف فرموده امامؑ که: «خدا بزرگتر از آفریده‌هایش هست و خدا بزرگتر از تمام کسانی است که من از آن‌ها می‌ترسم و حذر می‌کنم.»

باب ۲۶

ذکر پیامبر و ائمهٔ اطهارؑ ذکر خداست

(۱) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «مجلسی نیست که عدّه‌ای در آن گرد هم آیند و نه ذکر خدای عزیز و جلیل گویند و نه از ما [اهل بیت پیامبرﷺ] ذکری به میان آورند مگر اینکه این مجلس مایهٔ تأسّف آن‌ها در روز قیامت خواهد بود. ۱۴۴۰

سپس حضرت صادقؑ فرمود: [پدرم] امام باقرؑ می‌فرمود: ذکر ما از ذکر خداست و ذکر دشمن ما از ذکر شیطان است.»

(۲) عبدالحمید از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس یاد خدا کند و ذکر او گوید، ده حسنه برایش نوشته شود و هر کس که یاد پیامبر خداﷺ کند نیز ده حسنه برایش نوشته شود چرا که خدای متعال پیامبرش را با خودش قرین کرده است.» ۱۴۴۱

ارجاعات

گذشت:

در روایت پنجاهم از باب یکم از باب‌های ذکر فرموده پیامبرﷺ که: «عدّه‌ای نیستند که در مجلسی گرد هم آیند و نام خدا بر زبان نیاورند و بر پیامبرشان صلوات نفرستند مگر اینکه این مجلس مایهٔ افسوس و خسران آن‌ها خواهد بود.»

(٢٧)

باب نبذة ممّا يستحبّ أن يقال في كلّ يوم

١٤٤٢ ٢٧٠٠٢ (١) **الثواب ١٩٥**: أبي رحمه الله قال حدّثني محمّد بن يحيى عن محمّد بن أحمد عن الحسن بن الحسين اللؤلؤى عن علي بن النعمان عن يحيى بن زكريّا عن محمّد بن عبداللّه بن رباط عن **أبي حمزة** الثمالي قال سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول من كبّر اللّه تعالىٰ عند المساء مائة تكبيرة كان كمن أعتق مائة نسمة.

١٤٤٣ ٢٧٠٠٣ (٢) **أمالي الصدوق ٥٤**: حدّثنا محمّد بن الحسن قال حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار قال حدّثنا العبّاس بن معروف عن محمّد بن سنان عن **طلحة** بن زيد عن الصّادق جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال وذكر مثله.

١٤٤٤ ٢٧٠٠٤ (٣) **مستدرك ٣٨٠/٥**: السيّد علي بن طاووس في فلاح السائل قال وباسنادنا إلى **جعفر** بن سليمان وهو من أصحابنا الثقات في كتاب ثواب الأعمال قال عن علي بن الحسين عليهما السلام قال من قال مأة مرّة اللّه اكبر قبل مغيب الشّمس كان أفضل من مأة رقبة.

١٤٤٥ ٢٧٠٠٥ (٤) **مستدرك ٣٨٠/٥**: ورويناه أيضاً عن **سعد** بن عبداللّه من كتاب فضل الدعاء عن الباقر عليه السلام انّ من كبّر اللّه مأة تكبيرة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها كتب له من الأجر كأجر من اعتق مأة رقبة ورويناه عن **سعد** بن عبداللّه باسناده إلى علي بن الحسين عليهما السلام بلفظ رواية جعفر بن سليمان.

١٤٤٦ ٢٧٠٠٦ (٥) **الثواب ٢٤**: حدّثني محمّد بن الحسن رحمه الله قال حدّثني محمّد بن الحسن الصفّار عن يعقوب بن يزيد عن محمّد ابن أبي عمير عن محمّد بن عمر بن يزيد عن أخيه **الحسين** بن عمر بن يزيد عمّن ذكره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال في كل يوم سبع مرّات الحمد للّه على كلّ نعمة كانت أو هي كائنة فقد أدّىٰ شكر ما مضى وشكر ما بقي، ورواه الوسائل عن مجالس الصدوق أيضاً بهذا السند.

١٤٤٧ ٢٧٠٠٧ (٦) **مستدرك ٣٧٧/٥**: **ابن طاووس** في مهجّ الدعوات قال وروى انّ عابداً من بني اسرائيل سئل اللّه عزّ وجلّ فقال يا ربّ ما حالي عندك أخيرٌ فازداد في خيري أو شرٌّ فاستعتب قبل الموت فأتاه آت.

باب ۲۷

أذكار روزانه

۱۴۴۲ (۱) ابوحمزه ثمالی گوید: «از علی بن حسین امام سجّاد عليه السلام شنیدم که فرمود: کسی که بعد از ظهر صدبار بگوید: «الله اکبر» همانند کسی است که صد نفر غلام را خریده و آزاد کرده است.»

۱۴۴۳ (۲) طلحة بن زید از امام صادق عليه السلام و او از پدرش و او از پدرانش روایت کرده‌اند که آن‌ها مثل حدیث پیشین را فرموده‌اند.

۱۴۴۴ (۳) جعفر بن سلیمان که از اشخاص مورد وثوق اصحاب ماست از امام سجّاد عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که صدبار پیش از غروب خورشید «الله اکبر» بگوید، برای او از آزادکردن ده بَرده بهتر خواهد بود.»

۱۴۴۵ (۴) سعد بن عبدالله از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر کس پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن صد بار «الله اکبر» بگوید، پاداش او، پاداش کسی است که صد برده آزاد کرده است.»

۱۴۴۶ (۵) حسین بن عمر بن یزید با واسطه از امام صادق عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در هر روز هفت بار بگوید: «سپاس خدا را بر هر نعمتی که هست یا خواهد بود.» پس بی‌گمان شکر نعمت‌های گذشته و آیندهٔ خدا را به جای آورده است.»

۱۴۴۷ (۶) سیّد بن طاووس در کتاب مهج الدعوات نقل کرده: «روایت شده که عابدی از بنی اسرائیل از خدای عزّ وجلّ درخواست کرد و گفت: ای پروردگار من! پیش تو از چه موقعیّتی برخوردارم اگر خوبم پس برای زیاد شدن خوبی‌ام بکوشم و اگر بدم که از درگاهت عذرخواهی کنم و پیش از مرگ توبه نمایم.

فقال له ليس لك عند اللّه خير.

قال يا ربّ واين عملي.

قال كنت إذا عملت خيراً أخبرت الناس فليس لك منه الاّ الذي رضيت منه لنفسك.

قال فشقّ ذلك عليه واحزنه قال فكرّر إليه الرسول.

فقال يقول اللّه تبارك وتعالى فمن الآن فاشتر منّي نفسك فيما تستقبل بصدقة تخرجها من كلّ عرق كلّ يوم صدقة.

قال يا ربّ أو يُطيق هذا أحد فقال تعالى لست أُكلّفك إلّا ما تطيق.

قال فماذا ياربّ فقال سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر لا حول ولا قوة الاّ باللّه تقول هذا كلّ يوم لثلمائة وستّين مرّة يكون كلّ كلمة صدقة عن كلّ عرق من عروقك قال فلمّا رأى بشارة ذلك قال يا ربّ زدني قال ان زدت زدتك.

۱٤٤۸ ۲۷۰۰۸ (۷) **أمالي الصدوق ۵۴**: حدّثنا أبي رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبداللّه قال حدّثنا الهيثم ابن أبي مسروق النهدي عن الحسين بن علوان عن عمرو بن ثابت قال حدّثني **محمّد** بن حمران عن الصادق جعفر ابن محمّد عليه السلام أنّه قال من سبّح اللّه كلّ يوم ثلاثين مرّة دفع اللّه تبارك وتعالى عنه سبعين نوعاً من البلاء أدناها الفقر.

۱٤٤۹ ۲۷۰۰۹ (۸) **الثواب ۲۷**: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال حدّثني علي بن الحسين السعدآبادي عن أحمد بن أبي عبداللّه عن ابن فضّال عن **يونس** بن يعقوب قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام من قال سبحان اللّه مائة مرّة كان ممّن ذكر اللّه كثيراً قال نعم.

۱٤٥۰ ۲۷۰۱۰ (۹) **الثواب ۱۹۹**: أبي رحمه الله قال حدّثني علي بن موسى عن أحمد بن محمّد عن علي بن الحكم عن سيف عن عبدالرّحمن بن سيّابة عن أبي اسحاق عن **الحارث** عن أمير المؤمنين عليه السلام قال من قال حين يمسي ثلاث مرّات (فَسُبحانَ اللّهِ حين تُمْسُونَ وَحينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الحمدُ فِي السّموات والأَرضِ وعشيّاً وحينَ تظهرونَ) لم يفته خير يكون في تلك اللّيلة وصرف عنه جميع شرّها ومن قال مثل ذلك حين يصبح لم يفته خير يكون في ذلك اليوم وصرف عنه جميع شرّه.

پس قاصدی از طرف خدا به سراغش آمد و گفت: تو پیش خدا هیچ خوبی‌ای نداری. عابد گفت: ای پروردگار! پس این همه اعمالی که انجام دادم چه شد؟ فرمود: هر وقت کار خیری انجام می‌دادی به مردم می‌گفتی پس نیست پاداشی برای تو جز همین که خودت برای خودت انتخاب کردی [که دیگران از تو تعریف و تمجید کنند].

حضرت فرمود: این پاسخ بسیار بر عابد، گران آمد و او را اندوهناک و غمگین کرد.

حضرت گفت: خداوند دوباره قاصد را فرستاد و به او گفت: خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: از الآن به بعد بیا خودت را از من بخر به این نحو که هر روز در مقابل هر رگی که در بدن داری صدقه‌ای بدهی.

عابد گفت: ای پروردگار! آیا کسی توان پرداخت این همه صدقه را دارد؟ پس خدای متعال فرمود: من به چیزی که توانش را نداری تکلیف نمی‌کنم.

عابد گفت: پس مطلب از چه قرار است ای پروردگار؟

پس خدا فرمود: هر روز سیصد و شصت بار بگو: «سُبحانَ الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اکبر، لا حول ولا قوّة الّا بالله» که هر بار آن، صدقه است از طرف رگی از رگهایت.

پس چون عابد این بشارت را دریافت کرد، گفت: ای پروردگار! افزایش ده.

خدا فرمود: اگر تو بیفزایی [و زیادتر این ذکر را گفتی] من هم [بر پاداش تو] می‌افزایم.»

۱۴۴۸ (۷) محمّد بن حمران از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که هر روز سی بار تسبیح خدا گوید [و بگوید: سبحان الله] خدای تبارک و تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمترین آن تنگدستی و نداری است.»

۱۴۴۹ (۸) یونس بن یعقوب گوید: «به حضرت صادقعليه السلام عرض کردم: کسی که صدبار بگوید: «سبحانَ الله» آیا جزو آنان است که خدا را ذکر کثیر گفته‌اند؟[۱] حضرت فرمود: آری.»

۱۴۵۰ (۹) حارث از امیر مؤمنان علیعليه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کس در شامگاه بگوید: پس خدا را تسبیح گویید آنگاه که به عصر در می‌آیید و آنگاه که به بامداد در می‌آیید و ستایش از آن اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید.»[۲] خیرات و برکات آن شب به او برسد و تمام شرّش از او دفع و دور گردد.»

---

۱. در قرآن کریم به ذکر کثیر اهمیّت ویژه‌ای داده شده تا آنجا که آن را موجب فلاح و رستگاری دانسته چنانچه فرموده: «واذکرو اللهَ کثیراً لعلّکم تفلحون» جمعه ۶۲/۱۰. و در سوره شعراء آیة ۲۲۷ فرموده: «الّا الذین امنوا وعملوا الصالحات واذکروا اللهَ کثیراً» از این روی یونس بن یعقوب در روایت فوق می‌خواهد که حدّ و حدود ذکر کثیر را بداند که از حضرت می‌پرسد آیا اگر هر روز صدبار بگوییم: «سبحانَ الله» این، مصداق ذکر کثیر خواهد بود؟ که پاسخ حضرت مثبت است. (مترجم).

۲. این ذکر در قرآن آمده است، روم ۳۰/۱۷ ـ ۱۸.

۱٤٥۱ ۲۷۰۱۱ (۱۰) **أمالي الصدوق** ٤٦٣: حدّثنا الحسين بن ابراهيم بن ناتانة قال حدّثنا علي بن ابراهيم عن أبيه عن محمّد بن أبي عمير عن سيف بن عميرة عن عبدالرحمن بن سيّابة عن أبي اسحاق عن **الحارث** عن علي﵇ (وذكر مثله الا انّ فيه أسقط عشيّاً).

۱٤٥۲ ۲۷۰۱۲ (۱۱) **مستدرك** ٥/٣٧٦: **ابن أبي جمهور** في درر اللّئالي عن رسول اللّهﷺ انّه قال من قرء سبحان اللّه وبحمده في يوم مأة مرّة حُطّت خطاياه وان كانت مثل زبد البحر.

۱٤٥۳ ۲۷۰۱۳ (۱۲) **مستدرك** ٥/٣٧٦: القطب الراوندي في دعواته عن أبي الحسن الرّضا﵇ قال وجد رجل صحيفة فأتى بها رسول اللّهﷺ فنادى الصلوة جامعة فما تخلّف أحد لا ذكرٌ ولا أنثىٰ فرقي المنبر فقرئها فإذا كتاب من يوشع بن نون وصيّ موسى﵇ فإذا فيها بسم اللّه الرحمن الرحيم انّ ربّكم بكم لرؤوف رحيم الا انّ خير عباد اللّه التقيّ النقيّ الحفيّ وانّ شر عباد اللّه المشار إليه بالاصابع.

فمن احبّ ان يكتال بالمكيال الأوفى وان يوفى الحقوق الّتي أنعم اللّه تعالى بها عليه فليقل في كلّ يوم سبحان اللّه كما ينبغي للّه والحمد للّه كما ينبغي للّه ولا اِله إلّا اللّه كما ينبغي للّه واللّه اكبر كما ينبغي للّه ولا حول ولا قوّة الّا باللّه وصلّى اللّه على محمّد النبيّ وعلى أهل بيته وجميع المرسلين والنبيّين حتّى يرضى اللّه فنزلﷺ.

وقد الحوّا في الدّعاء فصبر هنيئة ثمّ رقى المنبر فقال من أحبّ ان يعلو ثناؤه على ثناء المجاهدين فليقل هذا القول في كلّ يوم فان كانت له حاجة قضيت أو عدوّ كبّت أو دين قضى أو كرب كشف وَخَرَقَ كلامه السموات السّبع حتّى يكتب في اللوح المحفوظ.

ورواه ابن طاووس في مهجّ الدّعوات باسناده إلى **سعد** بن عبداللّه فيكتابه يرفعه عن الرضا﵇ الّا أنّه ذكر في الدعاء صلّى اللّه على محمّد وعلى أهل بيت النبيّ وعلى جميع المرسلين حتى يرضى اللّه وفي بعض النسخ وأهل بيت نبيّه العربي الهاشمي وصلّى اللّه على جميع المرسلين والنبيّين حتّىٰ يرضى اللّه.

۱۴۵۱ (۱۰) در امالی صدوق‌ نیز روایت پیشین ذکر شده است با این تفاوت که کلمهٔ «عشیّاً» را انداخته است.»

۱۴۵۲ (۱۱) ابن ابی جمهور در کتاب درر اللئالی از پیامبر خدا حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی صدبار بگوید: «سبحانَ اللهِ وبِحَمْدِه» تمام گناهانش بریزد گر چه به اندازهٔ کف دریا باشد.»

۱۴۵۳ (۱۲) قطب راوندی در کتاب دعوات از امام رضا روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «مردی صفحهٔ مکتوبی پیدا کرد آن را خدمت پیامبر خدا آورد. حضرت فرمود همه در مسجد مثل وقت نماز جمع شوید. همه جمع شدند و هیچ مرد و زنی تخلّف نکرد. پس حضرت بالای منبر رفت و آن را خواند معلوم شد که این یک نوشتاری است از یوشع بن نون وصیّ حضرت موسی. دیدند که در آن نوشته: «بسم الله الرّحمن الرّحیم به راستی پروردگار شما به شما مهربان و دلسوز است. آگاه باشید که بهترین بندگان خدا، پرهیزگار پاکیزهٔ گمنام است و بدترین بندگان خدا کسی است که [خود را مشهور کرده و] مردم برای نشان دادن او به یکدیگر با انگشت به او اشاره می‌کنند.

پس هر کس دوست دارد که با پیمانهٔ پُر [حسنه برای خود] پیمانه کند و حقوق و وظایفی را که خدای تعالی برای انعام و احسان به او بر گردن او نهاده ادا کند پس هر روز بگوید: «به پاکی، خدا را می‌ستایم آن سان که شایستهٔ خداست و سپاس خدا را آن چنان که شایستهٔ خداست و به یگانگی و یکتایی می‌شناسم او را آن گونه که شایستهٔ خداست و خدا را بزرگتر می‌دانم آن نحو که شایستهٔ خدایی اوست و تمام قدرت و توان‌ها را منحصر در او می‌دانم و درود خدا بر محمّد پیامبر و خاندانش و تمام رسولان و پیامبران به آن سان که خدا می‌پسندد.» پس از آن رسول خدا از منبر فرود آمد و بسیار دعا کرد. پس کمی صبر کرد وانگهی بار دیگر بر منبر بالا رفت و فرمود: هر کس می‌خواهد ستایش او بر ستایش مجاهدان برتری یابد پس باید که هر روز این ذکر را بگوید، پس اگر حاجتی داشته باشد برآورده گردد و یا اگر دشمنی دارد سرنگون شود یا اگر قرضی دارد داده شود یا غم و غصّه‌ای دارد برطرف گردد و ذکر او آسمان‌های هفتگانه را بشکافد و بالا رود تا اینکه در لوح محفوظ نوشته شود.»

همین حدیث شریف را ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات به نقل از امام رضا نقل کرده است.

۱٤٥٤ ۲۷۰۱٤ (۱۳) **كافي** ۵۱۹/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد وعلي بن ابراهيم عن أبيه عن عبدالرحمن بن أبي نجران عن عبدالعزيز العبدي عن **عمر** بن يزيد عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال في كلّ يوم عشر مرّات أشهد أن لا إله إلّا اللّه وحده لاشريك له الهاً واحداً أحداً (فرداً ـ محاسن) صمداً لم يتّخذ صاحبة ولا ولداً كتب اللّه له خمسة وأربعين ألف حسنة ومحا عنه خمسة وأربعين ألف سيّئة ورفع له خمسة وأربعين ألف درجة. **وفي** رواية اخرى وكنّ له حرزاً في يومه من السلطان والشيطان ولم تحط به كبيرة من الذنوب. **والمحاسن** ۳۱: البرقي عن أبيه عن **ابن أبي نجران** مثله سنداً ومتناً الا انّ فيه (ورفع له عشر درجات) واسقط قوله (وفي رواية اخرى).

۱٤٥٥ ۲۷۰۱٥ (۱٤) **الثواب** ۲۳: **التوحيد** ۳۰: حدّثنا أبي عليه السلام قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد (بن عيسى ـ التوحيد) عن عبدالرّحمن ابن أبي نجران عن عبدالعزيز العبدي عن **عمر** بن يزيد عن أبي عبداللّه عليه السلام قال سمعته يقول من قال في (كلّ ـ الثواب) يوم «أشهد أن لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له الهاً واحداً أحداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً» كتب اللّه عزّ وجلّ له خمساً وأربعين ألف ألف حسنة ومحا عنه خمساً وأربعين ألف ألف سيّئة ورفع له (في الجنّة) خمساً وأربعين ألف ألف درجة وكان كمن قرأ القرآن (فييومه ـ ثواب) اثنتى عشرة مرّة وبني اللّه له بيتاً في الجنّة.

۱٤٥٦ ۲۷۰۱٦ (۱٥) **الثواب** ۱۸: **التوحيد** ۳۰: **الخصال** ۵۹٦: حدّثنا أبي عليه السلام قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد ابن أبي عبداللّه (البرقي ـ التوحيد) عن أبيه عن محمّد بن أبي عمير عن **هشام** بن سالم وأبي أيّوب (الخزاز ـ الخصال) قالا قال أبو عبداللّه عليه السلام من قال لا إله إلّا اللّه مائة مرّة كان أفضل الناس ذلك اليوم عملاً الّا من زاد.

۱۴۵۴ (۱۳) عمر بن یزید از امام صادق‌ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی ده بار بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست، معبودی یگانه و یکتا و طاق و بی نیاز، نه همسری گرفته و نه فرزندی.» خدا برایش چهل و پنج هزار حسنه نویسد و چهل و پنج هزار گناه از او محو کند و چهل و پنج هزار درجه او را بالا برد.»

و در روایت دیگری افزوده: «و این کلمات برای او حرز و حصاری خواهد بود که او را در آن روز از شرّ سلطان و شیطان محافظت نماید و گناه کبیره‌ای او را احاطه نکند.»

این روایت شریف در کتاب محاسن برقی نیز ذکر شده است.

۱۴۵۵ (۱۴) عمر بن یزید گوید: «از حضرت صادق‌ﷺ شنیدم که فرمود: کسی که هر روز بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست، معبودی یگانه و یکتا و طاق و بی‌نیاز، نه همسری گرفته و نه فرزندی.» خدای عزیز و جلیل برایش چهل و پنج هزار هزار حسنه (میلیون) نویسد و چهل و پنج هزار هزار گناه از او محو نماید و چهل و پنج هزار هزار درجه به او دهد و مثل آن کس باشد که در آن روز، دوازده بار قرآن خوانده باشد و خدا برایش در بهشت خانه‌ای بسازد.»

۱۴۵۶ (۱۵) هشام بن سالم و ابو ایّوب خزّاز هر دو از امام صادق‌ﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «کسی که صدبار بگوید: لا الهَ الّا الله» در آن روز بهترین مردم از نظر عمل خواهد بود مگر کسی که بیشتر از صدبار گفته باشد.»

١٤٥٧ ٢٧٠١٧ (١٦)**كافي ٥١٩/٢**: عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد عن محمّد بن عيسى الأرميني[1] عن أبي عمران الخرّاط[2] (عن بشر ـ خ) عن **الاوزاعي** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال في كلّ يوم (خمسة عشر مرّة ـ الثواب والمحاسن) لا إله إلّا اللّه حقّاً حقّاً لا إله إلّا اللّه عبوديّة ورقّاً لا إله إلّا اللّه ايماناً وصدقاً أقبل اللّه عليه بوجهه ولم يصرف وجهه عنه حتّى يدخل الجنّة. **المحاسن ٣٢**: البرقي قال حدّثني محمّد بن عيسى الأرمني عن أبي عمران الخرّاط **الثواب ٢٤**: أبي رحمه الله قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن سلمة بن الخطّاب عن محمّد بن عيسى الأرمني عن أبي عمران الخرّاط عن بشر عن **الأوزاعي** عن جعفر ابن محمّد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام مثله.

١٤٥٨ ٢٧٠١٨ (١٧)**المحاسن ٣٢**: البرقي عن محمّد بن عيسى الأرمني **الثواب ٢٣**: أبي رحمه الله قال حدّثني أحمد بن ادريس عن محمّد بن أحمد عن أحمد بن هلال عن محمّد بن عيسى الأرمني عن أبي عمران الخرّاط عن **الأوزاعي** عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال من قال في كلّ يوم ثلاثين مرّة لا إله إلّا اللّه (الملك ـ المقنع) الحقّ المبين استقبل الغنا واستدبر الفقر (وآنس وحشته في القبر ـ المحاسن) وقرع باب الجنّة. **المقنع ٩٥**: وروّيت انّه من قال وذكر مثله.

١٤٥٩ ٢٧٠١٩ (١٨)**أمالي ابن الطوسي ٢٧٩**: أخبرنا الشيخ المفيد أبوعلى الطوسي قال حدّثنى شيخي قال أخبرني أبو محمّد الفحّام قال حدّثني عمّي عمر بن يحيى الفحّام قال حدّثني عبداللّه بن أحمد بن عامر قال حدّثني **أبي أحمد** بن عامر الطّائي قال حدّثنا علي بن موسى الرّضا عليه السلام قال حدّثني أبي موسى ابن جعفر قال حدّثني أبي جعفر بن محمّد قال حدّثني أبي محمّد بن علي قال حدّثني أبي علي بن الحسين قال حدّثني أبي الحسين بن علي قال حدّثني أبي أمير المؤمنين عليهم السلام قال قال النّبيّ صلى الله عليه وآله من قال في كلّ يوم مائة مرّة لا إله إلّا اللّه الملك الحقّ المبين استجلب به الغني واستدفع به الفقر وسدّ عنه باب النّار واستفتح به باب الجنّة.

مستدرك ٣٧٥/٥: ورواه الراوندي في دعواته عنه صلّى اللّه عليه وآله مثله.

---

١. الأرمني ـ بعض نسخ. ٢. بعض نسخ ـ الخيّاط.

۱۴۵۷ (۱۶) اوزاعی از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که هر روز پانزده بار بگوید: «جز خدا معبودی نیست این یکی حقیقتی است ثابت، جز خدا معبودی نیست و این سخن را با اعتراف به بنده بودن و مملوک او بودن می‌گویم، جز خدا معبودی نیست، این سخن را از روی ایمان و یقین داشتن به درستی و راستی آن می‌گویم.» خدا با روی خود به او روی آورد و روی از او برنگرداند تا به بهشت داخل شود.»

در کتاب محاسن و کتاب ثواب الاعمال این روایت نیز ذکر شده است.

۱۴۵۸ (۱۷) اوزاعی از امام جعفر صادقؑ و او از پدرش و او از پدرانشؑ روایت کرده که فرموده‌اند: «کسی که روزی سه بار بگوید: «جز خدای فرمانروا که حقیقتی آشکار است، معبودی نیست.» بی‌نیازی به او روی آورد و فقر و تنگدستی به او پشت نماید و هول و هراسش در قبر به اُنس مبدّل گردد و دربِ بهشت را [برای ورود] بزند.»

۱۴۵۹ (۱۸) ابو احمد بن عامر طائی از امام هشتم علی بن موسی الرضاؑ و او از امام موسی بن جعفرؑ و او از امام جعفر بن محمّدؑ و او از پدرش امام محمّد بن علیؑ و او از پدرش امام علیّ بن حسینؑ و او از پدرش امام حسین بن علیؑ و او از پدر بزرگوارش امام امیرالمؤمنین علیؑ روایت کرده که آن امام همام فرمود: «رسول خداؐ فرمود: هر کس در هر روز صد بار بگوید: «لا الهَ الّا الله المَلِکُ الحقُّ المُبین» به واسطهٔ آن بی‌نیازی و رزق و روزی را جلب و فقر را دور کرده و با این ذکر درهای آتش دوزخ به روی خود بسته و درهای بهشت را گشوده است.»

همین روایت را قطب الدین راوندی در کتاب دعوات از پیامبرؐ نقل کرده است.

۱٤٦۰ ۲۷۰۲۰ (۱۹) **الثواب** ۲۲: أبي قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن أحمد بن أبي عبداللّه عن أبي يوسف عن محمّد بن أبي عمير عن مالك بن أعين عن أبي عبداللّه قال من قال مائة مرّة «لا إله إلّا اللّه الملك الحق المبين» أعاذه اللّه العزيز الجبّار من الفقر وآنس وحشة قبره واستجلب الغني واستقرع باب الجنّة.

۱٤٦۱ ۲۷۰۲۱ (۲۰) **البحار** ۱٦۱/۸٦: البلد الأمين من كتاب ربيع الأبرار عن النّبيّ قال من قال كلّ يوم مائة مرّة لا إله إلّا اللّه الملك الحقّ المبين كان له أماناً من الفقر وأونس من من وحشة القبر واستجلب الغنا واستقرع باب الجنّة.

۱٤٦۲ ۲۷۰۲۲ (۲۱) **أمالي ابن الطوسي** ۳٤٦: الشيخ المفيد أبو علي الطوسي قال أخبرنا والدي قال أخبرنا أحمد بن محمّد بن الصلت عن ابن عقدة عن عبّاد عن عمّه عن أبيه عن أبي المجالد[1] عن زيد بن وهب عن **أبي المنذر** الجهني قال قلت يا نبي اللّه علّمني أفضل الكلام. قال قل «لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يُحيي ويميت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير» مأة مرّة في كلّ يوم فأنت يومئذ أفضل الناس عملاً الّا من قال مثل ما قلت وأكثر من سبحان اللّه والحمدللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه أكبر ولا حول ولا قوّة الّا باللّه ولا تنسينّ الاستغفار في صلاتك فأنها ممحاة للخطايا برحمة اللّه. (باذن اللّه ـ خ)

۱٤٦۳ ۲۷۰۲۳ (۲۲) **كافي** ۵۲۱/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد عن بعض أصحابه عن **جميل** عن أبي عبداللّه قال سمعته يقول من قال ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة الّا باللّه ـ سبعين مرّة ـ صرف عنه سبعين نوعاً من أنواع البلاء أيسر ذلك الخنق قلت جعلت فداك وما الخنق قال لايعتلّ بالجنون فيخنق.

۱٤٦٤ ۲۷۰۲٤ (۲۳) **الثواب** ۱۹۵: أبي قال حدّثني سعد بن عبداللّه عن ابراهيم بن هاشم عن عمرو بن عثمان عن محمّد بن عذافر عن **عمر** بن يزيد عن أبي عبداللّه قال من قال في كلّ يوم مائة مرّة لا حول ولا قوّة الّا باللّه دفع اللّه بها عنه سبعين نوعاً من البلاء أيسرها الهمّ.

۱٤٦۵ ۲۷۰۲۵ (۲٤) **مستدرك** ۳۷۵/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النّبيّ قال من قال كلّ يوم مأة مرّة لا حول ولا قوّة الّا باللّه غفر اللّه له ذنوبه وقضى له مأة حاجة وبني له في الجنّة مأة قصر.

---

۱. أبي المخالد ـ خ.

۱۴۶۰ (۱۹) مالک بن اعین از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «کسی که صدبار بگوید: «لا الهَ الّا الله المَلِکُ الحقُّ المُبین» خدای توانای جبران کنندهٔ [هر نقصان و خُسران] او را از فقر و تنگدستی بـه پناه خود گیرد و هول و هراسی که در قبر پیدا کند به انس مبدّل گرداند و رزق و روزی را جلب کند و برای ورود به بهشت دَربِ آن را بزند.»

۱۴۶۱ (۲۰) کفعمی در کتاب البلد الامین حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی صد بار بگوید: «لا الهَ الّا الله المَلِکُ الحقُّ المُبین» از فقر در امان ماند و وحشتش در قبر به انس مبدّل شود و بی‌نیازی را جلب کند و دَرِ بهشت را بکوبد.»

۱۴۶۲ (۲۱) ابومنذِر جُهنی گوید: «به پیامبر خداﷺ عرض کردم: ای پیامبر خدا! بهترین ذکر را به مـن بیاموز.

حضرت فرمود: روزی صدبار بگو: «لا اله الّا الله وحدَه لا شریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ ولَه الحمدُ یُحیی و یُمیتُ بیدِهِ الخیرُ وهو عَلی کلّ شیء قدیر.» پس تو در آن روز از تمام مردم از نظر عمل بهتر خواهی بود مگر کسی که او هم مثل آنچه که تو گفتی گفته باشد.

و بسیار بگو: «سُبحانَ الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اکبر ولا حول ولا قوّة الّا بالله» و هیچ‌گاه استغفار و آمرزش خواستن از خدا را در نماز فراموش مکن که آن به عنایت و رحمت الهی ابزار محو کردن گناهان است.»

۱۴۶۳ (۲۲) جمیل از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس هفتاد بار بگوید: «ما شاء الله لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» هفتاد نوع بلا و گرفتاری از او دور گردد که کمترین آن خفگی است.

به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! خفگی یعنی چه و چطوری؟ حضرت فرمود: دیوانه نمی‌شود تا به دست خودش، خود را خفه کند.»

۱۴۶۴ (۲۳) عمر بن یزید از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی صد بـار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» خدا هفتاد نوع بلا و گرفتاری را از او دفع نماید که آسان‌ترین آن‌ها غم و غصّه است.»

۱۴۶۵ (۲۴) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که روزی صدبار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» خدا گناهانش را بیامرزد و صد حاجت از حاجاتش برآورد و در بهشت صد کاخ برایش بسازد.»

١٤٦٦ ٢٧٠٢٦ (٢٥) **مستدرك ٣٧٨/٥**: الشيخ ابراهيم **الكفعميّ** في البلد الأمين عن النّبيّ ﷺ من بِسمَلَ وحَولَقَ كلّ يوم عشراً خرج من ذنوبه كيوم ولدته امّه ودفع اللّه عنه سبعين باباً من البلاء منها الجنون والجذام والبرص والفالج وكان أعظم عنداللّه تعالى من سبعين حجّة وعمرة متقبلات بعد حجّة الاسلام ووكلّ اللّه به سبعين ألف مالك يستغفرون له إلى اللّيل.

١٤٦٧ ٢٧٠٢٧ (٢٦) **وعنه**ﷺ من قال هذه الكلمات في كلّ يوم عشراً غفر اللّه تعالىٰ له أربعة آلاف كبيرة ووقاه من شرّ الموت وضغطة القبر والنشور والحساب والاهوال كلّها وهو مأة هول أهونها الموت ووقى من شر ابليس وجنوده وقضى دينه وكشف همّه وغمّه وفرّج كربه وهي هذه اعددت لكل هول لا إله إلّا اللّه ولكلّ همّ وغمّ ما شاء اللّه ولكلّ نعمة الحمد للّه ولكلّ رخاء الشكر للّه ولكلّ اعجوبة سبحان اللّه ولكل ذنب استغفر اللّه ولكلّ مصيبة انّ اللّه وانّا إليه راجعون ولكلّ ضيق حسبي اللّه ولكلّ قضاء وَقَدَرٍ توكّلت على اللّه ولكلّ عدوّ اعتصمت باللّه ولكلّ طاعة ومعصية لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم.

١٤٦٨ ٢٧٠٢٨ (٢٧) **وسائل ٢٢٥/٧**: ابراهيم بن علي **الكفعمي** في المصباح عن الصادق ﷺ قال من قال كلّ يوم أربعمأة مرّة مدّة شهرين متتابعين رزق (كنزاً) كثيراً من علم أو كنزاً (كثيراً) من مال استغفر اللّه الذي لا اله الّا هو الرّحمن الرّحيم الحيّ القيوم بديع السّماوات ـ والارض من جميع ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وأتوب إليه.

١٤٦٩ ٢٧٠٢٩ (٢٨) **مستدرك ٣٧٥/٥**: كتاب درست ابن أبي منصور قال (أي الصادق ﷺ ظاهراً)[1] كان رسول اللّه ﷺ يتوب إلى اللّه في كلّ يوم سبعين مأة مرّة من غير ذنب.

---

١. ما بين القوسين في هامش المخطوط منه ﷺ ـ هكذا في ك.

۱۴۶۶ (۲۵) شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب البلد الامین حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی ده بار بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم، لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» از گناهان خود مثل روزی که از مادر زاده شد، پاک شود و خدا هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که دیوانگی، جُذام، پیسی و فلجی از جملهٔ آن‌ها باشد و پیش خدا از هفتاد حج و عُمرهٔ مقبوله پس از حجّ واجب، بزرگتر باشد و خدا هفتاد هزار فرشته را موکّل گرداند که تا شب برای او استغفار کنند.»

۱۴۶۷ (۲۶) از پیامبرﷺ روایت شده که هر کس این کلمات [که ذکر خواهد شد] روزی ده بار بگوید خدای متعال چهار هزار گناه کبیره‌اش را بیامرزد و او را از سختی و تلخی مرگ و فشار قبر و سختی‌های حشر و نشر و حساب و هول و هراس‌های قیامت، نگاه دارد که آن هول و هراس‌ها صدگونه است، کمترین آن هول و هراس مرگ است و او را از شرّ شیطان و لشگریانش حفظ کند و قرضش را ادا کند و غم و غصّه‌اش را برطرف نماید و مشکلش را حل نماید و آن کلمات این است: برای هر هول و هراسی «لا اله الّا الله» را آماده کرده‌ام و برای هر غم و غصّه‌ای «ما شاءَ الله» را تدارک دیده‌ام و برای هر نعمتی «الحمد لله» را و برای هر راحتی و رفاهی «الشکرُ لله» را آماده دارم و برای هر امر شگفت‌انگیزی «سُبحانَ الله» گویم و برای هر گناهی «استغفر الله» بر زبان جاری می‌کنم و در هر مصیبتی «انّا لله وانّا الیه راجعون» گویم و برای هر تنگنایی «حَسْبِیَ الله» را آماده کرده‌ام و برای هر قضا و قدری «توکّلتُ علی الله» را و برای هر دشمنی «اعتصمتُ بالله» را و برای هر فرمان برداری و نافرمانی «لا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم» را تهیّه کرده‌ام.»

۱۴۶۸ (۲۷) کسی که به مدّت دو ماه پشت سر هم هر روز چهارصد بار بگوید: «آمرزش می‌خواهم از خدایی که جز او معبودی نیست، بخشنده و مهربان است، زنده‌ای که نگهدارندهٔ آفریده‌هاست، پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین است. آمرزش می‌خواهم از تمام ستم‌ها و جرایم و ستمی که بر خود روا داشته‌ام و به سوی او باز می‌گردم.» گنجی از دانش یا گنجی از مال به او داده شود.»

۱۴۶۹ (۲۸) درست بن ابی منصور از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ روزی هفتاد بار به سوی خدا توبه می‌کرد بدون اینکه گناهی مرتکب شده باشد.»

۱۴۷۰ (۲۹)**کافي** ۵۲۲/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى وعليّ بن ابراهيم عن
۲۷۰۳۰ أبيه جميعاً عن ابن أبي عمير عن الحسن بن عطيّة عن **رزين** صاحب الانماط عن أحدهما عليهما السلام قال من قال اللّهمّ انّي أشهدك وأشهد ملائكتك المقرّبين وحملة عرشك المصطفين أنّك أنت اللّه لا اله الاّ أنت الرّحمن الرّحيم وأنّ محمداً عبدك ورسولك صلى الله عليه وآله وأنّ فلان بن فلان امامي ووليىّ وأنّ أباه رسول اللّه صلى الله عليه وآله وعليّاً والحسن والحسين وفلاناً وفلاناً ـ حتّى ينتهي إليه ـ أئمّتي وأوليائي على ذلك أُحيي وعليه أمُوت وعليه أبعث يوم القيامة وابرأ من فلان وفلان وفلان فان مات في ليلته دخل الجنّة. **المحاسن** ۴۴: البرقي عن أبي يوسف عن ابن أبي عمير عن الأنماطي عن **كـليمة** صاحب الكلل قال قال أبو عبداللّه عليه السلام من قال هذا القول إذا أصبح فمات في ذلك اليوم دخل الجنّة فان قال إذا أمسي فمات من ليلته دخل الجنّة اللّهمّ إنّي أشهدك (وذكر مثله إلى قوله (ورسولك) ثمّ قال ـ وفلان وفلان حتى ينتهي إليه أئمّتي واوليائي على ذلك احيي وعليه أموت وعليه أبعث يوم القيامة ان شاء اللّه وابرء من فلان وفلان وفلان أربعة فان مات في يومه أو ليلته دخل الجنّة.

۱۴۷۱ (۳۰) **أمالي الصدوق** ۸۸: حدّثنا محمّد بن أحمد بن الوليد رحمه الله قال حدّثنا محمّد بن
۲۷۰۳۱ الحسن الصفّار عن ابراهيم بن هاشم عن محمّد بن أبي عمير عن **زيد الشّحّام** عن الصادق جعفر بن محمّد عليه السلام قال ما من عبد يقول كلّ يوم سبع مرّات أسأل اللّه الجنّة وأعوذ باللّه من النّار الاّ قالت النار (ياربّ ـ أمالي) أَعِذْهُ مِنّي.

مستدرك ۳۷۷/۵: ابن طاووس في مهجّ الدّعوات عن ربيعة بن كعب قال سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول ما من عبد وذكره مثله.

۱۴۷۲ (۳۱) **وسائل** ۲۲۵/۷: ابراهيم بن علي **الكفعمي** في المصباح قال وعن الصادق عليه السلام من
۲۷۰۳۲ كانت به علّة فليقل عليها في كلّ صباح أربعين مرّة مدّة أربعين يوماً بسم اللّه الرحمن الرحيم الحمد للّه ربّ العالمين حسبنا اللّه ونعم الوكيل تبارك اللّه أحسن الخالقين ولا حول ولا قوّة الاّ باللّه العليّ العظيم.

۱۴۷۳ (۳۲)**الدعائم** ۱۳۷/۲: عن جعفر بن محمّد عليه السلام انّه قال من قال كلّ يوم ثلاثين مرّة بسم اللّه
۲۷۰۳۳ الرّحمن الرّحيم الحمدللّه ربّ العالمين وتبارك اللّه أحسن الخالقين ولا حول ولا قوّة الاّ باللّه العليّ العظيم. دفع اللّه عنه تسعة وتسعين نوعاً من أنواع البلاء أهونها الجنون.

۱۴۷۰ (۲۹) رزین صاحب انماط از یکی از صادِقَین [امام صادقؑ یا امام باقرؑ] روایت کرده که فرمود: «کسی که بگوید: «اللّهمّ انّی اشهدک... و تا آخر این دعا را بخواند، پس اگر در آن شب مرگش فرا رسد به بهشت رود. معنی دعا این است: «خدایا! تو را و فرشتگان مقرّبت را و حاملان برگزیدهٔ عرشت را گواه می‌گیرم که به راستی تو همان خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، بخشنده و مهربانی و به راستی که محمّدﷺ بندهٔ و فرستادهٔ تو است و به راستی که فلان بن فلان [=جعفر بن محمّدؑ] امام و سرپرست من است و پدرش رسول خداﷺ و علی و حسن و حسین و فلانی و فلانی تا اینکه برسی به آن امامی که در زمان تو زنده است این‌ها همه امامان من و سرپرستان من هستند. بر این اعتقاد زندگی می‌کنم و بر همین اعتقاد می‌میرم و با همین اعتقاد روز قیامت برانگیخته می‌شوم و از فلانی و فلانی و فلانی [غاصبان حقّ امامانؑ] بیزاری می‌جویم.»

همین روایت را کلیمه از امام صادقؑ نیز نقل کرده است.

۱۴۷۱ (۳۰) زید شحّام از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بنده‌ای نیست که هفت بار بگوید: «از خدا بهشت درخواست می‌کنم و از آتش به خدا پناه می‌برم.» مگر اینکه آتش دوزخ می‌گوید: پروردگارا! از من او را پناه ده.»

ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات حدیث فوق را به واسطهٔ ربیعة بن کعب از رسول خداﷺ روایت کرده است.

۱۴۷۲ (۳۱) ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح روایتی از امام صادقؑ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بیماری دارد [و یا مشکلی دارد] چهل روز در صبح هر روز چهل بار بگوید: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، سپاس خدایی را که اداره کنندهٔ جهانیان است، ما را خدا بس است و او خوب وکیلی است، بسیار با خیر و برکت است خدایی که زیباترین آفریننده است و نیرو و توانی نیست مگر متّکی به خدای بلند مرتبهٔ بزرگ.»

۱۴۷۳ (۳۲) در کتاب دعائم الاسلام روایتی از امامؑ نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر کس روزی سی بار بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم الحمدُلله ربّ العالَمینَ وتبارَکَ اللهُ احسَنُ الخالقین ولا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم.» خدا نود و نُه بلا از انواع و اقسام بلاها را از او دور گرداند که آسان‌ترین آن، دیوانگی است.»

۱۴۷۴ (۳۳) **مستدرك ۵/ ۳۷۶**: الشيخ **أبو الفتوح** الرّازي في تفسيره عن **أنس** بن مالك عن رسول ۲۷۰۳٤ اللّهﷺ قال من استعاذ باللّه في كلّ يوم عشر مرّات من شرّ الشيطان وكلّ اللّه تعالىٰ عليه ملكاً يدفع عنه الشيطان كما يدفع الابل الغريب عن الحوض.

۱۴۷۵ (۳۴) **مستدرك ۵/۳۷۵**: الشيخ ابراهيم **الكفعمي** في جنّته عن أبي جعفرؑ قال من قال ۲۷۰۳۵ كلّ يوم حسبي اللّه توكّلت على اللّه اللّهمّ اني اسئلك خير أموري كلّها وأعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة كفاه اللّه همّ داريه.

۱۴۷۶ (۳۵) **السيّد علي بن طاووس في فلاح** السائل ۲۲۱ وتقول ما رواه أحمد بن عثمان بن ۲۷۰۳٦ أحمد الجبائي (الجبّار) قال حدّثني أبي عليّ بن محمّد قال حدّثنا الحسين بن عليّ بن سفيان البزوفريؒ قال حدّثنا أبو الحسن الأيادي علي بن مخلّد حدّثنا همام بن نهيك عن أحمد بن هليل عن ابن أبي عمير عن **أميّة** بن علي (قال) قال أبو عبداللّهؑ من قال عند غروب الشمس في كل يوم يا من ختم النبوّة بمحمّدﷺ اختم لي (في ـ خ) يومي هذا بخير وشهري بخير وسنتي بخير وعمري بخير فمات في تلك اللّيلة أو في (تلك ـ خ) الجمعة أو في ذلك الشهر أو في تلك السنة دخل الجنّة.

وتقدّم في رواية سبرة بن يعقوب (۷) من باب (۱۱) انّ حمد اللّه تعالى أحبّ الأعمال قولهﷺ كان ﷺ في كلّ يوم إذا أصبح وطلعت الشمس يقول الحمدللّه ربّ العالمين كثيراً طيّباً علىٰ كلّ حال يقول ثلاث مائة وستّين مرّة شكراً.

(۲۸)

باب نبذة ممّا يقال في الصباح والمساء وعند المنام

۱۴۷۷ (۱) **الفقيه ۱/ ۲۲۱**: ورویٰ عن الصادقؑ **حفص** بن البختري أنّه قال كان نوحؑ يقول ۲۷۰۳۷ إذا أصبح وأمسي اللّهمّ انّي أُشهدك أن ما أصبح وأمسي بي من نعمة وعافية في دين أو دنيا فمنك وحدك لا شريك لك لك الحمد ولك الشكر بها عليّ حتّىٰ (حين خ) ترضى وبعد الرضا يقولها إذا أصبح عشراً وإذا أمسى عشراً فسمّى بذلك عبداً شكوراً

۱۴۷۴ (۳۳) انس بن مالک از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که روزی ده بار از شرّ شیطان به خدا پناه برد [و بگوید: اعوذُ باللهِ مِنَ الشیطان الرّجیم] خداوند فرشته‌ای را بر او بگمارد تا شرّ شیطان را از او دور گرداند، آن سان که شتر بیگانه را از حوض آب می‌رانند.»

۱۴۷۵ (۳۴) شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب جنّت از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که هر روز بگوید: «خدا مرا بس است، بر خدا توکّل می‌کنم، خدایا! من از تو، آنچه که برای من از همهٔ امورم بهترین است می‌خواهم [و خیر کارهایم را از تو می‌خواهم] و از رسوایی دنیوی و عذاب اخروی به تو پناه می‌آورم.» خداوند همّ و غمّ هر دو سرایش را کفایت کند.»

۱۴۷۶ (۳۵) امیّة بن علی از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در هنگام غروب خورشید بگوید: «ای کسی که پیامبری را به محمّدﷺ ختم کردی امروزم را و ماه و سال و عمرم را ختم به خیر کن.» پس اگر در آن شب یا آن هفته یا آن ماه یا آن سال بمیرد، به بهشت رود.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت هفتم از باب یازدهم فرموده امامؑ که: «سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است سپاسی بسیار و پاک در هر حال.»

باب ۲۸

اذکار بامدادان و شامگاهان

۱۴۷۷ (۱) حفص بن بختری از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «علّت اینکه خدا حضرت نوحؑ را عبد شکور و بندهٔ بسیار سپاسگزار خوانده این است که هر بامداد ده بار و هر شامگاه ده بار می‌گفت: «خدایا! من گواهی می‌دهم در پیشگاه تو که هر نعمتی و عافیتی خواه دینی و خواه دنیوی که صبح و شام در آن به سر می‌برم، فقط و فقط از تو است، تویی که یکتا هستی و همتایی نداری، تو را سپاس، تو را شکر به خاطر این همه نعمت که به من ارزانی داشتی سپاس و شکری که موجب خشنودی تو شود و پس از خشنودی تو نیز تداوم داشته باشد.

وانّ رسول اللّه ﷺ كان يقول بعد صلاة الفجر اللّهمّ انّي أعوذ بك من الهمّ والحزن والعجز والكسل والبخل والجبن وضَلَعَ الدين[۱] وغلبة الرجال وبوار الأيّم والغفلة والذّلّة والقسوة والعيلة والمسكنة وأعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب لا يخشع ومن عين لا تدمع ومن دعاء لا يسمع ومن صلاة لا تنفع وأعوذ بك من امرأة تشيبني قبل أوان مشيبي وأعوذ بك من ولد يكون عليّ ربّاً.

وأعوذ بك من مال يكون عليّ عذاباً وأعوذ بك من صاحب خديعة إن رأي حسنة دفنها وإنْ رأي سيّئة افشاها اللّهمّ لا تجعل لفاجر عندي يداً ولا مِنّة.

۱۴۷۸ ۲۷۰۳۸ (۲) **العلل** ۲۹: حدّثنا أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن أحمد بن محمّد ابن أبي نصر البزنطي عن أبان بن عثمان عن **محمّد بن مسلم** عن أبي جعفر ﷺ قال انّ نوحاً انّما سمّى عبداً شكوراً لانّه كان يقول إذا أمسى وأصبح اللّهمّ انّي أشهدك انّه ما أمسي وأصبح بي نعمة أو عافية في دين أو دنيا فمنك وحدك لاشريك لك لك الحمد ولك الشكر بها عليّ حتّى ترضىٰ وبعد الرضا إليهنا.

۱۴۷۹ ۲۷۰۳۹ (۳) **كافي** ۹۹/۲: (علي بن ابراهيم عن أبيه ـ معلّقٌ) عن ابن أبي عمير عن ابن رئاب عن **اسماعيل** بن الفضل قال قال أبو عبداللّه ﷺ اذا أصبحت وأمسيت فقل عشر مرّات اللّهمّ ما أصبحت بي من نعمة أو عافية من دين أو دنيا فمنك وحدك لا شرك لك لك الحمد ولك الشكر بها عليّ يا ربّ حتّى ترضىٰ وبعد الرضا فأنّك إذا قلت ذلك كنت قد أدّيت شكر ما أنعم اللّه به عليك في ذلك اليوم وفي تلك الليلة.

۱۴۸۰ ۲۷۰۴۰ (۴) **كافي** ۹۹/۲: (علي بن ابراهيم عن أبيه ـ معلّق) عن ابن أبي عمير عن **حفص** بن البختري عن أبي عبداللّه ﷺ قال كان نوح ﷺ يقول ذلك[۲] إذا أصبح (وأمسي ـ خ) فسمّى بذلك عبداً شكوراً وقال قال رسول اللّه ﷺ من صدق اللّه نجا.

---

۱. أي ثقْلُ الدّين. ۲. أي الدعاء المذكور في الحديث السابق.

و رسول خدا ﷺ همیشه بعد از نماز صبح می‌گفت: خدایا! من پناه می‌آورم به تو از غـم، انـدوه، ناتوانی، تنبلی، بُخل ورزی، ترسو بودن، قرض سنگین و در فکر غلبهٔ بر دیگران بودن و از هلاکتی که در نتیجهٔ بی همسری به وجود می‌آید و از بی خبری و خوار شدن و از سخت دلی و تنگدستی و بیچارگی و پناه می‌آورم به تو از نفسی که سیر شدنی نیست و از دلی که خاشع و نـرم نـیست و از چشمی که نمی‌گرید و از دعایی که قبول نمی‌شود و از نمازی که سود نمی‌بخشد.

و پناه می‌برم به تو از همسری که پیش از فرا رسیدن زمان پیری مرا پیر گرداند.

و پناه می‌برم به تو از فرزندی که بخواهد بر من فرمانروایی کند.

و پناه می‌برم به تو از مالی که مایهٔ عذاب و ناراحتی من شود.

و پناه می‌برم به تو از نیرنگ‌بازِ مکّاری که چون خوبی مرا ببیند آن را زیر خاک پنهان کند و اگر بدیِ مرا ببیند آن را فاش نماید.

خدایا! برای آدم فاسق و فاجری پیش من نعمتی و بر گردن من مِنّتی قرار نده.»

۱۴۷۸ (۲) محمّد بن مسلم از امام باقر ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «حضرت نوح از آن جهت عبد شکور و بندهٔ سپاسگزار نامیده شد که صبح و شام می‌گفت: خدایا! من تو را گواه می‌گیرم که هر نعمت و عافیت دینی و دنیوی که صبح و شام با من است، از آن تو است. تویی که تنها و بی‌همتایی. آن قدر تو را سپاس و شکر باد تا راضی و خشنود شوی و حتّی پس از خشنودی نیز تو را سپاس باد ای معبود ما.»

۱۴۷۹ (۳) اسماعیل بن فضل از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در هر صبح و شام ده بار بگو: «خدایا! هر نعمت و عافیتی دینی یا دنیوی که من دارم از برکت عنایت تو است، تویی که تنها و بی‌همتایی. تو را به خاطر این نعمت‌ها آن قدر حمد و سپاس بر گردن من است ای پروردگار تا راضی شوی و حتّی بعد از رضایت نیز وظیفه‌ام شکر و سپاس تو است.» و اگر این دعا را گفتی شکر نعمت‌های الهی را در آن روز و در آن شب به جای آورده باشی.»

۱۴۸۰ (۴) حفص بن بَختری از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «حضرت نوح ﷺ را خدا عبد شکور و بندهٔ بسیار سپاسگزار نامید چون صبح و شام این دعا[یی که در روایت قبلی ذکر شد] را می‌خواند.

و حضرت صادق ﷺ فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود: کسی که راست بگوید نجات یابد.»

(۵) **العياشي** ۲/ ۲۸۰: عن **حفص** بن البختري عن أبي عبداللّه عليه السلام قال انّما سمّى نوح ۱۴۸۱ ۲۷۰۴۱
عبداً شكوراً لأنّه كان يقول إذا اصبح وأمسى اللّهمّ أنّه ما أصبح وأمسى بي نعمة أو عافية في دين أو دنيا فمنك وحدك لا شريك لك لك الحمد ولك الشكر به عليّ ياربّ حتّى ترضي وبعد الرضا يقولها إذا أصبح عشراً وإذا أمسى عشراً.

(۶) وعن جابر عن أبي جعفر عليه السلام في قوله كان عبداً شكوراً قال إذا كان أمسى وأصبح ۱۴۸۲ ۲۷۰۴۲
يقول أمسيت أُشهدك انّه ما أمست بي من نعمة في دين أو دنيا فأنّها من اللّه وحده لا شريك له له الحمد (عليّ ـ خ) بها والشكر كثيراً.

تفسير القمي ۲/ ۱۴: حدّثني أبي عن ابن أبي عمير عن أحمد بن النضر عن عمرو بن شمر عن **جابر** عن أبي جعفر عليه السلام قال كان نوح إذا أمسى وأصبح يقول أمسيت اشهد أنه وذكر مثله.

(۷) **العيّاشي** ۲/ ۲۸۰: في تفسيره عن **حفص** بن البختري عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان ۱۴۸۳ ۲۷۰۴۳
نوح إذا أصبح قال اللّهمّ انّه ماكان من نعمة وعافية في دين أو دنيا فأنّه منك وحدك لا شريك لك لك الملك ولك الشكر به عليّ يا ربّ حتّى ترضى وبعد الرضا.

(۸) **تفسير العيّاشي** ۲/ ۲۸۱: عن **أبي حمزة** الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام قال قلت له ما عنى ۱۴۸۴ ۲۷۰۴۴
اللّه بقوله لنوح انّه كان عبداً شكوراً فقال كلمات بالغ فيهنّ وقال كان إذا أصبح وأمسى قال اللّهمّ أصبحت اشهدك انّه ما أصبح بي من نعمة في دين أو دنيا فأنّه منك وحدك لا شريك لك ولك الشكر بها عليّ يا ربّ حتّى ترضى وبعد الرضا فسمّى بذلك عبداً شكوراً.

(۹) **كافي** ۲/ ۵۳۴: علي بن محمّد عن بعض أصحابه عن محمّد بن سنان عن أبي سعيد ۱۴۸۵ ۲۷۰۴۵
المكاري عن **أبي حمزة** عن أبي جعفر عليه السلام قال قلت له ما عني بقوله «وابراهيم الّذي وفّى» قال كلمات بالغ فيهنّ قلت وما هنّ قال كان إذا أصبح قال أصبحت وربّي محمود أصبحت لا اشرك باللّه شيئاً ولا أدعو معه الهاً ولا اتّخذ من دونه وليّاً ـ ثلاثاً ـ وإذا أمسى قالها ثلاثاً قال فأنزل اللّه عزّ وجلّ في كتابه «وابراهيم الّذي وفّى».

۱۴۸۱ (۵) حفص بن بختری از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «فقط به این خاطر خدا حضرت نوحؑ را عبد شکور و بندهٔ بسیار شکرگزار نامیده که هر بامداد و شامگاه می‌گفت: خدایا! هر نعمت و عافیت دینی و دنیوی که با من است فقط و فقط از تو است، تویی که تنها و بی‌همتایی، تو را آن قدر سپاس و شکر باد تا خشنود شوی و حتّی پس از خشنود شدن تو، تو را سپاس باد.»

۱۴۸۲ (۶) جابر از امام باقرؑ در ذیل آیهٔ شریفهٔ: «کانَ عبداً شَکوراً»[1] روایت کرده که آن حضرت فرمود: «حضرت نوحؑ صبح و شام می‌گفت: اینک به شب وارد شدم [خدایا] تو را گواه می‌گیرم که هر نعمت دینی و دنیوی که دارم همه و همه از جانب خدای تنهای بی همتاست، او را سپاس و شکر فراوان می‌گویم.»

در تفسیر قمّی نیز همین روایت نقل شده است.

۱۴۸۳ (۷) حفص بن بختری از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «حضرت نوح هر روز صبح می‌گفت: خدایا! هر نعمت و عافیتی که در دین یا دنیای من است از عطای تو است، تویی که یکتا و بی‌همتایی، فرمان‌روایی تو را شاید، به خاطر این همه نعمت وظیفه دارم که چنان از تو سپاسگزاری نمایم که خشنود شوی و پس از خشنودی نیز این وظیفه باقی خواهد بود.»

۱۴۸۴ (۸) ابوحمزه ثمالی از امام باقرؑ روایت کرده که: «به حضرت عرض کردم: مقصود خدا از اینکه دربارهٔ حضرت نوح فرمود: «انّه کانَ عبداً شکوراً» چیست؟

حضرت فرمود: چند جمله است که حضرت نوح به آن اهمیّت فراوان می‌داد و صبح و شام آن‌ها را می‌گفت و آن جمله‌ها این است:

خدایا! به صبح درآمدم، تو را گواه می‌گیرم که هر نعمتی که در دین یا دنیای من است پس به یقین از سوی تو است ای تنهای بی‌همتا و بدین جهت آنقدر حق سپاس بر من داری تا خشنود گردی و حتّی پس از خشنودی نیز این حق باقی است. به همین جهت خدا او را عبد شکور و بندهٔ کثیر الشکر نامید.»

۱۴۸۵ (۹) ابوحمزه از امام باقرؑ روایت کرده که: «به حضرت عرض کردم: مقصود خدا از اینکه فرمود «وابراهیمَ الذی وفّی»[2] چیست؟

حضرت فرمود: چند جمله بود که خیلی به آن‌ها بها می‌داد و در بامداد هر روز سه بار می‌گفت: به صبح درآمدم در حالی که پروردگارم پسندیده است، به صبح درآمدم در حالی که هیچ چیز را شریک و

---

۱. اسراء ۳/۱۷: «ذرّیّةَ من حَمَلْنا مَعَ نوحٍ انّه کانَ عبداً شکوراً».

۲. نجم ۳۷/۵۳. یعنی: «و ابراهیم، همانکه وفا کرد»

قلت فما عني بقوله في نوح «انّه كان عبداً شكوراً» قال كلمات بالغ فيهنّ قلت وما هنّ قال كان إذا أصبح قال أصبحت اشهدك ما أصبحت بي من نعمة أو عافية في دين أو دنيا فانّها منك وحدك لا شريك لك فلك الحمد علىٰ ذلك ولك الشكر كثيراً ـ كان يقولها إذا أصبح ثلاثاً وإذا أمسى ثلاثاً قلت فما عني بقوله في يحيى «وحناناً من لدنّا وزكاة» قال تحنّن اللّه قال قلت فما بلغ من تحنّن اللّه عليه قال كان إذا قال يا ربّ قال اللّه عزّ وجلّ لبّيك يا يحيى.

١٤٨٦ ٢٧٠٤٦ (١٠) **العلل** ٣٧: أبي ﷺ قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن يعقوب بن يزيد عن محمّد بن أبي عمير عن **حفص** بن البختري عن أبي عبداللّه ﷺ في قول اللّه عزّ وجلّ ﴿وَابراهيم الَّذي وَفَّىٰ﴾ قال انه يقول إذا أصبح وأمسى أصبحت وربّي محمود أصبحت لا أشرك باللّه شيئاً ولا أدعو مع اللّه الهاً آخر ولا اتّخذ من دونه وليّاً فسمّى بذلك عبداً شكوراً.

١٤٨٧ ٢٧٠٤٧ (١١) **مستدرك** ٣٩٤/٥: ابن أبي جمهور في درر اللّئالى عن سهل عن النّبيّ ﷺ انّه قال الا أخبركم لم سمّى اللّه ابراهيم خليله الّذي وفّى لانه كان يقول كلّما أصبح وأمسى فَسُبحانَ اللّهِ حينَ تُمْسُونَ وَحينَ تُصْبِحُون حتّى يتمّ الآية.

همتای او نمی‌دانم و معبودی را با او نمی‌خوانم و دوستی و سرپرستی غیر از او نمی‌گیرم و چون شب می‌شد نیز سه بار این جمله‌ها را می‌گفت، در نتیجه خدای عزیز و جلیل در کتاب خود این آیه را نازل فرمود که: «وابراهیم الذی وَفّی» یعنی: ابراهیمی که باوفا بود.

به حضرت باقر؈ عرض کردم: مقصود خدا از اینکه دربارهٔ حضرت نوح فرمود: «انّه کانَ عبداً شکوراً» چیست؟

حضرت فرمود: چند جمله بود که حضرت نوح خیلی به آن اهمیت می‌داد.

پرسیدم: آن جمله‌ها چه بود؟

حضرت فرمود: حضرت نوح در هر بامداد سه بار و در هر شامگاه سه بار می‌گفت: به صبح درآمدم [خدایا] تو را گواه می‌گیرم که هر نعمت و عافیتی که در دین یا دنیای من است از سوی تو است، تو تنها و بی همتا هستی پس به این خاطر تو را سپاس و شکر فراوان باد.

به حضرت عرض کردم: مقصود خدا از اینکه دربارهٔ حضرت یحیی فرمود: «وحَناناً مِنْ لدنّا وزکاةً»[1] مقصود از حَنَاناً چیست؟

حضرت فرمود: مقصود مهربان بودن خدا نسبت به او می‌باشد.

گفتم: از مهربانی خدا به او چه چیزی عائدش شده بود؟

فرمود: هر وقت یحیی می‌گفت: یا ربّ. خدای ﷻ می‌فرمود: لبّیک ای یحیی.»

۱۴۸۶ (۱۰) حفص بن بختری از امام صادق؈ روایت کرده که آن حضرت دربارهٔ فرمایش خدای بزرگ [در قرآن] «وابراهیمَ الذی وَفّی» فرمود: حضرت ابراهیم هر بامداد و شامگاه می‌گفت: به صبح درآمدم در حالی که پروردگار من پسندیده است. به صبح درآمدم در حالی که هیچ شریکی برای خدا قائل نیستم و با خدا معبود دیگری نمی‌خوانم و جز او و برای خود دوست و یاوری نگرفته‌ام.

در نتیجه خدا او را بندهٔ بسیار سپاسگزار نامید.»

۱۴۸۷ (۱۱) سهل از پیامبر ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «آیا به شما خبر دهم که چرا خدا، دوست خالصش ابراهیم را وفادار خواند؟ چون او هر صبح و شام می‌گفت: «فسُبحانَ اللهِ حینَ تُمْسُونَ وحینَ تُصبحون» تا آخر آیه.»[2]

---

۱. مریم ۱۳/۱۹. از جانب خود [به یحیی] مهربانی و پاکی دادیم.

۲. رُوم ۱۷/۳۰. پاک و منزّه است خدا آنگاه که به عصر در می‌آیید و آنگاه که به بامداد در می‌شوید. قابل توجّه اینکه این خود یک آیهٔ مستقل است و شاید مقصود از «تا آخر آیه»، آیهٔ بعد نیز باشد یعنی: «وله الحمدُ فی السموات و الارض و عشیّاً وحین تظهرون».

۱۴۸۸ ۲۷۰۴۸ (۱۲) **تفسير القمي** ۲ / ۱۱: حكى أبى عن محمّد ابن أبي عمير عن **هشام** بن سالم عن أبي عبدالله ﷺ قال جاء جبرئيل وميكائيل واسرافيل بالبراق إلى رسول اللّه ﷺ (إلى أن قال ﷺ) وعلّمتني الملائكة قولا أقوله إذا أصبحت وأمسيت. (اللّهمّ انّ ظلمي أصبح مستجيراً بعفوك وذنبي أصبح مستجيراً بمغفرتك وذلّي اصبح مستجيراً بعزّك وفقري أصبح مستجيراً بغناك ووجهي الفاني البالي أصبح مستجيراً بوجهك الدائم الباقي الّذي لايفني) [وأقول ذلك إذا أمسيت ـ ك].

۱۴۸۹ ۲۷۰۴۹ (۱۳) **أمالي ابن الطوسي** ۱۸۶: أخبرنا الشيخ المفيد أبوعلي الحسن بن محمّد بن الحسن الطوسي ﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبوجعفر محمّد بن الحسن ابن علي الطوسي ﷺ قال أخبرنا أبو عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان ﷺ قال أخبرني أبوالحسن علي بن خالد المراغي قال حدّثني محمّد بن مدرك الشيباني قال حدّثنا زكريّا بن الحكم قال حدّثنا خلف بن تميم قال حدّثنا بكر بن خنيس عن أبي شيبة عن عبدالملك بن عمر عن أبي قرّة عن **سلمان** الفارسي ﷺ قال قال لي النّبيّ ﷺ يا سلمان إذا أصبحت فقل اللّهمّ أنت ربّي لا شريك لك أصبحنا وأصبح الملك للّه قُلْها ثلاثاً وإذا أمسيت فقل مثل ذلك فأنهنّ يكفّرن ما بينهن من خطيئة.

۱۴۹۰ ۲۷۰۵۰ (۱۴) **أمالي المفيد** ۲۲۸: حدّثنا الشيخ الجليل المفيد أبوعبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان قال حدّثنا أبوبكر محمّد بن عمر الجعابي قال حدّثنا محمّد بن مدرك ابن تمام الشيباني قال حدّثنا زكريّا بن الحكم أبو يحيى الراسبي قال حدّثنا خلف بن تميم قال حدّثنا بكر بن حبيش عن أبي شيبة عن عبدالملك ابن عمر عن أبي قرّة عن **سلمان** الفارسي ﷺ قال قال لي النّبيّ ﷺ يا سلمان إذا أصبحت فقل اللّهمّ أنت ربّي لاشريك لك أصبحنا وأصبح الملك للّه لاشريك له تقولها ثلاثاً وإذا أمسيت فقل ذلك فأنهنّ يكفّرن ما بينهنّ من خطيئة.

۱۴۹۱ ۲۷۰۵۱ (۱۵) **مستدرك** ۵ / ۳۹۱: السيّد علي بن طاووس في فلاح السائل قال وممّا رويناه عن جدّي أبي جعفر الطوسي فيما يرويه عن محمّد بن علي بن محبوب شيخ القميّين في زمانه وجدته بخط جدّي أبي جعفر الطوسي ﷺ عن أيّوب بن نوح عن عبّاس بن عامر عن ربيع بن محمّد المسلّى عن أبي سعيد عن أبان ابن أبي عيّاش عن **أنس** بن مالك قال قال رسول اللّه ﷺ من قال سبحان اللّه وبحمده سبحان اللّه العظيم مرّة إذا أصبح ومرّة إذا أمسى بعث اللّه ملكاً إلى الجنّة معه مكساح من الفضة يكسح له من طين الجنّة وهو مسك إذ فر ثمّ يغرس له غرساً ثمّ يحيط عليه حائطاً ثمّ يبوّب عليه باباً ثمّ يغلقه ثمّ يكتب هذا بستان فلان بن فلان.

۱۴۸۸ (۱۲) هشام بن سالم از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «جبرئیل، میکائیل و اسرافیل مرکب رسول خداﷺ را که بُراق نام داشت به خدمتش آوردند (تا اینکه پیامبرﷺ در بیان ماوَقَع شب معراج فرمود:) و فرشتگان به من دعایی یاد دادند که هر بامداد و شامگاه آن را بخوانم و آن دعا این است: «خدایا! ظلم و ستم من به بخشندگی‌ات پناه آورده است و گناه من به آمرزش تو پناهنده گشته و خواری‌ام از عزّت تو پناه می‌خواهد و نیازمندی‌ام به بی‌نیازیت پناهنده شده و رخسار فناپذیر کهنهٔ من از رخسار پایدار جاوید تو که فناناپذیر است، پناه می‌جوید.»

۱۴۸۹ (۱۳) سلمان فارسی از رسول گرامی اسلام حضرت محمّدﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «ای سلمان! هر گاه به صبح درآمدی سه بار بگو: «خدایا! تو اداره کنندهٔ من هستی، همتایی برای تو نیست، ما و همهٔ جهان آفرینش از آنِ خداست.»

و چون به شب وارد شدی نیز آن را سه بار بگو که این کلمات، کفّارهٔ گناهان میان بامداد تا شامگاه خواهد بود.»

۱۴۹۰ (۱۴) سلمان فارسی از پیامبر گرامی اسلامﷺ روایت کرده که آن حضرت به او فرمود: «ای سلمان! هر بامداد سه بار بگو: «خدایا! تو اداره کنندهٔ من هستی، همتایی برای تو نیست، ما و همهٔ جهان آفرینش از آنِ خداست.» و هر شامگاه نیز آن را سه بار بگو که این کلمات کفّارهٔ گناهان میان بامداد و شامگاه تو خواهد بود.»

۱۴۹۱ (۱۵) انس بن مالک از رسول خداﷺ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «هر کس صبح یک بار و شب یک بار بگوید: «سُبْحانَ الله وبِحَمْدِه، سُبْحانَ اللهِ العَظیم» خداوند فرشته‌ای را به بهشت فرستد که با او بیلی از نقره است تا در گِل بهشت که مُشک سفید و خوشبویی است برای او بیل زند و درخت بکارد و سپس اطرافِ او را دیوار کند وانگهی برایش در بگذارد و آن را قفل کند و در پایان بر روی درش نویسد: این باغ مال فلانی پسر فلانی است.»

۱۴۹۲ ۲۷۰۵۲ (۱۶) **مستدرك ۳۹۲/۵**: القطب **الراوندي في** دعواته عن أميرالمؤمنينﷺ قال قال رسول اللّهﷺ من أصبح ولم يذكر أربعة أخاف عليه زوال النعمة أولها الحمد للّه الّذي عرفّني نفسه ولم يتركني عميان القلب والثاني يقول الحمد للّه الّذي جعلني من امة محمّدﷺ والثالث يقول الحمد للّه الّذي جعل رزقي في يديه ولم يجعله (لم يجعل رزقي خ) في أيدي الناس والرابع الحمد للّه الّذي ستر ذنبي (ذنوبي ـ خ ل) ولم يفضحني بين الخلائق. (النّاس ـ خ).

۱۴۹۳ ۲۷۰۵۳ (۱۷) **مستدرك ۳۹۳/۵**: ابن أبي جمهور في دررالّلئالي عن عنبسة عن ابن غنّام قال قال رسول اللّهﷺ من قال حين يصبح اللّهمّ ما أصبح بي من نعمة أو بأحد من خلقك فمنك وحدك لا شريك لك لك الحمد ولك الشكر شَكرَ[1] ذلك اليوم.

۱۴۹۴ ۲۷۰۵۴ (۱۸) **كافي ۵۲۷/۲**: علي بن ابراهيم عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن عبداللّه بن ميمون عن أبي عبداللّهﷺ أنّ عليّاً صلوات اللّه عليه وآله كان يقول إذا أصبح سبحان اللّه الملك القدّوس ثلاثاً اللّهمّ اني أعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن فجأة نقمتك ومن درك الشقاء ومن شرّ ما سبق في الليل[2] اللّهمّ اني أسألك بعزّة ملكك وشدّة قوّتك وبعظيم[3] سلطانك وبقدرتك على خلقك (ان تصلّي على محمّد وآل محمّد ـ البلد) ثمّ سل[4] حاجتك (تقضي ان شاء اللّه تعالى ـ البلد الأمين).

۱۴۹۵ ۲۷۰۵۵ (۱۹) **البحار ۲۸۳/۸۶**: البلد الأمين من أمالي سعد بن نصر عن سلمان الفارسيﷺ ما من عبد يقول حين يصبح ثلاثاً «الحمد للّه ربّ العالمين الحمدللّه حمداً كثيراً طيّباً مباركاً فيه» الّا صرف اللّه عنه سبعين نوعاً من البلاء أدناها الهمّ ومنه قال كان أمير المؤمنينﷺ يقول وذكر مثل ما في الكافي.

۱۴۹۶ ۲۷۰۵۶ (۲۰) **المحاسن ۴۴**: البرقي عن أبي يوسف عن علي بن حسان عن رجل عن أبي عبداللّهﷺ قال كان أمير المؤمنين صلوات اللّه عليه يقول من قال إذا أصبح هذا القول لم يصبه سوء حتّى يُمسي ومن قاله حين يمسى لم يصبه سوء حتّى يصبح يقول: «سبحان اللّه مع كلّ شيء حتّى لا يكون شيء بعد[5] كل شيء وحده وعدد جميع الأشياء واضعافها منتهى رضي اللّه والحمد للّه كذلك ولا إله إلّا اللّه مثل ذلك واللّه اكبر مثل ذلك.

---

۱. هكذا في الأصل. ۲. الكتاب ـ البحار. ۳. وبعظم ـ البحار.
۴. تسأل. ۵. بعد بعدد ـ ك.

۱۴۹۲ (۱۶) قطب راوندی در کتاب دعوات روایتی از امیر مؤمنان علیؑ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: هر کس به صبح درآید و چهار کلمه نگوید ترسم که نعمت از او گرفته شود:

نخست اینکه بگوید: سپاس خدایی را که خودش را به من شناساند و مرا کور دل رها نکرد.

دوّم اینکه بگوید: سپاس خدایی را که مرا از امّت حضرت محمّدﷺ قرار داد.

سوّم اینکه بگوید: سپاس خدایی را که روزی مرا در دست‌های خودش قرار داد و در دست‌های مردم قرار نداد.

و چهارم اینکه بگوید: سپاس خدایی را که گناه مرا پوشاند و مرا در میان مردم رسوا نکرد.»

۱۴۹۳ (۱۷) ابن غنام از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در بامداد هر روز بگوید: «خدایا! هر نعمتی که من یا هر یک از آفریدگانت داریم، از تو و از ناحیهٔ تو است، تو تنها و بی همتایی، تو را سپاس و تو را شکر می‌گوییم.» شکر نعمت آن روز را به جای آورده است.»

۱۴۹۴ (۱۸) عبدالله بن میمون از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «علیؑ در صبح هر روز سه بار می‌فرمود: «پاک است خدای فرمانروای بسیار پاک. سپس می‌گفت: «خدایا! پناه می‌آورم به تو از نابودی نعمتت و تغییر یافتن عافیتت و عذاب ناگهانی‌ات و فرا رسیدن شقاوت و شرّ حوادثی که در شب اتّفاق می‌افتد. خدایا! من از تو می‌خواهم به حقّ فرمانروایی شکست ناپذیرت و قدرت فراوانت و به حقّ بزرگ پادشاهی ات و به قدرتی که بر آفریدگانت داری که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی. پس از اینکه این دعا را خواندی حاجتت را بخواه که ان شاء الله تعالی برآورده شود.»

۱۴۹۵ (۱۹) سلمان فارسیؓ گوید: «بنده‌ای نیست که در بامداد سه بار بگوید: «الحمدُ لله ربِّ العالَمينَ الحمدُ لله حمداً كثيراً طَيِّباً مباركاً فيه» مگر اینکه خدا هفتاد نوع بلا را از او دور کند که کمترین آن غم و غصّه است.»

۱۴۹۶ (۲۰) علی بن حسان با یک واسطه از امام صادقؑ روایت کرده که حضرت فرمود: «امیرالمؤمنین علیؑ فرمود: هر کس در صبح این ذکر را بگوید تا شب هیچ بدی به او نرسد و هر کس در شب آن را بگوید تا صبح بدی به او نرسد، بگوید: به تعداد هر چیزی که در عالم وجود دارد بلکه چند برابر اشیایی که وجود دارد «سبحانَ الله» می‌گویم به حدّی که به خشنودی خدا ختم شود و به همین مقدار «الحمدلله» می‌گویم و به همین مقدار «لا اله الّا الله» و همین قدر «الله اکبر» می‌گویم.»

١٤٩٧ (٢١) **الخصال** ٦٢٢: في حديث الاربعمأة باسناده المتقدّم عن عليّ عليه السلام من قرء قل هو اللّه
٢٧٠٥٧
أحد من قبل ان تطلع الشمس أحد عشر مرّة ومثلها أنّا أنزلناه ومثلها آية الكرسي منع ماله ممّا يخاف ومن قرأ قل هو اللّه أحد وأنّا أنزلناه قبل أن تطلع الشمس لم يصبه في ذلك اليوم ذنب وان جهد [1] ابليس.

١٤٩٨ (٢٢) **مستدرك** ٣٨٩/٥: السيّد علي بن طاووس في فلاح السائل قال روينا عن محمّد بن
٢٧٠٥٨
محمّد الاشعث المشهور بثقته باسناده إلى الصادق عليه السلام انّ عليّاً عليه السلام كان إذا أصبح يقول مرحباً بكما من ملكين حفيظين كريمين أملى عليكما ما تحبّان ان شاء اللّه تعالىٰ فلا يزال في التسبيح والتهليل حتّى تطلع الشمس وكذلك بعد العصر حتّى تغرب الشمس. **الجعفريات** ٢٣٦: باسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام (مثله) إلّا انّ فيها حافظين.

١٤٩٩ (٢٣) **مستدرك** ٣٩١/٥: الشيخ ابراهيم الكفعمي في البلد الأمين عن أمير المؤمنين عليه السلام قال
٢٧٠٥٩
سئلت النّبيّ صلى الله عليه وآله عن تفسير المقاليد فقال يا عليّ لقد سئلت عظيماً المقاليد أن تقول عشراً إذا أصبحت وإذا أمسيت عشراً لا إله إلّا اللّه واللّه اكبر سبحان اللّه والحمد للّه أستغفر اللّه ولا حول ولا قوّة الّا باللّه هو الأوّل والآخر والظّاهر والباطن له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير من قالها عشراً إذا أصبح وعشراً إذا أمسى أعطاه اللّه خصالاً ستّاً:

أوّلهن يحرسه من أبليس وجنوده فلا يكون له عليهم سلطان.

والثانية يعطى قنطار في الجنّة أثقل في ميزانه من جبل أحد.

والثالثة يرفع اللّه له درجة لاينالها الّا الابرار.

والرابعة يزوّجه اللّه بحور من حور العين.

والخامسة يشهده اثنا عشر ملكاً يكتبونها في رقّ منشور يشهدون له بها يوم القيمة.

---

١. الجهد ـ خ.

۱۴۹۷ (۲۱) شیخ صدوق در کتاب خصال از امام علی روایت کرده که فرمود: «هر کس پیش از طلوع خورشید یازده بار سوره «قل هو الله احد» و یازده بار سوره «انّا انزلناه» [یعنی: «سورهٔ قَدر] و یازده بار «آیة الکرسی» را بخواند مال خود را از هر خطری که از آن می‌ترسد حفظ خواهد کرد.

و هر کس سوره «قل هو الله احد» و سوره «قَدْر» را پیش از طلوع خورشید بخواند در آن روز به گناه نیفتد گر چه شیطان برای به گناه انداختن او تلاش کند.»

۱۴۹۸ (۲۲) محمد بن محمد اشعث که مورد وثوق بودنش مشهور است با اسناد خود از امام صادق روایت کرده که آن حضرت فرمود: «علی هر وقت که صبح می‌شد می‌فرمود: سلام و آفرین بر شما ای دو فرشتهٔ نگهبان بزرگوار، ان شاء الله تعالی کردار و گفتاری به شما املاء خواهم گفت که دوست دارید. سپس حضرت پیوسته به تسبیح و تهلیل می‌پرداخت [یعنی: سبحانَ الله ولا اله الّا الله می‌گفت] تا آفتاب سر می‌زد و بعد از عصر نیز چنین عمل می‌کرد تا اینکه خورشید غروب می‌کرد.»

در کتاب جعفریات نیز روایت پیشین ذکر شده است.

۱۴۹۹ (۲۳) شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب البلد الامین روایتی از امیر مؤمنان علیّ بن ابی طالب نقل کرده که آن حضرت فرمود: «از پیامبر خدا از معنی کلمهٔ «مَقالید» که در قرآن آمده [لَهُ مَقالیدُ السّمٰوات والأرض[1] = گنج‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست.] پرسیدم. [یعنی: مقصود از این گنج‌ها چیست؟]

رسول خدا فرمود: این است که بامداد ده بار و شامگاه ده بار بگویی: «معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است، پاک است خدا و هر سپاس و ستایشی ویژهٔ خداست، از خدا آمرزش می‌خواهم و نیرو و توانی نیست مگر متّکی به خدا، او هم آغاز است و هم انجام، هم آشکار است و هم نهان. پادشاهی و فرمانروایی از آن اوست و هر کمال و جمالی از اوست، زنده کند و بمیراند و خود او همیشه زنده است و نمی‌میرد. همهٔ خوبی‌ها در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.»

هر کس این ذکر را صبح، ده بار و شب، ده بار بگوید خدا شش خصلت به او مرحمت فرماید که عبارت است از:

۱ـ او را از شیطان و لشگریانش حفظ کند که دیگر آن‌ها را بر او تسلّطی نخواهد بود.

۲ـ یک قنطار طلا در بهشت به او داده شود که از کوه احد سنگین‌تر باشد.

---

۱. در دو جای قرآن آمده: زُمَر ۶۳/۳۹ شوری ۱۲/۴۲.

والسادسة كان كمن قرء التورية الانجيل والزبور والفرقان وكمن حجّ واعتمر فقبل اللّه حجّه وعمرته وان مات في يومه أو ليلته أو شهره طبع بطابع الشّهداء فهذا تفسير المقاليد ونقله في البحار عن خطّ الشهيد ره عنه عليه السلام مثله.

۱۵۰۰ ۲۷۰۶۰ (۲۴) **الخصال** ۴۵۲: حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان عن بكر بن عبداللّه بن حبيب قال حدّثنا تميم بن بهلول عن أبيه قال حدّثنا اسماعيل بن الفضل قال سألت أبا عبداللّه عليه السلام عن قول اللّه عزّ وجلّ فسبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها فقال فريضة على كلّ مسلم أن يقول قبل طلوع الشمس عشر مرّات وقبل غروبها عشر مرّات لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير قال فقلت لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويميت ويحيى فقال يا هذا لا شكّ في أنّ اللّه يحيى ويميت ويحيى ولكن قل كما أقول.

۱۵۰۱ ۲۷۰۶۱ (۲۵) **كافي** ۵۲۷/۲: علي بن ابراهيم عن أبيه عن حمّاد عن الحسين بن المختار عن العلاء بن كامل قال سمعت أبا عبداللّه عليه السلام يقول واذكر ربّك في نفسك تضرّعاً وخيفة ودون الجهر من القول عند المساء لا إله إلّا اللّه وحده لاشريك له، له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويحيى وهو علىٰ كلّ شيء قدير قال قلت بيده الخير قال انّ بيده الخير ولكن قل كما أقول [لك] عشر مرات وأعوذ باللّه السميع العليم حين تطلع الشمس وحين تغرب عشر مرّات.

۱۵۰۲ ۲۷۰۶۲ (۲۶) **كافي** ۵۲۸/۲: عليّ عن أبيه عن حمّاد عن حريز عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال يقول بعد الصبح الحمد للّه[1] ربّ الصباح الحمد للّه[2] فالق الاصباح ـ ثلاث مرّات ـ اللّهمّ افتح لي باب الأمر الذي فيه اليسر والعافية اللّهمّ هيّيء لي سبيله وبصّرني مخرجه اللّهمّ ان كنت قضيت لأحد من خلقك على مقدرة بالشرّ فخذه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن تحت قدميه ومن فوق رأسه واكفنيه بما شئت ومن حيث شئت وكيف شئت.

---

۱. لرب الصباح ـ ئل. ۲. لفالق الاصباح ـ ئل.

۳ـ خدا او را به درجه‌ای رساند که جز نیکوکاران به آن نرسند.

۴ـ خداوند زنی از زنان بهشتی را به همسری او درآورد.

۵ـ دوازده فرشته به عنوان گواه آن را در نامهٔ سرگشاده‌ای نوشته و در روز قیامت به آن گواهی دهند.

۶ـ مانند کسی خواهد بود که کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل و زبور و قرآن را خوانده و مثل کسی است که به زیارت حج و عمره رفته و خدا حجّ و عمره‌اش را پذیرفته و اگر در آن روز یا شب یا ماه بمیرد با مُهر شهیدان مُهر شود. آری این است معنی و تفسیر «مقالید».»

۱۵۰۰ (۲۴) اسماعیل بن فضل روایت کرده که: «از حضرت صادق علیه السلام دربارهٔ این فرمایش خدا [در قرآن] که فرمود: «**پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن به تسبیح و حمد پروردگارت بپرداز.**» پرسیدم.

حضرت فرمود: بر هر مسلمان واجب است که پیش از طلوع خورشید ده بار و پیش از غروب آن نیز ده بار بگوید: «جز خدای یکتای بی‌همتا معبودی نیست، فرمانروایی از آن اوست و سپاس او را سزاست، زنده کند و بمیراند و خود او زنده‌ای است که نمیرد، خیر و خوبی دردست اوست و او بر هر چیزی تواناست.» راوی گوید: من همین ذکر را گفتم ولی بعد از یُحیی و یمیتُ» اضافه کردم: «ویمیتُ ویُحیِی» حضرت فرمود: شکّی نیست که خدا زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند ولی تو همان بگو که من می‌گویم [و از پیش خودت زیاد و کم مکن].»

۱۵۰۱ (۲۵) علاء بن کامل گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: آیهٔ شریفهٔ قرآن که می‌فرماید: «**پروردگارت را با زاری و خشیت در دلت، بی صدا یاد کن**» به این گونه است که هر شامگاه ده بار بگویی: «جز خدای یکتای بی‌همتا معبودی نیست، فرمانروایی از آن اوست و سپاس او را سزاست، زنده کند و بمیراند و خود او زنده‌ای است که نمیرد، خیر و خوبی دردست اوست و او بر هر چیزی تواناست.» راوی گفت: به حضرت عرض کردم: «بیده الخیر» حضرت فرمود: بله خیر در دست خداست ولی همانطور که من می‌گویم بگو [و از پیش خود نیفزا] و ده بار در هنگام طلوع خورشید و ده بار در هنگام غروب آن بگویی: «پناه می‌برم به خدای شنوای دانا.»

۱۵۰۲ (۲۶) زراره از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت پس از اینکه سحر می‌شد سه بار می‌فرمود: «سپاس خدایی را که پروردگار صبح است و پدیدآورنده روشنایی.» سپس می‌فرمود: «خدایا! دَرِ آسایش و تندرستی و عافیت به رویم بگشا. خدایا! راه آن را برایم آماده کن و راه خروج آن را نیز به من نشان ده. خدایا! اگر مقدّر کرده‌ای که آفریده‌ای از آفریدگانت بر ضرر من اقدام کند او را از سر راهم بردار و او را از جلو و راست و چپ و پایین و بالای سرش بگیر [تا نتواند مرتکب شرّ شود] و مرا از شرّ او حفظ کن به هر وسیله‌ای که می‌خواهی و از هر جا که خودت می‌خواهی و هر جور که می‌خواهی.»

۱۵۰۳ ۲۷۰۶۳ (۲۷) **کافي** ۵۳۴/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن محمّد بن سنان عن اسماعيل بن جابر عن أبي عبيدة الحذّاء قال قال أبوجعفر عليه السلام من قال حين يطلع الفجر لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت [ويميت ويحيي] وهو حيّ لايموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير ـ عشر مرّات ـ وصلّى على محمّد وآل محمّد عشر مرّات وسبّح خمساً وثلاثين مرّة وهلّل خمساً وثلاثين مرّة وحمد اللّه خمساً وثلاثين مرّة لم يكتب في ذلك الصباح من الغافلين وإذا قالها في المساء لم يكتب في تلك اللّيلة من الغافلين.

۱۵۰۴ ۲۷۰۶۴ (۲۸) **المجازات النبويّة** للسيّد رضي الدين من ذلك قوله صلى الله عليه وآله من قال حين يصبح «لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو على كلّ شيء قدير» عشر مرّات كتب اللّه له بكلّ واحدة قالها عشر حسنات وحطّ عنه بها عشر سيّئات ورفعه بها عشر درجات وكنّ له مسلحة[1] من اوّل نهاره إلى آخره ولم يعمل يومئذ عملاً يقهرهنّ.

۱۵۰۵ ۲۷۰۶۵ (۲۹) **کافي** ۵۱۸/۲: عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمّد عن عمرو بن عثمان وعلي بن ابراهيم عن أبيه جميعاً عن عبداللّه بن المغيرة عن ابن سكان عن أبي بصير ليث المرادي عن **عبدالكريم** بن عتبة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال سمعته يقول من قال عشر مرّات قبل أن تطلع الشمس وقبل غروبها لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت (ويميت ويحيي كا) وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير كانت كفّارة لذنوبه ذلك اليوم.

المحاسن ۳۱: البرقي عن أبيه وعمرو بن عثمان وأيّوب جميعاً عن ابن المغيرة عن ابن مسكان مثله سنداً ومتناً.

۱۵۰۶ ۲۷۰۶۶ (۳۰) **البحار** ۱۱۳/۸۳: مصباح الشيخ ۱۷۵ فاذا طلع الفجر الثاني فقل اللّهمّ أنت صاحبنا فَصَلّ علىٰ محمّد وآله و تفضّل علينا اللّهمّ بنعمتك تتمّ الصالحات فصلّ على محمّد وآله وأتممها علينا عائذاً باللّه من النّار عائذاً باللّه من النّار عائذاً باللّه من النّار.

---

۱. والمراد بالمسلحة: مجتمع السلاح الكثير.

۱۵۰۳ (۲۷) ابو عُبیده حذّاء از امام باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در وقت طلوع فجر ده بار بگوید: «جز خدای یکتای بی‌همتا معبودی نیست، فرمانروایی از آن اوست و سپاس او را سزاست، زنده کند و بمیراند و خود او زنده‌ای است که نمیرد، خیر و خوبی دردست اوست و او بر هر چیزی تواناست.» و ده بار بگوید: «اللهمّ صَلِّ علی محمّد وآل محمّد» و سی و پنج بار «سبحانَ الله» بگوید و سی پنج بار «لا اله الّا الله» بگوید و سی و پنج بار «الحمدُ لله» بگوید در آن روز از غافلان به حساب نیاید و اگر همین اذکار را در شب بگوید، در آن شب جزو غافلان نوشته نشود.»

۱۵۰۴ (۲۸) سید رضیّ الدین در کتاب المجازات النبویّه حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس در هنگام صبح ده بار بگوید: «جز خدای یکتای بی‌همتا معبودی نیست، فرمانروایی از آن اوست و سپاس او را سزاست، زنده کند و بمیراند و خود او زنده‌ای است که نمیرد، خیر و خوبی دردست اوست و او بر هر چیزی تواناست.» خدا به عدد هر حرف از آن، ده حسنه به او دهد و ده گناه از او فرو ریزاند و ده درجه او را بالا برد و این کلمات برای او همچون انبار مهمّات و جای پراسلحه عمل کند [که از او حراست نماید] از اوّل روز تا آخر آن و در آن روز به گناهی دست نیازد که این کلمات را مغلوب نماید [بلکه این کلمات مانع از ارتکاب گناه می‌شود.]»

۱۵۰۵ (۲۹) عبدالکریم بن عتبه از امام صادقؑ روایت کرده که: «شنیدم از آن حضرت که فرمود: هر کس پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن ده بار بگوید: «جز خدای یکتای بی‌همتا معبودی نیست، فرمانروایی از آن اوست و سپاس او را سزاست، زنده کند و بمیراند و خود او زنده‌ای است که نمیرد، خیر و خوبی دردست اوست و او بر هر چیزی تواناست.» این ذکر کفّارهٔ گناهان آن روزش خواهد بود.»

در کتاب محاسن برقی همین روایت با سند دیگری نقل شده است.

۱۵۰۶ (۳۰) در کتاب مصباح المتهجّد شیخ طوسیؒ آمده: «پس هر گاه سپیده دم سر زد [و هنگام اذان صبح شد] بگو: «خدایا! تو صاحب ما هستی پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و فضل و عنایتت را از ما دریغ مدار. خدایا! به واسطهٔ نعمت تو کارهای شایسته به سامان می‌رسد پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن‌ها را برای ما به سامان برسان. پناه برنده هستم به خدا از آتش دوزخ، پناه‌برنده هستم به خدا از آتش دوزخ، پناه‌برنده هستم به خدا از آتش دوزخ.

ثمّ تقول يا فالقه من حيث لا أرى إلى قوله واجعل اوّل يومنا هذا صلاحاً وأوسطه فلاحاً وآخره نجاحاً.

قال ثمّ تقول مرحباً بالحافظين إلى قوله الحمد للّه الّذي أذهب اللّيل بقدرته وجاء بالنّهار برحمته خلقاً جديداً.

ثمّ قال دعاء آخر اللّهمّ اني أصبحت استغفرك في هذا الصّباح وفي هذا اليوم لأهل رحمتك.

ثمّ قال دعاء آخر برواية معاوية بن عمّار تقول بعد الفجر إلى قوله الحمد للّه ربّ العالمين كثيراً كما هو أهله إلى قوله على أدبار اللّيل واقبال النّهار الحمد للّه الّذى ذهب باللّيل مظلماً بقدرته وجاء بالنّهار مبصراً برحمته إلى قوله مرحباً بخلق اللّه الجديد واليوم العتيد إلى قوله ﷺ واجعل اوّل يومي هذا صلاحاً إلى قوله وارزقني خير يومي هذا.

۱۵۰۷ ۲۷۰۶۷ (۳۱) **وفيه** ۱۱۳/۸۳: **الصحيفة السّجاديّة** ۵۶ في دعاء الصّباح وهذا يوم حادث جديد وهو علينا شاهد عتيد إلى قوله ﷺ اللّهمّ وفّقنا في يومنا هذا إلى قوله ﷺ واجعله أيمن يوم عهدناه إلى قوله ﷺ في يومي هذا.

۱۵۰۸ ۲۷۰۶۸ (۳۲) **أمالي ابن الطوسي** ۳۷۱: الشيخ المفيد أبوعلي الحسن بن محمّد الطوسي قال أخبرنا والدي ﵀ قال أخبرنا أبوالفتح هلال بن محمّد بن جعفر الحفار قال أخبرنا أبوالقاسم اسماعيل بن علي بن علي الدعبلي قال حدّثني أبي أبوالحسن **علي** بن علي بن دعبل ابن رزين بن عثمان بن عبدالرحمن بن عبداللّه ابن زيد بن ورقاء أخو دعبل بن عليّ الخزاعي ﵀ قال حدّثنا سيّدي أبوالحسن علي بن موسى الرّضا ﵇ عن موسى بن جعفر قال سمعت أبي جعفر بن محمّد ﵇ يقول إذا أمسى أمسينا وأمسى الملك للّه الواحد القهّار والحمد للّه ربّ العالمين الّذي أذهب بالنّهار وجاء باللّيل ونحن في عافية منه.

سپس می‌گوید: ای شکافندهٔ تاریکی شب با نور سپیده دم از جایی که من نمی‌بینم... تا به آنجا می‌رسد که می‌گوید: [خدایا] آغاز امروز ما را شایسته قرار ده و میانهٔ آن را رستگاری و پایانش را پیروزی و رسیدن به هدف.

سپس می‌گویی: آفرین و سلام بر فرشتگان نگهبان.

... تا می‌رسد به اینجای دعا: سپاس خدایی را که با قدرت خود شب را بُرد و به رحمتش روز را آورد که این آفرینش جدیدی است.»

سپس مرحوم شیخ طوسیرحمه الله دعای دیگری نقل می‌کند که عبارت است از: «خدایا به صبح درآمدم در حالی که در سحرگاه امروز و طول روز برای مشمولان رحمتت از تو آمرزش می‌خواهم.»

سپس دعای دیگری به روایت معاویة بن عمّار [از امام صادق﵇] نقل می‌کند که بعد از طلوع فجر می‌گویی: دعا را نقل می‌کند تا می‌رسد به اینجا: سپاس فراوان خدایی را که اداره کنندهٔ جهانیان است سپاسی شایستهٔ ذات پاکش... بر رفتن شب و آمدن روز. سپاس خدایی را که شب ظلمانی و تار و تاریک را با قدرتش بُرد و با رحمتش روز روشن را آورد... خوش آمد می‌گویم به آفریدهٔ جدید خدا و روزی که بر کردار من مراقب و ناظر است.»

تا آنجا که حضرت صادق﵇ فرمود: «آغاز امروز مرا شایسته قرار ده... و خیر امروز را به من مرحمت فرما.»

۱۵۰۷ (۳۱) در صحیفهٔ سجّادیه در دعای صباح حضرت زین العابدین﵇ آمده است: «و این، یک روز از راه رسیدهٔ جدیدی است که بر ما و اعمال ما گواه و ناظر است.» تا آنجا که می‌فرماید: «خدایا در امروز به ما توفیق ده» تا آنجا که می‌فرماید: «و امروز را با برکت‌ترین روزی قرار ده که تاکنون گذرانده‌ایم.»

۱۵۰۸ (۳۲) دعبل بن علی خزاعی گوید: «آقایم ابوالحسن علیّ بن موسی الرّضا﵇ از امام موسی بن جعفر﵇ روایت کرد که آن حضرت فرمود: «شنیدم از پدرم جعفر بن محمّد﵇ که در هر شامگاه می‌گفت: ما و جهان به شب درآمدیم در حالی که همه از آنِ خداوند یگانهٔ غالب هستیم و سپاس خدایی را که اداره کنندهٔ جهانیان است، خدایی که روز را بُرد و شب را آورد و ما از لطف او در عافیت و تندرستی هستیم.

اللّهمّ هذا خلق جديد قد غشّانا فما عملت فيه من خير فسهّله وقيّضه واكتبه أضعافاً مضاعفة وما عملت فيه من شرّ فتجاوز عنه برحمتك أمسيت لا أملك ما أرجو ولا أدفع شرّ ما أخشى أمسى الأمر لغيري وأمسيت مرتهناً بكسبي وأمسيت لا فقير أفقر منّي فاتّسع لفقري من سعتك ممّا كتبت على نفسك التقوى ما أبقيتني والكرامة إذا توفّيتني والصبر على ما ابتليتني والبركة فيما رزقتني والعزم على طاعتك فيما بقي من عمري والشكر لك فيما أنعمت به عليّ».

۱۵۰۹ (۳۳) **أمالي المفيد** ۸۴: حدّثنا الشيخ المفيد أبو عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان قال
۲۷۰۶۹ حدّثنا أبو الحسن أحمد بن محمّد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن محمّد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن محمّد بن الفضيل عن **أبي الصباح** الكناني عن أبي عبداللّه جعفر بن محمّد عليهما السلام قال من قال إذا أصبح قبل أن تطلع الشمس [وإذا أمسى قبل أن تغرب الشمس] أشهد أن لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له وأشهد أن محمّداً عبده ورسوله وأنّ الدين كما شرع والاسلام كما وصف والقول كما حدث والكتاب كما أنزل وأن اللّه هو الحقّ المبين وذكر محمّداً وآل محمّد بخير وحيّا[1] محمّداً وآل محمّد بالسلام فتح اللّه له ثمانية أبواب الجنّة وقيل له أدخل من أيّ أبوابها (بابها ـ ظ) شئت ومحى (اللّه ـ خ) عنه خنا ذلك اليوم.

۱۵۱۰ (۳۴) **المحاسن** ۴۱: أحمد عن ابن فضّال عن **الحسن** بن الجهم عن أبي الحسن عليه السلام قال من
۲۷۰۷۰ قال بسم اللّه الرّحمن الرّحيم لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم ثلاث مرّات حين يصبح وثلاث مرّات حين يمسي لم يخف شيطاناً ولا سلطاناً ولا جذاماً ولا برصاً قال أبو الحسن عليه السلام وأنا أقولها مائة مرّة.

۱۵۱۱ (۳۵) **مستدرك** ۳۹۳/۵: القطب الراوندي في دعواته قال الصادق عليه السلام لا تدع أن تقول في
۲۷۰۷۱ كلّ صباح ومساء بسم اللّه وباللّه فانّ في ذلك صرف كلّ سوء وتقول ثلثاً عند كلّ صباح ومساء اللّهمّ اني أصبحت في نعمة منك وعافية وستر فصلّ على محمّد وآل محمّد وأتمم عليّ نعمتك وعافيتك وسترك.

---

۱. حياك: ابقاك وقيل ملكك وفرحك وقيل سلم عليك وهو من التحيّة: السلام.

خدایا! این [شب] یک آفریدهٔ جدیدی است که ما را فراگرفت پس انجام عمل خیر را در آن آسان و مقدّر گردان و او را چند برابر بنویس و اگر در آن به گناه افتادیم تو به رحمتت از آن درگذر. به شب درآمدم در حالی که نمی‌توانم آنچه دلخواه من است به دست آورم و آنچه را که از آن مـی‌ترسم از خودم دور کن. کار در دست غیر من است [در دست تو است ای خدای بزرگ] و به شب وارد شدم در حالی که در گرو اعمالی هستم که انجام داده‌ام و به شب آمدم در حالی که فقیری از من فقیرتر نیست پس به خاطر فقر من، فراخ دستی کن و از کرم بی پایانت به من ببخش. از آن جود و کرمی که تو خود بر خودت نوشته‌ای به من تا زنده هستم تقوی و پرهیزگاری و در وقت مرگ، کرامت و احترام تفضّل کن و بر بلایی که مرا با آن می‌آزمایی بردباری ده و به آنچه که روزیِ من کرده‌ای برکت ببخش و بر اطاعت خودت در باقیماندهٔ عمرم عزمی راسخ مرحمت فرما و توفیق سپاسگزاری نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای به من عطا کن.»

۱۵۰۹ (۳۳) ابوالصباح کنانی از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن دریای علم و عرفان فرمود: «کسی که هر صبح پیش از طلوع خورشید و عصر پیش از غروب خورشید بگوید: گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست و گواهی می‌دهم که حضرت محمّد بنده و پیامبر اوست و دین، آن است که او تشریع کرده و اسلام همان است که او توصیف کرده و سخن همان است که او گفته و کتاب [قرآن] همان است که او نازل فرموده و به راستی که خدا حقیقت آشکار است و آنگاه محمّد و آل محمّد را به خوبی یاد کند و بر محمّد و آل محمّد تحیت و سلام کند، خدا هشت در بهشت را به روی او بازگرداند و به او گفته شود: از هر در که می‌خواهی وارد شو و زشتی آن روز را از او دور کند.»

۱۵۱۰ (۳۴) حسن بن جهم از امام موسی کاظمعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس سه بـار صبح و سه بار عصر بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم لا حولَ ولا قـوّةَ الّا بـالله العـلیّ العـظیم» از شیطان و سلطان و بیماری جذام و پیسی، ترسی به خود راه ندهد. آنگاه حضرت امام کاظمعليه السلام فرمود: ولی من خودم این ذکر را صدبار می‌گویم.»

۱۵۱۱ (۳۵) قطب راوندی در کتاب دعوات از حضرت صادقعليه السلام روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «این را ترک نکن که در صبح و شام بگویی: بِسمِ الله وبالله که باعث می‌شود هر بدی از تو دور گردد.

و هر صبح و شام سه بار بگو: «خدایا! من در میان نعمت تو عافیت تو و ستّاری تو [که عیوب مرا پوشانده‌ای] به صبح درآمـدم پس بـر مـحمّد و خـاندان مـحمّد درود فـرست و نـعمت و عـافیت و پوشایندگی‌ات را کامل فرما.»

۱۵۱۲ ۲۷۰۷۲ (۳۶) **كافي ۵۳۲/۲**: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد عن عبدالرحمن بن حمّاد عن **عبدالله** بن ابراهيم الجعفري قال سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول إذا أمسيت فنظرت إلى الشمس في غروب وأدبار فقل بسم اللّه الرّحمن الرحيم الحمد للّه الذي لم يتّخذ ولداً ولم يكن له شريك في الملك (و ـ خ) الحمدللّه الذي يصف ولا يوصف ويعلم ولا يعلم خائنة الأعين وما تخفى الصّدور (و ـ خ) أعوذ بوجه اللّه الكريم وبسم اللّه العظيم من شرّ ما ذرء وبرء ومن شرّ ما تحت الثرى ومن شرّ ما ظهر وما بطن ومن شرّ ما كان في اللّيل النهار ومن شرّ أبي مرّة[1] وما ولد ومن شرّ الرّسيس[2] ومن شرّ ما وصفت وما لم أصف فالحمد للّه ربّ العالمين (قال ـ و خ) ذكر أنّها أمان من السبع ومن الشيطان الرجيم ومن ذرّيّته.

۱۵۱۳ ۲۷۰۷۳ (۳۷) **مستدرك ۳۸۳/۵**: أحمد بن محمّد البرقي في المحاسن عن أبيه عن هارون بن الجهم عن ثوير بن فاخته عن **أبي خديجة** عن أبي عبداللّه عليه السلام وحدّثنا بكر بن صالح عن عبداللّه بن ابراهيم الجعفري عن أبي الحسن عليه السلام قال (وذكر نحوه).

۱۵۱۴ ۲۷۰۷۴ (۳۸) **أمالي ابن الطوسي ۳۷۱**: الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمّد الطوسي قال أخبرنا والدي رحمه الله قال أخبرنا أبوالفتح هلال بن محمّد بن جعفر الحفّار قال أخبرنا أبوالقاسم اسماعيل بن علي بن علي الدعبلي قال حدّثني أبي أبوالحسن **علي** بن علي بن دعبل بن رزين بن عثمان بن عبدالرحمن بن عبداللّه بن بديل بن ورقاء أخو دعبل بن علي الخزاعي رحمه الله قال حدّثنا سيّدي أبو الحسن علي بن موسى الرّضا عليه السلام قال حدّثني أبي موسى بن جعفر قال حدّثنا أبي جعفر بن محمّد عن محمّد بن علي عليه السلام انّه قال إذا اصبحت فقل اللّهمّ اجعل لي سهماً وافراً في كلّ حسنة انزلتها[3] من السماء إلى الأرض في هذا اليوم واصرف عنّي كلّ مصيبة انزلتها من السماء إلى الأرض في هذا اليوم وعافني من طلب ما لم تقدّر لي من رزق وما قدّرت لي من رزق فَسُقْهُ اليّ في يسر منك وعافية آمين ثلاث مرّات.

---

۱. أبي مُرة: كنية ابليس لع.

۲. الرّايس ـ ك الرّسيس: العشق الباطل أو الحميّ أو المفسد أو الكاذب أو من يتعرّف خبر الناس أو الأرجوفة أو إنتشار العيوب بين الناس (آت). ۳. أنزلت ـ ك.

۱۵۱۲ (۳۶) عبدالله بن ابراهیم جعفری از امام موسی بن جعفرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هرگاه عصر شد و خورشید را دیدی که در حال غروب کردن و رفتن است بگو: به نام خدای بخشندۀ مهربان سپاس خدایی را که فرزندی نگرفته و شریکی در فرمانروایی برایش نیست. سپاس خدایی که او دیگران را توصیف کند ولی خودش در وصف نگنجد و همه چیز داند ولی خودش دانسته نشود. چشم‌های خیانتکار را و آنچه را که سینه‌ها در خود پنهان می‌کنند، می‌شناسد.

به چهرۀ بزرگوار خدا و به نام بزرگ خدا پناه می‌برم از شرّ آنچه آفریده و پدید آورده و از شرّ آنچه که در زیر خاک است و از شرّ آنچه که آشکار و آنچه که پنهان است و از شرّ آنچه که در شب و روز است و از شرّ ابومُرّه [کنیۀ شیطان است] و فرزندانی که متولّد کرده و از شرّ عشق مجازی و از شرّ آنچه که گفتم و آنچه که نگفتم. پس سپاس خدایی را که ادارە کنندۀ جهانیان است.

گفته شده که این ذکر مایۀ در امان ماندن از درنده و شیطان رانده شده و فرزندان اوست.»

۱۵۱۳ (۳۷) ابوخدیجه از امام صادقؑ و عبدالله بن ابراهیم جعفری از امام کاظمؑ همانند روایت پیشین را نقل کرده‌اند.

۱۵۱۴ (۳۸) دعبل بن علی خزاعی گوید: «آقایم ابوالحسن علی بن موسی الرّضاؑ برای ما گفت: پدرم موسی بن جعفرؑ به من فرمود: پدرم جعفر بن محمّدؑ از امام محمد بن علیؑ نقل کرده که آن امام همام فرمود: هر گاه به صبح وارد شدی پس سه بار بگو: خدایا! برای من در هر خوبی و خیری که از آسمان در امروز نازل می‌کنی سهم فراوانی قرار ده و هر مصیبتی را که امروز از آسمان نازل می‌کنی از من دور گردان و از جستجو کردن چیزی که برایم مقدّر نکرده‌ای مرا معاف بدار و روزی‌ای که برایم مقدّر کرده‌ای به آسانی و عافیت آن را به دست من برسان، [و این دعای مرا] مستجاب گردان.»

۱۵۱۵ ۲۷۰۷۵ (۳۹)**المحاسن** ۳۶: البرقي عن الحسن بن طريف[1] عن عبدالله بن المغيرة عن حمّاد بن عثمان عن **أبي حمزة** قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول من كبّر الله مائة تكبيرة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها كتب الله له من الأجر كأجر من أعتق مائة رقبة ومن قال سبحان الله وبحمده كتب الله له عشر حسنات وان زاد زاده الله.

۱۵۱۶ ۲۷۰۷۶ (۴۰)**المحاسن** ۳۷: البرقي عن اسماعيل بن جعفر عن محمّد ابن أبي حمزة عن أبي أيّوب عن **أبي بصير** عن أبي عبدالله عليه السلام قال من سبّح الله مائة مرّة كان أفضل الناس ذلك اليوم الّا من قال مثل قوله.

۱۵۱۷ ۲۷۰۷۷ (۴۱)**كافي** ۵۳۴/۲: الحسين بن محمّد عن أحمد بن اسحاق عن سعدان عن داود البرقي عن أبي عبدالله عليه السلام قال لا تدع أن تدعو بهذا الدعاء ثلاث مرّات إذا أصبحت وثلاث مرّات إذا أمسيت اللّهمّ اجعلني في درعك الحصينة التي تجعل فيها من تريد فان أبي عليه السلام كان يقول هذا من الدعاء المخزون.

۱۵۱۸ ۲۷۰۷۸ (۴۲)**مستدرك** ۵/ ۳۹۰: السيّد علي بن طاووس في فلاح السّائل عن أبي محمّد هارون بن موسى عن محمّد بن همام عن الحسين بن هارون بن حمدون المدايني عن ابراهيم بن مهزيار عن أخي علي بن مهزيار عن أبي داود المسترقّ عن محسن عن **يعقوب** بن شعيب عن أبي عبدالله عليه السلام قال ما على أحدكم أن يقول إذا أصبح وأمسى ثلث مرّات اللّهمّ مقلّب القلوب والأبصار ثبّت قلبى على دينك ولا تزغ قلبي بعد إذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انّك أنت الوهّاب واجرني من النار برحمتك اللّهمّ امدُد لي في عمري وأوسع علىّ (في) رزقي وانشر عليّ رحمتك وان كنت في امّ الكتاب عندك شقيّاً فاجعلني سعيداً فانّك تمحو ما تشاء وتُثبت وعندك امّ الكتاب.

---

۱. (ظريف ـ ئل).

(۳۹) ابوحمزه گوید: «از حضرت امام باقرؑ شنیدم که فرمود: کسی که پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن صدبار تکبیر گوید [یعنی: بگوید: «الله اکبر»] خدا به او پاداش کسی را دهد که صد برده آزاد کرده است. ۱۵۱۵

و کسی که بگوید: «سبحانَ اللهِ وبِحَمده» خدا برایش ده حسنه نویسد و اگر او بیشتر گوید خدا نیز بیشتر به او حسنه دهد.»

(۴۰) ابوبصیر از امام صادقؑ روایت کرده که هر کس صدبار تسبیح الهی گوید [=صدبار بگوید: «سبحانَ الله»] بهترین مردم در آن روز [از نظر عمل] باشد مگر کسی که او هم مثل او گفته باشد.» ۱۵۱۶

(۴۱) داود رقی از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «سه بار در صبح و سه بار در عصر بگو: «اللّهمّ اجْعَلْنی فی دِرْعِکَ الحصینة الّتی تَجْعَلُ فیها مَنْ تُریدُ» و پدرم [امام باقرؑ] می‌گفت: این دعا، دعایی است خاصّ از گنجینهٔ پروردگار.» ۱۵۱۷

(۴۲) یعقوب بن شعیب از حضرت صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «چه مانعی وجود دارد برای هر یک از شما از اینکه صبح و شام سه بار بگوید: خدایا! ای گردانندهٔ دل‌ها و دیده‌ها! دل مرا بر دینت استوار بدار و پس از اینکه مرا هدایت کردی نگذار که دلم بلغزد و از پیش خود به من رحمتی ببخش، به راستی که تو خدای بسیار بخشنده‌ای و مرا به رحمتت از آتش دوزخ پناه ده و اگر من در لوح محفوظ پیش تو بدبخت و شقاوتمند هستم تو خودت مرا خوشبخت و سعادتمند گردان زیرا تو هر چه را بخواهی از میان بر می‌داری و هر چه را بخواهی ثابت نگاه می‌داری و لوح محفوظ پیش تو است.» ۱۵۱۸

۱۵۱۹ ۲۷۰۷۹ (۴۳) **مستدرك ۵/ ۳۹۰**: السيّد علي بن طاووس في فلاح السائل عن عليّ بن مهزيار عن محمّد بن علي الحسن بن علي بن بقاح عن عبدالسلام بن سالم البجلي عن **عامر** بن عذافر عن أبي عبداللّه عليه السلام قال إذا أصبحت و أمسيت فضع يدك على راسك ثمّ أمررها علىٰ وجهك ثمّ خذ بمجامع لحيتك وقل احطت على نفسي وأهلي ومالي وولدي من غائب وشاهد با(للّه) الذي لا اله الّا هو عالم الغيب والشهادة الرّحمن الرّحيم الحيّ القيّوم إلى العليّ العظيم فإذا قلتها بالغداة حفظت في نفسك وأهلك ومالك وولدك حتّى تمسى وإذا قلتها بالليل حفظت حتّىٰ تصبح.

۱۵۲۰ ۲۷۰۸۰ (۴۴) **مستدرك ۳۹۳/۵**: البحار عن الكتاب العتيق الغروي أخبرني السيّد الأجل عبدالحميد بن فخّار بن معدّ الموسوي الحسيني الحايري في سنة ستّ وسبعين وستّمأة قال أخبرني والدي عن تاج الدّين الحسن بن علي الدربي عن محمّد بن عبداللّه البحراني الشيباني عن أبي محمّد الحسن بن علي عن علي بن اسماعيل عن يحيى بن كثير عن محمّد بن عليّ القرشي عن أحمد بن سعيد عن عليّ بن الحكم عن **الربيع** بن محمّد المسلى قال قرأت على عبداللّه بن سليمان قال سمعت سيّدنا الإمام جعفر بن محمّد الصادق عليه السلام يقول من دعا إلى اللّه أربعين صباحاً بهذا العهد كان من أنصار قائمنا وان مات أخرجه اللّه إليه من قبره وأعطاه اللّه بكلّ كلمة ألف حسنة ومحا عنه ألف سيّئة وهو هذا العهد اللّهمّ ربّ النور العظيم إلى آخر ما في كتب الدعوات.

۱۵۲۱ ۲۷۰۸۱ (۴۵)**البحار ۲۸۶/۸۶**: الجنّة والبلد الأمين ومصباح الزائر عنه عليه السلام مثله.

۱۵۲۲ ۲۷۰۸۲ (۴۶) **مستدرك ۳۹۴/۵**: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي وروى النّوفلي حديثاً لسنده إلى النّبيّ صلى الله عليه وآله قال انّ للّه ملكاً له أربعمأة ألف رأس في كلّ رأس اربعمأة ألف وجه في كلّ وجه اربعمأة ألف لسان كلّ لسان يسبّح اللّه علىٰ حده فقال الملك أي ربّ هل ممّن خلقت (شيء خ) يسبّحك تسبيحي قال نعم يونس قال فسئل النّبيّ صلى الله عليه وآله هل هو يونس بن متىٰ. قال: لا، ولكن عبد يقال له يونس قال الملك أي ربّ ائذن لي في زيارته ولقائه. قال نعم. فقصده الملك.

(۴۳) عامر بن عذافر از امام جعفر صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه وارد صبح و شب شدی پس دستت را بر سرت بگذار و آن را بر روی خود بکش سپس ریش خود را به دست بگیر و بگو: پناهنده می‌کنم خودم، خانواده‌ام، مالم و فرزندانم را چه آن‌ها که پیش من حضور دارند و چه آن‌ها که از من دورند، به خدایی که جز او معبودی نیست، دانای نهان و آشکار است، بخشندهٔ مهربان و زندهٔ پایداری است که جهان را به پا داشته است... و آیة الکرسی را تا «العلیّ العظیم» بخواند. پس اگر آن را در صبح بگویی، خودت و خانواده‌ات و مالت و فرزندانت را تا شب به حفظ الهی، محافظت کرده‌ای و اگر آن را در شب بگویی تا به صبح آن‌ها را حفظ کرده‌ای.» ۱۵۱۹

(۴۴) ربیع بن محمّد مسلمی حکایت کرده که: «من در نزد عبدالله بن سلیمان روایت می‌خواندم گفت: من از امام جعفر بن محمّد صادقعليه السلام شنیدم که فرمود: «هر کس چهل صبح با این دعای عهد، خدا را بخواند، از یاوران قائم ما (عج) خواهد بود و اگر بمیرد خدا او را در هنگام ظهور حضرت قائم (عج) از قبر بیرون کند و به هر کلمه‌ای هزار حسنه او را دهد و هزار گناه از او پاک کند و آن دعای عهد این است: «اللهمّ رَبّ النور العظیم... تا آخر دعا که در کتاب‌های دعا مذکور است.»[۱] ۱۵۲۰

(۴۵) مرحوم مجلسی در کتاب بحار الانوار همین روایت قبلی را از کتاب الجنّة و کتاب البلد الأمین و کتاب مصباح الزائر نقل کرده است. ۱۵۲۱

(۴۶) ابن ابی جمهور در کتاب دُرَر اللئالی و نوفلی حدیثی نقل کرده‌اند که آن را به پیامبرﷺ نسبت داده‌اند که حضرت فرمود: «خدا را فرشته‌ای است که چهار هزار سر دارد، هر سری چهار هزار صورت دارد و در هر صورتی چهارصد هزار زبان وجود دارد و هر زبانی مستقلاً تسبیح خدا می‌گوید. پس این فرشته گفت: ای پروردگار! آیا از میان کسانی که آفریده‌ای کسی هست که مانند من تو را تسبیح گوید؟ ۱۵۲۲

خدا فرمود: آری، یونس از تو بیشتر مرا تسبیح می‌گوید.

از پیامبرﷺ سؤال شد که آیا آن یونس همان یونس بن مَتّی است؟

حضرت فرمود: خیر یک بندهٔ دیگری که نامش یونس بوده است.

پس فرشته گفت: ای پروردگار! به من اجازه فرما تا به دیدن او روم و او را از نزدیک ملاقات نمایم.

خدا فرمود: بله، اجازه دادم.

---

۱. این دعا معروف به دعای عهد است و در مفاتیح الجنان ذکر شده و بعضی از بزرگان علمای صالح را دیده‌ام که بر آن مواظبت می‌ورزند. (مترجم).

فقال انّي مع ما ترى من كثرة خلقي سئلت ربي هل شيء يسبّح تسبيحى؟

قال نعم يونس فما تسبيحك قال أقول إذا أصبحت وإذا أمسيت عشر مرّات الحمد للّه وسبحان اللّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر أضعاف ما حمده وسبّحه وهلّلّه وكبّره جميع خلقه كما يحبّ ويرضى وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله ومداد كلماته.

وقد تركنا جملة من أدعية الصباح والمساء لوجودها في كتب الدعوات ولان صرف الوقت في الأهمّ اولى وباللّه التوفيق.

۱۵۲۳ ۲۷۰۸۳ (۴۷)**تفسير الامام** ﷷ ۱۹: قال النّبيّﷺ انّه قال لزيد بن ارقم من أصحابه إذا أردت أن لا يصيبك شرّ (الأعادي) ولا ينالك مكرهم فقل إذا أصبحت أعوذ باللّه من الشيطان الرجيم فأنّ اللّه يعيذك[۱] من شرّهم فانّهم شياطين يوحى بعضهم إلى بعض زخرف القول غروراً.

وإذا أردت أن يؤمنك بعد ذلك من الغرق والحرق والسرق فقل إذا أصبحت بسم اللّه ما شاء اللّه لايصرف السّوء الّا اللّه بسم اللّه ماشاء اللّه لا يسوق الخير الّا اللّه بسم اللّه ما شاء اللّه ما يكون من نعمة فمن اللّه بسم اللّه ما شاء اللّه لاحول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم بسم اللّه ما شاء اللّه صلّى اللّه على محمّد وآله الطيّبين فأنّ مَنْ قالها ثلثاً إذا اصبح أمن من السرق والحرق والغرق حتّى يمسى ومن قالها ثلثاً إذا أمسى أمن من الحرق والسرق والغرق حتّى يصبح وانّ الخضر والياسﷸ يلتقيان في كلّ موسم فإذا تفرّقاً تفرّقاً عن هذه الكلمات وانّ ذلك شعار شيعتي وبه يمتاز أعدائي من أوليائي يوم خروج قائمهم صلوات اللّه عليه وآله.

---

۱. يقيك.

پس فرشته به قصد او نازل شد و پیش او رفت. پس به او گفت: با اینکه خلقت مرا می‌بینی که چگونه است و با این میلیون‌ها زبان تسبیح خدا می‌گویم از خدا پرسیدم که آیا موجودی هست که به اندازهٔ من تسبیح گوید؟

گفت: آری، یونس. اینک به من بگو که تسبیح تو چگونه است؟

یونس گفت: من هر صبح ده بار و هر غروب ده بار می‌گویم: «سپاس شایستهٔ خداست و خدا پاک است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و حمد و تسبیح و تهلیل و تکبیر می‌گویم خدا را چندبرابر حمدو تسبیح و تهلیل و تکبیری که تمام آفریده‌هایش می‌گویند و آن سان که او دوست دارد و می‌پسندد و آن سان که شایستهٔ کرامت روی او و عزّت و شکوه اوست و به اندازهٔ جوهر کلمات او.»

چون بسیاری از دعاهای صبح و شام در کتاب‌های دعا، موجود است ما از ذکر آن‌ها خودداری کردیم و به آنچه که مورد اهتمام این کتاب است [بیان اهمیّت و آثار و فوائد دعا در صبح و شام] پرداختیم و توفیق از سوی خداست و بس.»

۱۵۲۳ (۴۷) در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از اصحابش به نام زید بن ارقم فرمود: اگر می‌خواهی که شرّ دشمنان به تو نرسد و نیرنگ‌شان تو را فرا نگیرد پس هر گاه به صبح رسیدی بگو: «اعوذُ باللهِ مِنَ الشیطانِ الرَّجیم» پس قطعاً خدا تو را از شرّ شیاطین در پناه خود نگاه دارد زیرا شیطان‌هایی هستند که بعضی از آن‌ها با حرف‌هایی به ظاهر قشنگ باطل را به بعضی دیگر به آرامی انتقال می‌دهند تا فریب دهند.

و اگر علاوه بر آن خواستی که خدا تو را از غرق شدن و سوختن و سرقت مصون بدارد در هر صبح بگو: «به نام خدا، هر چه خدا بخواهد همان شود، جز خدا کسی بدی را برطرف نکند، به نام خدا آنچه که خدا بخواهد، جز خدا کسی خیر نیاورد، به نام خدا، هر چه خدا بخواهد، نعمتی نیست مگر از سوی خدا، به نام خدا، آنچه که خدا بخواهد. نیرو وتوانی نیست مگر متّکی به خدای بلند مرتبهٔ بزرگ، به نام خدا، هر چه که خدا بخواهد. درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش.» پس هر کس این ذکر را سه بار در هر صبح بخواند از دزدی و سوختن و غرق شدن تا شب در امان بماند و هر کس آن را در شب بخواند، از سوختن و سرقت و غرق شدن تا صبح در امان بماند و حضرت خضر و الیاس علیهما السلام در موعد مقرّری با هم ملاقات می‌کنند و در هنگام جدا شدن از یکدیگر همین کلمات را می‌گویند و همین کلمات شعار شیعیان من است و با همین ذکر دشمنان از دوستانم تفکیک می‌شوند در آن روز که حضرت قائم (عج) ظاهر شود.

ويأتي في أحاديث باب (۱۵) تسبيح فاطمة عليها السلام من أبواب طلب الرزق ما ورد من الدعاء والاستغفار وقراءة القرآن عند المنام فلاحظ.

(۲۹)

باب استحباب الجلوس مع الّذين يذكرون اللّه ومع الذين يتذاكرون العلم فانّ الملائكة تحضرهم والشيطان والدنيا يعتزلان عنهم

١٥٢٤ ٢٧٠٨٤ (۱) **أمالي الصدوق**۲۹۷: المعاني ۳۲۱: حدّثنا محمّد بن بكران النقّاش رحمه الله قال حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعيد الكوفي مولى بني هاشم قال حدّثنا[1] المنذر بن محمّد قال حدّثنا[2] أبي قال حدّثني **محمّد** بن الحسن[3] بن علي بن الحسن[4] بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال حدّثني أبي عن أبيه عن الحسن[5] بن علي بن أبي طالب عليهما السلام قال، **الفقيه** ۲۹۳/۴: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله بادروا إلى رياض الجنّة قالوا[6] (يا رسول اللّه ـ الفقيه) وما رياض الجنة قال حلق الذّكر.

١٥٢٥ ٢٧٠٨٥ (۲) **عدّة الداعي** ۲۳۸: روى انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله خرج على أصحابه فقال ارتعوا في رياض الجنّة قالوا يا رسول اللّه وما رياض الجنّة قال مجالس الذكر أغدوا وروّحوا واذكروا ومن كان يحبّ ان يعلم منزلته عنداللّه فلينظر كيف منزلة اللّه عنده فان اللّه تعالى ينزل العبد حيث أنزل العبد اللّه من نفسه واعلموا أنّ خير أعمالكم وازكاها وارفعها في درجاتكم وخير ما طلعت عليه الشمس ذكر اللّه سبحانه فانّه أخبر عن نفسه فقال انا جليس من ذكرني وقال سبحانه فاذكروني أذكركم بنعمتي واذكروني بالطاعة والعبادة أذكركم بالنعم والاحسان والرحمة والرضوان.

١٥٢٦ ٢٧٠٨٦ (۳) **مستدرك** ۳۹۵/۵: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال إذا رأيتم رياض الجنّة فارتعوا فيها قال (قيل خ) ما هي قال مجالس الذكر.

---

۱. حدّثني ـ أمالي. ۲. حدّثني ـ أمالي. ۳. الحسين ـ أمالي الصدوق.
۴. الحسين ـ أمالي الصدوق. ۵. الحسين ـ أمالي الصدوق. ۶. فقالوا ـ خ.

ارجاعات

می‌آید:

در روایات باب پانزدهم از باب‌های طلب روزی آنچه مناسب آن است پس ملاحظه کن.

باب ۲۹

هم‌نشینی با اهل ذکر و اهل علم

(۱) محمد بن حسن نبیرهٔ امام حسن مجتبی علیه السلام از پدرش و او از پدرش و او از پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای رفتن به باغ‌های بهشت بر یکدیگر پیشی بگیرید. پرسیدند: ای پیامبر خدا! باغ‌های بهشت چیست؟ فرمود: حلقه‌های ذکر.» ۱۵۲۴

(۲) در کتاب عدّة الداعی حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت به میان اصحابش تشریف آورد و فرمود: «در باغ‌های بهشت با ناز و نعمت باشید. گفتند: ای پیامبر خدا! باغ‌های بهشت کجاست؟ فرمود: مجلس‌های ذکر، به آن مجلس‌ها رفت و آمد کنید و ذکر خدا گویید و هر کس دوست دارد که بداند در نزد خدا از چه مرتبه و موقعیّتی برخوردار است پس باید ببیند که خدای متعال پیش او چه منزلت و موقعیّتی دارد زیرا خدای متعال بندهٔ خود را در منزلتی فرود می‌آورد که او خدا را در نزد خود در آن منزلت فرود آورده است و بدانید بهترین اعمال و پاک‌ترین و فزاینده‌ترین آن‌ها در درجات شما و بهترین چیزی که خورشید بر آن تابیده، ذکر خدای سبحان است. ۱۵۲۵

خدا از خود خبر داده و فرموده: من هم‌نشین کسی هستم که یاد من باشد و ذکر من گوید و آن خدای پاک فرمود: پس مرا یاد کنید تا با نعمتم یاد شما کنم و مرا با اطاعت کردن و عبادت کردن یاد کنید، من شما را با نعمت‌ها و نیکی کردن و رحمت و خشنودی‌ام یاد می‌کنم.»

(۳) قطب الدین راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: «وقتی باغ‌های بهشتی را دیدید پس از میوه‌های آن استفاده کنید. ۱۵۲۶

از حضرت پرسیدند: مقصودتان از باغ‌های بهشتی چیست؟

حضرت فرمود: مجالسی که در آن، ذکر خدا گفته می‌شود.»

۱۵۲۷ ۲۷۰۸۷ (۴) **كافي** ۳۹/۱: علي بن ابراهيم عن محمّد بن عيسى عن **يونس** رفعه قال قال لقمان لابنه يا بنيّ اختر المجالس على عينك فان رأيت قوماً يذكرون اللّه جلّ وعزّ فاجلس معهم فان تكن عالماً نفعك علمك (ويزيدونك علماً ـ علل) وان تكن جاهلاً علّموك ولعلّ اللّه أن يظلّهم[1] برحمته فيعمّك معهم وإذا رأيت قوماً لا يذكرون اللّه عزّوجلّ فلا تجلس معهم فان تكن عالماً لم ينفعك علمك وان كنت جاهلاً يزيدوك جهلاً ولعلّ اللّه أن يظلّهم[2] بعقوبة فيعمّك معهم.

۱۵۲۸ ۲۷۰۸۸ (۵) **العلل** ۳۹۴: حدّثنا محمّد بن الحسن قال حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار عن ابراهيم بن هاشم عن اسماعيل بن مرّار[3] عن **يونس** بن عبدالرحمن نحوه **مشكاة الانوار** ۵۴: من كتاب المحاسن عن **يونس** بن عبدالرّحمن نحوه.

۱۵۲۹ ۲۷۰۸۹ (۶) **ارشاد القلوب** ۶۱: قال **رسول اللّه**ﷺ انّ الملائكة يمرّون على مجالس الذكر فيقفون على رؤوسهم ويبكون لبكائهم ويؤمّنون على دعائهم وإذا صعدوا إلى السّماء يقول اللّه تعالى ملائكتي أين كنتم وهو أعلم بهم.

فيقولون ربّنا أنت أعلم كنّا حضرنا مجلساً من مجالس الذكر فرأيناهم يسبّحونك ويقدّسونك ويستغفرونك يخافون نارك ويرجون ثوابك.

فيقول سبحانه أشهدكم أنّي قد غفرت لهم وآمنتهم من ناري وأوجبت لهم جنّتي فيقولون ربّنا تعلم أنّ فيهم من لم يذكرك فيقول سبحانه قد غفرت له بمجالسة أهل ذكرى فانّ الذّاكرين لا يشقى بهم جليسهم.

۱۵۳۰ ۲۷۰۹۰ (۷) **العوالي** ۶۷/۴: روى **عدّة** من المشايخ بطريق صحيح عن الصادقؑ أنّه قال أنّ اللّه عزّ وجلّ يقول لملائكته عند انصراف أهل مجالس الذكر والعلم إلى منازلهم اكتبو ثواب ما شاهد تموه من أعمالهم فيكتبون لكلّ واحد ثواب عمله ويتركون بعض من حضر معهم فلا يكتبونه فيقول اللّه عزّ وجلّ ما لكم لم تكتبوا فلاناً. أليس كان معهم؟

---

۱. ان يصلهم ـ علل. ۲. ان يصلهم ـ علل. ۳. مروان ـ ئل.

۱۵۲۷ (۴) یونس با واسطه از امام معصوم علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لقمان به پسرش گفت: ای پسرم! با دیدهٔ باز و از روی بصیرت مجالس را برای شرکت در آن، انتخاب کن. وقتی دیدی عدّه‌ای [گرد هم آمده‌اند] و ذکر خدای عزیز و جلیل می‌گویند، پس با آن‌ها بنشین پس اگر عالم باشی، علمت تو را سود بخشد (بلکه بر علمت بیفزایند) و اگر جاهل باشی به تو یاد می‌دهند و شاید خدا با ابر رحمت خود بر سر آن‌ها سایه افکند در نتیجه تو را نیز فراگیرد. و هر گاه دیدی عدّه‌ای جمع شدند و ذکر نمی‌گویند پس با آن‌ها منشین زیرا اگر عالم باشی علمت تو را سودی نبخشد و اگر جاهل باشی بر جهلت بیفزایند و ممکن است عذابی بر آن‌ها نازل شود پس تو را نیز فرا گیرد.»

۱۵۲۸ (۵) در کتاب عِلَل الشرایع و مشکاة الانوار نیز روایت قبلی ذکر شده است.

۱۵۲۹ (۶) دیلمی در ارشاد القلوب حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: «فرشتگان بر مجالس ذکر می‌گذرند پس بر بالای سر آن‌ها می‌ایستند و باگریهٔ آن‌ها گریه می‌کنند و دعای آن‌ها را آمین می‌گویند و چون به آسمان بالا می‌روند خدای متعال می‌گوید: فرشتگان من کجا بودید؟ با اینکه خدا به آن‌ها داناتر است.

پس می‌گویند: ای پروردگار ما! تو داناتر و آگاه‌تری، در مجلسی از مجالس ذکر شرکت کردیم پس آنان را دیدیم که تسبیح و تقدیس تو می‌گویند و از تو طلب آمرزش می‌کنند، از آتش دوزخت می‌ترسند و دل به پاداش تو بسته‌اند.

پس خداوند سبحان می‌فرماید: شما را گواه گرفتم که آن‌ها را آمرزیدم و از آتش دوزخم آن‌ها را در امان قرار دادم و بهشتم را برای‌شان واجب کردم.

پس فرشتگان می‌گویند: پروردگارا! تو خود می‌دانی که در میان آن‌ها کسی بود که ذکر تو نمی‌گفت. پس خدای سبحان می‌فرماید: چون او با اهل ذکر من نشست او را هم آمرزیدم چرا که همنشین ذاکران، شقاوت نیابد.»

۱۵۳۰ (۷) در کتاب عوالی اللئالی با طریق صحیح از امام صادق علیه السلام روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: خدای عزّ و جلّ پس از پراکنده شدن اهل ذکر و علم از مجلس‌ها و رفتن به سوی خانه‌هایشان به فرشتگانش می‌گوید: ثواب اعمالی که خود شاهد آن بودید بنویسید. پس آن‌ها برای هر یک از اهل ذکر و اهل علمی که در آن مجلس بوده‌اند ثواب کارش را می‌نویسند ولی بعضی از کسانی را که با آن‌ها بوده‌اند ترک می‌کنند و ثوابی برای او نمی‌نویسند. پس خدای عزیز و جلیل می‌فرماید: چرا فلانی را ننوشتید، آیا او همراه آن‌ها نبود؟

وقد شهدهم فيقولون ياربّ انّه لم يشرك معهم بحرف ولا تكلّم معهم بكلمة فيقول الجليل جلّ جلاله أليس كان جليسهم فيقولون بلى يا ربّ فيقول اكتبوه معهم انّهم قوم لا يشقى بهم جليسهم فيكتبوه معهم فيقول تعالى اكتبوا له ثواباً مثل ثواب أحدهم.

۱۵۳۱ ۲۷۰۹۱ (۸) **جامع الأخبار** ۱۰۹: عن **عليّ** بن أبي طالب قال بينهما أنا جالس في مسجد النّبيّ ﷺ إذ دخل أبوذرّ فقال يا رسول اللّه جنازة العابد أحبّ إليك أم مجلس العلم.

فقال رسول اللّه ﷺ يا أباذرّ الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم أحبّ إلى اللّه من ألف جنازة من جنائز الشهداء من قيام ألف ليلة يصلّي في كلّ ليلة ألف ركعة والجلوس ساعة عند مذاكرة العلم أحبّ إلى اللّه تعالى من ألف غزوة وقرائة القرآن كلّه قال يا رسول اللّه مذاكرة العلم «ساعة خ» خير من قرائة القرآن كلّه فقال رسول اللّه ﷺ يا أباذرّ الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم أحبّ إلى اللّه تعالى من قرائة القرآن كلّه أثنى عشر ألف مرّة عليكم بمذاكرة العلم فإنّ بالعلم تعرفون الحلال من الحرام (إلى أن قال) يا أباذرّ الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم خير لك من عبادة سنة صيام نهارها وقيام ليلها الخبر.

۱۵۳۲ ۲۷۰۹۲ (۹) **أمالي ابن الطوسي** ۱۵۷: أخبرنا الشيخ السعيد المفيد أبو علي الحسن بن محمّد بن الحسن علي الطوسي ﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبوجعفر محمّد بن الحسن الطوسي ﷺ قال أخبرنا محمّد بن محمّد قال أخبرنا أبوالحسين محمّد بن المظفّر البزّاز قال حدّثنا الحسن بن رجا قال حدّثنا عبيداللّه[۱] بن سليمان عن محمّد بن علي العطّار عن هارون بن أبي بردة عن عبيداللّه بن موسى عن المبارك بن حسان عن عطيّة عن **ابن عباس** قال قيل يا رسول اللّه أيّ الجلساء خير قال من ذكركم باللّه رؤيته وزادكم في علمكم منطقه وذكّركم بالاخرة عمله.

۱۵۳۳ ۲۷۰۹۳ (۱۰) **عدّة الداعي** ۲۳۸: عن النّبيّ ﷺ ماجلس قوم يذكرون اللّه الّا ناداهم مناد من السماء قوموا فقد بدّلت سيّئاتكم حسنات وغفرت لكم جميعاً وما قعد عدّة من أهل الأرض يذكرون اللّه الّا قعد معهم عدّة من الملائكة.

---

۱. عبداللّه ـ خ.

پس فرشتگان پاسخ می‌دهند: ای پروردگار! [با آن‌ها بود ولی] او در گفتن ذکر با آن‌ها شریک نشد و حتّی یک حرف و یک کلمه بر زبان نیاورد.

پس خداوندﷻ می‌فرماید: «مگر او همنشین آن‌ها نبود؟ گفتند: آری، بود ای پروردگار.

پس خدا می‌فرماید: او را نیز همراه با آنان بنویسید، این‌ها مردمی هستند که همنشین آن‌ها شقاوت پیدا نکند. پس فرشتگان او را نیز همراه با اهل ذکر و علم می‌نویسند.

پس خدای متعال می‌فرماید: همان قدر که برای یکی از اهل ذکر و علم ثواب نوشتید برای او نیز بنویسید.»

۱۵۳۱ (۸) در کتاب جامع الاخبار روایتی از امام علی بن ابی طالبؑ نقل شده که آن حضرت فرمود: من در مسجد پیامبرﷺ نشسته بودم که ابوذر آمد و به پیامبرﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! جنازهٔ عابد را بیشتر دوست داری یا مجلس تعلیم و تعلّم را؟

پس رسول خداﷺ فرمود: یک ساعت مذاکرهٔ علم و گفتگوی علمی پیش خدا از [تشییع و تدفین] جنازهٔ هزار شهید محبوب‌تر است و از عبادت هزار شب که در هر شبی هزار رکعت نماز بخواند بهتر است و یک ساعت نشستن در مجلس مذاکرهٔ علم پیش خدای متعال محبوب‌تر است از شرکت در هزار جنگ در راه خدا و خواندن همهٔ قرآن.

ابوذر گفت: ای رسول خدا! مذاکرهٔ علم از خواندن همهٔ قرآن بهتر است؟ پس رسول خداﷺ فرمود: ای ابوذر! یک ساعت نشستن برای گفتگوی علمی پیش خدا عزیزتر است از دوازده هزار بار همهٔ قرآن را خواندن. بر شما باد مذاکرهٔ علم زیرا با علم است که شما حلال و حرام خدا را می‌شناسید. [تا آنجا که حضرت فرمود:] ای ابوذر! یک ساعت برای مذاکره علمی نشستن از عبادت یک سال که روز را روزه باشی و شب را به عبادت صبح کنی بهتر است.»

۱۵۳۲ (۹) ابن عبّاس حکایت کرده که: «از رسول خداﷺ پرسیده شد: بهترین هم‌نشین کیست؟ حضرت فرمود: آن کس که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش در دانش شما بیفزاید و کردارش آخرت را به یاد شما آورد.»

۱۵۳۳ (۱۰) ابن فهد حلّیؒ در کتاب عدّة الداعی حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «عدّه‌ای از مؤمنین برای ذکر خدا گفتن گِردِ هم نمی‌نشینند مگر اینکه هاتفی از آسمان خطاب به آن‌ها گوید: برخیزید که گناهان‌تان را به حسنات مبدّل کردم و همهٔ شما را آمرزیدم و عدّه‌ای از اهل زمین برای ذکر خدا گفتن دور هم نمی‌نشینند مگر اینکه عدّه‌ای از فرشتگان نیز کنار آن‌ها بنشینند.»

۱۵۳٤ ۲۷۰۹٤ (۱۱) **ارشاد القلوب ٦٠:** روى انّه ما اجتمع قوم يذكرون اللّه تعالى الّا اعتزل الشيطان عنهم والدنيا فيقول الشيطان للدنيا الا ترين ما يصنعون فتقول الدنيا دعهم فلو قد تفرّقوا أخذت بأعناقهم.

مستدرك ٢٨٩/٥: البحار عن اعلام الدين للديلمي عن النّبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال إذا اجتمع قوم يذكرون اللّه اعتزل الشيطان والدنيا عنهم وذكر مثله.

(۳۰)

باب ماورد فيانّ من فزع من أربع يفزع إلى أربع

۱۵۳٥ ۲۷۰۹٥ (۱) **الخصال ۲۱۸: أمالي الصدوق ۱٥:** حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور رحمه الله قال حدّثنا الحسين بن محمّد بن عامر عن عمّه عبداللّه بن عامر عن محمّد بن أبي عمير قال حدّثنا جماعة من مشايخنا منهم أبان بن عثمان وهشام بن سالم **ومحمّد بن حمران** عن الصادق جعفر بن محمّد عليهما السلام قال: عجبت لمن فزع من أربع كيف لا يفزعُ إلى أربع؟

عجبت لمن خاف كيف لا يفزع إلى قوله عزّ وجلّ حسبنا اللّه ونعم الوكيل فانّي سمعت اللّه جلّ جلاله يقول بعقبها ﴿فَانْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَفَضْلٍ لَمْ يمسَسْهُمْ سُوء﴾.

وعجبت لمن اغتمّ كيف لا يفزع إلى قوله عزّ وجلّ لا اله الّا أنت سبحانك انّي كنت من الظّالمين فانّي سمعت اللّه عزّ وجلّ يقول بعقبها (فاستجبنا له ـ خصال) ونجّيناهُ من الغمّ وكذلك ننجى المؤمنين.

وعجبت لمن مكر به كيف لايفزع إلى قوله وَاُفَوِضُ أمري إلى اللّه إنّ اللّه بصيرٌ بالعباد فانّي سمعت اللّه جلّ وتقدّس يقول بعقبها فوقيه اللّه سيّئات ما مكروا.

(۱۱) دیلمی در کتاب ارشاد القلوب گفته: «روایت شده که عدّه‌ای برای گفتن ذکر خدای متعال گِردِ هم جمع نمی‌شوند مگر اینکه شیطان و دنیا از آن‌ها دور می‌شوند. پس شیطان به دنیا می‌گوید: آیا نمی‌بینی چه می‌کنند؟ دنیا در جواب گوید: بگذار وقتی که پراکنده شدند گردن‌شان را خواهم گرفت.» ۱۵۳۴

در کتاب مستدرک الوسائل و بحار الانوار نیز روایت پیشین نقل شده است.

باب ۳۰

پناه آوردن از چهار چیز به چهار چیز

(۱) محمّد بن حمران از امام صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در شگفتم از کسی که از چهار چیز رنج می‌برد چرا به چهار چیز پناه نمی‌برد؟ ۱۵۳۵

در شگفتم از کسی که [از ستمگری] ترس و هراس دارد چگونه پناه نمی‌برد به فرمودهٔ خدای عزّ و جلّ: «**حسبُنا اللهُ ونِعْمَ الوَکیلُ**» چون من از خدای بزرگ شنیدم که بعد از آن می‌فرماید: «**فَانْقَلَبُوا بنعمةٍ مِنَ الله وفَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُم سُوءٌ**»[1]

و در شگفتم از کسی که غم و غصّه او را فرا گرفته، چرا پناه نمی‌آورد به فرمودهٔ خدای[ﷻ که بگویند:] «**لا اله الاّ انْتَ سُبحانَکَ انّی کنتُ من الظّالمین**»[2] چراکه پس از آن شنیدم که خدایﷻ بعد از آن [که حضرت یونسؑ در شکم ماهی این دعا را کرد] فرمود: «پس ما دعایش را مستجاب کردیم و او را از غمّ و غصّه نجات دادیم [آری] و این چنین ما مؤمنان را نجات می‌دهیم.»[3]

و تعجّب می‌کنم از کسی که فریبش داده‌اند [و سرش کلاه گذاشته‌اند] چرا پناه نمی‌آورد به فرموده خدا: «**وافَوِّضُ امری الی الله انّ اللهَ بصیرٌ بالعباد**»[4] زیرا شنیدم که بعد از آن خدای بزرگ پاک می‌فرماید: «**پس خدا او را [= حضرت موسی را] از بدی‌های مکر و نیرنگ آنان نگاه داشت.**»

---

۱. آل عمران ۱۷۳/۳ ـ ۱۷۴. معنی کامل دو آیه این است: «[مؤمنان پرهیزگار] کسانی هستند که وقتی مردم به آن‌ها می‌گویند که دشمنان شما برای جنگیدن با شما، جمع شده‌اند بر ایمان آن‌ها بیفزاید و می‌گویند: خدا ما را بس است و او پشتیبان خوبی است، پس آن‌ها با نعمت و عنایتی از طرف خدا برگشتند، هیچ بدی به آن‌ها نرسید و خشنودی خدا را دنبال کردند و خدا دارای فضل بزرگی است.»

۲. انبیاء ۸۷/۲۱. معنی تمام آیه این است: «به یاد آر یونس را [که ماهی او را بلعید] آنگاه که خشمناک برفت و پنداشت که هرگز بر او تنگ نمی‌گیریم و در تاریکی ندا داد: هیچ معبودی جز تو نیست، تو پاکی، این منم که از ستمکارانم.»

۳. انبیاء ۸۸/۲۱.

۴. مؤمن ۴۴/۴۰. یعنی: کارم را به خدا واگذار می‌کنم زیرا خدا به بندگان بیناست [و همه را خوب می‌شناسد].

وعجبت لمن أراد الدنيا وزينتها كيف لا يفزع إلى قوله تبارك وتعالى ما شاء اللّه لا قوّة إلّا باللّه فإنّي سمعت اللّه عزّ اسمه يقول بعقبها ان تَرَنِ أنا أقلّ منكَ مالاً وَوَلداً فعسى ربّي أن يؤتين خيراً من جنّتك ـ وعسى موجبة، روضةالواعظين ۵۲۰ عن الصادق عليه السلام مثله.

(۳۱)

باب ماورد في تمجيد اللّه تعالى في خمس كلمات

۱۵۳۶ ۲۷۰۹۶ (۱) **الخصال** ۲۹۹: حدّثنا محمّد بن علي ماجيلويه رضي الله عنه قال حدّثنا محمّد بن يحيى العطّار عن محمّد بن أحمد بن يحيى عن أحمد بن محمّد السيّاري باسناده رفعه إلى أبي حمزة الثمالي عن علي بن الحسين عليه السلام قال قلت قولك مجّدوا اللّه في خمس كلمات ما هي قال إذا قلت سبحان اللّه وبحمده رفعت اللّه تبارك وتعالى عمّا يقول العادلون به فإذا قلت لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له فهي كلمة الاخلاص الّتي لا يقولها عبد الّا أعتقه اللّه من النّار الّا المستكبرين والجبّارين ومن قال لا حول ولا قوّة الّا باللّه فوّض الأمر إلى اللّه عزّ وجلّ ومن قال أستغفر اللّه وأتوب إليه فليس بمستكبر ولا جبّار انّ المستكبر الّذي يُصِرُّ على الذنب الّذي قد غلبه هواه فيه وآثر دنياه على آخرته ومن قال الحمدللّه فقد أدّى شكر كلّ نعمة للّه عزّ وجلّ عليه.

(۳۲)

باب فضل الصّلوات على محمّد وآله وكثرة ثوابها وفوائدها وكيفيّتها وحكمها إذا ذكر النّبيّ صلى الله عليه وآله

قال اللّه تعالى في سورة الأحزاب (۳۳): ۴۳ و۵۶: ﴿هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَـٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَـٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا﴾.

و تعجّب می‌کنم از کسی که دنیا و زیور آن را می‌خواهد چرا پناه نمی‌آورد به فرموده خدای متعال: «هرچه خدا بخواهد هیچ نیرویی نیست مگر اینکه متّکی به خداست.»[1] چون شنیدم خدای گرامی نام پس از آن می‌فرماید: **«اگر می‌بینی که من از نظر مال و فرزند کمتر از تو هستم پس امید است که پروردگار من بهتر از باغ تو به من دهد»** و عسی که برای امید است در اینجا صد در صد است [و وعدهٔ حتمی خداست.]»

باب ۳۱

مجد و ثنای الهی در پنج کلمه

۱۵۳۶ (۱) ابوحمزه ثمالی از امام علیّ بن الحسین علیه السلام روایت کرده که: «از آن زینت‌بخش عابدان و ساجدان پرسیدم: شما که می‌فرمایید: خدا را در پنج کلمه مجد و ثنا گویید، آن پنج کلمه چیست؟ حضرت فرمود: هر گاه بگویی: «سُبحانَ اللهِ وبِحَمْدِهِ» خدای تبارک و تعالی را از آنچه منحرفانِ از حق می‌گویند بالاتر دانسته‌ای، هر گاه بگویی: «لا الهَ الّا اللهُ وَحدَهُ لا شریکَ له» پس این را «کلمهٔ اخلاص» می‌گویند که بنده‌ای آن را نگوید مگر اینکه خدا او را از آتش دوزخ رهایی بخشد مگر مستکبران و ستمگران، کسی که بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» کار خود را به خدای توانای بزرگ واگذار کرده است، کسی که بگوید: «استَغفِرُ اللهَ واتوبُ الیه» پس او نه مستکبر است و نه ستمگر. چرا که مستکبر کسی است که بر گناه اصرار می‌ورزد گناهی که بر اثر هوای نفس به آن افتاده و دنیای خود را بر آخرتش برتری داده و دنیا را برگزید و هر کس بگوید: «الحمد لله» پس شکر و سپاس تمام نعمت‌های خدای عزیز و جلیل را ادا کرده باشد.»

باب ۳۲

فضیلت صلوات

خداوند متعال فرموده:

> **او کسی است که خودش و فرشتگانش بر شما درود می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به نور درآورند و خدا نسبت به مؤمنان مهربان است.**[2]
>
> **خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما هم بر او درود فرستید و به او سلام دهید.**[3]

---

۱. کهف ۳۹/۱۸. ۲. احزاب ۴۳/۳۳. ۳. احزاب ۵۶/۳۳.

۱۵۳۷ ۲۷۰۹۷ (۱) **کافي ۴۹۴/۲**: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن أبي أيّوب عن **محمّد** بن مسلم عن أحدهما ﷺ قال ما في الميزان شيء أثقل من الصلاة على محمّد وآل محمّد وانّ الرّجل لتوضع أعماله في الميزان فيميل به فيخرج ﷺ الصلاة عليه فيضعها في ميزانه فيرجّح (به).

۱۵۳۸ ۲۷۰۹۸ (۲) **قرب الاسناد ۱۴**: محمّد بن عيسى قال حدّثني ابراهيم بن عبدالحميد عن أبي عبداللّه ﷺ أو عن أبي جعفر ﷺ قال أثقل ما يوضع في الميزان يوم القيامة الصلوة على محمّد وعلى أهل بيته.

۱۵۳۹ ۲۷۰۹۹ (۳) **الثواب ۱۸۶**: حدّثني أحمد بن محمّد ﷺ عن أبيه عن محمّد بن أحمد عن السندي ابن محمّد عن أبي البختري عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن آبائه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ أنا عند الميزان يوم القيامة فمن ثقلت سيّئاته على حسناته جئت بالصلاة عليّ حتّى أثقل بها حسناته.

۱۵۴۰ ۲۷۱۰۰ (۴) **مستدرك ۳۳۷/۵**: القطب الراوندي في لبّ اللّباب وفي الخبر انّه يؤمر برجل إلى النّار يوم القيامة فيقول اشفع لي فيقول النبيّ ﷺ ردّوه إلى الميزان فيردّونه إليه فيضع شيئاً كأنمل [۱] في ميزانه وهو الصلوة على محمّد وآله فيرجّح ميزانه وينادى [۲] قد سعد فلان.

۱۵۴۱ ۲۷۱۰۱ (۵) **مستدرك ۳۳۷/۵**: القطب الراوندي في لبّ اللّباب قال النّبيّ ﷺ لن يلج النار من صلّى عليّ ومن نسي الصلوة عليّ فقد أخطأ طريق الجنّة **مستدرك ۳۳۵/۵**: جامع الأخبار عن النّبيّ ﷺ مثل صدر الحديث.

۱۵۴۲ ۲۷۱۰۲ (۶) **الثواب ۱۸۵**: حدّثني محمّد بن علي ماجيلويه ﷺ قال حدّثني محمّد بن يحيى العطّار قال حدّثني محمّد بن أحمد عن محمّد بن حسان عن جعفر بن عيسى الحسني قال حدّثني رشد بن سعد عن معاوية بن صالح عن أبي اسحاق عن عبّاس عن عاصم بن ضمرة (حمزة ئل) عن أمير المؤمنين ﷺ قال الصلاة على النّبيّ ﷺ أمحق للخطايا من الماء للنّار والسلام على النّبيّ ﷺ أفضل من عتق (عشر ـ ئل) رقاب وحبّ رسول اللّه ﷺ أفضل من مهج الأنفس أو قال ضرب السيوف في سبيل اللّه.

---

۱. كالنمل.　　۲. ويقال.

۱۵۳۷ (۱) محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در ترازوی عمل، عملی سنگین‌تر از صلوات بر محمّد و آل محمّد نیست. کفّهٔ حسنات سبک است پس همین که صلوات را در آن می‌گذارند سنگین می‌شود و بر کفّهٔ دیگر رجحان می‌یابد.»

۱۵۳۸ (۲) ابراهیم بن عبدالحمید از امام صادقؑ یا امام باقرؑ روایت کرده کـه آن حـضرت فـرمود: «سنگین‌ترین حسنه‌ای که روز قیامت در ترازوی عمل می‌نهند صلوات بر محمّد و بر خاندان اوست.»

۱۵۳۹ (۳) ابوالبختری از امام جعفر صادقؑ و او از پدرش و او از پدرانش روایت کرده‌اند کـه: «رسول خداﷺ فرمود: در روز قیامت من در کنار ترازوی عـمل هسـتم پس کسـی کـه گـناهانش از حسناتش سنگین‌تر شود، صلواتی که بر من فرستاده می‌آورم تـا ایـنکه بـا آن صـلوات، حسـناتش سنگین‌تر شود.»

۱۵۴۰ (۴) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب گفته: «در خبر آمده است که: روز قیامت دستور می‌رسد که فلان مرد را به آتش دوزخ درافکنید. پس می‌گوید: مرا شفاعت کن. پیامبرﷺ می‌گوید: او را به پای ترازوی عمل بازگردانید.

پس او را باز می‌گردانند و چیزی به اندازهٔ بند انگشت در ترازویش می‌نهند پس کفّهٔ حسناتش بر گناهانش می‌چربد و آن صلوات بر محمّد و آل محمّد است. آنگاه ندا می‌رسد که فلانی سعادتمند شد [و اهل بهشت گردید.]»

۱۵۴۱ (۵) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هـر کس بر من صلوات بفرستد هرگز به آتش دوزخ نیفتد و کسی که صلوات فرستادن بر من را به دست فراموشی سپرد راه بهشت را گم کرده و به خطا راه دیگری در پیش گرفته است.»

در کتاب جامع الاخبار نیز حدیث مذکور، نقل شده است.

۱۵۴۲ (۶) عاصم بن ضمره از امیرمؤمنان علیؑ روایت کرده که آن امام هُمام فرمود: «آن سان که آب، آتش را خاموش و نابود می‌کند، صلوات بر پیامبرﷺ از آزاد کردن برده‌ها، بهتر است و دوستی پیامبر خداﷺ با فضیلت‌تر از ریختن خون [= به شهادت رسیدن] و شمشیر زدن در راه خداست.»

۱۵۴۳ ۲۷۱۰۳ (۷) **مستدرك ۳۳۶/۵**: جامع الأخبار عن عليّ ﷺ قال الصلوة على النّبيّ ﷺ أمحق للخطايا من الماء للنّار والسلام على النبيّ وآله أفضل من عتق رقبات وذكر مثله.

۱۵۴۴ ۲۷۱۰۴ (۸) **العيون ۲۹۴/۱**: حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان ومحمّد بن بكران النقّاش ومحمّد بن ابراهيم بن اسحاق ﷺ قالوا حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعيد الهمداني قال أخبرنا علي بن **الحسن** بن عليّ بن فضّال عن أبيه قال قال الرّضا ﷺ من لم يقدر على ما يكفّر به ذنوبه فليكثر من الصلوة على محمّد و آله فانّها تهدم الذنوب هدماً وقال الصلوة على محمّد و آل تعدل عند اللّه عزّ وجلّ التسبيح والتهليل والتكبير **أمالي الصدوق ۶۸**: حدّثنا **محمّد** بن ابراهيم بن اسحاق وذكر مثله سنداً ومتناً.

۱۵۴۵ ۲۷۱۰۵ (۹) **جامع الأخبار ۱۵۴**: قال **النّبيّ** ﷺ من صلّى عليّ مرّة لم يبق عليه من المعصية ذرّة.

۱۵۴۶ ۲۷۱۰۶ (۱۰) **مستدرك ۵**: جامع الأخبار ـ وقال ﷺ من صلّى عليّ مرّة لم يبق له من ذنوبه ذرّة.

۱۵۴۷ ۲۷۱۰۷ (۱۱) **مستدرك ۵**: جامع الأخبار ـ وقال ﷺ ما من أحد صلّى عليّ مرّة واسمع حافظيه الّا أن لا يكتبا ذنباً له ثلثة أيّام.

۱۵۴۸ ۲۷۱۰۸ (۱۲) **المحاسن ۵۹**: البرقي: عن الحسين بن يزيد النوفلي عن **السكوني** عن جعفر عن أبيه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ من صلّى عليّ يوم الجمعة ايماناً واحتساباً لستأنف العمل.

۱۵۴۹ ۲۷۱۰۹ (۱۳) **كافي ۴۹۳/۲**: (علي بن ابراهيم عن أبيه ـ معلّق) عن ابن أبي عمير عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ﷺ قال سمعته يقول قال رسول اللّه ﷺ ارفعوا أصواتكم بالصّلاة عليّ فانّها تذهب بالنفاق.

الثواب ۱۹۰: محمّد بن موسى بن المتوكّل ﷺ قال حدّثني محمّد بن جعفر قال حدّثني موسى بن عمران عن الحسين بن يزيد عن **عبداللّه** ابن سنان مثله.

۱۵۵۰ ۲۷۱۱۰ (۱۴) **كافي ۴۹۲/۲**: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ الصلاة عليّ وعلى أهل بيتي تذهب بالنفاق.

(۷) در کتاب جامع الاخبار روایتی از علی‌ؑ نقل شده که آن حضرت فرمود: «صلوات فرستادن بر پیامبرﷺ گناهان را از بین می‌برد بیشتر از آنکه آب آتش را از بین می‌برد و سلام دادن به پیامبر و خاندانش از آزاد کردن بنده‌ها، بهتر است و تا آخر همانند روایت قبلی ذکر کرده است.» ۱۵۴۳

(۸) حسن بن علیّ بن فضّال از پدرش و او از امام هشتم امام رضاؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس قادر نیست که به نحوی گناهان خود را فرو ریزد پس بر محمّد و آلش بسیار صلوات بفرستد زیرا صلوات خانهٔ گناهان را یک باره خراب می‌کند.» ۱۵۴۴

و حضرت فرمود: «صلوات بر محمّد و آل محمّد در نزد خدای عزّ و جلّ معادل تسبیح و تهلیل و تکبیر است یعنی گفتن: «سبحانَ الله ولا اله الّا الله والله اکبر».

مرحوم شیخ صدوق در امالی‌اش روایت پیشین را با همان سند و متن از امام رضاؑ نقل کرده است.

(۹) در کتاب جامع الاخبار حدیثی از رسول خداﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که یک بار بر من صلوات فرستد، ذرّه‌ای از گناهانش باقی نماند.» ۱۵۴۵

(۱۰) در کتاب مستدرک الوسائل حدیثی از رسول خداﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر کس یک بار بر من صلوات فرستد ذرّه‌ای از گناهانش به جای نماند [و همه بخشیده خواهد شد.]» ۱۵۴۶

(۱۱) در مستدرک الوسائل حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی نیست که بر من یک بار صلوات فرستد و آن را به گوش دو فرشتهٔ نگهبانش برساند مگر اینکه تا سه روز برایش گناهی ننویسند.» ۱۵۴۷

(۱۲) سکونی از امام جعفر صادقؑ و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس در روز جمعه از روی ایمان و برای تحصیل ثواب، بر من صلوات فرستد عملش را از نو شروع کند [و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود].» ۱۵۴۸

(۱۳) عبدالله بن سنان از امام صادقؑ روایت کرده که: «از آن حضرت شنیدم که فرمود: رسول خداﷺ فرمود: صدای‌تان را برای صلوات فرستادن بر من بلند کنید چرا که این کار نفاق را از بین می‌برد.» ۱۵۴۹

در کتاب ثواب الاعمال نیز این روایت ذکر شده است.

(۱۴) عبدالله بن سنان از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: صلوات بر من و اهل بیتم نفاق را از بین ببرد.» ۱۵۵۰

۱۵۵۱ ۲۷۱۱۱ (۱۵) **مستدرك ۵/۳۴۲**: مجموعة الشهيد الأوّل ﷺ عن النّبيّ ﷺ انّه قال انّ الشيطان اثنان شيطان الجنّ ويبعد بلا حول ولا قوّة الاّ باللّه العلي العظيم وشيطان الانس ويبعد بالصلوة على النبيّ وآله.

۱۵۵۲ ۲۷۱۱۲ (۱۶) **مستدرك ۵/۳۴۰**: الإمام أبو محمّد العسكريّ ﷺ في قوله تعالى والصّـابرين فِـي البأساءِ يعني محاربة الأعداء ولا عدوّ يحاربه أعدى من ابليس ومردته يهتف بـه ويـدفع بالصلوة على محمّد وآل محمّد الطيّبين صلّى اللّه عليهم أجمعين.

والضرّاء الفقر والشدّة ولا فقر أشدّ من فقر مؤمن يلجأ إلى التّكفّف من أعداء آل محمّد يصبر على ذلك ويرى ما يأخذه من مالهم مغنماً يلعنهم به ويستعين بما يأخذه على تجديد ذكر ولاية الطيّبين الطاهرين وحين البأس عـند شـدّة القـتال يـذكر اللّـه ويـصلّي عـلى محمّد رسول اللّه وعلىٰ عليّ وليّ اللّه ويوالي بقلبه ولسـانه أوليـاء اللّـه ويـعادي كـذلك أعداء اللّه.

۱۵۵۳ ۲۷۱۱۳ (۱۷) **كافي ۲/۴۹۲**: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمّد الأشعري عن ابن القدّاح عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ من صلّى عليّ صلّى اللّه عليه وملائكته ومن شاء فليقلّ ومن شاء فليكثر.

۱۵۵٤ ۲۷۱۱٤ (۱۸) **جامع الأخبار ۱۵۴**: وقال النّبيّ ﷺ في الوصيّة يا عليّ من صلّى عليّ كلّ يوم أو كلّ ليلة وجبت له شفاعتي ولو كان من أهل الكباير.

۱۵۵۵ ۲۷۱۱۵ (۱۹) **وفيه ۳۳۶**: قال النّبيّ ﷺ لقيني جبرئيل فبشّرني قال انّ اللّه عزّ وجلّ يقول من صلّى عليك صلّيت عليه ومن سلّم عليك سلّمت عليه فسجدت لذلك.

۱۵۵۱ (۱۵) در کتاب مستدرک الوسائل به نقل از مجموعهٔ شهید اوّل حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «شیطان دو نوع است: شیطان جنّ و شیطان انس امّا شیطان جنّ با گفتن «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله العلیّ العظیم» دور می‌شود وامّا شیطان انس با صلوات بر پیامبر و آلش دور می‌گردد.»

۱۵۵۲ (۱۶) در کتاب مستدرک الوسائل [1] روایتی از امام ابومحمّد امام حسن عسکریؑ نقل شده که آن بزرگوار در ذیل آیهٔ شریفهٔ: «آنان که در سختی بردبارند.» [2] فرمود: مقصود از «بأساء = سختی» جنگیدن با دشمنان است و هیچ دشمنی که با او بجنگد دشمن‌تر از ابلیس و لشگریان سرکشش نیست که پیوسته او را صدا می‌زنند و به خود فرا می‌خوانند و ابلیس با صلوات بر محمّد و آل پاک محمّدﷺ دفع می‌شود.

و مقصود از «ضَرّاء» در دنبالهٔ آیه، فقر و تنگدستی و گرفتاری است و فقری سخت‌تر از این نیست که شیعه ناچار شود به سوی دشمنان آل محمّد دست دراز کند ولی بر این سختی صبر می‌کند و مالی که از آن‌ها می‌گیرد غنیمت و منفعتی می‌داند و در عین حال آن‌ها را [در دل] مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد و از مالی که گرفته کمک می‌گیرد برای تازه کردن ذکر ولایت اهل بیت پاک و پاکیزهٔ پیامبرﷺ.

و «حینَ البأس» که در دنبالهٔ آیه است مقصود هنگامی است که جنگ و جدال به اوج خود می‌رسد در آن وقت مؤمن صابر، یاد خدا می‌کند و بر محمّد رسول خدا و علی ولیّ خدا صلوات می‌فرستد و اولیاء خدا را با دل و زبانش دوست دارد و همچنین [با دل و زبان] دشمنان خدا را دشمن دارد.»

۱۵۵۳ (۱۷) ابن قدّاح از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس بر من صلوات فرستد، خدا و فرشتگانش بر او صلوات فرستند، حال هر کس می‌خواهد کم صلوات فرستد و هر کس می‌خواهد زیاد صلوات فرستد.»

۱۵۵۴ (۱۸) در کتاب جامع الاخبار از رسول گرامی اسلامﷺ حدیثی نقل شده که آن حضرت در وصیّتش به علیؑ فرمود: «ای علی! هر کس، هر روز یا هر شب بر من صلوات فرستد، شفاعت من او را واجب شود هر چند که دارای گناهان کبیره باشد.»

۱۵۵۵ (۱۹) و در همان کتاب است که پیامبرﷺ فرمود: «جبرئیل به دیدن من آمد پس مرا مژده داد و گفت: خدایﷻ می‌فرماید: هر کس بر تو صلوات فرستد، من بر او صلوات فرستم و هر کس به تو سلام دهد من به او سلام دهم. پس من به شکرانهٔ این مژده به سجده افتادم.»

---

۱. ج ۵ ص (۳۴۰).
۲. بقره ۱۷۷/۲.

۱۵۵۶ ۲۷۱۱٦ (۲۰) **مستدرك** ۵/ ۳۳۰: السيّد عليّ بن طاووس في جمال الاسبوع باسناده إلى شيخ الطائفة باسناده عن الصفّار عن محمّد بن الحسين ابن أبي الخطّاب عن أبي داود المسترقّ عن **محمّد** بن مروان عن أبي عبداللّه عليه السلام قال وكّل اللّه بقبر النّبيّ صلى الله عليه وآله ملكاً يقال له ظهليل إذا صلّى عليه أحدكم وسلّم عليه قال يا رسول اللّه فلان سلّم عليك وصلّى عليك قال فيردّ النبيّ بالسلام.

۱۵۵۷ ۲۷۱۱۷ (۲۱) **وفيه** ۳۳۰: قال السيّد وممّا رويناه عن محمّد بن علي بن محبوب من كتابه بخط جدّي أبي جعفر الطوسي عن علي بن اسمعيل الميثمي عن العامري عن محمّد الجعفري عن **عمّار** بن ياسر قال سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول انّ اللّه اعطى ملكاً من الملائكة اسماء الخلائق كلّهم وأسماء آبائهم فهو قائم على قبري إذا متّ إلى يوم القيامة فليس أحد يصلّي عليّ صلوة الاّ قال يا محمّد صلّى عليك فلان بن فلان بكذا وكذا وان ربّي كفل لي ان يصلّي على ذلك العبد بكلّ واحدة عشراً.

۱۵۵۸ ۲۷۱۱۸ (۲۲) **الجعفريّات** ۲۱۵: باسناده عن **علي** عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله صلوتكم عليّ مجوّزة لدعائكم ومرضاة لربّكم وزكوة لأبدانكم.

۱۵۵۹ ۲۷۱۱۹ (۲۳) **الجعفريات** ۲۱٦: باسناده عن عليّ عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله أربع جعلن شفعاء الجنّة والنار والحور العين وملك عند رأسي في القبر فإذا قال العبد من أمّتي اللّهمّ زوّجني من الحور العين قلن اللّهمّ زوّجناه وإذا قال العبد اللّهمّ اجرني من النار قالت اللّهمّ أجره منّي وإذا قال اللّهمّ اسئلك الجنّة قالت الجنّة اللّهمّ هبني له وإذا قال اللّهمّ صلّ على محمد وآل محمّد قال الملك الّذي عند رأسي يا محمّد انّ فلان بن فلان صلّي عليك فأقول صلّى الله عليه كما صلّي عليّ.

۱۵٦۰ ۲۷۱۲۰ (۲۴) **ارشاد القلوب** ۴۰۸: يرفعه إلى الإمام **موسى** بن جعفر عليه السلام قال حدّثني أبي جعفر عن أبيه الباقر عليه السلام قال حدّثني أبي علي قال حدّثني أبي الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام قال بينما أصحاب رسول اللّه صلى الله عليه وآله جلوس في مسجده بعد وفاته يتذاكرون فضله إذ دخل علينا حبر من احبار اليهود من أهل الشام (إلى أن قال).

۱۵۵۶ (۲۰) محمّد بن مروان از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که حضرت فرمود: «خدا فرشته‌ای به نام ظهلیل را بر قبر پیامبر﴿ص﴾ گمارده است. هر گاه یکی از شما بر آن حضرت صلوات می‌فرستد یا سلام می‌دهد، آن فرشته می‌گوید: ای رسول خدا! فلانی به تو سلام کرد و بر تو صلوات فرستاد.

حضرت فرمود: پس پیامبر سلام او را با سلام، جواب می‌دهد.»

۱۵۵۷ (۲۱) عمّار بن یاسر حکایت کرده که: «از رسول خدا﴿ص﴾ شنیدم که فرمود: خدا به فرشته‌ای از فرشتگان نام همهٔ مردم و نام پدران‌شان را داده است و او بر روی قبر من پس از رحلتم تا روز قیامت ایستاده است و احدی نیست که بر من صلوات فرستد مگر اینکه آن فرشته گوید: ای محمّد! فلانی پسر فلانی با این عبارت بر شما صلوات فرستاده و پروردگار من ضمانت کرده که بر این بنده به ازاء هر صلواتش، ده بار صلوات فرستد.»

۱۵۵۸ (۲۲) در کتاب جعفریّات با اسناد خودش از علی﴿ع﴾ روایت شده که آن حضرت فرمود: «رسول خدا﴿ص﴾ فرمود: صلوات فرستادن شما بر من موجب قبولی دعای شما و مایهٔ خشنودی پروردگار شما و سبب تزکیهٔ بدن‌های شماست.»

۱۵۵۹ (۲۳) در کتاب جعفریّات با اسناد خودش از امام علیّ بن ابی طالب﴿ع﴾ روایت شده که آن حضرت فرمود: «رسول خدا﴿ص﴾ فرمود: چهار چیز را خدا شفیع قرار داده: بهشت، دوزخ، حورالعین و همسران بهشتی و فرشته‌ای که در کنار من است، پس هر گاه بنده‌ای از امّت من می‌گوید: «اللهمّ زَوّجنی مِن الحور العین» حور العین‌ها گویند: خدایا! مرا به ازدواج او درآور و هر گاه بنده گوید: «خدایا! مرا از دوزخ در پناه خود حفظ کن» دوزخ گوید: خدایا! او را از من، در پناه خود حفظ کن.

و هر گاه بنده بگوید: «خدایا! از تو بهشت می‌خواهم بهشت گوید: خدایا! مرا به او ببخش.

و هر گاه بنده‌ای گوید: «اللّهمّ صَلّ علی محمّد وآل محمّد» فرشته‌ای که در کنار من است گوید: ای محمّد! فلانی پسر فلانی بر تو صلوات فرستاد پس من جواب دهم و گویم: خدا بر او صلوات فرستد آن سان که او بر من صلوات فرستاد.»

۱۵۶۰ (۲۴) در کتاب ارشاد القلوب روایتی از امام موسی بن جعفر﴿ع﴾ نقل شده که آن حضرت فرمود: «پدرم جعفر﴿ع﴾ از پدرش امام باقر﴿ع﴾ و او از پدرش علیّ و او از پدرش حسین بن علی﴿ع﴾ روایت کرد که اصحاب رسول خدا﴿ص﴾ پس از رحلت آن بزرگوار در مسجدش نشسته بودند و در رابطه با فضائل و کمال حضرتش با یکدیگر سخن می‌گفتند ناگهان عالمی از علمای یهود که اهل شام بود وارد شد (تا آنجا که امام حسین﴿ع﴾ فرمود:)

فقال اليهودي انّ آدمعليه‌السلام اسجد اللّه الملائكة له فهل فضل لمحمدصلى‌الله‌عليه‌وآله بمثل ذلك فقال عليّعليه‌السلام قد كان ذلك ولئن أسجد اللّه عزّ وجلّ لآدم ملائكته فأنّ ذلك لما أودع اللّه عزّ وجلّ صلبه من الأنوار والشرف إذكان هو الوعاء ولم يكن سجودهم عبادة له وانّما كان سجودهم طاعة لأمر اللّه وتكرمة وتحيّة مثل السلام من الانسان على الانسان واعترافاً لآدم بالفضيلة ولقد أعطى محمّداً أفضل من ذلك وهو انّ اللّه تعالىٰ صلّى عليه.

وأمر ملائكته أن يصلّوا عليه وأمر جميع خلقه بالصلاة عليه إلى يوم القيامة فقال جلّ ثناؤه انّ اللّه وملائكتهُ يصلّون على النّبيّ يا أيّها الّذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليما. فلا يصلى عليه في حياته أحد وبعد وفاته الّا صلّى اللّه عليه بذلك عشراً وأعطاه من الحسنات عشراً بكلّ صلاة صلّى عليه ولا أحد يصلّي عليه بعد وفاته الّا وهو يعلم بذلك ويرُدّ على المصلّي والمسلم مثل ذلك انّ اللّه تعالى جعل دعاء أمّته فيما يسألون ربّهم جلّ ثناؤه مرفوعاً من أجابته حتّى يصلّوا فيه عليه صلّى اللّه عليه وآله فهذا اكبر وأعظم ممّا أعطى اللّه تبارك وتعالى لآدمعليه‌السلام.

١٥٦١ ٢٧١٢١ (٢٥) **مستدرك** ٥/ ٣٣٠: السيّد عليّ بن طاووس في جمال الاسبوع باسناده إلى شيخ الطائفة بالاسناد عن الصفّار عن محمّد بن عيسى عن أبي محمّد الأنصارى عن **يحيى** بن عبداللّه عن أبي عبداللّه عليه‌السلام قال من قال صلّى اللّه على محمّد النبيّ قال اللّه تبارك وتعالى صلّى اللّه عليك فليكثر او ليقلّ.

١٥٦٢ ٢٧١٢٢ (٢٦) **أمالي الطوسي** ٦٧٨: حدّثنا الشيخ أبوجعفر محمّد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي قال أخبرنا أبو عبداللّه أحمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر قال أخبرنا أبو الحسن علي بن محمّد بن زبير القرشي قال أخبرنا علي بن الحسن بن فضّال قال حدّثنا العبّاس عن بشر بن بكار عن عمرو بن شمر عن **جابر** عن أبي جعفرعليه‌السلام قال انّ ملكاً من الملائكة سأل اللّه أن يعطيه سمع العباد فأعطاه اللّه فذلك الملك قائم حتّى تقوم الساعة ليس أحد من المؤمنين يقولصلى‌الله‌عليه‌وآله الّا قال الملك وعليك السلام ثمّ يقول الملك يا رسول اللّه انّ فلاناً يقرئك السلام فيقول رسول اللّه وعليه السلام.

پس یهودی گفت: خدا فرشتگانش را دستور داد که برای آدم سجده کنند آیا محمّدﷺ (پیامبر شما) چنین فضیلتی را داراست؟ پس امام علیؑ فرمود: آری او را چنین فضیلتی هست.

اگر خداوندﷻ فرشتگانش را در مقابل آدم به سجده انداخت در حقیقت به خاطر نور و شرافتی بود که در صُلب او بود زیرا او به منزلهٔ ظرف بود.

و سجود فرشتگان در واقع عبادت و پرستش آدم نبود بلکه سجود آن‌ها، اطاعت پروردگار و احترام گذاشتن و سلام کردن بود، آن سان که انسانی به انسانی سلام می‌دهد و در عین حال می‌خواست که فرشتگان به برتری انسان اعتراف کنند و خدا بالاتر و بهتر از این را به حضرت محمّدﷺ داده و آن این است که خدای متعال خود شخصاً بر او صلوات فرستاده و فرشتگانش را نیز فرمان داده که بر او صلوات فرستند بلکه تمام آفریده‌های خود را دستور داده که تا روز قیامت بر او صلوات فرستند. پس خدای بزرگ فرمود: **«خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما نیز بر او صلوات فرستید و به او سلام کنید.»**

و کسی نیست که در حیات و پس از ممات بر او صلوات فرستد مگر اینکه خدا به این خاطر ده بار بر او صلوات فرستد و برای هر صلواتی که فرستاده خدا ده حسنه به او می‌دهد.

و احدی نیست که پس از رحلت پیامبرﷺ بر او صلوات فرستد مگر اینکه حضرت خبردار شود و صلوات و سلام او را همانطور که گفته پاسخ دهد.

و دیگر اینکه خدا دعای امّتش را در وقتی که حاجتی دارند و آن را از پروردگارشان طلب می‌کنند، اجابت نکند مگر اینکه در آن دعا بر پیامبرﷺ صلوات فرستند. درود خدا بر او و خاندانش باد و این فضایل، بزرگتر و بالاتر از آن چیزی است که خدای تبارک و تعالی به آدمؑ داد.»

۱۵۶۱ (۲۵) یحیی بن عبدالله از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بگوید: «صلّی الله علی محمّدٍ النّبی» خدای تبارک و تعالی گوید: «صلوات خدا بر تو باد.» پس هر کس می‌خواهد، زیاد صلوات فرستد و هر کس می‌خواهد، کم صلوات فرستد.»

۱۵۶۲ (۲۶) جابر از امام باقرؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «فرشته‌ای از فرشتگان از خدا خواست که به او گوشی دهد که سخن همهٔ بندگان، بدان بشنود و خداوند هم به او داد و این فرشته تا روز قیامت ایستاده و هیچ مومنی صلوات بر محمّد و آل محمّد نفرستد مگر اینکه این فرشته گوید: «وعلیک السلام» وانگهی سلام او را به پیامبرﷺ می‌رساند و می‌گوید: ای رسول خدا! فلانی به شما سلام کرد، پس رسول خدا می‌فرماید: سلام ما هم بر او باد.»

١٥٦٣ ٢٧١٢٣ (٢٧) **مستدرك ٥/ ٣٣٦**: القطب **الراوندي في** لبّ اللّباب عن النّبيّ ﷺ قال من صلّى عليّ وعلى آلي صلّت عليه الملائكة ومن صلّت عليه الملائكة صلّى اللّه عليه ومن صلّى اللّه عليه لم يبق في السّموات والأرض ملك الاّ ويصلّون عليه ومن صلّى عليّ وعلى آلي واحدة أمر اللّه حافظيه أن لا يكتبا عليه ثلثة أيّام.

١٥٦٤ ٢٧١٢٤ (٢٨) **جامع الأخبار ١٥٦**: وفي رواية عن **عبدالرّحمن** بن عوف أنّه ﷺ قال جائني جبرئيل وقال انّه لا يصلّي عليك أحد الاّ ويصلّي عليه سبعون ألف ملك ومن صلّى عليه سبعون ألف ملك كان من أهل الجنّة.

١٥٦٥ ٢٧١٢٥ (٢٩) **وفيه ١٥٧**: وقال ﷺ من صلّى عليّ صلوة صلّى اللّه بها عشر صلوات ومحا عنه عشر سيّئات وأثبت له بها عشر حسنات واستبقاه الملكان الموكّلان به أيّهما يبلغ روحي منه السلام.

١٥٦٦ ٢٧١٢٦ (٣٠) **مستدرك ٥/ ٣٣٧**: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن أنس بن مالك قال قال رسول اللّه ﷺ من صلّى علي صلوة واحدة صلّى اللّه عليه بها عشر صلوات وحطّت عنه عشر خطيئات ورفعت له عشر درجات.

١٥٦٧ ٢٧١٢٧ (٣١) وفي حديث آخر قال من صلّى عليّ صلوة صلّى اللّه عليه وملائكته سبعين صلوة.

١٥٦٨ ٢٧١٢٨ (٣٢) **كافي ٢/ ٤٩٢**: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن اسماعيل بن مهران عن الحسن بن عليّ ابن أبي حمزة عن أبيه وحسين ابن أبي العلاء عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال إذا ذكر النّبيّ ﷺ فأكثروا الصلاة عليه فأنّه من صلّى على النّبيّ ﷺ صلاة واحدة صلّى اللّه عليه ألف صلوة في ألف صفّ من الملائكة ولم يبق شيء ممّا خلقه اللّه الاّ صلّى على العبد لصلوة اللّه عليه وصلوة ملائكته فمن لم يرغب في هذا فهو جاهل مغرور قد برء اللّه منه ورسوله وأهل بيته **الثواب ١٨٥**: أبي ﷺ قال حدّثني سعد بن عبداللّه قال حدّثني سلمة بن الخطّاب عن اسماعيل بن جعفر عن الحسن بن علي عن أبيه عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه ﷺ (مثله الاّ أنّ فيه) ولا يرغب عن هذا الاّ جاهل مغرور وقد برء اللّه منه ورسوله.

(۲۷) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بر من و آل من صلوات فرستد فرشتگان بر او صلوات فرستند و کسی که فرشتگان بر او صلوات فرستند خدا بر او صلوات می‌فرستد و کسی که خدا بر او صلوات فرستد فرشته‌ای در آسمان و زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه بر او صلوات فرستد و هر کس بر من و خاندان من یک بار صلوات فرستد خدا به دو فرشتهٔ نگهبان و نویسندهٔ اعمال او دستور می‌دهد که تا سه روز برایش گناهی ننویسند.» ۱۵۶۳

(۲۸) عبدالرحمن بن عوف از نبیّ مکرّم اسلامﷺ روایت کرده که فرمود: «جبرئیل پیش من آمد و گفت: کسی نیست که بر تو صلوات فرستد مگر اینکه هفتاد هزار فرشته بر او صلوات فرستند و کسی که هفتاد هزار فرشته بر او صلوات فرستد، اهل بهشت خواهد بود.» ۱۵۶۴

(۲۹) در کتاب جامع الاخبار حدیثی از رسول خداﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس بر من یک صلوات فرستد خدا بدین خاطر ده صلوات بر او فرستد و ده گناه از گناهانش را پاک کند و ده حسنه برایش ثبت کند و دو فرشتهٔ موکّل بر او بر یکدیگر سبقت می‌گیرند که هر یک زودتر سلام او را به روح من برساند.» ۱۵۶۵

(۳۰) انس بن مالک از رسول خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس بر من یک بار صلوات فرستد خدا به این جهت ده بار بر او صلوات فرستد و ده گناه از گناهانش فرو ریزد و ده درجه او را بالا برد.» ۱۵۶۶

(۳۱) در حدیث دیگری آمده است: «هر کس بر من یک صلوات فرستد بـه خـاطر هـمین یک صلوات، خدا و فرشتگانش هفتاد صلوات بر او فرستند.» ۱۵۶۷

(۳۲) ابوبصیر از امام صادقﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه یادی از پیامبرﷺ شد پس بسیار بر او صلوات فرستید زیرا کسی که بر پیامبرﷺ یک صلوات فرستد، خدا هزار صلوات در میان هزار صف از فرشتگان، بر او فرستد و هیچ چیز از آفریده‌های خدا باقی نماند مگر اینکه بر او صلوات فرستد به خاطر صلوات خدا و فرشتگانش بر او. ۱۵۶۸

پس کسی که با این همه ثواب و فضیلت، باز هم نسبت به صلوات [بر محمّد و آل محمّد] بی‌میل باشد پس قطعاً نادانی است که فریب خورده و خدا و پیامبرش و خاندان پیامبر از چـنین شـخصی بیزار است.»

همین روایت شریف در کتاب ثواب الاعمال نیز ذکر شده است.

۱۵۶۹ ۲۷۱۲۹ (۳۳) **مستدرك** ۵/ ۳۴۱: الشيخ البرسي في مشارق الأنوار عن **ابن عبّاس** عن النّبيّ ﷺ انّه قال من صلّى عليّ صلوة واحدة صلّى اللّه عليه ألف صلوة في ألف صفّ من الملائكة ولم يبق رطب ولا يابس الّا وصلّى على ذلك العبد لصلوة اللّه عليه.

۱۵۷۰ ۲۷۱۳۰ (۳۴) **كافي** ۴۹۳/۲: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن يعقوب بن عبداللّه عن **اسحاق** بن فروخ مولى آل طلحة قال قال أبوعبداللّه ﷺ يا اسحاق بن فروخ من صلّى على محمّد وآل محمّد عشراً صلّى اللّه عليه وملائكته مأه مرّة ومن صلّى على محمّد وآل محمّد مأة مرّة صلّى اللّه عليه وملائكته ألفاً أما تسمع قول اللّه عزّوجلّ هو الّذي يصلّي عليكم وملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور وكان بالمؤمنين رحيماً.

۱۵۷۱ ۲۷۱۳۱ (۳۵) **جامع الأخبار** ۱۵۳: قال رسول اللّه ﷺ من صلّى عليّ مرّة صلّى اللّه عليه عشراً ومن صلّى عليّ عشراً صلّى اللّه عليه مأة مرّة ومن صلّى عليّ مائة مرّة صلّى اللّه عليه ألف مرّة ومن صلّى عليّ ألف مرّة لا يعذّبه اللّه في النار أبداً.

۱۵۷۲ ۲۷۱۳۲ (۳۶) **مستدرك** ۳۳۲/۵: القطب الراوندي في دعواته عن النّبيّ ﷺ قال أكثروا الصلوة عليّ فأنّ الصلوة عليّ نور في القبر ونور على الصراط ونور في الجنّة.

۱۵۷۳ ۲۷۱۳۳ (۳۷) **مستدرك** ۳۳۵/۵: جامع الأخبار قال ﷺ الصلوة عليّ نور على الصراط ومن كان له على الصراط من النور لم يكن من أهل النار.

۱۵۷٤ ۲۷۱۳٤ (۳۸) **مستدرك** ۳۳۷/۵: القطب الراوندي في لبّ اللّباب قال ﷺ الصلوة بين الصلوتين لا تردّ وقال الصلوة عليّ وعلى آلي نور على الصراط.

۱۵۷۵ ۲۷۱۳۵ (۳۹) **جامع الأخبار** ۱۵۵: قال النّبيّ ﷺ من صلّى عليّ مرّة خلق اللّه تعالى يوم القيامة على رأسه نوراً وعلى يمينه نوراً وعلى شماله نوراً ومن[1] فوقه نوراً ومن[2] تحته نوراً وفي جميع اعضائه نوراً.

---

۱. وعلى. ۲. وعلى.

۱۵۶۹ (۳۳) ابن عبّاس از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که بر من یک صلوات فرستد خدا در میان هزار صف از فرشتگان هزار صلوات بر او فرستد و هیچ تر و خشکی نمی‌ماند مگر اینکه بر این بنده صلوات فرستند به خاطر صلوات فرستادن خدا بر او.»

۱۵۷۰ (۳۴) اسحاق بن فروخ از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «ای اسحاق بن فروخ! کسی که بر محمّد و آل محمّد ده بار صلوات فرستد، خدا و فرشتگانش صد بار بر او صلوات فرستند و کسی که صدبار بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد خدا و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات فرستند، آیا نمی‌شنوی که خداوندﷻ می‌فرماید: اوست خدایی کـه خـودش و فـرشتگانش بـر شـما صلوات می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به نور درآورند و او نسبت به مؤمنان، مهربان است.

۱۵۷۱ (۳۵) پیامبرﷺ فرمود: «هرکس بر من یک صلوات فرستد خداوند بر من ده صلوات می‌فرستد و هرکس ده بار صلوات فرستد خداوند صد بار برای من صلوات فرستد. هرکس بر من صد بار صلوات بفرستد خداوند بر من هزار بار صلوات می‌فرستد و هرکس بر من هزار بار صلوات بفرستد خـداونـد هرگز او را در آتش عذاب نمی‌کند.»

۱۵۷۲ (۳۶) قطب راوندی در کتاب دعوات حدیثی از رسول گرامی اسلامﷺ نقل کرده که آن حـضرت فرمود: «بر من بسیار صلوات فرستید چون صلوات بر من نوری است در قبر و نوری است بر صراط و نوری است در بهشت.»

۱۵۷۳ (۳۷) در کتاب جامع الاخبار از رسول خداﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «صلوات بر من نوری است در قبر و کسی که بر صراط نوری داشته باشد، اهل دوزخ نخواهد بود.»

۱۵۷۴ (۳۸) قطب راوندی در کتاب لبّ اللُّباب حدیثی از رسول اعظم اسلامﷺ نقل کرده که حـضرت فرمود: «دعا در میان دو نماز ردّ نمی‌شود.»

و فرمود: «صلوات بر من و بر آل من نوری است بر صراط.»

۱۵۷۵ (۳۹) در کتاب جامع الاخبار حدیثی از رسول خداﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «کسی که یک بار بر من صلوات فرستد خدای متعال در روز قیامت، نوری بر سرش نهد و همچنین نوری در سمت راستش و نوری در سمت چپش و نوری در بالایش و نوری در پـایین پـایش و در تـمام اعـضاء و جوارحش نوری قرار دهد.»

(۴۰) **مستدرك** ۳۴۱/۵: الشيخ **البرسي** في مشارق الأنوار عن النّبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال لمّا خلق ۱۵۷۶ ۲۷۱۳۶
اللّه تعالى العرش خلق سبعين ألف ملك وقال لهم طوفوا بعرش النور وسبّحوني واحملوا عرشي فطافوا وسبّحوا وارادوا أن يحملوا العرش فما قدروا فقال لهم اللّه طوفوا بعرش النور فصلّوا على نور جلالي محمّد حبيبي واحملوا عرشي فطافوا بعرش الجلال وصلّوا على محمّد صلّى اللّه عليه وآله وحملوا العرش فأطاقوا حمله فقالوا ربنا أمرتنا بتسبيحك وتقديسك فقال لهم اللّه يا ملائكتي إذا صلّيتم على حبيبي محمّد صلّى اللّه عليه وآله فقد سبّحتموني وقدّستموني وهلّلتموني.

(۴۱) **مستدرك** ۳۳۱/۵: القطب **الراوندي** في دعواته عن الصادق عليه السلام من صلّى على النبيّ ۱۵۷۷ ۲۷۱۳۷
مرّة واحدة بنيّة واخلاص من قلبه قضي اللّه له مأة حاجة منها ثلثون للدّنيا وسبعون للآخرة.

(۴۲) **مستدرك** ۳۳۲/۵: السيّد **الراوندي** في نوادره باسناده عن جعفر بن محمّد عن ۱۵۷۸ ۲۷۱۳۸
آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من صلّى على محمّد مأة مرّة قضي اللّه له مأة حاجة.

(۴۳) **الثواب** ۱۸۷: أبي رحمه الله قال حدّثني سعدبن عبداللّه عن أحمد بن أبي عبداللّه عن ۱۵۷۹ ۲۷۱۳۹
محمّد ابن أبي عمير عمّن أخبره عن أبي عبداللّه عليه السلام قال وجدت في بعض الكتب من صلّى على محمّد وآل محمّد كتب اللّه له مائة حسنة ومن قال صلّى اللّه على محمّد وأهل بيته كتب اللّه له ألف حسنة.

(۴۴) **جامع الأخبار** ۱۵۵: قال النّبيّ صلى الله عليه وآله من قال اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد أعطاه ۱۵۸۰ ۲۷۱۴۰
اللّه أجر اثنين وسبعين شهيداً وخرج من ذنوبه كيوم ولدته أمّه.

(۴۵) **مستدرك** ۳۳۱/۵: القطب **الراوندي** في دعواته عن ابن عبّاس قال قال النّبيّ صلى الله عليه وآله ۱۵۸۱ ۲۷۱۴۱
رأيت فيما يرى النائم عمّي حمزة بن عبدالمطلب وأخي جعفر ابن أبي طالب وبين أيديهما طبق من نبق[1] فأكلا ساعة فتحوّل النبق عنباً فأكلا ساعة فتحوّل العنب لهما رطباً فأكلا ساعة فدنوت منهما وقلت بأبي أنتما أيّ الأعمال وجدتما أفضل.

---

۱. النبق: ثمرة السدر اشبه شيء بها العنّاب.

۱۵۷۶ (۴۰) شیخ برسی در کتاب مشارق الانوار حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «وقتی خدای متعال عرش را آفرید هفتاد هزار فرشته آفرید و به آن‌ها فرمود: پیرامون عرش نور طواف کنید و بچرخید و مرا تسبیح گویید وانگهی عرش مرا به دوش گیرید. پس آن‌ها طواف کردند و تسبیح گفتند و خواستند که عرش را حمل کنند نتوانستند.

پس خدا به آن‌ها فرمود: به اطراف عرشِ نور طواف کنید و بر نور جلالم محمّد حبیبم صلوات فرستید وانگهی عرش مرا حمل کنید. پس به عرش جلال طواف کردند و بر محمّدﷺ، صلوات فرستادند پس بر حمل عرش توانایی یافتند. پس گفتند: ای پروردگار! ما را به تسبیح و تقدیس خود امر فرمودی. پس خدا به آن‌ها می‌گوید: ای فرشتگان من! وقتی شما بر حبیبم محمّدﷺ صلوات فرستادید در حقیقت مرا تسبیح، تقدیس و تهلیل گفتید.»

۱۵۷۷ (۴۱) قطب راوندی در کتاب دعوات از امام صادقؑ روایتی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هرکس یک بار بر پیامبر با نیّت خالصانهٔ قلبی صلوات فرستد خدا صد حاجت او را برآورد، سی حاجت دنیوی و هفتاد حاجت اخروی.»

۱۵۷۸ (۴۲) سیّد راوندی در نوادرش با اسناد خودش از امام جعفر بن محمّد صادقؑ و او از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرموده‌اند: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که بر محمّد صد بار صلوات فرستد خدا صد حاجت او را برآورد.»

۱۵۷۹ (۴۳) محمّد بن ابی عمیر با واسطه از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «در بعضی از کتاب‌ها یافتم که نوشته بود: «کسی که بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد، خدا صد حسنه برایش نویسد و کسی که بگوید: «صَلَّی اللهُ علی محمّدٍ واهلِ بیتِهِ» خدا برایش هزار حسنه نویسد.»

۱۵۸۰ (۴۴) در کتاب جامع الاخبار حدیثی از پیامبرﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر کس بگوید: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّد وآل محمّد» خداوند پاداش هفتاد و دو شهید به او دهد و از گناهانش خارج شود مثل روزی که از مادر زاده شده بود.»

۱۵۸۱ (۴۵) ابن عبّاس از پیامبرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «عمویم حمزة بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابی طالب را در خواب دیدم و در جلوی آن‌ها طبقی از میوهٔ سدر بود و آن‌ها مدّتی از آن خوردند پس میوهٔ سدر به انگور تبدیل شد پس ساعتی از آن خوردند پس انگور تبدیل به خرما شد و مدّتی از آن خوردند.

پس به آن‌ها نزدیک شدم و گفتم: پدرم فدای شما باد! چه عملی را بهتر از دیگر اعمال یافتید؟

قالا فديناك بالآباء والأُمّهات وجدنا أفضل الأعمال الصّلوة عليك وسقى الماء وحبّ علي بن أبي طالبﷺ.

كشف الغمة ۹۵/۱: عن أبي علقمة مولى بني هاشم قال صلّى بنا النّبيّﷺ الصبح ثمّ التفت إلينا فقال معاشر أصحابي رأيت البارحة وذكر نحوه.

۱۵۸۲ ۲۷۱۴۲ (۴۶) **مستدرك** ۳۴۰/۵: الإمام **أبومحمّد** العسكري ﷺ قال ﷺ انّ أشرف أعمال المؤمنين في مراتبهم الّتي قد رتّبوا فيها من الثرى إلى العرش الصلوة على محمّد وآله الطيّبين صلّى اللّه عليهم واستدعاء رحمة اللّه ورضوانه لشيعتهم المتّقين واللّعن للمتابعين لاعدائهم المجاهرين المنافقين.

۱۵۸۳ ۲۷۱۴۳ (۴۷) **مستدرك** ۳۳۷/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب وروى انّ العمل الصالح هو قول اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد.

۱۵۸٤ ۲۷۱٤٤ (۴۸) **أمالي الصدوق** ۲۶۳: حدّثنا محمّد بن محمّد بن عصام (عاصم) الكليني قال حدّثنا محمّد ابن يعقوب قال حدّثنا محمّد بن علي بن معن قال حدّثنا محمّد بن علي بن عاتكة عن الحسين بن النضر الفهري عن عمرو الاوزاعي عن عمرو بن شمر عن **جابر** بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر محمّد بن علي الباقرﷺ عن أبيه عن جدّه قال قال أمير المؤمنينﷺ في خطبة خطبها بعد موت النّبيّﷺ بتسعة ايّام (إلى أن قال) بالشهادتين تدخلون الجنّة وبالصّلاة تنالون الرحمة فأكثروا من الصلاة على نبيّكم وآله انّ اللّه وملائكته يصلّون على النبيّ يا أيّها الذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليماً أيّها النّاس أنّه لا شرف أعلى من الاسلام ولا كرم أعزّ من التّقوى ولا معقل أحرز من الورع ولا شفيع أنجح من التّوبة ولا كنز أنفع من العلم ولا عزّ أرفع من الحلم ولا حسب أبلغ من الادب ولا نسب أوضع من الغضب ولا جمال أزين من العقل ولا سوءة أسوأ من الكذب ولا حافظ أحفظ من الصمت ولا لباس أجمل من العافية ولا غائب أقرب من الموت.

أيّها النّاس انّه من مشي على وجه الأرض فانّه يصير إلى بطنها واللّيل والنّهار مسرعان في هدم الأعمار ولكلّ ذي رمق قوت ولكلّ حبّة آكل وأنت قوت الموت.

گفتند: پدران و مادران ما فدای تو باد بهترین عمل را صلوات بر تو و آب دادن بـه تشـنگان و دوستی علی بن ابی طالبعليه‌السلام یافتیم.»

در کتاب کشف الغمة نقل شده که ابی علقمه مولی بنی هاشم گوید: «پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله نماز صبح را با ما خواند و پس از اقامهٔ نماز جماعت رو به ما کرد و فرمود: ای گروه اصحابم! دیشب خواب دیدم...» و دنبالهٔ حدیث را مانند حدیث پیشین ذکر کرده است.

۱۵۸۲ (۴۶) در کتاب مستدرک الوسائل از امام حسن عسکریعليه‌السلام روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «شریف‌ترین اعمال مؤمنان در هر مرتبه‌ای که قرار گرفته‌اند از زمین تا عرش یکی صلوات فرستادن بر محمّد و آل پاک اوست که درود خدا بر آن‌ها باد [دوّم] خواستن رحمت و رضوان خدا برای شیعیان پرهیزگار آنان [سوّم] لعنت کردن دشمنان آن‌ها خواه دشمنی‌شان را آشکار کنند و خواه دشمنی را در دل پنهان بدارند و منافق باشند.»

۱۵۸۳ (۴۷) قطب راوندی رحمه‌الله در کتاب لبّ اللّباب گفته: «روایت شده که: عمل صالح و کار شایسته، گفتن «اللّهمّ صَلِّ علی محمّد وآل محمّد» است.

۱۵۸۴ (۴۸) جابر بن یزید جعفی از امام محمّد باقرعليه‌السلام و او از پدرش و او از جدّش روایت کرده که فرمود: «امیر مؤمنان علیعليه‌السلام پس از نُه روز از رحلت پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله در یک سخنرانی فرمود: با گفتن شهادتین [= اشهد ان لا اله الّا الله واشهدُ انّ محمّداً رسولُ الله] به بهشت داخل شوید و با نماز، رحمت را به دست می‌آورید. پس بر پیامبرتان و خاندانش بسیار صلوات فرستید خدا و فرشتگانش بـر پـیامبر صـلوات می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او صلوات فرستید و سلام کنید. ای مردم! شرافتی بالاتر از اسلام نیست و کرامتی گرانمایه‌تر از پرهیزگاری نیست و سنگری محافظ‌تر از تـرک گـناه نـیست و شفیعی نتیجه بخش‌تر از توبه نیست و گنجی سودمندتر از دانش نیست و عزّتی بلندپایه‌تر از حلم نیست و حَسَبی گویاتر از ادب نیست و نَسَبی پست‌تر از خشم نیست و زیبایی‌ای زیباتر از خرد نیست و بدی‌ای بدتر از دروغ نیست و محافظی نگهدارنده‌تر از سکوت نیست و لباسی زیبنده‌تر از تندرستی نیست و غائبی نزدیک‌تر از مرگ نیست.

ای مردم! [بدانید که] هر کس بر روی زمین راه می‌رود عاقبت به زیر خاک فرو خواهد شد و شب و روز به سرعت عمرها را منهدم و نابود می‌کنند و برای هر جانداری که رمقی دارد روزی‌ای است و برای هر دانه‌ای خورندهٔ [معیّنی] است و تو روزیِ مرگ هستی.

وانّ من عرف الأيّام لم يغفل من الاستعداد[1] لن ينجو من الموت غنيّ بماله ولا فقير لاقلاله.

أيّها الناس من خاف ربّه كفّ ظلمه ومن لم يرع في كلامه أظهر هجره[2] ومن لم يعرف الخير من الشرّ فهو بمنزلة البهيمة ما أصغر المصيبة مع عظم الفاقة غداً.

هيهات هيهات وما تناكرتم الّا لما فيكم من المعاصي والذنوب فما أقرب الراحة من التعب والبؤس من النعيم وما شرّ بشرّ بعده الجنّة وما خير بخير بعده النّار وكلّ نعيم دون الجنّة محقور وكلّ بلاء دون النار عافية.

۱۵۸۵ ۲۷۱۴۵ (۴۹) **جامع الأخبار** ۱۵۵: عن **أبي بصير** قال الصادق عليه السلام من صلّى على النبيّ وآله مأة مرّة في كلّ يوم اسديها[3] سبعون ألف ملك يبلغها إلىٰ رسول اللّه صلى الله عليه وآله قبل صاحبه.

۱۵۸۶ ۲۷۱۴۶ (۵۰) **جامع الأخبار** ۱۵۴: عن أنس قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ان اقربكم منّي يوم القيامة فيكلّ موطن أكثركم عليّ صلوة في دار الدنيا.

۱۵۸۷ ۲۷۱۴۷ (۵۱) **جامع الأخبار** ۱۵۳ روى عن عبداللّه بن مسعود انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال اولىٰ النّاس بي يوم القيامة أكثرهم عليّ صلاة في دارالدنيا.

۱۵۸۸ ۲۷۱۴۸ (۵۲) **مستدرك** ۵/۲۳۸: الامام أبو محمّد العسكري عليه السلام في قوله تعالى وإِذْ نَجَّيْناكُمْ من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب. قال عليه السلام وكان من عذابهم الشديد أنّه كان فرعون يكلّفهم عمل البناء على الطين ويخاف أن يهربوا عن العمل فأمر بتقييدهم وكانوا ينقلون ذلك الطين على السلاليم[4] إلى السطوح فربّما سقط الواحد منهم فمات أو زَمِنَ[5] لا يحفلون

---

۱. أي التّهيأ للموت. ۲. أي جهله وهذيانه. ۳. السدو: مدّ اليد نحو الشيء.
۴. السلاليم: جمع سُلّم. ۵. زَمِنَ: مرض مرضاً زماناً طويلاً.

و هر کس روزگار را بشناسد از آماده شدن غفلت نمی‌ورزد.

نه ثروتمند می‌تواند با مال و ثروتش از مرگ نجات یابد و نه فقیر به خاطر نداری‌اش از مـرگ معاف می‌شود.

ای مردم! هر کس از پروردگارش بترسد از ظلم و ستم دست می‌کشد و هر کس در حرف زدن، پرهیزگار نباشد بسی هذیان گوید و کسی که خوبی را از بدی باز نشناسد مانند حیوان چهارپاست. با توجّه به نیاز فراوان ما، در فردای قیامت چقدر مصائب دنیوی کوچک می‌نماید.

افسوس و صد افسوس که گناهان و نافرمانی‌های شما، شـما را پـلید و زشت کـرده است. آری چقدر آسودگی دنیوی به خستگی اُخروی نزدیک است و چقدر سختی دنیوی به نعمت‌های اخروی نزدیک است.

و بدی‌ای که بهشت را در پی داشته باشد، بدی نیست و خوبی ای که دوزخ را به دنبال داشته باشد، خوبی نیست و هر نعمتی غیر از بهشت حقیر و کوچک است و هر بلایی غیر از دوزخ عـین عافیت و بی‌بلایی است.»

۱۵۸۵ (۴۹) ابوبصیر از امام صادقعليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در هر روزی که در آن قرار می‌گیرد صد صلوات بر پیامبر و آلش بفرستد، هفتاد هزار فرشته او را به پیامبر خداﷺ رسانند به گونه‌ای که هر یک می‌خواهد پیش از دیگری آن را برساند.»

۱۵۸۶ (۵۰) انس از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «نزدیک‌ترین شما به من روز قیامت در هر موقفی، کسی است که در دنیا از همه بیشتر بر من صلوات فرستاده است.»

۱۵۸۷ (۵۱) عبدالله بن مسعود از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «سزاوارترین مردم به من در روز قیامت کسی است که از همه بیشتر در دار دنیا بر من صلوات فرستاده است.»

۱۵۸۸ (۵۲) در کتاب مستدرک الوسائل روایتی از امام حسن عسکریعليه السلام نقل شده که آن حضرت در ذیل آیهٔ شریفهٔ «و آنگاه که شما را از دست فرعونیان که شما را شکنجه می‌کردند نجات دادیم.]»[۱] فرمود: «یکی از انواع شکنجه‌ها این بود که فرعون آن‌ها را وادار می‌کرد که با گِل خانه درست کنند و برای اینکه از کار فرار نکنند دستور داد تا پاهای‌شان را به زنجیر ببندند و آن‌ها مجبور بودند که با همین زنجیرها گِل را به پشت بام ببرند و چه بسا که از بالا سقوط می‌کردند و می‌مُردند یا دست و پای‌شان

---

۱. سوره بقره ۴۹/۲.

بهم إلى أن أوحى اللّه إلى موسى ﷺ قل لهم لا يبتدؤن عملاً الّا بالصلوة على محمّد وآله الطيّبين ليخفّ عليهم فكانوا يفعلون ذلك فيخفّ عليهم.

وأمر كل من سقط وزمن ممّن نسي الصلوة على محمّد وآله الطيّبين أن يقولها على نفسه أن أمكنه أيّ الصلوة على محمّد وآله ـ أو يقال عليه أن لم يمكنه فأنّه يقوم ولا تقلّبه يد (ولا يضرّه ذلك ـ خ) ففعلوها فسلموا.

قال ﷺ **وفي** قوله يذبّحون أبنائكم وذلك لما قيل لفرعون أنّه يولد في بني اسرائيل مولود يكون على يده هلاكك فأمر يذبح أبنائهم.

فكانت الواحدة منهنّ تصانع [1] [القوابل خ] عن نفسها كيلا تنمّ عليها ويتمّ حملها.

ثمّ تلقى ولدها في صحراء أو غار جبل أو مكان غامض وتقول عليه عشر مرّات الصلوة على محمّد وآله.

فيقيض اللّه عليه ملكاً يربيّه ويدرّ من أصبع لبناً يمصّه ومن أصبع طعاماً ليّناً يتغذّاه إلى أن نشأ بنو اسرائيل وكان من سلم منهم ونشأ أكثر ممّن قتل وقال ﷺ في قوله ويستحيون نسائكم يبغونهنّ [2] ويتخذونهنّ أماء فضجّوا إلى موسى ﷺ. وقالوا يفترعون [3] بناتنا واخواتنا.

---

١. صانعه أي داراُه ولیّنه وداهنه. ٢. أي يفجرون بهنّ. ٣. أي يزيلون بكارتهنّ.

می‌شکست و زمین‌گیر می‌شدند و فرعونیان به مرگ و میر و مجروح شدن آن‌ها اهمیّتی نمی‌دادند تا اینکه خدا به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که هیچ کاری را شروع نکنند مگر اینکه اوّل بر محمّد و خاندان پاکش صلوات بفرستند تا تحمّل این کارها بر آن‌ها آسان شود و آن‌ها چنین کردند پس بر آن‌ها آسان شد.

و حضرت موسی علیه السلام دستور داد که اگر احیاناً کسی صلوات فرستادن بر محمّد و خاندان پاکش را فراموش کرد و در نتیجه به زمین افتاد یا زمین‌گیر شد همان وقت که افتاد و یادش آمد اگر برایش ممکن است صلوات فرستد و اگر برای او میسّر نیست دیگری به عوض او صلوات فرستد پس به سلامتی از جای برخیزد و نیازی نیست که کسی به او کمک کند و دستی به او زند. پس همین کار را بنی اسرائیل کردند و در نتیجه از سقوط کردن و مجروح شدن در امان ماندند.»

و نیز آن حضرت در ذیل آیهٔ «**و فرعونیان پسران شما را می‌کشتند.**»[1] فرمود: «کشتار پسران بنی‌اسرائیل توسّط فرعونیان به این جهت بود که به فرعون گفته بودند در میان بنی اسرائیل پسری به دنیا خواهد آمد که هلاکت و نابودی تو به دست او انجام می‌گیرد. پس فرعون دستور داد تا پسران آن‌ها را سر ببرند.

پس هر زن حامله‌ای خود را پنهان نگاه می‌داشت و با قابله‌ها و ماماها مدارا می‌کرد که مبادا خبرکشی کنند تا اینکه دوران حاملگی کامل می‌شد سپس برای وضع حمل به بیابان می‌رفت و در میان غاری در دل کوه یا جایی که پیدا کردن آن دشوار بود وضع حمل می‌کرد و ده بار برای حفظ بچّه بر محمّد و آلش صلوات می‌فرستاد. پس خداوند فرشته‌ای را مأمور پرورش دادن و بزرگ کردن او قرار می‌داد و از یک انگشتش وقتی آن را می‌مکید شیر می‌نوشید و از یکی غذای نرمی که با آن تغذیه می‌کرد تا اینکه از همین بچّه‌ها که بزرگ شدند بنی اسرائیل به وجود آمد.

و بچّه‌هایی که سالم ماندند و بزرگ شدند بیشتر از آن‌هایی بود که کشته شدند.»

و امام حسن عسکری علیه السلام در ذیل آیهٔ: «**و یستحیون نساءکم**» فرمود: «زن‌ها را می‌خواستند برای اینکه آن‌ها را کنیز خود قرار دهند. پس پیش موسی علیه السلام آمدند و گریه و ناله کردند و گفتند که فرعونیان با دختران و خواهران ما زنا می‌کنند و بکارتشان را زائل می‌نمایند.

---

۱. ابراهیم ۱۴/۶.

فأمر اللّه تلك البنات كلّما رابهنّ من ذلك ريب صلّين على محمّد وآله الطيّبين فكان اللّه يردّ عنهنّ اولئك الرجال أمّا بشغل أو مرض أو زمانة أو لطف من الطافه فلم يفترش منهنّ أمرأة بل دفع اللّه عزّوجلّ ذلك منهنّ بصلواتهنّ على محمّد وآله الطيّبين.

ثمّ قال عزّ وجلّ وفي ذلكم في ذلك الانجاء الّذي أنجاكم منه ربّكم من بلاء نعمة من ربّكم عظيم كبير.

قال اللّه عزّ وجلّ يا بني اسرائيل اذكروا إذ كان البلاء يصرف عن اسلافكم ويخفّ بالصلوة على محمّد وآله الطيّبين أفما تعلمون أنّكم إذا شاهدتموه وآمنتم به كانت النعمة عليكم أفضل وفضل اللّه عليكم أجزل.

۱۵۸۹ ۲۷۱٤۹ (۵۳)**العلل ۳۴**:حدّثنا أحمد بن محمّد الشيباني [۱] رضي الله عنه قال حدّثنا محمّد بن أحمد الأسدي الكوفي عن سهل بن زياد الآدمي عن **عبدالعظيم** بن عبداللّه الحسنى قال سمعت على بن محمّد العسكري عليه السلام يقول انّما اتّخذ اللّه عزّ وجلّ ابراهيم خليلاً لكثرة صلاته على محمّد وأهل بيته صلوات اللّه عليهم.

۱۵۹۰ ۲۷۱۵۰ (۵۴)**كافي ۴۹۴/۲**: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد عن محسن بن أحمد **الثواب ۱۸۶**: أبي رحمه الله عن سعد بن عبداللّه عن أحمد بن أبي عبداللّه قال حدّثني محسن بن أحمد عن أبان الأحمر عن **عبدالسلام** بن نعيم قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام انّي دخلت البيت ولم يحضرني شيء من الدعاء الّا الصلوة على محمّد وآل محمّد [۲] فقال (أما انّه ـ كا) لم يخرج أحد بأفضل ممّا خرجت (به ـ كا) **وتقدّم** نحو هذا عن **عبدالسلام في** باب وجوب الطواف.

۱۵۹۱ ۲۷۱۵۱ (۵۵) **مستدرك ۳۳۳/۵**: جامع الأخبار قال النّبيّ صلى الله عليه وآله من صلّى عليّ مرّة فتح اللّه عليه باباً من العافية.

۱۵۹۲ ۲۷۱۵۲ (۵۶) **مستدرك ۳۲۹/۵**: السيّد علي بن طاووس في جمال الأسبوع باسناده إلى شيخ الطائفة باسناده إلى الصفّار عن **ابراهيم** بن هاشم عن أبي عبداللّه البرقي يرفعه إلى أبي عبداللّه عليه السلام اقل له رجل جعلت فداك أخبرني عن قول اللّه تبارك وتعالى وما وصف من الملائكة يسبّحون اللّيل والنّهار لا يفترون ثمّ قال انّ اللّه وملائكته يصلّون على النّبيّ يا أيّها الذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليماً كيف لايفترون وهم يصلون على النّبيّ صلى الله عليه وآله.

---

۱. السناني ـ ئل. ۲. على النّبيّ صلى الله عليه وآله ـ ثواب.

پس خدا [توسّط موسی] به این دختران دستور داد که هر وقت دیدند که این‌ها قصد سوئی به آن‌ها دارند بر محمّد و خاندان پاکش صلوات فرستند و بدین وسیله خداوند آن مردان را از آن زنان، دفع می‌کرد به این نحو که یا برای آن‌ها گرفتاری پیش می‌آورد که به آن مشغول شوند یا با بیماری یا زمین‌گیر شدن یا به هر نحوی که لطف الهی اقتضا می‌کرد آن‌ها را باز می‌داشت و در نتیجه زنی از آن زنان همبستر مردان آن‌ها نمی‌شد و مورد هتک حرمت قرار نمی‌گرفت بلکه به برکت صلوات فرستادن آن زن‌ها بر محمّد و خاندان پاکش، خداوند شرّ فرعونیان را از آن‌ها دور می‌کرد.

آنگاه خدای عزیز و جلیل در بیان همین واقعه فرمود: و در این نجات‌بخشی خداوند که شما را از بلای بزرگی رهانید نعمت بسیار بزرگی از ناحیهٔ پروردگارتان بود. آنگاه خداوند فرمود: ای بنی‌اسرائیل به یاد آرید زمانی را که بلا و گرفتاری از پیشینیان شما به برکت صلوات بر محمّد و آل پاکش یا دفع شد یا آسان شد. آیا نمی‌دانید وقتی که آن محمّد را ببینید و به او ایمان آورید نعمت بزرگتری برای شما خواهد بود و تفضّل الهی بر شما فراوان‌تر خواهد بود.»

۱۵۸۹ (۵۳) عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از علی بن محمّد عسکری روایت کرده که آن حضرت فرمود: «فقط به این خاطر خدای عزیز و جلیل حضرت ابراهیم را خلیل و دوست خود برگرفت که بر محمّد و اهل بیتش بسیار صلوات می‌فرستاد.»

۱۵۹۰ (۵۴) عبدالسلام بن نعیم حکایت کرده که: «به امام صادق عرض کردم: به خانه رفتم و هیچ دعایی از حفظ نداشتم جز صلوات بر محمّد و آل محمّد. حضرت فرمود: بدان که هیچ کس از آن خانه خارج نشده که دعایی بهتر از دعای تو خوانده باشد.»

این روایت از عبدالسلام در باب وجوب طواف نیز آمده است.

۱۵۹۱ (۵۵) در کتاب جامع الاخبار حدیثی از پیامبر نقل شده که حضرت فرمود: «هر کس بر من یک بار صلوات فرستد خداوند دری از عافیت و تندرستی به روی او بگشاید.»

۱۵۹۲ (۵۶) ابوعبدالله برقی با واسطه از امام صادق روایت کرده که: «مردی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! این سخن خدا را که در توصیف ملائکه فرمود: «آن‌ها شب و روز تسبیح خدا می‌گویند و لحظه‌ای دست از تسبیح برندارند.» وانگهی خدا می‌فرماید: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما نیز بر او صلوات فرستید و به او سلام دهید.» چگونه آن‌ها دست از تسبیح نمی‌کشند با اینکه بر پیامبر صلوات می‌فرستند؟

فقال أبو عبداللّه عليه السلام انّ اللّه تبارك وتعالى لمّا خلق محمّداً صلى الله عليه وآله أمر الملائكة فقال انقصوا من ذكرى بمقدار الصلوة علىٰ محمّد صلى الله عليه وآله فقول الرجل صلّى اللّه على محمّد في الصلوة مثل قوله سبحان اللّه والحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه اكبر.

۱۵۹۳ ۲۷۱۵۳ (۵۷) **مستدرك** ۳۳۷/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن جعفر بن محمّد عليهما السلام قال في حديث وفساد المعرفة في ترك الصلوة علىٰ خير الأنام.

۱۵۹٤ ۲۷۱۵٤ (۵۸) **العيون** ۱۲٤/۲: بالاسناد المتقدّم في باب عدد الركعات عن **الفضل** بن شاذان (في حديث محض الاسلام) عن الرضا عليه السلام والصّلوات على النّبيّ صلى الله عليه وآله واجبة في كلّ موطن [۱] وعند العطاس وذبائح [۲] وغير ذالك.

۱۵۹۵ ۲۷۱۵۵ (۵۹) **الخصال** ۶۰۷/۲: (بالاسناد المتقدّم في باب جلد الميتة لا يطهر بالدّباغ عن **الأعمش** عن جعفر بن محمّد عليهما السلام في حديث شرايع الدين مثله).

۱۵۹٦ ۲۷۱۵٦ (۶۰) ابراهيم بن علي الكفعمي في **المصباح** ۷۱۶: في خطبة يوم الجمعة لعليّ عليه السلام الحمد للّه ذي القدرة والسلطان (إلى أن قال) وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله الصادق الأمين ختم به النبيّين وأرسله رحمة للعالمين صلّى اللّه عليه وآله أجمعين فقد أوجب الصلاة عليه وأكرم مثواه لديه وأمثل احسانه إليه الخ.

۱۵۹۷ ۲۷۱۵۷ (۶۱) **أمالي ابن الطوسي** ۴۲۹: عن أبيه عن الحسين بن عبيداللّه الغضايري عن محمّد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي قال **أمالي الصدوق** ۳۱۵: حدّثنا محمّد بن أحمد بن ابراهيم اللّيثي قال حدّثنا عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزيز البغوى قال حدّثنا علي بن الجعد قال أخبرنا شعبة قال حدّثنا الحكم قال سمعت ابن أبي ليلي يقول لقيت كعب بن عجرة فقال ألا أهدي لك هديّة انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله خرج علينا فقلنا يا رسول اللّه قد علّمتنا كيف السّلام عليك فكيف الصّلاة عليك قال قولوا اللّهمّ صلّ على محمّد كما صلّيت على ابراهيم انّك حميد مجيد وبارك على آل محمّد كما باركت على آل ابراهيم انّك حميد مجيد.

---

۱. مواطن ـ خصال. ۲. والرياح ـ فيبعض نسخ خصال.

پس حضرت صادقؑ در پاسخ فرمود: خدای تبارک و تعالی وقتی حضرت محمّدﷺ را آفرید به فرشتگان دستور داد که به مقداری که بر محمّدﷺ صلوات می‌فرستید از ذکر من کم کنید. پس وقتی انسان بر محمّد، صلوات می‌فرستد مثل این است که به ذکر خدا مشغول است و می‌گوید: «سبحانَ اللهِ والحمدُ لله ولا اله الّا اللهُ والله اکبر.»

۱۵۹۳ (۵۷) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب روایتی از امام جعفر بن محمّد صادقؑ نقل کرده که آن حضرت در ضمن گفتاری فرمود: «تباهی معرفت، نتیجهٔ ترک صلوات فرستادن بر بهترین مردم [حضرت محمّدﷺ] است.»

۱۵۹۴ (۵۸) فضل بن شاذان در حدیث «اسلام خالص» از امام رضاؑ روایت کرده که فرمود: «صلوات فرستادن بر پیامبرﷺ در هر مکانی که در آن اقامت گزیده‌ای و در وقت عطسه زدن و کشتن گوسفند و غیره و دیگر جاها و وقت‌ها، واجب است.»

۱۵۹۵ (۵۹) در کتاب خصال نیز روایت پیشین نقل شده است.

۱۵۹۶ (۶۰) ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح روایتی از علیؑ نقل کرده که آن حضرت در خطبهٔ روز جمعه‌اش فرمود: «سپاس خدایی را که صاحب قدرت و سلطنت است (تا آنجا که فرمود:) و گواهی می‌دهم که محمّد بنده و رسول راستگوی امانت دار اوست که خدا با او پیامبران را ختم کرد و او را رحمتی برای جهانیان فرستاد. درود خدا بر او و همهٔ خاندانش باد زیرا خدا صلوات و درود فرستادن بر او را واجب کرده و جایگاهش را نزد خود گرامی قرار داده و احسان خود را در حق او کامل کرده است... تا آخر»

۱۵۹۷ (۶۱) ابن ابی لیلی حکایت کرده که: «کعب بن عجره را ملاقات کردم گفت: آیا هدیه‌ای به تو بدهم؟ رسول خداﷺ فرمود: پیامبر خداﷺ پیش ما آمد، خدمتش عرض کردیم ای رسول خدا! تو، به ما یاد دادی که چگونه به تو سلام کنیم اینک به ما بیاموز که چگونه بر تو صلوات بفرستیم. حضرت فرمود: بگویید: خدایا! بر محمّد درود فرست آن سان که بر ابراهیم درود فرستادی، به راستی که تو ستودهٔ بزرگوار هستی و به خاندان محمّد خیر و برکت ده آن سان که به خاندان ابراهیم خیر و برکت دادی به راستی که تو ستوده و بزرگواری.»

1598 27158 (۶۲) **مستدرك** ۵/۳۵۰: الشيخ شرف الدين النجفي في كنز الفوائد نقلاً عن تفسير محمّد بن العبّاس عن عبدالعزيز بن يحيى عن علي بن الجعد عن شعيب بن الحكم قال سمعت ابن أبي ليلي يقول لقيني كعب بن عجرة فقال الا اهدى إليك هديّة قلت بلى قال انّ رسول اللّـه ﷺ خرج إلينا فقلت يا رسول اللّه قد علمنا كيف السلام عليك فكيف الصلوة عليك قال قولوا اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد كما صلّيت على ابراهيم وآل ابراهيم وبارك على محمّد وآل محمّد كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد.

1599 27159 (۶۳) **مستدرك** ۵/۳۴۹: الشيخ أبو الفتوح في تفسيره عن كعب بن عجرة قال لما نزل قوله تعالىٰ انّ اللّه وملائكته الآية قلت يا رسول اللّه قد علمنا كيف السلام عليك فكيف أصلي عليك قال قل اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد كما صلّيت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد.

1600 27160 (۶۴) **قرب الاسناد** ۴۰: أحمد بن اسحاق عن بكر بن محمّد قال سمعت أبا عبداللّـه ؑ يقول و (قد ـ خ) قال بعض أصحابه اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد كما صلّيت على ابراهيم فقال أبو عبداللّه ؑ لا ولكن (قل ـ خ) كأفضل ما صلّيت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد.

1601 27161 (۶۵) **مستدرك** ۵/۳۴۷: السيّد علي بن طاووس في جمال الاسبوع وعن الجماعة باسنادهم إلى الشيخ الطوسي قال أخبرني الحسين بن عبيداللّه عن محمّد بن أحمد بن داود وهرون بن موسى التلعكبري عن أحمد بن علي الرازي في ما رواه في كتابه كتاب الشفاء والجلاء عن أبي الحسين محمّد بن جعفر الأسدي عن الحسين بن محمّد بن عامر الأشعري عن يعقوب بن يوسف الضرّاب الغسّاني عن أمرأة عجوزة علويّة رآها في دار خديجة ؑ بمكّة في حكاية طويلة فيها معجزة عن الحجّة ؑ انّها قالت له يقول أي الحجّة ؑ لَكِ إذا صلّيت على نبيّك كيف تصلّى عليه فقلت أقول اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وبارك على محمّد وآل محمّد كأفضل ما صلّيت وباركت وترحّمت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد فقال لها إذا صلّيت فصلّ عليهم كلّهم وسمّهم فقلت نعم فلمّا كان من الغد نزلت ومعها دفتر صغير فقالت يقول لك إذا صلّيت على النّبيّ ﷺ فصلّ عليه وعلى أوصيائه على هذه النسخة وهي موجودة في المطوّلات.

۱۵۹۸ (۶۲) ابن ابی لیلی حکایت کرده که: «کعب بن عجره مرا ملاقات کرد پس گفت: آیا به تو هدیه‌ای دهم؟ گفتم: بله.

گفت: رسول خداﷺ [از خانه‌اش] به سوی ما آمد. من گفتم: ای رسول خدا! ما دانستیم که چگونه به تو سلام کنیم پس [اینک بفرمایید که] چگونه بر تو صلوات فرستیم؟

حضرت فرمود: بگویید: «خدایا! بر محمّد درود فرست آن سان که بر ابراهیم درود فرستادی، به راستی که تو ستودهٔ بزرگوار هستی و به خاندان محمّد خیر و برکت ده آن سان که به خاندان ابراهیم خیر و برکت دادی به راستی که تو ستوده و بزرگواری.»

۱۵۹۹ (۶۳) کعب بن عجره گوید: «وقتی این فرموده خدای متعال نازل شد: «انَّ الله وملائکته یصلّون علی النبیّ... تا آخر آیه» من گفتم: ای رسول خدا! ما دانستیم که چگونه به تو سلام کنیم پس [بفرمایید که] چگونه بر تو صلوات فرستیم؟ حضرت فرمود: «بگو: خدایا! بر محمّد درود فرست آن سان که بر ابراهیم درود فرستادی، به راستی که تو ستودهٔ بزرگوار هستی.»

۱۶۰۰ (۶۴) بکر بن محمد حکایت کرده که: «شنیدم از امام صادقؑ که وقتی در حضورش یکی از اصحابش گفت: اللّهمّ صَلِّ علی محمدٍ و آلِ محمدٍ کما صَلَّیْتَ علی ابراهیم» حضرت فرمود: ولی بگو: «کأفضلِ ما صلّیتَ وبارکتَ علی ابراهیمَ وآلِ ابراهیمَ انک حمیدٌ مجید.»

۱۶۰۱ (۶۵) یعقوب بن یوسف ضرّاب غسّانی از یک پیرزن علویّه‌ای که او را در خانهٔ حضرت خدیجهؑ در مکّه دیده، حکایت طولانی نقل کرده که در این حکایت، معجزه‌ای است از حضرت حجّت، امام زمان (عج). پیرزن گفت: حضرت حجّت گفت که به تو بگوییم: وقتی بر پیامبرت صلوات می‌فرستی، چه می‌گویی؟ پس در پاسخ پیرزن گفت: می‌گویم: اللّهمّ صَلِّ علی محمّد وآل محمّدٍو بارک علی محمّدٍ وآل محمّدٍ کأفضلِ ما صلّیتَ وبارَکْتَ وتَرَحَّمْتَ علی ابراهیمَ وآل ابراهیمَ انَّکَ حَمیدٌ مجید.»

پس پیرزن به یعقوب بن یوسف گفت: نه، هر گاه صلوات فرستادی پس بر همهٔ آنان صلوات بفرست و یکی یکی آن‌ها را نام ببر.

پس گفتم: بله، به چشم. فردای آن روز پیرزن آمد در حالی که دفترچه‌ای به همراه آورده بود پس گفت: حضرت حجّتؑ به تو می‌گوید که هر گاه بر پیامبرﷺ صلوات فرستادی پس هم بر او و هم بر اوصیاء و جانشینانش مطابق این نوشته صلوات بفرست و آن نوشته در کتاب‌های دعا که در خصوص ادعیه و اذکار نوشته شده، موجود است.»

۱۶۰۲ ۲۷۱۶۲ (۶۶) **مستدرك ۳۴۷/۵**: مجموعة الشهيد الأوّل قال الشيخ السعيد العالم العلاّمة أوحد الدّهر فريد العصر ذوالفضائل والمآثر والعلوم والمفاخر تاج الملّة والحقّ والدين الحسن بن الدّربي قرأت على الشيخ الصالح أبي الفايز سالم بن الحسين بن كامل بن قتارويه وقال أخبرني الشيخ الأديب خزيمة الأسدي قال حدّثنا الرئيس لأجل أبو البقاء هبة اللّه بن ناصر بن الحسين بن نصر قال حدّثنا السيّد لأجلّ الطّاهر نقيب النقباء ذو المناقب أبو الغنائم المعمّر بن محمّد بن عبداللّه بن الحسين قال حدّثنا أبو عبداللّه محمّد بن الحسن بن محمّد بن علي بن أحمد بن داود الأنماطي قال أخبرني أبي اجازةً عن عليّ بن العبّاس العلويّ عن عبدالعزيز بن اسحاق بن جعفر القاري عن أبي القاسم علي بن محمّد النخعي الكوفي قال حدّثني سليمان بن ابراهيم عن جدّي لأمّي قال عدّهنّ في يدي نصر بن مزاحم قال نصر عدّهنّ في يدي أبوخالد وقال أبو خالد عدّهنّ في يدي **زيد** بن علي وقال زيد بن علي وعدّهنّ في يدي على بن الحسين عليه السلام وقال علي بن الحسين عليه السلام عدّهنّ في يدي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام وقال علي عليه السلام عدّهنّ في يدي رسول اللّه صلى الله عليه وآله وقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله عدّهنّ في يدي جبرئيل عليه السلام.

وقال جبرئيل هكذا نزل بهنّ من عند ربّ العزّة:

اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد كما صلّيت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد وبارك على محمّد وآل محّد كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد وترحّم على محمّد وآل محمّد كما ترحّمت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد وتحنّن على محمّد وآل محمّد ما تحنّنت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد وتسلّم (سلّم ـ خ) على محمّد وآل محمّد كما سلّمت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد قال أبو خالد عدّهنّ بأصابع الكفّ مضمومة واحدة واحدة مع الإبهام.

۱۶۰۳ ۲۷۱۶۳ (۶۷) **العيون ۲۲۸**: حدّثنا علي بن الحسين بن شاذويه المؤدّب وجعفر بن محمّد بن مسرور رضي اللّه عنهما قالا حدّثنا محمّد بن عبداللّه بن جعفر الحميري عن أبيه عن **الريّان** بن الصلت قال حضر الرضا عليه السلام مجلس المأمون بمرو وقد اجتمع في مجلسه جماعة من علماء أهل العراق والخراسان فقال المأمون أخبروني عن معنى هذه الآية (إلى أن قال عليه السلام:) أمّا الآية السّابعة فقول اللّه عزّ وجلّ انّ اللّه وملائكته يصلّون على النّبيّ يا أيّها الّذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليماً.

۱۶۰۲ (۶۶) زید بن علی یعنی فرزند [امام سجّاد ﷺ] گوید: «امام سجّاد ﷺ [این صلوات را می‌گفت] و با انگشتانش می‌شمرد و حضرت فرمود: «همین صلوات را امیرمومنان علی ﷺ می‌گفت و با انگشتان دستش می‌شمرد و فرمود: پیامبر ﷺ نیز می‌گفت و می‌شمرد و فرمود: جبرئیل ﷺ نیز می‌گفت آن را و می‌شمرد.

و جبرئیل گفت: این صلوات را به همین صورت و با همین کلمات از سوی پروردگار عزّت نازل کرده و آن صلوات این است:

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست آن سان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، به راستی که تو ستوده و بزرگواری.

و به محمّد و آل محمّد خیر و برکت عطا کن چنان که به ابراهیم و آل ابراهیم خیر و برکت عطا کردی، به راستی که تو ستوده و بزرگواری.

و بر محمّد و آل محمّد ترحّم کن همانطور که به ابراهیم و آل ابراهیم ترحّم کردی، به راستی که تو ستوده و بزرگواری.

و به محمّد و آل محمّد مهربانی کن آن گونه که به ابراهیم و آل ابراهیم مهربانی کردی، به راستی که تو ستوده و بزرگواری.

و بر محمّد و آل محمّد سلام ده همانطور که به ابراهیم و آل ابراهیم سلام دادی، به راستی که تو ستوده و بزرگواری.»

ابوخالد راوی حدیث گوید: «حضرت هر بند از این صلوات را که می‌گفت یک انگشتش را می‌بست حتی پنجمین انگشتش یعنی انگشت ابهام را نیز بست.

۱۶۰۳ (۶۷) ریّان بن صلت حکایت کرده که: «امام رضا ﷺ در مرو به مجلس مأمون آمد در حالی که در مجلس او علمای عراق و خراسان حضور داشتند. پس مأمون گفت: معنی این آیه چیست؟ (تا اینکه امام رضا ﷺ فرمود:)

امّا آیهٔ هفتم که خدا فرموده: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او صلوات فرستید و سلام دهید.»

قالوا يا رسول اللّه قد عرفنا التسليم عليك فكيف الصلوة عليك؟

فقال تقولون اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد كما صلّيت (وباركت ـ خ) على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انّك حميد مجيد فهل بينكم معاشر الناس في هذا خلاف فقالوا المأمون هذا ممّا لا خلاف فيه أصلاً وعليه اجماع الأُمّة.

١٦٠٤ ٢٧١٦٤ (٦٨) **مستدرك ٣٤٤/٥**: السيّد على بن طاووس في جمال الاسبوع عن جماعة باسنادهم إلى الصفّار عن أحمد عن الحسين بن سعيد عن علي بن مهزيار عن محمّد بن اسمعيل عن رجل عن **منصور برزج** عن رجل عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال يا ربّ صلّ على محمّد وعلى أهل بيته عفا اللّه له البتّة فقلت له البتّة فقال كذا قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله.

١٦٠٥ ٢٧١٦٥ (٦٩) **المعاني ٣٦٧**: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور قال حدّثنا الحسين بن محمّد بن عامر قال حدّثنا المعلّي بن محمّد البصري عن محمّد بن جمهور العميّ عن أحمد بن حفص البزّاز الكوفي عن أبيه عن **ابن أبي حمزة** عن أبيه قال سألت أبا عبداللّه عليه السلام عن قول اللّه عزّ وجلّ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا﴾.

فقال الصلاة من اللّه عزّ وجلّ رحمة ومن الملائكة تزكية ومن الناس دعاء وأما قوله عزّ وجلّ «وسلّموا تسليماً» فأنه يعني التسليم له فيما ورد عنه.

قال فقلت له فكيف نصلّي على محمّد وآله؟ قال تقولون صلوات اللّه وصلوات ملائكته وأنبيائه ورسله وجميع خلقه عى محمّد وآل محمّد والسلام عليه وعليهم ورحمة اللّه وبركاته قال فقلت فما ثواب من صلّى على النّبيّ وآله بهذه الصلاة قال الخروج من الذنوب واللّه كهيئته يوم ولدته أمّه.

١٦٠٦ ٢٧١٦٦ (٧٠) **مستدرك ٣٤٣/٥**: السيّد علي بن طاووس في جمال الاسبوع باسناده إلى محمّد بن الحسن الصفّار عن يعقوب بن يزيد ومحمّد بن عيسى اليقطيني معاً عن زياد بن مروان عن حريز قال قلت لأبي عبداللّه عليه السلام جعلت فداك كيف الصلوة على النّبيّ صلى الله عليه وآله فقال قل اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته الّذين أذهب اللّه عنهم الرّجس وطَهّرهُمْ تطهيراً.

[اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا! ما سلام کردن به تو را شناخته‌ایم پس چگونه بر تو صلوات فرستیم؟

حضرت فرمود: می‌گویید: اللّهمّ صَلّ علی محمّد وآل محمّدٍ و بارک کما صلّیتَ (وبارَکْتَ) علی ابراهیمَ وعلی آل ابراهیمَ انّکَ حَمیدٌ مجید»

امام رضا علیه السلام فرمود: ای گروه‌های مردم! آیا در این مطلب کسی مخالف است؟ پس همه گفتند: نه.

پس مأمون گفت: این مطلبی که فرمودید از مطالبی است که هیچ مخالفی ندارد و تمام امّت بر آن، اتّفاق نظر دارند.»

۱۶۰۴ (۶۸) منصور برزج با واسطهٔ یک شخص از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بگوید: یا ربّ صَلِّ علی محمّد وعلی اهل بیته، خداوند قطعاً او را ببخشد. به حضرت عرض کردم: قطعاً؟

حضرت فرمود: آری، همین طور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است.»

۱۶۰۵ (۶۹) ابن ابی حمزه از پدرش نقل کرده که او گفت: «از امام صادق علیه السلام دربارهٔ فرمودهٔ خدای عزوجل: «انّ الله وملائکته یُصَلّون علی النبیّ یا ایّها الذین امنوا صَلّوا علیه و سلّموا تسلیماً» پرسیدم حضرت فرمود: صلوات خدای عزوجل رحمت است و صلوات فرشتگان پاک‌کردن و رشد دادن است و صلوات مردم دعاست.

و امّا فرمایش خدای عزیز و جلیل «و سلّموا تسلیما» یعنی تسلیمِ او شدن در هر فرمانی که از او صادر شده.

راوی گفت: به حضرت عرض کردم: پس ما چطور بر محمّد و آلش صلوات بفرستیم؟

حضرت فرمود: می‌گویید: «صلواتُ اللهِ وصلواتُ ملائکتِهِ وانبیائِهِ ورُسُلِهِ وجمیع خَلْقِهِ علی محمّد وآل محمّدٍ والسّلامُ عَلَیهِ وعَلَیهم ورحمةُ اللهِ وبَرَکاتُهُ.»

راوی گفت: به حضرت عرض کردم: پاداش کسی که با این صلوات بر پیامبر و آلش صلوات بفرستد، چیست؟

حضرت فرمود: به خدا سوگند که از گناهانش خارج شود مثل روزی که از مادرش به دنیا آمد.»

۱۶۰۶ (۷۰) حریز از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: «به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه است؟ پس حضرت فرمود: بگو: خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست، همان‌ها که خدا پلیدی را از آن‌ها دور کرده و آنان را پاکِ پاک گردانیده.»

قال فقلت في نفسي اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته فقال لي ليس هكذا قلت لك قل اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته.

قال فقلت اللّهمّ صلّ على محمد وأهل بيته.

قال فقال لي ليس هكذا قلت لك قل اللّهم صلّ على محمد وأهل بيته قال فقلت اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته.

فقال لي انّك لحافظ يا حريز فقل كما أقول لك اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته الّذين أذهبت عنهم الرجس وطهّرتهم تطهيراً.

قال فقلت كما قال فقال لي قل اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته الّذين الهمتهم علمك واستحفظتهم كتابك واسترعيتهم عبادك اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته الّذين أمرت بطاعتهم وأوجبت حبّهم ومودّتهم اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته الذين جعلتهم ولاة أمرك بعد نبيّك ﷺ.

۱٦۰۷ ۲۷۱٦۷ (۷۱) **مستدرك ۵/۳۴۲**: السيّد علي بن طاووس في جمال الاسبوع بأسناده إلى جماعة من أصحابنا عن محمّد بن أحمد بن سنان عن أبيه عن جدّه محمّد بن سنان عن **عبداللّه** بن سنان قال كنّا عند أبي عبداللّه ﷺ جماعة من أصحابنا فقال لنا ابتداء كيف تصلّون على النّبيّ ﷺ.

فقلنا نقول اللّهم صلّ على محمّد وآل محمّد فقال كأنّكم تأمرون اللّه عزّ وجلّ ان يصلّي عليهم.

فقلنا كيف نقول؟

قال تقولون اللّهمّ سامك المسموكات [1] وداحي المدحوّات [2] وخالق الأرض والسموات أخذت علينا عهدك واعترفنا بنبوّة محمّد ﷺ وأقررنا بولاية عليّ بن أبي طالب ﷺ فسمعنا وأطعنا وأمرتنا بالصلوة عليهم فعلمنا انّ ذلك حقّ فاتّبعناه.

---

۱. أي رافع السماوات السبع. ۲. أي باسط الأرضين.

راوی گفت: من با خودم گفتم: «اللّهم صلّ علی محمّدٍ واهلِ بیته» حضرت به من فرمود: این جور نیست. من به تو گفتم: بگو: «اللّهمّ صَلّ علی محمّدٍ واهلِ بَیْتِهِ» راوی که حریز باشد گفت: پس من گفتم: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّدٍ واهلِ بَیْتِهِ» باز حضرت فرمود: این گونه نیست، به تو گفتم: بگو: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّدٍ واهلِ بَیْتِهِ» راوی گوید: [برای سوّمین بار] گفتم: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّدٍ واهلِ بَیْتِهِ»

پس حضرت فرمود: تو واقعاً حافظه‌ات خوب است پس همین‌گونه که الآن می‌گویم تو، هم بگو: «خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست، همان‌ها که خدا پلیدی را از آن‌ها دور کرده و آنان را پاکِ پاک گردانیده.» راوی گوید: پس همانطوری که حضرت فرمود من گفتم و حضرت به من فرمود: بگو: «خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست، همان‌ها که علم خودت را به آن‌ها الهام کرده‌ای و آن‌ها را حافظ و نگهبان کتابت قرار داده‌ای و آن‌ها را سرپرست و چوپان بندگانت قرار دادی، خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنان که به اطاعت از آن‌ها [ما را] فرمان داده‌ای و دوستی و علاقه به آنان را واجب کرده‌ای، خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست آنان که آن‌ها را پس از پیامبرتﷺ ولیّ امرت قرار داده‌ای.»

(۷۱) عبد الله بن سنان حکایت کرده که: «ما با عدّه‌ای از اصحاب امام صادق‌علیه‌السلام در خدمت حضرت ۱۶۰۷
بودیم. حضرت لب به سخن گشود و فرمود: چگونه بر پیامبرﷺ صلوات می‌فرستید؟

ما در پاسخ حضرت عرض کردیم: می‌گوییم: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ» پس حضرت فرمود: گویی شما، خدای‌عزّوجلّ را فرمان می‌دهید که بر آن‌ها صلوات و درود فرستد!

پس ما گفتیم: چگونه بگوییم؟

حضرت فرمود: می‌گویید: «ای خدا! ای بالا برندهٔ آسمان‌های [هفت‌گانهٔ] بلند و ای گسترندهٔ زمین‌های گسترده! و ای آفرینندهٔ زمین و آسمان‌ها! تو از ما عهد و پیمان گرفتی و ما به پیامبری حضرت محمّدﷺ اعتراف کردیم و به ولایت علیّ بن ابی طالب‌علیه‌السلام اقرار کردیم پس ما به حرف شما گوش دادیم و اطاعت کردیم و به ما فرمان دادی که بر آن‌ها صلوات بفرستیم و ما به یقین دریافتیم که این [عقیده]، حقّ است پس پیروی کردیم.

اللّهمّ انّی أشهدك وأشهد محمّداً وعليّاً والثمانية (ثمانية ـ خ) حملة العرش والأربعة الأملاك خزنة علمك أنّ فرض صلاتي لوجهك ونوافلي وزكوتي وما طاب لي من قول وعمل عندك فعلى محمّد وآل محمّد وأسئلك اللّهمّ ان توصلني بهم وتقرّبني بهم لديك كما أمرتني بالصلوة عليه وأشهدك انّي مسلّم له ولأهل بيته ﷺ غير مستنكف ولا مستكبر فزكّنا بصلواتك وصلوات ملائكتك انّه في وعدك وقولك هو الذي يصلّي عليكم وملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور وكان بالمؤمنين رحيماً تحيّتهم يوم يلقونه سلام واعِدّ لهم أجراً كريماً فازلفنا بتحيّتك وسلامك وامنن علينا بأجر كريم من رحمتك واخصصنا من محمّد ﷺ بأفضل صلواتك وصلّ عليهم انّ صلاتك سكن لهم وزكّنا بصلاته وصلاة أهل بيته واجعل ما آتيتنا من علمهم ومعرفتهم مستقرّاً عندك مشفوعاً لا مستودعاً يا أرحم الراحمين.

۱۶۰۸ (۷۲) **مستدرك ۳۴۵/۵**: السيّد ابن طاووس في جمال الأسبوع حدّث احمد بن موسى عن
۲۷۱۶۸ الحسن بن موسى عن علي بن حسان عن عبدالرّحمن بن كثير قال سئلته عن قول اللّه تبارك وتعالى انّ اللّه وملائكته يصلّون على النّبيّ يا أيّها الذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليماً.

فقال صلاة اللّه (عليه) تزكية له في السماء.

قلت ما معنى تزكية اللّه ايّاه؟

قال زكّاه بأن برّأه من كلّ نقص وآفة تلزم مخلوقا.

قلت فصلاة المؤمنين؟

قال يبرّؤنه ويعرفونه بأن اللّه قد برّأه من كلّ ما هو[1] في المخلوقين من الآفات التي تصيبهم في بنية خلقهم فمن عرفه ووصفه بغير ذلك فما صلّى عليه.

---

۱. كلّ نقص ـ خ.

خدایا! تو را گواه می‌گیرم و گواه می‌گیرم حضرت محمّد و حضرت علی و حاملان هشت گانهٔ عرش و فرشتگان خزانه‌دار علمت را که نماز واجبم برای خود تو است ولی نمازهای مستحبّی و زکات‌هایم و هر گفتار و کردار پسندیده‌ای که پیش تو دارم همهٔ آن‌ها هدیه به محمّد و آل محمّد باشد و از تو می‌خواهم بار خدایا که به وسیلهٔ آن‌ها مرا به مقصد برسانی و مقرب درگاه خود کنی همانطوری که مرا بر صلوات فرستادن بر او امر کردی و تو را گواه می‌گیرم که بدون هیچ ابا و تکبّری من تسلیم او و اهل بیت او هستم پس ما را با صلوات خود و صلوات فرشتگانت تزکیه و پاک گردان همان‌طوری که در کلامت به ما وعده دادی و فرمودی: «اوست خدایی که او و فرشتگانش بر شما صلوات می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به نور درآورند و خدا نسبت به مؤمنان مهربان است، تحیّت مؤمنان در روزی که خدا را ملاقات کنند «سلام» است و خدا هم برای آن‌ها پاداشی ارزشمند آماده کرده پس ما را با تحیّت و سلامت زینت بخش و با پاداش ارزشمندی از رحمتت بر ما منّت بگذار و ما را از سوی محمّدﷺ به بهترین صلوات‌هایت مخصوص گردان و بر آن‌ها صلوات فرست که صلوات تو آرامش‌بخش آنان است و این علم و معرفتی که نسبت به آن‌ها به ما داده‌ای مستقرّ و پا برجا در نزد خود قرار ده نه مستودَع و موقّت، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

۱۶۰۸ (۷۲) عبدالرحمن بن کثیر حکایت کرده که: «از حضرت دربارهٔ فرمایش خدای تبارک و تعالی که فرموده: «انّ الله وملائکته یُصَلّون علی النبیّ یا ایّها الذین امنوا صَلّوا علیه و سلّموا تسلیماً»[1] پرسیدم.

حضرت فرمود: صلوات خدا بر پیامبرﷺ به معنی پاک کردن آن حضرت در آسمان است.

پرسیدم: خدا چطور او را پاک می‌کند؟

فرمود: پاک می‌کند او را به این معنی که او را از هر کمبود و آفتی که دیگر مخلوقات را فرا گرفته، دور نگاه دارد.

پرسیدم: صلوات مؤمنان بر پیامبرﷺ به چه معنی است؟

حضرت فرمود: این‌ها نیز پیامبرﷺ را پاک می‌دانند و او را به این صفت می‌شناسند که خدا او را از هر آفتی که در ساختمان آفرینش آفریده‌ها یافت شود، پاک گردانیده پس هر کس که او را به غیر از این بشناسد و توصیف کند پس بر او صلوات نفرستاده است.

---

۱. احزاب ۵۶/۳۳.

فقلت كيف نقول نحن إذا صلّينا عليهم؟ قال تقولون اللّهمّ انّا نصلّي على محمّد نبيّك وعلى آل محمّد كما أمرتنا به وكما صلّيت أنت عليه فكذلك صلوتنا عليه.

۱۶۰۹ ۲۷۱۶۹ (۷۳) **مستدرك ۳۴۶/۵**: السيّد علي بن طاووس في جمال الاسبوع عن جماعة باسنادهم إلى جدّه أبي جعفر الطوسي؟ عن جماعة من أصحابنا عن أبي المفضّل الشيباني قال حدّثنا **أبومحمّد عبداللّه** بن محمّد العابد بالدّالية لفظاً قلت أنا: الدالية موضع بالقرب من سنجار [۱] ووجدت في **رواية** أخرى بهذه الصلوة على النّبيّ؟ وهذا لفظ أسنادها قال حدّثنا محمّد بن وهبان الشبهاني [۲] قال حدّثنا أبو المفضّل محمّد بن عبداللّه بن المطّلب الشيباني قال حدّثنا أبو عبداللّه محمّد بن عبداللّه بن ياسين [۳] بن محمّد بن عجلان اليمنى الشيخ الصالح لفظاً: أقول ثمّ اتّفقت الرّوايات [۴] بعد ذلك قال **أبومحمّد** عبداللّه بن محمّد العابد المقدّم ذكره سئلت مولاى أبا محمّد الحسن بن علي؟ في منزله بسرّ من رأي سنة خمس وخمسين ومأتين أن يملي عليّ الصلوة على النبيّ وأوصيائه عليه وعليهم السلام واحضرت معي قرطاساً كبيراً فأملى عليّ لفظاً من غير كتاب وقال [أكتب] الصلوة على النّبيّ؟ إلى آخر ما في أكثر تكب الدعوات.

۱۶۱۰ ۲۷۱۷۰ (۷۴) **الثواب ۱۹۰**: حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل؟ قال حدّثني علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد بن أبي عبداللّه البرقي عن أبيه عن عمرو بن سعيد عن مصدق بن صدقّة عن **عمّار** بن موسى الساباطي قال كنت عند أبي عبداللّه؟ فقال رجل اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيت محمّد فقال (له ـ خ) أبوعبداللّه؟ يا هذا لقد ضيّقت علينا أما علمت أنّ أهل البيت خمسة أصحاب الكساء فقال الرجل كيف أقول قال قل «اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد» فيكون نحن وشيعتنا قد دخلنا فيه.

۱۶۱۱ ۲۷۱۷۱ (۷۵) **كافي ۴۹۵/۲**: أبو عليّ الأشعري عن الحسين بن علي عن عبيس بن هشام عن ثابت عن **أبي بصير** عن أبي عبداللّه؟ قال قال رسول اللّه؟ من ذكرت عنده فنسي أن يصلّي عليّ خطأ اللّه به طريق الجنّة.

---

۱. شنجار ـ خ. ۲. الهيناني ـ خ ـ الهياني ـ خ. ۳. باتين ـ خ ـ بانين ـ خ.

۴. الرّوايتان.

پس به حضرت عرض کردم: هر گاه بخواهیم صلوات بفرستیم بر آنان چه بگوییم؟

حضرت فرمود: می‌گویید: خدایا! بر محمّد پیامبرت و بر خاندان محمّد صلوات می‌فرستیم همانطور که ما را به آن فرمان دادی و همان گونه که تو خود بر او صلوات فرستاده‌ای پس همچنین صلوات و درود ما بر او باد.»

۱۶۰۹ (۷۳) ابومحمّد عبدالله بن محمّد عابد روایت کرده که: «از مولایم ابا محمّد امام حسن عسکری‌علیه‌السلام در خانه‌اش در «سُرّ مَن رأی» در سال دویست و پنجاه و پنج درخواست کردم که صلوات بر پیامبر و جانشینانش‌علیهم‌السلام را برایم املاء گوید و کاغذ بزرگی هم آماده کرده بودم پس حضرت بدون اینکه خودش بنویسد برایم به طور شفاهی گفت و فرمود: صلوات بر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله را بنویس... تا آخر روایت و صلوات که در بسیاری از کتاب‌های دعا مذکور است.»

۱۶۱۰ (۷۴) عمّار بن موسی ساباطی گوید: «در خدمت امام صادق‌علیه‌السلام بودم، مردی گفت: «اللّهمّ صَلّ علی محمّد وأهل بیت محمّد».

پس امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: «ای آقا! دایرهٔ صلواتت را تنگ کردی، مگر نمی‌دانی که اهل بیت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله همان پنج تن اصحاب کساست، [و شامل باقی ائمه‌علیهم‌السلام نمی‌شود]؟

پس آن مرد گفت: چگونه بگوییم؟

حضرت فرمود: بگو: «اللّهمّ صَلّ علی محمّدٍ وآل محمّد» پس ما و شیعیان ما نیز در آن داخل می‌شویم.»

۱۶۱۱ (۷۵) ابوبصیر از امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که یاد و نامی از من نزد او شود و او صلوات فرستادن بر من را به دست فراموشی بسپرد راه بهشت را به اشتباه گم کرده است.»

۱۶۱۲ ۲۷۱۷۲ (۷۶) **العقاب ۲۴۶**: حدّثني محمّد بن علي ماجيلويه رضي الله عنه قال حدّثني عمّي محمّد ابن أبي القاسم عن محمّد بن علي الكوفي عن المفضّل بن صالح الأسدي عن **محمّد** بن مروان عن أبي عبدالله عليه السلام قال إذا صلّى أحدكم ولم يصلّ على النّبيّ صلى الله عليه وآله في صلاته يسلك بصلاته غير سبيل الجنّة وقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من ذكرت عنده فلم يصلّ عليّ فدخل النار فـابعده اللّـه وقال صلى الله عليه وآله من ذكرت عنده فنسي الصلاة عليّ خطئ به طريق الجنّة.

۱۶۱۳ ۲۷۱۷۳ (۷۷) **الفقيه ۴/ ۲۷۰**: روى حمّاد بن عمرو **وأنس** بن محمّد عن أبيه جميعاً عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن جدّه عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن النّبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال له يا علي من نسي الصلاة على فقد أخطأ طريق الجنّة.

۱۶۱٤ ۲۷۱۷٤ (۷۸) **أمالي ابن الطوسي ۱/ ۱۴۳**: أخبرنا الشيخ المفيد أبو عـلي الحسـن بـن مـحمّد الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علي الطوسي رحمه الله قال أخبرنا الشيخ المفيد أبو عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان رحمه الله قال أخبرنا أبوبكر محمّد بن عمر الجعابي قال حدّثنا أبوالعباس أحمد بن محمّد بن سعيد قال حدّثنا عبيد بن حمدون قال حدّثنا محمّد بن حسّان بن سهيل قال حدّثنا عامر بن الفضل[1] عن بشر بن سالم البجلي **ومحمّد** بن عمران الذهلي عن جعفر بن محمّد عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله مثله.

۱۶۱۵ ۲۷۱۷۵ (۷۹) **الجعفريات ۲۱۵**: باسناده عن **علي** بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّـه صلى الله عليه وآله مـن ذكرت عنده ولم يصلّ على خطئ طريق الجنّة.

۱۶۱٦ ۲۷۱۷٦ (۸۰) **مستدرك ۵/ ۳۵۶**: القطب الراوندي في لبّ اللّباب قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله يؤمر بأقوام إلى الجنّة فيخطئون الطريق قيل يا رسول اللّه لم ذاك قال سمعوا اسمي ولم يصلّوا عليّ.

۱۶۱۷ ۲۷۱۷۷ (۸۱) **المقنعة ۴۹**: روى عن أبي جعفر الباقر عليه السلام انّه قال انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله كان على المنبر فسمعه الناس قال آمين ثمّ سكت ثمّ قال آمين ثمّ سكت ثمّ قال آمين فلمّا نزل سأله بعض الناس فقالوا يا رسول اللّه سمعناك تقول آمين آمين آمين ثلاث مرّات فقال أن جبرئيل قال من ذكرتَ عنده فلم يصلّ عليك فأبعده اللّه قلت آمين الخبر.

---

۱. المفضّل ـ خ.

۱۶۱۲ (۷۶) محمّد بن مروان از امام صادق‌ؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر گاه یکی از شما نماز بخواند و در نمازش بر پیامبرﷺ صلوات نفرستد، با نمازش راهی غیر از راه بهشت را پیموده و پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که نام من در نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد پس به دوزخ رود و خدا او را از رحمت خود دور گرداند و فرمود: هر کس که نام من در پیش او برده شود و صلوات فرستادن مرا فراموش کند پس راه بهشت را گم کرده است.»

۱۶۱۳ (۷۷) انس بن محمّد از پدرش و او از امام جعفر صادق‌ؑ و او از پدرش و او از جدّش و او از امام علی بن ابی طالب‌ؑ و او از پیامبرﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: «ای علی! کسی که صلوات فرستادن بر من را به دست فراموشی سپرد راه بهشت را گم کرده و اشتباه می‌رود.»

۱۶۱۴ (۷۸) بشر بن سالم بجلی و محمّد بن عمران ذهلی هر دو از امام صادق‌ؑ و آن حضرت از رسول خداﷺ حدیث پیشین را روایت کرده‌اند.

۱۶۱۵ (۷۹) در کتاب جعفریّات با اسناد خودش از امام علیّ بن ابی طالب‌ؑ روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که من در نزد او یاد شوم و بر من صلوات نفرستد، راه بهشت را گم کرده است.»

۱۶۱۶ (۸۰) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «نسبت به عدّه‌ای دستور می‌رسد که به بهشت روند ولی آن‌ها راه را گم می‌کنند و راه دیگری می‌روند. از حضرت پرسیده شد: چرا اینجور می‌شود ای رسول خدا؟ حضرت فرمود: چون نام مرا شنیدند ولی بر من صلوات نفرستادند.»

۱۶۱۷ (۸۱) در کتاب مقنعه روایتی از امام باقرؑ نقل شده که حضرت فرمود: «رسول خداﷺ بالای منبر بود پس مردم شنیدند که حضرت فرمود: «آمین» سپس مختصری سکوت کرد سپس فرمود: «آمین» باز سکوت کرد و سپس فرمود: «آمین» وقتی که از منبر پایین آمد بعضی از مردم پرسیدند که ای رسول خدا! شنیدیم که سه بار «آمین» گفتی؟ حضرت فرمود: جبرئیل گفت: هر کس که نام تو در پیشش ذکر شود و بر تو صلوات نفرستد پس خدا او را [از رحمت خود] دور گرداند، من هم «آمین» گفتم تا آخر حدیث.»

۱۶۱۸ ۲۷۱۷۸ (۸۲) **معاني الأخبار** ۲۴۶: حدّثنا أحمد بن محمّد بن عبدالرّحمان المقري قال حدّثنا أبو الحسن علي بن الحسن بن بندار بن المثنّى التّميمي الطبري قال حدّثنا أبوالحسن علي بن الحسن بن بندار بن المثنّى التّميمى الطبريّ قال حدّثنا أبو نصر محمّد بن الحجّاج المقري الرّقّيّ قال حدّثنا أحمد بن العلاء بن هلال قال حدّثنا أبو زكريّا قال حدّثنا سليمان بن بلال عن عمارة بن غزيّة (عزية خ) عن **عبدالله** بن عليّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ البخيل حقّاً من ذكرت عنده فلم يصلّ عليّ.

۱۶۱۹ ۲۷۱۷۹ (۸۳) **ارشاد المفيد** ۲۶۷: ابراهيم بن محمّد بن داود بن عبداللّه الجعفري عن عبدالعزيز بن محمّد الدراوردي عن عمارة بن غزيّة عن عبداللّه بن علي بن الحسين عن أبيه ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ البخيل كلّ البخيل الّذي إذا ذكرت عنده فلم يصلّ عليّ صلوات اللّـه عـليه وآله. (أوردها في المستدرك اشتباهاً عن بشارة المصطفى).

۱۶۲۰ ۲۷۱۸۰ (۸۴) **عدة الداعي** ۳۵: عن رسول اللّه ﷺ قال وأمّا أجفأ الناس فرجل ذكرت بين يـديه فلم يصلّ عليّ.

۱۶۲۱ ۲۷۱۸۱ (۸۵) **جامع الأحاديث** ۸۳: رُغم انف رجل ذُكِرْتُ عنده فلم يصلّ عليّ (نقلها في البحار عن كتاب الامامة والتبصرة سهواً).

۱۶۲۲ ۲۷۱۸۲ (۸۶) **مستدرك** ۳۵۳/۵: جامع الأخبار عن جابر بن عبداللّه عن النّبيّ ﷺ قال من ذكرني فلم يصلّ على فقد شقى الخبر.

۱۶۲۳ ۲۷۱۸۳ (۸۷) **العوالي** ۳۸/۲: **روى** أنّ النّبيّ ﷺ قيل له يارسول اللّه أرأيت قول اللّه تعالى انّ اللّه وملائكته يصلّون على النبيّ كيف هو؟

فقال ﷺ هذا من العلم المكنون ولولا أنّكم سألتموني ما أخبرتكم انّ اللّه وكلّ بي ملكين فلا اذكر عند مسلم فيصلّي عليّ الّا قال له ذانك الملكان غفر اللّه وقال اللّه وملائكته آمين ولا اذكر عند مسلم فلا يصلّي عليّ الّا قال له الملكان لا غفر اللّه لك وقال اللّه ومـلائكته آمين **مستدرك** ۳۵۳/۵: ورواه الشيخ **أبوالفتوح في** تفسيره عنه مثله.

۱۶۲۴ ۲۷۱۸۴ (۸۸) **مشكاة الأنوار** ۱۷: عن أبي عبداللّه ﷺ في قول اللّه عزّ وجلّ «انّ اللّـه ومـلائكته يصلّون على النّبي» الآية قال أثنوا عليه وسلّموا له قلت فكيف علم الرسول انّها كذلك قال كشف له الغطاء.

(۸۲) عبدالله بن علیّ بن حسین از پدرش از جدّش﵇ روایت کرده که فرمودند: «پیامبر خداﷺ فرمود: ۱۶۱۸
بخیل واقعی کسی است که نام من در پیش او ذکر شود و بر من صلوات نفرستد.»

(۸۳) عبدالله بن علیّ بن حسین از پدرش﵇ روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: بخیل ۱۶۱۹
کامل کسی است که نام من نزد او برده شود و او بر من صلوات نفرستد.»

(۸۴) ابن فهد حلّی در کتاب عدّة الداعی حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «و ۱۶۲۰
امّا جفاکارترین مردم کسی است که من در نزدش ذکر شوم و بر من صلوات نفرستد.»

(۸۵) در کتاب جامع الاحادیث حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «کسی که نام من ۱۶۲۱
در پیش او برده شود و بر من صلوات نفرستد بینی‌اش به خاک مالیده شود.»

(۸۶) جابر بن عبدالله از پیامبرﷺ روایت شده که حضرت فرمود: «کسی که از من نام ببرد ولی بر ۱۶۲۲
من صلوات نفرستد شقیّ و بدبخت شود.»

(۸۷) در کتاب عوالی اللئالی از پیامبرﷺ حدیثی نقل شده که: «از حضرت سؤال شد: با توجّه به ۱۶۲۳
فرمودهٔ خدای متعال: «انّ الله وملائکته یُصَلّون علی النبیّ» بفرمایید که چگونه خدا و فرشتگان بر پیامبرﷺ صلوات می‌فرستند؟

حضرت فرمود: این، از دانش مستور است و اگر از من نمی‌پرسیدید به شما خبر نمی‌دادم که خداوند دو فرشته را موکّل کرده است که هر گاه نزد مسلمانی نام من برده شود و بر من صلوات فرستد، این دو فرشته می‌گویند: خدا تو را بیامرزد و خدا و فرشتگان هم «آمین» می‌گویند و اگر نام من در پیش مسلمانی برده شود و بر من صلوات نفرستد این دو فرشته می‌گویند: خدا تو را نیامرزد و خدا و فرشتگانش می‌گویند «آمین»».

همین روایت را شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش نیز نقل کرده است.

(۸۸) در کتاب مشکاة الانوار از حضرت صادق﵇ پیرامون گفتار خداوندعزّوجلّ: «انّ الله وملائکته ۱۶۲۴
یُصَلّون علی النبیّ تا آخر آیه» روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «پیامبر را بستایید و بر او سلام کنید» [راوی گفت:] به حضرت عرض کردم: چطور پیامبرﷺ می‌فهمد که ما به او سلام کردیم؟

حضرت فرمود: پرده از جلویش کنار رفته است.»

۱٦۲٥ ۲۷۱۸٥ (۸۹) **الثواب ۱۸۹**: أبي ﷺ قال حدّثنا علي بن ابراهيم عن أبيه عن علي بن معبد عن واصل بن عبداللّه عن عبداللّه بن سنان **أمالي الصدوق ٤٦٤**: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور قال حدّثنا الحسن بن محمّد بن عامر عن عمّه عبداللّه بن عامر عن محمّد بن أبي عمير عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه الصادق ﷺ قال قال رسول اللّه ﷺ ذات يوم لعليّ[1] ﷺ ألا أبشّرك فقال بلى بأبي أنت وأمّي فانّك لم تزل مبشّراً بكلّ خير فقال أخبرني جبرائيل ﷺ آنفاً بالعجب فقال له عليّ[2] ﷺ وما الّذي أخبرك يا رسول اللّه فقال أخبرني انّ الرجل من أمّتي إذا صلّى عليّ واتّبع بالصلاة على أهل بيتي فتحت له أبواب السماء وصلّت عليه الملائكة سبعين صلاة وان[3] كان مذنباً خطأ (وانه لمذنب خطأ ـ أمالي) ثمّ تتحاتّ عنه الذنوب كما يتحاتّ[4] الورق من الشجر ويقول اللّه تبارك وتعالى لبّيك (يا ـ أمالي) عبدي وسعديك (ويقول اللّه لملائكته ـ أمالي) يا ملائكتي أنتم تصلّون عليه سبعين صلاة وأنا أصلّي عليه سبعمائة صلاة فإذا صلّى عليّ ولم يتبع بالصلاة على أهل بيتي كان بينها وبين السماء سبعون حجاباً ويقول اللّه جلّ جلاله لا لبّيك ولا سعديك يا ملائكتي لا تصعدوا دعاءه إلّا أن يلحق بنبيه[5] عترته فلا زال[6] محجوباً حتّى يلحق بي أهل بيتي.

۱٦۲٦ ۲۷۱۸٦ (۹۰) **مستدرك ٥/۳٥٤**: السيّد علي بن طاووس في جمال الاسبوع حدّثني جماعة بأسنادهم إلى محمّد بن الحسن الصفّار عن ابراهيم بن هاشم عن علي بن معبد عن واصل[7] بن عطا عن **عبداللّه** بن سنان عن أبي عبداللّه ﷺ قال قال النّبيّ ﷺ ولعليّ ﷺ يا عليّ الا أبشّرك (وذكر نحوه).

۱٦۲۷ ۲۷۱۸۷ (۹۱) **مستدرك ٥/۳٥٥**: الشيخ أبوالفتوح الرازي في تفسيره عن رسول اللّه ﷺ أنّه قال أسرى بي ليلة المعراج إلى السماء فرأيت ملكاً له ألف يد لكلّ يد ألف أصبع وهو يحاسب ويعدّ بتلك الأصابع فقلت لجبرئيل من هذا الملك وما الّذي يحاسبه قال هذا ملك موكّل على قطر المطر يحفظها كم قطرة تنزل من السماء إلى الأرض.

---

۱. لأمير المؤمنين ﷺ. ۲. لأمير المؤمنين ﷺ. ۳. وانّه للذنب خطأ ـ الثواب.
٤. تحاتّ ـ الثواب. ٥. بالنبيّ ـ ثواب. ٦. يزال ـ الثواب.
۷. سليمان ـ خ ل.

۱۶۲۵ (۸۹) عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق‌؈ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا‌ﷺ روزی به علی‌؈ فرمود: آیا به تو مژده‌ای بدهم؟ حضرت علی‌؈ گفت: بله، پدر و مادرم فدای تو باد تو پیوسته، مژده دهنده به خیر هستی.

پس حضرت فرمود: جبرئیل‌؈ کمی پیش، خبر عجیبی به من داد.

پس حضرت علی‌؈ فرمود: چه خبری به تو داد ای رسول خدا؟

حضرت فرمود: به من خبر داد که هر گاه شخصی از امتم بر من صلوات فرستد و در دنبالهٔ آن بر اهل بیتم صلوات فرستد، درهای آسمان به رویش گشوده شود و فرشتگان هفتاد بار بر او صلوات فرستند اگر چه گنهکار و خطاکار باشد. وانگهی گناهانش فرو ریزد آن سان که برگ از درخت می‌ریزد، و خدای تبارک و تعالی گوید: لبّیک بندهٔ من تو را یاری خواهم کرد (و خدا به فرشتگانش گوید:) ای فرشتگانم! شما هفتاد صلوات بر او فرستادید، من هفتصد صلوات بر او می‌فرستم.

امّا اگر بر من صلوات فرستد ولی بعد از آن بر اهل بیتم صلوات نفرستد میان این صلوات و آسمان، هفتاد حجاب حائل شود و خدای بزرگ گوید: نه تو را پاسخ دهم و نه تو را یاری کنم ای فرشتگانم دعایش را بالا نبرید مگر اینکه عترت پیامبر را به من ملحق گرداند پس پیوسته دعایش محجوب بماند تا وقتی که ملحق گرداند به من اهل بیتم را.»

۱۶۲۶ (۹۰) عبدالله بن سنان از امام صادق‌؈ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبرﷺ به علی‌؈ فرمود: ای علی آیا تو را مژده‌ای دهم؟» و سپس حدیث قبلی را ذکر کرده است.

۱۶۲۷ (۹۱) شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «شب معراج مرا به آسمان سیر دادند پس فرشته‌ای دیدم که هزار دست داشت و در هر دستی هزار انگشت داشت و با این انگشتان مشغول حساب و شمارش بود.

به جبرئیل گفتم: این فرشته کیست و چه چیز را حساب می‌کند؟

گفت: این یک فرشته‌ای است که بر قطرات باران گماشته شده که می‌داند چند قطره از آسمان بر زمین فرود آمده.

فقلت للملك أنت تعلم منذ خلق اللّه الدنيا كم قطرة نزلت من السماء إلى الأرض فقال يا رسول اللّه فوالّذي بعثك بالحق إلى خلقه غير انّي أعلم كم قطرة نزلت من السماء إلى الأرض أعلم تفصيلاً كم قطرة نزلت في البحر وكم قطرة نزلت في البرّ وكم قطرة نزلت في العمران وكم قطرة نزلت في البستان وكم قطرة نزلت في السبخة وكم قطرة نزلت في القبور فقال رسول اللّه ﷺ فتعجّبت من حفظه وتذكّره حسابه فقال يا رسول اللّه حساب لا أقدر عليه بما عندي من الحفظ والتذكّر والأيدي والأصابع فقال أيّ حساب هو فقال قوم من أمّتك يحضرون مجمعاً فيذكر اسمك عندهم فيصلّون عليك فأنا لا أقدر على حصر ثوابهم.

۱۶۲۸ ۲۷۱۸۸ (۹۲) **أمالي ابن الطوسي** ۴۲۴: حدّثنا الشيخ السعيد الامام المفيد أبوعلي الحسن بن محمّد بن الحسن بن علي الطوسي ﵀ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبوجعفر محمّد بن الحسن بن علي الطوسي قال حدّثنا أبو عبداللّه الحسين بن عبداللّه الغضائري قال أخبرنا أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين قال **أمالي الصدوق** ۳۱۰: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور قال حدّثنا الحسين بن محمّد بن عامر عن عمّه عبداللّه بن عامر عن محمّد ابن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن **أبان** بن تغلب عن أبي جعفر محمّد بن علي الباقر ﵇ عن أبيه عن جدّه قال قال رسول اللّه ﷺ من أراد التوسّل إليّ وأن يكون له عندي يد أشفع له بها يوم القيامة فليصلّ على أهل بيتي ويدخل السرور عليهم.

۱۶۲۹ ۲۷۱۸۹ (۹۳) **أمالي ابن الطوسي** ۲/۳۸: حدّثنا الشيخ السعيد الامام المفيد أبوعلي الحسن بن محمّد بن الحسن بن علي الطوسي ﵀ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمّد ابن الحسن بن علي الطوسي قال حدّثنا أبو عبداللّه الحسين بن عبداللّه الغضائري قال أخبرنا أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين قال **أمالي الصدوق** ۳۱۰ حدّثنا الحسين بن أحمد بن ادريس قال حدّثني أبي قال حدّثني أحمد بن محمّد بن خالد عن أبيه عن محمّد بن أبي عمير عن **عبداللّه** بن الحسن بن الحسن بن علي عن أبيه عن جدّه قال قال رسول اللّه ﷺ (من قال صلّى اللّه على محمّد وآله قال اللّه جلّ جلاله صلّى اللّه عليك فليكثر من ذلك و ـ أمالي الصدوق) من قال صلّى اللّه على محمّد ولم يصلّ على آله لم يجد ريح الجنّة وريحها (توجد ـ أمالي الصدوق) من مسيرة خمس مائة عام.

پس به آن فرشته گفتم: تو می‌دانی از وقتی که خدا دنیا را آفرید، چند قطره باران از آسمان به زمین باریده؟

گفت: آری ای رسول خدا سوگند به کسی که تو را به حق به پیامبری در میان خلقش برانگیخته، نه تنها می‌دانم که چند قطره باران باریده بلکه به تفصیل می‌دانم که چند قطره در دریا فرود آمده و چند قطره در خشکی و چند قطره در باغ و چند قطره در زمین شوره‌زار و چند قطره در قبرستان باریده است پس رسول الله‌ﷺ فرمود: من از حافظه و قوهٔ ذاکره‌اش شگفت‌زده شدم.

پس آن فرشته گفت: ای رسول خدا! با این قدرت حافظه و ذاکره و با این همه دست و انگشتی که دارم بر محاسبهٔ یک چیز قادر نیستم.

حضرت فرمود: چه چیز است آن؟

فرشته گفت: وقتی عدّه‌ای از امّت‌هایت دور هم نشسته‌اند و نام تو در مجلس آن‌ها برده می‌شود و همگی بر تو صلوات می‌فرستند، من بر شمردن ثواب آن قادر نمی‌باشم.»

۱۶۲۸ (۹۲) ابان بن تغلب از امام محمّد باقر‌ؑ و او از پدرش و او از جدّش [علی بن ابی طالب‌ؑ] روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: هر کس می‌خواهد به من توسّل بجوید و یا اینکه حقّی بر من پیدا کند تا روز قیامت به خاطر آن او را شفاعت کنم، پس بر اهل بیتم صلوات فرستد و آن‌ها را خوشحال گرداند.»

۱۶۲۹ (۹۳) عبد الله بن حسن بن حسن بن علی از پدرش و او از جدّش و او از رسول خداﷺ روایت کرده که فرمود: «هر کس بگوید: «صلّی الله علی محمّد وآله» خدای بزرگ گوید: «صلوات خدا بر خودت باد» پس باید زیاد این صلوات را گفت.

و کسی که بگوید: «صلّی اللهُ علی محمّدٍ» و بر آل او صلوات نفرستد بوی بهشت به مشامش نرسد با اینکه بوی بهشت از فاصلهٔ پانصد سال راه به مشام می‌رسد.»

۱۶۳۰ ۲۷۱۹۰ (۹۴) **أمالي الصدوق** ۱۶۷: حدّثنا علي بن الحسين بن شاذويه المؤدّب قال حدّثنا محمّد بن عبداللّه بن جعفر بن جامع عن أبيه قال حدّثني يعقوب بن يزيد عن محمّد بن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن أبان بن تغلب عن أبي جعفر محمّد بن علي الباقر عن أبيه علي بن الحسين سيّد العابدين عن أبيه الحسين بن علي سيّد الشهداء عن أبيه علي بن أبي طالب سيّد الأوصياء عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من صلّى عليّ ولم يصلّ على آلي لم يجد ريح الجنّة وانّ ريحها لتوجد من مسيرة خمس مائة عام.

۱۶۳۱ ۲۷۱۹۱ (۹۵) **مستدرك** ۳۵۶/۵: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النّبيّ صلى الله عليه وآله قال من صلّى عليّ ولم يصلّ على آلي ردّت عليه.

۱۶۳۲ ۲۷۱۹۲ (۹۶) **مستدرك** ۳۵۶/۵: وجدت بخطّ فخر المحقّقين في اجوبته لمسائل السيّد حيدر الآملي ما لفظه فقد نقل عن النّبيّ صلى الله عليه وآله انّه قال لا تفرّقوا بيني وبين آلي بِعَلَى.

۱۶۳۳ ۲۷۱۹۳ (۹۷) **كافي** ۴۹۵/۲: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمّد عن ابن القدّاح عن أبي عبداللّه عليه السلام قال سمع أبي رجلا متعلّقاً بالبيت وهو يقول اللّهمّ صلّ على محمّد فقال له أبي يا عبداللّه لا تبترّها لا تظلمنا حقّنا قل اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته.

۱۶۳۴ ۲۷۱۹۴ (۹۸) **مسائل** ۲۰۷/۷: علي بن الحسين المرتضى في رسالة المحكم والمتشابه نقلاً من تفسير النعماني باسناده الآتي عن علي عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله قال لا تصلّوا عليّ صلوة مبتورة بل صلّوا إلى أهل بيتي ولا تقطعوهم فانّ كلّ نسب وسبب يوم القيامة منقطع الأنسبي.

وتقدّم في رواية زرارة (۲) من باب (۵) استحباب الأذان والاقامة من أبواب الاذان ج ۵ قوله عليه السلام وصلّ علي النّبيّ صلى الله عليه وآله كلّما ذكرته أو ذكره ذاكر عندك في اذان أو غيره ولاحظ باب (۱) وجوب التشهد من أبوابه.

وفي أحاديث باب (۷) استحباب الصلوات على محمّد وآله عقيب الصلوات من أبواب التعقيب ج ۶ ما يناسب ذلك.

وفي رواية ابن طاووس (۱) من باب (۲۲) الاستغفار والقرائة بين الفجر والغداة قوله عليه السلام ثمّ صلّ على النبيّ مأة مرّة.

۱۶۳۰ (۹۴) أبان بن تغلب از امام محمّد باقرعلیه السلام و او از پدرش علی بن حسن سیّد العابدین و او از پدرش حسین بن علی سیّد الشهداء و او از پدرش علی بن ابی طالب سیّد اوصیاءعلیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: هر کس بر من صلوات فرستد و بر آل من صلوات نفرستد، بوی بهشت به مشامش نرسد با اینکه بوی بهشت از فاصلهٔ پانصد سال به مشام می‌رسد.»

۱۶۳۱ (۹۵) قطب راوندی در کتاب لبّ اللّباب حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: «هر کس بر من صلوات فرستد و بر آل من صلوات نفرستد صلواتش به خودش بازگردانده شود.»

۱۶۳۲ (۹۶) فخر المحقّقین در جواب‌هایش به سؤالات سید حیدر آملی نوشته: «از پیامبرﷺ نقل شده که حضرت فرمود: میان من و خاندانم به «عَلٰی» جدایی نیندازید.»[۱]

۱۶۳۳ (۹۷) ابن قدّاح از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «پدرم صدای مردی را شنید که به [پردهٔ] کعبه دست گرفته و می‌گفت: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّد» پدرم به او گفت: ای بندهٔ خدا! آن را ناقص ادا نکن، به حقّ ما ستم روا مدار، بگو: «اللّهمّ صَلِّ علی محمّدٍ واهل بیته».

۱۶۳۴ (۹۸) علی بن حسین [مشهور به] سیّد مرتضی در رسالهٔ محکم و متشابه به نقل از تفسیر نعمانی روایتی از امام علیعلیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: بر من صلوات ناقص و ناتمام نفرستید بلکه بر اهل بیتم نیز صلوات فرستید و آن‌ها را از من جدا نکنید زیرا هر نَسَبی و سببی در روز قیامت منقطع می‌شود جز نَسَب من.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوم از باب پنجم از باب‌های اذان فرموده امامعلیه السلام که: «هر گاه خودت از پیامبرﷺ نام بردی یا دیگری در نزد تو نام مبارکش را بُرد خواه در اذان باشد خواه در غیر اذان پس تو بر پیامبرﷺ صلوات فرست.»

و باب یکم از باب‌های تشهد را ملاحظه کن.

و در روایات باب هفتم از باب‌های تعقیب آنچه مناسب آن هست.

و در روایت یکم از باب بیست و دوم فرموده امامعلیه السلام که: «... سپس بر پیامبر صدبار صلوات فرست.»

---

۱. یعنی بگویید: اللهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد و نگویید: اللهم صلّ علی محمّد وعلی آل محمّد.

وفي أحاديث باب (۳۸) أكثار الصلوة على محمّد وآل محمّد ليلة الجمعة ويومها من أبواب صلوة الجمعة ما يدلّ على فضل الصلوات على محمّد وآله.

وفي رواية أبي علقمة (۱۸) من باب (۴۵) استحباب صدقة الماء من أبواب أطعام الطعام ج ۹ قوله صلى الله عليه وآله فقلت بأبي أنتما أيّ الأعمال أفضل فقالا وجدنا أفضل الأعمال الصلوة عليك وسقى الماء وحبّ علي بن أبي الطالب.

وفي رواية سلمة (۵۷) من باب (۱) فضل شهر رمضان من أبواب فضله ج ۱۰ قول جبرئيل عليه السلام رغم أنف امرء ذكرت عنده فلم يصلّ عليك.

وفي رواية الراوندي (۵۸) وموسى بن اسمعيل (۶۰). نحوه.

ولاحظ ساير أحاديث الباب فانّ لها مناسبة بالمقام خصوصاً رواية ابن فضال رحمه الله (فانّها فيها) قوله صلى الله عليه وآله من ذكرت عنده فصلىٰ عليّ فلم يغفر له فابعده اللّه قيل يا رسول اللّه كيف يصلى عليك ولا يغفر له فقال انّ العبد إذا صلّىٰ عليّ ولم يصلّ على آلي تلك الصلاة فضرب بها وجهه وإذا صلّى عليّ وعلىٰ آلي غفر له.

وفي رواية أبي سعيد (۱۴) من باب (۷) ما ورد من الأمر بالحذر من عرض الأعمال على اللّه من أبواب جهاد النفس ج ۱۶ قوله صلى الله عليه وآله فاتّقوا اللّه واحسنوا الصلاة عليّ وعلى أهل بيتي فانّكم تعرضون عليّ وعلى أهل بيتي الخ.

وفي أحاديث باب (۱۰) ما ورد في انّ الدعاء محجوب حتّى يصلّي الداعي على محمّد وآله **وباب** (۱۱) ان من توسل إلى اللّه تعالى بمحمد وآله استجاب له من أبواب الدعاء ما يدلّ على بعض المقصود فراجع.

وفي رواية انس (۲۰) من باب (۱۹) انّه ليس شيء أعظم من شهادة ان لا إله إلّا اللّه من أبواب الذكر قوله صلى الله عليه وآله من قال لا إله إلّا اللّه وحده لا شريك له اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد خرج من فمه طير اخضر الخ.

ويأتي في رواية اسماعيل (۳۰) من باب (۳۹) استحباب الأكثار من الاستغفار قوله صلى الله عليه وآله وأكثروا في شعبان الصلوة على نبيّكم وأهله **وفي** أحاديث باب ۶۸ تحميد العاطس والصلوات على النّبيّ صلى الله عليه وآله من أبواب العشرة ما يناسب ذلك.

و در روایات باب سی و هشتم از باب‌های نماز جمعه آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت هجدهم از باب چهل و پنجم از باب‌های خوردن غذا فرموده پیامبرﷺ که: به آن دو [عمویم حمزه و جعفر طیّار] گفتم: پدرم فدای شما باد! چه عملی از همهٔ اعمال بهتر و با فضیلت‌تر است؟ پس آن دو گفتند: بهترین اعمال را صلوات فرستادن بر تو و دادن آب به تشنگان و دوستی علیّ بن ابی طالبؑ یافتیم.»

و در روایت پنجاه و هفتم از باب یکم از باب‌های فضیلت ماه رمضان فرموده جبرئیلؑ که: «به خاک مالیده باد بینی کسی که تو در نزد او یاد شوی و نامت در جلو برده شود و بر تو صلوات نفرستد.»

و در روایت پنجاه و هشتم و شصتم مانند آن است.

و سایر روایات باب را بنگر که مناسب با این مقام است به خصوص روایت ابن فضال که پیامبرﷺ فرمود: «هر کس نام من نزدش برده شود و بر من صلوات فرستد و در عین حال آمرزیده نشود این دیگر کسی است که خدا او را از رحمتش دور گردانیده.

گفته شد: ای رسول خدا! چگونه ممکن است بر تو صلوات فرستد ولی در عین حال آمرزیده نشود؟

حضرت فرمود: آنگاه که بنده بر من صلوات فرستد ولی در همان صلوات بر آل من نفرستد پس آن صلوات به صورتش زده می‌شود. ولی اگر بر من و خاندانم هر دو صلوات فرستد، آمرزیده شود.»

و در روایت چهاردهم از باب هفتم از باب‌های جهاد با نفس فرموده پیامبرﷺ که: «برای خدا پرهیزگار باشید و بر من و اهل بیتم به خوبی صلوات فرستید زیرا شما بر من و اهل بیتم عرضه خواهید شد... تا آخر حدیث.»

و در روایات باب دهم و یازدهم از باب‌های آنچه بر بعضی از مقصود دلالت دارد پس مراجعه کنید.

و در روایت بیستم از باب نوزدهم از باب‌های ذکر فرموده امامؑ که: «هر کس بگوید: «لا اله الّا الله وَحدَهُ لا شریکَ له، اللهمّ صَلِّ علی محمّدٍ وآل محمّد.» از دهانش پرندهٔ سبزی بیرون آید ... تا آخر.» می‌آید:

در روایت سی‌ام از باب سی و نهم فرموده امامؑ که: «در ماه شعبان، بسیار بر پیامبرتان و خاندانش صلوات بفرستید.»

و در روایات باب شصت و هشتم از باب‌های معاشرت آنچه مناسب آن هست.

(۳۳)

باب استحباب تقديم الصلوة على محمّد و آل محمّد كلّما ذكر أحد من الأنبياء و أراد ان يصلّى عليه

۱۶۳۵ ۲۷۱۹۵ (۱) **أمالي ابن الطوسي** ۴۲۴: حدّثنا الشيخ السعيد الامام المفيد أبو علي الحسن بن محمّد بن الحسن بن علي الطوسي ﷺ قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبوجعفر محمّد بن الحسن بن علي الطوسي قال حدّثني محمّد بن موسى بن المتوكّل **أمالي الصدوق** ۳۱۰: حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل قال حدّثنا محمّد بن يحيى العطّار عن محمّد بن (أحمد بن ـ أمالي الصدوق) يحيى بن عمران الأشعري عن محمّد بن عيسى بن عبيد عن سليمان بن رشيد عن أبيه عن **معاوية** بن عمّار قال ذكرت عند أبي عبداللّه الصادق ﷺ بعض الأنبياء فصلّيت عليه فقال إذا ذكر أحد[1] من الأنبياء فابدء بالصلوة على محمّد ثمّ عليه صلّى اللّه على محمّد و آله و على جميع الأنبياء.

(۳۴)

باب ما ورد في انّ من نسي شيئاً فصلّى على النبيّ و آله اضاء القلب فذكره

۱۶۳۶ ۲۷۱۹۶ (۱) **العيون** ۶۵/۱: حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد ﷺ قالا حدّثنا سعد بن عبداللّه و عبداللّه بن جعفر الحميري و محمّد بن يحيى العطّار و أحمد بن ادريس جميعاً قالوا حدّثنا أحمد بن أبي عبداللّه البرقي قال حدّثنا أبو هاشم **داود** بن قاسم الجعفري عن أبي جعفر[2] محمّد بن على الباقر ﷺ قال أقبل أمير المؤمنين ﷺ ذات يوم و معه الحسن بن عليّ ﷺ و سلمان الفارسي ﷺ (إلى أن قال الحسن ﷺ) و أمّا ما ذكرت من أمر الذكر و النسيان فانّ قلب الرجل في حُقّ و على الحُقّ طبق فان صلّى الرجل عند ذلك على محمّد و آل محمّد صلوة تامّة انكشف ذلك الطبق عن ذلك الحقّ فاضاء القلب و ذكر الرجل ما كان نسي فان هو لم يصلّ على محمّد و آل محمّد أو نقص من الصلوة عليهم (واغضى عن بعضها ـ غيبة النعماني) انطبق ذلك الطبق على ذلك الحقّ فاظلم القلب و نسي الرجل ما كان ذكره.

---

۱. ذكرت أحداً ـ أمالي الطوسي.

۲. الظاهر ان الصحيح أبو جعفر محمّد بن علي الرضا ﷺ كما في العلل و الغيبة و الاحتجاج.

باب ۳۳

صلوات بر محمّد و آلش، پیش از صلوات بر پیامبران دیگر

(۱) معاویة بن عمّار گوید: «در نزد امام صادق‌ﷺ از بعضی از پیامبران نام بردم و بر او صلوات فرستادم، پس حضرت فرمود: هر گاه یکی از پیامبران را نام بردی پس اوّل بر حضرت محمّد صلوات بفرست، سپس بر آن پیامبر درود خدا بر محمّد و آل محمّد و بر همهٔ پیامبران باد.» ۱۶۳۵

باب ۳۴

صلوات موجب به یاد آمدن

(۱) ابوهاشم داود بن قاسم جعفری از ابوجعفر امام محمّد باقرﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «روزی حضرت امیرمؤمنان علیﷺ آمد و امام حسنﷺ و سلمان فارسیﷺ همراه او بودند. (تا اینکه امام حسنﷺ فرمود:) ۱۶۳۶

و امّا آنچه دربارهٔ به یاد آوردن و فراموش کردن گفتی، از این قرار است که دل انسان در میان ظرفی است و بر روی آن سرپوشی است پس چون انسان در این وقت [که چیزی را فراموش کرده می‌خواهد به خاطر بیاورد] بر محمّد و آل محمّد صلوات کاملی بفرستد، سرپوش از آن ظرف کنار می‌رود و دل روشن می‌شود و انسان به خاطر می‌آورد آنچه را که فراموش کرده است ولی اگر بر محمّد و آل محمّد صلوات نفرستد یا به صورت ناقص صلوات فرستد [و آل محمّد را در صلوات نگوید،] این روپوش بر آن ظرف، محکم می‌ماند و دل تاریک می‌شود و انسان آنچه را یاد گرفته و به خاطر سپرده بود، فراموش می‌کند.»

۱٦٣٧ ۲۷۱۹۷ (۲) **غيبة النعماني** ۵۸: أخبرنا عبدالواحد بن عبداللّه بن يونس الموصلي قال حدّثنا محمّد بن جعفر قال حدّثنا أحمد بن محمّد بن خالد قال حدّثنا محمّد بن جعفر قال حدّثنا أحمد بن محمّد بن خالد قال حدّثنا أبوهاشم **داود** بن قاسم الجعفري عن أبي جعفر محمّد بن علي عن آبائه عليهم السلام نحوه **العلل** ۹٦: حدّثنا أبي رحمه الله قال حدّثنا سعد بن عبداللّه عن أحمد بن محمّد بن خالد البرقي عن **الاحتجاج** ۱/۳۹۵: أبي هاشم **داود** بن قاسم الجعفري عن أبي جعفر (محمّد بن علي احتجاج) الثاني نحوه.

(۳۵)

باب ماورد في انّ من كان آخر كلامه الصلوة على النبيّ وعليّ عليهما الصلوة والسلام دخل الجنّة

۱٦٣٨ ۲۷۱۹۸ (۱) **العيون** ۲/٦۴: حدّثنا محمّد بن عمر بن محمّد بن سلم بن البراء الجعابي قال حدّثني أبو محمّد **الحسن** بن عبداللّه بن محمّد بن العبّاس الرازي التميمي قال حدّثني سيّدي علي بن موسى الرضا عليه السلام قال حدّثني أبي موسى بن جعفر قال (حدّثني أبي جعفر بن محمّد ـ ظ) قال حدّثني أبي محمّد بن علي قال حدّثني أبي علي بن الحسين قال حدّثني أبي الحسين بن علي قال حدّثني أبي علي بن أبي طالب عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من كان آخر كلامه الصلوة عليّ وعلى عليّ دخل الجنّة.

(۳٦)

باب استحباب الصلوة على محمّد وآله كلّما ذكر اللّه

۱٦٣٩ ۲۷۱۹۹ (۱) **كافي** ۲/۴۹۴: علي بن محمّد عن أحمد بن الحسين عن علي بن الرّيّان عن **عبيداللّه** بن عبداللّه الدهقان قال دخلت على أبي الحسن الرضا عليه السلام فقال لي ما معنى قوله وذكر اسم ربّه فصلّى قلت كلّما ذكر اسم ربّه قام فصلّى فقال لي لقد كلّف اللّه عزّ وجلّ هذا شططا[۱] فقلت جعلت فداك فكيف هو فقال كلّما ذكر اسم ربّه صلّى على محمّد وآله.

---

۱. الشطط: مجاوزة القدر في كلّ شيء ـ يعني لو كان كذلك كان التكليف ما لا يطاق.

(۲) در کتاب غیبت نعمانی و علل الشرایع و احتجاج طبرسی روایت قبلی ذکر شده است. ۱۶۳۷

باب ۳۵

ختم سخن به صلوات موجب رفتن به بهشت

(۱) ابو محمّد حسن بن عبدالله بن محمد بن عبّاس رازی تمیمی گوید: «برایم سخن گفت آقایم علیّ ۱۶۳۸
بن موسی الرضاﷺ و فرمود: پدرم موسی بن جعفر برایم گفت: پدرم جعفر بن محمّد برایم گفت: پدرم محمّد بن علی برایم گفت: پدرم علی بن حسین برایم گفت: پدرم حسین بن علی برایم گفت: پدرم علی بن ابی طالبﷺ برایم گفت: رسول خداﷺ فرمود: هر کس پایان سخنش صلوات بر من و بر علی باشد به بهشت خواهد رفت.»

باب ۳۶

صلوات قرین ذکر خدا

(۱) عبیدالله بن عبدالله دهقان گوید: «به خدمت حضرت ابوالحسن امام رضاﷺ رسیدم حضرت به ۱۶۳۹
من فرمود: معنی این آیهٔ شریفهٔ: «وَذَكَرَ اسمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» چیست؟

گفتم: یعنی هر وقت به یاد نام پروردگارش می‌افتد به پا خیزد و نماز خواند.

حضرت فرمود: در این صورت خدایﷻ بندگان را به چیزی که فوق طاقت و توان آن‌هاست مکلّف کرده!

پس گفتم: فدایت شوم! پس معنایش چیست؟

حضرت فرمود: یعنی هر وقت نام پروردگار را ذکر می‌کند بر محمّد و آل محمّد صلوات می‌فرستد.»

(۳۷)

باب ماورد في أنّ من طنّت اذنه فليصلّ على النّبيّ ﷺ فانّ من ذكره بخير ذكره اللّه بخير

۱٦٤۰ ۲۷۲۰۰ (۱) **الاختصاص** ۱٦۰: قال الفزاري وحدّثنا أبوعيسى قال حدّثنا أبو محمّد الحسن بن موسى قال حدّثنا محمّد بن عمر الأنصارى عن معمّر عن أبيه عن **عبيداللّه** بن أبي رافع عن أبيه عن جدّه قال سمعت رسول اللّه ﷺ يقول من طنّت اذنه فليصلّ عليّ ومن ذكرني بخير ذكره اللّه بخير.

(۳۸)

باب جواز الصلوة على المؤمنين فانّ اللّه يصلّى عليهم وملائكته

قال اللّه تعالى في سورة البقرة (۲): ۱٥۷: ﴿أُوْلَـٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ﴾.

الأحزاب (۳۳): ٤۲: ﴿وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾.

۱٦٤۱ ۲۷۲۰۱ (۱) **مستدرك** ٤۰۲/٥: البحار عن بيان التنزيل لابن شهر آشوب عن **سليمان** بن خالد الأقطع قال قلت للصّادق ﷺ أيجوز ان يصلي على المؤمنين قال أي واللّه يصلّى عليهم فقد صلّى اللّه عليهم أما سمعت قول اللّه هو الّذي يصلّى عليكم الآية.

(۳۹)

باب استحباب أكثار الإستغفار في كلّ مكان وزمان خصوصاً في السحر وفي شهر رجب وشعبان ورمضان

قال اللّه تعالى في سورة المزمّل (۷۳): ۲۰: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَىِ ٱلَّيْلِ وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَٱقْرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى

باب ۳۷

صلوات یاد خیر پیامبرﷺ

۱۶۴۰ (۱) عبیدالله بن ابی رافع از پدرش و او از جدّش نقل کرده که گفت: «از پیامبر خداﷺ شنیدم که فرمود: هر کس گوشش صدا می‌کند پس بر من صلوات فرستد و هر کس مرا به خیر و نیکی یاد کند خدا او را به خیر و نیکی یاد کند.»

باب ۳۸

صلوات فرستادن بر مؤمنان

خدای تبارک و تعالی فرمود:

بر آنان از ناحیهٔ پروردگارشان صلوات و رحمت باد و در حقیقت آن‌ها هدایت یافتگان‌اند.[1]

اوست کسی که او و فرشتگانش بر شما صلوات می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به نور درآورند و او به مؤمنان مهربان است.[2]

۱۶۴۱ (۱) سلیمان بن خالد اقطع گوید: «به حضرت صادقؑ عرض کردم: آیا جایز است که بر مؤمنان صلوات فرستاد؟

حضرت فرمود: آری و خود خدا بر آن‌ها صلوات می‌فرستد و صلوات فرستاده است. آیا نشنیدی فرموده خدا را که: «اوست خدایی که بر شما صلوات می‌فرستاد... تا آخر آیه.»

باب ۳۹

استغفار در هر حال خصوصاً در سحرگاهان

خداوند متعال فرموده:

و هر خیری را که برای خود پیشاپیش بفرستید او را بهتر و با پاداش بیشتر نزد خدا خواهید یافت و از خدا بخشش و عفو بخواهید زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.[3]

---

۱. بقره ۱۵۷/۲. ۲. احزاب ۴۲/۳۳. ۳. مزّمّل ۲۰/۷۳.

ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنۡهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرًا وَأَعۡظَمَ أَجۡرًا وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمُۢ﴾.

هود (۱۱): ۳ و ۵۲: ﴿وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُمَتِّعۡكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤۡتِ كُلَّ ذِي فَضۡلٍ فَضۡلَهُۥۖ وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ كَبِيرٍ﴾.

﴿وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارًا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ مُجۡرِمِينَ﴾.

هود (۱۱): ۶۱ و ۹۰: ﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا فَٱسۡتَغۡفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾.

﴿وَٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾.

یوسف (۱۲): ۲۹: ﴿يُوسُفُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَاۚ وَٱسۡتَغۡفِرِي لِذَنۢبِكِۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلۡخَاطِـِٔينَ﴾.

المؤمن: (۴۰): ۵۵: ﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾.

نوح (۷۱): ۱۰: ﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا﴾.

البقرة (۲): ۱۹۹: ﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.

الانفال (۸): ۳۳: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمۡ وَأَنتَ فِيهِمۡۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمۡ وَهُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ﴾.

النساء (۴): ۱۰۶: ﴿وَٱسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.

و از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به درگاهش بازگردید تا شما را از رزقی نیکو تا آنگاه که مقرّر و معیّن است برخوردار کند و هر شایستهٔ انعامی را نعمت دهد و اگر روی بگردانید بر شما از عذابِ روزی بزرگ بیمناکم.[۱]

[حضرت هود ﷺ گفت:] و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آنگاه بر آستان او توبه کنید تا باران را پی در پی بر شما فرو ریزد و بر نیروی‌تان بیفزاید و چون گنهکاران رخ برنتابید.[۲]

و به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم. گفت: ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید، شما را جز او خدایی نیست. اوست که شما را از زمین پدید آورده است و خواست که آبادش کنید. پس آمرزش خواهید و به درگاهش توبه کنید، هر آینه پروردگار من نزدیک است و [دعاها را] اجابت می‌کند.[۳]

و از پروردگارتان آمرزش بخواهید وانگهی به سوی او بازگردید که به راستی پروردگار من مهربان و [توبه کنندگان] را دوست دارنده است.[۴]

ای یوسف! از این موضوع صرف نظر کن و تو ای زن نیز از گناهت استغفار نما که راه خطا رفتی.[۵]

صبر کن که وعدهٔ خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و هر شامگاه و بامداد به ستایش پروردگارت تسبیح بگوی.[۶]

پس [به آن‌ها گفتم:] از پروردگارتان آمرزش بخواهید زیرا او بسیار بخشنده است.[۷]

سپس از همان جا که مردم کوچ می‌کنند [به سوی سرزمین مِنی] کوچ کنید و از خدا آمرزش بخواهید.[۸]

و تا تو [ای پیامبر] در میان آن‌ها هستی خدا آن‌ها را عذاب نخواهد کرد و تا وقتی که استغفار می‌کنند خدا آن‌ها را عذاب نکند.[۹]

و از خدا آمرزش بخواه زیرا به یقین، خدا آمرزندهٔ مهربان است.[۱۰]

---

۱. هُود ۳/۱۱.
۲. هُود ۵۲/۱۱.
۳. هُود ۶۱/۱۱.
۴. هُود ۹۰/۱۱.
۵. یوسف ۲۹/۱۲.
۶. مؤمن (غافر) ۵۵/۴۰.
۷. نوح ۱۰/۷۱.
۸. بقره ۱۹۹/۲.
۹. انفال ۳۳/۸.
۱۰. نساء ۱۰۶/۴.

النساء (۴): ١١٠: ﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُۥ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.

محمد (۴٧): ١٩: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَىٰكُمْ﴾.

النصر (١١٠): ٣: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَٱسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابًۢا﴾.

المائدة (۵): ٧۴: ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُۥ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.

(وما تدلّ على ذلك من الآيات كثيرة جدّاً) وتقدّمت منها في باب وجوب التّوبة.

١٦٤٢ ٢٧٢٠٢ (١) **كافي** ٥٠۴/٢: علي بن ابراهيم عن أبيه عن النوفلي عن **السكوني** عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله خير الدعاء الاستغفار.

١٦٤٣ ٢٧٢٠٣ (٢) **مستدرك** ٣١٨/۵: القطب **الراوندي** في دعواته عن النبي صلى الله عليه وآله انّه قال ما من الدعاء شيء أفضل من الاستغفار.

١٦٤٤ ٢٧٢٠٤ (٣) **عدّة الداعي** ٢۴٩: قال أبو عبداللّه عليه السلام انّ للقلوب صداء كصداء النحاس فاجلوها بالاستغفار.

١٦٤٥ ٢٧٢٠٥ (۴) **كافي** ٥٠۴/٢: علي بن ابراهيم (عن أبيه ـ خ) عن **ياسر** عن الرّضا عليه السلام قال مثل الاستغفار مثل ورق على شجرة تحرك فيتناثر والمستغفر من ذنب ويفعله كالمستهزيء بربّه.

١٦٤٦ ٢٧٢٠٦ (۵) **أمالي الطوسي** ۶٩۴: الشيخ أبو جعفر محمّد بن حسن بن علي بن الحسن الطوسي قال أخبرنا حسين بن ابراهيم القزويني عن محمّد بن رجعان عن محمّد بن أحمد بن زكريّا عن الحسن بن فضّال عن علي بن عقبة عن رجل عن أيّوب بن الحرّ عن **معاذ** بن ثابت الفرّاء عن أبي جعفر عليه السلام قال انّ المؤمن ليذنب فيذكره بعد عشرين سنة فيتسغفر منه فيغفر له وانّما ذكره ليغفر له وانّ الكافر ليذنب الذنب فينساه من ساعته.

١٦٤٧ ٢٧٢٠٧ (۶) **تنبيه الخواطر** ۵/١: قال قال **النبي** صلى الله عليه وآله أكثروا من الاستغفار فانّ اللّه عزّ وجلّ لم يعلّمكم الاستغفار الّا وهو يريد أن يغفر لكم.

و هر کس کار ناپسندی انجام دهد یا به خود ستم روا دارد، آنگاه از خدا آمرزش خواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.[۱]

پس بدان که بی گمان معبودی جز خدا نیست و برای گناهت آمرزش خواه.[۲]

پس به تسبیح و سپاس پروردگارت بپرداز و از او آمرزش خواه که او بسیار توبه‌پذیر است.[۳]

آیا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌خواهند با اینکه خدا آمرزنده و مهربان است؟[۴]

البته آیاتی که بر استغفار و توبه به درگاه الهی دلالت می‌کنند بسیار بیش از این است که ذکر شد و پاره‌ای از آن‌ها در باب لزوم توبه ذکر شد.

۱۶۴۲ (۱) سکونی از امام صادق‌ؑ روایت کرده که فرمود: «پیامبر خداﷺ فرمود: بهترین دعا استغفار و طلب آمرزش از خداست.»

۱۶۴۳ (۲) قطب راوندی‌ؒ در کتاب دعوات حدیثی از پیامبرﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «دعایی بهتر و با فضیلت‌تر از طلب آمرزش نیست.»

۱۶۴۴ (۳) در کتاب عدّة الداعی روایتی از امام صادق‌ؑ نقل شده که آن حضرت فرمود: «به راستی که دل‌ها نیز چون مِس زنگ می‌گیرد و سیاه می‌شود پس آن را با استغفار و طلب مغفرت از خدا جلا دهید.»

۱۶۴۵ (۴) یاسر از امام رضاؑ روایت کرده که آن بزرگوار فرمود: «استغفار به آن ماند که درختی را تکان دهی و برگ‌هایش بریزد [یعنی گناهان چون برگ خزان می‌ریزد] و آن کس که از گناه خود استغفار می‌کند و باز آن را انجام می‌دهد همانند کسی است که پروردگارش را مسخره می‌کند.»

۱۶۴۶ (۵) معاذ بن ثابت فرّاء از امام باقرؑ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «مؤمن گناهی مرتکب می‌شود و پس از بیست سال آن را به یاد می‌آورد و از این گناه به درگاه الهی استغفار می‌کند و خدا او را می‌آمرزد و اساساً به این جهت به یادش آمد تا آمرزیده شود ولی از این طرف کافر گناه می‌کند و همان ساعت او را برای همیشه فراموش می‌کند.»

۱۶۴۷ (۶) در کتاب تنبیه الخواطر حدیثی از رسول خداﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «بسیار استغفار کنید زیرا خدایﷻ به شما استغفار یاد نداد مگر به خاطر اینکه می‌خواهد شما را بیامرزد.»

---

۱. نساء ۴/۱۱۰. ۲. محمّدﷺ ۴۷/۱۹. ۳. نصر ۱۱۰/۳.
۴. مائده ۵/۷۴.

۱٦٤۸ (۷) **الجعفريات** ۲۲۸: باسناده عن **عليّ**ؑ قال قال رسول اللّهﷺ أنّ الذنوب لتشوب أهلها لتحرقنّهم لا يطفيها شيء الاّ الاستغفار.
۲۷۲۰۸

۱٦٤۹ (۸) **مستدرك** ۳۱۹/۵: **ابن أبي جمهور** في درر اللّئالي عن رسول اللّهﷺ قال أكثروا من الاستغفار في بيوتكم وفي مجالسكم وعلى موائدكم وفي أسواقكم وفي طرقكم وأينما كنتم فانّكم لا تدرون متى تنزل المغفرة.
۲۷۲۰۹

۱٦٥۰ (۹) **أمالي الطوسي** ٦۹۳: الشيخ أبوجعفر محمّد بن حسن بن علي بن الحسن الطوسي قال أخبرنا حسين بن ابراهيم القزويني عن محمّد بن رجعان عن محمّد بن أحمد بن زكريا عن الحسن بن فضّال عن علي بن عقبة عن **أبي كهمس** عن بعض أصحابنا عن أبي عبداللّهؑ قال من أعطى أربعاً لم يحرم أربعاً:
۲۷۲۱۰

من أعطى الدعاء لم يحرم الإجابة. ومن أعطى الاستغفار لم يحرم المغفرة ومن أعطى التوبة لم يحرم القبول (منه خ) ومن أعطى الشكر لم يحرم الزيادة وذلك في كتاب اللّه عزّ وجلّ.

۱٦٥۱ (۱۰) **مستدرك** ۳۱۸/۵: القطب الراوندي في لبّ اللّباب عن النبيﷺ قال ما من عبد يستغفر ثلاث مرّات الاّ غفر له.
۲۷۲۱۱

۱٦٥۲ (۱۱) **كافي** ٥۰٤/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد عن حسين بن سيف عن أبي جميلة عن **عبيد** بن زرارة قال قال أبو عبداللّهؑ إذا أكثر العبد من الاستغفار رفعت صحيفته وهي يتلألأ.
۲۷۲۱۲

۱٦٥۳ (۱۲) **مستدرك** ۳۱۸/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النبيّﷺ قال ما من صوت أحبّ ألى اللّه تعالى من صوت عبد لهفان قيل وما هو قال عبد يصيب الذنب فيملأ جوفه فرقاً من اللّه فيقول ياربّ فيقول اللّه أنا ربّك أغفر لك إذا استغفرتني وأجيبك إذا دعوتني وقالﷺ من أكثر الاستغفار جعل اللّه له فرجاً ومخرجاً.
۲۷۲۱۳

۱۶۴۸ (۷) در کتاب جعفریّات با اسناد خودش روایتی از علیؑ نقل شده که فرمود: «گناهان، دامن گیرِ گنهکاران می‌شود تا آن‌ها را به آتش اندازد و بسوزاند و چیزی جز استغفار نتواند آن را خاموش کند.»

۱۶۴۹ (۸) ابن ابی جمهور در کتاب دُرَر اللئالی حدیثی از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «در خانه‌های خود و مجالس خود و بر سر سفره‌های‌تان و در بازارهای‌تان و در وقت رفت و آمد در راه‌هایتان و هر کجا که هستید بسیار استغفار کنید و از خدا طلب عفو نمایید زیرا شما نمی‌دانید که آمرزش خدا چه موقع فرود می‌آید و شما را شامل می‌شود.»

۱۶۵۰ (۹) أبی کهمس از بعضی از اصحاب ما و او از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که چهار چیز به او داده شده از چهار چیز محروم نگردد:

به هر کس دعا داده شود از اجابت محروم نگردد، به هرکس استغفار داده شود از مغفرت محروم نگردد، به هر کس توبه داده شود از قبول توبه محروم نگردد، به هر کس سپاسگزاری داده شود از زیاد شدن نعمت محروم نگردد و این‌ها در کتاب خدایﷻ آمده است.»

۱۶۵۱ (۱۰) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب حدیثی از پیامبر اکرمﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «بنده‌ای نیست که سه بار استغفار گوید مگر اینکه آمرزیده شود.»

۱۶۵۲ (۱۱) عبید بن زراره از امام جعفر صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «وقتی بنده بسیار استغفار گوید و از خدا آمرزش بخواهد نامه عملش درخشان بالا رود.»

۱۶۵۳ (۱۲) قطب راوندی در کتاب لُبّ اللُّباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که آن حضرت فرمود: «صدایی پیش خدای متعال از صدای بندهٔ دل سوخته محبوب‌تر نیست.

از حضرت سؤال شد: دل سوخته کیست؟

حضرت فرمود: بنده‌ای که مرتکب گناه شده و تمام وجودش را ترس از خدا فرا گرفته، پس می‌گوید: ای پروردگار. خداوند پاسخ دهد: من پروردگار تو هستم هر گاه از من آمرزش خواهی تو را بیامرزم و هر گاه مرا بخوانی تو را پاسخ دهم و فرمود: هر کس بسیار استغفار کند و از خدا آمرزش بخواهد خداوند گشایشی در کار او آورد و راه خروجی از بلاها را به رویش بگشاید.»

۱۶۵۴ ۲۷۲۱۴ (۱۳) **المحاسن** ۴۲/۱: البرقي عن حسين بن يزيد النوفلي عن اسماعيل ابن أبي زياد **السكوني** عن أبي عبداللّه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من ظهرت عليه النعمة فليكثر ذكر الحمد للّه ومن كثرت همومه فعليه بالاستغفار ومن ألحّ عليه الفقر فليكثر من قول لا حول ولا قوّة الّا باللّه ينفى اللّه عنه الفقر.

۱۶۵۵ ۲۷۲۱۵ (۱۴) **عدّة الداعي** ۲۴۹: قال صلى الله عليه وآله من أكثر الاستغفار جعل اللّه له من كلّ همّ فرجاً ومن كلّ ضيق مخرجاً وَرَزَقَهُ مِن حيث لا يحتسب.

۱۶۵۶ ۲۷۲۱۶ (۱۵) **الجعفريات** ۲۲۸: أخبرنا عبداللّه بن محمّد قال أخبرنا محمّد بن محمّد بن الأشعث حدّثني محمّد بن **علي** بن عبداللّه بن عبّاس بن عبدالمطلب عن أبيه عن جدّه عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله مثله الّا أنّ فيه ويرزقه.

مستدرك ۳۱۹/۵: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **ابن عبّاس** قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله من لزم الاستغفار وذكر مثله.

۱۶۵۷ ۲۷۲۱۷ (۱۶) **مستدرك** ۳۱۸/۵: كتاب جعفر بن محمّد بن شريح عن **عبداللّه** ابن أبي طلحة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله ادفعوا أبواب البلايا بالاستغفار.

۱۶۵۸ ۲۷۲۱۸ (۱۷) **مجمع البيان** ۳۶۱/۱۰: روى **الربيع** بن صبيح انّ رجلاً أتى الحسن عليه السلام فشكا إليه الجدوبة.

فقال له الحسن عليه السلام استغفر اللّه وأتاه الآخر فشكا إليه الفقر.

فقال له استغفر اللّه وأتاه آخر.

فقال أدع اللّه ان يرزقني ابناً.

فقال له استغفر اللّه.

فقلنا أتاك رجال يشكون أبواباً ويسئلون أنواعاً فأمرتهم كلّهم بالاستغفار.

فقال ما قلت ذالك من ذات نفسي انّما اعتبرت فيه قول اللّه تعالى حكاية عن نبيّه نوح عليه السلام انّه قال لقومه استغفروا ربّكم انّه كان غفّاراً إلى آخره.

۱۶۵۴ (۱۳) سکونی از امام صادق﵇ و او از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرموده‌اند: «پیامبر خداﷺ فرمود: کسی که نعمت به او داده شد پس باید که بسیار سپاس الهی گوید و زیاد بگوید: «الحمدلله» و کسی که غم و غصه‌های زیادی به او روی آورده باید که بسیار از خدا آمرزش خواهد و فراوان بگوید: «استَغْفِروا الله» و کسی که فقر و تنگدستی او را رها نمی‌کند پس بسیار بگوید: «لا حولَ ولا قوّةَ الّا بالله» فقر و تنگدستی از او رخت بربندد.»

۱۶۵۵ (۱۴) در کتاب عدّة الداعی از امام معصوم﵇ روایتی نقل شده که فرمود: «هر کس بسیار استغفار گوید، خدا برای هر گرفتاری غمبارش، گشایشی و برای هر بن بستی، راه خروجی فراهم آورد و او را از جایی که به گمانش نرسد روزی دهد.»

۱۶۵۶ (۱۵) محمد بن علی بن عبدالله بن عبّاس بن عبدالمطلب از پدرش و او از جدّش و او از رسول خداﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس بسیار استغفار گوید...» تا آخر حدیث مانند حدیث قبلی است.

۱۶۵۷ (۱۶) عبدالله بن أبی طلحه از امام صادق﵇ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: انواع بلا و گرفتاری‌ها را با استغفار از خود دور کنید.»

۱۶۵۸ (۱۷) ربیع بن صبیح حکایت کرده که: «مردی پیش امام حسن﵇ آمد و از خشکسالی به حضرت شکایت کرد امام حسن﵇ به او فرمود: از خدا آمرزش خواه و استغفار کن.

ومرددیگری آمد و از تنگدستی می‌نالید، حضرت به او فرمود: استغفار کن و از خدا آمرزش بطلب.

مرد سوّمی آمد و به حضرت عرض کرد: دعا کن تا خدا پسری به من روزی کند حضرت فرمود: استغفار کن و آمرزش خواه.

ما به حضرت عرض کردیم: عدّه‌ای خدمت شما رسیدند و هر کدام از نوعی گرفتاری و بلا شکایت داشتند ولی شما به همهٔ آن‌ها یک راه حلّ ارائه دادی و به همه فرمودی که استغفار کنید!

حضرت فرمود: از پیش خودم چیزی نگفتم. من سخن خدای متعال را در نظر گرفتم که از پیامبرش نوح حکایت کرده که به قومش گفت: «**استغفار کنید و از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است...تا آخر آیه.**»[1]

---

۱. سوره نوح ۱۰/۷۱.

۱٦٥۹ ۲۷۲۱۹ (۱۸) **مستدرك** ۳۱۹/۵: ابن أبي جمهور في درر اللّئالي عن **أنس** بن مالك قال كنّا مع النبي صلى الله عليه وآله في سفر فقال لنا استغفروا اللّه فاستغفرنا فقال اتمّوها سبعين مرّة فانّه ما من عبد ولا أمة استغفر اللّه في يوم أو ليلة سبعين مرّة الاّ غفر اللّه له سبعمأة ذنب وقد خاب عبد أو أمة أصاب في يوم أو ليلة أكثر من سبعمأة ذنب.

۱٦٦۰ ۲۷۲۲۰ (۱۹) **كافي** ۵۰۴/۲: علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمّار عن **الحارث** بن المغيرة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال كان رسول اللّه صلى الله عليه وآله يستغفراللّه عزّ وجلّ في كلّ يوم سبعين مرّة ويتوب إلى اللّه عزّ وجلّ سبعين مرّة قال قلت كان يقول استغفر اللّه وأتوب إليه قال كان يقول استغفر اللّه استغفر اللّه سبعين مرّة.

ويقول وأتوب إلى اللّه وأتوب إلى اللّه سبعين مرّة.

۱٦٦۱ ۲۷۲۲۱ (۲۰) **مستدرك** ۳۲۰/۵: ابن **أبي جمهور** في درر اللّئالي عن رسول اللّه صلى الله عليه وآله انّه قال ليُغانُ[1] على قلبي وأنّي لاستغفر اللّه في كل يوم سبعين مرّة وروى في كلّ يوم مأة مرّة **مستدرك** ۳۷۵/۵: القطب **الراوندي** في لبّ اللّباب عن النبي صلى الله عليه وآله انّه قال انّه ليغان على قلبي حتى أستغفر اللّه في اليوم سبعين مرّة.

۱٦٦۲ ۲۷۲۲۲ (۲۱) **كافي** ۵۰۴/۲: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن أبيه عن محمّد بن سنان عن **طلحة** بن زيد عن أبي عبداللّه عليه السلام انّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله كان لا يقوم من مجلس وان خفّ حتّى يستغفر اللّه خمساً وعشرين مرّة.

۱٦٦۳ ۲۷۲۲۳ (۲۲) **تفسير العياشي** ۲۰٦/۲: عن **الحسين** بن سعيد المكفوف كتب إليه عليه السلام في كتاب له جعلت فداك يا سيّدي علّم مولاك ما لا يقبل لقائله دعوة وما لا يؤخر لفاعله دعوة وما حدّ الاستغفار الّذي وعد عليه نوح والاستغفار الّذي لا يعذب قائله وكيف يلفظ بهما ومعنى قوله ومن يتّق اللّه ومن يتوكّل على اللّه وقوله ﴿فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ﴾، ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي﴾ و ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ وكيف تغير القوم بأنفسهم.

---

۱. الغين لغة في الغيم وهو السحاب وقيل النون بدل من الميم ـ غِينَ على قلبه غيناً تغشّته الشهوة ـ وغين على الرّجل كذا أي غطّى عليه.

۱۶۵۹ (۱۸) انس بن مالک حکایت کرده که: «ما در یک سفری در خدمت پیامبرﷺ بودیم، پس پیامبرﷺ به ما فرمود: «استغفار کنید.» پس ما استغفار کردیم حضرت فرمود: تا هفتاد بار استغفار کنید تا کامل شود زیرا هیچ بنده‌ای خواه مرد و خواه زن نیست که در شبانه روز هفتاد بار استغفار کند مگر اینکه خدا هفتصد گناه او را بیامرزد و اگر واقعاً بنده‌ای، مرد یا زن پیدا شود که در یک شبانه روز بیشتر از هفتصد گناه کند او دیگر با حرمان و بی‌نصیبی هم آغوش خواهد بود.»

۱۶۶۰ (۱۹) حارث بن مغیره از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ روزی هفتاد بار از خدایﷻ طلب مغفرت و آمرزش می‌کرد و روزی هفتاد بار به درگاه الهی توبه می‌کرد.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم که پیامبرﷺ می‌گفت: «استغفرُ الله واتوبُ الیه؟

حضرت فرمود: پیامبرﷺ می‌گفت: استغفرُ الله، استغفرُ الله تا هفتاد بار و می‌گفت: «اتوبُ الی الله واتوب الی الله» تا هفتاد بار.»

۱۶۶۱ (۲۰) ابن ابی جمهور در کتاب دُرَر اللئالی از رسول خداﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرموده: و من روزی هفتاد بار از خدا آمرزش می‌طلبم و می‌گویم: استغفرُ الله و در روایتی آمده که حضرت فرمود: «و من روزی صدبار استغفار می‌کنم.»

قطب راوندی نیز در کتاب لُبّ اللُّباب از پیامبرﷺ حدیثی نقل کرده که حضرت فرمود: «آسمان دلم ابری می‌شود تا اینکه روزی هفتاد بار استغفار می‌کنم و از خدا آمرزش می‌خواهم.»

۱۶۶۲ (۲۱) طلحة بن زید از امام صادقؑ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خداﷺ از مجلسی بر نمی‌خواست مگر اینکه بیست و پنج بار استغفار می‌کرد هر چند که توقّف و جلوس‌شان کم بود.»

۱۶۶۳ (۲۲) حسین بن سعید مکفوف نامه‌ای به حضرت نوشت و در آن نامه چنین نوشت: فدایت شوم! ای آقای من! به چاکرت بیاموز کدام دعاست که مستجاب نشود؟ و کدام دعاست که اجابت آن به تأخیر نیفتد و فوری مستجاب گردد؟

و اندازه و چگونگی استغفاری که حضرت نوحؑ بر آن وعده‌های خوبی داد چیست؟

و استغفاری که گوینده‌اش عذاب نشود چگونه استغفاری است و با چه الفاظی گفته می‌شود؟

و بفرمایید که: معنی فرمایش خدا که فرموده: «وَمَنْ یَتَّقِ الله» [=هر کس تقوی پیشه کند] «مَنْ یتوکّل عَلَی الله» [= هرکس بر خدا توکّل کند] و «مَنِ اتَّبَعَ هُدای» [=هر کس از راهنمایی من پیروی کند] و «وَمَنْ اعْرَضَ عَنْ ذکری» [=هر کس از یاد من دل بگرداند] و «انَّ الله لا یُغَیِّرُ ما بقومٍ حتّی یُغَیّروا ما بانفسهم» [= در حقیقت خدا وضعیّت قومی را تغییر ندهد مگر اینکه خود آن‌ها آنچه در خودشان وجود دارد [از اندیشه و اخلاق و کردار] تغییر دهند] چیست؟ و چگونه قومی می‌توانند آنچه در آن‌هاست تغییر دهند؟

فكتب صلوات اللّه عليه كافاكم اللّه عنّي بتضعيف الثواب والجزاء الحسن الجميل وعليكم جميعاً السلام ورحمة اللّه وبركاته الاستغفار ألف والتوكّل من توكّل على اللّه فهو حسبه ومن يتّق اللّه يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب وأما قوله ﴿مَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ﴾ أي من قال بالإمامة واتّبع أمرهم بحسن طاعتهم وأمّا التغيّر فانّه لا يسيىء إليهم حتّى يتولّوا ذلك بأنفسهم بخطاياهم وارتكابهم ما نهى عنه وكتب بخطّه.

١٦٦٤ ٢٧٢٢٤ (٢٣) **أمالي الصدوق** ٥٠١: حدّثنا الحسن (الحسين ـ خ ل) بن ابراهيم بن ناتانة قال حدّثنا علي بن ابراهيم بن هاشم عن أبيه عن الريّان بن الصلت قال سمعت أبا الحسن علي بن موسى الرّضا عليه السلام يقول من قال في كلّ يوم من شعبان سبعين مرّة استغفر اللّه وأساله التوبة كتب اللّه براءة من النّار وجوازاً على الصراط وأدخله (أحلّه ـ خ) دار القرار.

١٦٦٥ ٢٧٢٢٥ (٢٤) **الخصال** ٥٨٢: **حدّثنا الثواب** ١٩٨: أبي رحم اللّه قال حدّثنا[1] سعد بن عبداللّه قال حدّثني موسى بن جعفر البغدادي عن محمّد بن جمهور عن عبداللّه بن عبدالرّحمن عن محمّدبن أبي حمزة عن أبي عبداللّه عليه السلام قال من قال في كلّ يوم من شعبان سبعين مرّة استغفر اللّه الّذي لا اله الّا هو الرّحمن الرّحيم الحيّ القيّوم وأتوب إليه كتب في الافق المبين قال قلت وما الافق المبين قال قاع بين يدي العرش فيها[2] أنهار تطرد فيه من القدحان عدد النجوم ـ فضائل الأشهر الثلاثة ٥٦: حدّثني محمّد بن الحسن قال حدّثني أحمد بن ادريس عن محمّد بن أحمد عن موسى بن جعفر البغدادي عن محمّد بن جمهور عن عبداللّه بن عبدالرّحمن عن محمّد بن أبي حمزة عن أبي عبداللّه عليه السلام مثله.

١٦٦٦ ٢٧٢٢٦ (٢٥) **فضائل الأشهر** ٤٤: حدّثنا محمّد بن ابراهيم بن اسحاق الطالقاني قال حدّثنا أحمد بن محمّد الهمداني قال أخبرنا علي بن الحسين[3] بن علي بن فضّال عن أبيه قال سمعت علي بن موسى الرّضا عليه السلام يقول من استغفر اللّه تبارك وتعالى في شعبان سبعين مرّة غفر اللّه ذنوبه ولو كانت مثل عدد النجوم.

---

١. حدّثني ـ الثواب. ٢. فيه ـ الثواب. ٣. الحسن ـ خ ـ فضائل الشعبان.

پس حضرت﴿ع﴾ در پاسخ مرقوم فرمود: خداوند شما را از جانب من جزای خیر دهد به این سان که پاداش شما را دو چندان گرداند و اجر خوب و زیبایی به شما مرحمت فرماید و بر شما همگی باد سلام و رحمت و برکات خدا. استغفار هزار تاست و توکّل، هر کس بر خدا اعتماد کند پس همان خدا او را بس است و هر کس پرهیزگاری و تقوی پیشه کند و گناه نکند خدا برایش راه خروجی از مشکلات و گرفتاری‌ها باز نماید و او را از جایی که به گمانش نرسد روزی عطا فرماید و امّا اینکه خداوند فرموده: «ومَنِ اتَّبَعَ هدایَ» [=هر کس از هدایت و راهنمایی من پیروی کند...] مقصود از هدایت، امامت است یعنی کسی که اعتقاد به امامت دارد و از اوامر و دستورات آن‌ها به بهترین وجه پیروی می‌کند.

و امّا تغیّر و دگرگونی [که پرسیده بودید پس بدان که] خدا به مردم بدی نمی‌کند مگر اینکه آن‌ها قلباً و با ارتکاب جرایم و گناهانی که از آن نهی شده‌اند به [خدا و پیامبر﴿ص﴾ و] امامان معصوم﴿ع﴾ پشت کنند.»

۱۶۶۴ (۲۳) ریّان بن صلت حکایت کرده که: «از ابوالحسن علیّ بن موسی الرضا﴿ع﴾ شنیدم که فرمود: هر کس در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار بگوید: «استَغفِرُ اللهَ واسْأله التوبه» خداوند برایش نجات‌نامه‌ای از آتش دوزخ و گذرنامه‌ای برای عبور از صراط برایش نویسد و او را در دارالقرار و بهشت جاودان جای دهد.»

۱۶۶۵ (۲۴) محمّد بن ابی حمزه از امام صادق﴿ع﴾ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که در هر روز ماه شعبان هفتاد بار بگوید: «استَغْفِرُ اللهَ الّذی لا اله الّا هوَ الرّحمنُ الرّحیمُ الحیُّ القَیّومُ وَاتُوبُ الیه.» در افق مبین نوشته شود.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: افق مبین چیست؟

حضرت فرمود: زمین همواری است در جلوی عرش، در آن نهرهایی است که به اندازهٔ ستارگان در آن جام ریخته شده است.»

همین روایت در کتاب فضائل الأشهرِ الثلاثة نیز نقل شده است.

۱۶۶۶ (۲۵) علیّ بن فضّال از پدرش نقل کرده که: «شنیدم از علی بن موسی الرضا﴿ع﴾ که فرمود: هر کس در ماه شعبان هفتاد بار استغفار کند و از خدای تبارک و تعالی آمرزش بخواهد خداوند گناهان او را ببخشد گرچه به اندازهٔ ستارگان باشد.»

۱۶۶۷ ۲۷۲۲۷ (۲۶) **فضائل الأشهر ۵۶**: حدّثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني‌ﷺ قال حدّثنا علي بن ابراهيم بن هاشم قال حدّثنا جعفر بن سلمة الأهوازي قال حدّثنا ابراهيم بن محمّد الثقفي قال أخبرنا ابراهيم بن ميمون قال حدّثنا علي بن موسى الرّضا ﷺ صوم شعبان كفّارة الذنوب العظام حتّى لو انّ رجلاً بلى بدم حرام فصام من هذا الشهر أيّاماً ومات رجوت له المغفرة.

قال قلت فما أفضل الدّعاء في هذا الشهر؟ فقال الإستغفار انّ من استغفر في شعبان كلّ يوم سبعين مرّة كان كمن استغفر في غيره من الشهور سبعين ألف مرّة قلت فكيف أقول؟ قال قل استغفر اللّه وأسأله التوبة.

۱۶۶۸ ۲۷۲۲۸ (۲۷) **وسائل ۱۰/۵۱۱**: علي بن موسى بن طاووس في كتاب الاقبال نقلاً من كتب افضل الدعاء لمحمد بن الحسن الصفّار باسناده عن أبي عبداللّه‌ﷺ قال من قال في كل يوم من شعبان سبعين مرّة استغفر اللّه الّذي لا إله الّا هو الحيّ القيّوم الرّحمن الرّحيم وأتوب إليه.

(وفي رواية جدي أبي جعفر الطوسي ره استغفر اللّه الّذي لا اله الّا هو الرّحمن الرّحيم الحيّ القيّوم وأتوب إليه) كتب في الافق المبين.

قال قلت وما الافق المبين قال قاع بين يدي العرش فيها أنهار تطرد فيه من القدحان عدد النجوم.

۱۶۶۹ ۲۷۲۲۹ (۲۸) **وسائل ۱۰/۴۸۴**: علي بن موسى بن طاووس فى الاقبال عن النبيﷺ قال من قال في رجب استغفر اللّه الّذي لا اله الّا هو وحده لا شريك له وأتوب إليه مأة مرّة وختمها بالصدقة ختم اللّه له بالمغفرة والرحمة ومن قالها أربعمأة مرّة كتب اللّه له أجر مأة شهيد فإذا لقي اللّه يوم القيامة يقول اللّه له قد أقررت بملكي فتمنّ عليّ ما شئت حتّى أعطيك فانّه لا مقتدر غيري.

۱۶۷۰ ۲۷۲۳۰ (۲۹) قال وفي رواية من استغفر اللّه في رجب وسأله التوبة سبعين مرّة بالغداة وسبعين مرّة بالعشيّ يقول استغفر اللّه وأتوب إليه فإذا بلغ تمام سبعين مرّة رفع يديه وقال اللّهمّ اغفر لي وتب عليّ فان مات في رجب مات مرضيّاً عنه ولا تمسّه النّار ببركة رجب.

۱۶۶۷ (۲۶) ابراهیم بن میمون گوید: «امام علی بن موسی الرضا ﷺ برای ما فرمود: روزهٔ ماه شعبان کفّارهٔ گناهان بزرگ است تا آنجاکه اگر مردی مرتکب قتل شده باشد و به ناحق خون کسی را ریخته باشد و چند روز از ماه شعبان را روزه بگیرد و بمیرد جای امیدواری است که خدا او را بیامرزد.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: بهترین دعا در این ماه [شعبان] چیست؟

فرمود: استغفار و طلب آمرزش. کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار استغفار گوید مثل این است که در ماه‌های دیگر هفتاد هزار بار استغفار گفته باشد.

به حضرت عرض کردم: چگونه استغفار گویم؟

حضرت فرمود: بگو: «اَستَغْفِرُ اللهَ وَاسأَلُه التَوبَةَ».

۱۶۶۸ (۲۷) محمّد بن حسن صفّار با اسناد خودش از امام صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار بگوید: «اَستَغْفِرُ اللهَ الّذی لا اله الّا هُوَ الحیُّ القَیُّومُ وَاَتُوبُ الیه.» در افق مبین نوشته شود.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: افق مبین چیست؟

فرمود: زمین همواری است در جلوی عرش، در آن نهرهایی است که به اندازهٔ ستارگان در آن، جام ریخته شود.»

۱۶۶۹ (۲۸) ابن طاووس در کتاب اقبال حدیثی از پیامبر ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود: «هر کس در ماه رجب صدبار بگوید: «استغفر الله الّذی لا اله الّا هُوَ وحدَهُ لا شریکَ له واتُوبُ الیه» و آن را با صدقه ختم کند خداوند عاقبت او را به آمرزش و رحمت ختم نماید و کسی که آن را چهارصد بار بگوید، خدا برایش پاداش صد شهید نویسد و چون روز قیامت خدا را ملاقات کند خداوند به او گوید: تو، به پادشاهی من اقرار کردی پس هر چه دوست داری از من بخواه تا به تو بدهم زیرا جز من صاحب قدرتی نیست.»

۱۶۷۰ (۲۹) و در روایت دیگری آمده است که: «هر کس در ماه رجب هفتاد بار صبح و هفتاد بار شب از خدا آمرزش بخواهد و درخواست توبه کند خدا با رحمتش به او بازگردد و بگوید: «استغفِرُ اللهَ واتوب الیه» و چون هفتاد بار به این صورت استغفار کرد دو دستش را بلند کند و بگوید: «اللّهمّ اغْفِرْ لی وَتُبْ عَلَیَّ» یعنی خدایا! مرا بیامرز و به من بازگرد. پس اگر در ماه رجب از دنیا برود خدا از او راضی خواهد بود و به برکت ماه رجب آتش به او نرسد.»

۱۶۷۱ ۲۷۲۳۱ (۳۰) **النوادر** ۱۷: أحمد بن محمّد بن عيسى عن فضالة عن اسماعيل بن أبي زياد عن أبي عبدالله ﷺ قال قال رسول الله ﷺ رجب شهر الاستغفار لأُمّتي أكثروا فيه الاستغفار فانه غفور رحيم وشعبان شهري.

استكثروا في رجب من قول أستغفر الله وأسألوا الله الإقالة والتوبة فيما مضى والعصمة فيما بقي من آجالكم.

وأكثروا في شعبان الصلاة على نبيكم وأهله.

ورمضان شهر الله تبارك وتعالى استكثروا فيه من التهليل والتكبير والتحميد والتمجيد والتسبيح وهو ربيع الفقراء وانّما جعل الله[۱] الاضحى لتشبع المساكين من اللحم فأظهروا[۲] من فضل ما أنعم الله به عليكم على عيالاتكم وجيرانكم وأحسنوا جوار نعم الله عليكم ووأصلوا[۳] اخوانكم وأطعموا الفقرا [و] المساكين من أخوانكم.

فانّه من فطّر صائماً فله مثل أجره من غير أن ينقص من أجره شيئاً وسمى شهر رمضان شهر العتق لأنّ الله فيكلّ يوم وليلة ستّمائة عتيق وفي آخر مثل ما أعتق فيما مضى.

وسمّى شهر شعبان شهر الشّفاعة لان رسولكم يشفع لكل من يصلّي عليه فيه وسمى شهر رجب شهر الله الأصبّ لأنّ الرّحمة على امّتي تصبّ صبّاً فيه ويقال الأصمّ لانّه نهي فيه عن قتال المشركين وهو من الشهور الحرم.

وتقدّم في رواية مسعدة (۱۷) من باب (۲) الاختلاف إلى المساجد من أبوابها ج ۴ قوله ﷺ لولا من فيكم من المؤمنين (إلى أن قال) والمستغفرين بالاسحار خوفاً منّي لانزلت بكم عذابي.

---

۱. وانّما جعل ـ خ.   ۲. وأطعموا ـ خ.   ۳. وأطعموا ـ خ.

(۳۰) اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادقعلیه السلام روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ فرمود: رجب برای امّتم ماه استغفار و طلب آمرزش است پس در این ماه بسیار استغفار گویید و از خدا آمرزش خواهید زیرا او آمرزنده و مهربان است و شعبان ماه من است. ۱۶۷۱

در ماه رجب زیاد بگویید: «استغفِرُ الله» و از خدا بخواهید که نسبت به گذشته از شما درگذرد و در باقیماندهٔ عمر، شما را از گناه حفظ کند.

و در ماه شعبان بسیار بر پیامبرتان و خاندانش صلوات فرستید.

و رمضان ماه خدای تبارک و تعالی است. در آن بسیار «لا اله الّا الله» و« الله اکبر» و «الحمدُ لله» و «سبحانَ الله» و ثنای الهی گویید و این ماه، بهار فقیران است و خدا، روز عید قربان را قرار داد تا مساکین از گوشت سیر شوند پس شما هم از نعمت‌هایی که خدا به شما ارزانی داشته به زن و بچّه‌های‌تان و همسایگان‌تان بدهید و برای نعمت‌هایی که خدا به شما داده، همسایهٔ خوبی باشید و با برادران دینی خود رفت و آمد داشته باشید و به برادران ندار و بیچارهٔ خود غذا دهید.

هر کس به روزه‌داری افطار دهد به اندازهٔ پاداش او برایش پاداش است بدون اینکه از پاداش روزه‌دار چیزی کم شود و ماه رمضان، ماه آزادی نام گرفته چون خدا در هر شبانه روز از آن ششصد هزار نفر را [از جهنّم] آزاد می‌کند و در آخر آن به اندازهٔ تمام ماه رمضان آزاد خواهد کرد.

و ماه شعبان، ماه شفاعت نامیده شده چون پیامبر شما برای هر کس که در این ماه بر او صلوات فرستد شفاعت می‌کند و ماه رجب ماه ریزان خدا نام گرفته چون رحمت در این ماه بر امّتم پیوسته ریزان است و او را اَصَمع [=کر] نیز می‌گویند، چون از ماه‌های حرام است و جنگ در این ماه با مشرکان حرام و نهی شده است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت هفدهم از باب دوم از باب‌های مساجد فرموده امامعلیه السلام که: «اگر نبودند مؤمنانی که (تا آنجا که فرمود:) و کسانی که از ترس من سحرگاهان استغفار می‌کنند و طلب آمرزش می‌کنند، هر آینه عذابم را می‌فرستادم.»

وفي مرسلة فقيه (۱۸) قولهﷺ لولا الّذين يتحابّون بجلالي ويعمرون مساجدي ويستغفرون بالاسحار لولاهم لا نزلت عذابي.

وفي رواية السكوني والعمركي، والجعفريات والمحاسن نحوه.

وفي رواية اسحاق (۳) من باب (۲) تحصين الأموال بالزكوة من أبواب فضلها وفرضها ج ۹ قولهﷺ وادفعوا نوائب البلايا بالاستغفار.

وفي غير واحد من أحاديث باب (۱) فضل شهر رمضان من أبواب فضله ج ۱۰ ما يدل على فضل الاستغفار وفي رواية المفضل (۳۰) واسمعيل (۳۱) من باب (۱) فضل الصيام من أبواب فضل الصوم قوله ﷺ والاستغفار يقطع وتين الشيطان.

وفي رواية ابن هلال (۴۰) من باب (۱۷) استحباب صوم شهر شعبان من أبواب الصيام المندوب قولهﷺ من استغفر اللّه في كل يوم من شعبان سبعين مرّة حشره اللّه يوم القيامة في زمرة رسول اللّهﷺ ووجبت له من اللّه الكرامة.

وفي رواية انس (۵) من باب (۱۶) فضل التسبيح من أبواب الذكر قولهﷺ ومن استغفر غفر اللّه له.

وفي رواية الراوندي (۲) من باب (۱۹) ما ورد في انّه ليس شيء أعظم وأفضل من شهادة ان لا إله إلّا اللّه قولهﷺ وما من الدعاء شيء أفضل من الاستغفار وفي رواية عبيداللّه (۴۲) قولهﷺ خير العبادة الاستغفار.

وفي غير واحد من أحاديث باب (۲۳) ثواب قول لاحول ولا قوّة الّا باللّه ما يدلّ على ذلك وكذا في غير واحد من أحاديث باب (۲۷) نبذة ممّا يستحبّ ان يقال كل يوم وباب (۲۸) نبذة ممّا يقال في الصباح والمساء.

ويأتي في أحاديث الباب التالي ومايتلوه ما يدلّ علىٰ ذلك.

و در روایت هجدهم فرموده امامؑ که: «اگر نبودند کسانی که به خاطر من و عظمت من همدیگر را دوست دارند و مسجدهایم را تعمیر می‌کنند و آباد نگه می‌دارند و در سحرها استغفار می‌کنند، یقیناً عذابم را فرو می‌فرستادم.»

و در روایت سوم از باب دوم از باب‌های فصل‌ها و قرض‌ها فرموده امامؑ که: «بلاهای وارده را با استغفار دفع کنید.»

و در روایات باب یکم از باب‌های فضیلت ماه رمضان آنچه بر آن دلالت می‌کند.

و در روایت سی‌ام و سی و یکم از باب یکم از باب‌های فضیلت روزه فرموده امامؑ که: «استغفار شاهرگ شیطان را می‌بُرد.»

۶ـ حضرت فرمودو در روایت چهلم از باب هفدهم از باب‌های روزه مندوب فرموده امامؑ که: «هر کس در هر روز ماه شعبان هفتاد بار استغفار گوید، خدا روز قیامت او را در گروه پیامبر خداﷺ محشور گرداند و از طرف خدا احترام او لازم و واجب می‌شود.»

و در روایت پنجم از باب شانزدهم از باب‌های ذکر فرموده امامؑ که: «هر کس از خدا آمرزش خواهد خدا او را بیامرزد.»

و در روایت دوم از باب نوزدهم فرموده امامؑ که: «دعایی بهتر از استغفار نیست.»

و در روایت چهل و دوم فرموده امامؑ که: «بهترین عبادت، استغفار است.»

و در بسیاری از روایات باب بیست و سوم از روایات باب بیست هفتم و بیست و هشتم مناسب آن هست.

می‌آید:

در روایات باب بعدی و پس از آن آنچه بر آن دلالت می‌کند.

(۴٠)
باب تعلّم سيّد الاستغفار

١٦٧٢ ٢٧٢٣٢ (١) **المعاني** ١۴٠: حدّثنا الحاكم عبدالحميد بن عبدالرحمن ابن الحسن النيسابوري قال حدّثنا أبو يزيد الهروي قال حدّثنا سلمة بن شبيب قال حدّثنا محمّد بن منيب[1] العدني قال حدّثني السّريّ بن يحيى عن هشام عن أبي الزبير عن **جابر** بن عبداللّه انّ رسول اللّهﷺ قال تعلّموا سيّد الاستغفار اللّهمّ أنت ربّي لا اله الاّ أنت خلقتني وأنا عبدك وأنا على عهدك وأبوء[2] بنعمتك عليّ وأبوء[3] لك بذنبي فاغفر لي أنّه لا يغفر الذنوب الاّ أنت.

(۴١)
باب ماورد في أن خير الدّعاء والعبادة الإستغفار

١٦٧٣ ٢٧٢٣٣ (١) **كافي** ٢/٥٠٥: أبو علي الأشعريّ عن محمّد بن عبدالجبّار عن صفوان بن يحيى عن حسين بن زيد عن أبي عبداللّهﷺ قال قال رسول اللّهﷺ الاستغفار وقول لا إله إلّا اللّه خير العبادة قال اللّه العزيز الجبّار فأعلم أنّه لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم واستغفر لذنبك.

١٦٧٤ ٢٧٢٣٤ (٢) **الجعفريّات** ٢٢٨: باسناده عن عليّﷺ قال قال رسول اللّهﷺ خير الدّعاء الإستغفار وخير العبادة قول لا إله إلّا اللّه.

وتقدّم في رواية الراوندي (٢) من باب (١٩) انّه ليس شيء أعظم من شهادة ان لا إله إلّا اللّه من أبواب الذكر قولهﷺ وما من الدّعاء شيء أفضل من الاستغفار.

وفي رواية الجعفريّات (۵) قولهﷺ خير العبادة الاستغفار.

وفي رواية عبيداللّه (۴٢) قولهﷺ خير العبادة الاستغفار.

(۴٢)
باب أنّه هل يصلح الاستغفار للأبوين الكافرين أم لا

قال اللّه تعالى في سورة مريم (١٩): ۴٧: ﴿قَالَ سَلَـٰمٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّيٓ إِنَّهُۥ كَانَ بِى حَفِيًّا﴾.

---

١. شبيب ـ خ. ٢. أبوء أي أرجع. ٣. أبوء لك بذنبي: أي أُقرّ بذنبي.

باب ۴۰

سیّد استغفار

۱۶۷۲ (۱) جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «سیّد استغفار را یاد بگیرید که به این گونه است: «خدایا! تو اداره کنندهٔ منی، معبودی جز تو نیست، تو مرا آفریدی و من بندهٔ تو هستم و بر عهد و پیمان تو استوارم تو پیوسته به من نعمت می‌دهی و من پیوسته گناه و معصیت می‌کنم پس تو مرا بیامرز که کسی جز تو گناهان را نیامرزد.»

باب ۴۱

استغفار بهترین دعا و عبادت

۱۶۷۳ (۱) حسین بن زید از امام صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رسول خدا ﷺ فرمود: استغفار و گفتن «لا اله الّا الله» بهترین عبادت است. خدای شکست‌ناپذیر جبران کنندهٔ هر نقص فرموده: پس بدان که نیرو و توانی نیست مگر معتمد به خدای بلندمرتبهٔ بزرگ و برای گناهت، آمرزش بخواه.»

۱۶۷۴ (۲) در کتاب جعفریّات با اسناد خودش از علی ﷺ نقل شده که حضرت فرموده «رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین دعا طلب مغفرت و آمرزش خواستن از خداست و بهترین عبادت، گفتن «لا اله الّا الله» است.»

ارجاعات

گذشت:

در روایت دوم از باب نوزدهم از باب‌های ذکر فرموده امام ﷺ که: «دعایی با فضیلت‌تر از استغفار نیست.»

و در روایت پنجم فرموده امام ﷺ که: «بهترین عبادت، استغفار است.»

و در روایت چهل و دوم فرموده امام ﷺ که: «استغفار بهترین عبادت است.»

باب ۴۲

حکم استغفار برای پدر و مادر کافر

خداوند متعال فرموده:

[ابراهیم] گفت: سلام بر تو به زودی برای تو از پروردگارم آمرزش می‌خواهم زیرا او به من بسیار مهربان است.[۱]

۱. مریم ۴۷/۱۹.

الشعراء (۲۶): ۸۶: ﴿وَٱغْفِرْ لِأَبِىٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ﴾.

نوح (۷۱): ۲۸: ﴿رَّبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًۢا﴾.

ابراهيم (۱۴): ۴۱: ﴿رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ﴾.

الممتحنة (۶۰): ۴: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُوا۟ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُا۟ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ﴾.

التوبة (۹): ۱۱۳ و ۱۱۴: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِىِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن يَسْتَغْفِرُوا۟ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓا۟ أُو۟لِى قُرْبَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ ۞ وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٌ﴾.

۱۶۷۵ ۲۷۲۳۵ (۱) **قرب الأسناد** ۲۸۶: عبداللّه بن الحسن عن جدّه **علي بن جعفر** عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال سألته عن رجل مسلم وأبواه كافران، هل يصلح له ان يستغفر لهما في الصلاة؟

قال ان كان فراقهما وهو صغير لايدري اسلما أم لا فلا بأس وان عرف كفرهما فلا يستغفر لهما وان لم يعرف فليدع لهما.

۱۶۷۶ ۲۷۲۳۶ (۲) **مستدرك** ۳۲۱/۵: كتاب درست ابن أبي منصور عن **اسحق** بن عمّار قال قلت لأبي الحسن عليه السلام الدعاء ينفع الميّت قال نعم حتّى انّه ليكون في ضيق فيوسّع عليه ويكون مسخوطاً عليه فيرضى.

قال قلت فيعلم من دعا له قال نعم قال قلت فان كانا ناصبيّين قال فقال ينفعهما واللّه ذاك يخفّف عنهما.

و پدرم را بیامرز که از گمراهان است.[۱]

پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و هر کس راکه با ایمان به خانهٔ من آید و مردان و زنان با ایمان را، بیامرز و بر ستمکاران چیزی جز نابودی نیفزا.[۲]

پروردگارا مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنان را در روز قیامت که روز حساب است، بیامرز.[۳]

مگر گفتهٔ ابراهیم که به پدرش گفت: البتّه برایت از خدا آمرزش خواهم ولی [بدان که] من در رابطه با تو از سوی خدا هیچ اختیاری ندارم.[۴]

پیامبر و مؤمنان نباید برای مشرکان استغفار کنند و آمرزش بخواهند هر چند که از خویشاوندان آن‌ها باشند پس از آن که روشن و معلوم شد برای آن‌ها که اهل جهنّم‌اند. و ابراهیم که برای پدرش آمرزش خواست فقط به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود و وقتی که برایش روشن شد که او دشمن خداست از او بیزاری جست، آری ابراهیم به یقین بسیار دعا کننده و بردبار بود.[۵]

۱۶۷۵ (۱) علیّ بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفرعليه السلام حکایت کرده که: «از حضرت پرسیدم: مردی است مؤمن ولی پدر و مادرش کافرند آیا خوب است که در نماز برای آن‌ها از خدا آمرزش بخواهد؟

حضرت فرمود: اگر هنوز بچّهٔ صغیر بوده که از آن‌ها جدا شده و نمی‌داند که آیا آن دو بعداً مسلمان شده‌اند یا نه، اشکالی ندارد ولی اگر یقین دارد که کافرند نباید برایشان استغفار کند و اگر یقین ندارد پس برایشان دعا کند.»

۱۶۷۶ (۲) اسحاق بن عمّار گوید: «به امام کاظمعليه السلام عرض کردم: آیا دعا، به مرده سودی می‌بخشد و اثری دارد؟ حضرت فرمود: بله، تا آنجا که مرده در تنگناست، دعا باعث می‌شود که مکانش وسعت یابد و یا مورد خشم الهی است و دعا باعث می‌شود که خدا از او راضی شود.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: آیا مرده می‌فهمد که چه کسی برایش دعا کرده؟

حضرت فرمود: بله. راوی گوید: گفتم: اگر چه پدر و مادر ناصبی باشند؟

حضرت فرمود: به آن‌ها سود می‌بخشد به خدا که دعا موجب تخفیف عذاب آن‌ها می‌شود.»

---

۱. شعراء ۸۶/۲۶. ۲. نوح ۲۸/۷۱. ۳. ابراهیم ۴۱/۱۴.
۴. ممتحنه ۴/۶۰. ۵. توبه ۱۱۴/۹ ـ ۱۱۳.

وتقدّم في أحاديث باب (۱) فضل الصلوة على الميّت من أبوابها ج ۳ وباب (۹) كيفيّة الصلوة على الميّت ما يمكن ان يستفاد منه عدم جواز الاستغفار للأبوين الكافرين.

وفي رواية ابن سنان (۱) من باب (۲۷) انّ دعوة المظلوم والامام العادل والمؤمن لأخيه المؤمن والولد والوالد مستجابة. من أبواب الدعاء قوله ﷺ خمس دعوات لا يحجبن عن الربّ تبارك وتعالى دعوة الولد الصالح لوالديه.

وفي رواية عبدالرحمن (۱۶) من باب (۲۹) التسليم على أهل الكتاب والكفّار من أبواب العشرة قوله أرأيت أن احتجت إلى الطبيب وهو نصراني أُسلّم عليه وادعو له قال ﷺ نعم انّه لاينفعه دعاؤك ـ.

ارجاعات

گذشت:

در روایات باب یکم از باب‌های فضیلت نماز بر مرده و باب نهم مناسب آن هست.

و در روایت یکم از باب بیست و هفتم از باب‌های دعا فرموده امامﷺ که: «پنج دعا از پروردگار تبارک و تعالی محجوب نماند: یکی دعای فرزند صالح برای پدر و مادرش می‌باشد.»

و در روایت شانزدهم از باب بیست و نهم از باب‌های عشرت این گفته که: «از حضرت پرسیدم که اگر احتیاجم به پزشکی افتاد که نصرانی بود آیا به او سلام کنم و برایش دعا نمایم؟

حضرت فرمود: بله ولی دعای تو برایش سودی نخواهد داشت.»

مآخذ و منابع جامع احادیث الشیعه

قرن اول

۱. *قرآن کریم*

۲. *الصحیفة السجادیة*. امام زین‌العابدین ﷺ (۳۸ـ ۹۴ ق)

قرن دوم

۳. *کتاب الصّفین*. ابان بن تغلب (؟ ـ ۱٤۱ ق)

٤. *الفضایل*. ابان بن تغلب (؟ ـ ۱٤۱ ق)

٥. *توحید المفضّل*. مفضل بن عمر جعفی (؟ ـ ۱٦۰ ق)

٦. *الرسالة الذهبیة*. للرضا ﷺ معروف به *طب امام رضا* ﷺ (؟ ـ ؟)

۷. *صحیفة الامام رضا* ﷺ. منسوب به امام رضا ﷺ (؟ ـ ؟)

۸. *الفقه*، معروف به *فقه الرضا* ﷺ. منسوب به امام رضا ﷺ (؟ ـ ؟)

۹. *اصل*. زید زراد (؟ ـ ؟)

۱۰. *اصل*. علاء بن رزین (؟ ـ ؟)

۱۱. *اصل*. عاصم بن حمید حناط (؟ ـ ؟)

۱۲. *اصل*. درست بن ابی منصور (؟ ـ ؟)

۱۳. *اصل*. جعفر بن محمد بن شریح حضرمی (؟ ـ ؟)

قرن سوم

۱۴ . *المناقب*. نصر بن مزاحم (۱۲۰ _ ۲۱۲ ق)

۱۵ . *وقعة صفین*. نصر بن مزاحم (۱۲۰ _ ۲۱۲ ق)

۱۶ . *المشیخة*. حسن بن محبوب سراد (۱۴۹ _ ۲۲۴ ق)

۱۷ . *النوادر*. حسن بن محبوب سراد (۱۴۹ _ ۲۲۴ ق)

۱۸ . *المحاسن*. برقی (؟ _ ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)

۱۹ . *الغارات*. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (؟ _ ۲۸۳ ق)

۲۰ . *بصائر الدرجات*. محمدبن حسن بن فروخ صفار (؟ _ ۲۹۰ ق)

۲۱ . *المزار*. محمدبن حسن بن فروخ صفار (؟ _ ۲۹۰ ق)

۲۲ . *النوادر*. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (؟ _ متوفی در عصر غیبت صغری)

۲۳ . *جامع الاحادیث النبویة*. ابو محمد جعفر بن احمد بن علی بن قمی (؟ _ ؟)

۲۴ . *تفسیر العسکری*. منسوب به امام حسن عسکری ﷺ (؟ _ ؟)

۲۵ . *طریق النجاة*. شیخ عزالدین حسن بن ناصر بن ابراهیم حداد عاملی (؟ _ ؟)

۲۶ . *کتاب الزهد*. حسین بن سعید اهوازی (؟ _ ؟)

۲۷ . *المؤمن*. حسین بن سعید اهوازی (؟ _ ؟)

۲۸ . *کتاب الزیارات*. حسین بن سعید اهوازی (؟ _ ؟)

۲۹ . *المناقب*. حسین بن سعید اهوازی (؟ _ ؟)

قرن چهارم

۳۰ . *کتاب التاریخ*. ابن اعثم کوفی (؟ _ ۳۱۴ ق)

۳۱ . *الفتوح*. ابن اعثم کوفی (؟ _ ۳۱۴ ق)

۳۲ . *کتاب التفسیر*. محمد بن مسعود عیاشی (؟ _ حدود ۳۲۰ ق)

۳۳ . *تفسیر القمی*. ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی (؟ _ ۳۲۹ ق)

۳۴ . *الکافی*. شیخ کلینی (؟ _ ۳۲۹ ق)

۳۵ . *کتاب التمحیص*. محمد بن همام اسکافی (۲۵۸ _ ۳۳۶ ق)

۳۶ . *رجال الکشی*. محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (؟ _ حدود ۳۴۰ ق)

۳۷ . *اثبات الوصیة*. علی بن حسین مسعودی (؟ _ ۳۴۶ ق)

۳۸ . *الاستغاثة*. علی بن احمد کوفی (؟ _ ۳۵۲ ق)

۳۹. *الابتداء*. علی بن احمد کوفی (؟ـ ۳۵۲ق)

۴۰. *الانبیاء*. علی بن احمد کوفی (؟ـ ۳۵۲ق)

۴۱. *کتاب الاخلاق*. ابن قاسم کوفی (؟ - ۳۵۲ ق)

۴۲. *الایضاح*. نعمان بن محمد تمیمی (۲۵۹ ـ ۳۶۳ق)

۴۳. *دعائم الاسلام*. نعمان بن محمد تمیمی (۲۵۹ـ ۳۶۳ ق)

۴۴. *کامل الزیارات*. جعفر بن محمد بن قولویه (؟ـ ۳۶۷ق)

۴۵. *الغیبة*. محمد بن ابراهیم نعمانی (؟ـ ۳۸۰ق)

۴۶. *تفسیر النعمانی*. ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی (؟ـ ۳۸۰ق)

۴۷. *علل الشرایع*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۴۸. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ق)

۴۹. *کمال الدین و تمام النعمة*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ ق)

۵۰. *الهدایة*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۱. *الامالی*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۲. *معانی الاخبار*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ ق)

۵۳. *التوحید*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۴. *الخصال*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۵. *ثواب الاعمال*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۶. *المقنع*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۷. *من لا یحضره الفقیه*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۵۸. *فضائل الاشهر الثلاثة*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ ق)

۵۹. *مصادقة الاخوان*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۶۰. *فضائل الشیعه، صفات الشیعه*. شیخ صدوق (۳۰۶ یا ۳۰۷ـ ۳۸۱ق)

۶۱. *المانعات (الاعمال المانعة من دخول الجنة)*. جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ـ؟)

۶۲. *العروس*. جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ـ؟)

۶۳. *تحف العقول*. ابن شعبه (؟ـ؟)

۶۴. *التمحیص*. ابن شعبه (؟ـ؟)

۶۵. *دلائل الامامة*. ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری (؟ـ؟)

۶۶. *الجعفریات*. محمد بن محمد اشعث (؟ـ؟)

۶۷. *طب الائمه (طب النبی)*. عبدالله و حسین پسران بسطام (؟ـ؟)

۶۸. *کتاب الدلائل*. عبدالله بن جعفر حمیری (؟ـ؟)

۶۹. *قرب الاسناد*. عبدالله بن جعفر حمیری (؟ـ؟)

۷۰. *تفسیر فرات*. فرات بن ابراهیم کوفی (؟ـ؟)

۷۱. *المسلسلات*. جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ـ؟)

۷۲. *الغایات*. جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ـ؟)

قرن پنجم

۷۳. *نهج البلاغه*. سید رضی (۳۵۹ـ۴۰۶ق)

۷۴. *المجازات النبویة*. سید رضی (۳۵۹ـ۴۰۶ق)

۷۵. *کفایة الاثر*. خزاز رازی (؟ـ حدود ۴۱۰ق)

۷۶. *الارشاد*. شیخ مفید (۳۳۶ـ۴۱۳ق)

۷۷. *الامالی*. شیخ مفید (۳۳۶ـ۴۱۳ق)

۷۸. *الاختصاص*. شیخ مفید (۳۳۶ـ۴۱۳ق)

۷۹. *الفرائض الشرعیة*. شیخ مفید (۳۳۶ـ۴۱۳ق)

۸۰. *المقنعة*. شیخ مفید (۳۳۶ـ۴۱۳ق)

۸۱. *تنزیه الانبیاء*. سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶ق)

۸۲. *درر الفوائد*. سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶ق)

۸۳. *المختصر*. سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶ق)

۸۴. *رسالة المحکم والمتشابه*. سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶ق)

۸۵. *انساب*. احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ـ۴۵۰ق)

۸۶. *رجال*. احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ـ۴۵۰ق)

۸۷. *الاستبصار*. شیخ طوسی (۳۸۵ـ۴۶۰ق)

۸۸. *التبیان*. شیخ طوسی (۳۸۵ـ۴۶۰ق)

۸۹. *اختیار معرفة الرجال* معروف به *رجال الکشی*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۰. *تهذیب الاحکام*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۱. *الامالی*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۲. *الخلاف*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۳. *الغیبة*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۴. *المبسوط*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۵. *النهایة*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۶. *مصباح المتهجد*. شیخ طوسی (۳۸۵_ ۴۶۰ق)

۹۷. *کنز الفوائد*. ابوالفتح کراجکی (؟_ ۴۴۹ق)

قرن ششم

۹۸. *روضة الواعظین*. ابن فتال نیشابوری (؟_۵۰۸ق)

۹۹. *تفسیر الکشاف*. جارالله زمخشری (۴۶۷_۵۳۸ق)

۱۰۰. *مجمع البیان*. فضل بن حسن طبرسی (حدود ۴۶۹_۵۴۸ق)

۱۰۱. *اعلام الوری باعلام الهدی*. فضل بن حسن طبرسی (حدود ۴۶۹_۵۴۸ق)

۱۰۲. *نثر اللآلی*. فضل بن حسن طبرسی (حدود ۴۶۹_۵۴۸ق)

۱۰۳. *الوسیط*. فضل بن حسن طبرسی (حدود ۴۶۹_۵۴۸ق)

۱۰۴. *مکارم الاخلاق*. حسن بن فضل طبرسی (؟_۵۴۸ق)

۱۰۵. *غرر الحکم و درر الکلم*. عبدالواحد بن محمد تمیمی (۵۱۰_ ۵۵۰ق)

۱۰۶. *تفسیر روح الجنان*. ابوالفتوح رازی (حدود ۴۷۰_نزدیک به ۵۵۴ق)

۱۰۷. *الدعوات*. سید فضل‌الله راوندی (؟_ ۵۷۰ق)

۱۰۸. *النوادر*. سید فضل‌الله راوندی (؟_ ۵۷۰ق)

۱۰۹. *قصص الانبیاء*. سید فضل‌الله راوندی (؟_ ۵۷۰ق)

۱۱۰. *لبّ اللّباب*. سید فضل‌الله راوندی (؟_ ۵۷۰ق)

۱۱۱. *فضل الحولقة*. ابن عساکر (۴۹۹_ ۵۷۱ق)

۱۱۲. *الخرائج و الجرائح*. قطب الدین راوندی (؟_ ۵۷۳ق)

۱۱۳. *اسباب النزول*. قطب الدین راوندی (؟ ـ ۵۷۳ ق)

۱۱۴. *تهافت الفلاسفه*. قطب الدین راوندی (؟ ـ ۵۷۳ ق)

۱۱۵. *المناقب*. ابن شاذان قمی (پس از ۵۰۹ ـ ۵۸۴ ق)

۱۱۶. *قضاء حقوق المؤمنین*. ابوعلی بن طاهر صوری (؟ ـ ۵۸۵ ق)

۱۱۷. *مناقب آل ابیطالب* ﷺ. ابن شهر آشوب (۴۸۹ ـ ۵۸۸ ق)

۱۱۸. *السرائر*. محمد بن ادریس (۵۴۳ ـ ۵۹۸ ق)

۱۱۹. *جامع الاخبار*. تاج الدین شعیری (؟ ـ ؟)

۱۲۰. *الاحتجاج*. احمد بن علی طبرسی (؟ ـ ؟)

قرن هفتم

۱۲۱. *اربعون حدیثاً*. محمد بن عبدالله بن زهره حسینی (اوایل قرن هفتم)

۱۲۲. *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*. ابوالفضل علی طبرسی (اوایل قرن هفتم)

۱۲۳. *تنبیه الخواطر*. ورام بن ابی فراس (؟ ـ ۶۰۵ ق)

۱۲۴. *اسدالغابه*. ابن اثیر (۵۵۵ ـ ۶۳۰ ق)

۱۲۵. *الکامل*. ابن اثیر (۵۵۵ ـ ۶۳۰ ق)

۱۲۶. *اللباب*. ابن اثیر (۵۵۵ ـ ۶۳۰ ق)

۱۲۷. *المختصر*. ابن حاجب (۵۷۰ ـ ۶۴۶ ق)

۱۲۸. *مصباح الزائر*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۲۹. *الطرف من الانباء*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۰. *کشف المحجة*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۱. *اللهوف (الملهوف)*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۲. *فلاح السائل*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۳. *مهج الدعوات*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۴. *فرج المهموم*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۵. *امان من اخطار الاسفار والازمان*. سید علی بن طاووس (۵۸۹ ـ ۶۶۴ ق)

۱۳۶. *شرائع الاسلام*. محقق حلی (۶۰۲ ـ ۶۷۲ ق)

۱۳۷ . *المعتبر*. محقق حلی (۶۰۲ـ ۶۷۲ ق)

۱۳۸ . *شرح نهج البلاغة*. کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (؟ ـ ۶۷۹ ق)

۱۳۹ . *فرحة الغری بصرحة الغری*. عبدالکریم بن طاووس (۶۴۸ـ ۶۹۲ ق)

۱۴۰ . *کشف الغمه*. علی بن عیسی اربلی (؟ـ ۶۹۳ ق)

۱۴۱ . *بشارة المصطفی*. عماد الدین طبری (؟ـ زنده در ۶۹۸ ق)

قرن هشتم

۱۴۲ . *المدارک*. علامه حلّی (؟ ـ ۷۲۶ ق)

۱۴۳ . *منتهی المطلب*. علامه حلّی (؟ـ ۷۲۶ ق)

۱۴۴ . *مختلف الشیعه*. علامه حلّی (؟ ـ ۷۲۶ ق)

۱۴۵ . *تذکرة الفقهاء*. علامه حلّی (؟ـ ۷۲۶ ق)

۱۴۶ . *الدرة الباهرة*. شهید اول (۷۳۴ ـ ۷۸۶ ق)

۱۴۷ . *المزار*. شهید اول (۷۳۴ ـ ۷۸۶ ق)

۱۴۸ . *الذکری (ذکری الشیعه فی احکام الشریعه)*. شهید اول (۷۳۴ ـ ۷۸۶ ق)

۱۴۹ . *اربعون الشهید*. شهید اول (۷۳۴ ـ ۷۸۶ ق)

۱۵۰ . *المجموع الرائق*. سید هبة الله موسوی (؟ ـ؟)

قرن نهم

۱۵۱ . *التحصین*. ابن فهد حلّی (۷۵۷ـ ۸۴۱ ق)

۱۵۲ . *عدة الداعی ونجاح الساعی*. ابن فهد حلّی (۷۵۷ـ ۸۴۱ ق)

۱۵۳ . *اسرار الصلوة*. ابن فهد حلّی (۷۵۷ـ ۸۴۱ ق)

۱۵۴ . *ارشاد القلوب*. حسن بن ابی الحسن دیلمی (؟ـ ۸۴۱ ق)

۱۵۵ . *اعلام الدین*. حسن بن ابی الحسن دیلمی (؟ ـ ۸۴۱ ق)

۱۵۶ . *مختصر البصائر*. حسن بن سلیمان حلّی (۸۰۲ـ؟)

قرن دهم

۱۵۷. *غوالی اللئالی / عوالی اللئالی*. ابن ابی جمهور احسائی (حدود ۸۴۰ـ زنده در ۹۰۲ق)

۱۵۸. *جنة الامان الواقیة*. ابراهیم بن علی کفعمی (۸۶۴ـ ۹۰۵ق)

۱۵۹. *مختصر*. ابراهیم بن علی کفعمی (۸۶۴ـ ۹۰۵ق)

۱۶۰. *المصباح*. ابراهیم بن علی کفعمی (۸۶۴ـ ۹۰۵ق)

۱۶۱. *جامع المقاصد*. محقق کرکی (؟ ـ ۹۳۷ تا ۹۴۱ق)

۱۶۲. *شرح اللمعة*. شهید ثانی (۹۱۱ـ ۹۶۶ق)

۱۶۳. *اسرار الصلوة*. شهید ثانی (۹۱۱ـ ۹۶۶ق)

۱۶۴. *شرح النفلیة*. شهید ثانی (۹۱۱ـ ۹۶۶ق)

۱۶۵. *روض الجنان*. شهید ثانی (۹۱۱ـ ۹۶۶ق)

۱۶۶. *منیة المرید*. شهید ثانی (۹۱۱ـ ۹۶۶ق)

۱۶۷. *مسکّن الفؤاد*. شهید ثانی (۹۱۱ـ ۹۶۶ق)

۱۶۸. *حدیقة الشیعة*. احمد بن محمد مقدس اردبیلی (؟ ـ ۹۹۳ق)

قرن یازدهم

۱۶۹. *مجمع البحرین*. طریحی (۹۷۹ـ ۱۰۸۵ق)

۱۷۰. *الوافی*. محمد محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ـ ۱۰۹۱ق)

۱۷۱. *مجمع البحرین فی فضائل السبطین*. سید ولی الله رضوی (؟ـ؟)

قرن دوازدهم

۱۷۲. *امل الامل*. محمد بن حسن حرّ عاملی (۱۰۳۳ـ ۱۱۰۴ق)

۱۷۳. *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. محمد بن حسن حرّ عاملی (۱۰۳۳ـ۱۱۰۴ق)

۱۷۴. *مدینة معاجز*. سید هاشم بحرانی (؟ـ ۱۱۰۷ق)

۱۷۵. *تفسیر البرهان*. سید هاشم بحرانی (؟ـ ۱۱۰۷ق)

۱۷۶. *بحارالانوار*. مجلسی ثانی (۱۰۳۷ـ ۱۱۱۱ق)

۱۷۷. *حق الیقین*. مجلسی ثانی (۱۰۳۷ـ ۱۱۱۱ق)

۱۷۸. *مرآت العقول*. مجلسی ثانی (۱۰۳۷ـ ۱۱۱۱ق)

قرن چهاردهم

۱۷۹. **مستدرک *الوسائل***. محدث نوری (۱۲۵۴ـ ۱۳۲۰ق)

۱۸۰. **جامع *احادیث الشیعه***. حاج سیدحسین بروجردی (۱۲۹۲ـ ۱۳۸۰ق)

فهرست موضوعات

سخن ناشر ۵

مقدمه مترجم ۷

قرائت قرآن ۷

تفکر در قرآن ۸

قرآن منبع اصلی فقه ۸

فضائل و آثار قرائت سوره‌ها ۹

هنر تلاوت قرآن ۹

اذکار و ادعیه ۱۰

صلوات ۱۱

استغفار و اذکار ۱۱

منابع و اسانید روایات ۱۲

آشنایی با مؤلفان منابع جامع احادیث الشیعه جلد ۱۹ ..... ۱۶

۱ـ مفضل بن عمر جعفی (؟ ـ ۱۶۰ق) ۱۶

۲ـ برقی (؟ ـ ۲۷٤ یا ۲۸۰ق) ۱۷

۳ـ ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (؟ ـ ۲۸۳ق) ۱۸

٤ـ محمد بن حسن بن فروخ صفار (؟ ـ ۲۹۰ ق)........................ ۱۸
٥ ـ حسین بن سعید اهوازی (؟ ـ ؟)........................ ۱۹
٦ ـ محمد بن مسعود عیاشی (؟ ـ حدود ۳۲۰ ق)........................ ۲۰
۷ ـ علی بن ابراهیم قمی (؟ ـ ۳۲۹ق)........................ ۲۱
۸ ـ شیخ کلینی (؟ ـ ۳۲۹ ق)........................ ۲۱
۹ ـ کشّی (؟ ـ حدود ۳٤۰ ق)........................ ۲۳
۱۰ ـ علی بن حسین مسعودی (؟ ـ ۳٤٦ ق)........................ ۲٤
۱۱ ـ نعمان بن محمد تمیمی (۲۵۹ ـ ۳٦۳ ق)........................ ۲۵
۱۲ ـ محمد بن ابراهیم نعمانی (؟ ـ ۳۸۰ ق)........................ ۲۵
۱۳ ـ شیخ صدوق (۳۰٦ یا ۳۰۷ ـ ۳۸۱ ق)........................ ۲٦
۱٤ ـ جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ ـ ؟)........................ ۲۷
۱۵ ـ ابن شعبه (؟ ـ ؟)........................ ۲۸
۱٦ ـ محمد بن محمد اشعث (؟ ـ ؟)........................ ۲۸
۱۷ ـ عبدالله و حسین پسران بسطام (؟ ـ ؟)........................ ۲۹
۱۸ ـ عبدالله بن جعفر حمیری (؟ ـ ؟)........................ ۲۹
۱۹ ـ فرات بن ابراهیم کوفی (؟ ـ ؟)........................ ۳۰
۲۰ ـ جعفر بن احمد بن علی قمی (؟ ـ ؟)........................ ۳۱
۲۱ ـ سید رضی (۳۵۹ ـ ٤۰٦ ق)........................ ۳۱
۲۲ ـ شیخ مفید (۳۳٦ ـ ٤۱۳ق)........................ ۳۳
۲۳ ـ سید مرتضی (۳۵۵ ـ ٤۳٦ ق)........................ ۳٤
۲٤ ـ احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ ـ ٤۵۰ ق)........................ ۳۵
۲۵ ـ شیخ طوسی (۳۸۵ ـ ٤٦۰ ق)........................ ۳۵
۲٦ ـ ابوالفتح کراجکی (؟ ـ ٤۹۹ق)........................ ۳٦
۲۷ ـ محمد بن فتال نیشابوری (؟ ـ ۵۰۸ ق)........................ ۳۷

۲۸ـ فضل بن حسن طبرسی (حدود ۴۶۹ـ۵۴۸ق) ۳۷
۲۹ـ حسن بن فضل طبرسی (؟ ـ۵۴۸ق) ۳۸
۳۰ـ سید فضل الله راوندی (؟ ـ ۵۷۰ق) ۳۸
۳۱ـ ابن عساکر (۴۹۹ـ ۵۷۱ق) ۳۹
۳۲ـ ابن شاذان قمی (پس از ۵۰۹ ـ ۵۸۴ق) ۴۰
۳۳ـ ابن شهر آشوب (۴۸۹ـ۵۸۸ق) ۴۱
۳۴ـ محمد بن ادریس (۵۴۳ـ۵۹۸ق) ۴۱
۳۵ـ تاج‌الدین شعیری (؟ـ؟) ۴۲
۳۶ـ احمد بن علی طبرسی (؟ـ؟) ۴۳
۳۷ـ ابوالفضل علی طبرسی (اوایل قرن هفتم) ۴۳
۳۸ـ ورام بن ابی فراس (؟ ـ ۶۰۵ق) ۴۴
۳۹ـ سید علی بن طاووس (۵۸۹ـ ۶۶۴ق) ۴۴
۴۰ـ علی بن عیسی اِربِلی (؟ـ۶۹۳ق) ۴۵
۴۱ـ عمادالدین طبری (؟ـ زنده در ۶۹۸ق) ۴۵
۴۲ـ ابن فهد حلّی (۷۵۷ـ ۸۴۱ق) ۴۶
۴۳ـ حسن بن ابی الحسن دیلمی (؟ ـ ۸۴۱ق) ۴۷
۴۴ـ ابن ابی جمهور اَحسائی (حدود ۸۴۰ـ زنده در ۹۰۲ق) ۴۷
۴۵ـ شهید ثانی (۹۱۱ـ۹۶۶ق) ۴۹
۴۶ـ حرّ عاملی (۱۰۳۳ـ ۱۱۰۴ق) ۵۱
۴۷ـ محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ـ ۱۱۱۱ق) ۵۲
۴۸ـ میرزا حسین نوری طبرسی (۱۲۵۴ـ ۱۳۲۰ق) ۵۳
۴۹ـ حاج سید حسین بروجردی (۱۲۹۲ـ ۱۳۸۰ق) ۵۴
تشکر و اعتذار ۵۷
منابع و مآخذ تحقیق ۵۸

كتاب القرآن والدّعاء والذّكر

أبواب فضائل القرآن وتعلّمه وتعليمه وقرائته وما يتعلّق به ٦٤
(١) باب فضل القرآن وتعظيمه وتوقيره وتكريمه وتعلّمه وتعليمه وقرائته وافتتاحه وختمه واستماعه والعمل به وفضائل أهله وتحريم توهينه ٦٤
(٢) باب ماورد في تعلّم القرآن بالعربيّة وقرائته كما أُنزل وعدم الاحتياج في قرائته إلى سهك النحويّين والإنهماك في طلب النحو وجواز القراءة بما اختلف القرّاء وباللحن مع عدم الإمكان ١٣٠
(٣) باب فضل حفظ القرآن وتحمّل المشقّة لحفظه وتعلّمه ١٣٦
(٤) باب الدّعاء والصّلاة لحفظ القرآن وعدم نسيانه ١٤٠
(٥) باب ماورد فيمن نسي القرآن أو تركه ١٤٨
(٦) باب انّ مَنْ قرء القرآن وهو شابٌ مؤمن اختلط القرآن بلحمه ودمه ١٥٤
(٧) باب ماورد فيمن أُوتي القرآن والايمان ومَن لم يُؤتَهُما ١٥٤
(٨) باب ثواب من علّم ولده القرآن ١٥٦
(٩) باب كراهة تعليم النساء وتعلّمهنّ الكتابة وسورة يوسف واستحباب تعليمهنّ وتعلّمهن المغزل وسورة النّور ١٦٢
(١٠) باب أنّ القرآن عَهْدُ اللّه تعالى إلى خلقه فينبغي للمسلم أن ينظر في عهده ويقرء منه كلّ يوم خمسين آية أو أكثر ١٦٢
(١١) باب استحباب قراءة سورة أو آيات من القرآن في كلّ ليلة ١٦٤
(١٢) باب استحباب ختم القرآن بمكّة المكرّمة والاكثار من تلاوته في شهر رمضان ١٦٨
(١٣) باب ماورد في انّ القرآن في كم يختم وكيف يقرء وانّ حقّ تلاوته أن يقرء بالترتيل والحزن والرقّة والبكاء والوجل وخفض الصوت والوقوف عند آيات الوعد والوعيد وسؤال الجنّة والتعوّذ من النّار ١٦٨
(١٤) باب تحريم القراءة بألحان أهل الفسق والكبائر واستحباب القراءة بألحان العرب والصّوت الحَسَن والقراءة بين القرائتين ١٨٠
(١٥) باب ماورد من الحثّ على اتّباع القرآن والتمسّك به والتدبّر والتفكّر فيه والاعتبار والاتّعاظ بقصصه وامثاله ومواعظه ١٨٨
(١٦) باب جواز القرائة سرّاً وجهراً ٢٠٢
(١٧) باب انّ من قرء القرآن في المُصحف نظراً تخفّف العذاب عن والديه وانّه ليس شيء أشدّ على الشّيطان من القرائة في المصحف وانّ النظر في المصحف عبادة وشفاء ومن قرء القرآن عن حفظة يغفره اللّه تعالى ٢٠٤

کتاب قرآن دعا و ذکر

فضایل قرآن ۶۵

باب ۱: اهمیّت یاد گرفتن و خواندن و پیروی از قرآن ۶۵

باب ۲: و جواز اشتباه خواندن اگر درست خواندن برایش امکان ندارد ۱۳۱

باب ۳: فضیلت حفظ کردن قرآن و تحمّل سختی آن ۱۳۷

باب ٤: دعا و نماز برای سهولت در حفظ کردن قرآن و فراموش نکردن آن ۱٤۱

باب ۵: کسی که با ترک خواندن قرآن، آن را فراموش کند ۱٤۹

باب ٦: سفارش جوانان به خواندن قرآن ۱۵۵

باب ۷: فرق واجد ایمان و قرآن با فاقد آن ۱۵۵

باب ۸: پاداش آموزش قرآن به فرزند ۱۵۷

باب ۹: کراهت تعلیم سوره «یوسف» به زنان و استحباب تعلیم سوره «نور» ۱٦۳

باب ۱۰: خواندن پنجاه یا صد آیه در هر روز ۱٦۳

باب ۱۱: استحباب خواندن سوره‌ای یا چند آیه از قرآن در هر شب ۱٦۵

باب ۱۲: زیاد خواندن قرآن در مکّه و در ماه مبارک رمضان ۱٦۹

باب ۱۳: خواندن قرآن با ترتیل و توجّه ۱٦۹

باب ۱٤: ممنوعیت خواندن قرآن با آهنگ‌های مبتذل ۱۸۱

باب ۱۵: اندیشیدن در قرآن و پیروی عملی از آن ۱۸۹

باب ۱٦: خواندن قرآن، آهسته و با صدا ۲۰۳

باب ۱۷: تخفیف عذاب پدر و مادر بر اثر قرآن خواندن فرزند ۲۰۵

(۱۸) باب لستحباب قرائة القرآن مع الطّهارة وجواز قرائته للجنب والحائض والنفساء ماعدا العزايم واستحباب تنظيف الفم بالسواك عند قرائة القرآن ۲۰۶
(۱۹) باب استحباب الاستعاذة عند قرائة القرآن وكيفيّتها ۲۰۸
(۲۰) باب ماورد من الأدعية حين الشروع في قرائة القرآن وبعد الفراغ منها وعند ختمه ۲۱٤
(۲۱) باب استحباب قرائة القرآن في البيت وأمر الأولاد بقرائته وكراهة تعطيله عن الصلاة والقرائة والذّكر ۲۳۰
(۲۲) باب ماورد في فضائل سُور القرآن وآياته وفوائدها وخواصّها وتعليمها وتعلّمها وجزاء من قرئها وكراهة ترك قرائة التّوحيد ۲۳٤
(۲۳) باب ماورد في ثواب قرائة التّوحيد والمعوّذتين والجحد والقدر والتّكاثر وآية الكرسي عند النّوم وغيره ۳٦۲
(۲٤) باب جزاء من قرء بسم اللّه الرّحمن الرّحيم واستحباب افتتاح الأمور به ۳۷۲
(۲٥) باب ماورد في انّ لحامل القرآن حقٌّ فى بيت المال ۳۷٦
(۲٦) باب انّ حامل القرآن أحقّ الناس بالعمل به وبالتّخشّع والتّواضع والعبادة والتخلّق بالاخلاق الحسنة وماورد فيمن قرئه لغير اللّه وضيّع حدوده ۳۷۸
(۲۷) باب ماورد في انّ الأمراء والقرّاء إذا صلحا صلحت الأمّة وإذا فسدا فسدت الأمّة ۳۹۰
(۲۸) باب لستحباب تعليق المصحف فى البيت وكراهة ترك القرائة فيه وحكم تزيينه بالذهب وكتابته به وحكم بيعه وشرائه واخذ الأجرة علىٰ كتابته وتعليمه ۳۹۰
(۲۹) باب ماورد في انّ من ختم القرآن وجعله للمعصومين عليهم السلام كان معهم يوم القيامة ۳۹۲
(۳۰) باب حكم الإنصات والإستماع إذا قرء القرآن ۳۹٤
(۳۱) باب استحباب البكاء أو التّباكي عند لستماع القرآن ۳۹۸
(۳۲) باب ماورد في أنّ الرّاكع والسّاجد ومن فى الكنيف أو الحمّام لا يقرؤون القرآن ٤۰٤
(۳۳) باب انّ في القرآن ما يؤمن به من الحرق والغرق والسّرق وغيرها من البلايا ومايدفع به الآلام والأسقام وجواز كتابته ثمّ غسله وشربه للشّفاء ٤۰٤
(۳٤) باب انه لا بأس بالرُّقية والعوذة والنّشرة اذاكانت من القرآن أو مرويّة عن المعصومين عليهم السلام ونهى عن التمائم والتول وما لا يعرف وجواز تعليق التعويذ من القرآن والذكر والدعاء وقرائتها وضع اليد على الموضع الذي تشتكي ٤۲٦
(۳٥) باب وجوب السجود عند قرائة العزائم الأربع على القارئ والمستمع وحكمه للسّامع وبيان ساير احكامه واستحباب السجود عند قرائة غيرها ممّا فيه السجدة علىٰ الجميع ٤٤۲
(۳٦) باب كراهة السفر بالقرآن إلى أرض العدوّ وعدم جواز بيع المصحف من الكافر ٤٤۲
(۳۷) باب كيفيّة كتابة بسم اللّه الرّحمن الرّحيم وتجويدها واعراب القرآن والتماس غرائبه ٤٤۲

باب ۱۸: وضو و مسواک پیش از خواندن قرآن ۲۰۷
باب ۱۹: چگونگی پناه بردن به خداوند پیش از خواندن قرآن ۲۰۹
باب ۲۰: دعای قرائت قرآن ۲۱۵
باب ۲۱: استحباب قرائت قرآن در خانه ۲۳۱
باب ۲۲: فضیلت سوره‌ها و آیات ۲۳۵
باب ۲۳: و تکاثر و آیة الکرسی پیش از خواب ۳۶۳
باب ۲۴: شروع هر کار به «بسم الله الرّحمن الرّحیم» ۳۷۳
باب ۲۵: تعیین حقوق حافظ قرآن از بیت المال ۳۷۷
باب ۲۶: صفات قاری قرآن ۳۷۹
باب ۲۷: وابستگی صلاح و فساد امّت به صلاح و فساد امیران و قاریان ۳۹۱
باب ۲۸: نگهداری و خواندن قرآن در خانه ۳۹۱
باب ۲۹: ختم قرآن و هدیهٔ آن به امامان معصوم علیهم السلام ۳۹۳
باب ۳۰: گوش دادن و دل دادن به قرآن ۳۹۵
باب ۳۱: استحباب گریه کردن یا تظاهر به آن در وقت گوش دادن به قرآن ۳۹۹
باب ۳۲: کراهت خواندن قرآن در حال رکوع و سجود و در توالت و حمّام ۴۰۵
باب ۳۳: دفع حوادث غیر مترقّبه و شفا یافتن به واسطه قرآن ۴۰۵
باب ۳۴: ادعیه و تعویذات مجاز و ممنوع ۴۲۷
باب ۳۵: سجده در هنگام خواندن آیهٔ سجده ۴۴۳
باب ۳۶: پرهیز از دسترسی کافر به قرآن ۴۴۳
باب ۳۷: کیفیّت نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم ۴۴۳

(۳۸) باب ماورد من النّهي عن كتابة القرآن بالبزاق ومحو كتابة اللّه به ٤٤٤
(۳۹) باب حكم تزيين القرآن وكتابته بالذهب ٤٤٤
(٤٠) باب ماورد في وضع عليّ عليه السلام المصحف على رأسه عند الشكوىٰ والدّعاء على العدوّ ٤٤٦
(٤١) باب ماورد في النظر إلى المصحف لانتخاب الاسم للمولود ٤٤٦
أبواب الدّعاء ٤٥٠
(١) باب حرمة الاستكبار عن الدّعاء وكراهة تركه اتكالاً على القضاء ولستحباب إكثاره فانّ اللّه تعالى يُجيب دعوة الداع ويؤتي من فضله من يشاء وانع أفضل العبادة الدّعاء ٤٥٠
(٢) باب استحباب بثّ الحوائج كلّها إلى اللّه تبارك وتعالىٰ وتسميتها خصوصاً عند العشاء وقبل طلوع الشمس وغروبها وكراهة لستكثارها او استصغارها ٤٧٤
(٣) باب انّ الدعاء سلاح المؤمن وانّه أنفذ من سلاح الحديد ويدفع شرّ الأعداء وتردّ البلاء قبل نزوله وعند نزوله وبعده ٤٨٢
(٤) باب ماورد في انّ الدعاء شفاء من كل الداء ٥٠٠
(٥) باب ماورد في رفع اليدين بالدعاء وكيفيّة اوضاعهما عنده ومسح الوجه والرأس والصدر بعده ٥٠٢
(٦) باب ماورد في الاقبال بالقلب حالة الدعاء وحسن النيّة والمعرفة وحسن الظن بالإجابة ٥١٦
(٧) باب استحباب الدّعاء مع البكاء ساجداً أو التّباكي ولو بذكر الأموات ومع الحزن وعند رقّة القلب واقشعرار الجلد ودمعة العين وحصول الإخلاص وقلب تقيّ وصدر نقيّ ٥٢٢
(٨) باب ماورد في تقديم تمجيد اللّه تعالى والثناء عليه والإقرار بالذنب والإستغفار علىٰ الدّعاء وحكم الدّعاء بما لا يحلّ وما لا يكون وما فوق القدر ٥٢٨
(٩) باب ماورد في تقديم الصّدقة وشمّ الطّيب على الدعاء والرّواح إلى المسجد ٥٤٤
(١٠) باب ماورد في انّ الدعاء محجوب حتّىٰ يصلّى الدّاعي علىٰ محمّد وآله وأنّ من جعل بعض صلواته ودعائه او كلّها لرسول اللّه صلى الله عليه وآله كفىٰ همّ الدّنيا والآخرة ٥٤٦
(١١) باب انّ من توسّل إلى اللّه تبارك وتعالىٰ بمحمّدٍ وآله الطاهرين صلوات اللّه عليهم اجمعين لستجاب له . ٥٦٠
(١٢) باب ماورد في أنّ مَنْ قال في الدّعاء قبل تسمية الحاجة يا اللّه أو ياربّ أو يا اللّه ياربّ أو أي ربّ أو ربّنا أو ياسيّداه أو يارحمن يارحيم أو يا أرحم الرّاحمين لستجيب له ٥٨٨
(١٣) باب ماورد في انّه من كبّر اللّه تعالىٰ وحمّده وسبّحه وهلّله وصلّىٰ علىٰ النبيّ وآله مأة مأة وساله تزويج الحور العين زوّجه ٥٩٦
(١٤) باب استحباب الإلحاح في الدعاء وما ورد في دعاء الإلحاح ٥٩٨
(١٥) باب تحريم القنوط والاقناط من رحمة اللّه ومن اجابة الدعاء وأن تأخّرت الإجابة فانّ اللّه تعالى إذا أحبّ عبدا احتبس دعائه فيؤخّر تعجيل اجابته وإذا ابغضه عجّل له دعوته ٦٠٤

باب ۳۸: نهی از نوشتن و یا پاک کردن قرآن با آب دهان ۴۴۵
باب ۳۹: نوشتن قرآن با طلا ۴۴۵
باب ۴۰: قرآن بر سر گرفتن علی‌ﷺ در هنگام نفرین کردن ۴۴۷
باب ۴۱: انتخاب اسم فرزند با گشودن قرآن ۴۴۷
باب‌های دعا ۴۵۱
باب ۱: دعا حلّال مشکلات و افضل عبادات ۴۵۱
باب ۲: استحباب مطرح کردن حوائج با نام و نشان به درگاه الهی ۴۷۵
باب ۳: دعا، سلاح مؤمن ۴۸۳
باب ۴: دعا، شفای هر درد ۵۰۱
باب ۵: آداب دعا کردن ۵۰۳
باب ۶: اقبال قلبی در دعا و اعتقاد به استجابت آن ۵۱۷
باب ۷: داشتن حال دعا یعنی اندوه و نازک‌دلی و گریه در هنگام دعا ۵۲۳
باب ۸: اقرار به گناه و استغفار زمینه‌ساز استجابت دعا ۵۲۹
باب ۹: صدقه دادن و بوی خوش بوئیدن و رفتن به مسجد پیش از دعا ۵۴۵
باب ۱۰: صلوات، رمز استجابت دعا ۵۴۷
باب ۱۱: توسّل به محمّد و آل محمّدﷺ سبب مستجاب شدن دعا ۵۶۱
باب ۱۲: خواندن خدا به نام‌هایی که موجب استجابت دعا می‌شود ۵۸۹
باب ۱۳: صلوات، مهریّهٔ حورالعین ۵۹۷
باب ۱۴: پافشاری در دعا ۵۹۹
باب ۱۵: ناامیدی از رحمت خدا، گناهی بزرگ ۶۰۵

(۱۶) باب ماورد في أنّ دعوة العبد سرّاً تعدل سبعين دعوة علانية ۶۱۸
(۱۷) باب انّ من قال بعدما دعا ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة إلّا باللّه واستسلم لأمر اللّه قضيت حاجته وأُتِيَ بالنصر ۶۱۸
(۱۸) باب ماورد في مراعاة الاعراب في الدعاء والقرائة المستحبّين وتجنّب اللّحن فيهما ۶۲۴
(۱۹) باب ماورد في إجابة الدعاء عند هبوب الرّياح وزوال الشّمس ونزول المطر والتقاء الجُيوش وقتل الشهيد وصياح الدّيك واقتران المشتري ورأس الذّنب وذكر الصّالحين وقرائة القرآن وظهور الآيات والأذان وإقامة الصّلاة وعقيبها وعند الإفطار والإضطرار وفي خمسة عشر موضعاً في مكّة وغيرها ممّا ذكر في الباب ۶۲۴
(۲۰) باب ماورد في إجابة الدعاء في اللّيل خصوصاً ليلة الجمعة ويومها ۶۳۸
(۲۱) باب أنّ الدعاء يستجاب في السحر وفي الوتر وما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ويوم الاربعاء بين الظهر والعصر ۶۴۶
(۲۲) باب استحباب الدّعاء في السّدس الاوّل من نصف اللّيل الثّاني إلى ثلث الباقي ۶۵۰
(۲۳) باب استحباب الدّعاء والذكر والإستعاذة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها وفي اليوم واللّيل ۶۵۴
(۲۴) باب انّ من سرّه ان تستجاب دعوته فليطب مكسبه وليصل رحمه ويقدّم صدقته وليطع ربّه وليجتنب عصيانه وليصلح عمله ۶۶۰
(۲۵) باب ماورد في انّ المؤمنين إذا اجتمعوا فدعوا اللّه تعالى في أمرٍ استجاب لهم وكذا إذا أمّن بعضهم على دعاء بعض ۶۶۸
(۲۶) باب ماورد في انّ من دعا فليعمّ فإنّه أوجب للدّعاء وانّ من صلّى بقوم فاختصّ نفسه بالدّعاء فقد خانهم ۶۷۴
(۲۷) باب ماورد في أنّ دَعوَةَ المظلوم والإمام العادل والمؤمن لأخيه المؤمن والولد للوالد والوالد للولد والحاجّ والغازي والمريض والمسافر مستجابة ۶۷۴
(۲۸) باب كراهة تحقير دعوة الناس وان كان يهوديّاً أو نصرانيّاً ۶۹۴
(۲۹) باب ماورد في ثواب من دَعا لِلمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات ۶۹۴
(۳۰) باب أنّ من قدّم في دعائه لنفسه أربعين مؤمناً لستجيب له ولهم ۷۰۰
(۳۱) باب جواز الدّعاء للكافر عند الإحتياج فإنّه لاينفعه ۷۰۲
(۳۲) باب استحباب إكثار الدّعاء للرّزق وكيفيّته ۷۰۲
(۳۳) باب ماورد فيمن لا يُستجاب دعائه ۷۰۸
(۳۴) باب كراهة الإكثار من الدّعاء على الظّالم وسبّ الملوك وتحريم الدّعاء بغير الحقّ ۷۱۶
(۳۵) باب ماورد في الدّعاء على العدوّ خصوصاً إذا أدبر وفي السجدة الأخيرة من الركعتين الأوّلتين من صلاة الليل ... ۷۲۰

باب ۱۶: دعا در خلوت ۶۱۹
باب ۱۷: گفتن «لا حول و لا قوّة الّا باللّه» بعد از دعا ۶۱۹
باب ۱۸: درست خواندن دعا ۶۲۵
باب ۱۹: مظانّ استجابت دعا ۶۲۵
باب ۲۰: شب، زمان دعا ۶۳۹
باب ۲۱: دعا در سحرگاهان ۶۴۷
باب ۲۲: دعای نیمه شب ۶۵۱
باب ۲۳: دعا و ذکر خدا پیش از طلوع و غروب خورشید ۶۵۵
باب ۲۴: شرایط استجابت دعا ۶۶۱
باب ۲۵: دعای دسته جمعی ۶۶۹
باب ۲۶: تعمیم در دعا ۶۷۵
باب ۲۷: کسانی که دعای‌شان مستجاب می‌شود ۶۷۵
باب ۲۸: کوچک نشمردن دعای مردم ۶۹۵
باب ۲۹: دعا برای عموم مؤمنین و مؤمنات ۶۹۵
باب ۳۰: دعا کردن برای چهل مؤمن ۷۰۱
باب ۳۱: دعا کردن به کافر از روی ضرورت ۷۰۳
باب ۳۲: استحباب زیاد دعا کردن برای روزی ۷۰۳
باب ۳۳: کسانی که دعایشان مستجاب نمی‌شود ۷۰۹
باب ۳۴: حرمت نفرین به ناحق ۷۱۷
باب ۳۵: چگونگی نفرین کردن به دشمن ۷۲۱

(۳۶) باب ماورد في مباهلة العدوّ والخصم وكيفيّتها ووقتها ۷۳۲
(۳۷) باب ماورد في أنْ لا يقال في الدّعاء وغيره الحمد للّه منتهىٰ علمه بل يقال منتهى رضاه ۷۳۸
(۳۸) باب ماورد في أن لا يُقال اللّهمّ انّي أعوذُ بك من الفتنة بل يُقال من مُضّلات الفِتن ۷۳۸
(۳۹) باب ماورد في الدّعاء بقوله اللّهمّ اجعلني ممّن تَنْتَصِرُ به لدينك ۷۴۰
(۴۰) باب ماورد في أن لا يقال اللّهمّ أغنني عن خلقك بل يقال عن لِئام خلقك ۷۴۰
(۴۱) باب أنّ أفضل الدعاء ماجرىٰ على اللّسان واستحباب اختيار الدعاء المأثور إنْ تيسّر ۷۴۲
(۴۲) باب أنّ للّه تعالى تسعة وتسعون لسماً من دعاه بها استجاب له ومن أحصاها دخل الجنّة ۷۴۶
(۴۳) باب ما ورد في انّ النطفة تتحوّل في الرّحم أربعين يوماً أربعين يوماً فإذا تمّت أربعة أشهر بعث اللّه تعالى مَلَكَيْنِ خلاّقين يصوّرانه ويكتبان رزقه وأجله وجميع أحواله وشقيّا أو سعيداً فمن أراد أن يدعو للحبلىٰ أن يجعل اللّه ما في بطنها ذكراً سويّاً فالأولىٰ أن يدعو قبل أربعة أشهر وإن جاز بعدها أيضاً لأنّ اللّه يفعل ما يشاء ۷۵۴
(۴۴) باب انّ من أراد أن يُستَجابَ دعائه فلييئأس من النّاس فلا يكون له رجاء إلّا عنداللّه عزّ وجلّ ۷۵۸
(۴۵) باب ماورد في انّ اللّه تعالى لا يجيب دعوة مظلوم ولأحد عنده مظلمة ۷۶۰
(۴۶) باب ماورد في انّ اللّه تعالى إذا أمر الملائكة بالدعاء لأحد استجاب له ۷۶۲
(۴۷) باب ماورد من الحثّ على الدّعاء بما يعرف والمنع عن الدعاء باللعن والخزي ۷۶۲
(۴۸) باب انّ العصمة من الذنب والهداية والإغناء بيد اللّه تبارك وتعالى ومن أرادها فليسأله ۷۶۴
أبواب الذّكر والصّلوات والإستغفار ۷۶۸
(۱) باب ماورد من الأمر بذكر اللّه تعالى في كلّ حال وأوان وفي كلّ زمان ومكان وعند كلّ حجر ومدر وما ورد في تركه من الضرر ۷۶۸
(۲) باب ما ورد من الذّكر والدعاء عند القيام من المجلس وعند ختمه ۷۹۸
(۳) باب انّ من شغل بذكر اللّه تعالىٰ عن مسألته أو بدء بالثّناء عليه والصّلاة علىٰ رسوله حتّىٰ ينسىٰ حاجته أعطاه اللّه أفضل ما يعطى من سأله وأنّ من أطاع اللّه فقد ذَكَرَهُ ومن عصاه فقد نَسيه ۷۹۸
(۴) باب ماورد في انّ الصاعقة لا تصيب ذاكراً للّه عزّ وجلّ ۸۰۰
(۵) باب اكثار ذكر اللّه تعالى في الخلأ والملأ وفي النفس والسرّ وماورد في أنّه مقسوم على سبعة أعضاء وحرمة ذكره عبثاً ۸۰۲
(۶) باب انّ ذاكر اللّه في الغافلين كالمقاتل في المحاربين وانّ أحبّ السّبحة إليه سبحة الحديث وابغض الكلام إليه التحريف ۸۱۲

باب ۳۶: چگونگی مباهله با دشمن ۷۳۳
باب ۳۷: نادرستی تعبیر به «نهایت علم خدا» ۷۳۹
باب ۳۸: نادرستی تعبیر به «از فتنه به خدا پناه می‌برم» ۷۳۹
باب ۳۹: دعای: «خدایا مرا یاری کنندهٔ دینت قرار ده» ۷٤۱
باب ٤۰: بی‌نیازی از فرومایگان ۷٤۱
باب ٤۱: حال، خاستگاه دعا ۷٤۳
باب ٤۲: نود و نه نام خداوند و آثار آن ۷٤۷
باب ٤۳: دعا برای پسر شدن فرزند در رحم مادر ۷۵۵
باب ٤٤: قطع امید از همه زمینه‌ساز استجابت دعا ۷۵۹
باب ٤۵: مستجاب نشدن دعای ستمدیده‌ای که خود ستم کرده ۷٦۱
باب ٤٦: دعای فرشتگان ۷٦۳
باب ٤۷: پرهیز از نفرین ۷٦۳
باب ٤۸: همهٔ خوبی‌ها در دست خدا ۷٦۵
اذکار و صلوات و استغفار ۷٦۹
باب ۱: محدودیّت نداشتن یاد خدا ۷٦۹
باب ۲: دعای ختم مجلس ۷۹۹
باب ۳: اطاعت خدا یعنی: یاد خدا و معصیت، یعنی: فراموشی ۷۹۹
باب ٤: ذکر خدا مانع صاعقه زدگی ۸۰۱
باب ۵: ذکر خدا در خلوت و جلوت یعنی همیشه ۸۰۳
باب ٦: ذکر خدا در میان غافلان ۸۱۳

(۷) باب انّ من ذكر اللّه في السّوق كتب اللّه له ألف حسنة ويغفر ذنوبه ومن ذكره في البيت تكثر بركته ومن ذكره في المسجد فهو خير أهله ۸۱٤
(۸) باب ماورد في ذكر اللّه عند غفلة القلب وسهوه عن أمر الآخرة واقباله على الدّنيا ۸۱٦
(۹) باب ماورد في ذكر اللّه تعالىٰ عند وسوسة القلب وما يخطر على البال ۸۱۸
(۱۰) باب ماورد في فضل البسملة وذكرها عند الحوائج والشّدائد وعندكلّ فعل مخلِصاً مقبلاً بالقلب وكراهة تركه ۸۲۲
(۱۱) باب أنّ حمد اللّه تعالىٰ أحبّ الأعمال وانّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله كان يقول إذا أصبح الحمد للّه ربّ العالمين كثيراً علىٰ كل حال وإذا أمسى مثل ذالك ۸۳۰
(۱۲) باب أنّ من قال إذا أصبح أربع مرّات الحمد للّه ربّ العالمين فقد أدّى شكر يومه ومن قالها إذا أمسى أدّى شكر ليلته ۸۳٦
(۱۳) باب انّ من قال الحمد للّه كما هو أهله شغل كتّاب السماء وماورد في بعض محامد أبي عبداللّه وموسى بن جعفر عليهما السلام ۸۳۸
(۱٤) باب ماورد من الحمد عند النظر في المرآة وكيفيّته ۸٤۰
(۱۵) باب ماورد من أكثار الحمد عند تظاهر النعم وبيان كيفيّته وأوجزه وأكثار الحوقلة عند الحاح الفقر ۸٤۲
(۱٦) باب ماورد في فضل التّسبيح وإكثاره وكيفيّته ۸۵۸
(۱۷) باب استحباب التّكبير والتّسبيح والتّحميد والتّهليل مأة مرّة في كلّ يوم ۸٦۸
(۱۸) باب استحباب إكثار التّسبيحات الأربعة خصوصاً في الصباح والمساء ۸۷۲
(۱۹) باب ماورد في أنّه ليس شيء أعظم وأفضل وأرجح وأثقل من شهادة ان لا إله إلّا اللّه وانّ أفضل الكلام وسيّد القول وثمن الجنّة وحصن اللّه تعالى قول لا إله الّا اللّه لمن قالها مخلصاً مواليأ لأهل بيت النّبيّ صلى الله عليه وآله ۸۸٤
(۲۰) باب تأكّد استحباب التّهليل عشراً في الصّباح والمساء واستحباب قضائه إنْ فات ۹۰٦
(۲۱) باب انّ من رفع صوته بقول لا إله إلّا اللّه تناثرت ذنوبه ۹۰۸
(۲۲) باب ثواب من قال أشهد ان لا إله إلّا اللّه وانّ محمّداً صلى الله عليه وآله رسول اللّه ۹۱۰
(۲۳) باب ماورد في ثواب قول لا حول ولا قوّة إلّا باللّه وفضله وانّه يدفع الوسوسة وتسعة وتسعين داء أيسرها الهمّ والخنق ۹۱۲
(۲٤) باب انّهٔ ليس شيء أحبّ إلى اللّه من التكبير والتّهليل وانّه ثمن الجنّة ويكفّر الذنوب ۹۲٦
(۲۵) باب انّ من قال اللّه اكبر من كلّ شيء فقد حدّه ومن قال اللّه اكبر من ان يوصف فقد مدحه ۹۲۸
(۲٦) باب ماورد في انّ المجتمعين في المجلس إذا لم يذكروا اللّه تعالىٰ والنّبيّ والأئمّة صلوات اللّه عليهم كان ذلك المجلس عليهم حسرات وانّ ذكر النبيّ والأئمّة ذكر اللّه وذكر عدوّهم ذكر الشيطان ۹۳۰

باب ۷: ذکر خدا در بازار، خانه و مسجد ۸۱۵
باب ۸: ذکر خدا در وقت روی آوردن دل به دنیا ۸۱۷
باب ۹: ذکر خدا در وقت خطورات باطل ۸۱۹
باب ۱۰: فضیلت گفتن «بسم الله الرّحمن الرّحیم» در هر کار ۸۲۳
باب ۱۱: حمد و سپاس پروردگار ۸۳۱
باب ۱۲: گفتن «الحمدُ لله رَبِّ العالَمین» در صبح و شام ۸۳۷
باب ۱۳: سپاس خدا آن‌سان که شایستهٔ اوست ۸۳۹
باب ۱۴: سپاس در وقت نگاه کردن به آینه ۸۴۱
باب ۱۵: سپاس فراوان برای نعمت‌های فراوان ۸۴۳
باب ۱۶: فضیلت تسبیح خدا گفتن ۸۵۹
باب ۱۷: ثواب گفتن «سبحان الله وَالْحَمْدُ لله وَلا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَر» روزی صد بار ۸۶۹
باب ۱۸: تسبیحات اربعه در بامداد و شامگاه ۸۷۳
باب ۱۹: لا إله إلّا الله، بهای بهشت ۸۸۵
باب ۲۰: گفتن ده بار «لا إله إلّا الله» در صبح و شام ۹۰۷
باب ۲۱: تهلیل با صدای بلند ۹۰۹
باب ۲۲: ثواب گفتن شهادتَین ۹۱۱
باب ۲۳: داروی نود و نه بیماری ۹۱۳
باب ۲۴: تکبیر و تهلیل کفّارهٔ گناهان و بهای بهشت ۹۲۷
باب ۲۵: معنای «الله اکبر» ۹۲۹
باب ۲۶: ذکر پیامبر و ائمهٔ اطهار علیهم السلام ذکر خداست ۹۳۱

(۲۷) باب نبذة ممّا يستحبّ أن يقال في كلّ يوم ۹۳۲
(۲۸) باب نبذة ممّا يقال في الصباح والمساء وعند المنام ۹۴۸
(۲۹) باب استحباب الجلوس مع الّذين يذكرون اللّه ومع الذين يتذاكرون العلم فانّ الملائكة تحضرهم والشيطان والدنيا يعتزلان عنهم ۹۷۸
(۳۰) باب ماورد في انّ من فزع من أربع يفزع إلى أربع ۹۸۴
(۳۱) باب ماورد في تمجيد اللّه تعالى في خمس كلمات ۹۸۶
(۳۲) باب فضل الصّلوات على محمّد وآله وكثرة ثوابها وفوائدها وكيفيّتها وحكمها إذا ذكر النّبيّ صلی الله علیه و آله ۹۸۶
(۳۳) باب استحباب تقديم الصلوة على محمّد وآل محمّد كلّما ذكر أحد من الأنبياء وأراد ان يصلّى عليه ... ۱۰۳۸
(۳۴) باب ما ورد في انّ من نسي شيئاً فصلّى على النبيّ وآله اضاء القلب فذكره ۱۰۳۸
(۳۵) باب ماورد في انّ من كان آخر كلامه الصلوة على النبيّ وعليّ عليهما الصلوة والسلام دخل الجنّة ۱۰۴۰
(۳۶) باب استحباب الصلوة على محمّد وآله كلّما ذكر اللّه ۱۰۴۰
(۳۷) باب ماورد في أنّ من طنّت اذنه فليصلّ على النّبيّ صلی الله علیه و آله فانّ من ذكره بخير ذكره اللّه بخير ۱۰۴۲
(۳۸) باب جواز الصلوة على المؤمنين فانّ اللّه يصلّى عليهم وملائكته ۱۰۴۲
(۳۹) باب استحباب أكثار الإستغفار في كلّ مكان وزمان خصوصاً في السحر وفي شهر رجب وشعبان ورمضان ۱۰۴۲
(۴۰) باب تعلّم سيّد الاستغفار ۱۰۶۲
(۴۱) باب ماورد في أن خير الدّعاء والعبادة الإستغفار ۱۰۶۲
(۴۲) باب أنّه هل يصلح الاستغفار للأبوين الكافرين أم لا ۱۰۶۲

باب ۲۷: أذکار روزانه ۹۳۳
باب ۲۸: اذکار بامدادان و شامگاهان ۹٤۹
باب ۲۹: هم‌نشینی با اهل ذکر و اهل علم ۹۷۹
باب ۳۰: پناه آوردن از چهار چیز به چهار چیز ۹۸۵
باب ۳۱: مجد و ثنای الهی در پنج کلمه ۹۸۷
باب ۳۲: فضیلت صلوات ۹۸۷
باب ۳۳: صلوات بر محمّد و آلش، پیش از صلوات بر پیامبران دیگر ۱۰۳۹
باب ۳٤: صلوات موجب به یاد آمدن ۱۰۳۹
باب ۳۵: ختم سخن به صلوات موجب رفتن به بهشت ۱۰٤۱
باب ۳٦: صلوات قرین ذکر خدا ۱۰٤۱
باب ۳۷: صلوات یاد خیر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۰٤۳
باب ۳۸: صلوات فرستادن بر مؤمنان ۱۰٤۳
باب ۳۹: استغفار در هر حال خصوصاً در سحرگاهان ۱۰٤۳
باب ٤۰: سیّد استغفار ۱۰٦۳
باب ٤۱: استغفار بهترین دعا و عبادت ۱۰٦۳
باب ٤۲: حکم استغفار برای پدر و مادر کافر ۱۰٦۳

مآخذ و منابع جامع احادیث الشیعه ۱۰٦۸
فهرست موضوعات ۱۰۷۷

Sources of Shi'ite Jurisprudence

Volume 19

Translated

by

AHMAD ESMAEILTABAR and SEYYED AHMAD REZA HOSSEINI
and MOHAMMAD HOSSEIN MEHVARI

TEHRAN

Publisher: Farhang-e- Sabz

2016